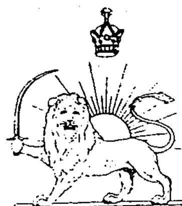


# فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

تألیف



ابن یوسف شیرازی

جلد سوم از نشریات کتابخانه

تهران ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱
چاپخانهٔ مجلس

بسمه تعالی

کتابخانه اعم از کوچك و بزرگ وقتی میتواند بمعنای حقیقی خود بجامعه معرفی شود که موجودی خود را از کتب خطی و چاپی با مشخصات کامل معین نموده و در دسترس مراجعه کننده قرار دهد.

تألیف فهرست کتب خطی و تنظیم دفاتر و برگه ها (فیش) برای کتب چاپی که هر کتابی را از حیث نام کتاب و مؤلف و موضوع معین نماید از لوازم اولیهٔ هر کتابخانه میباشد.

باعث خوشوقتی است که هم اکنون برگه های کتب چاپی بزبانهای مختلف باطرز روشنی فراهم گردیده و جلد دوم از فهرست کتب خطی که جلد سوم از نشریات کتابخانهٔ مجلس شورای ملی میباشد نیز تهیه و بصاحبان فضل و هنر تقدیم میگردد.

ابراهیم شریفی

## بیانی اجمالی از کتابخانهٔ مجلس شورای ملی

بیست و پنج شش سال پیش هنگامی که در نتیجهٔ حوادث مربوط بجنگ بین‌الملل مجلس شورای ملی در حال تعطیل بود دو سه نفر کسانیکه هم باساس مشروطیت و هم بفرهنگ و معرفت دلبستگی داشتند بامید اینکه آن روزگار پرملال سرانجام سپری شود وبار دیگر اوضاع جهان روی بهبود ببیند باتفاق شادروان ارباب کیخسرو شاهرخ که از آغاز عضویتش در مجلس شورای ملی تاهنگام وفات یعنی زیاده ازمدّت سی سال همواره زحمت نگاهداری کاخ بهارستان و انتظام امور آنجا را متحمل بود بنا براین گذاشتند که کتابخانهٔ برای مجلس شورای ملی بنیاد کنند و آغاز کار از اینجا شد که به راهنمائی جناب آقای تقوی رئیس اول دیوان کشور در حدود دویست جلد از کتابهای مرحوم حکیم بزرگوار میرزا ابوالحسن جلوه که نزد وصی آن مرحوم موجود بود خریداری کردیم سپس تقریباً یکهزار جلد از کتابهای مرحوم علامیر (احتشام‌السلطنه) نیز بتوسط جناب آقای مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه) بر آن مزید گردید ودرسال ۱۳۰۲ شمسی هنگامی که مجلس شورای ملی از تعطیل بدر آمده و دایر شده بود کتابخانه رسماً تأسیس شد و اعتباراتی برای خرید کتاب وادارهٔ کتابخانه مقرر گردید و تا سال



مرحوم ... کتابخانه ... آقای ... [illegible]

۱۳۱۶ شمارهٔ کتابها بهیجده هزار جلد رسید و در این مدت به دستیاری مرحوم یوسف آشتیانی (اعتصام‌الملك) که رئیس کتابخانه بود فهرستی تقریباً از هشتصد جلد کتابهای خطی آن کتابخانه ترتیب داده شد ولیکن مشخصات کتب با اصول فنی و روشن تعیین نشده بود در تاریخ مزبور آقای ابراهیم شریفی بریاست کتابخانهٔ مجلس منصوب و جداً مشغول تنظیم برگه هائی (فیش) شدند که نام و موضوع کتاب و نام مصنف را بزبانهای مختلف تعیین نماید.

فعلاً در نتیجهٔ جدّ و کوشش آقای شریفی شمارهٔ کتابهای کتابخانه زیاده ازبیست‌وچهار هزارجلد شده که سه هزارودویست جلد ازآنها نسخه های خطی عربی و فارسی است وشش هزارجلد کتب چاپی عربی و فارسی وهفتهزار وسیصد جلد کتابهای فرانسه و پنجهزار و پانصد جلد کتابهای انگلیسی و دوهزار وپانصد جلد روسی و ترکی و آلمانی و غیرازآنست و بیش ازشصت هزاربرگه بزبانهای مختلف برای سهولت جستجوی کتابها آماده شده است و هر سال هزاران طالب علم بکتابخانه مراجعه و مطالعه و استفاده میکنند.

ازاقدامات مهمی که آقای شریفی برای تکمیل اساس کتابخانه بعمل آورده‌اند تهیهٔ فهرست کتب خطی کتابخانه است که جلددوم

آن شامل یك عده از کتابهای خطی فارسی کتابخانه حاضر شده واینك بنظر خوانندگان میرسد .

زحمت تنظیم این فهرست را آقای ابن یوسف که در فضایل و کمالات بپدر بزرگوار خود تأسی کرده‌اند برعهده گرفتند تقدیر زحمات ایشان جز بمرور وتأمل درخود فهرست میسر نیست و اگر اندکی دراین باب توجه شود دانسته خواهد شد که ایشان در بارهٔ کتب عربی وفارسی چه اندازه بصیرت بکار برده وبا مداقه ومجاهدهٔ که نتیجهٔ عشق بکتاب و معرفت است جمیع کتاب های موضوع فهرست را تحت نظر گرفته و مطالعه نموده وخصوصیات هرنسخه را معلوم کرده ومعرفی کامل از هریك ازآن نسخ بعمل آورده‌اند چنانکه در واقع از مطالعه این فهرست شخص معلومات فراوان ازنسخه و مصنف و کتاب و مندرجات آن حاصل میکند واین فهرست خود بمنزلهٔ تالیفی است که خواننده گذشته ازشناسائی که نسبت بکتابهای کتابخانهٔ مجلس بدست میآورد بصیرتش بطور کلی برعلوم و کتب و مصنفین بسی افزون میگردد و آقای ابن یوسف نظیر این تألیف را در بارهٔ کتب خطی مدرسهٔ سپهسالار نیز انجام داده‌اند و باید امیدوار باشیم که نسبت بکتب مجلس شورای ملی موفق بانجام آن شوند تا خدمت مهمی که صورت داده‌اند منظور نظر دوستان معارف گردد و سعی ایشان مشکور باشد .

رئیس شورای کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ــ فروغی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس وستایش یگانه خداوندی را سزاست که آغاز و انجام هر کار بخواست وتوانائی اواست و درود پی در پی برروان پیمبر بزرگ وراهنمای سترگ حضرت **محمدبن عبدالله** ص و کسان و یاران پاك او باد.

**سپس** نگارندهٔ این مختصر ضیاءالدین مشهور به ابن یوسف شیرازی فرزند حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادام الله ظله العالی گوید: آنانکه با کتاب سر و کار دارند میدانند که استفادهٔ از کتب کتابخانهئی بدون داشتن فهرست میسر نیست مخصوصاً کتب خطّی را که بی‌راهنمائی فهرست آنها نمیتوان طرف مراجعه قرارداد و از آن سود گرفت، کتابخانه مجلس شورای ملّی بسال ۱۳۰۵ خورشیدی هنگامیکه شمارهٔ کتب آن درحدود سه هزار و پانصد وفقط ۲۱۶ نسخهٔ آن خطّی بود، فهرستی از کتب چاپی وخطّی منتشر نمود و پس از آن بسال ۱۳۱۱ خورشیدی که شمارهٔ کتب آن به یازده هزار رسید شادروان یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) که از دانشمندان نامی و ریاست کتابخانه را هم دارا بود نیز فهرستی بر ۷۸۸ نسخهٔ خطّی کتابخانه نگاشت و ۲۱۶ نسخه ایکه درفهرست نخستین معرفی شده بود دوباره دراین فهرست گذارده شده، بسال ۱۳۱۷ نگارش فهرست

بقیه کتب خطّی بتشخیص و دستور جناب آقای ابراهیم شریفی مدیر کل ورئیس کتابخانه باینجانب محوّل گردید، پس از رنج فراوانیکه در این راه کشیده شد این مجلد از فهرست کتب خطّی که مخصوص بخشی از کتابهای پارسی آنست و در حقیقت جلد دوم فهرست کتب خطّی کتابخانه میباشد تألیف و چاپ گردید، امیداست که منظور نظر اهل نظر گردد.

درپایان این مختصر خودرا موظف میداند از دانشمندان محترم مخصوصاً آقای عبدالحسین امین عراقی و آقای سید رضا مصطفوی تفرشی و آقای محمدجعفر واجد و آقای حاج میرزا عبدالله ثقة الاسلامی تبریزی که در تألیف این فهرست مساعدت نموده اند سپاسگزاری نماید و خاطر محترم عموم علاقمندان بکتاب ومطالعه را یادآور میشود که کتابخانه مجلس اینك بیش از بیست و چهارهزار نسخه کتاب چاپی و خطّی بزبانهای گوناگون که بسیاری از آنها کمیاب میباشد برای استفادهٔ مراجعه کنندگان آماده نموده است.

امیداست که فهرست بقیه کتب خطّی هم بزودی تهیه شده ودر دسترس عموم گذارده شود.

ازمآخذیکه در نگارش این فهرست مورد استفاده بوده جدولی تهیه شده و چون تکرار نام آنها در متن فهرست بطول می انجامید برای برخی از آنها که زیاد تکرارمیشد رمزی اختیار گردیده و پس از نام اصلی کتاب در این جدول باحروف سیاه نمایش داده شده و اینك شروع بجدول نامبرده میشود:

| نام کتاب و رمز آن | مؤلف | سال تألیف | سال چاپ یا خصوصیات نسخه خطی |
|---|---|---|---|
| آتشکدهٔ آذر (آر) | آذر بیگدلی | نیمهٔ دوم قرن دوازدهم هجری | ۱۲۹۹ ه‍ ، ق بمبئی. |
| آثار البلاد (ثا) | قزوینی | قرن هفتم | نسخهٔ خطی مدرسهٔ سپهسالار |
| آثار الشیعة الامامیه (ترجمهٔ جلد چهارم) | عبد العزیز و علی جواهر کلام | در قرن چهاردهم | ۱۳۰۷ ه‍، ش تهران. |
| آثار عجم (آم) | فرصت الدوله | در اوائل قرن چهاردهم | ۱۳۲۱ ه‍،ق در بمبئی. |
| احسن الودیعه (ج۱و۲) یا تتمهٔ روضات الجنات | سید مهدی موسوی | قرن چهاردهم هجری | ۱۳٤۸ ه‍،ق در بغداد |
| امل الآمل | شیخ حرّ عاملی | در قرن یازدهم هجری | ۱۳۰۲ ه‍،ق در تهران |
| انجمن خاقان (خن) | راوی گروسی | ۱۲۳٤ | نسخه خطی شمارهٔ ۲۸۹۲ کتابخانه |
| بحار الانوار (ج۱و۲) | محمد باقر مجلسی | قرن دهم | قرن چهاردهم در تهران |
| بهارستان (بها) | جامی | قرن نهم | ۱۳۲۹ کانپور هند. |
| تاریخ ادبیات برون (ترجمهٔ جلد ٤) = (تن) | رشید یاسمی | قرن چهاردهم | ۱۳۱٦ ه‍ ، ش در تهران |
| تاریخ فرشته | محمد قاسم هندوشاه استرابادی | ۱۰۱۵ | ۱۲٤۷ ه‍،ق در هند. |
| تاریخ گزیده (گز) | حمد الله مستوفی | در حدود ۷۳۰ | ۱۳۳۱ ه‍ ، ق در لیدن. |
| تاریخ گیتی گشا | نامی اصفهانی | قرن سیزدهم | ۱۳۱۷ ه‍، ش در تهران. |
| تاریخ مفصل ایران = تاریخ مغول (تل) | عباس اقبال آشتیانی | قرن چهارم | ۱۳۱۲ ه‍ ، ش در تهران. |
| تاریخ یزد | آیتی | قرن چهاردهم | ۱۳۱۷ ه‍ ، ق در یزد. |
| تحفهٔ سامی (سا) | سام میرزا | ۹۵۷ | ۱۳۱٤ ه‍، ش در تهران. |
| تحفه العالم | عبداللطیف موسوی | در قرن سیزدهم | اواخر قرن سیزده یا اوائل چهارده در بمبئی. |
| تذکرة الاولیاء (ج۱و۲) | شیخ عطار | قرن ششم هجری | ۱۹۰۵-۱۹۰۷م در لیدن هلند. |
| تذکرهٔ خوشگو یا سفینهٔ خوشگو (خو) | خوشگو | قرن دوازدهم | نسخهٔ خطی کتابخانه شمارهٔ ٤۰۳ |
| تذکرة الشعراء (تذ) | دولتشاه سمرقندی | ۸۹۲ ه‍ ، ق | ۱۹۰۰ م در لیدن (هلند). |
| تذکرهٔ علماء هند | مولوی رحمن علی | در قرن چهاردهم | ۱۳۳۲ ه‍ ، ق لکنهو. |
| تذکرهٔ نصرآبادی (نص) | محمد طاهر نصرآبادی | ۱۰۸۱-۱۰۹۳ | ۱۳۱۷ ه‍، ش در تهران. |
| چهار مقاله با حواشی آقای قزوینی (چا) | نظامی عروضی | در حدود ۵۵۰ | ۱۳۲۷ ه‍، ق در لیدن (هلند). |
| حبیب السیر (حر) ج۱و۲ | خواند امیر | ۹۲۷-۹۳۰ | ۱۲۷۱-۱۲۷۳ ه‍،ق در بمبئی. |
| حدائق السحر با مقدمه آقای اقبال | رشید وطواط | در قرن ششم | ۱۳۰۸ ه‍، ش در تهران. |

| نام کتاب و رمز آن | مؤلف | سال تألیف | سال چاپ یا خصوصیات نسخه خطی |
|---|---|---|---|
| دانشمندان آذربایجان (دآ) | محمدعلی تربیت | قرن چهاردهم | ۱۳۱۴ هـ ش در تهران |
| دستورالوزراء با مقدمه آقای سعید نفیسی | خواند امیر | قرن دهم | ۱۳۱۷ هـ ش در تهران |
| الذریعه الی تصانیف الشیعه (۳جلد) (ذریعه) | آقاشیخ آقا بزرگ طهرانی | قرن چهاردهم | ۱۳۵۵-۱۳۵۷ هـ ق در نجف |
| ذیل عالم آرای عباسی | اسکندر بیك و محمد یوسف | ۱۰۳۸-۱۰۵۲ | ۱۳۱۷ هـ ش در تهران |
| راحة الصدور (را) | محمدبن علی راوندی | ۵۹۹ | ۱۹۲۱ م لیدن (هلند). |
| راهنمای قم | علی اکبر برقعی | ۱۳۱۷ هـ ش | ۱۳۱۷ هـ ش در تهران |
| رساله دراحوال مولانا | بدیع الزمان خراسانی | ۱۳۱۵ هـ ش | ۱۳۱۵ هـ ش در تهران |
| ریاض العارفین (رن یا ین) | رضاقلی هدایت | قرن سیزدهم | ۱۳۰۵ هـ ق در تهران |
| روز روشن (رو) | محمد مظفر حسین | ۱۲۹۶ هـ ق | ۱۲۹۷ هـ ق درهند. |
| روضات الجنات (ضت) | سید محمد باقر موسی | قرن سیزدهم | ۱۳۰۷ هـ ق در اصفهان. |
| روضة الصفا و تتمهٔ آن (صفا) | میرخوند و هدایت | درقرن نهم و سیزدهم | ۱۲۷٤ هـ ق در تهران |
| سخن و سخنوران (سخ) ج ۱ و ۲ | آقای بدیع الزمان | ۱۳۰۸ هـ ش | ۱۳۰۸-۱۳۰۹ هـ ش در تهران. |
| سلافة العصر | سید علیخان کبیر | درقرن یازدهم | ۱۳۲٤ هـ ق درمصر. |
| شاهد صادق | صادق اصفهانی | درقرن یازدهم | نسخه خطی مجلس شمارهٔ ۷۷۰ |
| شذرات الذهب (شذ) | عبدالحی بن العماد | ۱۰۸۰ | ۱۳۵۱ هـ ق درمصر |
| شمع انجمن (شم) | سید محمد صدیق خان بهادر | ۱۲۹۲ هـ ق | ۱۲۹۳ هـ ق درهند. |
| طبقات سلاطین اسلام | ترجمه آقای عباس اقبال | ۱۳۱۲ هـ ش | ۱۳۱۲ هـ ش در تهران. |
| طبقات ناصری | منهاج الدین عثمان جوزجانی | ۶۵۸ هـ ق | ۱۸۶٤ م در کلکته. |
| طرائق الحقائق | نائب الصدر شیرازی | ۱۳۱۸ هـ ق. | ۱۳۱۸ هـ ق در تهران |
| عالم آرای عباسی | اسکندر بیك منشی | ۱۰۲۵-۱۰۳۸ هـ ق | ۱۳۱٤ هـ ق در تهران |
| فارسنامه ناصری (فا) | حاج میرزا حسن فسائی شیرازی | ۱۳۱۲ هـ ق | ۱۳۱۳ هـ ق در تهران |
| فهرست کتابخانه آستان قدس (۳جلد) | آقای اکتائی | ۱۳٤۵ هـ ق | ۱۳٤۵ هـ ق درمشهد. |
| فهرست کتابخانه مجلس (مج) | یوسف اعتصامی | ۱۳۱۱ هـ ش | ۱۳۱۱ هـ ش در تهران |
| فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار (فهر) ج ۱ و ۲ | ابن یوسف | ۱۳۱۳-۱۳۱۸ هـ ش | ۱۳۱۳-۱۳۱۸ هـ ش در تهران |

| نام کتاب و رمز آن | مؤلف | سال تألیف | سال چاپ یا خصوصیات نسخه خطی |
| --- | --- | --- | --- |
| فهرست کتابخانه برلن | | قرن نوزدهم مسیحی | ۱۸۸۸ در برلن. |
| فهرست کتابخانه خدیویه مصر | جمعی از فضلا | قرن سیزدهم | ۱۳۰۶-۱۳۱۰ ه‍ ق در مصر |
| فهرست کتابخانه موزهٔ لندن (فو) (٤ جلد) | چالز ریو | قرن نوزدهم | ۱۸۹۵-۱۸۹۷ م در لندن |
| فهرست دار الکتب المصریه (٦ جلد) | جمعی از فضلا | قرن چهاردهم | ۱۳٤۲-۱۳۵۲ ه‍ ق در مصر |
| فهرست کتابخانه معارف (جلد ۱ و ۲) | آقای عبدالعزیز جواهر کلام | ۱۳۱۳ ه‍ ش | ۱۳۱۳ ه‍ ش در تهران. |
| فهرست کتابخانه انجمن بنگال (جلد ۱ و ۲ و ۳) | ویلادهمیر ادانف | در قرن بیستم میلادی | ۱۹۲٦-۱۹۲۸ م در کلکته. |
| فهرست نسخ خطی فارسی انجمن بنگال | » » » | » » » | ۱۹۲٤ م در کلکته. |
| قصص الخاقان | داودقلی ولی شاه | ۱۰۷۸ ه‍ ق | نسخ خطی مجلس. |
| قاموس الاعلام ترکی (قم) شش جلد | سامی بیك | درقرن چهاردهم ه‍ ق | ۱۳۰٦-۱۳۱٦ ه‍ ق در آستانه |
| کشف الحجب والاستار | سید اعجاز حسین | در قرن چهاردهم | ۱۳۳۰ ه‍ ق در کلکته. |
| کشف الظنون (کظ) ۲ جلد | حاجی خلیفه چلبی | در قرن یازدهم | ۱۳۱۰-۱۳۱۱ ه‍ ق در آستانه |
| گنج دانش | محمد تقی متخلص به حکیم | قرن چهاردهم | ۱۳۰۵ ه‍ ق در تهران |
| گنج شایگان (گن) | شعری | قرن سیزدهم | ۱۲۷۲ ه‍ ق در تهران |
| لباب الالباب | محمد عوفی | اوائل قرن هفتم | ۱۳۲۱-۱۳۲٤ ه‍ ق در لیدن هلند. |
| المآثر والآثار | محمد حسن اعتماد السلطنه | ۱۳۰٦ ه‍ ق | ۱۳۰٦ ه‍ ق در تهران |
| مجالس العشاق | سلطانحسین بایقرا | در قرن نهم | نسخه خطی کتابخانه مجلس |
| مجالس المؤمنین (مجا) | قاضی نورالله شوشتری | درقرن دهم | نسخه خطی کتابخانه. |
| مدائح معتمدیه | محمدعلی بن ابوطالب اصفهانی | در قرن سیزدهم | نسخه خطی کتابخانه. |
| مرآت الخیال (مر) | امیر شیرعلیخان | ۱۱۰۲ ه‍ ق | ۱۳۲٤ ه‍ ق در بمبئی. |
| مستدرك الوسائل (جلد ۳) | حاج میرزا حسین محدث نوری | قرن چهاردهم | ۱۳۲۱ ه‍ ق در تهران. |
| منتخب التواریخ | حاج محمد هاشم خراسانی | ۱۳٤۹ ه‍ ق | ۱۳۱۷ ه‍ ش در تهران. |
| میخانه یا تذکره میخانه (می) | عبدالنبی فخر الزمانی | ۱۰۲۸ ه‍ ق | ۱۹۲٦ م در لاهور. |
| نظم العقیان | عبدالرحمن سیوطی | در قرن نهم | ۱۹۲۷ م در هند. |
| نفحات الانس (انس) | عبدالرحمن جامی | در قرن نهم | ۱۳۲۳ ه‍ ق در لکنهو. |

| نام کتاب و رمز آن | مؤلف | سال تألیف | سال چاپ یا خصوصیات نسخه خطی |
|---|---|---|---|
| نگارستان سخن (نگا) | نور الحسن | ۱۲۹۲ ه‍ ، ق | ۱۲۹۳ ه‍ ، ق درهند . |
| وفیات الاعیان (جلد ۱ و ۲) | ابن خلکان | قرن هفتم | ۱۳۱۰ ه‍ ، ق درمصر . |
| وقایع الایام (جلد ۱ و ۲ و ۳) | علی بن عبدالعظیم واعظ تبریزی | در قرن چهارم | ۱۳۲۵-۱۳۵۱ ه‍ ، ق درنجف و تبریز . |
| وقایع السنین | خاتون آبادی | در قرن دوازدهم | نسخهٔ خطی کتابخانه . |
| هدیة الاحباب | حاج شیخ عباس قمی | در قرن چهاردهم | ۱۳٤۹ درنجف اشرف |
| هفت آسمان | مولوی آغا احمد علی احمد | ۱۲۸۵ ه‍ ، ق | ۱۸۷۳ م در کلکته . |
| هفت اقلیم | امین احمد رازی | ۱۰۰۲ ه‍ ، ق | نسخه خطی مدرسه و مجلس |

این نکته را نیز یادآور شوم که هر گاه پشت شماره‌ئی این کلمه ( نه ) نوشته شده میرساند که مقصود نسخهٔ این کتابخانه میباشد وچون نسخ آن کتاب متعدد باشد برحسب ترتیب ثبت در این فهرست شمارهٔ ۱ یا ۲ یا ۳ یا ٤ پشت سر آن گذارده شده وچون این دوحرف ( م ، س ) پشت سر آن شماره گذارده باشیم مراد نسخهٔ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار است .

شمارهٔ ترتیب نسخه‌ای چون در پرانتز گذارده شده باشد میرساند که این نسخه پیوستهٔ نسخهٔ دیگری میباشد که پیش ازین معرفی گردیده است .

با همه جدیتی که کردیم باز هم غلطهائی چند درچاپ روی داده برخی را که خیلی مهم و اساسی‌است در اینجا نشان‌میدهیم که خوانندگان گرامی پیش‌از مراجعه بکتاب تصحیح نمایند .

تهران دی ماه ۱۳۲۰ خورشیدی

# غلطنامه

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|
| ۲۸ | ۷ | عقلیة | عقیلة |
| ۳۱ | ۱۵ | سمرقند | سمرقندی |
| ۴۲ | ۲ | فارسی | فاسی |
| ۴۹ | ۱۰ | **۸۲۷** | **۸۲۸** |
| ۱۲۱ | ۱۲ | **عیش** | **عین** |
| ۱۵۲ | ۱۶ | بیگدلی | بید گلی |
| ۱۵۴ | ۳ ح | احتراض | احتراز |
| ۱۷۸ | ۷ | **به بریان** | **به بریان یا بریانگر** |
| ۱۸۹ | ۱۶ | شیرین وخسرو نظامی | خسروشیرین نظامی |
| ۲۳۹ | ۱۳ | مزیل | مذیّل |
| ۲۵۹ | ۴، ۱۰ | مطرح الانظار | مطمح الانظار |
| ۲۶۲ | ۴، ۱۰ | مطمع الانظار | مطمح الانظار |
| ۲۸۰ | ۸ | **۱۲۸۸۴** | **۲۱۸۸۴** |
| ۲۸۱ | ۳ | محمد حسین قزوینی | محمد حسن قزوینی |
| ۳۰۴ | — | **۹۹۸** | **(۹۴۱)** |
| ۳۶۳ | ۱۹ | ۵۰۰۰ بیت | ۲۵۰۰ بیت |
| ۳۶۴ | ۶ | شمارهٔ برگها ۲۱۴ | شمارهٔ برگها ۱۰۷ |
| ۴۱۳ | ۶ | تا ۲۸۲ | تا ۵۸۲ |
| ۴۱۵ | ۲۰ | عباسی فروغی | عباس فروغی |
| ۴۱۹ | ۶ | زبانه | زمانه |
| ۴۳۰ | ۱۳ | ۱۷۱۶ | ۷۱۶ |
| ۴۷۰ | ۵ | محمد حسن | محمد حسینی |
| ۴۸۷ | ۶ | سعادیت | سعایت |
| ۴۹۱ | ۱۱ | تبریزی | نیریزی |
| ۶۳۱ | ۲ ح | الخضیت | الخضیب |
| ۶۵۱ | ۱۱ | **وغزلیات** | **وغزلیات خواجو** |
| ۶۵۶ | ۸ | مدنیهٔ علم | مدینهٔ علم |
| ۶۵۶ | ۹ | بصحبت | بصبحت |
| ۶۵۶ | ۱۴ | از این | بدین |

## غلطنامه

| صفحه | شرح | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|
| ۵۸ | شماره کتاب شرح کافی | ۷۳۲ | ۸۳۲ |
| ۱۹۷ | « کتاب خمسه | ۱۶۲۱۶ | ۱۴۲۱۶ |
| ۲۷۸ | « کتاب دیوان امیرخسرو | ۲۳۲۵۵ | ۱۳۲۵۵ |
| ۲۸۰ | « کتاب دیوان دشتی | ۱۲۸۸۴ | ۲۱۸۸۴ |
| ۳۱۶ | « کتاب دیوان شمس تبریزی | ۱۶۳۰۶ | ۱۶۳۶۰ |
| ۳۱۹ | « دیوان شوریدهٔ شیرازی | ۱۳۵۵۰ | ۱۳۵۵۵ |
| ۵۰۹ | « کتاب شیرین و خسرو | ۱۳۳۳۰ | ۱۳۳۲۰ |
| ۵۲۸ | « کتاب قران سعدین | ۱۴۹۴۵ | ۱۳۹۴۵ |
| ۵۴۲ | « کتاب کلیات جمالی | ۱۳۲۸۹ | ۱۲۲۸۹ |
| ۶۱۷ | « کلیات وحید قزوینی | ۱۳۲۳۴ | ۱۳۳۳۴ |
| ۶۳۴ | « کتاب لطائف الخیال | ۱۳۴۹۱ | ۱۳۹۴۱ |
| ۶۳۷ | « لیلی و مجنون مکتبی | ۱۲۴۷۷ | ۲۱۴۷۷ |
| ۶۳۸ | « کتاب مثنوی مجذوب | ۱۴۳۳۶ | ۱۴۳۳۴ |

## فهرست مندرجات

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

# تفاسیر و کتب راجعه بقرآن

۷۸۹

**احسن القصص** این نسخه بخط نسخ (ظاهراً در نیمهٔ اول قرن سیزدهم) نگارش یافته، **رضا قلیخان** هدایت بسال ۱۲۸۳ درتبریز، آنرا خریداری نموده وبر ورقیکه پیش از کتابست بخط خود یاد داشت کرده وچنانکه زیر این سطرها می آید مؤلف غیر از آنست که ایشان معرّفی کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۲۲ . صفحه ای ۲۳ سطر . طول ۳٤ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۱۰۱**

## احسن القصص

این کتاب تفسیر سورهٔ یوسف ع ویا قسمتی از تفسیر «حدائق الحقائق» مؤلف میباشد ، مؤلف آن **معین الدین** فراهی است ودر مؤلفات ، ازخود **معین مسکین** تعبیر میکند و معینی (۱) تخلص او است ، پس از برادر خود

(۱) در ص ۱۹۳ نسخه خطی هفت اقلیم (م ـ س) زیر عنوان : مولانا معینی گوید : ازشعرای زمان سلطان حسین میرزا بوده وشعر هموار میگفته از آنجمله است :
از صد سخن بحیله یکی گوش میکنی ❀ آنهم نگفته ام که فراموش میکنی
و در ص ۳۳۸ ج ٤ حبیب السیر نیز معرفی از ایشان شده است .

نظام‌الدین محمد که بسال ۹۰۰ وفات یافته مقام قضاوت هراة را پیدا کرد ولی پس از یکسال استعفا نمود و بهمان وعظ وتألیف اشتغال داشت وبسال ۹۰۷ وفات یافت وازمعاصرین سلطان حسین میرزای بایقرا ( بسال ۹۱۱ مرده است) بوده ونام پدر وی چنانکه خود در آخر معارج‌النبوة تصریح نموده حاج محمد فراهی ، (۱) ولقبش بتصریح مؤلف حبیب‌السیرشرف‌الدین بوده و ازمندرجات مقدمه معارج‌النبوّه برمی‌آید که پدر برپدر امام جماعت جامع هراة بوده اند

دیگرازمؤلفات معینی کتاب « معارج‌النبوه فی‌معارج‌الفتوه» درسیره حضرت رسول‌ص ، ۲ ـ « تفسیرحدائق‌الحقایق » ، ۳ ـ « قصه حضرت کلیم » ، ٤ ..« تفسیربحرالدرر» ، ٥ ـ «روضة الواعظین‌فی‌احادیث‌سیدالمرسلین» در چهار جلد ، ٦ ـ رساله « شرائف الاوقات »(۲) ، ۷ ـ قصص التنزیل ، ۸ ـ مجالس مرتّبه در وعظ و غیر از اینهاست که بیشتر آنها بپارسی و برخی بعربی تألیف گردیده اند .

در آخر این تفسیر که بسال ۱۲۷۸ چاپ شده ، مؤلف ، **معین‌الدین جوینی** معرفی گردیده ، در صورتیکه معین‌الدین جوینی از دانشمندان قرن هشتم هجری ومعاصر ابوسعید بهادر خان ( ۷۱٦ ـ ۷۳٦ )(۳) بوده وبسال ۷۳٥ کتاب نگارستان خود را نظیر گلستان انشا و آنرا بنام استاد خود سعد الدین یوسف حمویه موشح گردانیده است ، مرحوم رضا قلیخان هدایت برورقیکه پیش‌ازبرگ نخستین نسخه این کتابخانه است مؤلف را**معین‌الدین الجامی الهروی الچشتی** معرفی نموده و مسلماً این دانشمند نیز غیر از مؤلف این تفسیر است چرا که خود ایشان درریاض‌العارفین (ص۱۳۲ چاپ‌اول) این مرد را بدون تعیین عصر وزمان معرفی‌نموده و گوید : «وضیاءالدین‌بلخی ازمریدان‌آن جنابند» . ودر مجمع‌الفصحا ( ص ۳۲٦ ج ۱ ) ضیاء الدن بلخی را از معاصرین عوفی ( متوفی دراواسط قرن هفتم ) معرفی مینماید بنابراین

(۱) مؤلف کشف‌الظنون درص ۱۸٥ ج ۱ وص٤٥۷ ج ۲ تعیین نموده که نام این معین‌الدین محمد بوده ولی درمؤلفات ایشان ازاین نام اثری نیست .

(۲) در ص ٥۸ ج۲ کشف‌الظنون کتابی بنام : « شرف الاوقات » بدون ذکر مؤلف وموضوع ذکر گردیده شاید مراد، این مؤلفه باتصحیف درنام‌آن باشد.

(۳) در ص ۳۲٥-۳٤۹ تاریخ مفصل ایران تألیف آقای اقبال آشتیانی ج ۱ شرح حال این پادشاه نوشته شده و نیز در ص ٥۲٥ معین‌الدین جوینی و کتاب نگارستان اومعرفی گردیده است .

معین‌الدین صاحب این کتاب که معارج‌النبوة خود را بسال ۸۹۱ تألیف نموده معین‌الدین چشتی(۱) مذکور نخواهد بود.

طرز این تفسیر اینستکه مؤلف آیات این سوره را مرتباً بفارسی ترجمه کرده وپس از آن بتفسیر پرداخته وباشعار عرفا وشعرا تمثل جسته ونیز از خود ابیاتی بمناسبت مقام انشاء نموده وپس از ترجمه وتفسیر نتایج عرفانی از مطالب گرفته است.

**آغاز:** بسمله الحمدلله نحمده و نستعینه . . . . همی گوید بنده ضعیف مستکین معین مسکین الخ.

## ۷۹۰

## البحر المواج

این نسخه بخط نستعلیق خوب و آیات قرآن بخط نسخ و ثلث نوشته شده و مسلماً از خطوط قرن دوازدهم هجری میباشد، شامل تفسیر از ابتداء قرآن تا آخر سورهٔ نحل را بوده وتقریباً یکی دو برگ از آخر آن افتاده و آخرین سطر نسخه اینست: ( و انّه فی الاخرة لمن الصّالحین . . . . و این اساس اجابت دعاء اوست که گفته والحقنی بالصّالحین و بعد از توصیف ابراهیم بصفات حسنه خطاب به پیغمبر ما صلوات الله علیه و آله میکند ومیفرماید ). چند برگ از اوّل و آخر نسخه وصّالی شده ونیمه‌ای از یادداشتیکه برنخستین برگ بوده ازمیان رفته و مورد استفاده نیست ، صفحات مجدول مطلا ولاجوردو اسامی سور و عناوین باطلا وشنجرف نگاشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۴۷۲ . صفحهٔ ۲۵ سطر ، طول ۳۰ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر شمارهٔ دفتر ۱۴۹۹۳ .

(۱) چشت بکسر جیم فارسی و شین معجمه وتاء قرشت چنانکه در ص ۲۲۹ ج ٤ مرآت البلدان بنقل از معجم البلدان نگارش یافته قصبه ایست نزدیک هرات.

## البحر المواج

این کتاب یاتفسیر فارسی از فاضل هندی است ( بهاءالدین محمدبن تاج الدین حسن بن محمد اصفهانی متولد بسال ۱۰۶۲ ومتوفی بسال ۱۱۳۷ ) (۱) که ازمشاهیر علماء وحکما وفقهاء امامیه درقرن یازدهم ودوازدهم هجری میباشد و بااینکه اصفهانی بوده و تاآخر عمر در آنجا بسر برده، چون دراوائل جوانی چندی در هندوستان متوطن و بادانشمندان آنجا مباحثات و مناظرات نموده به **فاضل هندی** مشهور گردید، رجالیین وتذکره نویسان تصریح نموده اند که عمروی سیزده سال‌نشده بود که ازتحصیل‌علوم ادبی‌ومعقول ومنقول فراغت‌یافت ودرهریك ازآن‌دانش‌ها کتب‌ورسائل نگاشت، ازمؤلفات ایشان **۱** ـ کشف‌اللثام فی‌شرح قواعدالاحکام درفقه (۲)، **۲** ـ المناهج السویه فی‌شرح‌الروضة البهیه (۳) ( شرح برشرح لمعه دمشقیه و در فقه است )، **۳** ـ مختصر کتاب الشفا در حکمت طبیعی و الهی و ریاضی بنام « عون اخوان‌الصفا فی تلخیص مختصر الشفا » (٤)، **۴** ـ شرح کافیه، **۵** ـ شرح عوامل در نحو (٥)، **۶** ـ شرح قصیده سید حمیری، **۷** ـ رساله‌ای بفارسی دراصول دین بنام کلیدبهشت **۸** ـ رسالهٔ مثالیه (٦)و **۹** ـ تفسیر فارسی برقرآن کریم بنام **البحر المواج** می باشد.

این کتاب از تفاسیر فارسی بسیار خوبست و مؤلف در آن از کتب اخبار

---

(۱) ـ مطالب مندرجه دراین باب بامراجعهٔ به ص ٦٤٨ روضات وص ۲۰۷ هدیة الاحباب وص ۵۵۷ کشف الحجب نوشته شده ووفات ایشان در سالی که افغانها شهر اصفهان را تصرف کرده اند بوده است و آنرا بسال ۱۱۳۱ یا ۱۱۳۵ یا ۱۱۳٦ یا ۱۱۳۷ نوشته اند.

(۲) بسال ۱۲۷۱ در طهران دردومجلد چاپ شده.

(۳) در ص ٤٤۸ و ٤٤۹ ج ۱ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نسخه‌ای از آن معرفی شده.

(٤) نسخه‌ای از آنرا که ازنظر مؤلف گذشته ودرآخر، مقابله شدن آنرا بخط خود نوشته اند استاد محترم آقای محمد طاهر تنکابنی دام ظله العالی‌دارند.

(٥) در مجموعه ایکه بنام « جامع المقدمات » میباشد مکرر چاپ شده است.

(٦) در ص ۸۹ و ص ۸۹۱ ( البحر المواج ـ نسخه این کتابخانه ) تألیف آنرا بخود نسبت داده است.

امامیه و تفاسیر خاصّه و عامّه بسیار نقل نموده ، و طریقه وطرز آن اینست که مرتباً ازابتداء قرآن کریم آیات را جمله بجمله بفارسی‌ترجمه نموده وپس ازآن بتفسیرش موافق اخبار واحادیث می پردازد و در این قسمت از تفسیر بچندین بیت فارسی تمثل جسته و بمناسبت اقوالی از فقها و مفسّرین و حکما چون ابوعلی سینا و امام فخررازی وخواجه نصیرالدین آورده ودرمواردیکه لزوم داشته ازتفصیل خودداری نکرده است .

در هیچ جای از نسخه تفسیر این کتابخانه نامی از مؤلف و مؤلفه نیست و از مؤلفات مشهور ایشانهم در آن نامی نیافتم ولی در ص ١١٨ و ٦٥٦ نام شیخ بهاء الدین عاملی متوفی بسال ١٠٣٠ راباترحیم بروی برده ودرص ٨٩١ گوید : بعضی از عرفاء معاصرین حفظهم الله تعالی در کتاب وافی گویدالخ و میدانیم که وافی تألیف فیض کاشانی ( محمدبن مرتضی ) متوفی‌بسال ١٠٩١ میباشد ودر ص ٨٩٨ گوید : بعضی از اجلّه معاصرین درترجمه کتاب کافی گفته الخ . ومیدانیم در این عصر که تاحدی آنرا شناخته‌ایم ملا خلیل قزوینی متوفی بسال ١٠٨٩ کافی را بنام « صافی » بفارسی ترجمه کرده است و در ص٣٠٧ گوید : بعضی ازمترجمین معاصرین تصریح کرده اند که آنچه حضرت فرموده تفسیر این آیه است الخ و میدانیم که آقا حسین خونساری ( محقق - خونساری ) متوفی بسال ١٠٩٩ قرآن کریم را بفارسی ترجمه کرده اند .

ازروی‌مطالب گفته شده دانستیم که‌این‌تفسیرجزماًمیان‌سال ١٠٣٠ و١٠٨٩ تألیف گردیده ومؤلف مسلّماًدراین‌قرن ( یازده هجری ) میزیسته، ازحسن‌اتفاق در هنگام همین تحقیق وتتبع ، قرآنی بدست نگارنده افتاد که در حواشی آن مطالبی در شرح و تفسیر آیات بامضاء بهاء الدین و در بعضی موارد بامضاء فاضل هندی داشت، چون بمطالعه آنهاپرداختم عبارات‌آنرا نظیر خوانده های خود دراین تفسیر دیدم قسمتی از آنرا بااین نسخه مقابله نمودم بااختلاف یکی دوکلمه دریك صفحه عین یکدیگر بود ونگارنده‌را راحت کرد ودانست که این نسخه چه کتاب گرانبهائی است ونسخهٔ این کتابخانه در حدود ( ٣٠٠٠٠ ) بیت کتابت دارد .

**آغاز** : بسمله سورة فاتحة الکتاب وهی سبعة آیة **اعوذبالله** پناه میگیرم والتجا میکنم بمعبود جامع کمالات **من‌الشیطان** از شر وسوسهٔ شیطان دور شده الخ .

**۷۹۱و۷۹۲**

## بحر النور

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، فقط بخشی از فصل نخستین و پاره ای از خاتمه را داراست،میان این دو قسمت که افتادگی دارد بجای آنها دو برگ نانوشته گذارده‌اند ، در حاشیه چند صفحه تعلیقاتی از مؤلف نگارش یافته و «حیوة القلوب »مؤلف که پس از این معرّفی خواهد شد و بسال ۱۱۱۷ نوشته‌شده بدین نسخه پیوسته و ظاهراً هر دو نسخه بخط مؤلف است .

جلد تیماج . کاغذ اصفهانی . قطع ربعی . شمارهٔ برگهای این رساله ۱۷ . حیوة القلوب ۸۹ . صفحه ای ۱۲ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۰۷۶** .

### بحر النور

این رساله تألیف علی‌بن حسن علی کوساری(۱) است که از قاریان امامی مذهب وظاهراً در قرن دوازدهم هجری بوده و گذشته‌ازاین فن اطلاعات حکمی و کلامی داشته ودرمؤلفه دیگر خود که آنرا « حیوةالقلوب » نامیده بمطالبی از ابن سینا ( بسال ۴۲۸ مرده ) و خواجه طوسی ( بسال ۶۷۲ مرده ) و قوشجی ( بسال ۸۷۹ مرده ) اشاره کرده است .

رسالهٔ بحرالنور که در بیان اصول وفروع قراءات سبعه میباشد ، در هشت باب وخاتمه ای گذارده شده است .

**آغاز :** بسمله الحمد لله رب العالمین والصلوة علی خیرخلقه محمد وآله اجمعین چنین گوید . . . .که چونکه بود افضل عبادات نماز الخ .

---

(۱) درحیوةالقلوب نام مؤلف اینقسم ثبت گردیده : «محمدبن حسن‌علی الکوساری المدعو بعلی القاری » و در بحر النور چنانست که در متن نقل گردیده و بنظر نگارنده دونفر نیستند .

۷۹۳

**تحفة الاخلاص** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، نویسنده نام خود را نبرده ولی مسلماً خط علی بن معصوم نویسنده نسخهٔ «قواعد التجوید» همین کتابخانه میباشد، که پس از این معرّفی خواهد شد و بسال ۱۲۴۰ نوشته شده، بر کنار برگ ششم مؤلف حاشیه ای بخط خویش در معرّفی از «مخزن العلوم» نگاشته است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع وزیری ، شماره برگها ۱۴۹ . صفحه ای ۹ سطر . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۶۳۴** .

تحفة الاخلاص

این کتاب تألیف سید محمود بن عبدالله موسوی دزفولی میباشد که از قرّاء دانشمند امامی مذهب قرن سیزدهم هجری بوده، مؤلف پیش از این کتابی بنام « قواعدالتجوید » که در همین فصل از آن معرفی میشود، تألیف نموده وبسال ۱۲۴۴ همان کتاب را بنام شاهزاده حسام السلطنه وبرای کتابخانهٔ وی که « مخزن العلوم » نام داشته مختصر نموده و « تحفةالاخلاص » نام گذارده وچون قواعدالتجوید نیز بریك مقدمه ودوازده باب وخاتمه ای مرتب گردیده ودرحدود (۱۴۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز:** بسمله افتتاح کلام بنام یگانهٔ بی همتائیست که جز بالف ارادتش الخ .

۷۹۴

**تحفة الخاقان** این نسخه را بخط نسخ **حاجی بابای سمنانی** درماه رجب سال ۱۲۳۰ نوشته، دارای یك

سرلوح ودوسرسورهٔ مذهب میباشد ، صفحات مجدول بطلا ولاجورد و برگ اوّل و دو برگ از آخر و یك برگ از میان آن وصّالی گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ٤٢٥ . صفحه ۲۷ سطر . طول $\frac{1}{2}$۲۹ سانتیمتر عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۷۸** .

## تحفة الخاقان

مؤلف این کتاب میرزا **محمدباقر بن محمد** بن محمد لاهیجی است که از علماء قرن سیزدهم هجری وشارح نهج البلاغه بفارسی ومعاصر فتحعلیشاه قاجار بوده وباشاره وی قرآن کریم را بفارسی ترجمه نموده وبمناسبت هرمطلب ومقامی ترجمهٔ فارسی یك یاچندخبر ازائمه اثنی عشرع را که نیزمبیّن ومفسر آیات کریمه میباشند ذکر نموده و ترتیب این تفسیر مانند تفاسیر دیگر نیست و مطالب قرآن را بدین پنج قسم تقسیم نموده : قصص ، احکام ، معارف ، مواعظ و مواعید .

و هریك را در مجلدی قرار داده وطرز این کتاب اینست که آیات راجعهٔ به یکی از موضوعات نامبردهٔ واردهٔ درسوررا بترتیبی که درقرآن کریم میباشد (از فاتحة الکتاب تا سوره ناس) مرتباً باتصریح باینکه در این موضوع دراین سوره چند آیت میباشد ، یك بیك ذکر و بترجه وتفسیر آنها پرداخته است .

صاحب روضات درص۱۲۳ ج٤ ذیل نام آقا محمد علی هزار جریبی بنقل از دخترزادهٔ لاهیجی، ازاین دانشمند نام برده و گوید که تفسیری فارسی درچهار مجلد دارد و فهرست مجلدات را بدین تفصیل ذکر نموده : - ۱ - قصص ، ۲ - مواعظ ، ۳ - احکام ، ٤ - وقایع روز قیامت و آیات راجعه بعذاب جهنم و ثواب دار السلام . و از هر یك تعبیر به کتاب نموده و ماجز این یك مجلد آنرا سراغ نداریم .

این مجلد که در حدود (۵۰۰۰۰) بیت کتابت دارد کتاب اول و شامل قصص قرآنی ومخصوصاً تاریخ انبیاء عظام از آدم ع تاخاتم ص ع میباشد ، پس ازاین کتابی درامور عامّه پیغمبران از معنی نبوّت و علّت آن و دیگر مطالب میباشد و پس از ختم این قسمت کتابی در آیات راجعهٔ بولایت و امامت قرار داده و در جمادی الثانیه سال ۱۲۳۰ تألیف آن خاتمه یافته است .

در نسخهٔ متعلقه بکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (ص ۹۷-۹۸ ج ۱ فهرست آنجا مراجعه شود) که نسخه ای نفیس میباشد وشاید نخستین نسخهٔ ازاین مجلد باشد نام این تفسیر « تحفة الخاقان » معیّن شده است ولی این نام در نسخهٔ این کتابخانه نیست .
**آغاز :** بسمله حروف و کلمات ستایش و سپاس مختص متکلمی است که از فرط محبّت الخ .

**۷۹۵**

## تحفة القراء

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۸۷ نوشته شده ، پس از این کتاب ترجمه فارسی و عرفانی تکبیرات افتتاحیّه و نیز ترجمه قسمتی ازسورهٔ حمد نگارش یافته ، نویسندهٔ این قسمت نامی از خود نبرده و ظاهراً نویسندهٔ آن منشی آنست .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی نباتی رنگ . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۰۲ . صفحه‌ای ۱۳ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۱۹ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۲۸۷** .

### تحفة القرّاء

این کتاب را ملامصطفی قاری تبریزی بسال ۱۰٦۷ درمکّه معظّمه شروع بتألیف و درمدینه منوّره بآخر رسانیده ومباحث قرائت و تجوید را درمقدمه‌ای و دوازده باب ویك خاتمه قرار داده وچون بایران برگشته، آنرا بنظر ملا محمد باقر خراسانی که از علماء مسلّم آن عصر در اصفهان بوده رسانیده ، ایشان اضافاتی موافق اخبارکه ازاهل بیت پیغمبر ص م وارد شده ، برآن نموده ، پس از آن بنام « تحفة القراء » منتشر گردیده است .
جمعی ازدوستان ازاو خواستار شده که شرحی دربیان اسم هرسوره وشمارهٔ آیات آن و تعیین جزء ، نصف ، حزب ، وقف لازم ، وقف معانقه ، وقف غفران ، وقف النبی ص ، سجده های واجب وسنت وسکته ، برآن کتاب افزاید

چون آن تالیف بآخر رسیده ومنتشر شده بود بسال ۱۰۶۸ مقصود ایشان را در رساله ای بنام « متمم تحفة القراء » نوشته و پس از آن رساله ای بنام « ملحق تحفةالقراء » در شرح حال عاصم واحوال راویان وی وسند قرائت او و سند قرائت خود تألیف نموده و نسخه ای از این کتاب و متمم و ملحق آن که بسال ۱۰۷۲ بخط مؤلف نگاشته شده در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار زیرشمارهٔ (۲۰۱۸) موجود است .

**آغاز :** بسمله حمد بیحد وثنای بی عد حضرت قادری و حکیمی را سزدکه بقدرت کامله الخ .

۱

**۷۹۶**

**ترجمة الخواص (تفسیر زواری)** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نصف اول این تفسیر ( ازاول قرآن تاآخر سورهٔ کهف ) میباشد ، نویسنده نام خود و سال نگارش را نبرده بایستی ازنگارشات قرن یازدهم هجری باشد ، مهری پشت صفحهٔ نخستین بوده آنرا محو کرده اند و صفحات جدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۵۱٤ . صفحه‌ای ۲۰ سطر . طول ۳٤ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۴۳۸** .

**۷۹۷**

**ترجمة الخواص (تفسیر زواری)** این نسخه بسال ۱۰۸۳ بخط نستعلیق نوشته شده ، تفسیر از آغاز قرآن تا انجام سورهٔ بنی اسرائیل را شامل و آیات قرآن با

شنجرف بخط نسخ نگارش یافته و یاد داشتهائی پشت صفحهٔ اوّل بوده محو گردیده است.

جلد میشن ضربی. کاغذ کاهی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۴۱. صفحه‌ای ۳۱ سطر. طول ۲۷ سانتیمتر. عرض ۲۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۸۱۷**.

**۷۹۸**

ترجمة الخواص (تفسیر زواری) این نسخه مجلّد دوم این تفسیر (از سورهٔ مریم تا آخر قرآن) میباشد، بسال ۱۰۷٤ بخط نستعلیق و آیات قرآن بخط نسخ نوشته شده و دارای یك سرلوح خوب میباشد، برگها مجدول به لاجورد وشنجرف وبرگ آخر وصّالی شده است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذکاهی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۸٤. صفحه‌ای ۲۷ سطر. طول ۳۸ سانتیمتر. عرض ۲٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۸۱۸**.

ترجمة الخواص = تفسیرزواری

مؤلف این تفسیر **علی بن حسن زواری** که ازعلماء امامیه قرن دهم هجری بوده، قرآن کریم را بفارسی ترجمه وتفسیر کرده ونام آنرا «ترجمةالخواص» گذارده وازتفسیر «مواهب علیه» کاشفی در بسیاری ازموارد استفاده نموده وبنقل مطالب آن مبادرت کرده و در ترجمه وتفسیر راه اطناب را نگرفته، جز در سورهٔ حمد که فاتحةالکتاب وامالقرآن میباشد وشامل مباحث مبدء ومعاداست که آنرا بطرزی واضح و نیکو باذکر مطالب عرفانی در (۳۳۵۰) بیت شرح نموده و چنانکه خود در آخر کتاب تصریح نموده بسال ۹٤٦ یا ۹٤۷ (از فضل اله چون باتمام رسید ـ تاریخ وی از**فضل اله** است عیان) تألیف آن به آخر رسیده و در این تفسیر اخبار امامیه واقوال مفسّرین عامّه وخاصّه را نقل نموده است.

مؤلفات دیگر زواری عبارتند از، ۱ ـ شرح نهج البلاغه بنام «روضةالانوار».

۲ ـ ترجمه مکارم الاخلاق طبرسی بنام «مکارم الکرائم» ، ۳ ـ ترجمه عدة الداعی بنام «مفتاح النجاة» ، ٤ ـ ترجمه احتجاج طبرسی ، ٥ ـ ترجمه اعتقادات صدوق بنام «وسیلة النجاة» ، ٦ ـ «مجمع الهدی» در قصص انبیاء ، ۷ ـ ترجمه تفسیر امام حسن عسکری ع ، ۸ ـ تحفة الدعوات ، ۹ ـ لوامع الانوار الی معرفة الائمة الاطهار ، ۱۰ ـ ترجمهٔ کشف الغمه بنام «ترجمة المناقب» ، ۱۱ ـ رساله بنام «مرآت الصفا» در ترجمهٔ مناسك حج وزیارات ، ۱۲ ـ «حلیة الموحّدین» که ترجمه فارسی روضة الواعظین شیخ مفید است و در فن مواعظ و نصایح معرفی خواهد شد و ۱۳ ـ ترجمهٔ طرائف ابن طاوس بنام «طراوت اللطائف» که همه اینها بزبان فارسی است .

جز در روضات الجنات ص ٤۰۷ در کتب سیر نامی ازاین مؤلف ندیدیم و نمیدانم که تاچه سالی زندگانی میکرده ، فقط معلوم است که بسال ۹٦۸ ازترجمهٔ کشف الغمه فراغت یافته ونام وی وپدرش بنابر تصریح وضبط در روضات ومقدمه نسخ متعدده ازمؤلفات ایشان علی بن حسن میباشد نه علی بن حسین که بعضی ازمعاصرین ضبط کرده اند . و در آخر جلد اول طراوت اللطائف ۳۸ کتاب و رساله از زواری معرّفی شده است .

**آغاز :** بسمله حمد بیحد و شکر بلاعد منعمی را سزد که شقایق حقایق قرآنی را الخ .

## ۷۹۹

**ترجمه الدر النظیم** این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲٤۹ نوشته شده ، بربرگهائی که پیش وپس نسخه ، ننوشته بوده ادعیه وآیاتی چند با ذکر موارد استفادهٔ از آنها نگاشته شده وآخرین برگ ازترجمه وصّالی گردیده است .

جلد روغنی گل وبوته دار دورو . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۹۳ . صفحه ای ۱۵ سطر . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱٦۵۲۵ .

## ترجمه الدر النظیم

**احمد ابن حاجی محمد** سکاکی طبسی بسال ۹۲٦ کتاب الدر النظیم را که بعربی و در فوائد و آثار آیات و سور قرآن کریم بوده (از این کتاب در فهرست کتب عربی معرفی خواهد شد) بفارسی ترجمه نموده وچون اصل آن پیش از شروع بترجمه پنج مقدمه (۱ ـ در فضائل تلاوت قرآن ، ۲ ـ آداب تلاوت ، ۳ ـ طریقهٔ ختم آن ، ٤ ـ در استعاذه وبسمله ، ٥ ـ در فضائل و منافع بسمله) موافق اخبار ائمه شیعه ع نگاشته پس از آن از سورهٔ حمد شروع وتا سورهٔ ناس که آخرین سورهٔ قرآن است آثار وخواص آیات وسوررا با طریقه و روش استفاده از آنها ذکر نموده ودر آخر خاتمه‌ای نگارش یافته که نیز شامل نام مؤلف وتذکر براینست که پیش از ایشان بسال ۹۰۱ **عبد العلی** که اعلم علماء آن عصر و جامع علوم معقول و منقول بوده بترجمه و شرح الدر النظم پرداخته ولی چون آن شرح و ترجمه بسیار علمی نوشته شده و عامّه از استفادهٔ آن محروم بوده وی نیز مأمور گشته که آنرا ترجمه نماید و نصائحی بخوانندگان کتاب نموده که از نشان دادن این فوائد قرآنی استفاده های نا مشروع و بد ننمایند و کتاب را بدو دعاء مأثور از پیغمبر صلی الله علیه و آله درختم قرآن بانجام رسانیده و تمام این ترجمه در حدود (۵۰۰۰) بیت میباشد .

**آغاز :** بسمله الحمد لله الذی أنزَلَ عَلی عَبدِه الکِتابَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیی و بیاناً . . . . . **امابعد** ازاستعاذه بتوفیق حمد و صلوة نموده میشود که مقرراست و محقق بقول صادق الخ .

**۸۰۰و۸۰۱**

**ترکیب القرآن و حاشیهٔ بر آن** . این نسخه بخط نسخ بسال ۱۱۲۰ ، در متن و حاشیه نوشته شده ، برگ آخر دارای مهریستکه دارای این سجع و تاریخ میباشد: عبده محمد هادی الحسینی ۱۱۲۵ . و نیز پشت صفحهٔ

نخستین مُهری بدین نقش زده شده است : **محمد جعفر بن محمد باقر** ـ الموسوی . و تاریخ آن درست خوانده نمیشود ، ظاهراً در قرن سیزدهم هجری بوده .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۶۹ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول ۲۴ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۳۶۳** .

## ترکیب القرآن و حاشیهٔ آن

یکی از دانشمندان بر آن شده است که قرآن کریم را مرتباً ترکیب و اعراب نموده و بفارسی آنها را بیان نماید و پس از ترکیب هر آیه‌ای از آیات ترجمهٔ فارسی آنرا نیز ذکر نماید ، مؤلف یا ترکیب کننده و مترجم در مقدمه نامی ازخود نبرده و با مراجعهٔ بتمام نسخه بمناسبت نامی از کسی یا کتابی دیده نشد ، ولی از طرز وروش انشاء آن بخوبی معلوم میشود که نویسندهٔ آن از دانشمندان عصر صفوی وازعلماء امامیّه بوده ونسخهٔ نام بردهٔ این کتابخانه شامل ترکیب آیات فاتحة الکتاب و سورهٔ البقره میباشد و در حدود (۶۰۰۰) بیت کتابت دارد .

مؤلف خود برای آن نامی نگذاشته ولی این نام (ترکیب القرآن) گذشته از اینکه بمناسبت موضوع بر ان اطلاق شده از دیباچه استفاده میشود و در دفتر کتابخانه هم بهمین نام ثبت گردیده است ، باتفحص زیاد درفهارس و کتب رجال و کشف الظنون و نظائر آن کتابی بدین نام یافت نشد ، نمیدانم که تتمه این کتاب و بیش از اندازه ایکه این نسخه شامل میباشد تألیف گردیده یا نه ، دانشمندی دیگر که ظاهراً معاصر ترکیب کننده بوده بر این کتاب ( قدر مسلم بر همین قدر که این نسخه شامل است ) حاشیه ای نگاشته و مواردیکه مؤلف اصل در ترکیب یا ترجمه اشتباه کرده تذکر داده و دُرُستِ آنرا نگاشته و این دانشمند جلیل نیز امامی مذهب بوده و دانش وی از مؤلف اصل کتاب بیشتر بوده و بمطالب مندرجهٔ در تفسیر مجمع البیان و تفسیر بیضاوی ( انوارالتنزیل ) بسیار استشهاد نموده وباتتبع در تمام این حاشیه آثاریکه راهنما به محشّی باشد نیز بدست نیاوردم و کتابت آن در حدود اصل کتابست .

**آغاز اصل :** بسمله نحمدك اللهم یا من الهمنا ماهو ذریعة الی معرفته . . . بر الواح صافیه رامروان مراحل عرفان وعقول زاکیه بادیه پیمایان منازل ایمان الخ .

**آغاز حاشیه :** اسم : در نزد بصریین مشتق است از سمو بدلیل تصریف آن باسما و اسامی و سمّی ، اصل اسم سمو بوده و او را حذف کرده اند از راه کثرت استعمال الخ .

**۸۰۲**

## تفسیر آیة الکرسی

این نسخه را بسال ۹٦۲ « منزوی» نام، بخط نستعلیق نوشته، مقابله و تصحیح گردیده، بر برگ دوم وسوم دوحاشیه ازمؤلف که درزیر آن «منه رحمةالله علیه» نوشته شده، دیده میشود و در بعضی ازصفحه‌ها نسخه‌بدلهائی یافت میشود، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی موجود یکی از آنها بامضاء **عبدالرشید** وبسال ۱۰۳٦ میباشد، باحتمال قوی بایستی خط **عبدالرشید تتوی** مؤلف **فرهنگ رشیدی** باشد و مُهر یکه قسمتی از آن محو شده وبقیه آن اینست: «مرید شاه جهان شد» وچندین مهر قدیمی دیگر در این صفحه است.

جلد مقوائی . کاغذ نباتی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۳۳ . صفحه ای ۱۹ سطر . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۲۹**

### تفسیر آیة الکرسي

این تفسیر را یکی ازعلماء سنّت که در قرن دهم هجری میزیسته تألیف نموده و نامی از خود نبرده ، با تفحص زیاد و مطالعهٔ خود کتاب مؤلف بدست نیامد ولی معلوم شد که مردی ادیب و عارف و متصوف و در اصول اشعری مذهب ودر فروع ظاهراً حنفی بوده ، ازدانشمندان پیشین چون غزالی متوفی بسال ۵۰۵ و زمخشری متوفی بسال ۵۳۸ و بیضاوی متوفی بسال ٦۷۱ و تفتازانی متوفی بسال ۷۹۲ و میر سید شریف متوفی ۸۱٦ و ملا جلال دوانی متوفی بسال ۹۰۸ در موارد بسیار نقلهائی دارد بنا برآنچه گفته شد و تاریخ نگارش نسخه ، تألیف آن مسلماً در قرن دهم هجری گردیده وازلحاظ معنی نفاست زیادی دارد ومشتمل برمقدمه و دو مقاله و خاتمه‌ایست بدین تفصیل، **مقدمه :** در بیان وجه تسمیه این آیه بدین نام ، **مقاله اول :** در تفسیر و

تاویل آیه . **مقاله دوم :** در شرح آیه بطرز باطن شریعت . **وخاتمه** در رموز و حقائقی است که این آیه مشتمل بر آنهاست .

**آغاز :** بسمله الحمدلله الّذی انزل علی عبده الکتاب . . . . . . بعدازاملای صحائف الهی وپس از ادای وظائف الخ .

## ۸۰۳

**جلاء الاذهان** این نسخه که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده جلد اوّل این تفسیر میباشد ، قسمتی ازابتداء آن افتاده، نخستین سطر آن که در تفسیر آیه پیش از این آیه : (یا ایها الّذین آمنوا استعینوا بالصّبر) میباشد اینست : کوی ذکر بسیار تو در جنب ذکر ذاکران اندك بود الخ .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی بزرگ . شماره برگها ۳۱۲ . صفحه‌ای ۲۶ سطر . طول ½ ۲۶ سانتیمتر. عرض ۲۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۷۳۲** .

## ۸۰۴

**جلاء الاذهان** این نسخه مجلّد دوّم ( از سورهٔ اعراف تا آخر بنی اسرائیل ) است و بسال ۱۰۱۱ میرحایری مدّاح آنرا بخط نسخ ونستعلیق نوشته وبرگ نخستین آن وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ برگها ۲۲۹ صفحه‌ای ۲۶ سطر . طول ½ ۲۶ سانتیمتر. عرض ۱۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۷۳۳** .

۸۰۵

**جلاءالاذهان**

این نسخه مشتمل برتفسیرسورهٔ مریم تاآخر سورهٔ فاطر میباشد (موافق تقسیم بالا تفسیر سورهٔ کهف را اگر داشت مجلدسوم را تماماً شامل برد). بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده آیات قرآنی را باشنجرف نگاشته ونامی ازخود و سال نگارش نبرده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، پشت نخستین برگ وبرکنار برخی از برگها مطالبی تفسیری بخط وامضاء محمد حسین نام موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی بزرگ. شمارهٔ برگها ۱۸۸ صفحه ای ۲۱ سطر . طول ۲۴ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۷۳۴**.

۸۰۶

**جلاءالاذهان**

این نسخه شامل تفسیرسورهٔ یسن تا آخر قرآنست (مجلّد چهارم) ، بسال ۱۰۶۹ بخط نسخ نگارش یافته ونویسنده نام خودرا نبرده ، برگ نخستین وصالی شده و پشت آن یادداشت کوچکی بخط صاحب روضات بامهر ایشان میباشد ، حاشیهٔ یکی ازبرگها پاره شده ودوتای دیگراز آنها چرکین شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ برگها ۳۴۸ . صفحه‌ای ۲۰ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۲۶ سانتیمتر. عرض ۲۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۷۳۵**.

۸۰۷

## جلاءالاذهان

این نسخه که ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است ، بخط نستعلیق نوشته شده و مشتمل بر مجلّد اوّل و دوّم این تفسیر میباشد ، پس از انجام تفسیر سورهٔ بنی‌اسرائیل برگی از تفسیر سورهٔ کهف موجود ولی پیش‌وپس ندارد ، چند برگ از اوّل و آخر نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع رحلی : شمارهٔ برگها ٣٦٤ . صفحه‌ای ۳۰ سطر . طول ۳۲ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر شماره دفتر **۱۴۹۹۲**.

## جلاء الاذهان + تفسیر گازر

این کتاب چنانکه در مقدمه تصریح گردیده تألیف ابوالمحاسن **حسین بن حسن** جرجانی‌است که از علماء امامیّه وباحتمال قوی درقرن دهم هجری بوده ، مؤلف بنا داشته که قرآن کریم را موافق اخبار امامیّه تفسیر نماید و نصف قرآن را ( تا آخر سورهٔ کهف ) بتفصیل شرح نموده و باشعار عربی وفارسی گاهی تمثل جسته ولی نصف دوّم را مانند نصف نخستین تفسیر نکرده و پس از نقل قسمتی از آیات بدواً بترجمه فارسی آنها مبادرت نموده و از آن پس بتفسیر آنها پرداخته واین رویه را درنصف پیشین نداشته بدین جهت وجهات دیگر که در ص ۱۰۱ - ۱۰۵ ج ۱ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار نوشته ام بایستی این تفسیر تألیف دو نفر ( ابوالمحاسن و سید گازر ) باشد و نامی از ابوالمحاسن مذکور در کتابی نیافتم و سیّد گازر را صاحب روضات درص ٤٠٧ (ج۳) نامی برده ولی از آنهم درست چیزی بدست نیامد ازنسخ موجودهٔ این تفسیر تقسیمات زیرین بدست می آید ؛ جلد اوّل از ابتداء قرآن تا آخر سورهٔ انعام . جلد دوّم از سورهٔ اعراف تا آخر سورهٔ بنی اسرائیل . جلد سوّم از سورهٔ کهف تا آخر سورهٔ فاطر . جلد چهارم از سورهٔ یس تا آخر قرآن .

مؤلف پیش از شروع بتفسیر هفت فصل در مطالب راجعهٔ بقرآن نوشته و پس از آن بتفسیر سورهٔ حمد پرداخته است .

کهنه ترین نسخه ای از این تفسیر را ( جلد چهارم از سورهٔ یس تا آخر قرآن ) که نگارنده دیده بسال ۹۸۴ نگارش یافته ومتعلق به آقای ملك الشعراء بهار بود و اینك در کتابخانه شخصی جناب آقای تقوی رئیس دیوان عالی تمیز (دیوان کشور) ورئیس دانشکده معقول و منقول موجود و دورهٔ کامل آن در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار و کتابخانه حضرت رضا ع میباشد .

**آغاز :** بسمله سپاس و ثنا و حمد بی منتها مرخدائی را که این هفت گنبد ایوان معلق الخ .

۸۰۸

**جواهر التفسیر** این نسخه را بخط نسخ، محمد شیرازی خلجانی بسال ۹۸۳ نوشته ، شامل تمام قسمتی است که از قلم مؤلف بیرون آمده ( از اول تفسیر تا تفسیر آیه ۸٤ سورهٔ نساء ) ونویسندهٔ نسخه این معنی را در آخر تذکر داده ، تفسیر این قسمت (۸٤ آیه) ازسورهٔ نساء بر کنار حاشیه اوراقیکه شامل تفسیر سورهٔ آل عمران میباشد ، نوشته شده ، در صفحهٔ نخستین نقاشی ظریفی گردیده ودارای دو ترنج طلائی است که قسمتی از دیباچه بر آن نوشته شده ولی خواندن آنها مشکل است ، ابتداء سورهٔ بقره و آل عمران هریك دارای سرلوحی زیبا میباشد، آیات قرآن باشنجرف نوشته شده ، چند برگ اوائل نسخه وصالی گردیده ، پشت آخرین صفحه یادداشتی راجع به بنای اولیه کعبه وبعد از آن نگارش یافته ویادداشت دیگری بوده که آنرا محو کرده اند، بالاو پائین اوراق آثار

آب دیدگی دارد وهمه برگها بجدول بطلا ولاجورد است.

جلد ساغری. کاغذدولت آبادی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۱۱۶۱. صفحه‌ای ۲۷ سطر. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۷۲۲**.

## جواهر التفسیر

مؤلف این کتاب کمال‌الدین **حسین‌بن‌علی** واعظ‌بیهقی سبزواری متوفی بسال ۹۱۰ ومشهور به **کاشفی** است(۱) واز کتابهای بسیارخوب‌دراین موضوع میباشد، چنانکه درمقدمهٔ آن تذکر داده شده تألیف‌آن بنام امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰۶ گردیده وبهمین مناسبت نام آنرا «جواهر التفسیر لتحفة الامیر» گذارده، بسال ۸۹۰ تألیف مجلد اول آن که تا آخر سورهٔ آل عمرانست خاتمه یافته، پس از آن بتألیف تفسیرمختصری بنام «مواهب علیه» (از این کتاب نیز در این فصل معرفی مینمائیم) مشغول شده، چون این موافقهٔ وی بآخر رسید، باز مشغول به اتمام تألیف این تفسیر گردیده ولی چنانکه در آخر همین نسخه تذکر داده شده، چون آیه ۸٤ سورهٔ نساء را تفسیر نمود اجل گریبانش را گرفت و بآن جهان برد.

**کاشفی** پیش از شروع بتفسیر، مقدمات این علم را درچهار فصل ذکر نموده و پس ازآن شروع در تفسیر آیات مینماید، سورهٔ حمد را که فاتحة ـ الکتاب است مفصلا تفسیر نموده وطرز این تفسیر اینست که جله بجمله ویاکلمه بکلمه آیات را نقل و بترجمهٔ فارسی آنها پرداخته و اخباریکه راجع بآیات و مطالب آنها وارد شده (ازطرق عامه) نقل وعقائد خود را هم بیان نموده و باشعاربزرگان استشهاد نموده، ومشتمل برمطالب عرفانی ودرحدود (۵۱٤۰۰) بیت کتابت دارد.

کاشفی از مشاهیر وعاظ معاصر سلطان‌حسین میرزای بایقرا بوده و درعلم نجوم وانشاء نیزسرآمد اقران میباشد ومؤلفات او بهترین گواه براین موضوع‌اند، در هرات مجالس وعظ برپا مینمود، آوازی خوش و بیانی دلکش داشته و مؤلفاتی ازوی مانده و از آنهاست: ۱ ـ جواهر التفسیر، ۲ ـ مواهب علیه، ۳ ـ جامع الستین، ٤ ـ اخلاق محسنی، ۵ ـ انوار سهیلی، ۶ ـ مخزن الانشاء،

(۱) این شرح بامراجعه به ص ۳٤۱ ج ٤ حبیب السیر و ص ۱۰۰ و ۱۱۱ ج ۱ فهرست سپهسالار نگاشته شده.

۷ ـ لوائح القمر، ۸ ـ روضة الشهداء، ۹ ـ لبّ لباب مثنوی، وغیرازاینهاست .
**آغاز :** بسمله نبدء والله علیم حکیم ، زینت فاتحه هر کتاب وزیور خاتمه هر خطاب الخ .

## (۷۹۴)

**حیوة القلوب** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۱۷ نوشته شده ، نویسنده خودرا بدینگونه معرّفی کرده

اگرخواهی تونام کاتب ازمن ❀ بود شمعی که در شب کشته روشن .
قسمتی از اواخر واوائل فصل ۱۳ و ۱۴ واواخر فصل ۱٦ و تمام فصل ۱۷ وقسمتی ازاوائل خاتمهٔ آن افتاده است .

خصوصیّات دیگر این نسخه را در ص ۷ تذکرداده ایم .

### حیوة القلوب

این رساله که بدین نام نامیده شده در قرائت و تجوید قرآن کریم میباشد وتألیف علی ابن حسن علی کوساری، ازقرّاء امامی‌مذهب است، در۱۷ فصل ویك‌خاتمه مرتب گردیده‌ومؤلف‌ملتزم‌شده که آنچه‌رادراین باب‌سابقین‌لازم بوده ذکر کنند و در مؤلفات خود نیاورده اند در این مؤلفه بیاورد ، در بسیاری مطالب اشعار لامیّه شاطبی ومقدمه جزریّه را درتأیید خود آورده است .
**آغاز :** الحمدُ للهِ العَلِی الذی رَفعَ اهله وخاصةً قرّاءالقرآن‌المجید مکاناً علیّاً شکر وسپاس مرخدایراکه منوّرساخت الخ .

## ۸۰۹

**خلاصة المنهج** این نسخه بخط نستعلیق خوب و آیات قرآن بخط نسخ وباشنجرف بسال ۱۱۱٤ و ۱۱۱۵

نوشته شده، برگهای آخر آب‌دیدگی دارد، ابیاتی فارسی در حاشیه برخی از برگها دیده میشود، یك سرلوح کوچك دارد و صفحات مجدول است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ دولت آبادی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۸۶۰ صفحه ای ۲۵ سطر. طول ۲۹ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸۵۶۸**.

## خلاصة المنهج

این تفسیر تألیف **ملافتح‌الله** کاشانی متوفی بسال ۹۸۸ میباشد (فتح الله بن ملاشکرالله شریف) وچنانکه ازنام آنهم معلوم میشود مختصر تفسیر فارسی بزرك ایشان میباشد که آنرا « **منهج الصادقین فی الزام المخالفین** » نامیده ودرپنج مجلد گزارده (بسال ۱۲۹۶ درطهران چاپ‌شده ودرص ۱۷۷ و۱۷۸ ج ۱ فهرست سپهسالار معرفی گردیده) وتقریباً (۱۸۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

ملا فتح الله از علماء امامیه قرن دهم هجری بوده و شرح فارسی نهج البلاغه بنام « تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین » و ترجمهٔ فارسی احتجاج طبرسی وتفسیر عربی بنام « زبدة التفاسیر » ازمؤلفات ایشانست و قرآن کریم را بفارسی نیز ترجمه کرده است.

شرح حال و مؤلفات ایشان را به ص ۱۶۰ و ۱۶۵ ج ۳ روضات و ص ۱۲۳ - ۱۲۶ و۱۷۷ و۱۷۸ ج ۱ فهرست مدرسهٔ سپهسالار وص ۱۶-۱۷ ج ۲ فهرست مذکور مراجعه نمائید.

خلاصة المنهج دوبار درطهران وتبریز چاپ شده است.

**آغاز:** بسمله حمدی چون کلمات ربّانی بیغایت، شایستهٔ لطیفیست که ازمحض الخ.

### ۸۱۰

**رسم المصحف** این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ (ظاهراً در قرن نهم) وتصریح بنام نویسنده نگارش یافته،

موریانه اطراف آنرا خورده و از قسمت اخیر آنهم چند برگ افتاده است.

جلد تیماجی ـ کاغذ حنائی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۰۵ . صفحه ای ۱۵ سطر . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۲۸۶** .

## رسم المصحف

نسخه زیرین بدین نام در دفتر کتابخانه ثبت شده ، در خود کتاب نامی برای آن دیده نشد ، این نام را ازروی موضوع کتاب بدآن داده اند ، پس ازاینکه طریقه رسم کلمات سوررا (از حمد تاناس) معین وبشرح آن پرداخت کلیه کلماتی را ازقرآن که حرف «ظاء» رادارا است، باسوریکه در آن میباشد معین نموده است.

بامراجعه بفهرستها مؤلف این کتاب ونام اصلی آن شناخته نشد ، ولی نگارنده احتمال میدهد که این نسخه « رسم المصحف » تألیف **محمد بن محمود سمرقندی** مؤلف « المبسوط » باشد که در زیر این نام ازایشان معرفی خواهیم نمود .

طرز انشاء نیز گوید که درقرن هشتم تألیف گردیده ، کلمات نمود ، خوذ ، شوذ ، بیابد ، باشد ، وباید دراین نسخه باذال معجمه نوشته شده ازمفردات مولانا طاهر نام که استاد وی بوده وتاهنگام تألیف این کتاب هم زنده بوده نقلی نموده و زشرح شاطبیه جعبری ( شیخ برهان الدین ابراهیم بن عمر متوفی بسال ۷۳۲) مکرر نقل دارد وحاجی خلیفه درص ۴۲۸ ج ۱ ذیل حرز الامانی گوید ، این شرح جعبری بهترین شروح شاطبیه است :

**آغاز :** بسمله سورة الفاتحه دراین سوره چهارده همزه وصل (کذا) دروصل محذوف است ، بابسمله ودر ابتدا ثابت سیزده مفتوح است ویکی مکسور الخ .

## ۸۱۱

**(روض الجنان) تفسیر ابو الفتوح** این نسخه شامل ده جزء یا ده جلد اوّل این تفسیر میباشد ، بسال ۱۰۵۸ بخط نسخ غلامعلی نام نوشته شده در آخر جزء ششم که آنرا آخر مجلّد اوّل نیز معرّفی نموده یادداشتهائیکه پشت نسخه

نقل شدهٔ از آن بوده نقل گردیده ودر اینجا تصریح شده که تاریخ کتابت اصل سال ٦١٥ بوده وآنانکه از روی آن استنساخ یااز آن استفاده کرده اند نیز هریك درآنجا یادداشت وسال آنرا هم معیّن نموده اند وآخر آنها یادداشت قاضی نورالله شوشتری بسال ۱۰۰۰ هجری درشهر لاهور میباشد وتذکّر داده اند که در مدّت سه ماه بمطالعه و مقابلهٔ آن نسخه موفق گردیده اند و نیز پشت صفحهٔ نخستین جزو هفتم که نویسنده آنرا اوّل مجلّد دوّم معرفی نموده ، یادداشت زیرین نگارش یافته : هذه المجلّد کالمجلّد السابق منقول من نسخه الاصل الذی وقفها علی الروضة الرضیّه الرضویه علی مشرفها الف سلام وتحیّة مرقوم (کذا والظاهر انه غلط والصحیح المرحوم) المرتضی الاعظم السیّد علاءالدین بن سید مظفر بن سید علاء الدین الاثیر (کذا والظاهر انه الناس) من اولاد حمزة بن الامام موسی الکاظم علیه السلام فی خامس ذیحجة الحرام سنة سبعین و ثمانمائه . آیات قرآنی بخط ثلث و ترجمه فارسی آنها بخط نسخ باشنجرف نگاشته شده ، قسمتی از برگ نخستین باقی مانده واین برگ وبرخی از برگهای دیگر وصّالی گردیده وتمام برگها سوراخ شده است.

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۷۱ . صفحه‌ای ۳۱ سطر . طول ٣٦ سانتیمتر . عرض ۲۳ سانتیمتر ، شمارهٔ دفتر **۱٦۳۷۸**.

## روض الجنان = تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی

این تفسیر تألیف شیخ ابوالفتوح (جمال الدین ابوالفتوح **حسین** بن علی بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد خزاعی رازی) است که ازعلماء امامیه ووعاظ قرن

ششم هجری بوده (١) ونسبت وی به بدیل بن ورقاء ازصحابه حضرت پیغمبرص بوده میرسد ومنتجب الدین مؤلف فهرست متولد بسال ٥٠٤ متوفی بسال ٥٨٥ وابن شهرآشوب مازندرانی مؤلف معالم العلماء متوفی بسال ٥٨٨ (٢) بتصریح خود دردو کتاب نام بردهٔ بالاشاگرد وی بوده وهمین تفسیر ومؤلفهٔ دیگر این مؤلف را که « روح الاحباب (٣) و روح الالباب » نام دارد وشرح شهاب الاخبار محمد بن سلامه قضائی است پیش وی خوانده اند ، صاحب روضات در ص ١٨٤ بنقل از ریاض العلماء تألیف رسالهٔ یوحنای بنی اسرائیلی (٤) بفارسی و رسالهٔ حسنیه ( در ایران مکرر چاپ شده ) و تبصرة العوام درملل ونحل ( این کتاب تالیف سید مرتضی الداعی میباشد چند بار درایران چاپ شده ) را نیز بابوالفتوح رازی نسبت داده وجز کتاب اخیر نسبت آن دو رساله را تایید کرده اند و از تفسیر عربی وی که درمقدمه این تفسیر تألیف آنرا وعده داده اند اثری نیست (نگارنده شنیده بود که دانشمند معاصر آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی دام عمره وتوفیقه

(١) آقای قزوینی در ص ٦٣٤ ج ٥ تفسیر ( خاتمة الطبع ) نگاشته اند :
ظن غالب اینست که ابوالفتوح دراواسط قرن ششم هجری وفات یافته ودر ص٦٣٨ تاریخ تألیف تفسیر را میان سال ٥١٠ و ٥٥٦ دانسته اند . نگارنده ازعبارت موجود درآخر نسخه کهنه کتابخانه رضویّه (ج١ص٤٤) استفاده میکند که درهمان سال نگارش (٥٥٦) یا سال پیش ازآن تألیف گردیده است .

(٢) به ص ٦٩ و٢٤٨ ـ ٢٤٩ هدیة الاحباب ومقدمه دانشمند بزرگوار آقای اقبال آشتیانی برمعالم العلما مراجعه گردد .

(٣) نام این کتاب درص ٤٢ ج ٢ امل الآمل « روح الالباب وروح الالباب » ثبت گردیده و نگارنده در ص ١٣٠ ج ١ فهرست سپهسالار آنرا پیروی نمود ولی درفهرست منتجب الدین (ص ٥ در جلد ٢٥ بحار) و ص ٣٦٧ ج٣ مستدرك الوسائل و ص ٢٩٣ کشف الحجب والاستار « روح الاحباب و روح الالباب » ضبط گردیده وآقای قزوینی همین نام اخیررا در خاتمة الطبع ذکر نموده اند و درمعالم العلما فقط بنام شرح شهاب نام برده شده است .

(٤) این رساله بعربی ضمیمه « درّ الثمین فی فضائل امیرالمؤمنین ع » است که بشمارهٔ (١٨٥١) در کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار میباشد وترجمهٔ فارسی آن که ظاهراً انشاء آن درعصر صفویه میباشد نیز ضمیمهٔ کتاب شمارهٔ (٢١٦٣) آن کتابخانه است ودرنجف اشرف درهمین سالهای اخیر ضمیمهٔ احادیث قدسیه عربی آن چاپ سنگی شده است .

مؤلف کتاب بزرگ « الذریعه الی تصانیف الشیعه » بنسخه ای از این تفسیر دست یافته شرحی بایشان عرض و استعلام از واقع نمود ، در جواب مرقوم فرموده اند که من تابحال بدان دست نیافته ام لیکن یکی ازهندیها که بعتبات مشرف شده بود وجود آنرا دریکی از کتابخانه هند خبرداد وبنا شد که نمونه‌ای ازآنرا درمراجعت بدانجا استنساخ وبرای ما بفرستد اما تاکنون نفرستاده است)

این تفسیر یکی از کتابهای بسیار مفید و ادبی و ازیادگار های خوب زبان پارسی است ودرحدود (۱۲۰۰۰۰) بیت کتابت دارد ، ومؤلف آنرا «روض الجنان (۱) نام گذارده و اینك مشهور به « تفسیر شیخ ابوالفتوح » گردیده است ، علامه شهیر آقای قزوینی دام ظله شرح بسیار مفصلی در معرفی ازاین تفسیر و مؤلف آن بنام خاتمة الطبع همین کتاب در فروردین ماه سال ۱۳۱۵ مرقوم و درآخر مجلد پنجم این تفسیر (ص ۶۱۹-۶۵۶) چاپ گردیده وحاوی مطالب زیاد سودمندی میباشد وبسال ۱۳۱۳ شمسی نگارنده در ج ۱ فهرست مدرسهٔ عالی سپهسالار ( ص ۱۲۹ - ۱۳٤ ) نیز شرحی نگاشته ام .

مؤلف خود این تفسیر را در بیست مجلد گذارده ونسخهٔ زیرین نصف این تقسیمات را داراست ، مقدمات بسیار مفید وسودمندی دارد ، دومجلد آن سی و چهار سال پیش از این ( ۱۳۲۳ قمری ) چاپ شده و بقیهٔ آن در سه مجلد از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ نیز درطهران چاپ گردیده است .

**آغاز :** بسمله سپاس خدایرا که بردارندهٔ این ایوانست الخ .

## ۸۱۲

**شرح شاطبیه** این نسخه بخط نسخ و نستعلیق نوشته شده پیداست که دو نویسنده آنرا (ظاهراً در

(۱) درمقدمه مؤلف نامی برای این تفسیرذکر ننموده در فهرست منتجب الدین « روض الجنان وروح الجنان » وابن شهرآشوب درمعالم العلماء آنرا «روح الجنان و روح الجنان » ثبت کرده ناقلین از این دوکتاب همچون شیخ حرعاملی در امل الآمل وصاحب منتهی المقال درآن کتاب ودیگران نیز باختلاف نقل نموده‌اند ،

بقیه حاشیه در صفحه ۲۸

نیمه‌اوّل قرن سیزدهم هجری) نوشته‌اند و از باب ۳۷ آن قسمتی افتاده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۷۹ . صفحه ای ۱۷ سطر . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۱۷۹** .

## شرح شاطبیه

**ابومحمد** ، قاسم‌بن فیره شاطبی (۵۳۸-۵۹۰) ازمشاهیر قرّاء ومحدثین و مفسّرین و ادباء شافعی مذهب واز کوران روشن ضمیر واعجوبه های کم نظیر بوده ، در علم تجوید و قرائت قرآن کریم دو قصیده ( لامیّه و رائیه ) بنام « حرز الامانی ووجه التهانی » و « عقیلة اتراب القصائد فی اسنی المقاصد » انشاء نموده واین دو قصیده مورد عنایت و توجه دانشمندان قرار گرفته و بر آنها شروح بسیار نوشته شده ( کشف الظنون ج ۱ ص ۴۲۸ - ۴۳۰ و ج ۲ ص ۱۲۸ و روضات ج ۳ ص ۱۷۹ - ۱۸۰ ) و در فهرستهای کتابخانهای ایران و کشورهای دیگر نسخی از آنها دیده میشود .

این شرح برحرز الامانی است که ۱۱۷۳ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بَدَئْتُ بِبسم الله فی النظم اوّلا ❀ تَبارَكَ رَحْمانا رحیماً و موئلا.

شارح آن محمد قاسم‌بن‌محسن بن‌علی الحسینی تبریزی است که از قرّاء امامیه درقرن سیزدهم هجری بوده و این شرح را بنام فتحعلیشاه (متوفی بسال ۱۲۵۰) وولیعهدوی عباس میرزا (متوفی بسال ۱۲۴۹) موشح کرده وآنرا دریك مقدمه (درچهار مقصد) و بیست و هفت باب و یك خاتمه مرتب نموده و در حدود ( ۳۲۲۰ ) بیت کتابت آنست .

**آغاز :** بسمله قرائت حمدی که زینت افزای دیباچه صحیفه هرگونه مدعاست الخ .

---

بقیه حاشیه ازصفحه ۲۷

پشت نسخه این کتابخانه هم نویسندهٔ نسخه آنرا « روض الجنان و روح الجنان » شناسانده و استاد علامه آقای قزوینی درحاشیهٔ ص ۶۲۳ ج ۵ ( خاتمةالطبع ) همین نام اخیررا صحیح دانسته ونام دیگررا مصحّف اول گرفته ونقل کردهٔ اند که ابن شهر آشوب در مناقب نام این تفسیر را « روض الجنان و روح الجنان » ضبط کرده است .

**قواعدالتجوید** این نسخه را بسال ۱۲٤۰، بخط نسخ خوب، علی بن معصوم نوشته، مختصر التجوید مؤلف بآن پیوسته است. درحرف میم همین فصل آنرا نیز معرفی میکنیم.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۲۵۰. برگ های قواعدالتجوید ۱۲۴۱. صفحه ای ۹ سطر. طول ۲۰ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۲۰٦٧.

## قواعد التجوید

این کتاب که ازنام موضوع آن نیزمعلوم میشود. تألیف سید **محمود** بن عبدالله موسوی دزفولی است ودر مقدمه آن اظهارنموده که نسبتش به سید رکن‌الدین **علی** موسوی میرسد وازاو بقطب‌العارفین تعبیرنموده وبسال ۱۲۳۸ تألیف آن آغاز و در سال ۱۲۳۹ خاتمه یافته، از مندرجات آن بدست‌میآید که مردی‌دانشمندوامامی‌مذهب‌بوده ،برحسب خواست گروهی‌ازیاران، دراین‌فن کتاب دگر بنام «مختصر التجوید» تالیف‌نموده وپیوست‌نسخهٔ این کتاب میباشد ومعرفی ازآن در حرف میم این فصل‌خواهد شد وچنانکه در ص ۸ گذشت تحفة الاخلاص نیز **همین** کتاب ولی بااندك تصرفی در آنست.

این کتاب دارای یك مقدمه و دوازده باب و خاتمه‌ای میباشد و هر یك از ابواب آن مشتمل بر فصولی چند است، نام آن « قواعد التجوید فی ترتیل القران المجید » میباشد و در حدود ۲۰۰۰ بیت کتابت دارد

**آغاز:** اَلحَمدُللهِ‌الذی جَعَلَ‌القُرآن تِبیاناً لِکُلِّ‌شی ..... اما بعد.. (۱) فیوض ازلی و کمینهٔ بندگان خداوند لم یزلی الخ.

---

۱ ـ کلمهٔ پس‌از اما بعدزیر وصله‌رفته‌ظاهراً **مستمند** بوده‌است.

## ۸۱۵و۸۱۶

**قواعدالقرآن** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ندارد ، ظاهراً درقرن یازدهم نگارش یافته الوقوف والفوائد که درآخر این فصل از آن معرفی مینمائیم بدین نسخه پیوسته است .

جلد تیماجی . کاغذکاهی . قطع‌ربعی . شمارهٔ برگهای این‌نسخه ۴۰ ، الوقوف والفوائد ۲۱۲ . صفحه‌ای ۱۴و ۲۰ سطر . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۲۷۳** .

قواعدالقرآن

یار **محمد**بن خدای‌داد سمرقندی‌این کتاب را درتجوید قرآن کریم موافق قرائت عاصم در ۱۰۰۰ بیت تألیف نموده ودیباچه آنرا بنام عبیدالله بهادرخان که از سلاطین ازبکیه ماوراءالنهر میباشد موشح کرده و آنرا در دوازده باب مرتب نموده ودرآن مکرر ازناصرالدین هروی استاد خویش‌نام برده وفهرست ابواب آن اینست : ۱ـ در بیان استعاذه . ۲ـ مخارج حروف . ۳ـ رعایت کردن مخارج حروف . ۴ـ صفات حروف . ۵ ـ احکام نون‌ساکن وتنوین . ۶ـ متفقات ادغام . ۷ـ مد وقصر . ۸ـ هاء کنایه . ۹ـ تفخیم وترقیق راء . ۱۰ـ وقف‌درآخر کلمه . ۱۱ـ رسم‌الخط وطریقهٔ وقف بر آن . ۱۲ ـ در بیان اختلاف راویان‌عاصم .

**آغاز :** بسمله حمد بیچون وثنای بیعد حضرت قادریرا که قرآن مجید وفرقان حمید برما فرو فرستاد الخ .

## ۸۱۷

**المبسوط** کتاب اوّل این نسخه بخط نستعلیق بسال ۸۶۵ نوشته‌شده ، نویسنده نام خود را نبرده

و دو کتاب دیگر نیز بخط این نویسنده‌است و در ابتداء این کتاب سرلوح کوچکی و درآخر آن تصویر طلائی از حلق و محل تلفظ هریك ازحروف میباشد ، قسم دوم فرش را بسال ۸٦۹ زین‌العابدین محمد نام بخط نسخ نوشته وشاید اصل کتاب هم نیز بخط این نویسنده باشد وطرز نگارش و اوراق آن بدآنگونه است که درمقدمهٔ شرح داده ، درابتداء کتاب دوم نیزسرلوح ظریفی میباشد ، مهرهائی چند ویادداشتهائی پشت برگ نخستین ازمالك های پیشین نسخه موجود و محتاج و صالی میباشد.

اوراق کتاب دوم مشوّش وجا بجا صحّافی شده است .

جلدتیماجی . کاغذ سمرقندی‌حنائی . قطع‌وزیری . شمارهٔ برگها ۱۱۹ صفحه‌ای (مختلف) سطر . طول ۲٦ سانتیمتر . عرض $16\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱٦۵۴۰ .

## المبسوط في القرآآت السبع

این کتاب که بدین نام نامیده شد تألیف محمد بن محمود بن محمد بن احمد بن علی شریف سمرقند همدانی الاصل **حافظ** تخلص میباشد ، بنابتصریح مکرر خویش دختر زادهٔ سید ابوالقاسم محمد بن یوسف الحسینی مدنی سمرقندی (۱) بوده و

(۱) این دانشمند مؤلف خلاصة‌المفتی و مصابیح‌السبیل و نافع (در فروع حنفیه) والملتقط فی فتاوی‌الحنفیه میباشد و صاحب کشف‌الظنون در ص ۴۴۲ و ۵۱۴ و ۵۸۱ ج ۲ سه کتاب اخیر او را نام برده وتاریخ وفات ویرا مختلف (بسال ۵۵٦ و ٦۵٦) نقل کرده و مؤلف «الفوائدالبهیه» درص ۲۱۹ و۲۲۰ این اختلاف را بدون ترجیح نقل کرده ولی مراجعه کننده باین سطرها مسلماً تاریخ اخیر (٦۵٦) را ترجیح خواهد داد .

قرائت را ازقوام‌الدین معروف به فقیه نجم (۱) واز پدر خویش وسراج‌الدین احمد بن علی معروف بسقاء (۲) و از جمال‌الدین یوسف بن عبدالمحمود بن عبدالسلام البتی (کذا فی النسخه) (۳) وعلی‌بن‌محمدبن ابی‌سعیدبن حسنین دیوانی و ازتاج‌الدین علی‌بن ابی‌الیمین معروف به ابن بشاك وفخرالدین احمد بن علی بن احمد کوفی معروف به ابن فصیح فرا گرفته و سلسلهٔ رواة را تاشاطبی وصاحب تیسر در فصلی از کتاب «التسخیر علی طریق‌التشجیر» که دومین جزء از این کتاب میباشد مشجراً ذکر نموده ،

درمأخذیکه نگارنده دردست داشت نام ونشانی که صریحاً تاریخ وآثاردیگر این مؤلف را نشان دهد نیافت جز اینکه بقرینه ای که در این کتاب از شرح شاطبیه تألیف ابو شامه ( عبدالرحمن بن اسمعیل دمشقی ) متوفی بسال ۶۶۵ و شرح شاطبیه تألیف فاسی (محمد بن الحسن بن محمد) متوفی بسال ۶۷۲ مکرر نقل نموده و دانستن تاریخ وفات اساتید و جدّ مادری وی دانست که در اواخر قرن هفتم یا هشتم زندگانی مینموده و مؤلفات زیرین را نیز در این کتاب

(۱) درترجمه شدالازار ( ص ۷۵ـ۷۷ نسخهٔ خطی متعلق بنگارنده ) قوام‌الدین عبدالله معروف بفقیه نجم شیرازی نام برده شده و گوید بسال ۷۷۲ مرده و در ص ۱۲۹ نسخهٔ خطی مذکور، گوید : فقیه نجم‌الدین محمود معلمی مهربان بود و مصحف بنوشت و قرآن بخلق می آموزانید وگفته‌اند که چند هزار مصحف جامع و غیر جامع نوشت . . . . . . و من از ایشانم که قرآن در اول بروی خوانده‌ام ، بسال هفتصد و پنجاه وچیزی از هجرة درگذشت در شیراز .

(۲) درروضات ( ص ۵۱ ج۱) احمدبن علی‌بن مسعودبن عبدالله معروف به ابن سقاء متوفی بسال ۶۱۳ نام برده شده و بایستی همین سراج‌الدین باشد .

(۳) در دانشمندان قرن ششم و هفتم و هشتم مذکور در شذرات‌الذهب بدین نام فقط یك نفر دیده شده و در اینجا ترجمه مختصر آن نگاشته میشود ( در ص ۷۴ ج ۶ درشمارهٔ آنهائیکه بسال ۷۲۶ جهانرا بدرود گفته‌اند ) گوید : ودر این سال جمال‌الدین یوسف‌بن عبدالمحمودبن عبدالسلام بغدادی مقری فقیه حنبلی ادیب نحوی متفقین که قرآنرا بروایات مختلفه قرائت نموده (قرأبالروایات) بدرود زندگانی گفته الخ . وچنانکه بالا نقل شد درنسخه پس ازنام عبدالسلام جدّ وی کلمه بتّی است نه بغدادی ونگارنده تا کنون ندانست که بچه مناسبت ویرا بتی گویند و احتمال دونفر بودن صاحب ترجمه و اسناد مؤلف را دور از حقیقت میداند .

بخود نسبت داده است : ۱و۲ـ العقدالفرید وشرح آن بنام روح المزید(۱) ، ۳ و ٤ ـ عین الترتیل فی‌بیان حروف التنزیل‌در (شرح « کفایة المتعلم فی تصحیح حروف المتکلم» مؤلف‌است) ، ٥ ـ ایضاح الخوالف فی رسم مصاحف السوالف (۲) ، ٦ ـ کشف الاسرار فی رسم مصاحف الامصار (۳) ، ۷ ـ تنبیه القاری فی‌الکلام الباری ، ۸ ـ جمیع نجوم البیان فی وقوف القرآن ، ۹ و ۱۰ ـ الملتقط من‌معانی حرزالامانی فی تجرید التجرید و شرح آن(٤) ۱۱ـ رساله دراختلاف ابی بکربن عیاس و حفص درقرائت بفارسی (٥)و ۱۲ المبسوط فی قراآت‌السبع من‌اضائةالطبع ( همین کتاب ) میباشد .

برای معرفی‌از این کتاب مناسب چنین دیدم که بخشی‌ازمقدمهٔ آنرا که مبین طرز وروش این مؤلفه و تقسیمات آنست باتقید برسم‌الخط‌آن در اینجا بیاورم :

«چون این خللها ادراک کردم واجب‌دیدم درقرآة( کذا)سبعه کتابی‌درغایت اختصار و سهولت بحذف علل واسانید و زواید نوشتن‌که جامع باشد تیسیر و

---

(۱) نسخه ای‌از این کتاب وشرح‌آن در کتابخانه حضرت‌رضا ع موجوداست ( ج ۲ فهرست آنجا ص ۲۳۰ دیده شود ) .

(۲) در ص ۱۷٥ ج ۱ کشف الظنون این کتاب نام برده شده و مؤلف آنرا محمدبن محمد مقری بدون تعیین زمان و عصر وی معین نموده و مسلماً محمد دوم محمود بوده و غلط ثبت شده است .

(۳) نسخه ای بدین نام، بی‌تاریخ نگارش در ص ۲۳۱ ج ۲ فهرست کتابخانه حضرت رضا ع نام برده شده ومؤلف آنرا ابویحیی بن محمد بن محمودالقاری الشیرازی الشافعی‌معین کرده‌ودر کشف الظنون بدین نام کتابی‌نام‌برده‌نشده‌ومأخذ نگارش مؤلف محترم آن فهرست را نمیدانم چیست ولی‌ممکن است تصورنمود که این کتاب ،مؤلفهٔ همین مؤلف میباشد وابو یحیی کنیهٔ وی بوده و کلمهٔ بن میان ابویحیی و محمد زیاد و غلط میباشد و چون در هنگام تحصیل در شیراز آنرا تألیف نموده و مذهب غالب آن شهر در آنروز شافعی بوده خود را شیرازی و شافعی معرفی کرده است والله اعلم .

(٤) همهٔ مؤلفات نام بردهٔ بالا را مؤلف درکتاب المبسوط خویش نام برده و فقط در کشف الظنون نام کتاب ۱ و ۲ و ٥ موجود است .

(٥) نسخه ای از این رساله در کتابخانه حضرت رضا ع موجود است( ص ۲۲۸ ج ۲ فهرست رضویه ) .

شاطبیه را واکرچه شاطبیه نظم تیسیر است ولیکن بعضی وجوه مسائل وابواب در شاطبیه ذکر کرده است که در تیسیر نیست و شاطبیه محتاج شروح است و جماعتی که قصیدهٔ شاطبیه راشرح نوشته‌اند معنی لغات وبیان اعراب ابیات وبیان علل قرآت بطریق نحویان کرده‌اند ودرآن اطناب نموده و زواید بسیارنوشته و طالب بدین سبب از مقصود باز میماند ومقصود صاحب شاطبیه دانستن وجوه قرآت بوده است نه بیان نحو و لغت و علل و این کتاب از برای آن نوشته آمدکه اکر کسی راغب حفظ شاطبیه شود وجوه قرآت ازاینجا بآسانی معلوم تواند کرد و از جمیع شروح مستغنی شود و آنچ مشکلست در شاطبیّه اصول قرآت است وجه فرش بنسبت آسان ترانست اکنون آنچ اصول شاطبیه است برسه نوع شرح کرده‌آمد درسه کتاب در **کتاب اول** اصول قرآت‌را پارسی کردم تا فائدهٔ آن عامة باشد وبفهم اطفال و مبتدی برسد ودر **کتاب دوم** اصول قرآت را مشجر کردانیدم در غایت تبیین و تزیین تا در ذهن صورت بندد در بیست‌ورق ونام این کتاب‌را «التسخیر علی طریق التشجیر» نهادم و در **کتاب سوم** اصول قرآت‌را مجدول کردانیدم درغایت اختصار وابانت ومسائل معدود ومضبوط دریازده ورق بعدازآن شروع کردم در فرش وبردو قسم‌نهادم در**قسم‌اول** هرآنچ کثیرالوقوع‌است ازفرش‌دریك‌ورق بنوشتم تادرفرش بسیار مکرر نباید کردواستحضار آن آسان شود ودرقسم دوم فرش‌را بتمامی بنوشتم برترتیب سور در سی ورق بحسب سی جزو و اول لفظ قرآة (کذا) نوشتم و رموزقرّا در تحت آن و محل خلاف را بسرخی معرب کردم وباز تأکیدکردم به‌بیان حرکات و اعراب‌احتیاط را وبسیار جای اصول را مکرر کردم‌تا باصول بازگشتن‌حاجت کمترافتد» الخ .

مؤلف، کتاب‌اول‌رادرسی(۳۰)باب‌تألیف‌ودیباچهٔ‌کتاب اول‌را که‌بفارسی‌است عیناً بعربی‌انشاء نموده و درآغازکتاب دوم‌گذارده وکتاب سوم را در بیست و چهار باب قرارداده وجز کتاب اول باقی بزبان عربی میباشد و درمقدمه تصریح نموده که‌مجموع این‌سه‌کتاب‌را «المبسوط فی‌القرآة(کذا) السبع‌والمضبوط من اضافة (کذا) الطبع» نام نهادم و اکرخواهی که آنها رااز یکدکر جدا سازی بایستی که قسمت فرش را بهریك منضم داری .

روی هم رفته این کتاب درحدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد . و فقط نسخهٔ دیکری از این کتاب را که بسال ۱۰۱۹ نوشته شده در کتابخانهٔ حضرت رضا ع سراغ دارم (ج ۲ فهرست آن کتابخانه ص ۲۳٤ ـ ۲۳۵) .

**آغاز :** بسمله الحمد لله الذی اذاق قلوب القارئین حلاوة تلاوة الایات . . .
چنین میگوید . . . که چون دیدم جماعتی از حفاظ الخ .

## ۸۱۸ و ۸۱۹

**مختار القراء** این نسخه را بخط نستعلیق **حسن بن احمد حسینی** کاشانی بسال ۱۲۷٤ نوشته و پس از اتمام این کتاب، همین نویسنده «منظومهٔ در تجوید» را از سیّد ابوالقاسم متخلّص به قاری که در همین فصل از آن معرفی میشود ، نوشته و عناوین مطالب هردو نسخه باجوهر قرمز نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگهای این نسخه ٤٤ ، منظومه ٤ . صفحه ای ۱۵ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر
شمارهٔ دفتر **۱٦۱۰۲** .

### مختار القراء

مؤلف در دیباچه خودرا **مختار اعمی اصفهانی** معرفی نموده و کتابرا که مشتمل برمقدمه و دوازده باب و خاتمه ایست ( فهرست ابواب و مقدمه و خاتمه در دیباچه گذارده شده) «مختار القراء» نامیده و ازطرز تألیف و مندرجات آن تشیّع کامل وی ظاهر و هویداست ، در کتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتم ، در ص ۲۳۳ ج ۲ فهرست رضویهٔ ع دو نسخه از این کتاب موجود ، در ذیل یکی تألیف آنرا بسال ۱۲٤۰ معین نموده در صورتیکه نسخهٔ دیگری از این کتاب که بسال ۱۲۳۰ نوشته شده ، نیز در آن کتابخانه میباشد ، بنا براین نمیتوان گفت که مسلّماً در چه سال تألیف شده ، ولی طرز کتاب میرساند که در اوائل قرن سیزدهم هجری انشاء گردیده و در حدود (۱٦۰۰) بیت کتاب آنست .

**آغاز :** بسمله الحمد لله الذی هدانا بنور الایمان . . . . . اما بعد براصحاب سیرت و ارباب بصیرت مخفی نماند الخ .

(۸۱۴)

**مختصر التجوید** نسخهٔ این کتاب پیوسته به‌قواعدالتجوید همین مؤلف است که در ص۲۹ معرفی کردید ، خصوصیات دیگر نسخه‌بدان صفحه مراجعه کردد .

مختصر التجوید

این رساله تألیف سید محمود بن عبد الله دزفولی، ازدانشمندان قرن سیزدهم هجری است که مؤلفهٔ دیگر اورا در ص ( ۲۹ ) معرفی نمودیم ، مؤلف قواعد قرائت قرآن کریم‌راموافق قرائت‌عاصم که درایران هم‌تاکنون معمول میباشد در ده فصل ذکر نموده و از اختلاف قراآت نامی نبرده و بسال ۱۲٤۰ از تألیف آن فراغت یافته و خود نام آن را « مختصر التجوید » گذارده و در حدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** بسمله الحمد لله ربّ العالمین . . . . . اما بعد چنین گوید کمینه درگاه لم یزلی الخ .

۸۲۰

**مفاتح التنزیل** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، دارای سرلوحی ظریف میباشد ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد است ، مسلماً درآخر قرن سیزدهم نگارش یافته وبرک آخرشامل خط مؤلف میباشد .

جلد تیماجی‌ضربی . کاغذترمه . قطع‌وزیری . شمارهٔ برگها ۲۰۱ . صفحه‌ای ۱۹ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۲٦ سانتیمتر . عرض ۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر۱۳۲۰۷ .

## مفاتح التنزیل

**محمود** بن محمدعلوی ناطمی حسنی حسینی حافظ تبریزی که ازدانشمندان وقرّاء قرن سیزدهم هجری بوده ، این کتاب را درقرائت آیات قرآن ومطالب راجعهٔ بآن در یك مقدمه و دوازده باب و خاتمه ای تألیف و بتفصیل زیرین تقسیم نموده و در این مجلد که نخستین مجلد است ده باب را ذکر ودیباچه ای بعربی فصیح برآن نگاشته و باب دهم نیز بعربی است :

**مقدمه** : در کار هائیکه شرع ودین ، درستی قرائت را در آنها شرط نموده و طریقهٔ قرّاء هفتگانه .

**باب اول :** در اخبار راجعهٔ بقرآن و مقام آن در دنیا و آخرت . **باب دوم :** در طرز خواندن قرآن و آداب آن و مطالب راجعهٔ بجمع و تأویل قرآن و غیر از اینها . **باب سوم :** دربیان مطالب راجعهٔ به استعاذه وبسمله. **باب چهارم :** در افتتاح به بسمله و حمد و غیر از اینها . **باب پنجم :** در محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و عام و خاص . **باب ششم :** در بیان اینکه قسمتی از قرآن در وصف اهل بیت و دوستان و دشمنان ایشان نازل گردیده واینکه علم بمعانی خفیهٔ قرآن نزد اهل بیت ع میباشد وسرّ آن وشمارهٔ آیات وقصص و کلمات و حروف قرآن و ترتیب نزول سوره ها و غیر از اینها . **باب هفتم :** دربیان مخارج حروف وصفات آنها و تنوین و نون ومیم ساکنه و اقسام راء ولام و اماله و . . . . وادغام میباشد و در این باب تحقیقات زیادی است . **باب هشتم :** دربیان مدّ وقصر وتخفیف همزه وبیان هاء کنایه است . **باب نهم :** در بیان وقف و ابتداء و اشمام و روم و اسکان ووقف برمرسوم خط . **باب دهم :** در بیان قرائت اهل بیت ع موافق روایات عامه و خاصه و بیان فضائل بعضی از سوره ها وآیات وتعیین مواضع سجده درقرآن کریم. **باب یازدهم :** دربیان قراآت مختلفه میان قراء وروات . **باب دوازدهم :** در بیان آیات کریمه ایست که مرجع و مأخذ بسیاری ازاحکام میباشد و بیان فضیلهٔ نماز و عقاب تارك آنست .

**خاتمه :** دربیان سندقرائت مؤلف و تفصیل مؤلفات او وتاریخ تألیف کتابست .

از مؤلفات این دانشمند کتابی بنام « جواهر القرآن » بعربی میباشد که مؤلف خود آنرا نیز بفارسی ترجمه نامیده و بسال ۱۲۸۷ در تبریز در حاشیه جواهر القرآن چاپ شده است .

در کتابخانه مدرسهٔ عالی سپهسالار زیر شمارهٔ (۱۳۲۹) «ترجمهٔ حیاة النفس» مرحوم شیخ احمد احسائی موجود ، مترجم خود را **محمود** بن محمد تبریزی معرفی و سال ترجمه را ۱۲۳۶ معین نموده و اشاره بصغر سن خویش کرده ولی بسیادت خود اشاره ای ننموده محتمل است که این ترجمه نیز از مؤلف این کتاب باشد ، در کتب سیر و رجال بنام و نشانی از ایشان برنخوردم ولی از شرحی که در آخر این مجلد از مفاتح التنزیل نوشته شده وظاهراً بخط خود مؤلف میباشد، بدست می آید که مقام تولیت مقبره ولیعهد و نائب السلطنه و تدریس وریاست حفاظ و قرّاء و صدور و خطباء آستان قدس رضوی علیه السلام را دارا بوده و بسال ۱۲۹۷ تألیف این ده باب بآخر رسیده و بقیّه ابواب را وعده میدهند که در مجلد دیگر خواهند گذارد ولی تاکنون نگارنده بوجود آن آگاه نشده و شاید تألیف هم نشده باشد .

این کتاب (ده باب آن) در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** بسمله الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب لکل شئ تبیاناً ...... (تا آخر دیباچه) اما المقدمة فیما تعتبر صحة القرائة علی حسب امر الشرع و طریقة القرّاء السبعة المتواتره ، برقلوب صافیهٔ ارباب تحقیق واصحاب تدقیق واضح و هویداست که الخ .

## ۸۲۱ و ۸۲۲

**الملتقط من معانی حرز الامانی و شرح آن**

این نسخه که شامل متن وشرح آنست بخط نستعلیق نوشته شده ، تاریخ ندارد، نگارش نویسنده نسخهٔ شمارهٔ ۸۱۷ میباشد که بسال ۸۶۵ نوشته شده و بدان نسخه پیوسته بوده وجدا گردید .

رونوشت مکتوبیکه مولانا نظام آبادی «محمود بن عبدالوهاب قاضی» بدون الف بفارسی نوشته پشت صفحهٔ نخستین نگارش یافته وپس از اتمام شرح وقوف لازم درقرآن کریم از اول تاآخر در کمتر از

یك صفحه، نویسنده نسخه نگاشته ظاهراً این قسمت نیز از شارح است.
جلد ندارد. کاغذ سمرقندی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۹. صفحه ای ۲۳ سطر. طول ۲۵ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر .

## الملتقط من معانی حرز الامانی و شرح آن

محمد بن محمود بن محمد بن احمد سمرقندی شریف که در ص ۳۱-۳۵ معرفی از ایشان گردید قصیده ای پارسی در تجوید قرآن در ٤٤ بیت انشاء نموده و آنرا «الملتقط من معانی حرز الامانی فی تجرید التجوید» نامیده، پس از آن خود شرحی نیز بپارسی در ٤۰۰ بیت بر آن نگاشته است.

**آغاز متن:** الحمد لله انزل القرآن تنزیلا ..... فی بیان نون الساکنة و التنوین و احکامها

نون ساکن نیز و تنوین بعد از و گر با بود جون بخوانی همجو من بعد او بدل گردد بمیم

**آغاز شرح:** بسمله شرحها ناظمها و هو الضعیف ..... یعنی در بیان نون ساکن و تنوین و احکام آن الخ.

(۸۱۹)

**منظومه در تجوید**

این نسخه پیوسته به نسخهٔ مختار القرّا میباشد که خصوصیّات آن در ص ۳۵ گذشت و بسال ۱۲۷٤ نوشته شده، خصوصیّات دیگر را بدانجا مراجعه نمائید.

## منظومهٔ در تجوید

این کتاب چنانکه در ابیات دیباچه تصریح شده در زمان سلطنت شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) سید ابو القاسم متخلص به قاری این منظومه را در تجوید و قواعد قرائت قرآن کریم انشاء نموده و شمارهٔ ابیات و سال نظم را در این بیت آورده :

[ رشتهٔ این نظم شد برلؤلؤ نیکو خصال ( ۱۰۶۱ یا ۱۰۶۲ ) نام سال]
لؤلؤیه (۸۹) عقد آن نظم لآلی

**آغاز :** بسمله ای کلام از انتظام نام ذاتت بر نظام
وی ز شهد شکرین شکرت زبان شیرین کلام
رحمت عام و سلامت بر روان انبیا خاصه برروح محمد باد و برآل عبا

## ۸۲۳

**مواهب علیه** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، آیات قرآن را باشنجرف نوشته اند ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهراً در قرن یازدهم هجری بوده ، بی غلط نیست ، موریانه کنار برگها را خورده در دفتر کتابخانه بنام جواهرالتفسیر ثبت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ٦۹٦ . صفحه ای ۳۱ سطر . طول ۲۹ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸٦۲۵** .

### مواهب علیّه = تفسیر حسینی

این کتاب تفسیر تألیف ملاحسین کاشفی است که در ص ۲۰-۲۲ بشرح حال ایشان پرداخته شد ، تألیف آن پس از اتمام مجلد اول از جواهر التفسیر میباشد که نیز در ص ۲۰-۲۲ معرفی گردید ، درمقدمه تذکر داده که چون بپایان رسیدن جواهرالتفسیر بسیار طول میکشید برای مطالعهٔ امیر کبیر **امیر علی شیر** بتالیف این تفسیر پرداختم وازآن ترجمه تعبیر نموده ودرطرز آن گوید :
«ودرین ترجمه بعد ازملاحظهٔ حذف و اضمار وتخصیص وتعمیم ومجاز واضح آیت بروجهیکه شامل بعض از وجوه تفسیری باشد ، مذکور خواهد شد وازاسباب نزول وقصص انبیاء علیهم السلام آنچه واضح واشهرست بطریق خیرالکلام سمت ذکر خواهد یافت وبرخی از سخنان ارباب تحقیق تلفیق خواهد پذیرفت واز قراآت معتبره روایت بکروعاصم رحمهماالله که درین دیار صفت اشتهار ورتبت

اعتبار دارد ثبت میگردد وبعضی از کلمات حفص را باّاو مخالفتست و معنی سخن برسبب آن اختلاف تغییر کلی می‌یابد اشارت میرود » الخ .

بسال ۸۹۷ تألیف آن شروع و در ۸۹۹ بپایان رسیده ، بسال ۱۲۰۶ در هند وبسال ۱۳۰۷ درطهران چاپ شده ودرص ۳۸۰ ج ۲ کشف الظنون نوشته : ابوالفضل محمدبن ادریس بدلیسی متوفی بسال ۹۸۲ این تفسیر را بترکی ترجمه کرده است .

(۸۱۶)

**الوقوف والفوائد** این نسخه بنا برتصریح در آخرقسمت سوم آن بسال ۱۰۹۴ نوشته شده ، نویسنده خود را منوچهر الفارسی معرّفی کرده ، پشت صفحهٔ نخستین وبرورقیکه در آخر نسخه است اخباری راجع بشمارهٔ آیات و غیر از آن همین نویسنده نگاشته و مسلّماً وقوف سجاوندی(۱) نیست .

خصوصیّات دیگر نسخه را در ص ۳۰ نگاه کنید .

## الوقوف والفوائد

این کتاب چنانکه درابتداء قسمتی از آن تصریح گردیده ، تألیف **حسین بن محمد** ؟ میباشد که بشهادت این مؤلفه از دانشمندان امامی مذهب و پس از قرن نهم بوده ومشتمل برسه قسمت است : ۱ - وقوف کلمات قرآن کریم

(۱) پشت برگ نخستین این قسمت نویسنده ای کلمه « سجاوندی » رانوشته وتصوّر نموده که این کتاب وقوف سجاوندی میباشد ولی مسلّماً آن کتاب نیست و در حواشی آن عباراتی در توضیح مطالب متن از وقوف سجاوندی وشرح جعبری (برهان‌الدین ابراهیم بن عمرجعبری یکی ازشراح شاطبیه میباشد وبنقل حاجی خلیفه بسال ۷۳۲ وفات کرده است و شرح خود را بسال ۶۹۱ تألیف کرده است . ) نقل گردیده است .

از اول تا بآخر . ۲ ـ فوائد متفرقه راجعهٔ بقرآن از جواهرالتفسیر و شرح شاطبیه حافظ طاهر اصفهانی وشرح شاطبیه فارسی . ۳ ـ رساله درشمارهٔ آیات سور واختلاف درآنها . ونویسنده درآخر گوید که ازنگارش وقوف و فوائد فراغت یافته بنابراین بدین نام آنرا معرفی نمودیم .

**آغاز :** (۱) بسمله این فقیر حیران**حسین** بن محمد و قیه‌الله کیدالشیطان میگوید که چون خواستم که این فوائد را الخ .

# ادعیه و اذکار

## ۸۲۴

**احسن‌الدعوات** اصل این نسخه کهنه وشاید خط همان اوان که تألیف گردیده باشد ولی دو برگ از آغاز وسه برگ از انجام آن نونویس و درآخر آن این رقم : (۱۱۸) که باتوجه بسال تألیف تقریبی مردّد میان ، ۱۱۸۰و۱۱۰۸ خواهد بود نگاشته شده ونگارنده از مشاهده نسخه سال ۱۱۰۸ را

(۱) این آغاز که دراینجا نقل گردیده از قسمت سوم کتابست ، وقوف و فوائد بعربی نگاشته شده وآغاز وقوف اینست :

سورهٔ فاتحةالکتاب مدینة و یقال مکیة وهی سبع آیات حروفها مائة وثلث وعشرون و کلامها خمسة وعشرون سبع‌القرآن من‌هنا الی صدورا بسم‌الله الرحمن الرحیم‌لب مک . العالمین‌لا . الرحیم‌لا . الدین‌ط . نستعین‌ط . المستقیم‌لا‌خب . الخ .

ترجیح میدهد ، حواشی برخی ازبرگهای اصل هم و ّصالی گردیده وعناوین باشنجرف است .

جلد میشن دور تیماج . کاغذ حنائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٦٠٩ . صفحه‌ای ١١ سطر . طول ٢٦ سانتیمتر . عرض ١٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **١۴١٧٧** .

## احسن الدعوات

این کتاب که درحدود (١٣٠٠٠)بیت کتابت داردشامل ادعیه واذکاریست که ازاهل بیت عصمت وطهارت علیهم‌السلام نقل گردیده، گروهی ازدانشمندان شرح مختصری بفارسی درفوائد وطریقهٔ آنهابرای استفاده **احسن‌الله** (١) مخاطب به **ظفرخان** که ازوزراء قرن یازدهم هندوستان بوده وبسال ١٠٧٣ درلاهور وفات یافته (٢) نگاشته‌اند واین وزیرآنهارا بدون ترتیب خاصی که دراینگونه کتب میباشد مرتب ننوده ، **علی رضای حسینی** که از علماء امامیه بوده در هنگام تألیف و تنظیم این کتاب بهندوستان مسافرت کرده و بخواست آن وزیر دانشمند برآن دیباچه ای نگاشته و تذکر داده که حضورشان معروض افتاد که اجازه فرمایند این کتاب چون مؤلفات علماء و دانشمندان به ابواب و فصولی چند تقسیم و مرتب گردد ، فرمودند بهمین طرز که نگاشته شده باقی باشد بهتر است تابا مؤلفات بزرگان فرقی داشته باشد و نیز در آنجاست

(١) شرح حال مختصری از ایشان در ص ٥٤ شمع انجمن نگاشته شده و در ترجمهٔ فارسی آثار الشیعه ج ٤ ص ١٦٨ بنقل از تاریخ فرشته و حدیقة العالم نیز مختصری میباشد و در تذکره خوشگو ( برگ ٧ و ٨ نسخهٔ خطی مدرسه عالی سپهسالار ) شرح حالی از احسن‌الله خان با ذکر نسب و حسب و نقل اشعاری از او درج گردیده وگر آنجاست : صاحب دیوان ومثنوی میباشد واز اشعار شعرائی که با او مربوط بوده‌اند چون : صائب ، قدسی ، کلیم ، غنی ، میرزا رضی ، دانش و میرصیدی بخط خود انتخابی نموده و تذکره ای ترتیب داده و من همان نسخه را پیش « شاه عیان » نام دیده ام . نقل ازتذکرهٔ خوشگو به آخر رسید .

(٢) این تاریخ را فقط در تذکره خوشگو یافتم .

که این وزیر دین پرور و دانش پژوه در عنفوان جوانی از هیچگونه ملاهی و مناهی خود داری نداشت و با اینکه در دل ایمان داشت از هیچ مخالفتی با قوانین دین فرونگذاشت و پیش خود برآن شده بود که تا یکی ازمعصومین ع را در خواب زیارت ننماید توبه نکند ، شب دوشنبه ۲۳ جمادی الاولی سال ۱۰٦٤ حضرت پیغمبر اکرم ص ع را درخواب زیارت کرد وبردست ایشان توبه نمود و در تاریخ آن این قطعه انشاء شده :

«ظفرخان خواب دید ازبخت بیدار که بر دست رسول آورد انابت
برای خواب خود تاریخ میجست خرد گفت « آگهی بوده بخوابت »:

سید محمد صدیق خان بهادر در کتاب شمع انجمن بدین گونه این وزیر را معرفی نموده : **احسن** - میرزا احسن الله مخاطب بظفرخان بن خواجه ابوالحسن تربتی در عهد اکبر پادشاه وارد هند شد و بوزارت شاهزاده دانیال و دیوان دکن اختصاص یافت ، چون جهانگیر پادشاه سریرآرا شد بتفویض وزارت علی و منصب پنجهزاری ممتاز ساخت ودر سنه ۱۰۳۳ حکومت کابل ضمیمهٔ وزارت گردید ، چون خواجه ودیعت حیات سپرد ظفر خان را صوبه کشمیر مفوّض گردید و منصب سه هزاری و عَلَم ونقّاره مرحمت شد ، صاحب جوهر وجوهر شناس بود سری بصحبت وتربیت ارباب کمال داشت افتخارش همین بس است که مثل میرزا **صائب** مادح آستان اوست ظفرخان چند جا درمقاطع غزل میرزا را یاد میکند از آنجمله است :

طرز یاران پیش احسن بعداز این مقبول نیست
تازه گوئیهای اوازفیض طبع صائب است

دیوان مختصری از ظفرخان مطالعه افتاد این چند گوهر شاهوار از خزینهٔ طبع اوست .... الخ » . و نیز در ص ٥٥ شمع انجمن ( چاپ سال ۱۲۹۲ ) پسر احسن‌الله که میرزا **محمد طاهر** نام و**آشنا** تخلص داشته وبسال ۱۰۸۱ رخت بآن جهان کشیده با ابیاتی از او معرفی گردیده است .

**آغاز** : الحمدُ لله الّذی جَعَلَ الدُّعاء ..... **اما بعد** برهمگنان ظاهر است که کلب آستان علی عمران احسن الله ملقب بظفر خان احسن‌الله حاله و نوّر باله خلاصه عمر و نقد اوقات صرف صحبت و خدمت علماء و فضلا و صلحا و اتقیا نموده الخ .

**ترجمه صحیفه سجادیه**

این نسخه را بسال ۱۰۸۰ محمد رفیع بن عبدالرحمن اشرفی بخط نستعلیق نوشته و عبارات صحیفه بخط نسخ میباشد ، پس از این رساله مؤلف را که در احکام دعا بفارسی تألیف شده نگاشته (از این رساله درهمین فصل معرّفی میشود) و دارای یك سرلوح کوچك زیباست و برگها بجدول بطلا و لاجورد میباشد ، بعضی از برگهای آن جابجا واوراقی از آن افتاده وبر کنار برگها تعلیقاتی ازمیرداماد وغیره نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها (۲۲۸) رساله ضمیمه (۲۱) صفحه ای (۱٤) سطر . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۲۹۲** .

## ترجمهٔ صحیفهٔ سجّادیه

صحیفهٔ سجادیه ٥٤ دعاء مأثور ازحضرت امام زین‌العابدین علی‌بن‌الحسین بن علی‌بن ابی‌طالب علیهم‌السلام (۳۸-۹٤ ه) (۱) میباشد که مشتمل برمضامین عالیه و مطالب نافعه و دقائق رشیقه است و عموم مسلمانان بنظر اهمیت بدان نگاه میکنند ، گویند که حجةالاسلام غزّالی آنرا زبور (۲) وانجیل اهل بیت

(۱) وفیات‌الاعیان ج ۱ ص ۳۲۰ ، تذکرةالائمة ص ۱۳٦ ، ج ۱ فهرست سپهسالار ص ۳٥و۳٦ ، روضات ص ۱۹۸ ، کشف‌الحجب ص ۱۱٦ و۳٤۳ و۳٤٤ ، لؤلؤ البحرین ص ۸٤ و فهرست معارف ج ۱ ص ۳۸ - ٥۰ این کتاب ومنشی آن معرّفی گردیده .

(۲) عبدالرحیم‌بن محمد حسین موسوی شهرستانی بسال ۱۱۱٥ شرحی برصحیفهٔ سجادیه بنام « شفاءالصدور فی‌شرح‌الزبور » نگاشته و نسخه‌ای از آن که بسال ۱۱۱۷ نوشته شده ، در کتابخانه آصفیه (ص۲٤و۲٥ ج۳) موجوداست .

نامیده وحاجی نوری درص۳ ۱ ٥ ج۳ مستدرك الوسائل فرماید که صحیفه سجادیه را اخت القرآن نامند چنانکه نهج البلاغه را اخ القرآن خوانند ، در مجله دیگر معرفی کامل از صحیفه سجادیه خواهد شد و نام شروح و ترجمه های آنرا که بیش از پنجاه میباشد خواهیم برد .

این ترجمه را **محمد صالح** بن محمد باقر قزوینی (۱) معروف به **روغنی** نموده ودر مقدمهٔ آن گوید : « پیش ازاین بترجمه وشرح فارسی صحیفهٔ سجادیه کسی مبادرت ننموده بود جز شیخ الاسلام مولانا بدیع الزمان قهپائی واین شرح بر فوائد خوب محتویست و البته از افادات سید استاد میرمحمد باقر داماد خالی نیست» و خواسته آنرا مختصر نماید ولی ازاین کار منصرف شده وبدین ترجمه پرداخته و در همینجا تذکر داده که پیش ازاین برصحیفه شرحی عربی نگاشته و ترجمه دیگری از آن که الفاظ عربی ادعیه را ندارد و بترجمه فارسی آنها قناعت گردیده ، بخود نسبت داده است (۲)

ودیگر از مؤلفات وی ۱ ـ شرح فارسی برنهج البلاغه (۳) ، ۲ ـ ترجمه توحید مفضل (٤) ، ۳ ـ ترجمه عیون اخبار الرضا (٥) ، ٤ ـ شرح فارسی بردعاء سمات ، ٥ ـ مقامات ، ٦ ـ شرح بعضی از اشعار مولوی ، ۷ ـ رساله در بیان خوردن آدم از شجرهٔ منهیّه و ۸ ـ رساله در احکام و شرائط دعا و احکام آن میباشد .

مترجم ازآغازتاانجام کتاب را بتدریج نقل نموده وپس ازآن بترجمه فارسی آن پرداخته واین کتاب در حدود ( ٥٠٠٠ ) بیت کتابت دارد و پیش از سال ۱۰۸۰ تألیف گردیده است .

**آغاز:** بسمله یاالله یا سمیع الدعا .... میگوید فقیر رحمت رب غنی

---

(۱) محمد صالح قزوینی روغنی از علما و فضلاء امامیّه در قرن یازدهم هجری بوده وصاحب امل الآمل که معاصر آنجناب میباشد درص٦٤ ج ۲ آن کتاب از از ایشان معرفی نموده ودرروضات ص۸ ٤٠ بنقل ازآن کتاب نیزاین عالم معرفی گردیده ودر کتابی نیافتم تاچه سال زندگانی مینموده درص٤ ۱ جلددوم فهرست مدرسه عالی سپهسالار حدسی زددام .

(۲) در امل الامل فقط یك ترجمه صحیفه سجادیه بایشان نسبت داده شده و از شرح عربی و ترجمه دیگر آن نام برده نشده است .

(۳ و ٤ و ٥) در ج ۲ فهرست مدرسه عالی سپهسالار ص ٦۳ـ٦٦ و ج ۱ ص ۲۲۳و ۲۲٥ ازاین مؤلفات مفصّلاً معرّفی گردیده است .

محمد صالح بن‌محمد باقر قزوینی ، دیرپست بعضی‌ازاخوان مخلص که بلغت عرب معرفت کامل ندارند الخ .

## ۸۲۷

**جمال الصالحین** این نسخه بخط نستعلیق وعبارات ادعیهٔ آن بخط نسخ نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده ندارد ، ظاهراً درقرن ۱۲ هجری نوشته شده ، کنار برگهای اوّلیّه وکمی از آخرین برگ وصّالی شده، یادداشتی که بسال ۱۲۸۰ نوشته شده پشت برگ نخستین میباشد و نیز چندین مهراسم بر آن زده شده ویادداشتی را هم از آنجا محو کرده اند .

جلد میشن ضربی مقوائی . کاغذ کاهی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۲۳۰ . صفحه ای ۱۸ سطر . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۳۴۱** .

### جمال الصالحین

این کتاب تألیف حسن بن ملاعبدالرزاق لاهیجی میباشد ، در کتب سیر نام ونشان کاملی (۱) از ایشان نیافتم، حضرت استاد علامه آقای محمدطاهر تنکابنی که‌از معاریف حکماء این عصر میباشند در بارهٔ ایشان گویند : اگر ازپدر برتر نباشد کمتر نخواهد بود و دو کتاب « مصابیح الهدی و مفاتیح المنی » ودو رساله

(۱) صاحب روضات در ص ۳۵۲ و ۳۵۳ ذیل نام پدر از ایشان نام برده و گوید ازشاگردان خوب وی بوده است ودرص ۹۹ راهنمای قم گوید که میرزا حسن فرزند مولی عبدالرّزاق لاهیجی ازعلمای جلیل است ودر قم تدریس مینموده و قبر وی درجنوب شرقی قبرستان قم است واز مؤلفات وی شمع الیقین و جمال الصالحین را نام برده است .

در مسائل مختلف فیه حکمت بفارسی و عربی (۱) و کتاب شمع الیقین (۲) ایشان که در علم کلام میباشد و مخصوصا در مبحث امامت آن که باکمال بسط باادله قاطعه نگاشته شده این ادعا را تأیید مینماید و مؤلفات دیگر نیزدارند.

جمال‌الصالحین چنانکه از فهرست ابواب آنهم بدست میآید کتابی است در اعمال دینی و آداب اجتماعی و اخلاق بنقل از اخبار ائمه اثنی عشر علیهم صلوات‌الله ودرحدود (۱۲۰۰۰) بیت کتابت دارد، سال تألیف آن در قطعه ایکه پشت نسخهٔ خطی متعلق به نگارنده نگاشته شده این بیت است:

شنیدم از مصنف سال تاریخش چنین میگفت

جمال الصالحین مجموعه شد آداب ایمان را

بنابراین تألیف آن بسال ۱۰۶۳ یا ۱۰٦٤ بوده، مؤلف خود آنرا بر دیباچه و یك مقدمه و دوازده باب و خاتمه ای بتفصیل زیر تقسیم و هر یك از ابواب‌را بچند فصل‌قسمت نموده ومجموعاً ۱۳۲ فصل‌دارد:

**مقدمه:** دربیان احادیثی چند که موجب رغبت ومیل باعمال‌نیکو وکراهت از معاصی و اعمال ناشایسته است.

**باب اول:** در فضیلت عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات رذیله ومناهی و معاصی و دوای گناهان در ١٤ فصل.

**باب دوم:** در تنظیف بدن وجامه از کثافات ظاهری و باطنی و تطهیر جسد ودل از کدورت و احداث باطنی در ده فصل.

**باب سوم:** در فضائل نماز و متعلقات آن و ذکر بعضی ادعیه مخصوصه وفضائل قرآن در ١٥ فصل.

**باب چهارم:** در فضائل ذکر و دعا و احکام متعلق بآنها در ده فصل.

**باب پنجم:** در آداب عادات و مجاری احوال و سائر جزئیات و سوانح افعال در ١٢ فصل.

**باب ششم:** درحقوق و اموال ورعایت احوال عیال در ١٠ فصل.

**باب هفتم:** درفضائل روزه واحکام متعلقه بآن از آداب و فضل اعتکاف ومتعلقات آن در ده فصل.

**باب هشتم:** دراعمال شهور واعوام و لیالی وایام در ١٢ فصل.

---

(۱) مفاتیح الهدی و رسالهٔ فارسی در مسائل مختلف فیه حکمت را حضرت استاد آقای تنکابنی دام ظله دارند.

(۲) این کتاب بفارسی است ودر تهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شده است

**باب نهم :** درفضائل تزویج وآداب آن و کراهت عزوبت واحکام متعلق بآن در دوازده فصل .
**باب دهم :** درآداب سفر واحکام متعلق بآن در ۱۰ فصل .
**باب یازدهم :** درفضائل حج وعمره وزیارات در ده فصل .
**باب دوازدهم :** دراحکام متعلق باموات وزیارت قبورمؤمنین پس ازوفات ایشان در ده فصل .
**خاتمه :** درمواعظ ونصائح وفوائد متفرقه .
**آغاز:** الحمد لله ربّ العالمین حقّ حمده وصلّی الله علی محمّد وآله الطاهرین **اما بعد** چنین گوید احوج عباد الله الی ربه الخ .

**۸۳۷**

**خزائن الجواهر** این نسخه بخط نسخ نوشته شده ( ظاهراً در قرن دوازدهم هجری ) ، نویسنده ازخود و سال نگارش نام نبرده ، شامل فاتحه وچهار خزینه میباشد (۱ - دراعمال ماه رجب ، ۲ - اعمال ماه شعبان ، ۳ - اعمال ماه رمضان و در این خزینه بسیاری از احکام روزه را تذکر داده و راجع بشب قدر تحقیقات کامله ای دارد ، ٤ - در اعمال ماه شوال و در آخر این خزینه اعمال و ادعیه عید نوروز را ذکر نموده است ) و هریك از فاتحه و خزینه ها بچند باب تقسیم گردیده و پس از این براوراق ننوشته‌ای که‌نسخه داشته ، دوازده امام خواجه نصیر طوسی وانتخابی از آیات سورقرآن کریم ( ازفاتحه تاناس ) نوشته شده و برحاشیهٔ این قسمت اخیر نسبت انتخاب این آیات بحضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام داده شده ونسبت دهنده گوید که

این آیات شامل اسماء اعظم الٰهی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۲۸ . صفحه ای ۲٤ سطر . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۷۱۸**.

## خزائن الجواهر

این کتاب تألیف **امیر محمد حسین** بن امیر محمد صالح بن امیر عبدالواسع حسینی خواتون آبادی اصفهانی میباشد که از افاضل علماء اواخر عصر صفویّه(۱) بوده و مادرش دختر علاّمه مجلسی است ودر این کتاب مکرر از ملا محمد باقر مجلسی که نام برده ، خود را پسر دختر وی معرفی کرده(۲) ، پس از علامه مجلسی امامت جمعهٔ اصفهان با یشان برگزار گردیده و تا کنون نیز در این خانواده میباشد، در اواخر شیخ الاسلام شد ، صاحب روضات مؤلفات زیر را با یشان نسبت داده اند: ۱ ـ **سبع المثانی** در زیارات ائمه نجف و کربلا و بغداد و سرّ من رأی ، ۲ ـ **وسیلة النجاح** در زیارات از راه دور . ۳ ـ **النجم الثاقب** فی اثبات الواجب . ٤ ـ **الالواح السماویه** در اختیارات ایام هفته و سال . ٥ ـ **کلمة التقوی** در حرمت غیبت ،

---

(۱) صاحب روضات در متن کتاب ص۳۰ ـ ۳۲ ج۲ گوید از علماء اواخر عصر صفویه بوده و شاید تا زمان نادرشاه انشار مانده باشد و چنانکه زبان زد مردم است چون رضای خدا را بر رضای بنده ترجیح داد مانند جدّ خویش شهید گردید، حاجی نوری درفصل پنجم «الفیض القدسی» ایشانرا نام برده و گوید که نادرشاه درآغاز کار میخواست که غیر ایرانیها رابیهانه اینکه درمذهب مخالف ایرانیان اند باستناد بمذهب بکشد و مال آنها را ببرد چون باصفهان آمد خواست که میر محمدحسین بر جواز این کار فتوی دهدسیّد امتناع نمود و نادر را بدآمد . و صاحب روضات نیز در حاشیه ص ۳۱ ج۲ گویند : « محمد رضاالتونی بخط خویش پشت کتاب « النهایه فی شرح الهدایه» مؤلفهٔ خود که درنحو میباشدنکاشته اند که وفات شیخ الاسلام و سلیل المیرمحمدحسین پسر خواهر ( حاشیه زیر خوانده شود ) مولانا محمد باقرمجلسی شب دوشنبه ۲۳ شوال بسال ۱۱۵۱ وفات یافت و روزجمعه همان هفته جسد ایشانرا بمشهد(خراسان) حرکت دادند .

(۲) مسلّماً و بدون شك امیرمحمد حسین پسر دختر مرحوم محمد باقر مجلسی بوده و کلمه خواهر درحاشیه روضات از سهو نویسندهٔ آنست .

۶ ـ **مفتاح الفرج** دراستخاره، ۷ ـ **حاشیه** برشرح جدید تجرید، ۸ ـ **حاشیه** برشرح لمعه ( صاحب روضات گویند : ازاین تعلیقات وی کمال وقدرت علمی ایشان آشکارا میشود وبدست می‌آید که مرتبهٔ عالیهٔ اجتهادرا دارا بوده است)، ۹ ـ **کتاب** درنکاح عبدین(صاحب روضات گوید : این کتابی بزرگ میباشد و درآن گذشته از احکام نکاح دو بنده بایکدیگر مطالب و فوائد بسیار گذارده شده و بقرینهٔ اینکه مطالبی از آنجا نقل نموده معلوم میشود که آنرا در دست داشته است) ، ۱۰ ـ **رساله** در بداء، ۱۱ ـ **رساله** در خمس و زکوة و لقطه، ۱۲ ـ **حاشیه** بر معالم الاصول، ۱۳ ـ **حدائق المقربین** ، ۱۴ ـ **خزائن الجواهر** وآثار دیگری است (۱) .

برای شناساندن این کتاب بهتر آن دیدم که بخشی ازدیباچه آنرا در اینجا بیاورم که هم طرز انشاء آن بدست داده شود وهم از آن معرفی گردیده باشد و آن اینست :

« غرض اصلی ازایجاد انسان که نخبه نتایج وارکانست معرفت خداوند کریم غفّار و عبادت حکیم علی الاطلاق است جلّ شانه و بمقتضای إنّ عِدّةَ الشُّهور عِندَالله اثنا عَشَرَشَهْراً فی کتاب‌الله ایام و لیالی شهور اثنی عشر و اصل شهور بایکدیگر بحسب رتبه متفاوت وبرای هریك وظائف متعدده از صلواة و صیام و اذکار و اوراد و ادعیه بسیار وارد شده و علماء امامیه رضوان الله علیهم دراین باب کتب متعدده تألیف نموده‌اند ولیکن اکثر آنها بلغت عربی و عامهٔ خلق ازعمل بمضمون آنها باین جهت محرومند و بعضی که بلغت فارسی تألیف شده اکثر آنها در نهایت اختصار است لهذا این فقیر حقیر حسب‌الامر بعضی که اطاعت ایشان بر این فقیر متحتم بوده بتألیف این کتاب اقدام نموده و آنچه دراین باب از کتب اصحاب بنظررسید در این کتاب درج نمود وآنچه

(۱) از آنها اجازه مفصلی است که به زین الدین خوانساری داده و معروف به « مناقب الفضلا» گردیده و در آن بسیاری ازمطالب را متذکر شده اند ، مخصوصاً چون در هنگام حمله افغان باصفهان در قریه خاتون آباد از ناحیه جی از توابع اصفهان نگارش یافته وازجریان انقلاب دور بوده بسیاری ازوقایع آن روزگاررا ثبت نموده وصاحب روضات گوید که دراین کتاب بسیاری از مطالب آنرا نقل کرده‌ام

و دیگر مجموعه ایست که شامل حال بسیاری از علما و دانشمندان و مطالب سودمندی بنام « وقایع‌السّنین» میباشد ، نسخه از آنرا که بخط خود ایشان بود دراین روزها دیده‌ام و شاید جزء کتب این کتابخانه گردد .

از مسائل شرعیه که متعلق بهرمقامی بود بتفصیل آنرا بابعضی از فوائد که از کتب اصحاب استفاده نموده باآنچه بخاطر فاتر این شکسته قاصر رسید اضافه نمود و این کتاب مسمی گردید **بخزائن الجواهر السلطانی** و مرتب ساخت برفاتحه ودوازده خزینه وخاتمه الخ ».

صاحب روضات و حاجی نوری ازمناقب الفضلای مؤلف نقل نموده اند که بیشتر از خزینه های این کتاب تألیف گردیده وفقط قسمتی از آن که راجع بهماههائی است که اعمال دینی آنها کمتر میباشد نگاشته نشده ولی نگارنده با تفحص در فهرستها بیش از چند خزینه که نسخه این کتابخانه ( ٤ خزینه ) شامل آنست ، بقیه را سراغ نیافت و این قسمت در حدود (٤٥٠٠٠) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** بسمله جواهر خزائن ثنائیکه زیب و زینت بردوش شاهدان حجال عالم ملکوت الخ :

( ۸۳٦ )

رساله

در احکام دعاء

این نسخه بخط نستعلیق و ادعیهٔ آن بخط نسخ محمد رفیع بن عبدالرحمن سید اشرفی بسال ۱۰۸۰ نوشته شده و در آخر ترجمهٔ صحیفهٔ سجادیه مؤلف میباشد که در ص ٤٥ معرفی گردید و مجدول بطلا وزنکار وشنجرف است .

خصوصیات دیگر در آن صفحه ذکر گردیده است .

رساله در احکام دعاء

در ص ٤٦ زیر شرح حالی محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی گفته شد که از مؤلفات ایشان رساله ای در احکام دعامیباشد ، مؤلف این رساله را از اخبار کتاب کافی بفارسی در ۲۲ باب ویك مقدمه وخاتمه ای در (۵۰۰) بیت تألیف نموده است. ( آقای جواهر کلام در ص ٤٦ ـ ۵۰ ج ۱ فهرست معارف تألیف این رساله را

به ملا محمد استرابادی کاتب نسخه نسبت داده اند ومسلّماً سهواست) .

**آغاز :** بسمله این رساله ایست در احکام متعلق بدعا ودر اول کتاب (۱) بآن وعده شده بود و اکثر این فوائد از کتاب کافی مأخوذاست الخ .

## ۸۲۹

### زادالمعاد

این نسخه‌را عبدالوهّاب نام بخط نسخ خوب بسال ۱۲۶۰ نوشته ، ترجمه فارسی ادعیه و زیارات وعبارات که بعربی بوده با شنجرف بخط نستعلیق نگارش یافته ، ازعبارات آخر کتاب برمی آید که بامر یکی از دانشمندان هندوستان این نسخه نوشته شده وسرلوح زیبای اوّل کتاب و تذهیب صفحهٔ دوم وجلد سازی آن ثابت میکند که نویسنده ونقّاش وصحّاف آنهم هندی بوده ، میان سطرها طلا اندازی شده وصفحات بجدول بطلا ولاجورد وزنگار است :

جلد چرمی مکلّل . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۹۸ . صفحه‌ای ۱۹ سطر. طول ۳۳ سانتیمتر. عرض ۲۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۹۶۴** .

زادالمعاد

این کتاب یکی از مؤلفات علّامه مجلسی است (۲) ( محمد باقربن محمد تقی بن

(۱) دردیباچهٔ ترجمهٔ صحیفه ، مؤلف وعده نموده که پس ازاتمام ترجمه رساله ای دراحکام دعاء تألیف نماید، هر کس بخواهدآنرا جداگانه نگاهدارد وهر کس نخواهد ازاین ترجمه جدا نسازد .

(۲) شرح حال مجلسی در ص ۱۱۸ - ۱۲۲ ج ۱ روضات و ص ۶۰ ج ۲ امل الآمل مفصّلا ذکر شده و حاجی نوری رساله ای بنام « الفیض القدسی فی احوال المجلسی» با کمال‌تفصیل با ذکر اساتید وشاگردان وآباء و اجداد وابناء وعشیره ایشان تألیف‌نموده و در ابتداء ج ۱ بحارالانوارچاپ شده است .

مقصود علی مجلسی ۱۰۳۷ $\frac{۱۱۱۰}{۱۱۱۱}$ (۱) ) که ازمعاریف ومشاهیرعلماء امامیه بوده و مقام شیخ‌الاسلامی ایران و امامت جمعه اصفهان را در زمان شاه سلیمان تا اواخر شاه سلطان‌حسین صفوی داشته ودرترویج مذهب امامیّه سعی و کوشش فراوان نموده ، حاجی‌نوری‌ره دررسالهٔ «فیض‌القدسی فی‌احوال‌المجلسی» سیزده مؤلّفهٔ ایشانرا که بعربی بوده و یکی از آنها ۲۵ یا ۲٦ مجلد بحارالانوار(۲) میباشد و پنجاه و سه کتاب و رساله بفارسی را که تألیف نموده‌اند یك بیك با ذکر موضوع و شمارهٔ ابیات هریك نام برده‌اند و نگارنده شش مؤلفهٔ ایشان را در ج ۱ فهرست مدرسهٔ عالی سپهسالار (۳) معرفی کامل نموده‌ام .

این کتاب (زادالمعاد) بسال ۱۱۰۷ تألیف ومشتمل برچهارده باب ومقدمه و خاتمه‌ای بدین تفصیل میباشد :

**باب اول** تا نهم : دراعمال دوازده ماه قمری (ازماه رجب‌شروع شده) . **باب دهم :** در اعمال مشترکهٔ تمام ماه ها . **باب یازدهم :** در زیارت حضرت رسول ص وائمهٔ اطهار ع . **باب دوازدهم :** دربیان نمازهای‌واجب ومستحب . **باب سیزدهم :** دربیان‌کلیهٔ احکام اموات . **باب چهاردهم:** دربیان مختصری ازاحکام خمس‌وزکوة واعتکاف . **خاتمه** دربیان کفارهٔ گناهان .

هر یك از ابواب نام برده بچند فصل‌تقسیم گردیده و از دعا های نقل‌شدهٔ دراین‌کتاب ، مؤلف فقط دعاء حضرت امیرالمؤمنین علی ع را که کمیل‌بن زیاد نخعی روایت نموده وبنام « دعاء کمیل » مشهورشده بفارسی ترجمه کرده(٤) و مطالب این کتاب از اخبار امامیّه گرفته شده و میان این دسته از مسلمانان بسیار مشهور و مکرر در ایران و هندوستان چاپ گردیده و در حدود (۱۲۵۰۰) بیت کتاب دارد .

---

(۱) در تاریخ وفات ایشان فقط این‌دو قول میباشد و سال ۱۱۱۰ چندین‌مادهٔ تاریخ مؤید دارد و سال ۱۱۱۱ نیز بی مؤید نیست .

(۲) در ص ۲۰۹-۲۱۷ ج ۱ فهرست سپهسالار ازاین کتاب و آنچه مجلدات آن در بردارد بتفصیل نام برده‌ایم .

(۳) به صفحات ۱۵ و۳۰ و۲۰۹-۲۱۷ و۲۵۱ و۲٦۹ و۲۸۱ آن فهرست مراجعه گردد .

(٤) دانشمندان ادعیه و زیارات و عبارات عربی زاد المعاد را بفارسی ترجمه کرده‌اند وباترجمه‌های متعدد، دیده‌شده ونسخهٔ‌این کتابخانه‌هم‌دارای ترجمه‌است .

**آغاز :** بسمله الحمدلله الذی . . . . . اما بعد بندهٔ خاطی محمدباقر بن محمدتقی عفی‌الله عن جرائمها برالواح ارواح صافیه الخ .

**۸۳۰**

## شرح صحیفه سجادیه

این نسخه را بخط نستعلیق خوب (متن نسخ) عبدالرّشید بسال ۱۰۷۱ در لاهور نوشته ، دارای یك سرلوح زیبا و صفحات مجدول بطلا وبزنگار میباشد ، پشت صفحهٔ نخستین و زیر صفحهٔ آخرین یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلدنیم ضربی . کاغذترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۲۸ . صفحه ای ۱۵سطر . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر**۱۳۰۱۴** .

### شرح صحیفه سجادیه

نسخه ایکه از آن معرفی گردید، مقدمه ندارد و ابتداء بترجمه نخستین دعاء صحیفه گردیده وتا آخرین دعاء را جزءبجزء ذکر وبترجمه وشرح آن بفارسی پرداخته و با مراجعه ایکه بآن گردید مترجم بمناسبت از خود و مؤلفات دیگر خویش نامی نبرده و از متأخرین هم جز کفعمی متوفی در حدود سال ۹۰۰ ه و شیخ بهاءالدین عاملی متوفی بسال ۱۰۳۰ ه از کسی نام و آثاری نیاورده ، احتمال قوی دارد که ازمجلسی اول ( محمد تقی بن مجلسی۱۰۰۳ـ۱۰۷۰ )(۱) باشد ، در لؤلؤ البحرین و امل الآمل ج ۲ ص ۱٦ فقط یك شرح بر صحیفه به ایشان نسبت داده شده و در روضات ص ۱۲۹ - ۱۳۰ دو شرح بر صحیفه یکی بعربی و دیگری بفارسی بایشان نسبت داده شده و گویند که هر دو شرح

(۱) در ص ۲۰٤ ـ ۲۰۵ ج۱فهرست سپهسالار شرح حال و مؤلفات ایشانرا نگاشته ام و در آن فهرست سه مؤلفهٔ ایشان مفصّلاً معرّفی گردیده است .

ناقص مانده و بآخر نرسیده است و این نسخه شامل ترجمه یا شرح از دعاء اول تادعاء ٥٤ میباشد که در طلب کشف هم و غم میباشد و در حدود( ١٠٠٠ ) بیت کتابت دارد درص٤٧ ج ١ فهرست معارف نوشته شده که‌نسخه ای‌ازشرح محمدتقی‌مجلسی برصحیفه سجادیه که بسال ١٠٧٣ نوشته شده در کتابخانه آقاسید حسن صدر موجود و حاشیه مانند است .

بنا بر این بایستی نسخهٔ نام برده ایشان غیر از این شرح و یا شرح عربی مجلسی اول باشد .

**آغاز :** بسمله «الحمدُ لله الاوّل» ستایش مرخدایرا که پیش‌ازهمه چیز است «بلا اَوّل» بکسروتنوین ودر نسخه ابن ادریس بفتح وضابطه‌ایست که اگراول افعل‌التفضیل باشد منصرف است الخ .

# احادیث و اخبار

## ٨٣١

**دربحر المناقب** این نسخه بسال ١٠٤٦ در هندوستان در شهر« مصطفی‌بکر» از توابع حیدرآباد بخط نسخ‌ونستعلیق‌حسین‌بن حاجی‌یعقوب کربلائی‌نگارش‌یافته ، اطراف سطرها با شنجرف خط‌کشیده شده ، برگ اوّل و دوّم نیازمند وصالی است .

جلد میشن . کاغذدولت‌آبادی . قطع‌وزیری . شمارهٔ برگها ١١٦ . صفحه‌ای ١٩ سطر. طول ٢٣ سانتیمتر . عرض ١٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٦١١٠ .

### در بحر المناقب

این کتاب در فضائل و مناقب حضرت مولی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام موافق‌اخباراهل‌سنت است که علی‌بن ابراهیم‌ملقب به درویش برهان بجمع و ترتیب آن پرداخته و در مقدمه گوید که « پیش از این بزبان

عربی در همین موضوع کتابی بنام « بحرالمناقب » تألیف کرده ام وچون این مختصر خلاصهٔ ازآن است هر آینه «دربحرالمناقب فی تفصیل علی‌بن ابیطالب» در تسمیه آن مناسب نموده و من‌الله ارجوا الخ » .

در مقدمه ، همهٔ مآخذ خود را نام برده و فهرست مفصل ابواب دوازده گانه کتاب را ذکر و پس از آن شروع در اصل کتاب نموده ، در کتب رجال و سیر بنام این مؤلف بر نخوردم از نام وی بر میآید که در قرن دهم هجری بوده (۱) و از عبارات زیرین که در مقدمه است معلوم میشود که فقط درویش نبوده درس خوانده و بحث هم نموده و آن اینست : « که چون مطالعه کتب کلامی کردم و سخن بعضی که در باب نبوة و امامت گفته در نظر آوردم دیدم هر حدیث و آیه که درشأن مرتضی آمده بعضی را غیر صحیح نام نهاده وبعضی را بر سبیل معارضه جواب داده اند ، چند حدیث‌را بأبعد محتملات برده و بعضی را دون معانی حمل کرده اند ازجمله قاضی‌عضد تجاوزالله عن سیئاته در مواقف جمیع نصوص افضلیت مرتضی را نفی فرموده گاهی بصحت استفسار (کذا) و تقسیم دست زده و گهی با دخال کلمه کل وبعض تمسك نموده است چنانکه در مقدمه و باب اول ودوم گفته شود لاجرم خواستم که از طریق مکابره ومداهنه و رسم مجادله و مغالطه عدول جویم و از سر عدل وانصاف سخن گویم (معتمداً علی کرم رب‌العالمین ـ معترضه است) که در کتب‌علماء جمهورومعولاعلی حدیث سیدالمرسلین‌صلی الله‌علیه‌وآله وسلم که درمصنفات فضلاء واعصار ودهور درفضل امیرالمؤمنین‌علی‌ع مذکور ومسطوراست مثل « کتاب المناقب » اخطب خوارزم الخ » .

این کتاب در حدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز:** بسمله سپاس بی قیاس وثنای بی منتها حضرت مبدع حکیم را جلت ارادته و قدرته الخ .

---

(۱) نسخی دکر از این کتاب در این کتابخانه میباشد و در ص ۳۲۰ و ۳۲۱ ج ۱ معرفی از آنها شده و یکی از آنها که تاریخ دارد بسال ۹۸۴ نوشته شده ومؤلف آن فهرست مرحوم یوسف اعتصامی گوید : بعضی این نسخه را خط میر عماد قزوینی میدانند .

۷۳۲

**شرح کافی یا صافی**

این نسخه شامل شرح نه کتاب از فروع کافی (طهارت ، حیض ، جنائز ، صلوة ، زکوة صیام ، حج ، جهاد و کتاب معیشة) میباشد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، در آخر هریك ازکتابها فقط بنوشتن آخرین عبارت شارح که حاکی از سال تألیف میباشد اکتفا نموده دارای نه سرلوح است که طرز هریك بادیگری مختلف و اطراف صفحه ایکه سرلوح در آنست وصفحهٔ مقابل آن تذهیب گردیده و تمام برگها بجدول با کلیل وشنجرف ولاجورد میباشد وظاهراً خط وتذهیب هندی و درقرن یازدهم نوشته شده است .

جلد تیماجی ضربی ، کاغذ دولت آبادی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۸۲۸. صفحه ای۳۳ سطر. طول۳۰ سانتیمتر. عرض۲۰ سانتیمتر شمارهٔدفتر **۱۳۹۷۷**.

## شرح کافي = صافي

کتاب کافی تألیف ثقة الاسلام کلینی ره متوفی بسال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ونخستین جامعی در اخبار اصول و فروع امامیه میباشد (۱) ویکی از کتب چهار گانه معتبرهٔ در علم حدیث و مدار احکام و مبیّن عقائد شیعه در اصول و فروع است

---

(۱) معرفی این کتاب را درص ۲۸۸ ــ ۲۹۰ ج ۱ فهرست کتابخانهٔ سپهسالار نموده ام وحاجی نوری ره درص ۵۳۲ـ۵٤۷ ج ۳ مستدرك الوسائل مفصلاً ازآن نیز معرّفی کرده‌اند .

وبرآن‌شروح متعدد بفارسي وعربی نوشته شده (١) واز آنها یکی این شرح میباشدکه مؤلف آنرا « صافی » نام نهاده است .

مؤلف این شرح ملا خلیل قزوینی است (خلیل بن غازی قزوینی ١٠٠١ ـ ١٠٨٩ ) (٢) که از مشاهیر دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده و در معقول ومنقول‌دست داشته وچندی تولیت موقوفات حضرت عبدالعظیم حسنیع مدفون در شهر ری ( نزدیك تهران ) را دارا بوده ودر آن آستان شریف بتدریس وافاده اشتغال داشته و پس از عزل ازاین منصب و مقام بمکه معظمه مشرف شده وازآنجا بقزوین وطن اصلی بر گشته و تاآخرعمر دراین‌شهر بوده‌است .

صاحب روضات (درص٢٦٧) بنقل از «تذکرة المتبحرین» تألیف شیخ حرّ عاملی که تتمه وذیل امل‌الآمل میباشد و بنقل از ریاض العلماء، مکارم اخلاق‌و بعضی از صفات مستحسنهٔ ایشانرا نقل و این مؤلفات را بایشان نسبت داده اند: **شافی** شرح عربی بر کافی است (٣) ، شرح عدة الاصول ، رساله درحرمت نماز جمعه در غیبت امام ع ، رساله نجفیه ، حاشیهٔ مجمع البیان ، رسالهٔ قمیه ، رموزالتفاسیرالواقعه فی‌الکافی والروضه ، جل درنحو(٤) وشرح فارسی‌بر کافی بنام ( صافی ) ( همین کتاب ) وغیرازاینها .

این‌شرح‌ازشرح های ممتاز وکامل‌بر کتاب کافی‌میباشد ، چنانکه‌ازخود کتاب بدست میآید تألیف آن بیست سال طول کشیده (٥) وقسمت اصول آن بسال

(١) در ص ٢٥٧ ـ ٢٦١ و٢٦٥ ـ ٢٧٠ ج ١ فهرست سپهسالارپنج شرح معرفی گردیده‌آقای جواهرالکلام‌در ص٦٦و ٦٧ ج ١ فهرست معارف‌شروحی ازآنرا نام برده اند .

(٢) روضات الجنات ص ٢٦٧ و فهرست سپهسالار ج ١ ص ٢٦٠ ـ ٢٦٩ وفهرست آصفیه ج ٣ ص ٢٧٢مراجعه شود **وغازی** پدر مؤلف باغین معجمه والف وزاءهوز ویاء مثناة تحتانیه است .

(٣) در کتابخانه حضرت رضا ع دو نسخه از این شرح میباشد (شرح کتاب توحید و ایمان و کفر ) ومؤلف فهرست آن کتابخانه گوید که این شرح بآخر نرسیده و از ابواب طهارت تجاوز نکرده است .

(٤)صاحب روضات‌در صحت‌نسبت کتابی‌بدین‌نام‌باین‌مؤلف‌تردیدنموده‌و گویدشاید مراد ازاین کتاب جمل‌زجاج باشد کهمؤلف آن‌بااین‌مؤلف‌اشتراك‌در اسم داشته‌است .

(٥) در کتب سیر ثبت گردیده که تألیف و جمع آوری **کتاب کافی** نیز بیست سال‌طول کشیده است .

۱۳۰۸ درهندوستان چاپ شده ونسخه هائی ازفروع آن در کتابخانهای ایران و هندوستان یافت میشود .

هریك از کتابهای کافی (۱) راکه شرح نموده دیباچه‌ای برای آن‌نگاشته، پس از آن فهرست مفصل مطالب آنرا بیان وتاریخ اتمام شرح را همدرآخر ثبت نموده اند .

**آغاز :** بسمله فتح گنجینهٔ شاهی شرح احادیث راز داران الهی گشاد نعیم نامتناهی حمد الخ .

## ۸۳۳

## کفایة المهتدی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، خاتمهٔ آن که بعربی میباشد بخط دیگری بسال ۱۱۱۱ ( در این سال علامهٔ مجلسی محمدباقربن محمد تقی وفات یافته ) نوشته شده ، اصل نسخه مقابله گردیده ، کلمات و جمله هائیکه نویسنده در هنگام نگارش انداخته در حاشیه نوشته شده ، شاید خط خود مؤلف باشد ، پشت صفحهٔ نخستین نام کتاب ومؤلف بخط نویسنده خاتمه نگاشته شده ، وبر نسخه مهر حجةالاسلام رشتی(محمدباقر بن محمد تقی موسوی ) و چند نفر دیگر که یکی ازآنها محسن نام دشته و سجع مهروی « انت المحسن وانا المسئی سنه ۱۱۲۵ » میباشد ، موجود ومسلماً ازفیض کاشی ره نیست .

---

(۱) شمارهٔ کتابهای اصول وفروع کافی را ۳۶ نوشته‌اند و نگارندهٔ درحاشیه صفحه ۲۸۸ ج ۱ فهرست سپهسالار اختلاف این شماره را نزد شیخ طوسی و شهید ثانی تذکر داده ام و نام کتابها را هم در اصل صفحه ۲۸۸ ـ ۲۸۹ فهرست مذکور برده ام .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ١٢٦ . صفحه ای ١٧ سطر . طول ٢٤ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$١٤ سانتیمتر شمارهٔ دفتر ١٤٧٢٤ .

## کفایة المهتدی فی معرفة المهدی

این کتاب که بدین نام نامیده شده ، اربعین میرمحمد بن محمد **لوحی** حسینی موسوی سبزواری ملقب به **مطهر** ومتخلص به **نقیبی**(١) میباشد که ازمعاصرین علامه مجلسی وپدر ایشان محمد تقی مجلسی بوده وبااین دو نفر که ازمشاهیرعلماء امامیه اند طرفیت داشته اند و دربسیار از برگهای این کتاب حملاتی بآنها کرده است وبمردم آنزمان سرزنش و طعن بسیاری نموده که چون من فقیر هستم مورد توجه وعنایت شما نیستم و دور دیگران میروید ومرا کافر میدانید وبرخی ازعقائد عوام آنزمان را نسبت بمجلسی بزرگ وکوچك ثبت نموده وآنهارا سرزنش کرده و در ص ٢ ( نسخه این کتابخانه ) تذکر داده که پیش ازاین اربعینی بنام «زاد العقبی فی مناقب الائمة الاصفیا » تألیف کرده ام وباآنکه خالی از خصائل وفضائل حضرت خاتم الاوصیاء وآخرحجج الله تعالی علیه التحیة والثناء نیست ، خواست اربعین دیگری جداگانه دراین موضوع بنگارد ونیز در ص ٩ ( همین نسخه ) رساله ای بنام « تنبیه العاقلین واخزاء المجانین » در رد برمتصوفه نیز بخود نسبت داده درهمین صفحه گوید : کتاب « نصیحت الکرام وفضیحت اللئام » را در این موضوع محمدبن نظام الدین محمدمشهور بعصام از کتاب ملامحمدطاهر ( از بیانات درص ٦ ع ٢ معلوم میشود که مراد همان قمی مشهور و شیخ الاسلام آنجا است ) انتخاب نموده وبرآن اضافاتی کرده قابل دیدن است و نیز درص ٣٨ رسالهٔ « اعلام المحبین » را نیز در رد متصوفه و در ص ١٩٨ کتابی بنام « ریاض المؤمنین وحدائق المتقین » بخود نسبت داده است .

مؤلف دراین کتاب برآن شده که بیشتر احادیث این اربعین را از روایت

---

(١) درکتب رجال وسیر وفهرستها بشرح حال این دانشمند دست نیافتم وعلت آنهم معلوم است چون بامعاصرین نامی خویش طرفیت داشته وبه رد وانکار آنها پرداخته دیگران هم اورا ازنظر انداخته ونامی از او درکتب خویش نبرده اند فقط حاجی نوری ره درمقدمه « نجم ثاقب » نام این کتاب میرلوحی را برده وعالم متتبع آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی ساکن نجف اشرف وسامراء درص ٤٢٧ و ٤٣١ ج ١ « الذریعه الی تصانیف الشیعه » نیزاین کتاب را نام برده اند .

فضل بن شاذان(۱) نیشابوری صاحب «کتاب الغیبه» متوفی درنیمه اول قرن سوم هجرت نقل نماید و بفارسی احادیث چهل گانه را ترجمه و شرح و تفسیر کرده و چنانکه از مندرجات ص ۹ و ص ۲۳۳ نسخه بدست می آید بسال ۱۰۸۱ تألیف این اربعین شروع و از مندرجات ص ۳۵ نسخه معلوم میشود تا سال ۱۰۸۳ مشغول تألیف ونگارش این شرح بوده اند وپس از شرح چهلمین حدیث نیز حدیثی ازفضل بن شاذان دراطراف احوال روز قیامت بعربی نقل و کتاب را بدان ختم نمودند.

این کتاب درحدود (۶۲۰۰) بیت کتابت دارد.

**آغاز:** بسمله الحمدلله رب العالمین . . . . . **امابعد** چنین گوید محتاج رحمت حضرت باری محمدبن محمد حسینی سبزواری الخ.

## ۸۳۴

**لوامع صاحبقرانی** این نسخه که شامل شرح مجلد اول ودوم میباشد، بسال ۱۰۸٤ بهاءالدین محمدبن صالح آنرا بخط نسخ نوشته، پشت برگ آخر مجلد اول علامهٔ مجلسی بخط خویش اجازه‌ای بنام امیرسید علی نیز بتاریخ ۱۰۸٤ نگاشته‌اند، ودرهمین صفحه محمد مقیم نام تاریخ تولد دوفرزندخودرا که بسال ۱۱۰۲و۱۱۰۳ نوشته، چندبرگ ازاواخرنسخه افتاده، بانسخهٔ اصل مقابله وتصحیح گردیده ودرحاشیه بیشترصفحات تذکرداده شده، چندین برگ وصالی گردیده و برخی از آنها را سیاه و کثیف کرده اند.

(۱) ابومحمد، فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری راکه ازمشاهیر علماومتکلمین وفقها ورواة شیعه بوده، ابو علی در منتهی المقال (ص ۲٤۱ - ۲٤۲) ذکر و آنچه اصحاب رجال در باره وی نقل کرده‌اند آورده وگوید یکصد و هشتاد کتاب تألیف نموده و از حضرت امام رضا ع و حضرت ابی جعفر ثانی (امام محمدتقی) علیهما السلام روایت نموده واز ثقات طائفهٔ امامیه است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ۶۷۶. صفحه‌ای ۳۵ سطر. طول ۳۷ سانتیمتر. عرض ۲۵½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۶۳۱۵**.

## لوامع صاحبقرانی = شرح من لا یحضره الفقیه

این کتاب شرح فارسی بر کتاب «من لا یحضره الفقیه» (۱) میباشد که یکی از کتابهای چهارگانه در اخبار امامیه و تألیف حضرت صدوق (محمد بن علی بن بابویه متوفی بسال ۳۸۱) است وشارح آن مجلسی اول (محمد تقی بن مقصود علی مجلسی ۱۰۰۳ - ۱۰۷۰) (۲) است که نیز از مشاهیر علماء امامیه بوده و شاگردی شیخ بهاءالدین عاملی (شیخ بهائی) وملاعبدالله شوشتری را نموده ومؤلفات چندی از ایشان بیادگار مانده واز آنها: ۱و۲ - شرح عربی (۳) و فارسی بر «من لا یحضره الفقیه»، ۳و۴ دوشرح عربی و فارسی (۴) بر صحیفهٔ سجادیه، ۵ - حدیقة المتقین (۵) درفقه بفارسی و۶ - رضاعیه (۶) و ۷ - شرح حدیث همام، ۸ - رساله‌مقادیر، ۹- کتابی دررجال، ۱۰- کتابی درتصوف (۷) وغیر از اینها است.

شارح در مقدمهٔ این شرح نگاشته‌اند که چون از شرح عربی بر «فقیه» فراغت یافتم واز نظر پادشاه عصر (شاه عباس دوم متوفی بسال ۱۰۷۷ بوده) گذرانیدم ومورد قبول گردید، مقرر داشته که شرحی فارسی برفقیه نیز نگارش دهم، بنابراین شروع باین شرح گردید.

---

(۱) این کتاب یکی از کتابهای چهارگانه در احادیث مأثورهٔ از ائمهٔ شیعهٔ اثنی عشریه میباشد که مدار احکام وفتوای آنها براینهاست ونگارنده در ص ۳۲۵ - ۳۲۷ ج۱ فهرست سپهسالار معرفی کامل از آن نموده است.

(۲) شرح حال این عالم جلیل به روضات ص۱۲۹-۱۳۱، امل الامل ج۲ ص۶۱، لؤلؤ البحرین وج۱ فهرست سپهسالار تألیف نگارنده ص۲۰۴ و۲۰۵ مراجعه شود.

(۳) درص۲۰۴ و ۲۰۵ ج۱ فهرست سپهسالار شرح عربی مؤلف نیز معرفی گردیده است.

(۴) متن و حاشیه ص ۵۵ این فهرست دیده شود.

(۵) در هندوستان چاپ شده و در ص ۴۰۴ ج۱ فهرست سپهسالار معرفی گردیده است.

(۶) این دو مؤلفه اولی از آنها جزء مجموعه‌ایکه بنام «رضاعیات» نامیده شده در طهران بسال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ چاپ گردیده.

(۷) دراین فهرست از آن معرفی خواهد شد.

پیش ازشروع بشرح احادیث واخبار مقدمه‌ای دردوازده فایده بدین تفصیل برآن نگاشته :

۱ ـ در فضیلت علم و عالم . ۲ ـ در وجوب طلب علم . ۳ ـ در علومیکه دانستن آنها لازم است . ٤ ـ در بیان علوم اهل بیت ٤ و ۵ ـ در اینکه در علوم واجبست بائمهٔ علیهم‌السلام رجوع کرد . ٦ ـ در اوصاف و نشانهای عالمانیکه از آنها تعلیمات دینی را باید گرفت . ۷ ـ در بیان اختلاف اخبار و طریقهٔ جمع میان آنها . ۸ ـ در اجازه و اقسام آن . ۹ ـ درتعلیم وتعلم‌وفوائد اخروی آن . ۱۰ ـ در مذمت اجتهاد و آراء باطله . ۱۱ ـ در اصطلاحات حدیث . **فائدهٔ** ۱۲ ـ دربیان اینکه در طلب علم باید نیت تقرب بخدا داشت و مطالب متفرقه راجع بعلم و علماء .

صاحب روضات درص۱۳۰ ج۱ نگاشته‌اند که این شرح (لوامع صاحبقرانی) نیز بآخر رسیده و چون شرح عربی آن صدهزار بیت (۱۰۰۰۰۰) (۱) کتابت داردوصاحب کشف‌الحجب درص ٤۸۱ نوشته‌اند که شارح موفق با تمام آن نشده و تا آخر کتاب حج و زیارات من‌لایحضره‌الفقیه (جلد اول و دوم) را بیشتر شرح نکرده . نگارنده هم آنچه جستجو نمود بیش از آنچه در کشف‌الحجب گفته شده نیافت و بسال۱۳۲۲ـ۱۳۲٤ همین اندازهٔ از آن در طهران چاپ سنگی گردیده‌است .

شارح دراین شرح جله بجمله عبارات «من لایحضره‌الفقیه» را نقل‌وبترجمه فارسی‌آن پرداخته واقوال‌علمارا درشرح‌وبیان‌آنهانقل‌واز آن پس‌نظریه‌وعقیدهٔ خویش را اظهار داشته و خود در ابتداء شرح گفته‌اند : تابحال شرح بسیاری از اخبار مشکله را سابقین ننموده و خداوند این نعمت را نصیب من نمود واین شرح‌را « لوامع صاحبقرانی »(۲) نامیدم .

**آغاز :** بسمله حمدیکه باقلام اشجار و مداد ابحار بر صفحات لیل و نهار شرح شطری از آن نتوان نگاشتن سزاوار فائض الانواریست که الخ .

(۱) ابیات این دومجلد ازلوامع صاحبقرانی را نگارنده شماره نمود۱۰۰۰۰۰ بیت بشمار آمد .

(۲) چنانکه تذکر داده شد ، شارح خود این کتاب را « لوامع صاحبقرانی » نامیده واینکه در ص ۸۱ فصل اخبار فهرست رضویه بنام « لوامع التقین » نامیده شده اشتباه است .

# کتب فقه

**۸۳۵**

## احکام الجهاد

این نسخه را بخطوط نسخ و نستعلیق چند نفر نوشته اند وازخود وسال نگارش ذکری ننموده ، ظاهراً در زمان حیات مؤلف نگاشته شده ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی است که مؤلف ودیباچه نویس را معین نموده وظاهراً خط مرحوم حاج فرهاد میرزا ( معتمدالدوله ) میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۲۱۱ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول ۲۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔدفتر **۱۳۰۰۷** .

### احکام الجهاد = جهادیه کبیر قائم مقام

میرزا عیسی ابن میرزا محمدحسن بن عیسی فراهانی حسینی ملقب به **میرزابزرگ** که از او نیز **سیدالوزراء** تعبیر میشود پسر برادر میرزا محمد حسین وفا (۱) وزیر کریمخان زند بوده واین دانشمند در شیراز متولد گردیده ، و در آنشهر بکسب کمال پرداخته وسالها درخدمت عم مکرم نائب الوزاره و پس از انقراض دولت زندیه بدربار آغا محمد خان آمده ودر سلطنت فتحعلیشاه چون عباس میرزا نائب السلطنه گردید ، میرزا عیسی هم قائم مقام صدارت عظمی شد و با ولیعهد به آذربایجان رفت وامورآنجارا با بهترین طرز اداره نمود وخود بامور وحوائج

(۱) درتتمه روضة الصفا نام وفا میرزاحسین ودرطرائق الحقائق میرزا محمد حسین ضبط گردیده است .

مردم با نظم و ترتیب درستی رسیدگی میکرد ونظامی قرار دادکه تا آنروز منظم تر از آن در ایران سپاهی آراسته نگردیده ، گاهی شعر میگفته و در مجمع‌الفصحا وطرائق‌الحقائق چند بیتی ازایشان ثبت گردیده و گذشته از مکاتیب وعهدنامه ها و منشآت مشهور وی ، بمناسبت جنگ روس و ایران دورساله‌در جهاد واحکام‌آن موافق‌آراء علماء امامیه نوشته و رساله‌ای هم دررد بر **پادری** نصرانی‌دراثبات‌نبوت‌خاصه‌بنام «اثبات‌النبوة» تألیف‌نموده‌وفرزند دانشمند این‌وزیر بی‌نظیر میرزا ابوالقاسم قائم مقام (بسال ۱۲۵۱ کشته‌شد) که اونیز از دانشمندان نامی قرن سیزدهم هجری بوده و منشآت وی چون آفتاب درخشنده مشهور است دیباچهٔ این سه رساله را انشاء نموده و گذشته از اینکه رسائل نام برده شامل آنهاست در ص ۲۴۷ـ۲۸۰و۲۹۱ـ۲۹۸و۲۹۹ ـ ۳۱۰ منشآت وی که بسال ۱۲۸۰ ؛ در تهران چاپ شده دیده میشوند و اثبات‌النبوة در کتابخانه حضرت رضاع موجوداست( ج ۱فهرست ص۰ ۱فصل حکمت و کلام مراجعه شود).

وفات قائم مقام (عیسی) در تتمه روضةالصفا ثبت نشده و در مجمع‌الفصحا سال۱۲۳۷ ودرطرائق سال ۱۲۳۸ضبط گردیده است (۱) . وبسال۱۲۳٤ راوی گروسی در انجمن خاقان ایشانرا نام برده وثنا خوانی بسیار نموده است.

این رساله که بنابرتصریح در دیباچه «احکام‌الجهاد واسباب‌الرشاد» نام دارد جهادیهٔ کبیر مؤلف است و آنرا بریك مقدمه وهشت باب مرتب نموده ودر آن اقوال و فتاوی علماء امامیه را با ذکر قائل و مفتی آورده و انصافاً در تألیف آن زحمتی فراوان کشیده ومجموعه‌ای سودمند تهیه کرده ودر حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت آنست وآخررساله رابجمله هائی ازاواخردعاء افتتاح خاتمه داده‌است .

**آغاز:** بسمله ربنا افرغ علینا صبراً ...... وبعد برروان دانشمندان پوشیده نماند الخ .

**۸۳٦**

**تحفة‌الابرار** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، در حاشیه آخرین صفحه بسال ۱۳٤۸ مؤلف

(۱) شرح بالا بامراجعه به جلد نهم روضةالصفا و ص ٤۲۵ ج ۲ مجمع‌الفصحا و ص ۱۲۳ ج ۲ طرائق‌الحقائق نگاشته شد .

آن بخط خویش تصدیق برمقابله و اعتماد برمقابله کنندهٔ آنرا نوشته اند ، ازیادداشتیکه پشت صفحهٔ نخستین میباشد معلوم میشود که بسال ۱۲۵۹ داخل کتابخانه شاهزاده بهمن میرزا پسر عباس‌میرزا نائب‌السلطنه گردیده ودراین صفحه دو یادداشت دیگر بسال ۱۳۱۳ و ۱۳۴۲ نگارش یافته ، بربرگ ٦ حاشیه ای بعربی بامضاء : م ه . نوشته شده ، در آغاز کتاب سرلوحی زیبا دارد واطراف دو صفحهٔ اوّل تذهیب ونقاشی شده وصفحات بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف وعناوین مطالب درحاشیهٔ صفحات باجوهر قرمز نوشته شده واطراف آنها تذهیب گردیده است .

جلدمقوائی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۰٦ . صفحه‌ای ۲۰ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۱۸۹۰** .

## ۸۳۷

**تحفة‌الابرار** این نسخه را بسال ۱۲۵۹ محمدبن‌الحسن الکدکنی (کذا) بخط نسخ نوشته ، جای عناوین سفید مانده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی مهره زده . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳٦۳ . صفحه ای ۲۱ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۳۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۸۱۲** .

### تحفة الابرار

این کتاب یکی از مؤلفات حجة‌الاسلام رشتی محمد باقر بن محمد نقی‌شفتی

رشتی بید آبادی اصفهانی $\frac{۱۱۸۰}{۱۱۸۱}$ - ۱۲۶۰ است که (۱) یکی از علماء بزرگ امامیه در قرن سیزدهم هجری بوده ونزد استادان بزرگ چون صاحب ریاض و سید بحرالعلوم و سید محسن کاظمینی و شیخ جعفر نجفی و میرزای قمی ره تحصیلات خود را بپایان رسانیده واز آنها اجازه و تصدیق اجتهاد گرفته و در محلهٔ بیدآباد اصفهان توقف نموده و بنشر احکام و تدریس واجراء حدودجدیتی کامل داشته وبسیاری ازحدودرا هم خود مباشرت می‌نموده ودر آنشهر ودیگر شهرهـای ایران شهرتی بسزا یافت ، ودر اصفهان مسجدی محکم و ظریف ساخته که اینك در کمال عمران و مشهور به **مسجد سید** میباشد ودر اطراف آن اطاقهائی برای نشیمن طلاب علوم دینیه ساخته ودر کنار این مسجدمقبره‌ای برای خود پرداخته ودر آنجا بخاك سپرده شده و اینك زیارتگاه است .

این عالم بزرگوار را مؤلفاتی چند میباشد ، مشهور ترین آنهـا سئوال و جواب فارسی وی در فقه است که بیش از هزار مسئله از مسائل فروع دین را شامل میباشد و گذشته ازاین چندرسالهٔ مؤلف را درموضوعات فقهی دربردارد(۲) و مطالـع الانوار (۳) و قضاء و شهادات بطریق استدلال باتفصیل « الزهرة البـارقه فی احوال المجاز والحقیقة » و در حدود سی رساله در تحقیق حـال رجال حدیث چون ابوبصیر **وابان** بن **عثمان وابراهیم** بن **هاشم واسحق** بن **عمار وحماد** بن **عیسی** وغیرازاینها میباشد و رساله ای در مشترکات رجال و تحفة الابرار ( همین کتاب ) را تألیف نموده و رساله ای درشك و سهو در نماز نشاء وآنرا تتمه تحفةالابرار خویش قرار داده است .

تحفة الابرار دراحکام نمازمیباشد وآخرین مبحث‌آن در تعقیبات است و بنا بگفته مؤلف روضات و برحسب محاسبه وتخمین نگارنده درحدود (۲۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و برمقدمه‌ای و چند باب تقسیم گردیده و مؤلف در دیباچه گوید : این کتابیست دربیان صلوة واحکام آن‌مسمی به « تحفةالابرارالملتقط من آثار الائمة الاطهار لتنویر قلوب الاخیار » الخ .

---

(۱) در ص ۱۲۴-۱۲۶ ج ۱ روضات شرح‌حال این عالم جلیل مفصلاً نگاشته شده است .

(۲ و ۳) در ص ۴۲۲ - ۴۲۵ و ۴۵۹ - ۴۶۰ ج ۱ فهرست کتابخانه مدرسهٔ سپهسالار ازاین دو کتاب ومؤلف آنها معرفی کامل شده است .

چنانکه در ص ٤٠ ج ١ احسن الودیعه ( تتمه روضات الجنات ) نوشته شده ، حاج محمد جعفر آباده ای فارسی که از فقها و علمای عالیمقام و شاگرد حجة الاسلام مذکور بوده این کتاب را بنام « الوجیزه فی تلخیص تحفة الابرار» (١) مختصر کرده است .

**آغاز :** بسمله اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی تَوَحَّدَ بِالْمُلْك . . . . بعرض برادران و اخلاء ایمانی میرساند الخ .

## ٨٣٨

**ترجمه نهایت الاحکام**

این نسخه را بسال ١٢٩٥ بخط نسخ ، مسیح بن محمد باقر کمره‌ای نوشته ، درحاشیهٔ بیشتر از صفحات نیز حواشی و تعلیقاتی بفارسی و بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده (در نسخه کهنهٔ این ترجمه نیز هست) و پیش از شروع بنگارش، فهرست کتب و ابواب آنرا همین نویسنده نوشته است. جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ٢٥٠ . صفحه ای ٢٢ سطر . طول ٣٤ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$-٢٢ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **١٢٩١٤**.

### ترجمهٔ نهایة الاحکام

نهایة‌الاحکام تالیف شیخ طوسی (٣٨٥-٤٦٠) (٢) ره است که ازمشاهیر علماء امامیه درقرن پنجم هجری بوده و کتب وی که درجمع اخبار وفقه و کلام ورجال نوشته، چون مؤلف آنها در کمال اشتهار میباشند ونهایهٔ وی نخستین مؤلفه شیخ در فقه وتا زمان محقق حلّی ( ابو القاسم جعفر بن حسن حلّی ٦٠٢-٦٧٦) (٣) کمال

(١) چند نسخه از این کتاب در کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار در این روز ها داخل شده است .

(٢) در ج ١ فهرست سپهسالار سه مؤلفه ازاین‌عالم بزرگ‌را درص ٦٦ و ٢٠٢ و ٢٣١ با شرح حال مختصری از ایشان نگاشته‌ام .

(٣) در ص ٤٣١ ج ١ فهرست کتابخانه مدرسهٔ سپهسالار شرح حال این عالم جلیل ومؤلفات و اختلاف درتولد و وفات ایشانرا نوشته‌ام .

مرجعیّت و اعتبار را داشته چنانکه از آنوقت تا کنون شرایع محقق نیز این موقعیّت و منزلت را دارد .

برنهایه شروح متعدد نوشته شده ، حاجی‌نوری در ص۵۰۶ ج۳ مستدرك‌الوسائل بعضی‌را نام‌برده ردرعظمت واهمیّت خود کتاب‌هم بحث‌نموده وتصدیق کرده‌اند که متضمن متون اخبار میباشد ودر فقه اهل بیت بهتر از این کتابی که شایسته اعتماد بآن باشد نیست .

در فهرستهای کتابخانه‌ها و مآخذی که دردست نگارنده است نام واثری از این ترجمه ومترجم آن یافت نشد ولی از طرز انشاء گمان نزدیك بیقین دارم که از منشآت قرن پنجم هجری باشد و جناب آقای تقوی فرمایند : اگر از خود شیخ نباشد مسلماً انشاء یکی از شاگردان ایشانست .

برای نمونه بخشی ازین‌ترجمه را موافق رسم‌الخط نسخهٔ کهنهٔ آن که مطابق ص ۱۹۶ نسخه این کتابخانه ولی با اندك تغییری‌میباشد در اینجا میآوریم :

« **باب دوم** در آنك کارزار کردن با مشرکان واجبست و آنك کارزار ایشان‌چگونه **باید کردن** هرآنکس که مخالفت کرد اسلام را از همه صنفهاء کافران واجب باشد جهاد کردن ایشان و کارزار کردن لیکن بر دو قسمت‌اند قسمتی آنند که ازیشان فرا نپذیرند الّا اسلام ودر رفتن در مسلمانی با ایشان یا بکشد و بچگان ایشان ببرد که بیاورند و مالهاء ایشان بیاورند و ایشان همه صنفها کافران باشند که با ایشان این‌باید کردن الّاجهودان وترسایان وگبرکان **و قسمت دوم** این سه قوم‌اند که ما بگفتیم و اینهااند که ازیشان جزیت فرا گیرند و حکم اینان آنست که چون اینها کردن نهند جزیت دادن را و فرا پذیرند و بشرطهاء آن قیام کنند روا نبود کارزار کردن با ایشان و روا نبود فرزند ایشان ببردکی بیاوردن الخ» .

این‌ترجمه چون اصل‌آن دو مجلد میباشد وهریك ازمجلدات دارای ده کتاب است وازطهارت شروع گردیده وبکتاب دیات ختم‌شده و کتابهای آن‌به‌بابهائی تقسیم گردیده ودرحدود (۱۶۰۰۰) بیت کتابت دارد .

نسخه کهنه‌ای از این ترجمه که بسال ۸۹۱ و ۸۹۲ نوشته شده در کتابخانه شخصی‌جناب آقای حاج سید نصرالله اخوی‌تقوی رئیس دیوان عالی‌تمیز (دیوان کشور) دام‌ظله موجود ونگارنده آنرا دیده . وبخش‌بالاازروی‌آن نگارش‌یافت .

**آغاز :** بسمله الحَمْدُ لله ولیّ اَلحَمْد . . . . . . طهارت درشریعت نام آن چیزیست که بدان مباح بود در نماز رفتن وآن بردوضربست یکی‌وضوست و دوم تعلیم الخ .

**۸۴۰و۸۳۹**

**دو رساله در تقلید میت** این دو نسخه بخط نسخ خیلی خوب بسال ۱۲۵۵ نوشته شده، درابتداء هریك سرلوحی زیبا میباشد وهمه صفحات مجدول بطلااست.

جلد ساغری ضربی. کاغذ ترمه. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۳۹. برگهای ترجمه (۲۲). صفحه‌ای ۱۲سطر. طول $\frac{1}{2}$۱۹ سانتیمتر. عرض۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۱۶۷**.

## دو رساله در جواز تقلید میّت بفارسي وبعربي

سید ابوطالب بن محمد رضا حسنی حسینی که از علماء امامیه معاصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲٦٤) بوده، رساله ای در جواز تقلید میّت (۱) تألیف نموده وخطبهٔ آنرا بنام این پادشاه موشح ساخته وچنانکه ازتاریخ نسخه زیرین بدست میآید میان سال ۱۲۵۰ و ۱۲۵۵ انشاء شده ودرآن ادلهٔ مخالفین‌جواز را نقل و ردّ آنها پرداخته وادلهٔ خویش‌را هم برجواز مطلق بیان نموده و در حدود (۳۲۰) بیت کتابت دارد.

ترجمهٔ فارسی این رساله با اصل عربی‌آن بیکدیگر پیوسته ونامی ازمترجم آن درخود نسخه وجای دیگرنیافتم، احتمال قوی دارد که ازخود مؤلف‌باشد

در کتب تاریخ و سیر بنام وآثار این مؤلف دست نیافتم ومسلّم است که این مؤلف حاج میرزا ابوطالب اصفهانی مؤلف حاشیهٔ برسیوطی (بسال ۱۳۲۲ تألیف گردیده) نیست چرا که مسلماً وی سید نبوده و نگارنده نوه های ایشان را میشناسم ومیرزا ابوطالب طبیب اصفهانی متولی آستان مقدس رضوی‌ع که

(۱) درآئین مسلمانی یا باید مسلمان خود توانا باشد که احکام را از مآخذ آن بیرون‌آورد ویا از کسیکه توانائی براین‌مطلب دارد که ازاومجتهد تعبیرمینمایند باید تقلید کند ودر اینکه چون مجتهدی نمیرد آیا جائز است برتقلید او باقی‌بود یا نه وایشکه از اول بارها، مسلمان میتواند ازمجتهد مرده تقلید کند یا نه اقوال زیادیست وبیشتر ازمجتهدین برجوازبقاء برتقلید وعدم جواز ابتدائی آن رفته‌اند.

نیز چنانکه در ص ٤١٦ ج ۲ مطلع الشمس تصریح شده بسال ۱۳۱٦ وفات یافته نخواهد بود وازجله علماء اینعصر حاج میرزا ابوطالب مجتهد است که در ص۱٤۹ المآثر والاثار نام برده شده ومؤلف آن کتاب گوید که مجاز ازآقا سید حسین کوهکمری ( بسال ۱۲۹۹ مرده است ) بوده و سالها است که با مؤلف این کتاب در مقام یك جهتی و دوستداری میباشد ایده‌الله تعالی بنابراین تا سال تألیف المآثر والاثار (۱۳۰٦) زنده بوده است .

ازقرائن مندرجات بالا وغیره بدست میآید که مراد ازدانشمندنامبرده درالمآثر والاثار حاج میرزا ابوطالب بن ابوالقاسم موسوی زنجانی‌است که بسال ۱۲۵۷ متولد وبسال ۱۳۲۹ درطهران وفات یافته و جسد ایشانرا بمشهد مقدس حمل ودرمقبره شیخ بهائی ره بخاك سپرده‌اند و از مؤلفات ایشان ۱ ـ تنقیدالاحکام ۲ ـ رساله در تعادل و تراجیح بعربی ، ۳ـ ترجمه فارسی طهارت‌الاعراق ابن مسکویه بنام « کیمیای سعادت » و ٤ـ رساله ای در جواب اعتمادالسلطنه در اینکه حضرت امام رضا علیه‌السلام باجل طبیعی رحلت فرموده اند چاپ گردیده ( این اخیر درمطلع‌الشمس) ، چون میدانیم که تولد وی پس‌ازنگارش نسخه‌این رساله بوده وموسوی نسب است نه حسنی حسینی ، مسلّم میشود که مؤلف این‌دو رساله نیز غیر از این دانشمند بوده است .

**آغاز رسالهٔ عربی :** بسمله الحَمْدُ لِمَنْ یَقْضی بِالحَقِّ وَهُوَ خَیْرُ الفاصِلین .... لمّا رَأیْتُ مَسْئَلَةَ تَقْلیدِ المَیّتِ الخ .

**آغاز رسالهٔ فارسی :** بسمله الحَمْدُ لِمَنْ یَقْضی بِالحَقِّ ..... چونکه دیدم مسئله تقلید کردن میّت‌را مسئله مهمّهٔ بادلائل محکمهٔ بسیارفائده ومنقح‌نبود الخ.

## ۸۴۱

**رسالهٔ عملیه حجة‌الاسلام ممقانی**

این نسخه بخط نسخ بی تاریخ نوشته شده ، مسلّماً ازخطوط اواخر قرن سیزدهم هجری است ، پشت صفحهٔ نخستین چنین معرّفی گردیده: «رساله‌آخوندممقانی‌الآن‌زنده‌است در نجف اغلب تقلید ایشان میکنند » . ولی چنانکه زیر این سطرها

معرّفی میشود مراد از ممقانی عالم معروف (شیخ محمد حسن بن عبدالله) که در نجف مرجعیّت داشته اند نیست و نویسنده اشتباه کرده ، عناوین مطالب و مسائل باجوهر قرمز نگارش یافته و نیز باجوهر قرمز بر کها جدول کشی شده است .

جلد روغنی گل و بوته دار و طرف درون گل نرگس ( نیازمند تعمیراست ). کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۱۲۲ . صفحه ۱۷ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۱۷۰۳** .

## رساله عملیه حجة الاسلام ممقانی

مؤلف و منشی این رساله عملیّه بنا بر تصریح در خود کتاب (ص ۲۱) محمد بن حسین تبریزی ممقانی است و در سبب تألیف گوید : « جمعی از برادران ایمانی و اخلاء روحانی از بنده فانی محمد بن الحسین التبریزی الممقانی التماس نمودند که مختصری مشتمل بر کیفیت و آداب عبادات واجبه و مستحبه و محتوی بشرائط واحکام بلغت فارسی بسلك تحریر درآورم الخ » .

در کتب رجال و سیر که دردست نگارنده است بشرح احوال و آثار این عالم دست نیافتم (۱) ، متوسل بدوست دانشمند خویش آقای عبدالله ثقة الاسلامی فرزند عالم جلیل آقا میرزا محمود برادر مرحوم ثقة الاسلام تبریزی شهید گردیده ، ایشانهم یادداشتی شامل تحقیقات کامله از نوادههای آن مرحوم تهیه فرموده که خلاصهٔ آن این است :

« محمدبن حسین ممقانی مشهور به حجةالاسلام پدر میرزا محمد تقی حجةالاسلام متخلص به نیر است(۲) ، تحصیلات خودرا درعراق عرب انجام داده و موفق بگرفتن اجازه اجتهاد گردیده ، پیش از سال ۱۲٤۰ بقصد مراجعت به تبریز حرکت ، در کرمانشاهان خدمت حضرت شیخ احمد احسائی رسیده و ۱۸ ماه در آنجا ازمحضر ایشان استفاده نموده وچون بتبریز آمده ترویج ازمعتقدات ایشان را

(۱) در ص ۱۶۱ المآثر والآثار فقط نوشته : مولی محمد ممقانی از مشاهیر شعبهٔ شیخیه است . و این جلهٔ کوچك مؤید خوبی میباشد .

(۲) در ص ۳۸۹ و ۳۹۰ دانشمندان آذربایجان معرفی از ایشان گردیده است .

اختیار و متکی به حاج میرزا یوسف آقای طباطبائی که از علماء طراز اول تبریز بوده‌اند ، گردیده و بجای ایشان درمسجد جامع اقامه جماعت مینموده و پس ازچندی مسجد بزرگی درطرف غربی مسجد جامع بنا کرد که اینک بمسجد حجةالاسلام مشهور و بزرگترین مسجد تبریز ودارای چهل ستون و ۵۵ گنبد میباشد و اینك امامت آن با علماء فرقه شیخیه است ،

ازحجة الاسلام ( محمد بن حسین ) رساله ای بنام **شقشقه** دربیان سرّ قدرو مسئله جبر و اختیار وآمدن مخلوقات از کتم عدم بعرصه وجود واحاطهٔ علم امام علیه‌السلام ومطالب دیگردرجواب سئوال جمعی ازشیعیان میباشدکه‌بسال ۱۲۸۶ درتبریز با رساله کوچکی ازحجةالاسلام‌نیّر درعلم‌امام چاپ‌شده‌ودر «دیوان‌نیّر» که بسال ۱۳٤٦ در تبریز چاپ شده غزلی به صاحب این ترجمه نسبت داده شده است و حجةالاسلام محمدبن‌حسین ممقانی بسال ۱۲٦۹ وفات یافته‌اند » .

دانشمند معاصر آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی مؤلف‌الذریعه در مراسله ای که بنگارنده مرقوم داشته‌اند گویند : « ملامحمد بن حسین بن زین‌العابدین‌بن‌ابراهیم مامقانی المتوفی سنه ۱۲٦۹ از تلامیذ شیخ‌احمد است وپسر او میرزا محمد تقی حجةالاسلام مامقانی‌صاحب «آتشکده» است که ترجمه پدرخودرادرصحیفةالابرار خود نوشته» .

مندرجات این رساله عبارتست از مقدمه‌ای دراصول عقائد وآداب و کیفیت عبادات واجبه ومستحبّه و صفاتیکه فقیه مُقلَّد شیعه بایستی دارا باشد و احکام طهارت وصلوة ودرآن بسیار اشاره وتصریح بنام شیخ‌احمد مرحوم و سید کاظم رشتی نموده وازآنها مطالبی‌را نقل کرده وتمام‌رساله‌درحدود ٤۰۰۰ بیت است .

**آغاز :** بسمله الحمد لله العزیز المنان . . . . **اما بعد** بر قلوب صافیهٔ ارباب عقول و اصحاب شعور الخ .

## ۸۴۲

## کفایة‌الایتام

این نسخه فنّ اول کتابست و بخط نستعلیق نوشته‌شده‌،بسال۱۲۵۹ بنام«اجابة‌المضطرین» داخل کتابخانهٔ شاهزاده بهمن میرزا پسرعباس‌میرزای ولیعهد گردیده .

و پشت صفحهٔ اوّل کتاب یادداشت شده ولی مسلّماً آن کتاب نیست
و « کفایة‌الایتام » میباشد ونیز پشت نخستین برگ نسخه جعفر قلی
نام، بخط خویش بسال ۱۳۱۵ یادداشت نموده که شاهزاده عبدالرحیم
میرزا پسر بهمن میرزا این کتاب را برسم یادگار ، بوی داده است
و این نویسنده ظاهراً جعفر قلی نیرالملك میباشد ، چرا که از بیانات
مؤلف المآثر والآثار درص ۱۸۸ برمی‌آید که تااین تاریخ زندگانی
میکرده است وسجع مهربهمن میرزا که در ابتداء کتابست :
یگانه گوهر درّی خسروی بهمن . و آنکه در آخر نسخه است :
« بهمن بن نائب‌السلطنه عباس میرزای قاجار » میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۰۱ . صفحه ای
۲۵ سطر . طول ۳۵ ½ سانتیمتر . عرض ۲۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۲۵۵ .

## کفایة الایتام فی معرفة الاحکام

یکی ازمؤلفات سیّد کشفی است (جعفربن ابی‌اسحق موسوی(۱) ۱۱۸۹-
۱۲۶۷ ) (۲) که از علما وعرفای قرن سیزدهم هجری بوده و بفضائل و
کرامات در عصرخویش شهره شد ، حکام و امرا وعامهٔ خلق را مرید و معتقد
خویش نمود ومؤلفات زیاد ازخودبیادگار گذارد ، چند نفر ازمعاصرین(۳) وی
نام و شرح حال ایشانرا درکتابهای خویش نگاشته اند ، اصل وی از داراب
فارس بوده ودرآنجا متولد شده ودر اواخر عمر بروجرد را محل اقامت خویش

(۱) فامیل این سید جلیل خودرا موسوی میدانند ولی صاحب طرائق الحقایق
و فارسنامه ناصری سید را حسینی معرفی کرده‌اند .
(۲) حسین بن رضا الحسینی که از شاگردان سید بوده در کتاب « نخبة المقال
فی علم الرجال» گوید : سیدنا الاصفی الجلیل جعفر ابنّ ابی اسحق المفسر قد کان بدراً
لسماء العلم وبعد « لمع (۷۸ سال عمر) غاب نجم العلم» (= ۱۲۶۷ سال وفات) .
(۳) ج ۳ طرائق الحقائق ص ۲۱۱ ، آثار عجم تألیف فرصت‌الدوله ص ۱۰۳
المآثر والاثار ص ۱۵۶ فارسنامهٔ ناصری گفتار دوم ص ۱۷۸ نخبة‌المقال و ص ۲٤
مراجعه شده است .

قرار داد ودرآنجا جانرا تسلیم جان‌آفرین نمود واینك مدفن او مزار و دارای بقعه و بارگاه است .

فامیل کشفی با نگارنده نسبت نسبی و سببی دارند و اینك در اصطهبانات فارس و بروجرد وتهران بسیاری ازآنها متوطن وآقا سید مهدی مدرس پسر مرحوم سید ریحان‌الله است که ازعلمای نیمه اول قرن چهاردهم ، فرزندمرحوم کشفی و اینك درتهران ساکن واشتغال به تدریس دارند .

سید کشفی مؤلفات زیاد ازخود بیادگار گذارده وچند تای ازآنها چاپ‌شده وبعضی را بخط خود ایشان در کتابخانه نوه‌های نام‌برده ایشان دیده‌ام ، ازآنها: اجابت‌المضطرین ، **تحفة‌الملوك** ( هردو چاپ شده اند) ، **سنا برق** شرح دعاء رجبیه ( بعربیست ودر کتابخانه نوه ایشان مرحوم آقا موسی مجتهد و در کتابخانه سپهسالار موجود است) ، **شرق و برق** ( درتطبیق عقل و نقل) ، «**الرق‌المنشور** فی اثبات المعراج النبی المنصور » ، **نخبة الاصول** ، « میزان‌الملوك » بفارسی در سیاست ونصیحت ملوك ، **منظومه** درمنطق ، **منظومه** در کلام ، **منظومه** درصرف ونحو ، **شموس‌ونفوس** (در کلام) (این‌هشت نسخه را آقای سید مهدی بن ریحان‌الله بن جعفر کشفی‌دارند وبعضی ازآنها بخط مؤلف است ) . **شهب قابوس** در ولایت ائمه اطهار ، **صید البحر** دررد بر علمای ظاهر قشری،**البلد الامین** بنظم ( این سه کتاب در کتابخانه مرحوم سید ریحان‌الله در طهران موجود است ) وتفسیر سورهٔ اعلی ( آقای سید مهدی کشفی گویند که نسخه‌ای از این تفسیر در بروجرد و نسخهٔ دیگرآنرا خودم برای یکی‌ازعلماء خراسان فرستاده‌ام وجز این‌مؤلفات نامبرده تألیفهائی دارند ) . معاصرین وی عموماً تبحر کشفی را درتفسیرنگاشته‌اند ولی تفسیر کاملی از ایشان بیادگار نمانده است .

مؤلف نام این کتابرا « کفایة الایتام فی معرفة الاحکام » گذارده ودرمقدمهٔ آن تصریح نموده که پیش ازاین بنا بخواست شاهزاده محمد تقی‌میرزا کتابی در اصول و فروع دین بفارسی با استدلال بنام « اجابة المضطرین» شروع بتألیف نموده ومجلد اول آن که در اصول بود بانجام رسید و بخشی ازفروع را هم با همان تفصیل و استدلال نگارش داده ولی چون بطول می انجامید و مقصود اصلی از کتاب استفادهٔ عام بود نه خاص ، بامر معظم‌له از آن طرز صرف نظر ونقط بنقل فتاوی اکتفا نمود وآنرا در سه فن قرار داده : عبادات، معاملات و احکام و هرفنی بر چندین باب و هرفصلی نیز بچند فصل تقسیم شده و از ابواب **ارشاد** و از فصول **کفا** تعبیر میشود .

تمام این کتاب درحدود (۴۴۰۰۰) بیت کتابت دارد ونسخهٔ مجلد اول آنرا بخط مؤلف در کتابخانه مرحوم آقا موسی مجتهد وتمام سه مجلد را در کتابخانهٔ آقا سید مهدی مدرس کشفی نوهٔ محترم مؤلف دیده‌ام وفهرست ابواب وفصول هریك از مجلدات پیش ازآنها گذارده شده است.

**آغاز:** بسمله بسم‌اله والحَمْدُ لِلّه والصّلوة والسّلام عَلی رَسولِ الله و آله آل‌الله **و بعد** نگارندهٔ این اوراق الفاطمی المفتاق جعفر بن ابی سحق بعرض اهل طاعت و وفاق میرساند الخ.

## ۸۴۳

**لمعه در نکاح و متعه**

این نسخه چند صفحهٔ آن بخط نسخ و باقی بخط نستعلیق نوشته شده، از ابتداء رساله تاقسمتی از فصل دوم باب دوم را داراست وآخرین‌سطر آن اینست: وصیغهٔ عقد سه است **یکی** زوّجت **دوم** انکحت **سیم** متّعت و صورت **عقد** برورقیکه در آخر نسخه است نگارش یافته ونیزدراینجا اخبار ومطالب متفرقه ای راجع بعقدنکاح ومتعه نوشته‌اند.

جلد تیماج. کاغذ حنائی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۱۲. صفحه‌ای ۲۰ سطر. طول $17\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض $11\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۹۰۷**.

### لمعه در نکاح و متعه

این رساله مشتمل برفوائد ومطالبی راجع بنکاح دوام ومتعه دراسلام میباشد ودر یك مقدمه وچهار باب مرتب گردیده، در ص ۴۸۰ کشف‌الحجب والاستار نام برده شده، ولی گوید مؤلف آنرا نشناختم، در کتابخانه حضرت رضا ع نسخه‌ای از این رساله موجود ودر ص ۱۰۶ ج ۲ فهرست آن کتابخانه معرفی

شده ومؤلف آن فهرست گوید : تألیف عزالدین آملی(۱) شریك درس محقق ثانی شیخ علی کرکی‌است ( این عالم از مشاهیر علماء امامیه در اوائل سلطنت صفویه بوده و بسال ۹٤۰ وفات یافته شرح حال ایشان را در ص ۳۸۱ ج ۱ فهرست سپهسالار نوشته‌ام ) نگارنده از طرز انشاءآن دانست که از مؤلفات اواخر قرن دهم هجریست و در تأیید خود در ص۱۱ نسخه باین‌جمله برخورد: و شیخ شهید **درحاشیهٔ قواعد** آورده . ومیدانیم که شیخ‌زین‌الدین‌مشهوربه شهید ثانی بسال۹٦٦ بجرم تشیع شهید گردیده ، حاشیه ای برقواعد الاحکام علامهٔ حلی دارد .

**آغاز :** بسمله احسن حمد وسپاس لائق مصوریست که بدایع صور زیبای دلبران حوری صفتارا الخ .

## لغات

### ۸۴۴

**بدایع اللغه** این نسخه‌رابخط نستعلیق **نصرالله کردستانی** بسال ۱۲۸۷ بخواست شاهزاده معتمدالدوله **فرهاد‌میرزا** نوشته ، درحاشیهٔ پاره ای ازصفحات خطوطی است که مسلّماً بعضی ازآنها خط فرهاد میرزا وبعضی برحسب احتمال خط مؤلف است .

---

(۱) درص ۵۷ـ٦۰ ج ۲ فهرست کتب مدرسهٔ سپهسالار شرح نهج‌البلاغه ایشان را معرفی وتا حدیکه میسر بود بشرح حال مؤلف پرداخته‌ام واگر انتساب این کتاب به ایشان موافق باواقع باشد بنا برآنچه ازمتن آن استفاده میشود مؤلف پس از سال ۹٦٦ هم زندگانی میکرده است .

جلدتیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۴۰ . صفحه‌ای ۱۴ سطر . طول ۱/۲ ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۰۸** .

## بدایع اللغه

این کتاب درلغت کردی ومؤلف آن علی‌اکبر متخلص به **افسر** (۱) پسر میرزا عبدالله منشی‌باشی کردستانی میباشد ، چنانکه درمقدمه تصریح شده تالیف آن بخواست شاهزادهٔ فرهاد میرزا (معتمدالدوله) در هنگام حکومت وی بر کردستان بوده و بنا برتصریح در ص ۱۲ نسخهٔ این کتابخانه بسال ۱۲۸۶ تألیف گردیده و نخستین کتابی‌است که درلغات و اصطلاحات کردی جمع شده و بهمین مناسبت آنرا «بدایع‌اللغه» نامیده ونیز بدین نام کتابی در لغت مختص به ترجمهٔ لغات مشکله‌ای که امیرعلیشیر نوائی در اشعار وآثار خود آورده میباشد ونسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالارموجود ودرص ۱۶۰ـ۱۶۱ ج ۲ فهرست آنجا معرفی گردیده است .

چون شاهزاده گذشته ازجمع لغات کردی اطلاعات دیگری راجع‌بکردستان ازمؤلف بدایع‌اللغه‌خواسته ، وی در ابتداء این کتاب بنام مبادی آن مطالب را درج نموده وفهرست آنرا چنین‌آورده است : وآنرا بر پنج مبادی (مبادی پنجگانه اگر گفته بود بهتربود) ویك مقصدکه مشتمل بر بیست‌و پنج باب است ویك خاتمه (۲) مرتب ومزیّن داشته ومن‌الله التوفیق والاستمانه **مبدءاول** : در بیان معرفت نسب اکراد که نسب ایشان بکه منتهی میشود . **مبدءِ دوم** : در بیان معرفت حدود کردستانات که از کجا تا بکجا است . **مبدءِ سیم** : در بیان معرفت طوائف اکرادکه چند طائفه هستند وهرطایفه را چه‌مذهبی باشد .

---

(۱) این‌مؤلف ازطرز کتاب وی بدست میآید که سنّی مذهب است و علی‌اکبر نام داشتن دلیل برتشیع وی (چنانکه ظاهراینست) نخواهد بودوصاحب مجمع ـ الفصحا در ج ۲ ص ۷۱ در زیر عنوان **افسر کردستانی** میرزا مرتضی بن میرزا عبدالکریم ملقب به معتمدالدوله را که بسال ۱۲۶۲ زندگانی را بدرود گفته نام برده واز علی‌اکبر متخلص به افسر نامی نبرده است .

(۲) درمقدمه پس‌از ذکرموضوع ۲۵باب کتاب مندرجات خاتمه را بیان‌ننموده که چیست ونسخه هم به‌باب ۲۵ختم شده وهریك ازابواب را هم بچندین فصل قسمت کرده است .

**مبدء چهارم** : در بیان معرفت لام مخفف و لام مفخم و یای معروف و یای مجهول و واو معروف و واو مجهول و واو معدوله . **مبدء پنجم** : در بیان معرفت حروفاتی ( حروف صحیح‌است ) که در زبان کردی و لغات اکراد هیچ واقع نمیشود و هرلغتی که بخواهند پیدا نمایند بدون اشکال باشد و در کمال سهولت وآسانی بدست‌آید والله اعلم .

مؤلف گذشته ازنقل لغات وکنایات و استعارات واصطلاحات کردی و بیان معانی‌آنها معادل فارسی‌آنها را هم ذکر وباشعار فصحا استشهاد کرده ودرحدود (۵۰۰۰) بیت کتابت این کتاب است .

**آغاز :** بسمله حَمْداً لِمَنْ کَلَّ لِسانُ الکُلِّ فی بیانه . . . . . . . و بعد فاتح این ابواب و نگارندهٔ این فصول الخ .

**۸۴۵**

برهان جامع چنانکه از قرائن موجوده در نسخه بدست میآید این‌نسخه درهمان سال‌تألیف (۱۲۵۱) نگارش یافته ولی نویسنده از خود و سال نگارش چیزی ننوشته و لغات گرفته شدهٔ از جهانگیری بسرخی وآنچه از برهان گرفته شده بامرکب سیاه وبخط نسخ و معانی آنها بخط نستعلیق خوب نوشته شده وصفحات بجدول بطلا ولاجورد وشنجرف میباشد .

جلد روغنی دوروگل و بوته وگل‌نرگس . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۵۱ . صفحه‌ای ۲۴ سطر . طول ½ ۲۵سانتیمتر. عرض۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۷۳۷** .

## برهان جامع

این کتاب تألیف محمد کریم بن مهدیقلی سرابی تبریزی است ، چنانکه از دیباچهٔ آن بدست میآید درسال‌آخرسلطنت فتحعلیشاه‌که آغاز ولیعهدی محمدشاه

بوده بتألیف این کتاب به امر واشارهٔ شاهزاده بهمن‌میرزا برادر محمدشاه شروع وآنرا « فرهنگ محمد شاهی » نامیده واز بیان آخر کتاب معلوم میشود که انجامش درآغاز سلطنت محمد شاه (۱۲۵۱) بوده است .

مؤلف در دیباچه خودرا معلّم شاهزاده بهمن میرزا معرفی نموده و دانشمند محترم آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ( ص ۳۰۸-۳۰۹ ) زیر عنوان « ملا باشی میرزا محمد کریم بن مهدیقلی تبریزی گویند : « از فضلا و ادبای معروف آذربایجان بوده بتعلیم وتدریس محمدمیرزای ولیعهد (محمد شاه) اشتغال داشته وبنام وی کتابی درلغت فارسی بعنوان « برهان جامع » تألیف کرده که بفرهنگ محمدشاهی معروف و در ۱۲۶۰ در تبریز چاپ شده است جُنگی هم بخط خود او نزد نگارنده هست » .

در دیباچه تصریح شده کهاز دو کتاب لغت، این کتاب تألیف شده و لغات فرهنگ جهانگیری‌را برنگ سرخ نوشته ودیگر لغات فرس‌راکهاز کتاب برهان قاطع گرفته شده برنگ دیگرعلاوه برآن نموده و کنایات هرلغت را درذیل آن قرار داده و مجموع آنها را بطور اختصار منتخب ساخته مسمی « بفرهنگ محمدشاهی» نموده.

این فرهنگ مشتمل بر یك مقدمه و۲۹ باب است ومقدمه آن شامل‌مطالب سودمندی است که دانستن آنها پیش‌ازشروع بلغت لازم وآنهارا درده **طراز** معیّن کرده است : **طرازاول** - در اطلاق اسم پارس بر مملکت ایران و حدود آن وتعداد اقسام اینزبان . **۲** - درتعداد حروف تهجّی که در عرب و عجم‌متداول‌است . **۳** - در ذکرترتیب کتاب که بر چه سان وچند بابست . **۴** - درتقسیم کلمه به اسم وفعل وحرف . **۵** - درضبط معانی حروف مفرده که در اول یا وسط یا آخر کلمات درآورند . **۶** - در ضبط حروفیکه بدون ترکیب با حروف دیگر افاده معنی‌نکنند . **۷** - دربیان‌تجویز تبدیل‌حروف بیکدیگر **۸** - ضمائر مفرد ومرکب ( منفصل ومتصل ) درزبان فارسی . **۹** - در بیان املاء کلمات و اعراب آنها **طرازدهم** - دربیان عقد انامل .

دراین‌فرهنگ فقط‌لغات‌پارسی‌بامعانی‌آنهانام‌برده شده‌ودرمتن‌بکلی‌شاهدی‌از نظم‌ونثر نیاورده ولی‌درحاشیهٔ بیشتر ازصفحات‌نسخه این کتابخانه اشعاری از شعراء بزرگ شاهد برمعنی مذکور در مقابل‌لغات نگارش یافته این کتاب ( برهان جامع ) جز حواشی‌آن درحدود (۱۹۰۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** بسمله الحمد لله‌الذی خلق الوری ...... منت خدایرا که وجود همایون قطب امکان الخ .

۸۴۶

**برهان قاطع**

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۱۷۹ محمد **سعدالله** مشهور به **لطف الله افندی زاده** مدرس یکی از مدارس عثمانی (ترکیّه) نوشته، گذشته از رقم در آخر کتاب، پشت صفحهٔ نخستین نیز یادداشت نموده و در اینجا دو یادداشت از دو دانشمند ترك نژاد موجود و قسمتی از یکی از آنها را محو کرده‌اند، لغات و عناوین باشنجرف نگارش یافته دارای یك سرلوح و همه صفحات بجدول بطلا و لاجورد است.

جلد میشن ضربی. کاغذ سمرقندی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۵۲۹. صفحه ای ۳۱ سطر. طول ۳۰ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۹۳۹**.

۸۴۷

**برهان قاطع**

این نسخه را محمدعلی بن اسمعیل بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۸ در مدرسهٔ ایلچی واقع در محلهٔ احمد آباد اصفهان نوشته، لغات و برخی از عنوانها باشنجرف و لاجورد و عنوان گفتار ها باطلا نگاشته شده، در ابتداء دارای یك سرلوح و حواشی دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و همهٔ صفحات بجدول بطلاست، پشت صفحهٔ نخستین ابیاتی درمادهٔ تاریخ فرزند میرزا صادق نام و یادداشتهائی دیگر نگارش یافته است.

جلد میشن دور تیماج . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۳۸ . صفحه ای ۲۷ سطر . طول $\frac{۱}{۲}$۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۳۷۶** .

**۸۴۸**

**برهان قاطع** این نسخه بسال ۱۲۲۶ نوشته شده ، مقدّمه وقسمتی ازاوّل کتاب افتاده (ازابتداء گفتار پنجم که حرف سین میباشد تاآخر کتابست) و نخستین سطر نسخه اینست : ومحتوی بریکهزار وسیصدوشصت وهفت لغت وکنایتست بیان اول درسین بی نقطه باالف الخ. برنخستین برگ کنونی یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند ، لغات باجوهر قرمز نوشته شده است .

جلد ساغری . کاغذ فرنگی آبی رنگ . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳۶٤. صفحه ای ۲۰ سطر . طول $\frac{۱}{۲}$۳۲ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸٦۴۸** .

## برهان قاطع

این کتاب یکی از فرهنگهای معروف میباشد وگذشته از لغات مستعملهٔ در فارسی کنونی شامل لغات دری و پهلوی و عربی و هندی و ترکی و کنایات و استعارات این زبانها میباشد وچنانکه خوددرمقدمه تصریح نموده لغات «فرهنگ جهانگیری» و «فرهنگ سروری» (مجمع الفرس) و «سرمهٔ صفاهانی» و «صحاح الادویه» راکه هریك حاوی لغات چندین فرهنگ میباشند گرد آورده وشواهدو مکررات آنهاراانداخته واین کتابرا مرتب نموده ونام آنرا «برهان قاطع» نهاده است .

مؤلف این کتاب محمد حسین بن خلف تبریزی **برهان** تخلص میباشد که ازشعرای قرن یازدهم هجری بوده وبهندوستان رفته واین مؤلفه را بنام سلطان

عبدالله قطب شاه بن قطب شاه از سلاطین قطبشاهیه هند تألیف نموده و خود درتاریخ اتمام آن گوید :

چوبرهان ازسرتوفیق یزدان مراین مجموعه را گردید جامع
پی تاریخ اتمامش قضا گفت کتاب نافع بردان قاطع = ۱۰۶۲ .

پیش از شروع در بیان معانی لغات که در بیست و نه **گفتار** وهر گفتاری درچندین **بیان** مرتب گردیده ، مطالبی سودمند که دانستن آنها مراجعه کنندهٔ بکتابهای لغت را کمك زیاد میکند در نه فائده بشرح زیرنگاشته است :

**فائده ۱** ـ درشناختن زبان دری وپهلوی . **۲** ـ درچگونگی زبانفارسی . **۳** ـ درشمارهٔ حروف فارسی وفرق میان دال وذال وتصریف فارسی . **۴** ـ در حرفهائیکه بیکدیگر تبدیل میشوند . **۵** ـ در ضمائر زبان فارسی . **٦** ـ در حرفهائی که دراول وآخر کلمات برای مقصود هائی زیاد میکنند . **۷** ـ دربیان حرفهائیکه برای زینت کلمات میآورند . **۸** ـ درمعانی حروف وکلماتیکه در آخراسماء وافعال برای پیدایش معانی گوناگون میافزایند . **۹** درمطالبی که بایستی نویسندگان آنرا بدانند .

این فرهنگ شامل ۱۹٤۱۷ لغت وکنایه واستعارهٔ مستعملهٔ در زبان فارسی میباشد ومکرر در ایران وهندوستان چاپ شده و بهترین چاپهای آن نخستین چاپی است که بسال ۱۸۱۸ م در هندوستان گردیده و جمعی بمقابله با سیزده نسخه وتصحیح آن مبادرت نموده وگذشته ازاین ملحقاتی که شامل ۳۷۱۷ لغت وغیره میباشد برآن اضافه نموده ودرتوضیح وتصحیح مطالب اصل کتاب حواشی نگاشته اند ، خصوصیات دیگراین چاپ را نگارنده درص ۱٦۵ ج ۲ فهرست سپهسالار نوشته ام .

سید احمد عاصم عنتابی ازفضلای عثمانی دراوائل قرن سیزدهم برهانقاطع را به ترکی ترجمه کرده و درهنگام ترجمه بفرهنگها مراجعه نموده واغلاط آنرا تصحیح واین ترجمه بسال ۱۲۵۱ درمصر چاپ شده است .

مؤلف اینفرهنگرا ، چون همهٔ مصنفین ، اشتباهاتی دست داده ، گروهی از دانشمندان برد و نقض و دسته ای از آنها بحمایت وکمك وی برخواسته و در تأیید و رد وی کتابها نوشته اند ازآنها **قاطع برهان** تألیف اسدالله غالب دهلوی ، **ساطع برهان** شیخ رحیم هندی ، **دافع هذیان** نجف علیخان

حجری ، **محرق قاطع برهان قاطع** ، تیغ تیز ، **تیغ تیزتر** ، و غیر اینهاست . (۱)

**آغاز** : بسمله

ای راه نما بهر زبان در افواه  یزدان و کرسطوس چوتکری وآله
از نام‌تو بردند زبانها بتو راه  لا حول و لا قوة الا بالله

**۸۴۹**

## تاج المصادر

این نسخه را بخط نسخ محمدبن صیرفی بسال ۸٤۸ نوشته ، همین نویسنده (ظاهراً) پشت برگ نخستین وبربرگ پیش از آن ، حرزی از حضرت رسول‌ص نقل نموده ، یادداشت دیگری که بسال ۱۲۱۱ نوشته شده نیز در آخر آنست ، پشت آخرین برگ اسماء مؤنثه سماعی نگارش یافته ومهراسمیکه سورهٔ قل هوالله در اطراف آن و در وسط **رجبعلی** نقش شده در چندمورد موجود ونام‌رجبعلی را از آنکه درآخراست محو کرده اند .

برگها آثارآبدیدگی دارد ولی خطوط آنها محونشده وتصحیح گردیده ومطالبی ازمهذّب ومغرب ودیگر کتابهای‌لغت درحاشیهٔ برخی ازبرگها نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۱۲ . صفحه ای ۲۵ سطر . طول $\frac{1}{2}$۲٦ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۲۳۹** .

---

(۱) مطالب بالا گذشته ازمراجعه بخود کتاب بادیدن دانشمندان آذربایجان ص ٦۸ و ٦۹ و ص ۲۷۱ فهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم یوسف اعتصامی نگارش یافت .

# تاج المصادر

این کتاب تألیف احمدبن علی مقری بیهقی معروف به **بوجعفرك** میباشد (متولد درحدود سال ٤٧٠ و متوفی بسال ٥٤٤(١)) که از ادباء نامدار و لغویین با اعتبار ودرقرائت وتفسیر ونحو ولغت امام بوده وصحاح اللغه جوهری را پس از آنکه پیش احمد بن محمد میدانی خوانده ، درحافظهٔ خویش نگاهداشته ومؤلفاتی ازخود بیادگار گذارده از آنها : المحیط بلغات القرآن ، ینابیع اللغه (مختصر صحاح جوهری میباشد واز تهذیب ازهری وشامل ابی‌منصورالجبان و مقائیس ابن فارس برآن اضافاتی نموده است) ، المحیط بعلم‌القرآن **وتاج‌المصادر** است .

تاج‌المصادر بترتیب المصادر زوزنی : مصادر ثلاثی مجرد شروع و پس ازآن ثلاثی مزید و رباعی مجرّد ورباعی مزید وملحق برباعی تقسیم گردیده ودر هر یك از اقسام بدواً سالم و پس‌ازآن مضاعف ، اجوف ، ناقص و مهموز آنها بترتیب حروف تهجّی (بملاحظه آخرآنها) ذکر و بفارسی ترجمه گردیده است .

چنانکه ازمقدمه تاج‌المصادر استفاده میشود (امّا بعد فانّ هذا مصادر هذّبْتُ فارسیّتها وَعرَضْتُ علی کُتُب الائمة عربیّتها و جرّدتُها عَنْ الامْثالِ والأَشْعار لیَصْغرَ حَجْمُها ویَتَهَّلَ حِفظُها الخ) و مطابقه مطالب آن با المصادر زوزنی(٢) مؤیداست ، این کتاب مختصر **المصادر** مؤلف زوزنی میباشد بااضافه کمی درالفاظ ودر حدود ١٠٠٠٠ بیت کتابت آنست .

تاج‌المصادر بسال ١٤٠١ درهندوستان چاپ سنگی شده است .

**آغاز :** بسمله الحمد لله رب العالمین حمداً یفوق حمد الشاکرین نحمده علی السرّاء والضرّاء الخ .

---

(١) شرح حال و مؤلفات این بیهقی‌را در ج ١ معجم الادبا ص ٤١٤-٤١٦ نگاه کنید .

(٢) در ص ٢٨٢-٢٨٥ ج ٢ فهرست مدرسه سپهسالار ازاین کتاب ومؤلف آن معرفی گردیده وبخشی ازاین دو کتاب را برای اثبات مدعای خویش نقل نموده‌ام و زوزنی ابوعبدالله حسین بن احمد متوفی بسال ٤٨٦ میباشد .

۸۵۰

**ترجمان اللغه یا شرح قاموس** این نسخه شامل نصف اول این کتاب ( از باب حرف همزه تا آخر باب حرف ظاء ) میباشد ، بسال ۱۱۹۳ بخط نسخ محمدمؤمن کرمانی نوشته شده ، دوبرگ ازمیان نسخه نیازمند وصّالی ومیان مادّهٔ مرّ و مار یك صفحه ننوشته مانده ولی تقریباً دوبرگ ونیم میان این دولغت مطلب نگاشته نشده و بعضی از شرح لغات مختصر نسخه چاپی میباشد و پشت صفحهٔ نخستین عبدالغفور قزوینی بسال ۱۲۶۱ مالك بودن نسخه را یاد داشت کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۵۵۶ . صفحه‌ای ۲۵ سطر . طول ۳۰ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۱۴۵** .

۸۵۱

**ترجمان اللغه یا شرح قاموس** این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ ، ظاهراً در اواسط قرن سیزدهم هجری نوشته شده یك صفحه میان مادّهٔ **عب** و **عتب** و دوصفحه و نیم میان مادّهٔ **رسح** و **ریح** و در حدود ۱۴۱ برگ میان لغت **طلافح** و **ضئود** و نیز برحسب تخمین در

حدود ۲۸۵ برگ از آخر نسخه تاآنجا که ابتداء نسخهٔ زیرین میباشد نوشته نشده ونویسنده گوید نسخه ایکه این‌نسخه ازروی آن‌نوشته شده ناقص بوده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۲۸. صفحه‌ای ۲۷ سطر. طول ۱/۲ ۳۰ سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸۶۴۱**.

## ۸۵۲

**ترجمان اللغه یا شرح قاموس**

این نسخه بخط نسخ نویسندهٔ نسخه پیشین است وشامل چند سطر پیش ازمادّهٔ **مار** تا آخرباب‌الضاء (آخرنصف نخستین شرح) میباشد وسطر اوّل نسخه اینست: بخونهای صیدها که گویا رنگ شده است بمکر وگل سرخ و **ممکوره** نور دیده شده آفرینش از زنان است الخ.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع‌رحلی. شمارهٔ برگها ۲۲۲. صفحه‌ای ۲۷ سطر. طول ۱/۲ ۳۰ سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر شماره دفتر **۱۸۶۴۳**.

## ۸۵۳

**ترجمان اللغه یا شرح قاموس**

این نسخه نیز بخط نویسنده نسخهٔ پیشین میباشد، پیداست که برگهائی ازابتداء آن برداشته شده ونخستین صفحهٔ آن ازمطالب مندرجهٔ در شرح لغت **صرم** میباشد و آخر

آن انجام کتابست وسطر اول نسخه اینست :

الصرب وَهوَ بالَميمِ اَعرَفْ وَصرَمَ بمعنی گروه است و جمع آن اصرام بروزن اشجار الخ . ( این سه مجلد تقریباً سه ربع تمام کتاب میباشد ) .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۲۹ . صفحه‌ای ۲۷ سطر . طول ½ ۳۰ سانتیمتر . عرض ½ ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸٦۴۲** .

## ترجمان اللغه = شرح قاموس

قاموس‌اللغه تألیف فیروزآبادی وازمشاهیر کتب لغت عربی میباشد ، نگارنده در ص ۲۳۲ - ۲٤۱ ج ۲ فهرست سپهسالار بمعرّفی مؤلف و مؤلفات او ، ویژه این کتاب پرداخته و٤۳ شرح و حاشیه وترجمه و ردّ برآنرا نیز معرفی نموده است .

اینترجمه که مترجم آنرا « ترجمان‌اللغه » نامیده از محمد یحیی بن محمد شفیع قزوینی میباشد و بنا بر تصریح خود وی در دهم شعبان سال ۱۱۱٤شروع به ترجمه نموده ودربیستم ربیع‌الاول۱۱۱۷ بانجام رسانیده( بنابراین سی‌ویکماه‌و ده روز طول کشیده است ) و آنرا بنام شاه سلطان حسین صفوی پادشاه عصر موشح نموده ودرطهران دوبار یکی مستقلا بسال ۱۲۷۳ وبار دوم در حاشیهٔ قاموس بسال ۱۲۷۷ چاپ شده است .

در کتب سیر و رجال بنام این مؤلف و سائر مؤلّفات وی دست نیافتم ، جز اینکه مؤلفه‌دیگری که در مقدمه ، مؤلف خود را محمد المدعوّبه یحیی بن شفیع القزوینی معرفی‌میکند بنام «الجموع والمصادر» ( ۱ ) یافته‌ام که در مقدمهٔ آن گوید ، هنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم که مؤلف پاره ای از جموع ومصادر را آورده و بسیاری را نیاورده الخ .

ظاهراً مؤلف این کتاب ، همین‌مترجم قاموس باشد وچنانکه در امل‌الآمل و بنقل از این کتاب در ص ٦٤۰ روضات نگارش یافته محمد رفیع واعظ قزوینی متوفی بسال ۱۰۸۹ مؤلف ابواب‌الجنان پسری بنام محمد شفیع داشته که ابواب‌الجنان‌پدر را تکمیل نموده، نزدیکی عصر وزمان وقزوینی بودن این احتمال‌را

( ۱ ) از این کتاب در ص ۳۱٦-۳۱۷ ج۲ فهرست سپهسالار معرفی کرده‌ام .

قوت میدهد که این محمد شفیع پدر این مترجم باشد چنانکه نگارنده نیز احتمال میدهد که عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی مؤلف نظم‌الغرر و نضدالدرر (۱) که دراین فهرست نسخی از آن معرفی خواهد شد پسر صاحب این ترجمه است.

**آغاز:** بسمله سپاس بلند اساس وستایش بیحد و قیاس حکیمیرا سزاست که بحکمت بالغه وقدرت کامله بلبل هزاردستان ناطقه را الخ.

## ۸۵۴

## جواهر الالسنه

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده از خود نام نبرده، و تاریخ نگارش را نیز تذکر نداده وبتاریخ تألیف (۱۱۸۲) قناعت کرده، شاید نسخه اصل باشد ولی براین احتمال جزختم آن بتاریخ نام برده وطرز نگارش وکاغذ دلیلی ندارم، سرلوح کوچکی دارد، دو صفحهٔ اول بجدول باکلیل وسرخی و صفحات دیگر فقط بجدول باکلیل است، عناوین فصول و ابواب باسرخی نوشته شده وحاشیه هائی بترکی درتوضیح مطالب ازخود مؤلف درحاشیهٔ صفحات نگاشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۱۶۷. صفحه ای ۱۵ سطر. طول ۳۲ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۱۰۴**.

### جواهر الالسنه

در دیباچهٔ این کتاب که بترکی میباشد مؤلف خودرا **ابراهیم‌وديد** معرفی نموده و گوید که در تألیف این کتاب از «لهجة‌اللغات» **اسعد آفندی** (در ص ۹۰۸ ج ۲ قاموس‌الاعلام ترکی اسعد آفندی مؤلف لهجة‌اللغات‌را ابواسحق افندی زاده محمد متولد بسال ۱۰۹۶ ومتوفی بسال ۱۱۶۶ معرفی کرده است)

(۱) نسخی از این کتاب دراین کتابخانه موجود ودرهمین مجلد معرفی میشود.

و « مرآت المشکل » عثمان زاده تائب افندی (در ص ۱۶۲۱ ج ۳ قاموس الاعلام ترکی این شخص معرفی شده و گوید بسال ۱۱۳۵ درمصر بود و یکسال پس ازآن درهمانجا وفات یافت) استفاده کرده‌ام وتاریخ تألیف‌را درآخر کتاب سال ۱۱۸۲ معین نموده است.

در قاموس‌الاعلام ودیگر مآخذ بنام وشرح حال واثر دیگری ازاین مؤلف دست نیافتم و ترتیب تنظیم این کتاب اینست که لغات ترکی را بترتیب حرف اول مطابق حروف تهجی مرتب نموده ومعادل عربی وپس‌ازآن معادل فارسی آنرا درمقابل هریك نگاشته و ۴۲۰۰ لغت را بسه زبان درآن گنجانیده ودیباچه آن درحدود ۷۵ بیت است.

**آغاز دیباچه:** بسمله حمد و ستایش و آفرین اول آفریدگار جهان آفرین الخ.

**آغازلغت:** باب‌الهمزة المفتوحه فصل‌الهمزة مع‌الباء **ابه** قابله **پیشکار** الخ.

۸۵۵

**خلاصه عباسی**

این نسخه رابسال ۱۲۶۵ بخط نستعلیق خوب بنابفرمان محمد قلیخان قشقائی ایلبکی فارس نوشته اند و درآغاز وانجام کتاب بنام **کتاب سنگلاخ** شناسانده شده ولی مسلماً **خلاصه عباسی** است و در دیباچه هم تصریح باین نام گردیده، دارای یك سرلوح زیباوحواشی دوصفحهٔ نخستین تذهیب ونقاشی ظریفی شده وتمام صفحات بجدول بطلا ولاجورداست.

جلد تیماجی تذهیب شده. کاغذ ترمه. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۶۵. صفحه‌ای ۲۳ سطر. طول ۲۹ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۶۷۰**.

## خلاصه عباسی

این کتاب مختصر کتاب سنگلاخ است که درترجمهٔ لغات ترکی‌مغولی‌وجغتائی

میباشد و آنرا میرزامهدیخان منشی نادرشاه تألیف نموده ودرهمین فصل شناسانده خواهد شد ، مؤلف ومختصر کننده آن **محمدبن عبدالصبور** خوئی معروف به **حکیم قبلی** (۱) است که در زمان ناصرالدین شاه حکیم باشی بود و درالمآثر والآثار (ص ۲۰۳) بهمین عنوان معروف،معرفی گردیده و از طرز نگارش آن بدست میآید که پیش از تألیف المآثر والآثار(۲) جهان را بدرود گفته است .

مؤلفات دیگر این مؤلف « مجمع الحکمتین و جامع الطبّین »(۳) ، « انوار ناصریه » است ودر ص ۱۲۲ دانشمندان آذربایجان نوشته شده : کتاب **تعلیم نامه** درعمل آبله زدن تألیف دکتر کارمك انگلیسی را بفارسی ترجمه کرده و بسال ۱۲٤٥ درتبریز با حروف سربی چاپ شده است .

خلاصه عباسی چنانکه ازنام آن بدست میآید ودر دیباچهٔ (٤) آنهم تصریح گردیده برحسب خاص و امر عباس میرزای نائب السلطنه ( بسال ۱۲٤۹ مرده ) از سنگلاخ مختصرشده باین معنی که شواهد و مشتقات آنرا انداخته و مختصر کننده مدّعی شده که تمام لغات سنگلاخ را فعلاً وقوةً این مختصر که عشری از

(۱) دانشمند محترم آقای تربیت دروجه تسمیه مؤلف به لقب قُبلی فرمایند که این حکیم علاقه زیادی بقلیان داشته وچون ازخانه خود بیرون میرفته برسم اشراف پیشین ، نوکری سوار براسب داشته که قُبل و منقل که در آن لوازم قلیان و آتش افروخته بود همراه میبرده و بدینجهت مشهور به **حکیم قبلی** شده است .

(۲) از اینکه انوار ناصریه وی که درتشریح و بفارسی میباشد بسال ۱۲۷۲ تألیف ( درهمین سال نیز چاپ شده ) گردیده و در المآثر والآثار مؤلفه بسال ۱۳۰٦ نوشته شده **حکیم باشی** بود بدست میآید که میان ۱۲۷۲-۱۳۰٦ وفات یافته وبا تفحص ندانستم که مسلّماً تا چه سالی زندگانی کرده است .

(۳) نسخه‌ای ازاین کتاب که بفارسی درسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمهٔ آن برمیآید که درهمین سال تألیف آن خاتمه یافته زیرشمارهٔ (۷٦۹) درکتابخانه مدرسه سپهسالار موجود وچنانکه ازنام آن نیز برمیآید این کتاب شامل مطالب طب قدیم وجدید میباشد .

(٤) بخشی ازاین دیباچه را که سبب تألیف و طرز کتاب را شامل است در ص ۱٦۷ ج۲ فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار نقل کرده‌ام .

اعشار(۱) اصل کتابت ندارد ، داراست ومقدمهٔ سنگلاخ‌را که در نحو وصرف زبان ترکی میباشد نیز مختصراً دارد وچنانکه در ص۱۷٤ ج۲ فهرست سپهسالار نوشته‌ام تألیف این مختصر بسال ۱۲٤۰ یا اندکی پیش از آن بوده ودر حدود (٦۰۰۰) بیت کتابت دارد وتا کنون چاپ نشده است .

طرز این کتاب اینست که لغات را با مراعات حرف اوّل و دوّم و تقدیم مشتقات برجوامد بترتیب حروف تهجّی از الف تا یا ( لغات هریك ازحروف را بعنوان کتاب الف و با وغیره ثبت کرده ) ذکر نموده و پس از ختم کتاب یاء اشعاری را از امیرعلیشیر نوائی که معانی آنها معلوم نشده بنام خاتمه نقل کرده است .

**آغاز :** بسمله الحمد لله الّذی جَعَلَ الناس شُعوباً و قبائل . . . . امّابعد چون خاطر ملکوت ناظر بندگان الخ .

## ۸۵٦

**دقائق الحقائق** این نسخه بخط نستعلیق ( بروش ترکان ) نگارش یافته ، تاریخ ندارد ، ظاهراً درقرن دهم هجری نوشته شده ، پشت صفحهٔ نخستین دویادداشت بطرز خصوصی میباشدونیزحدیثی ازفردوس‌الاخبارنقل گردیده وبربرگی که پیش‌از برگ نخستین آن میباشد معرفی مختصری ازمؤلف ونام کتاب نگاشته شده است و نسخهٔ مدرسهٔ سپهسالار ۱۵۰ بیت ( در آخر ) بیش ازاین نسخه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۹٤ . صفحه‌ای ۱۹ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۲۵۱** .

(۱) برحسب تخمین و محاسبه سنگلاخ در حدود ٤٤۵۰۰ بیت کتابت دارد و خلاصه عباسی ٦۰۰۰ بیت بنابرین تقریباً سنگلاخ هفت برابر ونیم خلاصه آنست ؛

## دقائق الحقائق

این کتاب بتصریح حاجی‌خلیفه در ص۹٤ ج۱ ظنون تألیف احمد بن سلیمان معروف به **ابن کمال پاشا** متوفی بسال ۹٤۰ میباشد (۱).

این‌مؤلف یکی از ترکهای بسیار دانشمند و دوستدار زبان فارسی بوده و بفارسی وترکی شعر میسروده و بیش از صد کتاب و رساله تألیف نموده و در قسطنطنیه بمقام افتاء یافته ومقام قضاوت نیز داشته است.

مؤلف در دیباچه ومقدمه از خود نام نبرده ولی‌آنرا بمناسبت اینکه شامل دقیقه‌ای ازلغات متشابهه میباشد ودقایق‌الحقایق نامیده و مقدمه را بنام ابراهیم پاشای وزیرموشح کرده وموضوع آن بیان معانی‌ترکی لغات مترادفه ومتشابهه ومتقاربهٔ در زبان فارسی با بیانی ادیبانه در چهارهزار بیت (٤۰۰۰) است.

مؤلف نظم وترتیبی برای ذکر این‌گونه لغات قائل‌نشده و بهرنحوکه پیش آمده لغاتی را ذکر وبشرح معانی‌آنها پرداخته و کتاب را بشرح معانی سخن و گفتارآغاز وبشرح‌معانی‌اسب وستورخاتمه داده ودرذیل بیان‌معانی‌شواهدی از اشعار شعرای معروف فارسی ذکر کرده است.

بنا بگفته حاجی‌خلیفه، احمد بن خضر اسکوبی شاعرمعروف‌به **علوی** لغات مفرده و مرکبهٔ دقائق‌الحقائق را بترتیب حروف تهجی مرتب نموده وآغازآن اینست: حمد بیهمال ومدح بیمثال الخ.

**آغاز:** بسمله سپاس بیقیاس خدای بی‌همتایه که گلزار بدیع‌الآثار بیاننده ازهار رنگین معانی اظهار ایلدی الخ.

### ۸۵۸،۸۵۷

**زواهراللغه** این‌نسخه بسال۱۲۰۱ بخط نستعلیق یسن بن عمربن محمد نوشته شده، در حاشیهٔ آن نیز

(۱) شقائق‌النعمانیه ص۴۲۰ـ٤۲٤، شذرات ج۸ ص۲۳۸، معجم‌المطبوعات ص۲۲۷، فهرست کتب خطی‌سپهسالار ج۲ ص۲۰۹ـ۲۶۱ـوص۳۹۹ـ۴۰۰ مراجعه شود.

بخط همین نویسنده فرهنگی پارسی است که در همین فصل از آن معرّفی میشود و پس از اتمام اصل کتاب هفت برگ است که شامل لغاتی فارسی است وازطرز آن بدست می آید که ازجامع فرهنگ نام برده باشد وفروشنده نسخه در آخرین صفحه سنهٔ ۷۱۲ را الحاق نموده که نسخه را کهنه نمایش دهد وبقیمت گران بفروشد ولی غافل ازاینکه در آخر زواهر اللغه نویسنده تصریح بسال نگارش کرده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع‌خشتی . شمارهٔ برگها ٦٤ . صفحه ای ۱۰ سطر درمتن و ۳۵ درحاشیه . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۷٦۸** .

## زواهر اللغه

این کتاب بنابر تصریح درمقدمه تألیف **ابو النجیب محمد** جوانرودی‌است ( جوانرود در ماهی‌دشت کرمانشاهان چند فرسنگی شهر کرمانشاهان میباشد ) ومقصود وی ازین تألیف شرح وترجمهٔ لغات مشکلهٔ گلستان وبوستان ویوسف وزلیخا بوده ودرمقدمه خودرا شاگرد ومستفید از کمالات اقضی‌القضاة والاحکام **رستم** کاشانی معرفی نموده و گوید از کتاب اختری ( بسال ۹۵۲ قرحصاری ازتألیف اختری کبیرفراغت یافته ودر ص ۲٦۳-۲٦٤ ج ۲ فهرست سپهسالار از آن معرفی کرده ام ) و لغت نعمة‌الله ( نعمة‌الله رومی مؤلف لغتی که بنام وی مشهور است چنانکه در ص ۱۲۵ العقد المنظوم ثبت شده بسال ۹٦۹ وفات یافته و در ص ۲٦۵-۲٦٦ ج ۲ فهرست سپهسالار این لغت و مؤلف آن را شناسانده‌ام ) استفاده کرده‌ام ، ازمراجعه باین مؤلفه وی معلوم میشود که دستی در فضائل و علوم نداشته ، در بسیاری از موارد پس از آنکه ترجمهٔ فارسی ( و گاهی ترجمه و معنی لغات را بعربی ذکر کرده است) لغات را ذکر نموده معادل **کردی** آنها را نیز آورده ودر بعضی ازموارد فقط ترجمه کردی آنها را بیان‌نموده ، بنابر آنچه گذشت تألیف آن مسلماً پس ازنیمه دوم‌قرن‌دهم‌هجری‌بوده و نگارنده ازطرز بیان احتمال قوی میدهد که در قرن یازدهم تألیف گردیده و

بشمارهٔ حروف تهجی بفصولی چند تقسیم شده ودرحدود (۱۱٤۰) بیت کتابت دارد وبامراجعهٔ بفهرستهای ایرانی وخارجی به نسخه دیگری از آن وشرح‌حال مؤلف آن دست نیافتم.

**آغاز:** بسمله حمد و سپاس بی‌قیاس مرخدایراست که نگارندهٔ (کذا و ظ نگاهدارنده) سماست الخ.

## ۸۵۹

**السامی فی الاسامی** این نسخه را بخط نسخ نوشته اند، نویسندهٔ دیگری در کنار حاشیهٔ آخرین صفحه نوشته است: بخط محمد علی نوشته شده وسال نگارش را این چنین (سنه ۱۱) نوشته وظاهراً مرادش سال ۱۱۰۰ بوده (اگرچه ۱۰۰۱ و ۱۰۱۰ نیزاحتمال دارد) زیرا گذشته ازاینکه طرز خط شاهدی صادق‌است درحاشیهٔ بیشتراز صفحات بخط همین‌نویسنده ازفرهنگ سروری مؤلفهٔ بسال ۱۰۰۸ نقل‌هائی شدهو مهریکه سجع آن اینست: مرید پادشاه‌عالم گیر صدر جهان‌الحسینی. در پایان کتاب زده شده‌و مهردیگری را هم دارد.

برگ نخستین نسخه که شامل ده سطر از اول کتاب بوده افتاده و نخستین سطر کنونی اینست: هذاالکتاب وان‌سبقنی الی جمع مثله ذووا آلاداب.

جلد میشن. کاغذ کشمیری. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۲۹. صفحه‌ای ۱۳ سطر. طول ۲٦ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۲۷**.

# السامی فی‌الاسامی

مؤلف این کتاب ابوالفضل احمدبن محمدبن ابراهیم میدانی(۱) نیشابوری متوفی بسال ۵۱۸(۲) است که از مشاهیر ادبا و دانشمندان میباشد و کتاب «مجمع الامثال»(۳) وی در کمال اشتهار و معاصر علّامهٔ زمخشری جارالله متوفی بسال ۵۳۸ بوده است و گویند چون مجمع الامثال را نزد وی بردند بر کلمه میدانی حرف نون اضافه نمود نمیدانی شد و در سبب این کار گویند چون **زمخشری** در این باب کتاب **مستقصی الامثال** را تألیف کرده بود و این مؤلفه را از آن برتر دید رشك برد وجز نحش‌دادن چاره‌ای ندید و نیز نقل کرده‌اند که چون این کار وی به میدانی رسید اونیز از نام زمخشری که پشت یکی از کتابهای او بودمیم را نون کرد ولی نقطه نگذارد زنخشری(٤) شد و بدین کار خواست بگوید : «کلوخ انداز را پاداش سنگ است» و گذشته از کتاب مشهور نام برده میدانی‌را مؤلفاتی است از آنها کتابی بنام **انموزج** درنحو و **نزهةالطرف** درعلم صرف (۵) و**المصادر** و شرح مفضلیات والسامی فی‌الاسامی (همین کتاب) و غیر از اینهاست .

این کتاب را که مؤلف «السامی فی‌الاسامی» نامیده یکی از کتابهای لغت مشهور است که در نزد ادبا وفقها اعتباری بسزا دارد و مؤلف در مقدمهٔ آن گوید : اتمام این کتاب برحسب خواست و امر استاد بزرگوار شیخ امام ابوالحسن علی بن احمد فنجکردی(٦) متّع‌الله اهل الادب بطول مدّته - بوده وآنرا در چهار قسم گذارده‌ام : **قسم اول** - درشرعیات (۵ باب) . **قسم دوم** - در حیوانات (۲۷ باب) . **قسم سوم** - در آثار علویه ( ۵ باب ) .

---

(۱) میدانی منسوب بمَیْدان میباشد ( بفتح میم و سکون یاء حطّی و فتح دال وپس‌از آن الف‌ونون) که یکی‌از محلات نیشابور بوده‌واین‌عالم‌درآنجا متوطن‌بوده و مدفون گردیده و بدین نام در ص ۸۰ روضات چند جای دیگر نشان داده شده است .

(۲) شرح حال این دانشمند را در ص۸۰ روضات وص٤۸ وفیات‌الاعیان وص ۳۸۲ ج۲ کشف‌الظنون وص۲۲۳ ج۳ مرآت‌الجنان یافعی نگاه کنید .

(۳) با ترجمهٔ امثال آن بلاتینی در اروپا و اصل آن در طهران چاپ گردیده است .

(٤) این تصحیف، زن حشری خوانده میشود که معنی آن این است که زن تو

بقیه حاشیه ٤و٥و٦ درصفحه ۹۸

**قسم چهارم** - در آثار سفليه (٦باب) وهريك از ابواب بچندين فصل تقسيم گرديده ودر هرقسم از اقسام چهارگانه اسماء را ذكر و بترجمه فارسی آنها پرداخته واز ذكرجمعها وشواهد برترجمه لغات خودداری كرده تا كتاب بزرگ نشود و آنرا به ثقةالملك شمس‌الكتاب ابی‌البركات علی بن مسعود بن اسمعيل تقديم‌نموده وچنانكه درآخر نيز تصريح گرديده بسال ٤۹۷ تأليف آن خاتمه‌يافته و صاحب روضات نگاشته‌اند كه براين كتاب شرحی بنام «الابانه» نگارش يافته و نسخه‌ای از آنرا داشته‌اند وگويند برای استفاده كامل از «السامی» داشتن آن لازم است .

السامی فی‌الاسامی بدون تاريخ (دراواسط قرن سيزدهم‌هجری) درطهران چاپ شده و سرّالادب ثعالبی و فروق‌اللغات سيد نورالدين پسر سيد نعمت الله جزائری وشرح قصيدهٔ كعب‌بن‌زهير ( بانت سعاد ) ومقصورهٔ ابن‌دريد و رساله‌ای درمؤنثات سماعيه وچند قصيده از امرءالقيس وفرزدق و غير از اينها درآخر و حواشی آن چاپ گرديده است .

**آغاز :** بسمله الحمدلله الذی‌لايتم امرٌ دون حمده‌ولايبلغ وصف كنه‌قدره الخ .

## ۸٦٠

**سنگلاخ** اين نسخه را بفرمان يكی ازاشراف وامراازروی‌نسخهٔ‌اصل بخط‌نسخ‌ونستعليق‌استنساخ كرده اند واميرمذكور پشت برگ نخستين اين موضوع را بخط خوب خويش نوشته ولی امضاء نكرده و مهر خود را زير آن زده

---

بقيه حاشيه ازصفحه ۹۷

باديگران هم سر وسرّی دارد ولی‌صاحب روضات گويند معنی‌آن فروشنده زن خويش ( بايع زوجته ) است و بعضی گويند اتصال ميم را با خاء قطع نمود و زمخشری شد .

(٥) اين كتاب در اسلامبول چاپ شده است .

(٦) مؤلف ديوانی‌دردويست بيت‌ازحضرت علی‌بن‌ابی‌طالب‌ع‌بنام «سلوة‌الشيعه» ميباشد وبسال٥١٣ وفات يافته وفنجكرد از دهات نيشابور است .

بوده ، آنرا محو کرده اند ، نویسنده از خود وسال نگارش نام‌نبرده ولی مسلّماً دراوائل قرن سیزدهم هجری نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۵۳۱ . صفحه‌ای ۲۱ سطر . طول $30\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۱۳۰** .

## سنگلاخ .

میرزا مهدیخان بن محمد نصیر استرابادی منشی معروف نادر شاه مؤلف **درهٔ‌نادری** وجهانگشای نادری‌و**منشات** معروف که از مشاهیرنویسندگان‌قرن دوازدهم هجری بوده ومؤلفات وی بهترین معرّف دانش وکمال او میباشند ، برآن شده که لغات ترکی جغتائی را که امیر علیشیر در اشعار خویش استعمال نموده جمع وبترجمه وشرح آنها پردازد و چنانکه در آغاز کتاب تصریح نموده بواسطه صعوبت آنرا**سنگلاخ**نامیده‌وپیش‌ازشروع بشرح لغات مقدمه‌ای که نیز بتصریح خود آنرا **مبانی‌اللغه**(۱) نامیده درصرف و نحو لغات ترکی انشاء و گوید موجب تألیف این مقدمه این بود که مشهور گردیده زبان ترکی دارای قواعد صرف ونحو نیست و **فراغی** درمؤلفهٔ خویش باین معنی تصریح نموده، نگارنده براین شد که پس‌از تتبّع و مطالعه‌آنچه ازقواعد بدست‌آورده‌ام در مقدمه این کتاب بنگارم .

چون دیباچهٔ این کتاب شامل اطلاعات سودمندی است بنقل بخشی از آن مبادرت میشود .

**اما بعد** چون بنده حقیر محمدمهدی غفرذنوبه ، ازمبادی حال بخواندن‌اشعار امیر نافذالامر کشور بلاغت گستری وسخن‌آرائی امیرعلیشیرنوائی (بسال۹۰۶ مرده است) ، شوق تمام وبدانستن‌آن کلام میل مالا کلام داشت بعد از آنکه فی‌الجمله تتبّعی حاصل‌شد ، منوّی خاطر گشت که لغات مشکلهٔ آنهارا جمع‌سازد وبرمعانی‌آن لغات کتابی پردازد ، اگرچه دونفررومی که اسمشان درتألیفشان(۲)

---

(۱) بگفته دانشمند محترم آقای محمد علی‌تربیت این‌مقدمه (مبانی‌اللغه) درتبریز چاپ شده‌ونسخهٔ‌خطی‌این‌مقدمه (بدون‌سنگلاخ)درکتابخانه‌سپهسالارموجوداست.

(۲) نسخه‌ای ازلغات نوائی که بترکی ترجمه شده ونامی ازمؤلف در آن نیست وظاهراً یکی از این دولغت میباشد ، بشمارهٔ (۱۰۰) درکتابخانه مدرسهٔ عالی سپهسالارموجودوخصوصیّات آنرادرص۲۶۷-۲۶۸ ج۲فهرست‌آنجانگاشته‌ام .

مذکور نیست و **طالع** نام هروی(۱) و فراغی و **ندرعلی** ومیرزاعبدالجلیل نصیری از لغت‌فهمان این‌فن کتابها برلغت نوائی مدوّن ساخته‌اند الخ » .

بدبختانه بشرح حال مفصل میرزا مهدیخان دست نیافتم آقای تربیت هم که از نواده های ایشان‌اند در دانشمندان آذربایجان نامی از ایشان نبرده اند ولی ازایشان‌شنیده‌ام «درسال‌آخرعمرنادرشاه (۱۱۶۰) بسفارت روم (ترکیه کنونی) رفته‌وپس‌ازمرگ‌نادرشاه بتبریز آمده و بفاصلهٔ کمی بدرودزندگانی گفته وتاریخ روزانه نادر را نیز نوشته ولی نسخهٔ آن در دست نیست» . و از عبارت آخر جهانگشا برمی‌آیدکه پس ازسال ۱۱۶۱ درخراسان وفات کرده است .

طرز این‌لغت این‌است که لغات موجودهٔ درهریك ازحروف را بلحاظ حرف اول بنام کتاب ذکرنموده و هرکتابی را سه فصل ( مفتوح ومضموم ومکسور) قرار داده وجزحرف اول‌وپس‌ازآن الف بجای زبروپیش وزیروملاحظه حرف دوم بترتیب حروف‌تهجی وتقدیم‌مشتقات از لغات برجوامد آنها ترتیب دیگری ندارد و یافتن لغات ودریافتن معانی‌آنها حتی برای ترك زبانان بی زحمت نیست و برای اثبات‌معانی مذکوره پس‌از هرلغت بشعر یا جمله‌ای از نثر امیرعلیشیر استشهاد شده و پس‌از اتمام کتاب یاء لغات عربی و فارسی و کنایه هائی که در مؤلفات امیرمذکور موجود است با ترجمهٔ آنها بدون ذکرشواهد گذارده شده وتمام این کتاب سنگلاخ درحدود (۴۴۰۰۰) بیت کتابت دارد .

فتحعلی بن کلبعلی سپانلو بسال ۱۲۳۲ نیز کتابی درترجمهٔ‌لغاتی که امیرعلیشیر نوائی درمؤلفات خویش‌آورده بنام « **مقالیدترکیه** » تألیف نموده ( نسخه‌ای ازآنرا در کتابخانه ملّی‌ملك درطهران دیده‌ام) ودرمقدمه طریقه تتبّع واستقراء خود را بیان نموده وگذشته ازآن بشرح حال امیر نیز مبادرت نموده ودرآخر مقالید بعضی از لغاتی را که میرزا مهدیخان لاینحل تصوّر نموده ترجمه و شرح کرده است و پس‌از اتمام کتاب درحدود دوهزار بیت از اشعار امیرمذکوررا انتخاب کرده وگذارده واستفادهٔ ازاین کتاب از سنگلاخ آسان‌تراست .

**آغاز :** بسمله الحمدُ لله‌الّذی لا یُستقصی حَمْدُه بلغات مختلفه . . . . . امابعد چون بنده حقیر محمدمهدی غفر ذنوبه الخ .

---

(۱) درص ۱۶۰ - ۱۶۱ ج ۲ فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار زیر عنوان «بدایع اللغه» گفته‌شدکه مؤلف خودرا **ایمانی** متخلص به**طالع**معرّفی نموده ودر مآخذیکه دردست است بزمان وآثار دیگر وی دست نیافتم ولی‌از مؤلفه او معلوم شدکه معاصر امیر مذکور بوده است .

۸٦۱

**شرح بحر الغرائب یا قائمه**

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده و فقط شامل دفتر اوّل میباشد ، طرز خط میرساند که نویسنده آن ترک نژاد بوده و در اوائل قرن دهم نگارش یافته ، چند برگ ازاوّل ووسط وآخروصالی گردیده وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی است .

جلد تیماجی منقّب . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۸٦. صفحه ای ۱۷ سطر . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض ۱٦ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۴۱۱۲** .

## شرح بحر الغرائب = قائمه = لغت حلیمي

لطف‌الله بن ابی‌یوسف(۱) حلیمی ازمشاهیر علما وقضات عثمانی درقرن‌نهم هجری بوده(۲) ومسافرتی بایران کرده واین کشور را سیاحت‌نموده ومؤلفاتی

(۱) نام پدر حلیمی درمقدمه نسخهٔ شرح بحرالغرائب این‌کتابخانه و نسخهٔ آقای دهخدا و در فهرست‌دارالکتب المصریه (ج۲ص۳۸) ابی‌یوسف ثبت گردیده‌ولی در کشف‌الظنون‌نام‌پدروی‌یوسف‌تصریح‌شده‌ودرقاموس‌الاعلام بذکرنام‌پدر وی نپرداخته ودرفهرست کتب‌ترکی‌موزهٔ بریتانیا ص۱۳۷-۱۳۹ وص۹٦ فهرست کتب ترکی خدیویّه یوسف ثبت شده و پیش‌نگارنده ابی‌یوسف‌ترجیح‌دارد .

(۲) در کشف‌الظنون و قاموس‌الاعلام ترکی و فهرست‌های نام برده سال‌تولّد ووفات حلیمی معیّن نگردیده جزاینکه در قاموس‌الاعلام است که ازعلماء قرن نهم هجری بوده ودر فهرست دارالکتب است که بسال ۸۸٦ زندگانی‌مینموده ودر ص ۲۸۱ ج ۲ کشف‌الظنون است که در زمان سلطنت سلطان بایزیدبن سلطان محمد عثمانی ( ۸۸٦-۹۱۸ ) وفات یافته ، بنابرین و اینکه بگفتهٔ مؤلف فهرست ترکی موزه بریتانیا «نثارالملوك» را که درلغت فرس‌میباشد بسلطان

بقیه حاشیه درصفحه ۱۰۲

از وی بیادگار مانده از آنها : ۱ ـ « فرائس حلیمی » است که متن و شرح میباشد و هردو ازخود اوست ، ۲ ـ بحر الغرائب درترجمهٔ لغات فارسی بترکی است ، ۳ ـ مصرحة الاسماء(۱) نیز در لغت ، ٤ ـ نثار الملك (۲) ، و ٥ ـ شرح بحر الغرائب (همین کتاب) است .

حلیمی در دیباچهٔ این شرح گوید : « چون بحر الغرائب را تألیف نمودم مورد نظر عموم گردید ودرحل مشکلات آن پیش من میآمدند ، بر حرص و نیاز ایشان رأفتی بردم و قصد توضیح این کتاب کردم وشرح او را بردودفتر تقسیم کردم و هردفتری صد هزاران فوائد تعلیم والله العلیم الحکیم دفتر اول دربیان لغات الخ » .

نسخه این کتابخانه و کتابخانه حضرت رضا ع و دارالکتب المصریّه و موزهٔ بریتانیا همه شامل دفتر اول این شرح میباشند ونسخهٔ شامل هردو دفتررا مؤلف فهرست ترکی موزه لندن در اروپا نشان داده و چنانکه در کشف الظنون و فهرستها تذکرداده شده دفتر دوم شامل عروض و قافیه وبدیع میباشند ودفتر اول درحدود ( ۹۵۰۰ ) بیت است .

---

بقیه حاشیه از صفحهٔ ۱۰۱

بایزید دوّم (بایزیدبن محمد) اهدا نموده و میدانیم که این پادشاه از سال ۸۸٦ تا ۹۱۸ سلطنت داشته وفات ویرا میان این دوسال نامبرده باید دانست و مؤلف این فهرست ترکی اخیر به **هامر** که وفات حلیمی را بسال ۹۲۳ـ۹۲٤ دانسته اعتراض نموده وگوید این شخص (هامر) حلیمی و عبدالحلیم بن علی را که مربّی سلطان سلیم بوده وبسال ۹۲۳ در دمشق وفات یافته یکی دانسته در صورتیکه دونفراند ونام این دانشمند اخیر در شقائق النعمانیه موجود است .

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۹۱٦ نگارش یافته در کتابخانه دارالکتب ـ المصریه نشان داده شده (ج ۲ فهرست دارالکتب ص ۲۸) وگوید : که در این کتاب لغات سامی فی الاسامی و مقدمة الادب را جمع نموده و بر آن از تاج اللغه و صحاح العربیه (صحاح جوهری) وجوهره وغیراز اینها اضافاتی کرده و آنرا مرتّب بحروف تهجّی نموده وآغاز آن اینست : انّ من لطف الله بالثقات حمد المنطق باللغات الخ .

(۲) کشف الظنون فقط گوید نثار الملوك تألیف شیخ حلیمی است و در نسخه خطی متعلق به آقای دهخدا نام کتاب « نثار الملك » ثبت شده و از عبارات مقدمه آن بر می آید که در زمان حیاة سلطان محمد پدر بایزید تألیف گردیده وگوید که از نام کتاب تاریخ تألیف معلوم میشود وبنابر این بسال ۸۷۲ تألیف گردیده است .

این شرح چنانکه در مقدّمه لغت نعمت‌الله ( بسال ۹٦۹ مرده ) و مختصر لغت سروری ( درحدود سال ـ ۱۰۱۸ تألیف شده ) تذکر داده شده از مأخذ این دو کتاب بوده و بنام قائمه معرّفی‌شده وحاجی خلیفه نیزدرحرف قاف درذیل بحرالغرائب بنام قائمه آنرا خوانده ولی‌مؤلف در دیباچه جزبشرح بحرالغرائب بودن آن تصریح و اشاره‌ای ننموده است ومشهور به **لغت‌حلیمی** میباشد، چنانکه برنسخهٔ این کتابخانه وموزهٔ بریتانیا نیز این‌عنوان نگارش یافته است .

مؤلف برای توضیح و تشریح لغات باشعار شعرا چون اسدی و فردوسی و سعدی وحافظ و فرّخی و شمس فخری و انوری و کمال خجندی و لطیفی و غیر ازاینها استشهاد نموده وبگفته مؤلف فهرست‌ترکی‌موزهٔ‌بریتانیا**سیمان آسمانی** Siman assmani این‌اشعاررا بیرون‌نویس کرده است .

**آغاز :** حمد بلیغ وثنای بی‌دریغ مرخدایرا جلّ‌جلاله وعمّ ونواله که شرح کنندهٔ صدور است الخ .

(۸۵۸)

## فرهنگ پارسی

نسخه این فرهنگ درحاشیهٔ زواهراللغه که درص ۹٤-۹۵ خصوصیات آنرا نگاشته‌ایم، نگارش یافته ، خصوصیّات دیگر بدآنجا مراجعه کردد .

### فرهنگ پارسي

این فرهنگ کتابی است که بشمارهٔ حروف مستعملهٔ در زبان فارسی دارای فصل میباشد و در هرفصلی لغاتی چند باذکر معانی آنها بترتیب حروف تهجی با مراعات حرف اول و دوم ذکر گردیده و گاهی معادل عربی و هندی لغات نیز ذکرشده ودرباره‌ای ازلغات گوید بزبان گیلان فلان معنی‌را دارد ودرحدود (۲۰۰۰) بیت کتابت آنست وگاهی‌معانی متعدد یك واژه راهم معین مینماید، از خود کتاب با مراجعه ومطالعهٔ زیاد نام کتاب ومؤلف بدست نیامد وحتی‌قرینه‌ای هم بدست نیاوردم، جزاینکه درذیل یکی از واژه ها از اختیارات بدیعی که بتصریح در ص ٦۵ ج ۱ کشف‌الظنون علی بن حسین انصاری آنرا بسال ۷۷۰

تألیف نموده ، نام برده بنابراین، مؤلف آن پس ازسال مذکور بوده ، بیشتر لغات این کتاب را در فرهنگ سروری نیافتم وبا لغاتی که ازمآخذ نام‌برده خود (با تصریح بنقل‌ازهر کدام) آورده بود نیزعرضه داشتم ، مطابقه کامل ننمود ، بهرحال کتابی سودمند و مفید میباشد برای نمونه از آغاز نسخه بخشی را در اینجا میآورم :

**آغاز : ار** سه معنی دارد اول اکثر،دوم راهرا گویند، سیم سفل دانه را را گویند که روغن ازآن کشیده باشند . **اران** نام بلوکیست از آذربایجان . **اربیان** ملخ آبی بود . **ابخك** برق باشد . **ارتد شداد** دو معنی‌دارد اول سپاهی ولشکر، دوم رودیست بس بزرگ . **ارج** پنج معنی‌دارد اول قدر و مرتبه باشد، **دوم** بمعنی کندنست، **سیم** کرگدن را نامند، **چهارم** نام‌مرغی است که پر آن درغایت نرمی باشد و بالش را بدان پر کنند ، **پنجم** به معنی قیمت آمده .

**٨٦٣**

**فرهنگ جعفری** این نسخه بسال ١٠٤٩ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود را رقم ننموده ، برگ اوّل را که شامل بخشی از دیباچه واز قرینه معلوم میشود، دارای سرلوحی بوده، برداشته اند و میان سطرها واطراف صفحهٔ نخستین طلا اندازی و تذهیب گردیده ، همهٔ صفحات متن وحاشیه ومجدول بطلا ولاجورد میباشد ، چند برگ آن وصّالی شده ، لغات را باشنجرف و طلا نوشته و ابتدای نسخه اینست : **انا جعلناك** عنقای بلند مرتبهٔ اوج قاف قبول شاه باز بلند پرواز هوای عالم **ومامحمدالارسول** وآل بیمثال او باد که هریك اختر اوج سعادت ویگانه گوهر دریای امامت وهدایت اند **بیت** :

بتخصیص آنکه نفس مصطفی بود .

که نزد بعضی از یاران خدا بود الخ .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۳۸ . صفحه‌ای ۱۴ سطر . طول ۲۳½ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۶۹۶** .

## فرهنگ جعفری

در دیباچه ، محمد مقیم تویسرکانی ، مؤلف کتاب گوید :

خداوند جهان عز و اقبال — مه برج شرف مأمول آمال
خدیو دهر جعفرخان(۱) کز اعزاز — باستعداد بر چرخش رسد ناز
چو دل در بر بود چون عقل در سر — جهان مردمی را جان سراسر
حیات جاودانی روزیش باد — بهر کار از جهان فیروزیش باد

چون بعضی از اوقات به تتبع اشعار متقدمین میپرداخت و کثرت اشتغالش از معاونت ضعفا واغنیا بمرتبه‌ای بود که اوقات شریف ایشان بتفحص اصل لغات فرسی وفا نمیکرد بنابر آن این خاکسار بی‌مقدار اراده نمود که خلاصهٔ معانی لغات فرسی را از کتبی که بشرف مطالعهٔ آن رسیده باشد جهة رفع تصدیع بندگان ایشان بی‌تصرف دراصل آن نقل نماید و چون سند لغات بالتمام مقدور این قلیل‌البضاعه نیست بآن نپردازد الا بسند بعضی از اصطلاحات که آن ضروریست وازبرای هرلغت غیرمشهور ، وزنی متعارف مفرد یا مرکب بیملاحظه مطابقت حروف تهجی ، چه آن ممکن نیست ، بیاورد وترتیب حروف تهجی را در اول وآخر هرلغتی باتلو حروف اول لغات رعایت کند تا یافتن آن در کمال سهولت باشد . . . . . . . و باب حروفی که در زبان فارسی بحسب ندرة آید

---

(۱) در کتب تواریخ وتذکره‌هابنام جعفر اشخاص متعدده‌ای نام‌برده‌شده و نگارنده احتمال قوی میدهد که این جعفرخان **جعفربیگ** پسر **بهزادبیگ** است که درزمان شاه عباس ماضی (بسال ۱۰۳۸ مرده) و شاه صفی (بسال ۱۰۵۲ مرده) وزیر لاهیجان بوده و نصرآبادی که در اواخر قرن یازدهم تذکرهٔ خویش را نوشته گوید (ص۱۰۵ چاپی) : مدتی قبل ازاین باصفهان آمده بود وقریب بشصت سال‌دارد امّا وسعت‌مشربش بمرتبه‌ایست که‌قدر زندگانی‌رادانسته بی‌باده ارغوانی وصحبت یار جانی بسرنمیبرد وطبع الخ . درسفینه خوشگو همین مطالب با چند بیت از آثار جعفربیگ ازتذکره نصرآبادی نقل گردیده است .

(ح، ص، ط، ع، ق) درآخر کتاب ذکر کند واین کتاب را **فرهنگ جعفری** موسوم ساخت که منظور نظر عاطفت آن خلاصهٔ حدیقهٔ امانی و آمال این بی‌مآل گردد الخ » .

و در انجام این چند بیت را گذارده :

«زیبد که ازوجازت «فرهنگ جعفری» «ختم اللغه» بگویمش ارنیك بنگری
چون کردم ابتدا و تمامش بهشت ماه در سال **ختم** هجرت ختم پیمبری
دارم امید آنکه چو بینی خطای من(۱) برمن خطا نگیری و بی باك بگذری
ورزانکه خشم داری و پرخاش میکنی تسلیم میکنم که تو دانی و داوری» .

از نقل بخشی از دیباچه وانجام طرز تنظیم این فرهنگ و سال تألیف آن (۱۰٤۰) وآنکس که بنام وی کتاب موشّح گردیده معلوم شد ، از اینکه وزن ونظیر وطرز تلفّظ بسیاری ازلغات را بدست داده کومك خوبی بهادبیّات کرده ولی مثال وشاهدی برای معانی نام برده ذکرنکرده و پیش از شروع به بیان لغات ومعانی آنها قواعد سودمندی از زبان پارسی وصرف ونحو آنرا نگاشته وتمام اینفرهنگ درحدود (٦٥٠٠) بیت کتابت دارد وتقریباً شامل(٧٠٠٠) لغت پارسی میباشد .

## ۸٦۳

**فرهنگ مثنوی یا لطائف اللغات**

این نسخه را بخط نسخ ، علی اکبر بن خلیل الله حسینی بسال ۱۱۱۲ نوشته ، چنانکه از دو یادداشت پشت برگ نخستین معلوم میشود دو رساله هم بدین نسخه پیوسته بوده ولی اینك رساله ای بدان پیوسته نیست ، خط ومهر اسم عبدالحیّ بن عبدالرزاق رضوی که این نسخه برای ایشان نوشته شده و خط

(۱) نویسنده نسخهٔ این کتابخانه در حاشیه برخی از صفحات اغلاط مؤلف را متذکرشده و باصلاح آن پرداخته است .

ومهر محمد رضابن محمد صفی حسینی کاشانی مشعر براینکه بسال۱۱۶۶ این نسخه را خریداری نموده و چند مهر اسم و یادداشت دیگری دراین صفحه موجود ولغات باشنجرف نگارش یافته است.

جلد تیماجی. کاغذ کشمیری. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۱۹۴. صفحه ای ۱۷ سطر. طول ۱۸ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۲۵۳**.

## ۸۶۴

**فرهنگ مثنوی یا لطائف اللغات**

این‌نسخه بسال ۱۲۳۱ بخط نسخ ولغات آن بخط نستعلیق باجوهر قرمز نگارش یافته ودر حاشیهٔ پاره ای از صفحات بخط نستعلیق خوب مطالبی سودمند نگاشته شده است.

جلد روغنی زرافشان یکرو. کاغذفرنگی. قطع‌وزیری. شمارهٔ برگها ۱۸۲. صفحه‌ای ۲۰ سطر. طول ۲۶ سانتیمتر. عرض ۱۵ $\frac{۱}{۲}$ سانتیمتر. شمارهٔدفتر **۱۱۳۵۸**.

### فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات

عبداللطیف بن عبدالله کبیر(۱) که از دانشمندان اوائل قرن یازدهم هجری بوده واز مندرجات این فرهنگ وشرح مثنوی وی معلوم میشود که اطلاعات نجومی نیز داشته ودر تصحیح مثنوی مولوی زحمتی فراوان کشیده و نسخه ای

(۱) دراین‌مؤلفه خودرا بدینگونه معرفی کرده ولی‌دردیباچه نسخهٔ ناسخهٔ‌مثنوی از خود اینگونه: **عبداللطیف** بن **عبدالله‌العباسی** تعبیر کرده است.

از مثنوی بنام « نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی » با مراجعهٔ با هشتاد نسخه بسال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان ترتیب داده(۱) و مقدمه‌ای نفیس بنام «مرآت‌المثنوی» برآن نگاشته ونیزشرحی براشعار مشکلهٔ آن کتاب بنام «لطائف‌المثنوی» (۲) تعلیق نموده ، لغات مستعملهٔ در مثنوی را ازفارسی وعربی و ترکی و سریانی وآنچه مشترك میان دو یا چند زبان، ومعانی آنهامشکل بوده ، با تذکر باینکه از کدام زبان میباشد بترتیب حروف اوائل و اواخر (۳) آنها مرتب نموده و معانی آنهارا بیان کرده و باشعار بزرگان ادب برصحت معانی نام برده استشهاد نموده وچنانکه در مقدّمه آن نگاشته شده اگرچه این‌فرهنگ برای این نسخه ناسخه مثنوی ترتیب داده شده ولی معانی لغاتیکه درنسخ دیگرنیز موجود میباشد درآن گذارده شده است .

ازمطالب مندرجهٔ در مقدمهٔ این فرهنگ و مرآت‌المثنوی هویداست که تألیف این فرهنگ در اواخر سال ۱۰۳۱ یا اوائل ۱۰۳۲ بوده وچنانکه در ص ۱٤۰۸ ج ۲ فهرست آصفیّه است بسال ۱۸۷۷ م . چاپ شده و بر حسب محاسبهٔ نگارنده درحدود ۱۰۰۰۰ بیت کتابت دارد .

برای مثنوی فرهنگ‌های دیگر تألیف گردیده ونسخه‌ای از یکی آنها زیر شمارهٔ **۴۷۳** در این کتابخانه میباشد .

احمد مصطفی اللّبابیدی‌الدمشقی بسال ۱۳۲۱ کتابی درلغت بنام «لطائف‌اللّغه» تألیف نموده و بی‌تاریخ چاپ شده وازلغات دستگاهی میباشد و نسخه‌ای ازآن نیز در این کتابخانه موجود است .

**آغاز :** بسمله این‌فرهنگ مشتمل است بر حلّ لغات غریبه عربیّه و الفاظ عجیبه عجمیّه مثنوی‌مولوی‌معنوی . . . . . . باب‌الالف‌فصل‌الالف **استسنا** ، ع ، چیزی از جملهٔ بیرون آوردن و انشاءالله گفتن الخ .

**انجام :** یوفی ، ف ، بمعنی بیهوده گوی .

(۱) نسخه‌ای ازاین مثنوی دراین‌کتابخانه زیرشمارهٔ **۴۳۱** موجود است .

(۲) این‌شرح بسال ۱۲۹۲ در هندوستان چاپ گردیده و نسخهٔ از آن در این کتابخانه میباشد .

(۳) حرف اول‌را درزیرعنوان باب وحرف آخررا بعنوان فصل ذکر کرده است .

۸٦۵

## فرهنگ میرزا ابراهیم یا نسخهٔ میرزا

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده وظاهراً در اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته، عناوین و لغات باشنجرف میباشد، برگ نخستین نونویس، برخی از برگها نیاز مند وصّالی و شمس الاطبا نام در حاشیهٔ چند برگ حاشیه‌هائی(مبنی بر تصحیح اغلاط مؤلف در ترجمه لغات طبی) بر آن نگاشته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۲۷ . صفحه ای ۲۰ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۱۷ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۷۴** .

### فرهنگ میرزا ابراهیم = نسخهٔ میرزا

میرزا ابراهیم پسر میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی است که اورا بسال ۹۲۶ مهتر شاه قلی در دیوانخانه کشته، درعالم آرا زیر عنوان خوشنویسان عصر شاه طهماسب میرزا ابراهیم‌را نامبرده و گوید: «درشعرفهمی و تتبّع لغات فرس دعوی انفراد مینمود، رساله‌ایکه درلغات فرس تصنیف نموده اکنون درعراق شایع است» . امین احمدرازی درهفت اقلیم زیرنام پدر، نامی از میرزا ابراهیم وبرادر او برده وچند بیت آزایشان نقل کرده است. سروری در مقدمهٔ فرهنگ خویش که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده یکی ازمآخذ خودرا «نسخهٔ میرزا» تألیف میرزا ابراهیم پسر میرزا شاه حسین اصفهانی معرفی نموده. ونیز جمال‌الدین انجو درمقدّمه فرهنگ جهانگیری که بسال ۱۰۱۷ تألیف شده همین مؤلفه را بنام فرهنگ میرزا ابراهیم نیز ازمآخذ خود دانسته و برحسب

احتمال میرزا ابراهیم پیش از سال ۱۰۲۵ که تاریخ تألیف « عالم‌آرا» میباشد وفات یافته است.

درخود نسخه اثری ازمؤلف نیست ولی برحسب مقایسه‌ای که نگارنده نموده ودر ص ۲۳۰ ج ۲ فهرست مدرسه عالی سپهسالار نگاشته‌ام ، این نسخه همان نسخه میرزا یافرهنگ میرزا ابراهیم میباشد وچنانکه درآن فهرست نیز بادلیل ذکرنموده‌ام این‌فرهنگ همان « شرفنامهٔ مُنیری» است که در ص ۱۸۹-۱۹۲ ج ۲ فهرست سپهسالار بمعرفی‌آن پرداخته‌ام ومیرزا ابراهیم دربعضی‌ازموارد تصرف‌های بسیار کوچك درآن نموده واز مقدمهٔ آن‌که در بیان معانی حروف مفرده و مرکبه است اندکی انداخته و نیز ابیاتی که مؤلف شرفنامه از خود شاهد آورده انداخته و چندین لغت بر آن کتاب افزوده ولی شواهدیکه در شرفنامه از بزرگان نقل گردیده دراین فرهنگ موجود و در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد و شرفنامه درحدود (۱٦۸۰۰) بیت میباشد.

**آغاز مقدمه :** بسمله بدانکه عرب به چ و پ و ژ و گ(۱) تنطق ننماید وفارسیان به ثا و حا و صاد و ضاد و طا و ظا و عین و قاف الخ.

**آغاز لغت :** فصل الهمزه مع الالف آرا آرایش و آراینده بمعنی دوم با فاعل مستعمل‌شود چون سخن‌آرا و بزم‌آرا . **آسا** بمعنی مانند الخ.

**انجام :** **یویه** بضم آرزو **یوزه** بضم ته درخت . فصل فی‌الیاء یزداری قیمه و تخم‌مرغ که در هم پزند والحمد لله رب العالمین.

## ۸٦٦

**قابوس** این نسخه شامل تمام کتاب وبخط نستعلیق نوشته شده ، تاریخ ونام نویسنده درهیچ جا یادداشت نگردیده ، ظاهراً دراواسط قرن‌دوازدهم ونزدیك‌به‌زمان مترجم نگارش‌یافته واسلوب خط حاکم است که نویسنده هندی‌است.

(۱) در طرز ذکر این حروف این نسخه با دو نسخهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار مختلف ولی درخصوصیات دیگر نظیر یکدگراند.

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ برگها ۸۳۰ . صفحه‌ای ۲۷ سطر . طول ۳۳ ۱/۲ سانتیمتر . عرض ۲۲ ۱/۲ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۳۳۱۴** .

## قابوس = شرح قاموس

این کتاب که مؤلف آنرا **قابوس** (۱) نامیده ترجمه و شرح قاموس اللغه فیروزآبادی لغوی مشهوراست ، مترجم یا شارح حبیب‌الله نام داشته(۱) و این کتاب را موشّح بنام پادشاه عصرخویش محمد شاه هندی نموده (معاصرنادرشاه) که از نواده‌های امیرتیمور گورکان است که‌فیروزآبادی اصل کتاب را بنام وی موشح کرده است . مترجم پیش‌ازشروع بترجمه اصل گوید : این‌تسوید درسنهٔ یکهزار و یکصد و چهل وهفت هجری باتمام رسید . **رباعی** :

ماه رمضان بود که گردید تمام     این ترجمه عجیب **قابوس** بنام
تاریخ ز پیر سال آن پیر خرد     **ماه رمضان بود** بگفت ای‌علام

چنانکه دیده میشود ماده تاریخ (ماه رمضان بود) بحساب ابجد سال ۱۱۴۹ را معین میکند ومؤلف صریحاً اتمام کتاب را بسال ۱۱۴۷ گفته و چون نسخهٔ موزهٔ بریتانیا نیز بهمین‌طرز نوشته شده (درص ۵۱۱ ج۲ فهرست ریو این کتاب شناسانده شده و اختلاف این دوتاریخ را هم تذکر داده است) این اختلاف را مشکل است به تغییر وتصحیف نویسندگان نسخ نسبت داد و بنظرنگارنده جمع میان این دو این‌است که بسال ۱۱۴۷ مؤلف از ترجمه و نگارش اولّیه فراغت یافته وجلهٔ این **تسوید** درعبارت مؤلف این نظررا مؤید است وبسال ۱۱۴۹ پاکنویس ومراجعه ومقدمه نویسی وتکمیل کتاب خاتمه یافته است .

---

(۱) ریو در ص ۵۱۱ ج ۲ فهرست موزه بریتانیا زیر معرفی از **قابوس** گوید : این‌ترجمه قاموس جز ترجمهٔ فارسی آنست که عبدالرحمن بن حسین بسال ۱۰۲۷ هجری نموده ودر ص ۱۳۴ استوارت کاتالك از آن معرفی گردیده است ونگارنده درهنگام تذکردادن شروح قاموس درفهرست مدرسه‌سپهسالار بچنین شرحی آگاهی نداشت .

(۲) با مراجعهٔ بمآخذی چند بنام وشرح حال این‌مؤلف دست‌نیافتم ، پشت‌نسخهٔ این کتابخانه ویرا **اصفهانی مشهور به دهلوی** شناسانده و از این مؤلفهٔ وی معلوم میشود که دانشمندی بزرگ بوده ومطالعاتی زیاد داشته ودر اواسط قرن دوازدهم هجری زندگانی میکرده است .

از رباعی بالا بدست آمد که مترجم نام این شرح را **قابوس** گذارده و با نظر دقت چون بدان مراجعه گردید آشکار شد که ازعهده شرح وترجمه مشکلات قاموس بخوبی برآمده وچون صاحب صراح که عین عبارات مشکله صحاح را بدون ترجمه و بیان نقل نموده رفتار نکرده ، و گذشته از اینکه لغتی را بدون ترجمه نگذارده هرجا که نیازمند بشرح وتفصیل بوده دریغ نکرده و هرگاه در مادهای فیروزآبادی اهمال کرده و لغتی را نیاورده باشد مترجم آنرا ذکر و به ترجمهٔ آن پرداخته و پیش از شروع بترجمهٔ خطبهٔ قاموس ، مقدمهای شامل شرح حال و مؤلفات فیروزآبادی بترجمهٔ از « الضوءاللامع » پرداخته و پس از آن سئوال وجوابهای **وجیه‌الدین** سهروردی وخودمترجم درتوضیح وبیان مطالبی که برای استفاده از قاموس پیش از شروع بمراجعهٔ آن هر کس بدان نیازمند میباشد ، پرداخته ودر هنگام ترجمه اصل کتاب، چون فیروزآبادی اشکالهای غیر واردی برجوهری صاحب صحاح کرده باشد از طرف جوهری بجواب و ردّ اشکال پرداخته و در پارهای از موارد که بیانات فیروزآبادی را درست نیافته بر او اعتراض کرده و گاهی اعتراض های **عبدالرشید** حسین تتوی مدنی مؤلف فرهنگ رشیدی ومنتخب‌اللغات را برصاحب قاموس جواب گفته است و ترتیب ابواب وفصول این‌ترجمه چون قاموس ، حرف آخررا باب و اول را فصل‌قرار داده ودرحدود (۸۹۵۰۰) بیت کتابت این‌ترجمه (قابوس) است .

بدبختانه این کتاب جامع نفیس تاکنون چاپ نگردیده و نسخهٔ آن کمیاب ونگارنده جز این نسخه و نسخهای درکتابخانه آصفیه هند و نسخههای کتابخانه موزهٔ بریتانیا نسخهٔ دیگری ازآن سراغ ندارد .

**آغاز :** بسمله حمد ونیایش گوناگون معروض حضرت علیم وعلامی که تعلیم کل اسماء از صفات خاصهٔ اوست الخ .

## ۸۶۷

**کنزاللغات** این نسخه را بخط ثلث و نسخ خوب محمد صادق‌بن حاجی بن حاجی محمد حافظ بسال ۱۰۴۴ بامرمنوچهرحاکم مشهد مقدس نگاشته ودر حاشیه آخرین

صفحه نوشته شده که بسال ۱۰۵٤ مخدوم معظم محمد محسن مالك این نسخه گردیده‌اند. لغات‌را نویسنده با شنجرف نوشته وبنا داشته که لغات نام بردهٔ درکنزرا بترکی ترجمه نماید ویا ترجمه دیگری را بنگارد ولی توفیق برنگارش بیش از دوبرگ (سه صفحه پس از مقدمه) را نیافته است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ۳۲۹. صفحه‌ای ۲۳ سطر. طول ۳۵ سانتیمتر. عرض ۲۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸۳۷۷**.

## ۸٦۸

**کنز اللغات** این نسخه بخط نسخ نوشته شده، دوبرگ از اوّل لغات و مقدّمه کتاب ویك برگ از آخر آن افتاده، برکنار نخستین برگ بنام «تاج المصادر تألیف بیهقی» معرّفی گردیده ولی مسلّماً کنز اللغات میباشد، سطر نخستین نسخه اینست: واقف شدن بچیزی وبکنارهٔ چیزی رسیدن وبخشیدن چیزی بکسی که بآن شفا یابد الخ (ترجمهٔ لغت **اشفا** میباشد) وآخرین سطر نسخه این‌است: **یطبو** میخواند، **یکبو** بسردرمی‌آید **ینبو** واپس میجهد و قرار نمیگیرد، **یهبو** گرد برخیزد و آتش فرومیرود، **یشتو** زمستان بجائی.

برخی ازبرگها نیازمند وصّالی است وظاهراً در قرن دوازدهم هجری نگاشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ برگها ۳۵۹ . صفحه‌ای ۱۹ سطر . طول $27\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۵٦۹** .

## کنز اللغات

مؤلف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده **محمد بن عبدالخالق بن معروف** میباشد . دیباچهٔ کتابرا بنام کارکیا سلطان محمد پسر کارکیا ناصر کیا پادشاه گیلان که از سال ۸۵۱ تا ۸۸۳(۱) پادشاهی مینموده ، موشح کرده بنابرین مؤلف (۲) از دانشمندان نیمهٔ دوم قرن نهم هجری بوده است .

این کتاب شامل ترجمهٔ لغات قرآن کریم و احادیث شریفه بترتیب حروف تهجّی با مراعات حرف اوّل و آخر دربیست وهشت باب میباشد وهریك ازبابها بچند فصل تقسیم گردیده و از لغات مشتقّه بذکر مصادر آنها قناعت شده وپس از آنها لغات غیر مشتقّه را ذکر نموده و تألیف آن با مراجعه به صحاح‌اللّغه ، دستوراللّغة ، مصادر ، اختیارات‌بدیعی ، لغات‌القرآن وشرح‌نصاب صورت گرفته وگاهی بآیات قرآن کریم و احادیث شریفه استشهاد گردیده و مقدمه این کتاب کلّیاتی در مطالب صرفی و نحوی و لغوی در ۱٦ ماده میباشد و تمام کتاب در حدود ( ۲۰۰۰۰ ) بیت کتابت دارد و چند بار چاپ گردیده است .

**آغاز :** بسمله ابتدای هر سخن آن خوبتر در هر مقام❀
کو بود با حمد معبود خدای لاینام . جواهر کنوز لغات حمد و سپاس الخ .

## ۸٦۹

| | |
|---|---|
| لغت فارسی بترکی | این نسخه بخط نسخ ونستعلیق محمد بن مصطفی بسال ۹۸۸ نوشته شده ، عناوین باشنجرف نگارش یافته وپشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائیست . |

(۱) تاریخ گیلان تألیف میرظهیرالدین مرعشی ص ۲۰-٦۲۰ ۳۸۱ ومجالس المؤمنین قاضی نوراللّه شوشتری ص ٤۱۱ را نگاه کنید .
(۲) بشرح حال و تألیف دیگری از این مؤلف دست نیافتم .

جلدتیماجی . کاغذفرنگی . قطع‌وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۱۰۷ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۴ سانتیمتر. شماره‌دفتر **۱۶۸۳۹**.

## لغت فارسي بتركي

خطیب رستم مولوی مؤلف این کتاب در دیباچه‌ایکه بفارسی در ۱۲ بیت براین کتاب نوشته خود را معرّفی‌نموده و گوید برای استفادهٔ مولوی زادگان باین‌تألیف مبادرت گردید زیرا که تحصیل‌زبان عربی بدون فارسی‌آسان‌نیست .

در کتب سیر و رجال با تفحص بزمان وآثار این‌مؤلف دست‌نیافتم جزاینکه در ص ٦٣٤ ج ۲ ظنون کتابی بنام « وسیلة المقاصد فی‌لغت‌الفرس» به‌خطیب رستم‌مولوی‌نسبت داده‌شده ونعمةالله رومی‌درمقدمه لغت خود که میان‌سال ۹٦۲ و ۹٦٤ تألیف گردیده این کتاب‌را ازمآخذ خود معرفی‌نموده ودرفهرست کتب ترکی خدیویه (ص۱۰۳) زیر نام « وسیلةالمقاصد الی احسن‌المراصد» تألیف خطیب رستم مولوی گوید آنرا در سه باب وخاتمه‌ای مرتب نموده وآغاز آن اینست : الحمد لله رب‌العالمین . بنابراین بیان وچنانکه زیر این‌سطرها،مندرجات این کتاب (لغت فارسی بترکی) نگارش خواهد یافت، آن مؤلفه نخواهد بود، و درظنون گوید در«وسیلةالمقاصد» ۱۰۹۵۰صدر وده هزار اسم‌نام برده‌شده واین نیز مؤید دو کتاب بودن این کتاب و وسیلة المقاصد است .

این‌لغت یا فرهنگ به پنج بخش زیرین قسمت شده :

۱ ـ **اسماء** شامل ٦۰۰۰نام، ۲ ـ مصادر ۹۸۰مصدر، ۳ ـ **اداة** (حرف) درحدود ۳۰۰ کلمه ٤ ـ **فصول** و ماه ها وبرجها و اعداد در حدود ۲۰۰ واژه، ٥ ـ امثلهٔ مختلفهٔ افعال درحدود ۳۰۰ کلمه با ترجمهٔ ترکی آنهاست .

**آغاز :** بسمله الحمد لله رب‌الارباب . . . . چون مولوی زادگان بعون و عنایت یزدان الخ .

**۸۷۰**

**مطالع مقاصداللغه**

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ ونام نویسنده نوشته شده ، ظاهراً در قرن هشتم نگارش یافته ، گذشته از برگ نخستین

پنجاه و هفت برگ (۷۱ - ۱۲۷) ازمیان آن افتاده ، نخستین سطر نسخه اینست: واستبان فیها الکلّ بصیر سبیل الهدایه لزمك عن التقصیر السعی الخ.

درحاشیه سه برگ اوّل لغاتی با ترجمهٔ فارسی آنها نوشته اند ، تمام برگها متن وحاشیه میباشد ومجدول به لاجورد وزنکاراست.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۱۲۹ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شماره‌دفتر **۱۴۷۷۸** .

## مطلع مقاصد اللّغه

در مقدّمه نسخه بالا این کتاب بدین‌نام نامیده شده ، چون برگ نخستین آن افتاده بنام مؤلف آن پی‌نبردم ، در کشف‌الظنون کتابی بدین‌نام ثبت نشده ، در هرجا احتمال میدادم جستجو کردم ولی‌نام واثری ازآن نیافتم ، آنچه از نسخه بدست آورده‌ام دراینجا می‌نگارم :

مؤلف این کتاب را دوبخش نموده نخست دراسماء ، دویم در افعالی که در اخبار قرآن کریم استعمال گردیده و دیباچهٔ آن بعربی است . مؤلف اسماء موجودهٔ در هریك ازحروف تهجی را در زیر عنوان کتاب الف و باء و تاء و غیره ذکر و هریك را بهسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم و بنقل آنها با ترجه فارسی هریك پرداخته و پس‌از اتمام کتاب یاء افعال‌صحیحه وپس از آن افعال معتلّه را با ترجه آورده و گذشته از ترجه پارسی‌آنها امثلهٔ عربی و پارسی برای پاره‌ای از اسماء و افعال ذکرنموده وازطرز انشاء تصوّر میکنم درقرن هفتم تألیف شده ومؤلف آن مسلماً ایرانی‌نیست وشاید ترك نژدا باشد چرا که گوید : **کسری** پادشاه عجم . **النجار**فارسیّة تیشهٔ بزرگ . **العجم** جز تازیان یقال رجل عجم نه تازی هرچند فصیح بوَد .

**آغاز لغت :** کتاب‌الالفات باب‌الالف المفتوحه « الآبد » کار شگفت و کار پای دار تقول لا أفعل ذلك الامر أبدَ الآبدین وَ أبدَالآباد نکنم هرگز «الآجر» خشت پخته «الآجل» کار درپیش وهُوَ ضدّ العاجل .

## ۸۷۱

**معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی**

این نسخه بحط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ آخر نسخه که شامل ترجمهٔ سه لغت و خاتمهٔ کتاب بوده افتاده، آخرین سطر کنونی اینست: **کندوری** دستار خوانست که پیش سفرباز گیرند. **موری** کام سفالین. صفحه آخر کلمات آن کمی محو شده، ظاهراً ازخطوط قرن نهم هجری است در آغاز نسخه بر سر سوره ای باطلا بخط کوفی نوشته شده: **کتاب لغات الفرس**. عناوین ولغات را نیز باطلا نوشته‌اند وصفحات مجدول بطلا میباشد، لطفعلی متخلص بفانی بسال ۱۲۹۰ درحاشیه صفحه‌ایکه لغت «**تکژ**» که هسته انگور میباشد، معرّفی گردیده، دوبیت که شامل این لغت میباشد نوشته وظاهراً ازفانی مذکوراست.

جلد تیماج دور گرفته. کاغذ سمرقندی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۹۳. صفحه ای ۱۳ سطر. طول ۱۸ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۶۵۲۳**.

### معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی

این کتاب که مؤلف آنرا بدین نام نامیده شامل چهارعلم میباشد (عروض، قافیه، بدیع و لغت)(۱) و نسخه تمام و کامل آنرا در کتابخانه شخصی آقای سعیدنفیسی سراغ یافته‌ام وبخش چهارم آن که در لغت میباشدبنام: **لغات الفرس** ونیز به «معیار جمالی» **مشهور میباشد**.

---

(۱) مؤلف درآخر دیباچه این بخش لغت، تصریح باین تقسیم کرده است.

مؤلف این کتاب **شمس فخری** (شمس‌الدین بن فخرالدین فخری اصفهانی)(۱) است که از شعرا و ادبای نیمهٔ اوّل قرن هشتم هجری میباشد ، **معیار نصرتی** را که مختصری در عروض و قوافی است در لرستان بسال ۷۱۳ بنام اتابك نصرةالدین احمد تألیف نموده وبسال ۷۳۲ در شهر قم رحل اقامت افکنده و قصیده‌ای بزرگ ومصنوع درمدح خواجه غیاث‌الدین ساخته ونام آنرا «مخزن البحور ومجمع الصنایع»(۲) گذارده وشامل صنایع بدیعیّه و اوزان عروضی است و پس از آن بشیراز آمده و ملازمت جمال‌الدین شیخ ابواسحق ممدوح خواجه حافظ را یافته واین کتاب (معیار جمالی ومفتاح ابواسحاقی) را بسال ۷٤۵ (۳) در چهار علم نامبرده تألیف نموده است .

طرز این بخش که درلغات فرس میباشد اینست که مؤلف لغاتی را بترتیب حروف اواخر (از الف تا یا) مرتّب نموده و پاره ای از آنهارا باترجمهٔ آنها به فارسی کنونی ذکر و برای اینکه نقص عدم تعیین حرکات وسکنات کلمات‌را که همه فرهنگهای پیشین دارا میباشند، این‌فرهنگ نداشته باشد، تمام‌لغات رادر قطعه‌هائی از خویش که در مدح و ستایش از ابواسحق مذکور و شامل نام ولقب وی میباشد ، گنجانیده و بآخر رسانده و این کتاب گذشته از بیان معانی لغات شامل قصائد و قطعاتی ازشمس‌فخری میباشد و در حدود (۲۰۰۰) بیت کتابت آنست وبسال ۱۸۸۵ م . درشهرقازان ازتوابع روسیه‌چاپ شده ، رساله **مرغوب‌القلوب** شمس تبریزی و ازعنصری و کمال اسماعیل وفرخی هریك یك قصیده پیوسته این لغت چاپ گردیده است .

**آغاز :** بسمله بدان اصلحك‌الله که هرچند تفاوت درالسنه واختلاف درلغات بیش از آنست که الخ .

---

(۱) بتاریخ مفصّل‌ایران (تاریخ مغول) تألیف آقای اقبال آشتیانی ص۵۲۲ وهفت اقلیم ص ۸۲۹-۷۳۰ (نسخه مدرسه سپهسالار) و کشف‌الظنون ج ۲ص٤٦۸ نگاه کنید .

(۲) نسخه‌ای از این‌قصیده ولی ناقص که ازروی نسخه‌ایکه بسال ۷٦۰ نگارش یافته استنساخ شده در آخر نسخه معیار جمالی خطّی بشمارهٔ ٤۸۳ این کتابخانه میباشد .

(۳) مؤلف خوددرخاتمه کتاب تاریخ تألیف راچنین گفته :

زهجرت شده هفتصد و پنج چل     ربیع دوم اوّل مهـرماه .

**۸۷۳**

مفتاح اللغه

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۷۲ نوشته شده، گذشته از تصریح در آخر از خود نسخه معلوم میشود که خط مؤلف و ناظم میباشد و در پاره‌ای از صفحات محو و اثبات و تبدیل هائی گردیده است.

جلد پارچه‌ای عطف تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی. شماره برگها ۱۴۲ صفحه‌ای ۲۰ سطر. طول $\frac{1}{2}$۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۲۰۱۰.

مفتاح اللغه

**مؤلف این** کتاب بتصریح در مقدمه محمد لنجانی (۱) اصفهانی است که از **نسخه بالا** چنانکه گفته شد بدست میآید که در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم زندگانی میکرده و از مقدمه کتاب و مندرجات آن بدست میآید که تحصیلات مقدماتی کرده ولی بهرهٔ چندانی از دانش نیافته و این کتاب را با مراجعهٔ به قاموس، صحاح، مقامات حریری، مهذب، مصباح المنیر و کنز اللغه بتقلید ابونصر فراهی بنظم تألیف کرده و خود وی در آغاز آن گوید شامل ۳۱۲۰ بیت میباشد و آنرا «مفتاح اللغه» نام نهادم.

**آغاز:** بسمله الحمدلله الذی ارسل کل رسول علی قومه بلسان الذی یتکلمون به ........... القطعه الاولی ..........................

ایکه از گرد گذرگاه تو ای سرو خَرام

خار گل دامان آن پرعطر شد هرصبح و شام

---

(۱) لنجان بکسر لام و سکون نون و فتح جیم و در آخر آن الف و نون نام بلوکی است که در جنوب شهر اصفهان واقع شده و زاینده رود از آنجا عبور و بشهر میآید.

۸۷۳

**مؤیدالفضلا** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده ازخود و سال کتابت نام نبرده، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی که در سالهای نیمه اوّل قرن یازدهم هجری نگاشته شده موجود ودو یادداشتی را که از آثار آن پیداست بسال ۱۱۸٤ نگارش یافته محو کرده‌اند، وظاهراً اصل نسخه درنیمهٔ دوّم قرن دهم هجری نوشته شده چند برگ از میان نسخه چرك و کثیف و مطالبی از آنها محو گردیده است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ سمرقندی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ٤۳۱. صفحه‌ای ۱۹ سطر. طول ۲٦ $\frac{1}{2}$. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۱۹**.

## مؤیّد الفضلا

مؤلف این کتاب که بدین نام نامیده شده **محمدلاد**(۱) دهلوی است، در کتب سیر وفهرستها عصر و زمان وشرح حال مؤلف را نیافتم، مسلماً زمان وی ازقرن نهم بیشتر نبوده چرا که لغات مندرجهٔ در اشعارحافظ وابیاتی از او در این کتاب نقل گردیده وشرفنامه که در اواخر قرن هشتم تألیف(۲) شده از مآخذ اوست و از سال ۱۰۰۸ که تاریخ تألیف فرهنگ سروری است نیز نزدیکتر نیست چرا که سروری این لغت را یکی ازمآخذ خود شمرده است.

درمقدمه تصریح ودرمتن کتاب اشاره کرده که این کتابرا ازصراح اللّغه، تاج‌المصادر، شرفنامه، قنیة الطالبین، موائدالفوائد، شرح مخزن، لسان الشعرا،

(۱) در ص۱٤٦۲ ج۲ فهرست آصفیه نسخه‌ای از مؤیّدالفضلا که بسال ۱۱۱۱ نگارش یافته موجود ودرآنجا مؤلف محمدبن لاد معرفی گردیده است.

(۲) در ص۱۸۹-۱۹۲ ج۲ فهرست مدرسه سپهسالار این کتابرا معرّفی وچنانکه درآنجاست تألیف آن بنام شرف الدین منیری میباشد که بسال ۷۸۲ وفات کرده است.

اداة‌الفضلا ، دستورالافاضل، زفان گویا ، طب حقایق الاشیاء ، فرهنگ علیمی ، فرهنگ علی نیك‌بی ، فرهنگ فخرقواس ودیگر فرهنگها و کتب‌لغت در بیان معانی لغات عرب وفارس و روم و سمرقند وماوراء سند وترك و غیر ایشان و اصطلاحات شعرا وفقها و اطبا و سالکان و می‌خواران ومغنیان بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ( موافق حروف اوائل‌لغات) و هریك ازلغات موجودهٔ در هریك‌ازحروف را باب قرارداده وآنرا برسه یادوفصل (درصورتیکه لغتی بیکی اززبانهای‌سگانه‌دراین کتاب‌نباشد) قرارداده ، فصل اول‌درعربی،دوم‌لغات فارسی، سوم لغات‌ترکی وپس‌ازاتمام کتاب تتمه‌ای‌دربیان‌اعدادوحساب وقواعدزبان‌فارسی است .

مؤلف دربارهٔ نام این کتاب گوید :

شاید که این‌را **شامل** نامند و ازین‌رو که فضلا را بینائی در علم فضل ازین کتاب حاصل‌میشود باید که این را**عیش‌الافاضل**(۱) خوانندلیکن هرچه این کتاب مؤید فضلاست در حل مشکلات و فتح مغلقات و مقوی شعراست در سخن دانی وفهم معانی اولی اینست که این‌را **مؤیدالفضلا** نامدارند .

مؤید الفضلا در حدود ( ۱۳۰۰۰ ) بیت کتابت دارد و برای معانی لغات شواهدی ذکرنموده ودرحاشیهٔ نسخه این کتابخانه در تأیید معانی‌لغات ابیاتی از اساتید نگارش‌یافته ، شاید خود مؤلف بدین‌طرز مبادرت کرده باشد وسروری کاشی درمقدمه **مجمع‌الفرس** که بسال۱۰۰۸ تألیف گردیده این کتاب را از مآخذ خویش معرفی کرده است .

**آغاز :** بسمله محامد متواتره و مدایح متکاثره مرداداد و تنگری توانا را که بتألیف الخ .

## ۸۷۴

**نصاب فرانسه بفارسی** این نسخه که بخط نسخ و نستعلیق و لاتینی نوشته شده،نسخه دوم ایستکه ناظم ومؤلف بسال ۱۳۰۳ بخط خود نوشته و در آخر نسخه هم تذکر داده است .

---

(۱) در کتابخانه حضرت رضا ع (ص۳۷۶ ج۲فهرست) نسخه ای از این کتاب (مؤیدالفضلا) بدون تاریخ کتابت موجود وبنام عین‌الافاضل معرفی گردیده‌است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۱۰ . صفحه‌ای ۰
سطرمتن ۱٤ حاشیه . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۲۹۰۵ .

## نصاب فرانسه بفارسی

میرزا عبدالحسین که از شاگردان دوره های اوّلیه دارالفنون ایران بوده نصاب‌الصبیان ابونصر فراهی(۱)را تقلید وبجای لغات عربی‌آن لغات فرانسه را گذارده و بترجمه آنها پرداخته و این نصاب را چون نصاب ابو نصر فراهی برقطعه هائی دربحرهای مختلف بنظم آورده و برلغات نصاب ابونصرواژه هائی افزوده و زیر تمام صفحات نسخهٔ اصل‌لغات فرانسه را با حروف لاتینی با ترجمهٔ فارسی‌آنها تشکیل نموده وپیش ازشروع بکتاب لغاتیکه معادل فرانسوی آنها در ابیات قطعات ذکر گردیده ، مرتب بحروف تهجّی نگارش‌یافته وشمارهٔ این واژه ها (۳٤۰۰) میباشد و پس از این‌بخش ، قواعد لازمه‌ای را تذکر داده ودرآغاز وانجام کتاب متذکرشده که در ربیع‌الاخرسال ۱۳۰۳ بنظم این‌نصاب پرداخته است .

درالمآثر والآثار وسائر مآخذ که دردست نگارنده است بنام وآثار دیگری ازاین مؤلف‌برنخوردم ولی‌ازشرحیکه مؤلف درآخر این‌نسخه بخط خودمرقوم داشته معلوم میشود که مؤلفات دیگری داشته است .

**آغاز :** بسمله پس‌از ستایش‌حضرت دادار ودرود براحمد مختار وآل‌اطهارش علیهم‌السّلام این‌خانه‌زاد دولت ابد مدت عبدالحسین که از تربیت یافتگان مدرسه مبارکه دارالفنون است الخ .

**انجام :** ختم کردم نصاب از بونصر ... بر وی افزودم از لغات بسا
در ربیع هزار و سیصد وسه ... یادگار این‌نصاب شد از ما

---

(۱) ابونصر فراهی از دانشمندان قرن ششم و اوایل هفتم هجری بوده کتاب نصاب اوکه منظومه ای در بیان معانی پارسی و اژه های عربی میباشد بسیار مشهور واز کتابهای بسیار سودمند است و شروحی چند برآن نگارش یافته و کتاب «جامع‌الصغیر» محمدبن‌حسن‌شیبانی(۱۳۵-۱۸۹) را بسال ۶۱۷ منظوم کرده ، درص ٤۹ ج ۱ لباب الالباب عوفی وص ۲۵۹ حواشی آن بقلم آقای قزوینی ومقاله سودمند فاضلانه آقای اقبال آشتیانی در مجلّه آموزش و پرورش (شمارهٔ سوم سال ۱۳۱۸) در بارهٔ این مؤلفه ومؤلف آن بحث شده است .

# بدیع و عروض و قافیه و نحو و صرف و معما و لغز

**۸۷۵**

حدائق الحقائق

این نسخه را عبدالکریم ساروی بخط نستعلیق بسال ۱۲۲٤ نوشته ، ابواب وعناوین باجوهر نگاشته شده واز اواخر باب چهارم ازقسم دوم کتاب تا اواخر باب ششم آن نگارش نیافته و بجای آنها برگ نونوشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ . قطع خشتی کوچك . شمارهٔ برگها ۲٦ . صفحه‌ای ۱۳ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳٦۸۴** .

## حدائق الحقائق

مؤلف این کتاب **شرف‌الدین رامی** (حسن بن محمد) (۱) متوفی بسال ۷۹۵ میباشد که از شعرا و ادباء نامی قرن هشتم بوده وخواجه فخرالدین **الماستری** را بقصائدی مدح نموده ودر دربار **شاه منصور** آخرین پادشاه آل مظفر که

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۱۸۹-۱۹۱ وتذکره دولتشاه سمرقندی ص ۳۰۸-۳۱۰ و کتابهائی که درحاشیهٔ صفحهٔ بعد نام برده شده مأخذ نگارش این شرح میباشد

درجنك با امیرتیمور بسال ۷۹۵ کشته شده ، مقام ملك‌الشعرائی داشته و کتاب لطیف انیس‌العشاق که دروصف سر تا پای محبوب میباشد نیز از آثار اوست .

درمقدمه این کتاب گوید که روزی درمجلس سلطان‌معزّ الدین **شاه‌اویس**(۱) از رشید وطواط سخن رفت وبدینجا رسید که حدائق‌السحر وی مجمل و نیازمند شرح و بسط است ، فرمان داد که این‌بنده بدین‌کار قیام نماید وشواهد و امثال آنرا از اشعار پارسی که دراین روزگار مشهور ومعهود است بیاورد ، بنابراین شروع در انجام این امر گردید و پس‌از اتمام آنرا « حدائق‌الحقائق » (۲) نام‌گذاردم وآنرا بر دو قسم مرتب نمودم **قسم اوّل** : در گفته هـای رشید وطواط در پنجاه باب **وقسم دوّم** در اصطلاحات متأخرین در این فن در ده باب است .

دراین کتاب بخشهائی ازعبارات حدائق‌السحر آنهم با تغییردرالفاظ وعبارات نقل گردیده وبشرح وبسط آن پرداخته شده ودر تمام آن یك‌بیت عربی‌نیست و درحدود ۱۲۰۰ بیت کتابت آنست .

**آغاز** : بسمله پس‌از حمد بیحد وصلوات بیعد چنین گوید اقلّ شعرا شرف الخ .

## ۸۷٦

**حدائق‌السحر** این نسخه را بخط نستعلیق مخلوط بشکسته حسن‌بن احمد حسینی بسال ۱۲۷٦ درطهران نوشته ، پس از اتمام کتاب همین نویسنده اشعاری ازفتحعلیخان

---

(۱) در شذرات‌الذهب ج ٦ ص ۲٤۱ وفات این پادشاه معین‌شده واورا بشهامت و شجاعت وعدالت معرفی وگوید بسال ۷۷٦ وفات نمود ، پدر اورا حسن‌بن حسن وسلطنت اورا نوزده سال وعمر اورا ۲۵ سال معین کرده است .

(۲) تذکرهٔ دولتشاه و مقدمه حدائق‌السحر نگارش آقای اقبال و دانشمندان آذربایجان نام این کتاب بدینگونه ثبت شده ولی درمقدمه نسخهٔ این کتابخانه و ص ٤٤۱ ج ۱ ظنون بنام حقائق‌الحقائق ونیز در ص ٤۲۱ ج ۱ ظنون بنام « شقائق‌الحقائق » معرفی گردیده وتألیف آنرا بسال ۸۷۸ دانسته واین‌نیز مسلماً غلط است .

ملك‌الشعراء و دیگران با جوهر ومرکب بخط شکسته نستعلیق بردو صفحه‌ایکه درآخر کتاب بوده نگاشته است .

جلد ندارد . کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۶۳ . صفحه‌ای ۱۰ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر

## حدائق السحر في دقائق الشعر

رشید وطواط ( محمدبن محمدبن عبدالجلیل عمری بلخی ملقب به رشید الدین ) متولد میان سال ۴۸۰ و ۴۸۷ ومتوفی بسال ۵۷۳ یا ۵۷۸ (۱) ازمشاهیر شعراء و ادباء قرن ششم هجری بوده ودرفن انشاء نظم و نثر بفارسی و عربی سرآمد اقران ومشار به بنان بوده وریاست دیوان رسائل ومقام ملك الشعرائی و ندیمی سلطان اتسز خوارزمشاهی را داشته وچون سلطان‌سنجر با او بخصومت‌درآمد و طواط سنجررا هجا گفته واین مطلب ویرا بخشم درآورده وقسم یاد کرد که او را بکشد و داستان شفاعت یکی از بزرگان بطریقی‌لطیف، زبان زد همه ودرتمام کتب ثبت‌است وگویند وجه تسمیه وی به وطواط کوچکی جثهٔوی‌بوده و اینمطلب متواتر است .

دانشمند محترم آقای اقبال آشتیانی در ص نك - نح مقدمه حدائق السحر ۲۱ مؤلفه ازرشید وطواط را با نشان‌دادن بسیاری ازنسخ‌آنها معرفی کرده‌اند .

**حدائق السحر** چون مؤلف‌آن ازمشاهیر کتب ادبی‌فارسی ودر علم بدیع و صنایع شعری میباشد ، مکرّر در ایران چاپ شده و دانشمندان بشرح آن پرداخته و بتقلیدآن تألیفهائی کرده‌اند ، آقای اقبال در ص **سو - سط** مقدمه مذکور پنج کتابرا که درشرح وتقلید حدائق السحر تألیف گردیده معرفی کرده‌اند .

**آغاز :** بسمله الحَمْدُ لِلّٰه علی ما آفاضَ عَلَیْنا ...... **امابعد** چنین گوید مؤلف این کتاب ....... کی‌روزی من بنده را خداوند ولینعم الخ .

(۱) شرح حال و تحقیق کامل دربارهٔ این‌شاعر و ادیب بزرگ را در مقدمهٔ حدائق‌السحر (چاپ سال ۱۳۰۸ خورشیدی هجری ) بقلم دانشمند بزرگوار آقای اقبال‌آشتیانی نگاه کنید که ازمراجعهٔ بدیگر مآخذ شما را بی‌نیاز میدارد ودرص ۲۲۳ ج ۱ مجمع‌الفصحا ، هفت‌اقلیم ، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۸۷-۹۲ تاریخ گزیده ، آتشکدهٔ آذر ومعجم‌المطبوعات مختصری ازحالات وآثار ایشان دیده میشود .

## ۸۷۷

**دستور الشعراء** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته ، ظاهراً دراواخر قرن سیزدهم هجری نگارش یافته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۸۶ . صفحه‌ای ۱۵ سطر. طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۸۸۰** .

### دستور الشعراء

این کتاب یا رساله در علم عروض وقافیه وصنایع شعریه میباشد ، مؤلف در دیباچه خود را محمد مازندرانی متخلص به **امانی** معرفی نموده ودیباچهٔ آنرا بنام میرزا محمد تقی که اورا «شمس الملة والدولة والدین و بانی مبانی دولت سلطانی و صاحب السیف والقلم» و بالاخره وزیرمعرفی مینماید ، موشح گردیده و این مؤلفه را که خود «دستورالشعراء» نامنهاده مشتمل بر **مقدمه‌ای** درتعریف شعر و شاعر و **سه مقاله** : **۱** ـ در بیان علم عروض . **۲** ـ در بیان علم قوافی . **۳** ـ در صنایع و بدایع شعری . و **خاتمه‌ای** درسرقات شعری قرار داده و درآن باشعار دانشمندان گذشته وابیاتی ازخود استشهادنموده ، بقرینه اینکه نسخه کتابخانه حضرت رضا علیه السلام (ج ۳ فهرست آنجا ص ۱۷۲) بسال ۱۰۴۸ نگارش یافته وبرحسب احتمال مؤلف آن فهرست بایستی نسخه اصل باشد ، مؤلف درقرن یازدهم زندگانی مینموده وطرز انشاء کتاب نیز این احتمال را تأیید مینماید وتشیع مؤلف از دیباچهٔ کتاب ظاهر و آشکار است .

**آغاز :** بسمله ستایش وافر کاملی را که بارگاه سپهر نیلی چهره را بی هوا دارای چوب وطناب صدور و عروض الخ .

## ۸۷۸ و ۸۷۹

**رساله در معما** این نسخه پیش از معمیات حسین بن محمد حسینی (در حرف میم این فصل معرفی میشود)

گذارده شده ، نام نویسنده وسال نگارش در هیچکدام از دونسخه تصریح نشده « ظاهراً ازخطوط اواخرقرن نهم هجری میباشد . پس از اتمام نود و نه بیت ابیاتی است که ازآنها به تعمیه این عبارت : ( شاه ابوالغازی سلطان حسین بهادر خان مدالله تعالی ظلال سلطنته و معدلته علی العالمین) بدست میآید .

جلد تیماجی ، کاغذ بخارائی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۶+۸۳ . صفحه ای ۱۲ سطر . طول $\frac{1}{2}$۱۷ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر شمارهٔدفتر **۱۵۲۴۵** .

## رساله در معمّا

این رساله ۹۹ بیت شعرمیباشد ، ناظم ازخود نام نبرده واین‌منظومه‌را نامی نگذارده ، هریك از اسماءالله‌الحسنی را بطریق معمّا دریك‌بیت گذارده ، ظاهراً همین متن‌است که محمود بن عثمان لامعی برسوی متوفی بسال ۹۳۸ برآن‌شرحی نوشته وحاجی‌خلیفه در ص ۵۷ ج ۲ درحرف شین آنرا نام برده و نسخه‌ای از آن درمجموعه‌ایست که درص۱۳۱-۱۳۲ در این فهرست معرّفی میگردد .

**آغاز : الله :** نیست حدّ خامه ازنام آله دم زدن باید زبان‌دارد نگاه .

**۸۸۰**

## شرح الفیه ابن مالك

این‌نسخه بسال ۱۱۱۵ بخط نسخ محمدقاسم بن محمد مؤمن در اصفهان نوشته شده و ابیات الفیّه را بواسطه کشیدن خط قرمزی برآن ، ازشرح جداکرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۹۲ . صفحه‌ای ۱۹ سطر . طول ۳۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۳۴۲** .

## شرح الفیه ابن مالك

مؤلف این کتاب محمد مقیم بن حاج صفی قزوینی است که ظاهراً درقرن یازدهم هجری زندگانی مینموده ، در روضات و امل الآمل نامی از او نیست ، درمقدمه این شرح تصریح نموده که این شرح را برحسب خواهش فرزند خویش که همنام با امام ششم علیه السّلام (جعفر الصادق) میباشد ، تألیف نموده‌ام و از مقدّمه هم تشیّع وی کاملا آشکار میباشد .

طرز این شرح اینست که یك یا چند بیت از الفیه ابن‌مالك (۱) را ذکر و پس از آن بتحلیل وترکیب آنها بلغت عربی پرداخته و پس‌از انجام این‌قسمت بفارسی بشرح وبیان مراد ناظم پرداخته و بهمین نحو تا بآخر پیش رفته و در حدود (۹۰۰۰) بیت کتابت این شرح است .

**آغاز :** بسمله الحمدلله الّذی جعلنی مِنَ آلمُستَقرّین ولم یجعلنی مِنَ المُستَودَعین والصّلوة علی سیّدِ الاوّلین والآخرین محمّد واهل بیته الطّاهرین .

### ۸۸۱

**شرح معمیات** این نسخه بسال ۹۷٤ نوشته شده ، بجدول بطلا و لاجورد وشنجرف میباشد ، عناوین نیز بالاجورد وشنجرف است، درحواشی چند برگ اوّلیّه تعلیقاتی میباشد، زیر آنها جملهٔ : مدظلّه العالی یاسلمه‌الله تعالی که میرساند درزمان شارح نوشته شده ، نگارش یافته ، تصحیح ومقابله بااصل شده ، پشت برگ نخستین و بربرگ آخر وبرگیکه پس‌از آنست یادداشتهائی ازمالکین نسخه بامهر اسم آنها وجوددارد وباکمال مهارت متن‌وحاشیه گردیده است .

---

(۱) در ص ۳۰۳ و ۳۰٤ ج ۲ فهرست کتابخانه مدرسهٔ سپهسالار از این کتاب معرفی گردیده ونیز درص ۳٤۱-۳٤۳ چند شرح فارسی آنرا که جز این شرح میباشند مفصّلا و مختصراً معرفی کرده‌ام .

جلد تیماجی. کاغذ **متن** خانبالغ **حاشیهٔ** بخارائی. قطع‌وزیری. شمارهٔبرگها ۱۱۷ . صفحه‌ای ۲۱سطر. طول ۲۴سانتیمتر. عرض ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۶۱** .

## شرح معمیات میرحسین

درهمین فصل «معمّیات» و مؤلف آنرا معرّفی خواهیم نمود ، این شرح را محمد بن علی نونداکی(۱) که ازقرائن موجودهٔ در نسخهٔ این کتابخانه تا اواخر ربع سوّم قرن دهم هجری زندگانی مینموده براین کتاب نوشته و بمناسبت از حلل مطرّز ومنتخب آن وحلیةالحلل(۲) وافکار شریفی و رسالهٔ کمال بدخشی و دیگر کتب ورسائلی که درفنّ معمّا نگارش یافته مطالبی‌نقل نموده ، ویکی از شروح متن‌را هم مورد اعتراض قرارداده و پس‌ازنقل جمله‌هائی ازآن برد آن پرداخته و این‌شرح در حدود ۵۰۰۰ بیت میباشد .

---

(۱) این‌کلمه در این نسخه بدینگونه ضبط گردیده و در کشف الظنون چاپ اسلامبول وچاپ فلوگل (ج۵ص۶۳۹) نویداکی بایاء حطّی‌است پیش‌ازدال‌ودر معجم البلدان‌بنام نویداك ونونداك جائی‌معرفی‌نگردیده ولی‌درحرف‌نون‌**نوند** را نامبرده و گوید بدین‌نام دو جا معروف است یکی کوچه ایست در نیشابور ودیگری درسمرقند میباشد ونسبت‌بهردوجا **نوندی**است . وبنابرآنکه نونداك نام جائی نباشد شاید اصل کلمه نوندی بوده و نویسندگان تحریف کرده اند چنانکه در کشف‌الظنون نویداکی ضبط‌گردیده واین احتمال‌هم مشکل میباشد چرا که نسخهٔ این کتابخانه تصحیح شده است .

(۲)بنابرتصریح دراین شرح این کتاب تألیف عبدالرحمن جامی‌است ودرحرف میم کشف‌الظنون بنام معمّیات جامی کتابی ثبت گردیده ودر ذیل‌آن گوید از حلل ومنتخب آن که تألیف شرف‌الدین علی یزدی میباشند انتخاب شده (اسم کتاب هم براینمطلب دلالت دارد) وسروری برسویآنرا بترکی‌شرح کرده‌است . بنام حلیةالحلل در کشف‌الظنون کتابی ضبط نگردیده ودرذیل مؤلفات جامی‌هم این کتاب نامبرده نشده ولی‌گویند که سه رساله درمعمّا (کبیر ومتوسط وصغیر) داشته ودراین شرح ازرساله‌کبیر ومتوسط وی هم مکرّرنقل نموده ، بنابراین نگارنده تصوّر میکند که رساله کبیر جامی این نام را داشته است .

**آغاز :** بعد از تنصیص تسمیه و تخصیص (۱) اثنیه بمالك الملکی که ذات بی‌مثالش از شوائب تمثّل وتشبیه معرّاست الخ .

**۸۸۳**

**ضابطۀ حل معما** این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، تاریخ ندارد ولی ظاهراً دراواخرقرن نهم هجری نوشته شده ، دارای یك سرلوح زیباست وصفحات مجدول بطلا ولاجورد میباشد وعناوین ونامهای اشخاص که بمناسبت نام برده شده، باشنجرف ولاجوردنگارش یافته است .

جلد میشن . کاغذ بخارائی . قطع وزیری کوچك . شمارۀ برگها ۶۹. صفحه‌ای ۱۲ سطر. طول ۲۲ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۴ سانتیمتر. شمارۀ دفتر **۱۳۹۳۰** .

## ضابطۀ حل معمّا

این کتاب چنانکه در آغاز وانجام آن اشاره شده ، تألیف بدخشی است ، مؤلف حبیب‌السّیر (ص ۳۴۲ جزء سیم ازجلد سیم) زیرعنوان : مولانا بدخشی گوید : « بحلاوت گفتار وبلاغت اشعار اتّصاف داشت وهمواره همّت بنظم معمّا وتألیف قواعد آن فن میگماشت . مدت سی سال درملازمت نظام‌الدین امیرعلیشیر اوقات گذرانید ، چند رساله درعلم معمّا مرقوم کلك فصاحت انتما گردانید » .

درشرح معمّیات که درص ۱۲۸-۱۲۹ معرفی گردید ازبدخشی که گاهی اورا مولانا کمال بدخشی وهنگامی ویرا مولانامحمدبدخشی نامیده بسیارنقل کرده بنابراین لقب وی **کمال‌الدین** ونام وی **محمد** بوده است .

مؤلف درابتداء این رساله اظهارنموده که این مؤلفه بنظر **جامی** رسیده ومورد نظر و التفات شده وپسند خاطر امیرکبیر امیرعلیشیر گردیده ، ودرآخر نسخه این قطعه درمدح این رساله از مولانا جامی نقل گردیده :

(۱) درص ۴۶۸ ج۲ کشف‌الظنون ازآغاز این کتاب فقط این جمله وبدین شکل : « بعد از تخصیص و تنصیص » . نقل شده ولی در این نسخه بدینگونه شروع گردیده است .

این تازه گهر که گشته نائق — برهر گهری بنور بخشیست
هر کس که بدید آب ورنگش — دانست که گوهر بدخشیست.

تذکریکه دراین مورد جا دارد این‌است که بنام بدخشی درص ۱۶۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب‌السیر و ص ۴۲۰ ( چاپ اروپا ) تذکره دولتشاه سمرقندی شاعری است که مؤلف حبیب‌السیر گوید در زمان الغ‌بیك ( بسال ۸۵۳ مرده ) سرآمد شعراء سمرقند بوده و دولتشاه او را ملك‌الشعرای وی معرّفی نموده و هردو از قصیده‌ایکه بردیف آفتاب انشاء نموده
(ایزلف شب مثال تورا در بر آفتاب — ازشب که دید سایه که افتد بر آفتاب)
یك دو بیت نقل کرده وازسال مرگ وی اثری دراین دو کتاب نیست .

درهفت اقلیم (ص۵۰۶س) درذیل بدخشان گوید : **مولانا بدخشی** از قریه اشکمش بوده وشعررا نیك میگفته این‌قطعه ازوی مشهور است .

زبر و زیر اگر شود عالم — ای بدخشی چه‌غم که بر گذراست
کین جهان همچو شیشهٔ ساعت — ساعتی زیر و ساعتی زبراست .

و جز این درباره این بدخشی چیزی ننگاشته وبدخشی دیگر را هم نام نبرده ، احتمال‌دارد این‌شاعر غیرازدوبدخشی بالاومعاصرمؤلف هفت اقلیم باشد .

مؤلف این رساله را به سه بخش تقسیم‌نموده (اعمال سه گانه تسهیلی، تحصیلی وتکمیلی) وهریك ازاین اقسام را بچند بخش وهریکی‌را درضابطه وتتمّه‌ای مرتب نموده وتمام رساله درحدود ۱۶۰۰ بیت میباشد .

**آغاز :**

ای واسطهٔ جوهر اشیا نامت — وی رابطهٔ گوهر انشا نامت
ازنام‌تومشکل **بدخشی** شده‌حل — ای ضابطهٔ حلّ معمّا نامت

معمّا کلامیست مشعر بحروف مرتّبه کنایی اسمی‌از اسما بطریق اشارت الخ .

## ۸۸۳

**مجموعه درمعما** این‌نسخه را صالح بن عمر بسال ۱۰۳۶ بخط نستعلیق خوب نوشته ، شامل شش رساله میباشد که زیراین سطرها معرفی میشوند ، عناوین با شنجرف میباشد ، پشت صفحهٔ اوّل و آخر وبربرگیکه پس از آن میباشد معمّا هائی با حلّ آنها نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۱۲ . صفحه‌ای ۱۳ سطر . طول ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۳۳** .

## مجموعه در معمّا

دراین مجموعه شش رساله درمعمّا گذارده شده بدین تفصیل :

**۱** ـ شرح نود و نه بیت که در اسماءالله ( از الله تا الصبور ) انشاء گردیده ودر خود متن وشرح نامی از منشی و مؤلف آن نیست (ص۱ـ۲٤) در حدود ۳۰۰ بیت میباشد وآغاز آن اینست : بسمله

**الله** : نیست حد خامه ازنام اله      دم زدن باید زبان دارد نگاه

ازخامه که مسمّای الف است درلفظ الله اسم خواسته هرگاه بحدّ شود فااسقاط یابد . درص۵۷ ج ۲ ظنون زیرعنوان « شرح معمّاء اسماءالله‌الحسنی » نوشته شده از محمود بن عثمان لامعی بر سوی متوفی بسال ۹۳۸ میباشد . (شاید این شرح باشد) .

**۲** ـ مختصری است بنثر که نیز نام مؤلف ندارد وآنرا برسه عمل تقسیم نموده (ص۳۱ـ۳۷) و در حدود (۸۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست : بسمله نموده میشود که این مقدمه ایست از برای تسهیل و ترغیب مبتدیان و بیان اعداد معمائی الخ .

**۳** ـ منظومه ایست درمعمّا در ۶۷ بیت (ص۳۷ـ۴۲) که درآخر سال نظم آنرا به کلمه فیض (۸۹۰) معیّن نموده ونویسندهٔ نسخه گوید ازجامی است .

**آغاز :**    چو از حمد و تحیّت یافتی کام      بدان ای درمعمّا طالب نام . الخ .

**۴** ـ رساله‌ایست نیز بنظم درمعما (ص۴۳ـ۵٤) و نویسنده در ابتداء آنرا ازشیخ شهاب‌الدین معرّفی نموده وناظم خودرا درآخر حقیری معرّفی کرده :

( حقیری اندرین نظم محقّر      که برلوح بیان آمد مصوّر)

و خود وی سال نظم را « نسخهٔ موزون و بی عیب » (۹۱۸) معین نموده و تمام رساله ۱٤٦ بیت وآغاز آن اینست : بسمله

بنام آنکه ذات جمله اشیا      بودچون اسم وذات او مسمّا الخ .

درحاشیهٔ صفحات راجع بمطالب متن توضیحاتی داده شده است .

**۵** ـ رساله‌ایست که نویسنده آنرا از « گفتارشرف » معرّفی نموده (ص٤٥ـ۸۱) ومؤلف ازخود نام نبرده ونداشتم این شرف کیست و تصوّر نمیکنم که مؤلف شرف‌الدّین علی یزدی متوفی درنیمهٔ دوّم قرن نهم هجری باشد ومؤلف خودرا ابتدا

گوید که این رساله بریك مقدمه وبیست وچهار اصل و خاتمه‌ای تألیف گردیده وفهرست آنهارا هم ذکرنموده

این رساله درحدود ۲۰۰ بیت کتابت دارد و آغاز آن اینست :

بسمله بدانکه ترتیب داده شده این رساله بریك مقدّمه الخ .

٦ - معمّیات حسین بن محمد حسینی است که پس از این در ص ۱۳۶ معرفی خواهد شد واین‌نسخه از ص۸۱-۲۲۶ این‌مجموعه را شامل ودرحاشیهٔ برگهای آن مطالبی ازشروح آن نگارش یافته است .

**۸۸۴**

**المعجم‌فی معاییر اشعار العجم** این نسخه شامل سه ربع ($\frac{3}{4}$) از باب دوّم از قسم دوّم این کتابست (بخشی از آغاز باب دوّم هم در این نسخه نوشته نشده است) و میدانیم‌که این باب دربیان حروف قافیت و القاب و اشتقاق آنست که عبارت از روی ، ردف ، قید ، تأسیس ، دخیل ، وصل ، خروج ، مزید و نایر باشد و مؤلف در این فصل حروف روی را بترتیب حروف تهجّی ازالف تایاء باذکرمعانی وشواهد آن ازاشعار ذکر نموده و نویسندهٔ آن مرحوم میرزا علی نقی شیرازی نستعلیق نویس مشهور میباشد ونسخه را بفرمان مرحوم معتمدالدوله فرهاد میرزا حاکم فارس بسال ۱۲۹۵ بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته صفحات مجدول بطلا ولاجورد وعناوین باشنجرف میباشد و دارای یك سرلوح ظریفی است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع‌ربعی . شمارهٔ برگها ۲۷ . صفحه‌ای ۱۲ سطر. طول ۲۱ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳٦۰** .

## المعجم في معايير اشعار العجم

این کتاب ازمشاهیر کتابهای نثر فارسی است ودر اوائل قرن هفتم (چنانکه درآغاز کتابست بسال ٦١٤ شروع بدین تألیف شده و پس‌ازسال ٦٣٠ خاتمه یافته است) تألیف گردیده ، مؤلف آن شمس‌الدین محمد بن قیس رازی مشهور به **شمس قیس** (۱) میباشد که دراواخر سلطنت سعد بن زنگی (٥٩٩-٦٢٥ (۲) و ابوبکر بن سعد (٦٢٨ - ٦٥٨ (۳)) از اتابکان فارس زندگانی مینموده و در دربارآنها جاه ومقامی داشته وبسال ٦٣٠ درشیراز بانجام این تألیف که در اثر حوادث اتمام آن تأخیر می‌افتاد ، موفق گردیده و برحسب تحقیق و تتبّع علّامه نحریر آقای قزوینی مد ظلّه ، مؤلف این کتاب کتابی بنام ( المعرب فی معایير اشعارالعرب» تألیف نموده وکتاب « الکافی فی‌العروضین والقوافی» که خود درالمعجم ( ص ح مقدمه) نام میبرد ازمؤلفات اوست ، آقای قزوینی گویند که محمد بن قیس ( چنانکه در دیباچه المعجم گوید ) بدواً دراین‌باب تألیف نمود وچون مرکب ازمباحث راجعهٔ باشعار عربی وفارسی بود جمعی از او خواستار شدند که مطالب راجعهٔ بهر یك از زبانها را جداگانه تألیفی سازد مؤلف هم آنچه راجع باشعار پارسی بود بنام «المعجم فی‌معائیر اشعارالعجم» تألیفی ساخت وظاهراً آنچه راجع‌بزبان عربی بود بنام «المعرب‌فی‌معائیر اشعارالعرب» مرتب ساخت زیراکه‌درالمعجم‌دوبارازاین کتاب‌مؤلفهٔ خودنام‌بردوازنام‌کتاب‌ومعادلهٔ‌آن با این‌مؤلفه‌وی معلوم‌میشودبخش‌دیگرازآن کتابست‌ونیزازمؤلفات‌ایشان «حدائق المعجم» میباشد که مفتی محمد سعدالله مرادآبادی (١٢١٩-١٢٩٤ (٤)) در کتاب « میزان الافکار» که شرح معیار الاشعار است از آن نقلهائی دارد و غیاث‌الدین مؤلف فرهنگ غیاث‌اللغات درفصل عروض ازفرهنگ مذکور این کتاب‌را یکی‌ازمآخذ خود معرفی کرده وبنا بگفته ریو مؤلف فهرست‌مشهور

---

(۱) در اشعار ازخود به شمس‌قیس تعبیر کرده است .

(۲) ص هـ مقدمه المعجم آقای قزوینی چاپ آقای مدرس رضوی .

(۳) ص ز مقدمه « « « « « « «

(٤) درحاشیه ص د مقدمه آقای قزوینی معرفی مختصری ازاین شخص نموده و گویند درتذکره علماء هند شرح حال ایشان نگارش یافته است .

واحتمال قوی آقای قزوینی وشهادت نام کتاب بایستی این‌مؤلفه اخیر اختصاری از المعجم باشد .

در کتب سیر وتواریخ شرح حالی از مؤلف این کتاب (محمدبن‌قیس) بدست نیامد فقط آقای قزوینی درمقدمه‌ای که برچاپ نخستین این کتاب (بسال ۱۳۲۷ در بیروت چاپ شده) در پاریس نگاشته‌اند از مراجعه و مطالعهٔ همین کتاب اطلاعاتی سودمند ازاین دانشمند استخراج ودر دسترس همه گذارده اند و این شرح با مراجعه واستفادهٔ ازآن مقدمه نفیس اقتباس ونگاشته شد .

المعجم فی معائیر اشعارالعجم را مؤلف بدوقسمت نموده : **قسم اول در عروض** درچهار باب : ۱ ـ درمعنی عروض و شرح ارکان و ذکر اسامی و القابی که در این فن مصطلح اهل این‌علمست . ۲ ـ درذکر اجزا واوزانی که از ترتیب ارکان عروضی حاصل شود . ۳ ـ در ذکر تغییراتی که بدان اجزا لاحق گردد با فروع افاعیل که ازآن منشعب شود . ۴ ـ درذکر بحور قدیم وحدیث ونقش‌دوائر وتقطیع ابیات وفك اجزای بحور ازیکدیگر. **قسم‌دوم درعلم قافیت و نقد شعر** در شش باب : ۱ ـ درذکر معنی‌شعر و قافیت و حد وحقیقت آن . ۲ ـ در ذکرحروف قافیت والقاب و اشتقاق آن . ۳ ـ درذکرحرکات حروف قافیت واسامی‌آن . ۴ ـ در ذکرحدود قافیت واصناف آن . ۵ ـ درذکرعیوب قوافی و اصناف ناپسندیده که در کلام منظوم افتد . ۶ ـ درذکرمحاسن شعر وطرفی ازصناعات مستحسن که درنظم‌ونثر کلام باشد .

پس‌از اتمام باب‌ششم ازقسم دوم زیرعنوان **خاتمه** مطالبی درادوات شعر ومقدمات شاعری ووظائف ممدوحین نسبت بشاعر وسرقات شعریّه ولزوم اطلاع شاعر ازآداب و رسوم وداشتن بسیاری ازعلوم وفضائل وغیرازاینها نیزمندرج ساخته است .

این کتاب نخستین بار بسال ۱۳۲۷ با تصحیح و تحشیه دانشمند بزرگوار علامهٔ نحریر آقای میرزا محمد خان قزوینی بنفقهٔ اوقاف گیب ، در بیروت و بسال ۱۳۱٤ خورشیدی با تصحیح و مقابله با پنج نسخه دیگر نیز بتصحیح و تحشیه دانشمند محترم آقای محمدتقی مدرس رضوی درطهران چاپ گردیده است .

**آغاز :** بسمله الحمد لله المنعوت بنعوت الجلال . . . . سپاس‌وستایش‌مرخدای را جلّ جلاله وعمّ نواله که ارواح مارا بزینت تعلیم وتعلّم بیاراست الخ .

(۸۷۹)

**معمیات میرحسین**

خصوصیّات این‌نسخه را زیرعنوان «رساله درمعما» درصفحهٔ ۱۲۶-۱۲۷ یاد نموده‌ایم بدانجا نگاه کنید .

نسخهٔ دیگری از این کتاب در آخر مجموعه ایست که در ص۱۳۱-۱۳۳ معرّفی گردید .

## معمّیات میرحسین

مؤلف این کتاب حسین بن محمد حسینی است که در کشف‌الظّنون(ص۴۶۷-۴۶۸ ج ۲ ) او را شیرازی نیسابوری متوفی بسال ۹۰۴ معرّفی نموده و نیز چندین شرح براین کتاب درآنجا نام برده شده و در مقدّمه تصریح گردیده که برحسب امر و دستور امیرعلیشیر نوائی تألیف و تنظیم گردیده و در حدود (۱۲۰۰) بیت کتابت دارد ودرهفت اقلیم ذیل شهرنیشابور این‌دانشمند معرفی گردیده ودر آنجاست که عبدالرحمن‌جامی گفته: «اگرمیدانستم چنین‌شخصی در معمّا پیدا خواهد شد هرگز فکر معمّا نمیکردم »

وازدیگر آثاراین شخص وسال تولّد و وفات وی نامی نبرده است .

**آغاز :** بسمله

بنام آنکه از تألیف و ترکیب معمای جهانرا داد ترتیب الخ .

۸۸۵

**منتخب حلل مطرز در معما و لغز**

این نسخه بسال ۸۷۷ بخط نستعلیق نوشته شده ، برکنار صفحه آخر یادداشتی بسال ۹۲۵ موجود ، یادداشت دیگری هم درّاینجا بوده‌محو گردیده ، پشت‌صفحهٔ نخستین‌ابیاتی

ظاهراً بخط یادداشت کننده پیشین نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۸۱ . صفحه‌ای ۱۶ سطر . طول ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۰۰۶** .

## منتخب حلل مطرّز

شرف‌الدین علی یزدی **شرف** تخلص که ازدانشمندان قرن نهم هجری بوده و بسال ۸۵۸ (۱) وفات یافته ، گذشته ازمقام شاعری ومورّخ بودن درمرحله عرفان قدم گذارده و مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و ابراهیم سلطان بن شاهرخ پادشاه فارس همواره مصاحبت ویرا خواستار بوده و ظفر نامه تیموری را که در تاریخ وشرح حال امیرتیمور گورکان بر حسب خواست این پادشاه بسال ۸۲۸ تألیف نموده ، بسی مشهورمیباشد ، **کنه المراد** درعلم وفق اعداد ، **حقایق التهلیل** ، مواطن و **شرح بر قصیدهٔ بردة** نیز از آثاراوست، درفن معما و لغز نیز دستی توانا داشته کتاب « حلل مطرز در فن معما و لغز » و منتخب آنرا نیزبامرابراهیم سلطان تألیف نموده ودرمقدمه این منتخب گوید : «چون

(۱) دولتشاه سمر قندی که نزدیکترین تذکره نویس بزمان شرف الدین یزدی است ( ص ۳۷۸ - ۳۸۰ چاپ اروپا ) ویرا نام برده ومقامات علمی و ادبی اورا شناسانده ولی ازسال مرگ وی خبری نداده ، پس‌ازوی سلطانحسین بایقرا در مجالس العشاق ( مجلس پنجاهم ) او و مؤلفاتش را نام برده و گوید بسال ۸۵۸ در دار العباد یزد وفات یافته ( ریو درص ۱۷۳ ج ۱ فهرست نیز این تاریخ را معین نموده و قبر اورا درقریه تفت نشان داده است ) پس ازوی درحبیب السیر (ص۱۴۸ جزء سیم جلدسیم) وفات شرف بسال ۸۳۴ ودرطرائق الحقائق (ص ۳۰ ج ۳) نیز بهمین سال ضبط گردیده وعلت این اشتباه اینست که دولتشاه در ذیل نام شرف‌الدین ابراهیم سلطان را نام برده و گوید بسال ۸۳۴ وفات‌یافته ومؤلف این دو کتاب تصور کرده‌اند که این‌تاریخ وفات شرف است وهدایت درریاض‌العارفین (ص۲۱۱) بسال۸۵۶ وحاجی خلیفه درچند مورد از کشف‌الظنون درحدود۸۵۰ معین‌نموده ودرهفت اقلیم (ص۱۳۰-۱۳۱ م س) و شمع انجمن ( ص ۲۳۷ ) شرف‌الدین ومؤلفات وی نام برده شده ولی‌تاریخ وفات دراین دو کتاب صریحاً ذکر نشده است .

تألیف حللمطرزباتمام انجامید . . . . . . . . وهر کس را از آن حظی‌نیست . .
امری بری از شایبهٔ فتور و قصورنفاذ یافت که از آن کتاب انتخابی شود . . . .
لیکن چون دور از کار می‌نماید که ازفائده مجدد خالی باشد تغیری درطرزتدوین
ووضع ابواب کتاب کرده خواهد شد . . . . . که مطالب فن مشار الیه . . . . .
درطی **جیبی** و چهار **حله** و **ذیلی** گذارش پذیرد الخ . »

ونیز درمقدمه و آخر این منتخب تصریح نموده که دراین کتابت چنانکه در
اصل‌حلل‌هم چنین بوده بگفته دیگران ( جز نادراً ) تمثل نجسته و همه مثالهارا
از ابیات خود آورده است .

این کتاب که باانشائی‌لطیف بانجام رسیده درحدود ۵۰۰۰ بیت کتابت دارد .

**آغاز:** بعدازحمد وثنای‌دانائی(۱) که هرچه بنظم سلاسل وجود درآمده نام
هستی یابد معمائی تواند بود الخ .

## اشعار و تذکره ها و دیوانها

### ۸۸۶

**آتشکدهٔ آذر** این نسخه را بسال ۱۲۱۷ محمد علی بن محمد
اسمعیل بخط شکسته نستعلیق نوشته، عناوین
با شنجرف نگارش یافته ، صفحات بجدول بطلا و زنگار میباشد ،
چند برگ آن وصالی گردیده وپشت صفحهٔ نخستین دعائی بخط
نسخ نگاشته شده است .

جلد روغنی گل و بوته دار . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۴۲۰ . صفحه‌ای
۲۱ سطر . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۶۴۴** .

(۱) درص ۴۵۲ ج ۱ کشف الظنون زیر عنوان « حلل‌المطرز » این اندازه
ازآغازاین کتاب باتبدیل کلمهٔ دانائی به « دانای » نقل گردیده و در ص۵۳۵
ج ۲ که «منتخب حلل» را نام‌برده آغازآنراذکرنکرده ومسلماً این آغازنقل‌شده از
منتخب است نه‌ازاصل کتاب(حلل)وحاجی خلیفه‌راجمله‌ای‌ازمقدمه‌باشتباه انداخته است.

# آتشکدهٔ آذر

لطفعلی بیگدلی شاملو متخلص به **آذر** یکی ازشعرای قرن دوازدهم هجری است ، بسال ۱۱۳٤ در اصفهان متولد شده و در فتنه افغان بقم مهاجرت کرده ودرسال ۱۱۹۵ وفات یافته ، آثاریکه ازوی باقیمانده : ۱ - **یوسف زلیخا** است که بخشی ازآنرا درآخرآتشکدهٔ خود گذارده و گویند دوازده هزاربیت است . ۲ - **گنجینة الحق** شامل نصایح و حکایات نظیر گلستان سعدی . ۳ - **دفتر نه آسمان** در شرح حال ومنتخبی از اشعار معاصرین . ٤- دیوان شعر درحدود ده هزاربیت ( خود وی گوید دیوانی درحدود هفتهزاربیت داشتم ودر فتنه افغان بغارت رفت و چندی ناطقه‌ام بشعر گویا نشد ) . ٥ - آتشکدهٔ ( همین کتاب ) است .

آتشکده آذر یکی ازتذکره های مشهور میباشد ومؤلف از اشعار شعرای پیشین ومعاصرخویش انتخابی نموده وپیش ازآن شرح مختصری ازحالات آنهارا نیز نگاشته وتذکره را به دو **مجمر** بدینگونه تقسیم کرده است :

**مجمراول** : در ذکرحالات و اشعار متقدمین مشتمل بر یك **شعله** و سه **اخگر** و یك فرغ .

**شعله** : در ذکر اشعار شاهان وشاهزادگان و امرا که منسوب به ولایتی نیستند . ودر زیرعنوان اخگر اول ودوم وسیم شعرای ایران وتوران وهندوستان را نام برده وهریك ازاخگرهارا بچند **شراره** تقسیم‌نموده . **فرع** : درحالات و مقالات زنان دانشمند است .

**مجمردوم** : دربیان حالات وخیالات معاصرین واین بخش به دو **پرتو** تقسیم شده : ۱ - در اشعار وحالات شعرای معاصر مؤلف . ۲- در شرح حالات و انتخابی از اشعار خود مؤلف است .

این تذکره درحدود ۲۲۰۰۰ بیت میباشد ودوبار بسال ۱۲۷۷ و۱۲۹۹ در بمبئی چاپ شده است (۱) .

**آغاز :**

درطوف حرم دیدم دی مغبچه‌ای میگفت    این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی
فروغ آتشکدهٔ دل و زبانه اخگر زبان سپاس بی‌قیاس قدیمی است الخ .

(۱) این‌شرح بامراجعهٔ به خودآتشکده وانجمن خاقان و ما ص۷۳ ج۲ وپیه ج۱ ص ٤ نگارش یافت .

## ۸۸۸و۸۸۷

**ابکار الخیال** این نسخه شامل دونسخه از کتابست که مسلّماً هردوبخط انشا کننده آنست ، نسخهٔ دوم که از ص ۱۰۳ تا ۲۹۲ میباشد پیش نویس کتابست ودر بسیاری ازابیات آن اصلاحاتی گردیده ونسخه اول پاکنویس نیمه‌ای ازاین نسخه دوم میباشد و پایان آن آخرین بیت ص ۱۹۸ است که تقریباً دوهزار بیت بآخر نسخهٔ دوم میباشد و میان دو نسخه و در آخر برگهائی نوشته است نمونهٔ خط شاعر وشرحی که فرزند ایشان **باباخان** درشرح حال پدر و این مؤلفه در جواب دوست خود آقای نظام الدین خسرو پرویز نوشته اند درص ۱۰۰و۱۰۲ گذارده شد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۱۹۷ .صفحه‌ای ۲۱ بیت . طول ۲۲ ½ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷٦۳** .

### ابکار الخیال

میرزا حبیب الله دنبلی خوئی ازشعرای قرن سیزدهم وچهاردهم آذربایجان میباشد ، بسال ۱۳۱۲ درمشهدمقدس وفات یافته ، دست ارادت بجلال الدّین محمّد مجدالاشراف قطب سلسلهٔ ذهبیه (بسال ۱۳۳۱ وفات یافته) داده ، ومدائح غرّا از ایشان نموده ودرص ۱۰-۳٤ ج۱ « رسالهٔ جلالیه » که بسال ۱۳۲۰ درتبریزچاپ گردیده بخشی ازآنها مندرج ، بعنوان استیفاء نوع دنبلی بشیراز رفته و چندی هم در بوشهر بوده و درآنجا نیز قصائدی انشاء کرده ، در اشعارگاهی تخلص **حبیب** وبیشتر **تنبل مولا** ودراواخر که خدمت مجدالاشراف رسیده وملقب به **لسان الولایه** گردیده **لسان** تخلص میکرده وگاهی تنبل مولا وحبیب یالسان رادریك بیت تخلص (خواهد حبیب تنبل مولا ز فیض رب جانرا اسیر حب تو در سلسلهٔ ذهب ) قرار داده .

ابکارالخیال عبارتست از داستان وافسانه‌ای تاریخی که درتبریز اتفاق افتاده

و پهلوان داستان را **حاجی نظر** نامیده و ظاهرآ راجع بخانوادهٔ سلطنتی و ولیعهد آن عصر (مظفرالدین‌شاه) میباشد ، در اشعار مکرر نامی از **خواجه هدایت** نام برده که آشنا بشعر و شاعری بوده ، بایستی مرادش رضاقلی‌خان هدایت باشد که در آنوقت در تبریز بوده ودر خلال ذکر داستان بمدح و ثنای قطب‌خود پرداخته ودرضمن مثنوی ، غزلیاتی بهمان وزن گنجانیده وظاهرأ داستان را بآخر نرسانده واین بخش که دردست ماست در حدود ۴۰۰۰ بیت میباشدو چنانکه‌از این دو بیت (ص۱۱و۱۲)

قصهٔ کاندرنظر لفظ است وحرف — لیك درمعنی یکی دریای ژرف
نار نظم افزایدش زیب وحلی — چست شد تنبل لسان دنبلی

استفاده میشود این‌داستان صرف خیال وجعل نیست و اشاره بوقایع وقضایائی میباشد .

**آغاز:** بسمله — با صفا مشاط ابکار خیال — پرهنرخراط لولوی مقال

**انجام:** زانکه بهر چارهٔ ماخولیا — هست خود اشنفتن افسانها
حق‌ها شاغل شده بر قیل‌وقال — میشود رفع‌پریشانی‌خیال .

## ۸۸۹

**اشتر نامه** — این‌نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۲۸ نوشته شده ، عناوین‌مطالب باجوهر قرمز نگارش یافته‌است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۹۸. صفحه‌ای ۲۲سطر. طول $\frac{1}{2}$ ۲۱سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۳۷** .

### اشتر نامه حسینی

حاج محمد حسین بن محمدحسن اصولی متولد بسال ۱۱۸٤ ومتوفی بسال ۱۲٤۹ که متخلص به **حسینی**(۱) اند ، ریشهٔ ایشان از قزوین ودر کربلاء متولد و در شیراز بکسب کمالات پرداخته ودرآنجا متوطن وپس‌از پدر خود درشیراز رئیس شریعت وطریقت گردید و ذوالریاستین شد .

---

(۱) شرح حال این‌دانشمند ومطالب این‌صفحه از ص **نق** ج ۲ ص ۱٦۰ و **ما** ج ۲ ۹۵ـ۹۸ ومقدمه آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاستین جانشین ایشان برسه کتاب ازخمسه ایشان و ص ۵۰۹ـ۵۱۰ ج۲ **فهر** نقل گردیده است .

دست ارادت به میرزا ابوالقاسم متخلص به **سکوت** داده واز انفاس ایشان فیض گرفته خمسه‌ای که مشتمل برمطالب عرفانی‌است انشا نموده و کتابهای آن عبارتند از : ۱ ـ اشترنامه . ۲ ـ الهی‌نامه . ۳ ـ مهر و ماه . ۴ ـ وامق وعذرا . ۵ ـ وصف‌الحال‌ودرحدود ۴۰۰۰۰ بیت‌میباشد، نسخهٔ کامل‌ونفیس آن درکتابخانه ملی‌ملك درطهران موجود و کتاب ۱و۳و۴ آن‌بسال ۱۳۲۴ـ۱۳۲۸ در شیراز چاپ گردیده و در **ما** از هریك ازین خمسه چند بیت انتخاب و چاپ شده و درص۵۱۰و۵۱۱ ج ۲ **فهر** آغاز پنج کتاب و مختصرمعرفی از آنها گردیده است.

اثر دیگرحسینی شرحی بفارسی بر دیباچهٔ دفاتر ششگانه مثنوی است که با سه کتاب نام‌برده نیز درشیراز چاپ گردیده ودیوان قصائد وغزلیات او گم شده وقدرت طبع وی ازهمین‌خمسه بخوبی‌آشکار است .

اشترنامه در چهل‌مقاله منظم گردیده ودرحدود ۳۶۲۳ بیت میباشد .

**آغاز :** بسم‌الله الرّحمن الرّحیم قادر غفّار وقدیر و قدیم

**۸۹۰**

**الهی‌نامه‌حسینی** این‌نسخه بخط نسخ بدون تاریخ نوشته شده، چندبرگ ازاول کتاب افتاده ، نویسنده‌ای برصفحهٔ اول کنونی نسخه جمله **بسمه تعالی و به نستعین** نگاشته که نقص آن در نظراول دانسته نشود و نخستین بیت نسخه اینست :

اگررفت کاوش‌چراخررود زرولعل‌وگوهرسراسررود

طرزخط شاهداست که نویسندهٔ آن‌همان‌نویسنده اشترنامه میباشد که بسال ۱۲۳۸ نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری کوچك . شمارهٔ برگها ۱۹۸ . صفحه‌ای ۲۳ سطر . طول $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۵۸ .

## آلهی نامه حسینی

این کتاب نیز از مثنویات **حسینی** است که در ص ۱۴۱ و ۱۴۲ معرفی ایشان شد و در حدود ۹۱۲۵ بیت میباشد، چنانکه در این بیت:

ز تاریخ اگر بایدت یادگار　　بگو شد حسینم بداز القرار (۱)

که در ص ۳۹۵ نسخهٔ بالا میباشد تصریح گردیده بسال ۱۲۲۹ انشاء شده و نیز شامل مطالب عرفانی است.

**آغاز:** بنام خداوند بالا و پست　　که نخور اوبند هشیار و مست.

### ۸۹۱

**الهی نامهٔ سنائی یا منتخب حدیقه**

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۸ محمد صادق ابن حاج سید یوسف مازندرانی نوشته، بر گ نخستین نسخه نونویس میباشد صفحات مجدول به اکلیل ولاجورد و جوهر قرمز، و عناوین نیز باسرخی است.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی الوان. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۳۲. صفحه ای ۱۲ و ۱۳ بیت. طول ۲۰ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ برگها **۱۰۰۳۶**.

## آلهی نامه سنائی = منتخب حدیقه

حکیم سنائی، مجدود بن آدم غزنوی متولد بسال ۴۶۴ ومتوفی بسال ۵۲۰ د (۲) که از مشاهیر شعرا و عرفا میباشد، چنانکه در آغاز این منتخب در مقدمه ایکه نیز بنظم انشاء گردیده (۲۴ بیت) تصریح نموده پیش از این بنا بخواست گروهی از

(۱) کلمه بگو را باید در حساب آورد و گرنه سال ۱۲۰۱ خواهد بود و میدانیم که در اینسال حسینی هنوز بایران نیامده و خدمت میرزای سکوت نرسیده بوده و در این کتاب چون مدائح سکوت بسیار ثبت گردیده، مسلماًپس از ۱۲۰۱ انشاء شده است.

(۲) مندرجات ص ۴۹۳ ج ۲ فهرست سپهسالار تألیف نگارنده دیده شود.

دوستان از کتاب حدیقة‌الحدیقهٔ (۱) خویش انتخابی‌نموده وپس از آن نیزازاین انتخاب ابیاتی بر گزیده واین‌انتخاب دوم موافق‌شمارهٔ اسماءالله ۱۰۰۱ بیت‌میباشد، واین انتخاب دوّم درماه مرداد سال ۵۲۵ بوده وپیش‌ازشروع به ابیات منتخبه چند بیت انشا کرده است

این‌منتخب را بسال ۱۳۱٦ قمری هجری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان بنام جلی «لطیفة‌العرفان» که بسلیقه خود برآن گذارده باقدمهٔ نثری بانشاء ناشر درطهران چاپ گردیده ونسخهٔ آن دراین کتابخانه میباشد .

**آغاز :** حمد وشکر وثنا علی‌الاطلاق ذات حق‌را سزد بالاستحقاق .

## ۸۹۳

## انجمن خاقان

این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون ذکر تاریخ ونام نویسنده نگارش‌یافته ، بخشی از آخر کتاب که شامل تتمه‌ای از شرح حال مؤلف و اشعار او بوده نوشته‌نشده ، پیش‌ازهر انجمن‌نام نامبرده شدگان در آن ، درجدولهائی نگاشته شده ، چند برگ نونوشته در آخر دارد وعناوین باشنجرف‌است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع‌وزیری . شمارهٔ برگها ۳٦۹ . صفحه‌ای ۱٤ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۰۲** .

### انجمن خاقان

این کتاب یکی از تذکره های کاملی است که درزمان فتحعلیشاه قاجار تألیف گردیده ، مؤلف آن محمد گروسی ملقب به فاضل‌خان ومتخلص به **راوی** متولد بسال ۱۱۹۸ ومتوفی بسال ۱۲۵۳ (۲) میباشدکه ازطایفه بایندری ترکمان بوده و در گروس از توابع همدان تولد یافته ، چنانکه خود وی گوید شانزده سال

(۱) در این‌فصل معرفی از این کتاب خواهد شد .

(۲) شرح حال این‌دانشمند ازخاتمهٔ این‌مؤلفه و ج ۹ **صفا** و ج ۲ **ماص** ۱٤۲ نقل گردید ودر ج ۲ یمه وفات وی درحدود سال ۱۲٦۰ تعیین گردیده ولی‌تاریخ بالا در دو کتاب نام برده ثبت شده است .

داشته که پدرش ازدنیا رفته او نیز گروس را ترك گفته وسیاحت شهرهای ایران را بر گزیده وچون بطهران رسیده ملك‌الشعرا(فتحعلیخان صبا) لائق تربیتش دیده ، در پیشگاه پادشاه او را چنین معرفی‌نمود که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و اورا جاحظ عجم توان دانست ودارای استعداد و لیاقت میباشد ، اجازهٔ باریافتن یافت ، مورد لطف ومرحمت گشت وبروایت اشعار اختصاص‌یافت ودرسلك غلامان دربار منسلك گردید ودرحضروسفر ملازم بود ومأمور تکمیل تحصیلات ادبیه گردید :

بسال ۱۲۳۴ بنگارش این تذکره که در حدود ۱۱۰۰۰ بیت کتابت دارد مشغول وبگفتهٔ خود وی در پنج‌ماه بانجام رسانید ، پس‌ازفتحعلیشاه خانه‌نشین‌شد ومحمد شاه ماهیانه‌ای بدو میداد .

مؤلف این‌تذکره را **انجمن‌خاقان** نام نهاده وآنرا در مقدمه‌ای و چهار انجمن وخاتمه بدین تفصیل مرتب نموده است :

**مقدمه** : در شمه‌ای ازآثار پادشاه عصر و معرفی از ایل قاجار .

**انجمن اول** : درشرح حال فتحعلیشاه واجداد او وشمه‌ای‌از اشعار وآثار وی وشمارهٔ کتابهای نفیس‌دربار ایران ودیگرچیزهای گرانبهای‌آن . **انجمن دوم** : درخلاصه افکار واشعار شاهزادگان و بعضی از بزرگان سلسلهٔ قاجاریه ( در این انجمن شرح حال ۱۶ نفر واشعاری از آنها درج گردیده) . **انجمن سوم** : درشرح حال واشعار شعرائیکه بدربار این پادشاه بار یافته‌اند (دراین انجمن ۴۳ نفر را معرّفی وملك الشعرا ( صبا ) را مفصلاً معرّفی کرده است) . **انجمن‌چهارم** : در ذکر شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیك بعصر مؤلف بوده‌اند ( دراین انجمن ۱۱۹ نفر شاعررا معرّفی وبنقل آثاری از آنها پرداخته است ) . **خاتمه** درشرح مختصری ازحالات مؤلف و۲۷ بیت ازآثار او میباشد .

این کتاب تا بحال چاپ نگردیده است .

**آغاز** : بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زبان باد ، نام بدیعی است جلّ شأنه الخ .

۸۹۴

## انیس الاحبا

این نسخه را بسال ۱۲۰۳ سیّد علی نام بخط شکسته نستعلیق نوشته ، سال نگارش را محو کرده‌اند ولی از آثار آن سال نام برده ظاهر میباشد و پشت آخرین صفحه یادداشتهای بچگانه ای گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۹۴ . صفحه‌ای ۱۴ سطر . طول ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۵۹ .

### انیس الاحبّا

شاعری **انیس** تخلص که از اهالی لکنهو بوده ، بنا بر شرحیکه خود وی درمقدمهٔ این کتاب نوشته ، برحسب خواست **رای ستیلاس** تذکره‌ای درشرح حال و آثار شعرای معاصر نظیر **تذکرهٔ حزین** بایستی نگارش دهد و خود وی پیش ازین بدین خیال بوده وبرای اطاعت و فرمانبرداری از امیر نام بردهٔ این‌تذکره را که آنرا «**انیس الاحبا**» نامیده در شرح حال وآثار محمد فاخر **مکین** تخلص ( در همین فصل از ایشان معرّفی خواهد شد ) و شاگردان وی نوشته است .

در کتب سیر و تذکره هائیکه در دست نگارنده میباشد بنام و شرح حالی ازاین **انیس** برنخورده ، از دیباچه این‌تذکره برمیآید که پیش از این تألیف ، انیس‌دیوان خودرا مرتب نموده واز اینکه نام خودرا درآخر شاگردان هندوی مکین ذکرنموده معلوم میشود که مسلمان نبوده ولی دیباچه این‌تذکره را بروش مسلمانان بمدح حضرت خیرالبشرص موشّح نموده واین رویّه راسایرادبای هندو نیز معمول داشته‌اند و بیش از پنجاه سال از عمر اوگذشته بتألیف این تذکره پرداخته و از تاریخ نسخهٔ این کتابخانه و مندرجات تذکره بدست آمد که بسال ۱۲۰۴ تالیف گردیده و نسبت به‌مکین که جوانی دانشمند و شاعری سخن سنج بوده ودرسیر وسلوك قدم میزده ارادت می‌ورزیده واشعاریکه ازخوددرین‌تذکره

گذارده غزلیاتی چند و رباعیاتی است که در اوصاف سر تا پای محبوب انشا نموده است .

این تذکره را بدینگونه تألیف کرده : ۱ ـ **افتتاح** درشرح حال و اشعاری از میرزا عطیا اصفهانی **اکسیر** تخلص که استاد **مکین** بوده . ۲ ـ **فتح الباب** دربیان حالات و کلمات واشعار مکین . ۳ ـ **فصل** دربیان احوال و افکارمستفیدان از آنجناب (۳۱ نفر) که مسلمان بوده‌اند . ٤ ـ **فاصله** درذکر احوال واشعار شاگردانیکه از فرقه هنود (٦ نفراند) بوده‌اند . ۵ ـ **اختتام** شامل احوال واشعار شاگردان مسلمان (۵ نفر) شاگردان مکین . ٦ ـ **حسن خاتمه** در بیان حالات وآثار شاگردان هندوی (٦ نفراند) شاگردان مکین.

این تذکره درحدود ۲۸۰۰ بیت میباشد وچنانکه گفته شد شامل شرح حال وآثار پنجاه نفر از معاصرین شعرای هندی‌در آخر قرن دوازدهم هجری است .

**آغاز :** بسمله ستایش بیحد و نیایش لا تعد سخن‌آفرینی را که بنغمهٔ کاف و نون چندین زمزمهٔ گوناگون برآورده الخ :

## ۸۹۴

## بزم خاقان یا تذکرة السلاطین

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده (ظاهراً درنیمهٔ دوم قرن سیزدهم) ، نویسنده نام خود و سال نگارش را تذکر نداده ، عناوین مطالب باشنجرف نوشته‌شده ، بشرح حال مؤلف خاتمه یافته وابیاتیکه در دیباچه وعده داده که از خود درآخر کتاب خواهد نگاشت نوشته نشده و چندین برگ ننوشته در اوّل وآخر نسخه است :

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی بازیك . شمارهٔ برگها ۴۲ : صفحه‌ای ۱۹ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۳۸۵** .

# بزم خاقان = تذکرة السلاطین

مؤلف این تذکره **سلطان محمد** پسر فتحعلیشاه میباشد که ملقب به **سیف الدوله** و متخلص به **سلطان** بوده ، و چنانکه خود وی در آخر این‌تذکره نوشته در ۲۶ ربیع‌الاول سال ۱۲۲۴ (۱) متولد شده و تاچهار سال در دامان مادر بوده ، پس‌ازآن پدر اورا بحاجی‌محمد حسینخان مروزی ( بانی مدرسه فخریه مشهور به مروی واقعهٔ در طهران است ) سپرده که بتربیت آن قیام نماید چهارسال هم بدین نحو گذرانید و خان مذکور جهانرا بدرود گفته ، پس از این تاریخ حکومت کاشان بوی برگذارشده و در سال ۱۲۴۰ که در اصفهان الوار هرج و مرجی کرده‌اند در رکاب پادشاه بدانجا رفته پس از غلبه بر آنها حکومت آنشهررا یافته وبسال ۱۲۴۵ برحسب خواهش یکی ازدوستان بتألیف این‌تذکره پرداخته است .

از مندرجات ناسخ التواریخ اواخر جلد اول قاجاریه و مجمع‌الفصحا ج ۱ ص ۳۱-۳۴ برمیآید که تا سال ۱۲۵۰ در اصفهان بوده ، پس‌ازآن بطهران آمده وتا سال ۱۲۸۸ در قید حیات بوده و کتاب **ملوك‌الكلام** شامل نظم و نثر فارسی و عربی درعلوم مختلفه و **تحفة‌الحرمین** و **سیف‌الرسائل** از مثنویات اوست .

در دیباچهٔ این‌تذکره تصریح نموده که‌آنرا « **بزم‌خاقان** » نامیده‌ام ولی در مقدمه نسخهٔ کتابخانه مدرسه سپهسالار تصریح بنام «**تذکرة‌السلاطین**» گردیده وترتیب این دونسخه با یکدیگرمختلف به‌ص ۴۷۷-۴۷۹ ج۲ فهرست آنجا مراجعه شود وترتیب این نسخه را در مقدمه چنین معین کرده است :

« ومشتمل گردانیدم‌آنرا بریك بزم وپنج انجمن وآن بزم‌راتقسیم کردم بربیست مجلس ( این بزم‌انیس‌العشاق شرف رامی‌میباشد که عیناً دراینجا گذارده شده) ، **انجمن‌اول** در ذکر بعضی‌از اشعار وشمه‌ای از کیفیت احوال سلاطین پیشین و سلاطین زادگان قدیم . **انجمن دوم** در ذکر اشعار و مختصری از شرح حال ومناقب پادشاه عصر ( پدر مؤلف ) . **انجمن سوم** در اشعار و حالات

---

(۱) درناسخ و **ما** تولد وی بسال۱۲۸۸ و۱۲۷۷ ضبط گردیده ودر کتاب‌اخیر ۱۳۷ بیت از این سلطان نقل گردیده است .

شاهزادگان . **انجمن چهارم** درذکر اشعار وحالات امیرزادگان یا نوادههای پادشاه . **انجمن پنجم** در شرح حالات واشعار مؤلف است» .

این تذکره موافق مندرجات نسخهٔ این کتابخانه در حدود ۲۳۰۰ بیت کتابت دارد .

**آغاز :** حمد و ثنای افزون از حد شکر و سپاس بیرون از عدد پادشاهیرا سزاست که نه صفحهٔ افلاك از دفتر قدرتش الخ .

## ۸۹۵

**بیان محمود** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب (ظاهراً نزدیك بزمان تألیف) نوشته شده ، سرلوح کوچکی دارد ، اطراف دوصفحه اول نسخه تذهیب برگ موی و تمام صفحات مجدول بطلا گردیده ونامهای گویندگان ابیات باشنجرف درحاشیهٔ صفحات نگارش یافته وروی برگیکه پیش ازنخستین برگ کتابست سردار کبیر (جمشید) بسال ۱۳۲۸ نوشته: بمبلغ ده تومان خریداری شد .

جلد روغنی دوروگل وبوته ونرگس . کاغذ ترمه . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۴۳ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول ۱/۲ ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۱ سانتیمتر .

شمارهٔ دفتر **۱۳۶۹۳** .

### بیان محمود

این کتاب را که شامل ابیاتی ازغزلیات شعرای نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری (وکمی پیش ازآن) میباشد **محمودمیرزا** پسرفتحعلیشاه که بسال ۱۲۱۴(۱) متولد شده وتا سال ۱۲۷۱(۲) مسلماً زندگانی مینموده ودرزمان پدرحکومت

(۱) هدایت درتتمه روضة‌الصفاوص ۵٦ ج۱ مجمع‌الفصحابدین‌تاریخ تصریح کرده‌اند.

(۲) این سال تاریخ تألیف ناسخ‌التواریخ (جلد قاجاریه) است وازاینکه سپهر درآنجا زیر معرفی ازاین شاهزاده واینکه ۱۷ پسر و۱۷ دختر داشته گوید : و در اشعار تخلص باسم‌فرماید . استفاده میشود که تا آنزمان زندگانی مینموده ، و در اینتاریخ ۵۷ سال داشته است .

نهاوندرا دارا بوده‌تألیف ودرهنگام تألیف « تذکره محمد شاهی» (۱۲۴۹) بهمن میرزا نوشته که‌دردار الخلافه (طهران) بسرمیبرد . وتذکره‌ای شامل اشعار معاصرین بنام « سفینه محمود » نیز تألیف نموده وقدرت براننشاء نظم و نثر وی ازدیباچه این کتاب ( بیان محمود) واشعاریکه درآن ازخود نقل‌نموده وقصیده‌ایکه صاحب مجمع‌الفصحا آورده ظاهر و هویداست . محمود میرزا تمام آثار خود را دریك مجلد بنام « مجمع‌محمودی » جمع ونسخهٔ آن‌شامل سفینه محمود ، منتخب‌محمود ، گلشن محمود ، مخزن‌محمود، نقل‌مجلس، سنبلستان، پرورده‌خیال، مقصودجهان، تذکرةالسلاطین، محمودنامه، رساله‌دررؤیا‌صادقه، نصائح‌المسعود، دررالمحمودو **بیان‌محمود** میباشد چون « خرقه محمودی» تألیف وی در کتابخانهٔ ملی ملك موجود است.

بیان محمود جز مقدمه و فهرست شعرای آن شامل درحدود ۳۰۰۰ بیت شعر میباشدکه برحسب ترتیب ردیف‌های‌آنها مرتب بحروف تهجی و بلحاظ حرف اول اشعار نیزمرتب بدین‌ترتیب میباشد وبسال ۱۲٤۰ درنهاوند تألیف گردیده وقطعه‌ای که محمد تقی‌سپهر در بیست بیت درتاریخ‌آن انشاء نموده درآخر کتاب گذارده شده واین مصراع ماده تاریخ اتمام آنست :

**کاین بیان از هر زبان محمود چون جارم کتاب.**

پس از دیباچه قصیده و قطعه‌ای در مدح فتحعلیشاه گذارده شده وپس ازآن فهرست شعرائیکه ازآنها دراین کتاب شعر نقل گردیده بترتیب حروف تهجی موافق تخلص یا اسم‌آنها مرتب گردیده است .

**آغاز:** بیان‌محموددرستایش‌خداوندمعبودسبحان‌التحدیدوالحدودوستایش‌شایان برواجب‌الوجود اقدس‌عن وصف‌التکثر والشهود ازممکن‌محال خواهد بود الخ .

## ۸۹۶

**تحفة‌العراقین** این نسخه را بسال ۱۳٤۲ عمادالکتاب سیفی ابن محمد حسین قزوینی که از خوشنویسان مشهور نیمه اول قرن چهاردهم هجری بود ؛ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته وترجمهٔ لغات‌آن ازکتب لغت وفرهنگهای مشهورنیز بخط همین نویسنده نگارش یافته و دیباچهٔ نثری را ندارد و بقرینه اینکه در حاشیهٔ صفحات تعلیقاتی بامضاء فرهاد میرزا نقل گردیده

معلوم میشود که از روی نسخهٔ متعلق بآن شاهزاده نگاشته شده است .
جلد تیماجی ضربی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۵۲ .
صفحه‌ای ۱۱ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۸۸** .

## تحفة العراقین

این کتاب بوزن مثنوی و از آثار شاعر شهیر قصیده سرا خاقانی شروانی (بدیل بن علی نجّار) متوفی بسال ۵۹۵ ملقب به **حسان العجم** است(۱) و در حدود ۳۲۷۱ بیت در شش مقاله که هریك را بنامی نامیده میباشد .
چنانکه ازقرائن خارجی بدست میآید بسال ۵۵۱ درهنگام سفر مکه معظمه بنظم این کتاب پرداخته و در حقیقت سفرنامه‌ای منظوم میباشد و در آن بمدح جمال‌الدین اصفهانی وزیر پادشاه موصل پرداخته و کتاب را بدو تقدیم داشته، مقدمه‌ای بنثر برآن نگاشته ، و اطلاعاتی سودمند از خانواده و معاصرین خود در این کتاب درج و هریك از مقالات ششگانه را بمدح آفتاب افتتاح نموده ، روح تصوّف خود رادر این مقالات گنجانیده و بسال ۱۸۵۵ در هندوستان چاپ شده است .

گذشته ازین کتاب، مکاتیب نثری(۲) و کتابی بنام «ختم‌الغرائب» (۳) و دیوانی بزرگ (٤) از این شاعر بیادگار مانده است .

(۱) در تاریخ وفات خاقانی اقوال چندیست محققین سال ۵۹۵ را که صاحب نتائج‌الافکار ضبط نموده ترجیح میدهند ونگارنده در ص ۴۶۳-٤٦٦ ج۲ فهر در اطراف این کتاب وشرح حال وآثار مؤلف آن شرحی نگاشته وشرح حال خاقانی در **لب** ج۲ ص۲۲۱، **ثا** ذیل شروان، نفحات، **هم** ص۱۰۵۸-۱۰۷۳ نسخه خطی م - س، ص ۵۰۸ ، **آر** ص ۳۹ **آ۵** ۱۲۹-۱۴۲ ، **جا** ص ۱۵۱، **سخ** ص ج ۲ ص ۴۰۰-۴۰۳ وغیر از اینها مراجعه گردیده است .
(۲) چندین مکتوب یانامه وی در مجموعهٔ شمارهٔ (٦۰۰) کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود و برخی هم در مجله ارمغان چاپ گردیده .
(۳) از این کتاب در ص ۴۰۲-۴۰۳ ج ۲ فهر معرفی کرده‌ام .
(٤) در این فصل از این دیوان معرفی کامل خواهد گردید .

**آغاز مقدمه :** بسمله خیرُ ما اعْتَصَمَ اَلْمَرْءُ بحباله کَلِمَةُ اَلْعَجْزِ لِقُصورِ باله . . . . . . امّا بعد این تحفه تذکره‌ایست بل تبصرهٔ عقلاء عهد ازین مجنون آلهی . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . .

**آغاز** مثنوی : ماییم نظارگان غمناك زین حقّهٔ سبز ومهرهٔ خاك الخ .

## ۸۹۷

**تذکرهٔ اسحق** این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد محسن همدانی بسال ۱۲۱۷ نوشته ، نام شعرا میان دو مصرع ابیات با سرخی نگارش یافته ، برگ اول و دوم نسخه وصّالی شده وبخشی ازابیات برگ نخستین ازمیان رفته ، برصفحهٔ نخستین بنام «جنگ الشعرا» نامیده شده و مسلّماً این تذکره میباشد .

جلد مقوا عطف تیماج . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی نازك . شمارهٔ برگها ۲۰۰ . صفحه‌ای ۲۰ سطر . طول $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۶۹۳** .

### تذکرهٔ اسحق

اسحق بیك متخلص به **عذری** برادر کهتر حاج لطفعلی آذر مؤلف آتشکده میباشد ، دربهبوحهٔ جوانی بسرای جاودانی شتافته ، **صباحی** بیگدلی مصراع : ( **بادادربهشت جاودان اسحق بیگ** ). که سال ۱۱۸۵ را میرساند مطابق تاریخ وفات وی یافته (۱) ، راوی گروسی که پس از برادرش آذر نخستین کس میباشد که نام وآثار وشرح حال اورا در کتاب خود گنجانیده گوید : « گویند آدمی منش ، سلیم النفس ، صبیح الوجه ، کریم الطبع بوده . . . . . وقتی یکی از اصدقای اورا بولایت خود اندر ، ادراك صحبت کردم ، گفتی پرّوز تشبیعش

(۱) شرح حال عذری درآتشکده آذر ص ۴۲۱ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۳۴۵ وانجمن خاقان انجمن چهارم دیده شده است .

که از خاص وعام پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا با حضرت آذرضیق مر قرب معبرداد ، شنیدم که باانین خفیف وحنین حزین اینشعر برادررا همیخواند:

کدامین ماه را یارب درین محمل بود منزل
که محمل میرود از شهرو شهری ازپی محمل.

**عذری** اشعاریکه برادرش از شعرا درتذکره آتشکده نقل نموده بچهار دسته مرتب : ۱ ـ قصائد . ۲ ـ مقطعات . ۳ ـ غزلیات . ٤ ـ رباعیات . و هریك از اینها را موافق ردیف ها بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و نام شاعر وسرایندهٔ هر بیت را در مقابل آن نگاشته و اینتذکره که در حدود ۷۲۰۰ بیت را شاملمیباشد مشهور بنام مرتب کنندهٔ آنست .

**آغاز :** بسمله **عاشق اصفهانی**

تاجر عشقم بکف مایهٔ سودم وفا تاکه شودمشتری تاچه دهد دربها.

## ۸۹۸

**تذکرهٔ ثمر نائینی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، مقدمه و ظاهراً قسمتی از خاتمه را ندارد ، از قرائن داخلی هویداست که در نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری نگارش یافته ، در آغاز نسخه که باب اول کتاب میباشد یك سرلوح موجود و تمام صفحات مجدول بطلاست ، نام ولقب صدراعظم ( نظام‌الدوله که این کتاب بنام وی تألیف شده ) را ازصفحه نخستین ودومین محو کرده اند ، بخشی ازص ۱۳۱و۲٦٦ که اول باب دوّم وخاتمهٔ کتابست برای سرلوح سازی سفید گذارده شده ، درحاشیهٔ بعضی از صفحات مطالبی مختصر نگارش یافته وظاهراً خط مؤلف است .

جلد روغنی دورو گل وبوته دار . کاغذ ترمه. قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱٤٦ . صفحه ای ۱۹ سطر . طول : ۳۰ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۷۴ .

## تذکرهٔ ثمر نائینی

شاعری ثمر تخلص (۱) که پشت نسخهٔ این کتابخانه اصفهانی معرفی گردیده مؤلف این تذکره میباشد ، در کتب متأخرین (تتمه روضة الصفا، ریاض العارفین، طرائق الحقائق ، تذکرهٔ محمد شاهی، شمع انجمن ، نگارستان سخن وغیر ازاینها) نامی ونشانی از آن نیافتم جز در ص ۱۵ بیان محمود ( نسخهٔ خطی این کتابخانه ) که گوید : ثمر اسمش سیدحسن از ولایت نائین است و در انجمن چهارم از انجمن خاقان که گوید : ثمر اسمش سیدحسین ازسادات طباطبای قصبه نائین است ... درالهی وطبیعی تحصیل کرده و بهره برده الخ .

این تذکره شامل شرح حال وآثار مختصری ازشعرای معاصر مؤلف میباشد که بمدح وثنای حاج محمد حسین خان نظام الدوله اصفهانی(۲) پرداخته‌اند و این مرد بزرگ کریم پس از میرزا شفیع صدراعظم مازندرانی (بسال ۱۲۳٤ مرده است ) بصدارت رسیده و مردی خوش‌طینت و با دیانت بوده و بسال ۱۲۳۸ وفات یافته است .

درص ۲۳ نسخه این تذکره درذیل خاوری (حاج معصوم ) گوید : نظام الدوله یك روزی پس از آنکه شاعری مدیحه خویش را درباره وی خواند اظهارداشت که شایسته مدح وثنا حضرت سیدالشهدا علیه السلام میباشد که جان خودرا برای سعادت مافدا کرد وهر کس خواستار احسان من باشد بایستی برثاء آن جگر گوشه رسول ص پردازد . (همین معنی را خاوری بنظم درآورده است) .

ثمر این تذکره را دریك مقدمه و دو باب و خاتمه‌ای ترتیب داده : مقدمه

---

(۱) فقط در ص ۲۸۰ سطر ۱۱ نسخه تخلص ثمر دیده شد ودرخاتمه فقط بسیادت خود افتخار نموده وگوید : احوال و تحسین اقوال خود را موجب خجالت و انفعال نفس و باعث سخافت و اختبال عقل دانسته احتراض نموده و بآنچه در ضمن سبب تألیف مفهوم گردیدا کتفارفت هرچند ازمیامن الطاف ایزدی وفرط مکارم سبحانی اگرازراه نسب سخن رانم فخریه فرزدق راخواندن توانم ... آری وجدّی رسول الله اکرم من مضی الخ .

(۲) در تتمه روضة الصفا ( ج ۹ ) درضمن ذکر امرا ووزرا و صدور شرحی از مکارم اخلاق وصفات و کرم این صدراعظم نگارش یافته است .

در سبب تألیف کتاب و شرح حال شعرای معاصر (۱) . **باب اول** درشعرائیکه بامرصدراعظم مذکورمرثیه ساخته‌اند بترتیب اسامی شعرا بترتیب حروف تهجّی . **باب دوم** در آنهائیکه مدائحی برای صدراعظم ساخته اند و چون درباب اول ازآنها نام برده باشد پس از ذکر تخلص شرح حال او را به باب اول حوالت میدهد . **خاتمه** را مؤلف درمعرفی ازخود و اظهار فضل و قدرت‌نمائی در انشاء نثر و اشعار انشائی‌خویش قرار داده است .

این‌تذکره گذشته ازخود مؤلف شامل شرح حال وآثار چهل نفراز شعرای نیمهٔ اوّل قرن سیزدهم هجری میباشد و این نسخه که مقدمه و شاید بخشی از خاتمه رانیزنداشته‌باشد درحدود (۴۰۰۰) بیت نظم ونثر میباشد .

**آغاز :** ( باب اول) **الفت** اسم شریفش میرزامحمدقلی مردی‌الیف ومهربان وظریف ونکته‌دان وآدمی نیکو فطرت پاکیزه طینت است الخ .

## ۸۹۹

**تذکرهٔ شعراء** این نسخه‌را بسال ۱۲۶۲ بخط شکسته‌نستعلیق، میرزا علی اکبر کنجعلی خانی نوشته ، پیش از شروع بنگارش اصل نسخه در ص ۳و۴ دومجلس صورت دارد که هریك تمام عرض وطول صفحه را فراگرفته وشبیه ۲۸ نفراز شعراکه زیراین‌سطرها نام‌آنها را یاد میکنیم، برآنها کشیده شده ، درص ۱۵ نیز دریك صفحه شبیه حضرت پیغمبراکرم ص در هنگام رفتن بمعراج میباشد ودرص۱۷۴ شبیه همام تبریزی درهنگام نصیحت بجوانی نیکو منظر بمناسبت غزلیکه این بیت مطلع اوست :

---

(۱) درذیل معرفی ازنسخه گفته شدکه مقدمه را ندارد ونسخهٔ دیگری از آنرا هم تاکنون نیافته‌ام ولی ازاینکه در ص۹۴و۱۹۷و۲۴۲ شرح حال شاعر را به مقدمه حواله داده بعضی از مندرجات آن دانسته میشود .

مامیرویم و داده ترا یاد کاردل    مشکل بود حکایت دلز ینهاردل
نیز کشیده شده ، از لحاظ صنعت نقاشی چندان ارزشی این صورت سازیها ندارد وصفحات بجدول وبردو صفحهٔ دراول وچند صفحهٔ درآخر و در میان نسخه پس از تاریخ نام برده بالا اشخاص متعدّدی مطالبی نوشته‌اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲٤٤ . صفحه‌ای ۱۵ سطر درمتن و۱۹ درحاشیه. طول۳۰ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۴۹۰۶ .

## تذکره شعرا

این‌تذکره منتخبی از اشعار شعرائی میباشدکه زیراین‌سطرها نام‌آنهارا یاد مینمائیم ،گردآورنده‌درجائی تصریح یا اشاره‌ای بنام‌خود ننموده، وتقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت از غزلیات و قصائد و رباعیات ۲۷ شاعر استکه بیشترآنها از مشاهیر شعرا و اهل عرفان بوده‌اند .

نام شعرائیکه اشعار آنها در این تذکره نبت شده بترتیب اینست : ۱ـ احمد جامی ص۱ـ۱٦ . ۲ـ عطار ۱٦ . ۳ـ مولوی (منتخب ازدیوان‌شمس) ص۷۱ . ٤ـ سعدی ۱٤۲ . ۵ ـ همام ۱۷٤ . ٦ ـ اوحدی ۱۸۲ . ۷ ـ عراقی ۲۲۲ . ۸ـ امیرحسینی ۲٦۹ . ۹ـ عماد ۲۸٦ . ۱۰ـ حافظ۲۹۸. ۱۱ـ عالم ۳۲٦ . ۱۲ ـ خواجو ۳۳۲ . ۱۳ـ حسن دهلوی ص ۳٤۹ . ۱٤ـ نزاری ص ۳۷۱ . ۱۵ـ سلمان ساوجی ص ۳۷۷ . ۱٦ـ امیرخسرو دهلوی ص۳۹۰ . ۱۷ـ عبید زاکانی ص٤۰۰ . ۱۸ـ جلال‌عضد ص٤۰۳ . ۱۹ ـ ناصر ص ٤۰۹ . ۲۰ ـ زینی ص ٤۲۹ . ۲۱ ـ عصامی ص ٤۳۲ . ۲۲ـ محبی ص ٤۳٦ . ۲۳ـ بساطی ص ٤٤٤ . ۲٤ ـ شاهی ص ٤۵۹ . ۲۵ـ قدیمی‌ص٤۷۳ . ۲٦ـ جدیدی ص٤۷۵ . ۲۷ـ عارفی ص٤۷٦ـ٤۸۲.

در دو مجلس نقاشی که در ابتداء نسخه میباشد یکی از شعرارا بنام «مطالع الشعرا» نامیده ودرفهرستی که ازشعرای این‌مجموعه نیزدراول نسخه میباشد چنین شاعری نام برده شدهٔ ولی در نسخه اشعاری از او نیست و در کتب تذکره وسیَر بدین نام تاکنون برنخورده‌ام ودرپاره‌ای ازصفحات که سفید بوده چون‌ص۱٦و۱٦٦ـ

۱۷۳ و ص ۴۸۳-۴۸۶ اسمعیل‌شاملو ومهدی عراقی ازخود وقاآنی‌وشعرای دیگر ابیاتی براین مجموعه بسالهای ۱۲۹۹و۱۳۰۴ افزوده اند.

۹۰۰

**تذکرهٔ شعرا یا سفینهٔ اشعار**

این نسخه که مندرجات آن زیراین سطر ها نگارش می‌یابد بشهادت طرزنگارش و کاغذ و تذهیب از خطوط اوائل قرن هشتم هجری میباشد، برگ نخستین آن افتاده، درابتداء هربخشی برمربع مستطیلی نام شاعریا دیوانیکه مندرجات ذیل از آنجا انتخاب گردیده نگاشته شده در ص ۵۲ و ۱۱۲ و۱۶۳ و ۴۰۹ برترنجهائی نیز نام شاعریکه بخش انتخاب شده ازاوست نوشته‌شده‌وعناوین‌وپاره‌ای‌ازابیات باشنجرف وخود نسخه بامرکب بخط نسخ نوشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۷۸. صفحه‌ای ۱۸ سطر. طول ۲۹ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۷۲۴**.

## تذکره شعرا = سفینهٔ اشعار

دانشمندیکه مندرجات وطرز نسخهٔ نام بردهٔ بالا ثابت میکند که درقرن هفتم زندگانی مینموده ودر نیمهٔ اول قرن هشتم دراین‌جهان بوده وذوق و سلیقه‌ای شایسته ستایش داشته بجمع وترتیب این‌تذکره ازدیوانهای شعرای معاصرخود و شاعران پیشین پرداخته وابیات منتخبهٔ ازتمام‌اقسام شعرراکه دراین کتاب ثبت نموده درحدود ۸۰۰۰ بیت است.

نام برخی ازشعرائیکه دراین‌تذکره ازآنها ابیاتی نقل گردیده درتذکره ها

یافت نشد ، برای اینکه معرفی بیشتری ازاین سفینه شده باشد فهرست مندرجات آنرا دراینجا میآوریم :

مقدمه بنثر در ص ۱-۸ از جامع ودرآخر آن دو قصیده توحیدی ونعتی و قصیده‌ای در تعریف مجموعه یا سفینه‌ای از کمال اسمعیل آورده است و بسیار مشکل است که کمال‌الدین اسمعیل متوفی ومقتول بسال ۶۳۵ این‌مدیحه‌را راجع به این سفینه که حاوی اشعار همام‌الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۴ ( با ترحیم بر وی) و شعرای دیگریکه در اواخر قرن هفتم زندگانی را بدرود گفته‌اند ، سروده باشد ، انتخابی از اشعار انوری ص ۱۰ ، ازرقی ص۵۳ ، معزّی ص۷۲ مختاری ص ۸٤ ، فردوسی ص۹٤ ، خواجه نصیرالدین طوسی ( اختیارات‌نجوم است و در آغاز آن گوید : ملك الحکما والوزراء . . . فرماید ) ص ۹۸ ، کبود جامه ص۱۰۰ ، تاج‌الدین بهاءالدین جامی ص۱۰۲، عماد الدین نجاشی تخلّص ص۱۰٦ و ص۲۱۹ ( دراین صفحهٔ اخیرشاعررا زیرعنوان سلطان العلما والوزراء . . . . معرفی کرده‌است) ، عبدالواسع جبلی ص۱۰۹ (میان ص۱۰۸ و۱۰۹ ظاهراً یك یا چند برگ افتاده ونخستین بیتیکه از جبلی نقل‌شده بیت سوم یکی ازقصائد اوست) ، خاقانی ص ۱۱۳، جمال‌الدین عبدالرزاق ص۱۳٤ (در ص ۱٤۲و۱٤۳ پس از اینکه سه بیت از جمال الدین نقل گردیده ابیات متفرقه‌ای دراین اواخر نوشته‌اند ) کمال‌الدین اسمعیل ص ۱٤٤ ، ظهیرالدین فاریابی ص۱٦۳، (درص۲۰۲و۲۰۳ نیزدراین اواخر ابیاتی‌نگاشته‌شده‌وبتذکره الحاق کرده‌است)، رشید وطواط ص۲۰٤، شرف‌الدین شفروه ص۲۲۲، مجیرالدین بیلقانی ص۲٤٦، کمال‌الدین کوه‌بای ص۲۵۱، اثیرالدین اخسیکتی ص۲۵۲ ، فلکی شروانی ص۲۵٦، منوچهری ص۲٦۰ ، (در ص ۲٦۵ قصیدهٔ ای بخط شکسته نستعلیق دراین‌اواخرازسلمان‌ساوجی‌نوشته شده‌است )، نظامی گنجوی ص ۲٦٦ ، ( غزلیات وغیره ) ، ناصرخسرو ۲۷۴، ( در ص۲۸۸ نیز ابیاتی دراین اواخر الحاق شده ) اوحدالدین رازی ص۲۸۹ ( بدین‌عنوان در کتب تذکره‌ها کسی‌را نیافتم ، احتمال‌داردکه این شاعر اوحدالدین کرمانی متوفی بسال ٦۳٦ باشد و نویسنده کرمانی را رازی نوشته وبنا در زی بوده و مؤلف آنرا رازی پنداشته واین‌مثنوی که‌درآنجانقل‌شده ، شایدازمصباح‌الارواح‌وی‌انتخاب گردیده باشد و بقرینهٔ بخش بعد بایستی تمام نشده شاعر جهانرا بدرود گفته و خواجه طوسی آنرا اتمام کرده باشد) ، نصیرالدین طوسی ص۲۹۲ (تتمه مقالات وحکایت اوحدی است) ، جلال‌الدین بهاء ولد ص ۲۹۵ ، مفیدالدین اشکانی ص۲۹٦ ،

غراقی ص۳۰۲ ( قصیده وغزل وترجیع و ترکیب‌بند ) ، فریدالدین عطار ص ۳۲۸ ( غزلیات ومثنوی) ، امامی ص ۳٤٦ ، تاج‌الدین اشنوی ص ۳٦۰ ( در عنوان اورا ملك‌الحکما والواعظین رحمه‌الله خوانده) ، سید اشرف ص ۳٦۸، شمس‌الدین طبسی ص۳۸۰ ، افضل‌الدین کاشی ص ۳۹۵ ( نخستین انتخابی که ازوی کرده قصیده‌ای است که درهنگام اتهام مغرضین مر اورا ، انشاء نموده) ، سراج‌الدین قمری ص ٤۰۱ ، کمال‌الدین سیم کش سمرقندی ص٤۰٦ ، شیخ مشرف مصلح السعدی (کذا) ص ٤۰۹ ( ازاین شاعر هم قدس‌الله روحه تعبیر کرده ) ، همام‌الدین تبریزی ص ٤٧٤ ،

درص٤۸۹ تا٥٥٦ که‌آخرنسخه میباشداشعارمتفرقه‌ای ازشعرای متعددمیباشد و نام آنها اینست :

ابوعلی‌سینا ص ٤۸۹و٥۰۹، شوریده ص ٤۸۹، ظهیر فاریابی ص٤۹۰و ٥۱۹ ، انوری ص٤۹۰و٤۹۱و٤۹٤و٥۰۱و٥۰۲و٥۱۷، خاقانی‌ص٤۹۱، معزی ص٤۹۲، ناصرالدین عین‌الملك ص٤۹۲، شهاب‌الدین نسفی ص٤۹٤ ، سعدی ص ٤۹٤و٤۹٦و٤۹۷ ، نجیب‌الدین نقال ص٤۹٦، سعدالدین صاحب دیوان ص٤۹٦ ، خواجه ابراهیم خواجه رشید ص٤۹٦، خوارزمشاه‌ص٤۹٦، محمود سبکتکین ص٤۹۹، ناصرخسرو ص٤۹٦و٥۰۰ ، ودر ص ٥۰۲-٥۰٥ اشعاری زیرعنوان **الفهلویات** بزبان قدیم ایرانی‌است ودر ص٥۰٦-٥۰۹ رباعیاتی زیرعنوان **النیریزیات** بزبان اهالی نیریز فارس‌میباشد ، خواجه‌نصیر طوسی ص ٥۰۹و٥٤٤، فخرالدین کرمانی ص٥۰۹ و ٥۱۰ ، خیام ص ٥۱۰ و٥۱٥ و٥۲۳ و٥٤۲ ، ابی‌سعید ابوالخیر ص ٥۱۰ و٥۱۱ و٥۳٤-٥۳۷ ( این بخش اخیر هم رباعیات است ) ، سیف الدین باخرزی ص ٥۱۱ و٥۱۲، علاءالدنیا صاحب دیوان ص٥۱۲ ، حمیدالدین ص ٥۱٦ ، سوزنی ص ٥۱۸ ، مهستی ص ٥۱۹ و٥۲۰ و٥۲۳ و٥۲٥ و٥۲۸ و٥۳۳ و ٥٤٤ و ٥٥۰ ، عنصری وفرخی وعسجدی وفردوسی ص ٥۲۲ ( دوبیتی که هریك یك مصراع آنرا سروده‌اند ) ، نجم‌الدین ابهری ص ٥۲٤ ، کمال اسمعیل ص ٥۲٦ ، مجیرالدین بیلقانی ص ٥۲٦، مجدالدین همکر ص ٥۲۸، شمس‌الدین نصیر ص ٥۳۷-٥٤۱ ، سراج‌الدین قمری ص ٥٤۱-٥٤۲ ، عایشه مقری ص ٥٤۲ ، کمال‌الدین کوته‌پائی ص٥٤۲، بنت کعب ص٥٤۸-٥٥۰ ،

دراین بخش رباعیات وقطعاتی بدون ذکر گوینده آنها میباشد ودرآخر نسخه نیز فردهائی بدون اینکه گوینده آنها معین شده باشد ثبت گردیده است :

**آغاز** نسخه (برگ نخستین افتاده) ثُمَّ الصَّلٰوةِ عَلَی النَّبیِّ مُحَمَّدٍ وَعَلی عَشیرَتِهِ الْهُداةِ وَ آلِهِ ، درود و آفرین بی پایان برذات شریف و عنصر لطیف پیشوای انبیا و مقتدای اصفیا الخ .

## ۹۰۱

**تذکرهٔ کاظم** این نسخه بسال ۱۲۸۶ و ۱۲۸۷ نوشته شده (در ص ۱۱۹ و حاشیه ص ۱۹۹ و ۲۶۰ تصریح شده) ، نویسنده آن کاظم مؤلف آنست (مندرجات صفحات نام برده مؤیداست)، صفحه آخر ناتمام مانده و شرح حال شعرا باجوهر قرمز نگارش یافته و در حاشیه معانی برخی از واژه ها از برهان قاطع وَ دیگر فرهنگها نگاشته شده و اشاره به مقابله‌شدن دارد ، برخی از برگهادر صحافی جابجاشده و بنام مجموعه‌اشعار در دفاتر ثبت‌شده‌است.

جلدتیماجی . کاغذ فرنگی . قطع‌خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۰۷ . صفحه‌ای ۱۷ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ½ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۰۹۳** .

### تذکرهٔ کاظم

نسخه‌ایکه بالای این سطر خصوصیات آن معرفی گردید، تذکره‌ای‌ازشعرای متأخر ومتقدم ایرانست وگذشته از انتخابی از اشعار آنها مختصری از حالات وممدوحین ومقام شاعر پیش از اشعار او نگارش یافته ، از مندرجات ص۱۹۷- ۱۹۹ آن معلوم میشود که مؤلف معاصر رضاقلیخان هدایت بوده وازاو نام‌برده وگوید دیوان منوچهری دامغانی را او در شیراز پیدا کرده و بسال ۱۲۶۰ منتشرنمود ، در ص۱۱۹ نویسنده نسخه خودرا کاظم وتاریخ نگارش‌را ربیع‌الثانی سال۱۲۸۶ معین نموده ودرحاشیهٔ ص۱۹۹و۲۶۰ تاریخ نگارش را در زنجان در ماه جمادی‌الثانی (کذا) بسال۱۲۸۷ تمیین ودرحاشیهٔ ص۵۰۲ تاریخ نگارش جمادی‌الاول (کذا)سال۱۲۸۷ ثبت گردیده وتمام نسخه بخط کاظم میباشد ،

درمآخذیکه دردست این‌نگارنده میباشد کاظم‌نامی که‌شاعر یامؤلف‌تذکره‌ای باشد یافت نشد ، جز درمقدمه « بیان‌محمود » که گوید : « **کاظم** اصلش‌ازقصبهٔ توسرکان‌است ومقبول‌سخن‌وران» . بنابراین‌وتأیید‌تاریخهای‌مختلف‌نسخه‌ونزدیك بودن زمان نویسنده با این کاظم احتمال قوی می دهم که هر دویکی باشند..

از مراجعهٔ بمندرجات این‌تذکره وتحقیق درحال شعرا وانتخاب اشعارآنها ذوق وقدرت ادبی‌مؤلف‌آشکار وازلباب‌الالباب عوفی‌وچهارمقاله نظامی‌عروضی نقل دارد وتمام نسخه درحدود ۱۰۰۰۰ بیت نظم ونثر در شرح حال و منتخب آثار شعرائیست که بترتیب ذکر ، نام آنها آورده میشود : انوری ، خاقانی ، ازرقی (در ص ۱۸۵و۱۸۶ بشرح حال ازرقی پرداخته ولی جای انتخاب‌اشعار او را سفید گذارده و جز دو بیت او که در ضمن شرح حال‌آورده شده در این تذکره اثری ازو نیست )، عنصری ( در صحافی اشعارعنصری دوبخش گردیده ص ۱۸۹ ـ ۱۹٦ و ۳۲۵ ـ ۳٤۸ ) ، منوچهری ( ابیاتی که از منوچهری در این‌تذکره ثبت شده جزآنست که در دیوان وی میباشد و خود مؤلف بدین‌مطلب در ص ۱۹۷ـ۱۹۹ تفاخر کرده است ) ، رودکی ، مسعود سعد سلمان ، غضائری ، ابوالفرج رونی ، سوزنی ، فرخی ، قطران ، معزّی ، ابوحنیفه اسکافی ، ظهیر فاریابی ، عمعق بخارائی ، عسجدی ، رشید وطواط ، عبدالواسع جبلی ، کمال‌الدین اسمعیل ، لامعی‌جرجانی ، ادیب صابر ، دقیقی ، سلمان‌ساوجی ، ( پس‌ازاین به معرفی مختصری از زنان شاعره پرداخته): عایشهٔ سمرقندی ، عصمت دختر قاضی سمرقند ، عفتی اسفراینی ، لاله خاتون حاکم کرمان ، مطربه ، مهری ، مهستی ، نورجهان بیگم **وزینبی** . (وازمتأخرین) هاتف وصباحی‌رانام‌برده ومعرفی‌ازحکیم‌سنائی ومنتخب‌اشعاراو درآخر گذارده شده اگرچه برخلاف‌نظم وترتیب میباشد ولی پیداست که مؤلف درآخر به‌این کار مشغول بوده وصفحه‌را تمام نکرده از سعادت نگارش محروم‌مانده است .

## ۹۰۲

**تذکرهٔ محمدشاهی** — این نسخه را بخط نستعلیق سلیمان تفریشی در اردبیل بسال ۱۲٤۹ نوشته ، برورقیکه پس از آخرین صفحهٔ نسخه است یادداشت

شده که مؤلف تذکره آنرا بسال ۱۲۵۱ به عباس نامی که خود را بنده درگاه ونویسنده معرفی‌نموده بخشیده اند و یادداشتهای دیگر نیز در این صفحه موجود و در ابتداء صفحهٔ نخستین گل و برگهائی کشیده شده، میان ص۵ - ٦ و۱۷ - ۱۸ برگهائی افتاده و درحاشیهٔ ص ۵۸ دانشمند معاصر آقا سید عبدالرحیم خلخالی راجع به زمان حیات خواجو واشتباه شاهزاده چون دیگران درسال‌مرگ خواجو شرحی نگاشته‌اند.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع‌رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها۲۱٦ . صفحه‌ای ۲۱سطر. طول $\frac{1}{2}$ ۳۲ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۹۹۸** .

**۹۰۳**

**تذکرهٔ محمد شاهی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۵۱ نوشته شده، عناوین واسامی اشخاص باشنجرف میباشد، صفحات بجدول به لاجورد وشنجرف وپشت برگ اول و آخرهریك، یك برگ چسبانیده اند.

جلدمقوائی، عطف وگوشه تیماج وظریف. کاغذ سمرقندی. قطع‌ربعی. شمارهٔ برگها ۲۳٤ . صفحه‌ای ۱۹سطر درمتن و ۲٦درحاشیه. طول ۱۹سانتیمتر. عرض ۱۲سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۸۸۵** .

## تذکرهٔ محمدشاهی

بهمن میرزا (۱) پسر عباس میرزای ولیعهد و برادر محمد شاه قاجار

(۱) ناسخ‌التواریخ ج۱ قاجاریه مراجعهٔ شود.

در زمان زندگانی نائب‌السلطنه عباس میرزا بحکومت اردبیل و سرپرستی آن سامان برقرار وچون شاهزاده‌ای دانشمند بوده در هنگام فراغت و استراحت ازخدمات اجتماعی بجمع وترتیب تذکره‌ای مشتمل برشرح حال ومنتخبی ازاشعار شعرای گذشته ومعاصرین خویش پرداخته وچنانکه ازمطالب مندرجه واین ماده تاریخ تألیف :

(پی سال تاریخ پیر خرد بدریای فکرت بسی غوطه زد
بگفتا «بود گوهر آبدار باسم محمد شه نامدار» )

معلوم میشود بسال ۱۲٤۷ تألیف آن بانجام رسیده و آنرا در زیر عنوان سه‌رشته مرتب نموده است :

**رشته اول** در ذکر شعرای پیشین . **رشته دوم** در اشعار و حالات فتحعلیشاه و شاهزادگان و امرا . **رشته سیم** در شرح حال و آثار شعرای معاصر بترتیب حروف تهجی .

این تذکره دارای نثری لطیف میباشد ونثراً ونظماً درحدود ۱۰۰۰۰ بیت میباشد وتا کنون چاپ نشده است .

**آغاز :** بسمله الحمدلله ربّ العالمین والصّلوة والسّلام علی خیرخلقه محمّد وآله الطّاهرین ، زینت هر کتاب ثنای حضرت رب‌الاربابیست که الخ .

## ۹۰۴

**تذکره ممیز** - این نسخه چنانکه درص۱۳۷ تصریح گردیده بسال ۱۳۰٦ بخط نستعلیق نوشته شده ، از قرائن بدست می‌آید که خط خود مؤلف و نخستین نسخه میباشد ، هشت برگ کاغذ ننوشته درابتداء گذارده شده که دیباچه ومعرّفی از پادشاه وقت بر آنها نگاشته شود ولی توفیق نیافته ، پس از اتمام بخشی از آثار خود (ظاهراً) اسامی پادشاهان عثمانی (ازعثمان بیک غازی تاسلطان مجیدبن سلطان محمود ) باتاریخ تولد وجلوس وسلطنت وعمر هریك یادداشت شده وپس از آن محمد علی کبیر خدیو مصر را نام برده

و کلیه کارکنان لشکری و کشوری او را باحقوق ماهیانهٔ آنها تعیین وپس از آن قصیده‌ای از سرخوش نگارش یافته ونخستین سطر نسخه اینست : خاقان مغفور مبرور فتحعلیشاه قاجار **قصیده** : جان بکف بهر نثار کوی جانان میروم الخ

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع‌خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۱٤ . صفحه‌ای ۱۲ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۰۹۵** .

## تذکره ممیّز

مؤلف این‌تذکره که خصوصیات آن بیان گردید ازخود نامی‌نبرده ، ولی از مندرجات ص ۲۰۹ که گوید : « قریه‌ای در جوار امام زاده بود اورا تعدیل میکردم » ونیز درهمین صفحه گوید : « سالی که بنده مأمور بتعدیل‌نهاوند بودم» معلوم میشود که مقام تعدیل مالیات یا ممیزی داشته و چنانکه از مطالب مندرجهٔ در ص ۱۸٤ معلوم میشود درسال ۱۲۵۰ در تبریز بوده واز ص ۱۱٤ بدست میآید که در سال ۱۲٦۲ در طهران توقف داشته و در ص ۱۱۷ تذکر داده که بسال ۱۲۹۹ موسی‌خان متخلص به سرهنگ را دیدار کرده و از او اشعاری نقل نموده است .

این‌تذکره شامل اسامی وشرح حال مختصری ازشعرای معاصرمؤلف میباشد ودرآخر مختصری ازآثار نثری ونظمی خودرا گذارده وپس از نام اخگر پسر آذر وچند بیت ازو مطالبی متفرقه ازقبیل ترجمهٔ رسالةالطیر شیخ ابوعلی سینا (ص۱۲۸-۱۳۷) و انشائی بی‌نقطه ومراسلاتی نگاشته شده وپس‌ازآن باز نام چند نفر وآثاری ازآنها را ذکر ودرآخر زیرعنوان : **مؤلف این اوراق** آثار نظمی ونثری ازخود آورده و غرائبیکه درمسافرتهای خود مشاهده کرده نقل‌نموده و تمام این‌تذکره که شامل آثاربرخی‌ازشعرای قرن سیزدهم هجری میباشد درحدود ۲۵۰۰ بیت است .

**۹۰۵**

**ثمرنامه هاتفی** این‌نسخه‌را بخط نستعلیق خوب‌دوست‌محمد ابن شاد یوسف خفاجی بسال ۹۵۷ نوشته ،

عناوین مطالب بخط ثلث باطلا نگارش یافته ، سرلوح کوچکی دارد صفحات مجدول میباشد ونسخه نیازمند وصالی است ، ازیادداشتهائی که پشت صفحهٔ اول و آخر میباشد ، بدست می آید که شاهنامه شاه اسمعیل که هاتفی گفته پیش ازسال ۱۲۲۰ بدین نسخه پیوسته بوده ولی اینك از آن خبری نداریم .

جلد تیماجی . کاغذ **متن** خان بالغ **حاشیه** سمرقندی رنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۷۷ . صفحه‌ای ۱۷ سطر . طول ۲۰ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۳** .

## تمر نامه هاتفی

ملا عبدالله متخلص به **هاتفی** متوفی بسال ۹۲۷ (۱) از خویشان (۲) عبدالرحمن جامی شاعر شهیر قرن نهم هجری میباشد . گویند جواب گفتن خمسه نظامی را از جامی اجازه خواست وی پس از امتحان و تشخیص شایستگی بدو اجازه داد و برحسب خواهش هاتفی خمسهٔ اورا بدین بیت که آغاز لیلی و مجنون میباشد جامی افتتاح کرد :

این نامه که خامه کرد بنیاد توقیع قبول روزیش باد ..

هاتفی چهار کتاب ازخمسه را بنظم درآورده وچنانکه ازخاتمهٔ تمرنامه (همین کتاب ) بدست میاید **اول** لیلی ومجنون و **دوم** شیرین‌وخسرو و **سوم** هفت منظر و چهارم تمرنامه (۳) و نگارنده آنچه تفحص نمود بنام و نشانی از کتاب

(۱) **حر** جز ۳ ج ۳ ص ۳۴۶، **سا** ص ۹۴-۹۷، **خو** ص ۵۷۲ ، **تن** ص ۱۵۲-۱۵۳ و **فهر** ج ۲ ص ۵۴۲-۵۴۶ مراجعه گردیده‌است .

(۲) در هفت منظر است :

نیست این دعویم که خویش توأم یا ز یاران پاك کیش توأم .

و برخی بطورقطع خواهرزاده جامیش دانسته‌اند .

(۳) لیلی ومجنون هاتفی بسال ۱۷۸۸ درکلکته وتمرنامه بسال ۱۸۶۹ درلکنهو چاپ گردیده ونسخهٔ خطی آن وهفت منظر در سپهسالار موجود وشیرین‌خسرو خطی دراین کتابخانه زیر شماره ۳۴۲ موجود است .

پنجم وی دست نیافت ، در تحفه سامی آمده که بامر شاه اسمعیل فتوحات او را شروع بنظم نمود ودر حدود یکهزار بیت از آنرا انشا کرد ولی عمر وی بآخر رسید وچند بیت ازاین شاهنامه درآن کتاب موجود است .

از هاتفی جز آثار نام برده دردست نیست ولی خود در تمرنامه بدیگر اقسام شعر خود ( قصائد وغزلیات و غیره ) اشاره نموده و خود را بر تراز خاقانی و امیرخسرو دانسته ( ابیات در اینموضوع در **فهر** نقل گردیده ) و شمارهٔ ابیات چهار کتاب از خمسه هاتفی در حدود ١٠٨٢٢ بیت میباشد و تمرنامه ٤٦٥٦ بیت است .

هاتفی درمقدمه تمرنامه چنین اظهار داشته که چون خواستم نظیر اسکندرنامه انشائی نمایم خوش نداشتم که مانند آن کتاب افسانه پردازی کنم ، یاران رهنمایم(١) شدند که تاریخ امیرتیمور را که شامل وقایع تاریخی است برشتهٔ نظم آورم و بهترین کتاب دراین موضوع را ظفرنامه شرف الدین علی یزدی(٢) یافته وبنظم آن پرداختم .

یکی ازخصوصیات هاتفی دراین چهار کتاب اینست که بمدح وثنای معاصرین نپرداخته و کتاب خودرا تحفه پیش این وآن نفرستاده است .

**آغاز** تمرنامه : بنام خدائی که فکر خرد نیارد که تا کنه او پی برد

## ٩٠٦

**جام جم**

**اوحدی**

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخودوسال نگارش نام نبرده ظاهراً ازخطوط اواخرقرن نهم هجری میباشد ، برگ ٢٧ ازمیان نصف شده وچون برگ ٦٨ و ّصالی شده ، بیشتر

(١) شدم چون زافسانه گفتن خموش هوای سکندر زدل برد هوش



شدند آن حریفان فرخنده رای بسوی تمر نامه ام رهنمای .

(٢) دراین فهرست ازاین کتاب معرّفی خواهد شد .

اوراق‌زرافشان گردیده وپشت صفحهٔ نخستین و بربرگیکه پیش از برگ اوّل و پس‌از برگ آخرنسخه میباشد یادداشتهای نظمی‌ونثری شده وبعضی‌از آنهاهم محوگردیده ، دو صفحهٔ نخستین نسخه مذهّب واوراق مجدول بطلاولاجورد میباشد وعناوین نیز بالاجورد نگاشته شده‌است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی .کاغذ بخارائی . قطع‌ربعی بزرگ . شمارهٔ برگها ۸۲ . صفحه‌ای ۱۵ سطر . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۰۰ .

## جام جم اوحدی

اوحدی مراغی اصفهانی ($\frac{۶۳۲}{۶۷۳}$ - ۷۳۷(۱)) از شعرا و عرفای مشهور قرن هفتم وهشتم هجری میباشد ،**لقبش**را اوحدالدین‌وپدرش چنانکه برسنگ قبر وی نقش گردیده **حسین** نامداشته ،(۲)و نام خود وی‌درتذکره‌هاثبت‌نشده ، در تصوف برطریقه اوحدالدین کرمانی(۳) قدم میزده ودر **دآ** است که‌درابتدا **صافی** تخلص‌داشته‌ولی‌چون به اوحدالدین ارادت یافت**اوحدی** تخلص گردید .

مثنوی جام جم اوحدی شهرتی بسزا یافته و دولتشاه نوشته « یکماه از نظم آن نگذشته مستعدان چهارصد نسخه ازروی‌آن برداشتند » ودرحدود۵۰۰۰ بیت میباشد و بسال ۱۳۰۷ درطهران چاپ گردیده است .

آثاردیگر اوحدی منطق‌العشاق (ده‌نامه) (٤) ودیوان شعرمیباشد که درهمین فصل معرفی خواهند شد .

**آغاز :** بسمله قُل هُوَاللهُ لِمَنْ قَدْ قالَ مَنْ لَهُ اَلْحَمْدُ دائِماً مُتَوال

---

(۱) تولد اوحدی را نگارنده از ابیاتی که درجام‌جم موجود است استفاده نموده به حاشیهٔ ص ٤٨۷ ج ۲ **فهر** مراجعه شود .

(۲) شرح‌حال اوحدی درص۹٤ ج۱ **ما** وص۲۱۰-۲۱۵ **تذ** وص٤۹۶و۵۰۵ ج۱ **کظ** و **هم** و **نس** ومقدمه جام جم چاپی بقلم آقای وحید دستگردی و **دآ** ص۵۵ و **آر** ص ۱۲۳ مراجعه گردیده است .

(۳) حاشیهٔ ص ٤۸۶ ج ۲ **فهر** مراجعه شود .

(٤) در ص ٤۸۷و٤۸۸ ج ۲ **فهر** ازاین کتاب مختصر معرفی شده است .

## ۹۰۷ - ۹۱۲

**جمشیدو خورشید وغیره** این نسخه شامل چند کتاب زیرین میباشد، درمتن وحاشیهٔ بخط نستعلیق نوشته‌شده، در پایان حاشیه آخرین صفحه (۸۰۸) آثار سنهٔ ۱۱۰۰ خوانده میشود ولی طرز خط حکم میکند که نسخه (غیراز سوز وگداز نوعی که خط آن نیز حاکم است که متأخر از اصل نسخه نوشته شده) در اواخر قرن نهم هجری نگارش یافته وپشت آخرین صفحه یادداشتی باین تاریخ (۱۰۵) که ظاهراً ۱۰۰۵ مرادبوده نگاشته شده، عناوین مطالب درهمه جا باطلا نوشته شده ومندرجات متن وحاشیه اینست :

در متن : ۱ - خمسه نظامی ص ۱ - ٦٤٤ - ۲ - روضة الانوار ص ٦٤٥-٦٩۳ (٤٩بیت که درآخر نسخه چاپی میباشد دراین نسخه نیست) - ۳ - جمشید وخورشید ص٦٩٥ - ۷۷۲ - ۴ - فراق نامه ص۷۷۳-۸۰۰ - ۵ - سوزو گداز نوعی خبوشانی ص۸۰۱-۸۰۸ .

- ٦ - درحاشیه تمام این نسخه ازص اول تاآخر خمسه امیرخسرو دهلوی نگارش یافته، حواشی دوورق اول نسخه ازمیان رفته بوده وتصالی گردیده وابیاتی از مطلع الانوار هم که براین دوبرگ بوده نیز از میان رفته ونخستین شعر موجود درحاشیه ص ٤ نسخه اینست :

درتو زبانرا که تواند نهاد      های هوّیت که تواند کشاد

گذشته‌ازاینکه گفته شد ، تذهیب صفحه نخستین و ابیات نوشته شده بر آن نونویس واحتمال‌دارد که‌تاریخ مذکوردرآخر(۱۱۰۰) سال تکمیل‌نواقص نسخه را برساند ، حواشی چند برگ اوّلیه نسخه و صّالی‌شده ، ودرنسخه آثار آبدیدگی‌موجود ، نام هریك از کتاب های خمسه نظامی ودیگر کتابها که درمتن نسخه میباشد برمربع مستطیلی که تذهیب گردیده ونام کتابهای‌خمسه امیرخسرودهلوی که درحواشی‌واقع‌شده برلوزی مذهب‌باطلانگارش یافته وتمام‌صفحات بجدول بطلا ولاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت‌آبادی. قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٤۰٤ . صفحه‌ای ٤۲بیت درمتن ۲۲درحاشیه ، طول ۲٥سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۲۴** .

## جمشید و خورشید

سلمان‌ساوجی(۱)ملقب به جمال‌الدین‌ومتخلّص به **سلمان** پسر علاء‌الدین‌محمد ساوجی ، ازشعرای مشهورقرن هشتم هجری‌است . بسال٦۹۲(۲) متولّد شده و بسال ۷۷۹(۳) وفات یافته و تربیت شده دربار ایلکانیان ومدّاح آنهاست . علاء‌الدوله سمنانی عارف مشهور (٦٥۹-۷۳٦)(٤) سلمانرا بدین عبارت که در **تذ** نقل‌گردید ، مدح نموده : « همچون انار سمنان وشعرسلمان در هیچ‌جا

(۱) شرح حال‌این شاعردر**تذ** ص ۲٥۸-۲٦۳، **هم** ص۸۱۷-۸۲۰ ، **من** ص٥۲۳-٥۲٥، **آ**رص۲۲۳-۲۲٦ **ومل** ج۲ ص۱۹-۲۰ نگارش‌یافته ومراجعه شدهٔ است .

(۲) در فراق نامه شصت و یکسالگی خود را تصریح نموده بنا براین و تعیین تاریخ انشاء « جمشید و خورشید » تولد وی در این‌سال بوده است .

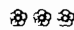
(۳) به ص٥٥۲-٥٥۳ **تل**وص٦۰٦-٦۰۸ ج۲فهرست سپهسالارمراجعه شود.

(٤) به ص ٥۰۹ **تل** مراجعه شود .

نیست » . بنابراین معلوم میشود که پیش از سال ۷۳۶ سلمان شاعری مشهور بوده واشعار اورواج داشته ، در آثار او مدائح سلاطین ایلکانی بویژه سلطان اویس وپدرش شیخ حسن ومادرش دلشاد خاتون وفرزندش سلطان حسین و امراء آنعصر موجود ، و دیوان قصائد و غزلیات ومقطعات و رباعیات و ترکیب بند وترجیع بند وی که حاکی از قدرت طبع وعظمت شاعرمیباشد درهمین مفصل معرفی خواهد شد و دو مثنوی نیز از این شاعر بیادگار مانده یکی « جمشید و خورشید » ودیگری « فراق نامه » است که اینك یکی را معرفی ودیگری را پس از این درهمین فصل خواهیم شناساند .

سلمان در اوائل « جمشید و خورشید » زیرعنوان سبب نظم کتاب گوید :

مرا یك روز شاهنشاه عالم چراغ دودمان نسل آدم



مرا گفت ای سخن گوی گهر سنج چو پنهان کردهٔ در کنج دل گنج
کهن شد قصهٔ فرهاد و خسرو بر آور خسروانه نقشی از نو
نماند آن شورش حلوای شیرین بیارامید جوش ویس ورامین
بیارا شاهد عذرا و لایق که رفت آب رخ عذرا و وامق
درین قرابهای سبز زرکار نظامی را سیه شد در شهوار
رواجی نیست آن سیم کهن را بنام سکهٔ نو زن سخن را
چو پروین نظم کن زیبنده شعری سخن را پایه بر بر اوج شعری
مرصع ساز تاج ذکر **جمشید** منور کن چراغ حسن **خورشید**

ودرآخر کتاب قطعه‌ای در تاریخ انشاء آن(۱) و اینکه آنرا بشاه‌اویس تقدیم نموده گذارده است وبعقیدهٔ این نگارنده انشاء این کتاب پس از « فراق نامه » میباشد و برهان های زیرین را براین ادعا دارم :

(۱) در نسخه این کتابخانه نویسنده سال انشاء را بغلط « ثلث و ثلثین و سبعمائه » نوشته ولی مسلماً غلط است چرا که سلطان اویس که بنام وخواست وی این کتاب انشاء گردیده ودر اوائل نسخه وقطعهٔ آخر بدان تصریح گردیده بسال ۷۳۹ متولد شده وازسال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت کرده وآقای اقبال انشاء آنرا بسال ۷۶۳ ضبط کرده‌اند بنابراین نویسنده ستین را ثلثین نوشته ونام کتاب را برصفحه مستطیلی که درآغاز آنست با طلا « خورشید وجمشید » بعکس نام اصلی ضبط کرده‌اند واز اشعار خود کتاب چنانکه درصفحهٔ پیشین نقل گردید « جمشید وخورشید » است نه « خورشیدوجمشید » و در **کشف الظنون** این کتاب نام برده نشده است .

در فراق نامه (ص۷۷٦) گوید :

بسی نعمت از دولتش خورده ام . بنانش چهل سال پرورده ام .

و در جمشید و خورشید (ص۷۰۰) گوید :

ادای حق پنجه سال نعمت اگرداری هوس دریاب فرصت .

و نیز در فراق‌نامه (ص۷۷۷) گوید :

شبی بنده را شاه پیروز بخت طلب کرد و بنشاند در پای تخت .

ودر جمشید وخورشید (ص٦۹۹) گوید :

فرستاد وبخلوت پیش خود خواند بعادت نزد تخت خویش بنشاند .

جمشیدرا پسر پادشاه چین وخورشیدرا دختر رومی ودلال محبت را **مهراب** تاجر معرفی نموده و در میان مباحث بمناسبت غزلیاتی از زبان عاشق و معشوق در کتاب گذارده ودر پاره‌ای از جاها قطعه‌هائی نیز گنجانیده شده است .

این مثنوی با شمارهٔ دقیق ۱۳۸۸ بیت میباشد و در بحر خسرو شیرین نظامی است .

**آغاز :** الهی پردهٔ پندار بگشای در گنجینهٔ اسرار بنمای .

## ۹۱۳

**جنات الوصال** این نسخه که شامل هفت مجلد میباشد ، بخط نستعلیق علی بن ابی طالب بسال ۱۲۵۹ نوشته شده ، پشت صفحهٔ اول و آخر یادداشتهائی بنثر و نظم گردیده و ابیات کتاب در متن وحاشیه نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۹۲. صفحه ای ۲۰ بیت در متن و ۱۵ در حاشیه. طول ۳۰ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۴۰** .

### جنات الوصال

نورعلیشاه ( محمدعلی بن میرزاعبدالحسین بن محمدعلی رقّی طبسی متوفی بسال ۱۲۱۲[1] ) از عرفای مشهور قرن دوازدهم و سیزدهم هجری و از مشاهیر

(۱) **طق** ج ۳ ص ۸۹ و۹۲ و ۱۲۰ و **فهر مج** ص ۲۱٦ و **فهر** ج ۲ ص۴۸۹ - ۴۹۲ . مراجعه گردیده است .

سلسلهٔ نعمت‌اللّهی وطبع وقّاد وی در انشاء نظم و نثر بسی توانا بوده ، پدرش ملقب به **فیضعلیشاه** و جدش امام‌جمعهٔ تون ( فردوس کنونی ) از شهرهای خراسان بوده ، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده و نورعلیشاه در اینجا از مادر متولد شد ، در **طق** مذکور است که پدر فرزند را پس از سن بلوغ وا کمال فنون وعلوم بشرف حضوررسیّد (مرادش سیدمعصوم علیشاه‌است) مشرف ساخت ودرمقام طریقت پدر وپسر برادر و همقدم شدند .

والد و مولود گشته در طریق یکدگررا هم برادر هم رفیق .

نورعلیشاه درطریقت صاحب‌مقام شد وترقی بینهایت کرد ، درهرشهر و دیار که قدم میگذاشت هنگامه‌ها برمیخواست ، گروهی براو و جمعی برای او قیام مینمودند ، چندی در دارالسّلام بغداد متوطن ودرآنجا بنظم این کتاب مشغول بود ودرآخرمجلد دوم تصریح نموده که درآنشهربآخررسید ، ازآنجا هم‌مهاجرت کرد و در موصل بسال۱۲۱۲ که مطابق کلمه **غریب** میباشد وفات یافته و در نزدیکی قبر حضرت یونس پیغمبرع بخاك سپرده شد ،

آثار نورعلیشاه عبارت است از جامع‌الاسرار ( نظیر گلستان‌سعدی‌است )، تفسیر سوره بقره بنظم فارسی ، رساله در اصول وفروع ، روضةالشهدا ( بنظم در احوال حضرت سیدالشهدا ع ) ترجمه و شرح خطبةالبیان ، رساله در پند و موعظه ، نظم کبری (درمنطق ) ، مشکوةالنجاة ، جنات‌الوصال‌وغیرازاینهاست.

نورعلیشاه بناداشته که جنات‌الوصال رابشمارهٔ درهای‌بهشت‌درهشت‌مجلّدتألیف نماید ولی‌مسلّماً جلد سوم را بانجام نرسانده اجل طومارعمرش‌رابآخررسانیده و برحسب‌احتمال‌قوی‌نگارنده ۴۳۰ بیت ازمجلد سوم کنونی(۱) ازنورعلیشاه‌است.

رونق‌علیشاه‌که از خلفای ایشان بوده و بسال ۱۲۲۵ وفات یافته باتمام آن همت‌گماشت ولی ایشان نیز این توفیق‌را نیافته وجز تکمیل‌ج۳ و انشاء ج۴ و بخشی از پنجم را موفق نگشت ، احمد بن حاج عبد الواحد کرمانی ملقب به **نظامعلیشاه** که ازخلفای **مجذوب علیشاه** بوده وبسال ۱۲۴۰ یا۱۲۴۲ وفات یافته مجلد پنجم را تمام ودو مجلّد دیگر برآن افزوده ومجلّد ششم درترجمه وشرح مصباح‌الشریعه میباشد و تمام مجلدات این کتاب مشتمل برمطالب عرفانی و اخلاقی‌است(۲) وتا کنون چاپ نگردیده و این نسخه که شامل تمام مجلدات هفتگانه میباشد درحدود ۲۷۰۰۰ بیت شعر است .

(۱) در یکی از مجموعات‌این کتابخانه نسخه‌ای از جنات‌الوصال‌که فقط شامل انشاء نورعلیشاه میباشد موجوداست . (۲) درمتن وحواشی‌ص۴۸۹-۴۹۲ ج ۲ **فهر** تحقیقات بیشتری راجع‌باین کتاب ومؤلفین آن نگارش یافته است .

**آغاز:** بسم الله الرحمن الرحیم افتتاح کنز اسماء عظیم .

## ۹۱۴

**حاشیهٔ نفحات الانس** این نسخه را بخط نستعلیق، حسن بن ایوب خان بسال ۱۰۳۶ بنام زینل بیگ بن زکریای عباسی نوشته واز القاب نگارش یافته بدست می آید که ازامراء آنعصر بوده ونویسنده او را افتخار آل عباس خوانده و درص ۲۸۳ مهر اسم وی که بدین سجع : «عبده زینل بن زکریای عباسی ۱۰۲۹ ه.» میباشد ، دیده میشود ، بخشی از برگها آثار آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده وعناوین را باشنجرف نوشته اند.

جلد میشن . کاغذ کاهی رنگی . قطع خشتی بزرگ . شمارهٔ برگها ۱۷۶ . صفحه‌ای ۱۷ سطر . طول $\frac{1}{2}$ ۲۵ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۶۷۸** .

### حاشیهٔ نفحات الانس

ملا عبد الغفور لاری ملقب به رضی‌الدین متوفی بسال ۹۱۲ (۱) شاگرد عبدالرحمن جامی بوده و حاشیهٔ او بر شرح جامی(۲) از حواشی مشهور آن کتابست و از دانشمندان مشهور و متصوفه نقشبندیه است بر حسب خواست ضیاءالدین یوسف فرزند جامی ( فوائد الضیائیه (۳) = شرح جامی بر کافیه را

---

(۱) در ص ٤٨ ج ۲ طق مختصر معرفی از این دانشمند گردیده و گویند این قطعه را در تاریخ وفاتش گفته اند :

چو شد عبدالغفور آن کامل عصر — بعقبی غرقـهٔ دریای غفران
سرآمد روزگار دین و دانش — فرو رفت آفتاب علم و عرفان
چوخواهی روز وماه وسال وفوتش — بگو «یکشنبهٔ پنجم زشعبان» = ۹۱۲.

(۲) در ص ۳۲۳ و ۳۲٤ ج ۲ فهر این‌حاشیه معرفی گردیده .

(۳) در ص ۳۵۷-۳۵۹ ج ۲ فهر این کتاب معرفی شده است .

جامی برای استفادهٔ وی وبنام او تألیف نموده ) این‌حاشیه را درتوضیح وشرح مطالب مشکاهٔ نفحات‌الانس(۱) نگاشته وچون درآن کتاب شرح حالی‌ازجامی نبود درخاتمهٔ آن‌شرح حال مفصلی‌ازایشان نگاشته وآنرا «تکمله‌نفحات‌الانس» نامیده وتمام این‌حاشیه درحدود ۷۰۰۰ بیت میباشد .

**آغاز :** سپاس و ستایش خدائی را که آئینهٔ دل دوستان خود را جلوه‌گاه جمال ذات کریم خودگردانید الخ .

## ۹۱۵

## حدائق‌الادباء

این‌نسخه یکی‌از حدیقه‌های « حدائق‌الادباء» میباشد که مشتمل‌برشرح‌حال‌واشعارومنشآت عربی شعرای ایرانی است ، پاره‌ای از بخشهای کتاب ناقص و ظاهراً نگارنده‌آن خود مؤلف وبخط شکسته نستعلیق‌خوب‌است،اشعار و منشآت آن بخط نسخ‌خوب میباشد ، پشت صفحهٔ نخستین و بر کنار برگ آخر وجاهای‌دیگرنسخه‌یادداشتها ومطالب‌متفرقه ای‌نگارش یافته است .

جلد تیماجی .کاغذ فرنگی . قطع‌ربعی‌بزرگ . شمارهٔ برگها ۳۲۲ . صفحه‌ای ۱۹سطر . طول ۱۹سانتیمتر . عرض ۱۱سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۴۳** .

### حدائق‌الادباء

این‌کتاب یکی از مؤلفات **عبدالرزاق‌بن‌نجفقلی دنبلی** متولد بسال ۱۱۷۶ ومتوفی بسال۱۲٤۳میباشد وتخلص وی **مفتون** بوده و دردانشمندان زیر این‌نام معرفی گردیده است .

(۱) ص۶۰۸و۶۰۹ ج ۲ **کشف** دیده شود .

از سال ۱۱۸٦ تا۱۱۹۹ (۱) بعنوان گروی، پدر اورا بشیراز فرستاده ودر آنجا تحت نظر کریمخان وکیل و جانشینان او بود و پس از انقراض آنها آغامحمدخان او ودیگر محبوسین را اجازه برگشتن بشهرهای خود داده است، مؤلفات دیگر مفتون که درد آ معرفی شده اینهاست: حدائق الجنان، تجربة الاحرار، روضة الاحباب، حقائق الانوار، نگارستان دارا، مآثر سلطانیه (درتبریز بسال ۱۲٤۱ که تألیف شده چاپ گردیده)، ترجمه سیاحت نامه اروپائی در هنگام انقراض صفویه (عبرت‌نامه) که ترکی آن در اسلامبول و فارسی آن در منتظم ناصری چاپ شده است، جامع‌خاقانی، شرح مشاعر آخوند ملاصدرا، نازونیاز (مثنوی)، همایون نامه (مثنوی)، ریاض الجنه، دیوان غزلیات و قصائد و حدائق الادباء.

در ص ۳۰۰ د آ گوید:

«حدائق الادباء پارسی‌است مشتمل بر ۲۳ حدیقه متضمن منشآت ومطارحات شعرای عرب وعجم وفصاحت وبلاغت اقوال آنان وسیاست ملوك وآداب‌وزراء و اصول‌دین و اخلاق وتواریخ ولغات و غیر از اینها که مؤلف آنرا در تاریخ ۱۲۳۲ بنام عباس‌میرزا نائب‌السلطنه تألیف کرده است ونسخهٔ از آن‌در کتابخانه ثقة‌الاسلام مرحوم دیده‌ام».

نسخهٔ زیرین مسلماً بخشی از **حدائق الادباء** میباشد ودرسطر ۸ ص ۱ نسخه است: «درآنمقام اشارت رفته بودکه یك حدیقهٔ این کتاب را بترتیب حروف تهجی درحالات اهل دهاوحجی ومنشیان و شاعران سحرنما ترتیب دهم الخ» ودر ص ۹ سطر ۱۰ گوید: «سید رضی رضی‌الله‌عنه برای او مراثی گفت ودر **حدیقه مراثی** مذکور است». ودر ص ۸۷ حرکت خودرا ازشیراز بسال ۱۱۹۹ بطرف وطن اصلی‌تبریز وملاقات‌**سحاب** پسرسید احمد **هاتف** را در کاشان تذکرداده‌ودر ص ۳۱ سطر ۳ مطالبی رابه **حدیقهٔدربی ثباتی دنیا** حواله داده است.

چنانکه دانستیم این‌حدیقه در شرح حال و اشعار و منشآت عربی دانشمندان ایرانی وغیر ایرانی تألیف گردیده وجز درچند مورد (ص ۰ ۰ ۱، ۲۳٦، ۲۳۷) که بمناسبت ابیاتی فارسی آورده شده شامل ابیات وآثار عربی دانشمندان مذکور

(۱) ص ۳۰۳-۳۰۷ د آ وتذکره محمد شاهی مراجعه شده است.

است واین حدیقه شامل اسامی وشرح حال دانشمندان بترتیب اسامی یا کنیه‌های ایشان بترتیب حروف تهجّی میباشد ونسخهٔ زیرین درحدود ۱۲۰۰۰ بیت کتابت دارد ودر ص ٥٦٤ مؤلف از خود دو بیت فارسی گذارده است.

**آغاز :** بسمله منشی ومخترع اعیان ممکنات ذات کامل الصفات منشیانرا مظهر عجائب فصاحت ساخت الخ .

## ۹۱۶

**حدیقهٔ سنائی (حدیقة الحقیقه)** این نسخه بخط نستعلیق خوب بدون ذکر تاریخ و نام نویسنده نگارش یافته ، ظاهراً ازخطوط قرن نهم هجری میباشد ، اطراف دو صفحه نخستین که هر یك شامل هفت بیت از دیباچه میباشد تذهیب گردیده ومیان سطرها هم طلا اندازی شده و صفحات بجدول بطلا ولاجورد وغیره است ، درحاشیه ثلث اول نسخه ابیاتیکه ازقلم نویسنده افتاده ویا درنسخ دیگر بوده ، نوشته شده (شاید درقرن دوازدهم)، دیباچه‌ای که این نسخه شامل میباشد جز آنست که علی بن محمدالرفا نوشته وحدیقه چاپی آنرا دربردارد وطرز سخن ونگارش حکم میکند که انشائی خود سنائی است ، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی بوده برخی ازآنهارا محو کرده‌اند ویکی از آنها از ابوالحسن نام وبسال ۱۱٤٦ میباشد .

جلد تیماجی ضربی دور گرفته . کاغذ بخارائی. قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱٦۳ . صفحه‌ای ۱٥ بیت در متن ۱٥ در حاشیه . طول ۲٥ سانتیمتر . عرض $16\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۱۰ .

۹۱۷

**حدیقهٔ سنائی (حدیقةالحقیقه)**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۲۵ در هراة نوشته شده ، سه سرلوح زیبا در ص ۱ و ۲۰۰ و ۵۲۶ دارد، درابتداء ابواب وعناوین بر مربع های مستطیل مذهبی که‌ازطلا پوشیده شده باسفیدآب بابهاو موضوعات مطالب مندرجهٔ زیر آنها،نگارش یافته، ص ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ که در آخر نسخه‌اند تذهیب ونقاشی ظریفی شده ، تمام صفحات جدول کشی بطلا و لاجورد و شنجرف و غیره شده دیباچه ای ندارد و به نخستین بیت کتاب شروع گردیده واز یادداشتهای پشت صفحهٔ اوّل برخی محو گردیده است .

جلد تخوبی‌سوخته مه‌ّق دورو ( ترنج وسط ظرف خارج جلد افتاده و ظرف داخل‌هم اللکی ریختگی‌دارد ) . کاغذ سمرقندی ؛ قطع‌وزیری ؛ شمارهٔ برگها ۳۵۸ . صفحه‌ای ۱۴ بیت ؛ طول ۲۵ سانتیمتر، عرض $\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۸۳۲۴ .

## حدیقهٔ سنائی =

## حدیقة الحقیقه و شریعةالطریقه = فخری نامه

حدیقه سنائی از مشاهیر مثنویهای عرفانی میباشد و دانشمندان آنرا بنام «حدیقةالحقیقه و شریعةالطریقه» ثبت کرده‌اند و در کشف درحرف فاء بنام «فخری نامه» نیز ثبت ومعرّفی گردیده‌مونشئی وناظم آن استاد مجدودبن آدم سنائی غزنوی است که در ص ۱۴۳-۱۴۴ مختصر معرفی از ایشان گردید ،

**سنائی** چنانکه خود تصریح نموده این کتاب را درآذرماه سال۵۲۴ شروع ودر دیماه ۵۲۵ بأنجام رسانیده وآنرا در ده باب مرتب کرده ومشتمل برمطالب عرفانی و دینی است ، بعقیده اینگارنده نظر باینکه در این کتاب ارادت خود را نسبت باهل بیت حضرت پیغمبرص صریحاً اظهار وتشیع خودرا تلویحاً درآن مندرج ساخته ، رقبای وی با او مخالفت کرده ومندرجات این کتاب را بهانه کرده وتکفیرش کرده‌اند ، چون پادشاه عصر با وی مخالفت نداشته راضی شده که از شیخ برهان الدین غزنوی معروف به **بریان** که در آنعصر در بغداد شیخ‌الاسلام و مرجع کل بوده دراین موضوع استفتا کردد ، سنائی با **بریان** دوستی داشته عریضه‌ای منظوم که در آخر حدیقه گذارده شده بایشان نوشته و موضوع را علنی کرده ودرآنجاست :

بنده را مدح مصطفاست غذی　　جان من باد جانش را بفدی
آل او را بجان خریدارم　　وز بدی خواه آل بیزارم
توکه بر دین و شرع برهانی　　بسر تو که جمله برخوانی
گر بدست این‌عقیده و مذهب　　هم بران بد بداریم یارب
من ز بهر خود این گزیدستم　　کاندرین ره نجات دیدستم .

چنانکه محمد بن علی الرّقّادرمقدمه‌این کتاب تصریح نموده سنائی درروز یکشنبه ۱۱ شعبان سال۵۲۵ وفات یافته در همان مرض مرگ دیباچه ای برای حدیقه انشاء نموده وابوالفتح فضل‌الله بن طاهرحسینی آنرا املا کرده است .

سنائی تصریح نموده که این کتاب ده باب وده هزار بیت است وفهرست مندرجات ابواب‌را خود بنظم کشیده ودردیباچهٔ نخستین‌نسخهٔ این‌فهرست موجود ودر ص ۴۹۶-۴۹۷ ج ۲ **فهر** آنها را نقل وخلاصهٔ آن اینست :

باب اول در تحمید . **۲** - در ثناء ونعت رسول ص . **۳** - در عقل . **۴** - در علم . **۵** - در عشق . **۶** - در غفلت و فراموشی . **۷** - درحال دشمن و دوست . **۸** - در افلاک . **۹** - در مدح پادشاه‌عصربهرامشاه . **باب دهم** درمعرفی‌ازاین کتاب .

تنظیم ابواب وموضوعات آنها در دونسخه خطی این کتابخانه ونسخ خطی دیگر کتابخانها ونسخه چاپی مختلف ودرص۴۹۷-۴۹۸ ج۲ **فهر** تطبیق چندین

نسخه خطی با چاپی‌شده و اختلاف آنها ثبت گردیده است .

تمام حدیقه با دیباچه محمد بن علی الرّفا بسال ۱۲۷۵ در بمبئی و باب اول آن با ترجمهٔ انگلیسی آن بقلم Mєgor. G. Stephopson در کلکته چاپ شده وچنانکه در ص ۱۴۴ گفته شد خود سنائی دو انتخاب از این کتاب کرده است .

**آغاز** دیباچهٔ نسخهٔ این کتابخانه : سپاس وستایش آن خدائی را که بخدائی سزاوارست الخ .

**آغاز** کتاب :

ای درون پرور برون آرای ای خرد بخش بی‌خرد بخشای

## ۹۱۸

**خردنامهٔ اسکندری** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، بشهادت طرز خط و تذهیب یك صفحه موجود آن دراوائل قرن دهم هجری نگارش یافته، برگ نخستین که شامل سه بیت اول کتاب بوده و اطراف آن چون اطراف نخستین صفحهٔ کنونی مذّهب بوده برداشته اند ومیانه برگ اول ودوّم کنونی برگهائی که تقریباً شامل ۸۰ بیت بوده جابجا شده وبرگ آخر که نیز شامل ۵ بیت بوده افتاده است .

تمام برگها متن و حاشیه میباشد و حواشی ببشتر آنها بطرزی مخصوص گل وبوته وحیوانات نقش گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خانبالغ حاشیه بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۲۰ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۲۴ سانتیمتر . عرض ۱۶ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۲۱ .

# خردنامهٔ اسکندری

نورالدین عبدالرحمن بن احمد مشهور به **جامی** (۸۱۷-۸۹۸) (۱) از مشاهیر و عرفا و شعرای قرن نهم هجری بوده و در علوم ادبیه و فقه و عرفان کتابها پرداخته و از آنها شرح کافیه (فوائد الضیائیه)، شرح فصوص الحکم، نفحات الانس، اشعة اللمعات، شرح تائیه ابن فارض، لوائح، بهارستان، الدرة الفاخره فی تحقیق مذهب الصوفیه و غیر از اینهاست.

جامی درمقابل خمسه نظامی بسرودن مثنوی پرداخته و هفت کتاب ساخته که به «هفت اورنگ» یا «سبعه جامی» مشهور گردیده و ترتیب نظم پنج کتاب آنرا خود وی در خردنامه چنین سروده:

| | |
|---|---|
| ز لب تحفه آوردم احرار را | بکف سبحه بسپردم ابرار را |
| وزان پس چو کلک تصرف زدم | رقم بر زلیخا و یوسف زدم |
| چو طفلان زنی چون فرس ساختم | بلیلی و مجنون فرس ساختم |
| چو زین چار شد طبع من کامیاب | کنون آورم رو به پنجم کتاب |
| بیك سلك خواهم چو گوهر کشید | خردنامه ها کز سکندر رسید |
| خردنامه زان اختیار منست | که افسانه خوانی نه کار منست |
| ز اسرار حکمت سخن راندن | به از قصه های کهن خواندن |

ودو کتاب دیگر هفت اورنگ یکی سلسلة الذهب و دیگری سلامان وابسال میباشد.

چنانکه از چند بیت بالا نیز استفاده میشود جامی در خردنامه بشرح داستان تاریخی اسکندر نپرداخته و آنچه مقصود اصلی پیشینیان از وضع این داستان که بیان معارف ومواعظ بوده، دراین کتاب گنجانیده و در حدود ۲۴۰۰ بیت میباشد.

**آغاز:** الهی کمال الهی تراست جمال جهان پادشاهی تراست.

---

(۱) شرح حال جامی را در ص ۳۵۷-۳۵۹ ج ۲ فهرست سپهسالار، **ضت** ص ۴۳۸، **فه** ص ۲۹۳-۲۹۶، **شق** و شرح حال جامی بقلم مرحوم تربیت پیوسته تقویم سال ۱۳۰۸ (تربیت)، **مت** ص ۶۷۱-۶۷۷ و **شذ** ج ۷ ص ۳۶۰، **تذ** ص ۴۸۳-۴۹۴ و **هم** و تکملة نفحات الانس (جزء حاشیه نفحات نسخه خطی این کتابخانه) ودیگر مآخذ مراجعه شود.

۹۱۹

**خسرو وشیرین نامی**

این نسخه را بخط شکسته خیلی خوب احمد حسینی انجوشیرازی بنابه خواست میرزامحمد علی مستوفی وسررشته‌دارفارس بسال ۱۲۳۹ نوشته ، یك سرلوح ظریفی دارد ، اطراف دو صفحه اوّل نسخه و میان سطرهای آن تذهیب و مینا کاری و طلا اندازی شده ، برگها بجدول به طلاولاجورد میباشد ودرمتن وحاشیه نوشته شده است .

جلد میشن ضربی . کاغذ بخارائی . قطع ربعی بزرگ . شمارهٔ برگها ۹۶ . صفحه‌ای ۲۰ بیت درمتن و حاشیه . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۷** .

## خسرو شیرین نامی

میرزا محمدصادق موسوی متخلص به **نامی** از شعرا ومنشیان کریمخان زند بوده، دونفرمعاصرین ( آذر درآتشکده ص۴۲۹ چاپی و مفتون در نگارستان دارا مؤلفه بسال۱۲٤۱ ) وی‌را نام برده‌اند ودرمأخذ اول‌ثبت گردیده که « اجداد وی نزدیك ۱۰۰ سال است ازفارس باصفهان آمده‌اند وبطبابت سرکارسلاطین مشغول بوده‌اند وخود وی برادرزاده میرزا رحیم حکیم‌باشی ودر جوانی مشق انشا کرده ودرنظم ونثر وقوفی‌حاصل وتاریخی بروقایع زندیّه مینویسد ودر فن نظم مثنوی مائل ومثنوی لیلی‌ومجنون و خسرو شیرین و وامق و عذرا گفته و بعضی دیگردرنظردارد» . ( ۲۲بیت ازخسروشیرین‌را انتخاب ودر این تذکره نقل‌نموده ).

آقای سعید نفیسی درمقدمه تاریخ گیتی‌گشا تألیف نامی ، ازنگارستان‌دارا دو مثنوی درج گهر و یوسف و زلیخا را اضافه برسه مثنوی بالا و نیزدیوان قصائد و غزلیات به نامی نسبت داده اند وگویند مفتون مؤلف آن کتاب گوید

با مؤلف بسیار آشنا بود ودر اوائل دولت خاقان مغفور محمد شاه قاجار (مراد آغامحمد خان است) وداع جهان ناپایدار نمود وعادت بخوردن افیون (تریاك) داشت و عمری بتلخ کامی میگذاشت .

ودرص ۲۷٦ (چاپ آقای سعید نفیسی) تاریخ گیتی گشا (بخش ذیل عبدالکریم) تصریح شده که نامی بسال ۱۲۰٤ وفات یافته است .

ازمثنویهای وی خسروشیرین و وامق وعذرا دراین کتابخانه موجود واثری ازآثاردیگر وی تاکنون بدست نیامده وخود وی در وامق وعذرا تصریح نموده که این چهارمین مثنوی عشقی وی میباشد .

آقای سعید نفیسی معتقداند که خودوی تمام مثنویهای نام برده را **نامهٔ نامی** نام نهاده است .

برای نشان دادن سبك وقریحهٔ نامی ومعرّفی از خسروشیرین وی چند بیت زیرین را ازمقدمه این مثنوی (ص۱۳و۱٤) در اینجا میآوریم :

مرا در موکب سالار کشور خدیو ظلم سوز عدل گستر
وکیل قائم آل محمد که دور دولتش بادا مخلّد
گذر افتاد سوی ملك شیراز چه شیراز آنکه بر جنت کند ناز
مبارك منزلی از چشم بد دور بهشتی جایگاه جلوهٔ حور
هنرور حاج آقـاـی که ایام نماید فخر چون او را برد نام
در این کشور ببراو جا گرفتم بقرب لطف او مأوی گرفتم
بحر ژرف طبعم چون نظر کرد دهان از این حکایت پردرر کرد
که بحر عالیت بحریست مواج دراو پنهان گهرها در خور تاج
بفرمانش گشادم در ازین گنج شدم از کلك این معنی گهرسنج
اگرچه این بود نظم نخستم ورق از نظم هـای عشق شستم
بعرف شاعران شخصی ازین پیش نهاده گرچه **نامی** نام برخویش
بملك نظم نام آور نبود است عبث برخویشتن تهمت نمود است
چو من شاهی این کشور گرفتم بعنف این نام را زو بر گرفتم
بمن می زیبد این نام گرامی که هستم من بملك نظم نامی

این مثنوی درحدود ۳۷۰۰ بیت میباشد .

**آغاز :** بنـام آنکه در عنوان نامه بود نامش نخستین نقش خامه .

- ۹۲۰

**خلاصه مثنوی معنوی**

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نام نویسنده وسال نگارش ( ظاهراً ) در پایان بوده محو گردیده یك سرلوح کوچك زیبا دراوّل دارد وصفحات بجدول بطلا و لاجورد و غیره میباشد ، طرز نگارش و کاغذ ومرکب حاکم است که در قرن دهم نگاشته شده ، یادداشتهائی با تاریخ و بدون آن پشت صفحهٔ اوّل و آخر میباشد ، چندجا با صفحه ها را محو کرده اند وظاهراً اوراقی ازمیان نسخه افتاده و از غلط خالی نیست .

جلد تیماجی طرف داخل سوخته . کاغذ بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۸۳ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ½ ۲۳ سانتیمتر . عرض ½ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۱** .

خلاصهٔ مثنوی معنوی

این خلاصه یا انتخاب مثنوی ملای روم در حدود ۲۴۰۰ بیت میباشد ، آخرین بیت آن اینست :

سیف و خنجر چون علی ریحان اوست   نرگس و نسرین عدوّ جان اوست

و این بیت درثلث سوم مجلد پنجم (ص۵۰۴ سطر ۱۱ چاپ ۱۳۰۷ تهران است که ازروی نسخه مرحوم جلوه نگارش یافته است) میباشد ، ازانتخاب کننده اثری نیافتم وازمنتخب معلوم میشود که مردی درویش صفت وبا ذوق عرفان بوده و این خلاصه تقریباً ده یك اصل مثنوی است ، برای نشاندن طرز انتخاب این چند بیت را از ص۴۲ نسخه باتصحیح برخی از اغلاط آن نقل میکنم :

مثنوی ما دکان وحدت است — هرچه غیر واحدست اینجابت‌است
فقر و فخری از گزافست ومجاز — که هزاران عزّ پنهانست و ناز
کار درویشی و رای فهم تست — سوی‌درویشان‌منگرسست‌سست
زانکه درویشان و رای ملك‌ومال — روزئی دارند رزق ازذوالجلال
آن چنان کز فقر میترسید خلق — زیر آب شور رفته تا بحلق

## ۹۲۳-۹۲۱

**خمسهٔ امیرخسرو دهلوی**

این نسخه کامل‌ازاین خمسه در حاشیهٔ مجلدی میباشدکه شامل نسخ زیرین است : **۱** - در متن خمسه نظامی از ص۱-۱۵۵۸،

**۲**- درحاشیه‌خمسه‌امیرخسرواز‌ص۱-۱۰۰۹ (مطلع الانوارص۱ - ۱۸٤، شیرین وخسروص۱۸۵-٤۱۹، مجنون و لیلی‌ص٤۲۱-٥٦۹، هشت‌بهشت‌ص۵۷۱-۷٦۲، آئینهٔ‌اسکندری ص ۷٦۳-۱۰۰۹)، **۳**- خمسه خواجو(فقط‌روضةالانوارص۱۰۱۱-۱۱۲۲ وهمای وهمایون ص۱۱۲۳-۱۳٦٦ است) وبخط نستعلیق روح الله بن‌علی‌بن عمادالاسلام‌جمال‌الاسلامی بسال ۸۲٤ نگارش یافته وعناوین مطالب مندرجه رابخط ثلث‌نیز‌بنابر‌تصریح در آخرنسخه، محمودبن‌محمد نوشته ، چهاربرگ اول نسخهٔ نونویس ( ظاهراً درقرن سیزدهم نوشته وتذهیب‌کردیده ) ودرهمین‌عصرنکارش،سرلوحی برای آن تهیه شده‌واطراف‌دوصفحهٔ نخستین تذهیب‌کردیده ، درآغازهریك ازکتابهای چهارگانهٔ دیگر خمسهٔ نظامی پیشانی (مربع مستطیل) بسیار ظریف تذهیب شده ای موجود و نام‌کتاب با طلا در وسط

هریك نوشته شده و نامهای مجنون و لیلی و هشت بهشت و روضة الانوار وهمای وهمایون (درابتدای همای و همایون برلوزی مذهب ظریفی که دراوّل آنست نویسنده اشتباهاً « آئینهٔ سکندری » نوشته ولی مسلّماً کتاب همای و همایون است ) هریك بریك لوزی مذهب ظریفی نگارش یافته و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد و شنجرف و غیره میباشد ، متن و حاشیه چند برگ نسخه وصّالی گردیده وعناوین مطالب درپاره ای از جا ها با شنجرف ودربرخی باطلا نوشته شده است .

جلد مرغش . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۷۸۰ . صفحه‌ای ۴۷ بیت درمتن وحاشیه . طول $\frac{1}{2}$ ۲۵ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر . شماره دفتر ۱۸۳۲۳ .

(۹۱۳)

**خمسه امیرخسرو دهلوی**

این نسخه در حاشیهٔ ص ۱ - ۸۰۸ بدین تفصیل نوشته شده : ۱ ـ مطلع الانوار ص ۱ - ۱۵۲ - ۲ ـ شیرین وخسرو ص ۱۵۵-۳٤۰ ۳ ـ مجنون و لیلی ص ۳٤۱-٤۵۷ - ۴ - هشت بهشت ص ٤۵۹ - ٦۱۱ - ۵ - آئینهٔ اسکندری ٦۱٤ - ۸۰۸ .

درائر ازمیان رفتن حواشی دوبرگ نخستین نسخه، ۵۹ بیت از مطلع الانوار ازمیان رفته، عناوین ومطالب پنج گنج باطلا نوشته شده . خصوصیات دیگر نسخه را در ص ١٦٨ و ١٦٩ نگاه کنید .

۹۲۴

**خمسه امیرخسرو دهلوی**

این نسخه که بخط نستعلیق خوب نوشته شده شامل تمام پنج گنج امیرخسرو بوده ، شیرین وخسرو آن بکلی افتاده و مندرجات کنونی آن بدین ترتیب و تفصیل میباشد :- ۱ - هشت بهشت از ص ۱-۷٦ - ۲ - آئینهٔ اسکندری از ص ۷۹-۱۵۳ و برحسب شماره ۱۱۵۰ بیت از آخر آن افتاده است . - ۳ - مطلع الانوار ص ۱۵٤-۲۰۹ بادقت و مراجعه معلوم شد که ۷۲۲ بیت از اول و ۷۵ بیت از آخر این کتاب نیز افتاده - ۴ - ص ۲۱۰-۲۱٤ نسخه از آخر مجنون و لیلی میباشد .

در پایان آخرین صفحه نوشته شده: « تمت الکتاب المسمی ببهرام نامه کاتبه نورالدین اللاهیجی ۱۰۵۲ ». گذشته از اینکه طرز خط الحاقی بودن آنرا بهترین شاهد و گواه میباشد مندرجات کتاب هم مؤید است که بهرام نامه نیست، نویسنده دیگری پشت صفحهٔ نخستین نوشته: منظومه در احوال بهرام گور و اسکندر. و در همین صفحه محمدعارف منجم زاده بسال ۱۱۸٤ تملك خودرا یادداشت کرده است .

دو سرلوح ظریف در اول هشت بهشت (ص ۱) و آئینهٔ اسکندری (ص ۷۹) میباشد و تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد وغیره است واحتمال قوی دارد که خط نورالدین لاهیجی خطاط مشهور نیمهٔ اول قرن یازدهم هجری باشد ولی مسلّماً جمله ایکه نقل شد الحاقی است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۰۸ . صفحه ای ۴۶ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۲۹۳۲ .

۹۲۵

**خمسه امیر خسرو دهلوی**

این نسخه فقط « مطلع الانوار » میباشد ، بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ندارد ولی ظاهراً در نیمهٔ دوم قرن دهم هجری نگارش یافته ، سرلوح ظریفی در آغاز دارد ، تمام صفحات بجدول بطلا و زنگار و عناوین مطالب با شنجرف میباشد وبرورقیکه پیش از برگ نخستین میباشد اشعاری نگاشته شده است.

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۵۲ . صفحه‌ای ۳۴ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض $16\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۷۹۱۴** .

## خمسه امیر خسرو دهلوی

امیرخسرو دهلوی که از مشاهیر شعرای پارسی‌زبان میباشد تخلص وی **خسرو** است ، بنابرضبط درتاریخ فرشته **ابوالحسن** نام‌داشته و پدراوامیر **سیف‌الدین محمود** از امیرزادگان هزارهٔ بلخ بوده که درفتنهٔ مغول روبهند آورده و در آنجا توطن گزیده و امیرخسرو درقصبهٔ **مؤمن آباد** که اینك مشهور به **بیتالی** میباشد بسال ۶۵۱ متولد شده (۱) پس از اینکه هفت ساله شد پدرش از این

(۱) از اینکه دولتشاه سمرقندی نوشته‌که ۷۴ سال عمر کرده تولد وی در این سال بوده وبیانات خود امیر درمقدمه ودیباچه غرة‌الکمال که سنین عمر خود را با سنین هجری تطبیق نموده مؤید این معنی است و این شرح با مراجعهٔ به فهرست ریو وفهرست آصفیه وتاریخ فرشته و تاریخ مغول (آقای اقبال) وج ۲ فهرست ومأخذ دیگر نگاشته شده است .

جهان رخت بربست، برادرانش **تاج الدین زاهد** و **علاءالدین علی شا** بتربیت وی کوشیده وخود وی دراین باب در مقدمه غرة الکمال (۱) که سومین دیوان وی میباشد شرحی نگاشته، مرید نظام الدین اولیا بوده، وی او را **ترك الله** و **محمد کاسه لیس** لقب داده و درشب جمعه ۲۹ ذیقعده بسال ۷۲۵ که شش ماه از مرگ نظام الدین اولیا گذشته بود وفات کرد ودر جوار مراد خویش بخاک سپرده شد.

امیرخسرو در نثر و نظم پارسی قادر و ماهر گشت ولی چنانکه خود وی در مقدمه غرة الکمال اقرار نموده درنظم ونثر عربی چندان مهارتی نداشته وبرای نمونه ابیاتی بدین زبان در آنجا یادگار گذارده، در دستگاه سلاطین معاصر معزز و محترم بوده و گویند نود و نه کتاب تألیف کرده که از آنها پنج دیوان، منتخبی از آنها، دول رانی و خضرخانی، قران سعدین، عشقیه یا عشیقه (تقریباً درچهار هزار بیت میباشد ومسلماً غیر از قران سعدین است، نه این کتاب چنانکه برخی تصور کرده اند ونسخهٔ ازعشقیه در کتابخانه آصفیه دکن موجود است ج ۲ فهرست آنجا ص ۱٤۰۸)، اشك وآه (مثنوی است ودر کتابخانه آصفیه موجوداست)، لآلی عمان یا جواهر خسروی بزبان اردو (بسال ۱۳۳٦ چاپ شده)، تعلق نامه (سه هزاربیت است)، نه سپهر (زیرشماره ٤۰۵ کتب خطی دراین کتابخانه موجوداست) وخمسه (همین کتاب) که همه بنظم وتاریخ دهلی، خزائن الفتوح (درتاریخ سلطان علاءالدین محمد شاه خلجی ٦۹۵ـ۷۱۵) که آنرا تاریخ علائی نیز گویند و شامل تاریخ از سال جلوس وی تا ۷۱۱ میباشد، قانواستیفا، رساله درموسقی، پنج رساله بنام اعجاز خسروی (بسال ۱۸۷٦ م در دومجلد درهند چاپ شده و در این کتابخانه موجود است) بنثراست.

شیخ آذری نوشته که سعدی در پیری برای دیدن امیرخسرو بهند رفته ولی در آثار شیخ نیافتم واز آثار امیر برمیآید که نسبت بشیخ اعتقادی کامل داشته چنانکه در قران سعدین گوید:

نوبت سعدی که مبادا کهن  شرم نداری که بگوئی سخن

ودر جای دگر گفته:

خسرو سرمست اندر ساغر معنی بریخت  شیره از خمخانهٔ مستی که درشیرازبود.

---

(۱) غرة الکمال سومین دیوان امیر خسرو میباشد و نسخه‌ای از آن زیر شمارهٔ ۱۷۰ در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود و در ص ۵۹۳ـ۵۹۵ ج ۲ فهرست آنجامعرفی شده.

امیرخسرو در آخر هشت بهشت که مثنوی پنجم از این خمسه است گوید :

شکر حق را که از خزانهٔ غیب　　ریخت چندان جواهرم از جیب
که از آن نقد قیمتی بسه سال　　کردم این پنج گنج مالا مال .

و در آخر هریك از پنج گنج تاریخ انشاء آنرا نوشته و این تصریح با آن ضبط ها مخالف میباشد و وجه جمع آنست که در آخر سال ۶۹۷ شروع و اول سال ۷۰۱ خاتمه داده و سه سال میان این دو سال را مرتباً مشغول بوده است و یا روزهائیکه مشغول بانشاء این کتاب نبوده جدا ساخته وبرحسب محاسبه وضبط خود وی سه سال تمام اشتغال بهنظم داشته. وتمام پنج گنج ۱۷۶۷۹ بیت است .

ما در اینجا کتابهای پنجگانه را موافق سالهای انشاء و نامیکه خود شاعر بر آنها گذارده معرفی میکنیم :

۱ ـ **مطلع الانوار** برابر مخزن الاسرار میباشد ونیز در بیست مقاله گذارده شده و خود شمارهٔ ابیات آنرا ۳۳۱۰ وانشاء آنرا بسال ۶۹۷ معین نموده و دراین قرن مولوی محمد ابوالحسن شرح و حاشیه‌ای در توضیح مطالب این کتاب نوشته و بسال ۱۳۰۲ در هند چاپ شده و نسخهٔ آن دراین کتابخانه موجوداست .

آغاز : **بسم الله الرحمن الرحیم　　خطبه قدس است بملك قدیم .**

۲ ـ **شیرین و خسرو** درمقابل شیرین وخسرو نظامی انشا شده وخود امیر شمارهٔ ابیات آنرا ۴۱۲۴ وانشاء را بسال ۶۹۸ معین کرده و در اواخر کتاب گوید :

پس از کلکم چکید این شربت نو　　که نامش کرده‌ام شیرین وخسرو .

آغاز :

**خداوندا دلم را چشم بگشای　　بمعراج یقینم راه بنمای .**

۳ ـ **مجنون و لیلی** خود امیر در تسمیه آن گوید :

نامش که زغیب شد مسلسل　　مجنون لیلی بعکس اول .

و شمارهٔ ابیات آن ۲۶۶۰ وانشاء آن بسال ۶۹۸ درخود کتاب ثبت شده ودوبار بسال ۱۲۴۴ و ۱۲۸۶ درکلکته و لکناهور چاپ شده است .

آغاز :

**ای داده بدل خزینه راز　　عقل از تو شده خزینه پرداز .**

۴ ـ **آئینه اسکندری** این مثنوی نظیر اسکندرنامه نظامی ساخته شده و شمارهٔ ابیات آن برحسب شمارهٔ دقیق نگارنده ۴۲۳۵ بیت میباشد وانشاء آن بسال ۶۹۹ تصریح گردیده است .

آغاز :

جهان پادشاها خدائی تراست ازل تا ابد پادشاهی تراست .

**۵ ـ هشت بهشت** این کتاب که آخرین گنج از پنج گنج امیر خسرو میباشد بتقلید هفت گنبد نظامی انشاء شده ، وشمارهٔ ابیات آنرا ۳۳۵۰ وانشاء آنرا بسال ۷۰۱ معین کرده است .

آغاز :

ای گشایندهٔ خزائن جود نقش پیوند کارگاه وجود .

## ۹۲۶

**خمسه**

**خواجوی کرمانی** این نسخه را بسال ۹۷۰ علی بن لطف‌الله معاد حسینی سبزواری بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته ، در آغاز هر یك از کتابهای پنجگانه سرلوحی زیبا میباشد ونام آن کتاب باسفیدآب درمیان آن نگاشته شده ، صفحات مجدول بطلاولاجورد وحاشیه برخی ازبرگها وصّالی شده وتنظیم نسخه بدینگونه است :

۱ ـ گهرنامه ۲ ـ روضة‌الانوار ۳ ـ کمال نامه ٤ ـ گل ونوروز ٥ ـ همای وهمایون .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۸۱ . صفحه ای ۴۲ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۴۴** .

## ۹۲۷

**خمسه خواجو** این نسخه فقط روضة‌الانوار میباشد بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، مسلّما

خط یکی از اساتید این فن میباشد و در اواخر قرن دهم یا اوائل یازدهم نگارش یافته، وشاید خط رشیدا باشد صفحهٔ نخستین دارای یک سرلوح میباشد ، برگها متن و حاشیه گردیده و بیشتر حواشی زر افشان وبرخی گل وبوته هائی با سفید آب دارد ، در حاشیهٔ ص ۷۹ تاریخ کشته شدن ناصرالدین شاه وقاتل وعلل آن بخط شکسته خوب نوشته شده، پاره‌ای ازبرگها وصالی شده وبعضی هم نیازمند آنست ، در ص ۱۴۳ جای عنوان خاتمه سفیدمانده و در صفحهٔ ۱۴۴ نیز جای هفت بیت از خاتمه که نگارش نیافته باز گذارده شده است .

جلد تیماج . کاغذ متن خان بالغ حاشیه بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۷۴ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۴ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۰۵** .

(۹۰۸)

**خمسه خواجو** نسخه ای از این کتاب ( فقط روضة الانوار) پیوسته به جمشید و خورشید و خمسه نظامی وغیره میباشدو ص ۶۴۵-۶۹۳ نسخه شامل این کتاب است، در ص ۱۶۸-۱۶۹ خصوصیات آنهارا ذکر کرده ایم، ۴۷ بیت از آخر این مثنوی نگارش نیافته وبدین بیت ختم شده است :

طائر این روضهٔ جانی شدم زائر این کعبهٔ ثانی شدم

(۹۲۳)

**خمسه خواجو** این نسخه شامل دو کتاب از خمسهٔ خواجو (روضة الانوار وهمای وهمایون) ودرحاشیهٔ

ص ۱۰۱۱-۱۳۶۲ خمسهٔ نظامی میباشد که بسال ۸۲٤ نگارش یافته و خصوصیات وضمائم دیگر آن در ص ۱۸٤-۱۸۵ گفته شد ونویسنده عنوان کتاب همای وهمایون را بغلط « آئینهٔ اسکندری » نوشته است.

## خمسه خواجو

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به **خواجو** چنانکه خود در اواخر « گل ونوروز» تصریح نموده در ۲۰ ذیحجه سال ۶۸۹ متولد شده(۱) و در سال مرگ وی میان تذکره نویسان اختلاف میباشد ، باین‌معنی که یك تن یاچند نفر از آنهاسال ۵۰۳ و ۷۴۲ و ۸۴۲ و ۷۵۳ را ثبت کرده‌اند بطلان سال‌اول ودوم را تاریخ انشاء بعضی از کتابهای وی ودانستن زمان و عصراو ثابت‌میکند وسال‌سوم‌را هم‌باید تصحیف شده‌دوم‌دانست وسال ۷۵۳ نزدیك بصواب‌باعین است .

خواجو در کرمان که مولد وی بوده بکسب علوم وفضائل پرداخته ، نظم و نثرعربی وفارسی‌را قدرتی بسزا داشته ، در یکی ازمسافرتها بسال ۷۳۶ خدمت شیخ علاءالدوله سمنانی رسیده و در تحت تربیت ایشان درآمده و آثار عرفان در اشعارش پدیدار گشته وروح دیگری یافته ، تاج‌الدین عراقی ( احمدبن‌محمدبن علی ) که وزیر امیرمبارزالدین مظفری بوده در تربیت وی کوشیده و خواجو را دربارهٔ وی قصائد ومدائح زیادمیباشدومثنوی « گل‌ونوروز » رابنام این‌وزیر دانش پژوه پرداخته وچندی در بغداد روزگار گذرانیده ودر اواخرعمر بشیراز آمده ومداحی شیخ ابواسحق را کرده وهم درآنشهر بسرای دیگر شتافته است

خواجه حافظ درك خدمت خواجو را نموده و نسبت بوی اظهار ادب کرده و خود را تابع و پیرو وی معرفی نموده است . از دیوان خواجو در همین فصل معرفی خواهیم نمود واین کتاب که به « خمسهٔ خواجو » مشهور شده شامل اینپنج

(۱) در ص ۴۲۵-۴۲۶ ج۲ فهرست راجع بتولد خواجو واشتباه بعضی ازمورخین ونقل ابیات خواجو در این باب وآنانکه ازخواجو بحث کرده اند مفصلا شرحی نگاشته‌ام و نسخه ای از کلیات خواجو که درکتابخانه ملی ملك موجود و بسال ۷۵۰ یعنی درزمان حیات خواجو با تذکر به این مطلب نگارش یافته ، در گل ونوروز آن‌نسخه‌صریحاً سال ۶۸۹ مطابق ۱۶۰۲ اسکندری ثبت شده‌نه‌ششصد و ده که‌در چند نسخه‌دیگر نگارش‌یافته ودراین موضوع‌نیز در ج۲ فهرست تفصیلاً از بحث شده است .

مثنوی است ونسخ این خمسه هریك بترتیبی خاص منظم گردیده وما دراینجا آنهارا بترتیب سال انشاء ذکرمینمائیم :

۱ ـ همای و همایون که بسال ۷۳۲ بنام ابوسعید بهادرخان انشا شده و در خاتمهٔ آن از تاج‌الدین عراقی تشکرنموده که آنرا بعرض رسانیده و در حدود ۳۲۰۳ بیت میباشد وبسال ۱۲۸۹ درهندوستان چاپ شده وآغاز آن اینست :

بنام خداوند بالا و پست که ازهستیش هست شد هرچه هست

۲ ـ گل و نوروز که بسال ۷۴۲ انشا گردیده و ۲۶۱۵ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بنام نقش بند صفحهٔ خاك عذار افروز مه رویان افلاك

۳ ـ روضةالانوار که بسال ۷۴۳ بنام شیخ ابواسحق انشا شده و در حدود ۲۲۰۰ بیت میباشد و بسال ۱۳۰۶ خورشیدی در طهران چاپ شده و آغاز آن اینست :

زینة الروضة فی‌الاول باسم‌اله الصمد المفضل

٤ ـ کمال‌نامه که بسال ۷٤٤ بنام شیخ ابواسحق انشا شده و شامل ۱۸۷۹ بیت میباشد وآغاز آن اینست :

بسم من لا الـه الّا الله صبغ لفظی وزین معناه

٥ ـ گهرنامه و چنانکه خود تصریح نموده ۱۰۳۱ بیت میباشد وشامل شرح حال پدران بهاء‌الدین وزیر(محمودبن عزالدین یوسف)میباشد که ازنوادههای خواجه نظام‌الملك طوسی است و این کتاب بنام او انشا شده وغزلهائی درمیان این‌مثنوی گذارده شده و بسال ۷٤٦ انشا گردیده وآغاز آن اینست :

بنام نام دار نام داران گدای درگه او شهریاران .

از شماره های نام‌برده بالا بدست آمد که تمام خمسه خواجودرحدود ۱۰۹۰٦ بیت میباشد وازبخشهای آن‌جز کتاب همای وهمایون وروضة الانوار تاکنون چاپ نگردیده است .

(۹۲۱)

**خمسه نظامی**

این نسخه بسال ۸۲٤ بخط نستعلیق نوشته شده، درحواشی برگهای آن خمسهٔ امیرخسرو

و روضة الانوار وهمای وهمایون خواجو نگارش یافته وخصوصیّات دیگر این نسخه درص ١٨٤-١٨٥ نگارش یافته است .

(٩٠٧)

**خمسه نظامی** این نسخه برحسب احتمال دراواخر قرن نهم هجری نوشته شده ، چند کتاب دیگر پیوسته بآن ودرحواشی برگهای آنست، درص ١٦٨ و١٦٩ خصوصیّات نسخه وپیوسته های آن نگارش یافت ، ٢٢ بیت که درآخر بعضی از نسخ خطی شرفنامه میباشد دراین نسخه ثبت و ٦ بیت از آخر اقبال نامه (خرد نامه) که دربعضی از نسخ میباشد در اینجا نگارش نیافته است .

٩٣٨

**خمسه نظامی** این نسخه بخط نستعلیق بسال ٩٠٢ نوشته شده وشامل خسرو شیرین ، لیلی و مجنون ، هفت پیکر(١) وشرف نامه میباشد ، در آغاز هریك ازاین کتابها

(١) نویسنده درآخر هفت پیکر (ص ٤١٩) باحروف تصریح بسال نگارش نموده و دزدی نقطه تسعمائه را محو کرده که نسخه را نوشته شده بسال سبعمائه نمایش دهد ، گذشته ازاینکه طرز خط بهترین مانع از این جلوه دادن میباشد آثار نقطه ها هم ظاهر وآشکاراست .

سرلوحی میباشد ، در ص ۲۷ و ۲۸ و ۳۰۷ و ۳۱۱ مجالس نقاشی شده روغنی میباشد که برخی نصف صفحه کتاب را فرا گرفته و بعضی کوچکتر از آنست ودر بسیاری از صفحات جای سفید برای مجلس سازی گذارده شده ، برگهائی از نسخه وصّالی گردیده و پاره‌ای جابجا شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ حنائی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۲۹۹. صفحه‌ای ۴۰ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۴۱۶۹ .

**۹۳۹**

**خمسه نظامی** . این نسخه را بسال ۹۱۸ بخط نستعلیق خیلی خوب شمس‌الدین محمد کاتب کرمانی در قصبهٔ اردوباد بآخر رسانیده ودر آخر هفت پیکر اتمام آن بسال ۹۱۷ در تبریز ودر آخر خسروشیرین بسال ۹۱۵ نیز تصریح گردیده ونسخه بآخرین بیت شرفنامه خاتمه یافته و اقبال نامه را ندارد ، برگ اول دارای یك سرلوح بوده بریده شده وآن برگ را وصّالی کرده‌اند، دارای چهارسرلوح است که سه عدد از آنها بسیار ظریف میباشد، چند برگ ازلیلی ومجنون آبدیده ووصّالی شده وبرخی ازبرگهای دیگر نسخه نیز اثر آبدیدگی دارند .

میان سطرهای دوصفحهٔ نخستین طلااندازی ونقاشی شده وتمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد وعناوین مطالب نیز بااین دو، وشنجرف نگارش یافته است .

جلد روغنی گل و برگ یك رو . کاغذ بخارائی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۸۴ . صفحه‌ای ٤٦ بیت . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۵۱** .

**۹۳۰**

**خمسه نظامی** این نسخه را بخط نستعلیق خوب حاجی محمد بن نور الدین محمد دشت بیاضی بسال ۱۰٤۹ نوشته ، در آخرین صفحه نویسنده نام خود و سال نگارش را ثبت نموده ونیز همونگاشته که برحسب امر .... دستور الوزرائی میرزا ابراهیم این نسخه نوشته شد ونام ابراهیم محو گردیده ولی از آثار آن خوانده میشود وبجای آن ابوطالب نوشته شده ودرحاشیهٔ همین صفحه شاعری محمد طاهر نام پنج بیت بخط خود نوشته و خودرا دربهبهان درملازمت **والی** که ازحکام فارس بوده ، بعنوان منادمت معرّفی و گوید که این نسخه را **والی** به او مرحمت نموده **وباغ ارم (۱۲٤٤)** تاریخ این بخشش شده است .

خصوصیات این نسخه اینست که دارای شانزده مجلس نقاشی ظریف بطرز چینی وایرانی میباشدوهریك کمتر ازیك صفحه رافرا گرفته ودوسرلوح دراول مخزن وخسروشیرین دارد و تمام برگهاجدول بطلا ولاجورد وعناوین مطالب باشنجرف است ، ۹ برگ آن نونویس (۱۱۱-۱۱۹) و چند برگ آن وصّالی گردیده و حواشی برگهادراثر آبدیدگی اندکی ضایع شده و پشت صفحهٔ نخستین

و درون جلد طرف چپ یادداشتهائی شده است .

جلد روغنی گل و برگ وزرانشان . کاغذ کاهی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳۰۵ . صفحه ای ۵۰ بیت . طول ۳۰ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۲۳۶** .

## ۹۳۱ و ۹۳۲

**خمسه نظامه (مخزن الاسرار)**

این نسخه بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق نوشته شده، شرح محمد بن قوام بن رستم بر مخزن الاسرار بدان پیوسته و در همین فصل از آن معرفی خواهد شد ، نام آنکس که نسخه برای وی نگارش یافته از آخر مخزن محو گردیده ، پاره‌ای از برگها هم وصّالی شده ابیاتی که در حاشیه برگ ۹ بوده محو گردیده و ابیاتی با مداد در حاشیهٔ برگ ۱۸ نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگهای دو کتاب ۱۹۸ . مخزن ۷۸ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول $21\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۲۱۶** .

## ۹۳۳

**خمسه نظامی**

این نسخه بخط نستعلیق عبدالعلی بن محمد حسین نائینی از پیش ازسال ۱۲۶۵ تا ۱۲۹۳ نوشته شده ، هفت پیکر پس از خسرو شیرین نگارش یافته و پیش از نخستین

بیت آن نوشته شده : **بهرام گل‌اندام** . چنانکه عنوان اقبال نامه را هم نویسنده **شرفنامه** نوشته ، دربسیاری از صفحات برای مجلس‌سازی جای سفید گذارده شده ، ۱٤ بیت اول اقبال نامه هم نوشته نشده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳۷۳ . صفحه‌ای ٤۰ بیت . طول ۱/۲ ۳٤ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۹۳** .

## خمسه نظامی

این کتاب که شامل پنج مثنوی میباشد وهریك بنام پادشاهی موشح گردیده و در آسمان ادبیات چون آفتاب جهان تاب درخشندگی دارد ، یکی از شاهکار های ادبیات فارسی و اثر حکیم بزرگ وشاعر ایرانی نظامی گنجوی است . ( ابومحمدویس بن یوسف بن زکی بن مؤید متخلص به نظامی ٥٤۷ ـ ٦۱۱ (۱) )

**نظامی** ازشعرائی است که در زمان حیات شهرتی بسزا یافته وپادشاهان معاصر نسبت بوی اظهارمحبت وعنایت مینموده وازاو درخواست نظم کتاب بنام خویش میکرده‌اند وهماره محترم وعزیزومکرّم بوده وپس از مرگ هم تاکنون

(۱) نظامی دراوائل لیلی‌ومجنون دراواخرمدح وستایش شروانشاه تصریح نموده که نام من **ویس** است :

« یارب تومرا که ویس نامم      درعشق محمدی تمامم »

ولی برخی اورا احمد وپاره‌ای الیاس وهدایت احمد الیاس ، و برخی او را ابو محمد نظام‌الدین بن یوسف دانسته اند وبعضی را عقیده اینست که نظامی تخلص این شاعر ازلقب وی گرفته شده ودر **کشف** لقب‌وی جمال‌الدین ضبط گردیده و دربیشترنسخه های کهن‌سال خمسه **ویس** نوشته‌شده وچندنسخه خطی تازه وچاپی خمسه « کمویس » « کاویس » ضبط گردیده‌وآقای‌وحید هم‌درحاشیه‌تشریح‌فرموده که مرادوی اینست که اویس وارعاشقم‌ولی این‌بیان مخالف تصریح کامل‌شاعر است که میگوید نامم ویس میباشد و در این موضوع وتحقیق مطالب دیگر از قبیل نام جد نظامی وسال‌تولد ووفات‌او واقوال مورخین‌دراین باب درص ٥۲٤ـ ٥۳۲ ج۲ فهرست سپهسالار بحث کرده ام .

کتاب ونام وی دارای عظمت واهمیت میباشد و امام مثنوی گویان است و در تقلید وی گنجها ساخته اند ولی « زین حسن تا آن حسن فرقی‌است زفت ».
دولتشاه‌نوشته که‌بایسنقر (متوفی بسال ۸۳۸) معتقد اشعار امیرخسرو دهلوی بوده وبجمع اشعار او می‌پرداخته وخمسه او را برخمسه نظامی ترجیح میداده و الغ بیك ( متولد بسال ۷۹۶ و متوفی بسال ۸۵۳ ) معتقد شیخ نظامی بوده و اعتقادی کامل به خمسه وی داشته ومیان‌این‌دوپادشاه وپادشاه زاده برسر اینموضوع مکرر تعصب دست داده ولی انصاف اینست که لطائف‌واشارات و کنایات‌واستعارات ودقائقی که درخمسه نظامی مندرج و بودیعت گذارده شده در هیچیك از مثنوی های دیگر نیست .

شمارهٔ ابیات این خمسه را بیست و پنجهزار نوشته اند ولی نسخ کهن سال این کتابخانه هریك شامل در حدود بیست و ششهزار بیت‌میباشند.

لازم است که در اینجا چند مطلب گفته شود :

**۱** ـ نسبت **ویس ورامین** که مسلماً انشاء **فخرالدین گرگانی** است به نظامی غلط و پیش از دولتشاه کسی را که بدین نسبت قائل باشد نیافتم و عبارات دولتشاه هم دراین موضوع که درچند جای ازتذکره خودآورده متناقض میباشد وقزوینی درآثار البلاد که بسال ٦٧٤ تألیف شده این کتاب را تألیف فخرالدین دانسته و گوید نظامی خسروشیرین را درتقلید وی ساخته وتباین‌مرام نظامی و گرگانی دراین دوکتاب تعدد منشی را بهترین گواه است .

**۲** ـ نظامی گذشته ازاین پنج گنج (خمسه) دیوانی‌دارد وقزوینی‌درآثارالبلاد آنرا یاد آور شده و بخوبی مندرجات آن شهادت داده و دولتشاه شمارهٔ ابیات آنرا بیست هزار گفته وآقای وحید دستگردی بخشی از آنها را بدست آورده و چاپ کرده اند .

**۳** ـ حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده ، نظامی گنجوی‌را معاصرعروضی دانسته وتصور نموده که یکی از آن سه نظامی که عروضی بشاه عرضه داشته گنجوی بوده درصورتیکه خود عروضی‌در چهار مقاله (ص ۲۵ چاپ گب) تصریح‌نموده که یکی‌ازآنهانیشابوری‌است که‌اورا **نظامی اثیری** گویند ودیگری‌سمرقندی که اورا **نظامی منیری** نامند ونیزتصریح‌نموده‌که ایندو درمرو پیش‌پادشاه‌اند وسومی ازآنها خودرا معرفی کرده ومیدانیم که چهارمقاله درحدود سال ۵۵۰ تألیف گردیده واین بیانات عروضی‌درپیشگاه شاه معاصر (ملك‌الجبال‌قطب‌الدین محمد ) پیش از این تاریخ بوده واز ابیات خمسه که نظامی در آنها سن خود را معین نموده وازآنها تاریخ تولد وی مسلماً بدست می‌آید ، واضح میشودکه در

هنگام این بیاناتِ عروضی، نظامی گنجوی طفلی بسیار خورد سال بوده و شهرتی نداشته است.

چنانکه ازمندرجات لباب و آثارالبلاد بدست می آید تامدتها این پنج گنج از یکدگر دور بوده وشاید دراوائل قرن هشتم دریکجا برادران اجتماع کرده باشند.

تمام پنج گنج وبعضی ازآنها مکرر درایران وهندوستان واسلامبول واروپا چاپ گردیده وبعضی از منتخبات آن نیز چاپ شده وخمسه ای که آقای وحید دستگردی بامقابله باچندین نسخه کهن سال باحواشی وتعلیقات و شرح مشکلات ابیات دراین سالهای اخیر چاپ ومنتشر کرده‌اند بردیگرنسخ چاپی ترجیح دارد.

کتابهای خمسه را بترتیبی که مرتب گردیده دراینجا ذکرمیکنم:

**۱ - مخزن الاسرار** که بنام بهرامشاه رومی موشح ودرحدود ۲۲۰۲ بیت میباشد ودربیست مقاله مرتب گردیده وشامل نصائح وحکم وامثال ومواعظ است و درتاریخ انشاء آن اختلاف میباشد باین معنی که درآخر برخی از نسخ خطی وچاپی آن سال ۵۵۲ و ۵۵۹ و ۵۷۲ و ۵۸۲ ثبت گردیده و بقرینه اینکه خود نظامی در مقاله پانزدهم ( بیت ۲٦ ) گوید :

**منکه چو گل گنج فشانی کنم دعوی پیری بجوانی کنم**

نگارنده سال ۵۸۲ را که شاعردراین هنگام ۳۵ سال داشته ترجیح میدهد ومسلماً سال ۵۵۲ و ۵۵۹ غلط وسال ۵۷۲ ازاینراه دوراست که شاعردرآن هنگام ۲۹ سال داشته وبسیارمشکل است که جوانی بدین سن بتواند این گونه مطالب عرفانی راانشاء کند براین کتاب شرح هائی نوشته شده ودراین فصل بذکر آنها خواهیم پرداخت.

**آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم**

**۲ - خسرو وشیرین** این داستان عشقی که ریخته قلم وفکر نظامی میباشد ازشاهکارهای ادبیات فارسی است وبنام طغرل بن ارسلان سلجوقی (۵۷۱-۵۹۰) موشح گردیده وچنانکه درخود کتاب تصریح شده بسال ۵۷۱ که هنگام جلوس طغرل بوده شروع بنظم نموده وبسال ۵۷٦ خاتمه یافته وبرحسب شمارهٔ دقیق درحدود ٤۹۰۰ بیت میباشد.

**آغاز: خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای**

**۳ - لیلی مجنون** این داستان عشقی ازداستان های اعراب میباشد که ایرانیان در ادبیات خود آورده اند، نظامی در اوائل آن تصریح نموده که برحسب امر کتبی شروانشاه اخستان منوچهر ( بنابرثبت درص ۲۳۲ ج ۲ سخن میان سال ۵۹۰ و ۵۹۷ وفات یافته ) بانشاء آن پرداخته وشمارهٔ ابیات آن را

نیز خود نظامی بیش از چهارهزار وتاریخ انشاء آنرا بسال ۵۸٤ معین نموده وبرحسب شمارهٔ دقیق نگارنده ٤٤۵۰ بیت است.

**آغاز: ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز**

**۴ ـ هفت پیکر** این کتاب درشرح حالات رزمی وبزمی بهرام گورمیباشد وبنام علاءالدوله کرپ ارسلان پادشاه مراغه موشح گردیده وبنابر تصریح در آخر کتاب بسال ۵۹۳ بانجام رسیده ودرحدود ٤۵۷۷ بیت میباشد وچنانکه ازابیات هفت پیکر استفاده میشود نام علاءالدین **رستم** بوده و این دوبیت که دراوائل کتابست شاهد این مدعی است:

«رستمی کز فلك سواری رخش هم بزرگ است وهم بزرگی بخش

نامه بر مرغ نامه بربستم تا رساند بشاه من رستم»

و تاریخ حیات او کاملا در دست نیست و دردانشمندان آذربایجان ومقدمه آقای وحید برهفت پیکر ص ج مختصر معرفی از وی شده است.

**۵ ـ اسکندرنامه** - این کتاب دربیان داستان اسکندر ودردوجزء میباشد، بخش نخستین را خود وی **شرف نامه** نامیده:

ازآن خسروی می که درجام اوست شرف نامه خسروان نام اوست

شرف نامه را فرخ آوازه کرد حدیث کهن را بدو تازه کرد.

وبه اتابك نصرةالدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان که بسال ۶۰۷ وفات یافته تقدیم وبنام وی موشح گردیده وچنانکه درآخربعضی ازنسخ خطی وچاپی تصریح گردیده بسال ۵۹۷ انشاء آن خاتمه یافته وتصریح به نا تمام بودن گردیده.

( چو از نیمهٔ نامه پرداختم سریری بپایان او ساختم )

وبرحسب شمارهٔ دقیق درحدود ۶۳۰۰ بیت میباشد.

**آغاز: خدایا جهان پادشاهی تراست**
**زما خدمت آید خدائی تراست**

و بخش دوم اسکندر نامه بنام **اقبال نامه** و **خردنامه** مشهور میباشد، ظاهراً سبب شهرت آن به «خردنامه» اینست که کلمه اول بیت نخستین خرد میباشد واقبال نامه اش ازاین جهت گویند که در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعودبن نورالدین که از سال ۶۰۷ـ۶۱۵ سلطنت موصل را داشته و این بخش را نظامی بوی تقدیم نموده گوید:

«دو نوبت که شه دوهندوی بام یکی مقبل و دیگر اقبال نام

فرستاده ام هردو را نـزد شاه　　که یاقوت را درج داردنگاه »

واگر اقبال درمصراع دوم را نام این بخش بدانیم بایستی مقبل را هم نام بخش‌اول دانست که برحسب تصریح درخودآن بخش‌ودراین بخش (اقبال نامه)

( شرف نامه را تازه کردم نورد　　سپید آب را ساختم لاجورد)

شرف نامه نام دارد و کسی آنرا « مقبل نامه » نگفته وانشاء این کتاب برحسب احتمال قوی میان سال ۶۰۷و۶۱۱ بوده و درحدود ۳۴۸۸ بیت است.

آغاز: خرد هر کجا گنجی آرد پدید
زنام خدا سازد آنرا کلید

## ۹۳۴

**دول رانی خضرخانی** این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۹۸۹ نوشته شده ، جدول کشی، بسیاری ازبرگها را پاره کرده، حاشیه برگ نخستین ازمیان رفته‌وچون برخی‌ازبرگهاو صالی‌شده ،ازمیان‌ص۲۲۷و۲۲۸ کنونی ظاهراً برگهائی‌افتاده ودرحاشیه ص۱۸۷ مطالبی بوده محوگردیده در ص ۲٤۸ بسال ۱۱٤۵چند شعر یادداشت شده است ، سرلوحی زیبادارد واطراف برگ دوم ومیان سطرهای دوصفحه اول کتاب تذهیب‌گل‌وبرگی وطلا اندازی شده و تمام برگها بطلا و لاجورد وشنگرف جدول کشی شده و میان مصرع های هرصفحه نیز باطلا جدولی کشیده شده وعناوین‌مطالب باسفیدآب برسرسورده هائیکه‌از طلاپوشیده شده وبر آن گل‌وبرگ نقش گردیده نگارش یافته است.

جلد ضربی مستعمل وصالی شده. کاغذ دولت آبادی. قطع خشتی باریک. شمارهٔ برگها ۱۸۳. صفحه ای ۱۲ بیت. طول ۲۳ سانتیمتر. عرض $13\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷۹**.

# دول رانی خضر خانی

این کتاب یکی از منظومه های امیرخسرو دهلوی است که در ص ۱۸۷-۱۹۰ معرفی وی گردید، موضوع آن داستان عشق ورزی خضر خان [ پسر علاء الدین محمد شاه خلجی است که در دهلی ( از سال ۶۹۵ تا ۷۱۶[1] ) سلطنت داشته ] با دیولدی (۲) دختر رانی است که بنا بگفته امیر خسرو در این کتاب ( ص ۵۰ نسخه این کتابخانه ) خضر خان بقلم خود نوشته و از امیر خسرو خواسته که آنرا بنظم آورد و چنانکه امیرنیز تصریح نموده ( ص ۳۵۳ نسخهٔ این کتابخانه ) بسال ۷۱۵ (۳) درچهارماه و چند روز این کار را انجام داده

(۱) درص ۵٤٦ قل سلطنت علاء الدین محمد ازسال ۶۹۵ تا ۷۱۵ معین شده و در دول رانی سال جلوس وی بهمین سال ضبط گردیده و در ص ۲۱۷ ج ۱ فر مرگ این پادشاه در شب ششم شوال سال ۷۱۶ معین گردیده و تصریح دارد، که درهنگام پادشاهی مُرد، ودر ص ۳۱۷۰ قیم نیز همین تاریخ ضبط شده و گوید ۲۱ سال پادشاهی کرد .

(۲) درص ۵۳ و ٥٤ ( نسخه این کتابخانه ) امیرخسرو گوید :

| | |
|---|---|
| دول رانی که هست اندر زمانه | ز طاوسان هندستان یگانه |
| ز رسم هندوی از مام و بابش | دراول بود دیولدی خطابش |
| بنام آن پری چون دیو ره داشت | فسون بنده، زان دیوش نگهداشت |
| چنان رسم بدل کردم مراعات | که آن هندی علم برزد بهندات |
| یکی علت درو بفکندم از کار | که دیول را دول کردم بهنجار |
| دُوَل چون جمع دولتهاست درشمع | دراین نامه است دولتها بسی جمع |
| چورانی بود صاحب دولت و کام | دول رانی مرکب کردمش نام |
| چونام خان بنام دوست ضم شد | فلك در ظل آن هردو علم شد |
| خطاب این کتاب عاشقی بهر | دول رانی خضر خان ماند در دهر |

(۳) درخاتمه این کتاب ( ص ۳۵۵ نسخه این کتابخانه ) گوید :

| | |
|---|---|
| جمال آراست این ماه دلفروز | زذوالقعده دویم حرف وششم روز |
| مورخ چون شمار سال وی کرد | عطارد برسر ذوالقعده هی کرد |
| وگر تاریخ بگشایند از ابجد | ز هجرت پانجده گیرند و هفصد |

وبنابر این دو تعبیر مسلماً انشاء این کتاب بسال ۷۱۵ ودر پنجشنبه دوم ذوالقعده

بقیه حاشیه در صفحه ۲۰٤

وچهار هزار و دویست بیت شده وپس از آن ۳۱۹ بیت دیگر بر آن افزوده بنابراین تمام کتاب ۴۵۱۹ بیت گردیده وپیش ازشروع بداستان ، ابیاتی درتوحید ونعت رسالت پناهی ص ومدح پادشاه عصر ( علاءالدین محمد) انشا نموده است .

نام کتاب راچنانکه نقل شد خود امیر خسرو « دول رانی خضرخان » گذارده ولی خانی معروف شده و بعضی آنرا «خضرخانی دول رانی» نیز میخوانند وریو گوید که برخی این کتاب را **عشقیه** یا **عشیقه** نیزمیگویند. ولی بنظر نگارنده این اشتباه میباشد چراکه در کتابخانه آصفیه دکن نسخه‌ای از عشیقه موجود (ج ۲ ص ۱٤۸٦ فهرست آن کتابخانه دیده شود) و بهمین نام معرفی و دول رانی وقران سعدین هم درجای خود نیز معرفی گردیده ویکی ازشرح حال نویسان امیرخسرو گوید که عشقیه یاعشیقه درچهارهزاربیت میباشد .

درفهرست آصفیه نسخه ای از دول رانی خضرخانی که بسال ۱۳۳٦ چاپ گردیده موجود است .

**آغاز:** سرنامه بنام آن خداوند که خوبانرا بدلها داده پیوند

## ۹۳۵

| دیوان ابن یمین فریومدی | اصل این نسخه بشهادت کاغذ ومرکب وطرز نگارش درنیمهٔ اول قرن نهم هجری نوشته شده وبرحسب محاسبهٔ نگارنده نزدیک ۱۵۰۰۰ بیت میباشد [قصائد و ترکیب بند و ترجیع بندها |
|---|---|

بقیه حاشیه ازصفحه ۲۰۳

بوده پس بیانات ریو دراینکه این کتاب پس از مرگ علاءالدین و خضرخان باتمام رسیده ، درست نیست چراکه بنابر ضبط درتاریخ فرشته ( ج ۱ ص ۲۱۷) و قاموس الاعلام ترکی، علاءالدین ۲۱ سال سلطنت داشته ( از ٦۹۵-۷۱٦) و درششم شوال سال ۷۱٦ وفات یافته وخود شاعر هم تصریح نموده که در چهار ماه و چند روز انشاء آنرا بانجام رسانیده وظاهراً این بیت :-

پس ازخون شهیدان بنت و ابنه نوشتم سیصدوزان پس ده و نه

که در ص ۳۰۵ (نسخه این کتابخانه) دول رانی موجود است زیورا باین اشتباه انداخته وقرائن موجودهٔ درخود کتاب حاکم بر صحت نظریه ماست .

در حدود ۴۰۰۰ بیت و مقطعات نیز در حدود ۴۰۰۰ بیت و غزلیات در حدود ۳۶۰۰ بیت و رباعیات در حدود ۱۵۰۰ بیت ومثنویات در حدود ۴۳۵ بیت] و ابیات بخشهای پنجگانه مرتب بترتیب قوافی موافق حروف تهجی نیست ، نصف بیشتر برگها نگارش یافته قرن یازدهم بنظر میآید و نسخه از آخر ناقص است چنانکه ازمقدمه آنهم برگهائی افتاده واز برگهای موجود نیزبخشی معدوم وپاره‌ای وصالی گردیده‌وبرگهای دیباچه‌ودرچندموردبرگهای اصل دیوان پیش و پس گذارده شده ، شش برگ نوشته (کاغذفرنگی) پیش از نسخه میباشد و بردوّمی آنها، عز الدوله عبد الصمد قاجار بسال ۱۲۹۲ تملك خودرا بخط شکسته نستعلیق نوشته است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۴۳۴ . صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول ۲۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شماره دفتر ۱۵۲۳۹ .

## دیوان ابن یمین فریومدی

امیرمحمودبن امیریمین‌الدین طغرائی متخلص ومعروف به ابن‌یمین(۱) از شعرای مشهور ایران میباشد ، مقطعات وی که شامل نصائح ومواعظ وحکم است بسیارمشهور وعلو طبع وهمّت عالی‌وی زبان زد خاص‌وعام‌میباشد، چنانکه خود وی در دیباچه‌دیوان تصریح نموده مقام استیفا داشته وخود را مستوفی معرفی کرده وبمناسبت اینکه درآغاز احکام وفرامین کلماتی بخط طغرا نگاشته میشده این پدر وپسر که دارای این مقام در دستگاه خواجه علاءالدین محمد (این‌راد مرد سالها وزیر خراسان‌وساکن‌فریومدبوده‌وبسال ۷۳۷ بدست‌سربداران کشته شده ص ۲۷۵ دولتشاه) بوده‌اند، بطغرائی‌مشهور شدند،میان‌این‌پدروپسر که هردوآیت فضل‌وکمال‌بوده اندشاعره بوده ونزد بعضی‌ازفضلا گفتارپدر افضل و برخی این ترجیح را بلا مرجح ومکابره میدانند و مکاتیب نظم و نثر که میان

(۱) تذ ص۲۷۵–۲۸۸،هما ج ۲ ص ۲ ، ین ص ۱۶۷ ، قل ص۴۷۱و۵۴۹ شم‌ص ۶۴ وآتشکدهٔ ص ۱۱ دیده شده است..

پدروپسر رد وبدل گردیده شهرتی بزرگ دارد ومرحوم اعتصام‌الملك (یوسف اعتصامی) درص ۲۰۲ فهرست کتب خطی این کتابخانه نوشته اند که نسخه ای از دیوان ابن یمین که تصورمیشود پیش از ۹۳۱ هجری استنساخ شده ودر کتابخانه عمومی لنین‌گراد موجود است شامل مراسلات ابن‌یمین میباشد.

درص ۲۳۸- ۲۴۰ سال دوم مجلهٔ‌آینده دونامه از ابن یمین چاپ شده درص ۴۲۰-۴۲۲ دانشمند محترم آقای ملك‌الشعرا (بهار) بر آن انتقادی نموده‌اند.

در دیوان ابن یمین مدائح ائمه اثنی عشر علیهم السلام زیاد دیده میشود و مکرر به تشیع وامامی بودن خود تصریح نموده و نیز مدائح سلاطین و امراء معاصر بسیار دیده میشود ازآنها قصائد ومقطعاتی درمدح علاءالدین محمد وزیر نام برده است و مدائح وجیه‌الدین مسعود (بسال ۷۴۵ کشته شده ص ۲۸۱ تذکره دولتشاه دیده شود) از سربداران و تاج‌الدین علی وطغاتیمور (بسال ۷۵۴ کشته شده ص ۲۳۷ دولتشاه) نیز زیاد میباشد، ازمندرجات دیباچه این دیوان معلوم میشود که ابن یمین باوجیه‌الدین مسعود در رزم ها نیز حاضر بوده وبسال ۷۴۳ که‌درخواف سربداران شکست خوردند دیوان ابن یمین هم که‌نسخه‌ای منحصربخود وی بودچون دیگرچیزها یغما رفت وابن‌یمین دراستدعای استرداد آن قصائدی در مدح ملك حسین کرت انشا کرده وپیش وی فرستاده ولی از اینکه در دیباچه این دیوان خودوی گوید:

بچنگال غارتگران اوفتاد وزآن پس کسی‌زو نشانی نداد

معلوم‌میشودآن‌نسخه بدست‌نیامده، بسال ۷۵۴ این دیوان که اینك دردست‌ماست، شاعر ازاشعار پیشین خویش که درجنگها وسفینه‌های دوستداران شعر نگاهداری شده بوده وآنچه پس‌ازآن دیوان انشا گردیده، گرد آورده وتازنده بوده نیز برآن اضافاتی نموده و ماده تاریخ هائی که راجع بوقایع سال ۷۵۴ میباشد درآن موجود است.

هدایت شمارهٔ ابیات این دیوان را در حدود دو هزار نوشته و بزرگترین نسخه‌ایکه از آن سراغی داریم نسخه این کتابخانه میباشد که خصوصیات آنرا شرح‌دادیم وچنانکه گفته شد درحدود ۱۳۵۰۰ بیت ازقصیده‌وغزل‌وقطعه ورباعی ومثنوی میباشد ودراین روزها دیوان ابن‌یمین‌بتصحیح دانشمندمحترم‌آقای سعید

نفیسی در تهران چاپ میشود بخش قطعات و رباعیات و مثنوی وی منتشر گردیده و بسال ۱۸۶۵ م مقطعات وی در کلکته باحروف نستعلیق سربی چاپ گردیده است .

وفات ابن یمین را دولتشاه بسال ۷٤٥ نوشته واین تاریخ مسلماً غلط است چرا که ماده تاریخ هائی که وقایع پس از این تاریخ (۷٤٥) را می رساند و قصائد ومدائح تاریخی متأخر ازاین تاریخ دردیوان وی موجوداست ودرتل سال ۷٦۹ ثبت گردیده ولی مؤیدی برای این تاریخ در دیوان نیافتم ، در دیگر مآخذ هم سال مرگ شاعر ثبت نگردیده ، نگارنده احتمال میدهد که وفات وی بسال ۷٥٤ بوده ودولتشاه اربع وخمسین و سبعمائه را خمس و اربعین وسبعمائه نوشته ویا نویسندگان نسخ چنین تصرفی کرده باشند .

دریکی ازابیات دیوان ابن یمین ۷٥ سالگی وی تصریح گردیده :

( مرا هفتاد وپنج ازعمر بگذشت ندیدم مردمی از هیچ انسان )

واگراین دوبیت را :

( کوته نظران ابن یمین را نتوانند از راه برون برد باقوال مقول
افزون زدو قرنست که تاخلق برانند کو بر فضلا هست در آفاق مفضّل )

که در دیوان ابن یمین دربخش مقطعات پیوسته به ابیات دیگر میباشد ، ازابن یمین بدانیم بایستی گفت شاعر شصت سال بدینکار اشتغال داشته و در دیوان وی ماده تاریخ هائیکه دیده میشود متعلق بسال ۷۰۲ تا ۷٥٤ میباشد و مسلماً پیش و پس این دو سال هم ( اگـر در قید حیات بوده ) شعر گفته است و آقای نفیسی تولد این شاعر را در حدود سال ٦۸٥ نوشته اند . واز این قطعه :

« کاتب این حروف ابن یمین بر خط و قول خود گرفت گواه
که ز تاریخ بیستم ز رجب تا بنوّن که باشد آن شش ماه
ده من ابریشم گزیده نیك برساند به شیخ عبدالله
بود تاریخ سال هفتصد و چار که نوشت این حروف بی اکراه

بدست می آید که دراین سال (۷۰٤) ابن یمین مردی بالغ ورشید ودارای سرمایه بوده وتهیه ابریشم مینموده و میفروخته و ظاهراً دراین هنگام کمتراز بیست وپنجسال نداشته ومسلماً دراواخرعمرنیز به برزگری اشتغال داشته است .

**آغاز** ( دیباچه ) بسمله اَلْحَمْدُ لِلّٰه اَلّذی خَلَقَ بِقُدْرَتِه‌الغالِبَةَ مِنَ الماء کُلَّ شَیْئٍ حَیّ . . . . امابعد چنین گوید محرراین مقالات ومقرراین کلمات العبدالواثق باللطف الصمدی محمودبن یمین المستوفی الفریومدی الخ .

۹۳۶

## دیوان ابوالفرج رونی

این نسخه را سید احمد حسینی انجوی بسا
۱۲۵۵ بخط شکسته نستعلیق خیلی خو
نوشته واین نگارش برحسب خواست میر
**محمدرضای مشهور به میرزابابا** که ازالقاب نوشته شدهٔ دربارهٔ و
معلوم میشود ازاعیان آن عصر بوده، انجام یافته ودرحدود ۱۶۰۰ بیت ا
اقسام شعر میباشد، صفحهٔ نخستین دارای سرلوحی طلائی است
حواشی ومیان سطرهای دوصفحهٔ اول نسخه طلا اندازی و تذهیب
برگ موی شده، تمام صفحات بجدول بطلا وزنگار میباشد، پشت
صفحهٔ اول حاج حسین آقای ملک التجار مؤسس کتابخانهٔ ملی ملک د
طهران بخط خود خریدن نسخه را بسال ۱۳۴۰ یادداشت نموده وشر
حال ومعرفی مختصری ازابوالفرج نیز نگاشته ونیز درحاشیه ص ۳ نسخ
یادداشتی کرده است وازقرائن پیداست که همین نسخه درهنگام چاپ
وتصحیح دیوان در دست ناشر بوده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۶۴ . صفحه ای ۱۴
بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷۲** .

### دیوان ابوالفرج رونی

ابوالفرج بن مسعود رونی از شعرای قرن پنجم واوائل ششم هجری وبا
مسعود سعد سلمان وسنائی ومختاری معاصر و انوری را بسبك وی رغبتی بوده
و اشعار خود را دارای متانت ابیات ابوالفرج معرفی کرده چنانکه گوید :

درمتانت خیل اقبالت چو شعر بوالفرج درعذوبت مشرب عیشت چو نظم فرخی

در دیوان مسعود سعد سلمان شکایتی از ابوالفرج دیده میشود وصریحاً او را موجب ومسبب حبس خود دانسته و از آنهاست :

بوالفرج شرم نایدت که زخبث در چنین حبس و بندم افکندی

ونیز مدائحی ازاو دردیوان وی یافت میشود که صریحاً خود را شاگرد و ابوالفرج‌را استاد خویش معرفی نموده واین چند بیت از آنجا نقل میگردد ، ( درجواب قصیده ابوالفرج است که درتهنیت ساختن قصر بمسعود سعد نوشته ) ،

خاطرخواجه بوالفرج بدرست گوهرنظم و نثررا کان گشت

بوالفرج ای خواجهٔ آزاد مرد هجر وصال تو مرا خیره کرد

آقای ناصح شاعر و دانشمند معاصر درشرح حالیکه در آخر دیوان چاپی ابوالفرج نگاشته بعیددانسته‌اند کهابوالفرج‌شاعر که‌چون‌مسعود ـ مدح‌مدّاح سلاطین و وزرا وامراء معاصروقرین یکدگر بوده‌اند ، موجب حبس مسعود شده باشد وبدین سبب قائل به دو ابوالفرج معاصرمسعود سعد گردیده‌اند ولی‌ظاهر اینست که منافاتی ندارد ابوالفرج رونی (۱) هنگامی با مسعود دوستی کامل داشته باشد ودرتهنیت قصروی شعر گوید وهنگامی هم باوی معارض شود ودرپیشگاه پادشاه از او سعایت نماید واثر کامل هم کند وجز ایشان کسی دیگر را نیافتم که چنین احتمالی داده باشد .

درسال وفات ابوالفرج اقوالی‌چند ضبط گردیده ، آقای قزوینی ( ص۱۴۲ حواشی چهارمقاله) سال۴۸۹ را ازتقی‌الدین کاشی نقل نموده وخودایشان بااین دلیل که دردیوان وی مدائحی ازسلطان مسعودبن‌ابراهیم غزنوی(۴۹۲ـ۵۰۸) موجود است وفات شاعر را مسلماً پس از سال ۴۹۲ دانسته اند ، مؤید و مرجحیکه نگارنده براین قول یافته این دوبیت زیرین‌ازقصیده ابوالفرج میباشد که در ص ۸٦ نسخه این کتابخانه و ص۱۰٦ وحاشیهٔ آن از دیوان چاپی‌شاعر موجود است :

---

(۱) رونی منسوب به رونه بضم راء مهمله وسکون واومیباشد که ازتوابع‌لاهور بوده واینکه درگز ازدهات خاوران‌خراسان ودرماجزء نیشابورمعرفی شده اشتباه و گذشته‌ازاشارهٔ خود شاعر ، عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به شاعرمیباشد اورالاهوری‌المولدوالمسکن دانسته است .

خسروا بنده را بلوها ور در مدیح تـو شعرهاست متین
هریکي کرده راوئی انشاد در سنهٔ اربع و سنهٔ تسمین(۱)
مگراین قطعه کاندرین خدمت بنده برخوانـد و کند تضمین

واین ابیات میرساند که تاسال۴۹۴ وچندي پس از آن ابوالفرج زندگان
را بدرود نگفته بوده .

این دیوان که مشتمل برقصائد ومقطعات وغزلیات ورباعیات میباشد بامقا
باپنج نسخه وتصحیح خاور شناس معروف روسي **جایکین** و حواشي و تعلیقا
و شرح حال شاعر ، بقلم آقای ناصح( محمد علی ) بسال ۱۳۰۴ ـ ۳۰۵
خورشیدی هجری در تهران چاپ شده و این نسخه چاپی در حدود (۲۰۰۰
دوهزاربیت است (۲).

**آغاز :** غزوگوارنده پادشاه جهانرا ناصر دین داعی زمین و زمان

## ۹۳۷

**دیوان**
**ادیب صابر**

این نسخه رابسال ۱۲۸۴ بخط نستعلیق خیل
خوب محمد علی حسینی متخلّص به **وجدی**
بدستور بیوك خان افشارسرتیپ فوج مراغ

(۱) در نسخه چاپی بجای کلمه « بلوهاور » بنقل ازپنج نسخه ( درمتن
جلهٔ «دراین دوسه سال » نوشته شده و گوید فقط درنسخه حاج حسین آقای
ملك « بلوهاور » است و کلمهٔ « راوئی » مصرع سوم درمتن دیوان چاپی بهمین نحو
ضبط گردیده ولی درحاشیه نسخه بدل آن ازنسخ دیگر « راشده وناشدی » نقل
شده و نگارنده احتمال میدهد کلمه « راشدی » بوده و این تخلص شاعری
معاصر ابوالفرج وراوی اشعار شعرای خارج از دربار بوده است .

چنانکه در حاشیهٔ ص ۱۰۶ دیوان چاپی تذکر داده شده درسنه اربع وسنه
تسمین درنسخه ها جزاین طرز « درسنه اربع وسنه تسمین » ـ « درسنه اربع
وسته تسمین » و « درسنه اربع و ماته ستین » ونیز در سنه اربع ماته ستتین
ضبط گردیده وغلط بودن بعضی ازنسخ وتحریف برخی مسلّم است .

( حاشیه (۲) درصفحهٔ ۲۱۱ )

نوشته ، سرلوح زیبائی درصفحهٔ نخستین موجود و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه طلا اندازی شده و تمام صفحات بجدول بطلا ولاجورد میباشد و عناوین قصائد و غیره باشنجرف نگارش یافته و شامل درحدود ٤٩١٤ بیت میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ ترمه. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ١٧٤ . صفحه ای ١٥ بیت . طول ٢٦ سانتیمتر . عرض ١٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **١٣٦٩٧** .

## ۹۳۸

**دیوان ادیب صابر**

این نسخه را بسال ۱۳۳۶ عبرت مصاحبی نائینی بخط نسخ خوب نوشته ، قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات آن مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی است و بنابر شمارهٔ این نگارنده درحدود ٥٣٣٤ بیت میباشد ، پیش از شروع بدیوان فهرست قصائد وغیره نوشته شده ، و پیش از آن نیز شرح حالی از ادیب نگارش یافته و برگهای ننوشته ای جلو دیوان و در آخر آن میباشد و پشت صفحهٔ نخستین عبدالحسین سردار معظم خراسانی بخط خود درسال ۱۳۲۷ شرحی در معرفی از این نسخه و اینکه وی بجمع و ترتیب آن پرداخته و این دیوان تاکنون چاپ نگردیده و نسخه برای کتابخانهٔ وی نوشته شده ، نگاشته است.

---

(بقیه حاشیه (۲) از صفحه ۲۱۰)

(۲) این شرح بانگاه کردن به **لب** ج۲ ص۲٤۱-۲٤۵ ، **ما** ج۱ ص۷۰ ، **گز** ص۸۱۵ ، حواشی **چا** ص۱٤۲ وشرح حال ابوالفرج بقلم آقای ناصح پیوسته دیوان چاپی نگارش یافته است .

جلد مقوائی ظریف. عطف و گوشه تیماج . کاغذفرنگی . قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۱۵۲ . صفحه‌ای ۱۸ بیت . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض ½ ۱۲ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۵** .

## دیوان ادیب صابر

**ادیب صابر** صابر بن اسمعیل ترمذی(۱) ملقب به شهاب‌الدین(۲) ومتوفی بسال ۵۴۶ یا ۵۴۷(۳) ، یکی ازشعرای نامی فارسی زبان میباشد ، ازاشعاروی کمال فضل او ظاهر و هویداست و معلوم میشود که بدیوانهای شعرای عرب بسیار نگاه میکرده وازافکار آنان استفاده مینموده و خود بدین مطالب تصریح کرده ، معاصر رشید وطواط ، خاقانی ، معزی ، نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان وسنائی بوده ومربی وی ابوالقاسم مجدالدین علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی است که اورا **رئیس خراسان** مینوشته اند وادیب بنام و کنیه ولقب وشهرت مکرر ازاو یاد نموده(٤) است .

این شاعر درپیشگاه سلطان سنجر سلجوقی ( ۵۱۱-۵۵۲ ) مقام‌ومنزلتی داشته اورابنام رسالت پیش‌اتسزخوارزمشاه (۵۲۱-۵۵۱) فرستاد ، اتسز وی را پیش خود نگاه داشت وادیب را دربارهٔ وی مدائحی است ، گویند که اتسز

(۱) شرح حال ادیب صابر را درص ۱۱۷ - ۱۲۵ ج ۲ لب ، ص ۸۱٤ گز، ص ۹۲ - ۹۳ تذ ، ص ٦۹٦ - ۵۰۰ هم(م‌د) ، ص ۳۱٤ - ۳۲۵ ج ۱ ما ص ۳٦۵ ج ۲ طق و ص ۲۵۰ - ۲٦۰ ج ۱ سخ ملاحظه نمائید .

(۲) لقب مشهورادیب صابر شهاب‌الدین است ولی درمقدمه نخستین نسخه این فهرست ونسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار بنقل ازتاریخ غزالی جلال‌الدین ضبط گردیده وتخلص ادیب همان صابر میباشدکه نام وی است ولی عموماً در قصائد وغزلیات تخلص ندارد .

(۳) در **تذ** و **ما** و**سخ** وفات ادیب بسال ۵٤٦ و در **هم** بسال ۵٤۷ ثبت گردیده است .

(٤) حمایت و کنفِ دین مجد مجدالدین ز شرم عادت او دین مجد را مأمن
جلال آل پیمبر علی بن جعفر که ذات کامل او چون علی است درهر فن
...............
ابوالقاسم علی تاج المعالی که چرخ فضل وخورشید وتبار است
ودرغزلی است .
ابرسخن حدیث وحکایت به بحر و بر از مجلس رئیس خراسان کند همی

دونفر را برای کشتن سنجر بمرو فرستاد، ادیب این خبررا بانشانی آن دوشخص به سنجر آگاهی داد وبدین‌وسیله ،وی از کشته شدن رهائی یافت وآن دونفرراهم کیفر داد ، اتسز چون دانست که این خبرگزاری را ادیب کرده فرمان داد بشب اورا درجیحون انداختند .

اشعاریکه از ادیب باقی مانده قصائد و مقطعات وغزلیات وترکیب بندها و رباعیات است و بزرگترین نسخه ایکه نگارنده دیده دومین نسخه این کتابخانه است که شامل ۵۳۳٤ بیت میباشد وتاکنون چاپ نشده و ۹٤ بیت در لباب و ۷۰۰ بیت درمجمع‌الفصحا و۱۷۲ بیت در سخن و سخنوران از ادیب انتخاب و چاپ گردیده است .

**آغاز:** (۱) نوبهار بدیع بی همتا همتی بذل کرد در صحرا

## ۹۳۹

**دیوان ازرقی هروی** این نسخه را بخط نسخ عبرت نائینی ( محمد علی بن عبدالخالق ) بخواست سردار معظم خراسانی بسال ۱۳۳٦ نوشته ، شامل قصائد ومقطعات ورباعیات ازرقی است و در حدود ۲٤۰٦ بیت میباشد ، هریك ازبخشهامرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی‌میباشد ، چند برگ ننوشته جلو دیوان گذارده شده بر برگ دوم فهرست قصائد (ظاهراًبخط مالك‌نسخه) موجود وپشت جلد درونی نوشته شده که متعلق بکتابخانه سردار معظم خراسانی است .

(۱) دومین نسخه این کتابخانه آغاز آن چنانکه نقل گردید جز این بیت است ونخستین نسخه این فهرست ونسخه کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار پیش از این بیت شرح حالی از ادیب صابر میباشد و آغاز آن اینست : بسمله ملك‌الشعرا جلال‌الدین ادیب صابر شاعری است مشهور ، از افاضل شهر ترمد ودر تاریخ غزالی خواندم که چون الخ .

جلد مقوائی ظریف. عطف و گوشه تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۹۹. صفحه‌ای ۱۳ بیت. طول ½ ۲۱ سانتیمتر، عرض ½ ۱٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۱۵**.

## ۹۴۰ و ۹۴۱

**دیوان ازرقی هروی**

این نسخه پیوسته به دیوان سوزنی است و بسال ۱۲۸۷ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده، چنانکه در آخر آن حاج مشتری شاعر (محمدابراهیم) بخط خود (بسال ۱۲۹۹) نگاشته بامر ایشان میرزا راقم آنرا نوشته و از اینکه نویسنده گوید جهت خان باشی تحریر شد و حاج مشتری نزدیك همان سطر نوشته که برای من نوشته شده معلوم میشود که لقب مشتری «خان باشی» بوده و شامل قصائد و مقطعات ورباعیات چندی میباشد و در حدود ۱۸۵۰ بیت است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگهای دودیوان ۲۲٤. این دیوان ۸۸. صفحه‌ای ۱۱ بیت. طول ۲۱ سانتیمتر. عرض ۱٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۸**.

نسخه دیگری ازاین دیوان پیوسته نخستین مجموعه اشعاری‌است که در این فصل معرفی میشود و خصوصیات آن در آنجا نگاشته خواهد شد.

### دیوان ازرقی

ابوبکربن اسمعیل ورّاق هروی متخلص به ازرقی (۱) از شعرای مشهور

(۱) شرح حال ازرقی را درص ۸٦-۱۰٤ و ۳۱۸ - ۳۱۹ ج ۲ لب، ص ۴۳و٤٤ و۱۷۱ - ۱۷۸ چا، ص ۸۱٤ گز، ص ۱۳۹ ج ۱ ما و ص ۵۳٦-۵٤۲ هم (م د) نگاه کنید.

ایران میباشد ، بعضی لقب وی را افضل الدین وپاره ای زین الدین ثبت کرده‌اند ومشهور اینستکه بسال۵۲۶ یا۵۲۷ وفات یافته وآقای قزوینی بادله ای ثابت کرده اند که وفات وی پیش ازسال۴۶۵ که سال جلوس ملکشاه میباشد بوده.

گذشته ازدیوان‌اشعاردو کتاب یکی « الفیه وشلفیه » ودیگری « سندباد» به ازرقی نسبت داده شده (۱) ولی نسخه آنها دردست نیست .

پدر این شاعر اسمعیل وراق است که فردوسی را ششماه درخانه خودپنهان وازشر سلطان محمود نگاه داشت ، ممدوح ازرقی طغانشاه بن ارسلان حاکم هرات میباشد نه طغانشاه بن مؤید پادشاه نیشابور که ازسال ۵۶۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته است .

دیوان ازرقی شامل قصائد ومقطعات ورباعیات میباشد وبزرگتر ازنخستین نسخه این فهرست را سراغ ندارم وتاکنون جز ۲۲۴ بیت که درلباب‌الالباب و ۷۶۲ بیت در مجمع‌الفصحا از آن انتخاب و چاپ شده باقی اشعار آن چاپ نگردیده است .

**آغاز :** چه جرمست این که هرساعت زموج نیلگون دریا
زمین را سایبان بندد به پیش گنبد خضرا

## ۹۴۲

**دیوان ارسلان**

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، از قرائن ظاهر است که در اواخر قرن دهم و در زمان حیات شاعر ( ارسلان ) نگارش یافته ، احتمال دارد که خط خود وی باشد ، درحاشیهٔ برخی از برگها ابیات و غزلیاتی که پس از نگارش نسخه انشا شده نیز بخط خیلی خوب که شاید

(۱) درص۸۱۱و۸۴۴گز ، ص ۴۱۸ - ۴۱۹ ج ۱ لب (بخش‌حواشی) و ص۱۷۱ - ۱۷۴ چا ( بخش‌حواشی ) راجع به این دو کتاب شرحی نگارش یافته است .

نویسندهٔ آن همان نویسندهٔ متن باشد نگاشته شده ، صفحهٔ نخستین دارای سرلوحی زیبا و تمام صفحات بجدول بطلا و زنگار وشنگرف میباشدوچند برگ ازنسخه وصالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۴۳ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول۲۳ سانتیمتر . عرض $13\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۲۴۲** .

## دیوان ارسلان

قاسم مشهدی(۱) از اولاد های ارسلان جازی است که ازامراء معروف سلطان محمود سبکتکین بوده وبدین مناسبت **ارسلان** تخلص میکرده وچنانکه خوشگو گوید در ماوراءالنهر نشو و نما یافته و بهندوستان شتافته مورد لطف ومراحم اکبرشاه قرار گرفته وازاین راه برگ ونوا یافته ودرنستعلیق نویسی او را **میرعلی ثانی** میگفتند وشاعری خوش سلیقه و خوش گفتار بوده ودر تاریخ یابی ازمعاصرین برتری داشته ودرسال نهصدو نود و پنج (۹۹۰) (۲) بسرای دیگر شتافت .

دیوان ارسلان مشتمل برغزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی وقطعاتی‌است که بیشتردرتاریخ تولد شاهزادگان وفتح هایاکبرشاه ومسافرتهای او است و دارای رباعیات و فرد های لطیف میباشد ، رباعیاتی هم در جواب « شهر انگیز لسانی » دارد و اشعار ارسلان چندان سبك هندی ندارد و تمام دیوان‌درحدود (۱۰۰۰) یکهزار بیت میباشدوازغزلیکه بمناسبت‌اتمام عَلَم (بیرق) زرنگاربرای‌آستان حضرت امام رضا علیه‌السلام سروده تشیع او ظاهر و آشکار وچنانکه ازاشعار او برمی‌آید مرید شیخ احمد جام بوده است .

**آغاز :** ساقی ز عکس می شده روشن ضمیر ما
جامی بده که عارف جام است پیرما

---

(۱) ارسلان درمطلع غزلی گوید :
از قاسم طوسی چه زنی طعنه ناموس کی دوست‌دلان طعنهٔ‌دشمن زده بودند
(۲) درص ۶۲ شمع انجمن وفات وی بسال ۱۰۹۵ ضبط شده و مسلماً اشتباه است ومندرجات دیوان وی بهترین مؤید است .

۹۴۳

**دیوان اشتها** این نسخه را بخط شکسته نستعلیق میرزا فتح‌الله نوشته(۱)، بر سه ورق کاغذ نانوشته‌ای که در آخر بوده غزلیات دیگری از شاعر که در دیوان گذارده نشده نگارش یافته و پشت صفحهٔ اول نسخه مطالبی متفرقه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ٥٤. صفحه‌ای ١٤ بیت. طول-$\frac{1}{2}$ ٢٠ سانتیمتر. عرض-$\frac{1}{2}$ ١٥ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۱۱۱**.

## دیوان اشتها

میرزا عبدالله بن فریدون گرجی مشهور به **میرزا اشتها** بسال ١٢٤٥ در اصفهان متولد شده، آقا محمدخان قاجار پدر او را با چندتن دیگر از نجای گرجستان به ایران آورده و اشتها در اصفهان بدینجهان پا گذارده، در اوان جوانی بتحصیل علوم ادبیه پرداخته و از صرف و نحو و منطق و کلام و عروض و قافیه بهره‌ای گرفت و از خط حظی وافر یافت و از این راه کسب معاش مینمود، طبع وی بگفتن اشعار قادر و در اوائل **سرگشته** تخلص مینموده ولی در اواخر **اشتها** تخلص کرد و بسال ١٢٨٩ وفات یافت و عباسقلی خرّم تخلص بختیاری این رباعی را در تاریخ وفات وی انشا کرده:

افسوس که اشتهای بافضل و هنر　　از ملك فنا سوی بقا کرد سفر
گفتا پی تاریخ وفاتش خرّم　　«ای وای که اشتها نداریم دگر»

اشعار این دیوان غزلیاتی بطرز حافظ شیرازی ولی مشتمل برنام اقسام خوراکیهاست و از این جهت نظیر بسحق اطعمه میباشد و بد هم نگفته اگرچه بسیار

(۱) بالای صفحه اول نسخه، نویسنده خود را فتح‌الله نوه شیخ قاسم نجفی معرفی و نگارش را بسال ١٢٩٢ معیّن نموده و در صفحهٔ آخر دیوان خود را فتح‌الله بن میرزا نصرالله بسال ١٢٩٤ شناسانده و ظاهراً هر دو خط از یك نفر با فرق خوبی و بدی آن میباشد.

مدح کله و پاچه دارد ، بنابر آنچه درمقدمه این نسخه نوشته شده ، میرزانصرالله بن محمد شفیع خوشنویس اصفهانی که میرزا عبدالله اشتها چند سال معلم خط اطفال وی بوده ، برحسب خواست جمعی بجمع و تدوین وتصحیح اشعار اشتها که متفرق بوده ، پرداخته واین دیوان را ترتیب داده است .

دیباچه این دیوان را علی مخمد منشی پسر محمدعلی منشی انشا نموده واطلاعات راجع باین شاعر از آنجا اقتباس گردید ومیرزا نصرالله مذکور درحواشی این دیباچه مطالبی اضافه نموده ودیباچه را به غزلی از اشتها که مطلع آن زیراین سطر آورده میشود ختم کرده است :

هر که شود کاسه لیس آل محمد    بر خوزد از سفره نوال محمد

این دیوان درحدود ۱۰۰۰ بیت است .

**آغاز**دیباچه : بسمله حمد بیحد و ثنای بیعد و ستایش بیمدد خداوندی راسزد که در کشور هستی ودائره وجودالخ .

**آغاز** دیوان : بسموم ان زتریاقی نداند رحم بردلها
الا یا ایها الساقی ادر کاسا وناولها

## ۹۴۴

## دیوان اشعری

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، از قرائن چنین استفاده میشود که بخط خود شاعر ونخستین نسخهٔ پاکنویس شده است وبخشهای نسخه بدین تفصیل میباشد : ۱ ـ قصائد وتغزّلات که بیشتر آنها درمدح ائمه اثنی عشرم وپادشاهان معاصر وپادشاه زادگان وامراو وصف بهاروخزان میباشد (ازص ۱-۳۷۸) در حدود ۶۵۰۰ بیت . ۲ ـ قصائد و مثنویات عرفانی و حکایات تاریخی است وظاهر اینستکه پیش نویس است (ازص ۳۸۱-۳۹۸)

درحدود ۵۵۰ بیت . ۳ - غزلیات مرتبهٔ برحسب قوافی بحروف تهجی ( ازص ۴۰۰-۵۳۱ ) درحدود ۲۱۰۰ بیت . ۴ - رباعیات ( ص ۵۳۲ - ۵۳۷ ) ۶۰ بیت . ۵ - ترجیعات (ص ۵۳۷ - ۵۵۲) درحدود ۲۶۰ بیت. ۶ - مثنوی به‌سبک مثنوی مولوی (ص ۵۵۲-۵۶۱) درحدود ۱۷۰ بیت . ۷ - مثنوی به سبک شاهنامه فردوسی در ذکر وقایع تاریخی اواخر فتحعلیشاه واوائل محمدشاه (ص ۵۶۲ - ۵۹۰) درحدود ۴۵۰ بیت . ۸ - شنگول ومنگول نامه یاگربه نامه ، این مثنوی درحدود ۱۷۰ بیت میباشد ( ص ۵۹۰ - ۵۹۸ ) و درآخر این مثنوی شکایت‌ازیاران نموده واشاره ای به‌تنگدستی وخانه نشینی خودکرده است . ۹ - قصائد واشعار متفرقه ( ص ۶۰۰-۶۱۶ ) درحدود ۲۵۰ بیت میباشد .

درحاشیهٔ بعضی ازصفحات ابیاتی ازاقسام نام برده وجود دارد، میان صفحهٔ ۱۱۰ و ۱۱۱ برگهائی افتاده ونیمی از برگ شامل ص۱۱۱و۱۱۲ پاره شده است .

بخشی ازبخش نخستین افتاده و نخستین بیت صفحهٔ یك کنونی اینست :

دل میبری بعشوه و درپرده میبری
چالاکتر زتو نبود هیچ دل ربا

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی آبی وزرد . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۰۷ . صفحه‌ای ۱۸ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۱ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۶۲۳۲** .

## دیوان اشعری

اشعری شاعری با قریحه ودارای طبعی بلند ولی هجو سراست ، فتحعلیشاه ونائب السلطنه و محمد شاه وناصرالدین شاه و شاهزادگان وامرا واعیان آن دوره را مدائح گفته واز مندرجات این دیوان معلوم میشود که اصل وی از اصفهان بوده (۱) ولی چندی درتبریز اقامت گزیده وظاهراً دراواخر(۲) بطهران آمده درتذکره ها و کتب تاریخ که دراین عصر نوشته شده نام واثری ازاین اشعری نیافتم ، دراین دیوان از حالات خود اطلاعاتی بدست میدهد ، و تصریح نموده که درطلب حقیقت این در و آن در را زده وبالاخره راه نجات را منحصر در پیروی ازشریعت پیغمبرخاتم صع دانسته، بامیرزا محمدعلی سروش دوستی ورفاقت داشته ودرقصائد وتغزلات این دیوان نام وی مکرردیده میشود ، نسبت به اهل بیت پیغمبرص مخصوصاً حضرت مولا علی‌بن ابی طالب علیه السلام ارادت زیاد داشته ودرمدائح ومراثی ایشان اشعارزیاد دارد ، محتویات این دیوان عبارتست ازقصائد وتغزلات وغزلیات ورباعیات ومثنویاتی به تقلید مولای روم وفردوسی وتمام دیوان درحدود ده هزاروپانصد (۱۰۵۰۰) بیت است .

### ۹۴۵

**دیوان اکبر اصفهانی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگهای زیادی از آن افتاده و بسیاری از آنهاهم جا بجاگذارده شده ، به ترکیب بند

---

(۱) مندرجات ص ۲۵۳ و ۲۵٤ دیوان دیده شود .

(۲) از اشعار وی بدست نیاوردم که تا چه سالی زندگانی میکرده ولی ازاین بیت .

غرض بفکر توان دید روی جانانرا     بخواب امروزهمچون هزاروسیصدوپنج

که درص۶۲ میباشد بدست می‌آید که تا آخرسال۱۳۰۵ (قمري هجری) در این جهان بوده وبرحسب قرائن دراین سال کمترازهشتاد سال نداشته است .

شروع و به مقطعات بپایان میرسد ، ظاهراً ازخطوط نیمه اول قرن یازدهم هجری است .

صفحات مجدول بطلا است وبدین بیت آغاز گردیده :

باردیگر برسرسوزو گدازم داشتی
درمیان راه عشق ازراه بازم داشتی

وانجام نسخه این بیت است :

خداوندگیتی نگهدار بادش    ممالك ستان بادو اقلیم پیرای

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۲۹ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۷۵ .

## دیوان اکبر اصفهانی

در کتب تذکره‌ایکه دردست نگارنده است بنام وشرح حال این شاعردست نیافتم(۱) ، ازمندرجات دیوان بدست می‌آید که جوانی دانشمند وشاعری سخن سنج بوده وطبعی بسیار مقتدر داشته وقصیده و غزل را خوب میسروده و اصلا عراقی ومنشأوی اصفهانست(۲) ، آرزوی رفتن بهند داشته وبدانجا رفته وچندی

(۱) درص ۶۳ ج ۲ ما زیرنام اکبر اصفهانی شاعری راکه علی‌اکبرنام داشته وازسادات حسینی بوده معرفی و چند بیت از او انتخاب کرده و مسلماً صاحب این دیوان شاعرنامبرده نیست چراکه وی ازشعرای معاصر مؤلف بوده ( نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری ) و بادقت زیاد سیادت صاحب دیوان معلوم نگردید بلکه قرائنی برعدم آن در دیوان وجود دارد و در ص ۸۴ و ۱۰۹ نص دونفر محمد اکبرنام یکی قزوینی ودیگری اصفهانی ازشعرای قرن یازدهم معرفی شده ولی ظاهراً جز این شاعراند .

(۲) در ص ۳۷و گوید : شراب خانه پرورد عراقست این زلال فیض
مجو از شیشه شیراز یا جام خراسانش

و درص ۴۱٤ نسخه است : گرچه صفاهان نخست منشأ من بود
شد دلم اکنون ازشوق جای صفاهان

درآنجا مانده ولی ازابیات این دیوان معلوم میشود که ازهند خوشش نیامده و هوای زندگانی دراصفهان درسروی پیدا شده ودرقصیده‌ای (ص۴۱۲-۴۱۶) علاقمندی خودرا بدان آب وخاك وترجیح هرچیز حقیر ومختصر آن برنعمتهای شریف ومفصل هندگنجانیده ونیز بدست می‌آید که چندی درتوران بوده و **ندرمحمدخان**(۱) پادشاه آنجارا مدح کرده (ص۳۹۴) ولی صله قصیده خود را اجازه رفتن بوطن تقاضا نموده و در قصیده ای که شکایت از روزگار نموده ازتوقف دربلخ وبدی اخلاق وروحیات اهالی آنجا شکایت نموده(ص۴۲۵) وبمداحی شاه عباس (ص۳۶۹) وشاه سلیم(۲) (ص۴۰۷-۴۱۲) پرداخته وقصائدی در وصف فرح‌آباد(۳) واشرف ونقاط دیگر در این دیوان موجود وعلاقمندی خودرانسبت به خاندان پیغمبراکرم صم صریحاً اظهار وتشیع خودرا علناً بیان وازآنها این بیت (ص ۴۳۱) میباشد ،

هر کسی بیماری خود را طبیبی جسته است
دست دامان من و دامان آل مصطفی

و درصفحات ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۷ و۴۳۹ نیز برتشیع وی تصریح هائی است ودرص ۴۴۲ ماده تاریخی برای مرگ عموی خود سروده که بیت شامل تاریخ آن اینست :

خرد فکر تاریخ آن کرد گفت　　محیط کرم سربگرداب برد = ۱۰۲۲

واین نیز عصر وزمان شاعر را بخوبی معین مینماید .

درمقطع غزلی (ص ۲۴۳) که بدین بیت شروع شده :

ای خداوند حی سرمد من　　تو بدل کن به نیکوئی بدمن

گوید: من ترانام کرده اکبرخویش　　تو مرا خواندهٔ محمد من

---

(۱) در ص ۱۹۴ ج ۲ منتظم ناصری ثبت شده که ندر محمد خان پادشاه بخارا بسال ۱۰۵۶ به ایران پناهنده شده ودرهمان سال درسبزوار وفات یافت و نیز درص ۱۷۵ ثبت گردیده که بسال ۱۰۳۱ ایلچی بدربارشاه عباس فرستاد .

(۲) درص ۱۷۴ ج ۲ منتظم ناصری مذکور است که سلطان سلیم که یکی از پادشاهان هند بود بسال ۱۰۲۷ ایلچی باهدایا وتحف بدربارشاه عباس فرستاد .

(۳) - درص ۱۷۰ ج ۲ منتظم ناصری است که شاه عباس بسال ۱۰۲۰ در کنار بحرخزر درحوالی آبسکون در استراباد جائی سبز و خرم یافت بعمارت آنجا پرداخت وفرح آباد نام نهاد وقبل از این آنجا را طاهان می‌نامیدند .

بنابراین نام شاعر **محمد** و تخلص وی **اکبر** بوده و شاید اصلا نام وی **محمد اکبر** بوده است .

ازمندرجات دیوان اکبر استفاده میشود که ازعلوم ادبی وریاضی و حکمی بهره‌مند بوده و درسیر وسلوك قدم گذارده و نسبت به شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارادت میورزیده واشعار حماسی بسیار دارد و خود را بردیگر شاعران ترجیح میدهد وازآنهاست :

هر کس که هست درنظرم بی‌بضاعتست غیرازحکیم غزنی وخلاق اصفهان
خلاق را بمن شرف از اوّلیتست خلاق معنیم ز کمال سخن وری

نسخه نام برده بالا بااینکه افتادگی دارد شامل درحدود ۷۲۰۰ بیت ازغزل، ترکیب‌بند وغزل وقصیده وقطعه میباشد وچنانکه خوداکبر تصریح نموده رباعیاتی هم داشته ولی نسخه این کتابخانه رباعی ندارد .

**۹۴۶**

**دیوان الفت اصفهانی**

این نسخه را شاعر بخط شکسته نستعلیق خوب بسال ۱۲۹۹ نوشته ودر آغاز وانجام نسخه بنام و تخلص خود تصریح نموده و درآخراشاره نموده که نگارش آن برای مهدیقلیخان بوده وچنانکه ازقرائن ظاهراست مرادش جناب حاج مخبرالسلطنه هدایت است .

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۶۶ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض $11\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۹۶۳** .

## دیوان الفت اصفهانی

بنابرتصریح در آغاز و انجام نسخهٔ این کتابخانه نام این شاعر محمد کاظم و متخلص به **الفت** بوده ولی درص ۲۱۶ المآثر والآثاربدین عبارت معرفی گردیده :

« میرزا کاظم بن زین‌العابدین بیک نوری الاصل اصفهانی‌المسکن از شعرای بزرگ آن خطه بود و**الفت** تخلص مینمود وبیکلفت شعر میسرود » .

درجای دگر نام ونشانی ازاین شاعر نیافتم ومسلماً نام برده شده درالمآثر همین شاعر صاحب دیوانست وچنانکه ازمندرجات این دیوان استفاده میشود دراطراف ایران گردش مینمود وبهندوستان رفته ووزراء وامراء و اعیان وشاهزادگان را مدح ها گفته و پیشترین تاریخی که در اشعار وی یافته ام بسال ۱۲۸۱ میباشد و درقصیده ایکه درمدح وزیرعلوم آنعصر انشا نموده یادی از مرحوم هدایت کرده ودرحاشیه خود وی نگاشته که پدر ممدوح بوده ودراین قصیده سال عمر خوددرامیان چهل وپنجاه معین نموده وچون میدانیم که مرحوم هدایت (رضاقلیخان) بسال ۱۲۸۸ وفات یافته وعلیقلیخان مخبر الدوله پسروی بسال ۱۲۹۸ (۱) وزیرعلوم گردیده بدست میآید که درحدودسال ۱۲۵۳ شاعر بدینجهان آمده ونیز ازطرز عبارت المآثر برمی آید که درهنگام تألیف آن کتاب (۱۳۰٦) جهانرا بدرود گفته وچون این نسخهٔ ازدیوان خودرا بسال ۱۲۹۹ نوشته میان سال ۱۲۹۹ و ۱۳۰٦ وفات یافته است .

نسخه این دیوان ۱ ـ شامل غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب ردیف ها ( ص ۱ ـ ۹۲ ) ، ۲ ـ قصائد ( ص ۹۳ ـ ۲۰٤ ) ، ۳ ـ مسمطات و قطعات و رباعیات ( ص ۲۹٤ ـ ۳۱۵ ) میباشد و در آخر خود شاعر تصریح نموده که هزلیات وهجویات که درنسخه اصل موجود بود چون مهدیقلیخان راغب اینگونه مطالب نبود نگارش نیافت ومندرجات کنونی دیوان درحدود ۳٤۰۰ بیت میباشد واطلاعات این شاعر ازمطالعه دیوان وی آشکار است .

**آغاز :** خبر ازحق پرستی داد مارا می پرستیها
خوشا آن می پرستیهاو بامعشوق مستیها

## ۹۴۷

**دیوان الفت کاشانی**

از قرائن تصحیح اشعار و تبدیل مصرعها و ابیات وطرز نگارش عناوین ومطالب مندرجهٔ در ص ۱۳۷ و ۲۱۵ و ۲۲۰ و ۲۵۷ و ۲٦۳ احتمال نزدیك به یقین میرود کـه این نسخه را شاعر بسال ۱۲٤۰ بخط خوب خویش نوشته ودرحضر وسفر همراه داشته و در چند

(۱) ازطرائق الحقائق ج ۳ ص ۱۳۱ ـ ۱۳۲ ومنتظم ناصری ج ۳ ص ۳۷۰ نقل شده .

مورد درحاشیه غزلیات یادداشت نموده که در سفر مکّه معظمه در بین الحرمین گفته‌شد وچنانکه ازیادداشتهای نام برده معلوم میشود تاسال ۱۲٤٥ مسلماً زندگانی مینموده و برگهای نسخه پیش و پس شده و افتاده هم دارد و مندرجات آن عبارتست از غزلیات ویك مثنوی فرهاد وشیرین ناقص وقطعه ای درماده تاریخ فوت عیال شاعر وچند نامهٔ منظوم .

بسال ۱۲٦٤ این‌نسخه بدست رضاقلیخان هدایت افتاده وپشت آخرین صفحه دویادداشت یکی‌درمعرفی‌ازصاحب دیوان ودیگری درتاریخ ومحل فوت محمد شاه قاجارنگاشته است .

جلدتیماجی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۳۳ . صفحه ای ۱۲ و ۱۳ بیت . طول ۱٦ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۹۰۷** .

## دیوان الفت کاشانی

میرزا محمدقلی (۱) متخلص به **الفت** بنابر تصریح راوی گروسی وهدایت ازایل افشار بوده ودرکاشان متولد شده ودر اصفهان نشو ونما یافته‌و ثمر نائینی در تذکره خویش ( نسخه خطی این کتابخانه ) اصل اورا از آذربایجان‌دانسته وگوید پدران اورا شاه عباس باصفهان آورده ودر آنجا مسکن داد والفت در این‌شهر بجهان آمده ونشو ونما یافته وهرسه (۲) معاصروی تصریح کرده‌اندکه مقام استیفای حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس را داشته و هدایت نوشته که درخدمت شجاع السلطنه حسنعلی میرزا مستوفی ونامه نکاربوده ودر بسیاری از

(۱) در یادداشت هدایت ومآخذ دیگر نام الفت محمدقلی ثبت گردیده ولی‌دردو نسخه خطی انجمن خاقان این کتابخانه محمدعلی است .

(۲) شرح حال الفت کاشانی رادر تذکره ثمر ( نسخه خطی این کتابخانه ) ص ۱ - ۱۰ و ۱۲۱ ـ ۱۲۸ ، انجمن خاقان ۵۰۱ ـ ۵۰۲ و **ما** ج ۲ ص ۷۲ نگاه کنید .

غزلیات این نسخهٔ ازین دیوان ازوی **حسن‌شاه** تعبیر نموده ودرحاشیه ص ۱۳٤ تذکر داده که مطلع این غزل ازشجاع السلطنه است .

هدایت وفات الفت رادر **ما** بسال ۱۲٤۰ معین کرده و در یادداشتی که بسال ۱۲٦٤ پشت نسخهٔ بالا نموده جای‌سال را باز گذارده و چنانکه گفته شدازنسخهٔ دیوان وی استفاده میشود که تاسال ۱۲٤٥ جهانرا بدرود نگفته است هدایت شمارهٔ ابیات دیوان‌اورا پنجهزار نوشته ونسخهٔ این کتابخانه‌درحدود ۳۰۰۰ بیت غزل ومثنوی و قطعه است ودر تذکره ثمر سیزده بندمرثیه حضرت سیدالشهداء ع و لغزیکه بنام برف ومدح نظام‌الدوله صدر انشا نموده وچند بیت آن در **ما** نقل شده وقطعه‌ایکه نیز درمدح آن ممدوح سروده، مندرج است .

فرهاد وشیرین‌الفت که دراین نسخهٔ ازدیوان موجود است ناتمام و ۲۸۰ بیت میباشد ، موضوع آن معاشقه شمس بانو دختر پادشاه با جوانی گیلانی است و بدین چند بیت شروع گردیده :

| | |
|---|---|
| سحرگاهی که شمس عالم‌افروز | جهان افروز شد چون‌صبح‌نوروز |
| صباحی همچو صبح عید میمون | سعادت با سعادت بود مقرون |
| بهین دخت شهنشاه ملك خسو | فروغ شمس دولت شمس بانو |

راوی گروسی شهادت برحسن خط وخوبی شعر وطبع وی داده ولطافت اشعار وی از غزلیات ومثنوی وی نیزآشکار است .

**آغاز :** ای‌یاد تو همنشین جانها     وی نام تو همدم زبانها

## ۹۴۸

**دیوان امامی هروی**

این نسخه را بسال ۱۳۳۷ عبرت نائینی بخط نسخ خوب بفرمان سردار معظم خراسانی نوشته وابیات هریك ازمباحث آن برحسب قوافی بترتیب حروف تهجی مرتب ودرحدود ۲۰۰۰ بیت میباشد وچندین برگ کاغذ ننوشته پیش وپس نسخه گذارده شده است .

جلدمقوائی. عطف وگوشه تیماج .کاغذ فرنگی اعلا . قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۸۲ . صفحه ای ۱۳ بیت . طول ۱۵ سانتیمتر . عرض ½ ۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷۴** .

نسخه دیگری از این دیوان در ذیل نخستین مجموعه دواوین در همین فصل معرّفی میشود .

## دیوان امامی هروی

امامی هروی یکی از مشاهیر دانشمندان و شعرای قرن هفتم هجری و از اقران سعدی شیرازی و مجدهمگر است (۱) ، بیشتر تذکره نویسان زیر نام **امامی** که تخلص وی بوده بمعرفی او پرداخته اند ، سبب انتخاب این تخلص ارادت وی بهائمه اثنیعشرع بوده وخود وی در پایان ترجیع بندیکه در مدح حضرت علیبنموسیالرضاع انشا نموده (ص ۱۱۱ نسخه) تصریح کرده و گوید:

خاطر من بنده تامدّاح این درگاه گشت ... خلعت خاص **امامی** یافت از رب رحیم
ای امامی مدح آل مصطفی گو تاترا ... دین ودنیاروزوشب هم یار باشد هم ندیم.

ودر پایان قطعهای (ص ۱٤٤ نسخه) جهت دیگری برای این تخلص ذکر نموده و گوید :

ختمست سخن برتو وبارای سخن نیست ... در دور تو کس راکه تو سلطان کلامی
نام تو **امامی** است بلی زیبدت این نام ... برلفظ و معانی چو امیری و امامی.

اگرچه دراین بیت شاعر تصریح نموده که نام من امامی است ولی از قرائن پیداست که امامی تخلص شعری وی میباشد ولی نگارنده باجستجودر دیوان بنام وی دست نیافت در **حر** کنیه او ابو عبدالله و نامش محمد و پدرش ابوبکربن عثمان ثبت گردیده و درهم در دانشمندان هرات زیرعنوان : ابوعبداللهبن ابی بکربن عثمان الامامی معرفی گردیده ودر **قل** بدینگونه : رضیالدین عبداللهبن محمد امامی هروی . ودر دیگر مآخذ نقط بنام امامی شناسانده شده است

مرگ این شاعر در**قل** بروز ۱۷ محرمالحرام سال ٦۸٦ درلنجان اصفهان ثبت گردیده ودر **فو** بنقل از تقیالدین کاشی نیز بهمین سال معین شده ودر**ما** بسال ٦۷٦ نوشته شده است .

---

(۱) این شرح حال بامراجعهٔ به **تذ** ص ۱٦٦ - ۱۷۰ ، **حر** جزء ۱۰ ج ۳ ص ٦۹ وجزء ۲ ج ۳ ص ۷۹ ، **هم** ذیل هرات **آر** ص ۱۵۲ ، **ما** ج ۱ ص ۹۸ و**قل** ص ۳۷ ه نگارش یافته است . ودرتاریخ فوت امامی فخری پدر شمس فخری گوید :

شیخ اصحاب امامی هروی ... مجدهمگر که بود صدر کفات
بدرجاجرمی آن نکو سیرت ... درسپاهان چودر رسید ممات
در ثمانین و ست وستمائه ... بدو مه هرسه یافتند وفات .

دیوان وی شامل مدایح پادشاهان و صدور و وزراء و امراء معاصر میباشد و نگارنده فقط این دوبیت را شامل تاریخ در دیوان وی (ص۴۷ وص۴)یافته :

ششم روز از پنجمین ماه تازی  پس از ششصدو پنجه وهشت‌دیگر

ششصد و شصت وسه از هجرت گذشته تازه کرد

عصمة حق رونق اسلام ازین عالی بنا .

واین تاریخ اخیر راجع به‌بناء مسجدی است که **الغ ترکان** در کرمان بنانموده ودر این قصیده است :

می کند هردم بخاك خطهٔ کرمان‌سپهر  در پناه ساحة دین پرور او اقتدا

مهر اعلا عصمةدنیاو دین کزعدل‌اوست  رونق شرع پیمبر قوت دین خدا

مریم‌ثانی **الغ ترکان** کز استغنانکرد  هرگز اندرهیچ حالی‌جز بیزدان‌التجا

آنکه از بهر تفاخر پادشاهان می نهند  چهره‌چون‌خورشیدبرخاك‌جنابش‌بی‌ریا

در تواریخی که در دست نگارنده است بنام و شرح حال این پادشاه ( الغ ترکان ) دست نیافتم ولی ازاین ابیات امامی زمان ومحل حکومت‌وی(کرمان) معلوم میشود ومیرساند که امامی در آنسال در کرمان بوده ومسلماً اصل وی‌از هرات میباشد وخود وی بدین تصریح کرده ( ص ۱۳۸ نسخه ) وگوید :

خسروا شاها امامی آنکه کرد  فخر زآب شعراو خاك هراه .

امامی چنانکه دولتشاه و دیگران تصریح نموده واز مطالعه دیوان وی‌نیز بدست میآید گذشته از شاعری مردی دانشمند بوده و اطلاعات ریاضی داشته‌و قصیده بائیه‌ذوالرّمه شاعر معروف عرب‌را بعربی شرح کرده ونسخهٔ آن دراین کتابخانه میباشد و مؤلفاتی دگرنیز بعربی داشته است.

چنانکه از دیوان وی استفاده میشود روح تصوف در وی حلول‌کرده و دست ارادت بزین‌الدین هندی داده‌و کمال‌یافته ودراین معنی(ص۶۷ نسخه) گوید:

آب حیوان شدم چودر ره فقر  خاك سلطان اولیا گشتم

زین‌دین پیرهند کز نظرش  نظر رحمت خدا گشتم

سالك راه حق که در قدمش  تاشدم خاك توتیا گشتم

چنانکه گفته شد امامی از معاصرین‌و اقران سعدی‌بوده وبرخی‌از معاصرین اورا براین ترجیح میداده ،محمد پروانه وچند نفر دیگراز مجدهمگر که‌ملك‌الشعرا بوده سئوال کرده اند که شعر تو وسعدی بهتراست یا امامی ، وی در جواب آنها چنین نوشت :

ما گرچه بنطق طوطی‌خوش‌نفسیم  بر شکر گفتهای سعدی مگسیم

در شیوه شاعری به اجماع امم هرگز من وسعدی بهامامی نرسیم
ولی اینك كه نزدیك هفت قرن ازاین دو معاصر گذشته وما آثار آنانرا از نظر میگذرانیم باانصاف تمام نمیتوان این ترجیح مجدالدین همگر را تصدیق نمود وبگفتهٔخودسعدی در این باب ختم سخن میکنیم :

**همه گویند سخن گفته سعدی دگر است .**

هدایت تذکر داده که دیوان امامی از دوهزار بیت متجاوز استوچنانکه گفتهشد نسخه نامبرده بالا در حدود دوهزار بیت ونسخه دیگر که زیر نخستین مجموعه دواوین معرفی میشود در حدود دوهزار و دویست ( ۲۲۰۰ ) بیت از قصیده و ترجیع و ترکیب بندو قطعه وغزل ورباعی میباشد وتا کنون چاپ نشده است .

**آغاز :** سحر که در جهان جان بعون مبدع اشیا
مسافة قطع میکردم زلا تا حضرت الّا

۹۴۹

دیوان
امید نهاوندی

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق **خداداد** بسال ۱۲۹۷ نوشته، درص ۱۷ غزل **صحبت لاری** که بغلط نسبت به **قرةالعین** داده شده باقید به اینکه از اشعار این زن میباشد نوشته شده ، پشت صفحه اول یادداشت شده که این نسخه بفرموده میرزا ابراهیم خان نوشته شده و بربرگی که پیش از برگ نخستین میباشد **نصراللهنهاوندی** متخلص به **طالب** ابیاتی از یوسف و زلیخا ناظم هروی نقل کرده وبربرگ آخر نسخه نیز اشعار صحبت رانویسندهایکه بربرگ نخستین دیوان یادداشتهائی دارد ، نگاشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۰۰ . صفحهای ۱۳ بیت. طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۶۶۴** .

## دیوان امید نهاوندی

برحسب ضبط درمقدمه نسخهٔ این کتابخانه ومآخذ نگارش این‌شرح ، نام‌امید **میرزا ابوالحسن** واز قصبهٔنهاوند واعیان آنجا بوده (۱) ، دراثرخلق‌خوش و اخلاق دلکش و طبع لطیف منادمت و کتابداری شاهزاده **محمود میرزا** (در ص۱۴۹ـ۱۵۰معرفی گردیده ) را احراز وچنانکه از این‌آثاروی بدست می‌آید در رشته تصوف داخل شده ودست ارادت به **مجذوبعلیشاه** داده و غزلیاتی که درمدح این‌مراد گفته دراین نسخه موجود ، درهیچیك ازمآخذ سال مرگ وی ثبت‌نشده مسلماً پیش از۱۲۹۷که تاریخ نگارش این نسخه‌ازدیوان اوست جهانرا ترك گفته وبقرینه اینکه مدائحی ازمحمدشاه دراین دیوان‌موجود وابداً نامی ازناصرالدین شاه درآن نیست‌بایستی‌پیش‌از اواخرسال ۱۲۶۴ وفات یافته باشد .

هدایت نقل نموده که گویند دیوان وی پنجهزار بیت است ولی خودوی‌آن را ندیده و نسخه این کتابخانه که فقط شامل غزلیات امیداست در حدود۲۵۰۰ بیت ومرتب بحروف تهجی برحسب قوانی است .

**آغاز:** گرنمیدیدبرخسارتوزیبائی‌را دیده‌مشتاق‌نبود اینهمه‌بینائی‌را

**۹۵۰**

**دیوان انوری ابیوردی** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب **محمد صالح حسینی** بسال ۱۰۲۵ نوشته ، وشامل‌قصائد ومقطعات وغزلیات ورباعیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی ودرحدود ۱۲۰۰۰ بیت میباشد وبدین شعر شروع گردیده است :

صبا بسبزه بیاراست داردنیی را

نمونه گشت زمین مرغزار عقبی‌را

یك سرلوح ظریف دراول نسخه میباشد وتمام صفحات مجدول بطلا وزنگار وعناوین مطالب با شنگرف است، بسال ۱۲۷۸ متعلق به عبدالله منشی طبری بوده که مصحح شرح قاموس و ازمنشیان دانشمندان این عصر میباشدواین مالك درحواشی برخی ازصفحات بخط شکسته خوب مطالبی یاد داشت کرده ، بربرگیکه پیش از برگ نخستین میباشد وپشت صفحهٔ نخستین یکی ازمالکین اخیر یادداشتی کرده ، نام ویرا محو کرده اند وپشت آخرین صفحه یك قطعه رباعی درتاریخ وفات سید اسمعیل نام که از علما بوده بسال ۱۱۹۰ نوشته شده است .

جلد ضربی وسوخته معرق طلاپوش . کاغذ بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۴۲۲ . صفحه ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۴۶** .

**۹۵۱**

**دیوان انوری ابیوردی**

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۳ علی‌شیردربرهانپورنوشته، مشتمل برقصائدو مقطعات وغزلیات ورباعیات بدون مراعات نظم وترتیبی میباشد ودرحدود ۷۵۰۰ بیت است ، پاره‌ای ازبرگها وصالی شده و ابیاتی در اثر آن از میان رفته و از میان ص۷۳و۷۴ ابیاتی افتاده و در حاشیه ص ۱۵۷ یاد داشتی بسال ۱۲۴۵ نگارش یافته وپشت صفحهٔ اول وبرصفحهٔ آخر یادداشتهائی است واین نسخه بدین بیت آغاز گردیده :

مقدّری نه به آلت بقدرت مطلق

کند بشکل بخاری چو گنبدازرق

جلد مقوائی. عطف و گوشه تیماج . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۲۱ . صفحه ای ۲۱ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۰۱۸۹** .

## دیوان انوری

اوحدالدین محمد متخلص به **انوری** پسر وحیدالدین محمدبن اسحق ابیوردی یاخاورانی است که از شعرای قصیده سرا و غزل گوی قرن ششم هجری بوده وقصائد ومقطعات وی بسیارمشهور و گذشته ازنگارش تذکره نویسان ازاشعار وی آشکار است که در کسب علوم معقوله(۱) و منقوله و فنون ریاضی و هیئت ونجوم رنجها کشیده و گویند چند رساله در نجوم نوشته ولی نگارنده بدآنها دست یا خبری نیافته ، معاصرومداح سلطان سنجرسلجوقی(۴۷۹-۵۵۲)بوده ، وزرا وامراء معاصر را مدح ها گفته ، طبعش درهجو گوئی بسیار راغب وحتی مشهور است که خود ومادر را هم هجا گفته ونوشته‌اند که چون پدر وی جهانرا بدرود گفت انوری جوان بود وبتحصیل علوم حکمی مشغول ، جوانی وادارش کرد که آنچه پدرباز گذاشته درآن راه صرف نماید ، دراندك زمانی دارائی وی بآخر رسید ، چون تهی‌دست شد شیوهٔ شاعری برگزیدو بهنگام مناسب قصیده سرائی میکرد و بدان روزگار نامرادی بسر میبرد قاضی زاده بلخی ویرا سرزنش نموده از و برنجید و بهجاء او پرداخت که در دیوان وی اینك موجود است

(۱) مرد را حکمت همی باید که دامن گیردش
تا شفاء بوعلی بیند نه ژاژ بحتری
عاقلان راضی بشعر از اهل حکمت کی شوند
تا گهر یابند ، مینا چون خرند ازجوهری
یارب ازحکمت چه برخورداربودی جان من
گر نبودی صاع شعر اندر جوالم برسری
انوری تا شاعری از بندگی ایمن مباش
گر خطر درنگذری تازین خطر درنگذری

بلخیان را هم هجا گفت آنان قصد آزارش کردند قاضی حمیدالدین صاحب مقامات حمیدی او را نجات داد از اینرو انوری نسبت بوی ارادت می‌ورزید و اورا مدح‌ها گفته .

قران کواکب سیاره را بسال ۵۸۱ یا ۵۸۲(۱) معین وآثار آنرا که خرابی جهان بواسطه باد باشد استخراج ولی در آنروز موعود ابداً باد نیامد وشعرا ومردم ازاعتقاد به انوری بر گشتند ، حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده و نزهت‌القلوب نوشته که اثراین قران ریاست چنگیزخان وشروع به پیشرفت در خرابی جهانست که درسال ۵۸۱ بوده .

وفات انوری را بسال ۵٤۷ و ۵۷۵ و ۵۸۳ نوشته‌اند بشهادت اشارات تاریخی که در دیوان وی یافت میشود قول اول باطل و شهرت استخراج قران وانحراف مردم از انوری در اثر عدم ظهور اثر آن ، قول آخر را (۵۸۳) تأیید مینماید .

دیوان انوری (درحدود ۱۰۰۰۰ بیت) بسال۱۲٦٦ درتبریز چاپ شده وچون مشتمل بر اصطلاحات حکمی وریاضی ونجومی ومطالب مشکله میباشدبعضی بشرح آن پرداخته ودو شرح آن درکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود ویکی ازآن شرح ها هم دراین کتابخانه میباشد و معرفی خواهد شد (۲) .

## ۹۵۲

**دیوان اوجی نطنزی** این نسخه‌را (چنانکه درص ۲۲و۵۱ یادداشت شده) بسال ۱۰٤۳و۱۰٤٤ عبدالرشید خطاط

---

(۱) سال ۵۸۱ را بیشتر از مورخین نوشته اند و سال ۵۸۲ قول صاحب کامل‌التواریخ است .

(۲) این شرح بامراجعهٔ به ج ۲ **فهرس** ص ٥٦٤ - ٥٦٦ **لب** ج۲ص۱۲۵-۱۳۸ ، ح **لب** ج ۱ ص ۳٤۳ ، **ذا** ذیل خاوران ، **گز** ص ٤۷٤ ، ٤۸۸، ۸۱۳ و ۸۱۵ **وتذ** ۸۳ - ۸٦ **وهم** ص ۲٤۹ - ۲۵۲ **وما** ج ۱ص۱۵۲- ۱٦۷ و **سخ** ج ۱ ص ۳۵٦ - ۳۸٦ نگارش یافته است .

معروف(۱) بخط نستعلیق بسیارخوب نوشته ، برگهای آن بجدول بطلا ولاجورد وغیره و برخی از آنها جابجا صحافی شده وگذشته از اول و آخر ، اوراقی هم از میان نسخه افتاده و شامل قصائدی درمدح شاه صفی و غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی و قطعات ورباعیات میباشدودرحدود ۲۰۰۰ بیت است.

جلد مقوائی . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۷۵ . صفحه ای ۱٤ بیت . طول ۲۳$\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱٤$\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۱۰۹** .

## دیوان اوجی نطنزی

**اوجی** ازاهالی نطنز است که در ٦۰ کیلومتری کاشان یا ۱۲۸و٦ کیلومتری اصفهان میباشد و از شعرای نیمهٔ اول قرن یازدهم هجری بوده ، در هراة زندگانی میکرده ، باملك مشرقی و فصیحی منادمت **حسن بیك** شاملو- بیکلربیکی خراسان را دارا ودر مدح وی قصائد زیاد دارد ، طبعی بلند و لطیف داشته ، قصائد چندی درمدح **شاه صفی** (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲)صفوی انشا نموده و تشبع وی از ابیات موجودهٔ در نسخهٔ این کتابخانه آشکار ودر **فو** نوشته شده که دیوان وی مشتمل برده‌هزار بیت از قصیده ، ترکیب بند ، قطعه وغزل‌میباشد وقصائد اوبیشتر درمدح حضرت علی بن‌موسی‌الرضاع وولی نعمت وی حسن‌بیك میباشد و بسال ۱۰۵۰ جهانرا بدرود گفته است (۲)

---

(۱) عبدالرشید معروف بهرشیدا خواهر زادهٔ میرعماد خطاط معروف استو ازنستعلیق‌نویسان‌مشهورمیباشد ، درپیدایش‌خط وخطاطان‌قطعه‌ای‌ازخطوطوی گراورشده وچنانکه در تذکرة الخطاطین سنگلاخ نوشته شده بسال ۱۰٤۸ در کشمیر وفات یافته است .

(۲) این شرح بسانگاه کردن **فو** ص ٦۸۲ ج ۲ ، **نص** ص ۲٤۹ و **آر** ص ۱۷٤ نگارش یافت .

**۹۵۳**

دیوان
اوحدی مراغی

این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً در اوائل قرن یازدهم هجری) نوشته شده، بسال ۱۱۰۰ یکی از مالکین در ص ۲۰۶ ابیاتی راجع به آداب دیدن هلال هر ماه نوشته و این تاریخ را هم نگاشته ولی مسلماً نسخه سالها پیش از آن تاریخ نگارش یافته وشامل ترجیع بند و ترکیب بند و قصائد و غزلیات ورباعیات میباشد و در حدود هشت هزار (۸۰۰۰) بیت است.

چند برگ ازاول وآخر نسخه افتاده و برگهائی نیز از اول و آخر ومیان آن وصّالی گردیده وبیت نخستین نسخه اینست:

اوحدی این تلخ نشستن ز چیست
شور بشیرین سخنان درفکن

وآخرین بیت نسخه اینست:

شب غنچه از آن نواله برخار اریخت
تا گربه بند باز بسوئی نبرد

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۳۴. صفحه ای ۱۸ بیت. طول ۲۵ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۹۲۰.

**۹۵۴و۹۵۵**

دیوان
اوحدی مراغی

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده و منتخبی از دیوان اوحدی است، **منطق العشاق** یا **ده‌نامه** وی را نویسنده همین

نسخه نوشته و پیوسته آنست (ص۱۸۶ - ۲۱۷) خصوصیات آنرا درذیل معرفی آن خواهیم نگاشت ، آغاز نسخه این بیت :

چرا پنهان شدی ازمن توباچندین هویدائی
کجا پنهان توانی شد که همچون روز پیدائی

وازآخراین منتخب ابیاتی افتاده وآخرین بیت نسخه اینست :

برغم خوی توگردون هزار نقش برارد
کران هزارنباشد یکی چوخوی تومشکل

تاریخ نگارش ندارد ولی طرز خط حاکم است که در اواخر قرن دهم نگاشته شده وسرلوح کوچکی دارد ، دو صفحه نخستین تذهیب ونقاشی بسیار ظریف گردیده وپاره‌ای از برگها هم تذهیب زیبائی‌شده وتمام صفحات بجدول بطلا وزنگارومتن وحاشیه میباشد وحاشیه برگها را موریانه سوراخ کرده و نسخه در حدود ۲۲۰۰ بیت است :

پشت صفحهٔ نخستین یادداشتها و مهرهائی است که میرساند نسخه در کتابخانه یکی ازپادشاهان هند بوده‌ودر سالهائی چند مکرر تفتیش وملاحظه شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی مـتمـل . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۰۹ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۸۳** .

## دیوان اوحدی مراغی

اوحدی مراغی را درص ۱۶۷ معرفی کرده‌ایم ، دیوان وی شامل قصائدو ترجیع بند ومقطعات وغزلیات وترکیب بندورباعیات میباشد ، شمارهٔابیات آن

در **ما** شش‌هفت‌هزار و **کظ** در مقدمه جام‌جم چاپی (بقلم آقای وحیددستگردی) نه‌هزار و **تذ** ده‌هزار و **دآ** پانزده هزار نوشته شده و چنانکه گفته شد نخستین نسخه‌این کتابخانه بااینکه از اول وآخر آن افتاده شامل هشتهزار بیت‌ودارای ابیات بسیار بلند اخلاقی وعرفانی وعشقی میباشد وحاکی ازقدرت‌طبع وقریحه سرشار سراینده‌آنست .

**۹۵۶**

**دیوان بدرشاشی ـ یا بدرچاچ**

این نسخه را بخط نستعلیق میرزا علی اکبر تفریشی بسال ۱۲٤۹ نوشته وبهادر نام پشت صفحهٔ نخستین نام نویسنده و سال نگارش را یادداشت نموده و در ص ۱۵۷ و ۱۵۸ تاریخ تولد دو نفر از شاهزادگان نگاشته شده تمام برگها باجوهر آبی وقرمز جدول کشی گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۸۰ . صفحه‌ای ۱٤بیت . طول ۲۱ ۱/۲ سانتیمتر . عرض ۱٤ ۱/۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۰۷۲** .

## دیوان بدرشاشی یا بدرچاچ

بدرالدین شاشی(۱) از شعرا و سخن سرایان قرن هشتم هجری و مدّاح محمد بن تغلق (۲) آخرین پادشاه تغلقیه دهلی بوده وپادشاه او را **فخرزمان**

(۱) چنانکه در ص ۲۲۳ ج ۳ معجم‌البلدان نگارش یافته بدین‌نام (شاش) دو جا نامیده شده یکی‌دهی درری میباشد ولی به‌آنجا کسی‌نسبت داده نشده ودیگری درماوراء النهروآنطرف رود سیحون‌میباشد وقصبه‌آن بناکت نامیده شده‌است .

(۲) محمد بن تغلق چنانکه در ص۲۹۰ و ٥٤٦ **قل** نگارش یافته آخرین پادشاه تغلقیهٔ دکن بوده وازسال ۷۲٥ تا ۷۳۰ سلطنت داشته و بدرالدین ازروزگار ولیعهدی بمدح وی میپرداخته (ص٤٦ و ۹۹ نسخه این کتابخانه دیده‌شود) است .

لقب داده(۱) است .
در کتب تذکره وسیر بنام وآثار این شاعردست نیافتیم جزدرتذکره خوشگو که این شاعررا با بدرالدین جاجرمی(۲) یکی دانسته وگوید : وفاتش درهندوستان بعهد محمدشاه بن تغلقشاه واقع شد (۳) ودرج ۱ماص۱٦۹-۱۷۰ که ازوی اندك معرفی گردیده .
دیوان وی که نگارنده از آنها خبری دارد فقط نسخه این کتابخانه است که شامل قصائد ومقطعات شاعر میباشد ودرحدود ۲۱۰۰ بیت است واز این بیت :
«سال تاریخ عرب **دولتشه** بود بعقد کاسمان عقد سخنهای مرا داد نظام»
که در آخر نسخه این کتابخانه میباشد استفاده میشود که بسال ۷٤۵ خود شاعر بجمع و ترتیب آن پرداخته و در چند جای از دیوان ( ص ۱۰۹و۱۱۱) ماده تاریخ هائی که سال ۷٤٤را صریحاً میرساند موجود واز اهل سنّت بودن شاعر از ابیات دیوان واضح وآشکار است .
**آغاز:** حمد آن سلطان عالم راکه عالم پروراست
انس او درراه ایمان انس وجانرا رهبر است .

## ۹۵۷

**دیوان یا کلیات تأثیر** این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، برگهائی از میان و آخر آن افتاده و چند برگ وصّالی گردیده و برخی هم

(۱) درآخر بسیاری ازقصائد وقطعه‌ها شاعربدرچاچی یابدرشاشی تخلص نموده و در چندین جا (ص ٦۷و۱۰۷و۱۱۱و۱۵۱) تصریح نموده که پادشاه او را فخرزمان لقب داده ویکی ازآنها اینست :
خسروم فخرزمان خواند ولی هست مرا لقب آن ماه که در نیمه ماه است تمام .
(۲) بدرالدین جاجرمی از شعراء بزرگ قرن هفتم هجری بوده وبامجدهمگر وامامی هروی بفاصله دوماه در یکسال وفات یافته‌اند ماده تاریخ آنها بمناسبت درج ص۲۲۷ نقل گردید بنابراین وشهادت مندرجات این دیوان یکی نبوده‌اند .
(۳) باادلهٔ تاریخی این قول خوشگو نیز نادرست است .

جابجا گذارده شده، یکی ازمالکین نسخه پشت صفحهٔ نخستین تملك نسخه را بسال ۱۱۳۳ یادداشت کرده وبیشتر این یادداشت را محو کرده اند، بقرینهٔ طرز نگارش عنوانی که درص۸۳۷ نگارش یافته ویادداشتهای کوچکی که در ص ۸۵۱ و ۸۵۲ دیده میشود تصور میکنم که نسخه پیش از مرگ شاعر (۱۱۲۹) بچند سال که مسلماً بیشتر از ۱۱۲٤ نبوده نگارش یافته و یادداشتهای کوچك نامبرده خط خود شاعر باشد ویادداشت موجود در حاشیهٔ ص ۲۲و ۱۱۹ میرساند که این نسخه نخستین نسخه پاکنویس شده دیوان تأثیر میباشد ومندرجات آن عبارتست از:

۱ ـ قصائد درتوحید ومناقب پیغمبر ص وائمه اثنی عشر ع ورثاء حضرت سیّدالشهداء ع و مدح شاه سلیمان صفوی وبعض از وزراء آنعصر و برخی از قضایای تاریخی است و ترکیب بندی بنام « رموز العاشقین » مزیل به منقبت حضرت امام منتظر ع د راواخر این بخش میباشد (ص ۱ - ۱۳۲) واین بخش موافق نسخه کامل م۰د ۱٦۰۰ بیت است.

۲ ـ مقطعات وتواریخ (ص۱۲۲-۱٤۱و۸۲۸-۸۳۹) واز آخر این بخش برگهائی افتاده وموافق نسخهٔ کامل م۰د این بخش ۲۱٦ بیت است.

۳ ـ مثنوی منهاج المعراج (ص۷۹۷-۸۲۷و۱٤۲-۱٤۷) و گذشته از پیش وپس شدن برگها از آخر آن برگهائی افتاده واصل این مثنوی ٤۳۹ بیت است.

٤ ـ مثنوی جهان نما برابر مخزن الاسرار (ص۱٤۸-۲۱۰) در

۶۸۹ بیت.

۵ - مثنوی دعوة‌العاشقین برابر خسرو شیرین (ص ۲۱۱-۲۳٤) در ۲۶۷ بیت.

۶ - مثنوی در تعریف قصر سعادت آباد اصفهان بنام «گلزار سعادت» (ص ۲۳٤ - ۲۶٤) در ۵۲۷ بیت.

۷ - مثنوی درمقابل هفت پیکر بنام «ثمرة‌الحجاب» (ص۲۶٤-۲۷۹) در ۱٤۸ بیت.

۸ - مثنوی بعنوان مقدمه رساله معمّا (ص ۳۳۱ - ۳۳۳) در ۲٤ بیت.

۹ - مثنوی در وصف نفت یزد و تشکر از وزارت آنجا بنام «حسن‌اتفاق» (ص ۲۷۹ - ۳۰۳) در ۲۸۵ بیت.

۱۰- مثنوی دراخلاق دربحر شاهنامه بنام «میمنت نامه» (ص۳۰۳-۳۳۱) در ۲۹۳ بیت.

۱۱ - غزلیات (ص ۳۳۵ - ۷۹۵) برگهای این بخش جابجا صحّافی شده واوراقی ازمیان و آخر آن افتاده و ابیات کنونی در حدود ۵۲۰۰ میباشد وبامقایسه بانسخهٔ کامل م. د درحدود ۵۰۰۰ بیت افتاده دارد.

۱۲ - رباعیات (ص ۸٤۰ - ۸۵۹) از اول و آخر افتاده دارد و۹۷ رباعی است.

دیوان یا کلیات کامل تأثیر که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار میباشد و در ص ۵۷۳ - ۵۷۵ ج ۲ فهرست آنجا معرّفی گردیده

گذشته از دوازده بخش نامبرده بخشی بنـام ابیات و افراد متفرقه بترتیب حروف تهجی موافق ردیف هـا در ۱۰۰۰ بیت و قصائد و غزلیات وقطعه‌هائی بترکی در ٤٤۷ بیت دارد وبنابر محاسبهٔ نگارنده این نسخه ۱۰۳۰۰ بیت را شامل و در حدود ٦۱۰۰ بیت کمتر از نسخه کتابخانه سپهسالار میباشد .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ٤۳۰ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱٦ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۵۹** .

## دیوان یا کلیات تأثیر

میرزا محسن(۱) تأثیرتخلص از تبریزیهای متولد شدهٔ در اصفهان میباشد ، چنانکه ازدیوان وی استفاده میشود بسال ۱۰٦۰ بدین جهان پای گذارده و نصرآبادی درتذکره خودکه درسال ۱۰۸۳ بتألیف آن مبادرت کرده این شاعر را بدین طرز : « جوانی است در کمال دلچسبی وخوش قماشی» معرفی و چند بیت اورا ذکرنموده و خوشگو وفات اورا بسال ۱۱۲۹ ثبت کرده و گوید : «دیوان خودرا خدمت حکیم الممالك شیخ حسین **شهرت** بهند فرستادومنظور نظرهمهٔ شعرا گردید ومنهم ازآن بهره‌ها گرفتم » .

از دیوان وی و مندرجات **نص** و دیگر کتابها برمیآید که چندی رئیس یك قسمت ازتحویل‌خانه بودوبرتحویل‌دارها تفوق داشته وهنگامی از مستوفیان دربار صفوی بوده وچند سال وزیر یزد شده ودرآنجا آبادیها کرده و کاریزی درآورده وبسال ۱۱۲۰ معزول گردیده ودرآخرعمر بعزت واحترام دراصفهان معتکف خانه خویش شده و بشعر و شاعری مشغول و از مشاغل رسمی دست برداشته است .

ابیات تاریخی وآغاز بخشهای نامبردهٔ دیوان تأثیر در ص ۵۷۰-۵۷۲ ج۲ **فهر** نگارش یافته است .

---

(۱) نام شاعر بنابر تصریح خود وی محسن ودر **نص** (ص۱۱۹) و **دآ** (ص۷۷) نیز بهمین نام، نام برده شده ولی در **خو** بنام محمد محسن و در تاریخ یزد آیتی محمد حسن ثبت گردیده است .

**آغاز (قصائد) :**

ای ثنایت انس وجانرا از بیان انداخته حیرت ذات تولکنت درزبان انداخته .

**۹۵۸**

**دیوان تارك شیرازی**

این نسخه بخط نسخ نوشته شده از اول و آخر ومیان آن برگهائی افتاده وپارەئی هم جابجا گردیده و برگ اول و آخر نسخه الحاقی واز کتاب دیگری است، ظاهراً دیوان ازخطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد واین بیت آغاز کنونی نسخه است :

گذارم سوی گلشن بی رخ او چون همی افتد
بروی گـل ز اشك من بود گـر شبنمی افتد

جلد تیماجی . کاغذ خطائی . قطع ربعی . شمارۀ برگها ۱۰۲ . صفحه‌ای ۲ ½ بیت طول ۱۷ سانتیمتر . عرض ۹ ½ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۷۹۲۳** .

## دیوان تارك شیرازی

در کتب تذکره وتاریخ که دردست نگارنده میباشد **تارك** تخلص نام برده نشده ، ازمندرجات نسخۀ این دیوان ، شیرازی بودن او آشکار و دم از محبت اهل بیت پیغمبرص میزده ودر اینباب ابیاتی‌چند دارد واز آنها این بیت است :

زفا رسم من و سلمان براهل فارس معذ است
وسیله اوست مرا در سلام خواجۀ سلمان .

وگذشته از این بیتدر چندجای دیگر (ص۳۷و٤۱ نه) شیرازی بودن خود را تصریح کرده است .

درجای دیگر از دیوان خود را حافظ قرآن معرفی‌نموده :

تارك آنروز ترا حافظ قرآن خوانم طرق نهصد وشصت ازبراگر برخوانی

وطریقه خود را میان سعدی وحافظ تصور نموده :

باعتدال طرق رفت و عاقبت منزل	میان سعدی وحافظ گرفت تارك ما

ودریکی ازرباعیات اینگونه از اشعارخودرابرتر ازخیام وافضل الدین کاشی دانسته :

چون ساقی طبع من مفرّح انگیخت	پیوسته شراب ناب در ساغر ریخت
تا صیت چهار مصرعم گشت رفیع	خیام زخیمه افضل از فضل گریخت .

درتصوّف ازمریدان شیخ محمدنوربخش(بسال ۹۱۲ مرده) بوده واورا ستوده و ازوی استمدادهمت کرده ودرتاریخ وفات اوقطعه‌ای انشانموده‌ونیز ازچندماده تاریخی که‌دراین‌دیوانست‌معلوم‌میشود که‌در اوائل‌سلطنت‌شاه‌اسمعیل‌اول‌صفوی زندگانی مینموده وتاریخ ورودواورا بشیرازدرآخر قصیده‌ای (۲-۱۰۵٤نه) چنین آورده :

نامه ام کز بهر حظّ هوشمندان نام یافت
سال‌تاریخش ز «حظ»(۹۰۸) آرد برون هرهوشیار.

این‌دیوان شامل‌قصائد وترکیب‌بند و رباعیات و مثنوی وقطعه‌ها وفردهائی میباشد ونسخه این کتابخانه درحدود (۱۰۰۰) بیت است .

نسخهٔ دیگری ازاین دیوان را در کتابخانه‌ای سراغ ندارم .

## ۹۵۹

**دیوان تشنهٔ تهرانی**

این‌نسخه‌راچنانکه‌درص ۱۰۰ یادداشت‌شده، بسال ۱۲۹۵ عمو نام بخط شکسته نستعلیق نگاشته است ، صفحهٔ نخستین و آخرین و برگهائی‌ازمیان آن‌افتاده ومشتمل برچند مثنوی وقصائد وغزلیات وقطعات‌ورباعیات وترجیع‌بندی درهجوحاجی میرزاباقروزیرهمدان میباشد و نخستین بیت نسخه اینست :

ازو نیست پوشید اسرار ما	وزو گرم سوداست بازار ما

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۹۳ . صفحه ای ۱۳ بیت . طول ½ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۱۸۱**.

## دیوان تشنهٔ تهرانی

**تشنهٔ تهرانی** از شعرای قرن سیزدهم هجری بوده و چنانکه در مدائح معتمدیه (ص۱۲۰-۱۳۳) معاصروی نگاشته نامش **محمدتقی** وهمشیره زاده **مهدی بیك شقاقی** است ودربدوحال کلاه دوزی مینموده .

ازمندرجات دیوان وی بدست می‌آید که اصل‌او آذربایجانی ومولدش مراغه بوده وبسال ۱۲۱۰ بدینجهان پای گذارده چنانکه گوید : (ص ۱۰ نه)

مرا آخرین مام فرخنده هوش　　بملك مراغه فکنده ز دوش

و در(ص ۱۷نه) درذیل کشته شدن آغامحمدخان گوید :

(چو شه کوفت برکاخ جنت لوا　　بری شد لب من زپستان جدا

وچون بفرمان پادشاه نام برده پدرشاعر ازمراغه به کاشان تبعید شده وگروهی ازخویشان شاعردرتهران (ری) جای گزین بوده‌اند تشنه هم دراینشهر زندگانی مینموده ومکرر اینجارا وطن خوانده و دلبستگی خود را بدانجا اظهار نموده و زن وفرزندانش نیز دراینشهر بوده‌اند .

چنانکه در ص ۱۹ نه- گوید :

بچندی درآن عشرت آباد ری　　مرا عمر بگذشت باچنگ و نی

و در ص ۲۳ - نه - گوید :

بسرحد ری بازم افتاد کار　　که بودم در آنمرز خویش وتبار

گسسته زبار سفر بند خویش　　زدم بوسه بر روی فرزند خویش

ودرص ۱٦٦ نه- گوید :

صبا بگلشن ری گرشبی کنی گذری　　بر آستانهٔ یاران من بسای سری

و در چندجا هم از ری شکایت نمودہ چنانکه در ص۱۵۳ نه - گوید :

سمند عشرتم پی گشت در ایام ماکونی

که چون زندان اسکندر بچشم ملك طهران شد

از مندرجات دیوان معلوم میشود که شاعر تاسال ۱۲٦٤ زندگانی مینموده چرا که درمدح ناصرالدین‌شاه اشعاری دارد وبه میرزا تقی خان‌اتابك که نیزدر همین سال مقام صدارت یافته توسل جسته واستدعای‌آمدن بطهران کرده و به عزل حاج میرزا آقاسی (بسال ۱۲٦۵ درعتبات فوت کرده) وتوقف وی در کربلا تصریح نموده است .

دیوان این شاعرعبارت ازیك مثنوی تاریخی است که بسال ۱۲٦۰شروع

و درآن پس از حمد وثناء الهی ونعت حضرت پیغمبر ص ع وحضرت مولی الموالی علی ع شروع بشرح حال خود نموده ومسافرتهائی را که درایران و روم وهند وعراق (بین النهرین) نموده شرح داده وتصریح نموده که درهنگام قتل وغارت کربلا (بسال ۱۲۵۸) درآنجابوده (دراینسال نجیب پاشابکربلاحمله کردو بسیاری از ایرانیان راکشته واموال آنهارایغما کرده وچنانکه در «مدائح معتمدیه» معاصروی نوشته تشنه نیز درآن هنگام زخم برداشته وباآنحال به ایران برگشته است) وپس از آن باصفهان آمده و درعداد مداحین معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (بسال ۱۲۶۳ مرده است) درآمده وروزگاری را بخوشی میگذرانید وپس ازآن قطعات و قصائد و غزلیات و رباعیات میباشد و ترجیع بند در هجو وزیر همدان درآخر نسخه میباشد و در ص ۱۳۸ - ۱۴۰ و در ص ۱۵۶ - ۱۵۷ یك قصیده وغزل تر کی ازشاعر موجودودرمیان دیگر شعرها گاهی ابیاتی بتر کی یافت میشود ودر «مدائح معتمدیه» قصائدوغزلیات ویك مثنوی میباشد که درنسخه دیوان این کتابخانه نیست و شاید جز این نیز شعر داشته باشد ولی باتفحص بدست نیاوردم واین نسخه دیوان درحدود ۲۴۵۰ بیت و اشعار مندرجه در مل ۳۸۰ بیت است.

قطعات وقصائد وغزلیات تشنه بسیار متین ومطایبات ومثنوی های وی شیرین وهجو های او نمکین و در مدح امام غائب و مهدی موعود ع قصیده‌ای غرّا دردیوان وی مندرج است.

## ۹۶۰

**دیوان جرس (غزلیات)** این نسخه بخط نستعلیق بسیار ممتاز یکی ازخوشنویسان قرن سیزدهم هجری نوشته شده، سرلوحی زیبا دارد که بروی بخط ثلث نوشته شده: هو الله تعالی شانه ـ السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ناصرالدین شاه و شامل غزلیات (۳۳ غزل در ۳۱۷ بیت) مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی است که همه را این شاعر در مدیح

پادشاه نامبرده سروده ؛ میان سطر های دو صفحهٔ اول طلا اندازی شده ونام پادشاه در همهٔ غزلها باطلا نگارش یافته ، فاصلهٔ غزلها نیز باطلا نقاشی برگ موی گردیده وهمهٔ برگها زرافشان ومجدول بطلا ولاجورد وشنگرف میباشد، برگ ۱ و ۲ و ۵ و ۷ و ۱۱ رابی احتیاطی لکه دار کرده و پشت برگ نخستین یاد داشتی بوده محو گردیده است .

جلد میشن . کاغذ خان بالغ . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۹ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۲۵** .

## دیوان جرس

**جرس** از شعرای نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری بوده و نقط در گنج شایگان (ص ۱٦۷) نام برده شده وما در اینجا برخی از عبارات آن کتاب را می آوریم :

«اسمش مهدی‌واصلش‌طهرانی وپدرش میرزا جانی ونسبش به‌حکیم هاشم که از اکابر و اطبای یکی از پادشاهان صفوی بوده منتهی میگردد ، مقدمات عربیّت و ادبیّت را نیکو آموخت ، بفهمیدن قواعد شعر از عروض و قافیه وسائر امور لازمهٔ آن پرداخت ، چندی نیزفن استیفا وحساب را مشتاق گشت ومشاق خط ومحصل ربط سیاق آمد تا از آن حرفه نیز بقدر مقدور صرفه برد، اکنون دبیری است در همه امور بی نظیر و اینك در تهران بمنصب سر رشته داری برقرار است و اکنون سال فزون از نیمهٔ پنجاه است که بامؤلفش رشتهٔ الفت چنان مستحکم است که بدینگونه الفت بی شایبهٔ کلفت کم اتفاق افتاده وکسی نشان نداده ، طبعی دارد درغزل و قصیده سرائی وگفتن قطعه ورباعی وساختن مثنوی ومسمط بدانگونه غرّا و مسلّط که آنچه حقیر شعر ازوی دیده یا شنیده از فصحای دیگر کمتر بنظر رسیده الخ »

پس از بیانات بالا قصیده ای از جرس را که در مدح میرزا آقا خان صدر اعظم بوده ( در ۵۵ بیت ) نقل کرده و آغاز آن اینست :

نرخ آن چنبر که گرد عارض دلبر بود مهررخشانرا چوماه آورده درچنبر بود .

نگارنده جز غزلیات نام برده واین قصیده ازاشعارجرس را تاکنون بدست نیاوره وبروجود دیوان کامل وی اطلاعی ندارم .

## ۹٦۱

دیوان جرعه این نسخه بخشی از غزلیات جرعه میباشد (غزلهای ردیف الف و با و بخشی از تاء) ودرحدود هفتصدوبیست (۷۲۰) بیت است، بخط شکسته نستعلیق نوشته شده وبا جوهر قرمز جدول کشی گردیده وظاهراً دراوائل قرن چهاردهم هجری نگارش یافته ، برگهای ننوشته ای درآخر دیوان میباشد وچند یادداشت پشت صفحهٔ نخستین موجود است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲٦ . صفحه ای ۱٤ بیت . طول $\frac{۱}{۲}$ ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۱۹٦۱** .

### دیوان جرعه

**جرعه** از شعرای قرن سیزدهم هجری تبریز میباشد ، نام وی در **دا** (ص ۹۳-۹٤) ابوالفتح ثبت شده وبرنسخه این کتابخانه « میرزاشمس‌الدین جرعه » معرفی گردیده و در مأخذ نام برده نگارش یافته که دیوان قصائد ورباعیات او درحدود شش هزار بیت میباشد وازمثنوی « خسروشیرین » که شروع نموده و موفق باتمام آن نگردیده بیش از یکهزار و پانصد بیت انشا گردیده وآغاز مثنوی نام برده اینست :

خداوندا عنایت کن زبانی — که پردازد بمعنی داستانی

ونیز درآنجاست که شاعرخوش نویس بوده و کتاب جهان نما وکلیات قاآنی بخط وی در سال ۱۲۵۷ و ۱۲۷۳ درتبریز چاپ شده ، بنابراین تااین سال دراین جهان زندگانی مینموده وپس ازاین تاریخ از وی خبری ندارم .

**آغاز:** ای زهره درحجاب وبرهمه پیدا جان جهان درهوای مهر توشیدا

**۹٦۳**

**دیوان جمال الدین اصفهانی** این نسخه چنانکه عبدالحسین سردار معظم خراسانی بسال ۱۳۳٥ پشت صفحهٔ نخستین نگاشته برای کتابخانهٔ وی نگارش یافته، پیش از نسخه فهرست قصائد وترکیب بندها و غزلیات و رباعیات نیز نگاشته شده، صفحهٔ نخستین دیوان دارای سرلوحی زیبا واطراف دوصفحه اول ومیان سطرها تذهیب ظریفی گردیده و در آغاز فهرست سرلوح مختصری است، همهٔ صفحه ها مجدول بطلا ولاجورد میباشد ونسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و درحدود ۷۰۰۰ بیت است وبدین بیت آغاز گردیده:

این جرم پاك چیست چو ارواح انبیا

چون روح بالطافت وچون عقل باصفا.

جلد روغنی ظریف ودروسط ترنج هریك ازدوجلد نوشته شده : عمل کمترین محمد مذهب الدوله ۱۲۳٥ . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲٦۰ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول $\frac{1}{2}$۱۹ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲٥۸** .

## دیوان جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی

جمال الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی از مشاهیر سخن سرایان قرن ششم هجری بوده (۱) وپسری چون کمال الدین تربیت نموده که درجهان ادب چون

(۱) شرح حال مفصل این شاعر در ص ۲۰۹ - ۳۰۷ ج ۲ **سخ** ومختصراً در ۱۷٤ **رن** وص ۱٤۱-۱٤۸ **تذ** وص ۱۷۷ ج ۱ **ما** وص ٤۰۲-٤۰٤ ج ۲ **لب** و ص ۱۷٦-۱۷۹ **آر** وهفت اقلیم نگارش یافته ومراجعه گردیده است .

آفتاب جهانتاب درخشندگی دارد ، دولتشاه درتذکره خود نوشته که الغ بیك اشعار پدر را براببات پسر ترجیح میداده وشگفت داشته که سخن کمال شهرت یافته بااینکه کمالِ سخنِ کمال بیشتر است .

چنانکه از بیانات جمال‌الدین برمی‌آید گذشته ازشاعری مقام دبیری داشته واز راه انشا وخط روزگار میگذرانیده ومکرر بدینکار خویش تصریح نموده از آنهاست :

مرا بگاه دبیری دو دست باد قلم — اگر برابراین خواجگان قلم‌تزنم
دیدهٔ عقل و فضل را نورم — گوهر نظم و شعر را کانم
با چنین معطیان و ممدوحان — شکر حق را که صنعتی دانم
بعد ایزد که واهب الرزق است — این سه انگشت میدهد نانم
مدح انگشت خویش خواهم گفت — زانکه من زیر دست ایشانم
نثر را نو شکفته بستانم — نظم را دسته بسته ریحانم
من ز نثر پاك چون نثره(۱) چه ام — من زنظم شعر چون شعری کهم

بدبختانه ازآثارنثری وی تاکنون اثر وخبری بدست نگارنده نیست ووفات شاعر را بسال ۵۸۸ و ۶۰۰ نوشته‌اند .

دیوان جمال‌الدین قصائد وترکیب بندها وقطعات وغزلیات ورباعیاتی رادربر دارد وعلو همّت وبلندی مقام شعری وی از اشعار آن آشکار وهدایت درزن ابیات آنرا درحدود بیست هزار دانسته وچنانکه گذشت نسخه خطی این کتابخانه درحدود ۷۰۰۰ بیت میباشد و نسخه‌ای از دیوان وی که بتصحیح واهتمام ادیب نیشابوری(۲) در تهران چاپ شده(۳) شامل ۴۰۰۰ بیت میباشد .

---

(۱) درص ۳۲۰ ج ۵ فرهنگ نظام تصریح شده که نثره نام یکی ازستارگانست ونیز خلطی را گویند که هنگام عطسه ازبینی حیوانات بیرون می‌آید .

(۲) باید دانست که مصحح این دیوان که درآخر مقدمه ادیب نیشابوری امضاء نموده ادیب نیشابوری‌معروف (عبدالجواد۱۲۸۱-۱۳۴۴ه.ق)نیست ومیدانیم که نام ایشان محمد تقی وازشاگردهای مرحوم ادیب بوده و درزمان زندگانی ادیب « ادیب کوچك » خوانده میشد واینك درمشهد مقدس خراسان اند .

(۳) بدبختانه تاریخ چاپ این دیوان نگارش نیافته ولی مسلماً بسال ۱۳۱۸ خورشیدی بوده است .

**۹۶۳**

## دیوان جوزا یا دلگشا

این نسخه بنابر تصریح درص ۸ درماه رجب سال ۱۲۸۷ آغاز نگارش آن بوده وچنانکه از مندرجات پشت صفحهٔ نخستین و حاشیهٔ ص ۲۹۸ نسخه بدست می آید بسال ۱۲۸۸ در دست خود شاعر بوده وابیات وقصائدی بر آن افزوده وشایدهمه نسخه نیز خط خود شاعر باشد ومندرجات آن عبارتست ازترکیب بند (ناقص) ص ۱ ـ ۲ ، **۲** ـ دیباچه ص ۳ ـ ۸ ، **۳** قصیده ص ۸ ، **۴** ـ غزلیات ص ۹ ـ ۲۷۳ ، **۵** ـ ترجیعات ص ۲۷۵ ـ ۲۸۸ ، **۶** رباعیات ص۲۸۸ـ۲۹۷ ، **۷** ـ فردها ص ۲۹۸ ـ ۲۹۹ و نسخه از آخر افتادگی دارد و ابیات موجودهٔ در آن در حدود ۳۵۰۰ بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شماره برگها ۱۵۰ . صفحه ای ۱۲ بیت طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۴۰۹۹** .

### دیوان جوزا = دلگشا

دردیباچه این دیوان نام این شاعر جوزا تخلص **ابو تراب بن حسن حسینی** تصریح گردیده واز بیانات وی بدست می آید که دریکی ازدهات نطنز (چشمه‌نام) میزیسته و آرزو داشته که غزلیات وی چون غزلیات خواجه حافظ مورد تفال گردد ، ازاینرو آنهارا مرتب بحروف تهجی بر حسب ردیف هانموده و « **دلگشا** » نام نهاده برای نشان دادن طرز شعر ومقام ومرتبهٔ شاعر بهتر این دیدم که چند بیت ازمقدمهٔ آنرا دراینجا بیاورم وزبان دربندم :

| | |
|---|---|
| اینکه ما گفتیم وی را دلگشا | بهر تقبیح ضمیر مآدعی |
| اول اربگشودنش خواهی اگر | شرح احوالی بگوید از وفا |
| هم سلام و هم تحیت بایدت | گفتن از بهر علی مرتضا |
| پس زبان بگشا به آواز جلی | با تولای شه دین لا فتی |
| گوی آیات همه ناد علی | پس تفأل زن به نظم دلگشا |
| گر بانصاف اندرین آری تودست | رحمتی خواهی فرستادن بما |
| مدتی از آنکه جوزا روز وشب | خون دل خورداست درعین جفا |
| کین بماند یادگارش درجهان | خود بود مستغرق فیض خدا |

از بیانات دیباچه بر می‌آید که شاعر جز مندرجات این نسخهٔ از دیوان (۳۰۰۰ بیت) اشعاری داشته.

**آغاز:** دانی چرا هلال فلك قامتش خم است
اختر فشان سپهر زمژگان انجم است

### ۹۶۴

**دیوان حاجی ابرقوئی** - این نسخه بخط نستعلیق خوب یکی از اساتید نوشته شده ، پشت صفحهٔ نخستین وبربرگیکه پیش از آن گذارده شده چند نفر راجع به نویسندهٔ آن اظهار نظر نموده بیشتر آنها گویند که خط باباشاه عراقی است ویکی از آنها نگارش را نسبت به میرعلی داده ولی بامقایسه باسائر خطوط میرعلی ثابت میشود که نگاشتهٔ وی نیست وطرز خط میرساند که نویسنده هندی بودهٔ وچنانکه خواهیم دانست مسلماً درهند نوشته شده وپس از سال ۹۷۲ این کار انجام یافته و برگهائی از میان ص ۱ - ۲و ۱۹۹ - ۲۰۰ (تتمه غزلیات ردیف میم و نون و واو وبخشی ازغزلیات ردیف هاء افتاده) و از آخر

نسخه افتاده ورباعی آخرین الحاقی ونسخهٔ کنونی درحدود ۲۵۰۰ بیت میباشد.

بیشتر از برگها وصالی شده، دارای یك سرلوح میباشد، صفحات مجدول بطلا ولاجورد وشنگرف است.

جلد تیماجی. کاغذ حنائی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱۱۰ صفحه‌ای ۱۱ بیت. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۳۳**.

## دیوان حاجی ابرقوئی

حاجی ابرقوئی(۱) ازشعرای قرن دهم هجری ومردی دوازده امامی بوده، در کتب تذکره بنام وآثار وی دست نیافتم، دریکی ازقصائد که بمدح حضرت امام رضا علیه‌السلام پرداخته شرح حالی ازخویشتن بدست داده وبدین مناسبت آن قصیده را «نسب نامه» نامیده

(چودراین قصیده شده ذکراصلم نسب نامه نامش نهادم بدوران)

ابیات زیر راکه گذشته ازمعرفی شاعر، مبین طرزشعروشاعری حاجی میباشد (ص ۲۷ - ۳۳ نه) دراینجا می‌آوریم:

«من بی‌سروپاکه گشتم زخاصان پدر گرد و مادر بود ازلرستان

فلك درابر قوه افکند ما را که باشد گل ابیض باغ رضوان

بدامان مادر چو یکساله گشتم پدرزین جهان شد بدان‌جای پاکان

بشش‌سالگی دل بکاری نهادم کزو بگذرانم معاش خود آسان

سه سال از پی گله رفتم بصحرا شدم از برای سك نفس چوپان

سه سال دگر گرد گاوان دویدم بنوعی که آسوده گشتند گاوان

سه سال دگر بنده خربنده بودم بکف چوب ودایم بدنبال‌خویشان

سه سال دگر هیزم عالمی را زکوه فلك ساکشیدم بمیدان

(۱) درهفت اقلیم پیش‌ازآنکه بشرح فارس پردازد ابرقوه را نام برده و گوید پیش ازاین داخل فارس بوده واینك جزء عراق شمرده میشود واصل این کلمه ابر کوه بوده و مراد اینستکه بالای کوه یابر کوه ساخته شده ودراثرآمیزش عرب باعجم ابرقوه تلفظ شده وصاحب فارسنامه ناصری گوید: قصبه این بلوك ابرقونام دارد ودرشمال شرقی شیراز بفاصله ۲۲ فرسخ است.

سه سال دگر تخم ذرت فشاندم / چو آن عاشقی کو بود اشك‌پاشان
سه سال دگر کار گل‌پیشه کردم / رساندم بسی طاق ایوان بکیوان
سه سال دگر کرده ام ره روبها / که‌خورشید گردیده در گردپنهان
سه سال دگر سودوسودا نمودم / که هرگز نکردم در آنکار نقصان
بهنگام سی‌سالگی خواجه گشتم / مرا چون فلك کرد تاجر بدوران
پی‌سود وسودای خود میدویدم / گهی‌سوی شیرازو گه‌سوی کرمان»

وچنانکه ازمندرجات این دیوان بدست می آید بهندوستان رفته وسلاطین آنجا را مدح ها گفته و در قصیده‌ای که درمدح محمد قلی قطب شاه سروده (ص ٥٦ ـ ٥٨ نه) گوید:

« شهادردکن بنده سی‌سال گشتم / ز حکم قضاو بامر الهی »

و در مثنوی خود که بنام « ناظر ومنظور » انشا نموده و درآن داستان عاشقی خود را آورده رفتن خود را بهندوستان نیز تذکرداده واین چند بیت ازآنجاست (ص ۸۷ نه):

مادر طبع من این طفل خیال / زاد در نهصد و هفتاد و دوسال
چون فلك قرعه بی نامش زد / نام این « ناظرو منظور » آمد
بیت افسانهٔ عشقم ز قلم / صدوپنجاه و شش آمد برقم

حاجی این نسخهٔ ازدیوان خود را بنام مصطفی خان که ظاهراً ازخوانین هند بوده جمع آوری کرده ودرقطعه ای که درآخرغزلیات گذارده تصریح نموده:

زانکه از یمن همتش گفتم / ز ابتدای سفینه تا انجام

و از مندرجات دیوان بدست آمد که حاجی بیش از شصت سال زندگانی نموده وتاسال ۹۷۲ مسلماً زنده بوده است.

دیوان حاجی مشتمل بر - ۱ - قصائدی درتوحید ومدح حضرت رسول‌ص‌ع وائمهٔ دوازده‌گانه و شاه طهماسب صفوی (ص ۴۳ ـ ٤٥) (در ذیل منقبت امام زمان علیه‌السلام نیز ازشاه طهماسب نام برده است ص ٤١) و پادشاهان هند - ۲ - افسانهٔ عشقی بنام « ناظر ومنظور » بوزن مثنوی در ۱٥٦ بیت (ص ۷٤-۸۸ نه)، ۳. غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف ها (ص ۸۸- ۲۱۳ نه)، ۴ - رباعیات (ص ۲۱٤-۲۱۷ نه) وبخشهای نامبرده با نقصی که دارند چنانکه گذشت درحدود ۲۵۰۰ بیت است.

**آغاز قصائد:**

این نسخه ز عیب چون مبراست / از حاو الف ز جیم و از یاست

ایانرمانده اشیا که هستی خالق اشیا تو ئی داناتو ئی بیناز هی یکتای بیهمتا

**آغاز** ناظر ومنظور :

این رساله که بخوبی آراست حاجی زار ابر قوئی راست

**ابتدای سخنم توحید است**

ای که چرخ فلك و مهر قمر همه را ساختی از یك گوهر

**آغاز** غزلیات :

من بیدل شوم قربان ، کمان ابروانش را

کشیدن گرچه نتوانم سرموئی کمانش را

## ۹۶۵-۹۶۸

**دیوان حافظ شیرازی وغیره**

این نسخه را بسال ۸۵۸ نویسنده ای که نیز شاعر بوده و در ص ٤۳۱ یك فرد از اشعار خود را نوشته بخط نستعلیق نگاشته و از خود نام نبرده و فقط مشتمل بر غزلیات ( ص ۱ ـ ۳۹۶ ) و قطعات ( ص ۳۹۶ ـ ٤۱۰ ) و ساقی نامه ( ص ٤۱۰ـ٤۲۰ ) و رباعیات (ص٤۲۰ـ ٤۲۸) حافظ میباشد ودر حدود ٤۳۰۰ بیت است و شمارهٔ غزلیات هریك از حروف تهجی برحسب قوافی اینست :

الف ۱۱ ، ب ۳ ، ت ۷۸ ، ث ۱ ، ج ۱ ، ح ۱ ، خ ۱ ، د ۱۵۱ ، ر ۸ ، (یك برگ از غزلیات ردیف راء افتاده است ـ میان ص ۲۱۱ ـ ۲۱۲ ) ز ۹ ، س ٦ ، ش ۲۰ ، ص ۱ ، ض ۱ ، ط ۱ ، ظ ۱ ، ع ۳ ، غ ۱ ، ف ۱ ، ق ۲ ، ك ۳ ، ( ازآخر غزلیات حرف کاف واول حرف لام برگهائی از نسخه افتاده ـ میان ص ۲۵۵ ـ ۲۵۶ ) ، ل ۲ ،

م ٦٨ ( از آخر غزلیات حرف میم نیز افتاده ـ میان ص۲۹۹ـ۳۰۰) ، ن۱۷ (این ردیف نیز افتاده دارد ـ میان ص ۳۲۷ـ۳۲۸ ) ، و۱۱ ، ه ۸ (نیز افتاده دارد ـ میان ص۳۳۹ ـ ۳٤۰) وی٥۷ (نیز ازغزلیات این حرف هم بخشی افتاده ـ میان ص ۳٥۱ ـ ۳٥۲ ) .

درحاشیهٔ برگهای این نسخه از دیوان کتابهای زیرین را نیز همین نویسنده نوشته **۱ گلشن راز** از ص ۱ـ۸٤ ، ـ **۲ کنز الرموز** ص ۸٤ ـ ۱٥۲ ـ **۳ ـ عشق نامه** عراقی ص ۱٥۲ ـ ۲۳٥ ودر همین فصل بمعرفی آنها خواهیم پرداخت وپس ازاتمام عشق نامه نیز همین نویسنده برحاشیه برگهای دیگر دیوان غزلیات واشعاری ازخواجو کمال ، سعدی ، همام تبریزی ، سلمان ، حسن ، خسرو ، عراقی ، عطار ، جلال الدین رومی ، قاسم انوار ، جلال ، عصمت ، نعمت الله ولی ، عماد فقیه ، شاهی ، بایسنقر ، ناصر ، حمدی وغیرازاینها نگاشته وچندصفحه متن آخر کتاب نیز مشتمل اشعاری از سعدی ودیگرانست وچنین مینماید که یك یاچند برگ ازآخر نسخه افتاده وتاریخ نگارش در ص ٤۳۲ میباشد .

پشت صفحهٔ نخستین ترنجی است مینائی که در چهارطرف آن چهاربادام طلائی رسم شده وبرهریك ازآنها نام یکی از کتابهای نام برده نوشته شده ودرمیان ترنج عبارتی باطلا بخط ثلث نگارش شده بوده ولی ازمیان رفته وفقط کلمه **السلامه** آن خوانده میشود ویادداشتی ازسردار معظم خراسانی مالك اخیر نسخه بخط وی نیز دراین صفحه است .

در آغاز دیوان و گلشن راز که درصفحهٔ اول میباشند دو سر سورهٔ ظریف مینائی که باطلا نقاشی گردیده موجود و جملهٔ دیوان حافظ و گلشن راز هریك باخط کوفی بریکی از آنها نگارش یافته و تمام صفحات مجدول بطلاست و چندین برگ از اول و آخر نسخه وُصالی مختصری گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۲۱۷. صفحه‌ای ۱۰ بیت درمتن و ۱۱ درحاشیه. طول ۱۸ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷۰**.

## ۹۶۹

**دیوان حافظ شیرازی**

این نسخه را بسال ۸۹۵ در شهر استراباد سلطان‌علی‌مشهدی(۱) که‌ازمشاهیر خطّاطان واز استادان خط نستعلیق بوده باطرزی بسیار زیبا نگاشته و شامل ۲۱۱ غزل (الف ۱۳، ب ٤، ت ٤٦، ث ۱، ج ۱، ح ۱، خ ۱، د ٤۳، ر ۹، ز ۳، س ٤، ش ٥، ص ۱، ط ۱، ظ ۱، ع ۲، غ ۱، ف ۱، ق ۱، ك ۳، ل ۲، م ۲۱، ن ۸، و ٤، هـ ٦، ی ۸) وساقی‌نامه (۲۹ بیت) و مقطعات و رباعیات و (٦۰ بیت) میباشد، دارای یك سرلوح زیبا در نخستین صفحه و یك ترنج که میان آن یادداشتی کرده‌اند و برخی

(۱) در پیدایش خط وخطّاطان (ص ۱۵۸ـ۱٦۰) معرّفی‌ازاین استاد گردیده و مهارت وی در علوم ادب وخطوط نستعلیق و رقاع و نسخ و تذهیب‌کاری و رسامی برجسته تصریح شده وگوید بسال ۹۱۹ در هرات جهانرا بدرود ودر مشهد بخاك سپرده شد.

آن محو گردیده پشت صفحهٔ اول میباشد ومیان همه سطرها تذهیب و نقاشی شده گمان میرود که اینها نیز از آثار سلطان علی باشد ، برگها متن وحاشیه و حواشی نیز تذهیب گردیده و برگها باطرز نا زیبائی وصالی‌شده ویادداشتهائی‌را که پشت صفحهٔ نخستین بوده محو کرده‌اند، برگ ۱۵ و۱۶ که شامل یك دو غزل از حرف راء بوده افتاده و برگ آخر هم نیازمند وصالی است .

جلد روغنی‌دورو .کاغذ خان بالغ .قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۰۱ . صفحه‌ای ۸ تا ۱۲بیت . طول ۲۸ سانتیمتر . عرض۱۷سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۳۲۲** .

## ۹۷۰

**دیوان حافظ شیرازی**

این نسخه را بسال ۱۲۳۳ بخط شکسته نستعلیق خوب **محمد اسمعیل موسوی**، عریضی برای نائب بلوك میانکوه یزد (اسم این مرد را که درصفحهٔ آخر بوده محو کرده‌اند) نوشته ، دیباچه ای که عین دیباچه **محمد گل اندام** با اندك تصرفی در بعضی از کلمات آن میباشد و اضافاتی هم در آغاز ومیان و آخر آن دارد ونام محمد گل اندام را هم ندارد و مسلماً پس ازقرن دهم هجری نوشته شده (ص ۱-۱۱) وپس ازآن رساله‌ای در بیان وتحقیق عبارات والفاظ خواجه بفارسی (ص ۱۱-۲۲) پیش از دیوان نوشته شده و پس از آن مسدسی‌در مدح حضرت امام رضا علیه السلام (ص ۲۳ـ ۲۸)، و پس از آن قصائد وترکیب بندها (ص ۲۸ ـ ۶۰) و غزلیات

(۶۳ ـ ۳۳۴) ساقی نامه ومقطعات ورباعیات (ص۳۳۵ ـ ۳۷۰) است وتمام این دیوان در حدود ۴۳۰۰ بیت میباشد.

(غزلیات ۳۶۰۰ بیت، ساقی نامه و قطعه و رباعی ۳۰۰، قصائد وترکیب بند و مسدس ۴۰۰ بیت) یکی ازقصائد درمیان غزلیات نوشته شده (ص ۲۸۱ ـ ۲۸۲) دو سرلوح در آغاز نسخه وغزلیات موجود واطراف دوصفحهٔ اول نسخه وغزلیات تذهیب ومیان سطرها طلا اندازی‌شده، عناوین مطالب برسرسوره هائی ظریف با سرخی نگارش یافته و ازعباراتی که در ص ۳۳۴ نوشته شده معلوم میشود که عناوین‌مطالب‌را بخط نسخ بسال۱۲۳۹ **احمدبن یحی الاهیجی** برحسب خواست زین العابدین خان دیلمان نوشته ومهراسم این شخص درچندین صفحه ازدیوان دیده میشود وتمام صفحات مجدول بطلاست و آغاز دیباچه نسخه اینست:

بسمله بهترین درود نامعدودی که حافظان سرائر عالم عقول و واقفان محامد و مجامع اصول الخ.

جلد روغنی یکرو. کاغذ سمرقندی. قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۱۸۵. صفحه‌ای ۱۳ بیت. طول $\frac{1}{2}$۱۴ سانتیمتر. عرض ۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۲۱۴۸۰**.

## دیوان حافظ شیرازی

شمس‌الدین محمدبن کمال‌الدین(۱) مشهور به **خواجه حافظ** ازمشاهیر سخن سرایان قرن هشتم هجری بوده وفروغ دانش وی‌تا کنون روز افزون، گذشته از شعر و شاعری مقام دبیری در دربار داشته و با این کاربدرس و بحث فنون ادب وتفسیر میپرداخته، غزلیات وی شهرتی بسزایافته ودیوان وی همهٔ دیوانهارا

(۱) عبدالنبی فخرزمانی قزوینی مؤلف تذکره میخانه که بسال ۱۰۲۸ تألیف گردیده پدر خواجه‌را بهاء الدین و اصفهانی نوشته است.

شسته ، حاشیه‌ای بر کشاف نوشته ولی تا کنون نسخهٔ آن بدست نیامده ، نگارنده مجموعه‌ای مرکب از نظم و نثر که بسال ۷۸۶ نگارش یافته در این کتابخانه از نظر گذرانیده و گمان نزدیك بیقین دارد که منشی و نگارندهٔ آن خواجه حافظ میباشد و در این فهرست معرفی کامل از آن خواهد نمود .

خواجه بسال ۷۲۸ متولد شده و بسال ۷۹۲ وفات یافته و در ص ۵۷۹ ـ ۵۸۲ ج۲ **فهر** دربارهٔ این شاعر شهیر و دیوان وی شرحی نگاشته‌ام ، حسین پژمان نیز مقدمهٔ مفصّلی بر دیوان حافظ ( تا کنون دو بار باتصحیح ایشان چاپ شده ) نگاشته‌اند .

دیوان حافظ بنا بر مشهور و تصریح در دیباچه پس از وفات خواجه مرتب گردیده و جامع آن **محمد گل اندام** نگارندهٔ دیباچه دیوان میباشد که خود در اشریك درس خواجه در محضر قوام الدین عبدالله معرفی نموده و برحسب تحقیق وتتبع دانشمندان ، نسخ موجودهٔ از این دیوان شامل غزلیات و ابیاتی از شعرای قبل و بعد از خواجه میباشد ونسخ قدیمی و کهنهٔ این دیوان فاقد بسیاری از اشعار خواجه است و کهنه ترین نسخهٔ دیوان حافظ که نگارنده از آن خبری دارد نسخهٔ دانشمند محترم آقای سید عبدالرحیم خلخالی میباشد که بسال ۸۲۷ یا ۳۶ سال پس از مرگ خواجه نگارش یافته و ازروی آن بسال ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران نسخه‌ای چاپ‌شده و پس‌ازآن نخستین‌نسخهٔ این کتابخانه میباشد که بسال ۸۵۸ یا ۶۷ سال پس از وفات خواجه نگارش یافته است .

## ۹۷۱

## دیوان یا کلیات حزین

این نسخه را بسال۱۲۲۸ بخط نستعلیق ، نویسندهٔ غلط‌نویسی بفرمان **بندت امید بیکیان** درشهر مراد آبادهند ، نوشته ومندرجات آن عبارتست از ـ ۱ ـ قصائد ازص ۱ ـ ۸۷ ( میان ص ۱۰ و ۱۱ برگهائی افتاده است ) ـ ۲ ـ مثنوی در وصف حضرت خاتم ص۶ ـ ۳ ـ مقطعات ص ۸۹ ـ ۱۱۲ ـ ۴ ـ مثنوی **صفیر دل** ص ۱۱۵ ـ ۱۴۱ ـ ۵ ـ **حدیقهٔ ثانی** ص۱۴۱ـ۱۹۷ـ ۶ ـ **خرابات** ص ۱۹۸ ـ ۲۱۷ ـ ۷ ـ **چمن وانجمن** ص۲۱۷ـ۲۳۰ ـ ۸ ـ **مطرح الانظار**

ص ۲۳۰ ـ ۲۳۵ ـ **۹** ـ فرهنگ نامه ص ۲۳۵ ـ ۲۴۸ **۱۰** ـ تذکارات العاشقین ص ۲۴۸ ـ ۲۶۷ و با تمام این مندرجات در حدود ۶۵۰۰ بیت میباشد و در زیر این سطرها بمعرفی مثنوی ها که از شماره ۲ و ٤ تا ۱۰ میباشند خواهم پرداخت وازماده تاریخ هائیکه دربخش مقطعات میباشد یکی این ماده تاریخ است که در ولادت میرصدرالدین پسر میرسعید انشا نموده : **تاریخ نوشتیم که «خورشید دمید»** و این جملهٔ اخیرسال ۱۱۷۸ را کهدوسال پیش از مرگ شاعر میباشد معین میکند ودومثنوی مندرجه دراین نسخه در هفتادسالگی شاعر یعنی هفت سال پیش ازمرگ وی انشاشده بنابرین شاید که این نسخه چهارمین دیوان حزین باشد .

موریانه تمام برگها را سوراخ کرده وبرخی از کلمات ابیات هم ازمیان رفته وپاره‌ای ازبرگها هم وصالی شده است .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شماره برگها ۱۳٤ صفحه ای ۲۵ بیت طول ۲۷ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۰۰** .

## دیوان یا کلیات حزین

محمدعلی(۱) اصفهانی متخلص به **حزین** اصلش از لاهیجان واز نواده های شیخ زاهد گیلانی است، دراصفهان بسال ۱۱۰۳ بدینجهان پای گذارده وپس از فتنهٔ افغانها بهندوستان رفته وسالهای اخیر ازعمرخود را درآن کشور گذرانیده

(۱) چنانکه در**فو** ثبت شده حزین درمؤلفات نثری، خود رامحمد بن ابی‌طالب المشتهر بعلی معرفی کرده وبهمین مناسبت ریو دریکی ازموارد اوراشیخ علی حزین نامیده وادوارد برون نیز او رابدینگونه معرفی کرده ولی درمأخذ دیگر وآخر دیوان این کتابخانه نام حزین شیخ محمدعلی معرفی گردیده وشرح حال حزین در**فو** ص ۲۷۲ و ۲۷۳ و۴۸۳ و۷۱۵ و۷۱۶، **قن** ۱۸۲ ـ ۱۸۵، **رن** ص ۶۸، **شم** ص ۱۳۰ ـ ۱۳۲، **هن** ص ۱۶۱ ـ ۱۶٤، **آر** ص ۲۸۶ تحفة العالم ص ۳۳۹ ـ ۳٤۳ ومرآت الاحوال برگ ۱۶٤ ـ ۱۶۶ باتفصیل واختصار نگارش یافته ودر نگارش این شرح مراجعه شده است .

واز تصریح های وی معلوم میشود باهمهٔ شهرتی که در آنجا یافته دلخوش نبوده و آرزوی برگشتن به ایران را داشته ولی مرگ او را اجازت نداد و بسال ۱۱۸۰ چنانکه درنو ۰ هن ، شم نوشته شده یا ۱۱۸۱ که درتحفة العالم ومرآت الاحوال استدر **بنارس** رخت بسرای جاودانی بربست و در گوری که برای خود آماده کرده بود بخاك سپرده شد .

ادوارد برون در تاریخ ادبیات ایران شرح مفصلی از حالات این شاعررا بنقل ازتذکرهٔ وی ( تذکرةالمعاصرین ) نقل و گوید کتابی نظیر کشکول شیخ بهائی بنام « مدةالعمر » نوشته و در حاشیه تذکر داده که نسخهٔ این کتاب در موزهٔ لندن موجود وریوآنرا درص ۴۸۳ معرفی نموده درصورتیکه درفهرست ریو و ذیل آن بدین نام کتابی نیست ولی نسخه‌ای از «**فرسنامه**» که آغازآن اینست : سواران مضمار بندگی وسر افکندگی را چه مجال الخ. و «رساله‌ای دراوزان مثقال و درهم و دینار و غیره » که آغاز آن اینست : الحمد لله . . . . و بعد انقر نقراء باب الله الخ . و «رساله در خواص حیوان» که آغازآن اینست : سپاس بی قیاس که مدارك اوهام الخ . درص ۴۸۳ ( ج ۲ نو ) تألیف حزین معرفی گردیده و تذکرةالمعاصرین که شامل شرح حال و معرفی درحدود یکصد نفراز دانشمندان معاصر مؤلف وآثاری از آنها میباشدنیز یکی ازمؤلفات حزین میباشد و با اشعاراین شاعربنام کلیات حزین بسال ۱۲۹۳ در لکناهور چاپ گردیده .

در تحفة العالم ومرآت الاحوال حاشیهٔ برشرح هیاکل النور وشرح رساله کلمةالتصوف شیخ اشراق ورساله درقضا و قدر ورساله درحدوث عالم ورساله در وجوب مسح پا ومؤلفات دیگر به حزین نسبت داده شده است .

مؤلف شمع انجمن گوید : دیوان حزین مشتمل بر اقسام سخن قریب بیست هزار بیت است ولی خود حزین دراین باب ( درص ۱۴۵ دیوان ) گوید :

بعد پنجه هزار شعر گزین  که در آمد بدفتر تدوین

و نیز تصریح نموده که در این هنگام هفتاد سال داشته و قطعاً تا آخر عمر هم که هفت سال پس ازاین تاریخ بوده طبع وی تراوش‌هائی داشته وادواردبرون شمارهٔ دیوانهای حزین را از تذکره خود وی چهار دیوان معین نموده و بدبختانه تا کنون کلیات چاپی شاعر را نگارنده ندیده است .

ازمندرجات نسخهٔ نام بردهٔ بالا معلوم میشود که حزین بناداشته درمقابل پنج گنج نظامی ( خمسه ) گنجهائی انشا نماید :

( کنی تازه تا خمسهٔ گنجوی  شرابت کهن باد و رایت قوی  ص۱۲۳ نه )
وبدین کارهم دست زده ولی ظاهراً بانجام نرسانیده چراکه نسخ موجوده ازهریك از گنجها چنانکه زیر این سطرها می‌بینید جزابیاتی چند بیش نیستند .

حزین ازشعرای شیعه ودارای مقام ارشاد بوده ودردیوان وی تشیع وی صریحاً اظهار گردیده و قصیده ای در مدح حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام معروف به شاه چراغ دارد ( ص ۷۰ - ۷۲ نه ) و مندرجات نسخهٔ نام برده را در اینجا شرح میدهم :

**۱ - قصائد** که مشتمل بر توحیدو نعت ومدائح میباشد در ۲۱۵۰ بیت تقریباً .

**آغاز :** غیر نفی غیرت یکتای بی همتاستی
نقش لا در چشم وحدت بین من الا ستی .

**۲ - مثنوی** در وصف حضرت پیغمبر صم ع در ۵۶ بیت .

**آغاز :** این ابر تری که خامه انگیخت
در جیب جهان دُر عدن ریخت .

**۳ - مقطعات** این بخش شامل ماده تاریخ ها ومواعظ ومراثی و مکاتیب نظمی شاعر میباشد و در حدود ۱۱۰۰ بیت میباشد .

**آغاز :** یا خاتم النبیین غمخوارعالمی تو
پیش تو چون ننالم از جورآسمانی .

**۴ - صفیر دل** این مثنوی به مقدمهٔ نثری مختصری شروع شده ودرحدود ۶۷۰ بیت میباشد .

**آغاز:** بسمله له الحمد فی الاخرة والاولی والسلام علی سیدنا المصطفی وآله خیرة الوری ، یك صفیر دل دو نیم که منقار عندلیب ....

خدایا دلی ده حقیقت شناس زبانی سزوار حمدو سپاس

و انجام مثنوی این بیت میباشد .

نی سوده تاریخ اتمام یافت قام باصفیردل انجام یافت

ومصراع اخیر که مؤید نام مثنوی نیز میباشد تاریخ انشاء آنرا بسال ۱۱۷۲ معین میکند وگذشته ازاین ۱۲ بیت پیش ازاین شاعر هفتادسالگی خودرا تصریح نموده :

سر آمد زعمر تو هفتاد سال نیاسود کلك و زبانت زقال

**۵ - حدیقهٔ ثانی** این مثنوی را حزین برابر حدیقه سنائی انشا نموده و تا آنجا که نگارنده جستجو کرد نامی برای آن نیافت جز اینکه در اوائل کتاب (ص ۱٤٥ نه) گوید :

عندلیب قلم ز طبع حزین طلبیدی حدیقهٔ دومین

و انشاء این مثنوی نیز درهنگام هفتاد سالگی شاعربوده چنانکه پس ازچند بیت نیز گوید :

عمر هم در جوار هفتاد است مشت خالی مرا پراز باد است

**۸ - مطامع الانظار** این مثنوی درفو و هن بدین نام نامیده شده ولی

در اشعار آن این نام یافت نشد ، برابر مخزن الاسرار نظامی ساخته شده و نسخهٔ این کتابخانه ناتمام و بیش از ۱۱۲ بیت نیست ،

در هفت آسمان نیز تذکر داده شده که نسخه ای از مثنویات حزین که در کتابخانه دهلی و کلکته وجود دارد از هریکی ورقی بیش نیست چنانچه ازین نسخه همین دیباچه‌دوورق است که درحمد و نعت میباشد .

**آغاز:** ای دل افسرده خروشت کجاست خاموشی‌اززمزمه جوشت کجاست .

**۹ - فرهنگ نامه** این مثنوی دراول وآخرنسخه بدین نام ثبت گردیده و در حدود ۳۵۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده است :

بنام نگارندهٔ هست و بود فرازندهٔ این رواق کبود .

**۱۰ - تذکارات العاشقین** این مثنوی بروزن لیلی مجنون میباشد وریو آنرا بدین نام ثبت نموده در این مثنوی اشعار عربی گذارده شده و در حدود ۱۴۰۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز میشود :

کلّ مافی الوجود لیس سواه وحده لا اله الّاالله.

**۶ - خرابات** این مثنوی را ریو بدین نام معرفی کرده ولی در خود آن تصریحی نیافتم جز اینکه درآغاز وانجام نسخه کلمه خرابات ذکرشده ونسخه این کتابخانه در حدود ۴۷۰ بیت میباشد

**آغاز:** ثناهاست پیر خراباترا که شست ازدلم لوث طامات را

**انجام :** خرابات ما فیض بنیاد باد خراباتیانرا روان شاد باد

**۷ - چمن و انجمن** ریو این مثنوی را بدین نام معرفی کرده و نسخه این کتابخانه درحدود ۳۰۰ بیت میباشد و ظاهراً این نام ازبیت نخستین نسخه بدست آمده است

**آغاز :** بنام آنکه آذر را **چمن** ساخت
دل دوزخ شرر را **انجمن** ساخت

و چنانکه در اواخر آن تصریح گردید شاعر در هنگام انشاء آن چهل ساله بود (ص ۲۶۴ نه )

چل سال ز عمر بیونا رفت تن ماند ز جنبش وتوی رفت

بنا بر این بسال ۱۱۴۳ یا سی‌وهفت‌سال پیش از مرگ شاعر انشا شده‌است

**آغاز :** ساقی ز می موحدانه ظلمت بر شرك ازهمیانه .

حزین چون بسیاری از شعرا بستایش‌خویش پرداخته و بلند پروازیها کرده و از آنجمله است ( ص ۲۱۷ نه )

ازین نامه گردون پرآوازه شد روان سخن گستران تازه شد

تو ای آنکه این خامه بنیاد کرد | دل طوسی و رودکی شاد کرد
بگوش نظامی اگر میرسید | سروش من خسروانی شنید
به تعظیم من رخ نهادی بخاك | که احسنت ای نیر تابناك

در صورتیکه حقاً شایسته مراتبی پائین تر از این استادان نیست .

سراج الدین علیخان آرزو بسیاری از اشعار غلط حزین را در کتابی بنام « تنبیه الغافلین» گرد آورده است .

## ۹۷۳

**دیوان حشم** این نسخه‌را بخط نستعلیق بدخط ، غلط نویسی بی تاریخ نوشته ، پشت صفحهٔ نخستین و بر برگیکه پیش از آنست و بر برگهای آخر نسخه ، ابیات و یادداشتهائی بفارسی وترکی نوشته شده وظاهراً اصل نسخه دراوائل قرن سیزدهم نگارش یافته است .

جلد ندارد . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ٤٧ . صفحه‌ای ۱۱ و ۱۲ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱٦۱۰۱** .

### دیوان حشم

شاعر حشم تخلص چنانکه خود تصریح نموده حسن نام داشته :

اولا نامم حسن بودی کنون زشت آمدم نام خود کردم حشم بادا مبارك نام من

درتذکره ها شرح حال و آثار وی دست نیافتم ، اشعار وی جز برای سرگرمی و تفریح وتفنن فائده وسودی ندارد ، زمان وعصر او هم کاملاً ازدیوانش هویدا نیست شاید از شعرای قرن دوازدهم هجری هندوستان باشد ودر ابتداء دیوان غزلیاتی غیر مرتب بترتیب ردیف ها در توحید و نعت حضرت رسول ص ع و خلفاء راشدین و آل واصحاب موجود و پس از آن غزلیات مرتبه بترتیب ردیفهاست واین نسخه ازدیوان وی درحدود ۱۰۰۰ بیت میباشد .

**آغاز :** ای سحاب لطف تو گوهر زبالا ریخته

دردکان هر صدف صد دُرّ لالا ریخته

## ۹۷۳

**دیوان حمید همدانی**

این نسخه که شامل غزلیات و رباعیات و فردهائی از حمید میباشد بسال ۱۱۲۸ بخط شکسته نستعلیق خوب نگارش یافته (در ص۱۰۷ نه تصریح گردیده) نویسنده ازخودنام نبرده، قصیده‌ای در مدح حضرت‌ولی امیرالمؤمنین علیع محمد تقی‌نام انشا و بخط خود نوشته و ص ۵۶ ـ ۵۹ و ۶۲ و ۶۳ و ۷۲ و۷۳ نسخه شامل آنست وبدین بیت شروع میشود (ص ۶۲ نه):

دیگر درآتش است دل من سپند وار
وقت‌است گرم گرجهم‌ازجای‌چون‌شرار

وظاهر اینست که تمام نسخه بخط همین محمد تقی است (شاید که این شاعر محمد تقی مازندرانی معاصر نصر آبادی باشد که در ص ۱۲۰ تذکره وی نامبرده شده و گوید ملازم پادشاه حیدر آباد است)، در حاشیه ص ۹، ۴۴، ۵۰ (ومتن ص ۱۶۶ ۱۷۲ اشعاری از**صالحی** تخلصی که بقرینهٔ ترکی بودن اشعار نگارش یافته در حاشیه ازشعرای‌ترك نژادبوده، نگاشته‌شده وشاید خطخودصالحی باشد و در ص۱۷۳ غزلی زمینای شاعر وپس ازآن برشش برگ از هشت برگ کاغذ فرنگی که به این نسخه الحاق گردیده اشعاری ازجامی وحافظ وغیره (ص ۱۷۴ ـ ۱۸۴ نه) نگارش یافته است، همهٔ برگها مجدول بطلا ولاجورد وشنگرف گردیده وحواشی‌بسیاری

ازآنها بطرزی خاص بارنگهای گوناگون نقاشی ظریف شده، بیشتر بلکه همه برگهای نسخه جابجا و برگهائی‌هم ازآن افتاده و اصل دیوان در حدود ۱۵۷۰ بیت است .

جلد تیماجی ظریف . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۹۵ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۰** .

## دیوان حمید همدانی

نسخهٔ نام بردهٔ بالا غزلیات شاعری **حمید** تخلص‌میباشد، ازسبك اشعار و دیوانش معلوم میشود که از شعرای دوره صفوی و امامی مذهب بوده و این چند بیت در ص ۱۲ ، ۹۷ ، ۹۸ صریح در این عقیدت است :

خواهم بنجف رفت حمیدازتوچه پنهان گرعمردهد فرصت وگرمرگ امانی

..........................

حمیدازآرزوی گلشن کوی نجف امروز چه‌حسرتهابدل‌چون‌بلبل‌بی‌بال‌وپرداری

..........................

حمید آسودهٔ از انقلاب حشرو روزنشر توتا دارالامانی همچوخاك کربلاداری

در مآخذ و تذکره‌هائیکه در دست نگارنده میباشد بنام و آثار شاعر حمید تخلص‌دست نیافتم‌جز درص۱۹۲تذکره نصرآبادی(نص) که گوید :

«**حمیدای همدانی** ازنجبای آن‌ولایت است درتحصیل کمال‌سعی‌وافی‌بعمل آورده دراین اوقات بفکرشعرافتاده این‌بیت ازاوست :

هزارگل دمد از خاك در مقابل تو توهم زجوهرخاکی کجاست حاصل‌تو»

بدبختانه اشعار ردیف **واو** ازاین نسخهٔ دیوان افتاده و این بیت اگر جزء دیوان بوده از میان رفته است ولی این بیت که همدانی بودن حمید را میرساند در ص ۳۰ وجود دارد :

حمید این همدانی که بینی و این خلق بود بهشت ولیکن بهشت شداد است

بنا بر این در هنگام تألیف نص ( در سالهای ۱۰۸۳ - ۱۰۹۲ ) اوائل جوانی شاعر بوده و شاید نسخهٔ این کتابخانه که بسال ۱۱۲۸ نوشته شده درزمان حیات شاعرنگارش یافته باشد واین نگارنده چنین تصورمیکند که حمید دیوان مینا ( میرزا صادق‌بن میرزا صالح متخلص‌به **مینا** کهدر ص۶٤ نص معرفی‌شده وگوید بسال ۱۰۶۱مرده و جدّ نصرآبادی‌است) را دردست داشته و مطالعه میکرده واین بیت ( ص۵۰نه ) اشاره بدانست :

نقل بزمم بود امشب ریزهٔ مینا حمید     بسکه بی او سنگ برپیمانه و ساغرزدم
و شاید بتوان این بیت را (ص ۸۲ نه) اشاره بخوش خوانی مینا گرفت :
دائم از خنده‌لبش همچو گلوی میناست     گر چه کیفیت سرشار ندانسته هنوز .
از مندرجات دیوان حمید چنین استفاده میشود که شاعری عاشق پیشه، درویش مسلك و امامی مذهب بوده و غزلیات دیوان لسان الغیب حافظ شیرازی را سرمشق قرار داده و بیشتر از غزلیات خود را بهمان وزن و قافیه ساخته و شاید بتوان گفت که از شعرای غزل سرای خوب قرن یازدهم ایران حمید میباشد ونگارنده را گمان اینست که حمید نام محبوب شاعر بوده نه نام خود وی و شاعر چون بلبل های خوش‌نوا هر روز بر شاخی غزل خوانی و نغمه سرائی داشته
فردهای زیرین را برای نشان دادن طرز فکر و برهان گفته های خود از دیوان وی در اینجا می‌آوریم .

ص ۲۱ حمید از جادهٔ افتادگی بیرون قدم مگذار
بغیر از خاکساری هر چه هست از وضع ما دوراست

ص ۲۸ دل یکی مهر یکی عشق یکی حسن یکیست
دلربایندهٔ نگاه تو بصد رنگ چراست

ص ۳۰ آنزمان مست شوم از کرم دوست حمید
که میی مرحمت از ساقی کوثر گیرم

ص ۳۸ گر شوی خاك درین راه چنان باش حمید
کز تو بر هیچ دلی گرد کدورت نرسد

ص ٤٤ بر تو حمید فرصت هرگز کسی نیابد
تا از فتادگیها برخود حصار داری

ص ۵۱ هرگز نکرده است کسی بد بمن حمید
در عالم آنچه دیده ام از خویش دیده‌ام

ص ۵۵ آبی که خضر یافت از و عمر جاودان
آن آب نیست آب بقا بلکه آبروست

ص ٦۰ بامیدی که نهد بر سر من پای حمید
میشوم خاك که بازیچهٔ طفلان خاکست

ص ٦٤ حمید اندیشه کن «خاصیت تیر قضا دارد»
از آن آهی که مارا از دل غمناك برخیزد

ص ۸۰ ای که کرده جان نثار راه جانان غم مخور
میدهند آخر ترا اجر شهیدان غم مخور

ص ۱۰۲ گشت در مسلخ عشق عاقبت کار حمید
شرحه شرحه دلم از دست بت قصابی

ص ۱۰۳ باز از تو بسر افتاد هوای دگری
آشیان مرغ دلم بست بجای دگری

ص ۱۳۵ شدحمیدازعشق شوخی‌صاحب‌طرزسخن
بلبل ما خوشنوا از خوبی گلزار شد

ص ۱۰۸ یك شب هجرتورا هر که بسربرد ونمرد
چون بماند شب دیگر دل دیگر دارد

با حذر باش حمید از شرر آه دلم
شمع من روشنی‌از محفل دیگر دارد

نسخهٔ دیگری ازدیوان حمید را در کتابخانه ای سراغ ندارم.

**آغاز :** اگرقهرت فرو ریزد زهم بنیاد افسرها
شود آتش نشان برفرق شاهان آب گوهرها.

## ۹۷۴

## دیوان حیران یزدی

این نسخه را خود حیران بخط نسخ بسال ۱۲۷۹برحسب‌خواست‌وزیرلشکر(۱)نوشته واین مطلب درص۲٥٦ نسخه نگارش یافته وتمام برگها مجدول بجوهر قرمز و آبی است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها۱۳۹ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . عرض۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر**۱۳۲۸۴** .

### دیوان حیران یزدی

غلامرضا متخلص به **حیران** ازشعرای قرن سیزدهم هجری بوده وچنانکه

(۱) وزیر لشکرمیرزا داود خان پسر میرزا آقاخان صدر اعظم نوری است.

در تاریخ یزدآیتی (ص۲۸۷) نگارش یافته : « در مصلی صفدر خان (در یزد است) مکتبداری داشته و در خط نسخ ماهر بوده و چندین نسخه از دیوان خودرا نوشته و اینك در یزد موجود است »

ابیاتی که آیتی از وی انتخاب کرده در این نسخهٔ از دیوان وی میباشد ، با جستجو بدست نیاوردم که این شاعر تاچه سالی زندگانی میکرده ولی مسلماً تا سال ۱۲۷۹ که سال نگارش این نسخهٔ از دیوان اوست دراین جهان بوده و دیوان وی شامل **۱** غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی (ص۱-۱۹۷ نه)، **۲** - غزلیات برای مشاعره بترتیب حروف تهجی برحسب حرف اول هر بیت (ص۱۹۷-۲۱۲) ، **۳**- ترجیع بند (ص۲۱۲ - ۲۲۰) ، **۴** - ترکیب بند (ص۲۲۰-۲۲۷) ، **۵** - مسدس (ص۲۲۷-۲۳۳) ، **٦** - رباعیات (ص۲۳۳-۲۴۱) ، **۷** - مثنوی بنام « افسانه عاشقانه » (ص۲۴۱-۲۴۹) ، **۸** - مثنوی در بیان عشق حقیقی و دلنوازی معشوق (ص۲۴۹-۲۵۵) و **۹** - قصائد در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نظام الملك ووزیر لشکر (میرزا داود خان) میباشد و تمام دیوان در حدود ۲۷۰۰ بیت است .

درانجمن چهارم انجمن خاقان که بسال ۱۲۳۴ تألیف گردیده حیران تخلص یزدی که نام وی محمد علی و در مدرسهٔ مصلی اشتغال بتدریس داشته نام برده شده و در بارهٔ وی گوید : « از اکثر طلاب و اغلب اصحاب سلامت سلیقه و استقامت طبع شریفشان مسموع افتاده . . . . . . . در علم ادب عربیاً وفارسیاً بابهره‌وافی و نصیبی کافی است » و چندین بیت از اشعار اورا نقل نموده که هیچکدام ( با مراجعه ) دردیوان این حیران ( غلامرضا ) یافت نشد ودو نفر بودن این دو شاعر مسلم گردید هدایت در **ما** و **رن** مختصر عبارات انجمن خاقان را با چند بیت(در **رن** یك‌بیت) که در آنجا نقل گردیده آورده است .

**آغاز :** ساقی چو در زرین قدح ریزی شراب ناب را
اول بیاد رفتگان برخاك ریز آن آب را .

**۹۷۵**

**دیوان خاقان** این نسخه مشتمل برغزلیات وساقی نامه و مثنوی دیگری ازخاقان میباشد ، برخی از

برگهای آن افتاده وبعضی جابجا شده وطرز نگارش و اصلاح هائی که در ابیات آن گردیده ومحووانباتهائي که درآن شده، میرساند که پیش ازسال ۱۲۵۰ نوشته شده‌وبدین بیت آغاز گردیده:

بنشست ببر نگارم امشب     برخواست غم از کنارم امشب

و با مقابلهٔ بانسخهٔ ۳٦٥ این کتابخانه بدست مي آید که آن نسخه را از روي این‌نسخه با اضافاتی‌نگاشته‌اندوشاید که این‌نسخه (۹۷۵) بخط خود شاعر باشد ودرحدود ٦۰۰ بیت است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۲. صفحه ای ١٤ بیت. طول ۲۰ سانتیمتر. عرض ½ ١٦ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۴۱۵۷.

## دیوان خاقان

فتحعلیشاه قاجار برادر زادهٔ آغا محمدخان مؤسس سلسلهٔ قاجاریه‌میباشد وپس از وی از سال ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ پادشاه ایران بود و با کمال‌خوشی روزگار گذرانید، شصت و هفت سال عمر کرد و دویست وشصت پسر و دختر از وی بوجود آمد و یکصد وپنجاه نفر آنها در زندگانی پدر جهانرا بدرود گفتند و پسران نامیٔ از وی بجای ماند، نام بعضی‌از آنها که دانش پژوه یا دانش‌پرور بوده‌اند دراین‌فهرست ثبت‌خواهدشد. شماره‌نوه‌های‌این پادشاهرا ناسخ‌التواریخ چند سال پیش از مرگ، بیش از دو هزار نوشته است.

فتحعلیشاه با زمام داری و پادشاهی دست از عشق و عاشقی بر نمیداشت و با پیری با مقتضیات جوانی سر وکار داشت و طبعش بسرودن اشعار راغب‌بود و **خاقان** تخلص مینمود، در زمان وی بازار شعر وشاعری رواج گرفت، تذکره هائی از اشعار شعرای عصر گرد آمد و پسر های وی بیشتر خود را سرگرم سرودن اشعار و تربیت شعرا مینمودند.

تذکره‌نویسان‌معاصرخاقان‌وآنانکه پس‌ازوی بدین کاربادرت کرده‌اندبشرح حال وانتخاب اشعارش‌پرداخته‌اند،نوشتهٔ فاضل‌خان، راوی کروسی‌درانجمن‌خاقان که بسال١٢٣٤ نگارش یافته چون‌دارای‌امتیازی‌نیکو‌ست‌دراینجاآورده‌میشود:

« تدبیر لشکر وارقام حاسد و اصلاح فاسد مخل خیال نظم و مفرق اسباب شعر آمده وقتی اگر در وصف حالتي و ایراد حکمتی بدیهه روشن ازمشرق

خاطر بیضا اشراق، روشنی بخشای ساحت انفس و آفاق شدی، بندمای بارگاه و شعرای درگاه عنایت رفتی که آنرا واسطةالعقد زیوری کنند وبفر تضمینش زینت دفتری بخشند، اگرچه شأن دیوان الهام بیان وقدر اشعار شعرا شعار ارفع و اجل از آنست که در او بنظر انتخاب بعضی گستاخ گردد و یا بتعدیل یکی تزئیف دیگری کند ولی

سوی شهر از باغ شاخی آورند باغ و بستانرا کجا آنجا برند

تفالاً باتمام الکتاب و توسلاً باقلام الکتاب قسطی از آن فوائد و بعضی از آن فرائد را زینت دیباچه وطراز فاتحه کتاب ساخت و «الله التوفیق» و پس از عبارات بالا به نقل برخی از ابیات قصائد وغزلها و مراثی انشائی خاقان برداخته است.

در تذکره هائی که درعصر خاقان و پس از آن نگارش یافته ازجمع وترتیب دیوان خاقان نامی نبرده اند ونگارنده به نسخه ای ازدیوان وی (جز دو نسخهٔ این کتابخانه) تاکنون دست نیافته و برون نوشته که غزلیات بسیار بتخلص خاقان از وی باقی است یکی ازادبای معاصر گوید: «چهاردیوان ازو دیده شده ولی بیکی نمی ارزد».

درانجمن خاقان وتذکرهٔ محمدشاهی وناسخ التواریخ (قاجاریه) وتتمهٔ روضة الصفا ومجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۳-۲۵ وترجه تاریخ ادبیات برون ص ۱۱۹-۱۲۰ وتذکره هائیکه درعصر خاقان نگارش یافته شرح حال وابیاتی از این پادشاه نگارش یافته است.

## ۹۷۶

### دیوان خاقانی

این نسخهٔ کهن سال که شاید درهنگام زندگانی شاعر (اواخر قرن ششم) یااندکی پس از آن بخط نسخ نگارش یافته شامل تمام بخشهای نسخ دیگر بوده ولی دست حوادث برگهای آنرا چون برگ گل پراکنده نموده دانش پروری نواقص آنرا تا اندازه ای (ظاهراً در قرن دوازدهم هجری) تکمیل نموده واینک شامل درحدود شانزده هزار و ششصد (۱۶۶۰۰) بیت میباشد.

پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی که یکی از مالکین نسخه بسال ۱۰۷۷ در قسطنطنیه نموده موجود و یادداشت حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله بخط خود وی بسال ۱۲۷٤ در اینجانیز باقی و یادداشتهای دیگری نیز بوده ولی محو گردیده و برخی از برگها وصّالی شده است.

بانقصی که برای این دیوان پیش آمد کرده از نفائس نسخ بشمار می آید.

جلد تیماجی. کاغذ حنائی. قطع رحلی. شماره برگها ۳٦٥. صفحه ای ۲٥ بیت. طول ۳۰ سانتیمتر. عرض ۲۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۷٦۰**.

## ۹۷۷

## دیوان خاقانی

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق مجدالدین علی بسال ۹۹۹ برای خویشتن در کربلاء معلی نوشته و آنرا مقابله وتصحیح کرده و تمام بخشهای زیرین را بترتیب قوافی موافق حروف تهجی مرتب نموده **۱** ـ قصائد (ص۱ـ۱٦۸)، **۲** ـ ترکیب بندو ترجیع بندو مراثی (ص۱٦۸ـ۲۰۷)، **۳** ـ مقطعات (ص۲۰۸ـ۲٥٥)، **۴** ـ غزلیات (ص۲٥٥ـ۳۰۳) و **۵** ـ رباعیات (ص ۳۰۳ـ۳۱۱)،

بدبختانه درصحافی پاره‌ای ازبرگهای ترکیب بندها ومقطعات در میان بخش قصائد گذارده شده و برگهائی از قصائد هم جابجا گردیده وموافق برگ آخر ازشمارهای پیشین نوزده (۱۹) برگ ازاول

ومیان نسخه افتاده و با این نقص در حدود پانزده هزار (۱۵۰۰۰) بیت میباشد واشعار عربی هربخشی درمیان همان بخش گذارده شده و بدین بیت آغاز میگردد :

کو صدر افاضل شرف گوهر ایام

کو کافی دین واسطهٔ گوهر انساب .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۵۶ . صفحه‌ای ۴۸ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۹۳۳** .

## ۹۷۸

**دیوان خاقانی**

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۳۸ محمد صادق بن حسین خاتون آبادی برای کتابخانه حاجی حسین بیگ که از اعیان آنعصر بوده ، نگاشته ، مالکین متعدد ، بر آن ابیاتی از خاقانی در حواشی افزوده‌اند ، یکی از آنانکه نسخه‌را در دست داشته محمدصادق حسینی امیرالشعراء میباشد که بسیار درحواشی یادداشت کرده یکی از آنهادر ص ۳۲۲ میباشد و آقا محمد کاظم **واله اصفهانی** متوفی بسال ۱۲۲۹ که‌نیز یکی ازمالکهای نسخه وازشعرای معروف قرن سیزدهم بوده ، در بسیاری از صفحات تعلیقات وحواشی و تصحیحاتی بخط شکسته بسیار زیبای خود نگاشته ودر ص ۱٦٦ و ٤٧١ و ٤٧٨ و ٥١٣ و ٥٢٠ و ٥٢١ و ٥٧٢ و غیر ازاینها امضاء کرده‌اند و اصل نسخه در حدود ۱۸۰۰۰ بیت میباشد و درحدود یکهزار بیت بر آن افزوده شده و

فهرست مندرجات دیوان اینست :

۱- دیباچه نثری تحفة العراقین ( ص ۱ ـ ٦ ) ، ۲- قصائد عربی (ص ۹ـ۳۳) ، ۳- قصائدفارسی (ص ۳۵ـ٥٤٨)، ۴- ترجیعات ومراثی و ترکیب بندها (ص ٥٥۱ ـ ٦۷٦) ، ۵- مقطعات (ص ٦۷۹ـ۹۸۰) و ٦- رباعیات (ص ۹۸۱ـ۱۰۲٤) .

دارای سه سرلوح در آغاز دیباچه وقصائد عربی وقصائد فارسی میباشد و کنارهای دو صفحهٔ نخستین هریك از سه بخش نام برده تذهیب برگ موی گردیده ومیان سطرهای آنها طلا اندازی شده و در آغاز ترجیعات ومقطعات دو سرسوزهٔ مینائی مذهّب ظریف موجود وتمام برگها با طلا ولاجورد جدول کشی شده است .

یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده خواسته‌اند آنرا محو کنند جز مهر اسم نویسنده آثار یادداشت مذکور باقی است .

جلد ساغری ضربی طلاپوش . کاغذ فرنگی. قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۵۱۳ . صفحه‌ای ۱۹ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۱۹۴۸ .

## ۹۷۹

**دیوان خاقانی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ندارد ، ظاهراً درقرن یازدهم هجری نگارش یافته ، برگهائی از آخر ومیان نسخه افتاده وبسیاری از آنها جابجا گذارده‌شده، برخی‌هم‌درصحافی‌پشت و رو (برگ ۳۰٦و ۳۱۰)

گذارده شده وشامل قصائدوترکیب هاوترجیع هاوغزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد و درحدود ۱٤۰۰۰ بیت است .

پشت صفحهٔ نخستین یادداشتهائی تاریخ دار که قدیمی ترین آنها بسال ۱۲۸۵ نوشته شده موجود ویکی ازآنها را محو کرده‌اند وتمام برگها متن وحاشیه شده و مهرهائی برصفحهٔ اول و آخر از مالکین پیشین زده شده وآغاز نسخه این بیت :

دل من پیرتعلیمست و من طفل زبان دانش
دم تسلیم سر عشرو سر زانو دبستانش

وانجام آن این بیت است :

یکچند بناخوشی قنادی خوش باش
پندار درین دور نزادی خوش باش

جلد تیماجی . کاغذ متن دولت آبادی **حاشیه** فرنگی. قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳٦۰ . صفحه‌ای ۲۰ بیت . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۱۹ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۳۳۱۲** .

## دیوان خاقانی شروانی

خاقانی شروانی شاعرمعروف قرن ششم هجری را در ص ۱۵۱ معرفی کرده ایم (۱) . این سخن سرای بزرگ بتازی وپارسی شعر می سرائیده و

(۱) در ص ۱۵۱ گفته شد که خاقانی را کتابی بنام « ختم‌الغرائب » است و معرفی ازآن حواله بفهرست سپهسالارج ۲ ۵۰۲-۵۰۳ شده‌ودرآنجا تذکر داده ام که باتفحص نسبت چنین کتابی را در کتب سیربخاقانی ندیده ام اینك که مشغول به نگارش این شرح راجع بدیوان میباشم درچند نسخه ازدیوان خاقانی این بیت زیرین راکه مؤید وصریح درتألیف وانشاء چنین کتابی میباشد درقصیده‌ایکه خاقانی درمدح صفاهان سروده دیده‌ام :

آنك « ختم‌الغرائب » آخر دیدند    تاچه ثناخوانده‌ام برای صفاهان.

شمارهٔ ابیات دیوان او را بیست ودوهزار نوشته‌اند وبنام کلیات خاقانی سه بار درهندوستان چاپ گردیده واین بار اخیر بسال ۱۳۲۵ هـ بوده وبسال ۱۳۱۷ خورشیدی نیز درتهران باتصحیح دانشمند معاصر آقای عبدالرسولی استاد دانشگاه تهران چاپ بسیار ممتازی گردیده و این چاپ کلیات درحدود ۱۷۰۰۰ بیت میباشد واز اینکه نسخ چاپ هند شامل اشعار دیگران میباشد جای شبهه نیست وچون درك معانی بسیاری از ابیات خاقانی مشکل میباشد دانشمندانی بشرح برخی از آنها پرداخته‌اند ودراین فصل یکی از شرح های این دیوان معرفی خواهد شد .

**۹۸۰**

**دیوان خاور قاجار**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته‌شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، تصور میکنم که از سال نگارش دیباچه (۱۲۳۸) چندان مأخر نباشد، علی اکبر نامی که خود را بنده درگاه معرفی کرده در حاشیهٔ ص ۲۲۷ یك بیت نوشته و تاریخ این نگارش سال ۱۲۶۹ میباشد؛

درصفحهٔ نخستین سرلوحی موجود وهمه برگها مجدول به اکلیل میباشد ویادداشتی که پشت صفحهٔ آخربوده محو گردیده است.

جلدروغنی گل‌وبوته داروطرف داخل نرگس ونیازمندتعمیراست . کاغذ فرنگی. قطع وزیری . شمارهٔ برگهاه ۱۰٤ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول ۲۹ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۸** .

## دیوان خاور قاجار

**خاور** حیدر قلی میرزا پسر فتحعلیشاه قاجار است که درزمان پدر حاکم گلپایگان وعراق ( اراك ) بوده و پس ازمرگ آن پادشاه ( ۱۲۵۰ ) بطهران آمده

و درآنجابماند ، بمقتضای عصر و دوره بشعر و شاعری رغبت نموده، بسرودن قصیده و مراثی و غزل و رباعی و قطعه و مثنوی پرداخته و برای‌خوددیوانی ترتیب داده ، دانشمندی که از خود نام نبرده مقدمه ائی بنثر بسال ۱۲۳۸ بردیوان‌وی‌نگاشته و این دیوان درحدود چهار هزار (۴۰۰۰) بیت میباشد .
تذکره نویسان معاصر و متاخر خاور را نام برده و از اشعارش منتخبی‌در کتاب خود آورده ولی هیچیك سال وفات و سنین عمر او راضبط نکرده اند.
**آغاز :** ترصیع‌هرسخن ، سخن از سپاس خداوندیست که بیواسطه دخیلی نظم موجودات را . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . .

دلم از سوز عشق پرشرر است وین‌عجب دامنم زدیده تر است.

**۹۸۱**

**دیوان امیر خسرو یا تحفة الصغر**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، ظاهراً خط و تذهیب آن راجع به قرن نهم هجریست ، برگ نخستین که دارای سرلوح وتذهیب و میناکاری حواشی بوده و برگهائی از آخر نسخه افتاده و صفحهٔ دوم که مانده در اطراف آن تذهیب و نقاشی بسیار ظریفی میباشد و صفحهٔ پایان قصائد تذهیب گردیده و در آغاز غزلیات سرسورهٔ مذهب بسیار ظریف زمینه لاجوردی است ، عناوین قصائد وغزلیات وغیره باطلا نگارش یافته وتمام صفحات مجدول بطلا ولاجورد است مقدمه نثری را ندارد، مندرجات آن عبارتست از: ۱ ـ قصائد (ص ۲ـ۲۴) ، ۲ ـ غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی (ص ۲۵ ـ ۸۸۲) ، ۳ ـ مقطعات (ص ۸۸۲ ـ ۸۹۴) و ۴ ـ رباعیات (ص۸۹۴ـ۸۹۹)و

آغاز کنونی نسخه اینست :

تراست دیده بی‌نور اگر نه بشناسی
که سنبل حبشی به ز سرو فرخارست

وانجام آن این رباعی میباشد :

خوش بود دادسیم وزر، ور نیست
لفظ خوش بر زبان از آن پیش است
نرمی و لطف راحت دلهاست
روغن و موم مرهم ریش است

نسخه بدست بچه افتاده وبمقتضای بچگی دربارهٔ آن عمل نموده وپاره‌ای ازبرگهای آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی، کاغذ خطائی. قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ٤٤٥ . صفحه‌ای ١٧ بیت . طول ٢١ سانتیمتر . عرض ١٣ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ٢٣٢٥٥ .

## دیوان امیر خسرو دهلوی = تحفة الصغر

امیر خسرو دهلوی **خسرو** تخلص را درص١٨٧-١٩٠ معرفی کرده ایم ، در آنجا گفته شد که ویرا پنج دیوان میباشد ، نسخهٔ نامبرده بالا نخستین دیوان اوست که خود آنرا « تحفة الصغر» نامیده ومقدمه ای به نثر برآن نگاشته و شامل قصائد در توحید و نعت و مدح پادشاهان معاصر و غزلیات و قطعات و رباعیات میباشد و تمام اینها در حدود ١٤٣٠٠ بیت است .

**آغاز غزلیات :** حمد رانم بر زبان لله رب العالمین
آنك جان بخشید ازقرآن هدی للمتقین .

**۹۸۲**

**دیوان دشتی** این نسخه بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب بسال ١٢٧٠ نوشته شده، صفرهفتادرادرچندین

جا که بوده محو کرده اند ولی آثار آن پیداست و دارای دیباچهٔ نثری از عبدالرحیم همدانی **خادم** تخلص میباشد که درهمین سال نام برده انشا گردیده، در آخر آن (ص ۲۱۳ ـ ۲۱۵) بنام ملحقات دیوان دیباچه ایست برای اشعارشانزده نفر ازشعرای شیراز معاصر خادم که براین دیوان تقریظ نوشته و آنرا ستوده اند ولی نسخه بذکر اسامی آن شعرا خاتمه یافته و از آثار آنان درنسخه اثری نیست.

دارای پنج سرلوح زیبا درصفحه ۱ و۴۹ و۱۶۳ و ۱۷۳ و۲۱۳ میباشد و اطراف این صفحه ها وصفحه های مقابل آنها تذهیب گردیده و سی مجلس تصویر روغنی که هریك نصف صفحه را فرا گرفته اند در ص۱۶، ۵۲، ۵۸، ۶۶، ۷۸، ۸۶، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۳۴. ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۶و۲۰۶ کشیده شده، همهٔ برگها مجدول بطلا ولاجورد وشنجرف وغیره میباشد، برگها نیازمند وصالی اند وتمام نسخه درحدود ۱۷۰۰ بیت ازقصیده (ص ۱ ـ۴۶)، غزل (ص ۴۹ ـ ۱۷۲)، ترجیع بند (ص۱۶۳ـ۱۷۱)، مراثی حضرت سیدالشهداء ع (ص۱۷۳ـ۱۹۷)و مطایبات (ص ۲۰۰ ـ ۲۰۹) میباشد و دیباچه نثری ملحقات در ص ۲۱۳ ـ ۲۱۵ نگارش یافته است.

چندین برك کاغذ جدول کشیده درآخر نسخه موجود وآغاز دیباچهٔ آن این بیت است:

آنجا که بدیوان تو دیباچه بود        انصاف سزد که نقش دیباچه بود

سپاس بی قیاس سخن آفرینی را سزاست و متکلمی را رواست که انسان از دیوان ابداعش فرد الخ.

وآغاز دیوان اینست: رسید نامهٔ نامیت ای هنرپرور
در آن نوشته خطی نیك چون خط دلبر.

جلد روغنی دو رو ، دروسط هریك ازجلدها تصویر چند نفر جوان وپیرمردی کشیده شده و طرف درون هردوجلد نرگس رسم شده . کاغذ فرنگی زرافشان. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱۰۸ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۸۸۴۰**

**۹۸۳**

دیوان دشتی این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۱۲۸۷ نگارش یافته ودرآخر غزلیات باعباراتی ادبی با چند غلط کتابتی ( فی عصر یوم الاربعاء التاسع من العشر الثالث من الشهر الثامن من السنة السابع من العشر التاسع من المائة الثالث بعد الالف من الهجره ) این تاریخ تصریح گردیده ولی دزدان فروشندگان کتاب اعداد سال تاریخ را از آخر این بخش و آخر نسخه محو کرده‌اند.

در این نسخه چهار سرلوح زیباست که حواشی صفحهٔ شامل آن و صفحه مقابل در اول دیباچه و آغاز قصائد ودیباچهٔ مراثی (این دیباچه بعربی وانشاء خود شاعر میباشد) باطرزی نیکو تذهیب گردیده وسرلوح اول دیباچه مراثی بطرز خاصی جز طرز سرلوحهای دیگر میباشد، برگ اول غزلیات را این نسخه ندارد ولی اطراف نخستین صفحهٔ

کنونی تذهیبی نظیرخواشی نامبرده موجود وتمام بر گها بالاجورد و اکلیل جدول کشی شده و مندرجات این نسخه عبارتست از : ۱ ـ دیباچه محمد حسین قزوینی آیت تخلّص ، ۲ قصائد ، ۳ ـ مراثی حضرت سیدالشهداء ع، ۴ ـ غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی ، ۵ ـ مقطعات و ۶ ـ رباعیات و تمام این اشعار در حدود ۲۶۰۰ بیت مبنا شد وآغاز دیباچه آن اینست :

بسمله الحَمدُ لله الّذی جَعَلَ اَلْفَضائِلَ کُلَّها مَجْموعَةً فی فِطْرَةِ اَلْاِنْسان بر دانشوران دقیقه شناس و سخن گستران ثاقب قیاس پوشیده ومکتتم نیست الخ .

آغاز قصائد : وقت صبوحست خیز ای مه زرین نقاب

بادهٔ روشن بده پیشتر از آفتاب

ازعبارات نگارش یافته برجلد چنین استفاده میشود که شاعر خوداین نسخه را برای نورمحمدخان سرهنگ تهیه نموده وبسال ۱۲۹۱ جلدسازی آن خاتمه یافته همان دزد کتابفروش آحاد هزار وسر دورا تراشیده که با استفادهٔ ازنقطه سنه جلدراهم ساختهٔ شده سال ۱۰۹۱ معرفی نماید وآثار محوشده با دقت کمی آشکار است .

جلد روغنی یك رو عمل عباس و سه بیت مکرر برهردو جلد بخط ثلث نوشته شده . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۶۲ . صفحه‌ای ۱۹ بیت . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۶۶۶ .

## دیوان دشتی (محمد خان)

**محمد خان دشتی** یکی از حکام بلوك دشتی است که درجنوب غربی شیراز واقع شده و سی و شش فرسنگ پهنای آنست ، از طرف مشرق به

نواحی بلوک گله دار و از طرف شمال به بلوک فراشبند و جره وکازرون وخشت و ازطرف مغرب و جنوب بنواحی دشتستان ودریای فارس محدوداست وپدر وی **حاجی‌خان** دشتی‌است که دارندهٔ این بلوک وحکمفرمای‌آن جا بوده و بسال ۱۲۷۸ وفات یافته و این فرزند وی که **دشتی** تخلص دارد چنانکه در مقدمه دیوان چاپی وی نگارش یافته بسال ۱۲٤٦ بدینجهان پای گذارده و در اوان زندگانی بتحصیل کمال و فضل پرداخته و از بدو جوانی طبعش مائل بسرودن اشعار گردیده و چنانکه از دیباچه نخستین نسخهٔ این کتابخانه معلوم میشود بسال ۱۲۷۰ برادر مهتر وی حسین خان دشتی بخشی ازاشعار اورا بشیراز آورده وعبدالرحیم همدانی **خادم** تخلص بجمع و ترتیب آن پرداخته و از مقدمه دومین نسخه این کتابخانه که محمد حسن بن محمد حسین قزوینی **آیت** تخلص بسال ۱۲۸٦ نگاشته و مختصری از آن در آغاز دیوان چاپی نگارش یافته بدست می آید که در این سال زیر نظر خود شاعر دیوان او منظم گردیده واین نسخه درحدود ۲٦۰۰ بیت ازقصیده وغزل ودوازده‌بند (در مرثیهٔ حضرت حسین بن علی سید الشهداء علیه السلام است) و ترجیع بند وقطعه ورباعی میباشد و چنانکه درمقدمه دیوان نیزتذکر داده شده **دشتی**را کتابی بنام **کلام الملوک** در وزن و بحر حدیقه سنائی میباشد که پس از تحمید و اثبات نبوّت عامّه و خاصّه و توکید ولایت خاصه با ادله، نصائح پادشاهان ایران را یك بیک گرد آورده و در آخر شرح حالی از خود با التزام بقواعد بدیعی و عروضی و اشارهٔ باصطلاحات نجومی و فلکی گنجانیده وکتابی بنام « **خسرو شیرین** » در مقابل نظامی گنجوی میباشدکه تا آن هنگام بیش‌ازهزار بیت ازآن انشاء نگردیده وکتابی بنام «**نمکدان**» نظیر گلستان و کتابی بنام « **طریق السلوك** » که خلاصهٔ کلیله ودمنه و بنظم میباشد و تذکر داده اند که تا آنسال (۱۲۸٦) این کتاب نیز بانجام نرسیده و از هریك ازکتابهای نام برده درآن دیباچه انتخابی شده و در مقدمهٔ دیوان چاپی مختصری ازاین انتخاب و اصل دیباچه چاپ گردیده است .

دیوان دشتی بسال۱۳۱۹دربمبئی بخط نستعلیق‌خوب چاپ سنگی گردیده و در حدود ٦۵۰۰ بیت است .

شرح حال دشتی ( محمد خان ) و معرفی از بلوک دشتی را از ص ۲۱۱ گفتار دوم فارسنامه ناصری و مقدمه نسخه خطی و چاپی دیوان وی استفاد و نقل کرده ایم .

## ۹۸۴

**دیوان رشیدوطواط** این نسخه را بخط نستعلیق بسیار خوب شمس‌الادباء میرعلی شیرازی برای عزالدوله عبدالصمد میرزا بسال ۱۲۸۲ درهمدان بادقت وصحیح نگاشته واین مالك بخط خویش پشت صفحهٔ نخستین همین تاریخ را یادداشت کرده ودرآخر آن قطعه‌ای که درتاریخ نگارش نویسنده انشا کرده نوشته شده واین دوبیت درآخر آنست :

زنوك کلك گهرسلك **شمس شیرازی**
گرفت زیب وبها شعرهای نغز رشید
بسال دوصدوهشتادویك ز بعد هزار
بفرخی و سعادت باختتام رسید

بنابراین بسال ۱۲۸۱ اصل نگارش خاتمه یافته ودرسال ۱۲۸۲ تذهیب و صحافی آن بپایان رسیده و نویسنده در آخر کتاب این تاریخ اخیررا نیزرقم کرده ونسخه‌مشتمل‌بر قصائد ومراثی‌وترجیع‌بند و قطعات و غزلیات و رباعیات رشید میباشد و در حدود ( ۵۲۰۰ ) پنجهزارودویست بیت است .

صفحهٔ نخستین دارای یك سرلوح بسیار زیباست کـه در خور چنین نسخه ایست ومیان سطر های دوصفحه اول طلا اندازی شده وحواشی آنها تذهیب برگ موی شده وتمام برگها باطلا وزنگار جدول کشی شده است .

**جلد** روغنی و در وسط جلد طرف راست عکس اجتماعی شامل شمس الادباء و برجلد طرف چپ عکس انفرادی وی که مهر بادامی « عکاسباشی » زیر آنها زده شده، گذارده شده و اطراف این دو عکس تذهیب ظریف گردیده و برهریك از آنها تصریح شده که عکس شمس الادباء است . **کاغذ** ترمه مهره زده . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۸۹ . صفحه‌ای ١٤ بیت . طول ½ ۲۰ سانتیمتر . عرض ١٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۲۳۸** .

**۹۸۵**

**دیوان رشید وطواط**

این نسخه را بخط نسخ، عبرت نائینی بفرمان سردار معظم خراسانی بسال ۱۳۳۷ نوشته و در ص ۳۰۵ بدان تصریح کرده و پس از آن چند قصیده و قطعه‌ای که از قلم وی افتاده بوده نگارش یافته و در آخر صفحهٔ ۳۱۱ شمارهٔ ابیات نسخه را ٦٤٤٧ ضبط کرده است .

قصائد و مقطعات در این نسخه مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی شده و نیز شامل ترکیب بند و ترجیع بند و رباعیات و غزلهای های رشید است .

چند برگ کاغذ ننوشته در آغاز و انجام نسخه میباشد .

جلد مقوائی عطف و گوشه تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ١٥٦ . صفحه‌ای ۲۲ بیت . طول ½ ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲٦٦** .

**دیوان رشید وطواط**

محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی ملقب به رشیدالدین و مشهور به وطواط یا رشید وطواط را در ص ۱۲۵ معرفی کرده ایم ، دیوان وی شامل قصائد و

ترجیع بند وترکیب بند وغزل وقطعه ورباعی میباشد ودارای صنایع لفظی و معنویست وابیات عربی رشید در آن موجود است ، دومین نسخه این فهرست شامل ٦٤٤٧ بیت میباشد وبزرگتر از این نسخه را نگارنده سراغ ندارد .

**آغاز:** ای جاه توافروخته اعلام کبریا صافیست اعتقاد تو از کبر واز ریا

## ۹۸٦

**دیوان رفیع الدین لنبانی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، شامل قصائد وغزلیات ورباعیاتی ازشاعر میباشد و درحدود ۱۳۰۰ بیت است ، نویسنده ازخود سال نگارش نام نبرده ظاهراً درنیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده کمتر صفحهٔ آن بی‌غلط است ، صفحهٔ نخستین دارای یك سرلوح برگ اول و آخر وصالی‌شده و بدین بیت آغاز گردیده است :

خدای عزوجل برجهان چوفرمان داد
ترا کلاه فریدون و تخت خاقان داد .

لد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ٤٨ . صفحه‌ای ۱ بیت . طول $\frac{1}{2}$۱۹ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۳٦**.

## دیوان رفیع الدین لنبانی

**رفیع الدین لنبانی** اصفهانی ازشعرای معروف میباشد ، ازمندرجات دیوان وی بدست می‌آید که ازشعرای اواخرقرن ششم هجری بوده ومدائح گروهی از زمام داران و دانشمندان که دراین عصر زندگانی مینموده‌اند ، درآن یافت میشود ، برای نشان دادن آنها این‌چند بیت را میآوریم .

ص ٤۲ : بحرعلوم کان کرم رکن دین که هست
افلاك را بدرگه عالیش افتخار

هور به وطواط
شامل قصائد و

مسعود صاعد آنکه فلك ایمن ازفناست
تا در جناب دولت او شد بزینهار

ص ۸۲ : پناه فضل‌شه شرع « رکن‌دین‌مسعود »
که سیرتش ز شهان گوی عدل و احسان برد

ص ۸۳ : خلیفه عجم و شاه شرع رکن الدین
زهی لطائف تو باغ فضل را نوبر

ص ۳۷ : خلیفهٔ عجم و شاه شرع رکن الدین
که نیست در برقدرش سپهر را تمکین

و این رکن‌الدین مسعودبن صاعد قاضی اصفهانست که بنابرضبط درتاریخ گزیده اصفهان را ازخطر نجات (ص۵۰۲عکسی) داده وازرؤساء حنفیه بوده و رکن‌الدین غورسانجی پسر سلطان خوارزمشاه باکمك صدرالدین خجندی بسال ۶۱۹ برمحله جوبارهٔ اصفهان که محل اقامت قاضی رکن‌الدین بوده دست یافت و قاضی بفارس رفت واز آنجا به ری و پس ازآن به فیروزکوه پناه برد و مغولان او را کشتند .

ص ۵۳ خسرو خطه افضال عمید الدین آنك
برقع عفو فروهشت براز روی گناه
مقطع کشور فضل اسعدبن نصر که هست
فارغ اندرهمه انواع بزرگی زاشباه

و این **عمیدالدین** اسعدبن نصروزیر اتابك سعد زنگی است که ازبلغای این قرن میباشد و بفارسی و تازی شعر میسروده و بسال ۶۰۶ پادشاه ویرا بسفارت خوارزم فرستاده و ابوبکربن سعد زنگی بسال ۶۲۴ اورا کشته است (ص ۴۸۵ تل).

ص ۱۵ : عماد دولت و دین قرةالعیون کبار
که چشم اختر از او یافت کحل بیداری
جهان معدلت وجود چرخ دانش وفضل
که زیبدش که کند بر ملوك سالاری

بدین نام و شایسته این مدح دراین عصر عماد الدوله والدین مؤیدبن احمد اسفراینی کاتب‌را میشناسیم که عوفی ویرا بهمین تعبیر در ص ۱۴۷-۱۴۸ ج۱ لباب معرفی نمودهٔ و چنین معلوم میشود که در اوائل قرن هفتم جهانرا بدرود گفته و عوفی او را ندیده و در بارهٔ وی گوید : «ودر رفعت ومنزلت و علو

منصب بمکانتی که امراووزراء اطراف بعنایت ورعایت‌وی محتاج بودند .....
و در اسفراین پسر او را دیدم که تعلیم میکرد الخ ».

ص ۳۵ : جهان فروز هلالی ز آسمان خجند
ندیده چرخ چنین گوهری ز کان خجند

ص ٦۳ : دلم به بندگی صدر دین علی شاد است
چه غم مرا که زوصلت طرب نخواهدبود

مسلماًمرادرفیع‌الدین ، صدرخجندی‌رئیس‌شافعیه‌معاصرر کن‌الدین‌مسعودبن صاعد است .

ص ٥۱ نی خطا گفتم در بندگی صدر جهان
شهرتی داد مرا فضل خدای ذوالمن
مقطع کشور افضال عمادالاسلام
عضد ملت و دین سرور آفاق حسن

ظاهراً مراد عضدالدین وزیر المستضیئی‌بالله عباسی‌است (٥٦٦-٥۷٥ )
که در ص ۳٦۸ تاریخ گزیده عکسی نامبرده شده است .

بیشتر ازهمه عوفی (ج۲ ص۴۰۰-۴۰۱) این‌شاعررا درتذکرهٔ خویش فقط‌بنام رفیع‌الدین نام برده ودر بارهٔاش گفته ،

« معدن جواهر فضل و منبع زلال افضالست». واز سه غزل او بیست بیت بیادگار گذاشته و پس ازوی دولتشاه سمرقندی ( ص ١٥٥-١٥٧ ) اورابنام سحبان ثانی رفیع‌الدین لنبانی معرفی کرده وقصیده‌ای از اونقل‌نموده و گوید : « دیوان رفیع درعراق عجم بسیارمحترم وعزیز است واشعارش شهرتی عظیم دارد ولی در خراسان و ماوراءالنهر متروکست» .

امین‌احمدرازی‌درهفت‌اقلیم این‌شاعررابنام «رفیع‌الدین‌مسعودلنبانی» معرّفی و از دو قصیدهٔ وی چند بیت‌نقل‌نموده و گوید از اقران کمال‌الدین‌اسمعیل‌بوده .
چنانکه نقل گردید دوتذکره نویس پیش‌از امین‌احمدجز لقب‌نامی‌برای‌شاعر ذکر نکرده بودند و با جستجو در نسخهٔ دیوان این کتابخانه نگارنده بنام یا تخلص شاعردست‌نیافت وبقرینه اینکه‌نام‌بردگان درديوان‌وی ازاقران‌جمال‌الدین عبدالرزاق میباشند و عوفی هم که معاصر شاعر بوده جمال‌الدین و رفیع‌الدین را در کتاب خود معرفی‌نموده وابداً نامی‌از کمال اسمعیل نبرده بنابراین مسلماً قرین کردن وی با کمال اسمعیل اشتباه است ،

آذرنام رفیع‌الدین راعبدالعزیز مسعود وهدایت عبدالعزیزبن مسعود وپس

از وی مؤلف روز روشن نیز از هدایت تقلید نموده وظاهراً منشأ اشتباه آذر ومقلدین وی این بوده که امین احمد پس‌ازرفیع‌الدین مسعود لنبانی رفیع‌الدین عبدالعزیز لنبانی نامی را معرفی کرده ودربارهٔ او گوید که بیشتر طبعش مائل قطعه ورباعی بوده وازاین دونوع چند بیتی نقل کرده که در دیوان رفیع‌الدین لنبانی ( نسخه این کتابخانه ) معاصرجمال‌الدین وجود ندارد واین سه مؤلف نیز معاصر بودن شاعر را با کمال‌اسمعیل‌ومباحثه ومناظره اوراتذکر داده‌اند .

جزعوفی دیگران نوشته‌اندکه رفیع لنبانی درعنفوان جوانی بسرای‌جاودانی شتافته وهدایت شمارهٔ ابیات دیوان اورا ده هزار ( ۱۰۰۰۰ ) نوشته بنابراین نسخه نامبرده که شامل قصائد وترکیب بند وغزلیات و رباعیات میباشد منتخبی از آنست وابیات‌غزلیات‌منتخب‌در لب وقصیدهٔ موجوددر تذکرهٔدولتشاه‌دراین‌نسخه نیست ولی اشعار مندرجهٔ درهفت اقلیم درص ۱ - ۲ و ۳۸ و ٤۰ وابیات نقل شده درمجمع‌الفصحا ازقصائدیست که در ص ۹ ، ۱۳ ، ۲۱ ، ۲٦ ، ۳۱ و٤۲ و اشعارمنتخبه در آتشکده آذرهمانهائی است که هدایت و مؤلف روز روشن آورده‌اند باچند بیت دیگر وچهار بیت در « روز روشن » ازدوقصیده ایست که در ص ۳٦ - ٤۷ و ٦۵ - ٦۷ نسخهٔ این کتابخانه موجود است .

رفیع‌الدین چون معاصرین خود ذواللسانین بوده وغزلیاتی چند که بعربی سروده درص ٦۸-۷۰ دیوان وی موجود است .

این‌شرح با مراجعه به لب ج ۲ ص۴۰۰-۴۰۱ ، تذ ص ۱۵۵-۱۵۷ ، هم ص ۷۲۰ - ۷۲۱ م د ، آر ص ۱۸۲ ، ما ج ۱ ص ۳۳٤ - ۳۳۵ ، روز روشن ص ۲۵۳ و تل ص ۱۱۳ و ۵۳۲ - ۵۳۳ نگارش یافت .

**۹۸۷**

## دیوان رفیق

این نسخه را بسال ۱۲۲۹ علی عسکر نقاش بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل غزلیات ورباعیات شاعر میباشد و درحدود ۱۳۰۰ بیت است .

مثنوی بنگ وباده فضولی بغدادی را که درمعرفی ازاین دو براندازه

اصول آدمیت واز آثار ترکی فضولی بغدادی (محمدبن سلیمان متوفی بسال ۹۷۱) میباشد. نویسنده‌ای بسال ۱۲۳۲ بر چند برگ کاغذ ننوشته‌ای که پیش از نسخه بوده نوشته است.

برگ آخر شامل اشعاری ازغیراز رفیق میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی آبی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۵۵. صفحه‌ای ۱۳ بیت. طول $22\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰٦٦**.

## دیوان رفیق اصفهانی

بنابرتصریح راوی گروسی وآذر(۱) **رفیق** نامش **حسین** بوده و دربدو جوانی سبزی میفروخته پس از چندی بفکر دانش افتاده بتحصیل مقدمات و تتبّع کمالات پرداخته وخود را ازذلت نادانی بعزت دانائی رسانیده، درشاعری رتبهٔ قبول یافته وغزلیات وی خالی ازنازکی نیست عمردرازی یافته وبسال ۱۲۱۲ بجهان دیگر شتافته ودیوانی در حدود هشت هزار بیت دارد.

هدایت **درما** (ص ۱٤۲ ج ۲) مختصری از بیانات راوی‌را زیرتخلص وی نگاشته و ۱٦ بیت ازاوانتخاب نموده ولی **راوی** ۸۰ بیت ازغزلیات ورباعی های رفیق را نقل نموده است.

**۹۸۸**

**دیوان روح الامین اصفهانی میرجمله**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی میباشد، غزلیات ردیف میم و نون وهاء وبخشی از غزلیات ردیف لام

(۱) **آر** ص ۳۹۰-۳۹٤، **خن** ص ۵۳۹ - ۵٤۵ و **ها** ص ۱٤۲ و۱٤۳ ج ۲ مراجعه شده است.

ویاءِ (میان ص ۲۸۵ و ۲۸۶ کنونی) افتاده وبا این نقص نزدیك ۵۰۰۰ بیت میباشد ، تاریخ نگارش ونام نویسنده را نداشته وظاهراً درنیمهٔ اول قرن یازدهم نگاشته شده ، دارای یك سرلوح میباشد وبرگها باطلا ولاجورد جدول کشی شده است .

در آغاز و انجام نسخه برگهائی ننوشته گذارده شده و برآنها مطالب متفرقه‌ای نوشته‌اند .

جلد مقوائی نیم ضربی است وبران نام سازنده وسال ۱۲۰۳ نقش شده . کاغذ کشمیری . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۴۴ . صفحه ای ۱۳ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۳۶** .

## دیوان روح الامین اصفهانی = میرجمله

محمد امین شهرستانی اصفهانی متخلص به **روح‌الامین**(۱) و مشهور به **میرجمله** ازسادات شهرستان( ازنواحی اصفهان است)وپسرعموی میرزا رضی اصفهانی است که‌درزمان شاه‌عباس‌ماضی مقام‌صدارت کارداشته،دربیست‌ونه‌سالگی بهندوستان رفته وپس ازیکسال(۲) درخدمت جهانگیر پادشاه اعتبارواختصاص

(۱) درتذکره خوشگو (ص۲۱۸ـ۲۲۰ نه) ازاین‌شاعردانشمندمعرفی گردیده ومؤلف آن گوید تخلص‌وی **روح‌الامین** میباشد ، خود شاعردرکتاب شیرین وخسرو گاهی‌روح الامین (ص۱۰ و۱۴و۷۰و۵۴۴)وگاهی‌امین(۱و۳۴و۴۷) که جزئی ازنام وی بوده تخلص نموده ولی‌دردیوان غزلیات **همه‌جا** روح‌الامین تخلص دارد ونصرآبادی در ص۵۶ تذکره خود اورا زیرعنوان : **میرجمله شهرستانی** معرفی کرده واز تخلص وی نام برده ولی ازسال تولد و وفاتش چیزی ننگاشته و پنج بیت از او نقل کرده است .

(۲) در ص ۵۴۷ شیرین وخسرو گوید :

«چونه بربیست‌افزون‌شدبسالم بیامد آیت دولت بفالم
روانم کرد سوی هند اختر بآب خضر شد کام روان تر
پس ازسالیم دولت یار گردید زخوابم چشم‌دل بیدار گردید
رهی گشتم یکی فرمان روارا که زیبد برتری بروی خدارا

بقیه حاشیه درصفحه۲۹۱

یافت و بمنصب میرجملگی رسید ، پس از چندی دلگیر شد ، بدکن رفت در آنجا نیز کمال اعتبار یافت پس از مرگ جهانگیر ، شاه جهان نسبت بوی نظر محبت مخصوص یافت ، دراین هنگام به ایران برگشت ، شاه عباس خواست بوی مقامی دهد چون در هند مقامی بلند یافته (۱) و پسرعموی وی درایران صدارت داشت وجز این مقام را شایسته خود نمیدید ، کاری نپذیرفت و بدون گرفتن اجازه بهندوستان برگشت ، پادشاه نیز مقدم اورا گرامی داشت وکار پیشین را بوی باز گذاشت و تا آخر عمر آنجا بسر برد ، از بیانات خود وی در شیرین و خسرو برمی‌آید که تولد وی بسال ۹۸۱ بوده ومذهب حق امامی داشته و درتذکره خوشگو ضبط گردیده که بسال ۱۰٤۷ بعالم جاودان شتافته است .

خوشگو گوید خمسه‌ای بنظم آورده وازمندرجات فهرست ریو معلوم میشود که لیلی و مجنون و آسمان هشتم وی درکتابخانه موزهٔ بریتانیا میباشد و لیلی و مجنون وی بدین بیت آغاز شده :

بقیه حاشیهٔ از ص۲۹۰

شدم از خادمان پایتختش — مرا بنواخت بیش از پیش بختش
شمار عمر چون بگذشت شش سال — بچوگانم در آمد گوی اقبال
نهادم حد خدمت را بطاقی — که کردی همچو خوردعوی طاقی
بدان مشعوف بودم گاه وبیگاه — شده باشد بتو معلوم از افواه
چو هفده شدفزون بر الف تاریخ — درخت دولتم راسخت شد بیخ»

وریو (ص۶۷۵-۶۷٦ فو) تصریح نموده که **روح الامین** بسال ۱۰۱۰ بهند رفته واز ابیات بالا همین سال بدست می‌آید چراکه ۲۹ سال داشته که بهند رفته وپس ازیکسال مقامی بدست آورده وپس ازشش سال بگفته خود شاعر بمنتهی درجه ترقی رسیده وخود وی گوید کهاین هنگام سال ۱۰۱۷ میباشد بنابراین ۲۹+۱+٦-۱۰۱۷=۹۸۱ ۱+٦-۱۰۱۷=۱۰۱۰ .

(۱) در ص ۵٤۸ شیرین وخسرو گوید :

بدو گفتم که‌ای چون جان گرامی — نیم شاعر چو خسرو یا نظامی
مرا اشغال سلطانی بسی هست — نیارم داشتن زان لحظهٔ دست

ای‌حسن‌طراز عشق پرداز انجام نمای کار زآغاز (۱)

و آسمان هشتم (۲) بدین بیت آغاز گردیده .

ای روان‌آفرین‌دل آرای وی‌خرد رابخویش راهنمای

دومی بنابر تصریح در خود آن بسال ۱۰۲۱ بانجام رسیده و اولی بنابر تصریح درمقدمه نثری آن سومین مثنوی‌او است ودرآسمان هشتم تذکرداده که نظم لیلی و مجنون هفت ماه طول کشیده ودرمقدمه مثنوی سومین تصریح شده‌که پیش‌ازاین دومثنوی یکی درمعاشقه خسروپرویز ودیگری بنام **مطمح** انشا کرده‌ام مثنوی اول آن بنابر تصریح خود وی شیرین و خسرو نام دارد و در این کتابخانه موجود وبسال ۱۰۱۷ انشا شده ودر همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود وباید دانست مثنوی‌مطمح غیراز «مطمح‌الانظار» حزین است که در ص۲۶۲ ـ ۲۶۳ گفته شد یکی از مثنوی های اوست و مثنوی پنجم وی **جواهرنامه** نام داردودر شیرین و خسرو ( ص ۷۹ نه ) گوید :

جواهر نامهٔ ایدون که گفتم دری از معدن الماس سفتم

نه‌پنداری که کاری سرسری شد جهان‌همچون‌دکان جوهری‌شد

کنون شیرین کنم کام دهان را ز نیشکر کنم کلک بیانرا

تاکنون از **جواهر نامه** و **مطمح** روح‌الامین نسخهٔ سراغ نیافته‌ام و نصرآبادی نوشته که کلیات وی نزدیك بیست هزار بیت است .

وچون میدانیم که لیلی‌ومجنون درحدود ۸۰۰۰ بیت وآسمان هشتم ۳۰۰۰ بیت و شیرین وخسرو ۸۰۰۰ بیت میباشد و دیوان غزلیات وی ( فقط اشعار جوانی‌او) بیش‌از ۵۰۰۰ بیت است‌معلوم‌میشود که مراد از کلیات‌غیراز‌مثنویهای شاعربوده ویانصرآبادی برتمام‌آثارنظمی وی‌دست نیافته‌وآنچه‌یافته‌ بیست هزار بوده واین وجه نزدیکتر بصواب است چراکه نامی‌ازمثنویهای‌وی‌نبرده است .

نسخه ای از دیوان غزلیات روح الامین که آغاز آن با نسخهٔ این کتابخانه یکی‌است درموزهٔ لندن موجود وچنانکه ریو در **فو** نگاشته دارای مقدمهٔ نثری

---

(۱) در **فو** تذکر داده شده‌که نسخهٔ دیگری ازاین کتاب درموزهٔ لندن میباشد و بدین بیت آغازگردیده :

ای قادر بی شریك و انباز خاك ازتو شدهٔ سپهر اعجاز .

(۲) در **فو** تذکرداده‌شده‌که برنسخه نوشته شده : «فلك‌البروج» ولی‌درخود نسخهٔ ( ص ۱۳۹ ) نام کتاب آسمان هشتم معین شده :

شد چو این‌کاخ سر بلند تمام گردمش آسمان هشتم نام

است ودر آن تصریح شده که آنرا «**گلستان ناز**» نامیده وشامل غزلهائیست که در جوانی انشا نموده و آن نسخه چون نسخهٔ این کتابخانه درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد .

**آغاز غزلیات :** ای روشن از فروغ توشمع روان ما
از نور قدرت تو چکیدست جان ما

**۹۸۹**

**دیوان سائل فارسی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده، ازقرائن معلوم میشود که پس از وفات شاعر نگارش آن خاتمه یافته (در نیمه اول قرن سیزدهم) و در حدود هفتهزار (۷۰۰۰) بیت است، پشت صفحهٔ نخستین صاحب دیوان را **سائل دماوندی** که درص ۱۲۲ (چاپی) تحفه سامی معرفی ووفاتش بسال ۹٤۰ ثبت شده یادداشت کرده‌اند. بطلان این تصور را مدائح شاعر ازفتحعلیشاه و**صبا** ثابت میکند واشعار منتخبهٔ در**خن** و **ما** از صاحب دیوان (سائل فارسی) درص ۵۹ و ۱٦۱ و ۳٦۸ این نسخه موجود(دوبیت‌ازدوقصیده در **خن**و **ما** نقل گردیده‌وبدین‌وزن‌وقافیت در دیوان قصیده‌ای نیست)، دوسرلوح که هردو نظیر یك دگراند درآغاز قصائد وغزلیات موجود وتمام برگها جدول کشی شده‌اند. یادداشتی که‌بسال ۱۳۰۵ هجری‌قمری درپایان‌مثنوی‌وی (ص ٤۵۹) بوده محو گردیده و درض ٤٦۰ غزلی‌از ظهیر نگارش یافته ودیوان بدین بیت شروع میشود :

روزها بسیاروشبها بیشمار بگذرد از بعدما و روزگار

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۳۱ . صفحه ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ ۱/۲ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۳۸ .

## دیوان سائل فارسی

**سائل** تخلص محمد سعید مشهور به **آقاجانی** است که سالها پدر بر پدر ضابط وصاحب اختیار دو بلوك **قیر** و **کارزین** ازتوابع فیروزآباد فارس بوده و تاآخرعمر این مقام را داشته ، علاقمندی به ادب و ادبیات و ادبا اورا وادار کرد که انجام امور بلوك نام برده را به برادر کهتر خویش وا گذار و بیشتر اوقات خود را درشیراز باشعرا و ظرفابسر برد ، مردی خلیق و مهربان وسخی الطبع و چرب زبان بوده و بشاعری در زمان خویش شهرت یافته و مسلمیتی حاصل کرده ، راوی گروس ویرا در انجمن چهارم **خن** در شمار معاصرین خویش نام برده و عبارات بالا ازآنجا اقتباس شده و دیوان اورا هشتهزار بیت دانسته و گویدآنچه ازاشعارش دیده شده گنجایش مسلمیت ندارد وبسال ۱۲۲۵ بجهان دیگر شتافته و ده بیت از او انتخاب نموده و عین آنهارا هدایت در **ما** ج ۲ ص۱۸۲ نقل کرده است .

دیوان سائل مشتمل بر قصائدی درتوحید ونعت ومدائح حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پادشاه عصر فتحعلیشاه وفتحعلیخان ملك الشعرا ( صبا ) و غزلیات بترتیب حروف تهجی و قطعات وترکیب بند وغزلیات ورباعیات ویك مثنوی در شکایت از زمان میباشد و تاکنون چاپ نگردیده است .

**۹۹۰**

## دیوان ساقی خراسانی

این نسخه رامیرزارحیم شیرازی بخط نستعلیق نوشته ، پشت صفحهٔ نخستین رضاقلیخان هدایت بسال ۱۲۸٦ نوشته که این منتخب

اشعار ساقی بخواست وی نگارش یافته و مقدمه‌ای بنثر در معرفی ازاشعار وآثار وی بانشاء هدایت دارد ولی چندان اضافه‌ای بر آنچه درمجمع‌الفصحانوشته ندارد ومشتمل بر ۱ ـ دیباچه هدایت (ص۱-۸)، ۲ ـ قصائد درمدائح حضرت علی‌بن‌ابیطالب و حضرت قائم و ائمهٔ اطهارعلیهم‌السلام‌وعرفان (ص۹ ـ ۷۹)، ۳ ـ غزلیات (ص۸۱-۱۱٤)، ۴ ـ رباعیات (ص ۱۱۵ـ۱۱٦)، ۵ ـ ترجیعات (ص ۱۱۷ـ۱۳۵)، ٦ ـ ساقی نامه (مثنوی) (ص ۱٤۱ ـ ۱۵۵)، ۷ ـ آلهی نامه (ص ۱۵۷ـ۲۳٦) و ۸ ـ مثنوی‌در ذکر مشایخ ارباب‌طریقت‌وسلاسل آنها (۲۳۷ـ۲۹۷). واین مندرجات درحدود ٤۲۰۰ بیت است.

درحاشیهٔ بیشتر ازصفحات تعلیقاتی درمعرفی ازاشخاص ومشایخ وتوضیح برخی‌ازمطالب، رضاقلیخان هدایت بخط خودنوشته است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۱٤۵. صفحه‌ای ۱۵ بیت. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱٦ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۰۱٦**.

## دیوان ساقی خراسانی

**ساقی** تخلص حاج محمد زمان بن کلبعلیخان جلائر کلاتی‌است که آباواجداد وی در کلات خراسان حکومت داشته، در جوانی به تحصیل و فنون پرداخته ودرجادهٔ طریقت قدم گذارده به محمد اسمعیل ازغدی (ازغد قریه‌ایست معروف دربلوك شاهان‌در کوهستان‌خراسان مشتمل بر باغات ومیوهٔ بسیاردارد ـ حاشیه دیوان‌ص ۲۱) **وجدی** تخلص‌دست‌ارادت داده، باعتاب مقدسه مشرف گردیده وبفیض زیارت ودرك خدمت بسیاری‌ازبزرگان علم وعمل‌مشرف شده، هدایت که معاصر او بوده دربارهٔ وی گوید: «سالهابسلك طریقت بوده تابمقام اعلی فائز شده». از اشعارش پیداست که مردی کامل بوده آثاری که از خود بیادگار گذارده یکی «نفحات غیبیه» و دیگری «درج اللاآلی وبرج المعالی» که بگفته هدایت مشتمل برمقالات ارباب طریقت بنظم و نثرمیباشد و دیگردیوان وی که مشتمل برقصائد وغزلیات ومراثی وترجیع بند ورباعیات وقطعات ومثنوی

الهی نامه و ساقی نامه در سیر و سلوك و عرفان ومثنوی درذکرمشایخ ارباب طریقت وسلاسل آنهاست هدایت **درما** (ج۲ ص۱۹۵ - ۲۰۳) پس ازمعرفی کامل ازوی و اینکه بسال ۱۲۸٦ در طهران وفات یافته چهار صد بیت ز قصائد و ساقی نامه و الهی نامه و قطعات وی انتخاب کرده است .

## ۹۹۱و۹۹۲

**دیوان سالك قزوینی** این نسخه چنانکه در صفحهٔ آخر تصریح گردیده بسال ۱۰۸٤ بنا بخواست حاجی محمد صادق نام درقزوین بخط نستعلیق نگارش یافته وبرحسب قرائن بنظرشاعر رسیده وگذشته از قصائدی که بخط خود وی نوشته شده برخی از کلمات ومصرع ها را بخط خویش اصلاح نموده و نیز حاشیه بعضی ازصفحات ابیاتی بر آنچه درمتن بوده افزوده و گذشته ازقرائن موجوده درحاشیه ص۲۹۸ درعنوان تعریف مردمك دیده، نوشته «**لراقمه**» و گذشته از«**محیط کونین**» که درحرف میم این فصل معرفی خواهد گردید مشتمل برساقی نامه (ص۱۵۰ـ۲۰۹)، غزلیات (ص ۲۱۰ ـ ۷۳۵)، رباعیات ( ۷۳۵ ـ ۷٤٦ ) و قصائد (ص۷٤۹ـ۷۷۸)میباشد وازآخر ساقی نامه واول غزلیات ابیاتی افتاده وباوجود این نقص جز « محیط کونین » درحدود ۱۰۸۰۰ بیت است .
جلد تیماجی نیم ضربی کاغذ اصفهانی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۸۹ . صفحه ای ۲۰ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۳۷۷ .

## دیوان سالك قزوینی

**سالك** تخلص محمد ابراهیم(۱) قزوینی از شعرای امامی‌مذهب‌قرن یازدهم هجری است ، بسال ۱۰۲۱ (۲) بدینجهان پای گذارده و در جوانی از راه تبریز بعتبات عالیات مشرف شده و از آنجا بوطن خود قزوین بر گشته پس از آن‌ازراه اصفهان عازم هندوستان شده دراصفهان **باجلال اسیر** تخلص متوفی بسال ۱۰٦۹ که داماد شاه عباس بوده معاشر گردیده ونصرآبادی‌نوشته که سالك را در خانهٔ **اسیر** دیدار کرده ، از مثنوی **محیط کونین** وی که دراین فصل معرفی خواهد گردید بدست می‌آید که در پیش از چهل سالگی این مسافرت شروع شده ، معاصرین وی نوشته‌اند که دو بار بهند رفته وسود فراوان‌آورده و بوطن بر گشته و در قزوین وفات یافته است .

هیچیك‌ازمعاصرین ومتأخرین‌سال‌وفات سالك رامعین نکرده‌اند، نصرآبادی که تذکره خودرا بسال ۱۰۸۳-۱۰۹۲ تألیف نموده مردن اورا تذکر داده

---

(۱) در **نص** ( ص ۳۲۸ ) ، **خو** ( ص ۲٤۸-۲۵۰ نه ) ، **و** (ص ۲۸۲) ، **نشم** ( ص۲۰۵ ) که مشتمل بر شرح حال و منتخبی از اشعار سالك میباشد نام وی محمد ابراهیم ثبت گردیده وخود شاعر درمحیط کونین ( ص۱٤۸ نه ) گوید :

| | |
|---|---|
| ابراهیم سخنورم من | در شعر خلیل آزرم من |
| سالك بتخلصی ردیفم | درصورت معنوی‌حریفم |
| و قزوینیم‌وفدای قزوین | سو گند بخاك‌پای‌قزوین |

لی در قصص‌الخاقان نام وی محمد علی ثبت گردیده و چنانکه در **خو** نگارش یافته محمد علی سالك تخلص پسر میراهلی است .

(۲) سالك در آخر محیط کونین ( ۱٤۵ نه ) که بسال ۱۰٦۱ تألیف گردیده گوید :

| | |
|---|---|
| چل سال گذشته در بطالت | از عمر که میکشم خجالت |
| بگذشت بهرزه چار عشرم | جزیاسك‌وخوك‌نیست حشرم |

بنابراین ۱۰٦۱-٤۰ = ۱۰۲۱ میباشد و مؤید این ادعا آنکه مؤلف قصص‌الخاقان که بسال ۱۰۷۷ تألیف شده در اواخر کتاب گوید « در اینولا که سن شریف ایشان از پنجاه متجاوز است الخ » و بنابراین ۱۰۷۷-۱۰۲۱= ۵٦ بنابراین در هنگام تألیف آن کتاب ۵٦ سال داشته است .

و بقرینهٔ اینکه خود در ساقی‌نامه پیری خود را تذکر داده و شکایت از تبعات آن نموده و چنانکه گفته شد نسخهٔ این کتابخانه که بسال ۱۰۸٤ نوشته شده و بنظر او رسیده‌بایستی‌درهمین‌سال یایکی دو سال بعد از آن وفات یافته باشد.

خوشگو میان اشعار سالك یزدی واین سالك حکمیت کرده وگوید : در اشعار سالك یزدی دردمندگی و سادگی بسیاراست و دراشعار سالك قزوینی خیال بندی و مثل و استعار بیشتر است و دیوان این شاعر را شامل سی هزار بیت معرفی کرده و صاحب قصص الخاقان دیوان سالك را در حال زندگانی (٥٦ سالگی) وی شامل بیست هزار گوید.

نسخه این کتابخانه شامل قصائد وغزلیات وساقی نامه ورباعیات سالك میباشد و در حدود ۱۰۸۰۰ بیت میباشد و مثنوی «محیط کونین» شامل ٤٥۰۰ بیت است و از قطعات شاعر در آن اثری نیست ولی سالك (در ص۱٤۳ نه محیط کونین) خود تصریح بداشتن اینگونه شعر مینماید :

بر خط ادب نهاده گردن صد ابن یمین ز قطعهٔ من

این چند بیت از غزلیات سالك برای نشان دادن طرز فکر و قریحهٔ وی انتخاب میشود :

مگشا بسخن پیش فرو مایه دهن را بر سنگ مزن شیشهٔ ناموس سخن را
دندان بجگر تا نگذاری ز خموشی پردر نکنی همچو صدف درج دهن را

بر شاخسار طول عمل مرغ عمر ما بر پلهٔ نشسته که موقوف یك حی‌است
این خاك تیره برسر غفلت هزار بار تاوان‌هر چه‌عمر تلف کرده‌بروی‌است

نشاهٔ ترك تعلق هر که راهوشیار کرد همچو یوسف دامن‌ازدست زلیخا میکشد

در دیدهٔ من عکس رخ یار ببینید در آب روان این گل بی خار ببینید

از سینه برون تا نکنی کینهٔ مردم بیرون نرود کینه‌ات از سینهٔ مردم
سالك بدهر کس بتصوّر نتوان گفت پیدا نبود راز دل از سینهٔ مردم

هر گوشه دارم از دل سوزان نشانهٔ روشن شد این چراغ درآئینه خانهٔ

تند خو عربده جو فتنه طراز آمدهٔ چشم بددور که خوش برسرناز آمدهٔ

تو چون خورشید عالم گرد در آفاق مشهوری
چرا چون بوی گل درپردهای زنگ مستوری

فریب نعمت گیتی مخور گر همتی داری
که در هر نوش او باشد مهیا نیش زنبوری

**۹۹۳**

دیوان سپهر

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، درحاشیهٔ آخرین صفحه یادداشت شده که بسال ۱۲۶۲ در قریه **ون** از قرای کاشان مقابله گردیده وظاهر اینست که این بخش را خود سپهر نگاشته باشد و محو واثبات های درابیات مؤید این احتمال است ونسخه مشتمل بر قصائد (ص ۱ـ۲۴۸)، غزلیات (ص ۲۴۹ـ۳۱۱)، مقطعات (ص ۳۱۲ـ۳۴۳) ومثنوی (۳۴۲ـ۳۳۸) میباشد و درحدود ۵۵۰۰ بیت است.

**آغاز**: تبارك الله نزدیکتر بما ازما همیشه او به برما وما ازوتنها.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱۷۵. صفحه ای ۱۶ بیت. طول ۲۱ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۲۷**.

دیوان سپهر

**سپهر** تخلص میرزا محمد تقی کاشانی ملقب به **لسان الملك** مؤلف کتاب مشهور ناسخ التواریخ ومتوفی بسال ۱۲۹۷ (المآثر والآثار ص ۱۸۷ـ۱۸۸) میباشد که ازمستوفیان دربار قاجاریه بوده واطلاعات ادبی وتاریخی وی ازتاریخ وی آشکار است، کتابی در ضبط قواعد شعر و زبان فارسی بنام «**براهین العجم فی قوانین العجم**» بسال ۱۲۶۸ تألیف نموده و بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ شده (۱) در دیباچهٔ آن گوید: «و چون وقتی از ایام شباب سید تناگستران وسند سخنوران فتحعلی خان ملك الشعرا (بسال ۱۲۳۸ وفات یافته) این بنده رادیدار کرد مقالاتم راپرداخته و سخنانم راسخته شناخت با آنکه مرا بامداد زندگانی وآغاز سخندانی بود چون پیرانم خطیرداشت الخ» بنا براین ودانستن سال مرگ ملك الشعراء بایستی **سپهر** در حدود هشتاد سال زندگانی

(۱) نسخهٔ چاپی این کتاب بدین شماره $\frac{۲۰}{۱۱۰}$ دراین کتابخانه میباشد وقسمتی از آن در فهرست خطی مرحوم اعتصام زیر شمارهٔ ۷۵۱ معرفی گردیده است.

کرده باشد ، دردیوان‌وی مدائح فتحعلیشاه و محمدشاه بسیار وجود دارد ومدائح ناصر الدین شاه در ناسخ و مقدمهٔ براهین العجم وجود دارد ومسلماً قصائد و غزلیات و اقسام دیگر ازاشعار جز مندرجات نسخه این کتابخانه داشته وهدایت (در ص۱۵٦-۱۸۱ ج ۲ ما ) بمعرفی وی پرداخته وگوید در قصیده سرائی نظیر عنصری و مسعود و درمسمط و مثنوی قرین منوچهری و سنائی است و در حدود ۱٤۵۰ بیت از او انتخاب نموده و از مثنوی « اسرار الانوار در مناقب ائمه اطهار ع» وی ودر حدود ۲٤۰ بیت‌جزء این‌انتخاب موجوداست .

### ۹۹۴

**دیوان سلمان ساوجی** این نسخه بخط نسخ مخلوط با نستعلیق که شیوهٔ قرن نهم هجری میباشد نگارش یافته نویسنده از خود و سال نوشتن نام نبرده ، بنظر این رهی‌درحدود سال ۸۵۰ نوشته شده ، نویسنده‌ای درپایان صفحهٔ ۳٤۷ نگارش را بسال ۷۹۸ ضبط کرده ولی از طرز نگارش و مرکب آشکار است که این تاریخ سالها پس ازاصل نسخه نوشته شده ودرحاشیه صفحه ۳۸۲ بهمین قلم ومرکب نویسندهٔ آن تاریخ یادداشتی کرده و تاریخ آن سال ۱۰۱٦ میباشد و نسخه مشتمل بر قصائد و ترجیع ومقطعات (ص۱-۳٤۷) ، غزلیات (ص ۳٤۹-٤۹۸) ورباعیات ( ص ۵۰۱-۵۰۳ ) است ، ازآخر نسخه برگهائی افتاده و در آخر صفحهٔ ۳٤۷ نویسنده ختم قصائد و مقطعات و مثنویات را تذکر داده درصورتیکه از مثنوی‌های سلمان در آن جز بیتی چند ننگاشتند و نسخهٔ کنونی در حدود ۱۰۵۰۰ بیت میباشد پشت صفحهٔ نخستین یادداشت هبهٔ نسخه ازمیرزا آقاخان‌نوری بخط خود

وی موجود و یادداشت دیگری بوده محو گردیده و بر یکی از دو برگ الحاقی به نسخه یادداشتی بخط شکسته بسیار ممتاز ابوالحسن بن معزالدین عطار مبنی بر اینکه نسخه متعلق به میرزا محمد وزیر میباشد بتاریخ ۱۱۹۵ وجود دارد و برگها با جوهر قرمز و آبی جدول کشی شده ودر آغاز قصائد وغزلیات هریك سر سورهٔ بسیار ظریف مینائی موجود و برخی از برگها وصالی گردیده است .

**آغاز:** هردل که در هوای جمالش مجال یافت
عنقای عشق دورجهان زیر بال داشت

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۰۲. صفحه‌ای ۲۲ بیت . طول ۲٤ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۹۴** .

## دیوان سلمان ساوجی

**سلمان ساوجی** را که از اشعار وی تشیعش آشکاراست در ص ۱۶۸-۱۷۱ معرفی کرده‌ایم ، دیوان اشعار وی که شامل قصائد و مقطعات و ترکیب بند و ترجیع بند ورباعیات میباشد بهترین معرف عظمت مقام شاعر است ، یکی ازنسخ دیوان سلمان که در کتابخانهٔ مدرسه عالی سپهسالار موجود است وبرحسب احتمال نیز درقرن نهم نگارش یافته مشتمل بر ۲۱۵۰۰ بیت میباشد بنابر این ۱۰۰۰ بیت بیش ازنسخهٔ این کتابخانه داردوهمین دیوان بنام کلیات سلمان درهندوستان بی تاریخ چاپ شده و در حدود ۸۵۰۰ بیت را شامل است .

### ۹۹۵

**دیوان سلیم طهرانی** این نسخه بخط نستعلیق خوب محمد حسین بن محمد صالح مازندرانی نوشته شده ، تاریخ کتابت را که در آخر بوده محو کرده اند

از آثار محو شده سال ۱۰۷۵ خوانده میشود ، یك سرلوح در آغاز غزلیات و دو سر سوره در آغاز نسخه و رباعیات دارد ، برگها مجدول بطلا و شنگرف میباشد ، بسیاری از آنها جابجا شده وبرخی هم افتاده و شامل قصائد (ص۱ ـ ۸۶)، مقطعات (ص۸۷ - ۱۰٤) غزلیات (ص۱۰۵ ـ ٤۱۹ و ۵۰۰ و ۵۰٤)، مثنویات قضا و قدر (ناقص) ودرتعریف کشمیرودرمذمت اهل تذویر وحیله (ص ٤۲۰- ٤۹۹) و رباعیات (ص ۵۰۵ ـ ۵۱٦) میباشد و در حدود ۸۵۰۰ بیت است .

**آغاز** : رفته در تاب و بکف بگرفته تیغی همچو آب
بهر قتلم میرسد آنشوخ با این آب و تاب .

نسخهٔ دیگری ازدیوان سلیم دریکی از مجموعات این کتابخانه میباشد که در این فصل معرفی خواهد شد.

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲٦۹ . صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ١٤ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۳۲۹۲** .

## دیوان سلیم طهرانی

**سلیم** تخلص محمد قلی است که در **شم** (ص ۲۰۱) طرشی‌تهرانی معرفی گردیده (طرش همان‌درشت میباشد که یکی ازبلوك کنونی اطراف تهران است) ومعاصر وی نصر آبادی در **نص** (ص۲۲۷) و خوشگو در تذکره خود نیز اورا تهرانی ضبط کرده اند و درهر سه مأخذ وفات وی بسال ۱۰۵۷ ثبت گردیده و گویند شهرتی دراخذ معانی دیگران دارد اما معانی لطیف و غریب زاده طبع خود دارد .

و خوشگو گوید درکشمیر وفات یافت و بهلوی قدسی وکلیم و ملاغنی آسوده است .

**قضاوقدر** و**مثنوی درمدح کشمیر** سلیم مشهور میباشند ومثنویهای دیگرنیز دارد، دیوان وی شامل قصائد و غزلیات وقطعات و رباعیات ومثنوی است و در **شم** شماره ابیات آن هشتهزار معین شده ولی مسلماً بیشتر است چرا که نسخه نامبرده با اینکه برگهائی از آن افتاده در حدود ۸۵۰۰ بیت میباشد و شاید که مثنویهای سلیم را جزء ابیات دیوان بشمار نیاورده باشد

یکی ازممدوحین سلیم میر عبدالسلام مشهدی مخاطب به **اسلام‌خان** میباشد که مقام وزارت شاه جهانرا داشته و سلیم بنداحت وی رسیده و هر دو دریك سال ازاینجهان رفته‌اند وسلیم قصائد ومثنویهائی در مدح وی انشا کرده‌است.

## ۹۹۶

**دیوان سنائی غزنوی**

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ،نویسنده آن هندی و نگارش آن ظاهراً درقرن یازدهم شده ، پشت صفحه اول و آخر یاد داشتهائی از مالك هایِ پیشین نسخه موجود و تاریخ دو تای آنها سال ۱۱۵۵ میباشد، دارای سر لوحی زیبا بوده ولی بخشی از آن پاره شده و میان سطر هـای دو صفحه اول طلا اندازی شده و تمام برگها با طلا و شنگرف جدول کشی و برخی وصالی گردیده وشامل قصائد( ص۱ــ۲۵۳ ) ، مقطعات( ص ۲۵۳ــ۲۷۷ ) ،غزلیات (ص ۲۷۸ــ۴۴۲ ) و رباعیات ( ص۴۴۲ــ۴۸٤ ) میباشد و در متن و حاشیه نوشته شده و در حدود ۱۰۵۰۰ بیت است.

**آغاز**: بس که شنیدی صفت روم و چین

خیز و بیا ملك سنائی به بین .

جلدتیماجی .کاغذسمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲٤۲ .صفحه‌ای

۲۵ بیت . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض ½ ۱٤ سانتیمتر ، شمارۀ دفتر **۱۳۰۰۷**.

**۹۹۷**

دیوان سنائی غزنوی

این نسخه را بسال ۱۲۷٤ در اصفهان بخط نستعلیق ، میرزا ابوالقاسم جوباری نوشته و مشتمل بر قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشدودرحدود ۶۵۰۰بیت‌است وبدین بیت‌آغاز گردید :

کفر و ایمان را هم اندر تیرگی هم در صفا

نیست دارالملك جز رخسارو زلف مصطفی .

جلد تیماج .کاغذ فرنگی . قطع‌وزیری . شمارۀ برگها ۲۳۳ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲٦ سانتیمتر . عرض½ ۱٦ سانتیمتر . شمارۀ دفتر **۱۳۳٤۷** .

دیوان سنائی غزنوی

**سنائی** غزنوی را در ص۱٤۳ - ۱٤٤ و ۱۷۷ - ۱۷۹ معرفی کرده‌ایم و دیوان وی که مشتمل بر قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشد بسال ۱۲۷۴ درطهران چاپ‌شده ونسخه ناقص نفیسی از آن که ظاهراًنزدیك بزمان شاعر نگارش یافته با مقدمه نثری سنائی و فهرست مندرجات آن در کتابخانه ملی ملك در تهران موجود است .

**۹۹۸**

دیوان سوزنی سمرقندی

این نسخه را مشتری شاعر ( محمد ابراهیم مشهدی) بخط شکسته‌نستعلیق‌درسال۱۲۸۷ نوشته و در پایان آن خود را شناسانده و

گوید :«درایام قحطی‌ولایات خراسان‌درارض اقدس معجلاً نوشتم».
وشامل‌سه بخش(مدائح ، هجویات‌ومطایبات وهزلیات و رباعیات)
میباشد و دردو بخش نخستین‌قصائد و غزلیات و قطعه ها گنجانیده
شده و تمام دیوان در حدود ۲۶۰۰ بیت‌میباشد ( بنابراین منتخبی
از دیوانست نه تمام‌آن) ونیز بنا برخواست این شاعر دیوان‌ازرقی
نوشته شده و پیوسته این‌دیوان گردیده و خصوصیات دیگراین‌دو
دیوان در ض ۲۱٤ گذشت .

## ۹۹۸

**دیوان سوزنی سمرقندی** این‌نسخه را بخط نسخ خوب‌محمدعلی‌عبرت
مصاحبی‌بسال۱۳٤۳ازروی سه نسخه نوشته
و با قریحه شاعرانه خویش‌و کمك نسخه ها
بتصحیح ابیات آن پرداخته و سردار معظم خراسانی پشت صفحهٔ
نخستین نوشته که برای کتابخانه وی نوشته شده و قصائد وقطعات
وغزلیات ورباعیات شامل‌مدائح را در بخش‌اول واهاجی ومطایبات
و هزلیات‌آنها را در بخش دوم مرتب بترتیب حروف تهجی نوشته
و بیش از ۹۰۰۰ بیت میباشد .

آغاز: آورد گرد فتح و ظفر پیش چشم ما
باد از رکاب عالی لازال عالیا .

جلد مقوائی عطف و گوشه تیماج . کاغذ حنائی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها
۱۹۱ . صفحه‌ای ۲۵ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ
دفتر ۱۳۳۸۷ .

۹۹۹

**دیوان سوزنی سمرقندی** این نسخه را نیز بخط نسخ خوب عبرت مصاحبی بسال ۱۳۴۶ از روی سه نسخه (مالکین آنهارا درآخر معرفی نموده) وبرای دانشمند معاصر سید عبدالرحیم خلخالی نگاشته و طرز آن عیناً طرز نسخهٔ پیش میباشد، جز اینکه پاره ای از قصائد پیش و پس نگارش یافته وتمام آن نیز بیش‌از ۹۰۰۰ بیت میباشد.

**آغاز:** بسعد اختر میمون مظفر گشت بر اعدا
قلج طمغاج خان مسعود رکن‌الدین‌والدنیا.

جلد تیماجی. کاغذ نباتی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۲۰۹. صفحه‌ای ۱۸ بیت. طول $21\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض $10\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۴۹**.

دیوان سوزنی سمرقندی

**سوزنی** ازشعرای مشهور ایرانست و درسدهٔ ششم‌هجری میزیسته‌تاریخ تولد وی بدرستی‌معلوم نیست، هدایت **درمجا** وفات اورا بسال ۵۶۲ دولتشاه وتقی‌الدین کاشی وهدایت‌در **رن** بسال ۵۶۹ نوشته اند، مسلماً تا سال ۵۶۰ زندگانی مینموده چرا که در مدح سعدالملك گوید: (ص ۳۰ نه ۲)

رسید ماه محرم بسال پانصد و شصت بپارگاه وزیر خدایگان بنشست

و ظاهراً ازهشتاد سال‌بیشتر در این جهان بوده چرا که تصریح بهشتاد سالگی وی در دیوان (ص ۱۹۸ نه ۲) موجود است:

جزمدح شاه بیهده‌گوئی‌است‌شاعری هشتاد سال بس.که بدی بیهده‌درآی.

بنا بر این بایستی پیش ازسال ۴۸۹ یا ۴۸۲ بدین‌جهان پای گذارده باشد،

از مندرجات دیوان سوزنی تشیع و علاقمندی وی به اهل بیت آشکار و مسلماً امامی مذهب بوده چند بیت آن را با ذکر صفحات از نسخهٔ دوم این فهرست در اینجا می‌آوریم.

ص ۳۳ تا بدرته از دوستی آل علی نیست
بر قافلهٔ دین هدی دیو هدی باج
کعبه است دل من که بدان کعبه نیابد
بی دوستی آل نبی قافلهٔ حاج

ص ۵۵ بر مهر مصطفی زی و اصحاب و آل او
با دوستی شتر ذی‌ء و با دوستی شبیر

ص ۵۹ روح ازهوا بحرب علی گفت لافتی
الاعلی چو شد ز علی کشته ذوالخمار

ص ۱۲۱ فلان و بهمان گویند توبه یافته اند
چه مانع است مرا من فلان و بهمانم

ص ۱۳۸ سپهر جاه علی افتخار دین که زفخر
چو شیعه مذهب خود را بران علی بندم

ص ۲۳۶ هست چون شیعه را بر آل علی
من رهی را بخدمت تو غلو

در ص ۱۳۹ - ۱۴۰ قصیده‌ایست که درمدح حضرت مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام میباشد و این دو بیت از آنجاست :

همی ندانی ای کور دل بعمری خویش
که احمد قرشی‌را وصی که بودو کدام
نگر که پای ابر کتف مصطفی که نهاد
بتان ز کعبه که افکند و پاك کرد مقام

ص ۲۶۹ ازدین شجرهجو وی اندردل من رست
زان نیك شجر بین که چنین نیك ثمر ماند
در سینهٔ هر کس که بود بغض ائمه
جاوید چنان دانش که در قعر سقر ماند

سوزنی مردی درس خوانده ومطلع از فنون ادب و حدیث و فقه بوده وخود را در بسیار از قصائد **حکیم سوزنی** نامیده و مکرر اشعار خود را دارای پند و موعظه و حکمت معرفی کرده :

ص ۱۵۲ حکیم سوزنیا آن زمانه بر تو گذشت
که کوه آهن کندی بسوز کتان

ص ۱۲٤ سوزنی شاه شریعت را ستایش کن بشعر
وانگهی از شعر حکمت گو اگر داری حکم
آفرین و مدح شاه شرع گفتن حکمت است
کاندرین حکمت نباشند اهل حکمت متهم

ولی از مباحث حکمی در دیوان وی چیزی یا اشاره ای نیافتم جز این بیت (ص ۳۰۲ - ۳۰۳ ن ۲ ) در مدح یکی از صدور عمر نام است :

در مذهب تناسخ اگر راستی بدی گفتی هر آنکه دید تورا کان عمر توئی

از بیانات وی بدست می‌آید که در نثر نویسی هم توانا بوده ولی تاکنون از آثار نثری وی خبر و اثری نیافته‌ام و این دو بیت مؤید نگارنده است :

ص ۱۳٤ جز در صفات نجم نخواهد پدید شد
در نثر من عذوبت و درنظم من نظام

ص ۲۷۵ ترا بنظم و بنثر آفرین چنان گویم
که نثر من عبث و نظم من هدر نبود

از رودکی یك بیت را تضمین نموده ( ص ۲۰۰ ن ۲ ) :

در مدح تو بصورت تضمین ادا کنم
یك بیت رودکی را در مدح بلعمی
**صدرجهان جهان همه تاریك شب شداست**
**از بهر ما سپیدهٔ صادق تو می دمی**

عنصری را استاد وخود را نظیر بلکه بالاتر از وی میدانسته :

ص ۱۸۰ عنصری بایستی اندرمجلس تو شعر گوی
من که باشم در جهان یا خود که باشد شعرمن

ص ۱۸٤ مدیح او نتوانم تمام گفتن اگر
مرا بشاعری اندر چو عنصری است توان

ص ۱۹۹ از روان عنصری در خواب تلقین یافتم
کای جهان را دیدن روی تو فال‌مشتری
تا براین وزن و قوافی آفرین گفتم ترا
آفرینها می فرستم بر روان عنصری

ص ۲۱۲ آنچه اندریك دوبیت ازصنعت شعری تراست
نیست اندر جملهٔ دیوان شعر عنصری

**سوزنی** در روزگار جوانی زبان بهجو معاصرین خویش باز کرده بود ،

سنائی ومعزی وخخانه ودیگر شاعران معاصر وی از زبان زبان او نرستند ، هجاهای وی دارای ارزش ادبی زیادی میباشند وبرخی از عقائد و آراء خود را درآنها گنجانیده و جد را باهزل ممزوج کرده ، در ٦٥ سالگی پشیمان شد وتوبه نمود و چندین قصیده در این باب انشا کرد و قصیده‌ای که سالهای عمر شاعر در این هنگام از آن استفاده میشود بدین مطلع میباشد :

ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده‌ام
زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده ام

وبیت شامل تاریخ اینست :

پنج ره روزی بدرگه خواندیم پنجاه سال
رو بسوی درگه توگاه‌گاه آورده ام

نام سوزنی بنابرتصریح خود وی درقصیده‌ای که درمناجات باکردگار انشا نموده ( ص ۷ ـ ۷ نه ۲ ) **عمر** بوده :

نام من چون صاحب عادل عمر خوانند خلق
دوردار ازجور گردون وز ستمکاری مرا

وکنیه وی چنانکه در تاریخ گزیده و بعضی از نسخ دیوان وجود دارد ابوبکر است .

( ص ۳ نه ۱ سوزنی القاب دارم لیك بوبکرم بنام
خوب نامستم گنه کردم پناه آورده‌ام )

ولی درنسخه‌دیوان م : س که بسال ۱۰۳۳ نوشته شده‌این‌بیت‌چنین‌نگارش‌یافته :

نام من مسعود و القابم بخانی سوزنی نیك نامستم گنه کارم پناه آورده ام

وبهمین مناسبت‌ودلیل‌نگارنده درفهرست آن کتابخانه (ص۶۰۹-۶۱۱ ج۲) نام سوزنی را مسعود نوشته ، عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به زمان شاعر میباشد اورا بدین عنوان : الحکیم تاج‌الشعرا محمدبن علی‌سوزنی معرفی کرده ووجه شهرت وی را به سوزنی‌عشق بشاگردسوزنگری دانسته ( وگوید دراین فن‌استاد شدوشاعری‌راهم‌ازعشق‌نتیجه گرفته‌است ) ولی‌تاحدیکه درنسخ موجودهٔ دردست نگارنده ، تفحص گردیده اشاره‌ای بتاج الشعرائی ومحمدعلی‌بودن شاعر یافت‌نشدوچنانکه گفتیم**عمر**بودن‌وی‌مسلم گردید، تذکره نویسان پس‌ازعوفی‌این شاعر را یافقط بنام سوزنی‌معرفی کرده‌اند ویامحمدبن‌علی ویاابوبکر السلمانی‌ولی‌در سخن و سخنوران نام وی محمد ونام پدرش مسعود ثبت گردیده واین دو بیت از دیوان اورا شاهد آورده است :

نامم محمد است و مرا حمزه خواندهٔ وزنام حمزه فال گرفتم من ازنخست(۱)

ص ٦٥ نه ۲ مداح توصدهزار کس هست هر سو بیکی زبان دیگر
زیشان چو محمد بن مسعود نی کهتر و مدح خوان دیگر.

سوزنی بانتساب خود بسلمان فارسی تفاخر میکند و بدین سبب گاهی سلمانی تخلص دارد واین نیز مؤید تشیع وی میباشد.

ص ۱۲۲ نه ۲ بزهد سلمان اندر رسان مرا ملکا
ازآنکه از دل وجان دوستدار سلمانم(۲).

در نسخهٔ م.س است اگر بنسبت سلمانیم ز روی پدر
که تا بسیرت سلمان شوم دعائی کوی(۳).

ص ۳۷۰ هم برآن وزن گفت سلمانی ای سنائی قدح دمادم کن

ودرتاریخ گزیده نیز این نسبت وی تصریح گردیده است.

از مندرجات دیوان سوزنی بدست میآید که پدرش ازخواجگان ماوراء النهر و از شعرا بوده و پسر هجو گوئی را از او ارث برده است

سوزنی به دیوانهای شعرای عرب مراجعه مینموده وبعربی دانی خود تصریح کرده وبترکی وعربی درس میداده:

یکی ترك تاری زبان آمدستم بمهمان بی عشرت وعیش وبازی
بترکی و تازی بر او علم گفتم سر اندر بیارد بترکی و تازی

ومصرعهائی بعربی دردیوان وی میباشد وازآنها این سه مصراع است:

وَلَیسَ اَحْوَجَ مِنّي مِنَ الْوَری بِلِقاكَ مِنَ السَّلامِ فَقُلْ یا مُنای مَنْ یَنهاكَ
فَکُنْ رَحیماً یا سَیِّدِي عَلی مَوْلاكَ

در دیوان سوزنی مدائح بسیاری از پادشاهان بزرگ وکوچك معاصر و وزراء و امراء و شعراء دیده میشود که تحقیق در بارهٔ آنها نیازمند رساله‌ای جداگانه است و مشاهیر آنها عبارت‌اند از سلطان سنجر، اتسز، تمغاج خان، قلج قراخان، محمدبن سلیمان، محمودبن محمدبن سلیمان، مسعودبن حسن رکن الدین، سعدالملك اسعد، عمربن محمدبن علاء، محمدبن علی بن محمدالهروی، افتخارالدین علی،

(۱) این بیت در نسخ این کتابخانه نیست.
(۲) در نسخه ۲ کتابخانه مصرع دوم نظیر متن ثبت گردیده ولی در نسخ دیگر چون نسخه م. س چنین است:
چو یافتم زپدر کز نژاد سلمانم.
(۳) درنسخ این کتابخانه این بیت نیست ولی درنسخهٔ کتابخانه م. س میباشد.

ضیاء الدین و بسیاری بمدح شمس الدین محمدبن حسام الدین ازآل برهان که شیخ‌الاسلام بوده ومکرر ازایشان **شاه شرع** تعبیر نموده ودیگر افراد این خانواده پرداخته و در بخش مطایبات و هجویات جواب بسیاری از غزلیات و اشعار سنائی و معزی با تصریح باینکه جواب آنهاست موجود است .

هدایت شمارهٔ ابیات سوزنی را دوازده هزار دانسته وگوید نیمی از آن هزل است .

شرح حال سوزنی گذشته ازمندرجات دیوان‌وی با مراجعه به **لب** ج ۲ ص ۱۹۱-۱۹۸ ج ۱ ص۳۳۲-۳۳۶، **قل** ص۱۰۰-۱۰۳ ، **هم** ص ۱۱۵۸ م س۰ **آر** ص ۳۴۸، **ها** ج ۱ ص ۲۴۹-۲۵۲ ، **رن** ص ۲۱۰ و **سخ** ج ۱ ص ۳۳۴-۳۴۴ نگارش یافته است .

۱۰۰۰

## دیوان سُها

این نسخه بخط نستعلیق نوشته‌شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، بقرینهٔ محو واثبات‌هائی که درابیات دیوان شده واضافاتی که‌درحواشی‌برخی‌از صفحات‌وبربرگهای‌اخیرنسخه بخطدیگری گردیده‌بایستی‌بخواست شاعر نگارش یافته و این تصرف ها ازخود او باشد ، طرف درون جلد دو یادداشت که برخی‌ازآنها محو گردیده بسال ۱۲۶۷و۱۲۶۹ نوشته شده وظاهراینست که پیش‌ازسال۱۲۶۷ نگارش‌نسخه انجام یافته است .

جلد تیماجی گل و بوته‌دار . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۲۴ . صفحه‌ای ۱۴ بیت . طول ۲۱سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۱۶** .

## دیوان سها

**سها** بنابر تصریح درآغاز نسخهٔ دیوان وی که معرفی گردید، تخلص **محمد تقی خان شیرازی** است و مشهور به **خان سها** بوده ، در کتب تذکره بنام و آثار وی دست نیافتم ، در دیوان وی هم اشاره و تصریحی بمعاصرین یا ذکر تاریخی نیست جز اینکه درص ۲۳۶ گوید : « برحسب فرمایش نواب شاهزاده رضا قلیمیرزا گفته شد» ودرص ۲۴۰-۲۴۲ قطعه‌ای ازطرف نوکرهای شاهزاده هلاکوخان در شهر بابك بزبان فارسی و ترکی و کردی انشاء نموده ودرآنست که نوکرهارا از کرمان بشهر بابك آورده ودرص ۲۴۲ نیز قطعه‌ایست که درآغاز آن نگارش یافته : «دربندرابوشهرخدمت سرکارفرمانفرماعرض‌شده و چون میدانیم که رضا قلی میرزا پسرفرمانفرمای(حسینعلی‌میرزا) متوفی بسال ۱۲۵۱ وهلاکوخان پسرشجاع‌السلطنه حسنعلی میرزا است که سالهادرخراسان ایالت مدار بوده و روزگاری در کرمان و شیراز گذرانیده ودراواخرعمر دربغداد بسر میبرده‌و بسال ۱۲۷۱ وفات یافته (۱) بنابراین واحتمالی که‌درذیل معرفی ازنسخه داده‌شد، شاعردرنیمه اول‌وبخشی ازنیمهٔدوم قرن سیزدهم هجری زندگانی مینموده واز مندرجات وی‌معلوم‌میشود که بعتبات‌عالیات‌مشرف گردیده‌و درهریك ازمواضع بمناسبت مرثیه‌ای‌انشا کرده ، تشیع ودوازده‌امامی بودن‌وی از آثارش آشکار است .

مندرجات این دیوان عبارتست از : ۱ ـ قصائد در توحید و نعت و مناقب و مراثی (ص ۱ ـ ۲۵) ، ۲ ـ منظومه درترجمهٔ عوامل درنحو (ص۲۵-۲۹) ۳- غزلیات بترتیب حروف‌هجا (ص۳۳-۱۳۱) ، ۴- رباعیات (۱۳۳-۱۴۳) ۵ ـ مثنوی عاشق و معشوق (ص ۱۵۱-۲۱۹ ) و۶ ـ مقطعات (ص۲۲۶-۲۴۶) ودرحدود ۲۸۰۰ بیت میباشد برای نشان دادن طرز شعر وفکرشاعر این چند بیت را در اینجا می‌آوریم :

**ازقصائد :** ای‌همه‌هستی‌زظل‌ذات تو پیدا  هردو جهان ازیکی‌بنای‌تو برپا
ای که نگشته کسی بذات تو آگه  ای که نگفته کسی‌صفات تویکجا
ای که بشکر تو ممکنات موافق  ای که بذکرتوروزوشب همه‌اشیا

**ترجمه‌عوامل :** پس ازحمد خدا ونعمت احد  علی مرتضی‌و آل امجد

(۱) در شناسائی هلاکوخان به ص ۶۲ ج ۱ **ها** وراجع به رضاقلی‌وفرمان فرما به ص ۲۴۷-۲۸۹ ج ۱ فارسنامه ناصری مراجعه شده است .

بنام ایزد دانای یکتا عوامل را بنظم آریم انشا
عوامل صد بود درنحو ایدوست زلفظی و دگر از معنوی اوست

۱۰۰۱

**دیوان سیف اسفرنگ**

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۶ نوشته‌اند، دارای یك سرلوح میباشد و بر آن باسفیداب نوشته شده: «دیوان سیف اسفرنگ» حواشی دوصفحهٔ نخستین و میان سطرهای آن تذهیب و نقاشی و طلااندازی شده، ابیات ص۳ بواسطهٔ وصالی برگ دوم نسخه آشکار نیست، برخی از برگها وصّالی گردیده و پاره‌ای هم نیازمند میباشد وهمه جدول کشی گردیده، پشت صفحهٔ نخستین مهری بدین سجع میباشد: خانه زاد فدوی شاه عالم گیر غازی فضائلخان ۱۲۶ (کذا) طرز نسخه و سرلوح آن و وجود این مهر میرساند که برای این دانش پژوه که از نام و آثار دیگر آشکار است هندی است، نسخه نگارش یافته ودر کتابخانه وی بوده ودرحدود ۱۰۵۰۰ بیت را شامل میباشد و بدین بیت آغاز گردیده.

ای زادهٔ در سّخنت عقد ثریا طومارنویس قلمت صاحب جوزا.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ دولت آبادی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۸۲. صفحه ای ۱۹ بیت. طول ½۲۳ سانتیمتر. عرض ½۱۳ سانتیمتر.
شمارهٔ دفتر ۱۳۶۸۰

## دیوان سیف اسفرنگ

**سیف اسفرنگ**(۱) از شعرای قصیده‌سرای مشهور قرن هفتم هجری میباشد و بنا برتصریح خود وی و تذکره نویسان سیف الدین لقب داشته و به اعرج معروف است ولی نام اصلی او را نیافتم ، در دیوان وی تخلص ذکر نشده ، تنهـا در یك جا ( ص ٤٦٤ نه ) تصریح به سیف الدین شده ودر دیوان وی تصریح گردیده که بسال ۵۸۱ بدینجهان پای گذارده و از وی فرزندی بجای نمانده‌ودلخوش بزادگان‌طبع خویش بوده است وتذکره نویسان هشتادوپنجسال (جز مؤلف شمع انجمن که عمرشاعر راصدسال‌نوشته‌و گوید بسال ۶۵۲ وفات کرده‌و بطلان این‌قول با صدسالگی‌وتصریح‌خود شاعربسال تولد آشکاراست) عمربرای وی نوشته اند بنابراین بسال ۶۶۶ جهانرا بدرود کرده‌است وخوارزمشاهیان از سلطان علاء الدین محمد بن تکش بن الب ارسلان (۵۹۶ـ۶۱۷)که او را سنجر واسکندر ثانی میگویند تا سلطان جلال‌الدین آخرین پادشاه این‌دودمان و تاج‌الدین محمود پادشاه کرمان و امیرعمید قطب‌الدین حبش که از امراء مغول و ازطرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو برگزار بوده و علما وصدور معاصر را مدائح بسیار گفته و دیوان وی مشتمل بر قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشد.

دولتشاه شماره ابیات دیوان این شاعر را دوازده هزار نوشته و هدایت ده هزار گفته و نسخهٔ شمارهٔ **۲۸۳** کتابخانه مدرسه عالی‌سپهسالار شامل ۱۱۰۰۰ بیت میباشد و ابیات زیادی که در نسخهٔ دیگر آن کتابخانه و نسخهٔ این کتابخانه است در این نسخه نیست بنا بر این همان ۱۲۰۰۰ صحیح خواهد بود

سیف‌الدین بنا بر تصریح خود وی در نظم و نثر توانا بوده :

ص ٤٦۱ نه بنده ، که بنظم و نثر امروز برمدح تو میکندزبان راست

ص ۵۰۳ نه کردم‌ازنظم‌ونثرخودیکچند مدد عمر جاودانی خویش .

و نسبت باهل بیت حضرت پیغمبر ص م علاقمند و معتقد بوده و تشیع وی از این ابیات آشکار است :

---

(۱) اسفرنگ که آنرا اسفره نیز گویند بنا بر نوشتهٔ یاقوت در معجم البدان ( ص۲٤۸ ج ۱ ) از توابع سغد سمرقند است و امین احمد رازی نوشته که تا مرغنان نه فرسنگ میباشد .

ص ۲۳۲ نه در نمط سحر هست معجزهٔ شعر من
مؤمن من بو تراب منکر او بوالحکم
ص۲۷۳ نه از کمالات سعادت این شرف دارم که هست
انقیاد شرع حیدر مذهب مختار من
ص ۳۶۲ نه زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین
هست بر جملهٔ اولاد علی نص جلی
ص ۳۹۵ نه مهدی توئی که صدرامامت بدورتست
چون مسند امامت کبری ببو تراب
ص ۵۰۳ نه مهر آل رسول کردم و رفت
عالم عهد این جهانی (۱) خویش.

شرح حال سیف اسفرنگ و پادشاه معاصر او در **تذ** ص ۱۲۶-۱۲۸ ، **هم** ص ۱۲۰۵ - ۱۲۰۹ م. س ، **آر** ص ۲۳۲ **ـه** ۲۳۳ ، **ما** ص ۲۰۲-۲۰۴ ج ۱ ، **قل** ص ۵۳٤ ، **حر** ص ۱۷۷ جز ٤ ج ۲ ، **گز** ص ٤۹٤-٤۹۸ و **فهر** ص۶۱۲ - ۶۱۳ ج۲ نگارش یافته وبدآنها مراجعه شده است

## ۱۰۰۳

**دیوان شمس تبریزی** این نسخه کهنه بخط نسخ و ثلث نوشته شده، از اول و میان و آخر آن برگهائی افتاده و بترتیب خاصّی مرتب نیست، ظاهراً در اوائل قرن هشتم هجری نگارش یافته و شامل در حدود ۳۱۵۰ بیت میباشد و گذشته ازغزلیات عربی و فارسی شامل چندین ترجیع بند است و بدین بیت آغاز گردیده .

فرو شدن چو ندیدی برونشدن منگر
غروب شمس و قمر را جلا زیان باشد

---

۱ - در نسخهٔ این کتابخانه **این جهانی** نوشته شده ولی ظاهراً **آن جهانی** صحیح است و مراد عالم ذر میباشد .

و این بیت درانجام کنونی نسخه است :

بر گو غزلی بر گو، یا مزد خود ازحق جو
بر سوخته زن آبی چون چشمه حیوانی .

جلد تیماجی . کاغذنباتی کهنه . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۹۵ . صفحه‌ای ۱۸ بیت . طول $22\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۳۰۶** .

## دیوان شمس تبریزی

جلال الدین محمد رومی مشهور به **مولوی** (۶۰۴-۶۷۲) از مشاهیر عالم اسلام میباشد ومثنوی وی چون آفتاب جهانتاب برجهانیان فیض بخشی مینماید، نظر بارادت بحضرت شمس‌الحق تبریزی در بیشتر از غزلیات بنام این معشوق تخلص نموده و دیوان یاکلیات شمس که مخلوط با اشعار دیگران میباشد و در هندوستان چاپ شده شامل ۵۰۰۰۰ بیت است وابیات این دیوان شمس‌را از ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نوشته اند، دانشمند معاصر آقای بدیع‌الزمان خراسانی (فروزانفر) رسالهٔ مفصلی درشرح حال مولانا بسال ۱۳۱۵ خورشیدی در ۱۹۱ صفحه تألیف وچاپ کرده‌اند وگذشته ازمقدمه شامل ۱۰ فصل بدین‌تفصیل میباشد : ۱- آغاز عمر، ۲- ایام تحصیل، ۳- دورهٔ انقلاب و آشفتگی، ۴- روزگار تربیت وارشاد، ۵- پایان زندگانی، ۶- معاصرین مولانا از مشایخ تصوف و علما وادبا، ۷- شهریاران و امراء معاصر، ۸- صورت وسیرت مولانا، ۹- آثار مولانا و ۱۰ - خاندان مولانا . و آنچه امکان داشته در اطراف شرح حال و خصوصیات این‌مرد بزرگ وآثاروی تحقیق وتتبع کرده‌اند وگذشته ازدیوان غزلیات، از مولوی رومی، کتاب‌مشهور **مثنوی** که در همین فصل معرفی میشود و **فیه مافیه** ومکاتیب‌نیزباقی مانده که درطهران واسلامبول چاپ شده است .

بهاء‌الدین‌ولد پسر جلال‌الدین‌رومی کتابی‌بوزن‌مثنوی بنام **ولدنامه** درشرح حال ومقامات پدر خویش پرداخته ودر همین فصل ازآن معرفی خواهد شد .

**۱۰۰۳**

دیوان شمس طبسی

این نسخه بنابرتصریح پشت صفحه نخستین بسال ۱۳۳۵ بخط نستعلیق برای کتابخانه سردارمعظم خراسانی نوشته شده، مالک‌نسخه

مختصر معرفی از شاعر و تذکر به مطلب نام برده و فهرست اشعار مندرجهٔ در نسخه را بخط خود نوشته و در آخر اشعاری که پس‌از نگارش این نسخه بدست وی‌افتاده برخی‌را خودنگاشته وبعضی را دیگری نوشته وروبهم رفته درحدود ۲۰۰۰ بیت‌را این نسخه دربر دارد و مالك بتصحیح آن نیز پرداخته و برگها با طلا و زنگار جدول کشی شده است.

جلد تیماجی. کاغذ ترمه. قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۹۵. صفحه ای ۱۰ بیت. طول $11\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۸ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۳**.

## دیوان شمس طبسی

**شمس طبسی** بنا بر ضبط معاصر وی عوفی **محمدبن عبد الکریم** و ملقب به شمس الدین بوده ، درآثار البلاد ( مؤلفه بسال ٦٧٤ ) ذیل طبس نیزنام برده‌شده‌ودرآنجاست که‌جوانی‌شیرین‌بیان‌بوده ونیکوشعر میگفته، وشاگرد رضی‌الدین نیشابوری ومعاصر خاقانی بوده و چون اشعار این شاعر بوی رسید بدان طرز پرداخت و استاد ویرا بر این روش تشویق و ترغیب نمود و شعر شمس لطیف‌تروبهتر ازخاقانی است و اشعار وی مشهور و در نهایت زیبائی میباشد و اسلوبی مخصوص بخود دارد و قصیده‌ای‌که نظیر قصیده صدر الشریعه قاضی بخارا درمدح وزیرصدر الدین بهمان وزن وقافیه سروده با نقل چند بیت ازهردوقصیده‌دراین کتاب‌نقل گردیده‌و گوید چون‌صدر الشریعه‌بدین‌قصیده آگهی یافت خوشش نیامد ولی چون درمدح وزیربود چیزی نتوانست گفتن (دولتشاه صحبت داشتن شمس‌را باصدرالشریعه تذکر داده و گوید شمس قاضی و قاضی زاده طبس‌بود، چون‌آوازهٔ فضل‌وکمال صدرالشریعه‌رابشنودعزیمت بخاراکردو مدتی درحلقه درس وی گذرانید ولی این معانی از **لب** و **لٔبا** استفاده نمیشود ) و دیوان وی کوچك است چراکه از زندگانی بهرهٔ چندانی نداشته وشنیده‌ام که جوانی چون ماه بوده وبمرگ ناگهانی درگذشته است .

وفات شمس‌طبسی‌در**ها**بسال٦٢٤ضبط‌گردیده ودر **رن**بسال٦٢٦ودر **آر**

نسخه چاپی بسال ۲۷۳ (این تاریخ مسلماً غلط است) و نسخه خطی شمارهٔ ۳۲۱ کتابخانه بسال ۶۲۶ و شمارهٔ ۸۸۶ بسال ۶۶۶ (این نیز مسلماً غلط است) و از عبارات لب چنان استفاده میشود که در هنگام تألیف آن که برحسب تحقیق آقای قزوینی مؤخر از سال ۶۱۸ نبوده این شاعر جهانرا بدرود گفته و آذر قدرت وی را در نظم و نثر متذکر شده و دولتشاه مکتوبی از اورا که بصدرالدین نظام‌الملك وزیر برای قرض هزار دینار نوشته ودرآن آیات مناسبه ای از قرآن کریم مندرج گردیده ، در تذکره خود بیادگار گذارده است .

صاحب روز روشن درص۳۵۶-۳۵۸ بمعرفی این شمس پرداخته واطلاعاتی از وی ومعاصرین وممدوحین اوبدست داده وگوید پادشاه عصر وی سعدالدین قتلغ خان است که ازفرمان فرمایان خراسان بوده ووزیر او نظام‌الملك صدرالدین محمدبن محمد است و دربنای عمارت شاهی که بسال ۵۹۱ تمام شده قصیده‌ای دارد وابیاتی ازاو انتخاب شده وقطعه :

کم نشین بابدان که صحبت بد گرچه پاکی ترا پلید کند
آفتاب ارچه روشن است اورا پارهٔ ابر ناپدید کند

که در آر وتذکره محمد شاهی به این شمس نسبت داده شده از شمس‌الدین منصور فرغانی معروف به صدرالشریعه که شمس طبسی قصیده خود را دراقتدای بوی گفته ، دانسته است .

دیوان شمس طبسی مشتمل برقصائد وغزلیات وقطعات و رباعیات میباشد و سفینه اشعار شماره ۹۰۰ این کتابخانه که دراوائل قرن هشتم هجری تألیف ونگارش یافته درحدود ۲۵۰ بیت شمس طبسی را درص ۳۸۰ - ۳۹۵ نیز شامل میباشد .

این شرح بامراجعه به لب ج۲ص۳۰۷-۳۱۱ ، ثا (نه . م . س) ص۲۳۳ ، تذ ص ۱۶۱-۱۶۶ ، آرص۷۲ ، ما ج ۱ ص ۳۰۶-۳۰۹ و رن ص ۲۱۱ نگارش یافت .

**۱۰۰۴**

**دیوان شوریده شیرازی** — این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخودوسال نگارش نام نبرده ، شامل غزلیات و قصائد مرتبهٔ بترتیب

حروف تهجی (ص ۱ ـ ۲۹۰)، مقطعات (ص۲۹۰ـ۳۵۷) و مثنوی (ص ۳۵۷ ـ ۳۶۵) میباشد ودر حدود ۵۲۲۵ بیت است

در کمتر صفحه ایست که آثار تصحیح نباشد، برحسب اظهار فرزند برومندشاعر آقای **حسن احسان** بنگارندهٔ این اوراق، این نسخه پس از وفات پدر بزرگوارش نوشته شده و بتصحیح ایشان و برادر مهترشان آقای **حسین شیفته** رسیده ودر آخرهم تصریح کرده‌اند که جزمندرجات این نسخه اشعاری ازایشان موجود است .

درصحافی پاره‌ای از برگها جابجا گذارده شده ولی صفحه شمار صفحات درست است .

جلد مقوائی عطف و گوشه تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۸۳ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۵۵۰ .

## دیوان شوریده ـ شیرازی

**شوریده** حاج محمدتقی شیرازی است که **مجدالشعرا** لقب داشت وپس ازآن پادشاه اورا **فصیح الملك** لقب داد و پدرش **عباس** نام وتخلص بود و خود از کوران روشن ضمیر ایران و دارای طبعی چون همتش بلند بود در قصیده سرائی و انشاء قطعات چون اساتید گذشته و در بدیهه گوئی و مزاح و لطیفه و هجو کسی بپایه وی نرسیدی حکام واعیان دیدارش را مغتنم میشمردند و به بیانات و استماع اشعار وی گوش و دلرا برایگان میدادند ، علما ودانش پژوهان محضرش را چون جان گرامی میداشتند و از مجالست وی بهره‌های وافی میگرفتند چون شهرت شوریده بتهران رسید پادشاه خواستار دیداروی شد بسال ۱۳۱۱ بپایتخت آمده و تا سال ۱۳۱۴ در آنجا بود قصائد غرا در مدح پادشاه و وزراء انشاء نمود واین دوبیت که در اینجانقل میشود قطعه ایست کهبداهتاً برحسب امر شاه بوزن و قافیه مدیحه‌ای که در بدو ورود بتهران برای ناصرالدین شاه خوانده ، ساخته ومورد مرحمت و تمجیدقرار گرفته :

رفتم بدرگه شه و خواندم ثنای شه    احسنت شه شنیدم وچشم وراندید
چون‌مصطفی که‌شدشب‌معراج‌سوی‌عرش    روی‌خدا ندیدو ندای‌خدا شنید .

دیوان شوریده شامل قصائد و قطعات و غزلیات ومثنوی است وهمهٔ انسام را خوب و متین میسروده و در حدود ۱۴۰۰۰ بیت میباشد و بخشی از آن چاپ گردیده ولی اتمام‌آن بعهدهٔ تعویق است ، درفن موسیقی ولحن داوودی دستی داشت کتابی بنام « **نامهٔ روشن‌دلان** » در شرح حال شعرای نابینا نوشته ودیگر ازمؤلفات‌وی « کشف‌الهواد » است که مشتمل برماده‌تاریخهائی‌است که خودشاعر گفته‌ودر کتابخانه دوفرزند برومندشاعرودو گوهر گرانمایه‌وی آقای حسین‌شیفته وآقای حسن احسان که نعم‌الخلف‌آن شاعربزرگ اند و گذشته‌از اینکه شاعری‌را ارث دارند در کسب کمال وتحصیل فنون ادب وشعروشاعری کوشیده و بدرجهٔ بلند رسیده اند ، نسخهٔ این دو کتاب موجود است وکلیات شاعر بزرگ سعدی شیرازی را تصحیح نموده و در زمان حیاتش با بهترین طرزی در هندوستان چاپ شده و خمسهٔ نظامی را هم تصحیح نموده ولی تا کنون بچاپ نرسیده است .

شرح حال نسبتاً مفصلی ازاین شاعر با نقل برخی از اشعار وی بقلم جناب آقای‌حکمت (علی‌اصغر) وزیرسابق‌فرهنگ وکشور درشمارهٔ ششم وهفتم مجله ارمغان (سال۷ مطابق سال ۱۳۴۵ ق ) ص ۳۵۵ ـ ۳۶۵ مقارن روز چهلم وفات شاعر نگارش یافته و پیش از مرگ و در روزگار زندگانی وی حاج میرزا حسن فسائی شیرازی در فارسنامه ناصری درص۱۰۳ گفتار دوم وفرصت شیرازی در آثار عجم ص۲۶۶ ـ ۲۶۸ و خسروی در دیبای خسروی بمعرفی این شاعرپرداخته‌اند وآقای رشید یاسمی در ادبیات معاصر ص۶۱ـ۶۶ (بسال ۱۳۱۶ خورشیدی تألیف وچاپ‌شده) نیزبشرح حال ایشان پرداخته وازدیبای خسروی ومقاله‌آقای‌حکمت نقل‌هائی کرده‌اند وکتابهای نام برده مأخذ نگارش نگارنده بوده و سعادت درك زیارت این شاعر بزرگ بار ها در شیراز برای این رهی دست داده است .

تذکره خطی شمارهٔ ۹۰۰ این کتابخانه که دراوائل قرن هشتم‌نگارش‌یافته اشعاری از شاعری **شوریده** تخلص را در بر دارد و اینك او را نمیشناسم . این چند بیت را ازاین شاعر شیرازی بیادگاردراینجانقل میکنیم :

بهر دو نان منت دو نان مبر    هم بزبان آب زبونان مبر
این فلك دیرکش زود پای    گرهمه کوه است برآرد زپای

چند زن روزی همی رفتند با هم در رهی
زان میان زیبا زنی برگشت با من کرد روی
گفت کاین شوریده است آنشاعر گردن قوی
گفتمش آری منم گر خدمتی داری بگوی

| | |
|---|---|
| نو جوانی شوخ با پیری نژند | گفت پیرا پنبهٔ مویت بچند |
| پیر گفت این پنبه ای رشک پری | باش تا از خویش ارزانتر خری |

## ۱۰۰۵

### دیوان شهاب ترشیزی

این نسخه را بسال ۱۲۳۰ بر حسب خواست شاهزاده کامران (ظاهراً مراد پسر شاه محمود دُرّانی است)، **اشرف** نامی بخط نستعلیق خوب نوشته ومشتمل بر بخشهای چهارگانه زیرین میباشد و در حدود ۷۵۰۰ بیت است، دو برگ نخستین نسخه از کتابی دگر میباشد وازاین نسخه نیست ودارای سرلوحی زیباست، وبدین عبارات شروع شده: « حمد و سپاس خارج از مقیاس قیاس سزاوار آن یگانه بی همتاست که بحکم الخ ».

تمام برگها مجدول به اکلیل و لاجورد است و یادداشتهائی که پشت صفحهٔ نخستین نسخهٔ کنونی بوده محو گردیده است.

وبرگ اصل نسخه بدین عبارات شروع میشود: «ناطقه فصحای سحبان آئین درمبحث تعداد آثار حکمتش زبان بسته ولال است».

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۶۹. صفحه‌ای ۱۵ بیت. طول $24\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۲۸۷**.

# دیوان شهاب ترشیزی

**شهاب**، میرزا عبدالله بن حبیب‌الله ترشیزی‌است که در هنگام سلطنت تیمور شاه دُرّانی (۱۱۸۷- ۱۲۰۷) امیر افغانستان، درهرات بوده وملازمت شاهزاده محمود دُرّانی (۱۲۲۴-۱۲۴۵) (۱) را درهنگام شاهزادگی داشته و بنا بر خواست وی نسخه‌ای از دیوان خود را بسال ۱۲۰۶ بترتیبی که زیر این سطرهانگارش می یابد ، مرتب نموده و دیباچه‌ای بنثر بر آن نگاشته ، و در آن بدان تاریخ تصریح کرده ولی بقرینه اینکه درص۳۰۷و۳۰۸ **نه** مادهٔ تاریخ بنای مسجدی درتربت بسال ۱۲۰۹ وتاریخ وفات یکی ازمردان معاصر شاعر بسال۱۲۱٤ میباشد معلوم میشود که پس‌ازنظم وترتیب بر آن اضافاتی کرده ونسخهٔ این کتابخانه که‌ازروی نسخهٔ اصل نوشته‌شده شامل آن افزودگی‌هاست

راوی کروسی در انجمن چهارم **خن** بمعرفی شهاب پرداخته و از اشعار او انتخابی نموده ومرگش را بسال ۱۲۱۵ضبط کرده وهدایت در **ما** (ج ۲ ص ۲۵۳-۲٦۱) اورا معرفی وازدیوانش انتخاب هائی کرده ، بقرینه ماده تاریخها و مطالبی که در دیوان وی میباشد معلوم میشود که عمر درازی یافته ، ماده تاریخهائیکه سال۱۱۷۷ تا۱۲۱٤ رامیرسانند دراین‌دیوان بسیارو راجع بهپیش از این تاریخ هم ماده‌تاریخهائی دارد وازآنجمله ماده‌تاریخی‌است که درص۷۲ **نه** میباشد و سال ۱۱۳۳ را میرساند واگر ما ، دراین سال شاعر را پانزده ساله تصور کنیم درهنگام مرگ ۹۸ سال داشته است .

گذشته‌ازاینکه‌شاعردرعلوم نجوم‌مهارت داشته ، خطاط وصورتگرهم بوده واین ابیات راکه درمعرفی خویشتن سروده (ص۱۸٦**نه**) دراینجا میآوریم :

«اگر سخن بمیان آورم زعلم نجوم — بروزگار نیابی مرا عدیل ونظیر
وگر سفینهٔ اشعار خویش بگشایم — بیحر رشک‌شودغوطه‌وررروان‌ظهیر
وگر بخامهٔ صورتگری گشایم دست — کنم‌برآب‌روان‌عقل‌وروح‌راتصویر
وگر قلم بکف آرم پی نوشتن خط — فتد باوج فلک خامه از انامل تیر
ولی چه‌حاصل ازاینهاکه از زبونی‌بخت — کسی‌نمیخرداین‌جمله‌را بنیم‌شعیر» .

شاعر دیوان خودرا بچهار قسم تقسیم نموده : ۱ - قصائد درتوحید و نعت

---

۱ - درص۳۰۲ ترجمه طبقات سلاطین اسلام از این پدر وپسر دُرّانی نام برده شده ومؤلف روضة‌الصفای‌ناصری‌ازمحمود وآمدن‌وی‌بایران صحبت کرده‌است.

و منقبت و مدائح سلاطین ، ۲ - قصائد در مدح امرا و صدور و اعاظم ، ۳ - مقطعات مشتمل برماده تاریخها ومدائح مختصره و ۴ - اهاجی وهزلیات . رباعیهائی که موضوع آنها یکی از اقسام چهار گانه بوده ، درضمن همان قسم گذارده شده .

راوی گروسی این شهاب را ازفحول شعرای متاخر وصنادید بلغای معاصر دانسته و گوید دیوان قصائد ومثنوی ورباعی وقطعهٔ وی در حدود بیست هزار (۲۰۰۰۰) بیت میشود ولی چنانکه گفتیم نسخهٔ این کتابخانه که از روی نسخهٔ اصل نگارش یافته در حدود ۷۵۰۰ بیت میباشد و چنانکه در دیباچه تصریح گردیده پاره‌ای ازقصائد وقطعات ورباعیات دراین‌نسخه گذارده نشده،بنا بربیان راوی ۱۲۵۰۰ بیت دیگر شعر خواهد داشت . ومثنویهای شهاب که درمقدمه دیوان خود بآنها تصریح نموده . ۱ - خسرو شیرین ، ۲ - یوسف زلیخا ، ۳ - بهرامنامه ، ۴ - تذکرة‌الشعرا، ۵ - عقد گهر (درنجوم) ، ۶ - مرادنامه (در ذکروقایع علیمراد خان زند است) ، ۷ - تذکرة الوزرا و ۸ - تاریخ مُجَدْوَل میباشد وخود درآنجاند کرداده که شش کتاب اول بنظم ودو کتاب‌اخیر به نثر و کتاب ٤ و٦ و٧ و٨ در هنگام‌نگارش مقدمه (بسال ١٢٠٦) ناتمام بوده و تاکنون نگارنده بزیارت کتابهای نامبرده مشرف نگشته وخسرو شیرین وی در موزه لندن موجود است .

این‌شاعررا با شهاب اصفهانی که نیز درمیان قرن سیزدهم زندگانی مینموده ودر ص ٦١٩ ج٢ فهر معرفی کرده‌ایم نباید اشتباه نمود .

هدایت در ص ٢٤٩و٤٨٧ ج٢ ما میرزا اختیار شهابی تخلص و میرزا مرتضی محجوب تخلص را دو پسر این شهاب‌معرفی کرده و گوید که با وی آشنائی‌داشته وده یانزده سال درسفروحضر وعزت وعزلت با وی بسر میبرده‌اند وهردو پیش‌ازاتمام‌تذکره مجمع‌الفصحا (۱۲۸۸) ازاینجهان بیرون‌رفته‌بوده‌اند .

## ۱۰۰٦

**دیوان شهره** این نسخه بنا بر شرحی که بسال ۱۳۲۳ بر ورقی که پیش‌ازنسخه میباشد، نوشته‌شده، اوراقیرا کنده‌بوده وفریدون میرزا بجمع‌وترتیب آن‌پرداخته وبنا

براظهار فریدون میرزا بخط **دلدار خان** لرستانی زن شهره نوشته شده و برحسب شماره در حدود ۱۷۰۰ بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی و قطعه میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

زلفت شکسته رونق مشك تتار را     خطّت خزان نموده بعالم بهار را .

و آخرین بیت نسخه اینست :

برفرق دوستان تو گل باد تا ابد     برچشم دشمنان تو خارنك سنان .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۷۱ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول $21\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۷۹** .

## دیوان شهره

**شهره** تخلص علیرضا میرزا پسر فتحعلیشاه و برادر مادری شاهزاده محمد میرزا **افسر** تخلص میباشد و در ناسخ‌التواریخ نوشته : پسر بیستم فتحعلیشاه است و بسال ۱۲۱۸ بدینجهان پای گذارده و از شرحی که پشت نسخهٔ این کتابخانه بسال ۱۳۲۳ نوشته شده معلوم میشود که مردی درویش مسلك بوده ومدتها درملایر با مواجب دولتی وتیولی که داشته زندگانی میکرده ودرهمانجا بدان سرای شتافته واشعار وی عبارتست از غزل وقطعه وقصیده ، و مثنوی و جز نسخهٔ بالا ، نسخهٔ دیگری از آن سراغ نیافته‌ام .

**۱۰۰۷**

**دیوان صائب تبریزی**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ ورقم ندارد ولی مسلماً خط خود صائب میباشد و کاملاً نظیر نمونه گراورشدهٔ خط شاعر است ، آقای ملك‌الشعرا ( محمد تقی بهار ) پشت صفحهٔ نخستین شرحی مبنی برصحت این نسبت بسال ۱۳۱٤ (خورشیدی)

نگاشته‌اند، ونیز درهمین‌جا و پشت آخرین صفحه یاد داشتی است مبنی براینکه بسال ۱۲۲۲ میرزا محمد شفیع صدراعظم فتحعلیشاه که مربی شاهزادهٔ محمود میرزا میباشد این نسخه را برای کتابخانه این شاهزاده تهیه نموده و مهر محمود میرزا که بدین سجع میباشد براین نسخه دیده میشود:

چون طالع خسروی است محمود محمودٌ ندا صفاتْ محمود ۱۲۱۷.

مندرجات نسخه عبارتست از: ۱ ـ ده قصیده (ص ۱ـ۲۰) در ۶۰۰بیت(خوشگو شمارهٔ قصائدصائب را ده یا دوازده نوشته است)، ۲ ـ قندهارنامه(ص۲۱ـ۲۶) مثنوی‌ودر۱۵۵بیت‌است، ۳ ـ غزلیات (ص۳۱ـ۷۳۴) که بدین بیت آغاز گردیده:

اگر نه مدّ بسم‌الله بودی تاج عنوانها

نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوانها

و خوشگو تصریح کرده که این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب میباشد واین‌غزلیات درحدود ۲۲۷۰۰ بیت است، ۴ ـ واجب الحفظ که عبارت از مطلع های صائب میباشد (ص ۷۳۷ـ۷۵۴) در ۳۷۱ بیت، ۵ ـ آرایش نگار (ص ۷۵۵ ـ ۷۶۷) در ۲۱۶ بیت و ۶ ـ منتخب اشعار (ص۷۶۷ـ۸۷۸) در ۲۸۸۰بیت. و دارای چهار سرلوح زیباست وهمهٔ برگها با طلا جدول کشی‌شده وتمام مندرجات درحدود ۲۶۹۰۰ بیت است.

جلد روغنی گل و بوته. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۴۴۰. صفحه‌ای ۲۴تا۳۱ بیت. طول ۲۶سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۷۶۵.

# دیوان صائب تبریزی

**صائب** تخلص میرزا محمدعلی بن عبدالرحیم تبریزی است که بسال ۱۰۱۶ متولد شده و بسال ۱۰۸۱ وفات یافته و از شعرای بزرگ ایران بشمار میآید ، شمارهٔ ابیات او را دویست هزار نوشته اند و گویند هفت دیوا... فتر برای خود ترتیب داده و مطالع غزلیاتی از خود را بترتی... مرتب نموده و آنرا « **واجب الحفظ** » نامیده و موافق نس... ۴۰۱ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

نیست سوی حق بجز تسلیم راهی بنده را
جستجوی این گهر گم میکند جوینده را

و نسخهٔ این کتابخانه که پیوسته دیوان نامبردهٔ بالاست بدین بیت آغاز میشود :

زد غوطه بسکه درتن خاکی روان ما گردید رفته رفته زمین آسمان ما

و ابیاتی که در آن نام آئینه یا شانه یا یکی از اعضاء بدن بوده ، نیز از دیوان خود جدا ساخته و بنام « **آرایش نگار** » نامیده و موافق نسخهٔ آن که پیوسته دیوان نامبرده بالا است بدین بیت آغاز شده :

ز وحدتست جهان وجود پا بر جا که بی‌علم نشود مستقیم لشکر ها .

و نیز صائب از کلیهٔ اشعار خود انتخابی کرده و بترتیب حروف تهجی بر حسب ردیف ها آنها را مرتب نموده و موافق نسخهٔ این کتابخانه که پیوستهٔ دیوان بالاست ۲۸۸۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

مکن بی بهره یارب از قبول دل بیانم را
بزهر چشم خوبان آب ده تیغ زبانم را

و نسخهٔ م . س شامل ۲۳۰۰ بیت میباشد و بدین بیت که هفتمین بیت این نسخه میباشد آغاز شده :

ای خار و خس بحرثنای توسخنها گنجینه گوهر ز مدیح تو دهنها

و دیگر از آثار صائب مثنوی « محمود وایاز » است ولی تاکنون بنسخه‌ای از آن دست نیافته‌ام و دیگر «**مرآت الجمال**» میباشد که مشتمل بر اشعاریست که در وصف سرتا پای محبوب گفته و نسخی از آن در مجموعات مدرسه عالی سپهسالار میباشد و نیز ابیات راجعهٔ به می و میخانه‌را بنام «**میخانه**» دریکجا گرد آورده و دیگر مثنوی «**قندهارنامه**» که در فتح قندهار ساخته و بدین بیت آغاز شده :

برازندهٔ تاج و تخت و کلاه خدیو جوانبخت عباس شاه .

و پیوسته دیوان نامبردهٔ بالاست و در یکی از قصائد خود تاریخ این فتح را

« ازدل زدود زنگ الم فتح‌قندهار » که سال ۱۰۵۹ رامیرساند، یافته‌است و خوشگو شمارهٔ‌ابیات این‌مثنوی را ۱۳۵ ومرحوم‌تربیت ۱۳۵ هزار نوشته‌اند وظاهر اینست که به هزار نمیرسد و بنقل از شبلی نعمان ادوار برون نوشته که صائب ازبهترین اشعار پیشینیان جنگی‌ترتیب داده که اینك در حیدر آباد دکن موجود و بنام « بیاض صائب » نامیده میشود و خوشگوی درسفینه یا تذکرهٔ خویش دیدن این‌جنگ را یادآورده‌شده‌است .

صائب در هند شهرتی بسزا یافته و بگفتهٔ مرحوم تربیت از سال ۱۲۶٤ تا کنون درحدود ۴۰۰۰۰ بیت از وی در آن کشور چاپ شده‌و درعثمانی(ترکیه کنونی ) نیز شهرت‌وی زیاد است‌منتخبی ازاشعار صائب در تهران واسلامبول چاپ گردیده و نسخه ای از غزلیات این شاعر که بر حسب احتمال خط خودوی میباشد و شامل ۸۵۰۰۰ بیت است در کتابخانه‌آقای محمد جواد ارگانی‌نماینده مجلس اینك موجود و نگارنده آنرا دیده است .

شرح حال صائب با مراجعهٔ به **خو** آغاز حرف صاد ، **تق** ص۱۷۶-۱۸۱ ، **دآ** ص ۲۱۷-۲۲۶ ، **ما** ج۲ ص ۲۳-۲٤ ، **آر** ص ۳٤-۳۵ و **فهر** ج۲ ص ۶۲۲-۶۲٤ نگارش یافت .

## ۱۰۰۸

**دیوان صاحب علی آبادی** این نسخه را بخط نستعلیق خوب مهدی‌بن رضا بن‌مهدی، علی آبادی بسال ۱۳۰۲ نوشته و گذشته ازسه بخش نثری که ازص۱ ــ ۸٤ رافرا گرفته، شامل قصائد(ص۸۵ ــ ۳۵٤) ، غزلیات (۳۵۵ــ۴۱۷) رباعیات (ص ٤۱۸ ــ ٤۲۷) ، مثنویها (ص ٤۲۸ ــ ٤۸۸) میباشد ودر حدود ۵۳۰۰ بیت است .

جلدتیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲٤۵ ، صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول ۲۲ سانتیمر . عرض $\frac{1}{2}$-۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۱۳۵۵** .

## دیوان صاحب علی آبادی

**صاحب** تخلص میرزا محمدتقی بن زکی علی آبادی معروف به **آقا** میباشد که بسال ۱۲۵٦ جهان را بدرود گفته ، در اوائل جوانی ده سال وزارت عبد الله میرزا حاکم فرمانفرمای خمسه وسهرورد و سجاس را داشته ، بسال ۱۲۳٤ بتهران خواسته شد ، مقام منشی الممالکی را پادشاه عصر بوی برگذار نمود و به لقب صاحب دیوان مفتخر بوده و بهمین مناسبت **صاحب** تخلص شده و گاهی هم **صاحب دیوان** تخلص دارد ، هدایت دیوان او را در حدود ششهزار بیت گفته و نسخی که از دیوان وی در دست است در همین حدود میباشد ، و در حدود یکهزار بیت از قصائد صاحب که درنعت حضرت رسالت پناه ص ع و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام وپادشاه وامراء عصر بوده واز رباعیات وی انتخاب و در مجمع الفصحا چاپ شده ومندرجات دیوان صاحب عبارتست از : قصائد قطعات ، غزلیات ورباعیات ومثنویات واز اینکه نسخ دیوان شامل ماده تاریخ هائی است که راجع بسال ۱۲۵۵ یاسال پیش از مرگ شاعر میباشد ، بایستی دیگری بجمع آوری دیوان وی مبادرت جسته باشد وممکن است خود این کار را کرده باشد وپیش از شروع به قصائد منشآت نثری صاحب که عبارتست از **۱** ـ تاریخچهٔ مختصری از طائفهٔ قاجار و شرح حال فتحعلیشاه که خود وی گفته و صاحب انشا نموده ، **۲** ـ حکایاتی بطرز گلستان ، **۳** ـ مکاتیب ومراسلات دوستانه وفرامین وغیره نگارش یافته وهمهٔ اینهادرحدود ۱۰۰۰ بیت میباشدو آغازدیوان قصیده ایست که آغازآن اینست : کرا شاید ثنازان پس که زیبد آل یاسین را
جهان مجدو تمکین آسمان دانش و دین را .

شرح حال صاحب علی آبادی درانجمن سوم انجمن خاقان ومجمع الفصحاء ج ۲ ص ۲۹۸ ـ ۳۱٦ دیده شود .

**۱۰۰۹**

**دیوان صافی اصفهانی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۵٦ نوشته شده ، شامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف ها (ص ۱ـ٤٦٦)

و رباعیات (ص۴۶۷ ـ ۵۲۱) میباشد ودرحدود ۶۵۰۰ بیت است، صفحات ۳۹۴ـ۴۰۹ نسخه، مکرّرصفحه های۳۷۸ـ ۳۹۳ وصفحه‌اول دارای سرلوحی زیباست وحواشی آن وصفحهٔ دوّم ومیان سطرهای این دوطلااندازی شده‌وهمه‌برگها باطلا ولاجورد وشنگرف جدول کشی شده وازآغاز نسخه این دوبیت دراینجا می‌آوریم :

ای باهمه وز همه مبرا    ای بی‌همه‌وزهمه‌هویدا(۱)

مخفی وعیان‌عیان‌ومخفی    پیدا و نهان نهـان و پیدا

ونسخه بدین رباعی ختم گردیده است :

گر یار اینست و اینست رسم یاری

بـاقـی نهلد ز عاشقان دیّـاری

ور عشق اینست و آتش عشق چنین

زاندك وقتی تبه کند بسیاری

جلد روغنی گل وبوته دورو (بسیار ریختگی دارد). کاغذفرنگی مهره زده. قطع وزیری . شمارهٔ برگهـا ۲۶۱ . صفحه‌ای ۱۳ بیت . طول۲۹ سانتیمتر. عرض ۱۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۱۳۴۷** .

## دیوان صافی اصفهانی

**صافی** تخلص میرزا جعفر موسوی اصفهانیست که‌از سادات‌این‌شهربوده ، راوی کروسی گوید بسال ۱۲۱۷ درصفاهان بدیدارش نائل‌آمده « صاحب مشرب، صناعت دوست ، نادره‌گوی وپیری زنده دل ، تواناجان ، سفید موبود » بیشتر بغزل‌سرائی اشتغال داشته و دیوان قصائد و غزلیات او را دوازده هزار بیت گفته‌اند کتابی بنام « شهنشاه نامه » در بیان معجزات حضرت خاتم‌النبین صمع و

(۱) هدایت درص ۳۲۲ ج ۲ **ما** این بیت را از گلشن خیال صافی نقل نموده وغزل بعد ازین دراین نسخه بدین مطلع است :

ای نام تو زیور زبانها    بی نـام تو برزبان زبانها

غزوات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بنظم آورده و هدایت از آن کتاب منتخبی در ما نقل نموده ونیز از مثنوی «گلشن‌خیال» وی در این کتاب انتخابی کرده است.

هدایت نوشته قریب به هفتاد سال عمرنموده و در دیوان شاعر (ص٥٤ نه) هم اشارهٔ بدین موضوع میباشد:

تا کی نگه کنم که شب غم رسد بسر آخر نه عمر بیش ز هفتاد سال نیست

و بنابر تصریح راوی وهدایت بسال ۱۲۱۹ دروطن خویش اصفهان رخت بربست و در تکیه میرفندرسکی درجوار آبای کبار واجداد بزرگوار قراریافت وشاعر **وامق** تخلص اصفهانی قطعه‌ای درتاریخ مرگ وی سروده که این مصراع رسانندهٔ تاریخ آنست:

**میرزا جعفر صافی بجنان جایش باد=۱۲۱۹**

شرح حال صافی درخن و ما ج ۲ص ۳۱۷-۳۲۴ نگارش یافته ومراجعه شده است.

**١٠١١٩١٠١٠**

## دیوان صالح تبریزی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، تاریخ نگارش و نام نویسنده ندارد، ظاهراً دراوائل قرن دوازدهم نگاشته شده ومشتمل برغزلیات (ص ٥ ــ ٦٠)، رباعیات (ص ٦٠ ــ ٦٤)، اشعار ترکی (ص ٦٥ ــ ٧٢)، ترکیب بند و ترجیع بند (ص ٧٢ ــ ٩٢) و قطعات (ص ٩٢ ــ ٩٧) میباشد و در حدود ٩٧٠ بیت است «**منتجب رمز الریاحین**» رمزی کاشانی که درهمین فصل معرفی خواهد شد پیوسته این نسخه میباشد، فقیر علی زنگنه اشعاری از حافظ وواعظ وظاهراً ازخود درص۹۸ـ۱۰۲ نوشته وظاهراً منتخب

نامبرده که بسال ۱۱٤٤ نوشته شده نیز خط این نویسنده است .

همهٔ برگها باطلا جدول کشی شده وچند برگ نانوشته درآغاز وانجام نسخه موجود وبدین بیت آغاز شده :

غم فزاید زلاله زار مرا چه غم از رفتن بهار مرا

جلد مقوائی عطف وگوشه تیماج . کاغذ کشمیری . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۰۱ ، این دیوان ٤۹ . صفحه ای ۱۰ بیت . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۳۱** .

## دیوان صالح تبریزی

**صالح** تخلص میرزا صالح تبریزی است که در نیمهٔ دوم قرن یازدهم شیخ الاسلام تبریز بوده و معاصر او نصر آبادی در تذکرهٔ خود (ص۱۰۳) بمعرفی وی پرداخته ودربارهٔ اش گوید: «در کمال آدمیت وصلاحیت وملایمت است چنانکه در ایام عمر نوافل و آداب سنّتی ازوفوت نشده ، در امرشیخ الاسلامی تبریز سلوکی کرده که احدی از اوشکوه ندارد ، بکمالات وتحصیل علم دینی آراسته ، طبعش درترتیب نظم در زبان ترکی و فارسی قدرت دارد ، شعربسیار گفته این چند بیت از ایشان بفقیر رسید » .

وهمین ابیات را خوشگو در سفینه یا تذکره خود (ص۳۳۱ نه) با اندك تغییری آورده و در دانشمندان آذربایجان ص۲۱٦-۲۱۵ با اضافه چند بیت ترکی و فارسی که درآن دو کتاب نیست (بنقل از جنگ خطی) آورده‌شده و بیت نخستین فارسی درص۹ نه و دوبیت ترکی درص٦۸نه موجود وبرخی از ابیات نقل شده در کتابهای نامبرده نیزدردیوان وی(ص۲۸و۲۹و٤۱ نه)موجوداست و برخی هم در این نسخه نیست و نگارنده تاکنون به نسخهٔ دیگری از دیوان این شاعر دست نیافته‌بنا برنوشته نصر آبادی‌تصورمیرود که دیوانی‌بزرگ داشته و این نسخه منتخبی از آن باشد .

**صالح** ازدانشمندان امامی مذهب بوده و بتشیّع خود مکررتصریح نموده و از آنها این چند بیت را می آوریم :

ص ۳۲ نه : صالح شدیم خاك ره مصطفی و آل

در هردو کون دولت ما کم نمیشود

ص ٦٠ نه : قربان علی شوم سرو سرور اوست
هان شیعه بنوش ساقی کوثر اوست
حق میداند واسطه باطل باشد
بیواسطه جانشین پیغمبر اوست

## ۱۰۱۲

**دیوان صبا** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲٤٦ نوشته شده و شامل قصائد مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی (ص ۱ ـ ٤۳۰)، ترکیب بندها (ص ٤۳۳ ـ ٤٩٦)، غزلیات مرتب بترتیب حروف تهجی (ص ٤٩٧ ـ ٥١٨)، رباعیات (ص ٥١٩ـ٥٢٨) **خلاصة الاحکام** (ص ٥٢٩ـ٥٤٣) عبرت نامه (ص ٥٤٤ـ٥٨٧) و مقطعات (ص ٥٨٨ ـ ٦٣٨) میباشد، در آغاز بخش ۱ و ۲ و ۳ هریك سرلوحی زیباست، میان سطرهای صفحه اول ودوم طلا اندازی شده وهمه صفحات با اکلیل وشنجرف جدول کشی گردیده، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بسال ۱۲٤۷ ودیگری بی تاریخ نگاشته شده واین دیوان یاکلیات درحدود ١٤٠٠٠ بیت را شامل وبدین بیت آغاز گردیده است:

تعالی الله خداوند جهاندار جهان دارا
کزوشد آشکارا گل زخارو گوهر ازخارا

جلد میشن ضربی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۳۲۰. صفحه‌ای ۳۱ ½ بیت. طول ۳۱ سانتیمتر. عرض ۲۰ سانتیمتر. شماره دفتر **۱۳۳۱۱**.

## ۱۰۱۳و۱۰۱۴

**دیوان صبا** این نسخه فقط قصائدی ازصبا را دربر دارد و کتاب **مشرق‌الانوار** که درفصل عرفان از آن معرفی خواهیم نمود، پیوستهٔ آن میباشد و این کتاب بسال ۱۲۲٤ نوشته شده بنابراین قصائد هم یا دراین سال و یا کمی پیش ازآن نوشته شده ودر حدود ۲۵۰۰بیت میباشد و اهمیت این نسخه از این راه است که شامل مدائح زندیه ولطفعلی‌خان میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

بچاه باختر چون یوسف خورشید شد پنهان
زلیخای فلك را اشك انجم ریخت بر دامان

و بدین بیت خاتمه یافته :

تن مؤالفشان را امل پرند آرای سر مخالفشان را اجل پرند آور.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ کلیه برگها ۲۰۰ . این نسخه ۹۱ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۰۱** .

### دیوان صبا ( فتحعلیخان ملك الشعرا )

**صبا** تخلص فتحعلیخان کاشانی ملك‌الشعرا میباشد که ازمشاهیر شعرای‌قرن سیزدهم هجری بوده و گذشته از مقام ملك‌الشعرائی چندی بحکومت کاشان و هنگامی حاکم قم و کلید داری آن آستانه مقدسه را دارا بوده و در شعر و شاعری توانائی بسزائی داشته ، راوی گروس در **خن** بستایش بی نهایت وی پرداخته و نعم وی را دربارهٔخود متذکر شده ، هدایت درمجا( ج۲ص۲٦۷ - ۲۹۷ ) در بارهٔ وی گوید : « کلامش فصیح و مطبوع و زیبا و متین است اشعارش بلیغ وجزیل‌ومصنوع ورنگین ، کمال‌قدرت‌را داشته و ازنوتخم سخن را درین روزگار کاشته ، تجدید شیوه و قانون استادان قدیم را کرده . . . .

ده پانزده هزار بیت تخمیناًقصائدرنگین دارد . . . درسال ۱۲۳۸ وفات یافته الخ » .

وقایع سلطنت فتحعلیشاه ومختصری از تاریخ نیاکان او را در مدت سه سال درچهل هزار بیت بنظم آورده و « **شاهنشاه‌نامه** » نام‌نهاده وبسال ۱۸۶۷ م چاپ‌شده ومثنویهای دیگروی عبارت است از ۱ـ **خلاصة الاحکام** که در آن احکام سهووشك در نماز بیان شده و خود وی گوید که موافق فتوی مفتی عصر ابوالقاسم ( مراد محقق قمی است ) نگارش یافته در حدود ۳۲۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

ای نگارندهٔ سپید و سیاه — وی طرازندهٔ نگین‌و کلاه

۲ ـ **عبرت نامهٔ** میباشد که برابر تحفةالعراقین خاقانی انشا شده و در حدود ۹۵۰ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

دیباچهٔ این خجسته دیبا — پیرایهٔ این پرند زیبا

۳ ـ **خداوندنامه** که‌دربیان‌معجزات‌حضرت‌ختمی‌مرتبت‌ص‌وغزاوت‌حضرت علی علیه‌السلام موافق اخبار صحیحه میباشد ودرحدود سی هزاربیت است .

۴ ـ **گلشن صبا** که درمواعظ و نصایح میباشد وبسال ۱۳۱۳ خورشیدی با مقدمهٔ آقای ملك‌الشعرای بهار در تهران چاپ شده و در حدود ۳۰۰ بیت میباشد وآغاز آن اینست :

بنام خداوند هوش آفرین — دو گوش نصیحت نیوش‌آفرین

۵ ـ **لیلی ومجنون** راوی گوید درجوانی سروده و نسخهٔ آن‌در دست است ولی نگارنده تاکنون بدان دست نیافته .

٦ ـ **هفت پیکر** راوی‌گوید که نسخهٔ آن‌در یکی از سفرها از میان رفته است .

۷ ـ **شکارستان** صبا این داستانرا که عبارت از شیر شکار کردن‌فتحعلیشاه میباشد با مقدمه ای که ازآن استفاده میشود چندی بی‌کار و از دربار دورمانده در هنگامیکه دوباره بحضور خوانده شده بدستور پادشاه سروده و نام آن از این بیت بدست میآید :

شکارستان ونظم خسروانی — رقم کردم معانی در معانی

و تمام آن ۲٤۰ بیت بوزن مثنوی میباشد و آغاز آن اینست :

بروزی خوشتر از روز جوانی — زمین و آسمان در شادمانی

ونسخه ای ازآن درکتابخانه شخصی آقای ملك‌الشعرای بهارموجود است .

شرح حال صبا را در **خن** انجمن سیم ، **ما** ج ۲ ص ۲٦۷ ـ ۲۹۸ .

سخنرانی آقای بهار ( ملك الشعرا ) (در مجلهٔ ارمغان سال ۱۰-۱۳۱۱ چاپ شده) و مقدمهٔ ایشان بر گلشن صبا ملاحظه نمائید .

**۱۰۱۵**

**دیوان صباحی بیدگلی** این نسخه بسال ۱۲۲۴ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، شامل قصائد ( ص ۱ ــ ۷۹ ) ، مقطعات (ص ۷۹ـ۱۶۳) ، مراثی (ص۱۶۳ـ ۱۷۷) ، غزلیات (ص۱۷۷ـ۲۱۱) ، رباعیات (ص۲۱۲ـ۲۲۱) ومثنوی (ص۲۲۲ـ۲۴۶) است ، درص ۲۲۲و۲۲۳ نه دوغزل درمرثیه نوشته شده و بخشی ازمثنویهای صباحی نیز در رثاء است وهمهٔ دیوان در حدود ۳۸۰۰ بیت میباشد .

برخی از برگهای نسخه وصّالی گردیده و پارهای از اشعارهم ناقص شده و نسخه بدین بیت آغاز گردیده :

شبا هنگام چون بنهفت رخ این لالهٔ حمرا

شکفت ازچشم انجم صد هزاران نرگس شهلا .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك شمارهٔ برگها ۱۲۴ . صفحهای ۱۶ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷۵**

دیوان صباحي بيدگلي کاشاني

**صباحی** تخلص حاجی سلیمان میباشد که در قریه بیدگل که یکی از محلات کاشان میباشد بدینجهان پای گذارده، ودر کاشان نشو ونمایافته ودرعلوم ریاضی وبژه هندسه مسلم عراق بوده، ودرشاعری ازشاگردان لطفعلی خان آذراست و تخلص را ازو دارد ، مراتب شاگردی واستادی را بپایان رسانیده، واز دیوان هردو این معنی بخوبی آشکار میباشد ، بنابه گفته راوی گروسی که تقریباً معاصر وی بوده ، صباحی « درشاعری طاق ، بحسن معاشرت وآداب منادمت وتقدس

ذات و تهذیب اخلاق مشهور زمان و مذکور زبان همگنان بوده در اواسط عمر بطواف بیت الله الحرام و تقبیل عتبهٔ حضرت خیرالانام و ائمهٔ کرام مشرف شده بوطن مراجعت کرده .... در انواع شعر خاصه قصائد و مراثی دستی قوی وخاطری مستولی داشته ... در سال یکهزار ودویست وهفت (۱۲۰۷)(۱) داعی ارجعی را اجابت کرد الخ ».

دیوان صباحی تاکنون چاپ نشده وچنانکه گذشت مشتمل بر قصائد، غزلیات، مقطعات، مراثی، رباعیات و مثنویهائی است و نسخهٔ این کتابخانه در حدود ۳۸۰۰ بیت میباشد ونسخهٔ دیگری ازآن تاکنون بدست رهی نرسیده است.

شرح حال صباحی را استاد وی درخاتمهٔ آتشکده ص۳۹۸-۴۱۰ وراوی درانجمن چهارم **خن** وهدایت در **ما** ج ۲ ص ۲۶۳-۲۶۶ بامنتخبی از اشعار او نگاشته‌اند و در نگارش این شرح به آنها مراجعه گردیده است.

## ۱۰۱۶

**دیوان ضیائی خبوشانی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، درحاشیهٔ (ص۲۶۰نه) این تاریخ نگاشته شده:

اندر شب جمعه بود و نه روز صفر
بگذشتم ازین بادیهٔ خوف و خطر

(۱) در **خن** بدین تاریخ تصریح گردیده و گوید **سحاب** تاریخ وفاتش را قطعه‌ای گفته که مادهٔ آن این است:

فرض، کلك سحاب ازبهر ضبط سال تاریخش
رقم زد « آه کز ملك فصاحت شد سلیمانی »

ولی در **ما** وفات وی بسال ۱۲۰۶ ضبط شده و گذشته از اینکه معاصر وی صریحاً وفات او را بسال ۱۲۰۷ نوشته ومادهٔ تاریخ هم همین سال را میرساند در دیوان شاعر ماده تاریخ بنای مدرسه‌ای که بسال ۱۲۰۷ ساخته شده وجود دارد.

نوبت چو هزارو چل و شش بود ودویست
کش این نی خامه ام چنین داد شکر

بنا بر این درهمین سال نسخه نوشته شده و مسلماً بنظر مؤلف رسیده و در حاشیه ص ۹ یاد داشتی است که دال ّ براین معنی است، اصلاح هائی بهمین خط و جوهر در ابیات نیمه اول نسخهٔ میباشد وچند صفحهٔ آخر نسخه و اشعار حاشیهٔ ص ۱٦ نیز بهمین خط است و نسخه بدین بیت آغاز گردیده :

درروش عاشقی هست عجب خوشنما تیرخدنگش بدل دل زخدنگش رضا

سر لوح نازیبائی دراول کتابست وچند برگ آن وصالی شده است. جلد چرمی ضربی مستعمل . کاغذ آبی فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۳٤ . صفحه ای ۲٦ بیت . طول $\frac{1}{2}$۳۲ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۱۳۳۰** .

## دیوان ضیائي خبوشاني

**ضیائي خبوشاني** از شعرای قرن سیزدهم هجری ایران میباشد ، وبا جستجو در دیوان وی نامش را نیافتم وضیائی تخلص اوست وتصریح بخبوشانی بودن دارد ، در بیست و پنجسالگی ازوطن خویش خبوشان(۱) به شیرازآمده،

(۱) خبوشان چنانکه در ص ۱٤۸ ج۱ مطلع الشمس و جامع التواریخ رشیدی نگارش یافته همان قوچان است و یاقوت حموی درمعجم البلدان درص ٤۰۰ ج۲ گوید : **خبوشان** بفتح حرف اول و ضم دوم و پس از واو شین و در آخر آن نون شهر کوچکی است در اطراف نیشابور وقصبه کورهٔ **استوا** است . ودرص۲٤۳ ج۱ گوید : **استوا** بضم اول و سکون دوم وضم تاء و واو والف کوره‌ای (شهر کوچك) ازنواحی نیشابور میباشد ومعنی این لفظ درلغت اهالی آنجا محل روشنائی است ومشتمل برنودوسه قریه میباشد وقصبهٔ آن خبوشان است ونواحی زیاد ودهات بیشمار دارد و قرین به خوجان ذکر میشود باین معنی که گویند **استوا و خوجان** واین ازجاهای نامی نیشابورمیباشد وحدود آن پیوسته بحدود **نسا** است . و در ص ٤۸۸ ج۲ خوجان را نیز نام برده ولی نامی از قوچان درمعجم البلدان نیست گمان این است که همین خوجان را قوچان گفته باشند.

بیش از سی وپنجسال در آنشهر بوده (ص۱٦٦ نه)، ازمحضر مرحوم حاج محمد حسن مجتهد متوفی بسال ۱۲٤۰ پدر حسینی شاعر صاحب «خمسهٔ حسینی» متوفی بسال ۱۲٤۹ استفاده نموده و قصائدی درمدح وی وعلمای دیگر شیراز وحضرت پیغمبر ص ع وعلی بن ابی طالب ع و پادشاه عصر فتحعلیشاه قاجار وامرا وحسینعلی میرزا (فرمان فرما) وپدرش انشا کرده وزبانش بهجو بسیار آشنا بوده ولی در شاعری مقامی ندارد و دیوان وی شامل قصائد و غزلیات و مقطعات ومثنویها و رباعیات میباشد و چنانکه از ابیات مندرجهٔ در آخر دیوان (ص ۲٦۰ نه) بدست میآید بسال ۱۲٤٦ در هنگامیکه شاعر ٦٦ سال داشته این نسخهٔ از دیوان وی که شامل درحدود ۷۰۰۰ بیت میباشد انجام پذیرفته و درتذکره ها ومآخذیکه در دست نگارنده است نام و آثاری از این شاعر نیست .

## ۱۰۱۷

**دیوان طائر شیرازی**

این نسخه در زمان زندگی شاعر یاپیش از سال ۱۲٤۷ بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، دیباچه ای نیز بخط نویسنده در شرح حال شاعر بدون تذکری بنام منشی آن نگاشته شده و از طرز عبارات بدست می آید که درهنگام زندگی وی این شرح در باره او نگارش یافته ودرپایان این دیباچه بخط نویسندهٔ دیگری است که در ذیحجه سال ۱۲٤۷ درکرمانشاهان بمرض طاعون درگذشت ،

مندرجات این دیوان جزدیباچه عبارتست از ۱ ـ قصائدمرتب بحروف تهجی برحسب ردیف ها (ص ۱ ـ ۱٦٤) ، ۲ ـ غزلیات نیز مرتب (ص ۱٦٥ ـ ٤۲۷) و ۳ ـ رباعیات (ص ٤۲۷ ـ ٤۳٥)

چند سطر که درص۳٦٤ومهراسمی که پشت‌صفحهٔنخستین بوده محو گردیده ودربرخی از صفحات جای بعضی ازابیات خالی گذارده شده و درحاشیهٔ صفحه ها ابیاتی از شاعر که ظاهراً پس از نگارش اصل نسخه سروده شده نگارش یافته وتمام نسخه در حدود ۵۷۰۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

ای دلبرباخشم وکین ، ایشوخ بی‌مهروو‌فا

بگــذر زآئین ستم ، بگذار قانونـــ جفـا

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۱۹ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شماره دفتر **۱۳۳۱۹** .

## دیوان طائر شیرازی

**طائر** تخلص حسن‌خان شیرازی است ، پدرش **عبدالرحیم‌خان** برادر **حاج ابراهم خان اعتمادالدوله** شیرازی است که در اوائل سلطنت آغا محمد شاه وزیراعظم بوده و در اوائل سلطنت فتحعلیشاه نیز همین مقام‌را داشته ، پس از اینکه اختراقبالش بپستی گزید وپادشاه ازوی رنجید و دوبرادر کشته شدند بیچاره برادر زاده هم ( طائر ) در بیست و چهار سالگی از حلیهٔ بینائی عاری و درگوشهٔ عزلت متواری شد ، دراصفهان مسکن گزید و وظیفه و مدد معاش برایش برقرار گردید ، بتکمیل نفس وتحصیل کمال پرداخت ، از طب و نجوم و حکمت و علم عروض بهره ای کامل یافت محمد علی میرزای دولتشاه ( بسال ۱۲۴۷ مرده ) که فرمانفرمای کرمانشاهان بود بسال ۱۲۲۸ کس در طلب طائر باصفهان فرستاد و او را پیش خود آورد و نسبت بوی مهربانی نمود ، پس‌از اوپسران وی که جانشین پدرشدنداز طائر نگاهداری کردند ، مخصوصاً طهماسب میرزا (مؤیدالدوله) درنگاهداری‌ومحبت‌بوی چون پدر بلکه بیشتر جدیت داشت :

چنانکه در دیباچه نسخهٔ بالا نگـارش یافته طائر بسال ۱۱۹۲ بدینجهان آمده و بسال ۱۲٤۷ بمرض طاعون در کرمانشاهان درگذشته است .

دیوان طائر مشتمل بر قصائد و غزلیات و رباعیات میباشد و شماره ابیات ترا راوی گروسی درحدود پنجهزار بیت‌نوشته وهدایت پنجهزاربیت‌راشمارهٔ غزلیات طائر دانسته و هر یك از این دو از اشعار وی در کتاب خود انتخابی کرده اند و چنانکه گذشت نسخه دیوان این کتابخانه در حدود ۵۷۰۰ بیت است .

شرح حال‌طائر درانجمن سوم‌ تخن و دیباچه نسخهٔ دیوان وی متعلق‌به این کتابخانه و **ها** ج ۲ ص ۳٤۳ ـ ۳٤٤ نگارش یافته و مراجعه شده است .

## ۱۰۱۸

**دیوان طالب آملی** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰٤۲ نوشته شده ، شامل قصائد ، مقطعات ، غزلیّات ، مثنویها ورباعیات میباشد ، برگهائی از آن افتاده وبرخی جابجا شده وبااین نقص درحدود ۹۰۰۰ بیت را دربر دارد ، دوسرلوح در ص ۱ و ۲۰۱ میباشد ولی اندکی ضایع شده ، میان سطر های دو صفحهٔ اول نسخه و ص ۲۰۱ طلا اندازی شده و برگهائی از نسخه وصّالی و برخی هم نیازمند میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

چون کج نهم بفرق خرد افسر بیان

از مدح شه اثاقه زنم برسر زبان

چلد تیماجی .کاغذ کشمیری . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها۲۰۱ . صفحه‌ای ۲۰ سطر.طول ۲۲ سانتیمتر. عرض $11\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر**۱۳۷۲۹** .

**۱۰۱۹**

دیوان طالب آملی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، درحاشیهٔ بیشتر از صفحات کلمهٔ **صح** که حاکی از تصحیح نسخه میباشد دیده میشود و درابیات وسطرها هم آثار تصحیح آشکاراست وظاهراً درقرن‌دوازدهم نگارش یافته وشامل قصائد و مقطعات وغزلیات ومثنویها و رباعیات است ودرحدود ۱۷۰۰۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

بایمانکته می سنجد نمیدانم زبانش را
خدایا فیض الهامی که دریابم بیانش را

وبرگهائی از آن وصّالی‌شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۴۳۴ .صفحه‌ای ۲۳ بیت . طول ۳۲ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۱۰۷** .

## دیوان طالب آملی

**طالب آملی** ازشعرای قرن‌یازدهم‌ایران‌واصل‌وی‌ازآمل‌مازندران‌میباشد، بهندوستان رفته و بسال ۱۰۲۸ ازطرف جهانگیر پادشاه بلقب ملك‌الشعرائی مفتخر گردید ، پادشاه خواست مقام مُهرداری رابه طالب دهد قطعه‌ای در این باب انشا نمود که این دو بیت از آنجاست :

اگر دهر یکدانه یاقوت گردد — برو بینم از چشم بی اعتباری
چومهر تودارم‌چه حاجت بمُهرت — مرا مِهرداری به از مُهرداری

مدعی است که در علوم هندسه و منطق و هیئت و حکمت و عرفان و خط و شعر سرآمد اهل زمان میباشد ولی در علوم وفنون نام برده اثری نگذاشته و یا تاکنون نگارنده بدانها دست نیافته ، در شعر هم سبکی مخصوص دارد ، درهند بسیارمطلوب است ولی‌درایران چندان رغبتی بدان نیست ، نصرآبادی که معاصر یا نزدیك به عصر طالب بوده ،دیوان اورا چهارده هزار بیت نوشته ولی‌نسخهٔ شمارهٔ **۱۰۱۹** این‌فهرست‌چنانکه گفتیم‌درحدود ۱۷۰۰۰ بیت‌ازقصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی میباشد .

در پایان نخستین نسخهٔ این‌فهرست نام شاعر، محمد طالب ثبت گردیده ولی در مأخذ و خود دیوان بدین نام دست نیافتیم وتشیع و دوازده امامی بودن وی از اشعارش بخوبی آشکار است.

شرح حال وابیاتی ازطالب درنص ص۲۲۳-۲۲۵ ، آرص ۱۷۰-۱۷۱، شمص ۲۷۲-۲۷٤وقن‌ص ۱۶۹-۱۷۱ نگارش یافته ومراجعه گردیده است.

**۱۰۳۰**

**دیوان طبیب اصفهانی**

این‌نسخه بخط‌نستعلیق نوشته‌شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، با جوهر قرمز درپایان نسخه سال ۱۲۳۵ نوشته شده وظاهراً سال نگارش نسخه است و مشتمل بر قصائد ومقطعات (ص ۲-۵۷)، بخشی از مثنوی محمود و ایاز (ص ۵۷-٦٥)، غزلیات (ص٦۷-۱۷٤)ورباعیات(ص ۱۷٤-۱۸۱) است ودرحدود ۲۰۰۰ بیت میباشد و بدین بیت آغازشده :

حاشا که کشم بهر طرب ساغر جم را

از غم‌چه شکایت من‌خو کرده بغم را

جلدتیماجی. کاغذفرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۹۱ . صفحه‌ای۱۲ بیت. طول $18\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض $11\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱٦۲۳۰** .

## دیوان طبیب اصفهانی

**طبیب**، تخلص‌دونفر اصفهانی‌است، یکی‌ازآن‌دو**میرزاعبدالباقی‌موسوی** پسر **میرزا محمدرحیم** حکیمباشی‌شاه‌سلطان‌حسین (۱)است که‌اجداد وی

(۱) در **آر** که مؤلف آن معاصر شاعر بوده چنین است ولی در**خن** و**ما** شاه سلیمان صفوی نوشته شده است.

در زمان شاه عباس ماضی از فارس باصفهان آمده ودراین شهر مسکن گزیده و خود وی بانواع فضائل آراسته وازاقسام رذائل پیراسته و در زمان نادرشاه حکیمباشی و ندیم با اقتداری بوده و پس از سپری شدن دورهٔ این پادشاه کلانتری اصفهان را نموده و پس از چندی این کار را به برادر کهتر خود **میرزا عبدالوهاب** برگذار و خود برکنار و با شعرا و ادباء اصفهان بسر میبرد، تاسال ۱۱٦۸(۱) که بدرود زندگانی گفت ، ودیوانش که شامل قصائد در مدح پیغمبر اکرم صم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و غزلیات و قطعات ورباعیات ومثنوی **محمود وایاز** میباشد، بگفته راوی گروسی وهدایت درحدود سه هزار بیت میباشد و صاحب دیوان نام برده بالا همین شاعر است و در **خن** و **آر** و **ما** ابیاتی از آن انتخاب گردیده که بیشتر آنها در نسخه بالا در ص ٤ و٦۷و۸٦ و۹۲و ۱۱۵و۱۵۲موجود است .

و دیگری **میرزازین العابدین** است که نیز ازسادات محترم اصفهان بوده ونیز **طبیب** تخلص داشته و هردودر **خن**و**ما** معرفی گردیده‌اند وجزاین‌دونفر شاعر **طبیب** تخلص، آقا عبدالله پسر حاج‌علی‌اصغر جراح شیرازی که معاصر هدایت بوده وچندسال پیش از تألیف مجمع الفصحازندگانیرابدرود گفته طبیب تخلص است .

شرح حال طبیب صاحب این دیوان در **آر** ص۴۱۲-۴۱۳ ، **خن** انجمن چهارم و **ما** ج ۲ ص۳٤۰ نگارش یافته ومراجعه شده است .

## ۱۰۲۱

**دیوان طراز یزدی**

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی‌خوب محمد بن عبدالرحیم **وفائی** تخلّص بسال ۱۲۵۸ نوشته و مشتمل برقصائد (ص ۱ ــ ۱۲۸)، غزلیات (ص ۱۲۹ــ۱۷۰)، مقطعات (ص ۱۷۱ ــ۲۱۳) و رباعیات

---

(۱) این‌تاریخ در **ما**ضبط گردیده‌ومؤلف‌**خن**سال۱۲۰۸ رامعین نموده، بقرینه طرز معرفی آذر معاصر وی بایستی تاریخ نامبردهٔ در**ما** درست باشد .

(ص ۲۱۳ـ۲۱۷) میباشد و در حدود ۲۳۰۰ بیت است و بدین بیت آغاز گردیده :

ای آفتاب انجم و وی ماه انجمن

دامن چو برفشاندی زین ربع و زین دمن .

دارای سه سرلوح ظریف میباشد ، میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین طلااندازی شده وحواشی آنها تذهیب برگ موی گردیده وتمام برگها با طلا و لاجورد جدول کشی شده وچند برگ ننوشته و جدول کشیده در آخر نسخه است .

جلد روغنی یکرو وزیبا . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۰۹ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱۲$\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱٦۵۵٦ .

## دیوان طراز یزدی

**طراز** تخلص میرزا عبدالوهاب یزدی است که پدرش حاج عبدالکریم و از بازرگانان آنشهر بوده ، بگفته آیتی (درتاریخ یزد) ، بسال ۱۲۲۱ درسنی کمتر از سی سال ازاین جهان درگذشته وگذشته از مهارت در شاعری در خوشنویسی بچندین قلم استاد بوده و نمونه ای از خط شکسته او درص ۳۰٦ تاریخ نام برده گراوور گردیده است ،

دیوان وی شامل قصائد ومقطعات وغزلیات ومثنوی ورباعیات میباشد ودرآن مدائح شاهزادگان **قهرمان میرزا** وخانلرمیرزادوپسر **عباس میرزا** نائب السلطنه وهلاکو میرزاومیرزا **اسلیمان** عالم وتقیه آنعصر زیادديده میشود ، مدائح حضرت امام غائب صاحب الزمان وحضرت مولی علی بن ابی طالب علیهما السلام نیز در آن بسیار است ، بدبختانه با اینکه طراز از شعرای طراز اول متاخرین است زبانش بهجو باز بوده و در اثر اینکار بچوب بسته شده و خود در دیوان (ص ۱۷۷ ـ ۱۷۸ نه) بدین مطلب تصریح نموده وازمیرزا حبیب‌الله شیرازی (قاآنی) شکایتی کرده (ص ۱۸۹ نه) وهدایت درمجمع ج ۲ ص ۳۳۹ـ۳٤۰

وآیتی در تاریخ یزد ص ۳۰۵ - ۳۰۷ بمعرفی این شاعر و نقل ابیاتی از او پرداخته اند واین قطعه وی درمدح حضرت مولی علیع بسیار مشهور است :

ای امیر عرب ای کاینه غیب نمائی
بر سر افسر سلطان ازل ظل همائی
این نه مدح تو بود پیش خردمند سخندان
که عدوبندی و لشکر کشی و قلعه کشائی
در پس پرده نهان بودی و قومی بضلالت
حرمت ذات تـو نشناخته گفتند خدائی
خود چه گویند ندانم گر ازآن طلعت زیبا
پرده برداری و آنگونه که هستی بنمائی
چه مدیح آرمت ای آنکه توخود عین مدیحی
چه ثنا گویمت ای آنکه توخودمحض ثنائی
سوخت اندر طلبت جان طراز و نزند دم
من نگویم که تومطلوب چومن بی سروپائی

**۱۰۲۲**

## دیوان عاشق اصفهانی

این نسخه را بسال ۱۲۳۹ علی‌محمد شیرازی بخواست آقا محمد رضی صبّاغ شیرازی بخط نستعلیق خوب نوشته و مشتمل برقصائد و مقطعات وترکیب بند (ص ۱ ـ ۵۷) ، غزلیات (ص ۵۹ ـ ۵۸۳) و رباعیات (ص٥٨٤ـ٦٠٢) میباشد ودرحدود ۷۸۰۰ بیت است ، دارای دوسرلوح زیبا درآغاز نسخه و اول غزلیات میباشدو میان سطر های دوصفحهٔ نخستین نسخه و بخش غزلیات طلا اندازی‌شدموحواشی این چهار صفحه تذهیب گردیده و تمام برگها با طلا و لاجورد

جدول کشی شده و پشت صفحهٔ نخستین بخط سردار معظم خراسانی یاد داشت شده که داخل کتابخانه وی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۳۰٤ . صفحهای ۱۵ بیت . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۸** .

## دیوان عاشق اصفهانی

**عاشق** بنا بر ضبط در تذکرهها نامش **آقا محمد** و از اهالی اصفهان وپیشه اش خیاطی بوده وبیش ازهفتاد سال زندگانی نموده وبسال ۱۱۸۱(۱) جهانرا بدرود گفته ، دارای قصائد غراست ، و در غزل سرائی طریقهای شبیه بقدما پیش گرفته و درآن روش مسلم گردیده وازآنها بوی عشق آشکار و عاشق بودن شاعر هویداست و دوازده بند در مرثیه حضرت سید الشهداء علیه السلام انشا ، قطعات در تاریخ گذشتگان و رباعی های لطیف دارد ، در دوستی پا برجا بوده و چون همهٔ نازك طبعان زود رنج ، راوی گروسی دیوانش را دوازده هزار بیت دانسته ومعاصر آذر وهاتف وصباحی بوده ودیوانی عاشق که شامل درحدود ۹۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۳۱۸ خورشیدی در تهران چاپ گردیده است .

شرح حال عاشق و منتخبی از اشعاراو ، در **آر** ص ٤١٤ - ٤٢١ ، **خن** در انجمن چهارم و**ما** ج ۲ ص۳٤٦ - ۳٤٩ نگارش یافته ومراجعه شدهاست .

---

(۱) ناشر دیوان عاشق آقای حسین مکی درمقدمه ، تاریخ وفات عاشق را بسال ۱۱۷۷ ضبط نموده و اشاره بسال ۱۱۸۱ که صاحب مجمع الفصحا نوشته نیز کرده و آنسال را ترجیح داده و مأخذ خود را رباعی صباحی که در انجمن خاقان ضبط گردیده نشان داده اند و آن اینست :

چون شد بجنان روان ، روان عاشق آسود ز رنج جسم و جان عاشق
زد کلك صباحیش بتاریخ رقم «پیوسته بود جنان ، مکان عاشق»

وگذشته ازاینکه این مادهتاریخ سال ۱۱۸۱ را میرساند درهمان نسخه دیوان چاپی درضمن مادهتاریخ ها چندین مصراع تاریخ که راجع بسال ۱۱۷۹ میباشد وجود دارد وگذشته ازتصریح در آتشکده ومجمع الفصحا نسخهٔ انجمن خاقان این کتابخانه گذشته ازدوبیت نامبرده مرگ عاشق را صریحاً بسال ۱۱۸۱ ضبط کرده است .

## ۱۰۲۳

**دیوان عبدالواسع جبلی**

اصل این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته وظاهراً ازخطوط نیمهٔ اوّل قرن هشتم میباشد، برگهائی ازآن نابود شده و آنهائی هم که بجا مانده اطراف وبخشی ازبالا وپائین آن ازمیان رفته ، بسال ۱۳۳۵ بدست سردار معظم خراسانی افتاده ، بدستوروی بابهترین طرزی صحافی و وصّالی گردیده و صاحب نسخه بخط خود نواقص آنرا تکمیل وفهرست جامعی ازمندرجات آن (قصائد ، مقطعات ، غزلیات و رباعیات) بترتیب حروف تهجی ترتیب داده ودر آغازنسخه گذارده ودرحدود ۷۵۰۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده است .

خداوندی که روز بار خورشیدش سزد افسر
جهانداری که گاه ملك جمشیدش سزد چاکر .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی و فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۲۲۸ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول ۲۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۲٦۲ .

## ۱۰۲٤

**دیوان عبدالواسع جبلی**

این نسخه چنانکه پشت صفحهٔ نخستین یادداشت شده در دارالخلافه آگره هندوستان بنابخواست **محمد سعید** نام که ظاهراً از

ارکان دولت بوده **جوادبن یحیی** کاتب بخط نستعلیق بسال ۱۰۰۱ نوشته و درحدود ۶۰۰۰ بیت میباشد، برگها با جوهر قرمز وآبی جدول کشی شده وبدین بیت آغاز گردیده است :

بطبع خوش بصدق دل بطوع تن بمهرجان
بزرگ وخرد وخاص وعام و وحش وطیر وانس وجان .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۷۲ . صفحه‌ای ۱۹ بیت . طول ۲۶ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۶** .

## ۱۰۳۵

### دیوان عبدالواسع جبلی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگهائی از آغاز وانجام آن افتاده ، ظاهراً در قرن یازدهم نگارش یافته، سرلوحی بسیار نازیبا (ظاهراً از کارهای هندباشد) که روی برگی نوشته‌میباشد در آغاز نسخه گذارده شده مسلماً از آن این نسخه نبوده ، برگها باطلا وزنگار جدول کشی شده ومندرجات نسخه قصائد ، مقطعات غزلیات ورباعیات است ودرحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد وبرخی ازبرگها وصّالی شده ونخستین بیت نسخه این است:

که از مدحت دهان او شود پرحقهٔ لؤلؤ
که ازشکرت دهان من شود چون بیضهٔ عنبر

وآخرین بیت نسخه این :

ناجنسان را زوصل آزادیهاست برمن چه زمانه ازتو بیدادیهاست

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۳۲ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول ۲۳½ سانتیمتر . عرض ۱۲½ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۴۸ .

## دیوان عبدالواسع جبلی

**عبدالواسع، جبلی** تخلص از شعرای قرن ششم هجری است و بنابرضبط **درما** بسال ۵۵۵ وفات یافته ، پدرش عبدالجامع بن عمران بن ربیع است ، در **غرجستان** که از طرف شمال به **مرو رود** و از طرف جنوب به **غزنه** و ازطرف مشرق ومغرب به **غور** و **هرات** محدود است متولد شده و بمناسبت نام وطن وی که بمعنی کوهستان میباشد **جبلی** تخلص کرده ودراوائل جوانی در هرات بکسب کمال کوشیده وطرف توجه بهرامشاه بن مسعودغزنوی (۵۱۲ - ۵۴۴ ) وسلطان سنجر سلجوقی (۵۱۱ - ۵۵۲) وارسلان شاه بن کرمانشاهان بن قاورد ازسلاجقهٔ کرمان (۴۹۴-۵۳۶) بوده وقصائد درمدح این پادشاهان دارد ودردیوان وی مدائح پادشاهان معاصروی که درمازندران و دیگر جاهای اطراف بوده اند دیده میشود وامراء ووزراء معاصر را هم بسیار ستوده و تحقیق در حال فردفرد ممدوحین وی نیازمند رساله‌ای جداگانه است .

دیوان جبلی دربردارندهٔ قصائد وغزلیات ورباعیات میباشد ودرابیات وی عموماً صنایع لفظی و معنوی بکار برده شده و این قید را جبلی بمنتها درجه داشته و بااینکه التزام بدین موضوع شعر را اززیبائی ومطلوبی میاندازد قریحه توانای جبلی از این نقص جلو گیری کرده ولطافت و نازکی را که لازمه هرشعر خوب میباشد از دست نداده است .

عبدالواسع جبلی در سرودن اشعار عربی نیز دست داشته وخود وی بدین تصریح کرده (ص۲۷۳ نه ۱) :

اگرچه درعرب و درعجم سمر گشتست بشعر گفتن تازی و پارسی جبلی

ولی جز دو ملمع وی که در **لب** نقل گردیده ، ودوبیت کەدرضمن قصیده‌ای است که بدین بیت (ص۲۷۲ نه ۱ ) آغاز گردیده :

ایا بتی که چویوسف بنیکوئی مثلی بچهره ماه وبعارض گل و بلب عسلی

باشعار عربی وی دست نیافته ام و بزرگترین نسخه ای که از دیوان جبلی در دست است نخستین نسخهٔ این کتابخانه میباشد که درحدود ۷۰۰۰ بیت است .

جبلی ادیب صابر را (ص۲۸۷ - ۲۸۸ نه ۱) بخوبی ستوده واز آنجاست:

هست او پیمبر شعرا وز بنان خویش     هر دم هزار معجزه ظاهر کند همی

شرح حال جبلی درلب ج۲ص۱۰۸ - ۱۰۹ ،گز۸۲۳ ، تذص۷۳-۷۶، هم ۵۲۰ - ۵۲۳ م.س، آر ص۱۰۱ - ۱۰۶. ما ج ۱ ص۱۸۵-۱۹۲ و سخ ج ۱ ص ۳۲۷ - ۳۳٤ نگارش یافته و مراجعه شده است .

## ۱۰۳۶

**دیوان عرفی شیرازی**

این نسخه از نسخ کاملهٔ دیوان این شاعر بوده، برگهائی از آن افتاده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً در نیمهٔ اول قرن یازدهم نوشته شده و نستعلیق خوش خطی است ، دارای شش سر لوح زیبا بوده یکی از آنها را که بر ورق ۱۰۵ بوده بریده‌اند و جای آن وصّالی گردیده و میان سطر های ص ۱و۲ و۱۵و۱٦و ۲۰۹و۲۱۰ طلا اندازی شده و برگها شنجرف واکلیل و زنگار جدول کشی گردیده وبرخي از برگهای وصّالی، وپاره ای از ابیات بعضی از آنها آثار آبدیدگی دارد و محو هم شده است .

مندرجات این نسخه عبارتست از : ۱ ـ دیباچه عبدالباقی نهاوندی (ص ۱-۱٤ در ۳۰۰ بیت )، ۲ ـ قصائد (ص ۱۵-۲۰۸ و در حدود ۳۳۰۰ بیت )، ۳ ـ غزلیات مرتبه بحروف تهجی (ص ۲۰۹-۵۷۵ در حدود ۵۵۰۰ بیت و از آخر آن افتاده دارد ). ۴ ـ مقطعات (ص ۵۷٦-۵۷۷ فقط یك برگ که ۳۲ بیت است از این بخش در نسخه میباشد وپیش وپس آن افتاده است )، ۵ ـ لغز (ص۵۷۸-۵۷۹ برگهای پیش از این برگ از این بخش نیز افتاده و ۲۲ بیت آن

بجاست )، **٦** ـ ترکیب بند (ص ٥٨٠ـ٥٩٦ در حدود ٢٤٠ بیت)، **٧** ـ ابیات متفرقه ( ص ٥٩٧ـ٦٥٧ در حدود ٦١٠ بیت )، **٨** ـ مثنوی(ص٦٥٧ـ٦٦٤در ١١٢بیت)، **٩** ـ ساقی نامه(ص٦٦٥ـ٦٧٦ در١٩٠ بیت)، **١٠ـ مجمع الابکار** که برابر مخزن الاسرار نظامی ساخته (ص ٦٧٦ـ٧٦٠ در١٤٠٠ بیت)، **١١ـ خسروشیرین**(ص٧٦٠ـ٧٨٦ در حدود٤٤٠ بیت )، **١٢** ـ رباعیات(ص ٧٨٧ـ٨١٨ که شامل١٩٠ رباعی یا ٣٨٠ بیت میباشد ) و تمام ابیات نسخه موافق شمارۂ بالا ١٢٢٥٤بیت میگردد وبنابرتصریح عبدالباقی دیباچه نویس که ابیات این نسخه را ١٤٠٠٠ نوشته ١٧٤٦ بیت ازآن افتاده وآغاز دیباچه اینست :

حمدی که نخستین پایه‌اش معراج دانشمندان سزد و توحیدی که اولین حرفش الخ ودیوان بدین بیت آغاز گردید :

اقبال کرم میگزد ارباب همم را — همت نخورد نیشتر لاو نعم را

جلد تیماجی .کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارۂ برگها ٤١٠ صفحه‌ای ١٧ بیت . طول $24\frac{1}{2}$ سانتیمتر .عرض ١٤ سانتیمتر . شمارۂ دفتر **١٢٢٥٦** .

**١٠٢٧**

**دیوان عرفی شیرازی**

این نسخه نیز بخط نستعلیق خوب نگارش یافته و نخستین دیوان عرفی است ، ظاهراً در اواخر قرن دهم نوشته شده و برگها با طلا

و لاجورد جدول کشی شده ، برگهائی از آخر و میان نسخه (میان ص ۵۷_۵۶ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۲۵۳_۲۵۴ و ۲۶۱_۲۶۲) افتاده ، چند بیت از ص ۲۱۹ محو گردیده ، بقصیده‌ای که مطلع آن درذیل نسخه بالا نقل گردید آغاز گردیده و در حدود ۳۷۰۰ بیت میباشد و آخرین بیت کنونی اینست :

گفتی انگار کاندرین دوره نهٔ پس دورهٔ من کی رسد وشادی کی

درحاشیهٔ ص ۲۷_۶۰ غزلیاتی ازسعدی نویسندهٔ دیگری (ظاهراً در قرن سیزدهم) نوشته ودرحاشیه ص ۴۱ غزلی از حافظ نیز نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۳٤ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲٤ سانتیمتر . عرض ۱/۲-۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۷۱**.

## دیوان عرفی شیرازی

**عرفی** تخلص سید محمدابن خواجه زین‌الدین **علی بن جمال‌الدین** شیرازی است که ازمشاهیر شعرای متأخرمیباشد ، بسال ۹۶۳ در شیرازبجهان آمده و بسال ۹۹۹ در هندوستان وفات یافته و چنانکه آرزو داشته ودریکی از ابیات خویش پیش‌بینی کرده بود :

«بکاوش مژه از گورتانجف بروم اگر بهند بخاکم کنند یابتتار»

سی سال پس از وفات (بسال ۱۰۲۸) جنازه‌اورا بنجف برده‌اند، **رونقی همدانی** قطعه‌ای در تاریخ دفن او در نجف سروده و ازحسن اتفاق مصرع بیت زیرین سال دفن را میرساند .

رقم زد از پی تاریخ رونقی کلکم «بکاوش مژه ازهند تا نجف آمد»

و اینکه در تذکره خوشگو و آخر دیوان چاپی عرفی بجای **ازهند** در این بیت **ازگور** نوشته‌شده ،مسلماً غلط است.

عرفی ازشیراز رخت بربست وبهندوستان رفت ،درآنجابوسیله **حکیم ابوالفتح گیلانی** خودرا به عبدالرحیم **خان‌خانان** متوفی بسال ۱۰۳۷ رسانیدومورد نظر

این بزرگ گردید و بدینوسیله بپادشاه معرفی شد ، تا در جهان بود در کمال عزت و جلال زندگانی کرد و با فیضی شاعر ( متوفی بسال ۱۰۰٤ ) که ملك الشعرا بوده چندان خصوصیتی نداشته و باوی تعریض های حضوری مینمود .

دیوان این شاعر شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و مثنوی و رباعی ولغز و ساقی‌نامه میباشد ونخستین بار بسال ۹۹٦ خود وی بجمع و ترتیب دیوانش پرداخته و در تاریخ این کار این رباعی را سروده :

این طرفه نکات سحری و اعجازی چون گشت مکمل برقم پردازی
مجموعه طراز قدس تاریخش یافت « اول دیوان عرفی شیرازی »

و برحسب دقت دانشمندان بشمارهٔ آحاد این مصراع اخیر که ماده تاریخ میباشد ( ۲۷ ) قصیده وعشرات آن ( ۲۷۰ ) غزل ومآت آن ( ۷۰۰ ) رباعی ومقطعات این دیوان است .

خود شاعر متذکر شده ومعاصرین وی نقل کرده‌اند که ششهزار بیت از اشعار عرفی از میان رفته ( برخی نوشته‌اند در آب افتاده ) واین بیت یکی از اشعاریست که در آن اظهار تأسف نموده :

« رصد شرع هنر چون نشود محو که من
شش هزار آیت احکام هنر باخته‌ام »

چنانکه درمقدمه نخستین نسخهٔ دیوان عرفی این کتابخانه نگارش یافته شاعر در هنگام مرگ وصیت نمود که همه پیش‌نویس‌های اشعار او را به کتابخانه **خان‌خانان** فرستند که در آنجا ضبط گردد این خان بزرگوار هم بسال ۱۰۲٤ محمد قاسم اصفهانی **سراجا** تخلص را که از شایستگان معاصر و دانشمندان و شعرا بوده بجمع و ترتیب اشعار عرفی مأمور نمود

وی در یکسال و نیم این کار را بانجام رسانید و دیوانی کامل مشتمل بر چهارده هزار بیت از اشعار عرفی ترتیب داد (۱) وخود وی قطعه ای درتاریخ این جمع و ترتیب ساخته و در آخر آن این بیت تاریخ میباشد :

از خرد خواستم چو تاریخش گفت « ترتیب‌داده » تا دانی=۱۰۲٦

واین دیوان گذشته از مندرجات اول دیوان عرفی ، مثنوی «**مجمع الابکار**» او را که برابر مخزن الاسرار ساخته و در حدود ۱٤۰۰ بیت میباشد و بدین

---

۱ ـ مؤلف میخانه که بسال ۱۰۲۸ تألیف شده در ص ۱۷۵ شماره ابیات دیوان عرفی را ۱۲۰۰۰ دانسته و بنا برآنچه گفته میشود دومثنوی ویرا جزء دیوان نشمرده است .

بیت آغاز گردیده :

بسم الله الرحمن الرحیم موج نخست است ز بحر قدیم

و مثنوی نا تمام او را که در داستان «**خسرو شیرین**» انشاء نمود ، و پس از مقدمات ، در اول مطالب مانده ودر حدود ٤٤٠ بیت میباشد ، بدین بیت آغاز گردیده :

خداوندا دلم بی‌نور تنگست دل‌من سنگ و کوه طور سنگست

را نیز ضمیمهٔ دیوان‌قرار داده واشعار دیگرعرفی را هریك بجای خود گذارده **وعبدالباقی نهاوندی** مؤلف **ماثر رحیمی** ( در ص ۹ دیباچه دیوان عرفی به این مؤلفهٔ خود تصریح کرده و از قرینه معلوم میشود که تذکره شعرا ست) پس‌ازسال ١٠٢٨ دیباچه‌ای مبنی بر معرفی شاعر وتاریخچه جمع و ترتیب دیوان وی نگاشته و در آغاز این دیوان کامل قراز داده است .

عرفی را **رساله نفسیه** ایست بفارسی در عرفان در ٢٥٠ بیت و دونسخه ازآن در کتابخانه مدرسه عالی‌سپهسالار موجود وبر کمال قدرت در نثرنویسی شاعر گواهی است کامل .

دیوان عرفی ( اول دیوان ) بسال ١٣٠٨ در هند، چاپ بسیار زیبائی شده ( درآن‌تذکر داده شده که چهارده سال پیش (١٢٩٤ ) قصائد وی در کانپور چاپ شده ) و غزلیات و رباعیات و مقطعات و مجمع‌الابکار عرفی بسال ١٣٣٣ نیز در کانپور هند چاپ شده است .

شرح‌حال‌عرفی دردیباچه نخستین‌نسخه دیوان‌این کتابخانه ودر**می** ص١٧٥ - ١٨٥ ، **هم** ص ٢٠٠ - ٢٠٥ م . س ، **خو** در حرف عین و **ما** ج ٢ ص ٢٤ - ٢٥ نگارش یافته ومراجعه شده است .

**١٠٢٨**

**دیوان عصمت بخارائی**

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب جلال غیاث فرج‌الله نوشته، و سال نگارش ندارد، ظاهراً در اواسط قرن نهم هجری نگاشته شده، اطراف دوصفحهٔ نخستین نسخه بابهترین طرزی تذهیب ونقاشی

گردیده، بدبختانه دست حوادث آنرا بی بهره نگذارده و در آغاز غزلیات (ص ۲۵۸ نه) نیز سر لوحی بسیار ظریف دارد، عناوین قصائد و غزلیات وغیره باطلا نوشته شده و همهٔ برگها باطلا و لاجورد جدول کشی گردیده، پشت برگ نخستین کاغذ چسبانیده شده و بر آن بسال ۱۳۰۱ یاد داشتی نگارش یافته و بخشی از آن را محو کرده اند مندرجات دیوان عبارتست از قصائد، غزلیات، مقطعات و رباعیات و بذین بیت آغاز گردیده:

تعالی الله زهی قیوم دانا تعالی الله زهی حی توانا.

جلد میشن ضربی . کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲٦٤ . صفحه ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۳۴** .

## دیوان عصمت بخارائی

**عصمت** تخلص خواجه عصمت الله بخاری پسر خواجه مسعود میباشد که بنابر تصریح در **قد وآر وقهم** بسال ۸۲۹ وبنابر نقل مؤلف **حر** ازیکی از شعرا ( تاریخ وفات خواجه عصمت هر کس که شنید گفت **تمت** ) بسال ۸٤۰ وفات نموده و معاصر شاهرخ (۸۵۰ مرده) و بایسنقر (بسال ۸۳۷ مرده) و الغ بیگ ( ۷۹٦-۸۵۳ ) و نظام الملك امیریحی و محمد جوکی ( بسال ۸٤۸ مرده ) و ابراهیم سلطان ( بسال ۸۳۸ مرده ) و شاد ملك آغا زن سلطان خلیل بوده (درهنگام زندانی شدن شوهر گوش وبینی اورا هم بریده اند) و مداح آنها میباشد .

پیش از آنکه عصمت تخلص گیرد نصیری متخلص بوده و در بسیاری از قصائد(۱) این تخلص دیده میشود و در پاره ای از آنها هم تخلص **عصمت و نصیری**

(۱) ص ۱۱۱، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱٤٦، ۱۵٦، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲٤۵، ۲۵۸، ۲۰۸، و غیر از اینها از نسخهٔ دیوان عصمت متعلق به این کتابخانه شامل تخلص نصیری میباشد .

هر دو دیده میشود ، نگارنده چنین دریافته که تخلص **نصیری** بمناسبت لقب سلطان خلیل (در بیست وهشت سالگی بسال ۸۱۴ وفات نموده) میباشد که بنابر استفادهٔ از اشارات در قصائد **نصیرالدین** (۱) بوده است و پس از اینکه سلطان خلیل بسال ۸۱۱ زندانی شده این تخلص را واگذاشته وجزء اول نام خود را برای این کار برگزیده است .

بعضی از تذکره نویسان نوشته‌اند که حسودان تقرب عصمت را به سلطان خلیل نتوانستند دید و میانه این دو دوست را جدائی انداختند ولی از دیوان عصمت این معنی استفاده نشد وظاهر آشکایات عصمت از جدائی قهری است که دراثر زندانی شدن ممدوح وی پیش آمد کرده است .

در تمام غزلیات یك بارهم تخلص **نصیری** نیست و درهمه آنها تخلص عصمت موجود است

عصمت در غزلیات پیرو امیر خسرو بوده و بیشتر ازمضامین را ازاو گرفته ، در **حر** نوشته شده که یکی از فضلا در این باب گفته :

میرخسرو را علیه‌الرحمه شب دیدم بخواب
گفتمش عصمت ترا یك خوشه چین خرمنست
شعراو چون بیشتر ازشعر توشهرت گرفت
گفت باکی نیست شعراوهمان شعر منست

چنانکه از مندرجات دیوان عصمت برمی آید ، شاعر چندی در تقیه بوده و در آخر شیعه دوازده امامی بودن خود را علناً اظهار نموده و بمدح ائمه دوازده گانه علیهم‌السلام با اسم و رسم (ص ۳۲-۳۳ نه) و حضرت علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام خصوصاً (ص ۳۹-۴۴ نه) پرداخته و در این معنی (ص ۳۷-۳۹ نه) گوید :

دست در فتراك آل مصطفا باید زدن هردو عالم را بهمت پشت‌پا باید زدن
این‌سرا وآن سراجای فریبست وهوس کوس مهرخواجه هردوسرا بایدزدن

---

(۱) از آنجمله (در ص ۱۷۰) است :

سپهر کوکبه سلطان‌خلیل آنکه‌قضا بداد شیر ز پستان ردایه ظفرش
نصیر ملت ودین آنك جوهر بهرام سزد نگینهٔ یاقوت گوشهٔ کمرش

و در بیشتر ازقصائدی که درحاشیه پیش دارای تخلص نصیری میباشد سلطان خلیل بعنوان نصیرالملة والدین معرفی گردیده است .

تا یکی طبل ارادت میزنی زیر گلیم　　بعدازاین کوس محبت برملا باید زدن
عصمت‌ازحب‌علی‌چون‌مست گشتی‌دم‌بدم　　تا قیامت گرد این گلشن نوا باید زدن

ونیز ازقصیده ای که درمدح **خواجه‌محمد‌پارسا** (شمس‌الدین‌محمد) متوفی بسال ۸۲۲ و پسر وی حافظ الدین ابو نصر پارسا متوفی بسال ۸۶۵ که از مشاهیر صوفیه نقشبندیه اند انشا نموده ( ص - ۲۴۷-۲۵۴ نه ) معلوم میشود که در طریقت از این سلسله بوده و در این جاست :

من ز مخموری خراب و دل می تحقیق را
ریخته بر خاك ادبار از شکسته ساغری
ای طبیب عاشقان کارم بگمراهی کشید
زین‌مرض‌جزتو که‌داند سوی صحت رهبری
شربتی فرمایم از دار الشفای معرفت
زین صفت باشد که بازم برسر کار آوری

ونیز ازاینکه خواجه محمدپارسارا ازاولاد **جعفربن ابیطالب** علیه السلام و انصار معرفی کرده :

خالص و پاك از بی آنی که دراصل‌سرشت
گوهر سیراب انصاریُ و زرّ جعفری
یك نسب تنها نه ازتوفخردارد کزشرف
رونق هر خاندانی زینت هر کشوری

و خود را نیز در قصیده ای که در مدح حضرت امیر امؤمنین علیه السلام سروده ( در ص۳۳-۳۷ نه ) بدین نسبت معرفی نموده :

گرچه گمنامست عصمت لیکن ازروی نسب
هم ز آل جعفرست و هم ز نسل مرتضا
زینب زهرا چو شد با نور جعفر هم فراش
زان علی‌را زینتی شد کوست اصل نسل ما
زان نصیری نصرت‌دین میکند کز یکطرف
نسبتش بازمرهٔ انصار دارد انتها
نیست حدّ صد چومن کاندر صف آزادگان
لاف فرزندی زنم با دودمان مصطفا

ظل‌رحمت وامگیراز مخلصان اهل بیت　　جمله‌را رحمت فرست و ازپی ایشان مرا

بدست می آید که‌عصمت با خواجه‌محمد پارساخویشاوندی‌داشته‌ولی تاکنون‌دردیوان

وی ومآخذ نگارش اشاره یا تصریحی براین مطلب نیافته ام

بنا بر گفته عصمت در ذیل مدح شاهرخ (ص ۲۲٦ - ۲۲۹ نه) :

عصمت از ابنای دهر ، بندهٔ موروث تست
مادح تو چون پدر ، نطق ثنا خوان او

پدر وی خواجه مسعود نیز مقام شاعری داشته است .

دیوان عصمت موافق نسخهٔ نام بردهٔ بالا شامل قصائد و ترکیب بند ومثمن وترجیع بند وغزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد وازجلهٔ قصائد او بحر طویلی در مدح بایسنقر میباشد که بدین بیت آغاز گردیده :

رنگ رخسار ودر گوش وخط وخد وقد وعارض وخال ولبت ای سرو پری روی سمن بر شفق و کوکب و شام وسحر وطوبی و گلزار بهشتست و بلال وطرف چشمهٔ کوثر

و تمام دیوان در حدود ۷۵۰۰ بیت میباشد .!

درنگارش این شرح به **تذ** ص ۳۵۷ - ۳٦٦ ، **حر** ج ۳ جز ۳ ص ۹۱ و ۹۲ ، ۱۳۱ ، ۱۵۱ ، ۱۷۱ ، **هم** ص ۱۱۹۱ - ۱۱۹۳ م . ش ، **آر** ص ۳۳٦ - ۳۳۷ ، **رو** ص ٤۵۸ - ٤۰۹ ، **قم** ص ۳۱۵۸ (ج ٤) **ونگاص** ٦۵ مراجعه گردیده و در **ما** و **رن** و **خو** و **شم** و **می** نامی از عصمت برده نشده است .

## ۱۰۲۹

**دیوان علی اصغر نهاوندی**

این نسخه را بسال ۱۳۲٤ محمد حسن بن علی اصغر نهاوندی بخط نستعلیق نوشته ظاهراً نویسنده پسر شاعر میباشد ، شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی ومخمس ها وچند قصیده ورباعیات ویك مثنوی میباشد ودرحدود ۲٤۰۰ بیت است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۸۳ . صفحه‌ای ۱۵ بیت ، طول $\frac{1}{2}$ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱٦۵٤۵ .

## دیوان علی اصغر نهاوندی (دیوان اصغر)

**اصغر** تخلص علی اصغر نهاوندی است واز این بیت که در آغاز مثنوی وی موجود است :

هشتادوهفت چون زهزارودویست رفت   نرخ حبوبها همگی یك به بیست رفت

بدست آمد که در اواخر قرن سیزدهم هجری زندگانی مینموده وبیشتر غزل سرائی میکرده و قصیده و رباعی و مثنوی و مخمس(۱) داردوغزلی درص ۱٦۰ این دیوان وی بزبان نهاوندی موجود است .

**آغاز :** ای سروسیم برنظری کن بسوی ما   بردیده ام زنور جمالت بده جلا

**۱۰۳۰**

## دیوان عماد فقیه کرمانی

این نسخه بسیار کهنه واز رسم الخط و کاغذ ومرکب آن آشکاراست که در اواخر قرن هشتم هجری نوشته شده ولی تاریخ ندارد، بسیار شبیه به خط خود شاعر است که درحاشیه نسخهٔ دیوان مدرسهٔ عالی سپهسالار نگارنده دیده و احتمال قوی میدهم که نسخه بخط عماد باشد و مندرجات آن عبارتست از غزلیات ومخمسات و مسدس ها ورباعیات و لغزومعمیات ویك مثنوی ( ۲٤ بیت ) ،

برخی از برگهای آن وصّالی گردیده ودر آغاز صفحهٔ نخستین بخط ثلث باطلا نوشته شده :

**کتاب الغزلیات - فی التوحید** و پس از توحید و نعت بنگارش غزلیات و دیگر اقسام شعر بدون نظم و ترتیب پرداخته و در حدود ٦۵۰۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

---

(۱) غزلیاتی از حافظ وامید وآقا حسن معلم را مخمس کرده است .

ای هر دم از عطای تو کام دگر مرا وزشکر نعمت تو دهن پر شکر مرا

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۱۳ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۵۹** .

## دیوان عماد فقیه کرمانی

**عماد** تخلص **علی** ملقب به‌عمادالدین میباشد که شیخ‌الاسلام کرمان(۱) و ازعلما وفقها وعرفای قرن هشتم هجری(۲) و معاصر شاه شیخ ابواسحق انجو وآل‌مظفر بوده ومخصوصاً طرف‌توجه شاه شجاع گردیده وامامی‌مذهب(۳)بوده

(۱) گذشته از اینکه درآخر نسخه کهنه بسیار نفیس دیوان عماد **م س** که بسال ۷۶۳ نوشته شده وخودشاعر بتصحیح آن‌مبادرت نموده وبسیاری از ابیات بخط خویش برآن‌افزوده‌ودر حاشیه یکی‌ازبرگها امضاء نموده ، شیخ‌الاسلامی وفقیه بودن شاعر تصریح شده ، شاعر بدین مقام خویش مکرر اشاره وتصریح کرده واین چند بیت را ازآنها دراینجا می‌آوریم .

دو مقامست که با هم نشود جمع عماد مذهب‌عاشقی و منصب‌شیخ‌الاسلامی.
میخانه شد ز عشقت جای عماد ورنه جای فقیه باشد کنج کتابخانه
علمی که ره بدوست برددر کتیب‌نیست وآنها که‌خوانده‌ام‌براودرحسیب‌نیست

وحافظ درهمین معنی وشاید درخطاب بعماد گوید :

بشوی اوراق اگرهمدرس مائی که علم عشق در دفتر نباشد

و نیز درجای دیگر گوید :

سرّعشق از کتاب نتوان یافت لیس‌تلك‌الرموز فی‌الاوراق .

(۲) گذشته ازاینکه آشکاراست ، مقام شیخ‌الاسلامی وخانقاه داری بایکدگر جمع نمیشده و بنابرآنچه در حاشیهٔ بالا گفته شد عماد مسلماً شیخ‌الاسلام کرمان بوده ناش‌میگویم که نگارنده‌را عقیده اینست که عماد عارف حقیقی وبی کشکول وتبرزین وبی‌دکان وخانقاه بوده وبدین اسباب‌کار محتاج نبوده ومؤید از دیوان وی بسیار دارد وازآنهاست :

من این بدعت نمی‌آرم در اسلام که چون‌رهبان روم در کوهساران
دو منزل در جهانم اختیار است میان باغ و طرف جویباران

(۳) شاید برجمعی از خوانندگان این ادعا بسیار سخت‌آید ولیّ‌مطالعه و دقت در غزلیات این شاعر که در دست است چون آفتاب جهانتاب این عقیدهٔ وی را آشکار مینماید .

ومدائح ابواسحق وآل‌مظفر در دیوان وی بسیار است وبسال۷۷۳ در کرمان جهانرا بدرود گفته ، دولتشاه از جواهرالاسرار نقل نموده که آذری گوید : «فضلا بر آنند که درسخن متقدمان ومتأخران احیاناً حشوی واقع‌شده الاسخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که درآن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه درلفظ ونه درمعنی» وجامی در بهارستان درذیل معرفی وی گوید : «وشعر خود را بهمهٔ واردان خانقاه میخواند و استدعای اصلاح میکرد و از اینجا میگویند که شعروی شعرهمهٔ اهالی کرمانست».

عماد فقیه معاصرخواجه‌حافظ بوده ونوشته‌اند خواجه را با وی معارضه‌بوده وغزل معروف بدین مطلع را :

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد    بنیاد مکر با فلك حقه باز کرد

خواجه‌درتعریض بروی‌ساخته چراکه گربه خویش‌را تربیت کرده‌بودوباا‌ونماز میخواند وشاه شجاع‌این کار گربه راحمل‌بر کرامت شیخ کرده‌وبوی‌بیشتر ارادت میورزیدولی‌نگارنده‌راعقیده‌اینست که این‌داستان‌اصلی‌نداشته باشدومرادخواجه حافظ اشاره بداستان وحکایت کبك وگربه معروف در کلیله و دمنه است وگذشته ازاینکه‌بااومعارض نبوده‌طرف ایمان واعتقاد وی بوده‌واین‌دوشاعرمعاصر بیشتر از غزلیات خود را باستقبال یکدیگرساخته‌اند ، برای نمونه چند بیت ازهردو شاعر را دراینجا می‌آوریم .

**عماد** ص آ ورق ۲۹ نه

بیار باده صافی بدست صوفی ده    که رهن باده کند خرقه و مصلی‌را

**حافظ** درهمه‌دیرمغان نیست‌چه‌من‌شیدائی    خرقه‌جائی گرو باده و دفتر جائی

**عماد** ص آ ورق ۸۰ نه

علی منازل سلمی تحیتی و سلامی    هناك روضة انسی وتلك‌دارسلامی

عمادروی‌تو گربازدید کام جهان‌یافت    وان‌امت بیلاءالهوی علیك‌سلامی

**حافظ** انت‌روائح رندالحمی وزاد غرامی    من‌المبلغ عنی الی سعاد سلامی

این دوغزل هردوملمع وابیات آنها کاملا بریکدیگر منطبق میباشد ودیوان عماد شامل ملمعات بسیار است .

**عماد** ص آ ورق ٤٤ نه

بیاو کلبه مارا شبی منور کن    میان مجلس ما همچوشمع سربر کن

**حافظ** زدر در اوشبستان مامنور کن    میان‌جمع حریفان چوشمع سربر کن

**عماد** ص آ ورق ۱۵۹ نه

همای سلطنتم سایه بر سر افکندی زحال بنده گر آگه شدی خداوندی

**حافظ** همای اوج سعادت بدام ما افتد اگر تو را گذری بر مقام ما افتد

بقرینه این چند بیت که در آخر این غزل عماد میباشد :

زهی بدیع جمالی که مادر ایام بحسن روی تودیگر نزاد فرزندی

کمال حسن تورا هیچ منقصت نرسد اگر رسد بوصال توآرزو مندی

عماد دلشده شوریدگی زسر تنهد مگر زخواجه بگوش دلش رسد پندی

وتوافق لفظی ومعنوی این دو غزل چنین بنظر میرسد که مراد از خواجه دربیت عماد ، حافظ است وخواجه بدان غزل عمادرا بشیراز دعوت کرده است .

**عماد**

بارها خرقه ما در گرومی کردند ورق دفترما رهن دف ونی کردند

**حافظ** سالها دفتر مادر گروصهبا بود رونق میکده ازدرس ودعای ما بود

عماد نسبت به ادبای پیشین فروتن بوده و مخصوصاً استادی سعدی را اقرار داشته

ودرغزلی ( ورق ۱۲۱ نه ) گوید :

مشهور شد بنظم روان درجهان عماد لیکن بگرد سعدی شیراز کی رسد

وابیاتی از انوری ( ص ۳۶۱-۳۶۲ نه )و سعدی ( ص ۳۰۱-۳۰۲ و ۴۱۶ و ۴۱۸ نه ) را مخمس نموده و دریکی ازغزلیات ( ص ۵۵ نه ) ازبودن در کرمان شکایت کرده و گوید :

دوسه روزی زحیات توعماد ار باقیست صبر ایوب خلاصی دهدت از کرمان

درهن ازتذکره واله داغستانی نقل شده که عماد بشیراز رفته ودرآنجا جهانرا بدرود گفته ولی دربسیاری ازتذکره ها ونات وی در کرمان تصریح شده وازغزلی که بدین مطلع ( ورق ۳۸ نه ) میباشد :

خوشا هوای مصلی و آب رکنا باد که آن مفرح دل وین مقوی جان باد

استفاده میشود که بشیراز رفته و چندی در آنجا بسر برده و چون این غزل در نسخهٔ کهنه **م • س** که بسال ۷۶۳ نوشته شده، موجود است پیش از این تاریخ بدآن شهر رفته است .

عماد نقیه راهمه گونه شعر بوده (۱) ولی نگارنده جزدیوان غزلیات ورباعیات

(۱) من که دراقسام شعر موی شکافم بفکر هم به هجا هم مدیح هم غزل و هم لغز

هر بدید با من کند آنك نداند همی بحر طویل ازخفیف وزن سریع ازرجز

وقطعات ومعمیات ولغز ومخمس ومسدس های وی را که در این کتابخانه و کتابخانه **م . س** میباشد تا کنون نیافته وچنانکه تذکر داده شد نسخه این کتابخانه و نسخه کهنه **م . س** بدون مراعات نظم و ترتیبی میباشد ولی نسخه دیگر آن کتابخانه مرتب است و **مونس الابرار** (۱) وی که برابر مخزن الاسرار نظامی بسال ۷٦٦ ساخته شده وبنابر تصریح درمقدمه آن **صفانامه** نام ومونس الابرار لقب آنست :

« چون بصفا روی بهنگامه کرد نامش ازین روی **صفانامه** کرد
نام ز دیوان ادب یافته **مونس الابرار** لقب یافته
باد مبارك قدمش بر عماد یافته در مقدم او هر مراد »

و ازانشاء این کتاب استفاده میشود که درنظر داشته خمسه‌ای انشا نماید ونگارنده تا کنون بدست نیاورده که آیا توفیق انجام یافته یامانند بسیاری از آرزوها این آرزوهم خاك شده است .

## ۱۰۳۱

**دیوان عنصری** این نسخه را بخط شکسته خیلی خوب بسال ۱۲۱۱ محمداسمعیل بن عبدالغنی، بنابخواست میرزا عبدالباقی که از اعیان آنعصر بوده ، نگاشته و درآخر کتاب این معنی را تذکر داده وشامل قصائد ویك قطعه (٤بیت) وپنج غزل (۲۹بیت) وچهل وسه رباعی (۸٦بیت) میباشد و تمام دیوان درحدود ۵۰۰۰ بیت است .

یکی از مالك های پیشین پشت صفحهٔ نخستین ، نویسنده را از شاگردهای معروف درویش عبدالمجید معرّفی نموده ، میان برگ

(۱) نسخه ای ازاین کتاب دردست مؤلف هفت آسمان بوده واز آن ابیاتی نقل نموده ( به ص ۷۷ ـ ۸۰ هفت مراجعه شود ) و نگارنده تا بحال نسخه ای از آنرا بدست نیاورده .

۲۳ و ۲٤ برگ کوچکی که چندین بیت افتادهٔ از متن را شامل میباشد چسبانده شده و یاد داشتی بسال ۱۳۱۰ بامضاء حسنعلی (بفرانسه) در صفحهٔ آخر نگارش یافته، در آغاز نسخه سرلوحی بسیار زیبا دارد ومیان سطرهای دوصفحهٔ اول طلا اندازی شده وهمهٔ برگها با طلا و لاجورد جدول کشی گردیده است.

جلد ساغری. کاغذ ترمه. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۲۱٤. صفحه‌ای ۱۲ بیت. طول ۱۹ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۲۵۳**.

**۱۰۳۲ و ۱۰۳۳**

**دیوان عنصری** این نسخه با **دیوان مجد همگر** که جلو آنست بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده، بسال ۱۰۱۰ نوشته شده ولی در نسخه اثری از این تاریخ نیست ودر ص ۳۹۹-٤۰۰ دلیل خودرا ذکر خواهم نمود، و شامل قصائد و غزلیات و رباعیانی از عنصری میباشد ودرحدود ۹۰۰ بیت بیشتر نیست، بدست بچه افتاده وبمقتضای بچگی شکلهائی پشت صفحهٔ اول وآخر کشیده و برخی را هم محو کرده و یادداشتهائی هم موجود و برخی هم محو گردیده و نیز در اینجا یادداشتی است که میرساند پیش از این دیوان شمس طبسی پیوسته این نسخه بوده ولی اینك وجود ندارد.

جلد تیماجی. کاغذ کشمیری. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ٦۸. این دیوان ۲۷. صفحه‌ای ۱۹ بیت. طول ۲۵ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۲٦۹**.

## دیوان عنصری

**عنصری** تخلص ابوالقاسم ، حسن‌بن احمد بلخی متوفی بسال ٤۳۱ میباشد که از مشاهیر شعرای قرن پنجم هجری است .

نوشته اند که عنصری در کوچکی‌از دو نعمت بزرگ که پدر و مادرباشد محروم گردید ، چون بحد رشد رسید آنچه برایش گذارده شده بود سرمایه کرد و ببازرگانی پرداخت ، دزدان در یکی از راهها آنچه داشت از کفش ربودند ، چون تهی دست شد باندیشهٔ سرمایه ای افتاد که دزد بدان راه نیابد، در کسب دانش کوشید و از دانشمندان نامدار گردید و طبع او را کمك نمود مقام ملك‌الشعرائی سلطان محمود غزنوی را بدست آورد و بر چهارصد شاعر نامی آن دربار امارت یافت ، پس از سلطان محمود ده سال هم درك سلطنت سلطان مسعود را نموده و از راه مدح وثنای این دو پادشاه آب رفته بجو باز آمد و دارائی بسیاری گرد آورد و در اثر حسن خلق و کرامت با عزت زندگانی را بپایان رسانید .

گویند عنصری سی‌هزار بیت انشا نموده ولی بدبختانه همهٔ آنها بجا نمانده و بزرگترین دیوانیکه از این شاعر ، نگارنده سراغ دارد نسخهٔ این کتابخانه میباشد که در حدود ۰۰۰ ۵ بیت میباشد و گذشته ازدیوان، عنصری راچند مثنوی بنام وامق و عذرا ، شاد بهر و عین الحیات ، سرخ بت و خنگ بت (۱) و خسروشیرین بوده و این کتاب اخیررا نگارنده از این عبارت عوفی در **لب** در ذیل شرح حال نظامی گنجوی استفاده نموده :

« قضیه شیرین و خسرو چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد » ولی بدبختانه از مثنویهای وی اثری آشکار نیست ، مرحوم تربیت در مقالهٔ مثنوی و مثنوی گویان ( شماره چهارم سال پنجم مجله مهر ص ۳۱۹ ) نوشته که ابیاتی از این مثنویها را ازاین طرف و آنطرف گردآورده وچندین‌بیت ازآنها را هم درآنجانقل کرده‌اند.

شرح حال عنصری با مراجعه به **لب** ج ۲ ص ۲۳ - ۲۹ ، **تذ** ص ٤٤ - ٤۷ ، **هم** ص ٤٤۷ - ٤۸۹ م. س ، **آ** ر ص۳۱۹ - ۳۲۹ ، **ما** ج ۱ ص ۳۰۵ - ۳٦۷ و**سخ** ج ۱ ص ۹۸ - ۱۰۷ نگارش یافت .

---

(۱) در **لب** نام این مثنوی « خنگ بت و سرخ بت » نوشته شده است .

۱۰۳۴

**دیوان غلامعلی حکیم**

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، طرز کتابت واصلاح بسیاری از بیت ها ومحو واثبات هائی که در آنست بهترین گواه بر نسخهٔ اصل بودن دیوان میباشد، فقط شامل غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی (از الف تاهاء) است ودرحدود ۵۵۰۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز :

الا یامَعْشَرَ الزّهاد اِیّاکم و اِیّانا
لَکُم مافی خَبایاکُم لَنامافی خَبایانا

وبدین بیت (دیوان تمام نشده) نسخه خاتمه می‌یابد :

ازدستبرد حادثه چندی حکیم را گر آستان میکده باشد پناه به

وپیش از شروع بدیوان درپنج صفحه ودرآخر نسخه درهشت صفحه ابیات و غزلیاتی ازشاعر بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته وبربرخی ازآنها قلم محو کشیده شده است .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۷۱ . صفحهٔ ۳۰ بیت وبیشتر . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۷٦** .

## دیوانُ شیخ غلامعلی حکیم

شیخ غلامعلی **حکیم** تخلص ازدانشمندان وشعرای نیمهٔ اول قرن چهاردهم هجری بوده ، اصل وی از اطراف شیراز وسالها در آن شهر بتحصیل دانش پرداخته ، برای تکمیل تحصیلات فلسفی بتهران آمده ودرمدرسه عالی سپهسالار روزگاری گذرانیده، مرحوم آقا محمد کاظم ملك التجار ایشانرا بتربیت فرزندان

خویش برگزیده دانشمند معاصر آقای حاج حسین آقای ملك مؤسس کتابخانه بی نظیر ملی ملك از آن بزرگ بسیار کسب کمال نموده ودرجُنگی که بخط این دانشمند درایام جوانی نگارش یافته و اینك در کتابخانهٔ ملی ملك میباشد قصیده ای درمدح آصف الدوله شیرازی و چندین مخمس از غزلیات حافظ موجود ودرآغاز قصیدهٔ نامبرده مطالب عرفانی و حکمی بیادگار گذارده شده وفات شاعر در اواخر ثلث نخستین قرن چهاردهم هجری خانه مرحوم ملك درتهران اتفاق افتاده است .

از آثار فلسفی وعلمی ایشان با تحقیق وتفحص چیزی بدستم نیامد و دیوان نام بردهٔ بالا فقط غزلیات شاعر را شامل است .

**۱۰۳۵**

**دیوان فانی**

**(امیر علیشیر نوائي)**

این نسخه بقرینه عنوان غزلیکه در ص ۷ نه نگارش یافته وشهادت کاغذ وسرلوح وماده تاریخیکه درص ۳۱٦ ـ ۳۱۷ میباشد میان سال ۹۰۱ـ۹۰٦ که شاعر دراینجهان بوده ، نگارش یافته وشامل غزلیات مرتبه بحروف تهجی ( ص ۱ ـ ۲۸۷ ) ، مسدس غزل جامی ( ص ۲۸۷ ـ ۲۸۹ ) ، ترکیب بند درمرثیهٔ جامی ( ۲۹۰ـ۲۹٤ ) ، مقطعات ( ص ۲۹۵ ـ ۳۱۸ ) و معمّیات ( ۳۱۸ ـ ۳۵۱ ) میباشد ، برگهائی ازنسخه وصالی شده ، وبرخی از میان غزلیات و مقطعات وآخر نسخه افتاده وبا این افتادگی درحدود ٤۵۰۰ بیت است .

سرلوحی زیبا درآغاز نسخه موجود وهمهٔ برگها باطلاولاجورد جدول کشی شده وعنوان هرغزل واینکه باستقبال کدام شاعر میباشد باطلا یالاجورد یاشنگرف نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۷٦ . صفحه‌ای

۱۳ بیت. طول ۲۳ ۱/۲ سانتیمتر. عرض ۱۴ ۱/۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۵۰۰۲.

## دیوان فانی

**فانی** تخلص امیرعلیشیر نوائی(۸۴۴-۹۰۶)در اشعار فارسی است(۱) ، این دانشمند وزیر سلطان حسین میرزا بایقرا میباشد وازمشاهیر مردان دانش پژوه و دانش پرور بوده ، کتابهای بیشماری بنام و تشویق او تألیف گردیده و خود وی نیز مؤلفاتی دارد ، از آنها خمسه ایست بترکی درمقابل خمسه نظامی که در حدود ۲۶۰۰۰ بیت میباشد ودر م. س موجود و ممرنی کامل گردیده است وچهار دیوان غزلیات بترکی بنام : ۱ - غرائب الصغر ، ۲ - نوادرالشباب ، ۳- بدایع الوسط ، ۴- فوائد الکبر دارد وجامی در بهارستان گوید غزلیات ترکی امیر ازده‌هزار بیشتر است. ودر کتابخانه خدیویه‌مصر هرچهار دیوان وی موجود و در م. س دو دیوان ترکی از دیوانهای امیرمیباشد و مؤلفات دیگر امیر عبارت از : محبوب القلوب ، تاریخ ملوك عجم بترکی، اربعین منظوم ، نظم‌الجواهر ( ترجمه ترکی نثراللالی بنظم است ) ، خمسة المتحیرین ، تاریخ انبیا ، نسائم‌المحبه ، مفردات درفن‌معما وعروض بترکی، قصه‌شیخ‌صنعان، منشآت، فارسی‌نثراللالی، مجالس النفائس، لسان‌الطیر وغیر از اینهاست .

دیوان اشعار فارسی امیرعلیشیر شامل غزلیات ومقطعات و رباعیات و معمیاتست و این غزلیات را بیشتر بتتبع حافظ ، سعدی ، عصمت ، جامی ، شاهی ، کمال ، سهیلی، میر ، سیفی‌ترك ، عارفی، سلمان ، خسرو ، حسن‌دهلوی ، کاتبی، صاحب بلخی، وفائی وبرخی ازشعرای معاصرساخته وغزلیات مبتکرهم دارد و چنانکه دانستیم در زمان خود امیر مرتب گردیده است .

شرح‌حال‌امیرعلیشیررا درقند ص۴۹۴-۵۰۹، مجلس۴ ۷ مجالس‌العشاق، **بها** ص۱۰۸-۱۰۹، **سا** ص ۱۷۹-۱۸۱، مقدمه سنگلاخ میرزا مهدیخان، **فهر** ج۲ ص۵۳۸-۵۴۱و۶۹۱-۶۹۵ و**حر** نگارش یافته ومراجعه شده است .

---

(۱) تخلص امیرعلیشیر در اشعار ترکی **نوائی** ودرفارسی **فانی** است ولی‌در **لسان‌الطیر** که ترجمهٔ منطق‌الطیر عطار بترکی‌است.ونسخهٔ آن در م. س میباشد تخلص فانی را اختیار نموده وخود این‌خلاف عادت را تذکرداده وعذر از آن چنین خواسته‌که چون آخر این داستان فنا بود بهتر این دیدم کەدراینجا بر خلاف رسم فانی‌تخلص کنم.

۱۰۳۶

**دیوان فرخی** این نسخه را بسال ۱۲۹۶ بخط نستعلیق بسیار خوب (اگر از خط میرعماد بهتر نباشد کمتر نیست) علی رضای حسینی کاتب شیرازی نگاشته است و بر حسب تصریح خود وی در آخر نسخه، کاتب مخصوص فرهادمیرزا بوده و بفرمان عبدالعلی میرزا عبدی تخلّص پسر معتمدالدوله فرهاد میرزا، درشیراز نوشته و مالك نسخه پشت صفحه نخستین مطالبی عروضی انشاء نموده و بخط خود نوشته و امضا کرده و برو برگیکه پیش از نسخه میباشد نیز همین مالك یادداشتهائی کرده و دارای سرلوحی بسیار زیباست وهمهٔ برگها باطلا و لاجورد و شنگرف جدول کشی شده و میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده و درنیمهٔ آخر نسخه، ابیات در متن و حاشیه نگارش یافته، از اینکه برخی از ابیات قصائد و یا مصرعهائی از آنها و یا کلماتی از آنها نوشته نشده، بدست می آید که نسخهٔ اصل که این نسخه از روی آن نگارش یافته ناقص بوده و این نسخه درحدود ۸۲۰۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

بر آمد قیر گون ابری ز روی نیلگون دریا

چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا.

جلد میشن. کاغذ ترمه. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۶۲. صفحه‌ای ۲۵ بیت. طول ۲۴ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۳۵۷.

## ۱۰۳۷

**دیوان فرخی** این نسخه را بسال ۱۳۰٤ هجری قمری محمدخان سرهنگ پسر حیدرخان سرتیپ افشاربفرمان امیر نظام گروسی (حسنعلیخان) بخط شکسته نستعلیق نوشته وشامل قصائد مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی وسه (۳) ترجیع بند نوزده (۱۹) غزل وسی ویك (۳۱) رباعی میباشدو تمام آن درحدود ۸۰۰۰ بیت است .

دارای سرلوحی زیباست وهمهٔ برگها باطلا و لاجورد و زنگار جدول کشی شده وجای عناوین قصائد خالی ونانوشته مانده و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی است که عبدالحسین نام نگاشته، مبنی بر اینکه امیرنظام مذکوراین نسخه را بسال ۱۳۰۹ بوی (خوددراعلام او معرفی کرده) مرحمت کرده و آغاز نسخه همان بیت نسخهٔ پیشین است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۲٤ . صفحه ای ۱۹ بیت طول ۲۰ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۱۹۵۰ .

## ۱۰۳۸

**دیوان فرخی** این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، ظاهراً بلکه مسلماً خط عبرت مصاحبی میباشد ، پس از اتمام دیوان بفاصلهٔ دو برگ ابیاتی که درنسخهٔ دیگر یافت‌شده در ۲۳ صفحه نگارش یافته

و ابیاتی هم که از متن افتاده بوده در حاشیهٔ دیوان نگاشته شده و نسخه بدلها و تصحیح هائی هم در اینجا موجود و رویهم در حدود ۸۳۰۰ بیت میباشد و آغاز آن همان بیت نامبرده در نسخهٔ نخستین است.

متعلق به کتابخانه سردار معظم خراسانی بوده مسلماً برای کتابخانه وی نوشته شده و خود وی پشت برگ نخستین از چند برگ ننوشته‌ای که در آغاز دیوانست یادداشت کرده.

جلد مقوائی عطف و گوشه تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۲۲۹. صفحه‌ای ۱۹ بیت. طول ۲۱ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$۱۶ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۶**.

## دیوان فرخی سیستانی

**فرخی** تخلص ابوالحسن **علی بن جولوغ** (۱) سیستانی متوفی بسال ۴۲۹ (۲) است که از مشاهیر سخن سرایان دربار سلطان محمود غزنوی بوده و طبعی ظریف و بیانی خوش، لهجه ای دلنشین و سبکی ساده داشته، در آغاز زندگانی در سیستان خدمت دهقانی میکرد و روزگار میگذرانید چون دارای زن و فرزند شد آنچه دهقان بدو میداد کفاف زندگانیش را نمیداد، درجستجوی هنرپروری افتاد، اورا بامیر **ابوالمظفر چغانی** به چغانیان (۳)

(۱) در **آر** و **ما** نام پدر فرخی قلوع ثبت گردیده ولی در **چا** و **لب** که نزدیکتر بزمان و عصر شاعر میباشند جولوغ ثبت شده، بنا بر این بر قلوع ترجیح دارد و در دیوان نام پدرش بنظر نرسید.

(۲) پیش از **ما** کسی تاریخ وفات فرخی را معین ننموده و این تاریخ که در **ما** ثبت گردیده مورد قبول‌شده. چرا که در دیوان وی آثاری تاریخی پس از این تاریخ یافت نمیشود آقای علی عبدالرسولی وفات شاعر را بسال ۴۷۰ از **آر** نقل کرده‌اند ولی نسخهٔ چاپی این تاریخ را ندارد.

(۳) در نسخ دیوان چغانی ممدوح فرخی

(تانقش کرد بر سر هرنقش بر نوشت مدح ابو المظفر شاه چغانیان
بن احمد محمد شاه جهان پناه آن‌شهریار کشور گیرو جهان‌ستان)

(بقیه حاشیه در صفحه بعد)

رهنمائی کردند، قصیده ای نیکو بساخت و آهنگ دربار این امیرنمود ، چون بدانجا رسید بهار بود و امیر بداغگاه رفته بود ، فرخی بدیدار پیشکار امیر **عمید اسعد** که برای انجام برخی از کارها درخدمت امیرنرفته ، رسید، شعر خویش بر وی خواند، عمید شعردوست وشعرشناس بود ، اشعاری‌را که فرخی خواند بسیارتروخوش‌واستادانه یافت ولی‌چون‌شاعررا لباسی‌دربر و کفشی‌بایسته در پای نبود ، باور نکرد که از خود وی باشد ، برای آزمایش گفت امیردر داغگاه است اگر توانی قصیده‌ای دراین باب انشا نما تا با خود بدانجایت‌برم فرخی برفت ودرهمانشب قصیده ای نیکوساخت وبامداد پیش عمید اسعدآورد و بخواند ، عمید ازشنیدن‌آن بسی‌بشگفت ، کارها را کنارگذاشت وبی‌درنگ روی بداغگاه نهاد و گفت ای امیر ترا شاعری آورده ام که « تا دقیقی روی در نقاب خاك کشیده کس مثل او ندیده » بهرحال قصائد خویش‌را خواند و مقبول امیر گردید و انعام بسیار در بارهٔ وی کرد و از دربار این امیر باتجمل زیاد بدربار سلطان محمود شتافت ، این پادشاه بچشم تجمل از نخستین بار در وی نگریست و هر روز کار وی در دربار محمودی بالا گرفت و فرخی گذشته از شاعری نوازندگی را نیکو میدانسته است .

دیوان فرخی شامل قصائد بسیار و ترکیب بند و غزلیاتی چند ورباعیهائی است و هدایت گوید بیش از ده هزار بیت میباشد و در حدود ۹۰٦٤ بیت آنرا آقای‌علی عبدالرسولی استاد دانشگاه تهران گرد آورده و بسال ۱۳۱۱ خورشیدی بهمت و تصحیح ایشان چاپ گردیده وپیش از ایشان بسال ۱۳۰۱ قمری محمد مهدی بن مصطفی‌حسینی‌مشهوربه **بدایع نگار**درحدود ۲٦۰۰ بیت از این دیوانرا چاپ و گویند که بار دیگری نیز بخشی ازآن چاپ شده

---

(بقیه حاشیه از صفحه قبل)

پسر احمدبن‌محمدشاه معرفی‌شده ودربعضی‌ازنسخه ها میراحمدثبت‌است بنابروایت دوم ممدوح را آقای قزوینی در حواشی چهار مقاله که خانواده چغانیان را معرفی کرده‌اند بظن قوی‌پسر یا نواده ابوعلی چغانی دانسته اند و این قول با روایت اول مناسب است .

و نگارنده احتمال قوی میدهد که ممدوح فرخی‌ابومنصور بن احمد بن‌محمد بن المظفر بن محتاج باشد که بسال ۳٤۰ حاکم چغانیان شده و آقای قزوینی نیز بمعرفی وی پرداخته اند و**چغانیان** چنانکه در معجم‌البلدان است یکی از شهرستانهای ماوراء النهر میباشد .

و در **ما** نیز در حدود ۱۰۰۰ بیت از فرخی انتخاب و چاپ گردیده است.

بنا بر تصریح رشید وطواط در مقدمه حدائق السحر فرخی را کتابی در صنایع شعری بفارسی بنام «ترجمان البلاغه» بوده و رشید آنرا دیده ولی نگارنده تا کنون بوجود نسخهٔای از آن آگاهی نیافته است.

شرح حال فرخی در **چا** ص ۳٦ - ٤۰ وص ۱٦۲ - ۱٦۸ حواشی آن، **لب** ج ۲ ص ٤۷ - ۵۰ **تذ** ص ۵۵ - ۵۷، **ما** ج ۱ ص ٤۳۹ - ٥٦٥ **شم**، ص ۳۵۸ **سخ** ج ۱ ص ۱۱۱ - ۱۲۵ و مقدمه دیوان بقلم آقای عبدالرسولی نگارش یافته و مراجعه شده است.

**۱۰۳۹**

**دیوان فغانی** این نسخه‌را بخط نسخ، عبرت نائینی بخواست سردار معظم خراسانی بسال ۱۳٤۳ از روی سه نسخه نوشته ونسخه بدلها را در ذیل صفحه ها نگاشته و شامل بخشی از قصائد (ردیف تاء تا میم) (ص ۱ - ۲۵)، غزلیات (ص ۲۷ - ۲۲۹)، مقطعات (ص ۲۳۰ - ۲۳۱) و رباعیات (ص ۲۳۱ - ۲۳۵) میباشد وبرحسب تصریح نویسنده در آخر نسخه و تخمین نگارنده ۵۰۱٦ بیت است.

**آغاز**: خطی که یك رقمش آبروی نه چمن است

نشان خاتم سلطان دین ابوالحسن است

پشت صفحهٔ نخستین مالك نسخه بخط خود نوشته داخل کتابخانه گردید ومهر کرده است.

جلد عطف و کوچه تیماج. کاغذ فرنگی زرد رنك. قطع ربعی، شمارهٔ برگها ۱۱۹. صفحه ای ۲٤ بیت. طول ۱۸ سانتیمتر، عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۸**.

۱۰۴۰

## دیوان فغانی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، شامل غزلیات شاعر ازردیف **الف** تا بخشی از ردیف **دال** استودرحدود ۱۸۰۰ بیت میباشد، چندین برگ ننوشته و جدول کشیده شده، درآخر نسخه میباشد، درحواشی تمام برگهای دیوان باطلا گل‌وبوته‌انداخته‌شده‌ومیان‌سطرهاهم‌طلااندازی‌شده‌ودر آغازنسخه سرلوحی ظریف است، پشت صفحه نخستین بسال۱۲۶۳ یادداشت‌شده که این کتاب‌شصت برگ استویادداشت‌دیگری‌مشعر براینکه دراصفهان خریده شده‌دراینجامیباشد وزیرهردو یادداشت مهراسمی بوده محو گردیده و نگارش نسخه ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم شده و بیت آخر نسخه اینست :

زهردری که درآید همای دولت عشق

نشان‌بخت بلنداست و طالع‌مسعود.

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۶۰ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر. عرض ۱۱ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۶۷۹** .

## دیوان فغانی (بابا فغانی) شیرازی

**فغانی** یا **بابافغانی** شاعریست شیرین سخن ( نام اورا در مآخذ و خود دیوان‌نیافتم) کدرشیراز بدینجهان پای گذارده و بسال ۹۲۵ وفات یافته ، در آوان زندگی چاقو سازی میکرده و بهمین سبب تخلص وی در آغاز شاعری **سکاکی** بوده ، چون شهرت شاعردوستی و ادب پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد و شعرا از هرسو به آنجا شتافتند، این شاعر نیزبدانشهر رفت و ترقی زیادی یافت و از اینرو او را بابای شعرا گفتند و بهمین جهت کلمهٔ **بابا**را برتخلص وی «فغانی» افزوده اند ومشهور به **بابافغانی** گردیده است

چون سلطان یعقوب از جهان درگذشت بابا بشیراز برگشت ، پس از چندی راه خراسان پیش گرفت و در اواخر زندگانی از شرب باده پشیمان شد و توبه نمود ، قصائد غرا در مدح ائمه اثنی عشر ع مخصوصاً حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام دارد وروش شعری وی مخصوص وسوز وگداز و عاشقی وی از هربیت او آشکار وگذشته از قصیده و غزل بانشاء قطعه و رباعی وترجیع بند میپرداخته جوان فاضل دانشمند آقای سهیلی خونساری بسال ۱۳۱۵ خورشیدی دیوان فغانی را (۴۰۰۰ بیت) با مقدمه ای در شرح حال وی در طهران چاپ و منتشر کرده اند .

شرح حال فغانی درسا ص ۱۰۲-۱۰۳ ، مجالس المؤمنین ص ۵۳۹-۵۴۰ ، همص ۱۸۷-۱۹۰ م . س ومقدمه آقای سهیلی نگارش یافته ومراجعه شده است.

**۱۰۴۱**

**دیوان یا کلیات فوقی** این نسخه بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق نوشته شده، پشت صفحهٔ آخر وروی برگیکه در آخر میباشد یاد داشتهائی گردیده ، مندرجات نسخه عبارتست از: ۱ ـ دیباچه (ص۱ ـ ۱۰)، ۲ ـ نغمات (ص۱۰ ـ ٦۱) ، ۳ ـ فرهاد و شیرین (ص ٦۵ ـ ۱۵۲) ، ۴ ـ ساقی نامه (ص۱۵۳ ـ ۱۵۷) ، ۵ ـ قصائد وترجیع بندها (ص۱۵۷ ـ ۱۹٦ و ۲۰۲ ـ ۳۱۵) ، ٦ ـ مناجات نامه (ص۱۹۷ـ۲۰۲) و ۷ ـ غزلیات مرتبه به‌ترتیب حروف تهجی بر حسب ردیف ها (۳۱۷ ـ ۴۰۲) .

وتمام اشعار این بخش ها در حدود ۳۹۰۰ بیت میباشد و آغاز نسخه اینست : دیوان ملااحمد یزدی المتخلص بفوقی رحمه‌الله بسمله بعد از حمد خداوند جهان ونعمت پیغمبر آخرالزمان وآل واصحاب

آن خلاصه دوران وزبده ارکان الخ .

جلدتیماجی نیم‌ضربی . کاغذفرنگی . قطع‌خشتی . شمارهٔ برگها ۲۰۱ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۱۶** .

## دیوان یا کلیات فوقی

**فوقی** تخلص ملا احمدیزدی است ، ازتصریح درمقدمه و اشارات درابیات دیوان‌وی(تمام‌هزل‌است)معلوم‌میشود ازعلوم ادب‌ومنقول ومعقول‌بهرمهاداشته ولی در اثر تناسب نداشتن به اهل زمان مقبول معاصرین نشده، مسخرگی را شعار خود ساخته تا داد خوداز کهتر ومهتر بستاند ، ازاینکه در مقدمه تصریح کرده که افضل زمرهٔ صوفیه جماعت ملامتیه اند که ظاهر صورتشان با سیرت باطن‌منافات عظیم دارد بدست می‌آید که ازاین‌دسته بوده وبهمین سبب‌اینگونه هزلیات‌را برشتهٔ نظم آورده و(بهند رفتن وی‌نیز از دیوانش آشکار است) درزیر پرده هزل حقائقی را هم مخفی کرده وخود وی در مقد ه (ص۹) گوید « اگر چه شیرازهٔ جامعیت این رساله برشتهٔ هزل‌بسته اما در زیر هرنکته اش چندین حروف پند آمیز الخ »

در مآخذیکه دردست نگارنده است فقط در تاریخ یزد آیتی ( ص ۳۱۹) این‌شاعر بنام فوقی‌نام برده شده وگوید: «فوقی‌یزدی بیذله گوئی‌مشهوراست درتذاکر نامش‌مذکور عمری درهند با اهل صورت بسر برده و عاقبت‌دربندر سورت مرده در دو مثنوی « فرهاد و شیرین » و« لیلی و مجنون » جنونی بکار برده و راه هزل و شوخی را باقصی مراتب سپرده و دیوانش هفتهزار بیت ولی‌کمیاب است » و چند بیت از وی انتخاب کرده‌اند با جستجوی زیاد دراین کتابهای تذکره : خو، حسینی ، شم ، طرائق ، آر ، ریاض فردوس ، ما ، هم ، تن ، می ، روز، رن و تاریخ قصص‌الخاقان که شامل نام جمعی از شعرا و دانشمندان میباشد نامی و آثاری از فوقی نیافتم ، در دیوان فوقی نامی از محمد قاسم سراجا ( ص ۲٦۳ ) و ظفر خان ( ص ۲٤۳ ) و طرزی ( ص ۲٦٤ ) برده شده ومیدانیم که محمد قاسم سراجا تخلص بسال ۱۰۲٤ بجمع دیوان عرفی بر حسب امر خان خانان پرداخته و ظفر خان هم چنانکه در ص ٤۳ این‌فهرست ثبت گردیده بسال ۱۰۷۳ وفات یافته و طرزی‌شاعری را هم در خو معرفی کرده وگوید ملا فوق‌الدین فوقی تخلص بطرز او شعر

میگوید و وعده کرده که در حرف فا **فوقی** را ذکر کند ولی در نسخ این تذکره که دردست است نام وی نیست ولی از بیان فوقی در ص ۲۶۴ بر می آید که طرزی برویه اوشعر میسروده است ودزی جامع مرتب کنندهٔ تذکره خوشگو (ص ۴۷۳ - ۴۷۵ ج ۲ **فهر** مراجعه شود) اشعاری ازطرزی نقل نموده و از آنها معاصر بودن وی با شاه عباس ثانی صفوی ( ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ) معلوم میشود بنا بر این سه نشانه بایستی فوقی هم از شعرای نیمه اول قرن یازدهم هجری باشد

تاکنون از **لیلی ومجنون** وی خبری و اثری نیافته ام وفرهاد وشیرین وی پیوسته نسخهٔ دیوان این کتابخانه میباشد که معرفی گردید و در حدود ۱۰۰۰ بیت است و بدین بیت آغاز گردیده :

سخن ترتیزك بستان فکر است     سخن طوطی هندستان فکر است

و دو فقره از مناجات نامه وی اینست :

**الهی الهی** بعرق خیزی شب خیزان قائم الیل وبعجز قطره باران وتگرك وسیل . **الهی الهی** بطوق وبوق قلندران وبکه تازی ایشان درعرصهٔ وحدة و بدم ودود نامرادان ونیازمندی ایشان درنزد خلوت .

و غزلیات فوقی بدین بیت آغاز گردیده :

امشب که داد جلوه فلك بارگاه را     کردیم وقف . . . اثر . . . آه را

و در تمام کلیات و دیوان فوقی کلماتی عربی ترکی و هندی مندرج گردیده و چنانکه خود ادعا نموده دست عبید زاکان و سوزنی را محکم بسته است .

## ۱۰۴۲

**دیوان قائم مقام فرهانی (ثنائی)**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، مالك نسخه بخط خود پشت صفحهٔ نخستین یادداشت کرده که دراصفهان استکتاب گردیده ومهر کرده ، این مهر را محو کرده‌اند ولی از آثار آن احتشام الدوله خوانده میشود ومندرجات آن عبارتست از : ۱ ــ قصائد وقطعات ورباعیات (ص ۱-۱۹۲ ) و در

حدود ۱۵٤۰ بیت میباشد و ۳ ـ مثنوی **جلایر نامه** که در حدود ۱۱۳۰ بیت میباشد وهمهٔ برگها با طلا و لاجورد وغیره جدول کشی شده است .

جلد تیماجی .کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۰۰ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۹۵۹** .

## دیوان قائم مقام فرهاني ( ثنائی فرهاني )

**قائم مقام** میرزا ابوالقاسم حسینی (ثنائی فرهانی ۱۱۹۳ ـ ۱۲۵۱) پسر میرزا بزرگ (میرزا عیسی) قائم مقام است که در ص ٦٥ ـ ٦٦ معرفی گردیده و این دانشمند از وزرای بزرگ قاجاریه میباشد واورا چون پدر **سیدالوزرا** خوانند ، در نثر و نظم دستی قوی داشته و رسوم چندین قرن اخیر را در انشاء برهم زده و بسبك ساده و بی‌آلایش قدیم برگرداند ، خدمات وی نسبت به میهن را تاریخ ثبت کرده و در مقابل خدمات سیاسی و ادبی که انجام داده بود ، ناگهانی او را کشتند و چنانکه نوشته اند بی‌انجام آداب مذهبی بخاك سپردند و سالها قبر وی برهمه پنهان بود ، پس معلوم شد که در جوار شیخ ابوالفتوح رازی درجوار حضرت امام زاده عبد العظیم ع در شهرری است .

آثار علمی قائم‌مقام در یغمای خانه وی از میان رفت و مرحوم معتمدالدوله فرهاد میرزا از اینطرف و آنطرف آثار نظمی و نثریات او را گردآورده و بسال ۱۲۸۰ چاپ و منتشر کرد و تا حدی جبران حقوق این وزیردانشمند را نمود ولی همهٔ آثار نظمی او بدست نیامده ، قصائد و قطعات و رباعیاتیکه فرهاد میرزا پس از منشآت وی چاپ کرده در حدود ۱٦۰۰ بیت میباشد و دیوان‌وی که نویسندهٔ مجلهٔ ارمغان‌درتهران چاپ ومنتشر نموده شامل ۲۰۰۰ بیت است و **جلائرنامه** قائم مقام نیز پیوسته این دیوان میباشد .

قائم‌مقام در **جلائر نامه** که بوزن مثنوی از زبان **جلائر** غلام خویش ساخته چندان مراعات قواعدشعری را نکرده وبزبان عامیانه آنرا انشا نموده ودر آن خائن و خادم را معرفی و اعمال ناشایسته محمد میرزای ولیعهد را نکوهش کرده و خدمات عباس میرزای ولیعهد را بدینوسیله بگوش فتحعلیشاه رسانیده و در حدود ۱۱۰۰ بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

چنین گوید غلام تو نجلا بر — که من رفتم ز **شرا**(۱) تاملایر

نگارنده به تخلص قائم‌مقام در اشعار اودست نیافت ولی در آغاز دیوان وی که فرهاد میرزا نشر داده و درمجمع الفصحا و دیوان وی که ضمیمهٔ مجلهٔ ارمغان چاپ شده تخلص او **ثنائی** ثبت گردیده است.

بر حسب خواست یکی از خاورشناسان آقا میرزا **عبدالوهاب حسینی** که یکی از نواده های مرحوم قائم مقام میباشند شرح‌حال مفصل ومبسوطی از قائم مقام و پدران و فرزندان وی نگاشته و آنچه در کتب خطی و چاپی در بارهٔ این وزیر هنرمند نگارش یافته درآن مندرج و پیش از دیوان چاپ شده و مراجعه گردیده و در **ما** ج ۲ ص ۸۷ - ۹۱ پس از معرفی مختصری ازقائم مقام ابیاتی ( در حدود ۴۰۰ بیت ) از وی انتخاب و چاپ گردیده است.

## ۱۰۴۳

**دیوان قدسی مشهدی**

این نسخه شامل مثنوی در مدح کشمیر وقصائد وغزلیات وترجیع بند ها و رباعیات وقطعات این شاعر میباشد، برگهائی ازمیان برگهای کنونی نسخه افتاده وبا این نقص درحدود ۸٤۰۰ بیت میباشد و ظاهراً در نیمهٔ دوم قرن یازدهم هجری نوشته شده و دارای یك سرلوح کوچك درآغاز نسخه است وهمهٔ برگهاباطلا وزنگارجدول کشی‌شده وبقرینه‌اینکه‌برگهاوصفحه‌هائی‌ننوشته درنسخه‌میباشد معلوم میشود که نخستین نسخهٔ کاملی است که ازدیوان قدسی ترتیب داده اندو این برگها برای اینست که چون مناسب هر فصل ابیاتی بدست آید جا داشته باشد و نسخه بدین بیت که از مثنوی درمدح

(۱) شرا نام یکی ازبلوك ملایر است

کشمیراست آغاز گردیده :

بنـام پادشـاه پادشاهان سر افرازی ده صاحب کلاهان

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۰۸ ، صفحه‌ای ١٤ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۲۹** .

## ۱۰۴۴

**دیوان قدسی مشهدی**

این نسخه نیز تاریخ نگارش را ندارد ، ظاهراً دراوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده ، درص ۲۷۲ دومهر اسم که تاریخ آنها ۱۱۳۹ و ۱۱٤۳ میباشد ، زده شده وبه پنج بخش تقسیم گردیده : **۱** ــ قصائد مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی (ص۱ــ۱۲۵) ، **۲** ــ غزلیات مرتب بترتیب ردیف ها (ص ۱۲٦ ــ ۲۲٤) ، **۳** ــ رباعیات (ص ۲۲۵ ــ ۲۳۵) ، **۴** ــ ترجیع بندها (ص ۲۳٦ ــ ۲۵٤) و از میان ص۲۵۳ــ۲۵٤ برگهائی افتاده است) و **۵** ــ مثنوی دروصف باغ اکبر آباد (ص۲۵٤ــ۲٦۹) وتمام این بخش ها درحدود ۳۷۰۰ بیت‌میباشند ، دوبرگ‌که‌درآخر نسخه‌بوده‌برآن‌نویسندهٔ‌بدخطی ابیاتی نوشته وبرگهای اول نسخه وصالی شده ، میان ص ۲۱۸ ــ ۲۱۹ و ۲٤۸ ــ ۲٤۹و۲۵۲ ــ ۲۵۳ برگهائی افتاده واول نسخه نیزافتاده دارد وبدین بیت آغاز گردیده است :

پرست دیدهٔ طاس فلك زخون که نکرد
بجـای طاس سر شمع در حریم توجا .

جلد عطف و گوشه تیماج . کاغذ بخارائی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۳۶ . صفحه ای ۱۴ بیت . طول ۱/۲ ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۳۰ .

## دیوان قدسی مشهدی

**قدسی** تخلص حاجی محمدجان (۱) مشهدی است ، بسال ۱۰۵۵ (۲) در هندوستان جهان را بدرود گفته ، استخوانهای او را بخراسان آورده ودفن کرده اند، چون در شهر مشهد مقدس حضرت امام رضا سلام الله علیه السلام متولد گردیده کلمهٔ «قدسی» را برای تخلص شعری خویش برگزیده ، در روزگار جوانی موفق به زیارت مکه معظمه و مدینه طیبه گردیده و از آنجا بهندوستان افتاده ، مقام ملك الشعرائی یافته ، یك مثنوی در مدح کشمیر دارد که نسخه شمارهٔ ۱۰۴۳ شامل آنست ولی از آخر آن بیتهائی افتاده وبدین بیت آغاز شده :

بنام پادشاه پادشاهان سرافرازی ده صاحب کلاهان

یك مثنوی نیز در وصف باغ اکبرآباد دارد که نسخه شمارهٔ ۱۰۴۴ شامل آنست و ۲۲۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

دوش برسوا شدن عالمی بود سرم بر سر زانو دمی

دیوان قدسی گذشته از دو مثنوی نام برده متضمن قصائد وغزلیات وترجیع بند و رباعی و مراثی میباشد و قصیده را بسیار خوب میساخته و تتبع وی از قصائدش آشکار ومکرر بمدح حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پرداخته است .

شرح حال قدسی در هفت ص ۵۳۹ - ۵۴۱ ، هر ص ۸۵ - ۸۸ ، آذر ص ۹۸ - ۹۹ شمع ص ۳۸۳ - ۳۸۴ وتذکره حسینی ص ۲۷۱ - ۲۷۲ نگارش یافته ومراجعه شده است .

---

(۱) نام قدسی بنابرضبط معاصرین وی محمدجان بوده ولی در آذر محمدخان ثبت شده و مسلماً غلط است .

(۲) در مرآت الخیال این تاریخ ثبت گردیده و در شمع بسال ۱۰۵۰ نوشته شده ودر قن ص ۱۶۷ و ۱۷۲ وفات قدسی بسال ۱۰۵۶ ثبت شده و گوینده از شعرای کوچك اینعصر است وقول اول در اثر قرب عهد گوینده آن بشاعر اولیست .

۱۰۴۵

**دیوان قصاب مازندرانی** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده نام خود وسال نگارش را ننگاشته طرز خط و کاغذ و مرکب شهادت میدهند که از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم میباشد و اصلاحات مختصری که در ابیات بخط نویسندهٔ دیگری شده این احتمال را ایجاد میکند که خود شاعر تصحیح کننده است و مندرجات آن عبارتست از : ۱ ـ قصائد درحمد ونعت و منقبت ائمهٔ اثنی عشر ع (ص ۱ ـ ۶۵ و ۲۴۰ ـ ۲۴۶ )، ۲ ـ غزلیات ( ص ۶۶ ـ ۲۳۵ )، ۳ ـ ترجیع بند (ص ۲۳۵ ـ ۲۴۰ )، ۴ ـ مقطعات ( ص ۲۴۶ ـ ۲۵۶ ) و ۵ ـ رباعیات ( ص ۲۵۷ ) . وتمام دیوان درحدود ۳۵۰۰ بیت است وبدین بیت آغاز گردیده :

کنم ثنای کسی کو بگردش پرکار

عیان نمود چنین ماه وسال ولیل ونهار

جلد میشن . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۲۹ . صفحه ۱۳ و ۱۴ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۶۱۵۰ .

## دیوان قصاب مازندرانی

**قصاب** تخلص را نگارنده با صاحب این دیوان چهار نفر میشناسد : ۱- **امیر بیك اصفهانی** که پیشهٔ قصابی داشته ودر ص ۵۰۷ **رو** معرفی گردیده و این بیت از اوست :

روزی بشب کنم بصد اندوه سینه‌سوز شب را سحر کنم بامید کدام روز

۲ - **قصاب یزدی** است که در ص ۳۲۱ « تاریخ یزد آیتی » نامبرده شده وگوید نام وی در تذکره های هندی مذکور است و این بیت ازاوست:
خوش گلشنی است حیف که گلچین روزگار    فرصت نمیدهد که تماشا کند کسی.
۳ - یغمای جندقی ( ۱۱۹۶ - ۱۲۷٦ ) (۱) غزلیاتی در مطایبه و هجو بتخلص قصاب سروده و بقصابیه مشهور میباشد و دیوان وی که بسال ۱۲۸۳ در تهران چاپ شده شامل آنهاست ( ص ۲۱۸ - ۲۳۱ ) . ۴ - صاحب دیوانی که در ذیل « **مجموعه‌دیوانها** » در این فصل از آن معرفی میشود وظاهراً جز دو نفر نامبرده اول ومسلّماً غیراز یغمامیباشد و۵ - صاحب این‌دیوانست که بنابر تصریح در این بیت ها :
۵ ص ۳۸ نه :

رود ز کشور مازندران بخطه گیلان    عریضهٔ من مضطر بلاهجان برساند

ص ۲۷ نه :

صیت انعام تو یابیرون نهاد از ملک گیلان    شهرت احسان تو زانجاسوی مازندران شد

ص ٦۹ نه :

کنون باز تیغ زبان من اکنون    مسخر نمود است مازندران را

ص ۲٤۸ نه :

غرض دوروزدگر میروم به‌مازندر    چه من غریب بگیلان کسد گر نبود

و اشاراتی که در ابیات دیگر دارد مازندرانی است و بمداحی این‌بزرگ وآن بزرگ واین خان وآن خان و گرفتن صله روزگار میگذرانیده وگاهی بلاهجان وگاهی در کسکر بوده وتاریخ بنائی بنام **سیمبر** که‌صالح خان‌نام در آنجا ساخته گوید :

گفت قصاب بهر تاریخش    سال تاریخ **غرد مه** باد

و این ماده تاریخ سال ۱۲۵۰ را میرساند و نیز در ص ۲۳ - ۲۵ ورود شاهزاده‌ملك‌آرا را به‌مازندران بقصیده ای‌تهنیت گفته وچنانکه در روضة‌الصفا ناصری مندرج است این شاهزاده بسال ۱۲۵۱ بحکومت آن خطه منصوب گردیده است و از این دو تاریخ زمان و عصر شاعر بدست آمد .
گویا از مازندران و گیلان تجاوز نکرده و بجای‌دیگر نرفته ولی آرزوی رفتن بشیراز را داشته چنانکه در ص ۲۹ گوید :

**ازین شهر قصاب بگذر ز همت    بشیراز بر همچو طبع روان را**

---

(۱) شرح حال یغما تألیف آقای حبیب یغمائی شاعر معاصر چاپ تهران ص ۲۲ - ۲۵ . دیده شده .

پایه و مایه شاعر از نقل این ابیات بدست آمد و نیازمند تصریح نیست و نام و اثری ازو در تذکره های این عصر و پس از آن یافت نشد .

۱۰۴۶

## دیوان قطران تبریزی

این نسخه را بسال ۱۳۳٤ عبرت نائینی بخواست سردار معظم خراسانی بخط نسخ نوشته وشامل قصائد (ص۱ ـ ۳۲۰)، ترجیع بند و ترکیب بندها ( ص ۳۲۱ـ۳٤٦ )، مسمط ها ( ص ۳٤۷ ـ ۳٥٤ )، مقطعات (ص۳٥٥ـ٤۱٦)، مثنوی ( ٤۱۷ـ٤۲۱ ) ورباعیات (ص٤۲۲-٤٤۲) میباشد وبخشها مرتب بترتیب حروف تهجی ودرحدود ۸۸۰۰ بیت است وبدین شعر آغاز گردیده :

سرخ گل بشکفت و زو شد باغ و بستان بابها
خلد بگشاده است سوی باغ وبستان بابها.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۲۲ . صفحه‌ای ۲۱ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۹۵ .

### دیوان قطران تبریزی

**قطران** بن منصور اجلی از مشاهیر شعرای قرن پنجم هجری ایرانست، بسال ٤٦٥ وفات یافته ، قصائد بسیار غرّا در مدح ملوك و امراء معاصر انشا نموده ، چند مثنوی دارد ، یکی از آنها « قوس نامه » است که بنام امیر محمد بن امیر قماج والی بلخ انشاشده وبنابنقل مرحوم تربیت ازسراج الدین علیخان آرزو این مثنوی بروزن سبحة الابرار جامی است ، چنانکه یکی ازمثنویهای دیگر وی هم که امین احمد از آن ابیاتی نقل نموده بهمین وزن میباشد ، دولتشاه قطران بن منصور صاحب قوسنامه را ترمذی دانسته ولی از بیانات وی

بدست میآید که مرادش همین قطران تبریزی است وعوفی قطران را زیراین عنوان: **الحکیم شرف الزمان قطران العضدی التبریزی** معرفی کرده(در تذکره های کهن سال ومجله ارمغان تصریح شده که **عضدی** غلط و **ازدی** درست است) وناصرخسرو اورا درتبریز بسال ٤۳۸ ملاقات نموده ومسلماً تاسال ٤٦٥ زنده بوده، فرهنگی پارسی تألیف کرده که نخستین فرهنگ این زبان میباشد ، دیوان وی تاده هزاربیت دیده شده ونسخهٔ کتابخانه جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس دیوان کشور شامل ده هزار بیت میباشد . وبر اشعارمشکلهٔ آن شرحی نگارش یافته وازآن معرفی خواهد شد و اشعار قطران بارودکی اشتباه میشود دیوان رودکی که بسال ۱۳۱۵ در تهران چاپ شده شامل بسیاری از اشعار قطران است .

شرح حال قطران درسفرنامه ناصرخسرو(چاپ برلن)ص۸، **لب** ج۲ص۲۱٤ـ۲۲۱ ، **تذ** ص ٦۷ـ٦۹ ، **هم** ص ۱۰۱۷ـ۱۰۲۱ م . س ، **شا** ص۳٦۵ ، آرص۳٦ـ۳۷ ، **ما**ج۱ ص٤٦٦ـ٤۷٦ ، **سخ** ج۲ص۱۳۰ـ۱٦۰ مجلهٔ ارمغان سال ۱۲ص٤۵ـ۵۸ ود آص۳۰۷ـ۳۰۹ نگارش یافته ومراجعه شده است .

**۱۰۴۷**

**دیوان کلیم کاشانی**

این نسخه را بخط نسخ عبرت نائینی بسال ۱۳٤۰ بخواست سردار معظم خراسانی نوشته، پشت صفحهٔ نخستین خط ومهر مالک نام برده میباشد ،مشتمل برقصائد (ص۱ـ۵۳) ، ترجیعات (ص۵٤ـ٦۱) ، مقطعات (ص ٦۲ ـ ۸۱) غزلیات (ص ۸۲ ـ ۲۵۱) و رباعیات (۲۵۲ ـ ۲٦۲) مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی میباشد و در حدود ۵۷۰۰ بیت است وبدین بیت آغاز گردیده :

روزگارم بس که دارد ناتوان ازدردپا

چون دم تیشه است برپا عطف دامان قبا

جلد عطف و گوشه تیماج . کاغذ فرنگی زردرنگ. قطع رحلی. شمارهٔ برگها

۱۳۱ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳٦۷** .

**۱۰۴۸**

## دیوان کلیم کاشانی

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، برگهائی از آغاز ومیان وانجام آن افتاده، ابیاتی از کلیم نیز درحاشیه نوشته شده ودر حاشیهٔ ص ۱۷ و ۲۰٤ و ۲۳۵ و ۲۳۷ ابیاتی ازعرفی، **تابعاقهی**، ملاعبدالرزاق قمی، میرمحمدمحسن طبیبِ **حکیم** تخلص نیز نگارش یافته، طرز خط و کاغذ میرساند که تاریخ نگارش آن درنیمهٔ اول قرن یازدهم هجری بوده وشاید بعضی از ابیات حواشی بخط خود کلیم باشد وجز چند بیت مثنوی کلیم که در حواشی برگهای اواخر میباشد همه اشعار مندرجهٔ درنسخه، غزل ودرحدود ٤٠٠٠ بیت است وبرگهائی از آن وصالی گردیده وابیاتی ازمیان رفته وبدین بیت آغاز میشود:

تاخانمان مارا برباد داده آب      مانند اشك ازنظرما فتاده آب

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۵٤ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۸٦** .

## دیوان کلیم کاشاني

**کلیم** تخلص ابوطالب کاشانی است که از شمرای قرن یازدهم هجری بوده وبسال ۱۰٦۱ وفات یافته وبنا برتصریح خود وی اصلاً از اهالی همدانست :

(دردامن الوند اگر غنچه شود گل      زنهار مگوئید کلیم ازهمدان نیست)

در عهد شاه جهان بهندوستان رفته و مقام ملك الشعرائی یافته ، با صائب

تبریزی ومیرمعصوم کمال دوستی داشته وصائب این معنی را دراین بیت گوید :
بغیرصائب ومعصوم نکته سنج وکلیم        دگرکزاهل سخن مهربان یکدگرند.
از اشعار مندرجهٔ در دیوان کلیم علاقمندی وی به اهل بیت ع و تشیع وی آشکارودیوان وی شامل قصیده وقطعه وترکیب بند وترجیع بند وغزل ورباعی میباشد و «ظفرنامه شاه جهانی» (۱) یکی از آثار اوست .

خوشگو شمارهٔ ابیات دیوان و مثنویهای او را (کلیات) سی هزار نوشته ونسخه ای از دیوان وی که ظاهراً از نظر کلیم گذشته و غزلیات و ابیاتی در حواشی آن زیرعنوان **لراقمه** نگارش یافته ، در کتابخانهٔ مدرسه عالی سپهسالار موجود و شامل ۸۰۰۰ بیت میباشد و تا کنون نگارنده بیش از این اندازه از دیوان او را سراغ نیافته است .

شرح حال کلیم در **خو** ، **آر** ص۲۰۱ - ۲۰۲ : **ما** ج ۲ ص ۲۸ ، **شم** ص ۴۰۲ - ۴۰۵ و**تق** ص ۱۷۳ - ۱۷۵ نگارش یافته ودر بعضی از آنها منتخبی از اشعار وی مندرج گردیده ومراجعه شده است .

## ۱۰۴۹

**دیوان کمال اسمعیل**

این نسخه بخط نسخ بسال ۷۲۵ نگارش یافته، برگهائی از آن (ص ۱-۳۷ و ۳۷۸-۳۷۹ و ۴۰۶ - ۴۱۲) بخط نستعلیق نوشته شده اگر چه ظاهر اینست که تاریخ نگارش آن بااصل نسخه یکی است امّا نگارنده درآن تردید دارد ولی مسلّماً پیش ازسال ۱۰۰۰ نوشته شده ویاد داشتهائی پشت صفحهٔ نخستین از سال ۱۰۰۱ به بعد موجود و بر کنار ص ۲۳۱ تاریخ تولد فرزندی بسال ۸۲۹ نوشته شده وازمیان ص ۲۵۷ - ۲۵۸ ابیاتی افتاده ودر پایان آخرین صفحه یادداشتهائی موجود وپایان یکی از آنها محو گردیده وحاشیهٔ بسیاری ازبرگها

۱ - درح ص ۵۴۰ می نگارش یافته که این کتاب را قدسی مشهدی متوفی بسال ۱۰۵۶ انشا نموده ولی بپایان نرسیده، زندگی وی بپایان آمده وکلیم آنرا بپایان آورد .

را موریانه سوراخ کرده ونسخه شامل قصائد و مقطعات و غزلیات ومثنوی و رباعیات میباشد ودرحدود ۱۳۰۰۰ بیت است وبدین بیت آغاز گردیده :

ای صفات تو بیانها را زبان انداخته

عزت ذاتت یقین را در گمان انداخته .

جلد میشن . کاغذ حنائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۰۲ . صفحه ای ۱۹ بیت . طول ۴۲ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۸۹۲** .

**۱۰۵۰**

## دیوان کمال اسمعیل

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب محمدمیرك غازی بسال ۱۰۱۲ نوشته شده (ص ٦١٦) محمدسعید بن محمد صالح مازندرانی بسال ۱۰۷۲ بتصحیح این دیوان بامقابله باچهار نسخه پرداخته و قصائد ومقطعات وغزلیات وترکیب بند وترجیع بندهائی که دراصل نسخه نیست و در نسخ دیگر که مورد مقابله و تصحیح بوده ، مرتب بترتیب حروف تهجی گردیده و در آخر نسخه (ص ٦٢١ـ٧٧٦) گذارده شده و در ابتدای آن محمدسعید نام برده، دیباچه ای بنثر انشا و در پایان آن تاریخ گذارده و امضا کرده و چهار سطر آخر نیز خط اوست .

بیشتر ازبرگها وصالی گردیده (درنیمه دوم قرن سیزدهم هجری) وسرلوح اول نسخه الحاقی میباشد وهمهٔ برگها جدول کشی شده ؛

ص ۶۱۷و۶۱۸ شامل یادداشتهائی بوده محو گردیده آثاری از آنها آشکار است و پایان ص ۶۱۶ نقاشی و تذهیب گردیده و اصل دیوان درحدود ۱۰۰۰۰ بیت و ملحقات آن در حدود ۵۳۰۰ بیت میباشد که مجموعاً پانزده هزار و سیصد بیت میشود و بدین بیت آغاز گردید:

ای ازفراز سدره برافراشته علم ای صورت شفای تودر سوْرت الم.

جلد تیماجی طلا کاری .کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۸۸. صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۴ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۲۸۹۳.

## دیوان کمال اسمعیل اصفهانی

**کمال الدین اسمعیل** اصفهانی از مشاهیر سخن سرایان قرن ششم و اوائل هفتم هجری است در ص۲۴۸ - ۲۴۹ بمعرفی پدر وی جمال الدین عبدالرزاق پرداختیم ، در شعر و شاعری مقامی ارجمند دارد ، اورا « **خلاق المعانی** » لقب داده‌اند ، در دیوان او مدائح خوارزمشاهیان و صاعدیه و صدرالدین خجندی و شهاب الدین عمر سهروردی و امراء و صدور این عصر بسیار است .

ازمکتوب نثری وی که نسخهٔ شمارهٔ **۳۶۵** کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار شامل آنست قدرت کامل بر نثر نویسی شاعر آشکار و گویند برخلاف دانشمندان از مال دنیا بهره ها داشته و چنانکه ازدیوان وی استفاده میشود عمری عادی نموده و دریکی از قصائد از پیری شکایت کرده و شصت و چندسالگی خود را یادآور شده :

( دریغ و غم که پس از شصت واندسال از عمر
بناگهان بسفر میروم نه برگ و نه ساز )

و بنا بر ضبط در **تذ** بسال ۶۳۵ در حمله مغول باصفهان شهید شده و گویند خود در آخرین رمقی که داشت این رباعی را نوشت :

دل خون شد و شرط جان گدازی اینست — در مذهب ما کمینه بازی اینست
با این همه هم هیچ نمی یارم گفت — شاید که مگر بنده نوازی اینست

دیوان کمال الدین اسمعیل شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و ترکیب بند و ترجیع بند و رباعیات و ابیاتی بوزن مثنوی میباشد و اشعار وی بسیار لطیف وسهل

و ممتنع است ، تخلص ندارد و تقط در یکجا کمال الدین را در شعر آورده و هدایت شمارهٔ ابیات اورا ده پانزده هزارنوشته ونسخه دوم دیوان این کتابخانه چنانکه گذشت بیش از پانزده هزار بیت است .

حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده نوشته : رسائل بکمال دارد ازآنها «رساله قوسیه » است ولی نگارنده تاکنون به این رساله (درفهرست دستی کتب خطی کتابخانه ملی (تهران ) بطریق نام کتابی دیده ام) ودیگر رسائل کمال الدین دست نیافته و در گزیده چاپ عکسی این جملهٔ نقل شده نیست ولی درنسخ خطی گزیده موجود است .

دیوان کمال اسمعیل بسال ۱۳۰۷ در هند چاپ شده است .

شرح حال کمال الدین در **گز** ص۸۲۴- ۸۲۵ عکسی، **تذ** ص۱۴۸-۱۵۴، **آر**ص۱۹۱-۲۰۱ و**ما**ج۱ ص۴۸۹ - ۴۹۴ نگارش یافته ومراجعه شده است .

## ۱۰۵۱

**دیوان کمال خجندی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ نخستین دیوان که دارای تذهیب وقرینه برگ نخستین کنونی بوده و برگهائی هم ازآخر نسخه افتاده، برگهای اواخر هم آثار آبدیدگی دارد وابیاتی هم ازآنها محو گردیده وبرخی ازآنها وصالی شده وپاره ای هم نیازمند است، ظاهراً درقرن نهم نگارش یافته و عنوان غزلیات باطلا نگاشته شده وبرگها باطلا جدول کشی گردیده وشامل غزلیات ومقطعات ورباعیات میباشد وبیت اول کنونی نسخه اینست :

در حریم ملکوتش که ملك راه نیافت

عقل وحس امر محالست که یابند مجال

وبیت آخر نسخه ( موافق نسخه کهنه مورخه بسال ۸۲۱ م . س ۷۲ بیت باخر دیوان مانده میباشد ) اینست :

بحر معنی حسام ملت ودین ای مفاخر بگو[هر] توعقول .
جلد مقوائی . کاغذ بخارائی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۲۰۴ . صفحه‌ای ۱۱ تا ۱۳ بیت . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض $12\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۷۹۴۴** .

## دیوان کمال خجندی = ترجمان الحال لاصحاب الکمال

**کمال خجندی** ازمعاریف عرفا وسالکین قرن هشتم هجری میباشد ، با **خواجه حافظ** معاصر بوده وبرای یکدگر شعرمیفرستاده‌اند ، امین احمد رازی گوید : «عارفان که بصحبت شیخ کمال وخواجه حافظ رسیده‌اند گفته اند که صحبت شیخ کمال به ازشعرش بوده وشعرخواجه حافظ به ازصحبتش» کمال ازوطن‌خودخجند(۱)بقصدزیارت کعبه معظمه حرکت‌وپس‌ازاداء حج‌ومراجعت‌در تبریز مسکن گزید وازآنجابه **سرای** رفته وچهارسال آنجا بود وسپس به تبریز بر گشت ، وفات کمال‌رادولتشاه‌وآذروهدایت‌بسال ۷۹۲ نوشته‌اندواین‌درست‌نیست چراکه درمقدمه نثری نخستین دیوان وی که یکی ازمعاصرین خجندی نوشته ، ودر کتابخانه **م . س** موجوداست گوید : «بسال ۷۹۸ ازشهر **سرای** ودشت قبچاق به تبریز برگشته ودرنس **وهم** وفات وی بسال ۸۰۳ ودر مجالس العشاق بسال ۸۰۸ ثبت گردیده وبایستی یکی ازاین دو تاریخ درست باشد .

سلطان حسین‌بن سلطان اویس ( ۷۷٦-۷۸٤ ) ایلکانی برای وی‌خانقاهی ساخته وامیرانشاه‌بن امیرتیمور گورکان که از طرف پدر یازده سال حکومت آذربایجان را داشت نسبت به شیخ اظهاراخلاص میکرده وروزی که کسان وی بباغ شیخ رفته اند ومیوه های آنرا خورده اند امیرانشاه ده هزار دینار قرض شیخ را در اثر کار ایشان همانجا بداد .

کمال خجندی رادراثر اینکه بسبك حسن دهلوی ببحرهای سبك وردیف و قافیه های غریب‌شعر گفته‌**دزد حسن** گفته‌اندوازاین بیت **کمال** که درهم نقل گردیده :

« کس برسرهیچ رخنه نگرفت مرا معلوم همی شود که دزد حسنم »

معلوم میشود که این مطلب درهمان زمان شهرت یافته ودر تعریض بر گویندگان خودشاعراین بیت‌راساخته وجامع نسخه درمقدمه آنرا «ترجمان الحال لاصحاب

(۱) خجند ازشهرهای ماوراءالنهر ودرمغرب اندجان به پنج‌فرسنك قرار گرفته ومیوه های آن معروف است .

الکمال» نامیده است .

جز غزلیات و مقطعات ورباعیات وفردهائی از کمال شمردردست نیست ولی بنا براین مصرع که در برگ ۲۰٤ نسخه این کتابخانه موجود است : « درابتدای سفر من قصیده‌ای گفتم » . معلوم میشود که قصیده سرائی هم مینموده ولی در دست نیست و در زمان خود وی دیوانش مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف هاگردیده ویکی ازمعاصرین مقدمهٔ بنثر برآن نگاشته ودرحدود ۳٤۰۰ بیت میباشد ونسخه‌ای از آن که بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده زیرشمارهٔ ۳٦٦ درکتابخانه م ۰ س موجود است ونسخهٔ این کتابخانه درحدود ۲٦۰۰ بیت از آن نسخه بیشتر است وبقرینه اینکه غزل بردیف چشم که در تذ موجود است وبرخی ازابیات دیگر که درآنجا میباشدودرنسخه این کتابخانه نیست معلوم میشود که نسخهٔ این کتابخانه هم همه غزلیات وابیات را دارا نیست.

شرح حال کمال خجندی درنس ص ٥٤۹ – ٥٥۰ ، مجالس العشاق مجلس ٤٤ ، تذ ص۳۲٥ – ۳۳۱ ، هم ص۱۲۱۰ م ۰ س ، آر ص ۳٤٦-۳٤۷ ، ما ج ۲ ص ۲۹ وتل ص٤٥۹ نگارش یافته ومراجعه شده است .

**۱۰۵۳**

**دیوان گوهر [یا] گهر**

این نسخه ظاهراً بسال ۱۲۰٦ نوشته شده وبقرینه کلمهٔ **بلغ** که درکناربرخی ازبرگها مشاهده میشود شاید از نظر شاعر گذشته وتصحیح گردیده باشد، وشامل غزلیات مرتبهٔ بترتیب حروف تهجی (ص۱–۷٥)، یك مثنوی در مرثیهٔ حضرت سید الشهداء ع (ص۷٦–۸۰) وماده تاریخها ودو غزل (۸۱–۸۳) است وهمهٔ اینها در حدود یکهزار(۱۰۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

یك دیده شش جهت چو گهر گشته ایم ما
یعنی جهان چشم و نظر گشته ایم ما

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ٤٤ . صفحه‌ای ۱۳ بیت . طول ۲۱ و $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۳٥ .

## دیوان گوهر یا گهر

**گوهر** یا **گهر** تخلص محمد باقر خان میباشد و فقط در شمع (ص۴۰۹) بدینگونه معرفی شده :

« **گوهر** محمد باقر خان از اکابر مدارس و اعاظم‌قوم نائط بوده، نظم آبدارش سلك گوهر بی بهاست و جواهر اشعارش در نهایت لمعان وصفا، در سرکارنواب والاجاه اعتبارتمام‌داشت وبحصول قریه بطورسیورغال سر مفاخرت می‌افراشته، دراواخر سنهٔ ۱۲۰۰ گوهر حیات خود را بسلك فنا کشید » واز وی چهار بیت که درص۱۱و۴۳و ۴۴ و ۷۱ نسخهٔ این کتابخانه‌نگارش یافته، انتخاب نموده، در ماده تاریخ هایاین دیوان کشته شدن یکی‌ازستم پیشه گان را بسال ۱۱۹۸ معین نموده و ماده تاریخ هائی راجع به پیش از این تاریخ دارد و این دو بیت که در ص ۴۲ نسخه میباشد :

زبان لال درس شرح تجرید است پنداری
که از چشم سخنگوحکمت‌العینی‌زبر دارد

زند اکلیل منت بر کلاه خویش احسانش
امیرالهند گوهر را اگر از خاك بردارد

دلالت دارد که از کتب کلامی وحکمی اطلاعی داشته وگاهی درغزلیات دیگر بعضی‌از اصطلاحات‌این‌دو علم‌را یادنموده وجمله هاومصرعهای‌عربی‌هم‌درابیات وی دیده میشود، اشعاروی‌تعریفی‌ندارد ولی‌بخیال‌خود وحیدزمان‌بوده وچنین گوید؛
گهربنظم ادب درخیال خویش وحید   زآب لعل دهن شسته گفت نام مرا
و این چند بیت ازو در اینجا آورده میشود :

ص ۱۶ نه :

درین زمانه سخن فهم کو حواس کجا
خزف شناس ندیدم گهر شناس کجا

ص ۱۸ نه :

تادل هوس دیدن آن سیم بری داشت
شب انجمنم فرش حریرسحری داشت

ص ۴۷ نه :

بشنوید از لب آن شوخ فسون ساز از من
آن نوائیکه شنیدن نشنیدست هنوز

## ۱۰۵۳ و ۱۰۵۴

**دیوان مجدالدین همگر و لوامع‌الاشراق دوانی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده و دو بخش میباشد، در آخر بخش نخستین (ص ۳۹) تاریخ نگارش بسال ۱۰۰۹ ثبت گردیده و بخش دوم مسلّماً بخط نویسنده نخستین ودر همان سال خواهد بود و در پایان این بخش چند بیت فارسی از عبدالرحمن وهبی افندی نقشبندی مالك اخیر نسخه نوشته شده و ابیات این دیوان درحدود ۳۰۰۰ بیت است و بخش نخستین بدین بیت آغاز گردیده :

کجاست در همه ملك جهان سلیمانی
که مهر دل نسپارد بدست شیطانی

و آغاز بخش دوم این بیت است :

پیراهن گردون مگر، صد جا گریبان ساخته
وز کشت زار آسمان، صد جا گلستان ساخته

کتاب «لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق» تألیف جلال‌الدین دوانی (محمدبن اسعد متوفی بسال ۹۰۸) که بنام اخلاق جلالی معروف گردیده (درمجلد پیش از این زیر شمارهٔ ۸۵۳ نسخهٔ دیگری از این کتاب معرفی شده) بسال ۱۰۱۹ بخط نستعلیق نوشته شده و بدین نسخه پیوسته است.

جلد مقوا . کاغذ کشمیری . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگهای دو کتاب ۲۳۷ .

این‌دیوان ٦٧. صفحه‌ای ٢٠ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ٢٣ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ١٣ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **١٣٧٦٣** .

**(١٠٣٣)**

دیوان **مجدالدین همگر**

این نسخه پیوسته به **دیوان عنصری** است که درص٣٦٤معرفی گردیدوشامل‌درحدود سه هزار ( ٣٠٠٠ ) بیت از قصیده و غزل و ترکیب بند ورباعی میباشد وآغاز آن، آغاز بخش نخستین نسخهٔ پیشین است وبدین بیت خاتمه می‌یابد:

طرب گزین که بمدح تو ( کند) بلبل نطقم
عراق رازنوا کـرد خوش تر از عشاق

که در ص ٩٦ نسخهٔ پیشین موجود است و در آنجا دوازده بیت دیگر پس ازاین بیت است و کلمه ( کند) در آنجا نیست و مسلماً **کند** درمصراع معنی ندارد .

خصوصیات دیگرنسخه درص ٣٦٤ زیر شمارهٔ **١٠٣٣ و ١٠٣٤** نگارش یافته است .

دیوان مجدالدین همگر

**مجدالدین همگر** از شعرای معاصر سعدی و امامی است ، اصل وی از یزد میباشد و خود را از تخمهٔ ساسانیان میداند :

هستم ز نسل ساسان نز تخمهٔ تکین  هستم ز صلب کسری نز دودهٔ نیال

(ص ١١ نه ١) وازیزد بشیرازآمده ومقام ملك‌الشعرائی ابوبکربن سعد زنگی (٦٢٣-٦٥٨) را یافته وباوی نردمی‌باخته وازاومی‌برده وچندی مقام صدارت

یافته و در اواخر باصفهان شتافته و مداحی بهاءالدین محمدبن شمس‌الدین محمد صاحب دیوان را اختیارنموده و بسال ۶۸۳ که امامی هروی وبدرجاجرمی(۱) نیز بدرود گفته‌اند بجهان دیگر شتافته است .

مجد همگر درقصیده سرائی معروف است ولی در انشاء غزلیات و رباعیات و ترکیب بندها نیز دست توانائی داشته و بنابر تصریح خود وی درنثرنویسی هم‌مقتدربوده، چنانکه‌درقصیده‌ای که بردیف دست انشانموده گوید: (ص۱۹ نه۱)

بلند قدرا دانی که هیچ وقت ندارد　　بنظم‌ونثر کسی‌راسخن بدینسان دست

استادی مجد همگر درزمان خود وی مسلم بوده وچون مطلبی ادبی مورد بحث معاصرین میشده داوری را بیش وی می آورده اند و نظر **مجد** قاطع و فاصل نزاع بوده چنانکه داوری وی در باره سعدی وامامی در ص ۲۲۸ نقل گردید ونیزازمندرجات دیوان مجد برمی‌آید که دانشمندان کاشان درترجیح شعرظهیر **فاریابی** بر **انوری** خلاف کرده‌اند وداوری را به **مجد** بر گزار نموده و او **انوری** را ترجیح داده و از آنجاست ( ص ۴۷ نه ۱ ) :

جمعی زاهل خطهٔ کاشان که برده‌اند　　زارباب فضل وفطنت گوی سخنوری

..............................

تفضیل می‌نهاد یکی شمس بر قمر　　ترجیح می نهاد یکی حور بر پری

..............................

شعرظهیرا گرچه‌بر آمدزجنس نظم　　باطرز انوری نزنند لاف همسری

..............................

اینست اعتقادرهی دردوعذب گوی　　گر تو مقلد نظر مجد همگری

شرح حال مجد همگر درتذ ص ۱۷۶-۱۸۱ ، هم ص۱۷۶ - ۱۷۸م . س. آر ص ۳۰۷-۳۰۹ ، ما ج ۱ ص ۵۹۴ - ۵۹۸ ، قل ص ۵۳۷ ، رو ص ۶۰۷-۶۰۹ وتاریخ یزد آیتی ص۳۲۷-۳۲۹ نگارش یافته ومراجعه شده است .

## ۱۰۵۵

**دیوان مجمر اصفهانی**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده، ظاهراً درنیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری وپس

(۱) بحاشیهٔ ص ۲۲۷ مراجعه شود .

از مرگ شاعر نگاشته شده ، واحتمال زیاد دارد که برای پادشاه عصر ، فتحعلیشاه تهیه شده باشد ، دوسرلوح زیبا درآغاز نسخه ودرابتداء غزلیات وی که مسمی به «تحفة الملوك» میباشد (ص۲۷۹) گذارده شده ، و کنار این دوصفحه وصفحهٔ مقابل آنها ومیان سطرها یشان تذهیب برگ موی وطلا اندازی شده وبرگها بطلا ولاجورد وزنگار جدول کشی گردیده ومندرجات دیوان عبارتست از : **۱** ــ حکایات نثر و نظم بطرز گلستان (ص ۱ ــ ۲۰) ، **۲** ــ مثنوی خطاب بعشق و عقل وسخن (ص ۲۱ ــ ۵۰) ، **۳** ــ قصائد و ترکیب بند و ترجیع بند ها (ص ۵۳ ــ ۲۰٤) ، **۴** ــ مقطعات (ص ۲۰۵ ــ ۲۷۷) **۵** غزلیات مسمی به تحفة الملوك (ص ۲۷۹ ــ ۳۲٤) ، **٦** ــ غزلیات قدیم (ص ۳۲۵ ــ ۳۷۱) و پس از اتمام ردیف یاء مدیحه ای ازیکی از شاهزادگان ومرثیه ای موجود است ، **۷** ــ رباعیات (ص ۳۷۳ ـ ۳۸۱) و ۸ ــ فردها (ص ۳۸۱ ــ ۳۸٤) وشمارهٔ اشعار این نسخهٔ ازدیوان در حدود ٤۰۰۰ بیت میباشد .

جلد روغنی گل وبوته دورو ، کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۹۲ . صفحه ای ۱۱ بیت . طول ۲۸ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۴۸** .

**۱۰۵٦**

**دیوان مجمر اصفهانی**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق محمدرضا بن علی نقی طباطبائی بسال ۱۲٤۵ نوشته شده وازلحاظ ترتیب ومندرجات چون نسخهٔ

پیشین میباشد و شاید او را از روی این نسخه نوشته باشند، پشت صفحهٔ نخستین و در پایان صفحهٔ آخر یادداشت مالکیت با مهر عبدالوهاب حسینی موجود ظاهراً خط ومهر مرحوم **نشاط** است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۰۸ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۱/۲ ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۴۷۹۹** .

**۱۰۵۷**

دیوان مجمر اصفهانی

این نسخه بسال ۱۲۲٤ بخط نستعلیق نوشته شده، جز حکایات نثر و نظم نظیر گلستان و مثنوی خطاب بعشق و عقل و سخن که در این نسخه نیست مندرجات دیگر آن بامختصر اختلافی عین دو نسخهٔ پیشین ودر حدود ۳۵۰۰ بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

که کرد بی‌مدد غیر باز گونه بنا پر از اساس جهان سقف گنبد مینا

در آغاز صفحه ۱ و ۲٤۳ دوسرلوح که هردو الحاقی است گذارده شده و در ص ۱۱۱ و ۱۹۳ و ۳٤۸ گلهای زیبا ترسیم ودر ص۱۷۲ و ۲۲٤ و ۲٤۱ و ۲٤۲ و ۳۵۱ تصویر اشخاص و شکارگاهی میباشد ومالك نسخه بسال ۱۲٤۷ پشت صفحهٔ نخستین تملك خویش راباتذکر به اینکه دراینسال در آذربایجان مرض طاعون بوده نگاشته، برگها جدول کشی شده وبرگ آخر وصّالی گردیده‌است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۷۸ . صفحه ای ۱۱ بیت . طول ۲٦ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۸۸٦** .

## دیوان مجمر اصفهانی

**مجمر** تخلص سید حسین طباطبائی زواری است که از شعرای اوائل قرن سیزدهم هجری بوده (۱۱۹۰-۱۲۲۵) و فتحعلیشاه او را **مجتهد الشعرا** لقب داده ، در **مدرسهٔ کاسه گران** اصفهان مسکن داشته و معتمدالدوله (میرزا عبدالوهاب نشاط متوفی بسال ۱۲۴۴) ویرا بمنادمت خویش بر گزیده، راوی گروسی بسال ۱۲۱۸ در آنمحفل بزیارت مجمر نائل آمده و بنا بر تصریح خود وی در دیدار نخستین مجذوب اخلاق و فضائل اوشده و بااو الفت بی‌نهایت گرفته و درباره وی گوید : «در بدو عمر که هنگام اکتساب کمال است تحصیل مقدمات ادبیه کرده گاهی نیز بشغل تذهیب مشغولی داشت تا از ارباب دولت بی فتوت دنیامنش برذمت همت ثابت نیاید و ازدست رنج وجه کفاف مهیا آید معیشتی نیز بر وجه گزاف مهنا» .

چون معتمدالدوله از اصفهان رخت بر بست سید را با خود از آن شهر برون آورد وچون در آن ایام پادشاه در ایروان بود بدانجا شتافتند و بوسیله ملك الشعرا ( صبا ) بحضور پادشاه معرفی شد و مورد تفقد گردید و ندیم شاهزاده حسنعلی میرزا شد و در سی و پنجسالگی بسال ۱۲۲۵ وفات یافت و در **قم** بخوابگاه ابدی خویش آرامید .

دیوان مجمر که شامل قصائد و غزلیات و ترکیب بند و ترجیع بند ومقطعات و رباعیات میباشد در حدود ششهزار بیت است و ، بسال ۱۳۱۲ درطهران با تصحیح ومقدمهٔ مرحوم میرزا ابوالحسن **جلوه** اصفهانی که از حکمای متاخر و از منسوبین شاعر بوده چاپ شده واین نسخه نیز شامل حکایات نظمی و نثری مجمر میباشد که نظیر گلستان پرداخته است .

شرح حال مجمر در **خن** انجمن سوم ، **ما** ج ۲ ص ۴۶۵-۴۷۳ ومختصری در مقدمهٔ دیوان چاپی بقلم مرحوم جلوه نگارش یافته و مراجعه شده است .

**۱۰۵۸ و ۱۰۵۹**

**دیوان مختاری**

**و**

**دیوان ازرقی**

این دو نسخه رایحیی نام درشهر آکره بسال ۱۰۱۰ نوشته ، ازطرز خط وجدول کشی و کاغذ و قطع کتاب مسلم است که دیوان عنصری ومجد همگر را که درص ۳۶۴ و۳۹۵

معرفی کرده‌ایم پیوسته این دونسخه بوده و نویسنده مجموعه ای از دیوانها نگاشته بوده و کتابفروشی آنها را ازیکدگر جدا ساخته و فروخته است ، از اول و آخر دیوان ازرقی که از ص ۱ــ۱۰۲ نسخه میباشد برگهائی افتاده ودرحدود ۱۸۵۰ بیت میباشد ودوبیت آغاز وانجام آن اینست :

یاقوت ناب در کف او گشته آفتاب
مینـای سبز بر سر او بسته سایبان
..........................
لیکن آخر زجنان روی که من نتوانم
برسـانم بوجیه و بشرف شکر توهم

ودیوان مختاری از ص ۱۰۳ آغاز شده واز نخستین قصیده‌ایکه دیوانهای قدیمی بدان آغاز گردیده ۱۲ بیت افتاده و این دیوان درحدود ۵۶۵۰ بیت وشامل قصائد وترکیب بندها ورباعیات ومثنوی « **هنرنامهٔ یمینی** » میباشد وبیت نخستین نسخه اینست :

بدیده بود که بر[1] سنگ کاو بود آن گنج
از آن چو خاکش برپشت کاوساخت مکان.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۰۳ . صفحه‌ای ۱۹ بیت . طول ۲۶ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۶۰ .

**۱۰۶۰**

**دیوان مختاری** این نسخه بسال ۱۳۳۵ بخط شکسته نستعلیق برای کتابخانه سردار معظم خراسانی نوشته

(۱) درنسخه های دیگر « هم سنگ » نوشته شده است .

شده، ومالك نسخه درپایان آخرین صفحه بخط خود یادداشت نموده ومهر کرده است،

قصائدوترکیب بندها، قطعات وغزلیات برحسب ردیف هابترتیب حروف هجامرتب نگارش یافته وپس از آن مثنوی «**هنرنامه یمینی**» و در پی آن رباعیات نیزبنظم پیشین نگارش یافته وپیش از شروع بنگارش دیوان فهرست آنها نگاشته شده و سرلوح زیبائی درآغاز دیوان میباشد وبرگهاباطلاولاجوردجدول کشی شده وشمارهٔ ابیات این نسخه درحدود ۵۵۰۰ میباشدو آغاز نسخه این بیت است:

دیدم براه آن ماه راستین را آن نازك وزیبای نازنین را.

جلد عطف وگوشه تیماج. کاغذ ترمه. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۱۷۴. صفحه ای ۱۷ بیت. طول ۱۷½ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۳۶۸.

## ۱۰۶۱

**دیوان مختاری** این نسخه بخط نستعلیق وشکسته نستعلیق نوشته شده، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده، مسلماً ازخطوط نیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجریست، ازیادداشتی که بسال ۱۲۷۶ پشت صفحهٔ نخستین نوشته شده، بدست می آید که متعلق بکتابخانه میرزا محمد تقیِ **سپهر** بوده و نویسندهٔ یادداشت عاریه گرفته ونگارش نسخه چون تنظیم اولیه دیوان وشامل قصائد وترکیب بندهاومقطعات وغزلیات ومثنوی «**هنرنامه یمینی**»

و رباعیات است و نیز درحدود ۵۵۰۰ بیت میباشد و آغاز آن این بیت است :

ترا بشارت بادای ولایت کرمان بفتح نامهٔ شاه از دیار هندوستان

وانجام نسخه این :

چونست که گر توئی مرا بینائی روی شرف الزمان مرا ننمائی

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۹۶ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۱/۲ ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۲۵ .

**۱۰۶۳**

**دیوان مختاری** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، تاریخ ندارد ولی ظاهراً درنیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجری نگارش یافته ، قصائد و ترکیب بندها و مقطعات نسخه مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی است ولی غزلیات ورباعیات درهم نوشته‌شده‌اند و مثنوی « هنرنامه یمینی » شاعر در آخر نسخه میباشد ، نسخه ازغلط وتحریف خالی نیست ، درحدود پنج هزاروصد (۵۱۰۰) بیت است وبدین بیت آغاز گردیده :

روزگاری خوشتر است ازشکر وعنبر تو را

تاسمن در عنبر است و لاله در شکر تو را

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۳۷ . صفحه‌ای ۱۹ بیت . طول ۳۳ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۴۱۱۵ .

## دیوان مختاری غزنوی

**مختاری** تخلص عثمان بن محمد غزنوی ملقب به سراج الدین است که گاهی هم **عثمان** تخلص مینموده و از شعرای قرن پنجم وششم هجری میباشد ، معاصر ومداح ابراهیم بن مسعود بن (یمین الدوله) محمود غزنوی (۴۵۱ - ۴۹۲) ومسعود بن ابراهیم (۴۹۲-۵۰۸) وعضد الدوله شیرزاد بن مسعود (۵۰۸ -۵۰۹) وارسلان بن مسعود (۵۰۹ -۵۱۲) وبهرامشاه بن مسعود (۵۱۲ - ۵۴۷) وخسروشاه بن بهرامشاه (۱) (۵۴۷ - ۵۵۵) ازغزنویها ومداح ارسلان بن کرمانشاه (۴۹۴ - ۵۳۶) و سلیمان بن محمد بن ملکشاه (۵۵۵ - ۵۵۶) از سلاجقهٔ عراق و کرمان وعلاء الدین محمد خان (۴۹۵ - ۵۲۴) ازملوك خانیهٔ ماوراء النهر و ابوالفتح نصر بن خلف پادشاه نیمروز (۱) و وزراء اینان بوده و در دیوان وی مدایحی از شعراء معاصر (امیرمعزی ، سنائی ، اسعدی ، مسعود سعد سلمان) شاعر وجود دارد وقصیده‌ای هم در مدح محمد بن خطیب عامل سند دارد و از اشعار او استفاده میشود که به سند و سمرقند و ماوراء النهر مسافرت نموده ومسلماً مدتی در کرمان بسر برده، نگارنده را عقیده اینست که دوبار بکرمان آمده نخست در اواخر سلطنت مسعود بن ابراهیم وهنگام منازعهٔ میان شیرزاد وارسلان واین سفر در حدود سه سال طول کشیده (۲) وچندماه پس از

---

۱ تاریخ‌های نقل شدهٔ بالا موافق تاریخ روضة الصفا و حبیب السیر و گزیده و طبقات اسلام میباشد ولی در طبقات ناصری که مورد مراجعهٔ استاد محترم آقای قزوینی بوده و درحواشی چهار مقاله بیشتر بدانها تکیه کرده اند اندك اختلافی موجود است و شاعر از شاه نیمروز نصر بن خلف چنین مدح کرده :

پادشا نصر خلف بو الفتح شاه نیمروز     آنکه هر شب خاك در گاهش بعلیین برند

و نیز در جای دیگر (ص ۱۳۱ نه ۲) گوید :

که تاج دین ملك نیمروز نصر خلف     بدست تیغ جهانرا قرار داد و قرار

(۲) در ص ۱۲ نه ۲ گوید :

دوسال وشش مه بوسیدم آن خجسته بساط

که او چوچشمهٔ روز است و آفتاب سُها

واز حسین بن حمزه وزیر ارسلان بن کرمانشاه استدعا نموده که اجازه رفتن بغزنین را از پادشاه بگیرد و از اشعار دیگر استفاده میشود که پادشاه اجازه نداده ومختاری از آنجا به غزنین گریخته است (ص۲۰۵-۲۰۳ نه ۲) .

آغاز سلطنت ارسلان بغزنین برگشته و در این هنگام که سال ٥١٠ باشد شاعر ظاهراً ٣٦ سال داشته بنابراین تولد وی در حدود سال ٤٧٤ بوده است و بار دوم پس از فرار کردن ارسلان از ترس بهرامشاه دوباره بکرمان آمده و این بار زیاد طول نکشیده و ولی از ماندن کرمان عاجز شده و بالاخره بعجز و پوزش برخاسته و مدایحی متضمن معذرت خواهی به پیشگاه بهرامشاه گسیل داشته و در یکی از آنها گوید شایسته است که پادشاه صله‌ای باین شاعر مرحمت نماید که دیگران نداده اند و آن بخشیدن جان بشاعر است(١) که تا این هنگام سابقه ندارد و برای همین مقصد یك مثنوی در حدود پانصد بیت در مدح بهرامشاه (٢) و فتح مهاره هندوستان انشا نموده و آنرا **شهریار نامه یمینی** نام گذارده و آغاز این مثنوی که پیوسته تمام نسخه های دیوان این شاعر (متعلق به این کتابخانه) میباشد اینست :

کنبد لاجورد دائره گرد سال خورد سپهر سال نورد

گذشته از این مثنوی مختاری مثنوی دیگری بنام « شهریارنامه » بتقلید شاهنامه فردوسی دارد که نسخی از آن در موزهٔ بریتانیا موجود است و چنانکه درخاتمهٔ آن کتاب بنظم گفته شده ، شاعر آنرا بامر و فرمان سلطان مسعود غزنوی درسه‌سال برشته نظم آورده و از خود و ممدوح بدین گونه تعبیر میکند

گل باغ و بستان محمود شاه جهانجوی بخشنده مسعود شاه

چو مختاری این بارور داستان بنام تو گفت ای شه راستان

---

(١) ز ابتدای آفرینش تا بوقت پادشاه از بزرگان عفو بودست از فرودستان گناه

تا بیاموزند شاهانی که زر بخشند و سیم رسم جان بخشیدن از سلطان دین بهرامشاه

(٢) مرحوم تربیت در ص ٦٥٤ — ٦٥٦ سال پنجم مجله مهر (آذر ١٣١٦) مختاری را معرفی نموده و گویند که این مثنوی را بنام ارسلان شاه غزنوی بنظم آورده ولی نگارنده را عقیده اینست که بنام بهرامشاه غزنوی انشا شده و گذشته از اینکه مکرر اشاره بنام بهرامشاه و لقب وی (که برحسب تصریح مکرر خود این شاعر و مورخین **یمین الدوله** بوده ) در این مثنوی گردیده و این دو بیت :

زانکه مولی الملوك را ۱۳ امسال پیش بودست دولت و اقبال

صحن هندوستان بپیمود است کافرستان خراب فرمودست

که حاکی از فتوحات پادشاه در هندوستان میباشد در اینجاست و میدانیم که بهرامشاه است که پس از استقرار بر اریکه سلطنت بفتح نقاطی از هندوستان موفق گردیده و ارسلان شاه از جنگها و نزاعهای داخلی فراغت نیافته تا بهند پردازد و نام مثنوی هم دال بر لقب بهرامشاه است .

و مسلماً برادش ، مسعودبن محمود غزنوی ( مسعود اول ) ، که از سال ۴۳۲ تا ۴۴۰ سلطنت کرده نخواهد بود چراکه درعصروی مختاری نام‌شاعری نبوده و این مختاری (عثمان‌بن محمد )هم در زمان آن پادشاه مسلماً بدینجهان نیامده بوده بنابراین ممدوح شاعر مسعودبن ابراهیم‌بن مسعودبن محمودغزنوی است که از سال ۴۹۲ ـ ۵۰۸ سلطنت کرده است .

وفات مختاری در تذکره تقی‌الدین کاشی ( خلاصة‌الاشعار ) بسال ۵۳۴ یا ۵۴۴ بتردیدنقل گردیده‌ولی در نو بنقل از همین تذکره‌بسال ۵۵۴ ودرشاهد صادق‌بسال ۵۳۰ و در آر بسال ۵۴۴ معین شده ولی چون میدانیم که‌مختاری بمدح سلیمان‌بن‌محمدبن ملکشاه پرداخته واین پادشاه سلجوقی‌از موصل بعراق آمده واین‌مدح هم ظاهراً درهنگام سلطنت‌اواست وسلطنت وی هشت‌ماه‌طول کشید وبسال ۵۵۵ آغاز گردیده ، بنابراین مختاری‌تااین سال زنده بوده‌است.

دیوان مختاری شامل‌قصائدومقطعات وترجیع بندهاوغزلیات ورباعیات میباشد ، هدایت شماره‌ابیات آنراهشتهزارنوشته‌ولی تاکنون‌نسخه‌ای‌بیش ازپنجهزارو پانصد بیت(۱) (یاپانصدبیت‌هنرنامه یمینی) نگارنده نیافته‌است و نسخه های کهن‌این‌دیوان بدین بیت که آغاز قصیده ای در مدح علاءالدوله مسعود بن ابراهیم میباشد آغاز گردیده :

ترابشارت بادای ولایت کرمان — بفتح نامه شاه ازدیار هندوستان

شرح حال‌مختاری بامراجعه‌**جا** ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱ **گز** ص ۴۷۰ ـ ۴۷۱ عکسی ، **تذ** ص ۹۳ ـ ۹۴ ، **هم** ص ۲۶۶ ـ ۲۷۱ م . س ، **آر** ص ۱۱۸ ـ ۱۲۱ **ما** ج ۱ ص ۵۹۸ ـ ۶۰۷ ، **فهر** ج ۲ ص ۶۷۲ ـ ۶۷۴ ، شاهد صادق ص ۳۶۸ نسخه خطی‌مجلس وتذکره تقی‌الدین کاشانی نسخه‌خطی آقای صادق انصاری‌وطبقات سلاطین‌اسلام‌ص ۱۳۵ ـ ۱۳۷ و ۲۰۹ ـ ۲۶۱ وروضة‌الصفا وغیره نگارش یافته‌است .

---

(۱) درهنگام تألیف ج ۲ **فهر** نسخه **۱۰۶۰** این کتابخانه راکه دیوان دیگری پیوست بآنست ، نگارنده یکی تصور نموده بود و شماره ابیات بزرگترین دیوانهای‌مختاری راکه بنظروی رسیده ۷۰۰۰ بیت‌نگاشت‌ولی‌پس ازدقت دانست که دو دیوان است و آن نسخهٔ دیوان نیز شامل‌درحدود ۵۰۰۰ بیت میباشد .

**۱۰۶۳**

**دیوان مذنب** این نسخه شامل سه نسخهٔ مکرر از غزلیات و رباعیات این شاعر میباشد، دونسخهٔ اول که ص ۱ ـ ۹۴ و ۹۵ ـ ۲۴۸ نسخه شامل آنست غزلیات ورباعیات در آنها بدون ترتیب نوشته شده و نسخهٔ سوم که ص ۲۴۹ ـ ۴۰۶ شامل آنست مرتب بترتیب حروف تهجی است واین بخش درحدود دوهزارودویست (۲۲۰۰) بیت میباشد وبرگ آخر نسخهٔ اول و دوم بابرگ بعدازهر یك، یکی شده وآغاز کنونی نسخهٔ سوم اینست :

یکشب انیس من نشود گر خیال تو
پهلو بروی خار بود تا سحر مرا

وآغاز نسخه نخستین این بیت است :

ازبسکه دیده ریخت بدامن گهر مرا
در نزد خلق کرد بسی معتبر مرا (۱)

ونسخه بدین رباعی خاتمه یافته :

ای مسیحی زاده فریادازدوچشم مست تو
باهمه زهدو ورع آخرشدم پابست تو
دام صد صیاد بشکستم نیفتادم بدام
خوب صیدم کردئی جانابنازم شست تو.

نسخه بخط نستعلیق، و ظاهراً در اوائل قرن چهاردهم نگارش یافته است.

(۱) برگ نخستین نسخهٔ دوم و سوم در مقابل نور گرفته شد دانستیم که نیز بهمین بیت آغاز گردیده و سبب چسبانیدن آن بابرگ دیگر ظاهراً این بوده که در نظر اول دانسته نشود که سه نسخهٔ ازیك دیوان است.

جلد مقوائی، کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۰٤ صفحه‌ای ۱٤ بیت. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۱٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۱**.

## دیوان مذنب

**مذنب** شاعریست غزل‌سرا، دارای طبعی روان، پاك دین وروشن ضمیر از دل و جان دوستدار علیع و آل اوست و در مقطع یکی از غزلیات خود (ص ۳۹۱ نه) گوید:

پس‌از هفتاد سال معصیت یکدم بشوتائب (نماتوبه)
که میگردد شفیع تو علی مرتضی، شرمی
بیفکن خرقه زهد و ریا را از برای **مذنب**
روی آخر بپابوس علی‌موسی‌الرضا، شرمی

وگذشته از این تشیع وی از بسیاری ازغزلهای او آشکار است و نیزدر این رباعی اظهار اخلاص کرده:

پیر خردم گفت بصد مهر و شعف    تاکی بودت ساغر مینا درکف
خواهی‌تواگر سعادت هردوجهان    از دست مده زیارت شاه نجف

در کتب تذکره وفهرست هائی که در دست نگارنده موجود است **مذنب** تخلص یافت نشده جز در دو کتاب یکی روز روشن( **رو** ) در ص ٦۲۱ که گوید: **مذنب** مولوی حافظ علی احمد است که بسال ۱۲۷۱ بدینجهان پاگذارده ودرهنگام‌تألیف این‌کتاب(۱۲۹٦) دروطن خودبـ**بدایون** بتحصیل علم‌باطن‌همت‌میگماردو گاهی‌اشعارفارسی‌وعربی‌داردو این‌دوبیت‌را ازاونقل‌نموده:

بر زبان یار بیار می‌آید    مژده ایدل که یار می‌آید
جعدمشکین که کرد واکزوی    بوی مشك تتار می آید

این غزل‌را درنسخهٔ بالا نیافتم وگذشته از این در غزلیات دیگر این‌طرز راهم ندیدم و تصور میکنم که این غزلیات از آن این شاعر نباشد.

و **مذنب** دیگرفتحعلی ابن حاجی حسن تبریزی ازسخنوران قرن سیزدهم میباشد و مرحوم تربیت درص ۳٤۰ **دآ** بمعرفی وی پرداخته وگوید بسال ۱۲٤۹ مجموعه‌ای مشتمل بر نثر و نظم از گفته‌های شعرای پیشین وسخنان خود گرد آورده و نزد ایشان بوده و گوید دیوانی شامل چند هزار بیت از وی دیده‌ام و این مطلع از اوست:

دوران چو داغدارنموده است لاله را    با خون دل نموده از آن پر پیاله را

باجستجو نیز این مطلع را در نسخهٔ بالا نیافتم ولی بامقایسهٔ این بیت باغزلیات نسخه توان احتمال داد که این نسخهٔ دیوان (غزلیات و رباعیات) از این شاعر باشد وما در اینجا برای نشان دادن پایه ومایه شاعر وزمان وی که شمع ولاله معمول گردیده (قرن سیزدهم) بنقل یك غزل ازوی بهمین قافیه وروی مبادرت مینمائیم :

| | |
|---|---|
| ساقی بیار باده و پر کن پیاله را | کن سرخوشم بریز شراب دوساله را |
| یکجام دیگرم بده از آن بیاد دوست | ساکت نمای انده این چند ساله را |
| غم نیست گر که زهر بریزی بجای می | تقدیر شد ز خوان ازل این نواله را |
| نور جمال خوب تو روشن کند جهان | خوش تر نماید قرص مه دور هاله را |
| از پرتو جمالش حاجت بشمع نیست | بردار خادما ز برم شمع ولاله را |
| گر همرهی نکرد بما روزگار دون | سودا کنیم ما وتو با آه ناله را |
| مذنب رها چسان کنم از دست دامنش | ترسم که از جبین بکند پاك ژاله را |

**۱۰۶۴**

**دیوان مسعود سعد سلمان** این نسخه را بخط نستعلیق خوب، کرمعلی اصفهانی بسال ۱۲۶۶ بدستور شاهزاده محسن میرزا نوشته، یکی ازمالکهای نسخه برخی ابیات را که ازقلم نویسنده افتاده بوده، درحاشیهٔ برگها نوشته و بتصحیح برخی ازاغلاط آن نیز پرداخته است، درپایان صفحهٔ آخر (۷۷٤) سردار معظم خراسانی نوشته که درطهران خریداری شد و امضاء نموده وقصیده‌ای ازاین شاعر که درمتن نبوده این مالك اخیر درحاشیهٔ ص ٤۲۸ ــ ٤۳٦ بخط خود نگاشته است.

درآغاز نسخه سرلوحی دارد ومیان سطرهای دوصفحهٔ نخستین وحاشیهٔ آنها طلااندازی وتذهیب برگ موی شده ودرآغاز مثنوی

ومقطعات وغزلیات ورباعیات، سرلوح مانند هائی کشیده شده وهمهٔ برگها باطلاوزنگار جدول کشی گردیده و قصائد وسائرمندرجات بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی شده و در حدود پانزده هزار (۱۵۰۰۰) بیت است.

آغاز: چون نای بی توایم ازین نای بی‌نوا
شادی ندید هیچکس ازنای بی نوا

انجام: چون دید که عزم بر سفر دارم رای
آمد بوداعم آن بت روح افزای
سوگند همی داد که ازبهر خدای
این عهد شکسته در سفر نیك بپای.

جلد تیماجی. کاغذ ترمه. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۸۸. صفحه‌ای ۲۱ بیت. طول $\frac{1}{2}$۲۰ سانتیمتر. عرض ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۵۴**.

## ۱۰۶۵

**دیوان مسعود سعد سلمان** این نسخه بخط شکسته خوب بسال ۱۲۷۶ (اگر تاریخ الحاقی نباشد) نوشته شده و منتخبی ازقصائد و ترجیعات و مقطعات و رباعیات شاعر میباشد، برگها باطلا وزنگارجدول کشی شده وشامل درحدود دوهزاروهفتصدوپنجاه (۲۷۵۰) بیت ونیز مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب قوافی است وبدین بیت آغاز گردیده:

سپاه ابر نیسانی زدریا رفت زی صحرا

نثـار لؤلؤ لالا بصحرا برد از دریـا

وانجام آن این رباعی است :

ای خسرو بندو خسروقلعه گشای

آلوده مکن بخون [ من ] قلعه نای

بخشودنیم بر من مسـکین بخشای

ای بر سر خلق سـایه عدل خـدای

جلد میشن . کاغذ ترمه قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۱۷ . صفحه ای ۱۴ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر۱۳۰۱۵ .

## دیوان مسعود سعد سلمان

**مسعود** بن‌سعدبن سلمان ازشعرای معروف قرن پنجم هجری میباشد عوفی که درحدود یك‌قرن پس‌از وی تذکره خود را نگاشته او را زیر عنوان ولقب العمیدالاجل سعدالدولة والدین مسعود سعد سلمان معرفی نموده واز مندرجات دیوان وی برمی‌آید که در دربار غزنویها مقامی ارجمند داشته

استاد بزرگوار آقای قزوینی( محمد ) تولد وی را در یکی از سالهـای ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ دانسته‌اند و آقـای سهیلی خونساری تولد ویرا در حدود سال ۴۳۰ حدث زده و تذکره نویسان وفات او رابیشتر در سال ۵۱۵ وبرخی‌هم بسال ۵۲۰ نوشته اند ، آقای قزوینی ( محمد ) گذشته از آنچه در حواشی چهار مقاله نظامی عروضی ( ص ۱۷۸ - ۱۸۲ ) در بارهٔ این شاعر نگاشته اند مقاله‌ای جداگانه در شرح احوال وی انشا و **ادواربرون** آنرا بانگلیسی‌ترجمه وبسال ۱۹۰۵ م درمجله‌آسیائی درج وبسال ۱۹۰۶م نیزجداگانه چاپ شده وآقای بدیع الزمان درسخن و سخنوران‌ودرسال ۱۳۱۷ ش،آقای سهیلی‌خونساری رسالهٔ مفصلی نیزدرشرح حال این شاعربنام « حصارنای» نوشته وبانضمام حبسیات وی چاپ کرده‌اند ، آقای‌رشید یاسمی‌درمقدمهٔ دیوان مسعود که پارسال (۱۳۱۸ش)بتصحیح ایشان چاپ‌وبخش گردیده،مقدمه مفصلی در ۶۶

صفحه در شرح حال شاعر و معاصرین‌وی نگاشته از اینرو ما در اینجا بتفصیل نمیپردازیم وفقط باین‌مختصرقناعت میکنیم: مسعودسعددارای سه‌دیوان بفارسی و عربی و هندی بوده ، عوفی که‌نزدیك بعصر وی است آنرا تذکرداده وامیر خسرو نیز در مقدمه غرةالکمال که سومین دیوان او میباشدآنرا یاد آور شده و شاعر خود بمهارت خویش در زبان فارسی وعربی و مترجم بودن در این‌دو زبان و قدرت برنظم ونثررامکررتصریح نموده (۱) و پیوستن خودرا به دربار ابوالمظفرظهیرالدین ابراهیم‌بن مسعودبن محمود غزنوی (۴۵۱ - ۴۹۲) در قصیده‌ای در اثر تجاوز زور مندان و تصرف اموال پدری خود اظهار نموده (ص ۲۰۱ نه ۱) وگوید:

ظهیر ملت حق بوالمظفر ابراهیم — نصیر دولت‌و دین پادشاه گیتی‌دار

........................

نه‌سعد سلمان پنجاه‌سال‌خدمت کرد — بدست کردبرنج‌اینهمه ضیاع‌وعقار

بمن سپرد و زمن بستدند فرعونان — شدم‌بعجزوضرورت‌زخان‌ومان‌آوار

بحضرت‌آمدم‌انصاف‌خواه‌وداد‌طلب — خبر نداشتم از حکم ایزد دادار.

و از جمله‌آنانکه مسعودسعدبمدح آنهاپرداخته‌سیف‌الدوله محمودبن‌ابراهیم است که فاتح **آکره** میباشد وبسال۴۶۹ پدرش‌سلطنت هندوستان را بدوداد ودیگری **اختری** شاعرمعاصرویست که قصیده‌ای درمدح او (ص۳۰۷ - نه ۱) انشا نموده وبگفته عوفی یکی‌ازآثارمسعودسعد «منتخب شاهنامه» است .

حکیم سنائی در زمان حیات و زندگی مسعود سعد بجمع و ترتیب دیوان وی پرداخته واشعاری‌از دیگران درآن گنجانیده ، ثقةالملك طاهربن علی اورا بدین غفلت آگاه نموده و حکیم در قطعه‌ای که خطاب بمسعود سعد میباشداز این غفلت پوزش خواسته و این مطلب و قطعه نامبرده در حواشی چهار مقاله درج گردیده (ص ۱۴۹) است .

---

(۱) درج ص ۶۷۶ ج ۲ **فهرا**بیاتی از مسعود سعد در این دو مطلب نقل گردیده و نیز در (ص ۳۳۹ نه ۱) دیوان این کتابخانه است :

ترا بتازی ، ازبهرآن ، ثنا نکنم — که‌هست،یك‌یك، ازآن‌نوع،ناقص‌ومعتل

از دیوان عربی و هندی وی خبری بدست نیاورده ام ولی در سبحةالمرجان و حدائق‌السحر ابیات عربی مسعود دیده میشود و در خود دیوانهم مصرعهائی بعربی‌موجود است .

تقی‌الدین کاشانی درخلاصة الاشعار(۱) (تذکرهٔ تقی‌الدین کاشانی) شمارهٔ ابیات مسعود را دوازده‌هزار نوشته وهدایت گوید دیوان نزدیك به‌پنجه‌هزار بیت مسعود را بدست آورده ام ، نخستین نسخه این فهرست و دومین نسخهٔ فهرست مدرسه عالی سپهسالار هریك شامل پانزدههزار(۱۵۰۰۰) بیت از قصاید و ترکیب بندها و قطعات ومثنوی (فقط یك مثنوی ازمسعود دردست است و آن در وصف عضدالدوله شیرزاد(۲) و بیان حالات و تجسم اعمال امراء و

(۱) نسخهٔ خلاصة الاشعار متعلق بدانشمند معاصر آقای صادق انصاری که ظاهراً خط خود مؤلف میباشد و بخشی از رکن اول کتابست مراجعه شده .

(۲) این مثنوی رامرحوم تربیت در مدح سلطان مسعودبن ابراهیم و حواشی وی دانسته‌اند ودرنسخهٔ این کتابخانه هم درعنوان این مثنوی همین مطلب نگارش یافته ولی از خود مثنوی بدست می‌آید که در مدح عضدالدوله شیرزاد است و درآنجا شاعر پدرش مسعود راهم مدح کرده و از آنجاست : (ص ۵۹۸ نه ۱)

شاه بر تخت ، جام باده بدست	روزگار از نشاط او سرمست
عضدالدوله آنکه دولت حق	دست او کرده برجهان مطلق
تیغ حکمت که ملت تازی	کند از تیغ او سر افرازی
شیرزاد آنکه شیر در بیشه	باشد از بیم او در اندیشه

و در ص ۵۹۹ نه ۱ گوید .

پدری کز همه ملوك جهان	چرخ هرگز بتو نداد نشان
پادشاه زمین ملك مسعود	که نصیبش زچرخ هست سعود
گوید امروز شیرزان منست	گوی اندر میان جان منست
دل من در هوای او گردد	همه گر در رضای او گردد
او بمن شاد و من باو شادم	او چنین باد و من چنین بادم
شه پاك اعتقاد شاه زمین	می شناسد یقین که هست چنین
بدعا بر گشاده دارد لب	شکر ایزد کند بروز و بشب

و در پایان این مثنوی گوید :

تا بدل در نشاط و شادی باد	دولت و ملك شیرزادی باد

و در ضمن این مثنوی (ص۶۰۶ نه ۱) رفتن خود را بچالندر متذکر شده و ظاهراً این مثنوی را درهنگام رفتن به آنجا ساخته :

رفتم اینك بسوی چالندر	تا کی آیم بشهر بار دگر

بزرگان وارباب طرب اوست و در حدود چهار صد ( ۴۰۰ ) بیت میباشد ) و غزلیات بنام‌ماهها و روزهای‌پارسی و روزهای‌هفته و غزلیات دیگر ورباعیات میباشد و در ص ۳۱۱ نخستین نسخه این کتابخانه قصیده‌ایست بدین مطلع .

سپهریست ایوان خسرو ملك — زدیدار تابان خسرو ملك

ومیدانیم که خسرو ملك پسرخسروشاه واین پسر بهرامشاه غزنویست که از سال ۵۵۵ تا۵۸۲ سلطنت نموده ودرعصر مسعودسعد دیگر یرابدین نام نمیشناسیم و احتمال‌میدهیم که این قصیده را در هنگام‌شیرخوارگی و نام‌گذاری خسروملك انشا کرده باشد و ابیاتیکه دال برسلطنت و پادشاهی وی در قصیده گذارده بنام تفأل و فال نیك زدن بسلطنت وی است نه‌سلطنت حقیقی او چراکه اگر بگوئیم‌قصیده از مسعودسعد میباشد و در زمان‌سلطنت وی گفته بایستی بگوئیم که شاعر کمینه یکصد وبیست سال عمر کرده و کمی که در حدود سی‌سال عمر خود را درحبس وبند گذرانیده مشکل‌است عمرزیاد کندودلیل‌ومؤیدی برای‌این ادعادر دیوان وی یافت نمیشود و چندبیت دیگر از این قصیده اینست :

نبشته ملك نامه‌های شریف — برو کرده عنوان خسرو ملك
بنازدهی تخت و تاج و نگین — زتمکین و امکان خسرو ملك
سپهرست‌مهرست‌وماهست‌وشاه — بیکجا در ایوان خسرو ملك

مؤلف « هم » پس از معرفی مسعود سعد سلمان و نقل ابیاتی از او **ابوسعدبن‌**مسعود سعد سلمان را عنوان‌قرار داده‌وگوید در مجلس بهرامشاه برای امتحان یك رباعی‌انشا نمود پادشاه دهان‌او را پراز زر کرد و آن‌رباعی راهم نقل نموده ، بنابراین ابوسعد پسر مسعود سعد بوده است .

دیوان‌مسعود سعدبسال۱۲۹۶ق وبسال ۱۳۱۸ خورشیدی باتصحیح‌آقای رشید یاسمی‌استاد دانشگاه طهران و مقدمهٔمفصلی درشرح‌حال شاعرومعاصرین وی بقلم استاد نامبرده در تهران چاپ شده و این چاپ اخیر در حدود شانزده هزار (۱۶۰۰۰) بیت است .

گذشته از مراجعه بمقدمه آقای رشید و دو رسالهٔ نامبردهٔ در شرح حال مسعود سعد، ودیوان خود شاعردرنگارش این‌شرح‌حال به **لب** ج ۲ ص ۳۳و۲۴۶-۲۵۲ **چاص**۱۷۸-۲۸۲و۱۴۹، **ماج**اص۵۱۴-۵۱۴ **تذ**ص۴۷-۴۹، **هم** ص ۸۰ ـ ۸۲ م . س ، خلاصة الاشعار تقی‌الدین کاشانی ( نسخه خطی

آقای انصاری) ، سبحة المرجان ص ٣٦ ـ ٣٨ ، سخن ج ١ ص ٢١١ ـ ٢٣٦ مثنوی ومثنوی گویان مرحوم تربیت ص ٥٣٩ ـ ٥٤٠ (درسال پنجم مجله مهر سال ١٣١٦ ) مراجعه شده است .

## ١٠٦٦

**دیوان مشتاق اصفهانی**

این نسخه بخشی از غزلیات این شاعر میباشد و بخط شکسته نستعلیق بسیار خوب یکی از استاد های خط (درقرن سیزدهم) نوشته شده ، هشت برگ اول نسخه شامل غزلیات ردیف میم و نون میباشد و اطراف آنها تذهیب شده و برگهای پس از آن ، غزلیات ردیف **الف** تا **راء** را دربر دارد و همهٔ ابیات نسخه درحدود یکهزار و پانصد ( ١٥٠٠ ) بیت میباشد ، ازمیان غزلیات یك یاچند برگ افتاده ( ص٦٦ ـ ٦٧ ) ، پیش از نخستین غزل هشت برگ وپس از آخرین غزل ٣٤ برگ ننوشته وجدول کشیده موجود و پس از این برگها **تحفة الوزرا** که چهل باب وهربابی شامل چهار چیزاست که حکما از کتب قدما اختیار کرده اند ( آقای تقوی رئیس دیوان کشور آن را بچاپ گراوری بسال منتشر کرده اند) بخط شکسته بسیارخوب که شاید گفت خط درویش معروف است ، در ٦ برگ نوشته شده و در آغاز آن سرلوحی میباشد و اطراف و میان سطر های دوصفحهٔ نخستین آن تذهیب برگ موی وطلااندازی شده ودیوان بدین بیت آغاز گردیده :

من دور از آستانت ، طلبم چه زین و آنت
ندهد کسی نشانت : مگر ازخدات جویم

و آخرین بیت نسخه اینست :

صفای حسن بدیدن نمیشود آخر　　گل بهشت بچیدن نمیشود آخر

جلد تیماج . کاغذ ترمه . قطع بغلی . شمارهٔ برگها ١٠٥ . صفحه ای ١٣ بیت . طول ١٤ سانتیمتر . عرض $9\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲٦۴** .

## دیوان مشتاق اصفهانی

**مشتاق** تخلص سید علی حسینی اصفهانی متوفی بسال ١١٧١ میباشد که استاد آذر وعاشق و هاتف وصهبا بوده وبنا برتصریح آذر ، وی باتفاق هاتف و صهبا بجمع دیوان استاد پرداخته اند و گویند که بیشتر طبع او مائل غزل سرائی ورباعی سازی بوده وراوی گروسی گوید: دیوان مشتاق درحدود ششهزار (٦٠٠٠) بیت است و مکرربنظررسیده ودونسخه ازدیوان این شاعر که بسال ١٢٠١ و١٢٣٥ نوشته شده وشامل غزلیات وترکیب بندها وقطعه ها ورباعیات مشتاق میباشد در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار وجود دارد وهر یك درحدود ٣٠٠٠ و ٣٣٠٠ بیت میباشند ورفیق اصفهانی درتاریخ وفات وی گوید :

بهر تاریخ او نوشت **رفیق**　جای **مشتاق** درجنان بادا = ١١٧١

شرح حال مشتاق در آ رص ٤٢٥ـ٤٢٨ باانتخاب ١٣١ بیت ازاونگارش یافته و درانجمن چهارم **خن** نیزمعرفی و ٦٦ بیت ازاو نقل شده ، در **ما** ج ٢ ص ٤٤٣ ـ ٤٤٥ و **رو** ص ٦٢٨ نیز معرفی وابیاتی ازوآورده شده است .

**١٠٦٧**

**دیوان مشتری طوسی**

این نسخه شامل منشآتی بنظم ونثردرتذکرهٔ چهار شاعر ( عباسی فروغی ، ریاضی ، مائل وصاف ) معاصر مشتری است که بهجوآنها پرداخته و هجویات شاعر و سفرنامه مکهٔ وی و مثنوی در مجادله نادرمیرزا باعموی خود حاج سیف الدوله برای ازدواج بادختر او و

رباعیاتی ازاوست واین نسخه درحدود دوهزار بیت (۲۰۰۰) میباشد وظاهر اینست که دراواخر قرن سیزدهم هجری ودر زمان خود شاعر نگارش یافته وپیش از شروع به اشعار شرح حالی ازشاعر در ۱٤ صفحه نگارش یافته وآغاز اشعار این است :

خوش آنکه بخت کشد رخت زی خراسانم
چرا کز آمدن ملك ری پشیمانم

وبدین رباعی خاتمه یافته :

آن صدر که پشت وخالی ازادراك است
از گوهر زشت عابد دلاك است
یکسال دگر باین جلال ارماند
البته حساب دین و دولت پاك است

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۲٤ . صفحه ای ۱۱ بیت . طول $\frac{1}{2}$۱۷ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر ، شمارهٔ دفتر **۱۳۳۰۷** .

**۱۰٦۸**

**دیوان مشتری طوسی**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۹۹ نوشته شده نویسنده متعمد بوده که نام خود را نبرد ودر آخر نوشته : راقمه فلان بن فلان در آغاز نسخه ومثنوی مجادله نادرمیرزا ، دوسر لوح مختصر میباشد وتمام برگها جدول کشی شده ، مقدمهٔ نثری درشرح حال شاعر دارد ، سفر نامه مکه که درنسخهٔ پیشین بود و ابیاتی دیگر دراین نسخه

نیست وشمارهٔ ابیات این نسخه‌درحدود یکهزاروچهارصد (١٤٠٠) بیت میباشد و آغاز آن همان بیت است که در نسخهٔ پیشین بود .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع‌خشتی‌باریك. شماره برگها ٦٢ . صفحه١٣ بیت . طول ٢١ سانتیمتر . عرض ١٣½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **١٥٠٣١**.

## دیوان مشتری طوسی

**مشتری** تخلص محمد ابراهیم مشهدی میباشد ، بنابرآنچه در **گن** ومقدمه دونسخهٔ این کتابخانه نگارش یافته پدرش شیرازی وازطرف مادر بچهارواسطه به میرزا طاهر وحید که وقایع نگار شاه طهماسب صفوی بوده ، میرسد ، بسال ١٢٧٠ بتهران آمده وازشعرای دربار گردیده ، طبعش درانشاء قصائد ماهر وزبانش بهجو و هزل آلوده بوده وبهمین سبب رونق وی در دربار زیاد گشته و ناصرالدین شاه او را بهجو حضوری وا میداشته وگاهی هم برای تفنن و تفریح این شاعر وچند شاعر دیگررا بمهاجات حضوری وادار میکرده وگویند که در اثر امر باینکه مشتری با **عباس فروغی** وسرور بایستی بدرباراآیند و یکدگر را هجو نمایند فروغی مریض شد وپس از ده روز از جهان رخت بربست و **سرور** بخونسار گریخت وخود مشتری فوت عباس فروغی را ازترس زبان وی دریکی ازاشعار خود آورده است .

در**گن** سه قصیده از این شاعر که درمدح میرزاآقاخان صدراعظم نوری وسومی درتهنیت عید غدیر ومدح صدرنام نبرده میباشد ، چاپ گردیده وجز دونسخهٔ نامبردهٔ بالاکه هردوتقریباً یکی وهمه هجویات وهزلیات شاعر میباشد و سه قصیده نام برده وقطعه ایکه بسال ١٢٩٠ انشا نموده وپشت نسخهٔ دیوان امیرمعزی شمارهٔ١٠٦٩ این کتاب خانه میباشد ازشاعر اثری نیافته‌ام ولی‌قدرت طبع وذوق وسلیقه وی ازهمین‌آثارموجوده آشکار وموفق‌بزیارت مکهٔ معظمه ومدینهٔ طیبه و عتبات عالیات گردیده و در اواخر عمر در مشهد مقدس حضرت امام رضا علیه‌السلام متوقف و مسلماً تاسال ١٢٩٩ زندگانی را بدرود نگفته بوده وچنانکه درص ٢١٤ گذشت درآخر دیوان ازرقی بدین سال یادداشتی کرده ودرمآخذیکه دردست دارم جز گنج شایگان ( گن ص ٥٢٤ - ٥٢٨ ) یادی ازاین شاعر نشده است .

.درص ۴۲۹ ششم نیز شاعری استرابادی **مشتری** تخلص ، معاصر **جامی** نامبرده شده ویك بیت ازونقل گردیده است .

## ۱۰۶۹

**دیوان امیر معزی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۹۵ نوشته‌شده، بنابر مندرجات قطعه‌ای‌ازمشتری شاعرکه بر ورق پیش از برگ نخستین نسخه میباشد، برحسب خواست **امین خلوت** که از درباریان آنعصر بوده چهارده نفر که یك‌یك نام‌آنهارا برده دریکهفته این نسخه‌را که شامل درحدود سیزده هزاروسیصد (۱۳۳۰۰) بیت از قصیده و قطعه و ترجیع بند و ترکیب بند و رباعی است نگاشته‌اند ، شرح حالی‌ازشاعر که ظاهراً نقل‌ازتذکره تقی‌الدین کاشانی (خلاصة‌الاشعار) میباشدپیش‌ازشروع بنگارش دیوان نوشته شده ودوسرلوح درآغاز شرح حال واول دیوان میباشد ومیان سطرهای دوصفحه مقدمه و اول دیوان طلا اندازی شده و ۶۱ صفحه آن جدول کشی گردیده وبدین بیت آغازشده :

برآمد عاج گون ابری زروی ساج گون دریا

بخـار مرکز خاکی نقاب قبهٔ خضرا

جلد مقوائی مخملی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۴۲۰ . صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول ۳۳ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۲۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۲۶۵** .

۱۰۷۰

**دیوان امیر معزی**

این نسخه بخط نستعلیق یعقوب بن ابو الحسن بسال ۱۲۶۱ نوشته شده، شامل قصائد و ترکیب بند ها وقطعاتی میباشد ودر حدود هشتهزاروسیصد ( ۸۳۰۰ ) بیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

ستاره سجده برد طلعت منیرتورا زبانه بوسه دهد پایهٔ سریر ترا

بخشی ازبالای برگ نخستین چیده شده است .

جلد تیماجی . کاغذفرنگی. قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۸۵ . صفحه‌ای ۲۳ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ½۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۶۵ .

## دیوان امیر معزی

**معزی** تخلص ابو عبدالله محمد بن عبدالملك متخلص به برهانی نیشابوری (۱) است که امیرالشعرای ملکشاه بن الب ارسلان ( ۴۶۵ ـ ۴۸۵ ) بوده ودرهنگام رخت بربستن ازجهان پسررا به پادشاه سپرده ودراثر مساعدت وهمراهی امیر علی بن فرامرز ( علاءالدوله مقتول بسال ۴۸۸ ) مورد نظر ملکشاه شده وپس از این پادشاه در دربار پسر وی سلطان سنجر ( ۵۱۱ ـ ۵۵۲ ) باکمال عظمت زندگانی نموده و گویند درحدود چهارصد شاعر دردربار سنجربودهوبرهمهٔ آنها معزی ریاست داشته ودر اینکه لقب یا تخلص **معزی** بمناسبت لقب ملکشاه یاسنجربوده که هردوملقب بهمعزالدین بوده‌اند بعضی اختلاف کرده‌اند ، ازقرائن موجودهٔ در دیوان احتمال اول ترجیح دارد و گذشته از این نظامی عروضی ازخودهٔ وی نقل نموده که ملکشاه ملقب به معزالدین گفت او را بلقب من باز

(۱) چنانکه ازدیوان امیر معزی استفاده میشود ، اصل وی ازنیشابور بوده و ازنقلی که نظامی عروضی ( ص۴۲ ) ازوی کرده نیزاین مطلب صریحاً استفاده میشود ولی برخی این شاعر را سمرقندی و گروهی ازاهالی نسا نوشته‌اند .

خوانند وامیرعلی مراخواجه معزی خواند ونیزازاشعاروی استفاده میشود که زندگانی درازی کرده وبه‌تیرخطای سلطان سنجر زخمی شده وپس ازمدتی که کمتر ازیکسال‌نیست بدرود زندگانی گفته وبرای خوش‌آمد پادشاه دراین مدت رنجوری قصائدی‌انشا وشکر گزاری کرده که من‌به‌تیرخدایگان کشته‌نشدم ولی مسلماً بهمین‌سبب جهانرا بدرود گفته عوفی‌درذیل نقل این‌مطلب گوید : « آری تیرقصد زمانه را جز دل فضلا نشانه نیست و در خزانهٔ تدبیر جز حوالت تقدیر هیچ بهانه‌ئی ، اکنون اکثرشعراومدون است وعالم بیان بدان مزین » وبرخی ازتذکره نویسان وفات اورا بسال ٥٤٢ دانسته اند ولی برحسب تحقیق وتتبعی که استاد محترم آقای اقبال آشتیانی کرده‌اند (۱) بظن نزدیك به یقین وفات وی میان سال ٥١٨ ـ ٥٢٠ بوده است

معاصرین امیرمعزی ومتاخرین ، به استادی وی اعتراف داشته وسنائی‌غزنوی اورا مرثیه گفته واین بیت ازآنست :

تاچند معزای معزی که خدایش زینجا بفلك بردوقبای ملکی داد

دیوان‌امیرمعزی را که شامل‌قصائد ومقطعات وغزلیات وترجیع بند وترکیب بندهاست صاحب **هم** پانزده هزار بیت نوشته و نگارنده تاکنون بزرگتر از نسخه نخستین این فهرست که درحدود سیزده هزارو سیصد (۱۳۳۰۰) بیت میباشد ندیده ودراین روز ها باتصحیح استاد محترم آقای اقبال آشتیانی چاپ می شود .

شرح حال معزی در **چا** ص ٤٠ ـ ٤٣ ( بنقل‌مؤلف ازخود شاعر ) ، **لب** ج ۲ ص ٦٩ ـ ٨٦ ، **گز** ص٨٢٥ ، **قذ** ص٥٧ ـ ٦٠ ، **هم** ص٦٢٢ـ٦٢٥ م . ص ، **آر** ص ٣٥٠ ـ ٣٥٨ ، **ما** ج ۱ ص ٥٧٠ ـ ٥٩٣ و **سخ** ج ۱ ص ٢٣٦ ـ ٢٤٩ بامنتخبی از اشعار وی نگارش یافته ومراجعه شده است .

## ۱۰۷۱

**دیوان مکین** این نسخه بی تاریخ و بخط سید علی نامی میباشد که بسال ۱۲۰۳ انیس‌الاحیاءرا ( در

(۱) استاد محترم آقای قزوینی درص ٦٣٥ ج ٥ تفسیر ابوالفتوح (خاتمةالطبع) ازایشان نقل کرده اند .

ص۱۴۶ معرفی‌شد) نوشته است ، شاعر پشت صفحهٔ نخستین شرحی بعنوان مقدمه ودیباچه انشاء و درحاشیهٔ برخی از صفحات اشعاری نیز بخط وی موجود است و چون وفات شاعر بسال ۱۲۳۰ بوده مسلماً این نسخه پیش‌ازآن نگارش یافته، یادداشتی بامضاء غلامحسین میرزا پشت صفحهٔ اول بوده آنرا محو کرده‌اند.

جلد میشن . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۲۰ . صفحه ای ۱۴ بیت . طول ۲۷ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۷ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۵۰۰۴ .

## دیوان مکین

**مکین** تخلص محمد فاخر میباشد که بنابر تصریح در اوائل دیوان(۱) بسال ۱۱۴۲ متولد شده وبرحسب ضبط شم (ص ۴۱۶ ) بسال ۱۲۳۰ وفات یافته و از شعرا وعرفای قرن دوازدهم وسیزدهم هجری هندوستان بوده وازاشعار وی که دراین دیوان ثبت گردیده استفاده میشود که درآغاز ازاهل سنت بوده ولی پس ازتحقیق‌ودقت،بتشیع راغب واز شیعیان کامل گردیده وخود وی گوید:

آن چار که چار رکن دینند — در خدمت هر چهار رفتیم
اما چو بچارمین رسیدیم — در پیش بانکسار رفتم
بوسیده زمین بار گاهش — بر چرخ بافتخار رفتیم

و در قصیده دیگر که آنرا « محضرالامان » نامیده و این نام نیز تاریخ انشاء اوست ( ۱۱۷۱ ) گوید :

گویمت آن خدایگان که بود — حضرت صاحب‌الزمان باشد
یعنی آن مهدی طریق هدا — که بحق هادی جهان باشد
خاتم اولیای ختم رسل — نائب رب مستعان باشد

ازبیانات **انیس** درکتاب انیس‌الاحبا که درص ۱۴۶ معرفی گردید و در

(۱) در ص ۳۱ نسخه این کتابخانه است :

پس از سپاس خدا و ثنای پیغمبر — شنیدنی است یکی‌حال بندهٔ احقر
چو زد بمنزل چلم قدم مسافر عمر — گذربخاطرمن کرد شوق سیروسفر
گذشته بود ز هنگام هجرت نبوی — هزارویکصد وهشتاد با دوسال‌دگر

شرح حال این مرشد و شاگردان ایشان تألیف گردیده ، بدست می آید که گذشته از شاعری ، مکین برمسند ارشاد ودستگیری مکین بود، وازقصائد وغزلیات وقطعات و رباعیات وی روح عرفانی هویداست و در سبك پیرو خواجه حافظ شیرازی است .

این دیوان در حدود ششهزار و دویست (۶۲۰۰) بیت شعردارد .

**آغاز** مقدمه : بسم‌الله وبالله نحمد ونشکره شکرمیگوییم وبراه سخن‌میپوییم که زبانی بسخن گویا وطبعی بوادی معنی پویا الخ .

**آغاز** دیوان : تن شکسته چو از بیم یار لرزدوریزد
شود غبارو دلم در کنارلرزد وریزد.

## ۱۰۷۳

## دیوان ملالی یا دیوان صاحب

این نسخه بخط نستعلیق خوب محمد حسین نام بی تاریخ نگارش یافته وبنام « دیوان ملالی » در دفاتر کتابخانه وپشت نسخه ثبت گردیده ودرص ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۸و۱۵۱ تخلص **ملالی** دیده میشود ولی بامراجعه به ص۳۵۷ و۳۵۹ و۳۶۸ و ۴۰۶ نسخهٔ دیوان صاحب که‌زیرشمارهٔ **۱۰۰۸** معرفی گردید معلوم شد که گذشته ازتمام مندرجات نسخه همین ابیات نیز بامختصر تغییری در آن نسخه دیوان میباشد ودرص ۷۲ و ۷۳ مکتوب صاحب علی آبادی به قائم مقام ( میرزا ابوالقاسم ) که در ص ۶۶ ـ ۶۷ نسخه ۱۰۰۸ دیوان‌وی‌نوشته شده‌ونیز درحاشیهٔص۱۰۶ نسخه‌شرحی‌تاریخی راجع بیکی‌ازصاحبمنصبان ( افسران ) که درجنگ روس‌وایران از اسب پیاده شده و مانده بود بخط نویسنده پیشین که ظاهراً خط

خود منشی آنست نگارش یافته واین نسخه بدین بیت :

کراشاید ثنازان پس که زیبد آل یاسین را
جهان مجدو تمکین آسمان دانش و دین را

که نسخ دیگر دیوان صاحب بدان آغاز گردیده ، شروع و مندرجات آن درحدود دوهزارودویست (۲۲۰۰) بیت وبنابر آنچه در ص ۳۲۷ گذشت سه هزارویکصد (۳۱۰۰) بیت ازنسخه دیگر کمتر میباشد وشامل قصائد ومقطعات وترکیب بندها و غزلیات ورباعیات ویك مثنوی در شرح برخی ازحالات و گذارش زندگانی شاعر میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۸۴ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۵۴۹** .

## دیوان ملالی = دیوان صاحب علی‌آبادی

در ص ۳۲۸ صاحب علی‌آبادی ( محمد تقی‌بن زکی ) **صاحب** تخلص را معرفی کرده ایم ، چنانکه بالای این سطرها گفته شد ، در چهار مورد که در آن نسخه تخلص یافت شد شاعر خود رابنام **ملالی** معرفی کرده وفقط در ص ۱۴۷ تخلص صاحب دیده میشود ، معاصرین وی و متاخرین که تذکره و تاریخ نوشته‌اند واز این شاعر ونویسنده درباری که نام برده‌اند ابداً ازاین موضوع نامی نبرده‌اند که شاعر دربدو امر ملالی تخلص داشته و پس از آن **صاحب** تخلص گردیده‌است‌ولی نگارنده‌چون‌نمیتواند‌باور کرد که‌درعصرشاعر معروفی‌میشود دیوان اورادزدی ( هرچندزبردست هم باشد ) بنام خود بنویسد ومنتشر نماید ، ( در کتب تاریخ وتذکره ها هم بنام **ملالی** شاعری یاد نشده است ) تصورمیکند که این شاعر دربدو جوانی اگر گاهی درقصائد وغزلیات وغیره تخلص خود راذکر میکرده **ملالی** بوده وچون بسال ۱۲۳۴ بتهران احضار گردیده وبه**صاحب دیوان** ملقب‌شده ،**صاحب** تخلص گردیده وچند بیت نامبرده را ازهردونسخه دراینجا می‌آوریم :

ص ١٤٤ نه غیر از غم‌جانان بوفا داری عشاق
اندر همه آفاق بجستیم کسی نیست
برشکر شیرین تو مرغان سخن‌گو
چندانکه درآن حلقه ملالی مگسی نیست

ص ٣٥٧ نه غیر ازغم‌جانان بوفاداری صاحب
اندر همه آفاق بجستیم کسی نیست
برشکر شیرین تومرغان سخن‌گو
چندانکه درآن حلقه مجال مگسی نیست

ص ١٤٥ نه جرم ملالی ارچه گران تا گران هنوز
امید وار از کرم بیکران تست

ص ٣٥٩ نه عصیان‌صاحب ارچه گران تا گران ولیك
امید وار از کرم بیکران تو است

ص ١٤٨ نه ملالی این چه سخن گفتن‌است مجلسیان
گمان کنند که طوطی شکرهمی خاید

ص ٣٦٨ نه زصاحب این‌چه سخن گفتن‌است‌مجلسیان
گمان کنند که طوطی شکر همی خاید

ص ١٥١ نه دردنبود مگر ملالی را گر همه عمر در فغان استی

ص ٤٠٦ نه دردنبودمگرکه صاحب‌را در همه عمر در فغا نستی

## ١٠٧٣

**دیوان ملول یاملولی** این نسخه بخط شکسته خوب نوشته شده، وظاهراً درقرن‌سیزدهم نگارش یافته، شامل بخشی از غزلیات میباشد، برگهای آن جابجا گذارده شده وازآغاز و میان وانجام آن برگهائی افتاده و

ابیات کنونی آن پانصدو دوازده بیت و آغاز وانجام آن، این دو بیت است :

ندانم وصل جانانش میسر میشود یا نه.
همی دانم که روز و شب چو من آه و فغان دارد .

جرمی که تو دانی دراین دار ملولی
فریادرست نیست بجز ساقی کوثر.

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۳۲ . صفحه‌ای ۸ بیت .
طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۰** .

## دیوان ملول یا ملولی

**ملول** و **ملولی** هر دو تخلص شاعریست که در نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری در شیراز زندگانی مینموده و گاهی ملول و هنگامی ملولی ودربعضی از موارد بهر دو نام و تخلص خودرا معرفی کرده و از آنهاست :

ص ۴ تخم اغیار **ملول** ازدوجهان پاک نماید
آسمان گر **بملولی** دو سه روزش بگذارد

در کتب تاریخ و تذکره که در دست نگارنده است نام و تخلص این شاعر یاد نشده ، از مندرجات دیوان معلوم شد که معاصر **هدایت** و اورا باوی معارضه بوده و شاید بهمین جهت نام وی در **ما** ثبت نگردیده ، و این بیت ملولی براین معنی دلالت دارد :

ص ۵۶ : هدایت در جواب تو ملولی شعر گفت آری
کجا خر مهره نزد عاقلان نرخ گهر دارد

و در این غزلیات موجود از این شاعر مدائحی از **فتحعلیشاه** و فرمان روای فارس (مسلماً مرادش حسینعلی میرزای فرمان فرما متوفی بسال ۱۲۵۱ میباشد) و رضا قلی میرزا نائب الایاله ( پسر فرمان فرمای مذکور است ) که در ص ۳۱۲ بمناسبت ، اندک معرفی شده‌اند ، وجود دارد و از آنها این چند بیت را می آوریم :

ص ۵ نه فتحعلی‌شه آنکه بجزحکم محکمش
نتواند آسمان که خرام دیگر کند
ص ۴۷ نه شهنشاه جهان فتحعلی شه
که خورشیدش سیه از نعـل ابرش
ص ۲۰ نه فرمان روای فارس که جز برمراد او
تا این زمان نگشت و نرفت آسمان هنوز
ص ۴۲ نه شه فرمان روای فارس کز عدلش
بهم دریك مکان شهباز و عصفور آشیان دارد
ص ۱۳ نه شهزاده رضاقلی که در رزم
ثانی قباد شهریار است
ص ۱۴ نه شهزاده رضاقلی که در عـدل
در ملک عجم بجای کسری است
ص ۵۰ نه نائب مملکت فارس‌رضاشدکه بحکم
کمترین بندهٔ او همچو سلیمان آمد

این شاعرچنانکه ازاین نسخهٔ از دیوان وی برمی آید مردی عاشق پیشه و دلداده و شاعری توانا بوده و در این دو بیت (ص ۳۶ نه) خود وی گوید :

شاه شاهانم اگـر چه بسخن پردازی  لیك درعشق توای شوخ گدائی هستم
آخرم دوست نگردید ملولی دلدار  عمری اندر سرکویش بعبث بنشستم

واین چند بیت مطلع وغیره را برای نشان دادن طرز فکر وطبع وی در اینجا می‌آوریم :

همیشه نقش جمال توقوت نظر است  گمان نکن که دل‌زارم از توبیخبر است
گرچه ملول امید زخلق‌جهان برید  دارد امید مهر ز شـاه جهـان هنوز

عید نوروز است و دارد هر کسی چیزی هوس
دیـدن و بوسیدن رویت هوس مـارا و بس

روزه گیرد آ ن نگـار سیمبر  تا کند زین غم مـرا خون در جگر
هر زمـان گوید بناز ك برگشا  روزه را یعنی بدین تنگ شکر
یادایامی که در کویت گذاری داشتیم  از سرزلف پریشانت قراری داشتیم
هر که جز عشق بتانست ره وآئینش  میتوان گفت که نه عقل بود نه‌دینش

## ۱۰۷۴

**دیوان منوچهری دامغانی** این نسخه را بخط نستعلیق بسیار خوب محمد ابراهیم **منعم** تخلص شیرازی[۱] برای تقدیم به امیرزاده[۲] حاکم فارس در هنگام ورود وی نوشته (مسلماً در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری) و در آخر قصیده‌ای در مدح امیر نامبرده از خود کاتب موجود[۳]، در آغاز دیباچه که همان دیباچه انشائی هدایت میباشد و در آغاز دیوان دو سرلوح بسیار زیبا میباشد، اطراف دو صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و میان سطرهای این دو، طلا اندازی شده و همهٔ برگها باطلا و زنگار جدول کشی گردیده و در کنار برخی از برگها ترجمهٔ لغات مشکله را همین نویسنده نگاشته و این نسخه دیوان درحدود دوهزار و پانصد (۲۵۰۰) بیت است .

---

(۱) **منعم** تخلص محمد ابراهیم شیرازی است که از ادبا بوده و نستعلیق را بینهایت خوب مینوشته ، درص ۱۳۰ گفتار دوم فارسنامه معرفی شده وچند بیت از او نقل گردیده ونیز در ص ٥٦٨ آثار عجم معرفی شده، ومؤلف در حاشیه صفحه نوشته که روزی بسال ۱۲۹۷ درصحن بی بی دختران در شیراز میگذشتم وی را دیدم برسرقبری که آماده میشد نشسته ، نسبت بمن اظهار مهربانی فرمود و گفت این قبر را برای خود آماده میکنم چرا که تاریخ وفات خویش را **یاغفور** دیده ام پس از این مطلب بچند روز جهانرا وداع گفت . ودر متن این کتاب چند بیت ازمنعم جزآنچه در کتاب پیشین نقل شده ، ثبت گردیده است .

(۲) درعنوان قصیده وخودقصیده ممدوح بدین نام معرفی شده ولی در فارسنامه و آثارعجم حاکمی برای فارس بدین نام نیست ، ازطرزمدح وتصریح بشاهزادگی واهل دانش بودن ممدوح ظاهراست که مراد فرهاد میرزا است که بسال ۱۲۹۳ حکومت فارس را دارا شده است .

(۳) بستم کمرچواز پی تحریراین کتاب آمد مرابگوش دل‌ازغیب این خطاب
بیت بالا مطلع قصیده میباشدوتمام آن چهل‌ویك (٤١) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۳۵ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۹۸۳** .

**۱۰۷۵**

دیوان منوچهری دامغانی

این نسخه را بسال ۱۲۹۸ بخط شکسته نستعلیق ملا شفیعای سروستانی مشهور به **صدرسروستان** برای پیشکش یکی از امراء و مصادر امر آنعصر که از سادات و انصاری بوده ( نام این شخص را محو کرده اند) نوشته ودر آخر دیوان این مطالب را نگاشته ، دیباچه هدایت را دارد ودر حاشیه صفحات لغات مشکلهٔ اشعار ترجمه شده و شامل قصائد ومقطعات ومسمطات و غزلیات و رباعیات میباشد و در حدود سه هزار (۳۰۰۰) بیت است .

در آغاز دیوان سرلوح ظریفی دارد و میان سطرهای دوصفحه نخستین دیوان طلا اندازی شده وهمه برگها مجدول است .

جلد میشن . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۰۴ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲۳ ۱/۲ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۲۳** .

**۱۰۷۶**

دیوان منوچهری دامغانی

این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمد صادق قاجار بسال ۱۳۱۵ نوشته و در آخر نسخه تذکر داده که این نگارش برحسب خواست

حسنعلیخان، امیرنظام گروسی بوده، دارای دو سرلوح در آغاز دیباچه و در آغاز دیوان میباشد، میان سطرهای دو صفحهٔ نخستین دیباچه و دیوان طلا اندازی گردیده و تمام برگها باطلا و لاجورد و زنگار جدول کشی شده و شامل قصائد و مقطعات و مسمطات و غزلیات و رباعیات این شاعر است و درحدود دوهزاروششصدوپنجاه (٢٦٥٠) بیت میباشد و همان دیوان گردآوردهٔ هدایت بادیباچه اوست.

جلد روغنی مذهب عالی دو رو. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ١٢٦. صفحه‌ای ١٢ بیت. طول ٢٢ سانتیمتر. عرض ١٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **١٣٩٨٧**.

## دیوان منوچهری دامغانی

**منوچهری** تخلص ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد (١) دامغانی است که ازشعرای معروف قرن پنجم هجری بوده، هدایت در **مل** وفات اورا بسال ٤٣٢ ثبت نموده و تذکره نویسان گفته اند که تخلص این شاعر بمناسبت ممدوح نخستین وی فلک المعالی **منوچهر** بن شمس المعالی **قابوس** (٤٠٣ - ٤٢٤) میباشد، در **تذ** شاعررا بلخی معرفی نموده ولی مسلماً دامغانی است و خود وی گوید:

«سوی تاج عمرانیان هم بدینسان بیامد منوچهری دامغانی»

هدایت نوشته: شنیده ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی با جستجوی زیاد در حدود سه هزار بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی ومسمط ازوی بدست آورده و بسال ١٢٤٧ دیوانی مرتب بترتیب قوافی با مقدمه ای در شرح حال شاعر منتشر نموده و بسال ١٢٨٥ و بار دگر بی تاریخ و در این روز ها ١٣٠٩ با تصحیح محمد حسین نهاوندی در تهران و بسال ١٨٨٦م با ترجمهٔ فرانسوی و مقدمهٔ مبسوطی (٢) در پاریس چاپ گردیده است.

---

(١) نام پدر و جدّ منوچهری را در اشعار موجوده در این دیوان نیافتم ولی در **لب** بدین گونه که ثبت گردید ضبط شده است.

(٢) نسخه ای از این چاپ بدین نشانه $\frac{١٥}{٣٤٢}$ ب در این کتابخانه موجود است.

دولتشاه و امین احمد که درقرن نهم ودهم‌تذکره‌خودرا نگاشته اند، وجود و شهرت دیوان منوچهری را یاد آور شده اند ، نگارنده در کتابخانهٔ استاد بزرگوار آقای دهخدا (علی‌اکبر) نسخه‌ای ازدیوان منوچهری که بسال ۱۰۰۱ نوشته‌شده‌وشامل ۲۰۴۰ بیت میباشدموجودوازمیان‌آن‌بر گهائی‌افتاده‌وجزده‌بیت همه ابیاتیست که در دیوان چاپی است .

دراین دیوان مرتب کرده هدایت قصائدی از دیگران آورده شده و یکی از آنها لغز شمعی است که بدین مطلع میباشد :

چیست آنشخص چو زرین سرو چون سیمین بدن
خویشتن سوزان و گریان و گدازان همچو من

وخود جامع در حاشیهٔ ص ۵۵۴ ج ۱ **ما** گوید : چنین ماند که این قصیده از **رافعی نیشابوریست** و نیز قصیده ایکه بدین مطلع میباشد :

ای پیکر منور محرور خوی چکان ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

و در وصف حمّامی ( گرمابه ) است که بسال ۱۷۱۶ **امیرمبارزالدین** ساخته و در ذیل همین قصیده نام پادشاه و تاریخ در دو بیت ذکر گردیده، باین شاعرنسبت دادهشده ودرحاشیه وعنوان‌دونسخهٔ شمارهٔ ۱۰۷و۱۰۷۶ این موضوع تذکرداده‌شده‌وگویند از خواجوی کرمانی‌است وشایدخود هدایت‌هم درهنگام چاپ مجمع الفصحا متذکر این مطلب شده وفقط ابیات اولیه قصیده را که‌درآن‌حمام‌را بالغز بیان‌ومعرفی کرده گنجانیده و آن دوبیت اینست :

حزمت‌بسال(۲)هفتصدوپنج و چهاروهفت چون مه تمام کرد بمهر خدایگان
صاحبقران مبارز دین صفدر عجم شاه ملک نشان‌وامیر ملک نشان.

برخی از تذکره نویسان منوچهری را ملقب به **شصت کله** دانسته اند و بعضی از آنها گویند بدین مناسبت بوده‌که انگشت شصت وی نقصانی داشته و دیگران گویند دارای شصت گله ( ازگوسفند یا غیر آن ) بوده و استاد محترم آقای بهار ( محمد تقی ملک الشعراء ) در این باب و معرفی شاعر ملقب

---

(۱) درص ۱۶۱ در ذیل تذکرهٔ کاظم گفته ایم که در آن تذکره اشعاری از منوچهری موجود است که در دیوان جمع کرده هدایت نیست ولی اینک که دوباره بدان مراجعه شد معلوم گردید که نگارنده در آنجا اشتباه کرده و از همان دیوان جمع کردهٔ هدایت انتخاب کرده است .

(۲) در نسخ چاپ پاریس و ایران و بیشتر از نسخ خطی دوکلمهٔ اول بیت بدین شکل: «**حزمت لیال**» یا لبال‌نوشته شده وبادقت معلوم‌میشود که بسال بوده ونویسندگان چون بمعنی‌آن پی‌نبرده اندآنرا**لیال** یا **لبال**نگاشته اند .

به شصت کله در مجله مهر ( شمارهٔ پنجم سال ششم = مهرماه سال ۱۳۱۷ ) شرح مبسوطی نگاشته اند و در آنجاست بنا بر آنچه درص ۵۷ راحة الصدور نوشته شده شصت کله لقب شمس الدین احمد بن منوچهر میباشد که ملقب به امیرالشعراء بوده و این شاعر که قصیده تماج وی را استاد محترم درمجله مهر چاپ کرده اند از شعرای گم نام میباشد مؤلف راحة الصدور که معاصر وی بوده اورا با القاب امیر الشعرا و سفیر الکبرا نام برده است .

مسمط های منوچهری شهرتی بسزا یافته وظاهراً خود وی مخترع این نوع شعر میباشد و دیوان گرد آوردهٔ هدایت بدین بیت آغاز گردیده است :

همی ریزد میان باغ لولوها بزنبرها همی سوزد میان راغ عنبرها بمجمرها

ونسخ چاپی وخطی آن دارای غلط های بسیار است وآقای دهخدا بتصحیح آن پرداخته اند و این بیت که بطرزهای گوناگون در نسخ نوشته شده نمونه ای از تصحیح ایشانست :

مجره چون ضیا ، که اندر اوفتد ز روزن و نجوم او هبای او

شرح حال منوچهری با مراجعهٔ به **لب** ج ۲ ص ۵۳-۵۵ ، **تذ** ۴۰-۴۲ **هم** ص۶۷۷-۶۸۸ م.س، آر ص ۳۲۱ - ۳۲۲ ، **ما** ج۱ ص ۵۴۲ - ۵۷۰ ، **سخ** ج ۱ ص ۱۲۵ - ۱۴۵ ، مقاله آقای بهار ( ملک الشعرا ) در شمارهٔ پنجم سال ششم مجله مهر ومقدمه هدایت بردیوان شاعر نگارش یافته است .

## ۱۰۷۷

**دیوان مؤذن** این نسخه را بخط نستعلیق عبدالعلی بن محمد صالح مراغی بسال ۱۲۵۰ نوشته وشامل قصائد درتوحید ونعت ومثنوی هائی درمراثی حضرت سیدالشهداء ع وغزلیات وترکیب بند وترجیع بند ورباعیات میباشد وهمهٔ این نسخه درحدود سه هزاروهفتصد (۳۷۰۰) بیت است وبدین بیت آغاز گردیده :

خداوندا بحق ذات پاکت باسماء و صفات بیمثالت

وبدین رباعی انجام پذیرفته است :

ایدل دوجهان دوحرف ازاملای علی است

انجم همه نقطه های انشای علی است

خورشیدوقمر که مشعل روزوشب اند
در دست فلك نقش قدمهای علی است

وپس از دیوان مکتوبی عرفانی وادبی است که آغاز آن اینست
بسم الله خیرالاسماء ؛ یا اخی و حبیبی ان کنت عبدالله فارفع همتك
ووکلّ الیه امرما یهمك، تا توانی همت خود عالی نما لانّ المرء یطیر
بهمّته کالطّیر یطیر بجناحیه '

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهرچه رنگ تعلّق پذیرد آزاد است الخ

وظاهراً از منشآت همین شاعر میباشد وپس ازاین، مطالب متفرقه و
ابیات وادعیه و اذکاری نگارش یافته و در ص ۲۱۲ تاریخ یکی از
نگارش ها بسال ۱۳۲۶ معین گردیده است . و در ص ۲۲۸ ـ ۲۳۲
رساله ایست در حدود یکصدوپنجاه (۱۵۰) بیت بفارسی در شرح
حالات حضرت ختمی مرتبت ص ع که مؤلف آن مسلماً امامی مذهب
بوده وتشیع وی از طرز نگارش و ذکرتاریخ تولّد و وفات موافق
مشهور در نزد امامیّه ( ۱۷ ربیع الاول و ۲۸ صفر ) آشکار است و
معصومین را تاحضرت حسن عسکری علیهم السلام باذکر تاریخ مختصر
ایشان درسیزده فصل ذکرنموده پس ازآن نویسندهٔ نسخه که ظاهراً
مؤلف است خود را بدینگونه معرّفی کرده : کتب العاصی عبدالله بن
مرحوم حاجی نصرالله الخ . و پس از این شرح مختصری در معرفت
ذات وصفات واصول دین نگاشته ورساله را ختم کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع بغلی . شمارهٔ برگها ۱۱۷ . صفحه‌ای ۱۹
بیت . طول ۱۵ سانتیمتر . عرض ۱۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۹۹۴ . .

## دیوان مؤذن

**مؤذن** تخلص شیخ محمدعلی پسر مقری فرخ است، پدرش از خدمتگزاران آستانهٔ مقدسهٔ حضرت امام‌هشتم‌ع بوده‌وخود علوم دینی‌را ازمحضرمیرمحمدزمان مجتهد در مشهد استفاده نموده و پس از تحصیل علم ظاهر در مرحلهٔ باطن قدم زده و درویش حاتم او را دستگیری نموده و پس از وفات وی مؤذن بر مسند ارشاد نشسته و در مسجد جامع نماز های پنجگانه را بجماعت میگذارد و پس ازنماز عصر بموعظه می‌پرداخته وچند بار بایاران بمکه معظمه مشرف گشته وتا سال ۱۰۷۷ که سال تألیف «قصص الخاقان» میباشد در جهان بوده ومؤلف آن کتاب گوید: ازجملهٔ آثاراین جناب ۱ـ شرح اسرارالصلوة شیخ زین‌الدین (شهید ثانی) بفارسی است وتقریباً سه هزار بیت میشود ، ۲ـ تحفهٔ عباسی (۱) که درحدود دوازده‌هزاربیت ودرتصوف موافق‌مذهب‌وطریقه‌سلسله‌ذهبیه‌میباشد ، ۳ ـ رساله در بیان واجبات عبادات ، و دیوان اشعار وی درحدود پنجهزاربیت میباشد و اشعار وی برزبانها جاری و ساریست .

ازمندرجات دیوان وی تشیع وتصوف وی نیزآشکارومادهٔ تاریخ بنائی در آستان‌قدس بسال ۱۰۶۰ در ص ۱۷۵ـ۱۷۶ ، موجود وغزلیات وی بسیارشبیه بغزلیات مولوی دردیوان شمس‌میباشد واین غزل را ازوی دراینجامی‌آوریم :

ملک الملوک فقرم بشواهد معانی  بگرفته کن فکان را بقضاء یار جانی
شده ام بیار دلبر همه شوق پای تاسر  که سخن همی سرایم بزبان بی زبانی
من‌وآن نگارزیبا که گرفته ملک دلرا  که زخود خبر ندارم ز رموز لن ترانی
شده ام غریق دریا که نیم دمی هویدا  که زخود نشان نیابم زنشان بی نشانی

شرح حال مؤذن فقط درتاریخ «قصص الخاقان» نسخهٔ خطی این کتابخانه نگارش یافته و از آنجا استفاده شده است .

**۱۰۷۸**

**دیوان نباتی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، ناتمام است وشاید بیش‌ازیك دوبرگ افتاده

(۱) این کتاب بفارسی است و بسال ۱۳۴۲ در حاشیهٔ سبع المثانی در شیراز چاپ گردیده است .

نداشته باشد، ظاهراً دراواخرقرن سیزدهم یااوائل چهاردهم نگارش یافته ، غزلیات و رباعیات و مخمسات و ترکیب بندهای وی بی ترتیب ودرهم نگاشته شده و فارسی وترکی آنهم بایکدگر مخلوط واین نسخه درحدود چهارهزاروهشتصد (٤٨٠٠) بیت میباشد و در حدود ۱۰۰۰ بیت از نسخه دیوان چاپی اضافه دارد و بدین رباعی آغاز گردیده :

از گردش روزگار و دور گردون
دیوان من از ردیف گردید برون
آشفته تر از شکنج زلف لیلی
ژولیده تر از مقال حال مجنون

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی رنگارنگ . قطع خشتی باریك. شمارۀ برگها۲۱۶. صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر . شمارۀ دفتر ۱۵۰۳۴ .

## دیوان نباتی قراجه داغی

**نباتی** تخلص سیدابوالقاسم **اشتبینی** قراجه داغی ازشعرای صوفی مشرب قرن سیزدهم هجری میباشد ، بنابرنگارش مرحوم تربیت ( د آ ص ۳۷۰ـ۳۷۱) گذشته از نباتی که تخلص وی بوده ، گاهی **مجنون شاه** و هنگامی **خان چوپانی** نیز تخلص کرده ، چندی در **اهر** دربقعۀ شیخ شهاب‌الدین بریاضت مشغول بوده ودر اواخرعمربوطن‌اصلی وزادگاه خویش برگشته وبسال ۱۲٦۲ جهانرا ترک گفته و بیشتر بتتبع اشعار خواجه و تضمین و تخمیس آنها اشتغال داشته ودیوان وی مرکب ازغزلیات ورباعیات فارسی وترکی است وازرباعی نقل شده بالا که درآغاز نسخۀ این کتابخانه ودرص ۳ دیوان چاپی قرار گرفته استفاده میشود که شاعرخود مائل بوده که دیوانش برخلاف دیگردیوانهابهمین بی نظمی باشد ، دردیوان‌نباتی‌مدائح ائمۀ دوازده گانه شیعه علیهم السلام بسیار

است وبسال ۱۲۷۴ درتبریزچاپ سنگی شده وآغاز نسخهٔ چاپی‌رباعی زیرین است :

ایجاد بنای عالم از نام علیست — آئین نبی ز ضرب صمصام علیست
میخانهٔ دهرقائم از هستی اوست — آب رخ می زجام کلفام علیست

**۱۰۷۹**

**دیوان نجیب‌الدین گلپایگانی**

این‌نسخه را بسال۱۳۳۷ عبرت نائینی‌برای سردار معظم خراسانی نوشته ، مالك نسخه بخط خود برخی از ابیات را از روی نسخهٔ دیگر که بدست آورده تصحیح و ابیاتی که دراین نسخه نبوده در کنار صفحات ودرآخر نسخه افزوده وشامل قصائد وترکیب بندوغزل ورباعی میباشد وهمه اینها مرتب بترتیب قوافی بحروف هجاست ودرحدودیکهزاروپانصد(۱۵۰۰)بیت‌میباشد چندین برگ ننوشته در آغاز و انجام نسخه گذارده شده وآغاز نسخه این‌بیت است :

ز بس که بر طرف باغ دّر منثور است
جهان چوافسر خاقان‌وتخت فغفوراست.

مالك نسخه درحاشیه بخط خود نوشته : در نسخهٔ دیگر مطلع این قصیده این بیت است:

بیا که جعد بنفشه چوطرهٔ حوراست
زشمع گل‌همه اطراف باغ پرنوراست

جلد مقوا عطف وگوشه تیماج . کاغذ فرنگی . قطع بغلی. شمارهٔ برگها ٦٤ . صفحه‌ای ١٣ بیت . طول ١٤½ سانتیمتر . عرض ١٠ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٣٣٧٩ .

## دیوان نجیب الدین گلپایگانی

**نجیب‌الدین** گلپایگانی (١) از شعرا وسخنوران نیمهٔ دوم قرن ششم و اول هفتم هجری بوده در این نسخه دیوان وی مدائح علویان همدان: عزالدین یحیی ، علاءالدوله خسروشاه ، عمادالدین مردانشاه ، مجدالدین ( در را نام مجدالدین همایون ثبت گردیده ) ومدائحی ازملك اوزبك ( ٦٠٧ـ ٦٢٢ ) و جمال الدین عمر (٢) وقراخان که دوپادشاه بوده اند ومدائحی ازصدرالدین ( ظاهراً مراد صدرالدین خجندی است ) ، ابوالقاسم ومختص الدین نام که از وزرا بوده‌اند وزین الدین ابوبکر وبهاءالدین ورکن‌الدین وتاج‌الدین علی در ص ٨ ، ١٥ ، ١٨ ، ١٩ ، ٢١ ، ٣٢ ، ٣٨ ، ٣٩ ، ٦٧ ، ٧٤ ، ٧٥ ، ٧٨ دیوان وی موجود است و راوندی در را بذکر ومعرفی بسیاری ازنام بردگان بالا پرداخته وگوید که مردانشاه چندین سال پیش وی (راوندی) بتحصیل خط وعلوم ادبی دینی اشتغال داشته و در تمام این کتاب حتی یك بار از این شاعر معاصر خویش نام نبرده ، در تذکره‌ها وتواریخ دربارهٔ وی جز اینکه درایام سلطنت سلجوقیان (مراد سلاجقهٔ عراق است) رخت بربسته ومدّاح امراء قلعه وشاق (٣) بوده ومثنوی «بشر وهند» (٤)

---

(١) گلپایگان را عربها جرفادقان کرده‌اند وخود شاعرهم بدینگونه آنرا در شعر آورده .

مراست طبع معزی و هم بدین نسبت سواد خطهٔ جرفادقان نشابور است.

(٢) درص ٣٤ قل نوشته: ترکان‌خاتون درهنگام فرار ازمغول گروهی را که در حبس خوارزمشاه بودند بجیحون انداخت ازآن جمله جمال‌الدین عمر صاحب وخش بود.

(٣) در نسخه عکسی گز قلعه وساح باسین مهمله وحاء حطی نوشته شده ودرهم قلعه وساق ودرمجله مهرقلعه وشاق ضبط گردیده ودراینجاست که قلعه وشاق در ولایت نطنز (جزء کاشان است) میباشد ودر اول آنرا کمرث میگفتند وچون امیر وشاق حاکم آنجا شد بدین نام نامیده گشت .

(٤) در هم یازده بیت ازاین مثنوی نقل گردیده وسه بیت که درمجله مهرنقل شده درآغازآنست ونخستین آن اینست :

بردرگه او سپهر طاقی از لشکر او قمر وشاقی

نیز از آثار اوست و دیوان وی از دوهزار بیت متجاوز وامروزمتداول است، چیز دیگر ننگاشته‌اند .

در ذیل مدح عزالدین یحیی دو بیت ازاثیررا که مسلماً اثیرالدین اخسیکتی متوفی بسال ٥٧٠ یا ٥٧٧ میباشد آورده وما دراینجا می‌آوریم : ص ٣٧ نه

محیط مجد کرم میر عزالدین یحیی     که هست درنظرش چرخ آفتاب حقیر

بزرگوارا در معرض ستایش تو     نشاند در سخنم این دو بیت شعر اثیر

فلك‌دووقت بخصمان تو خطاب کند     بود همارە خطابش دولفظ عکس پذیر

بوقت کودکی ای شیرتان حرام چو خون

بوقت خواجگی ای خونتان حلال چوشیر

دراشعار وی تخلص یا نامی از وی نیافتم ( فقط در **رو** گوید : **نجیب** ، ملا نجیب‌الدین جربادقانی الخ . بنابراین‌نجیب تخلص بوده) ودرتذکره ها فقط زیر عنوان نجیب الدین که ظاهراً لقب شاعر بوده و نام دیگری هم داشته و نگارنده دست بدان نیافته، معرفی شده ونسخ دیگری‌ازدیوان وی در کتابخانهای شخصی ایران و کتابخانهای عمومی اروپا موجود است .

شرح حال این‌شاعر ومعاصرین وی بامراجعه به **راص** ٤٠ـ٤٦ـ٣٠٢ـ٣٠٥ـ٣٨٨ ـ ٣٩٤ ، **گز** ص ٨٢٦ ، **هم** ص ٧٨٩ ـ ٧٩٠ م. س. ، **ما** ج ١ ص ٦٣٤ ، **رو** ص ٦٨٥ ، **تل** ص ٤٣ ، **سخ** ج ٢ ص ١٩٥ ـ ١٩٦ و ص١٠٦٨ مجله مهرسال پنجم = ١٣١٧ش (مقاله مرحوم تربیت) نگارش یافت .

**١٠٨٠**

**دیوان یا کلیات** این‌نسخه‌بخط نستعلیق‌نوشته‌شده، تاریخ‌ونام نویسنده‌راندارد، مسلماً دراواخر قرن‌دوازدهم

**ندیم**

هجری نگارش یافته ( بربرگ ١٣٦ بسال ١٢٢٦ یادداشتی‌شده) وشامل‌قصائدوغزلیات‌ومخمسات‌فارسی‌وترکی میباشدو گذشته‌ازمثنویهای کوچك‌ترکی‌وفارسی» دومثنوی‌یکی بنام « **درنجف** » (برگ٨٥ـ١٢٧) ودیگری بنام« **تسبیح کربلا** «

( برگ ۱۲۷ ـ ۲۰۰ ) که معرفی از آنها زیراین سطر ها خواهد شد پیوستهٔ آنهاست و همه دیوان در حدود نه هزار و سیصد و سی (۹۳۳۰) بیت است ، برگهائی از آغاز ومیان نسخه افتاده وبرخی هم جابجا صحافی‌شده ودرحاشیهٔ برگ۱۰٤ـ۱۱۰ قطعه وغزلهائی ازنواب میرزا ابوالقاسم خان منیر تخلص که تاریخ نابینائی خود را در قطعه ای بسال ۱۱۸۹ معین نموده نگارش یافته و در تذکره ها شرح حال این مرد منیر رانیافتم‌وبیت ماده تاریخ نامبرده اینست :

چون ازپی تاریخ خود، جستم زپیرعقل گفت

« حیف از دوچشم نرگست » تاریخ نابینائیم

ونسخه دیوان بدین بیت آغاز گردیده :

لطف خاصی نظری مرحمتی احسانی

تا یکی از تو ندیم تو هراسان باشد

وانجام آن دوبیت ترکی میباشد که درآخر ماده تاریخی است که برای بنائی ازنادرشاه ساخته است :

از دم فیض عالم لاریب ایکی‌مصرع یتوردی هاتف غیب

قصر مولود خانهٔ زیبا کعبه وش درمقام صدق وصفا .

جلد تیماجی . کاغذدولت‌آبادی وفرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۰۷ . صفحه ای ۱۸ بیت . طول ۲٦ سانتیمتر . عرض ۱٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۸۹۰ .

## دیوان یا کلیات ندیم مشهدی

ندیم تخلص میرزا زکی مشهدی است که درفتنهٔ افغان در اصفهان بوده ، ودرعهد شاه سلطان حسین صفوی درخدمت محمد زمان خان سپهسالارخراسان و محمد قلی وزیر اعظم دیوان اعلی بوده و بمقام منادمت نادر شاه افشاررسیده

وبسال ۱۱۶۳ (۱) وفات یافته است ازدیوان وی که مشحون بمدائح اهل بیت علیهم السلام میباشد بدست میآید که پس ازفتنهٔ افغان وحملهٔ آنان به اصفهان از آن شهر فرار کرده وبه نجف اشرف پناه برده وبسال ۱۱۳۷ مثنوی «درنجف» را برابر مخزن الاسرار در یکهزار و پانصد (۱۵۰۰) بیت در آن آستان انشا نموده و درین کتاب داستان حملهٔ افاغنه و کار هائی که در اصفهان کرده‌اند نگارش یافته و بدین بیت آغاز گردیده :

بسم الله الرحمن الرحیم　　　مطلع دیوان علی عظیم

پس ازچند سال بایران برگشته ولی از برگشتن خود پشیمان شده وآرزو کرده که دوباره با اهل و عیال و اولاد بآستان مقدس مرتضوی مشرف گردد و در این باب در مثنوی «تسبیح کربلا» گوید :

در صفاهان زغم نجاتش ده　　　جای در ساحل فراتش ده

.........................

داده بودیش مدتی زشرف　　　درنجف جای همچو درنجف

ودرقصیده‌ایکه بمدح حضرت معصومهٔ مدفونه در قم علیها سلام خاتمه یافته گوید:

ندیم خاک در درگه برادر تست　　　که دور مانده از آن در زستی اقبال

کشیده محنت بسیار از جفای فلک　　　علی الخصوص درین عرض مدت دوسه سال

که از مجاورت آستان اجدادت　　　فتاده دور بتقریب دیدن اطفال

ز التفات عمیمت توقعی دارد　　　که با تمامی اولاد خویش و اهل و عیال

اعانتی بکنی و روانه اش سازی　　　بکربلا و نجف با رفاه و فارغ بال

مثنوی دیگر ندیم «تسبیح کربلا» نام دارد و چنانکه از خود مثنوی برمی‌آید در اصفهان پس از برگشتن از مسافرت نخستین وی آغاز گردیده و ازاین بیت وی که در اواخر این مثنوی قرار گرفته :

«یافتی ای ندیم باز شرف　　　همچو «درنجف» بخاك نجف»

بدست می‌آید که انجام آن در استان علوی ع بوده ودرتاریخ اتمام آن در آخر مثنوی گوید :

شکر شد در مه عزای حسین　　　نظم تسبیح کربلای حسین

شد سحر چون تمام این محضر　　　گشت تاریخ سال «فیض سحر» ۱۱۵۸

ودراین مثنوی که درحدود چهارهزارو پانصد وهفتاد (۴۵۷۰) بیت میباشد داستان شهادت حضرت سیدالشهداء ع وعلت اصلی ومنشاء آن وبمناسبت بعضی از

(۱) درنسخهٔ چاپی آر وفات این شاعر بسال ۱۱۵۲ ثبت شده و بطلان آن را مندرجات دیوان ثابت میکند ولی در نسخ خطی آر بسال ۱۱۶۳ ثبت شده است.

امورواقعهٔ بعد از رحلت حضرت رسالت ص ع ذکر گردیده و بدین بیت آغاز شده:

چون قلم میکشم الف از آه مدد کرذ مد بسم‌الله

ودر این مثنوی ارادت خویش را به **نورالدین گیلانی** که پیرمردی در حدود هفتاد سال وپیرطریقت بوده تصریح نموده ودرویشی ندیم از ابیاتش آشکاراست

دراین دیوان مدائحی ازنادرشاه موجود ودر قطعه‌ها ومثنویهائی که بیشتر بترکی انشا نموده طلا کردن گنبد حضرت مولی ع وبرخی از تعمیرات وی ثبت گردیده و از یکی از مثنویهای شاعر که بترکی است استفاده میشود که بنابر میلی که نادرشاه درآخر عمر یافته باهمهٔ تشیعی که داشته و کمتر صفحه‌ای از صفحات این دیوان خالی از این عقیده میباشد موافق عقیده اهل سنت رفتار کرده و درآنجا حضرت علی بن ابی طالب ع را یار چهارمین معرفی نموده وشاید دراثر همین پیش آمد بوده که بگفته آذر دراواخر عمر از کار کناره گرفته وترك منادمت نموده است و این دوبیت را که بسیار مشهور میباشد فقط **آذر** در آر (ص ۴۳۰) در ذیل شرح حال مختصر ندیم نقل نموده:

در خاك نجف ندیم آسوده بخواب اندیشه مکن ز پرسش روز حساب
جائیکه بدل بسر که گردد می ناب بی شبهه که شود مبدل بصواب

## ۱۰۸۱

**دیوان نظیری نیشابوری** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده نام نویسنده را که درپایان دیوان بوده با مهر اسمی که نیز در آنجا زده بوده، محو کرده‌اند، ظاهراً درقرن یازدهم نوشته شده، مندرجات آن عبارتست از: ۱ ـ قصائد ومقطعات (ص ۱ ـ ۱۹۸)، ۲ ـ ترکیب بند و ترجیع بند ها (ص ۲۰۰ ـ ۲۹۶)، ۳ ـ غزلیات (ص ۲۹۶ ـ ۷۵۲)، ۴ ـ رباعیات (ص ۷۵۲ ـ ۷۸۶) وهمهٔ اینها درحدود هشتهزار و پانصد بیت (۸۵۰۰) میباشند و مرتب بترتیب

حروف تهجی برحسب قوافی گردیده ودرآغاز هریك از سه بخش نخستین سرلوح زیبائی است و نسخه مجدول بطلا وبدین بیت آغاز گردیده :

ای جلالت خلوت ازاغیار تنها ساخته
حکمت تو از کرم دی کارفردا ساخته

وپشت برگ نخستین این بیت صائب نگارش یافته :

صائب چه محالست شوی همچو نظیری
عرفی بنظیری نرسانیده سخن را

و دومهر اسم بوده نیز محو گردیده و بربرگهائیکه پس از آخرین برگ نسخه نوشته بوده نویسنده ابیاتی ازسلمان نگاشته است .

جلد نیم ضربی تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۲۹۳ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۱۸ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۴۰ .

## دیوان نظیری نیشابوری

**نظیری** تخلص محمد حسین نیشابوریست که از شعرای قرن دهم هجری و از دوستداران اهل بیت؏ بوده ، پس از اداء حج و زیارت مدینه طیبه در اواخر قرن دهم بهندوستان رفته و برفاقت عبد الرحیم سپهسالار (خان خانان) نائل آمده و از وی نعمت ها یافته و قصائد بسیار در مدح او ساخته ، حدیث و تفسیررا از محضر مولانا **حسین جوهری** دریافته وبا **خواجه حسین ثنائی** مشهدی دوستی کامل داشته واو را مرثیه گفته وخود وی بسال ۱۰۲۳ بجایگاه ابدی خویش آرمیده است .

در تذکره **رو** نگارش یافته که نظیری مشهدی معاصر این نظیری بوده و بسال ۱۰۰۳ بهند آمده نظیری نیشابوری از او خواست که ترك این تخلص

کند ، وی پساه آخر را انداخت و از آن بعد **نظیر** تخلص شد و نظیری نیشابوری ده هزار روپیه بوی بخشید ونیزدر اینجاست که دراواخر عمر نظیری گوشه نشینی اختیار کرده تا از این جهان بدانجهان رفت .

اشعار نظیری در حدود ده هزار (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و شاعر خود بجمع آوری دیوانخویش پرداخته‌وغزلیات وی که درحدود پنجهزار (۵۰۰۰) بیت‌میشود بسال ۱۹۲۸م در لاهور هند چاپ شده‌و پشت جلدآن تذکر داده شده‌که این ابیات به زبان اردو ترجمه و چاپ شده است .

آغاز قصائد وی همان بیتی است که نسخهٔ این کتابخانه بدان آغاز گردیده و آغاز غزلیات وی این بیت :

اِذا ماشِئتَ اَنْ تُحْيي حَيواةَ حُلْوَةَ المَحْيي
بر سوائی برآور سر زمستوری برون نه پا

و آغاز ترکیب بند های‌وی‌که در مدح ائمه اثنی عشر ع میباشد اینست :
وقتی‌که شکل دائرهٔ کن فکان نبود جز نقطهٔ‌حقیقت حق در میان نبود.

شرح حال نظیری در **هم** ص ۶۳۷ـ۶۳۹م . س ، **خو** در حرف نون ، **شم** ص ۴۵۳ و **رو** ص ۷۰۸ـ۷۱۱ نگارش یافته و مراجعه شده است .

**۱۰۸۳**

**دیوان نقیب‌الممالك شیرازی**

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، از قرائن پیداست که بنظرخود شاعر رسیده‌وبتصحیح وافزودن ابیاتی بر آن پرداخته ودرکنار صفحات کلمهٔ **بلغ** نوشته‌شده ، وپیش‌ازشروع بنگارش دیوان‌مقدمه‌ای در شرح حال شاعر که پیداست در حیات خودوی‌انشاشده ، بخط نویسندهٔ‌نسخه‌نگارش‌یافته‌ومندرجات‌دیوان عبارتست ازقصائد وغزلیات وچهاربند درمرثیه ومسمط های خزائیه

وبهاریه‌درمدح حضرت‌مولی‌الموالی‌علی‌علیه‌السلام‌وچهارده‌معصوم ع و غیر ایشان وهفت بند (اصولیه، شبستانی ( کذا )، شیخیه، مطربیّه، قماریه، خماریه و شکاریه ) ویك مثنوی در آداب معاصرین وصفت و سیرت هر طایفهٔ ازایشان درده دفتر وترکیب‌بندهائی‌است‌ونسخه‌تمام نشده وبرگهائی ننوشته در آخر دارد و تمام ابیات نسخه در حدود چهارهزارو دویست (٤٢٠٠) بیت میباشد و آغاز وانجام دیوان این دوبیت است :

**آغاز:** بسمله نقیب الممالك و سالك المسالك هوالعالم الکامل الادیب وجامع الفاضل . . . . . . . . . . . . . .

سپاس ما نشد شایسته شان تو بارنا

سپاس خود بشان خویشتن برخویشتن فرما

**انجام:** بالا شود از صنوبرو کاج

افشانی اگر بخاك بطیخ

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ١٥٤ صفحه‌ای ١٦ بیت . طول ٢٣ سانتیمتر . عرض ½ ١٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **١٦٢٣٨** .

## دیوان نقیب الممالك شیرازی

**نقیب** تخلص حاج میرزا احمد ابن حاجی درویش حسن شیرازی میباشد که مانند پدر مقام نقیب‌الاشرافی‌را داشته وپس ازچندی ملقب به **نقیب‌الممالك** گردیده ومقام ندیمی پادشاه عصر ناصر الدین شاه را یافته و سالی شش ماه را در پایتخت ایران در دربار میگذرانیده ، گویند بیش از بیست هزارشعر متین ازشعرای پیشین و پسین در حفظ داشته و بمناسبت مقام میخوانده و تولد وی بسال١٢٣٨ درشیرازبوده‌وبسال ١٣٠٢ در اصفهان‌وفات یافته وازمطالعهٔ دیوان وی روانی طبع و شیرینی گفتار و نیکوئی تعبیر او آشکار و حقائق را بزبان

افسانه و حکایت خوب بیان نموده و مثنوی وی که بنام « **ده دفتر** » انشانموده نظیر مثنوی مسعود سعد و**کارنامه بلخ** سنائی درعیب جوئی از معاصرین وتشریح معائب آنهاست وفهرست ده دفتر اینست : ۱ ـ در آداب حکومت ، ۲ ـ در اوصاف وزرا ، ۳ ـ در اوصاف ائمه جماعت ، ٤ ـ در اوصاف قضات ، ٥ ـ در اوصاف اهل ارشاد ، ٦ ـ در اوصاف اطبا ، ۷ ـ در اوصاف تجار ، ۸ ـ در اوصاف شحنه و کدخدا ، ۹ ـ در اوصاف ذاکرین و دفتردهم دراوصاف تنبلان .

نسخهٔ معرفی شدهٔ بالا بخشی از دیوان شاعر میباشد و شامل همه منشآت نقیب نیست ، ابیاتیکه درفارسنامه از این شاعرنقل گردیده درصفحات ٥٥،۹ و ٥٦ نسخهٔ دیوان این کتابخانه موجود ولی غزل و ابیاتیکه درآثار عجم ازوی آورده شده در اینجا نیست .

شرح حال این مؤلف در **فا** گ ۲ ص ٤٥ ـ ٤٦ ، آثارعجم ص ۲٦۲ـ ۲٦۳ ومقدمه دیوان ( نسخه این کتابخانه ) نگارش یافته ومراجعه شده است .

**۱۰۸۳**

**دیوان نیاز اصفهانی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ظاهراً درنیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و شامل ترجیع بند وقصائد (ص ۱ ـ ۷۹ ) وغزلیات (ص ۸٥ ـ ۱٥٥) بدون ترتیب میباشد وترجیع بند نیاز که درآغاز نسخه است بدین بیت آغاز گردیده :

شد غلام تو ماه کنعانی — بتو باد ای عزیز ارزانی

وترجیع آن اینست :

که جزاو نیست زآشکارونهان — غیره کل من علیها فان

وغزلیات بدین بیت آغاز شده :

چه بجان نشسته محبتت ، چه بدل نشسته هوای تو

بدل‌وبجان قدمی بنه ، دل و جان من بفدای تو

واین نسخه دیوان درحدود دوهزار ( ۲۰۰۰ ) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۷۸ . صفحه‌ای ١٤ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ½ ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۲۳۳** .

## دیوان نیاز اصفهانی

**نیاز** تخلص سید حسین اصفهانی است که از سادات طباطبائی و از احفاد میرشاه‌تقی‌جوشقانی‌است که وی‌ازمشاهیر عحر مان‌شاه سلیمان(۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) صفوی بوده ، راوی گروسی که ورا معاصر بوده در بارهٔ او گوید «در سلك طلاب علوم در شهراصفهان بتحصیل معارف مشغولست ، خط نسخ را پاکیزه مینویسد ، طبع خوشی دارد این‌چندبیت‌ازاوست» و پس از این هشت بیت از منشآت **نیاز** را که برخی از آنها در ص۱۱۰و۱٤۰ و ۱٤۳ نسخهٔ این کتابخانه میباشد نقل نموده ، هدایت در ج ۲ ما ص ٤۹۹ ونائب‌الصدر در **طق** ج۳ ص ١٤٤ همین معنی را باالندك تغییری در عبارت و اسقاط چند بیت و اثبات ابیات دیگر که در **خن** وجود دارد بدون اینکه‌زمان تولد ووفات‌و خصوصیات دیگرشاعررامتذکرشوند ، درمعرفی این شاعرنگاشته‌اند ودردیوان نیازمدایحی ازامام‌زمان علیه‌السلام وازفتحعلیشاه موجود ومسلم است که درنیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجری زندگانی میکرده و جزاینکه در اینجا گفته شد از شرح حال وی خبری نیافتم .

**۱۰۸۴**

**دیوان قصائد هدایت**

این نسخه راکه شامل مسمط ها و ترکیب بند ها وترجیع بندها وقصائد مرتبهٔ بترتیب حروف‌تهجی میباشد خود شاعربسال ۱۲۷۵

نوشته و بسال ۱۲۸۰ میرزا حسن نوری بشمارهٔ ابیات آن پرداخته
و در پایان دیوان یادداشت نموده که بادقت شماره نموده در حدود
دوازده هزار و نهصد ( ۱۲۹۰۰ ) بیت میباشد و نگارنده نیز محاسبه
نموده در همین حدود بلکه باقصائدیکه شاعر در حاشیه بسیاری از صفحات
افزوده بیشتر هم خواهد بود و گذشته از اشعار یادداشتهائی لغوی و تاریخی
و ادبی در کنار بیشتر از صفحات نسخه بخط هدایت موجود تاریخ
شرحی که در حاشیه ص ٥٤١ بخط هدایت نگاشته شده سال ۱۲۸۱
میباشد، دو برگ کاغذ نوشته پیش از برگ نخستین میباشد بر نخستین
آنها هدایت بسال ۱۲۷۵ نوشته که این دیوان از اوست و خود وی
بنگارش آن پرداخته و در ذیل آن فرزندزاده ایشان جناب آقای حاج
مخبر السلطنه ( مهدی قلی هدایت ) نوشته اند که این نسخه
بکتابخانه مجلس تقدیم شد و نسخه بدین بیت آغاز میگردد :

خرقه بکهسار داد ابری سنجابگون
کرته بباغ وبدشت میغی مهتا بگون

وانجام نسخه این بیت است :

حق شناسی است خود پسندی نیست
منکر من ازین سخن نشنوی

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳۱۸ . صفحه‌ای ۲۱ بیت . طول ۳۰ سانتیمتر . عرض $21\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹٦۹** .

## دیوان هدایت ( قصائد و غیره )

**هدایت** تخلص رضاقلی بن محمد هادی امیرالشعراء میباشد که بسال ۱۲۱۵ در تهران متولد شده و بسال ۱۲۸۸ در همین شهر بجهان دیگر شتافته است

این مرد از شعرا و مردان بزرگ دربار ایران بوده و محمدشاه قاجار تربیت فرزند خود **عباس میرزا** رابعهده این ادیب واگذار نموده و بهمین مناسبت اورا **للهباشی** گویند ، ناصرالدین‌شاه او را بسفارت خوارزم فرستاده وپس از مراجعت ازآنجا نظامت وریاست دارالفنون راکه از مشاغل مهمه آنروزی بوده بوی برگذارنموده و تذکره شعرای پیشین و پسین‌را بامنتخبی از اشعار آنهابنام «مجمع‌الفصحا» نگاشته‌وبسال ١٢٩٥ چاپ گردیده وتذکرهٔ دیگری بنام « ریاض‌العارفین » داردکه تاکنون‌دوبار بسال ١٣٠٥ قمری و١٣١٦ خورشیدی چاپ شده وفرهنگ انجمن‌آرای ناصری که بسال ١٢٨٨ چاپ‌شده و تتمه روضةالصفا از صفویه تاعصر مؤلف نیز در سه‌مجلد تألیف ایشان است و باهفت مجلد اولی بسال ١٢٧٠ - ١٢٧٤ چاپ شده و مدارج‌البلاغه وی‌که بفارسی و در تهران چاپ شده و کتاب مظاهم‌الانوار فی مناقب‌الائمة الاطهار که بفارسی‌ودرمناقب‌ائمه دوازده گانه علیهم‌السلام‌میباشد‌دراین کتابخانه موجودو درفصل سیر ومناقب معرفی‌خواهدشدوشش‌مثنوی‌وی که‌از آنها « **ستهٔ ضروریه** » تعبیر کرده عبارتنداز : ١ - انوار الولایه برابر مخزن الاسرار ، ٢ - گلستان ارم یابکتاش نامه ، ٣ - بحر الحقائق بروزن حدیقه سنائی ، ٤ - انیس‌العاشقین ٥- خرم بهشت (١) و٦- هدایت‌نامه ومثنوی‌دیگری بنام منهج‌الهدایه داردکه درهمین‌فصل معرفی‌میشودو کتاب مفتاح‌الکنوز ولطائف‌المعارف وفهرس‌التواریخ نیزازمؤلفات اوست ونسخه‌ای بدین نام (فهرست‌التواریخ) درصورت کتب خطی کتابخانه ملی‌تهران دیده‌ام و رسائل دیگر هم دارد .

مندرجات این نسخهٔ از دیوان هدایت همه در اقتفاء و تقلید اساتید بزرگ شعر چون عنصری و منوچهری و سنائی و معزی و غیره میباشد و خود وی مدعی است که سی‌هزار بیت از قصیده و غزل و غیره دارد و ظاهر اینست که بامثنویهای وی شمارهٔ ابیات او بدین‌اندازه است ودرآخر منهج‌الهدایه گوید:

زسی‌هزارفزون است گرچه اشعارم        بدین کتاب امید نجات خود دارم

شرح حال هدایت‌راخودوی درآخر جلددوم مجمع‌الفصحا (**ما**) نگاشته ودرجلد ٤ مرآت‌البلدان ص٤٦-٤٨ درذیل **چهارده کلاته** بنقل‌ازهمین‌کتاب ودر فارسنامه ناصری (**فا**) گ ٢ص١٢٥-١٢٧ ودرالمآثر والآثارص١٨٩-١٩٠ ومنتظم ناصری ج٣ص٣٢٠ و **طق** ج٣ص٣٤٢ نگارش‌یافته‌ومراجعه‌شده‌است.

(١) نسخه‌ای ازاین کتاب زیر شمارهٔ ٤٣٣ در این کتابخانه موجود ودر **ما** از مثنویهای نام‌برده ابیاتی انتخاب و درج شده کتب خطی است .

۱۰۸۵

**دیوان هنر و مجموعهٔ یادداشتهائی از او**

این نسخه را خود شاعر نوشته وازمندرجات ص ۱۲ معلوم میشود که شروع بنگارش آن بسال ۱۲۶۸ بوده و پس از سال ۱۲۸۸ تاریخی دراین نسخه نیافته ام، وبخط نسخ و نستعلیق و شکسته نستعلیق است. پیش از شروع بنگارش ابیات برای تیمن وتبرك آیاتی از قرآن کریم که درشان حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و پس از آن احادیث واخباریکه نیز در فضائل و مناقب آنحضرت میباشد نگاشته شده و در حاشیهٔ ص ۱٤ ــ ۲۸ **خطبة البیان** را نوشته ومندرجات دیوان عبارتست از قصائد ومخمس ها وغزلیات ومقطعات ومراثی حضرت سیدالشهداء[ع] و هجویات ونیز یادداشتهای بسیاری راجع بتولد فرزندان شاعر درص۵۸ میباشد ودرص۵۹ جواب کاغذیست مرکب از کلمات بی‌نقطه که بیکی از دوستان خود نوشته ودرآخر نسخه ابیاتی عربی از مرحوم شیخ احمد احسائی ره و دیگران نقل گردیده ودرص ۲۹۱ خطبة المتقین (خطبهٔ همام) حضرت علی بن ابی طالب[ع] نگارش یافته ودرمتن وحاشیه این نسخه اخبار بسیاری درموضوعات مختلفه نگارش یافته ودرمتن وحاشیه مطالب متفرقه ونسخه های طبّی وقطعه‌ای از یغمایدراین شاعر (ص۳۰۱) نیز موجود است.

شمارهٔ ابیات این نسخهٔ ازدیوان درحدود پنجهزار (۵۰۰۰) بیت میباشد

وبدین بیت آغاز گردیده :

زهرسرود سخن کن سخنگرا کوتاه

سخن سرای بمدح علی ولی الله .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۵۳ صفحه ای ۱۹ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۲۱ .

## دیوان هنر و مجموعه یادداشتهائی از او

**هنر** تخلص میرزا اسمعیل پسر میرزا ابو الحسن **یغما**، شاعر معروف قرن سیزدهم هجری است که بنا بر تصریح این فرزند وی ، در هشتاد سالگی بسال ۱۲۷۶ جهانرا بدرود کرده ، و این شاعر در زمان پدر مقامی ارجمند یافته و ارادت به جناب حاج محمد کریم خان کرمانی پیدا کرده ، و از ایشان مدح ها نموده وپیرو حضرت شیخ احمد احسائی شده ، ونسبت بپدرخود بسیار ادب مینموده ودرچند مورد از این دیوان ومجموعه که ازوی نام برده ازپدربدین گونه تعبیر کرده: «(ص۲۴) استاد کهن خداوند سخن یغما قدس الله روحه العالی» . و در (ص۶۰) گوید : در روز شنبه شانزدهم شهرربیع الثانی تقریباً سه ساعت از طلوع خورشید گذشته مطابق سال نا مبارك فال قوی ئیل یکهزارودویست و هفتاد و شش ۱۲۷۶ در قریهٔ خور بیابانك جندق،جهان مکرمت سپهر معالی، دارای سخن ، استادکهن **یغما** میرزا ابوالحسن قدس سره العالی، دامن همت براین خاکدان نشاند رحمة الله علیه، عمر شریفش هشتاد مدفن پاکش بقعهٔ سید داود» .

ودرص ۳۰-۳۲ قصیده‌ای در مدح پدرخویش سروده واین چند بیت آغاز آنست :

« بابم خلاصه زمن و صفوهٔ زمان — حسّان دهر بوالحسن آن احسن الحسان
**یغما** که نافریده جهانبان چنو حکیم — تا آفریده از در حکمت همی جهان
ازعقل وعشق صورت وجانش نگاشته — جان آفرین صورت و صورت نگار جان
هفتاد قالب از در معنی گذاشته — در هر یك از عوالم تحقیق کن فکان
سرّی نه بردقیقهٔ فکرش همی ستیر — رازی نه بر حقیقت رایش همی نهان
ارشاد ها نمودم فرزانه کای خلف — اندرز ها سرودم بیرانه کای جوان
عزلت گزین که عزلت ملکیست بیزوال — قانع نشین قناعت گنجی است شایگان .

در کتب تذکره وتاریخ بشرح حال و آثار دیگر **هنر** دست نیافتم ازمندرجات نسخهٔ بالا بدست می‌آید که تاسال ۱۲۸۸ زندگانی میکرده و اولادهای زیاد

داشته وچند تن از آنها ۱۲ و ۱۵ ساله جهان را بدرود گفته ودل هنر را آتش زده‌اند، خصوصاً مرگ دوفرزند وی محمد دوازده ساله ومحمود ۱۶ ساله (ص ۵۸ و ۱۳۳ و ۱۳۴) بسیار اورا متأثر کرده وقطعه‌ای در رثاء آنها وتاریخ این واقعه گفته و دو بیت شامل تخلص و ماده تاریخ آن اینست:

هنر زمرشد غمدیده جست سال وفات    درید جامه وازدیده راند خون وسرود
فسوس و آه که آرامگه لحد کردند    دونوجوان عزیزم محمد ومحمود = ۱۲۸۸

از یاد داشتهائی که نوهٔ دختری هنر آقای حبیب یغمائی بنگارنده داده اند استفاده میشود که هنر پس از تحصیل مقدمات برای تحصیل علوم نقلی به نجف اشرف مشرف گشته و بمقام اجتهاد نائل آمده و گذشته ازشعر فارسی، بعربی نیز اشعاری سروده و برخی از آنها پیش ایشان موجود است واز آثار هنر داستان عاشقانه ایست که از رباعیات متوالیه ترکیب یافته و در خانوادهٔ ایشان موجود است و دیگر ازکارهای هنر بپایان رسانیدن فرهنگی است که یغما تألیف نموده و توفیق بر انجام آنرا نیافته بود وهنر دیگر هنر نثرنویسی اوست که مقدمه دیوان یغما نمونهٔ آنست وبرخی ازمکاتیب ومنشآت هنر را آقای یغمائی دارند وبسیاری از آنها هم دردهکدهٔ خور (دهستان جندق است) در خانوادهٔ یغما وهنر موجوداست.

## ۱۰۸۶

**دیوان یوسف گرجی** این نسخه را بسال ۱۲۹۷ محمدعلی قزوینی بخط شکسته نستعلیق خوب برای تقدیم به **صادق خان** سرهنگ (ص ۵۶) نوشته وپس از اتمام غزلیات ومخمسات ومسمطات ورباعیات یوسف، که درحدود پانصدو چهل (۵۴۰) بیت است، ابیاتی ازدیگران وقصیده وغزلی ازحکیم شریف، **شریف** تخلص (۵۷ـ۶۵) وغزلی از محمد علی میرزا (ص ۶۵ـ۶۶) و ابیاتی ازنجم الدین ولاادری و حکیم سنائی (ص ۶۶ـ۶۸) **وسوزو گداز** میرزا صادق تفرشی در ۱۳ بیت (ص ۶۸ـ۷۸) که آغاز آن اینست:

آتشی می‌بینم ای یاران ز دور    گرم میآید بچشمم نخل طور

و یك مثنوی در ۲۹ بیت ازمیرزاطوفان؟ که آغاز آن اینست :

ای صبا ای مایهٔ آرام من      کام بخش این دل ناکام من

نگارش یافته است وپیش ازشروع بنگارش غزلیات یوسف دومکتوب عشقی وعرفانی ازهمین شاعر نگارش یافته که آغازنخستین آنهااینست : چندیست که بدام هجرنگاری خوشخو و بدیع الجمال گرفتارم که نه از دیده نهانست و نه بر دیده عیان ،آتش عشقش بجانم افروخته و جملهٔ هستیم را سراپا سوخته الخ .

و دیوان بدین بیت آغاز گردیده است :

ناله ام ازهجر یار ماه جبین است

نی غلط آن مه کجا بحسن چنین است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ٤١ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۲۳۱** .

## دیوان یوسف گرجی

**یوسف** تخلص یوسفخان گرجی است که از تربیت شدگان محمود میرزا است و چنانکه از مندرجات بیان محمود بر میآید قصائدی غرا در مدح این شاهزاده دارد و ابیاتی از وی در آن کتاب گذارده شده و چنانکه از مندرجات **ما** ( ج ۲ ص ٥۸۰ ) معلوم میشود، محمود میرزا درسفینة المحمود نیز بمعرفی وی پرداخته و هدایت گوید ملاقاتش اتفاق نیفتاده بنابر این پیش از سال ۱۲۸۸ وفات یافته و در عنوان دیوان وی ( نسخهٔ بالا ) که بسال ۱۲۹۷ نگارش یافته این جمله نگارش یافته :

« من کلام خلد آشیان یوسفخان علیه الرحمه » . ومدائحی از ناصرالدین شاه وشاهزادهٔ احتشام الدوله ومرثیه‌هائی ازحضرت سیدالشهداء علیه السلام دراین

نسخهٔ‌دیوان‌وی‌موجوداست واین چند مطلع ومقطع را ازاودراینجا میآوریم :

عشق روی تو صنم صورت بیجانم کرد
کافری بودم و این عشق مسلمانم کرد.

بر آستان تو ای مه نهاده سر **یوسف**
اگرچه رفته صنم‌دین ودانش ازدستم.

هرکس‌نظر کند سوی‌آن زلف پرشکن
جانش برون ززلف سیاهش رود ز تن.

**یوسف** برو گدای سرکوی یار باش
شاید ز روی لطف به بخشد گناه را.

**١٠٨٧**

**رباعیات یا کلیات سحابی استرابادی**

این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته، پیش از شروع به رباعیات رساله ای بنام «عروةالوثقی» که برگهائی ازآغاز آن افتاده نگاشته شده، پس‌ازاتمام رباعیات‌ابیاتی بوزن‌مثنوی‌نیز ازسحابی‌نوشته‌شده‌و مندرجات‌این‌نسخه ٦٢٥٠ رباعی میباشد وظاهراً ازخطوط قرن یازدهم هجری وهمه ازسحابی است .

مسلماً برگ نخستین دومین برگ از «عروةالوثقی» میباشد وبرگ دوم، پیش ازآنست وازآغاز آن برگی که شامل بخشی از مقدمهٔ «عروة الوثقی» بوده‌افتاده است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ١٣٣ . صفحه‌ای ٥٠ بیت . طول $23\frac{1}{2}$ سانتیمتر، عرض $12\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٣٩٢٦ .

## رباعیات یا کلیات سحابی استرابادی

**سحابی استرابادی** ازعرفا وشعرای قرن دهم هجری بوده ، چهل سال مجاورت نجف اشرف را اختیار نموده و از جهان بکمتر چیزی قانع گردیده و بسال ۱۰۱۰ جهانرا بدرود گفته و بسرای دیگر شتافته است .

طبع وی بیشتر بگفتن رباعی راغب بوده مؤلف **شم** گوید: هفتادهزاررباعی انشا نموده ، مؤلف **مر** درص ۸٤ گوید: دوازده هزاررباعی از وی دیده شده و بزرگترین نسخه‌ای که نگارنده ازرباعیات این شاعر تاکنون دیده نسخهٔ این کتابخانه میباشد و از دیگر آثار وی اطلاعی ندارم جزاینکه درآغاز رباعیات نسخهٔ این کتابخانه‌وکتابخانه **م ، س** نامه‌ای بنام « عروةالوثقی » مرکب ازنظم ونثر میباشد که بامقایسهٔ رباعیات مندرجهٔ دراین‌رساله بارباعیات‌سحابی‌یکی بودن گویندهٔ آنها آشکارمیشود و این نامه درچهار فصل بدین تفصیل میباشد : **۱** - در بی بصریست ، **۲** - در الهامست و آنهم دربصارت تامست ، **۳** - شراب و کیفیت ظهور اوست و **۴** - در رجعت بالله تبارك و تعالی .

واین نامهٔ عرفانی موشح بآیات کریمهٔ قرآنی‌میباشد وتخمیناً بیشتر ازششصد (۶۰۰) بیت میباشد ومنشی آن درمقدمه بدینگونه بمعرفی آن پرداخته :

« **القصه** کمند از منظر اعلای لقا انداختیم و طالبان صادق را مستمسك ساختیم‌تا دست وثاق درآن زده برایند یعنی‌از کفرمجازی بایمان‌حقیقی گرایند ، چون از صفات ذات واثق نشست برصفحهٔ تسمیهٔ « عروةالوثقی » نقش بست ،

این نامه که ربط فرع و اصلش کردیم
هر چند که فصل بود وصلش کردیم
چون سیر سپهر معنوی بود برو
همچون گیتی چهار فصلش کردیم »

و پس‌از اتمام رباعیات ردیف **ی** یك مثنوی بدین مطلع :

در جهانند مشت خام طمع     کید خود را نهاده نام ورع

موجود است و آقای غلامحسین محتشم دولتشاهی در ص ۵۱۵ - ۵۱۸ سال ۱٤ مجله ارمغان زیر عنوان کلیات سحابی از روی نسخه‌ایکه بسال هزار و دو

(۱۰۰۲) بنام کلیات سحابی نوشته شده و متعلق به آقای پارسای تویسرکانی بوده و شامل نامه «عروة‌الوثقی» و رباعیات و این مثنوی میباشد ، نوشته اند که این مثنوی سیصد و چهل و سه (۳٤۳) بیت میباشد و بخشی از آنراهم در آنجا نقل کرده اند .

چیزیکه دراینجا تذکر آن بایسته‌است آنکه درعروة‌الوثقی ورباعیات واین مثنوی تخلص سحابی دیده نمیشودولی وجودنسخه ایکه درزمان حیات شاعر با انتساب بوی،نوشته شده ودربرداشتن این نسخه رباعیاتی راکه معاصرین شاعرودیگران بدونسبت داده اند بهترین‌دلیل برصحت انتساب آن‌به‌این‌شاعر میباشد ونگارنده تصور میکند که سحابی شوشتری‌نام برده شده درفهرست آصفیه نیز همین شاعر میباشد چنانکه سحابی نجفی‌نیزهمین عارف است .

و رباعیات سحابی بدین رباعی آغاز گردید .

المنة لله که بانعام خدا — از خلق رمیدم وشدم رام خدا

هر کس سخنی از آن واین میگوید — من میگویم نام خدا نام خدا

شرح حال‌ومنتخبی از رباعیات سحابی استرابادی درهم ص۹۳٤ - ۹۳٦ م . س ، شمع ص ۱۹۸ - ۱۹۹ ، هرص ۸۳- ۸۵ ما ج ۲ص۲۱ ومجله‌ارمغان سال ۱٤ ص ٥۱٥ - ٥۱۸ نگارش‌یافته‌ومراجعه‌شده و در ص ۲۹۸ فهرست کتابخانه آصفیه‌دکر نسخه ای‌از رباعیات‌سحابی‌شوشتری متوفی بسال ۱۰۱۰ نشان داده‌شده و چنانکه گفتیم‌بایستی‌همین رباعیات و از این سحابی استرابادی نجفی باشد .

**۱۰۸۸**

**سبحة‌الابرار** این‌نسخه را بخط نسخ ابوالحسن‌نام‌نوشته، طرز خط و سر لوح‌خاکی است که درقرن نهم و زمان زندگانی‌خود جامی نگارش یافته و بخشی‌ازیادداشتی که پشت صفحهٔ نخستین‌بوده اینست : هو . . . . مولانا . . . فی‌الشهر

ربیع ا . . .٨٦٠، کتبه العبد محمد . . . وازاین باقی مانده هم بدست میآید که نسخه پیش از سال ٨٦٠ نوشته شده و نویسنده برسم پیشینیان صفر شصت را نگذارده است، عناوین با شنگرف نوشته شده و تمام برگها مجدول بطلا ولاجورد میباشد، بر این برگ یاد داشتهای دیگر موجود و بر برگی که پیش از این برگ میباشد یاد داشتهائی و ابیاتی نگارش یافته و برخی هم محو شده و در پایان آخرین صفحه شیری در حال شکار آهو ترسیم گردیده است .

جلد میشن. کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٢٣ . صفحه‌ای ٧٠ بیت . طول $\frac{1}{2}$٢٣ سانتیمتر . عرض ١٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٤١٨٠ .

## ١٠٨٩

**سبحة الابرار** این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ٩٣٩ نوشته شده، دو مهر اسم در پایان آخرین صفحه بوده محو گردیده، در آغاز کتاب سرلوحی ظریف میباشد، همهٔ برگها متن وحاشیه است وبرگهایك درمیان اطرافشان بارنگهای گوناگون گل وبرگ ومرغ وحیوانات مختلف کشیده شده وعناوین مطالب باطلا نگارش یافته ونیز تمام برگها باطلا وزنگار وغیره جدول کشی شده است .

جلد تیماجی. کاغذ متن سمرقندی حاشیه بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٩٢ . صفحه ای ١٧ بیت . طول ٢٦ سانتیمتر . عرض ١٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٨٣٢٠ .

۱۰۹۰

سبحة الابرار این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۹۵۸ نوشته شده ، سر لوحی در آغاز آن میباشد ، برگ نخستین و آخرین وصالی گردیده ، عناوین باشنجرف نگارش یافته ، پشت آخرین برگ یاد داشتهائی بچگانه و ابیاتی میباشد و بر صفحهٔ ۲ و ۳ محمدبن کاظم بروجردی تملک خود را یادداشت کرده است.

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۲۰ . صفحه‌ای ۱۳ بیت . طول $\frac{1}{2}$۱۷ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۹۰۴۸** .

۱۰۹۱

سبحة الابرار این نسخه بخط نستعلیق مخلوط با شکسته نگارش یافته، اگرچه در پایان نسخه (ص ۱۹۱) فروشندهٔ دزد، اتمام کتاب را تذکر داده ولی سیصد و هشت (۳۰۸) بیت از آخر را ندارد و بدین بیت نسخه خاتمه یافته :

نفع شه بیش بود از ضررش　　　خیر او نیز هم افزون زشرش

و ظاهراً نگارش نسخه در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری گردیده، مهر بادامی بدین سجع : « صراط علی حق نمسکه » بر صفحهٔ نخستین دیده میشود و عناوین مطالب باشنگرف است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۹۷ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۰۸** .

۱۰۹۳

**سبحة الابرار** این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۹۴۲ نوشته شده، سرلوحی زیبا در آغاز دارد، دیباچهٔ نثری و نظمی را داراست، همه صفحات مجدول وعناوین و مطالب با شنگرف و لاجورد نگارش یافته، یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین بوده محو گردیده، برگ آخر وصالی شده و پشت آن یادداشتی است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۰۴ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۲۸۰ .

سبحة الابرار

این کتاب دومین مثنوی از خمسه یا سبعهٔ شاعر وعالم مشهور **جامی** است که در ص ۱۸۰ بمعرفی ایشان پرداخته شده وخودآنرا « **سبحة الابرار** » نامیده چنانکه در خرد نامهٔ اسکندری گوید :

زلب تحفه آوردم احرار را — بکف سبحه بسپردم ابرار را

و در همین کتاب سبحه در ذیل سبب نظم گوید :

سبحهٔ شد بر ابرار تمام — خواندمش سبحة الابرار بنام

ونیزدر دیباچه‌ای که بنثردر آغازاین کتاب گذارده وبدین دوبیت شروع شده :

المنة لله که بخون گـر خفتیم — یکچند چوغنچه عاقبت بشکفتیم

از کش‌مکش چرخ بسی آشفتیم — کز گوهر راز سبحه واری سفتیم

گوید :

با یکدگر سمت التیام و صورت انتظام داده الحق سبحهٔ آمده است که مسبّحان

مجامع قدس دست بدستش گردانند رواست و اگر مقدسان مجالس انس بانگشتش فراهم نمایند بآن سزا الخ .

و این مثنوی که در حدود دو هزار و هفتصد ( ۲۷۰۰ ) بیت میباشد جز مقدمه ایکه در توحید و نعت و سبب تألیف میباشد در چهل عقد مرتب گردیده و هر عقدی در بیان مطالب اخلاقی و عرفانی وحکایت وتمثیلی است که مبین مراد و مقصود از عقد است و پس ازآن بمناجاتی عقد را خاتمه داده و آغاز کتاب پس از دیباچه نثری که در ۱۴ بیت نثر و هفت بیت نظم میباشد اینست :

ابتدی بسم الله الرحمن الرحیم المتوالی الاحسان

این کتاب بسال ۱۳۰۳ در تهران چاپ سنگی شده است .

## ۱۰۹۳

**سبعه سیاره** (شش مثنوی رادارد) این نسخه بخط نسخ نوشته شده وشامل شش کتاب ازسبعه زلالی میباشد، در پایان آخرین صفحه سنهٔ ۱۲۳۴ نوشته شده ولی طرز قلم ومرکب الحاقی بودن آنرا شاهدی است صادق وطرز خط و کاغذ میرساند که درقرن یازدهم نگارش یافته ، ومندرجات آن بدین ترتیب است :

۱ - **آذر و سمندر** (ص ۱ـ۷) میباشد وبخشی ازآغاز این کتاب افتاده و آنچه باقی مانده یکصد و هشت (۱۰۸) بیت میباشد واین نسخه بدین بیت شروع میشود :

نامش کوید گل وخوشست تاخار درون باغ و کوشست

۲ - **شعلهٔ دیدار** ـ (ص۸ـ۲۰) که دویست و سه (۲۰۳) بیت است .

**۳-میخانه** ( ص ۲۲_۳۸و ۳۱۹ _ ۳۲٤ ) سیصدوشصت وهشت (۳٦۸) بیت است .

**۴ - محمود وایاز** _ ( ص ۳۹ _ ۳۱۸ ) وبـا مراجعهٔ به نسخهٔ زیرین بدست آمد که پنجاه وشش (٥٦) بیت از آغاز آن افتاده ونیز ازآخر آن ابیاتی افتاده وبا وجود این دو نقص چهارهزار وششصدو شصت و پنج (٤٦٦٥) بیت میباشد وآغاز نسخه کنونی این بیت :

بگلزارش اگر چه خارو زشتم گلی کشتم که برسر زد بهشتم

وانجام آن این بیت است :

که این رعنا خرامان هم‌آغوش همه بوس و همه ناز وهمه بوس .

**۵ - ذره وخورشید** (ص۳۲٦_۳٤۱) دویست و پنجاه(۲٥۰) بیت است .

**٦ - سلیمان نامه** ( ص ۳٤۲ _ ۳۸۰ ) پانصدو هشتادونه (٥۸۹) بیت است وبنابراین شمارهٔ دقیق همهٔ این شش کتاب شش‌هزارو یکصدو هشتادوسه (٦۱۸۳) بیت میباشد .

برخی ازبر گها پاره شده و وصّالی گردیده ومضرع ها یا جمله هائی ازآنها ازمیان رفته ودربرخی از کتابهای ششگانه یك مصرع از برخی از ابیات اصلاً نوشته نشده است.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك ، شمارهٔ برگها ۱۹۰ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول-$\frac{1}{2}$۲۳ سانتیمتر . عرض-$\frac{1}{2}$۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳٥٥ .

## ۱۰۹۴

**سبعه سیاره (فقط) محمود و ایاز**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده برگهائی از آخر آن افتاده، ابیاتی که در نسخهٔ دیگر از این مثنوی بدست آمده در حاشیه برگها نگارش یافته، وظاهراً درنیمهٔ قرن یازدهم نوشته شده و در حدود سه هزارو هفتصد (۳۷۰۰) بیت میباشد و آخر نسخه این بیت است:

نهاده آشیان برشاخ ناله　　　کشیده جام می ازداغ لاله

پشت برگ نخستین بتاریخ ۱۱۶۷ یادداشتی ازمالك آنروزی نسخه موجود است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۱۲۲. صفحه ای ۱۵ بیت. طول ۱۹ ½ سانتیمتر. عرض ۱۰ ½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۲۴**.

سبعهٔ سیاره = هفت گنج = سبعه زلالی

**زلالی** تخلص محمد حسن (۱) خونساری است که از دانشمندان قرن دهم هجری بوده و شاگردی حضرت میر محمد باقر داماد را نموده و در این کتاب مکرر بمدح وی و پادشاه عصر، شاه عباس کبیر (۹۹۶ - ۱۰۳۸) و میرزا حبیب الله صدر پرداخته و خودرا شاگرد علوم نقلی و عقلی میر مذکورمعرفی کرده و انشاء آن در اصفهان بوده است.

---

(۱) درص ۳۱٤ نه ۱(در محمود و ایاز) گوید:

مرا نامی که اکسیر سخن شد　　　محمد اول و آخر حسن شد

ونیز درص ۳۱۰ نه ۱(در محمود و ایاز) گوید:

ترا نامی که حسن از سر گذشته　　　محمد با حسن ترکیب گشته

وفات زلالی در **خو** بسال ۱۰۱٦ و در **قن** بسال ۱۰۲٤ و در **شم** بسال ۱۰۲۱ ثبت گردیده ، بقرینه اینکه بسال ۱۰۲٤ نظم محمود و ایاز خاتمه یافته و این کتاب وی بنا بر تصریح نصرابادی که نزدیکترین تذکره نویس ، پس‌از وی میباشد، مرتب نبوده وشیخ عبد الحسین (۱) که از خویشان شیخ علی نقی کمره ای بوده بجمع و ترتیب آن پرداخته، بایستی مدرک **قن** که وفات زلالی را بسال ۱۰۲٤ معین نموده درست باشد .

از مندرجات این مثنویهای زلالی مقام علمی واطلاعات حکمی وی بدست میآید وبی مورد نیست که در**نص** ودیگر تذکره‌ها اورا بنام **حکیم زلالی** معرفی کرده اند ولی ابیات وی چندان شعریت ندارد و بگفته نصرآبادی «رطب و یابس در کلامش بسیار است ولی ابیات بلندش از قبیل اعجاز » و گذشته ازاین مثنویها دیوان قصائد و غزلیات ورباعیات دارد ودر**نص** و **خو** و تذکره های دیگر ومجموعه ها وجنگها ابیاتی‌از آنها نقل گردیده ونصرآبادی گوید: «در مدح هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام چهارده قصیده گفته » . و در ضمن این مثنویها هم بمدح ائمهٔ هدیٰ ع پرداخته وتشیع خودرا متذکر شده است .

زلالی چون جامی بتقلید نظامی پرداخته و هفت مثنوی ساخته وخود آنرا سبعهٔ سیاره نامیده :

ص ٦٢ نه ۱ : سفر کردم بزیر بار اشعار فلک‌با «سبعهٔ سیاره» سربار
چه سبعه هریکی‌دریای‌ژرفی بهر هفت سخن حسن شگرفی
ص ٦٣ نه ۱ : کلید هفت گنجم داددرمشت بایمای هلال یک سرانگشت .

و از آن نیز « هفت گنج » تعبیر کرده وبه « سبعه زلالی » مشهور گشته و چنانکه از مندرجات **هن** معلوم میشود خود وی بر این مثنویها دیباچه ای بنثر نوشته و در آنجاست : « چهار مصراع بسملهٔ فرقانی چنین پرداختم » و آن چهار مصرع هارا نقل نموده و در این کتابست که این مثنویها به « **هفت آشوب** » ملقب گردیده اند ولی ظاهراً این موضوع درست نباشد و **طغرای مشهدی** مقدمه ای راکه بر این‌مثنوی‌نوشته آنرابدین نام نامیده و نسخهٔ آن در مجموعه منشآت وی در این کتابخانه موجود است .

نام هفت مثنوی زلالی بترتیب اینست :

۱ - **محمود و ایاز** که بدین بیت آغاز گردیده :

---

(۱) در دیباچه طغرا نام جامع محمود وایاز ، ابو الحسین نوشته شده است .

بنام آنکه محمودش ایاز است غمش میخانهٔ ناز و نیاز است

وخود زلالی در اواخر کتاب شمارهٔ آنرا در این دو بیت آورده :

شمار یگه تا از این قلمرو عدد را طرح داد از هفت خسرو

بهرخسرو که شیرین روکش آمد شکر را هشتصدوشصت‌وشش آمد

و در نص شمارهٔ ابیات آن دو هزار و بیست و چهار ( ۲۰۲۴ ) ضبط گردیده ولی نسخی از آن که در این کتابخانه موجود است یکی چهار هزار و ششصد وشصت و پنج ( ۴۶۶۵ ) و دیگری که از آخر ناقص است سه هزار و هفتصد ( ۳۷۰۰ ) بیت میباشد و این مثنوی ، نخستین کتاب سبعهٔ اوست ودر تاریخ شروع و انجام آن گوید :

ص ۳۱۴ نه ۱ بسوزای اولین سوز چراغم بحرفم گوش واکن مثل داغم

ص ۳۱۶ نه ۱ در استفتاح این منشور نامی بجو تاریخ نظمش از نظامی = ۱۰۰۱

ص ۳۱۷ نه ۱ که در اتمام محمود و ایازت پی تاریخ [ نظم ] سوز و سازت

نی خامه بزرده دور باشد الهی عاقبت محمود باشد = ۱۰۲۴

و شش مثنوی دیگر او هر یك بسیار مختصر میباشند و از اینقرارند :

۲ ـ **حسن گلوسوز** که برابر مخزن‌الاسرار نظامی ساخته شده و نسخهٔ این کتابخانه آنرا ندارد و مؤلف **هن** نوشته که در کتابخانه اشیاتك سوسیتی موجود وشانزده ورق است و در هر صفحهٔ آن چهارده بیت میباشد ، بنابراین در حدود چهار صد و چهل ( ۴۴۰ ) بیت خواهد بود و آغاز این کتاب را مختلف نقل کرده‌اند و مؤلف **نص** نوشته آغاز آن این بیت است :

بسم الله الرحمن الرحیم از کش تارك دیو رجیم

۳ ـ **آذر وسمندر** ، چنانکه گذشت نسخهٔ این کتابخانه از آغاز آن برگهائی افتاده و در **نص** شش بیت از آن نقل گردیده و از این ابیات که نسخهٔ این کتابخانه شامل است نام « آذر وسمندر » استفاده نمیشود ولی در **نص** ومنشات طغرا بدین نام ضبط گردیده و دومین بیت این نسخه میرساند که نام آن گل و بلبل باشد و آن اینست :

نامش گل وبلبل است جانم گلدستهٔ خامشی دهانم .

۴ ـ **شعلهٔ دیدار** که موافق نسخه این کتابخانه دویست وسه ( ۲۰۳ ) بیت

است ونام کتاب از این بیت وی بدست میاید :

ص ١٨ نه ١ این سخن چون نور چشم خامه شد « شعلهٔ دیدار» نام‌نامه شد.

و بدین بیت آغاز گردیده :

نام او تاج سر هر نامهٔ شعلهٔ دیدار هر هنگامهٔ .

٥ - **میخانه** که موافق نسخهٔ این کتابخانه سیصد و شصت و هشت(٣٦٨) بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

نام او باده سینه میخانه دهن هر که هست پیمانه .

٦ - **ذره وخورشید** که موافق نسخه این کتابخانه دویست وپنجاه(٢٥٠) بیت و آغاز آن اینست :

سخنم کرد بنامش جاوید ذره را جوهر تیغ خورشید

٧ - **سلیمان نامه** این مثنوی موافق نسخهٔ این کتابخانه پانصد و هشتادونه (٥٨٩) بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

بنام جهانگیر دلهای تنگ که آمد سلیمانش یکمور لنگ

ولی برخلاف مثنویهای پیشین زلالی برای آن صریحاً نامی نگذارده جز اینکه درابیات زیرین « نگین سلیمان » دیده میشود :

ص ٣٤٣ نه : بنام کریمی که از دست پیش

« نگین سلیمان » کند نام خویش

ص ٣٥٠ نه : بمن ده که کان بدخشان شوم

عقیق « نگین سلیمان » شوم .

ص ٣٥٢ نه : بیا ساقی آن می که بخشد توان

«نگین سلیمانست» درخون روان

وموضوع این مثنوی داستان حضرت سلیمانع وبلقیس میباشد ونصرآبادی وطغرای مشهدی که اینرا « سلیمان نامه » نامیده‌اند بمناسبت موضوع آنست درصورتیکه بنابراین بایستی آنرا « سلیمان وبلقیس » نامند نه سلیمان‌نامه .

شرح حال زلالی خونساری و منتخبی ازابیات اودرهم ص٢٩٧٢-٢٩٧٣م. س ، درنص ص ٢٣٠-٢٣٤ ، مرص٧٧ ، خودر حرف زاء،شم ص١٨٣- ١٨٤ ، فو ص ٦٧٧ - ٦٧٨ ، هن ص ١٤٠-١٤٣ و تن ص ١٦٩ نگارش یافته ومراجعه شده است و نسخه ای از سبعه سیاره در کتابخانه ملی ملك در تهران موجود است .

## ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶

**ستهٔ داعی و قدسیات**

این نسخه شامل دو کتاب میباشد ۱ ـ **ستهٔ داعی** که مشتمل بر کتابهای ۱ـ مشاهد (ص۲ـ۳۲)، ۲ـ گنج روان (ص۳۳ـ۷۰)، ۳ ـ چهل صباح (ص ۷۱ ـ ۱۰۸)، ٤ ـ چهارچمن (ص۱۰۹ـ۱۵٦)، ٥ ـ چشمهٔ زندگانی (ص۱۵۷ـ۱۹٤) و ٦ ـ عشق نامه (ص ۱۹۵ ـ ۲۵۱). و ۲ ـ **قدسیات** که یکی ازدیوانهای داعی است (ص۲۵۲ـ ۳۰۹) ودرآغاز هریك از کتابهای ششگانه ودیوان این شاعر سرلوحی زیباست که باطلا یاسفیداب نام آن کتاب میان آنها نگارش یافته، نام نویسنده وسال نگارش ندارد ولی از طرز خط و رسم الخط و کاغذ وسرلوح ها مسلم است که در ثلث آخر قرن نهم هجری (مسلماً پس از مرگ داعی) نگاشته شده و آثار تصحیح ومقابله در تمام نسخ دیده میشود. پشت صفحهٔ نخستین ترنجی است که بر دائره هائیکه درمیان ودوطرف آن کشیده شده نام کتابهای ستهٔ داعی نگارش یافته ودراطراف ترنج دوبیت باسفیداب نوشته شده وبرخی از کلمات آن زیر وصّالی رفته است.

دیباچه ای بنثر در بیست (۲۰) بیت دارد و از طرز انشاء آن پیداست که ازخود داعی نیست، خصوصیات دیگر مثنویهای ششگانه داعی (سته داعی) ودیوان داعی (قدسیات) را زیر این سطرها خواهیم نگاشت.

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ١٥٥ . صفحه‌ای ١٩ بیت . طول ٢٠ سانتیمتر . عرض ١٢ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٦٢٣٠ .

## سته داعی + (دیوان داعی) قدسیات

**داعی** تخلص نظام الدین محمود حسینی شیرازی میباشد که مشهور به «شاه داعی‌الی‌الله» است . پدران وی نیزبلقب **داعی** مشهوربوده‌اند وخود وی از عرفای مشهور قرن نهم هجری بوده و مقام وعظ و تذکیر وارشاد وطبعی روان وآتشی‌دردل نهان داشته ؛ تشیع خودرا باکمال صراحت اظهار ومکرر بمدائح اهل بیت ع پرداخته و افتخار به فرزندی ایشان کرده وحضرت احمدبن موسی الکاظم ع ( شاه چراغ ) امام زادهٔ معروف را ستوده و از وی کسب همت نموده و سیدی احمدکبیر و شاه نعمت الله ولی را ثنا خوانی کرده و این چند بیت را که در آخر قدسیات میباشد برای آشکار کردن طریقه وی در عرفان در اینجا می آوریم :

هزار شکر که داعی گذشت ازعادت — بیمن تربیتی از مشایخ سادات
مرا ز نعمتِ الله قسمتی دادند — که‌خوان‌معرفت‌افکنده‌ام‌بشرح‌صفات
به نسبتی که مرا شد حواله زاهل‌البیت — مقیدم بوثوق عهود شان ز جهات
اگر چه احمدی و مرشدی و قادریم — خلیفگی طرائق گزیده ام بسمات
ولی خلاصهٔ عرفان و مشرب توحید — مراد بوده مرا ازجمیع این طرقات

و چنانکه از ابیات زیرین ( ص ٣٠٨ نه ) معلوم میشود و در **طق** نیز تصریح گردیده دراوائل جوانی دست ارادت به شاه نعمت الله ولی داده است :

شدم بخطهٔ کرمان و جانم آگه شد — که مرشد دل من شاه نعمت‌الله شد
چو نوردینش لقب ازسماء عزت بود — کسیکه‌قدح‌درو کرده‌است گمره‌شد
مرا اگرچه بسی نسبت‌است دره‌فقر — نخست جان ودلم سوی او موجّه‌شد
گرفت دست من ودامنش گرفتم من — زبیعت‌ونظرش روی من دراینره‌شد
نهان نبود که او بود قطب روی جهان — زداعی این سخن حق کجا ممّوه‌شد

گذشته از اینکه این دانشمند سی سال بوعظ و تذکیر و راهنمائی اشتغال داشته، مؤلفاتی بنظم و نثر فارسی و تازی بیادگار گذاشته و دریکی ازسالهای ٨٦٧ یا ٨٦٩ یا ٨٧٠ درحدود شصت سالگی جهانرا بدرود گفته ومدفن وی درپانصد گامی جنوب غربی شهر کنونی شیرازمیباشد واز آنزمان تاکنون مزار وموردتوجه وعنایت خاص وعام میباشد وبنای کنونی تکیه ومزار وی‌ازمرحوم

کریمخان زند میباشد و بسال ۱۲۹۹ حاج میرزا کریم صراف وبسال۱۳۳۶ شادروان شاهزادهٔ عبد الحسین میرزا فرمان فرما ( بسال ۱۳۰۸ در تهران وفات نمود ) بمرمت کامل آن پرداخت و از انهدامش جلوگیری نمود .

مؤلف طق نوشته که بسال ۸۶۵ داعی اجازه داد که ابیاتش را گرد نمایند در حدود پنجاه هزار بیت مرتب گردیده و گذشته از مثنویهای ششگانه ( سته داعی ) داعی سه دیوان بنام : ۱ - قدسیات ، ۲ - واردات و ۳ - صادرات دارد و مؤلفات داعی را فرصت الدوله در آثار عجم و نائب الصدر درطق نام برده اند و بجاست که آنها را در اینجا یاد نمائیم :

**۱** - شرح مثنوی ملای روم(۱) ، **۲**- شرح گلشن‌راز (نسائم گلشن) (۲) **۳** - شرح رباعیات شیخ سعدالدین حموی ، **۴** - شرح دیوان عطار ( بر بعضی از ابیات اوست وبنا برضبط طق « در البحر » نام دارد ) ، **۵** - محاضر السیر فی احوال خیر البشر ( بنظم ونثر ) ؛ **۶**- رسائل خیرالزاد (بعربی وفارسی) ، **۷**- قلب و روح ( بعربی ) ، **۸** مرآت الوجود ، **۹** - الفوائد فی نقل العقائد ، **۱۰** اشارة الثقال ، **۱۱**- ترجمة الاخبار العلویه ، **۱۲** - رسالة الـمدد درطریقت ومشتمل بر دوازده باب است ، **۱۳**- سلوة القلوب ، **۱۴** - رساله مراشدالرموز ، **۱۵**- رساله کمیلیه ، **۱۶**- رسالهٔ لمعه ، **۱۷** - رساله ولایه ، **۱۸**- رساله تحفة المشتاق **۱۹**- رسالهٔ کشف المراتب ، **۲۰** - رساله طراز الایاله ، **۲۱** - رساله رضائیه ، **۲۲** - رساله بیان وعیان ، **۲۳** - رساله نظام وسرانجام ( مشتمل بر ده جام ) ، **۲۴** - رساله تحریر الوجود المطلق ، **۲۵** - رساله فی معنی المحبه ، **۲۶** - رساله ثمرة الحبیب (بعربی ) ، **۲۷** - رساله مرآت الوجود ( فارسی ) ، **۲۸** - رساله چهار مطلب ، **۲۹** - رساله اسوة الکسوه ، **۳۰** - رساله معرفة النفس ، **۳۱** - رساله تلویحات الحرمیه ، **۳۲**- رساله لطائف راه روشن ، **۳۳** -کلمات باقیه ، **۳۴** - دیباچه جمال و کمال ، **۳۵** - اصطلاحات ، **۳۶** - رساله اوراد ، **۳۷** - رساله تاج نامه ، **۳۸** - رساله قلهانیه ، **۳۹** - رساله شجریه و **۴۰** - شرح

---

(۱) بنابر اظهار حضرت آقای حاج ذوالریاستین شیرازی ( عبدالحسین ) قطب سلسلهٔ نعمت اللهی نسخه‌ای کهن‌سال‌ازاین کتاب تاچند سال پیش‌درشیراز بود و بدبختانه بهند رفت .

(۲) نسخه‌ای ازاین شرح در کتابخانه مدرسه عالی‌سپهسالار زیر شماره **۳۲۳** موجود است .

بر بعضی از کلمات محی‌الدین عربی(۱).

شش کتاب «ستهٔ داعی» بترتیبی که در نسخهٔ این کتابخانه است و موافق ترتیب انشاء میباشد، اینست:

**۱ ـ مشاهد** بخطبه‌ای درحدود سه بیت بعربی در حمد وصلوة آغاز گردیده ودرص ٤٦٩ بخش ازآن نقل میشود وموضوع آن پس از توحید ونعت حضرت پیغمبرص بحث در اطراف طلب، تجرید، ذوق، کشف، معرفة وحقیقة میباشد وابیاتی چند که زیرعنوان **الالحاق** درآخر نسخه میباشد شامل مطالبی تاریخی است، از اینرو آنهـا را با تقید به رسم الخط نسخه عیناً در اینجا می‌آوریم:

| | |
|---|---|
| ازپس ده سال که بوذ این کتاب | گوش زد خلق چو درّ خوشاب |
| وزپی آن هم که حوالت فتاذ | تا سه کتاب دگرم دست داذ |
| درهمه جـا چون بتخلص رسید | خامه داعی همه داعی کشید |
| زانکه فنا نام مرا کرده گم | گفته ز نام و لقب خود بجم |
| در سفر قبله نهاذم چو گام | گشت فنا برمن خاکی تمام |
| باز بقائی ز نوم در رسید | شد دگرم نام و نشانی بدید |
| یافتم ازنام بقا باز ضو | پس لقبم داذ تخلص ز نو |
| کای ز خدا یافته نظم رزین | از پی این نظم نظامی گزین |
| گرسخنت نیست نظامی مدار | دست دل از نام نظامی مدار |
| درسخن بنده که هست اینزمان | هست هم از نام نظامی نشان |
| نام نظامی بتخلص مراست | خودنفس خواجه نظامی کراست |
| برد ز میدان سخن خواجه گو | کس نرساند سخن را باو |
| نیست اگرچه چو نظامیم رخش | یار خدایا به نظامیم بخش |
| صورت تاریخ زمان سخن | هرکه بخواهد که بداند زمن |
| هشصدوسی وشش هجری شده | وین نمط خاص تمام آمده |

وتمام این مثنوی (مشاهد) درحدود پانصدوهفتاد (٥٧٠) بیت میباشد.

**آغاز:** بلبل اگر نـاله برارد رواست
خامه که از طرف گلستان جداست.

**۲ ـ گنج روان** این مثنوی را در ده مقاله بنظم آورده و در معرفت ذات

---

(۱) درآثار عجم این کتاب بدین نام ثبت گردیده ودر طق این کتاب نامبرده نشده ولی گوید ازمؤلفات داعی ترجمهٔ رساله محی‌الدین است وشاید که هردو یکی باشد.

وصفات حق تعالی ومعرفت انسان واخلاق واحوال ومقامات وکمالات اوست و درآخر تصریح شده که بسال ۸٤۱ بانجام رسیده و در حدود هشتصد (۸۰۰) بیت است .

**آغاز :** نخستین که آید قلم درزبان بحمد خدا به که گردد روان

**۳ - چهل صباح** این مثنوی درسیروسلوك میباشد و مطالب را درذیل چهل صباح که هریك را بنامی نامیده مندرج ساخته و در حدود هفتصدوهفتاد (۷۷۰) بیت میباشد وبسال۸٤۳ خاتمه یافته واین چند بیت درخاتمه کتابست :

| | |
|---|---|
| در نظم، نظامی ارنیم من | در خورد زمان نظامیم من |
| گر نظم نظامیانه خود نیست | درطرز اداء خویش بدنیست |
| شعریست اگرچه نیك ساده | داد سخن اندروست داده |
| در مسئلهای صوفیانه | بس تیر رسید تا نشانه |
| داعی کم گو که برتو تاوانست | ازبنده خطاو سهو امکانست . |

**آغاز :** بنیاد سخن بنام حق به کزهرچه بهست نام حق به .

**۴ -چهارچمن** این مثنوی را درچهارچمن مرتب نموده ودرهمه جا **شوق** سائل وگلها وریاحین درمعرفت حق بیانات ومباحثاتی دارند وبالاخره همه عاجز ازجواب کامل شده وبلبل چنانکه شایسته است جواب **شوق** را میدهد وبسال ۸٤۲ پایان آمده و درحدود نهصدوهفتاد (۹۷۰) بیت میباشد .

**آغاز :** میوهٔ باغ جان ما سخن است چه سخن هرچه ازخدا سخن است

**انجام :** نامهٔ ازنظامی ثانی یافته نظم پاك عرفانی

رفته از هجرت رسول امین چل و دو بعد هشتصد زسنین

..........................

| | |
|---|---|
| یارب این نامهٔ پر آوازه | چون چمن دار ، درنظر تازه |
| گرچمن میکنی گهی ویران | دار معمور این چمن بجهان |
| آنچه گفتم ز **داعی** مسکین | باد درحضرتت قبول آمین . |

**۵ - چشمهٔ زندگانی** این کتاب را درهفت رشحه درموضوعات زیرین بنظم آورده، ۱ - در وحدت واجب‌الوجود، ۲ - در ارتباط عالم بحق تعالی واثبات وحدت او ، ۳- درآنکه انسان خلاصهٔ عالمست، ٤ - در روح انسان ، ٥ - درمعاش ومعاد انسان ٦۰ - درحشر وبقای انسان و ۷ - درکمال وخلافت انسان و هریك از **رشحه** ها بیك مثنوی آغاز گردیده وپس از آن ترکیب بندی وازآن پس قصیده‌ای درآن موضوع است وتمام آن درحدود هفتصدو پنجاه (۷۵۰) بیت میباشد وبسال ۸۰٦ بانجام رسیده .

**آغاز:** ستایش را سزاوازی خدایا    که بخشیدی مرا یاری خدایا .

**٦ - عشق نامه** این مثنوی چنانکه نام آنهم دلالت دارد ، در عشق و مراتب آنست ، ومطالب آن درذیل عنوان سخن اول و دوم الخ نگارش یافته و نسخهٔ این کتابخانه تا یازده سخن را داراست و بدین بیت خاتمه می یابد :

این تمام آمد بگویم دیگری    که مرا با تاپایان باشد سری

و نگارنده را عقیده اینست که از نسخهٔ این کتابخانه برگهائی افتاده و این بیت انجام حقیقی این مثنوی نیست وبهمین سبب تاریخ انشاء آنهم بدست نیامد ولی از قرائن معلوم میشود که پس از سال ٨٥٦ که تاریخ انجام مثنوی پنجم بوده آغاز این نظم ششم میباشد وابیات موجودهٔ این نسخه عشق نامه درحدود یکهزار و دویست (١٢٠٠) بیت است .

**آغاز:** از ازل گر گوش داری تا ابد    بشنوی از هر زبان حمد احد .

بنابرآنچه گفته شد تمام «**ستهٔ داعی**» بیش ازپنجهزاروشصت (٥٠٦٠) بیت میباشد و این دو سطر از دیباچه آن نقل میگردد :

سبحان الله والحمد لله . . . . . . محمد رسول الله صلی الله علیه وآله الامجاد ستهٔ داعی باتمام رسید مختلفة الاوزان ، رنگ گرفته از گلستان من کل زوج بهیج غالب مثنوی بپایان انجامید و بترتیبی که نظم یافته نوشته گردید الخ .

**قدسیات** - چنانچه گفته شد پس ازختم ششمین کتاب ازستهٔ داعی، نویسندهٔ آن نیز نسخهٔ قدسیات داعی را که بنا برتصریح در **طق** نام یکی ازدیوانهای این شاعر واعظ عارف میباشد نگاشته و این دیوان که در حدود یکهزار و دویست (١٢٠٠) بیت میباشد مشتمل بر غزلیات توحیدی و نعتی و عرفانی و مقطعات و رباعیات و ترکیب بند هائی در مدح آل عباء ع و ترجیع بندی در مدح حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و اسامی دوازده امام و مناقب ایشان علیه السلام ومناجات ها بترتیب حروف تهجی وفردیات ومنقبت حضرت احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) و کسب همت ازایشان ومدائحی ازسیدی احمد کبیروشاه نعمت الله ولی، میباشد .

چنانکه نقل گردید داعی خودرا پیرونظامی دانسته وحتی بنا داشته که دست از تخلص داعی بردارد و**نظامی** تخلص گیرد ودریکجا همچنانکه گذشت ازخود «نظامی ثانی» تعبیر نموده ولی در این مثنویها (ستهٔ داعی) و در قدسیات وی جز تخلص داعی نیست .

**آغاز:** ای مرا مونس جان بسم الله    دائمم ورد زبان بسم الله

شرح حال داعی (شاه داعی الی الله نظام الدین محمود) در فا ک ۲ ص ۱۳۶ و ۱۰۹ و آثار عجم ص ۴۸۵ - ۴۸۹ و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۲۲-۲۳ نگارش یافته و مراجعه شده است.

## ۱۰۹۷

**سلسلة الذهب جامی**

این نسخه را بسال ۹۳۰ محمدحسن نام در شهر هراة بخط نستعلیق خوب نوشته، از یادداشتهائی که پشت برگ نخستین میباشد و تاریخ نگارش نزدیکترین آنها بما، سال ۱۲۸۴ بوده معلوم میشود که هفت مثنوی جامی (هفت اورنگ) بایکدگر بوده‌اند ولی بدین کتابخانه فقط سه دفتر سلسلة الذهب وارد شده است.

در آغاز نسخه سرلوحی زیباست و عناوین مطالب با شنگرف نگاشته شده وهمهٔ برگها باطلا ولاجورد جدول کشی گردیده است بر دو برگ که پیش و پس نسخه بوده ابیاتی از ملااحمد نراقی **صفائی** تخلص و باباطاهر عریان وغیر ایشان و نیز دعائی نوشته‌شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۸۵ . صفحه‌ای ۳۸ بیت . طول ۲۴ سانتیمتر . عرض ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۷۸۲۳** .

## ۱۰۹۸

**سلسلة الذهب جامی**

این نسخه نیز (مسلماً درقرن دهم هجری) بخط نستعلیق خوب نگارش یافته، سی برگ از آغاز آن افتاده، یك برگ ازمیان آنها

نگارش یافته‌وا کنون ص۱و۲ نسخه میباشد، برگ آخرهم که شامل سه بیت ازدفترسوم بوده‌افتاده‌ولی‌نوشته‌شده‌است . دفتر های‌سه گانه بدون فاصله نگاشته‌شده‌اندو نخستین بیت اصل نسخه (ص۳) اینست :

کانچه‌خوانند مشرکانش‌خدا گرچه باشد زفرط جهل‌وعما

واین بیت در ص ۱۶ وسطر ۷ نسخهٔ **۱۰۹۷** کتابخانه است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . قطع خشتی باریک . شمارهٔ برگها ۲۷۲ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۶۳۴۵** .

## سلسلة‌الذهب

این کتاب نیز یکی از مثنویهای **جامی** است که در ص ۱۸۰ بمعرفی ایشان‌پرداخته‌ایم وبنابرترتیبی که خود مؤلف داده نخستین کتاب **هفت اورنگ** اوست .

سلسلة‌الذهب نظیر حدیقه سنائی‌است ولی درسه دفتر مرتب گردیده ، دفتر نخستین پیش‌ازسفرحج ناظم آن انشا شده وبنابرتصریح خود وی دربشت کتابی ونقل‌صاحب رشحات‌ازآنجا ونقل مرحوم تربیت در ص ۵۶ تقویم سال۱۳۰۸ ازآن کتاب این‌سفردر ربیع الاول سال۸۷۷ آغاز ودر۱۳ شعبان ۸۷۸ بپایان رسیده ، دفتر دوم که بنابرتصریح خود جامی کمتر ازنصف دفتر اول گردیده بسال ۸۹۰ انجام یافته و دفتر سوم پس از این تاریخ بوده و نگارنده بتاریخ انشاء آن تاکنون دست نیافته است .

مندرجات این کتاب مطالب عرفانی و تربیتی است که بصورت حکایات و تمثیل ها در آمده و با اینکه گویند در اثر تاخت برشیعه که در این مؤلفه زیاد است دربغداد مورد گفت و گو وتعرض واقع شده ، نگارنده‌را ازمطالعهٔ بسیاری از مندرجات این سه دفتر سلسلة الذهب عکس این عقیده بیدا شد و برانم که تشیع کامل جامی را از این کتاب بهتر میتوان استخراج کرد تا دیگر کتابهای وی وا گرداستان تعرض بغدادیها درست باشد بااطلاع براینکه هیچگاه در آنشهر غلبه با شیعه نبوده ، و همواره درآنجا چیرگی با اهل سنت

و جاعت بوده و هست این موضوع را مؤید خود خواهم گرفت که دانشمندان آنشهر چون کتاب را مطالعه و بررسی کرده اند بخوبی دریافته اند که جامی باکمال رشادت و استادی در طی بیانات با تظاهر بمخالفت با امامیّه ، اولویّت این مذهب را تأیید و تشیع خودرا اثبات کرده است .

گذشته از قرائن بسیار که شمردن ونقل آنها بسیاری ازصفحات را اشغال خواهد نمود و لزومی هم ندارد ، و ترجمهٔ قصیده فرزدق در مدح حضرت سید سجاد ( علی بن الحسین ع ) و شرح و بسط این داستان در این کتاب خود یکی ازادله ماست وسلسلة الذهب درحاشیهٔ نفحات‌الانس درهندچاپ شده و هر سه دفتر آن درحدود هفت هزار ( ۷۰۰۰ ) بیت میباشد .

**آغاز دفتر اول :** لله‌الحمد قبل کل کلام
بصفات الجلال والاکرام .

**آغاز دفتر دوم :** بشنو ای گوش برفسانه عشق
ازصریر قلم ترانهٔ عشق .

**آغاز دفتر سوم :** حمد ایزد نه کار تست ای دل
هرچه کارتوبارتست ای دل.

## ۱۰۹۹

**سیر العباد الی المعاد سنائی**

این نسخه بسال ۱۰۱۱ بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، در پایان آخرین صفحه آثار محو شدن کلماتی آشکار ، تصور میکنم نویسنده نام‌خود را صریحاً درآنجانگاشته بوده ، فروشنده برای آنکه نسخه را بواسطه شباهت کامل بخط میرعماد معروف ، بنام وی بفروشدآنرا محو کرده و کامهٔ سنه ویك درمرتبهٔ هزارآن نیزمحو گردیده ولی‌آثار سنه موجود و شاید که جمله های محو شده ازنویسنده اصل نسخه نبوده .

این نسخه ششصدو نه (۶۰۹) بیت و آغاز و انجام آن همانست که درنسخ چاپی است .

پشت صفحه نخستین بسال ۱۱۶۹ عبدالله بن عبدالغفار هروی بخط نستعلیق خوب فرد هائی نوشته ونیزبراین صفحه وبرگی که پس از آخرین برگ نسخه میباشد ابیات چندی و تاریخ سلطنت و وفات گروهی از پادشاهان از امیر تیمور تا عادلشاه پسر نادرشاه نگارش یافته ،

همهٔ برگها متن و حاشیه و حواشی زرافشان و مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۸ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۲۵۶ .

## سیرالعباد الی المعاد

این کتاب از منظومات حکیم سنائی غزنویست که در ص۱۴۳ـ۱۴۴ و ۱۷۷ـ۱۷۹ معرفی گردید ، و بروزن « حدیقه الحقیقه » میباشد ودر آن مباحثی اخلاقی و عرفانی مندرج گردیده ، در خود کتاب نامی برای آن نیافته ام ، درهم از مؤلفات سنائی کتابی بنام « کنوز الرموز » نام برده شده ودردیگر کتب بدین نام کتابی منسوب به سنائی نیافته ام تصورمیکنم که مؤلف آن کتاب همین منظومهٔ عرفانی سنائی رابدین نام دیده و یاد کرده است ، واین منظومه درها ج ۱ ص ۲۶۲ـ۲۷۴ و بسال ۱۳۱۶ ش باتصحیح ومقدمه آقای سعید نفیسی بنام سیرالعباد الی المعاد چاپ شده و شمارهٔ ابیات مندرجهٔ درها هفتصد وآنکه مستقلاً چاپ گردیده هفتصد و هفتاد و پنج بیت است .

**آغاز:** مرحبا ای برید سلطان وش تختت از آب وتاجت از آتش .

**انجام:** سیرتت مائل محال مباد صورتت قابل زوال مباد .

۱۱۰۰

**شاهنامه** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از نسخ بسیار خوب شاهنامه میباشد، نام نویسنده وسال نگارش را ندارد، از طرز خط وتصاویر، تصور میکنم که درزمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸٤) نگارش یافته باشد. پیش از شروع **شاهنامه**، مقدمهٔ بایسنقری که آغاز آن اینست:

افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال

بثنای ملك الملك خدای متعال (۱)

مالك الملکی که بتدبیر ملك و ملکوت و ترتیب عالم لاهوت و ناسوت الخ.

بخط نسخ خوب نگاشته شده و ظاهراً نگارش این بخش یکقرن بیشتر از کتاب بنظرمی آید و پس از آن فهرست پادشاهان طبقات چهارگانه و لغات فرس شاهنامه و ترجمهٔ فارسی آنها بهمان خط میباشد و در آغاز مقدمه سرلوحی کهنه موجود و در آغاز کتاب نیز سرلوحی ظریف میباشدومیان سطرهای دوصفحهٔ نخستین شاهنامه طلا اندازی شده وپشت صفحهٔ نخستین ترنجی ظریف میباشد و کتاب دارای پنجاه و نه صورت چینی بسیار ظریف میباشد، بیشتر آنها از نصف صفحه بزرگتر و بعضی از آنها کمتر از نصف صفحه است و چند تصویر از آنها ازدست برد حوادث مصون نمانده واین تصاویر دربرگهای: ۲۷، ۳۱، ۳۷، ٤۱، ۵۰، ٦۲، ۷۳، ۷٦، ۸۲،

---

(۱) این بیت از کمال خجندیست ومطلع نسخ دیوان اوست.

٨٥ ، ٨٩ ، ٩٤ ، ١٠٠ ، ١٠٩ ، ١١١ . ١١٨ ، ١٣١ ، ١٤١ ، ١٤٦ ،
١٥٤ ، ١٧٠ ، ٢٠٤ ، ٢١٤ ، ٢٤١ ، ٢٥٠ ، ٢٦٩ ، ٢٧٢ ، ٢٨٥ ،
٣٠٣ ، ٣٠٧ ، ٣١٨ ، ٣٥٢ ، ٣٥٦ ، ٣٦٤ ، ٣٧٤ ، ٣٨٣ ، ٣٩٣ ،
٣٩٧ ، ٤١٦ ، ٤١٨ ، ٤٣٢ ، ٤٤٨ ، ٤٥٤ ، ٤٥٤ ب ، ٤٥٩ ، ٤٦٥ ،
٤٦٧ ، ٤٧٩ ، ٤٩٣ ، ٤٩٩ ، ٥٠٧ ، ٥١٧ ، ٥٢٤ ، ٥٤١ ، ٥٥١ ،
٥٥٦ ، ٥٥٨ ، ٥٨٦ و ٥٨٩ نسخه میباشند وهمهٔ برگها باطلا و زنگار جدول کشی شده ، پشت صفحه نخستین کتاب مهر عالمگیر (اورنگ زیب) پادشاه هند که بنابرضبط درطبقات سلاطین اسلام بسال ١٠٦٩ برتخت سلطنت نشسته ، دیده میشود ولی جز کلمهٔ عالمگیر، عبارات آن خوانانیست .

بریکی از برگهای ننوشته که پیش از مقدمه گذارده شده ، عزالدوله عبدالصمد میرزا بخط خود بسال ١٣٠٩ نوشته که این کتابرا درهمدان خریده ودرهمانجا صحافی کرده‌اند و بخش مقدمه وصالی گردیده و بازهم نیازمند میباشد و این نسخه در حدود پنجاه‌وشش هزاربیت (٥٦٠٠٠) است .

جلد میشن ضربی با قفل برنجی ، کاغذ خان بالغ . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٥٩٤ ، صفحه‌ای ٥٠ بیت . طول ٢٦ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ١٥ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٥٢٣٥ .

## ١١٠١

**شاهنامه** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب درمتن وحاشیه نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال

نگارش نام نبرده ، ظاهراً درنیمهٔ دوم قرن دهم هجری نگاشته شده
پنج سرلوح زیبا دارد که هریك طرزش بادیگری مخالف میباشد و
همهٔ برگها باطلا جدول کشی شده ودارای دومقدمه میباشد که یکی
از آنها عین آنست که آقای قزوینی (محمد) دراطراف آن شرح مفصلی
نگاشته اند (درج ۲ بیست مقالهٔ ایشان منتشر گردیده) ودیگری
که درآغازنسخه میباشد مقدمهٔ دیگری‌است که پس از حمدوصلوة
بیان مختصری دراطراف تاریخ کرده وپادشاهان طبقات چهارگانه :
پیشدادیان ، کیان ، اشکانیان و ساسانیان را بطرز جدول هائی که
شامل نام آنها وپدران شان ولقب وآثارآنهاوسنّتهائیکه گذارده‌اند
ومدت پادشاهی آنها وپیغامبران معاصرآنهامیباشد ودرآغازوانجام
هرطبقه‌ای شرحی مختصر دراطراف آن نگاشته و بدینگونه آغاز
میگردد : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . . . اما بعد بباید دانست
که از روزگار آدم صفی که پدر نخستین آدمیان الخ .

پس‌ازفهرست پادشاهان بدینگونه آغازمیگردد :

سپاس مرخدایرا که خداوند دوجهانست و آفریدگار زمین و
زمانست الخ .

ودرذیل‌این‌مقدمه‌نیزهجونامه‌ای که فردوسی برای سلطان محمود
ساخته، گذارده‌شده‌وپس‌ازاین‌مقدمه که‌بنابراصطلاح آقای‌قزوینی
بایستی مقدمه اوسط باشد ، مقدمهٔ کهنه شاهنامه که‌بخش‌بزرگی
ازآن‌متعلق‌بشاهنامهٔابومنصوری‌است نگارش‌یافته‌وآغازآن‌اینست:

سپاس آفرین خدایرا که این جهان وآن جهان آفرید الخ .

(ظاهراً همان شاهنامه نثری و مأخذ نظم شاهنامه فردوسی بوده)، ودرپایان این مقدمه لغات شاهنامه بامعانی آنها، چنانکه درآخر مقدمه بایسنقری نیزمیباشد، نگارش یافته ونسخه درحدودپنجاه و چهار هزار (۵۴۰۰۰) بیت است.

جلد تیماجی مذهب، کاغذ خان بالغ. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۶۰۱. صفحه ای ۴۵ بیت. طول ۲۹ سانتیمتر. عرض ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۲۹۱۹.

## ۱۱۰۳

**شاهنامه** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری بوده، و پیش از شروع به نگاشتن نخستین بیت فردوسی این دوبیت را نوشته:

به بسم‌الله آغاز شهنامه را — نمایم که او هست خلاق ما

خداوند روزی ده دستگیر — خداوند رزاق پوزش پذیر

ونسخه به این بیت:

بدآید جهانرا ازین کار من — چنین تیره کو کرد بازار من

که جزء داستان رستم و افراسیاب است و در سطر ۲۲ ص ۳۵ جلد دوم شاهنامه چاپ امیربهادر میباشد، بانجام رسیده، برخی از صفحات و نیمی از آنها برای کشیدن تصویر ها خالی گذارده شده وحتی عناوین مطالب هم نگاشته نشده و جای آنها هم خالی مانده

واین نسخه درحدود نوزده هزار (۱۹۰۰۰) بیت است.
جلد تیماجی. کاغذ ترمه. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ۱۹۲. صفحه‌ای ۵۸ بیت. طول ۴۰ سانتیمتر. عرض ۲۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۳۲۵۷**.

## شاهنامه فردوسی

**فردوسی** حکیم ابوالقاسم طوسی میباشد که از نهایت شهرت بحث در اطراف وی موجب شرمندگی وخجلت است، بسال۱۳۱۳ش،جشن هزارمین سال تولد وی در ایران و سائر کشور های جهان با شکوه تمام برپا گردید، خاور شناسان نامی برای زیارت تربت وی و شرکت در این جشن به تهران آمده و کنگره ای بنام فردوسی تشکیل دادند و دراطراف این شاعر بزرگ وزنده کنندهٔ نام وزبان ایرانی سخن سرائی ها نمودند، ودانشمندان کشورهم بنام هائی گوناگون در اطراف فردوسی سخن گفتند وآقای مجید موقر مدیر مجله مهر دو شمارهٔ از سال دوم مجله خودرا بدین موضوع اختصاص داد و ص ۴۰۱-۴۰۷ سال‌دوم آن مجله شامل این‌مقالات سودمند میباشد.
در آخر شاهنامه که تاریخ انشاء آن بسال ۴۰۰ معین گردیده فردوسی شمار عمر خودرا نزدیك بهشتاد گفته و آقای بدیع الزمان تولد وی‌را درسخ بسال۳۲۳ نوشته‌اند، وفات اورا مؤلف **قذ** بسال۴۱۱ معیّن ودرشاهد صادق بسال ۴۱۴ ثبت گردیده است.
جز شاهنامه اثر دیگری بنام **یوسف و زلیخا** به فردوسی نسبت داده شده و در اثبات و ردّ این نسبت دانشمندان شرح ها نگاشته اند، از طرز و روش کتاب و مقایسهٔ آن با «شاهنامه» تردید قوی میگردد به مجله مهرسال دوم و مقاله استاد محترم آقای عبد العظیم قریب در مجله آموزش و پرورش شمارهٔ ۱۰و۱۱و۱۲ سال ۱۳۱۸ مراجعه گردد.
شاهنامه فردوسی چون ناظم آن شهرتی بسزا دارد وبزبانهای زندهٔ اروپا ترجمه شده و نام مترجمین و زبانهائیکه بآنها ترجمه شده در ص ۴۷۱ سال دوم مجله مهر ثبت گردیده و سه مجلد از ترجمهٔ فرانسوی آن که با اصل شاهنامه (یك صفحه شاهنامه و یك صفحه ترجمه است) زیر شمارهٔ $\frac{۲۷}{۳۰۵}$، $\frac{۲۷}{۳۰۶}$، $\frac{۲۷}{۳۰۷}$ در این کتابخانه موجود است.
فردوسی شمارهٔ ابیات شاهنامه را شصت هزار معین کرده ولی نسخ چاپ

وخطی شاهنامه تاکنون بدین اندازه بدست نیامده وآخرین چاپی که از این کتاب کتابفروشی بروخیم ازسال ۱۳۱۳ـ۱۳۱۴ ش ، نموده باملحقات آن ۵۶۶۷۰ بیت میباشد .

برشاهنامه سه مقدمه نوشته شده و مفصل ترین آنها بسال ۸۲۹ بفرمان بایسنقربن شاهرخ ( متوفی بسال ۸۳۷ ) میباشد و این مقدمه که شامل شرح حال مفصلی ازفردوسی و هجونامه سلطان محمود میباشد، دارای مطالبی درست ونادرست است و دراینجاست که فردوسی از مازندران به بغداد رفته و بخلیفه پناه برده است و در جای دیگر اشاره ای بدین موضوع نشده وچنانکه گفتیم یکی از دو نسخهٔ این کتابخانه دو مقدمه ویکی از آنها فقط مقدمهٔ بایسنقری را دارد ونسخهٔ سوم بی مقدمه است .

تاکنون دوبار ازشاهنامه انتخابی بسزا گردیده نخست در قرن پنجم شاعر معروف مسعود سعد سلمان بدینکار مبادرت نموده و **دوم** مقارن جشن هزاره فردوسی جناب آقای فروغی ( محمد علی ) که آثار گرانبهای علمی ایشان یکی پس از دیگری درآسمان علوم وادبیات نورافشانی میکنند ودرآن هنگام رئیس الوزراء ایران بوده اند ، نیز از این کتاب انتخابی فرموده وبنام « **خلاصهٔ شاهنامه** » بسال ۱۳۱۳ ش چاپ گردیده است .

بنابرآنچه نویسنده مشهور آقای **خلیلی** مدیر روزنامه اقدام در ص ۴۷۹ سال دوم مجله مهر نگاشته اند، ایشان شانزده هزار بیت عربی درترجمهٔ شاهنامه بطریق انتخاب انشا نموده وچاپ کرده‌اند و اخیراً تصمیم گرفته اند که شاهنامه را از آغاز بهمان وزن تقارب تاانجام بعربی ترجمه نمایند وبدین کار شروع کرده اند .

شرح حال فردوسی و شناسائی وی بامراجعهٔ به **لب** ج ۲ ص ۳۲ ـ ۳۳ ، **تذ** ص ۴۹ـ۵۵ ، **سخ** ج ۱ ص ۲۹ـ۹۸ ، فردوسی نامه یاص ۴۰۱ـ۷۰۴ سال دوم مجله مهرو کتب تاریخ و تذکره ها آشکار خواهد گردید .

آغاز شاهنامه این بیت است :

بنام خداوند جان و خرد ‌ ‌ ‌ ‌ کزآن برتر اندیشه برنگذرد

## ۱۱۰۳

**شاهنامه**

**قاسمی گونابادی**

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۶۰ نوشته شده و دفتر اول کتاب میباشد ، در حواشی دو برگ آخر یکی از مالك های

نسخه یادداشتهائی کرده و برخی از آنها را محو کرده‌اند و برگ نخستین و آخرین وصّالی گردیده و ابیاتی از ص ۷۸ نه، نیزمحو گردیده است.

آغاز نسخه این بیت:

خداوند بیچون خدائی تراست ز اقلیم جان پادشاهی تراست(۱)

وانجام آن اینست:

مکن درسخن بیش ازین اهتمام سخن برهمین ختم کن والسلام

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۶۷. صفحه ای ۳۲ بیت. طول۲۶ سانتیمتر. عرض ۱۶سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۰۰۲۰.

## شاهنامه قاسمی گونابادی

**قاسمی** تخلص میرزا قاسم یا محمد قاسم گونابادی است که از سادات خراسان و معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) بوده و بفرمان این پادشاه تاریخ زمان و فتوحات شاه اسمعیل اول (۹۰۵-۹۳۰)را بنام شاهنامه بسال ۹۴۰ درچهار هزاربیت بنظم آورده و دفتر دیگری بسال ۹۵۰ مشتمل بر شرح حال و تاریخ زمان شاه طهماسب در پنجهزار بیت بران افزوده و دفتر اول آن بسال ۱۲۸۷ درهند چاپ شده (حاشیهٔ همین صفحه دیده شود) و چنانکه از ابیات آخرین دفتر نخستین استفاده میشود، قاسمی بنا داشته که درمقابل خمسهٔ نظامی، خمسه ای انشا نماید و ازنامه ایکه معاصر وی علاءالدوله قزوینی **کامی** تخلص در «نفائس المآثر» از او نقل نموده معلوم میشود که توفیق برانشاء آن یافته وگذشته از خمسه هفت مثنوی از خود نام برده وسام میرزا درسا تصریح نموده که خسرو شیرین را بنام وی ساخته و نام مثنویهای وی چنانکه در نامهٔ نام برده است بدین تفصیل میباشد،

(۱) نسخه چاپی این شاهنامه بدین بیت:

ازو یافته منشی چرخ پیر زخورشید ومه عینك دلپذیر

که اول صفحهٔ دوم نسخهٔ این کتابخانه میباشد و سی‌ویکمین بیت کتابست آغاز گردیده.

۱ ـ شاهنامه در دو دفتر درنه هزار بیت ، ۲ ـ شاهرخ نامه پنجهزار بیت ، ۳ ـ لیلی و مجنون سه هزار بیت (۱) ، ٤ ـ خسرو شیرین سه هزار بیت و ٥ ـ زبدة‌الاشعار ببحر مخزن‌الاسرار چهارهزار بیت وصاحب هفمثنوی دیگری بنام «کارنامه» (۲) که «گوی وچوگان» نیزنام‌دارد ومثنوی «عاشق ومعشوق» بوی نسبت داده و گوید جز مثنوی گوی وچوگان و زبدة الاشعار مثنویهای دیگر قاسمی در کتابخانه اشیاتک سوسیتی در کلکته موجود است .

چنانچه از مآخذ نگارش این شرح معلوم میشود قاسمی از شاگردان امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی بوده و درمجلس میرزالغ‌بیک باقوشچی (ملاعلی) مباحثه نموده ومخصوصاً درعلوم ریاضی ریاضت کشیده وجامع کمالات صوری و معنوی بوده و در شاعری شاگرد هاتفی متوفی بسال ۹۲۷ است و در شاهنامه (ص ۱٦ چاپی) بمدح وی پرداخته و دربارهٔ او گوید :

درین بحر چون هاتفی پا نهاد  سریر سخن بر ثریا نهاد

برو ختم شد منصب شاعری  چوبر سامری شیوهٔ ساحری .

در هی نخستین کتاب قاسمی که مقابل اسکندرنامه نظامی انشاء نموده بنام «شاهنشاه نامه» ثبت گردیده و نیز در آخرنسخهٔ خطی این کتابخانه بدین‌نام تصریح شده ولی گذشته ازاینکه درسا و هم که نزدیك بعصر وی بوده اند ، درهف بنقل از خود قاسمی و معاصرین وی ونسخ موجود آن که بنظر مؤلف هف رسیده «شاهنامه» ضبط گردیده ونیزخود وی گوید :

ص۹۹ چاپی : درآندم که شد هاتفی سحر سنج
سخن را ز شهنامه بگشاد گنج .

ص۱۰۰ چاپی : بریدم زبان طمع خامه را
که خاصیّت اینست **شهنامه** را .

---

(۱) درهی سه بیت از این کتاب نقل گردیده وشمارهٔ ابیات آن دریك بیت ، دوهزار وپانصد و چهل (۲٥٤۰) تصریح گردیده .

(۲) در ص ۱٤۳ هی چهار بیت از این کتاب را که نام کتاب و شمارهٔ ابیات (۱٥۰۰) و سال انشاء را میرسانند (۹٤۷) نقل گردیده و در اینجاست :

این نامه که از زبان خامه  کردم لقبش نگار نامه

ودرحاشیهٔ نوشته «کاتب بکارنامه راحک کرده و به «نگارنامه» مبدل ساخته . ودرسا چند بیت از این کتاب نقل شده وکار نامه بودن آنرا تصریح و گوید در وصف گوی بازی پادشاه است .

درهیچیك ازمآخذ سال وفات وی ثبت نگردیده ازتحفه سامی که بسال۹۵۷ تألیف گردیده زنده بودن وی در آنسال و از **هم** که بسال ۱۰۰۲ تألیف شده وفات وی بدون ثبت سال تصریح شده و بایستی در اوائل ربع چهارم قرن دهم وفات یافته باشد.

شرح حال ونام آثار قاسمی درسا ص۲۶ - ۲۸، **هم** ص ۶۵۷ - ۶۵۸ م. س، **می** ص۱۴۱-۱۵۲، **هن** ص ۱۳۶ - ۱۳۸، **تن** ص۶۶ و **رو** ص۵۴۴-۵۴۵ ثبت گردیده ومراجعه شده است.

## ۱۱۰۴

**شاهنشاهنامه صبا** این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده، ودرحدود سی و پنجهزار و پانصد (۳۵۵۰۰) بیت است، پشت صفحهٔ نخستین (پس از مقدمه) نوشته شده که خط میرزا فتحعلی بیك میباشد، تاریخ تحریر ندارد، مسلماً درنیمهٔ اول قرن سیزدهم نگارش یافته، میرزا عبدالوهاب نشاط پس از حمد و ثناء الهی ونعت حضرت رسول(ص) و مدح پادشاه عصر فتحعلیشاه سه خطبه بپارسی وعربی وترکی بر آن نوشته و پس از آن شرح حالی از صبا بقلم آورده است واین مقدمات را برگ ۱ - ۹ دربردارد ویك سرلوح درآغاز مقدمه وسرلوحی دیگر که هردو زیبا میباشند درآغاز کتابست و اطراف دوصفحهٔ نخستین گل وبرگ باطلا وغیره رسم شده وبیست وسه مجلس نقاشی ظریف روغنی که همه بعرض کتاب ولی طول آنها کمتر ازدرازی صفحات کتابست دربرگهای: ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۶۴، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۱، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۵۹، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۲۷ و ۳۳۱ میباشد و همهٔ برگها باطلا و

لاجوردجدول کشی شده و پشت صفحهٔ نخست عزالدوله عبدالصمد میرزا نوشته: بسال ۱۳۲۱ درزنجان جزء کتابخانه گردید و هم و بسال ۱۳۳۵ درتهران نوشته که امروزمشغول تماشای صورت های آن گردیدم.
جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ٤٣٧. صفحه‌ای ٤٠ بیت. طول ٣٩ سانتیمتر. عرض ٢٦ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۲۳۴**.

## شاهنشاه نامه صبا

این کتاب که به شاهنشاه نامه موسوم ومعروف است، یکی ازمنشآت وپروردگان طبع **صبا** ملک الشعرای فتحعلیشاه قاجار میباشد که در ص ٣٣٣ - ٣٣٥ بمعرفی وی پرداخته‌ایم، شاعر این کتاب را که در حدود چهل هزار بیت میباشد در سه سال بنظم آورده وبنا برنقل درخمی، صبا دراین باب گوید:

بسی سال این [آن] پهلوانی سخن — که آراست فردوسی انباز من
بگفتن من از فرّ شه خواستم — بسالی سه آن مایه آراستم

و خود صبا در خاتمه کتاب چنین گوید:

من این داستانها بسالی سه چار — سرودم بنام جهان شهریار
بدین نامور نامهٔ دل پسند — چوشیرازه گر گشت شیرازه‌بند
درآن چل هزار از گهرهای ناب — ز تابش کواژه زن آفتاب
بنام شهنشه چو انجام یافت — شهنشاهنامه ز شه نام یافت

و بسال ۱۸٦٧م بخشی از این کتاب (در حدود شش هزار بیت) که درشرح جنگ فتحعلیشاه با روس میباشد (برگ ٣٢٥ نه سطر ۱۸ تا سطر ۸ برگ ٣٩٦ که ٤١ برگ بآخر مانده) پس از حمد و ثناء (درحدود ٢٠٤ بیت) آغاز کتاب بنام «شاهنشاه نامه» چاپ شده است.

آغاز شاهنشاه نامه این بیت است:

بنام خداوند آموزگار — نگارندهٔ نامهٔ روزگار

**۱۱۰۵**

**شرح دیوان انوری (فراهانی)**

این نسخه را که شامل شرح قصائد ومقطعات انوریست، بخط نستعلیق خوب محمد صلاح بن حسن حسینی بسال ۱۰٢٧ و۱۰٢٨ نوشته، ابیات دیوان با شنجرف نگارش یافته

برگها باطلا و زنگار جدول کشی گردیده ، در آغاز هریك از دو بخش کتاب سرلوحی زیبابوده ولی دست حوادث آنرا معیوب کرده چنانکه برگهائی از نسخه هم سالم نمانده و سطر هائی از ص ۲٦۷ و ۲٦۸ محو گردیده وبرخی هم آثار آبدیدگی دارند و چند برگ هم وصّالی شده است.

پشت برگ آخر شرح قصائد وپشت برگ اول شرح مقطعات، یادداشتهای طبّی و غیره گردیده و این نسخه از شرح فقط دارای دیباچه مقطعات میباشد که آغاز آن اینست :

ای نام تو قالب عبارت را روح در راه تو پای عقل ودانش مجروح
عمری همه صرف مدح کردند ونشد یکقطعه ز دیوان کمالت مشروح

تعالی الله چه قادریست متعال که بستون خامه واوتاد نقاط وطناب سطور خیام بلند ابیات را افراخته سبحان الله عجب شاهدیست ذوالجلال که بنور چراغ معانی الخ .

وآغاز شرح قصائد اینست :

بازاین چه جوانی و جمال است جهانرا
وین حال که نو گشت زمین را و زمانرا
هم جمره برآورد فروبسته (برده) نفس را
هم فاخته بگشاد فرو بسته دهان را

جمره بنابرمشهور بخاریست که در آخر زمستان از زمین برآید ودراصطلاح تازیان الخ .

جلد تیماجی، کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارۀ برگها ۱٦۹ . صفحه ای ۱۰ سطر . طول ۱/۲ ۲٤ سانتیمتر. عرض ١٤ سانتیمتر . شمارۀ دفتر ۱۴۰۸۴ .

۱۱۰۶

## شرح دیوان انوری (فراهانی)

این نسخه نیز شامل دو بخش ( شرح قصائد و شرح مقطعات ) میباشد و بخط نستعلیق نوشته شده و بنا بر تصریح در ص ۲۱۶ نه، بسال ۱۲۳۰ نگارش یافته و دارای هردو مقدمه میباشد ولی صفحهٔ نخستین نسخه که شامل شش سطر از آغاز مقدمه قصائد بوده یا نگارش نیافته و یا افتاده و آغاز کنونی نسخه اینست :

« که بفسوس خواهش بی تمیز پلاس کهنه لفظ را ببهای پرند معنوی بفروشند » .

واین مقدمه درنسخه‌ای از مجموعات خطی این کتابخانه موجود و آغاز آن اینست :

« سپاسی که ازروی گواهی خرد برذمّه جملهٔ افرادامکان لازمست آنست که بغریب ادراك لاف ستایش یزدان پاك نزنند الخ .

وازآخرشرح مقطعات درحدود هفتادوچهاربیت نگارش نیافته وبدین سطر :

« براین معنی از آنچه در « حلل مطرز » مسطوراست اولی‌است چه متعارف نیست » .

که درآغاز ص ۳۰۸ نه، نگارش یافته دست نویسنده از نگاشتن دیگر سطرها مانده است .

برگ ننوشته‌ایکه پیش از نسخه‌است نیز دارای یادداشتی مختصر بخط عزالدوله عبدالصمد میرزای قاجار بسال ۱۳۳۵ میباشد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۱۰٤ . صفحه‌ای ۱۸ سطر. طول ½-۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۸۵ .

**۱۱۰۹و۱۱۰۸و۱۱۰۷**

## شرح دیوان انوری (فراهانی) و شرح مخزن‌الاسرار و رساله شکوائیه

این نسخه گذشته از شرح قصائد انوری شامل **شرح مخزن‌الاسرار** میباشد که در این فصل از آن معرفی خواهد شد و پس از آن **رساله شکوائیه** قائم‌مقام فراهانی را که بعربی انشا نموده، نویسندهٔ دیگری غیر از نویسنده دو نسخهٔ پیشین نوشته و ضمیمه کرده است وتاریخ نگارش شرح قصائد انوری در آخرین صفحه (۱٤۹) بسال ۱۲۷۵ تصریح گردیده ومقدمه را هم ندارد و آغاز آن همانست که در ذیل نسخهٔ نخستین نقل شد، چند برگ کاغذ ننوشته در آخر این شرح و آخر نسخه ومیان نسخهٔ دوم گذارده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگهای هرسه کتاب ۲۱٦ این شرح ۷۵ . صفحه ای ۱۷ سطر . طول ½-۲۱ سانتیمتر . عرض ½-۱٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۷۹۱۳** .

## شرح دیوان انوری (فراهانی)

دیوان اوحد الدین انوری را درص ۲۳۲-۲۳۳ معرفی کردیم و چنانکه گفته شد در اثر مشکل بودن درک معانی بسیاری از ابیات آن، چند نفر بشرح آن پرداخته اند ؛ یکی از آنها میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی است که از دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده و در اثر فشار روزگار وطن را ترک گفته و رو بشیراز آورده ، چون گذارش باصفهان افتاده وبه **نصر آباد** رسید خالوی محمد طاهر نصرآبادی صاحب تذکره ، اورا بدید و بردانش وی

آگهی یافت ، ازحرکتش بازداشت وبتدریس پسرانش وادارنمود ، فرزندان وی شرح تجرید و کتابهای دیگررا پیش او خواندند ، پس ازاینکه دوسالرا بدین طرز در نصرآباد گذرانید ، عزم خویش را پیروی کرده وبشیراز رفت ، امام قلیخان حاکم آنشهر ، نیزچون بر کمال ودانش وی آگهی یافت مقدمشرا گرامی‌داشت‌و چندی درآنجا بسر برد و اعتبار زیاد ومقامی‌ارجمند یافت ولی در اثر سعادیت بدگویان بعنوان و بهانه اینکه حرکتی نا مناسب ازوسر زده بقتل رسید و بنا بر ضبط در شاهد صادق این واقعه بسال ١٠٤٠ بوده و چنانکه درفا نگارش یافته شاه صفی ، امام قلیخان (١) و پسران اورا بقزوین خواسته و آنهارا دریك شب سر بریدند واین کار بسال ١٠٤٣ شده است .

(دیدی که خون‌ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند)

شارح چنانکه درآخربخش نخستین ومقدمه بخش دوم نگاشته شرح قصائد را در اوان جوانی نوشته وپیش از آنکه درآن مطالعه وبررسی دقیقی نماید منتشر شده ، ازاینرو پوزش خواسته ودر این کتاب فقط بشرح ابیات مشکله ولغات غریبه انوری پرداخته وطرز آن اینست که یك یا چند بیت مشکل از هرقصیده وقطعه را نقل وبشرح آنها می‌پردازد ، پس از آن باز اگر درآنها ابیاتی مشکل باشد بنقل‌آنها مبادرت نموده وشرح کرده ولغات مشکل وغریب ابیات دیگر را هم شرح وبیان نموده وبهمین نحو پیش رفته و چون ابیات در نسخ مختلف باشد بدین موضوع توجه نموده واختلاف راهم نقل‌مینماید وبرای تأیید خویش در بیان معانی ابیات مشکله از ابیات شعرای بزرگ و شروح دیوانها چون شرح شیخ آذری بر دیوان خاقانی وکتب دیگر نقل ها دارد و درموضوع خود کتابی سودمند میباشد ودوجزء این شرح درحدودسه هزاروپانصد بیت (٣٥٠٠) است .

درنص ١٧ بیت از غزلیات و رباعیات این شارح انتخاب گردیده واین‌دو بیت را که ازغزلی است ازاینجا می‌آورم :

---

(١) امام قلیخان پسر الله وردی خان حاکم شیراز است که بسال ١٠٢١ جهانرا بجهاندار گذارده و این پسر جانشین اوگردید و بسال ١٠٢٢ مدرسهٔ بسیار باشکوهی که دارای یکصد اطاق و از چهار سمت مشرف بر باغ بوده بساخت و اینك نیم خراب گشته ولی آثار بزرگی و عظمت آن آشکار است وکاشی کاریهای آن چشم هارا خیره میکند و اثر دیگر وی پلی است که بررود خانه «کر» درنزدیکی تخت جمشید ساخته ومشهور به پل خان میباشد وتاکنون (١٣٦٠ ق) بهمان استحکام باقی است .

آفت صد دودمانی آتش صد خرمنی ساده‌لوحی بین که گویم دشمن‌جان‌منی
ترسم این الفت که دارد با گریبان دست من در قیامت باز نگذارد که گیرم دامنی .
شرح حال این شارح با مراجعه به **نص** ۲۷۶ - ۲۷۷ ، **فا** گ ۲ ص ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱٤٦ وشاهدصادق نسخهٔ خطی این کتابخانه نگارش یافت .

**۱۱۱۰**

**شرح دیوان حافظ** (**بحر الفراسه**) این نسخه را بسال ۱۲۱۹ **ملا انور** در شهر کشمیر بفرمودهٔ **ملا محمد فاروق** بخط نستعلیق نوشته ، فهرست ابواب وغزلیات این شرح که **نور الانوار** معروف بانور الدّین سهروردی مرتب نموده ودر سیزده برگ نگارش یافته بخط نویسندهٔ نامبرده پیش از شروع به شرح نوشته شده و در آغاز شرح سر لوحی بسیار زیبا بطرز هندیست و همهٔ برگها جدول کشی شده ودر حاشیهٔ برگهای چندی یادداشتهائی از جناب **قندهاری** موجود ومیرساند که درسفر حج نسخه را همراه داشته و مطالعه مینموده ونام شهر های مختلف که یاد داشتها در آنجا نگاشته میشده درذیل آنها موجود وتاریخ این یاد داشتها سال ۱۳۱۳ قمری هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۰۲ . صفحه‌ای ۲۳ سطر . طول ½ ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۹۰٦** .

**۱۱۱۱**

**شرح دیوان حافظ** (**بحر الفراسه**) این نسخه بسال ۱۲٤٦ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، فهرست غزلیات مذکور درنسخه بالا که نور الانوار

معروف به نورالدین سهروردی بامقدمهٔ مختصری نوشته، نیز دراول نسخه گذارده شده است.

جلدتیماجی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۱۸ . صفحه‌ای ۲۴ سطر. طول ۳۰ سانتیمتر . عرض ۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۲۴۰۳** .

## شرح دیوان حافظ = بحرالفراسه

عبیدالله خویشکی چشتی که بنا بر آنچه از مقدمهٔ این کتاب استفاده میشود از دانشمندان قرن یازدهم هجری هندوستان و از اهل سنت و جماعت ومعاصر شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) پادشاه آنجا بوده واین کتاب‌را بنام وی موشح نموده و نیز از اینجا استفاده میشود که تخلص وی **عبیدی** بوده است ( ای عبیدی خوش شو تو از آن      به که اوقات خویش صرف کنی ) و دراین کتاب که فقط غزلیات حافظ شرح گردیده ، بمناسبت ابیاتی از سعدی ، جبلی ، انوری ، فردوسی ، جامی ودیگران آورده شده وآیات کریمه واخبار و حکایات مناسبه بسیار در ذیل شرح ابیات مندرج گردیده و چنانکه مکرر اشاره نموده : چندین شرح بر دیوان حافظ را در دست داشته و از آنها نقل هائی نموده و از کتابهای فرهنگ و غیر آن بسیار نقل ها دارد ، در کتب تذکره و مآخذیکه دردست نگارنده است بشرح حال وآثار این مؤلف دست نیافتم جز اینکه در **نگا** ( ص۶۲ ) گوید : « عبیدی جوانی نو رسیده بود چندگاه درلاهور این بیت او شور در هرطرف انداخت و باین تقریب حکیم ابوالفتح گیلانی تعریف اورابسیار کرده بملازمت اکبرپادشاه برد وبیت اینست: «متاع درد که پرسیدنم نمی ارزد      کرشمهٔ که بپرسیدنش نمی ارزم»

و تصور میکنم که مراد از عبیدی مذکور مؤلف این شرح باشد که در زمان محمد اکبر پادشاه هند (۹۶۳-۱۰۱۴) جوانی نورس بوده است و این چند سطر از دیباچهٔ کتاب را در اینجا می آوریم :

« و اتصاف بلسان الغیب و عاری از وصمت و عیب در خور اوست ، بناء علی هذا دراکثر اوقات بتدریس و تعلیم او مشغول میبودیم و درتأویلات وتوجیهات اکثر ابیات او که ظاهراً بقانون شرعی مخالفت دارند اندیشهٔ خودرا میگماشتم و هر توجیهی که از نهانخانه عدم بمنصه وجود جلوه گری می نمود سامعان را طیر روح در اهتزاز و مخاطبان را از شنیدن آن مرغ همت دز،

پرواز میآمد حتی که بیش از این طاقت صبر و شکیبائی ندیدند ناگاه روزی جمع شده حاضر آمدند و گفتند که این معانی دقیق و مضامین حقیق که از نتایج افکار و اذهان مستنبط میگردد ازتحریر براوراق روزگار تا قیام قیامت یادگار خواهد ماند و ناظران را از مطالعهٔ آن ابواب فیض و فتوح خواهد گشود ، چون بواسطه اشتغال مطالعهٔ علوم معقولات فرصت دست نمیداد ودر حصول مسئول ایشان تأخیر و امهال میگذشت و ایشان یوماً فیوماً الحاح و اقتراح ازحد زیاده مینمودند ، چون رابطهٔ اخلاص اتم از روابط اخروی‌است ازاجابت مسألت ایشان چارهٔ ندیدم وازهمهٔ اشغال بر کنار وجدا مانده درتحریر «**بحرالفراسة الافظ فی شرح دیوان حافظ**» مشغول شدم تاآنکه در وقت مبارك باتمام رسید الخ .

(ظاهراً جملهٔ «دروقت مبارك» که بحساب ابجد ۹۷۳ میشود تاریخ انجام این شرح است)

این شرح درحدود نوزده هزار (۱۹۰۰۰) بیت کتابت دارد وفقط شرح غزلیات حافظ میباشد که برحسب ردیف‌ها از **الف** تا **یاء** مرتب گردیده است.

**آغاز:** بسمله سپاس عظمت اساس واحدی را رسد که محمود است بجلائل ذات و معبودی را سزد الخ .

## ۱۱۱۳

**شرح دیوان حافظ (لطیفهٔ غیبي)**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق زیبائی در شهرهمدان نگارش یافته ، نام‌نویسنده وسال نگارش را که درپایان آخرین صفحه بوده محو کرده‌اند از آثارسال ۱۲۵۹ بدست می آید و از نام نویسنده کلمه محمد باقی مانده بالای صفحهٔ نخستین نسخه بامضاء **قوام‌دفتر** آشتیانی (حسین) که ازدرباریان اوائل قرن چهاردهم هجری بوده بسال ۱۳۱۴ قمری هجری نوشته شده :

«این کتاب بخط میرزامحمد **حشمت** آشتیانی است». ولی نگارنده راعقیده اینست که الحاقی بودن این نگارش رادقت زیاد درخودنوشته

ثابت مینماید و بر برگیکه پیش از نسخه میباشد ابیاتی بعربی در مدح اهل بیت علیهم السلام بخط نسخ نگاشته شده است.
جلد تیماجی. کاغذ ترمه. قطع بغلی. شمارهٔ برگهاه ٤٠. صفحه‌ای ١٥ سطر. طول ١٤ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ٨ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **١٤١٦٣**.

## شرح دیوان حافظ (لطیفه غیبی)

مولف این شرح بنابر تصریح درمقدمه **محمد بن محمد دارابی** است. از مندرجات این مؤلفه بدست میآید که از دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده ولی بشرح حال وی دست نیافتم، آقای میرزا احمد تبریزی که از اخیار وملاذ وملجاء فقراء ذهبیه هستند وسالهاست که مقیم شیرازاندو نگارنده را شرف زیارت آنجناب مکرر دست داده، درمقدمه‌ایکه برچاپ اخیر این کتاب که سال گذشته (١٣٠٩) بی‌تاریخ در شیراز انجام گرفته نگاشته‌اند: حضرت قطب‌الدین محمد تبریزی که بسال ١١٧٣ در نجف اشرف وفات یافته‌اند در «فصل‌الخطاب» در ذیل آنهائیکه معاصر ایشان بوده‌اند، نخست شاه محمد دارابی را نام برده‌اند و گویند رساله‌ای درتحقیق معنی شیخ و ارشاد ومرید و استرشاد بنام «معراج‌الکمال» از آنجناب پیش ایشان بوده است.

مؤلف درخاتمه در ابتدای تفألهائی که خود وی بدیوان حافظ زده گوید: درتاریخ هزار وشصت و دوم (١٠٦٢) (١) هجری بنده وارد احمدآباد گجرات شدم و گذشته از این، ازهمین خاتمه استفاده میشود که معاصر امام قلیخان حاکم شیراز بوده که بسال ١٠٤٣ کشته شده ونیز معاصر بودن وی با شاه‌عباس دوم (١٠٥٢-١٠٧٧) نیز از این کتاب معلوم میشود و در آخر فصل سوم نسخهٔ چاپ اول این کتاب تاریخ تألیف صریحاً بسال ١٠٨٧ درمدت دوهفته درشهر شیرازمعین گردیده بنابراین شواهد بسیار دور می نماید که قطب‌الدین مذکور معاصر این مؤلف باشد ودور نیست که پسر این مؤلف چون پدرش محمد نام داشته وآنست که قطب‌الدین بزیارتش نائل گردیده است.

از این شرح وی فضائل ادبی و کلامی وفلسفی وعرفانی شارح آشکار ودر سبب انشاء این شرح در دیباچه گوید: «از عزیزی که فی‌الجمله نظمی دارد وچهره سخن را بخط و خال استعارات و گلگونهٔ تشبیهات می آراید، مکرر

(١) درنسخه چاپ تهران ١٠٥٢ چاپ شده است.

مسموع میشود که شعر خود را ترجیح بر کلام لسان الغیب میدهد بلکه مذمّت سخنانش مینماید » واین موضوع باعث شده که بشرح بعضی از مشکلات ابیات خواجه پردازد و این شرح را که در حدود یکهزار و هفتصد (۱۷۰۰) بیت میباشد در یك مقدمه وسه باب وخاتمه‌ای بدین تفصیل تألیف نماید :

**مقدمه** در بیان اصطلاحات اهل عرفان ، **باب اول** در بیان معانی ابیات مشکله ، **باب دوم** در بیان معانی ابیات باصطلاح اهل عرفان ، **باب سوم** در بیان معانی ابیات مخالف ظاهر مذهب **وخاتمه** دربیان تعالاتی که ازدیوان اعجاز نشان آن سرحلقه ارباب عرفان جلوهٔ ظهور یافته .

این کتاب بسال ۱۳۰۴ قمری و بسال ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ ش در مجلهٔ ارمغان (سال ٦ و ۷) درتهران وبسال ۱۳۰۹ درشیراز بدون تاریخ چاپ گردیده ودرپایان این چاپ رسالهٔ مختصری دربیان اصطلاحات شعر است که باین شارح نسبت داده شده وجز مقدمه است .

**آغاز :** بسمله فصیح ترین کلامی که فصحای بلاغت شعار وبلغای فصاحت دثار کتابهٔ دیوان خود ساخته‌اند حمد وستایش است الخ .

**۱۱۱۳**

**شرح دیوان خاقانی (شادی آبادی)**

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۲٦۱ نوشته‌اند، وقلم نگارش درآغاز ومیان وانجام فرق کرده و نویسنده دقیق نبوده و کلمات و حروف انداخته زیاد دارد ودیباچه‌را هم دارد.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۱۲۸ . صفحه‌ای ۲۷ سطر . طول ۳٤ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۲۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱٦۰۳۹** .

## شرح دیوان خاقانی (شادی آبادی)

دیوان خاقانی که در ص ۲۷۱ ـ ۲۷٦ بمعرفی آن پرداخته شد ، در اثر اشتمال بر مباحث واصطلاحات نجومی و ابیات مشکله ، فهم ودریافتن مقاصد شاعر بر همگان مشکل ، ازاین رو برخی بشرح وبیان این مشکلات پرداخته‌اند :

از آنها شیخ آذری است و بنا بر آنچه در فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱۲۵۲ نگارش یافته عبدالرحمن جامی شاعر و عارف و عالم مشهور (۸۱۷-۸۹۸) بر دیوان خاقانی شرحی نوشته و نسخه ای از آن زیر شماره ۹۳ دیوانهای فارسی در آن کتابخانه موجود است وازشروح معروف این‌دیوان شرح محمدبن داودبن محمد بن محمود علوی شادی‌آبادی است که نیزشرحی بر ابیات مشکله ، دیوان انوری(۱) نوشته و در آنجا پادشاه معاصر خود را فقط بعنوان ناصر الدین معرفی نموده و خود را هم مقرب درگاه و ندیم آن پادشاه معرفی کرده است :

**ریو** گوید : بی‌شبهه و تردید مراد از این ناصرالدین ، ناصرالدین خلجی است که از سال ۹۰۶ تا ۹۱۶ در **مالوا** سلطنت داشته و شارح ظاهراً از اهالی شادی‌آباد است که اینك معروف‌به **مندو** و پایتخت اسلامی‌مالوا شده.

نگارنده با تفحص و تجسس بسیار در کتب تاریخ و سیر که در دست بود بشرح حال و آثار این شارح (محمد بن داود) دست نیافت و از دو مؤلفهٔ وی که دردست دارد باجستجوی‌زیاد‌قرینه‌ای‌دال‌ّبرزمان ومعاصرین وی‌پیدانکرد جز اینکه درآنها اشعاری ازسنائی، نظامی ،سوزنی ،عبدالواسع جبلی، ظهیرفاریابی وسعدی شاهد آورده و همه این نام بردگان پیش ازپایان قرن هفتم هجری بوده‌اند و از دانشمند یا شاعری که پس از این تاریخ باشد جز سلمان ساوجی (۶۹۲ - ۷۷۹) که در ذیل شرح این بیت خاقانی :

چون در اسد رسید چون سنبله سنان کش

ازضربت الف سان کردی چوسین ودالش

که بیت ۵۲٤ شرح شدهٔ در این کتابست ، از کس نامی نیافتم و فقط این یك بیت را ازسلمان درتمام این شرح یافته‌ام وآن اینست :

سین سلمان را اگر بیند بجنب کاف کم

روزگار ازکام یکیك بر کند دندان سین

در « طبقات سلاطین اسلام » چندین تن از پادشاهان هند که ناصرالدین لقب بوده اند نام برده شده ولی نگارنده نمی‌تواند بی شبه این ناصرالدین را خلجی پادشاه مالوا بداند وتحقیق این مطلب نیازمند وقت زیاد-وجای مناسب‌تریست . ازمندرجات این شرح وشرح انوری این شارح بودن وی درهند بخوبی آشکار

۱) نسخه‌ای ازاین شرح درکتابخانه مدرسه عالی سپهسالار زیرشمارهٔ ۳۰۴ میباشد ونیز در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا نسخه‌ای ازآن موجوداست .

ودر بسیاری ازموارد که معانی پارسی برخی از لغات ابیات را بیان مینماید لفظ هندوی آن معنی را هم متذکر شده و اصطلاحات هندیان را هم بسیار نقل کرده و داستان دیدن مهره مار را در خزانهٔ پادشاه بمناسبت در ذیل شرح بیتی اظهار نموده و از این مؤلفه شافعی بودن او بخوبی آشکار و اطلاعات نجومی و ادبی داشته ولی در موارد تاریخی و علم انساب و جغرافیا دستی نداشته و هروقت دراین موارد چیزی نوشته بخطارفته چنانکه گوید مراد از جعفران درشعر خاقانی، جعفر صادق است که صحابی رسول صلی‌الله علیه وسلم بود! وجعفر برمك که پادشاهی بزرگست! وبغایت سخی وبکرم بود، ونیز گوید : ری شهریست درخراسان !ونظیراین دونمونهٔ دردوشرح دیوان تألیف وی مکرر دیده ام.

در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ترجمه‌ای از جراثقال زیر شمارهٔ ۷۰۸ با نقصی در اول و میان و آخر موجود است که دربالای صفحهٔ نخستین کنونی آن نوشته شده : مترجم محمدبن داود علوی شادیابادی است.

درنسخه هائی که ازاین شرح خاقانی بدست نگارنده افتاده مؤلف درمقدمه خود را شادیابادی یا دلشادبادی معرفی نموده و در مقدمه نسخه م. س شرح انوری **شادابادی** و بر نسخهٔ ترجمهٔ جراثقال **شادی آبادی** نگارش یافته و در فهرست نسخ فارسی انجمن آسیائی بنگاله ( ج ۱ ص ۲۰۲ ) گوید که در نسخه مؤلف را **شاه‌یابادی** نوشته‌ولی مؤلف آن فهرست شارح راشادیابادی معرفی کرده است.

در ص ۱۰۴ سال ۱۲ مجله ارمغان نوشته شده که شادی‌آباد یا شاد آباد که در شعر منسوب به قطران دیده میشود :

خدمت تو هم بشهر اندر کنم بر جای غم
گرچه ایزد جان من در شادی آباد آفرید

نام یکی از محلات تبریز میباشد و نیز نام دهی در نزدیکی شهر تبریز میباشد. درص ۷ تاریخ بیهقی (چاپ اول که بسال ۱۳۰۷ هـ. ق بتصحیح ادیب پیشاوری درتهران‌چاپ شده) است : و چون مابمنزل‌رسیدیم ونامهٔ سرهنگ کوتوال را دادیم در وقت مثال داد تا بر قلعت دهل وبوق زدند و بشارت‌بهر جائی رسانیدند . . . . . فوج فوج مطربان شهر وبوقیان شادی آباد بجمله با ساز ها بخدمت آنجای آمدند.

نگارنده تصور میکند که شادی‌آباد نام دههائی است در نزدیکی شهرهای بزرگ که جای‌گاه مطربان ومغنیان بوده و تاکنون هم این دسته در شیرازدر

خارج شهر در جائی که آنرا «کوشك عباسعلی» گویند مسکن دارند و از آنجا بشهر می‌آیند و شنیده‌ام که در شهر خراسان و در شهر تهران نیزچنین مرسوم میباشد.

**ریو** در **فو** گوید: ظاهراً شارح از اهالی شادی‌آباد است که معروف به **مندو** پایتخت **مالوا** است. ولی نگارنده از خود شرح و مآخذ نگارش مؤیدی بر این ادعا نیافت.

شارح دراین‌شرح درحدودهشتصدوبیست‌وسه (۸۲۳) بیت از ابیات مشکلهٔ خاقانی رانقل‌وبشرح لغات وبیان مرادومعنی آنهابرداخته وبنابرتحقیق **ریو** شرح ابیات مشکلهٔ ۲۴ قصیدهٔ خاقانی میباشد و چنانکه گفتیم در بیان مراد ومقصود باشعار شعرای پیشین‌استشهاد کرده‌است وتمام این‌شرح درحدودهشتهزاروسیصد (۸۳۰۰) بیت میباشد.

**آغاز** دیباچه: بسمله جواهر زواهر سپاس بیقیاس ثناء حضرت صمدیه‌جلت قدرته سزاوار است الخ.

**آغاز شرح:**

دل‌من پیر تعلیمست ومن‌طفل زبان دانش

دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش

بدانکه دل نفس ناطقه را گویند که روح انسانی است و آن لطیفه ایست روحانی الخ.

این شرح گذشته از مراجعهٔ به خود کتاب با مراجعهٔ به **فو** ج ۲ ص۵۶۶ و ۶۱۰، فهرست آصفیه ج ۲ص ۱۲۵۲، تاریخ بیهقی ص ۷ و فهرست‌نسخ خطی فارسی انجمن آسیائی بنگاله ج ۱ ص ۲۰۲ نگارش یافت.

## ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵

**شرح دیوان علی بن ابی طالب ع**

این‌شرح‌بسال۱۰۲۷بخط‌نستعلیق **یارمحمد** سرندی نوشته‌شده، وابیات دیوان باشنگرف میباشد، نویسندهٔ دیگری بخط نستعلیق

**و**

پخته ای بسال ۱۰۰۴ یا ۱۰۴۰ (در نسخه

**مناظرالانشاء**

چنین نوشته شده ۱۴) **مناظر الانشاء** خواجه

جهان را که در علم انشاء و بپارسی است و در فصل ادبیات معرفی خواهد شد، نگاشته وپیوسته این نسخه نموده است.

برگ نخستین نسخه وصالی گردیده ودرحاشیهٔ بسیاری ازبرگها تعلیقات وحاشیه هائی بامضاء «منه رحمه‌الله» که میرساند از خود شارح ومؤلف میباشد نگارش یافته و تصحیح هائی نیز بخط همان نویسنده دربرخی ازبرگها موجود است وپس ازمناظرالانشا مطالبی عرفانی ازهمین نویسنده بردوبرگ نظماً ونثراً نوشته شده ونیزابیاتی از «مجمع‌البحرین» خود نقل کرده است.

جلد میشن نیم ضربی. کاغذ بخارائی خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱۰۱+۸۳. صفحه ای ۱۷ و ۱۹ سطر. طول ۲۴ سانتیمتر. عرض ۱۴ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳٦۸۱**.

## شرح دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤلف این شرح بنا بر تصریح در مقدمه، حسین بن اسمعیل حسینی است که نیز از مندرجات همین شرح بدست آمد **حسینی** تخلص بوده و گذشته از عرفان ازعلم نجوم بهره‌ای داشته وبکتب، عرفاء چون محی‌الدین‌عربی وسهروردی آشنائی داشته و ازآنها نقل ها کرده و از احیاءالعلوم غزالی و اخلاق ناصری نیزنقل نموده وباشعارمولوی وحافظ و قاسم انوار و جامی تمثل جسته و مسلماً دراوائل‌قرن دهم، زنده بوده وگذشته ازمقدمه دربسیاری ازموارد علاقمندی و پابستی‌خودرا به اهل بیت ع یادآورشده وپیش‌از شروع به شرح‌دیوان‌بعنوان مقدمه حدیث کمیل و سئوال درمعنی حقیقت(۱) ازحضرت مولی‌علیه‌السلام شرح گردیده وطرزاین‌شرح دیوان اینست که یك یاچند بیت ازدیوان رانقل وبترجمهٔ فارسی آن پرداخته پس ازآن همان معنی ومراد را در یك رباعی فارسی انشا نموده و در ذیل‌آن زیرعنوان **اشراق** بشرح عرفانی آن بیت یابیتها پرداخته

---

(۱) کمیل بن زیاد که ازاصحاب سرّ حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بوده و بسال ۸۳ بجرم تشیع کشته شده از آنحضرت شرح کلمهٔ **حقیقت** راخواسته و پس از آنکه اندکی خود داری فرموده جوابی‌کامل داده اند.

و دراین بخش نیز رباعیهائی گذارده و گاهی درشرح عرفانی ابیات چند **اشراق** دارد ودر این شرح بسیاری از ابیات ازخود شارح موجود است وتمام این شرح در حدود سه هزاروچهارصد (۳۴۰۰) بیت میباشد وشرح منتخبی از ابیات دیوانست.

**آغاز :** ما مِنْ دابَّةٍ اِلّا هُوَ آخِذٌ بناصِيَتِها اِنَّ رَبّي عَلی صِراطٍ مُسْتَقيم اَلحَمْدُللهِ الّذي هَداناطَريقَ مُشاهَدَةِ حَقيقَةِ كُلِّ شَيْءٍ كَماهُوَ وبذلك شَهِدْنا اَنَّه لا اِله اِلّا هُو **رباعیه :**

پیدا و نهان و غائب و حاضر اوست　　طغرای نشان مظهر و ظاهر اوست
زان چشم که درچشم تواست ارنگری　　بینی بیقین که اول و آخر اوست .

## ۱۱۱۶

**شرح قصیده سید حمیری**

این نسخه را بخط نستعلیق محمد اسمعیل بن محمد علی نائینی بسال ۱۲۸۵ بفرمان میرزا محمدحسن خان که ظاهراً ازمستوفیان آنعصر بوده، نگاشته، جای اعلام ونام کتب خالی گذارده شده که باجوهر نوشته شود ولی توفیق نیافته وبدین سبب ناقص مانده دیباچه کتاب که شامل حمد و ثناء و بعربی میباشد چون ابیات قصیده بخط نسخ نگارش یافته است .

جلد تیماج. کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۵۰۶. صفحه‌ای ۱۶ سطر. طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۳۴۶** .

### شرح قصیدهٔ سید حمیری

**مصطفی** ابن حاج محمد یزدی که بنا برتصریح خود وی ازطلاب علوم دینیه آنشهر بوده ، بسال ۱۲۰۵ بفرمان شاهزاده ایکه در آن سال حکومت

آنشهر را یافته بشرح فارسی قصیده سید حمیری(۱) اسمعیل بن محمد (۱۰۵ - ۱۷۹) که از مشاهیر قصائد میباشد ومنشی آن از اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام بوده ، پرداخته واین شرح پس از دیباچه در یك مقدمه و یك فصل وخاتمه‌ای تنظیم گردیده وآنرا « تحفة‌الشیعه» نام گذارده و « کفایة‌الجنه» لقب داده است .

**مقدمه** درشرح حالات سید حمیری ، **فصل** در شرح قصیده **وخاتمه** در بیان اسراری چند ومناسبت دوازده امام بادوازده برج وغیرازاینهاست .

این قصیده **حمیری** که بدین بیت آغاز گردیده :

لامّ عمرو باللوی مربع — طامسة اعلامه بلقع

وتمام آن چهل و هشت بیت میباشد ودراخبار وآثار حفظ کردن این قصیده را منافع وسودهای دنیوی واخروی نوشته اند واین شرح که متکفل بیان معانی لغات وترکیب وتحلیل الفاظ این قصیده است در حدود دو هزار (۲۰۰۰) بیت میباشد .

**آغاز :** بسمله الحمدلله القادر المتعال . . . . یعنی بعد از حمد ملك علام وپس از شکر الخ .

## ۱۱۱۷

## شرح گلشن راز (مفاتیح الاعجاز)

این نسخه را بخط نستعلیق سلطانعلی شیرازی بسال ۹۰۰ نوشته ، درآغاز نسخه سرلوحی زیباست ، ظاهراً از کارهای هراة میباشد و نسخه هم درآنجا نوشته شده ، پشت برگ نخستین ترنجی است که بروسط طلا پوش آن باسفیداب چنین نگاشته شد :

---

(۱) سید حمیری ( اسمعیل بن محمد ) پدر ومادرش ناصبی بوده‌اند ولی خود وی سعادت تشیع را یافته ولقب سیادت را مادرش بوی داده ودر ثر انتساب ازطرف پدر یامادر بحضرت رسول صم نیست .

شیخ شمس الدین محمد آفتابی کز شرف
نور بخشی همچو او درعالم معنی که دید
عندلیب طبع وقادش ز گلشن شرح داد
فی الحقیقه کس گلی چون اواز آن گلشن نچید.

برحاشیهٔ همین برگ جلال الدین احتشام الملك بسال ۱۲۸۷ تملك نسخه را نوشته و بخشی از حاشیهٔ همین برگ چیده شده و بخشی ازیادداشتی که پشت این برگ بوده ازمیان رفته ویادداشتهائی در اینجا و پشت صفحه آخر نسخه موجود و ابیات گلشن راز و عناوین مطالب با شنگرف نگاشته شده و برگها مجدول بطلاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۴۹۰ . صفحه‌ای ۲۱ سطر . طول ۱/۲ ۲۵ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۲۴۸۱**.

## شرح گلشن راز = مفاتیح الاعجاز

گلشن راز را در این فصل معرفی خواهیم نمود ، این شرح که شارح آنرا « **مفاتیح الاعجاز** » نام گذارده یکی از شروح گلشن راز و تألیف شمس الدین **شیخ محمد نوربخش** لاهیجی ( محمدبن یحیی‌بن‌علی متوفی بسال ۹۱۲ ) است که یکی از خلفای سید محمد نوربخش ( ۷۹۵ - ۸۶۹ ) مؤسس سلسلهٔ نوربخشیه میباشد و اجازه‌ایکه سید بوی داده ودلالت برمقامات عرفانی وی مینماید دراوائل این شرح گذارده شده واین شارح درشیراز متوطن گشته و خانقاهی بنام **تکیه یاخانقاه نوریه** ساخته و قبر وی در نزدیکی دروازه شاه داعی الی الله شیراز (ظاهراً درهمان تکیه نور) نزدیك باغ کلانتری درخانهٔ کوچکی است وبا اینکه عامه بدرستی اورا نمیشناسند بزیارتش میروند ، تخلص شعری وی **اسیری** بوده ودیوان غزلیات ورباعیات ونیزیك مثنوی بنام « **اسرارالشهود** » درحدود سه هزارودویست ( ۳۲۰۰ ) بیت دارد و رسالئی عرفانی که در فصل مجموعات فهرست این کتابخانه معرفی خواهند شد وبرخی از آنها را در **فهرس** معرفی کرده‌ام ، از آثاراوست.

بنابرتصریح شارح این شرح بسال ۸۷۷ انشا گردیده و از روی راستی یکی از شروح بسیار خوب گلشن راز میباشد و دقائق ادبی وعرفانی وحکمی درآن بکار برده شده ومؤلف درآن باشعاری فارسی وعربی ازخود ودیگران تمثل جسته ودرحدود بیست و دوهزاروسیصد (۲۲۳۰۰) بیت میباشد .

تشیع این لاهیجی ازآثار وی بخوبی آشکار ونظیر این بیت :

مرتضی آن منبع صدق وصفا  آن وصی و جانشین مصطفی

در دیوان و این شرح ودیگر مؤلفات او بسیار دیده میشود و بهمین مناسبت درمجالس المؤمنین معرفی گردیده وگوید : « چون شرح گلشن راز را تمام نمود نسخه‌ای از آنرا بهراة پیش ملا جامی فرستاد وی این رباعی را بر آن شرح نوشته وپس فرستاد :

« ای فقر تو نوربخش ارباب نیاز  خرم ز بهار خاطرت گلشن راز

یك ره نظری برمس قلبم انداز  شاید که برم ره بحقیقت نه مجاز .

این شرح را محمدبن محمود دهدارشیرازی متوفی بسال ۱۰۱۶ مختصرنموده واصل شرح بسال ۱۲٦٤ درتهران ومختصرآن درهندوستان چاپ شده است .

**آغاز :** بسمله ای محمود بهر زبانی و ای معبود بهر مکانی و ای مذکور بهرلسانی وای معروف بهراحسانی الخ .

این شرح با مراجعه به **مجا** ص ۳۱٦ ـ ۳۱۹ ، **طق** ج ۲ ص ۱٤۳ ، **رن** ص ٤۰ ، **دآ** ص ۳۳۷ و **فهر** ج ۲ ص ۵۵۸ ـ ۵٦۰ نگارش یافته است .

## ۱۱۱۸

### شرح مثنوی مولوی (جواهرالاسرار و زواهرالانوار)

این نسخه شامل شرح دفتردوم وسوم مثنوی میباشد ، طرزخط وکاغذ شهادت میدهد که دراواسط قرن نهم نگارش یافته وخطاشخاص متعدد میباشد وشاید نگارش یافته درزمان زندگی شارح است ، ازآخرآن برگهائی افتاده وانجام برگ آخر درشرح این دو بیت میباشد :

« چون دری میکوفت او از سلوتی
عاقبت دریافت روزی خلوتی
جست از بیم عسس او شب بباغ
یارخود رایافت چون شمع وچراغ »

و آن اینست:

« لاجرم عاشق سوخته جگر در آن نفس ازبس صدق واخلاص دعای عسس میکردوچنانك حسین حلاج جون حیات ابدی الخ » .

بنابراین دوبرگ از آخر آن افتاده و کلمه تمت سنه ۱۱۱ که درپایان صفحه آخر میباشد مسلماً الحاقی است .

پشت برگ نخستین ، این شرح بنام « لطائف المعنوی فی شرح المثنوی » معرفی شده ومسلماً غلط است .

جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۸۵ . صفحه‌ای ۲۵ سطر . طول ۲۵ ½ سانتیمتر . عرض ۱۶ ½ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۲۹** .

## شرح مثنوی = جواهر الاسرار و زواهر الانوار

کمال الدین خوارزمی ( حسین بن حسن ) ، از مریدان و پیروان خواجه ابوالوفای خوارزمی متوفی بسال ۸۳۵ میباشد که از اقطاب سلسلهٔ ذهبیه بوده وشارح دراین کتاب مکرر ازایشان نامبرده مخصوصاً دراوائل ربع آخر شرح دفتر سیم داستان وفات مراد را متذکر شده و تأثرات خود را اظهار نموده وبمناسبت چند مکتوب ازاو را مندرج نموده ونیز رباعیات واشعاری ازایشان نقل و رساله‌ای بنام « نثرالجواهر » درمطالب و رباعیات که برای این شارح نگاشته‌اند از آنجناب نامبرده وبنابرنقل **حر** این شارح درحلهٔ اوزبك بخوارزم شهید گردیده ودرنسخ خطی تاریخ **حر** این واقعه ثبت نگردیده ودرنسخه چاپ هند بسال و ثلثین وثمانمائه بدون ضبط آحاد ( ـ۸۳ ) باواو عاطفه نوشته شده و مؤلف **کظ** در ص ۴۰۸ ج ۲ بسال ۸۴۵ و درص ۳۷۶ ج ۲ بسال ۸۴۰ نقل کرده ودرمجلس ۴۹ مجالس العشاق ودر **رن** بسال ۸۳۹ ضبط گردیده‌است .

گذشته ازاین شرح برمثنوی ، شارح را مؤلفانی است ازآنها « کنوز الحقائق

فی رموز الدقائق » میباشد که حاجی خلیفه تصور نموده ، این نام ، نام این شرح میباشد ، درصورتیکه گذشته از اینکه دراین شرح مکرر ابیاتی از آنرا گنجانیده در مقدمه این شرح تذکر بمنظوم بودن آن داده و آن کتاب مثنوی عرفانیست و دیگر ازمؤلفات او « مقصد اقصی » میباشد که ترجمهٔ « مستقصی » است ومستقصی در کشف نامبرده نشده ومؤلف آنرا نشناختم ودیگر « ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار » (۱) درعلم اخلاق وپارسی است وچنانکه درمقدمه آن اظهار نموده این کتاب نتیجهٔ نصائح پادشاه عصر (شاهرخ بن امیر تیمور ۸۰۷ـ۸۵۰) بمؤلف میباشد در حرز نگارش یافته که کمال الدین غزلی بدین مطلع :

ای در همهٔ عالم پنهان تو و پیدا تو    هم درد دل عاشق هم اصل مداوا تو

گفته و شهرت یافت ، فقهاء حنفی مذهب آنرا برخلاف اصول دیانت شمرده و بعرض پادشاه رسانیدند ازینرو باحضارش مثال داد و از خوارزم بهراة آمد وبا مدعیان مباحثات نمود وبر وی چیره نیامدند ، بنابراین پیش از تألیف این شرح مثنوی که مسلماً در خوارزم انشا شده ، آن مؤلفه را در هراة انشا نموده است .

این شرح مثنوی بنابر تصریح در مقدمهٔ شرح دفتر اول « جواهر الاسرار و زواهر الانوار » نام دارد ونگارنده نسخی که از آن دیده هیچیك بیش از شرح سه دفتر نبوده وپیش از شروع بشرح دفتر اول مطالبی عرفانی ودرشرح مقامات گروهی از اولیاءالله درده مقاله نگارش یافته ودراین شرح گذشته از اشعار مولانا در دیوان شمس واشعار شعرای دیگر ، زیاد باشعار خود تمثل جسته واز قصائد خویش که بسبك خاقانی ساخته و غزلیات و رباعیات و مثنویات خود بسیار آورده و بمناسبت مقام بآیات کریمه قرآن و احادیث و اخبار نیز استشهاد نموده و دیباچه دفتر سوم راهم شرح کرده است .

این شرح سه دفتر که ظاهراً نخستین شرح مثنویست درحدود بیست‌ونه هزار (۲۹۰۰۰) بیت میباشد و تاکنون چاپ نگردیده است .

آغاز هریك از شرح های دفترهای سه‌گانهٔ این شرح اینست :

**آغاز:** دفترنخستین : بسمله حمد بیحد وغایت و ثنای بیعد ونهایت حضرت پادشاهی را الخ .

---

(۱) نسخه ای ازاین کتاب که بسال ۸۹۱ بنا برضبط درآخرنسخه بخط غیراز نویسنده اصل نسخه نوشته شده ، زیرشمارهٔ ۵۹۱ دراین کتابخانه موجوداست ـ

**آغاز** دفتر دوم : اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی جَعَلَ قُلُوبَ العارِفینَ خَزائِنَ جَواهِرَ اَسرارِه الخ .

**آغاز** دفتر سوم : بسمله حدیکه چون قدرت قاهره الهی بیحد و قیاس و ثنائی چون الخ .

این شرح با مراجعهٔ به **حر** جز ۳ ج ۳ ص ۱۴۴ ، **کظ** ج ۲ ص ۵۰۸ و ۳۷۶ و ۴۷۷ ، **رن** ص ۶۸ ـ ۶۹ و **ماج** ۲ ص ۵ درذیل ابوالوفاء خوارزمی نگارش یافته است .

## ۱۱۱۹

**شرح مثنوی مولوی (سروری)**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و فقط شرح دفتر اول میباشد ، ظاهراً در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، برگهائی از میان نسخه افتاده بجای بعضی از آنها برگهای ننوشته گذارده شده ، ابیات مثنوی با شنگرف میباشد ، برگی پیش از برگ نخستین بوده و بر آن اخبار و احادیثی نگارش یافته با برگ اول نسخه که آشکار است دارای یاد داشتهائی بوده و یکی از آنها را محو کرده‌اند ، چسبانیده شده و بر کنار برگهای بسیاری تعلیقاتی از شارح بامضاء **منه** موجود و بر برگیکه پس از آخرین ورق نسخه میباشد ابیاتی بوزن مثنویست و این بخش موجود (دفتر اول) درحدود هشت هزار و هشتصد (۸۸۰۰) بیت میباشد و آغاز وانجام نسخه اینست :

**آغاز** : حمد بی‌غایت و ثنای بی نهایت آن خدایرا که بطالبان حضرتش راه‌ها نمود الخ .

**انجام** : غذای جان می‌شد تمامت علما آفرینها کردند و اعتقاد ایشان یکی هزار شد .

جلد میشن ضربی طلا پوش . کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۹۲ . صفحه‌ای ۲۳ سطر . طول ۲٤ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۸۷** .

## شرح مثنوی مولوی = شرح سروری

**سروری** تخلص مصطفی بن شعبان از شعرای عثمانی است و جز این دانشمندانی از ایرانیان و ترکان عثمانی **سروری** تخلص بوده‌اند و در **قم** برخی از آنان نام‌برده شده ومشهورترین آنهاپیش‌ما ایرانیان بلکه درجهان **سروری کاشانی** (محمد قاسم‌ابن حاج محمد) مؤلف **فرهنگ سروری** یامجمع‌الفرس‌میباشد که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده است .

این‌سروری مؤلف این شرح برمثنوی درص ۲۰۰۸ ج ٤ **قم** معرفی گردیده و ترجمهٔ آن اینست .

« سروری ( مصطفی‌بن شعبان ) از شعرای قدیم عثمانی ، پدری صاحب مکنت داشت ، عشق به تحصیل کمال پیدا کرد و در این وادی قدم زد و در یکی از مدارس مدرس گردید ، چندی ازآن کار گوشه گیری کرد ولی دیری نگذشت که معلم پسر سلطان سلیمان قانونی ( سلطان مصطفی ) گردید و چون این شاهزاده جهانرا بدرود گفت به تنگدستی و سختی در زندگی افتاد و بسال ۹۶۹ بجهان دیگر شتافت وازآثار اوشرحی بر مثنوی مولوی وشرحی بر گلستان و بوستان سعدی وشرحی بر دیوان حافظ میباشد ولی چون مهارتی سزا در زبان فارسی‌نداشت بسیار بخطا رفته است وجز اینها ـ دیوان دارد» .

شرح بوستان وی بفارسی‌ودر کتابخانه خدیویه مصر موجودو آغازآن‌اینست .

حمد محبوب بعدد اوراق ریاض الخ .

در **کظ** ص ۲۷٦ ج۲ذیل معرفی مثنوی ازاین شرح و شارح وسال وفات وی نام برده شده ولی درجائی ندیدم‌که آیا برتمام دفاتر ششگانه میباشد یافقط برهمین یك دفتر است .

(۹۳۲)

**شرح مخزن الاسرار**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده و پیوسته به **مخزن الاسرار** میباشد که بسال ۱۲٤۲ نوشته شده و معرفی آن در ص ۱۹۷ گذشت و ظاهراً این نسخه نیز بخط نویسندهٔ آن کتابست، از اواخر آن یك یا دو برگ افتاده و آخرین سطر کنونی نسخه که در شرح این بیت:

کاهن و شمشیر که در سنگ بود کورهٔ آهنگریم تنگ بود

میباشد، اینست:

« و آهن از سنگ برون آوردن **استحالت** دارد و اینجا مراد از آهن معانی بدیع است بطرز جدید بیشتر رعایت تناسب و کنایت و استعارات و تشبیه ».

خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۱۹۷ یاد کرده‌ایم.

(۱۱۰۸)

**شرح مخزن الاسرار**

این نسخه بخط نستعلیق بدخطی نوشته شده، برگهائی از میان آن افتاده و برگهای ننوشته بجای آنها گذارده شده و از آخرهم نا تمام میباشد ولی شرح ۱۱ بیت و نیم بیش از نسخهٔ پیشین دارد و انجام نسخه اینست:

« نیم تنی تاسر زانو که هست یعنی ازسبب زمین(زَمن ْظ)مرا تن نیمی است که نصف اسفل ازسر زانو بر نمیخیزد و بر سرآن ،

خصوصیات دیگر نسخه را درص٤٨٦ یاد کردهایم .

## شرح مخزن الاسرار

شارح درمقدمه این شرح خودرا محمد بن قوام بن رستم بن احمد بن محمود بدر خزانه بلخی معروف به **کرئی** معرفی کرده و گوید پیش ازاین بردو قسم اسکندرنامه حواشی نوشته وبرحسب خواهش دوستان برآن شده که مشکلات مخزن الاسرار را شرحی نگارد و بیست و چند نسخهٔ ازآنرا بدست آورده و از ۳۳۱۰ بیت این کتاب ۱۳۰۹ بیت راکه مشکل و درك معانی آنها بیشرح میسر نبود شرح و بسط داده است .

در کتب تذکره و سیرنامی از این شارح نیافتم ، **ریو** زمان او را قرن یازدهم احتمال داده ولی نگارنده تصور میکند که در اواخر قرن هشتم بشرح این کتاب پرداخته ودرمقدمه چندبیت ازبدیع الحکایه مغیث الدین هانسوی دارد و او را غواص نثر ونظم و درآنعصر بعلم و فضل بینظیر معرفی کرده ، بدبختانه نام این معاصر شارح راهم مفصلا در جائی نیافتم ، جزدر هفت اقلیم در ذیل **هانسی** گوید : «درجوارحصار واقعست ودرزمان سابق جائی بنام بوده ......
**مولانا مغیث** از شعرای مشهوراست اگرچه احوالش بنظرنیامده اماشعرش بسیار مطالعه افتاده این دو بیت از آنجمله است :

چاك کند گل بسی جیب بستان حسن چون نو گل گر کشد سربگریبان حسن
مائدهٔ لطف غیب شد چو بگیتی فراز جای نمکدان نشست لعل تو برخوان حسن» .

و از این تعبیر مؤلف هفت اقلیم نیز بدست می آید که مغیث هانسوی سالها پیش از تألیف آن کتاب (۱۰۰۲) زندگانی میکرده است .

ازطرز انشای کتاب آشکار میشود که در اواخرقرن هشتم تألیف شده وشارح برای شاهد برمدعی ، اشعاری ازشعرای پیش از این قرن چون سعدی و امیر خسروی و ظهیر فاریابی و سنائی و انوری و خاقانی و رشیدوطواط و کمال اصفهانی و سوزنی و ناصرخسرو و مولاناجال استامی و حمید قلندر و ضیاء نخشبی ، خواجکی کرئی و مولانا محمد ابوبکر نفیسی (نام این پنج نفراخیررا در تذکرهها نیافتم) استشهاد نموده وبقرینه اینکه از انیس العشاق شرف رامی

مثوقی بسال ۷۹۰ نقل نموده و در ذیل این بیت از مخزن :

کیست در ین دائرهٔ دیر پای کو لمن الملك زند جز خدای

گوید :

«این دائره اشارت بفلك است ودیرپای از سبب طول مدت خلقت آدمی گوید که آفرینش آسمان و زمین برقول حکمای اصحاب زیجات و صاحب کفایه یك‌لك وهشتاد هزار و صد ونودو شش سال است واین در سال سنه (۱)خمس و تسعین و سبعمائه من الهجرة بود و بر قول حکماء هندسی وهشت لك و نود و دوهزار و چهارصد و پنج سال است و فلك تاقیامت خواهد بود و بدین سبب دیرپای گفت و اگر قطع نظر از اضافت لفظ دائره کنند معنی آن باشد که دراین دائره دیر پای کیست ای خلود کراست یعنی جز خدای تعالی ملك کراست الخ » .

از این عبارات و طرز انشا و تاریخ نام‌برده استفاده میشودکه خود وی در این‌تاریخ (۷۹۰) مشغول‌بتألیف این کتاب بوده و نظر آقای وحید دستگردی هم از اظهار نظر درآخر مخزن‌الاسرارکه شرح بلخی در هشتصد تألیف شده همین تاریخ بوده وبنابر بیانی که بنگارنده نمودند دلیل دیگر ندارند و از نقل عبارات بالاگذشته از استفادهٔ تاریخ تألیف و طرز انشا ، در هند بودن شارح تأیید گردید .

این شرح درحدود هشتهزار (۸۰۰۰) بیت میباشد وشارح مصراع بسمله را برخلاف‌مشهور و همهٔ نسخه‌هائی که در دست ماست ، دومین مصراع‌تصور نموده و بهمین طرز بشرح پرداخته و گوید :

«درافتتاح کتاب تقدیم مصراع اول را ببسمله سبب آن بودکه بسم‌الله جار و مجرور است و در کلام عرب البته متعلق بفعلی باشد و آن فعل مذکور بوده یامقدر باشد الخ» .

و آغاز مقدمه اینست .

بسمله حمد وستایش مرهرفتاحی راکه فاتحهٔ کتاب اومفتاح خزائن‌غیب است و ثنای بیقیاس هرحکیمی را الخ .

درنگارش این شرح گذشته از مطالعهٔ خود نسخه به **هم ص ۲۸۶ م . س .**

---

(۱) در دو نسخهٔ این کتابخانه و نسخه آقای وحید دستگردی بهمین طرز سال و سنه هردو نگاشته شده .

کظ ص۴۰۸ ج ۲ (۱) ، فو ص۵۷۳ و فهرست نسخ فارسی انجمن آسیائی بنگال ص ۲۰۸ مجلد تاریخ و ادبیات مراجعه گردیده است .

۱۱۳۰

**شیرین و خسرو روح الامین** این نسخه بخط نستعلیق خوب بی تاریخ (ظاهراً در نیمهٔ اول قرن یازدهم) نگارش یافته، برگ نخستین گویا دارای سرلوحی بوده و آنرا بر داشته اند و تتمهٔ برگ را بر روی برگی دگر چسبانیده اند، همهٔ برگها باطلا و زنگار جدول کشی گردیده و عناوین باشنگرف نوشته شده ، در آغاز داستان (ص ۱۹) سرلوحی زیبا دارد و کنار دوصفحه ۱۹ و ۲۰ باطلا گل وبرگ هائی ترسیم شده ومقدمه ای را که خود شاعر مرکب از نظم و نثر براین کتاب نوشته داراست و آغاز آن اینست :

ای بسته بدست جود توقطب کمر
وای مکرمتت نهاده تا جش برسر
خواهم که کند زبان عریان امین
از مرحمتت جامهٔ شکری در بر

خطیب زبانرا بر منبر دهان عصای بیان بدست دادم و خود دریای الخ .

---

(۱) در کظ چاپ آستانه در ذیل مخزن الاسرار شروحی از آنرا ذکر نموده و درآخر آنها گوید :
و شرحهٔ بدالبلغی بالفارسی وراه بدر را انداخته و در چاپ فلوگل باراه ضبط شده و مسلماً مراد وی همین شرح است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۷۹ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۲۲ ۱/۲ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۰** .

## شیرین خسرو روح‌الامین اصفهانی

ناظم این کتاب **روح‌الامین** اصفهانی میباشد که در ص ۲۹۰ - ۲۹۳ معرفی گردید ، واین کتاب بنابربیان خود شاعر در این بیت ( ص ۵۰۰ نه ) :

«چو شد سالی دگر ذی‌الحجه مه نو سر آمد قصهٔ شیرین خسرو»

شیرین و خسرو نام دارد و از ابیات ص ۵۴۷ - ۵۴۸ **نه** ، استفاده میشود که بسال ۱۰۱۷ (۱) نظم این داستان را از او خواستار شده‌اند و بنابرآنچه نقل شد در ذیحجه سال ۱۰۱۸ بانجام رسیده ودرمقدمه ایکه بنظم ونثر خود شاعر براین کتاب نگاشته تقدیم گردیدن آن به محمد قلی قطب شاه پادشاه دکن تصریح گردیده ودر آغاز داستان نیز بمدح این پادشاه پرداخته است .

این منظومه درحدود هشتهزار (۸۰۰۰) بیت میباشد و بدین بیت آغاز شده :

خداوندا بعشقم راه بنمای دری بر رویم از تأیید بگشای

## ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳

**طریقت نامه**

و

**بخشی از دیوان عماد**

و

**همایون نامه**

این نسخه را بسال ۷۹۴ بخط نستعلیق عبدالحی بن محمدبن خلیل مشهور به **رضی قزوینی** (ص ۱۷۲ نه) نوشته و بنابر دو یادداشتی که بشت صفحهٔ نخستین و در صفحهٔ ۱۸۹ کنونی میباشد ، این نسخه شامل کلیات عماد فقیه بدین تفصیل بوده :

(۱) حاشیه ص ۲۹۰ - ۲۹۱ را نگاه کنید .

طریقت نامه، ده نامه، صحبت نامه، محبت‌نامه(۱)، صفانامه(۲)، فائدةالاخلاص، غزلیات، رباعیات، قصائد و مقطعات، لغز و معما، موعظه وتضمین.

ولی بدبختانه جز طریقت نامه (ص ۱ ـ ۱۴۸) و رباعیات و لغز و معما(۳) و یکقطعه درموعظه (۱۵۰ ـ ۱۷۵) وهمایون نامه (۱۷۶ ـ ۱۸۶) که یك مثنوی است و به شاه شجاع تقدیم گردیده در این نسخه کتابی از آنها اینك موجود نیست و ابیاتی از اول همایون نامه افتاده وبدین بیت شروع میگردد:

خرامان سروبستان رسالت    که مهرازنور او دارد خجالت

وانجام این مثنوی این بیت است:

فلك را سیر بروفق مرادش    ملك داعی دولت چون‌عمادش

گذشته ازیادداشت محتویات پیشین این‌نسخه، این‌جمله نیزپشت برگ نخستین بخط نویسندهٔ نسخه است:

---

(۱) در این دوجااین کتاب بدین نام ثبت گردیده و درفهرست کتابخانه آصفیه دکن(۱۴۸۸ـ۱۴۸۹ ج۲)بنام‌تحفة المحبین که بسال‌۷۰٤ انشا گردیده کتابی به عمادنقیه نسبت داده شده، احتمال دارد که همین محبت‌نامه باشد وبنابر آنچه در متن گفته میشود بایستی تاریخ انشاء آن بسال ۷٤۰ یاسال دیگر باشد چرا که ظاهراً عماد در سال ۷۰٤ بدنیا نیامده بوده است.

(۲) صفانامه برابرمخزن‌الاسرار میباشد و مونس‌الابرار لقب آنست، مندرجات ص ۳٦۳ این فهرست دیده شود.

(۳) رباعیاتی کهدر این نسخه میباشد ازرباعی ششم موجود در نسخه دیوان‌عماد (شمارهٔ ۱۰۳۰) این کتابخانه میباشد وبیش‌ازآن افتاده ونیزرباعی ۳۵و۸۷ آن‌نسخه نیزدراین نسخه نیست‌ویك رباعی کهنخستین رباعی‌ازنُه رباعی‌آخرنسخه میباشد در دیوان نیست و نیز ۳۵ بیت از لغز و معما در این نسخه میباشد که در نسخه نامبرده از دیوان عماد وجود ندارد.

« کتاب طریقت نامه من نتائج قریحة المولی الاعظم افضل المحققین شیخ عمادالدین فقیه طیب الله تعالی ثراه وجعل الجنة ماواه .

دراینجا ودرص ۱۷۳ و۱۸۷ و ۱۸۸ و۱۸۹ بیتهائی ازدیگران نگارش یافته و درص ۱۸۹ غزلی از کمال خجندی است ودر عنوان آن نگاشته شده : للشیخ مدالله ظلاله . ومطلع ومقطع غزل این دو بیت است :

سوخت بداغ غم چنان ، دل که نماند ازو نشان
پیش من آ ، دمی نشین ، آتش جان من نشان
بهر پری اگر کسی ، عطر بر آتش افکند
سوخت کمال عود جان ، ازهوس پری وشان.

جلد روغنی وسط گل وبرگ واطراف مذهب . کاغذ نباتی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۹۵ . صفحهای ۲۱ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۰۸۷۷** .

## طریقت نامه + بخشی از دیوان عماد + همایون نامه

نسخه نام برده بالا چنانکه گفتیم بخشی از کلیات عماد فقیه بوده و در ص ۳۶۰ ـ ۳۶۳ عماد و دیوان اورا معرفی کردهایم .

طریقت نامه که در تصوف میباشد بنا بر تصریح ناظم آن ( ص ۲۱ نه ) در چهل سالگی و درزمان امیر مبارزالدین محمد ( ۷۱۸ ـ ۷۶۵ ) موسس آل مظفر از روی مصباح الهدایه ( بنا برضبط در **کشف** از مؤلفات کمال الدین کاشانی میباشد ) بنظم آورده شده :

محمد خسرو غازی منصور — که باذا چشم بد از دولتش دور
چهل سالم بفضل ایزد چنان داشت — که از جان شد علاقم (کذا) هر که جان داشت
ز بهر نظم عقدی گوهرم داد — دلی روشن ضمیری انورم داد
چودارد با سخن جان آشنائی — ز یمن بخشش لطف خدائی
همی کرداین هوس در دل گذاری — که باقی ماند از من یادگاری

که دستوری بود ارباب دین را | انیسی خاطر خلوت نشین را
بنظم آرم کتابی بی تکلف | ز مصباح الهدایه در تصوف
بیابد گوهر درج سلف سفت | نه از تلقای نفس خویشتن گفت
کنم نقل از عوارف با تعرف | گزیده سیرت اهل تصوف
دراو ده باب و درهر باب ده فصل | که باشد جمله را هم فرع و هم اصل.

وفهرست ابواب ده گانه کتاب اینست :

**باب اول:** در آداب خورد و خوراك و معاشرت صوفی است ، **باب ۲** در معارف ، **۳** - در بعضی از اصطلاحات صوفیه ، **۴** - در مستحسنات متصوفه ، **۵** - دربیان علوم ، **٦** - دربیان اعتقادات صوفیه ازمبدء تا معاد ، **۷** - دربیان اخلاق ، **۸** - در اعمال و آداب واجبات از صوم و صلوة و غیره **۹** ، - در مقامات و **باب۱۰** - دراحوال و دراین باب از محبت ، شوق ، غیرت ،فرقت هیبت ، قبض وبسط ، فنا وبقا ، اتصال ووصیت بحث نموده وخاتمه‌ای درنصیحت به امیر مبارزالدین دارد و کتاب به این دو بیت که شامل نام کتاب و تاریخ تألیف میباشد خاتمه یافته :

طریقت نامه چون آمد بپایان | ز حق درخواستم تاریخی آسان
چو دل در شهریار ازمهر بستم | فتاد از غیب تاریخش بدستم

نگارنده تصور میکند مراد شاعر ازماده تاریخ ، کلمه « از مهر بستم » باشد که سال ۷۰۵ را میرساند و اگر تصور کنیم که مراد او اینست که کلمه **غیب** که بحساب جمل ۱۰۱۲ میشود **مهر** را که ۲٤۵ میشود کم کنیم ۷٦۷ میشود بنا براین باید گفت که آغاز نظم کتاب در زمان امیر مبارزالدین و انجام آن در زمان شاه شجاع بوده و این با تصریح ناظم بر سرعت درانجام کار منافات دارد وبهر حال طریقت نامه در حدود دو هزار و هفتصد و هفتاد (۲۷۷۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :

بنام آنکه جان را دانش آموخت | بنور عقل شمع دل برافروخت

رباعیات و لغز ومعما های این نسخه همانها است که در ذیل نسخهٔ دیوان عماد ( شمارهٔ ۱۰۳۰ ) موجود است با اضافه و نقصی که در ذیل نسخه گفته شد ،

**همایون نامه** - نیز مثنوی و از عماد میباشد و این نسخه که چند بیتی از آغاز آن افتاده در حدود دویست و ده ( ۲۱۰ ) بیت میباشد و در آن بمدح شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد پرداخته و آنها را نصیحت کرده و بیت شامل نام کتاب ( ص ۱۷۸ نه ) اینست :

چو شوخی کردم و دیوان نوشتم | همایون نامه را عنوان نوشتم.

**۱۱۲۴**

**عجائب الغرائب** این نسخه بخط یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته شده، همهٔ برگهای آن جابجا گردیده، برخی از ابیات آنرا محو کرده اند، برخی از برگها دارای سرسوره های مذهّب بوده، پاره‌ای از آنهارا بریده اند وبدین سبب ابیاتی از برگها هم بریده شده وباوضع بسیار بدی برگهارا وصّالی ومتن وحاشیه کرده اند،

چندبرگی که درآخر نسخه میباشدازاوائل کتاب وحواشی آنها باطلا گل وبرگ کشیده شده و همهٔ برگها جدول کشی گردیده و نسخه بدین دو بیت آغاز وختم میگردد :

قیروان راست مرغی آشفته — که نگردد بکارد او کشته
......................

چون بمالد بر آن دوچشم افعا — گردد از صنع ایزدی بینا

و این بخش موجود در حدود دوهزار و چهارصد ( ۲٤۰۰ ) بیت است .

جلد تیماجی . کاغذ خان بالغ . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۰۲ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۷ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۴۳** .

## عجائب الغرائب شیخ آذری

**آذری** تخلص نورالدین حمزة بن علی ملك (۱) طوسی بیهقی مشهور به

(۱) درتذکه مؤلف آن نزدیکترین تذکره نویسان به زمان مؤلف میباشد نام آذری حمزه وپدر وی علی ملك ثبت گردیده تذکرهٔ نویسان متأخر هم همین دو نام را برای پدروپسر نوشته‌اند، جز آذردر آر که علی ملك را عبدالملك کرده وهدایت هم در رن و ما اورا پیروی نموده ودر آغاز منتخب جواهر الاسرار چاپی مؤلف، آن ، علی حمزه بن علی ملك بن حسن طوسی معرفی گردیده و این نیزدرست نیست .

**شیخ آذری** میباشد که از شعرای معروف قرن نهم هجری بوده و دست ارادت به شیخ محی الدین طوسی غزالی داده و با وی بحج رفته و چون شیخ درحلب وفات نمود آذری به سید نعمت‌الله ولی‌دست داده وسی، چهل سال آخر عمررا بر سجادهٔ عبادت و فقر گذرانیده است.

پدرش خواجه علی ملك از سربداران بیهق و در اسفراین صاحب اختیار بوده و خود آذری بشعر و شاعری پرداخته و در سر داشته که ملك الشعرائی «شاهرخ بن امیرتیمور» را دریابد ولی نسیم نقراین گردرا از دل او بزدود ومناسبت تخلص وی‌به **آذری** اینست که در **آذرماه** بدین جهان آمده است.

باتفاق تذکره نویسان بسال ٨٦٦ جهانرا بدرود گفته و هشتاد و دو سال زندگانی کرده و در **تذ** قطعه ای درتاریخ وفات وی نقل گردیده وبیت تاریخ آن اینست:

چو او مانند خسرو بود در شعر      از آن تاریخ موتش گشت **خسرو**

آذری را مؤلفاتی است: ١ - سعی الصفا که در سفر مکه نوشته و شامل مناسک حج و تاریخ کعبه معظمه میباشد، ٢ - طغرای همایون، ٣ - جواهر الاسرارکه مشتمل برچهار باب و هربابی چندین فصل میباشد و درآن مطالب عرفانی واسرارحروف مقطعهٔ قرآن کریم وبیان احادیث نبوی ص‌ع و کلام مشایخ وشرح قصائد ومقطعات وغزلیات مشکلهٔ شعرا مندرج‌ومنتخبی‌ازآن بسال١٣٠٣ درتهران پیوسته **اشعة اللمعات** جامی وچند رسالهٔ دیگرچاپ گردیده است، ٤ - مرآت (١)، ٥ - بهمن‌نامه (٢)، ٦ - دیوان شعر، و٧ - عجائب‌الغرائب میباشد.

---

(١) درمآخذ نگارش این شرح کتابی بدین نام به آذری نسبت داده نشده ولی خود وی در این کتاب (برگ٤٢ نه) بدان تصریح نموده وگوید:

درکتاب نخست از مرآت      گفتم آنجا مراتب حضرات.

(٢) درمقدمه تاریخ فرشته بهمن نامه آذری طوسی یکی ازمآخذ نگارش‌آن کتاب معرفی گردیده ودرذیل‌شرح حال‌آذری گوید: «بهمن نامهٔ دکنی‌تاداستان سلطان‌همایون شاه بهمنی ازشیخ آذری است و بعده ملا نظیری وملا سامعی و دیگر شعرا تا انقراض دولت بهمنیه هرکدام که توفیق یافته اند داستان و حکایات شاهان دیگررا لاحق نموده و درسلک نظم کشیده ازملحقات بهمننامه شیخ آذری گردانیده اند بلکه بعضی بی‌انصافان برخی از ابیات خطبه‌را تغییر داده وتمام آن کتاب را بنام خود ساخته اند الخ»

دولتشاه سمرقندی نام این کتاب را « عجائب الغرائب » ثبت نموده ، آذر و هدایت ونائب الصدر مؤلف طق اورا پیروی کرده اند ، مؤلف جیب‌السیر نام آنرا « عجائب الدنیا » دانسته وحاجی خلیفه اورا تقلید نموده و مسلماً نام کتاب « عجائب الدنیا » نیست چرا که مکرر در این کتاب از آن نقل هائی شده و از آنهاست :

برگ ١٦ نه : علفی هست نام او قوهاست در کتاب عجائب الدنیاست .
« ٥٧ نه : هست اندر عجائب الدنیا سخنی نقل میکنم اینجا .
« ٧٠ نه : در کتاب عجائب الدنیا گفت درمصر هست نوع حصا .

از این اوراق باقی مانده کتاب که در دست نگارنده است نام کتاب بدست نیامدولی آذری تصریح نموده که اورانامی گذاردهوبجاست که چند بیت از اوائل (بیت پنجاهم) کتاب که اینک برگ ٦٤ نسخه میباشد در اینجا نقل گردد :

بعد حمد مفتح الابواب بشنو از من مقدمات کتاب
دو کتاب و نمونهٔ دو جهان این غرائب شد آن عجائب دان
چونکه عالم همه دوقسم آمد این یکی گنج و آن طلسم آمد
قسمت اصل آن مغیباتست وآنچه فرعست آن شهاداتست
هریك از اصل‌وفرع شدقسمی زان سبب کردمش جدا اسمی
اسم اول « غرائب الدنیا » اسم ثانی « عجائب الاعلا »
هرچه اندر غرائب الدنیاست وان همه در عجائب الاعلاست
آن غرائب همه اشاراتست وان عجائب همه عباراتست
باتو درغیبت و حضور سخن میکند لیک بی زبان و دهن
هرچه اندر کتاب این دنیاست تو یقین‌دان که آن کلام‌خداست

بنابر این اساس تألیف این کتاب دو کتاب « غرائب الدنیا » و « عجائب الاعلا » بوده ولی گذشته از این دو کتاب مؤلف از کتب دیگر مطالبی نقل نموده و تصریح بمأخذ خود کرده و ازآنها : عجائب الدنیا ، عجائب المخلوق، ربیع الابرار زمخشری ، سراج القلوب ، تحفة‌الغرائب ، تحفة‌العشاق و جواهر البرکات میباشد .

آذری در این کتاب عجائب و غرائب شهرها از چشمها و ساختمانها و حیوانات و پرندگان و غیر از اینهارا نقل نموده و پس از آن بیاناتی عرفانی کرده و برای نمونه و نشان دادن طرز کتاب این چند بیت را در اینجا می آوریم :

هست در فاریاب چشمهٔ آب علفی هست اندران گرداب
هر که در آب چشمه میخسبد آن علف محکم اندرو چسبد
خویشتن را بزور نتواند که از آن چشمه هیچ برهاند



نفس مائل بود بآب و علف همچو حیوانست غافل او زشرف
علف و آب و چشمها و هوا فایض آمد نفوس حیوان را
این علف جوع کرد آب وعطش تا ازین فیض وارهی خوشخوش

با جستجوی زیاد در این کتاب (جز در برگ ۳۶ نه) تخلص آذری را نیافتم و آن اینست:

جای رحمست ایخدای جهان بر فروماندگان این دوران
خاصه بر آذری بیچاره که فرو مانده است یکباره.

نسخهٔ کهنه ای از این کتاب ولی بنام «عجائب الدنیا» که ظاهراً دراواخر قرن نهم نگارش یافته در کتابخانه ملی ملك درتهران موجود وبدین بیت آغاز گردیده:

ابتدا میکنم بـه بسم الله کوست بر کل کائنات گواه.

شرح حال آذری در **تذ** ص ۳۹۸ـ۴۱۲، مجالس العشاق مجلس ۷۳، **حر** ج ۳ جزء ۳ ص ۱۷۳، مجالس المؤمنین، **هم** ص ۶۴۸ـ۶۵۱م. س، تاریخ فرشته ج ۱ ص ۶۲۷ـ۶۲۹، **کظ** ج ۲ ص ۱۰۷، **آر** ص ۸۸ ـ ۸۹، **رن** ص ۳۹، **ما** ج ۲ ص ۶ـ۷ و **طق** ج ۳ ص ۲۵ نگارش یافته ومراجعه شده و درمآخذ نام برده ابیاتی ازقصائد و غزلیات و قطعات وی نقل گردیده است.

## (۹۶۸)

**عشق نامه عراقی** این نسخه بسال ۸۵۸ درحاشیه ص ۱۵۲ـ۲۳۵ دیوان حافظ که درص ۲۵۴ ـ ۲۵۶ بمعرفی آن پرداخته ایم، نگارش یافته وبا اینکه یك یا چند برگ از میان آن افتاده در حدود یکهزار (۱۰۰۰) بیت میباشد و آغاز آن این بیت است:

هر که جان دارد وزبان دارد واجبست آنك وردجان دارد

وانجام نسخه این بیت است:

گرچه داری چومن هزار (م) هزار ختم گشت این سخن بدین گفتار

برخی ازابیات محو گردیده وخصوصیات دیگر نسخه درصفحات نامبردهٔ بالا نگارش یافته است.

## عشق نامهٔ عراقی

**عراقی** تخلص فخرالدین ، ابراهیم بن شهریار همدانیست ، در همدان بدین جهان آمده و در کوچکی قرآن کریم را در صندوق سینه حفظ نموده و در هفده سالگی در یکی از مدارس مولد خویش بتدریس اشتغال داشته ، دست ارادات بشیخ شهاب‌الدین سهروردی داده ، برای‌وصول بمراتب کمال ازطرف مراد مأمور رفتن بهند گردیده ودر تحت تربیت شیخ بهاءالدین زکریاء مولتانی در آمده سالها بدین منوال گذرانید وبکمال مطلوب رسیده و شیخ دختر خود را بدو داده وپسری ازوی بظهوررسید اورا **کبیرالدین** نام نهاد و خود وی مقام خلافت ملتانی را یافت وپس ازآن بعراق برگشت هنوز به بغداد نرسیده بود که سهروردی بجایگاه ابدی خویش رفته ، تربت او را زیارت نموده بشام و روم رفت وچندی درآنجا گذرانید و مدتی هم به مصر رهسپار گردیده‌ودوباره بشام‌آمده و درهشتاد و دوسالگی بسال ۶۸۸ بنابر ضبط بیشتر تذکره‌نویسان و بسال ۷۰۷ بنابر نقل امین احمد رازی و یا بسال ۷۰۹ بنابر آنچه در تذ نگارش یافته ، جانرا بجان آفرین تسلیم و در جوار قبر قطب العارفین شیخ محی‌الدین عربی آسود .

عراقی مظاهر جمال حق رابسیار دوست میداشت و از دیدارآنهاخودداری نداشت وازبد نامی‌آنهم پروائی ، نه و داستانهای عاشقی ودلباختگی های‌وی در بیشتر از تذکره ها ثبت است .

هنگامیکه در شام بود بحلقهٔ درس نصوص‌الحکم حضرت صدرالدین‌قونوی درآمده و خلاصهٔ مطالب و بیانات استاد را در لمعه هائی چند (بیست لمعه) که بدین سبب بنام « **لمعات** » مشهور گردیده جمع وبنظر استاد رسانیده وبراثر قدرت و توانائی در بیان مراد ، مورد شفقت استاد گردید و گذشته از دیوان

شعر که بعراقی نسبت داده اند مؤلفاتی مرغوب در تصوف نسبت داده شده و یکی ازمؤلفات ومنشآت وی همین« عشق‌نامه »است .

عراقی « عشق‌نامه » را در توصیف عشق و عاشق و مراتب عرفان ویقین در ده فصل با مقدمه و خاتمه ای بوزن مثنوی با اشتمال برغزل هائی انشا وبه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان اهدا نموده وهدایت در رن ابیاتی از این کتاب رابعنوان نقل از«ده فصل»آورده ودرخود کتاب نام«عشق‌نامه» یا «ده فصل» بر آن گذارده نشده ولی گذشته ازاینکه همه فصول درموضوع عشق میباشد وحتی آغاز بنام عشق گردیده ، در آغاز و انجام نسخهٔ کهن سال این کتابخانه بدین نام‌نامیده شده ولی در هیچیك ازمأخذ جز رن و تذ نامی یا اشاره ای بدین مؤلفه نیست و در کظ بهیچیك از این دو نام ، نامبرده نشده است .

شرح حال‌عراقی در نس ، تذ ص ٢١٥-٢١٨ ، حر ج ٣ جز ٢ ص٠٣ ٤ هم‌ص٨٢٧-٨٣١م. س،آرص٢٧١،رن‌ص١٠٥-١٠٧، ماج١ ص٣٣٩-٣٤٠ ، طق ج ٢ ص٢٠٨ و تذ ص٣٨٥ نگارش یافته ومراجعه‌شده است .

## ١١٢٥

**فتح و ظفر** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ، از طرز نگارش احتمال میدهم که خط خود شاعر باشد ، ونگارش آن بسال ١٣٠٢ که نیزسال انشاء کتاب میباشد بوده است

پیش‌ازشروع بنگارش کتاب مختصری ازشرح حال ناظم ونام پانزده مؤلفهٔ اوبرده‌شده ونیز پیداست که این بخش نیزانشاء ناظم کتابست ، مقدمهٔ کتاب که بنثر فصیح مؤلف میباشد درص٣-٢٢ نسخه است .

جلد مقوائی .کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ٧٧ . صفحه‌ای

۱۵ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۰۳۲** .

## فتح و ظفر شیبانی

**شیبانی** تخلص ابونصر، فتح الله بن محمد کاظم شیبانی کاشانی است که از دانشمندان وشعرا و عرفای قرن سیزدهم هجری بوده، در دورهٔ سلطنت قاجار پدران وی حکومت کاشان وعراق و وزارت شاهزادگانرا دارا بوده‌اند وخود وی سرگذشت هائی که متناسب به اهل فضل ودانش میباشد داشته ، برخی از آنها را در مقدمه این کتاب ( فتح و ظفر ) نگاشته ، در انشاء نثر ونظم بسی توانا بوده ومؤلفاتی چند بیادگار گذاشته از آنها : ۱ ـ نواکه السحر ، ۲ ـ مقالات سه گانه ، ۳ ـ خطاب فرخ ، ۴ ـ جواهر مخزون ، ۵ ـ لالی مکنون ، ۶ ـ تنگ شکر ، ۷ ـ مسعودنامه ، ۸ ـ درج گهر ، ۹ ـ گنج گهر ، ۱۰ ـ کامرانیه ، ۱۱ ـ یوسفیه ، ۱۲ ـ زبدة الاثار ، ۱۳ ـ مطایبات ، ۱۴ ـ دیوان اشعار متفرقه ، ۱۵ ـ فتح و ظفر ، ۱۶ ـ نصائح منظومه ، ۱۷ ـ عنوان بیانات و ۱۸ ـ شرف الملوك میباشد و بر حسب خواست میرزا رضا خان معین الوزاره قنسول تفلیس بسال ۱۳۰۷ خود شاعر ازآثار خویش انتخابی نموده ومرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیف ها کرده و با تذکر باینکه این اشعار از کدام کتاب شاعر میباشد بسال ۱۳۰۷ به تفلیس گسیل داشته و دو قصیده در این باب انشا نموده و در آغاز این منتخب بسال ۱۳۰۸ـ۱۳۰۹ در اسلامبول چاپ گردیده است .

ویکی از آثار شیبانی مقدمهٔ مظهر العجائب شیخ عطار میباشد که بسال ۱۳۲۳ پیش از آن کتاب چاپ کرده است .

**شیبانی** در شصت و هشت سالگی بسال ۱۳۰۸ در ماه رجب در تهران جهانرا بدرود گفته و در خانقاهی که خود وی درخارج این شهر بنانموده واینك جزء شهر ودر خیابان پهلوی نزدیك به دروازهٔ قزوین در کوچه شیبانی میباشد، بخاك سپرده شد .

**فتح و ظفر** کتابی است مشتمل بر قصائد و قطعاتی که **شیبانی** در مدح مظفر الدین شاه در هنگام ولیعهدی سروده و برای معرفی خویش و جلب نظر این شاهزاده و ولیعهد با مقدمهٔ نثری مفصل و خاتمه‌ای به نظم در شرح حال خویش بسال ۱۳۰۲ در یکجا خود شاعر گرد آورده و بدان دربار فرستاد و آنرا وسیلهٔ دادخواهی قرارداده که شاید بدینوسیله آنچه رازورمندان ازوی گرفته‌اند

پس گیرد و پیش از برخی از قصیدهها مطالبی بنثرفصیح درمعرفی از موضوع آن نگاشته و برخی از قصائد را فقط تا تخلص بمدیح نقل نموده و باقی آنرا نیاورده است و این کتاب درحدود دوهزاردویست ( ۲۲۰۰ ) بیت میباشد .

این چند سطر را از نثروی که برای لوح مزار و قبر خویش نگاشته و در آخر مقدمهٔ منتخب آثار او چاپ گردیده برای نشان دادن نثر وی در اینجا میآوریم :

ای آنکسان که بدین خانقاههمی آئید، ورویدء درحیات وممات برین پیرشکستهٔ مظلوم رحمت وبر ظالمانلعنت فرستید و از حضرت عزت برای او طلب مغفرت نمائید که او بندهٔ خدای جلّ شانه ودوستدار محمد و آل او علیهمالسلام و تابع احکام علمای شریعت و خادم اولیای طریقت و فانی در محبت اهل حقیقت بودو بی‌سببی بر او ظلمها و ستمها کردند وسیعلموا الذین‌ظلموا ای منقلب‌ینقلبون .

آغازمقدمه : بسمله‌علی‌عالی‌اعلی داناتر است وهمهٔ علما و خردمندان‌نیزدانند که نه ممکن از واجب خبری دارد الخ .

آغاز قصائد :

ای رهانندهٔ همه از آتش و از آبها کشتی‌ماچند خواهدماند در گردابها.

شرح حال شیبانی و نمونه ای از اشعار او در ما ج ۲ ص ۲۲۴-۲۴۵ ، المآثر و الآثار ص ۲۰۴ ، مقدمهٔ منتخب آثار او ، مقدمهٔ فتح و ظفر ، مقدمهٔ مظهر العجائب عطار وطاق ج ۳ ص ۱۹۶ نگارش یافته ومراجعه شده است .

( ۹۱۰ )

فراق نامه سلمان

این نسخه ظاهراً بسال ۱۰۰۵ نوشته شده و پیوسته‌به کتابهای دیگری‌است ،خصوصیات نسخه‌را درص ۱۶۸-۱۶۹ نگاشته‌ام به آنجا نگاه کنید.

# فراق نامهٔ سلمان ساوجی

**سلمان ساوجی** را درص ۱۶۹-۱۷۱ معرفی کرده ایم ونیز دیوان او در ص۳۰۰-۳۰۱ شناسانده شد ، بنا برتصریح درآغاز، این کتاب را برحسب امرپادشاه عصرخویش سلطان اویس (۷۵۷-۷۷۶) ایلکانی برشته نظم کشیده ، نگارنده دراین‌مثنوی‌تصریح‌باسم «فراقنامه» برای‌این کتاب‌نیافت ولی‌مورخین آنرا بدین نام خوانده اند و خود سلمان پیش ازشروع وآغاز داستان گوید :

شبی بنده را شاه پیروز بخت　　طلب کرد و بنشاند در پای تخت

.........................

ز من نامهٔ خواست اندر فراق　　که این نامه باشد سراسر فراق

به‌بین[بدین]نظم‌طرزی‌روان‌ازنوی　　بیارای در کسوت مثنوی

و شمارهٔ ابیات این کتاب ( موافق نسخهٔ این کتابخانه ) یکهزار و یکصدو یازده(۱۱۱۱)میباشد وتاریخ انشاء آن اگرچه درخود کتاب تصریح نگردیده ولی بنابر دلیلی که درص ۱۷۰-۱۷۱ نگاشته ام وتأیید بیت اخیر که در اینجا نقل شده این کتاب نخستین مثنوی انشائی سلمان میباشد و بسال ۷۵۳ که شاعر شصت و یکسال داشته برشته نظم کشیده شده وچون میدانیم که سلطان اویس بسال ۷۵۷ بسلطنت نشسته باید گفت که در هنگام ولیعهدی این کار را از شاعر خواسته و این ابیات هم که در آغاز کتاب در مدح اوست برین ادعا گواهی است :

گر از کوه پرسی که دربحر و بر　　که زیبد که بندد بشاهی کمر

بلفظ صدا پاسخ آید بکوه　　که سلطان اویس آسمان شکوه

الا ای جهاندار فیروز بخت　　سزاوار شاهی و دیبا و تخت .

در **تل** (ص ۵۵۳ ) تألیف وانشاء « فراقنامه » درحدود سال ۷۷۰ معین شده ولی با قرائن نام برده درست نمیآید .

این کتاب تاکنون چاپ نشده و آغاز و انجام آن این دو بیت است :

**آغاز :** بنام خدائی که با تیره خاک　　بر آمیخت این جوهر جان پاک

**انجام :** بمرنان معروف وسیرسری (۱)　　که پایان کارم بخیر آوری .

---

(۱) معروف کرخی عارف معروفی است که بسال ۲۰۰ یا ۲۰۱ یا ۲۰۴ وفات یافته ومقام دربانی حضرت‌علی بن‌موسی‌الرضاسلام‌الله علیه وعلی‌آبائه الطاهرین را داشته و بسیاری از طبقات صوفیه سلسله خود را بآنجناب میرسانند

بقیه حاشیه درصفحه ۵۲۲

۱۱۳۶

**فرهاد و شیرین صابر**

این نسخه را بخط نستعلیق خوب سرایندهٔ آن بسال ۱۲۷۷ نوشته و درپایان صفحهٔ ۲۱ بدان تصریح نموده وپس ازاتمام ایندا‌ستان نیز غزلیاتی چند از **جامی** (عبد الرحمن) نگاشته و ص ۲۲ ـ ۳٤ نسخه اختصاص به این ضمیمه دارد ، بر ورقیکه پیش از برگ نخستین‌نسخه میباشدنویسنده‌ای گویندهٔاین‌داستان‌را صابربن‌وصال معرفی کرده‌ومسلماًغلط‌است وبدین‌نام‌وتخلص‌وصال(میرزا کوچك) پسری نداشته .

طرف درون جلد صفحهٔ نقاشی بسیار ظریفی که گل و بلبل و پروانه‌را بر آن ترسیم نموده‌اند چسبانیده شده و درذیل آن نوشته: این مرغ زدست داوری پریده است ۱۲۸۱ . وداوری پسروصال‌است و بسال ۱۲۸٤ جهانرا بدرود گفته و در آثار عجم (ص۳۵۹) است که از نقاشی نصیبی داشته .

بقرینه ای تصور میکنم که خود شاعر صفحهٔ نخستین نسخه را

---

بقیه حاشیه ازصفحه ۵۲۱

(ص ۱۲۸ـ۱٦۵ج۲ طق) و سرّی نیز از عرفاست و خرقه را از معروف گرفته و خدمت حضرت امام جواد (محمد بن علی) امام نهم شیعه علیه السلام مشرف گردیده و از این جهت معروف به « سرّی سقطی » شده‌که در اوائل جوانی در بغداد سقط فروشی‌میکرده و وفات اورا میان سال ۲۵۱ ـ ۲۵۷ نوشته اند (ص ۱٦٦ـ۱۷۳ج ۲ طق).

تجدید نموده وسه بیت بر آنچه در آغاز بوده افزوده است .
جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۱۸ . صفحه ای ۱۵ بیت . طول ۲۰ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۹۱** .

## فرهاد و شیرین صابر

**صابر** تخلص آقا مهدی ( محمد مهدی ) شیرازی است که از شعرای نیمهٔ دوم قرن سیزدهم هجری بوده و معاصرین وی در **فا** ک ۲ ص ۱۳۰ و آثار عجم ص ۵۶۰ و **طق** ج ۳ ص ۱۱۲ اورا نامبرده اند ودر **فا** غزلی بدین مطلع :

آنکه دل برده ز من آفت جان خواهد شد .
آفت جان من این جان جهان خواهد شد

از او نقل گردیده ودر دو مؤلفهٔ دیگر فقط دو بیت اول این غزل نقل شده وهمه گویند، بسال هزار و دویست و هشتاد واند وفات یافته و دیوانی داشته است ولی از این مثنوی وی چیزی ننگاشته‌اند .

در پایان این مثنوی این عبارت نگارش یافته : حرره فی شهر محرم الحرام سنة سبعا (کذا) و سبعین و مائتین بعد الالف (کذا) راقمه قائله صابر غفر له

بنابراین جای شك نمیماند که این داستان ومثنوی از صابر تخلصی است که در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم زندگانی مینموده و در تذکره ها جز آقامهدی یا محمد مهدی شیرازی بدین تخلص شاعری را نیافتم .

در آغاز و انجام این کتاب تذکر داده که **وحشی** این داستان را نا تمام گذارده و بسرای دیگر شتافت، **وصال** به اتمام آن پرداخت ، وی نیز موفق باتمام داستان نشد ، من بر آن شدم که آنرا بپایان آورم .

ما در اینجا چندبیت که داستان بدان آغاز وانجام یافته ودراین معنی سروده شده برای نشان دادن نمونه‌ای از زادگان طبع این شاعر میآوریم :

بنام خالق پیدا و پنهان — که پیدا و نهان داند بیکسان
در گنج سخن را میکنم باز — جهان پر سازم از در های ممتاز
حدیثی را که وحشی کرده عنوان — وصالش تیز ناورده به پایان
بتوفیق خداوند یگانه — بپایان آرم آن شیرین فسانه
که کس انجام آن نشنید از کس — که در ضمن سخن گفتندشان بس
..........................
خمش کن صابرا زین گفت پر پیچ — که دنیا نیست غیر از هیچ در هیچ

زبان زین گفتگو بر بند یکچند / که طوطی از زبان ماند است دربند
وصال و وحشی این افسانه خواندند / بپایان نامده دامان فشاندند
تو هم رمزی ازین افسانه گفتی / که اندر خواب دیدی یا شنفتی
جهان گوئی همه خواب وخیال است / خیال و خواب اگرنبودچه‌حال است
دلم از معنی این فال خونست / که در آخر ندانم حال چونست
بود خواب و خیال این خواری ما / پس از مردن بود بیداری ما .

در ذیل کلیات وحشی فرهاد و شیرین او را معرفی خواهیم نمود واین‌بخش که صابر انشا نموده سیصد و شش ( ۳۰۶ ) بیت میباشد و تا کنون چاپ نگردیده است .

## ۱۱۳۷

**فوائد علائیه یا شرح وتخمیس قصیده برده**

این نسخه را بخط نستعلیق و نسخ برهان عبدالله برهان مؤذن بسال ۸۸۲ برای خویشتن نوشته ، عناوین مطالب و ابیات قصیده با شنگرف نگاشته شده ، نویسندهٔ دیگری در حاشیهٔ صفحات در مقابل هر یك از ابیات قصیده بیتی بفارسی در ترجمهٔ آن نوشته و در حاشیهٔ ص ٤٦٣ تاریخ این نگارش بسال ۸۹۲ ضبط گردیده بنابر آنچه درزیراین سطرها خواهیم نگاشت این‌نسخه شامل سه ترجمهٔ نظمی از قصیده برده است .

پشت صفحهٔ نخستین چند رباعی و پشت آخرین صفحه غزلی در همان قرن نهم نگارش یافته و مطلع غزل اینست :

آن شب قدری که عقد زلف جانان بسته شد
هر سر موئی از آن بر رشتهٔ جان بسته شد

و در پایان آخرین صفحه جمال الدّین بن قاسم طباطبا تملک خویش را یادداشت کرده است .

برگهائی از میان ص ۱۷ـ۱۸ کنونی نسخه افتاده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۲۲٤ . صفحه ای ۱۵ سطر . طول ۱۹ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۵۰ .

## فوائد علائیه یا شرح و تخمیس قصیدهٔ برده .

قصیده برده که بنام « الکواکب الدریه فی مدح خیرالبریه » نامیده شده از مشاهیر قصائد عربی و ۱۶۲ یا ۱۶۰ بیت است و ناظم آن شرف الدین ابوعبد الله محمد بن سعید بوصیری الدولاصی (۶۰۸ـ۶۹۶) (۱) میباشد که مشهور به **بوصیری** است و قصائد متعدد در مدح حضرت پیغمبر ص ع انشا نموده و گویند در هنگامیکه دچار به فلج گردیده بود بوسیلهٔ این قصیده به آنحضرت ص ع توسل جست و پس از اتمام در خواب بزیارت آنجناب نائل گردید و بردی بدست مبارك بر او انداختند و شفا یافته از خواب بیدار گشت لذا مشهور به « قصیدهٔ برده » گشته است .

دانشمندان بسیار بشرح این قصیده و ترجمهٔ آن بفارسی و تخمیس آن پرداخته اند و در ص ۲۲۵ـ۲۲۹ ج ۲ **کظ** در حدود شصت شرح و ترجمه و تخمیس این قصیده ، معرفی گردیده ولی این شرح را یاد ننموده است .

متن قصیده مکرراً و برخی از شروح آن چاپ گردیده و در **مت** نام برده شده اند .

این شرح را بنابر تصریح در مقدمه ، محمد بن نصیر خبیصی مشهور به **شمس امام**

---

(۱) بوصیر چنانکه در معجم البدان ( ص ۷۶۰ ج ۱ ) ثبت گردیده نام یکی از دهکده های مصر میباشد و دلاص نیز در ص ۵۸۱ ج ۲ همان کتاب یکی از شهر های کوچك مصر ودرطرف غربی رود نیل معرفی گردیده ودر **مت** ( ص ۶۰۳ـ۶۰۵ ) که این دانشمند معرفی گردیده ، نگارش یافته که یکی از پدر و مادر وی از بوصیر و دیگری ازدلاص بوده و برای اینکه اورا بهردونسبت بخوانند اورا **دولاصی** گفتند . و در مقدمهٔ این شرح « فوائد علائیه » پس از **دلاصی** کلمة الدمشقی گذارده شده است .

بنام خواجه علاء الدین حسن پسر خواجه ضیاء الدین هبة الله که از وزراء عصر وی بوده تألیف و بدین مناسبت آنرا «فوائد علائیه» نامیده است.

در مآخذیکه در دست نگارنده است بنام و شرح حال مؤلف و ممدوحین وی دست نیافتم بقرینه اینکه از شرح یزدی که ظاهراً از شرف الدین علی یزدی متوفی بسال ۸۵۸ میباشد که در کظ هم نام برده شده و اینکه تاریخ نگارش نسخهٔ این کتابخانه سال ۸۸۲ است، معلوم میشودکه شارح در نیمهٔ دوم قرن نهم هجری زندگانی میکرده است.

طرز این شرح آنست که پس از مقدمه ایکه در حمد و ثنا و مدح وزیر و وزیرزاده و تسمیه کتاب و طرز آن نگارش یافته یك یك از ابیات قصیده را ذکر نموده، اول بترجمهٔ یك یك لغات آن پرداخته و ۲ - بیت را نیز به فارسی ترجمه کرده، ۳ - حاصل معنی آنرا بیان نموده، ۴ - ترجمهٔ به نظم فارسی، ۵ - تحلیل و ترکیب کلمات بیت با تذکر قواعد صرفی ونحوی و ۶ - تخمیس قصیده برده بعربی است.

در مقدمهٔ کتاب که طرز شرح را معرفی کرده گوید: زیرهر بیت به هفت عنوان آنرا شرح نموده ام و شش عنوان آن همین شش است که بالای این سطر نام برده ایم و پس از تخمیس قصیده گوید هفتم مجاوبه و در این نسخهٔ از شرح، زیر این عنوان مطالبی یاد نگردیده وچون مخمس تمام گردیده بیت بعد را ذکر کرده و بهمان نحو بیت پیشین بشرح و بسط پرداخته است.

شارح در این کتاب از شرح سمرقندی براین قصیده نام برده و نقل نموده و این شرح نیز در کظ نام برده نشده و تمام این شرح «فوائد علائیه» در حدود سه هزار و پانصد (۳۵۰۰) بیت است.

زیر خصوصیات نسخه گفتیم که این نسخه شامل سه ترجمهٔ نظمی از قصیدهٔ برده میباشد یکی از شارح و دیگری که در حاشیهٔ صفحات در مقابل هر بیت از قصیده نگارش یافته و سیّم نیز در حاشیه در مقابل ترجمهٔ نظمی که شارح کرده است و ما ترجمهٔ مطلع قصیده را بترتیب نام برده با بیت اصل قصیده در اینجا می آوریم:

أمِنْ تذكُّرِ جيرانٍ بذي سَلَمِ — مَزَجْتَ دَمْعاً جَرَى مِنْ مُقْلَةٍ بِدَمِ

ای زیاد صحبت یاران اندرذی سلم — اشك چشم آمیختی باخون روان گشته بهم.

آیا زیاد کردن یاران ذی سلم — آمیختی تو اشك زدیده روان بدم.

ای زیاد دلبر رعنا مقیم ذی سلم — دربرخورمی نشانی آن عقیق مثل دم.

۱۱۲۸

**فیض السعاده** این نسخه بخط نسخ و ظاهراً بخامهٔ مؤلف آن (فیاض عراقی) نگارش یافته، تاریخ نگارش در ض ۱۷۹ بدین طرز: «۱۳۸» و در ص ۷۲۴ بدینگونه: «۱۳۶» نگاشته شده و مسلماً مراد سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ هـ. ق میباشد که برسم پیشینیان صفر مرتبهٔ عشرات آنها گذارده نشده، و این نسخه در حدود هشتهزار (۸۰۰۰) بیت میباشد.

در میان نسخه برگهای ننوشته ای گذارده شده و نسخه بدین بیت آغاز گردیده است:

ای صراط المستقیم شهر قم    کازتو دور افتادگان گشتند گم.

در حاشیهٔ بیشتر برگها ترجمهٔ لغات مستعملهٔ در اشعار وحواشی سودمند بخط نویسندهٔ متن نگارش یافته است.

جلد مقوا عطف وگوشه تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۴۱۸. صفحه ای ۱۰ بیت. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۸ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۴۹۰۸**.

فیض السعاده

**فیاض وفیاض عراقی** تخلص شاعریست محمدطاهر نام که بنابر مندرجات این کتاب درشهرقم ساکن بوده واز مداحین میرزا علی اصغرخان امین السلطان کشته شده بسال ۱۳۲۰ وبانی صحن نوحضرت معصومه ع درقم، میباشد وچنانکه خود تصریح نموده چندی بگردش جهان اشتغال داشته وسپس درقم ساکن گردیده است.

در کتب سیر بنام وآثار وی دست نیافتم این کتاب که بنابرنگارش نویسندهٔ نسخه در آغاز و درص ۱۷۹ فیض السعاده نام دارد، ومشتمل بر دومجلد میباشد

و عبارتست از مثنویاتی در موضوعات اخلاقی و اندرز ها و حکایات و مراثی شهداء کربلاء علیهم السلام ونیز چند قصیده (ص۷۱۳-۷۰۱) در این کتاب میباشد و یکی از ابیات شامل تخلص اینست :

کامران گردی زبخت خویش کز الطاف تو
بندهٔ فیاض عراقی کامران آید همی .

## ۱۱۲۹

**قران سعدین** این نسخه بخط نستعلیق بسیار زیبانگارش یافته ، برگ آخر که شامل دوازده بیت بوده برداشته شده ظاهراً ازخطوط رشیدا (عبدالرشید) نستعلیق نویس معروف میباشد که خواهرزادهٔ میرعماد بوده و در کشمیر بسال ۱۰۴۸ وفات یافته است .

برگ نخستین ودومین نسخه شکسته شده ونیازمند وصالی است ، همهٔ برگها متن وحاشیه گردیده و حواشی هریك بطرزی مخصوص باطلا و سفیداب نقاشی گل و برگ وحیوانات و طیور گردیده ، یادداشتی پشت صفحهٔ نخستین ومهر اسمی درپایان آخرین صفحهٔ کنونی بوده محو گردیده ویادداشتی که چند کلمهٔ آنرا نیزمحو کرده اند بسال ۱۳۰۴ بر ورقیکه پیش از نسخه میباشد نگارش یافته است .

جلد ساغری مستعمل . کاغذ خان بالغ . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۱۵۹ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۴۹۴۵ .

## قران سعدین

امیر خسرو دهلوی **خسرو** تخلص که درص ۱۸۷-۱۹۰ معرفی گردیده، این مثنوی راکه نیز بروزن مخزن الاسرار نظامی و درشرح ملاقات ومباحثات معز الدین کیقباد (۶۸۶-۶۸۹) با پدرش ناصرالدین بغرا خان پادشاه بنگاله (۶۸۱-۶۹۱) میباشد، دردهلی انشا نموده و چنانکه خود وی گوید بفرمان پادشاه این کار انجام یافته:

«گفت چنان بایدم ای سحر سنج — کز پی من روی نه پیچی ز رنج
جسم سخن را بهنر جان دهی — شرح ملاقات دو سلطان دهی
نظم کنی جمله بسحر زبان — قصهٔ من با پدر مهربان»

و در تاریخ اتمام و مدت نظم و سنین عمر خود در آن هنگام و نام این مثنوی گوید:

«ساخته گشت از روش خامهٔ — از پس شش(۱) ماه چنین نامهٔ
در رمضان(۲)شد بسعادت تمام — یافت قران نامهٔ سعدین نام(۳)
آنچه بتاریخ ز هجرت گذشت — بود سنهٔ ششصدو هشتادو هشت
سال من آن روز اگر بر رسی — راست بگویم همه شش بودوسی

........................

و شمارهٔ ابیات کتاب را خود وی چنین گفته:

ور ز جمل باز گشائی شمار — نهصد و چار و چهل و سه هزار

ومندرجات این کتاب پس از حمد الهی ونعت پیغمبر ص ع وبیان معراج آنحضرت

---

(۱) در نسخهٔ این کتابخانه: «از پس سه ماه چنین نامهٔ» است ولی درنسخه م. س. شش ماه نوشته شده وچون آن نسخهٔ کهن، بسال ۸۸۴ نوشته شده اصل قرار داده شد.

(۲) در پایان نسخه م. س تاریخ انجام چنین است:

گشت تمام این کتب نامور — از مه شعبان شده رابع عشر
ور تو ز تاریخ بپرسیم حال — ششصد و دوچار وچهل بود سال

(۳) در اینجا و پس از بیتی که شمارهٔ ابیات کتاب رآ معین می نماید نام کتاب بدین گونه، یاد شده و در آغاز نسخهٔ این کتابخانه این دو بیت است:

شکر گویم که بتوفیق خداوند جهان — بر سر نامهٔ توحید نوشتم عنوان
نام این نامهٔ والاست قران السعدین — کز بلندیش بسعدین سپهرست قران.

و مدح پادشاه و تعریف چتر و تخت وی و وصف شهر دهلی ومسجد جامع ومناره وحوض آنجا عبارتست ازبیان داستان منازعه پدر باپسر وتمام مذاکرات و بیانات و مباحثاتیکه میان این دو پادشاه دست داده و انجام این گفتگو را که بمجرد اینکه پدر و پسر رو برو گردیدند همه نزاعها از میان برخاست و یکدگررا درآغوش گرفتند وپدر پسررا برتخت نشانیده و خود برپا ایستاد، باکمال قدرت ادبی انشا نموده و این ابیات در این موضوع از آنجاست :

چون پدر از جانب فرزند خویش — شرط ادب دید ز اندازه بیش
گفت که یك آرزویم در دلست — منة لله که کنون حاصل است
آنکه بدست خودم ای نیك بخت — دست بگیرم بنشانم به تخت
زانکه بغیبت چو شدی بر سریر — من نه بدم تا شومت دستگیر
گرچه تو محتاج نبودی بمن — کافسر ملکی بسر خویشتن
با پسر آن نکته چو لختی براند — دست گرفت و بسریرش نشاند
خود بنعال آمد و بر بست دست — ماند ازآن کار عجب هر که هست.

قران سعدین بگفته ریو بسال ۱۲۵۹ در لکناهور و بسال ۱۲۶۱ با شرح مولوی قدرت احمد دو باره چاپ گردیده ودر فهرست آصفیه نسخهٔ دیگری که بسال ۱۳۳۳ چاپ شده نشان داده شده است وبنابرنگارش مؤلف همن (ص ۷۰ - ۷۴) نور الحق ابن شیخ عبد الحق قران سعدین را بنام «نورالعین» شرح نموده ونسخهٔ ناقصی ازآن در کتابخانه دهلی موجوداست.

**آغاز:** حمد خداوند سرایم نخست — تا شود این نامه زنامش درست .

## ۱۱۳۰

**قصائد مصنوع وبدیعی** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، نویسنده از خود وسال نگارش نامی نبرده ولی ازقرائن آشکار است که دراوائل نیمهٔ دوم قرن یازدهم نگاشته شده است .

مندرجات این نسخه بترتیب عبارتند :

۱ ـ قصیده مصنوع حافظ علی بن نور که در مدح شاه اسمعیل اول صفوی است، مقدمهٔ نثری و قطعه هائی که از توشیح وحشو مضارع اولی و اخری وحشو مضارع مستخرجات این قصیده حاصل میگردد و در مدح این پادشاه میباشد پیش از قصیده گذارده شده (بر گ ۱ ـ ۱۸)، ۲ ـ قصیدهٔ حافظ علی بن نور درصنایع بدیعیه که آنرا بنام «ممتاز البدایع» نامیده و نیز مقدمه‌ای بنثر دارد (بر گ ۱۸ ـ ۳۱)، ۳ ـ قطعه ایست مصنوع که دارای مقدمهٔ نثری میباشد که ظاهراً در وصف شیخ مجدالدین نام انشا شده و نام شاعر آن درمقدمه و خود قطعه نیست و شاید که از صاحب قصیدهٔ پیشین باشد (بر گ ۳۲ ـ ۳۳)، ۴ ـ قصیده مصنوع ایست که حافظ علی بن نور درمدح سلطان حسین گورکان انشا نموده ومقدمه‌ای بنثر در آغاز آن نوشته و نیز قطعات مستخرجه از قصیده را خود شاعر پس از مقدمه و پیش از قصیده گذارده است (بر گ ۳٤ ـ ۵۰)، ۵ ـ قصیده مصنوع سلمان ساوجی است که در وصف غیاث الدین محمد وزیر انشا نموده و دارای مقدمهٔ مختصری بنثر میباشد و قطعات مستخرجه از قصیده در آخر است (بر گ ۵۱ ـ ٦۲)، ٦ ـ قصیده مصنوع فصیح الدین رویی (در عنوان قصیده مؤلف بدین نسبت معرفی شده وظاهراً مراد فصیح الدین خوافی است) و قطعه های مستخرجه از قصیده در آخر است (بر گ ٦۳ ـ ۷٤)، ۷ ـ قصیدهٔ «بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار» جمال الدین قوامی مطرزی (بر گ ۷۵ ـ ۸۲)، ۸ ـ قصیدهٔ مصنوع تیمور حسینی از شعرای قرن یازدهم که درمدح شاه صفی صفوی (۱۰۳۸ ـ ۱۰۵۲) انشا نموده و مقدمه ای بنثر نیز بر آن نگاشته و برمیان سرلوح

ویسنده ای قصیده را بغلط نسبت باهلی شیرازی داده و قطعات و رباعیات و غزلی که از قصیده بدست آمده در آخر گذارده شده است (برگ ۸۳–۱۰۴).

فقط در آغاز قصیدهٔ سلمان ساوجی و قصیدهٔ تیمور حسینی هریك سرلوحی میباشد (برگ ۵۱ و ۸۳) و برگ ۱ و ۴ و ۱۸ و ۳۴ و ۳۷ دارای سرسوره‌هاایست که بر آنها نام قصیده و شاعر نگارش یافته و این عناوین بخط نویسندهٔ اصل نسخه نیست و نویسنده چنانکه تذکر داده شد بعضی را بغلط نگاشته است.

برگ ۵۸ و ۵۹ جابجا گذارده شده وبنا برشماره‌ایکه بربرگها پیش ازین گذارده شده، میان برگ ۷۴ و ۷۵ کنونی دو برگ بوده واینك نیست و گذشته از این موافق همان شماره ها سی‌ویك (۳۱) برگ هم در آغاز نسخه بوده‌واینك نیست ونسخه هم باهمین نقص وارد این کتابخانه گردیده است.

روی برگیکه پیش از نسخه نوشته موجود است بنام «شرح قصائد خواجه سلمان ساوجی ومولانا اهلی» معرفی شده وچنانکه گفتیم این نویسنده نیز بخطا رفته و شرح نیست و خود قصائد است ومعمائی بنظم بخط همین نویسنده نیز دراینجاست.

همهٔ برگها باطلا جدول کشی شده وابیات وقطعه ها و رباعیات وغزلهای مستخرجه از قصائد باشنگرف ورنگهای گوناگون نگارش یافته است.

جلد تیماجی ضربی. کاغذ بخارائی قطع وزیری شمارهٔ برگها ۱۰۴ - صفحه‌ای ۱۵ سطر بابیت. طول ۲۶ ½ سانتیمتر. عرض ۱۶ ½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۶۸۸.

## قصائد مصنوع و بدیعی

**سیدذوالفقار** شیروانی که از شعرای قرن ششم و معاصر خاقانی و جمال‌الدین بن عبدالرزاق و کمال اسمعیل بوده قصیده ای مشتمل بر صنایع بدیعیه و عروضیه و توشیحات و دوائر و دیگر صنایع که قطعات و ابیات بسیاری از تر کیبات حروف و کلمات مصارع آن بدست می‌آید : درمدح صدر سعید **الماستری** انشانموده وبنا بگفتهٔ مؤلف **تذ** هفت خروار ابریشم جایزه گرفته است .

نگارنده تاکنون کسی را مقدم براین شاعر در انشاء چنین قصیده‌ای نیافته وحافظ علی بن نور درمقدمهٔ قصیده خویش که بنام سلطانحسین انشا نموده صریحاً گفته که سید ذوالفقار مخترع اینگونه قصیده است و در **تذ** گوید :

« ازقصیده مصنوع سید بعضی نوشته خواهد شد تانموداری باشد **قصیده**:

چمن شد از گل صد برگ تازه دلبروار    بهار یافت بهاری زباد در گلزار
نهال چون‌قد دلبرچمان شود در رقص    لسان فاخته چون بیدلان بنالد زار
ارم ز روی تناسخ ببوستان آید    خزان خزان چودرآید بباغ بادبهار

و از هرسه بیت این قصیده بیتی اخراج میشود بدین نسق دربحور مختلفه :

گل صد برگ دلبروار چون در بوستان آید
بهاری باد در گلزار چون بیدل خزان آید » .

پس ازسید ذوالفقار جمال‌الدین سلمان بن محمد ساوجی ( ۶۹۲ ـ ۷۷۹ ) که شرح حال وی در ص ۱۶۹ ـ ۱۷۱ نگارش یافت وچند اثر ومؤلفهٔ اورا دراین فهرست نام برده ایم، بتقلید سید قصیده‌ای که شامل صنایع بیشتری از قصیده اولی میباشد درمدح خواجه غیاث الدین محمد صاحب دیوان انشا نموده وخود وی در دیباچهٔ آن چنین گوید :

« **امابعد** این قصیده ایست مشتمل برصنایع وبدایع وبیان اصول بحور و مزاحفات ومنشعبات آن چنانکه شصت و چهار بحر وقریب صدوبیست صنعت و دوائر ستة که اوزان شانزده گانه وتفکیك بحور از آن معلوم گردد ، در آن مندرج است ، موشح بقطعهٔ چند مصنوع که بیمن دولت الخ »

**آغاز :** بعد از حمد و سپاس بیقیاس حضرت احدی را که بوحدانیت جمیع کاینات . . . . . . . .

صفات صفوت رویت بریخت آب بهار    هوای جنت کویت به بیخت مشك‌تتار

پس از سلمان ساوجی حافظ علی‌بن نور **عیشی** تخلص که از شعرای قرن

نهم ودهم هجری بوده وبنا بگفته سام میرزا در **سا** اصل وی از غوریان هراتست، دوبار این قصیده را تقلید نموده بار نخستین بنابر تصریح درمقدمهٔ آن که نسخهٔ بالا دارای آنست بفرمان سلطانحسین میرزا ( بایقرا ) انجام یافته و مزایای چندی بر قصیدهٔ پیشین دارد وبنابر تصریح در آخر آن
( تاریخ سال وحدت نظمش چو عقل جست
گفتم جواب او که **بیك سال شد تمام** = ۹۰۸)
یکسال وقت صرف انشاء آن نموده وبسال ۹۰۸ خاتمه یافته است .

**آغاز مقدمه:** ترصیع جواهر جامدی که مطلع قصیدهٔ مصنوعات بدان زینت پذیرد حمد وسپاس متکلمی است الخ .

**و آغاز قصیده اینست:** حریم حرمت کوی تو جنت ابرار
شمیم نکهت موی تو راحت احرار

وپس ازاین، حافظ علی بن نورنیز قصیده‌ای بهمین طرز بصنایعی افزون از قصیده پیشین خویش در مدح شاه اسمعیل صفوی انشا نموده و درمقدمهٔ نثری آن برخلاف سیرهٔ نویسندگان از نعم ولی نعمت گذشتهٔ خویش سلطانحسین میرزا سپاسگذاری نموده وتاریخ انشاء آن ورود شاه اسمعیل بخراسان میباشد .

**آغاز مقدمه:** نظم لالی قصائد حمد وسپاس و عقد جواهر فرائد محمدت بیقیاس صانعی را سزد که الخ .

**آغاز قصیده :** شراب شربت ذوقت شفاست ای دلدار
عذاب محنت شوقت بلاست بی مقدار .

آخرین قصیده صنعتی که دراین نسخه میباشد، قصیدهٔ **تیمور حسینی** از شعرای معاصر شاه صفی ( ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ) صفوی است وچنانکه دردیباچهٔ آن تصریح نموده انشاء آن در هنگام جنگ باروم و انجام آن در هنگام فتح قلعهٔ ایروان بوده است ونیز خود وی درمعرفی ازاین قصیده گوید :

« مشتمل است بریکصدوشصت ودوبیت وقریب یکصدو سی بیت ازومشتق میشود ، متناول براصول بحور ومنشعبات و مزاحفات ازمطبوع ونامطبوع که مخصوص شعراء عرب است و دوائر ستّه که مخرج اوزان نوزده گانه است و تفکیك بحور واوزان مختلف وتعاریف اقسام قوافی صحیح وسقیم وذکر صحت ایطاء جلی دربعضی مواد وحدود محسنات ازصنایع بدیع وبیان که بررساله فارسی که اختلاف کثیره داشت ملتفت نشده بدان عمل شد و قریب بچهل صنعت از صنایع بدیع با چند بحر ولقب قافیه مزید قصیده مولانای مذکور ( مراد اهلی

شیرازی است وقصائد مصنوع او را درذیل کلیات اهلی معرفی خواهیم نمود )
شده و بعضی از صنایع که تکرار در آن قصیده واقع شده بود التفات ننموده
متوجه صنایع غریبه شده مع آنچه وظیفه شعراست از غزل و قطعه ورباعی و
مستزاد و لغز و معما و ابیات مصنوعه متفرقه را مثنوی نیز توان شمردن
نمود الخ »

**آغاز دیباچه :** بسمله سیراب ترین شکوفه گلشن سخن دانی که زیب
دیباچهٔ قصیده الخ .

**آغاز قصیده :** هزار گلشن رویت بدهر حسن نما
غبار برزن کویت بمهر داده ضیا .

**انجام :** سبد سخنش اگرنکویست از یمن علی و آل اویست

**قصیدهٔ** « بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار » انشاء جمال الدین محمد بن ابی بکر
قوامی مطرزی ودرمدح قزل ارسلان ( ۵۷۱ - ۵۸۷ ) است وشامل هشتادو
سه (۸۳) صنعت از صنایع بدیعه دریکصد(۱۰۰) بیت میباشد ودر ص ۱۸۸ ج ۱
**کظ** نگارش یافته که محمودبن عمر نجاتی بر آن شرحی نگاشته واین شارح در
نیمهٔ نخستین قرن هشتم زندگانی مینموده است .

**آغاز :** ای فلك را هوای قدر تو بار وی ملك را تنای صدر تو کار

**انجام:** روزوشب جزسخا مبادت شغل سال و مه جز سخا مبادت کار

**قصیدهٔ بدیعیه** حافظ علی بن نور در بیان صنایع بدیعی میباشد و بنام
سلطانحسین میرزا گورکان انشا شده وشامل یکصدوسی وهشت (۱۳۸) صنعت
ازصنایع بدیعی دریکصد وهشتاد (۱۸۰) بیت میباشد ، بنابرتصریح در اواخر
قصیده بسال ۹۰۸ آغاز وبسال ۹۰۹ بانجام رسیده است .

**آغاز دیباچه :** بهترین صنعتی که موشح به ترصیع جواهر ابداع ومزین
بتضمین لآلی انشا الخ .

**آغاز قصیده :** ای زدادت نموده جورفرار بی مرادت نبوده دوربکار

**انجام :** باد بخت تو تا بشام ابد باد عمرتو تابروز شمار

**قطعه** مصنوع در مدح شیخ مجدالدین میباشد و دیباچهٔ مختصری بنثر در
آغاز آنست وشاعروسرایندهٔ آن ازاین نسخه بدست نیامد ، پانزده بیت میباشد
وازآن یك بیت ویك رباعی ویك مصراع استخراج شده است .

**آغاز مقدمه :** بعداز ادای ثنای واجب الوجود و درود بی انتهای محمد صلعم
صاحب المجد والجود الخ .

**آغاز قطعه :** حیده خلق ایابک سیرتی کامروز
بحشمت تو کسی نیست در جمیع دیار

درنگارش این شرح **قذ** ص ۱۳۱-۱۳۷ و **فهر** ج ۲ ص ۴۴۵-۴۴۸ و ۵۲۸ مراجعه شده است .

**۱۱۳۱**

**کلیات اهلی شیرازی**

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده ، مسلماً پس از سال ۹۳۰ که وفات شاه اسمعیل صفوی بوده نوشته شده و تصور میکنم که بنظر خود اهلی رسیده وحاشیه ص ۵۹۱ و پایان ص ۶۲۸ بخط وی باشد واینکه بر سرلوح نخستین پس از نام اهلی علیه الرحمه نوشته شده ممکن است که هنوز تذهیب و ترسیم سر لوح نسخه بپایان نیامده عمرش بپایان رسیده باشد وازخود نسخه احتمال نگارش و تذهیب وسر لوح سازی آن در نیمهٔ اول قرن دهم هجری بخوبی استفاده میشود .

پنج سر لوح زیبا که طرز هر یك جز دیگری میباشد در ص ۱ و ۲۵ و ۳۱ و ۱۳۹ و ۵۶۵ موجود وبرگها باطلا ولاجورد وشنگرف جدول کشی شده ، چندبرگ از آغاز وانجام نسخه و صالی گردیده و یادداشتی که پشت آخرین صفحه بوده محو گردیده ، برگهائی از میان نسخه افتاده و مطالب مندرجه در متن و حاشیه نگارش یافته است .

مندرجات نسخه عبارتست از : ۱ ـ سحر حلال ( ص ۱ـ۲٤ ) ، ۲ ـ شمع و پروانه ( ص۲۵ـ۳۰ ) فقط بخشی از اول و آخر این مثنوی موجود و بقیه افتاده است ، ۳ ـ قصائد و ترکیب بند ( ص ۳۱ـ۳٦ ) ، ۴ ـ غزلیات ( ص۱۳۹ـ۵۰۰ ) ، ۵ ـ مخمس ( ص۵۰۰ـ۵۰۱ ) ، ٦ ـ مقطعات وتواریخ ( ص۵۰۲ـ۵۱۹ ) ، ۷ ـ فردها (ص ۵۱۹ـ۵۲۵ ) ، ۸ ـ رباعیات گنجفه (ص۵۲۵ـ۵۳۷) ، ۹ ـ رباعیات بنام « ساقی‌نامه » (ص۵۳۷ـ۵۵۰) ، ۱۰ ـ رباعیات (ص۵۵۰ـ۵٦۲) برگهائی‌ازمیان این رباعیات‌نیز افتاده‌است ، ۱۱ ـ قصیده مصنوع در مدح‌امیر علیشر ( ص ۵٦۵ ـ ۵۹٤ ) ، ۱۲ ـ قصیده مصنوع در مدح سلطان یعقوب ( ص۵۹۷ـ٦۲٦ ) ، ۱۳ ـ قصیده مصنوع درمدح شاه اسمعیل ( ص٦۲۷ـ٦۵٦ ) و تمام مندرجات در حدود دوازده هزار ( ۱۲۰۰۰ ) بیت میشود ودر ذیل معرفی از اهلی خصوصیات‌دیگر مندرجات را ذکر خواهیم نمود .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۲۸ . صفحه ای ( حد اکثر درمتن وحاشیه ) ۲۵ بیت . طول ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۱۳ .

## کلیات اهلي شیرازی

**اهلي‌شیرازی** محمد نام داشته ، درجادهٔ فقر وعرفان قدم میزده ومعاصر اهلی ترشیزی ومداح سلطان یعقوب ( بسال ۸۹٦ مرده ) وامیرعلیشیر وشاه اسمعیل صفوی بوده و در غزلیات وقصائد و غیره **اهلی** تخلص است ، بسال ۹٤۲ در شیراز وفات یافته و در نزدیکی قبر شمس‌الدین محمد **حافظ** بخاك سپرده شده و **ملامیرك** درتاریخ وفات وی گوید :

در میان شعراء فضلاء　　　پیر باصدق و صفا بود اهلی

| | |
|---|---|
| رفت با مهر علی از عالم | پیرو آل عبا بود اهلی |
| سال فوتش زخرد جستم گفت | « پادشاه شعرا بود اهلی » = ۹۴۲ |

وگذشته ازاینکه شاعر مداح سلطان یعقوب متوفی بسال ۸۹٦ بوده ودرهنگام مداحی وی بایستی سی چهل سال داشته باشد مکرر به پیری وشکستگی خود در این کلیات اشاره وتصریح نموده وازآنهاست :

ص ۵۰۳ نه : یارب بگیر دست من پیر ناتوان

کز دست عمرنفس ( کذا ) گرانمایه شد بلد

موی سیاه را بعبث کرده ام سفید

روی سفید را بگنه کرده ام سیاه ./

مندرجات نسخهٔ نامبردهٔ بالا کلیات اهلی شیرازی را تشکیل داده وتذکره نویسان شمارهٔ ابیات دیوان اورا درحدود دوازده هزاربیت نوشته اند ونگارنده تصورمیکند که مرادآنها ازدیوان همهٔ آثار اوست که بنام کلیات خوانده میشود واینک یك یك آنهارا معرفی مینمائیم :

**۱ - سحرحلال** بنا برتصریح خود شاعر در مقدمهٔ این کتاب ، اهلی در مقابل مجمع‌البحرین وتجنیسات کاتبی این مثنوی را که مشتمل برصنعت ذوبحرین و ذوقافیتین وتجنیس میباشد درششصد وبیست (٦۲۰) بیت انشا نموده ومورد قبول و پسند صرافان سخن گردیده ومکرر چاپ شده و در این مثنوی که در زمان سلطنت شاه اسمعیل صفوی (۹۰٦ - ۹۳۰) انشا شده ، داستان معاشقهٔ شاهزاده‌ای **جم** نام بادختری **گل** نام ونامه های این دو و سرانجام این عشق بیان شده است .

**آغاز :** حمد بیحد وثنای نامعدود وشکر ناعدود سزاوار ملك معبودیست ......

| | |
|---|---|
| ای همه عالم برتو بی‌شکوه | رفعت خاك ازدر تو بی‌شکوه ؟ |

**۲ - شمع و پروانه** این مثنوی را بنام سلطان یعقوب بسال ۸۹٤ در ۱۰۰۱ بیت نظیر خسروشیرین نظامی ویوسف و زلیخای جامی انشا نموده و درآخر آن چنین گفته :

| | |
|---|---|
| دلم کین نخل مومی را برآورد | چوشمع ازشرم سردرخود فروبرد |
| که شمعم رشحی از بحرنظامیست | شرابم جرعهٔ از جام جامیست |
| ولی در عاشقی آنجا تماشاست | که شیرین خسرو و یوسف‌زلیخاست |
| بهار من کزو گلها برآمد | بیك فصل ربیع آخر سرآمد |
| چواز تعداد بر وفق مراد است | بنام حق هزار و یك نتاد است |

بتخفیفش از آن کردیم تعجیل ... کـه تصدیع آورد تاکـه بتطویل
نه از پروانه مستی درج کردم ... که سوز و زاری خود خرج کردم
سخن کز بهر تاریخش کنم کم ... بود **تم الکتاب** الله اعلم .

نسخهٔ این کتابخانه مقدمهٔ نثری ندارد ونمیدانم که اصلا نداشته ویا این نسخه ناقص است وچنانکه گفتیم برگهائی از میان آن افتاده واین نسخه شامل حمد و ثنا و نعت حضرت رسول‌ص‌ع و منقبت حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب‌ع وسبب نظم کتاب ومدح سلطان یعقوب وخاتمه کتابست وهمهٔ اینهایکصدوسی‌وهفت (۱۳۷) بیت میباشد و نسخهٔ کامل آن درموزهٔ بریتانیا درضمن کلیات اهلی و در کتابخانهٔ ملی ملك جداگانه درتهران موجود است .

**آغاز:** بنام آنکه ما را از عنایت ... دهد پروانه را شمع هدایت

**انجام :** نشاط افزای بزم مقبلان کن ... قبول خاطر روشن دلان کن

**۳ - قصائد و ترکیب بند** این بخش درحدود دوهزارو پانصد (۲۵۰۰) بیت میباشد .

**آغاز :** الهی به سردفترحکمت‌الله ... بنی آدم آئینه قدرت‌الله

**۴ - غزلیات** مرتب بترتیب حروف هجا برحسب ردیف هاست ودرحدود هفتهزار وهشتصد (۷۸۰۰) بیت است .

**آغاز:** ای حیرت صفات توبندد زبان ما ... انگشت حیرتست زبان دردهان ما

**۵ - مخمس** فقط یك مخمس در ص ۵۰۰-۵۰۱ نسخه موجود است :

**۶ - مقطعات و تاریخ ها** در حدود سیصد (۳۰۰) بیت میباشد

**آغاز :** ای دل زخود بمیر که گردی خلاص از آنك
تا زندهٔ مقید این دام ماندهٔ

**۷ - فردها** این بخش در حدود یکصد (۱۰۰) بیت میباشد .

**۸ - رباعیات گنجفه** در مقدمهٔ نثری این بخش شاعر علت وسبب انشاء این رباعیات را متذکر شده و نود و هفت (۹۷) رباعیست و هریک رباعی متعلق و مناسب به یك برگ از گنجفه انشا شده وآغاز مقدمهٔ آن اینست :

**بسم الله تیمناً بذکره الاعلی** ، پوشیده نماند بر ارباب صورت و معنی که این بنده کم بضاعت اهلی‌الشیرازی روزی برسم خدمت در خدمت صاحبدلان بود یکی از اجلهٔ آن قوم گنجفه در کمال تکلف داشت الخ .

و بدین رباعی آغاز میگردد :

ای سروسهی خاك رهت وقت خرام ... کی صورت مه بود چو حسن توتمام
هر کس که ترا بنده بود پادشه است ... در بندگی تو پادشاهست غلام .

**۹ ـ رباعیات (ساقی نامه)** یکصد و دو (۱۰۲) رباعیست وشاعر در مقدمهٔ نثری آن چنین گوید :

این دردی کش میخانه عشقبازی **اهلی الشیرازی** غفرالله ذنوبه وستر الله عیوبه اورا رباعی چند در مستی محبت باصلاح جهالت رو نموده در این اوراق پریشان جمع کرده نامش ساقی‌نامه نهاد امید که بنظر اهل دلان ملحوظ گردد والله خیراً حافظا ،

و بدین رباعی آغاز گردیده :

ساقی قدحی که کار سازست خدا  وز رحمت خود بنده نوازست خدا
می خور بنیاز و نازو طاعت مفروش  کز طاعت خلق بی نیازست خدا .

**۱۰ ـ رباعیات** چنانکه گفته شد برگهائی از میان ص ۵۰۳ ـ ۵۰۴ و ۵۰۹ ـ ۵۶۰ نسخه افتاده و اینك یکصد و هفت (۱۰۷) رباعیست وآغاز آن اینست :

یارب سگ کوی مقبلی ساز مرا  آئینه ز عشق منجلی ساز مرا
اقبال جهان مرا جوی نیست قبول  مقبول محمد و علی ساز مرا .

**۱۱ ـ قصیده مصنوع اول** در مدح امیرعلیشیر نوائی است ودارای مقدمه‌ای میباشد که آغاز آن اینست :

حمدی از حد افزون و سپاسی از قیاس بیرون سزاوار صانع بیچون که بکلك الخ .

وبدین بیت آغاز گردیده :

نسیم کاکل مشکین کراست چون تو نگار  شمیم سنبل پرچین کراست مشك تتار

**۱۲ ـ قصیده مصنوع دوم** در مدح سلطان یعقوب میباشد و مقدمهٔ نثری آن دراین نسخه نوشته نشده وبقرینهٔ دوصفحهٔ ننوشته‌ایکه پیش ازقصیده گذارده شده مسلماً داشته وقصیده بدین بیت آغاز میگردد :

هوای جنت کویت نسیم عنبربار  فدای نکهت مویت شمیم مشك تتار

**۱۳ ـ قصیده مصنوع سوم** درمدح شاه اسمعیل صفوی است وشاعر دیباچه ای بنثر درمعرفی ازقصیده وامتیازات آن واینکه یکصدو شصت بیت میباشد ونزدیك یکصدوبیست بیت از آن بیرون می‌آید وشامل قواعد شعری وعروضی ومشتمل بر اصول بحور ومنشعبات و مزاحفات ودوائر سته که اوزان نوزده گانه است وغیر از اینها میباشد وآغاز دیباچه وقصیده آن اینست :

حمد و سپاس بی قیاس صانعی را که فهرست قصیده موجودات و دیباچهٔ جریدهٔ کاینات . . . .

هوای گلشن کویت نسیم باد بهار گدای خرمن مویت شمیم مشك تتار

وآخرین بیت که از قصیده استخراج نموده و خاتمهٔ این قصیده قرار داده اینست:

اهلی سخنش اگر تمامست از یمن دوازده امامست

وبنابر تصریح خود وی این قصیده را «**خردنامه**» نام نهاده و «میزان خرد» که بحساب جمل ۹۱۲ میباشد سال انشاء را معین میکند.

شرح حال اهلی شیرازی در **سا** ص ۱۰۳–۱۰۴، **هم** ص ۱۹۰–۱۹۱ م. س. **آ** ر ص ۲۷۸، آثار عجم ص ۴۷۱، **طق** ج ۳ ص ۵۶، **شم** ص ۲۴ و ترجمه تاریخ ادبیات برون ص ۱۰۵–۱۰۶ نگارش یافته و مراجعه شده است.

## ۱۱۳۲

**کلیات جمالی** این نسخه را علی اشرف بن علی بخط نستعلیق نوشته و در پایان بیشتر از کتابها رقم نموده.

و در ص ۶۰۸ و ۶۱۹ سال نگارش را ۱۲۳۵ معین کرده است.

مندرجات این نسخه عبارتست از:

**۱** ـ فتح الابواب (ص ۳–۱۳٤)، **۲** ـ مهرافروز (ص ۱۳۵–۱٤۵)، **۳** ـ کنز الدقائق (ص ۱٤۹–۱۸۸)، **۴** ـ تنبیه العارفین (ص ۱۹۱–۲۵۳)، **۵** ـ محبوب الصدّیقین (ص ۲۵۵–۳۶۰)، **۶** ـ مفتاح الفقر (ص ۳۶۱–۳۷۰)، **۷** ـ مشکوة المحبین (ص ۳۷۱–۳۷٤)، **۸** ـ معلومات (ص ۳۷۵–۳۷۹)، **۹** ـ مثنویات (ص ۳۸۰–۳۹۱)، **۱۰** ـ استقامت نامه (۳۹۳–٤۱۷)، **۱۱** ـ نورعلی نور (ص ٤۱۷–٤۳۹)، **۱۲** ـ ناظر و منظور (٤۳۹–٤٤۹)، **۱۳** ـ مرآت الافراد (٤۵۱–۵۵۰)، **۱٤** ـ قصائد (ص ۵۵۳–۵۶٤)، **۱۵** ـ ترجیعات (ص ۵۶۵–۵۷۳)، **۱۶** ـ

مستزادات (ص۵۷۴ـ۵۷۴) ۱۷، ـ غزلیات و چند بیت مثنوی درنعت پیغمبر ص (ص۵۷۵ـ۵۷۸) ۱۸، ـ غزلیات (ص۵۷۸ـ۶۰۸) ۱۹، ـ رباعیات (ص۶۰۹ـ۶۱۷) ۲۰، ـ مفردات وچند غزل ومثنوی ورباعی (ص۶۱۷ـ۶۱۹)، و ۲۱ـ ایضاً غزلیات وچند قطعه (ص۶۱۹ـ۶۲۷).

پیش از شروع بنگارش این کلیات همین نویسندهٔ نسخه، چند غزل ورباعی از جمالی وفهرست مندرجات این کلیّات را نوشته است و تمام این کلیّات که مرکب از نظم و نثر میباشد در حدود سی و پنجهزار (۳۵۰۰۰) بیت است.

چند برگ ننوشته در میان نسخه در فاصلهٔ برخی از کتابها با کتاب بعد میباشد.

جلد تیماجی نیم‌ضربی. کاغذفرنگی. قطع‌وزیری. شمارهٔ برگها ۳۱۴. صفحه‌ای ۵۰ بیت یا ۲۵ سطر. طول ۲۸ سانتیمتر. عرض ۱۸ ½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۲۸۹.

## ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴

**کلیات جمالی**
(کشف‌الارواح وبخشی از فتح‌الابواب و رباعیات)
و
گلشن راز

این نسخه که بنابر تصریح در صفحهٔ ۳۶۶ بسال ۱۲۵۲ و بخط شکسته نستعلیق نوشته شده شامل ۱ ـ **کشف‌الارواح** (ص۱ـ۲۹۷) میباشد و در حدود پنجهزار ویکصد (۵۱۰۰) بیت بنظم و نثر میباشد و خود شاعر در ص ۲۷۳ تصریح باسم این کتاب درنظم ونثر نموده ولی چون داستان یوسف ع و زلیخا و تفسیر

آیات کریمهٔ قرآن دراین‌باب،در این کتاب گذارده‌شده ، نویسنده در پایان ص۳۰۳ نوشته :و این آخر نسخهٔ یوسف و زلیخا پیرجمالی است و در ابیات آخر فتح‌الابواب جمالی هم نام « یوسف نامه » ای دیده میشود وتصورمیکنم که همین کتاب که خودشاعرآنرا صریحاً کشف الارواح نامیده ، مراد باشد . ۲ ـ بخشی از آخر کتاب « فتح‌الابواب » درص ۲۹۸ـ۳۰۳ نوشته شده ونویسنده هم‌ندانسته از چه کتابی است و یاد داشت بالا را درآخر آن نوشته واین بخش در ص ۱۳۱ـ۱۳۳ نسخهٔ **۱۱۳۲** موجود است .

مالك نسخه که نام‌وی‌وپدرش راازیاد داشت پشت صفحهٔ نخستین محو کرده اند نیز بنام « یوسف نامه جمالی » این کتاب را معرفی کرده است .

۳ ـ پس از اتمام کشف الارواح ،**گلشن‌راز** که در همین فصل معرفی خواهد شد موجود ( ص ۳۰٤ـ۳٦٦ ) و ۴ ـ رباعیاتی است که طرز و سبك آن میرساند که از جمالی است ولی درآنها تخلص یافت نمیشود واین رباعیات راهم‌درنسخهٔ کلیات‌جمالی نیافتم ولی دو رباعی آن در برگ نو نویس نسخه زیرین که منتخبی از کلیات میباشد موجود و ۷۵ رباعی است ( ص ۳٦۸ـ۳۸۱ ) .

بر برگ ننوشته ای که در آخر نسخه میباشد یاد داشتی بوده محو گردیده .

جلد تیماج .کاغذ فرنگی .قطع خشتی باریك . شمارهٔبرگها ۱۹۱ . صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۲ ½ سانتیمتر. شمارهٔدفتر **۱۳۳۱۸**.

۱۱۳۵

## کلیات جمالی یا منتخب آن

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده تاریخ و نام نویسنده را ندارد ولی طرز خط و کاغذ حاکم است که در اواخر قرن نهم هجری نگارش یافته و در پایان برگ ۲۷ نگاشته شده : تم الانتخاب بعون الملك الوهاب الخ برگ نخستین و برگ ۲۸ نسخه نو نویس میباشد برگ دوم دارای سر لوح قدیمی بوده در آن دست برده‌اند و برگ نخستین کنونی هم نظیر آن ساخته شده و مندرجات این نسخه عبارتست از منتخبی از «فتح الابواب» و منتخبی از رباعیات و یك قصیده و چندین غزل و همهٔ اینها در حدود ششصد و پنجاه (٦٥٠) بیت است .

برگ نخستین که نو نویس است و دارای دو بیت و نیم جعلی میباشد و پیداست که فروشندهٔ دزد برای اینکه کتاب را بی نقص نشان دهد بجعل آن پرداخته و ما در اینجا آنها را با چند بیت صفحهٔ بعد با اصل ابیات میآوریم :

در این نسخه است :

| | |
|---|---|
| ای برون از وهم و فهم هر ادیب | کنه ذاتت شوق ادراك لبیب |
| درة التیجان عزت مصطفی | مظهر رحمن علی العرش استوی |
| آنکه باشد عالم راز حبیب | بی شکی بنمایداین حسن غریب |
| آن کشایندهٔ در و دیوار ها | مایهٔ بیماری و تیمار ها |

ناظر میخوانه و میخواره هم درد افزای دل غمخواره هم

ص ۳ـ٤ نسخهٔ کلیات این کتابخانه :

ربّنا افتح ربّنا افتح بیننا بین قوم الحق وانصر واهدنا
پرده شد دور از رخ واز زلف وخال پرده درشد پرده درحسن وجمال
چونکه آمد آیه فتح و قریب بی شکی بنماید این حسن غریب
آن گشایندهٔ در و دیوار ها مایهٔ بیماری و تیمار ها
ناظر میخانه و میخواره هم درد افزای دل غمخواره هم

برخی از برگها آثار آبدیدگی دارد و پاره‌ای هم وصّالی گردیده، پشت آخرین برگ نسخه یاد داشتی در معرفی از جمالی نگارش یافته و او را از اعرف عرفا وافصح فصحا معرفی نموده و پیرو سبك هلالی‌اش دانسته واین بیان درست نیست، چرا که جمالی سالها پیش از هلالی بوده و اگر مناسبتی میان اشعار این دو شاعر باشد بایستی گفت هلالی بسبك و سیاق جمالی شعر سروده است .

جلد مقوائی . کاغذ خطائی . قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۳۷ .صفحه‌ای ۱۱ بیت.
طول ١٦ سانتیمتر . عرض ۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۰۰۵** .

## کلیات جمالی اردستانی

**جمالی** تخلص جمال‌الدین احمد اردستانی اصفهانی مشهور به **پیرجمال** متوفی بسال هشتصدوهفتاد ونه ( ۸۷۹ ) میباشد که از عرفاء معروف قرن نهم هجری بوده و سلسلهٔ **پیر جمالیه** از سلاسل صوفیه بدین عارف منسوب‌اند ،

درنثر ونظم قادر و ماهر بوده وهمهٔ اقسام شعررا نیکومیساخته و در کتابهای خودبیشتربشرح وتفسیرسور وآیات کریمهٔ قرآن واحادیث مأثورهٔ ازپیغمبرصع و شرح بیانات عرفا و اشعار سنائی و نظامی و عطار ومولوی پرداخته ومکرر باشعارخواجه حافظ تمثل جسته وکلیات او گنجینهٔ اخلاق و آداب وسیر وسلوك میباشد و بیشتر از کتابهای وی شامل رساله های کوچك و بزرگ بنثر یانظم

میباشد و مؤلف **طق** (ص ۱۰۵۹ ج ۲) گوید: نسخه‌ای از کلیات جمالی را که شامل بیست و هشت کتاب ورساله بوده ودرحدود پنجاه هزار بیت کتابت داشته، مالك بوده واز وی دزدیده شده واین کتابها راکه دراینجا می‌آوریم: شرح الواصلین، روح القدس، مصباح الارواح، احکام المحبین، نهایة المحبه، بدایة المعرفه وشرح الکنوز ــ شته‌ازآنچه دونسخهٔ بالاشامل آنهاست‌نیز ازکلیات جمالی دانسته‌است.

جمالی خود در آخر فتح الابواب پیش از خاتمه (ص ۱۳۲ نه) نام بسیاری از مؤلفات و منشآت خودرا برده و نیز درص ۵۳۲، ۵۳۳ و ۵۳۴ نام شرح الکنوز و مصباح را (این کتاب اخیررا درموالد نبی اکرم ص.ع. معرفی نموده) و درصفحهٔ اخیر تفصیل‌مطالبی را به کتاب «هدایة المعرفه» حوالت داده وبایستی این کتاب با «بدایةالمعرفه» که در **طق** نام برده شده یکی باشد.

جمالی نام بیشتر این مؤلفات وآثارخود را بمناسبت درکتابهای خود آورده و شاید اگر تتبع کامل گردد نام آثار دیگری ازو بدست آید ودر ص ۲۹۷ ملاقات خود را با الغ بیگ بن شاهرخ درسمرقند یاد نموده و در همینجا کشته شدن او را بدست پسرش عبداللطیف متذکر شده است و در ص ۳۶۰ تذکر داده‌که «محبوب‌الصدقین» بسال ۸۶۶ تألیف گردیده و درص ۵۲۹ دریکی از مباحث کتاب «مرآت الافراد» گوید: امروز که ۸۶۷ سال از هجرت میگذرد. و در ص ۵۳۰ سال ۸۶۹ را یاد نموده که دربارهٔ روزه در آن صحبت میکرده و درص ۶۱۲ یك رباعی انشا شدهٔ بسال ۸۶۴ موجود است.

اینك آغاز هریك‌ازمندرجات کلیات جمالی (نسخهٔ این کتابخانه) رامی‌آوریم:

**فتح الابواب:** انافتحنالك فتحاً مبینا لیغفرلك الله ماتقدم من ذنبك وما تأخر...

ربنا افتح ربنا افتح بیننا　　بین قوم الحق و انصر واهد نا

پرده‌شددوراز رخ‌واززلف‌وخال　　پرده درشدپرده درحسن و جمال.

**مهر افروز:** ای عزیز بدانکه نبوت و قدرت از حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله و سلم راضی اند الخ.

**کنز الدقائق:** مشعلهٔ صبح سعادت دمید　　وسوسهٔ ظلمت عادت رمید.

**تنبیه العارفین:** الحمدلله رب العالمین والصلوة علی نبیه محمد وآله **ای فرزند** یك لحظه بند وار بنشین و خاموش مباش الخ.

**محبوب‌الصدقین:** روز ازنورعشق شد خرم　　ظلمت شب دریدجامهٔ غم.

**مفتاح الفقر:** اعلم یا اخی ان‌الانبیاء والاولیاء..... **ای عزیز** محمود غزنوی ازمیان الخ.

**مشکوة المحبین :** ای گزیده جهان و هر چه دروست
جان عالم تونی و عالم پوست .
**معلومات :** ای رفیق ره و حریف مدام وی طلبکار رند درد آشام
**مثنویات :** عشق تو مرا بباد بر داد خشنودم از آن که سخت تر باد .
**استقامت نامه :** استقم دل که باز حسن حبیب
میکند عشوها بعشق غریب .
**نور علی نور :** روی فی الخبر عن رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم انه قال اوّل ماخلق الله العقل .... **ترجمه** ، اول آنچه خدای تعالی آفرید عقل بود الخ
وبخش دوم این کتاب بدین حدیث آغاز می گردد :
قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم اول ما خلق الله نوری . . . . .
مصطفی هورونور مشهور است علی بوالعلا علی نور است .
**ناظر و منظور :** درمعنی الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة .
زبان میگشایم بحمد کریم بحمد کریم رحیم قدیم
**مرآت الافراد :** ای آنکه مشتاق جمال دوستی ومیخواهی که معرفت الهی فهم کنی طلب صحبت درویشان کن الخ .
**قصائد :** صبح روشن گشت یا مهتاب بر بالاستی
یا ز نور دلبرم عالم چنین بر پاستی .
**ترجیعات :** خورشید بکوه دل بر آمد ساقی قدحی که دلبر آمد .
**مستزادات :** تا مهدی فرخنده از این غار بر آمد جسمم همه جان شد
این صبح سعادت زرخ یار بر آمد زان فتنه عیان شد .
**غزلیات :** (درنعت پیغمبر ص‌ع) ای منزل صدق ویقین وی بحر وکان مصطفی
ای کز تو پیدا شد وفا یا مصطفی یا مجتبی
**غزلیات :** آتش عشقت بسوخت جملهٔ وسواسها
باز مقامی گرفت بر سر کوی بقا .
**رباعیات :** خوشدل چه نباشم که تو خوشدل خواهی
زان ناله نیارم که تو بس آگاهی .
گر شرح غم عشق تو من فاش کنم
در هم ریزد جهان ز مه تا ماهی .
**مفردات و غیره :** دیدم بدیدهٔ سر ، ساقی حوض کوثر
وز جام کام بخشش ، خوردم شراب دیگر .

**ایضاً غزلیات:** امروز دمسازی کنم ، فردا بگیرم دامنت
امروز جانبازی کنم ، فردا بگیرم دامنت
**کشف الارواح = یوسف‌نامه:** بنامت نامه را سر برگشایم
که اندر کوی عشقت می سرایم .
آثار جمالی جز کتاب قصائد وغزلیات ورباعیات و مستزادات ومثنویات وترجیعات همه مرکب از نظم و نثر میباشند ولی برخی از آنها نظمش غالب و پاره ای نثرش بیشتر است و چنانکه پیش ازین اشاره شد بعضی از کتابها مشتمل بر رساله های چندیست و تشیّع وی از نثر و نظمش آشکار است .

**١١٣٦**

**کلیات سعدی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده وبنابر تصریح در آخر آن ، نگارش **کتاب الله** کمره‌ای بسال ٩٨٢ میباشد و بدینگونه خاتمه میپذیرد :
« کتب العبد الفقیر الداعی کتاب الله بن کیو شاه کمرهٔ و عفی عنه و غفر ذنوبه وصلی الله علی محمد و آله اجمعین » .
اطراف دوصفحهٔ نخستین بابهترین طرزی تذهیب و نقاشی گردیده ومیان سطرهای آن طلا اندازی شده ، برگهای ٣٣ و ٩٤ و ١٨٠ و٢٢٢ و٣٤٨ و ٣٦١ هر یك دارای سرلوحی بسیار زیباست که طرز آنها با یکدیگر مختلف میباشد وبرگ ٣١٠ دارای سر سوره ای طلائیست ، عناوین کتب ورسائل و مطالب با طلا نوشته شده وهمهٔ برگها بطلا و زنگارجدول کشی گردیده ومندرجات نسخه پس از مقدمه بیستون عبارتست :

**١ ــ ٦** ــ دیباچه و رسائل نشگانه و این بخش ها که در نسخ دیگر

چنانکه ذکرخواهدشد (ص۵۵۳) درشش بخش گذاردهشده دراینجا بعنوان سیزده رساله معرفی گردیده (برگ۱-۳۲)، ۷ - گلستان (۳۳ - ۹۳)، ۸ - بوستان (۹۴ - ۱۸۰)، ۹ - قصائد عربی (۱۸۰-۱۸۲)، ۱۰ - قصائد فارسی (۱۸۲ - ۲۰۷)، ۱۱ - مراثی (۲۰۷ - ۲۱۱)، ۱۲ - ملمعات (ابیاتی که بنام مثلثات درچاپ اخیرمیباشد در آخر ملمعات میباشد و قصیدهایکه از زبان محبوب بزبان اهالی شهرهای ایران وهند و ترك میباشد نیزدراینجاست (۲۱۱-۲۱۶)، ۱۳ - ترجیعات (۲۱۶ - ۲۲۲)، ۱۴ - طیّبات (در میان سرلوح این کتاب بدینگونه معرفی شده: «کتاب مبدع ازجملهٔ دیوان اول») (۲۲۲ - ۳۰۹)، ۱۵ - بدایع (نیزدرمیان سر سورهایکه در آغاز این کتابست چنین نگارش یافته: «فی الدیوان الرابع؟») (۳۱۰-۳۴۸)، ۱۶ - خواتیم (در میان سرلوح این نسخه نوشته شده: «دیوان چهارم مشهور بدایع (کذا)») (۳۴۸ - ۳۶۰)، ۱۷ - غزلیات قدیم (میان سرلوح این نسخه نیزچنین نگارش یافته: «فی دیوان الآخر [کذا] کلیات؟») (۳۶۰ - ۳۶۶)، ۱۸ - صاحبیه (قطعات ورباعیاتیست و پیش ازشروع به نگارش این بخش با طلا نوشته: فی الدیوان الآخر (کذا) و چهارده بیت اول خواتیم باتغییر کلمهٔ «سپاس» به «ثنا» عیناً در این جا نوشته شده است) (۳۶۷ - ۳۸۰)، ۱۹ - مثنویات (۳۸۱ - ۳۸۵)، ۲۰ - مقطعات (۳۸۵ - ۳۸۷)، ۲۱ - رباعیات (۳۸۷ - ۳۹۴) و ۲۲ - مفردات (۳۹۴ - ۳۹۶).

در این نسخه هزلیات و مطایبات نیست و حواشی بر گهای چندی از نسخه بواسطه مرکب سیاه شده و دو یادداشت تولد بخط نستعلیق خوب پشت صفحهٔ نخستین نگارش یافته و یادداشتهای دیگری بوده محو گردیده است.

مطالب نامبرده درمتن و حاشیه نوشته شده و درحدود هیجده هزار (۱۸۰۰۰) بیت است.

جلد ساغری ضربی. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۳۹۶. صفحه‌ای ۲۳ بیت. طول ۲۷ سانتیمتر. عرض ۱۷½ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۰۰۳**.

**۱۱۳۷**

**کلیات سعدی** این نسخه که از نسخ بسیار خوب و گرانبها میباشد بخط نستعلیق و از دست و نگارش شاعر مشهور و خطّاط بزرگ **وصال** شیرازی است (محمد شفیع بن محمد اسمعیل مشهور به میرزا کوچك و متخلص به وصال متوفی بسال ۱۲۶۲) و در آخر نسخه چنین رقم نموده: **شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۴۵ لراقمه خروب**. ونگارنده غرض نویسنده را از اینگونه تعبیر ندانست جز اینکه بگوید چون کتاب به هزلیات خاتمه یافته نویسنده بدینگونه از خود معرفی کرده است و خوشبختی اینجاست که در پایان بوستان (برگ ۸۳) نویسنده صریحاً خود را معرفی کرده و احتمال اینکه نویسندهٔ بوستان و آخر کتاب دو نفر باشد بادیدن و دقت درهر دو قسمت راه ندارد.

صفحــات ۱ و ۳۰ و ۸٤ و ۱٦۸ و ۲۵۲ و ۲۸۸ و ۳۰۸ و ۳٦۲ دارای سرلوح های بسیار زیبائیست که مناسب باچنین خطی میباشد واطراف آن صفحه وصفحهٔ برابر آنها (جزص ۸٤ و۳۰۸ و۳٦۲ که فقط دارای سرلوح است وص۳۱٦ که دارای سرسورهٔ ظریفی میباشد، نیز بابهترین طرز تذهیب ونقاشی شده وهمه برگها باطلا ولاجورد جدول کشی گردیده، قصــائد عربی و عناوین مطالب با خط نسخ بشنگرف و لاجورد و طلا (جز قصائد) نوشته شده و مندرجات نسخه راکه در زیر این سطرها یاد میکنیم در حدود نوزده هزار (۱۹۰۰۰) بیت میباشد.

فهرست مندرجات این کلیات پس از دیباچه بیستون اینست:

**۱ ـ ٦** ـ رسائل ششگانه شیخ ص۵۵۳ دیده شود (برگ ۱ـ۱٤)، **۷** ـ گلستان (۱۵ـ٤۱)، **۸** ـ بوستان (٤۲ـ۸۳)، **۹** ـ طیّبات (۸٤ـ۱۲۵ برسرلوح بنام «غزلیات من دیوان شیخ» معرفی شده)، **۱۰** ـ بدایع (۱۲٦ ـ ۱٤۳ بر سر لوح این کتاب اشتباهاً طیبات نوشته شد)، **۱۱** ـ خواتیم (۱٤٤ ـ ۱۵۲)، **۱۲** ـ قصائد عربی (۱۵۲ ـ ۱۵۸)، **۱۳** ـ ملمعات (۱۵۸ ـ ۱٦۰ ملمعاتی که بنــام مثلثات در دیوان چاپی ۱۳۱٦ ش معرفی شده و بعربی و فارسی و بیت سوم ظاهراً زبان شیراز قدیم میباشد در آخر این بخش است)، **۱٤** ـ قصائد فارسی (۱٦۱ ـ ۱۷٤)، **۱۵** ـ مراثی (۱۷٤ ـ ۱۷٦)، **۱٦** ـ ترجیع بند (۱۷٦ ـ ۱۷۹ در آغاز این بخش قصیده ایکه بدین مطلع میباشد:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار  وقصیده ای بدین مطلع میباشد:

« منم کز جان غلام شاه حیدر امیرالمؤمنین آن شاه صفدر »
نگارش یافته )، **۱۷** ـ لغز و معمّا (۱۷۹ ـ ۱۸۱)، **۱۸** ـ صاحبیه (۱۸۱ـ۱۸۷ ازآغازاین بخش چند بیت نگارش نیافته و جای آن گذارده شده )، **۱۹** ـ مثنویات (۱۸۷ ـ ۱۸۸ )، **۲۰** ـ مقطعات (۱۸۸ـ ۱۹۰) این سه بخش اخیربدون امتیاز ازیکدیگر بی‌فاصله نگارش یافته‌است، **۲۱** ـ رباعیات (۱۹۰ ـ ۱۹۳)، **۲۲** ـ مفردات (۱۹۳ ـ ۱۹٤ )، **۲۳** ـ هزلیات (۱۹٤ ـ ۱۹۷ ) و **۲۴** ـ مطایبات ومضحکات (۱۹۷ـ۲۰۰) .

بنا بر آنچه گفته شد دراین نسخه « غزلیات‌قدیم » نیست و یادداشتی مختصر بخط مرحوم شاهزاده محمد هاشم میرزا متخلص به **افسر** رئیس انجمن ادب ایران پشت نسخه موجود است .

جلد روغنی گل و برگ دو روی بسیارظریف . **کاغذ** ترمه . قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۰۰ . صفحه ای ٥٤ بیت . طول ٢٤ سانتیمتر . عرض ١٦ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۹** .

## ۱۱۳۸

## کلیات سعدی

این نسخه بنابرتصریح درپایان، بسال ۱۰۱۰ بخط نستعلیق خوب درمتن‌وحاشیه نگارش یافته، دوصفحهٔ نخستین‌نسخه بابهترین‌طرزی‌تذهیب‌ونقاشی گردیده و بر دو ترنجی که در میان دو صفحهٔ نخستین از طلا پوشیده شده با سفیداب، نام کتاب وبر هریك دو بیت از سعدی: ( بچه کار آیدت

ز گل طبقی الخ ) وازدیگری این دوبیت :

انیس کنج دانایان کتابست — نه بینی به ازین گل در گلستان

مکن جز سیر کلیات سعدی — گرت میل گلستانست و بستان

و اطراف این دو صفحه نام رسائل و کتب مندرجهٔ در این کلیّات نیز با سفیداب نگارش یافته و دوازده ( ۱۲ ) سرلوح در برگهای ۲ و ۳۰ و ۸۵ ، ۱٦۸ و۱۹۳ و۲۰۵ و ۲۸۷ و ۳۱۵ و ۳۳۵ و ۳٤۱ و۳٦٥ و۳٦۰ که هریك طرزش جزدیگریست موجودوهمهٔ برگها باطلا ولاجوردوشنگرف جدول کشی شده وفواصل مطالب طلااندازی ونقاشی گردیده ومندرجات آن پس از مقدمهٔ بدستون عبارتست :

۱ ـ دیباچه کتاب ( برگ ٤ ـ ۷ ) ، ۲ ـ مجالس پنجگانه (۷ـ ۱۸ ) ، ۳ ـ سئوال وجواب صاحب دیوان و شیخ ( ۱۸ ـ ۲۰ ) ، ٤ ـ رساله درعشق وعقل (۲۰ ـ ۲۱) ، ٥ ـ نصیحت الملوك(۲۱ـ ۲۷) ، ٦ ـ رساله مشتمل بر سه حکایت: ۱ ـ ملاقات شیخ با اباقاخان بن هولاکو ۲ـ نصیحت کردن شیخ انکیانوحا کم فارس را و۳ـ حکایت شمس الدین تازی گوی وطرح خرما بربقّالان و کاغذ شیخ واثر آن (۲۷ـ۳۰)، ۷ ـ گلستان(۳۰ـ۸٥)، ۸ ـ بوستان (۸٥ـ۱٦۸)، ۹ ـ قصائد فارسی (۱٦۸ ـ ۱۹۳ ) ، ۱۰ ـ مراثی ( ۱۹۳ ـ ۱۹۷ ) ۱۱ ـ ملمّعات (۱۹۷ـ ۲۰۲ مثلّثات نیزدرآخر این بخش است)، ۱۲ ـ ترجیعات ( ۲۰۲ ـ ۲۰٥ ) ، ۱۳ـ طیّبات (۲۰٥ـ۲۸۷)، ۱٤ ـ بدایع ( ۲۸۷ ـ ۳۱٥ ) ، ۱٥ ـ خواتیم (۳۱٥ ـ ۳۳٥) ، ۱٦ ـ غزلیات قدیم ( ۳۳٥ ـ ۳٤۱ ) ، ۱۷ ـ صاحبیّه ( ۳٤۱ ـ

(۳۵۵) ، **۱۸** ـ مقطّعات (۳۵۵ ـ ۳۵٦) ، **۱۹**ـ رباعیات (۳۵٦ـ ۳٦۰) ، **۲۰** مفردات (۳٦۰ـ ۳٦۱) ، **۲۱**ـ هزلیات بنظم (۳٦۲ ۳٦۸) ، **۲۲**ـ مطایبات درسه مجلس به نثر (برگ ۳٦۹ ـ ۳۷٤)، برگهائی از میان کتاب بدایع (برگ ۲۹۷ ـ ۲۹۸) وخواتیم (۳۳۰ ـ ۳۳۱) این نسخه افتاده و مثنویات وقصائد عربی شیخ در این جا نیست و نسخهٔ کنونی با این نقص ها درحدود هیجده هزار و پانصد (۱۸۵۰۰) بیت است . پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی موجود و یکی را محو کرده‌اند.

جلد نیم سوخت طلا پوش . کاغذ دولت آبادی . قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۳۷٤ . صفحه‌ای ۲۵ بیت . طول ۳۱ سانتیمتر . عرض ۲۰ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۸۳۷۵**.

**۱۱۳۹**

**کلیات سعدی** این نسخه بنا بر تصریح (دربرگ ٦۸) در پایان گلستان، بسال ۱۰۱۷ بخط نستعلیق درمتن و حاشیه نگارش یافته ، برگ نخستین وچندین برگ آخر نسخه نو نویس است ، برگهای چندی هم وصالی گردیده ، برگ ۱ و ٦۸ و ۱۵۵ و ۱۹۳ و ۲۸۰ و ۳۲۲ و ۳۳٦ هریك دارای سرلوحی زیباست که جز سرلوح نخستین که نو وظاهراً کار شیراز، دراواخر قرن سیزدهم میباشد همه کهنه و کار هندوستان است، مندرجات نسخه بترتیب عبارتست از : **۱**ـ گلستان ، **۲**ـ بوستان ، **۳**ـ قصائد

فارسی ، ۴ـ ملمّعات ، ۵ـ ترجیعات ، ۶ـ طیّبات ، ۷ـ بدایع ، ۸ـ خواتیم ، ۹ـ غزلیات قدیم ، ۱۰ـ صاحبیّه (مقطعات و رباعیات) ، ۱۱ـ مثنویات ، ۱۲ـ مقطعات و ۱۳ رباعیات .

بنابراین از آغاز وانجام نسخه کتابهائی بنثر و نظم افتاده است و آنچه موجود میباشد در حدود شانزده هزار وپانصد (۱۶۵۰۰) بیت میباشد .

چند برگی از میان نسخه وصّالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۶۱ . صفحه‌ای ۲۳ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۲۳۹۶** .

## ۱۱۴۰

**کلیات سعدی** این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب محمد یوسف همدانی نوشته ، نام آنکس که برای وی نسخه نگارش یافته و سال نگارش را محو کرده‌اند ، از آثار ماندهٔ آن تاریخ ۱۲۳۵ بدست می‌آید ، درمتن و حاشیه نوشته شده و برگ ۱ و ۲۲ و ۶۱ و ۱۳۵ و ۱۴۱ و ۱۶۳ و ۱۷۱ و ۱۷۶ و ۲۴۴ و ۲۷۷ و ۲۸۹ و ۳۱۵ دارای سرلوح هائی زیباست که هریك بطرزی خاص میباشد ومیان سطرهای صفحهٔ سرلوح دار وصفحهٔ مقابل آن طلا اندازی گردیده (جز برگ ۲۷۱ که فقط میان سطرهای یك صفحهٔ آن طلا اندازی شده و برگ ۳۱۵ که هیچ طلا اندازی نشده‌است) و برگ ۲۹۵ شامل سرسوره‌ای ظریف میباشد وبنابر یادداشتهائی که پشت برگ

نخستین و بر بر گیکه پیش از آنست ودرحواشی برخی‌از برگهای نسخه‌نگارش یافته بسال ۱۲۹۹داخل کتابخانه عزالدوله عبدالصمد میرزا شده و در آن مطالعه و نظر مینموده و در بعضی از صفحات نقص و افتادگی برخی ازکلمات وسهوالقلم‌های نویسنده را تذکر داده است .

مندرجات نسخه پس از مقدمهٔ بیستون بترتیب اینست :

**۱ـ۶**ـ رسائل‌ششگانه(ص۵۵۳دیده‌شود)، **۷**ـ گلستان(۲۲ـ۶۱)، **۸**ـ بوستان(۶۱ـ۱۳۵)، **۹**ـ قصائدعربی (۱۳۵ـ۱۴۱)، **۱۰**ـ قصائد فارسی(۱۴۱ـ۱۶۳)، **۱۱**ـ مراثی(۱۶۳ـ۱۶۷)، **۱۲**ـ ملمّعات(۱۶۷ـ ۱۷۱) ، **۱۳**ـ ترجیع بندها ( ۱۷۱ـ۱۷۵ ) ، **۱۴**ـ طیبات ( ۱۷۶ـ ۲۴۴) ، **۱۵**ـ بدایع ( ۲۴۴ـ۲۷۶ ) ، **۱۶**ـ خواتیم ( ۲۷۷ـ۲۸۸ ) ، **۱۷**ـ غزلیات قدیم (۲۸۹ـ۲۹۵) ، **۱۸**ـ صاحبیه(رباعیات ومقطعات) (۲۹۵ـ۳۰۴) ، **۱۹**ـ مثنویات (۳۰۴ـ۳۰۸) ، **۲۰**ـ مقطعات(۳۰۸ـ ۳۱۰) ، **۲۱**ـ مطایبات بنظم ( ۳۱۰ـ۳۱۵ ) ، **۲۲**ـ هزلیات در سه مجلس به نثر ( ۳۱۵ـ۳۱۹ ) ، **۲۳**ـ رباعیات ( ۳۱۹ـ۳۲۲ ) و **۲۴**ـ مفردات ( بر گک ۳۲۲ـ۳۲۳ ) .

همهٔ مندرجات نام برده در حدود شانزده هزار ( ۱۶۰۰۰ ) بیت است .

جلد روغنی دارای مجلس درس شیخ وطرف درون با طلا تصویر لیلی ومجنون کشیده شده وپشت جلد سازنده خود را زین‌العابدین افشار وتاریخ کار را سال ۱۲۳۸ معین نموده و پیداست که جلد برای همین نسخه تهیه شده است . **کاغذ** ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۲۳ . صفحه ای ۲۵ بیت . طول ۲۵ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۵۲۳۷** .

۱۱۴۱

**کلیات سعدی** این نسخه بخط نستعلیق خوشخطی با اغلاط بسیار نگارش یافته ، نویسنده از خود وسال نوشتن نام نبرده ، پیداست که در نیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجری نوشته شده . برگ نخستین نسخه افتاده و آغاز کنونی نسخه اینست :

احسن الله عاقبته و احواله در مجمعی حاضر بود در خدمت جمعی تمام از مخادیم و ائمه اسلام الخ .

برگهای بسیاری از نسخه نیازمند وصالی است وهر یك از صفحات ۳۸و۱۰٦و ۲۰۸ و۲۳۸ و۲۵۰ و۳٤٦ و۴۰۸ دارای سرلوحی میباشد وهمهٔ برگها باطلا ولاجورد وزنگار جدول کشی شده ومندرجات نسخه پس از مقدمهٔ بیستون که چند سطر اول آن افتاده عبارتست از :

**۱-٦**- رساله های شش گانه (ص۵۵۳ دیده شود)، **۷**- گلستان ، **۸**- بوستان ، **۹**- قصائد فارسی ، **۱۰**- مراثی ، **۱۱** - ترجیعات ، **۱۲** - طیبات ، **۱۳**- بدایع ، **۱۴**- خواتیم ، **۱۵**- صاحبیه (مقطعات و رباعیات ) ، **۱٦** - مثنویات ، **۱۷** - مقطعات ، **۱۸** - مطایبات ، **۱۹** - هزلیات بنثر درسه مجلس ، **۲۰**- رباعیات و **۲۱**- مفردات.

بنا براین در این نسخهٔ کلیات ۱ - ملمّعات ، ۲ - قصائد عربی ، ۳- غزلیات قدیم نیست وباوجود این نقص درحدود نوزده هزار (۱۹۰۰۰) بیت است .

پس ازانجام نگارش مفردات واتمام کلیات ابیاتی که ظاهراً نیز

از سعدی است نگارش یافته است .
**جلد** روغنی ترنجی گل و بوته دارد در میان و دورو، طرف درون نرگس. **کاغذ** فرنگی. قطع رحلی . شمارهٔ برگها ۲۳۷ . صفحه‌ای ٤٠ بیت. طول ½۳۳ سانتیمتر. عرض ۲۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸٦٣٨** .

## ۱۱۴۲

**کلیات سعدی (گلستان و مجلس دوم)**

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۱۲۳۷ لطف‌الله حسینی نوشته وچون بخشی از باب چهارم را نگاشته کاغذی که برای نگارش این نسخه آماده کرده بوده تمام شده، بقیه کتاب را میان سطرهای نسخه ازهمان برگ آخر به عکس ترتیب اصلی کتاب (از پائین ببالا) بانجام رسانیده و چون میان سطرهای چند برگی از اوائل نسخه مانده گلستان تمام شده مجلس دوم ازمجالس پنجگانه شیخ که جزء دومین رسالهٔ نثری کلیات سعدی است دنباله گلستان نوشته شده و این بخش هم بانجام نرسیده جای خالی میان سطرها بپایان آمده و زیر سطر نخستین نسخه آخرین سطر نگاشته شده و نام نویسنده و سال نگارش هم اینجاست .

عناوین مطالب باشنگرف ولاجورد نوشته‌شده وسرلوحی ظریف درآغاز کتاب میباشد وبرگها باطلا ولاجورد جدول کشی شده است.
جلد روغنی گل وبوته دورو وطرف داخل نرگس . کاغذ ترمه . قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۳۰ . صفحه ای ۲۲ سطر. طول ۲٦ سانتیمتر. عرض ۱٦ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳٦۹۵** .

### ۱۱۴۳

**کلیات سعدی (گلستان)** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بدون ذکر تاریخ و نام نویسنده نوشته شده، نگارنده را گمان نزدیک به یقین اینست که از خطوط مرحوم میرزا علی نقی خوش نویس شیرازی میباشد که در سالهای اوائل دهۀ پنجم از قرن چهاردهم هجری بجهان دیگر شتافته است.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ فرنگی مهره زده. قطع خشتی باریک. شمارۀ برگها ۱۲۴. صفحه ای ۱۲ سطر. طول ۲۲ سانتیمتر. عرض ۱۵ سانتیمتر. شمارۀ دفتر **۱۳۲۸۲**.

### ۱۱۴۴

**کلیات سعدی (گلستان)** این نسخه را که فقط گلستان میباشد بخط نسخ برجسته با سفیداب بدون ذکر تاریخ، فرقانی نوشته و این نویسنده همان میرزا علیخان فرقانی اصفهانی است که بسال ۱۳۴۶ نیز قرآنی باسفیدآب سه رنگ نوشته وزیر شمارۀ ۷ در این کتابخانه موجود ودر ص ۵ فهرست (جلد اول کتب خطی) معرفی گردیده وظاهراً نگارش این نسخه پس از این تاریخ میباشد وعناوین این کتاب با سفیدآب مخلوط با شنگرف است.

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی کبود رنگ . قطع رحلی بزرگ . شمارهٔ برگها ۱۲۵ . صفحه‌ای ۱۴ سطر . طول ۱/۲ ۳۸ سانتیمتر . عرض ۳۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۹۶۸۸** .

**۱۱۴۵**

**کلیات سعدی (بوستان)**

این نسخه را بخط نستعلیق بسیار خوب نظام السامی ( کذا ) الفارسی بسال ۸۹۷ نگاشته ، در آغاز سر لوحی ظریف دارد ، عناوین مطالب با طلا نگارش یافته ، همهٔ برگها با طلا و زنگار جدول کشی شده ، کنار برگها آثار آبدیدگی دارد ، پشت برگ نخستین و برگ پیش از آن یادداشتهائی از آنانکه نسخه را یکی پس از دیگری مالک شده اند موجود و از این یادداشتها بدست میآید که چندی درعثمانی ( ترکیه کنونی ) بوده و دو برگ شامل ص ۳۱۴-۳۱۷ وصالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارائی . قطع خشتی باریک . شمارهٔ برگها ۱۶۹ . صفحه ای ۱۲ بیت . طول ۱/۲ ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۸۹** .

**۱۱۴۶**

**کلیات سعدی (بوستان)**

این نسخه ازخطوط میرعماد خطاط معروف میباشد ، درآخر نسخه نویسنده نام خودرا رقم نموده و گوید برحسب امر بندگان

نواب مستطاب قبله گاهی **اعتقاد خان** نگارش یافت . پشت صفحه نخستین و آخرین و بر ورق ننوشتهٔ پیش از آن یادداشتهائی از معتمد الدّوله نشاط (عبد الوهاب) و مؤید الدّوله طهماسب میرزا با مهر اسم وی ، و میرزا ابو الفضل بن فضل الله ساوجی ومیرزا زکی علی آبادی و محمد شفیع صدر اعظم مازندرانی و مهر وی در تصدیق وشهادت خط نسخه ونفیس بودن آن نگارش یافته واین یادداشتها بر نفاست آن افزوده اند ،

دو صفحه نخستین فقط شامل شش بیت اول کتاب میباشد واطراف آن تذهیب و سرلوح سازی و نقاشی ظریف میباشد و عنوان مطالب بر سوره های بسیار ظریف با سفیداب نگارش یافته است . جلد روغنی یك رو گل و بوته دارد . **کاغذ** متن خان بالغ **حاشیه** بخارائی . قطع بغلي . شمارهٔ برگها ۲۰۵ ، صفحه ای ۱۰ بیت . طول $\frac{1}{2}$۱۳ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۹ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۶** .

## کلیات سعدی

**سعدی** تخلص **مشرف بن مصلح** شیرازی است که از سخن سرایان بزرگ ومشاهیر شعرای فارسی زبان در قرن هفتم هجری بوده وتا کنون مقام اوّلیّت خود را از دست نداده و شاید روز بروز بر تر رود و کسی نباشد که از شعر و ادب بهره‌ای داشته و نام این مرد نامی را نشنیده باشد ، گذشته از اینکه اینك در آسمان شعر وادب **سعدی** آفتابی‌است درخشنده وماهی‌است تابنده ، درعصر وزمان خویش هم شهرتی بسزا داشته و درشرق و غرب اورا ببزرگی یادمیکردهاند ، چنانکه در ذیل شرح حال شاعر معاصر وی امیرخسرو دهلوی (ص۱۸۸) نگاشته شد ، وی بدین بزرگ اعتقادی‌زیاد داشته وباستادی او معترف بوده وبزرگی خود را دراین میدانسته که چون سعدی شعرمیسراید و گاهی هم باوجود شاعری چون وی در جهان از گفتن شعرمتفعل بوده چنانکه درقران‌سعدین که بسال ۶۸۸ انشا نموده گوید :

نوبت سعدی که مبادا کهن شرم نداری که بگوئی سخن

و پس از مرگ سعدی نیز بدین عقیده باقی بوده و گوید :

خسرو سرمست اندر عاشقی معنی بریخت

شیره از خمخانهٔ مستی که در شیراز بود .

و نیز درجای دگر گوید : جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی .

و حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی که چون برادر بزرگتر شیرازی خود از مشاهیر سخن سرایان میباشد استادی ویرا معترف و در باره او گوید :

استاد غزل سعدیست پیش همه کس اما دارد سخن حافظ طرز سخن خواجو

اگر چه رویه این نگارنده این بوده و هست که پیش از معرفی از هر مؤلفه‌ای مؤلف و منشی آنرا تا حدی که بتواند معرفی‌نماید ولی بدینجا که رسید کمیت خود را لنگ و خود را از انجام این خدمت ناتوان دید و از این عدم توفیق بس نگران گردید ولی توجه به اینکه دراین عصر فرخنده ، دانشمند فرزانه جناب آقای حکمت ( علی اصغر ) وزیر پیشین معارف و اوقاف ( فرهنگ ) پس از اینکه بسال ۱۳۱۳ شمسی جشن هزاره فردوسی طوسی را با بهترین طرز انجام داد بسال ۱۳۱۶ شمسی برابر سال ۱۳۵۶ قمری که هفتصد مین سال تألیف گلستان بود جشن دیگری در سرتاسر کشور شاهنشاهی بر پا و هریك از دانشمندان بزرگ ونویسندگان و گویندگان را بنگارش موضوعی در بارهٔ این شاعر بزرگ جهان تشویق و چنانکه شایسته مقام سعدیست بانجام آن موفق گردیده وآن مقالات گرانبها را در مجلهٔ رسمی وزارت معارف(تعلیم وتربیت = آموزش وپرورش) بجای شمارهٔ بهمن واسفند سال ۱۳۱۶ بنام « **سعدی نامه** » در دویست و هیجده ( ۲۱۸ ) صفحه با گراور های زیبائی از شیخ سعدی و نسخ مهمه‌ای ازکلیات وی منتشر نمودند وگذشته از این بر آن شدند که دورهٔ کاملی از کلیات سعدی را با دقت کاملیکه درخور چنین اثر گرانبهائیست و بدبختانه تاکنون چنانکه شایسته بوده چاپ نگردیده ، منتشر نمایند خوشبختی ایشان این شد که جناب آقای فروغی ( محمد علی )که از مردان نامی و سیاست مدار ایران و از دانشمندان مشهور میباشند انجام این خدمت بزرگ را پذیرفته و تاکنون گلستان و بوستان و غزلیات و رباعیات و قطعه هائی که جنبهٔ مغازله و عشقی داشته منتشر فرموده و قصائد و غزلیات و رباعیات و قطعاتی که جنبهٔ اخلاقی وحکمی و عرفانی داشته اینك زیر چاپ دارند و بهمین زودی چشم منتظران را روشن خواهد نمود و

معظم‌له آنچه شایسته مقام بزرگ سعدی بوده در مقدمهٔ این سه بخش که تاکنون منتشر گردیده داد سخن داده‌اند وقطعاً در آغاز آخرین بخش هم افاداتی خواهند داشت

گذشته از این تقسیمی که این جناب برای اشعار سعدی نموده اند رویه دیگری هم اتخاذ کرده‌اند و آن ترتیب همهٔ غزلیات شیخ که درپنج کتاب غزل (طیبات ، بدایع ، غزلیات قدیم، خواتیم وملمعات) وی متفرق بوده بترتیب بسیار منظم بر حسب قوافی است بدین معنی که همهٔ غزلیات ردیف الف هرپنج کتاب را بترتیب و مناسب یکدیگر بدون ترتیب اصلی که تاکنون معمول بوده مرتب نموده و تا ردیف یاء بهمین نحو پیش رفته‌اند و در مقابل هر غزلی هم اشاره باینکه در نسخ پیشین جزء کدام یك از کتب پنجگانه بوده گردیده‌است

استادمحترم آقای عبدالعظیم قریب هم درمقدمهٔ گلستانی که منتشرنموده‌اند بحث بسیارمفصل عالمانه و محققانه‌ای درشرح حال شیخ وممدوحین وی در ۱۱۰ صفحه نگاشته که مطالعهٔ آن اثرنفیس که چون دیگر آثار این استادبزرگوار با کمال دقت وصحت نگارش یافته ، ودیگرمقالات ورساله‌هائی که درباره شیخ مقارن جشن هفتصدمین سال تألیف گلستان نگاشته شده نگارنده را ازخیال بحث دراین موضوع آسوده کرد ونیز بامقدمهٔ عالمانه دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی بربوستان در شرح حال سعدی وآثار او جزاین چند سطر مختصرچیزی عرضه نمیدارد .

**نام سعدی** چنانکه در نسخهٔ کهن سال تاریخ گزیدهٔ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ( شمارهٔ ۱٦۱۳ ) که مسلماً در نیمهٔ قرن هشتم و از روی نسخهٔ اصلی نوشته شده و تذکرهٔ شعرا یا « سفینهٔ اشعار » بسیار کهنه این کتابخانه ( ص٤٠٩ )که درص ۱٥۷ – ۱٦٠ ازیر شمارهٔ ۹٠٠ معرفی گردید وآن نیزبرحسب احتمال قوی درنیمهٔ نخستین قرن هشتم نگارش یافته ، **مشرف بن مصلح** میباشد و در دونسخهٔ نام برده برسم نگارش در زبان فارسی کلمهٔ بن میان نام پدروپسر نگارش نیافته ووفات وی درنسخه تاریخ نام برده هفدهم ذی حجه سال ششصد ونود (٦۹٠) با حروف تسعین و تسعمائه ) ثبت گردیده و در نسخهٔ عکسی تاریخ هفتم ماه نام برده ثبت گردیده وچون این نسخهٔ خطی مسلماً تاریخ نگارش آن بر تاریخ نسخه عکسی مقدم میباشد وگذشته ازین تصحیح هم گردیده « هفتم » غلط است و نگارنده تصور میکند که ضبط سال ٦۹۱ برای فوت شیخ دراثر قرب ۱۷ ذیحجه بمحرم الحرام که آغاز سال ٦۹۱ است بوده باشد و آنانکه کلمهٔ **خاص** راماده تاریخ وفات شیخ گرفته‌اند دراثر این بوده که در

در اثر این بوده که در اوائل سال ۶۹۱ خبر مرگ سعدی را شنیده اند و تصور نکرده‌اند که سیزده یا چهارده روز پیش از آغاز سال ۶۹۱ مرگ این شاعر بزرگ واقع گردیده‌است ونگارنده دربارهٔ تولّد وی نیز معتقداست که درهنگام انشاء بوستان ( ٦٥٥ ) چنانکه خود گفته هفتاد سال داشته و مؤید آن هم گذشته از اشارات تاریخی در گلستان این بیت است :

ای بار خدای عالم آرای بر بندهٔ پیر خود ببخشای
سعدی ره کعبه رضا گیر ای مرد خدا ره خدا گیر

که درباب سیم در آخر حکایت منظوم میباشد بنابراین، تولد وی بسال ٥٨٥ بوده‌است.

بهر حال بیش از آنچه گفته شده تکرار مکررات میباشد و در اینجا فقط بایستی آثار باقی مانده ازشیخ را معرفی نمود .

آنچه اثر ازشیخ دردست ماست وبنام «**کلیات سعدی**» معروف میباشد ظاهراً از سال ٦٥٥ تاآخرعمر شیخ میباشدو اثری ازپیش ازین تاریخ در آن نیست . از بیانات **بیستون** در دیباچه کنونی کلیات استفاده میشود که پیش از سال ۷۲۰ که وی تغییری درترتیب کتب کلیات داده بوده آثار شیخ **هم** دریکجا گرد بوده (۱) و این دانشمند (علی بن احمد بن ابی بکر ) مشهور به **بیستون** برای اینکه پیدا کردن غزلی بآسانی دست دهد بدواً بسال ۷۲۷ غزلیات طیبات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم و ملمعات را موافق ترتیب حروف تهجی آغاز مطلع های آنها مرتب نمود و پیش ازهریك فهرست آنها را نگاشته و منتشر کرده(۲) وپس ازهشت سال دیگر بواسطه خواستن بیتی ازمیان غزلی و نیافتن آن متوجه نقص ترتیب نام برده گردید ه دو باره آنها را بترتیب قوافی

---

۱ـ نسخه ای از کلیات سعدی ( ولی بدبختانه ناقص ) درکتابخانه ملی ملك در تهران موجود که طرزخط وکاغذ آنها کم‌است که اگردر زمان خود شیخ نوشته نشده مسلماً چند سالی بیش ، پس‌از او نوشته نشده وطرزتنظیم وترتیب کتب و غزلیات آن غیراز آنست که درمرتبه اول ودوم «**بیستون**» مرتب نموده ،ومثلا گلستان در آغاز کنونی نسخه میباشد و در نیمه صفحه بانجام رسیده بی فاصله نصیحت الملوك پس‌از آن نوشته شده وپس ازآن‌دو مجلس از مجالس پنجگانه شیخ و پس ازآن بوستان بنام سعدی نامه وپس ازآن کتابهای غزلیات است .

۲ ـ نسخه‌ای از این‌کلیات که بدین طرز نگارش یافته آقای بدیع الزمان ( فروزان فر ) استاد محترم دانشگاه دارند و طرز نگارش حکم میکند که در نیمهٔ نخستین قرن هشتم نگارش یافته است .

موافق حروف تهجی که اکنون بر آن ترتیب میباشد مرتب نموده وبگفتهٔ خود وی بسال ۷۳٤ موفق بانجام آن گردیده و رسالهٔ مضحکات را که بنثر وپیش از شروع بگلستان در آخر آثار نثری شیخ بوده بآخر کتاب برده است.

فهرست مندرجات کلیات شیخ که بیستون هم در مقدمهٔ خودش بدان اشاره نموده اینست:

**۱** - مقدمه بیستون که بسال ۷۳٤ نگارش یافته ، **۲** - دیباچه‌ای که منسوب به خود شیخ میباشد ، **۳** - مجالس پنجگانه که ظاهراً خلاصه‌ای از بیانات منبری شیخ در پنج مجلس میباشد ، **۴** - پنج سئوال شمس‌الدین صاحبدیوان و جواب شیخ بنظم ، **۵** - سئوال سعدالدین نطنزی بنظم از شیخ در بارهٔ عقل وعشق وجواب شیخ به نثر ، **٦** - نصیحت الملوك و **۷** - شرح ملاقات شیخ با اباقاخان ونصیحت کردن وی انکیانو راوچند بیتی که درباره برادرخویش پیش سپهسالار شمس‌الدین تازیکوی فرستاده وشرح آن داستان میباشد وچنانکه از عبارات مندرجه درشش بخش بالا استفاده میشود دیگری بنظم وترتیب وبیان آنها پرداخته‌است و **۸** - **گلستان** است که از مشاهیر کتب نثر فارسی است و بنابرتصریح خود شیخ بسال ٦۵٦ انشا گردیده ودرهشت باب میباشد ودرایران وهندوستان واروپا و مصر وعثمانی (ترکیه) وغیره مکرر چاپ شده وبزبانهای زندهٔ اروپائی مکرر ترجمه وچاپ گردیده وبر آن چندین شرح نگارش یافته (مقدمه آقای قریب دیده شود).

**۹** - بوستان یا سعدی نامه منظومه‌ایست بوزن مثنوی تقریباً درپنجهزار بیت ببحر متقارب واین نیزدرده باب مرتب گردیده وانشاء آن بسال ٦۵۵ بوده ونخستین اثر شیخ است که تاریخ آن معین میباشد وبرحسب دقت خود برای آن صریحاً نامی نگذاشته و درنسخ کهن سال کلیات بنام « **سعدی نامه** » معرفی گردیده و در سه چهار قرن اخیر بنام **بوستان** که ظاهراً بمناسبت گلستان بر این کتاب گذارده شده مشهور گردیده است.

**۱۰** - قصائد عربی ، **۱۱** - قصائد فارسی ، **۱۲** - مراثی ، **۱۳** ملمعات و ترجیعات (۱) ، **۱۴** - طیبات ، **۱۵** - بدایع ، **۱٦** - خواتیم ، **۱۷** - غزلیات قدیم . این پنج بخش اخیر جز اولی آنها که شامل قصیده و مثنوی و غزل ملمع ( اشعار ملمع که بسه زبان عربی و فارسی کنونی و فارسی قدیمی که ظاهراً زبان بومی شیرازبوده جزء این بخش وملمعات است) میباشد عبارتند

۱ - درنسخ خطی و چاپی فقط یك ترجیع بند که ترجیع آن : بنشینم و صبر پیش گیرم . میباشد ، ازشیخ نقل گردیده وسید جمال‌الدین کاشی معاصر شیخ آنرا جواب گفته وچند بیت ازآن درتاریخ گزیده ذیل نام گویندهٔ آن ثبت شده است.

از غزلیات و معلوم نیست که این نام ها را خود شیخ بر این دستهٔ از اشعار گذارده و یا دیگران نهاده‌اند و وجه مناسبت هم بدست نیامد و مندرجات آنها هم بنحویست که نمیتوان از نام آنها زمان انشاء را بدست آورد ، **۱۸** - صاحبیّه که عبارتست از قطعات وهدیه ، به رباعیاتی در نصیحت وموعظه واز نام آن برمیآید که آنها را برای تذکر شمس‌الدین صاحبدیوان یکجا گرد آورده وفرستاده وبهمین مناسبت **صاحبیه** نامیده شده واین قطعه که در مقطعات شیخ میباشد بر این معنی شاهدیست قوی :

سفینهٔ حکمیات و نثر و نظم لطیف — که بارگاه ملوك و صدور را شاید
بصدر صاحب صاحبقران فرستادم — مگر بعین عنایت قبول فرماید
ز دیده رفت ندانم رسید یا نرسید — بر آن دلیل که آینده دیر می آید
بپارسائی از این حال مشورت بردم — مگر ز خاطر من بند بسته بگشاید
بگفت،گفت‌ندانی که‌خواجه‌دریائیست — نه هر سفینه ز دریا درست میآید

ونگارنده احتمال میدهد اشعاری‌که بوزن مثنوی‌شامل نصائح ومواعظ میباشد و در بیشتر از نسخ خطی و چاپی از صاحبیه با فاصله نگارش یافته جزء این صاحبیه بوده و هست و در بعضی از نسخ اشعار عربی که در آغاز و میان این بخش بوده نگارش نیافته و در بعضی ازچاپها مقطعات دیگر شیخ را هم جزء این بخش نوشته‌اند .

**۱۹**- مقطعات ، **۲۰**- رباعیات ، **۲۱**- مفردات ، **۲۲**- و**۲۳** - هزلیات و مطایبات ( بنظم ) و خبیثات که نثر و در هزل و مزاح میباشد و برخی شأن شیخ‌را اجل ازانشاء این دو بخش ومخصوصاً بخش‌آخر منزّه دانسته‌اند وچنانکه درآغاز این بخش تصریح گردیده بعضی از شاه زادگان شیخ را وادار کرده‌اند که نظیر سوزنی بچنین انشائی مبادرت نماید لذا با پوزش ومعذرت بدین کار دست زده واستغفارهم کرده است .

دربعضی‌از نسخ‌کلیات‌بخشی‌بنام‌لغز ومعماموجودونسخهٔ‌شماره ۱۱۳۷ این کتابخانه چنانکه گذشت شامل آنست وچاپ ۱۳۱۶ شمسی کلیات آنرا نیزشامل‌میباشد و **مثنوی**عرفانی که‌بنام‌**کریما**نامیده‌شده‌ودرچاپی که‌به‌تصحیح‌شاعرمشهور‌شوریده (فصیح‌الملك) شیرازی وچاپ سال ۱۳۱۶ شمسی نگارش یافته نگارنده برصحت انتساب آن تردیددارد، وبعضی ازآنانکه‌درباره شیخ‌و کلیات اوقلم بدست گرفته‌اند شمارهٔ ابیات‌کلیات را بیست هزار نوشته اند وما درذیل هریك ازنسخ‌که معرفی کرده‌ایم شمارهٔ تقریبی آنها را یاد نموده‌ایم .

**۱۱۴۷**

**کلیات عطار** این نسخه را بنابر تصریح در آخر الٰهی‌نامه (ص۱٥٦) حسین بن محمود بن فضل‌الله مشهور به **خاصه** بخطی مرکب از نسخ و تعلیق (نه نستعلیق) در متن نگاشته و سال نگارش در اینجا ۸۳۷ و در چند جای دیگر به سال ۸٤۰ ثبت گردیده، در آغاز هریك از شش مثنوی که ذیل این سطرها معرفی میشوند سرسورهٔ بسیار ظریفی میباشد و با طلا نام مثنویها بر آنها نگارش یافته و پشت صفحهٔ نخستین ترنج بسیار زیبائیست و همهٔ برگها با طلا جدول کشی شده و عناوین مطالب مثنویها نیز با طلا و شنگرف وغیره است.

پشت برگ نخستین کاغذ چسبانیده شده ولی ترنج نام برده در میان آن بحال خود میباشد ونام برخی ازمؤلفات عطار ومندرجات در این نسخه براین صفحه نگارش یافته و یادداشتی پشت آخرین صفحه بوده محو گردیده است.

مندرجات این نسخه بترتیب عبارتند از:

**۱ ـ الهی نامه**، (ص۱ـ۱٥٦) که درحدودهفتهزاربیت است، از آغاز تا سیصد و نود (۳۹۰) بیت با نسخ خطی و چاپی مطابقت ندارد و از آن ببعد مخالفت چندانی ندارند، برگی که جای آن میان ص۱۳ـ۱٤ میباشد در صحافی جابجا گذارده شده و اینک دارای صفحه شمار ۲۸٦ـ۲۸۷ میباشد.

۲ - **مصیبت نامه**، (ص ۱۵۷_۳۳۷) در حدود هشتهزار (۸۰۰۰) بیت است. ۳ - **منطق الطیر**، (ص ۳۳۹_۴۴۰) درحدود چهار هزار و پانصد (۴۵۰۰) بیت میباشد. ۴ - **اسرار نامه**، (ص ۴۴۳_۴۹۶) در حدود دو هزار و چهار صد (۲۴۰۰) بیت است. ۵ - **خسرونامه** یا **خسرو گل**، (ص ۴۹۹_۶۸۵) درحدود هشتهزار و پانصد (۸۵۰۰) بیت میباشدودرحدود هشتصد (۸۰۰) بیت از نسخهٔ چاپی بیشتر است. ۶ - **مختار نامه**، (ص ۶۸۸_۷۷۸) در حدود یکهزار و دویست و پنجاه (۱۲۵۰) رباعی میباشد، پشت صفحهٔ نخستین مقدمه نثری کتاب را نویسندهٔ دیگری جز نویسندهٔ نسخه (ظاهراً در قرن سیزدهم) بخط شکسته نستعلیق نگاشته است.

جلد نیم ضربی، طرف درون طلا پوش. کاغذ بخارائی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۲۹۰. صفحه ای ۴۶ بیت. طول ۲۵ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۸۹۴**.

**۱۱۴۸**

## کلیات عطار

نویسندهٔ این نسخه بنابر تصریح درص ۷۹۴ و ۸۳۲ بابا سلطان بن بابارضی بسال ۱۰۹۱ بخط نسخ میباشد و مندرجات آن بترتیب عبارتست از:

۱ - **رموز اهل راز**، (ص ۱_۳۸۲) نویسنده، این نسخه را نمیشناخته و پیداست که از روی نسخه ای مشوش که شامل برگهائی از **اشترنامه** و این کتاب بوده آنرا نوشته و جای ۵۶۲ بیت اشترنامه درص ۱_۲۶ سطر ۴ وص ۲۴۴ سطر ۲ تا سطر ۹ است

ودر آغاز صفحه نخستین، نسخه راباشنگرف جوهر الذات معرفی نموده ومسلماً ندانسته نوشته ونیز درذیل معرفی از **رموز اهل راز** ادلّه خودرا ذکرخواهم نمود واین نسخه جز ابیات اشترنامه درحدود پنجهزار و هشتصد ( ٥٨٠٠ ) بیت میباشد و صفحهٔ آخر آنهم فقط شامل پنج مصراع دوم از ابیات میباشد . **۲ - هیلاج نامه**، (ص ۳۸۷ــ۷۹٤) در حدود هفتهزار (۷۰۰۰) بیت میباشد و نویسندهٔ متعصب چهل و چهار بیت از اوائل کتاب را که درمدح خلفاء ثلاثه بوده ننگاشته و پس از انجام این نسخه همین نویسنده ابیاتی فارسی و ترکی از این و آن نوشته است . **۳ - بلبل نامه**، (ص ۷۹۹ــ۸۳۲) این نسخه درحدود ششصد (٦۰۰) بیت میباشد . **۴- رموز العاشقین**، (ص ۸۳٥ ٨٤٨) چنانکه خواهم گفت این کتاب از عطار معروف نیشابوری نیست و از آخر ناتمام است واینك یکصدو نود و پنج (۱۹٥) بیت میباشد و بدین بیت خاتمه یافته :

آتش غیرت بسوزد غیر را    کعبه را هم زندراهم دیررا .

جلد میشن . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٤۲٥ . صفحه ای ۱۷ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲٤ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳٥٥۸** .

## ۱۱۴۹

**کلیات عطار و غیره**

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود وسال نگارش نام نبرده، در پایان آخرین صفحه عدد **۱۱۳٦** باشنگرف

دیده میشود احتمال نزدیك به یقین آنست که تاریخ نگارش باشد وطرز نگارش و تذهیب مؤیدمیباشد، نسخه‌ایکه زیر شماره۴۴۳ در جلد اول فهرست ( ص۲٦۰ ـ ۲٦۱ ) این کتابخانه معرفی شده بخشی از کلیّات عطار وتتمهٔ این نسخه و بخط نویسنده آن‌میباشد، در ص ۱و۱۲۹و۲۰۵و۲٤۷و۲۷۵و۲۹۳ سر لوح های زیبائیست و برگها مجدول بطلا ولاجورد وشنگرف ودرپایان صفحهٔ ۲۰۲و۲۰۳ ابیاتی ازاحمد جامی (زنده پیل) ومحی‌الدین‌نگارش یافته‌ومندرجات نسخه بترتیب عبارت است :

۱ ـ **مختار نامه**، ( ص۱ـ۱۲۷ ) و این نسخه در حدود دوهزار (۲۰۰۰)رباعی میباشد، دیباچه راهم‌داراست‌وچهار رباعی که‌درآخر نسخهٔ پیشین‌است درآخراین نسخه‌نیست و۷۵۰ رباعی ازآن بیشتر دارد . ۲ ـ **اشتر نامه**، (ص ۱۲۹ـ۲۰۲ ) در حدود سه‌هزاروهفتصد ( ۳۷۰۰ ) بیت است . ۳ ـ **کنزالاسرار**،این نسخه در حدوددوهزار ( ۲۰۰۰ ) بیت میباشد و چنانکه خواهم گفت این کتاب از عطار نیست و نسبت آن بدین عارف نادرست است . ۴ ـ **کنزالحقائق** ، ( ص ۲٤۷ـ۲۷۳ ) در حدود یکهزار وسیصد ( ۱۳۰۰ ) بیت‌میباشد و این کتاب نیز از عطار نیست و مؤلف‌آن زیر این سطر هامعرفی خواهد شد . ۵ ـ **پند نامه** ، ( ص ۲۷۵ـ۲۹۱ ) این نسخه درحدود هشتصد (۸۰۰) بیت میباشد و آغاز و انجام آن با نسخ چاپ‌اروپاو ایران مخالف و بدین بیت آغاز شده :

ابتدا کردم بنام کردگار      خالق خلق‌از صغار واز کبار.

**۶ - دیوان عطار**، (ص ۲۹۳-۴۲۹) این نسخه‌شامل قصائد و غزلیات و رباعیاتی از عطار میباشد و مرتب به ترتیب ردیف‌هانیست و در حدود ششهزار و چهار صد (۶۴۰۰) بیت است.

جلد تیماجی نیم ضربی ساخته شدهٔ سال ۱۲۷۷. کاغذ بخارائی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۱۵. صفحه‌ای ۵۰ بیت. طول ۳۱ سانتیمتر. عرض ۱۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸۲۹۷**.

## ۱۱۵۰

**کلیات عطار** این نسخه بخط نستعلیق نویسندهٔ نسخهٔ پیشین و دارای دوسرلوح زیبادرص۱و۲۳۳میباشدوهمهٔ برگهای آن باطلا جدول کشی گردیده‌ومندرجات آن عبارتست از:

**۱ - جوهرالذات**،(ص ۱-۲۳۰) این نسخه فقط بخش نخستین از این کتاب میباشد و در حدود دوازده هزار و چهارصد(۱۲۴۰۰) بیت میباشد و **۲ -لسان‌الغیب**، (ص۲۳۳-۳۴۱) این نسخه درحدود پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰) بیت است.

جلد تیماجی. کاغذ بخارائی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۱۷۱. صفحه‌ای ۵۰ بیت. طول $\frac{1}{2}$۳۳ سانتیمتر. عرض ۲۱ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۸۲۹۸**.

## ۱۱۵۱

**کلیات عطار و غیره** این نسخه بخط شکسته نستعلیق درمتن و حاشیه نوشته شده (ظاهراً در قرن‌سیزدهم) نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده و

مندرجات آن عبارتست از:

**۱ - مظهر الاسرار و مظهر العجائب**، (برگ ۱ـ۱۳۴) این نسخه در حدود ششهزار و هشتصد (۶۸۰۰) بیت میباشدو بدین بیت انجام میپذیرد :

گر همی دانی معانی را بگفت
زانکه او سرّیست اندرجان نهفت .

و سی سئوال و جواب پیر سالك و عطار در این نسخه موجود است . **۲ - جوهر الذات**، (برگ ۱۳۵ـ۱۵۱) از آغازاین نسخه هفتصد و پنجاه (۷۵۰) بیت واز آخر آن در حدود پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰)بیت افتاده و بدین دو بیت آغاز وختم میشود .

ترا معراج اینجا داده (کذا) دوست
که باشد مغز جانت جملگی پوست .

............................

ز ذات پاك بیچون اوفنا شد در اینجا که نهان‌عین‌لقاشد.

**۳ - از هار گلشن**، (برگ ۲۵۳ـ۲۸۱) این مثنوی‌درحدود یکهزار و چهار صد (۱۴۰۰) بیت میباشد و خصوصیّات کتاب و موضوع آن و مؤلفش در ذیل این مطالب معرفی خواهد شد .

پشت صفحهٔ نخستین این نسخه ، بنام اسرار نامه و وصلت نامه معرفی گردیده و چنانکه گذشت ، یك بیت هم از این دو کتاب در اینجا نیست .

جلدتیماجی نیم ضربی.کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۸۲. صفحه‌ای ۲۰ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۱۳۹۳** .

## ۱۱۵۲

**کلیات عطار (منطق الطیر)**

این نسخه ظاهراً در اواخر قرن نهم هجری نگارش یافته، برگ نخستین آن نو نویس میان ص۲۳ـ۲٤ افتاده دارد واینك درحدود چهارهزارو پانصد (٤۵۰۰) بیت میباشد وبرگهای شامل ص ۵۸ـ۷۰ جابجا صحافی شده و نسخه بدین دو بیت :

« پانصد وهشتاد و سه بگذشته سال    هم ز تاریخ رسول ذوالجلال
گفت عطار از همه مردان سخن    گرتو مردی هم بخیرش یاد کن»

انجام پذیرفته وهمهٔ برگها باجوهر قرمز وآبی جدول کشی گردیده و پشت برگ نخستین و برگ پیش از آن ابیاتی ترکی نگارش یافته و در اطراف صفحهٔ آخر نسخه مطالب متفرقه ایست .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع بغلی . شماره برگها ۱٦۰ . صفحه‌ای ۱۵ بیت . طول ۱٦ سانتیمتر. عرض ۱۱ سانتیمتر. شماره دفتر **۱۳۳۹۹** .

## ۱۱۵۳

**کلیات عطار (منطق الطیر)**

این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته (ظاهراً در اوائل قرن دهم ) برگ نخستین دارای سرلوحی کهنه میباشد، برگهای ۱۵ و ۱٦ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۳ و ۸٤ و ۸۷ نو نویس و بیشتر از برگهای اصلی حاشیهٔ آنها وصّالی گردیده و در حدود چهارهزار ( ٤۰۰۰ ) بیت در این نسخه میباشد همهٔ برگها جدول کشی گردیده و عناوین اشنگرف نوشته شده، میان دوبرگ آخر درحدود **۳۷۵** بیت افتاده

وانجام آن پس از دو بیت نامبرده درنسخهٔ بالا ، باتغییرهشتاد و سه به هفتاد وسه این بیت است :

جان او از نور حق آسوده باد    نام او درآسمان بستوده باد.

جلد مقوائی. کاغذ خان‌بالغ . قطع‌خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱٤۸ . صفحه‌ای ۱٤ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۳ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ‌دفتر **۲۳۰۵۴**.

## ۱۱۵۴

## کلیات عطار

این نسخه بنا برتصریح درص ٤٦۳ بفرمان و خواست میرزا محمد یوسف‌بن میرزامحمدعلی بسال ۱۲۸۰ نگارش یافته و هر یك از کتابهـای مندرجه در این نسخه بخط یك نویسنده میباشدولی تاریخ همهٔ آنها ، سال نامبرده‌است و بخط نستعلیق و شکسته نستعلیق میباشد و کتاب نخستین بخط خود مالك نسخه محمد یوسف ( یوسف‌بن محمدعلی ) است و در آخر آن ( ص ٦٤ ) تصریح گردیده‌و مندرجات نسخه عبارتند از :

۱ ـ **اسرار نامه** ، (ص۱ـ٦٤) درحدودسه هزارودویست‌وپنجاه (۳۲۵۰)بیت‌میباشدودراین‌نسخه‌مدائح‌خلفاءِثلاثه‌نگارش‌نیافته‌است.

۲ ـ **منطق‌الطیر** ، (ص ٦٤ ـ ۱۵٤ ) در حـدود چهار هزار و پانصد (٤۵۰۰) بیت میباشد وبا نسخهٔ نخستین از هرحیث‌جز تاریخ نگارش برابر است . ۳ ـ **الهی نامه** ، (ص ۱۵۹ـ۳۰۰ ) در حدود هفتهزار بیت (۷۰۰۰) میباشد ، ازآغاز کتاب تاشروع بمدح خلیفه اول با نسخهٔ پیشین برابر نیست پس از آن تا آخر مطابق اند جز اینکه ۱۵ بیت از آن نسخه کم دارد .

٤ ـ **مصیبت نامه** ، (ص ۳۰٤ـ٤٦۳ ) نیز در حـدود هشتهزار

(۸۰۰۰) بیت است و با نسخهٔ پیشین برابر است .

**۵ ـ مختارنامه،** (ص ۴۷۰ـ۵۹۱) این نسخه شامل در حدود دوهزار (۲۰۰۰)رباعی میباشد .

درص۵۹۲ بخط مالك نسخه و نویسندهٔ کتاب نخستین ابیاتی که نیز از یکی از مثنویهای عطار میباشدنگارش یافته است .

جلدتیماجی .کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۹۶ . صفحه‌ای ۵۰ بیت . طول ۲۷ سانتیمتر . عرض ۱۶ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۵۶۱** .

## ۱۱۵۵

## کلیات عطار

در این نسخه **هیلاج نامه** در ص ۱ـ۴۲۰ بخط نسخ نوشته شده و در حدود هفتهزار (۷۰۰۰) بیت میباشد و بدین بیت :

نباید گفت این کس گفت زنهار     و گرنه ما کشیدمش اندرین دار

که هفت بیت بآخر نسخهٔ چاپی مانده است ، خاتمه یافته و ظاهراً در نیمهٔ نخستین قرن سیزدهم نگاشته شده ، پس از بیت نامبرده در ص ۴۲۱ـ۴۲۹ دویست و نود (۲۹۰) بیت از **هفت وادی** عطار نوشته شده و این بخش از مقدمات هفت‌وادی است و ناتمام مانده و انجام نسخه این بیت میباشد :

تابدان مه دیده خود رانگری     خویش را یابی مخنث گوهری .

برگ نخستین پاره شده و نیازمند وصّالی است و پشت آن ابیاتی نگاشته شده و بر صفحه دوم نسخه تولد فرزندی از مالك آ نروزی نسخه بسال ۱۲۸۴ یاد داشت گردیده است .

جلد تیماجی .کاغذفرنگی . قطع‌خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۱۵ .صفحه‌ای ۱۷ بیت . طول ۲۱ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۷۱۷** .

۱

۱۱۵۶

## کلیات عطار
## الهی نامه

این نسخه را ظاهراً درقرن دهم بخط نستعلیق خوب نوشته بوده‌اند، برگهائی از آغاز و میان و انجام آن افتاده، برخی را نوشته و ملحق کرده‌اند، پاره‌ای از برگها هم جابجا صحّافی گردیده‌واینك درحدود پنجهزار (۵۰۰۰) بیت میباشد، بنابراین در حدود دو هزار بیت از الهی‌نامه کم‌دارد. همه برگهارا با کمال استادی حاشیه‌ای بکاغذ کبود رنگ فرنگی الحاق شده و پشت صفحهٔ نخستین مالك پیشین‌نسخه آنرابنام«دیوان‌عطار»معرفی کرده ولی‌مسلماً الهی‌نامه است و آغاز آن مطابق نسخهٔ دوم و انجام آن مطابق نسخهٔاول الهی‌نامهٔ این کتابخانه میباشد که معرفی‌شد وعنوان مقالات را از برگهامحو کرده‌اند.

جلدتیماجی. کاغذسمرقندی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۳۴۴. صفحه‌ای ۱۵ بیت. طول ۲۴ سانتیمتر. عرض ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۲۳۴۰۷.

## کلیات عطار نیشابوری

**عطار نیشابوری** عارفی بزرگ میباشد که شهرتش بمنتها درجه است وبزرگی چون‌مولوی‌رومی‌مکرّر به‌عظمت مقام‌ومرتبهٔ وی‌شهادت‌داده‌وازآنهاست:

هفت شهر عشق را عطار گشت     ما هنوز اندر خم یك کوچه ایم

و نیز گوید:

عطار روح (روی، ن، خ) بود وسنائی دوچشم او
ما از پی سنائی و عطار آمدیم

برخی‌از تذکره نویسان گویند: مولوی که درهنگام کودکی درخدمت پدرخویش

به عزم حج از نیشابورعبورمینمود شیخ عطاررادرحالت پیری زیارت کرده وشیخ
پدرتوصیه وسفارش این پسررانموده و کتاب اسرارنامهٔ خودرا بوی داده‌است
نگارنده در کتب وآثارعطار ومثنوی مولوی اشاره یاتصریحی براین‌موضوع
نیافت ، ولی از اینکه مولوی عنایت مخصوص به‌آثارشیخ داشته‌وبسیارازحکایات
ومطالب مندرجهٔ درشش دفترمثنوی را اقتباس وتقلید ازعطارنموده جای‌تردید
نیست آقای بدیع‌الزمان در رساله‌ایکه در شرح حال مولانا نوشته‌اند در ذیل
ص ۱۹ تذکر داده‌اند که مواوی دردفتراول ص۴۱ ـ ۴۸ ودفتردوم ص۱۱۲
ودفترسوم ص۱۱۵ـ۳۱۶ (چاپ علاءالدوله) حکایات ومطالبی را ازاسرارنامه
نقل نموده است .

در این عصرعنایت و توجهی بآثار عطار گردیده و روشن دلانی چند همت
برچاپ و پخش آنها نموده و تاکنون چندین مجلد از آنها را منتشر کرده‌اند
وپیش ازهریك‌ازاین آثارشرح حال‌مختصریامفصلی‌ازسراینده یامؤلف‌آنها نگارش
یافته ونخستین دانشمند که بدین کارمبادرت نموده‌آقای قزوینی (محمد) میباشند که
مقدمهٔ مفصلی بر کتاب «تذکرة‌الاولیاء» عطار بسال ۱۳۲۲ درلیدن‌نگاشته‌اند
و درهمان سال با اصل کتاب درلیدن چاپ گردیده و این بنده نیز برای اینکه
خودرا درشمارارادتمندان به شیخ بزرگوارعطار درآورد دراینجاچند سطری
درشرح حال ومعرفی‌وی که بیشترازآثارخودوی بدست‌آورده دراینجامینگارد :

عارفی که بنام **عطار** یا **شیخ عطار** معروف گردیده نامش محمد و لقبش
فریدالدین و اصلش از کون و مولدش نیشابور و پدرانش بعطاری مشغول و
نسبش به سلسله انصار متصل و پدرش را ابراهیم نوشته‌اند ، بیش ازصد سال
دراین جهان زندگانی نموده و ازهفتصد کتاب بیشترمطالعه نموده و دراثر آنها
مؤلفاتی بنظم ونثرازخود بیادگار گذاشته وظهورمولوی را در روم پیشگوئی
کرده و در اثراینکه در اواخر عمر بی پرده و بی پروا تشیع خود را اظهار
نموده ازعالم‌وعامی‌زمان رنجها دیده وقاضی‌سمرقند **عمرو** نام اورا تکفیرنموده
تابگفته خودش درلسان‌الغیب ، مظهرالعجائب اوراآتش زده وبنابرتاریخی که
آخر مظهرالعجائب چاپی موجود است انشاء آن کتاب بسال ۵۸۴ آغاز و
سال ۵۸۵ خاتمه یافته و دراین هنگام بیش‌ازصد سال داشته بنا بر این بایستی
تولد وی درحدود سال ۴۷۲ باشد ولی در کتب تذکره تولد اورا بسال ۵۱۳
نوشته‌اند ، وفات یاشهادت عطار رابسال ۶۱۷و۶۱۸ و۶۱۹ و۶۲۷ و۶۳۲
نوشته اند و امین احمد سال ۶۱۹ و ۶۲۷ را نقل نموده وگوید ۱۱۴ سال
زندگانی کرده و این ماده تاریخ را هم در ذیل بیانات خویش آورده :

شیخ عطار آن فرید روزگار مرشد شاهان و شاهنشاه فقر
شد شهید راه فقر آن رهنما سال تاریخش از آن شد **راه فقر** = ۵۸۶ .
و در **تذ** و **مجا** وفات شیخ عطار بسال ۵۸۹ نقل گردیده بنا براین قول واینکه وفات وی در یکی از سالهای نامبردهٔ در ص ۵۷۷ وحی منزل نیست نگارنده آنچه در بیت نامبرده بدان تصریح گردیده و احتمال تغییر وتصحیف در آن کمتر از عدد راه دارد ترجیح میدهد و اینکه بعضی گفته اند ۱۱۴ یا ۱۹۰ کتاب تألیف نموده اغراق تصور میکند و آنهائی هم که گفته‌اند اشعار وی در حدود صد هزار بیت میباشد بی دقت گفته‌اند چراکه خود وی شمارهٔ ابیات هفده کتابش را ۲۰۲۰۶۰ بیت معین نموده و آنانکه گویند روح منصور حلاج در عطار حلول کرده شاید ابیات هیلاج نامه را که در ذیل آن کتاب نقل میکنیم دیده باشند و ما در زیر این سطر ها ابیاتی که مطالب بالا از آنها استفاده شده در اینجا می آوریم :

ص ۱۶۹ مظهر العجائب چاپی :

اصلم از تون است ونیشابور جای باشدم در مشهد سلطان سرای

ص ۱۹۱ مظهر العجائب :

شهر من تونست و نیشابور هم در زمین طوس گشتم محترم

ص ۱۹۱ مظهر العجائب :

اصل من از تون معمور آمده مولدم شهر نشابور آمده
هست نام من محمد ای سعید شد **فریدالدین** لقب از اهل دید

ص ۳۱۱ مظهر العجائب :

قرب صد سال است وکسری زین سخن کو نشسته در میان جان من
من ز لطف او بحق بینا شدم من ز نطق او بحق گویا شدم
چون مرا عطار خواند آنشاه جان من شدم عطار در ملک جهان
خود پدر چون جد من عطار بود نسبتش از فرقهٔ انصار بود

ص ۳۳۸ مظهر العجائب :

اندران سالی که طبعم گشت یار بود سال پانصد وهشتاد و چار
سال عمر من ز صد بگذشته بود جاه اعضایم بدرد آغشته بود

.....................

سال تاریخش چو کردم جستجوی
گفت جان «**سر عجائب را بگوی**» = ۵۸۵

ص ۲۳۴ مظهر العجائب :

ای برادر من نیم بد خواه تو در معانی میشوم همراه تو

هر چه گفتم کن قبول از بهر حق — زانکه خواندم نزد استاد این سبق
هفتصد و ده از کتب برخوانده‌ام — زان بعلم معرفت ارزنده‌ام

ص ۱۲۴ مظهر العجائب :

قصد من بسیار مردم کرده اند — خاطر مسکین من آزرده اند
جور بسیار ازجهان برمن رسید — جور دنیا را همی باید کشید

ص ۳۰۰ مظهر العجائب :

عارفی واقف ز اصل هر علوم — بعد من پیدا شود گوید بروم
گر تومست وحدتی زو گوش کن — جام عرفان را زدستش نوش کن
او بنوشد او بپوشد از یقین — از کف سلطان معنی شمس دین
از همان جامی که من نوشیده ام — وزهمان خرقه که من پوشیده ام
رهرو راه نبی او را بدان — پس ز احمق سرّما را کن نهان

ص ۳۰۲ مظهر العجائب :

من طریق جعفری دارم بیاب — خوردم ازساقی کوثر این شراب
چونکه دین من ترا معلوم شد — بغض و کین من ز تو مفهوم شد

عمروقاضی چون مرا دشمن گرفت — مسخ گردید و ره گلخن گرفت

ص ۲۴۷ مظهر العجائب :

از جمیع انبیای هر زمان — شد نبوت ختم بر احمد بدان
بعدازآن ختم ولایت برعلیست — نور رحمت از کلام او جلی است
بعد حیدر ختم بر مهدی بود — آنکه در دین هدی هادی بود
این کتاب من زبان مهدی است — مؤمنان را رهنما و هادی است
این کتاب من چوناٰب آمداست — مظهرکل عجائب آمده است

خارجی گر منع فرماید مرا — رافضی گوید مرا او بر ملا
این ز گفت شافعی شد حاصلم — حبّ اورفض است وهست آن دردلم
رفض نبود حبّ او ای خارجی — گمره آن کو نیست براو ملتجی
او ولی آمد بگفت کردگار — انما برخوان و بروی شك میار

در مظهر الاسرار (برگ ۸۱ - نه ۱) گوید :

کتب بسیار دارم گر بخوانی — ازو دنیا و عقبی هم بدانی

در اینجا مناسب دیدم که ابیات شامل نام برخی از کتابهای عطار را کەخود وی در بخش دوم مظهر العجائب (مظهر الاسرار) گذارده عیناً نقل نمایم :

ص ۱۸۶ ﺫ ۱ ، مظهر الاسرار :

بدان خود را وخود را کن فراموش — تو **جوهر ذات** را میخوان وخروش
بدان خود را که تا **مظهر** به بینی — ز **وصلت نامه** ام از هر به بینی
بدان خود را که **حلاجم** چنین گفت — که از **اسرار نامه** در توانسفت
بدان خود را که مرغ لامکانی — کتاب **طیر** ما را آشنائی
بدان خود را و**خسرو** و**دان** **تو گل** را — **آلهی نامه** گفته است این معما
بدان خود را که **پند** من شفیع است — **مصیبت نامه ام** ایندم رفیع است
بدان خود را که **بلبل نامه** داری — نشست ؟ خانگی همخانه داری
بدان خود را اگر **تذکره** خوانی — جمیع اولیا را دیده دانی
بدان خود را که این **معراج نامه** — بهفتم آسمان دارد نشانه
بدان خود را که این **مختارنامه** است — دوعالم را ازو هم دام و دانه است
بدان خود را **جواهر نامه** کن گوش — **بشرح القلب** من فی الحال مینوش
بدان خود را که این هفده کتب را — نهادم بر طریق علم اسما
تمام علم در وی ختم باشد — من اینها عارف سالك شناسد
شمار بیت اینها را بگویم — من از کشت معانی تخم رویم
دویست و دو هزار وشصت بیت است — زیاده یك یکی میدان که قید است .

با دیدن ابیات بالا و دقت در آنها معلوم میشود که عطار ۱۶ کتاب خودرا در اینجا نام برده و مرادش از هفده کتاب اضافه همین کتاب بر آنهاست که بنا بعقیده نگارنده « **مظهر الاسرار** » نام دارد وگذشته از این درجاهای دیگر از این کتاب و کتابهای دیگر خود مؤلفات خود را متفرقاً نیز نامبرده است و ما در اینجا آنچه از کتابهای عطار را این کتابخانه دارد معرفی میکنیم :

۱ ـ **الهی نامه** ، گذشته ازشمارهٔ **۴۴۳** کتب خطی شماره های ۱۱۴۷ و ۱۱۵۴ و ۱۱۵۶ دارای این مثنوی میباشد ، و مندرجات آن مطالبی عرفانی است که بزبان حکایت و داستان دربیست و یك مقاله انشا گردیده ( در نسخهٔ چاپی مقاله ۲۰ و ۲۱ بغلط ۲۱ و ۲۲ نوشته شده است ) ودرحدود هفتهزار (۷۰۰۰) بیت میباشد وپیش ازشروع بمطالب ، بحمد وثناء الهی ومناجات بدرگاه بی نیاز ونعت حضرت رسول ص م و مدح خلفاءراشدین پرداخته وخود صریحاً آنرا **الهی نامه** نامیده :

ص ۱۴۸ نه ۱ :

« **در گنج الهی سرگشادم** — **الهی نامه ، نام این نهادم** »

و بیشتر از نسخ این کتاب که در حدود هفتهزار بیت میباشد بدین بیت آغاز گردیده :

**الهی نامه را آغاز کردم بنامت باب نامه باز کردم**

ولی کهنه‌ترین نسخه این کتابخانه که بسال ۸۳۷ نوشته شده بدین بیت :

**« بنام کردگار هفت افلاک**
**که پیدا کرد آدم از کفی خاک »**

ونسخهٔ ایکه دانشمند محترم آقای سلطانی بهبهانی نماینده مجلس دارند و بسال ۸۷۳ نوشته شده بدین بیت که دومین بیت نسخه چاپی است آغاز گردیده :

**« بنام آنکه ملکش بی زوال است**
**بوصفش نطق صاحب عقل لالست»**

این اختلاف که در اینجا مشاهده میشود اختصاص به آغاز «الهی نامه» ندارد و از آغاز تا انجام این کتاب و دیگر کتابهای عطار بحدی اختلاف موجود است که حدی برای آن معین نتوان نمود و برخی از آنها را در ذیل خصوصیات نسخ یاد کرده‌ایم .

الهی‌نامه بسال ۱۳۰۵ در تهران چاپ سنگی شده است .

**۲ - اشترنامه = شترنامه** ، این مثنوی عرفانی در حدود سه هزار و ششصد ( ۳۶۰۰ ) بیت‌میباشد و وجه نام گذاری آن بدین نام اینست که شاعر عارف این کتاب را وسیلهٔ برای وصول سالکان به کعبهٔ حقیقی دانسته چنانکه اشتران حاجیان را به کعبه و مکه میرسانند و درص ۱۴۱ نه - گوید :

بر گذر از ننگ و نام عامه را گوش کن تو رمز اشترنامه را
این کتابی دیگرست از سر راز دیدهٔ اسرار بین را کن تو باز

و پس از نه بیت که در آنها نام منطق الطیر و مصیبت‌نامه و اسرار نامه و الهی‌نامه را یاد نموده گوید :

هست اشتر نامه چون اسرار جان داشتم پنهانش از نا محرمان
فاش کردم این کتبهای دگر تا نداند سرّ این هر بیخبر
این کتاب عاشقانست ای پسر اندرین سرّ نهانست ای پسر

و در این کتاب (ص ۱۳۶ نه ۱۱۴۹) چنانکه آقای قزوینی هم یادآور شده اند داستان خواب دیدن حضرت پیغمبر ص‌ع و آب دهان انداختن در دهان وی و پیدایش این اسرار در اثر آن تصریح گردیده و چنانکه ریو در فو (ص ۵۷۶ ج ۲ ) نوشته عنوان نسخه‌ای که از اشترنامه در آن کتابخانه ( موزهٔ بریتانیا ) میباشد « **خردنامهٔ شیخ عطار** » است و نگارنده تا کنون بدین نام کتابی

منسوب به عطار در آثار خود وی یا در کتب تذکره و رجال نیافته و تصور میکنم که نویسندهٔ آن نسخه چون بیشتر نویسندگان نقط خط داشته و کتاب را نشناخته ، این نام را بر آن گذارده و نگارش این نسخه بسال ۹۶۸ بوده است .

آغاز :

**ابتدا بر نام حی لایزال صانع اشیاء و ابداع جلال**

**۳ ـ اسرار نامه** ، این مثنوی چون دو کتاب پیشین شامل مطالب عرفانی در لباس حکایات میباشد و نسخه ایکه پیوستهٔ شمارهٔ ۱۱۴۷ میباشد در حدود دوهزاروچهارصد ( ۲۴۰۰ ) بیت ونسخهٔ دیگر که پیوستهٔ شمارهٔ ۱۱۵۴ است در حدود سه هزار و دویست و پنجاه ( ۳۲۵۰ ) بیت میباشد و نسخهٔ اخیر اگر چه هشتصد وپنجاه (۸۵۰ ) بیت از نسخهٔ کهن سال دیگر بیشتر دارد ، نویسندهٔ آن در اثر تعصب مذهبی مدائح سه خلیفه نخستین را که در نسخه اول میباشد ننوشته و آغاز این کتاب تا سه بیت با «**کنزالحقائق**» که منسوب به عطار ولی از دیگری میباشد درهر دو نسخه یکی است ونسخهٔ دوم نیز آخرین بیت آن همانست که « کنزالحقائق » بدان خاتمه یافته است .

آغاز : **بنام آنکه جانرا نور دین داد**
**خرد را درخدا دانی یقین داد**

خداوندی که عالم نامور زوست زمین وآسمان زیر و زبر زوست
فلك اندر رکوع استادهٔ اوست زمین اندر سجود افتادهٔ اوست

**ز کفك(۱) و خون بر آورد آدمی را**
**ز کاف و نون زمان را و زمین را**

و نسخهٔ دوم این کتابخانه مطالب را درسیزده مقاله و خاتمه‌ای در پند بیان نموده واین تقسیم درنسخهٔ کهن سال نیست واسرار نامه بسال ۱۲۹۸ درتهران چاپ گردیده است .

**۴ ـ بلبل نامه** ، این مثنوی که درحدود ششصد (۶۰۰) بیت میباشد ، عبارتست از شرح و بسط شکایت مرغان نزد حضرت سلیمان از بلبل و محاکمهٔ آنها و موفقیت بلبل و محکومیت مرغان ونصیحت بلبل آنها را و در ضمن این بیانات مطالب عرفانی را بابهترین طرزی ادا نموده و عطار در کتب دیگر خود این کتاب را نامبرده و بیت دوم که شامل نام کتاب میباشد اینست :

« ز بلبل نامه بیتی چند گویم جواب معرفت آمد بجویم »

---

۱ ـ فرهنگ نویسان کفك را بمعنی کف صابون و غیره گرفته‌اند و ازاین بیت بدست میآید که معنی آن منی است که ایجاد آدمی ودیگر حیوانات از آن میگردد .

آغاز نسخه چاپی (سال ۱۳۱۲ ش در تهران) و نسخه‌ای که پیوستهٔ شمارهٔ ۱۱۴۸ میباشد اینست:

بتوفیق خدای صانع پاك که دانش می نهد در مرکز خاك

ولی نسخهٔ ای از این کتاب که پیوستهٔ به شمارهٔ ۴۴۳ کتابخانه میباشد بدین بیت:

«قلم برگیر و راز دل عیان کن سر نامه بنام غیب دان کن»

که بیت سوم نسخهٔ چاپی میباشد، آغاز گردیده وآن نسخه منتخبی از بلبل‌نامه است نه تمام آن و در آخر آن نسخهٔ منتخب نصائح و اندرز هائی میباشد که به پسر خود داده و در نسخهٔ چاپی و نسخهٔ خطی این کتابخانه نیست.

۵ - **پندنامه**، این‌مثنوی در حدود هشتصد (۸۰۰) بیت میباشد وشامل نصائح و اندرز های سودمندیست و نسخهٔ چاپی آن بدین بیت آغاز گردیده:

حمد بیحد آنخدای پاك را آنکه ایمان داد مشتی خاك را

و پس از آن این بیت است:

آنکه در آدم دمید او روح را داد از طوفان نجات او نوح را

ولی بیت نخستین نسخهٔ خطی پیوستهٔ شمارهٔ ۱۱٤۹ این بیت است:

ابتدا کردم بنام کردگار خالق خلق از صغار واز کبار

و بیت دوم همانست که در نسخهٔ چاپی است.

این کتاب نخست درنیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی درپاریس وبسال ۱۲۹۰ از روی چاپ اول درتهران ومنتخبی از آن درسالنامه پارس (سال ۱۳۲۰) چاپ گردیده است.

٦ - **جواهر الذات** یا **جوهر الذات** و **جواهر نامه**، بخش اول این مثنوی در حدود دوازده هزارو چهارصد (۱۲٤۰۰) بیت میباشد و در آن شرح وبیان برخی ازاخبار وبیان قصه های حضرت آدم وحوا وحضرت یوسف ع و دیگر قصه ها پرداخته و اسرارعرفان را درمیان این داستانها گذارده، عطار درمؤلفات دیگرخود مکرر این کتاب را بهر دو نام خوانده، چنانکه از ابیات جواهرنامه که بخش دیگراین کتاب اخیر را که نیزمکرر آنرا مؤلفه ای جداگانه ازخود معرفی کرده، درتکمیل جواهرالذات انشا نموده و با اینکه درخودآن کتاب آنرا بنام «جواهرنامه» خوانده، گوید (ص ۵۸۰ چاپی):

تمامست این زمان این جوهر الذات نمودم راز جان با جمله ذرات

و درص ۵۸۱ (چاپی) گوید:

جواهر نامه نام این نهادم از آن کاین جوهر اینجا داد دادم

و بخش دوم درحدود یازده هزاروششصد (۱۱۶۰۰) بیت میباشد .

**آغاز : بنام آنکه نور جسم وجانست**
**خدای آشکا را و نهانست**

هر دوبخش این کتاب بسال ۱۳۰۰ بنام جلد اول و دوم جوهرالذات درتهران چاپ سنگی شده است .

۷ - **خسروگل = خسرونامه = گل وهرمز** ، این مثنوی اگرچه افسانه ایست عشقی ودرآن شرح معاشقهٔ خسروباگل ومعاشقهٔ گل وهرمز میباشد درآن داد عرفان ومعنی را داده و نسخه‌ای که پیوسته شمارهٔ ۱۱٤۷ میباشد در حدود هشتهزاروپانصد (۸۵۰۰) بیت است ونسخه‌ایکه بسال ۱۲۹۵ درهند چاپ شده در حدود هفتهزار و هفتصد (۷۷۰۰) بیت میباشد و در خود این کتاب آنرا **خسرو نامه** نامیده ولی در مظهر العجائب (نسخهٔ خطی) در ذیل هفده کتاب مؤلفهٔ خودآنرا خسروگل نامیده وظاهراً **گل وهرمز** نیزهمین کتابست چراکه داستان گل وهرمزرا نیزدراینجاآورده‌است ولی درفهرست نسخ فارسی انجمن بنگاله درضمن کلیات ومعرفی مندرجات آن خسروگل را با همین آغاز نقل نموده وآغازگل وهرمز را این بیت آورده است :

بنام آنك جان داد و جهان ساخت زمین را جفت طاق آسمان ساخت

**آغاز : بنام آنك گنج جسم و جان ساخت**
**طلسم گنج جان هر دو جهان ساخت**

۸ - **دیوان عطار** ، شامل قصائد وغزلیات و رباعیاتی ازعطارمیباشد و در حدود ششهزار (۶۰۰۰) بیت است ولی مندرجات آن مرتب به ترتیبی نیست‌ودیوانیکه ازعطاربسال ۱۳۱۹ش آقای‌سعید نفیسی تصحیح وچاپ کرده‌اند شامل همهٔ مندرجات این دیوان ولی مرتب بترتیب قافیه‌هاست .

**آغاز : سبحان قادری که صفاتش زکبریا**
**بر خاك عجز می نکند عقل انبیا**

۹ - **رموز اهل راز** ، در هیچیك از کتب تذکره و مقدماتی که بر آثار عطارنوشته شده کتابی بدین نام‌بوی‌نسبت‌داده‌نشده ولی خود وی درلسان‌الغیب (ص ۳۲۸ نه) در ذیل چند کتاب مؤلفه‌ایکه از خود نام برده گوید :

«هر که برخواند **رموز اهل‌راز** او بود در صورت شرعم نماز »

و نیز در اشترنامه (ص ۱۳۷ نه) گوید :

« در رموز سرّ سبحانی بخوان سرّ این اسرارسبحانی بدان » .

بنابراین مسلماً عطار کتابی بدین‌نام داشته ، در فهرستهای داخلی وخارجی و **کشف** هم نسخه‌ای بدین‌نام نیافتم ، نسخه‌ای از آثار عطار در آغاز نسخهٔ شمارهٔ ۱۱۴۸ این کتابخانه میباشد که در ص ۵۶۸ـ۵۶۹ معرفی گردید نویسنده نمیدانسته چه کتابی است وبخط خوداو باشنگرف نوشته‌شده : **کتاب جوهر الذات** . دیگری متوجه شده که آن کتاب نیست بر آن خط کشیده و زیر آن نوشته : **رموزالعاشقین** ، درصورتیکه در آخر همان نسخه مثنوی کوچکی بدین‌نام میباشد و زیر این سطر ها از آن معرفی میگردد ، پس از دقت کامل ومراجعه معلوم شد که از آغاز این نسخه تا بیت چهارم ص ۲۶ :

یك زمان این پرده هارا بر گسل  این خیال چرخ صورت را بهل .

مرتباً از اشترنامه میباشد ، پس از آن تابیت اول ص ۲۴۴ از کتاب اشترنامه نیست و پس از آن ، اشترنامه ازهمانجا که درص ۲۶ مانده بود :

کز تو بستاند بمالم داد خویش  خه ترازین خیزوبستان دادخویش .

نگاشته شده و بدین بیت :

عشق و فهم و عقل و ادراك و یقین

حزن و شوق و ذوق از او شد کفر و دین

از اشترنامه قناعت نموده و نیز بدون فاصله بیت دیگری از رموز اهل راز را نوشته و تا آخر پیش رفته است و در این قسمت اخیر ابیاتی از اشتر نامه نیافتم و اشعار نامبردهٔ از اشترنامه در این نسخه در حدود پانصد و شصت‌ودو (۵۶۲) بیت است .

بنابر آنچه گفته شد عطار بنام « رموز اهل راز » کتابی داشته و شاید کمتر صفحه‌ای در این نسخه باشد که نامی از راز واهل راز در وی نباشد برای اینکه خوانندگان با اطمینان کامل این نسخهٔ گم شدهٔ عطار را دراین کتابخانه‌موجود دانند چند بیت از آنرا نقل‌میکنم :

ص ۴۶ ن۸ : گنج کل خاکست نزد **اهل راز**

مینماید خاك سرّ دوست باز

ص ۱۲۴ ن۸ : سر بباز و **راز** را در باب تو

گرنهٔ کل رفته اندر خاب تو

ص ۱۳۲ ن۸ : دست در دامان حیدر زن براز

تا ز حیدر گردی آنجا سر فراز

ص ۱۴۸ ن۸ : پیغمبر اینجا بدان این راز زود

کار خود کلی در آنجا ساز زود .

ص ۱۵۲ نه : تا ترا جان است تن ای مرد راز
می نیاری دید این اسرار باز
ص ۱۸۸ نه : این همه پیدا نهان گردد براز
ذات خواهد گشت بیشك اهل راز
ص ۱۹۰ نه : پرده هاچون برفکندی راز گوی
راز خود باجمله مردان باز گوی
ص ۲۰۲ نه : زین بیانها واقف هر راز شو
عاقبت با جان جان دمساز شو
ص ۲۱۷ نه : در ریاضت باش درکل پاك باز
پاکبازی کرده اند مر اهل راز
ص ۲۹٤ نه : این حقیقت هم بجانان یافت باز
عاقبت منصور تا شد اهل راز

وگذشته از ابیات بیشماریکه راز واهل راز در آنها یاد شده در ص۲۹۳ و۳۰۶ باشنگرف عنوان مطالب **رموز** نوشته شده واین نیز مؤید دیگری است . شمارهٔ ابیات این کتاب پس از تفریق ۵۶۲ بیت اشترنامه درحدود پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰) بیت میباشد و عنوان مطالب بقرینه اینکه در چندین مورد تصریح شده **مجالس** است .

**۹ - مختار نامه** ، بنا بر بیان خود عطار درمقدمه‌ایکه در حدود یکصد بیت بر این کتاب نوشته ازششهزار بیت رباعیات خود یکهزار یا بنا برنگارش در بعضی ازنسخ مقدمه دوهزارآنرا بکلی معدوم وآنچه باقی مانده آنهارا در پنجاه باب برحسب موضوع مطالب آنها مرتب نموده و بدین نام نامیده است ولی دو نسخه این کتابخانه شامل دو هزار (۲۰۰۰) رباعی و نسخهٔ کهن سال شمارهٔ ۱۱٤۷ دارای یکهزار و پانصد (۱۵۰۰) بیت میباشد وآغاز وانجام نسخه این دو رباعی است :

ای پاکی تو منزه از هر پاکی قدوسی تو مقدس از ادراکی
در راه تو صد هزار عالم کرده در کوی توصد هزار آدم خاکی
..........................
گاهی سخنم بصد جنون بنویسند گاه ازسرعقل ذو فنون بنویسند
گر از فضلاء اند بزر نقش کنند ورعاشق زارند بخون بنویسند .

این کتاب بسال ۱۳۰۳ درتهران چاپ سنگی شده و در حدود چهار هزار

بیت است .

ومقدمهٔ نثری مختارنامه آغازش اینست :

حمد و سپاس بی قیاس خداوندی راکه اشراق آفتاب الوهیت او در ذرّه صد هزارحکمت الخ .

**۱۰ - مصیبت نامه** ، این مثنوی در حدود هشتهزار ( ۸۰۰۰ ) بیت میباشدوپس ازمقدمه ایکه درحمدوسپاس ونعت حضرت رسالت ص ع ومعراج آنحضرت و ثناء خلفاء چهارگانه وحسنین علیهماالسلام و ابیاتی که درفضیلت شعرا و سخن و کتاب وغیر ازاینهاست ، در ذیل چهل مقاله مراتب طلب سالك را باحکایات و تمثیل هائی بیان نموده و اولین مقاله در رفتن سالك پیش جبرئیل و مقاله چهلم رفتن سالك نزدروح میباشد ومیان این دومنزل سالك را ازعرش تافرش گردانیده وبمناسبت ازلیلی ومجنون ومحمود وایاز ویوسف وزلیخا وسلطان محمود وبسیاری ازعرفاء معروف حکایاتی نقل نموده ودر این بخش ( ص۴۴۷ چاپی ) بنام کتاب تصریح نموده و گوید :

در مصیبت ساختم هنگامه من    نام این کردم مصیبت نامه من
گردلی می بایدت بسیار دان    پس مصیبت نامهٔ عطارخوان

و در ذیل عنوان آغاز کتاب (ص۱۷۹ نه) گوید :

زانك این زیبا کتاب خاص وعام    هفتم ازاین شیوه گفتم والسلام

و درنسخهٔ چاپی (ص۳۰) این بیت بدین گونه نگارش یافته :

زانکه این زیبا کتاب خاص وعام    هست این شیوه که گفتم والسلام

و مسلماً بایستی منقول ازنسخهٔ کهن سال که در ۸۳۷ نگارش یافته درست باشد ومصیبت نامه را هفتمین کتاب عطاردانست وشاعر در اینجاتخلص **فرید** و **عطار** هردورا بکار برده است .

این کتاب بسال ۱۳۰۴ درتهران چاپ سنگی گردیده است .

**۱۱ - مظهر الاسرار و مظهر العجائب** ، عطار در این دو مثنوی پرده را ازروی کارخویش برداشته وباکمال صراحت تشیع خودرا اظهارنموده و کتاب نخستین را هم بمناسبت اینکه مظهرالعجائب لقب حضرت مولی الموالی علی بن ابیطالب علیه السلام میباشد بدین نام نامیده وچنانکه درذیل شرح حال مختصر وی نگاشته شده ، قاضی سمرقند در اثر این کتاب او را تکفیر کرده و مظهرش را سوخته و در این کتاب بیشتر از هرچیزجنبه اظهار ولایت و بحث در اطراف آنرا درنظر داشته ، چنانکه درجوهرالذات بیشتر بحث دراطراف

ثبوت نموده ، برخی از آنانکه میخواهند مذهب تشیع راموالود صفویه بدانند وازتاریخ بیخبراند ، ونمیدانند که گذشته از اینکه بلافاصله پس‌ازرحلت حضرت پیغمبرص‌ع‌شیعه علی‌ع ازدیگران‌ممتاز گردید ، درزمان‌حیات حضرت رسول‌ص ع نیزعدّه‌ای‌از اصحاب بنام شیعه علی‌خوانده میشدند لذا درنسبت این کتاب (مظهر العجائب) به عطارنیشابوری عارف معروف تردید دارند ولی مطالعهٔ مندرجات کتاب و مقایسهٔ طرز و سبك آن با دیگر آثار مسلمه عطار ثابت میکند که از عطارمیباشد وچنانکه خود وی مکرر تصریح نموده چندان مقید بقواعد شعری نگردیده و در بند معنی بوده وچنانکه پیش گفتیم درآخر نسخهٔ چاپی تألیف آن بسال ۵۸۰ تعیین گردیده و از کارهای اواخر عمر عطارمیباشد ، پس از اتمام مظهر العجائب مثنوی دیگری انشا نموده وآنرا نیز مکرر بنام مظهر نامیده و از بحر دیگری میباشد بخشی از آن نیز پیوستهٔ مظهر العجائب چاپی منتشر گردیده و نیزنگارنده از قرائن موجودهٔ در خود کتاب چنین احتمال میدهد که نام آن **مظهر الاسرار** میباشد و در این کتاب سی سئوال پیری را جواب گفته است و کتابی که بسال ۱۳۰۴ درتهران بنام « سی فصل » چاپ سنگی شده با مختصر اختلافی در ابیات بخشی ازهمین مظهر الاسرارمیباشد و تا آنجا که نگارنده تحقیق نموده بنام «سی فصل» عطار کتابی بخویشتن نسبت نداده و آنانکه شرح حالی از او نگاشته‌اند بچنین مؤلفه‌ای اشاره نکرده و بعضی‌از نویسندگان نسخ هم توجه به اینکه این دوکتاب دو مظهر میباشد نداشته و هر دو را در پی یکدیگر نوشته‌اند در صورتیکه وزن و بحر آنها هم مختلف میباشد و باید دانست که این کتاب دوم (مظهر الاسرار) دیباچه و حمد وثناء و نعت ندارد و از همان اول تتمهٔ مطالب مظهر العجائب را ذکرنموده و این چند بیت ازمظهر الاسرار که نام کتاب ازآنها استفاده میشود در اینجامی‌آوریم :

برگ ۸۱ نه : بدان کین‌مظهرم جان کتب‌ها است
درون اسرار دین حق هویداست

برگ ۹۴ نه : هلا ای عاشق مست سخندان
ترا باشد همه اسرار در جان

دو عالم گر ازین اسرار گویند نه بر این شیوه عطار گویند

مظهر العجائب در حدود چهار هزار (۴۰۰۰) بیت میباشد و پس از حمد و ثناءشامل نعت ائمه اطهار و مخصوصاً حضرت امام غائب مهدی‌ع و قصص عرفا و زهاد و حکایات و نصائح میباشد وبسال ۱۳۲۳ با مقدمهٔ مفصلی بقلم مرحوم

شیبانی ( فتح‌الله خان ) در شرح حال عطار در تهران چاپ سنگی شده وبسال ۱۳۰۶ دوباره درهمین‌شهرچاپ‌سنگی گردیده وبرخی ازابیات مظهر الاسرار، بدون تذکر و توجه ناشرین به آن کتاب پیوسته است .

**آغاز :** آفرین جان‌آفرین برجان جان    زانکه او هست آشکاراو نهان

**انجام :** من گنه‌کارم به پیشت ای‌حکیم    رحمتی بر جان عطار ای رحیم

و مظهرالاسرار در حدود سه هزار (۳۰۰۰) بیت میباشد و پس ازاینکه ابیاتی دربیان معنی نی ومی وبرخی دیگر از اسرار انشا نموده داستان‌عیاران خراسان و بغداد را سرائیده و پس از آن سی سئوال و جواب پیر سالك را جواب گفته و در این مظهر نام هفده مؤلفه‌خود راکه در ص ۵۸۰ آنهارا نقل کردیم ، یاد نموده است .

**آغاز : گنه‌کارم ز فعل خودگنه‌کار**
**خداوندا توئی دانای اسرار (۱)**

و در اینجا مناسب دیدم که چند بیت از آغاز سئوال و جواب پیر سالك و عطار نیز بیاورم :

یکی پیری مرا آواز میداد    که ای عطار از دست تو فریاد
جهان بر هم زدی و فتنه کردی    تو دیوار مذاهب رخنه‌کردی
تو گفتی آنچه احمد گفت با او    بآخر گفت خود آخر همه او
تو گفتی آنچه‌سلمان‌درنهان گفت    تو گفتی آنچه‌منصور‌ازعیان گفت.

**۱۲ - منطق الطیر** ، این مثنوی از کتابهای بسیار مشهور عطار میباشد و در حدود چهار هزار و پانصد ( ۴۵۰۰ ) بیت میباشد و پس از حمد وثناء الهی و نعت حضرت رسول ص‌ع و خلفاء چهارگانه مطالب مهمهٔ عرفانی را از زبان‌مرغان بابهترین طرزی ادانموده و حکایاتی از داستان حضرت یوسف ع و سلطان محمود غزنوی وسلطان سنجر ونظام‌الملك و عرفاء معروف چون شیخ صنعان و بوسعید مهنه و غیره در این کتابست و تاکنون چند بار چاپ گردیده و درنسخهٔ چاپی مطالب این کتاب در چهل و پنج مقاله مرتب شده ولی‌درنسخهٔ کهن ( شمارهٔ ۱۱۴۷ ) این‌تقسیم نیست .و امیرعلیشیر نوائی آنرا بترکی‌ترجمه نموده و «لسان‌الطیر» نامیده ونسخه‌ای ازآن درکتابخانه مدرسه عالی‌سپهسالار زیر شمارهٔ ۳۰۰ موجود است و در ص ۱۶۰ فهرست کتب ترکی خدیویه

---

۱ - نسخه‌ایکه شمارهٔ ۴۴۳ کتابخانه شامل آنست مصرع دوم نخستین مصرع و مصرع اول دومین مصراع است .

کتابی بنام « منطق الاسرار » درترجمهٔ منطق الطیر بترکی (بدون ذکرمترجم) که بسال ۱۲۷٤ درآستانه چاپ شده موجود است . ونیز یکی ازادبا درزمان سلطان بایزیدبن محمد خان ابن سلطان مراد خان از سلاطین آل عثمان ششصدو بیست وپنج (٦۲۵) بیت ازاین کتاب را که شامل مطالب توحیدی وعرفانی بوده انتخاب وآنرا درشانزده مقاله مرتب کرده ونسخهٔ آن که ظاهراً درهمان سال انتخاب ، نوشته شده در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار زیر شمارهٔ ۷۱۹٦ موجود است .

گذشته از اینکه در خاتمهٔ کتاب عطار خود نام آنرا معین نموده :

«ختم شد برتوچو برخورشید نور منطق الطیر ومقامات طیور».

در بیشتر از مؤلفات خود هم این کتاب را مکرر بنام « منطق الطیر » معرفی کرده و یکی از مشاهیر کتب عطار است .

در پایان بعضی ازنسخ خطی وچاپی سال انشاء این کتاب ۵۷۰ و۵۷۳ (۱) ۵۸۳ بنظم ثبت گردیده ولی برخی از نسخ آنرا ندارد .

منطق الطیر بسال ۱۸۵۷ م مطابق ۱۲۷۳ هـ . ق درپاریس وبسال ۱۳۱۹ ق و بسال ۱۳۱۹ ش درتهران چاپ گردیده وهفت وادی که پس ازاین معرفی میشود (ص ۵۹۱) منتخبی از هفت وادی مذکور در آخر این کتابست .

**آغاز : آفرین جان آفرین پاک را**
**آنک جان بخشید وایمان خاک را .**

**۱۳ ـ لسان الغیب** ، این مثنوی در حدود پنجهزار و چهارصد (۵٤۰۰) بیت میباشد و عطار این کتاب را چون مظهر العجائب و مظهر الاسرار دربیان مقامات حضرت علی بن ابیطالب ع انشا نموده و از آغاز تا انجام در اطراف ولایت علی ع و اولادش بحث نموده و این ابیات از این کتابست :

ص ۲۳۳ نه : در لسان الغیب مظهر گفته ام شمهٔ از سرّ حیدر گفته ام

ص ۲۳۷ نه : پیرو اثنا عشر باش ای جوان تا شوی آزاد از دوزخ روان

رو بـراه احمد مختار کن حبّ فرزندانش باخودیار کن .

ص ۲۵۲ نه :

شرع را اندر طریقت یافتم زان سبب عین حقیقت یافتم

ما طریق مرتضی بگرفته ایم حبّ او در بطن جان بنهفته ایم

در طریق او بسر بردیم راه یافتم اندر طریق او پناه

ص ۲۵٤ نه :

در لسان الغیب مظهر گفته ام جمله از اوصاف حیدر گفته ام .

۱ ـ ص ۵۷۸ ج ۲ فهرست ریو دیده شود .

ص ۲۸۹ نه :

در لسان من ثنای مرتضی است　　ظاهر وباطن لقای مرتضی است

ص ۲۹۰ نه :

سرّ اسرار سلونی گفته ام　　دُرّ اسرار علی را سفته ام

ص ۳۳۳ نه :

بندهٔ اثنا عشر از جان منم　　درلسان زان دم از ایشان میزنم

ودرص ۲٤۸ نسخه ، نام بیست (۲۰) مؤلفهٔ خودرا برده وآنچه برنقل پیشین افزون دارد : ۱ ـ لسان الغیب ، ۲ ـ بی سرنامه ، ۳ ـ اشترنامه ، ٤ ـ جمجمه نامه ، ۵ ـ وصلت نامه و ٦ ـ حیدرنامه میباشد و مصیبت نامه وجوهر نامه راهم که در آنجا است در اینجا نام نبرده است .

**آغاز :** اسم توحید ابتدای نام اوست　　مرغ روحم جاگی دردام اوست

**انجام :**

با حسین مرتضی گردند زور　　هیچ اندیشه نه شان از خاك گور

همچو ایشان رفته خواهم از جهان　　این بود حال فرید الدین بدان

ختم گفتارم بر ایشان بود و بس　　این بود ما را بعقبی دست رس .

**۱۴ ـ هفت وادی** ، این مثنوی موافق نسخهٔ کاملیکه پیوستهٔ شمارهٔ **۴۴۳** این کتابخانه میباشد ششصد ودو (۶۰۲) بیت میباشد ، موضوع کتاب وتقسیمات آن از نقل ابیات زیرین که پیش از شروع به وادی اول میباشد ، بدست میآید:

سالکان را هفت وادی در ره است　　چون گذشت این هفت وادی در که است

هست **وادی طلب** آغاز کار　　**وادی عشقت** پس راهی بس کنار

پس سوم وادیست ز آن **معرفت**　　هست چهارم وادی **استغنا** صفت

هست پنجم وادی **توحید** پاك　　پس ششم وادی **حیرت** صعب ناك

هفتمی وادی **فقرست** و فنا　　کی بود آنجا سخن گفتن روا

هفت بیت ( ۱و۲و۳و۵و۶و۷ ) آغاز این کتاب هماست که مصیبت نامه چاپی بدانها آغاز گردیده و موجب و علت صحیح آنرا ندانستم و انجام آن این دو بیت است :

چون بخاك آرم من سر گشته روی　　هیچ با رویم مباراز هیچ روی

شوخی و بی شرمی ما در گذار　　شوخی ما پیش چشم ما میار.

درکلیات عطار نسخهٔ کتابخانه انجمن بنگاله که بسال ۱۰۰۶ نوشته شده ودر نسخهٔ شمارهٔ **۴۴۳** این کتابخانه بنام **هفت وادی** که در ششصد ودو (۶۰۲) بیت است بدو نسبت داده شده ، شش بیت آغاز آن از **مصیبت نامه** میباشد وپس از سیصد و

هفت (۳۰۷) بیت که‌بدست نیاوردم از کدام کتاب دیگر عطار میباشددویست‌و هشتادونه (۲۸۹) بیت ، ودربیان‌هفت وادی: عشق ، معرفت ، استغنا ، توحید ، حیرت و فقر . که انتخاب شدهٔ از یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت (۱۳۵۸) بیت آخر منطق‌الطیر میباشد موجود وچون در هیچیك از کتب عطار مؤلفه‌ای بنام هفت وادی‌دیده نشد ، نگارنده را گمان اینست که دیگری ابیات عرفانی بعضی از کتابهای عطار را برای خود انتخاب ودریکجا مرتب کرده وچون به بحث در اطراف هفت وادی خاتمه‌یافته آنانکه بدان‌دست‌یافته‌بنام **هفت‌وادی** نامیده‌اند و این کتاب از این حیث نظیر سی فصل است که در ذیل مظهر الاسرار گفتیم که بخشی از آن کتابست و جداگانه کتابی نیست .

**۱۵ ـ هیلاج‌نامه** ، این مثنوی درحدود هفتهزار (۷۰۰۰) بیت‌میباشد و چنانکه خود عطار در آن تصریح نموده ( ص ۴۰ چاپی ) انشاء آن‌بس از جواهر نامه بوده :

« چو جوهر نامه کردم نامش آخر    نمودم صورت نقاش آخر » .

و خود عطار گوید چون آن کتاب بانجام رسیده بکنجی زار و ضعیف و ناتوان نشسته و شب‌وروز در تفکر و اندیشه بوده و انتظار داشتم که ازطرف صانع وپروردگار چه امری میرسد که ناگاه کسی بر من‌ظاهر شدوچنین گفت:

کنون باید که گوئی سرّ اسرار    حقیقت فاش گردانی دگر بار
بنام من کتابی نغز داری    دگر هوش و دگر با مغزداری
بگوئی نام من با هر که عالم    که شادی بینی از عشقم دمادم
هنوز ای جان جان اندر گمانی    که گفتی جمله اسرار معانی
برون جستی کنون از کدخدائی    گرفتی از میان کلّی جدائی
منم این لحظه نزدت باز مانده    چو گنجشکی بچنگ باز مانده
بماند در بر تو کد خدایم    کَدَم رفته بکل مانده خدایم
خدایم اینزمان من واقف خود    درون جان تو من واصف خود

.........................

بدو گفتم که ای‌جان چیست‌نامت    که حق دادست اینجا گاه‌کامت
چه نامی باز گو تا بشنوم باز    چه میگویی‌بگویم ای‌سر انراز
جوابم داد من منصور حلّاج    مرا نامست در آفاق هیلاج
بدو گفتم که ای معنی خدائی    بدانستم که از عین خدائی
جوابم داد کای عطار پر گوی    مرا بگذار هین اسرار بر گوی
منم هیلاج و دیگر کد خدایم    تو منصوری ومن در تو خدایم

پس از این مقدمات شروع بگفتن اسرار ومطالب توحیدی وعرفانی وبیان اتحاد شریعت باطریقت و بیانات شیخ جنید و شیخ کبیر در بارهٔ منصور نموده و بهمین نحو کتاب را بآخر رسانیده و نگارنده تصور میکند « منصور نامه » عطار که برخی بوی‌نسبت داده‌اند همین کتاب باشد که درحالات وی و از زبان او انشا نموده و عطار درکتابهای خود آنرا هیلاج نامه معرفی کرده و پیش‌از حکایاتی از منصور که آنرا خاتمه کتاب قرارداده گوید :

تو ای عطار اکنون چند گوئی — تو منصوری ودیگر می چه‌جوئی
اگر با خود ببینی اوست با خود — که میگوید ترا اسرار با جد
مرو بیرون تو از منصور گو باز — که او آمد ترا سر رشتهٔ راز
کنون از دید منصورست گفتار — که تا دیگر چه‌گوید بر سر دار

هیلاج نامه بسال ١٣٥٣ در تهران چاپ سنگی شده است .

آغاز : بنام کردگار فرد بیچون — که ما را از عدم آورد بیرون .

بنابرآنکه «جوهر الذات‌وجواهر نامه» و «مظهر الاسرار ومظهر العجائب» را که بنابربیاناتی که شد دومی آنهامکمل اولی باشد (ص ٥٨٧-٥٨٩ دیده شود) ١٥ کتاب عطار وبنابرآنکه مستقل باشند ١٧ کتاب وی دراین مجددازفهرست معرفی گردیده برای آنکه این شرح تا حدی جامع باشد چند کتاب دیگر از عطاررا که پیوستهٔ شمارهٔ **٤٤٣** کتابخانه‌میباشدودرص ٢٦٠-٢٦١ ج١ فهرست خطی معرفی‌شده‌نام میبریم :

١ - وصلت نامه که بدین بیت آغاز شده :

ابتدا اول بنام کردگار — خالق هفت‌وشش و پنج وچهار

٢ - بی‌سرنامه که آغاز آن این بیت میباشد :

من بغیر تو نبینم در جهان — قادرا پروردگارا جاه‌دان

در فهرست کتب فارسی انجمن بنگاله در ضمن کلیات عطار نسخه ای از **خیاط نامه** معرفی شده وآغاز آن اینست :

بنام آنکه هستی زو نشان یافت — نفوس ناطقه زو نور جان یافت

---

چنانکه در ذیل‌خصوصیات نسخ متذکر شدیم گذشته‌از آثارعطارچندین‌نسخه ازدیگران‌پیوستهٔ آنهابوده اینك بترتیب نامها ، آنهارا در اینجا معرفی‌میکنیم :

**١ - از هار گلشن** ، این مثنوی که پیوستهٔ شمارهٔ **١١٥١** میباشد شبیه و نظیر گلشن راز وبهمان وزن ، درجواب سئوال‌های چندی انشا گردیده ، منشی وناظم آن چنانکه درپنج بیت بآخر کتاب مانده میباشد ، ابراهیم نامی‌است ،

« خداوندا بعزّ آل یاسین ببخشا جرم ابراهیم مسکین »

و ارادت به سید احدنامی از عرفا داشته و در این باب و نام کتاب و موضوع آن خود وی در اوائل نسخه ( برگ ۲۰۵ن ) گوید :

شه ملك صفا، مرآة اصفا امیر مجلس جام مصفا
عبای آل احمد را طراز او نوای کام جان اهل راز او
چولاله سرخ از و رخسارهٔ آل ز نقرش بر جمال لاله گون خال
گلی از لاله زار باغ احمد مسمّی احمد و آل محمد
شداین نامهدر آن مجلس زاعزاز باقبال قبول او سر افراز
نویدم داد کین پاکیزه گوهر شود در گوش اهل دل مشتهر
دهد تاج قبولش ارجمندی بگیرد مایهٔ قدرش بلندی
بنامش زدرقم ازهار گلشن که هست اوچون گل گلزار گلشن
ز گلشن اندرو گلهاشگفته است که تا اکنون کس دیگر نگفته است

.......................

مرا عذری درین نقش جریده است که خنگ نظم من جولان ندیده است
نخستین نظم بود این درة التاج که در درج عبارت کردم ادراج

مؤلف کظ درص ۸۹ ج ۱ گوید : « ازهار گلشنی ( با یاء پس ازنون ثبت شده و چنانکه دانستیم نام کتاب بدون یاء است ) فارسی منظومی است نظیر « گلشن راز » و یك مصراع از بیت نخستین را هم نقل نموده واز مؤلف و زمان آن بحث نکرده است .

این مثنوی در حدود یکهزار و چهارصد ( ۱۴۰۰ ) بیت میباشد و چون گلشن رازدر جواب سئوال های چندی انشا شده ونخستین آنهااین بیتاست :

نخست از کنتُ کنزاً حیرت افزود که بی کس از که حق پوشیده میبود

نگارنده تصور میکند که سید احمد عارف مذکور در ابیات ازهار گلشن همان سیداحمد بخاری حسینی است که در ص ۴۰۰-۴۰۴ شقائق النعمانیه ( حاشیه ج ۱ وفیات الاعیان ) معرفی گردیده و در آنجاست که در خدمت مراد خویش شیخ الهی ازبخارا به روم آمده واهل وعیال خود را دربخارا گذاشته و از فقراء آلهی بوده وبسال ۹۲۲ در روم وفات یافته است .

مرحوم تربیت در ص۲۱۸-۳۲۰ د آ زیرعنوان گلشن ، شیخ ابراهیم بن محمدابن حاجی ابراهیم بردعی تبریزی را که بسال ۸۳۰ بدینجهان آمده و بسال ۹۴۰ بسرای دیگر شتافته است نامبرده وگوید ویکی از شعرا وعرفای اسلامبول برای وی ماده تاریخی ساخته ، وبیت شامل تاریخ آن اینست :

گفت هاتف برای او تاریخ «مات قطب الزمان ابراهیم»(۱)
بنابراین صدو ده سال زندگانی نموده و نیز در دآ نوشته شده که در علم تفسیر وحدیث ماهرودرعلم کلام وتصوف از اساتید زمان خود بوده و قصیده‌ای بزبان عربی در مقابل قصیدهٔ تائیه ابن فارض منظوم فرموده و گذشته از دیوان فارسی و ترکی چندین مثنوی از وی یادگار مانده و از آنها فقط یکی‌رابنام «معنوی الخفی» نامبرده است.

بنابرمطالب مذکوربالا، تصور میکنم که ازهار گلشن نیز ازهمین ابراهیم عارف قرن دهم بوده باشد.

آغاز: بنام آنکه از انوار هستی
دو عالم را بلندی داد و پستی.

۲- **رموز العاشقین**، درآخر نسخهٔ شمارهٔ **۱۱۴۸** مثنوی ناتمامی است که در حدود دویست (۲۰۰) بیت میباشد، در کتب تذکره کتابی بدین نام به عطارنسبت داده نشده وگذشته ازاین، ازخود کتاب هم نبودن آن ازعطار بخوبی آشکاراست، واین دوبیت که دراین مثنوی است کاملا ثابت میکند که از عطارنیست چراکه وی از خویشتن اینگونه تعبیر نخواهد نمود:

این سخن آن صاحب اسرار گفت       بین که قطب العارفین عطار گفت
........................
آورم تسبیح این گفتار را       هست قطب العارفین عطار را

آغاز: نحمدالله رب العالمین       کردم آغاز رموز العاشقین.

۳- **کنز الاسرار**، این مثنوی که بمعرفی آن پرداخته میشود پیوستهٔ شمارهٔ **۱۱۴۹** میباشدوبنابرنقل آقای قزوینی درمقدمه‌تذکرةالاولیا(ص یو) درمجموعه‌ایکه اینک‌در کتابخانه‌دیوان‌هندمیباشدبنام «کنز الاسرار» نامیده‌شده‌وآنرابعطارنسبت داده‌اندولی‌درنسخهٔ‌این کتابخانه‌نامی‌برای آن‌معین نشده‌وموضوع آن بیان مواعظ و نصائح و شرح اخبار و احادیث نبوی صع میباشد و گذشته ازاینکه درآخر کتاب تاریخ اتمام

(رساند نفع این بر خاص و عامی       که در ششصد نود نه شد تمامی)

بسال ۶۹۹ تصریح گردیده ومسلماً نزدیک یکقرن بلکه بیش از یکقرن‌پس‌از عطار میباشد، طرز اشعار هم خود بهترین دلیل بر نبودن آن از عطار است

---

۱- نسخه‌ای از کتاب «معنوی الخفی» که در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار زیر شمارهٔ **۱۸۷** میباشد، بسال ۹۵۲ نوشته‌شده‌ونویسنده‌درآخرآن‌نوشته‌درزمان زندگانی‌ناظم آن نگارش یافته بنابراین یکی ازاین دوتاریخ غلط میباشد.

وگذشته از این دیدن نظائر بسیار از اینگونه بیتها :

«در ص ۲۴۲ نه :

نصیحتهای عطار زمانرا بگوش خود بگیرد مرد دانا

در ص ۲۴۴ نه :

کنای پیرعطار از برون است کمن از هر چه میگویم فزونست»

کدر آنها صریحاً شاعر خود را نظیر عطار معروف دانسته و گوید: **عطار زمانرا.** وگاهی هم خود را **پیرعطار** نامیده در خود کتاب موجوداست ومسلم است لزومی ندارد که ماده تاریخ نامبرده را تصحیف شده بدانیم (مخصوصاً با اینکه همهٔ نسخ کدر دست میباشد بهمین تاریخ میباشند) و این مثنوی در حدود دوهزار (۲۰۰۰) بیت میباشد و احتمال دارد که « مفتاح الفتوح » منسوب بعطار انشا شدهٔ بسال ۶۸۸ (با بلبل نامه ونزهة الاحباب این کتاب مفتاح الفتوح بسال ۱۳۰۲ در تهران چاپ شده) از ناظم این نسخه باشد .

**آغاز : سپاس و حمد بر خلاق عالم**
**که از خاکی پدید آورد آدم.**

**۴ ـ کنز الحقائق** ، این مثنوی در حدود یکهزار و سیصد (۱۳۰۰) بیت میباشد ، در آخر نسخهٔ این کتابخانه **۱۱۴۹** تصریح گردیده که از عطار است ودر فهرست نسخ انجمن بنگاله نیز ذیل کلیات عطار نامبرده شده ولی مسلماً از عطار نیست و تألیف پهلوان محمود پوریار خوارزمی میباشد ودر **کظ** (ص ۳۳۱ ج ۲) فقط نام کتاب و ناظم آن ثبت گردیده وگذشته از اینکه در مجالس العشاق (مجلس سی و هشتم ۳۸) نیز تصریح گردیده که پهلوان محمود کتابی بنام « کنز الحقائق » انشا نموده و هفت بیت از آنرا هم در آنجا نقل کرده و آن ابیات در نسخهٔ این کتابخانه (ص ۲۰۰) میباشد ، نگارنده پیش از این کشف بواسطهٔ دیدن ابیات زیرین ، محمود نام بودن ناظم را یافته بود :

ص ۲۴۹ نه : که در دنیا و عقبی سود بادش الهی عاقبت محمود بادش

ص ۲۵۰ نه : مرا زین کشف میزان بود مقصود که بنمایم مقام ملك محمود

ص ۲۵۲ نه : برو جان پدر بشنو ز محمود جز اینش از حقیقت نیست مقصود

و از مراجعه به **کظ** ، **هم** ، مجالس العشاق کتاب و مؤلف آنرا شناخت و اینك از مؤلف و مؤلفه معرفی مختصری میشود :

**پهلوان محمود** خوارزمی از کشتی گیران معروف عصر خویش بوده و در اواخر بارقهٔ عرفان بر وی تافته و در اثر اینکه نفس را زیر پای گذارده بگفته مؤلف مجالس العشاق « در زمرهٔ اولیا انخراط یافت و با رجال الغیب

انضمام پذیرفت و از آنروز اورا نام بخش زمان محمود پریار (۱) گفتند وبعضی پو کیار (۲) گویند و بزبان آنجا پو کیار پهلوان بزرگ را گویند که در کار خود سرآمد باشد ودر طریق تصوف اشعارمرغوب ورسائل مطبوع ورباعیات خوب دارد و از آنجمله کتاب **کنز الحقائق** است و در آن کتاب این حکایت مثبت است . . . . . درتاریخ هفتصد و بیست و دو(۷۲۲) از عالم رفته وقبرش در خوارزم است و این رباعی نیز از اوست :

گر بر سر نفس خود امیری مردی ور بادگری نکته نگیری مردی .
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتادهٔ بگیری مردی »

**کنز الحقائق** منظومه ایست عرفانی که پس از حمد وصلوة ونعت خلفاء چهار گانه ومدح پادشاه ترك نژاد معاصر که این دو بیت از آنجاست :

نگنجد در زبان من ثنایش ولی تا زنده‌ام گویم دعایش
ز نسل جملهٔ ترکان عالم نیاید همچو او والله اعلم .

ابیاتی درتحقیق معنی ایمان و اسلام وشهادت وطهارت و نماز وزکوة و روزه وحج وجهاد ونفس وشیطان وعشق و بهشت ودوزخ وتحقیق درمعنی مهدی ع وصفات آنحضرت وصراط ومیزان وقیامت وحشر ونشر وجزای اعمال و کیفیت آنها دارد پس ازآن مطالب عرفانی را درضمن حکایات درچندین مقاله مندرج ساخته و پیش از شروع در تحقیق معنی ایمان واسلام در ذیل عنوان : سبب نظم کتاب بنام آن تصریح نموده و گوید :

چو گفتم اندر و چندین حقائق نهادم نام او **کنز الحقائق**

وآغاز این کتاب بنا بر آنچه در فهرست نسخ فارسی انجمن بنگاله ثبت گردیده اینست :

بنام آنکه اول کرده آخر بنام آنکه باطن کرده ظاهر

ولی نسخهٔ این کتابخانه به سه بیت از اول **اسرارنامه** عطار شروع گردیده و بیت چهارم که از اسرارنامه نیست اینست :

---

(۱) ـ در نسخهٔ مجالس العشاق **م.س** درآغاز معرفی ازاین عارف محمود پوریاء نگاشته شده ولی پیداست که درکلمه جنگ اصلاح واضافه‌ای گردیده و درذیل عنوان بهمین‌نحو (پریار) که درنسخهٔ مجالس العشاق این کتابخانه میباشد ثبت‌شده و این کلمه با یاء فارسی وراء مهمله و یاء حطی و الف و راء مهمله است .

(۲) ـ پو کیاردردونسخهٔ این کتابخانه‌و کتابخانه **م . س** بایاء ابجد و کاف عربی و یاء حطی ثبت گردیده ودرنسخهٔ م . س با یاء فارسی ثبت شده است .

توان اندر صفاتش ره بریدن ولی درذات او نتوان رسیدن

ونسخهٔ نیز به‌آخرین بیت اسرارنامه خاتمه یافته وماآن بیت وبیت پیش ازآنرا در اینجا می‌آوریم:

زهی در خوش زهی در پیش ما را زهی آن پیش زهی خویش مارا(کذا)

**سخن با درد تر زین کس ندیدست**
**که از هر بیت او خونی چکیدست**

گذشته‌از کتابهای‌نام برده ، تذکرة الاولیاء (بسال۱۳۲۲ درلیدن‌چاپ‌شده) وشرح‌القلب ورسائل‌اخوان الصفا به عطارنسبت‌داده‌شده وخودوی چنانکه دیدیم دو کتاب‌نخستین‌رادرشمار مؤلفات خویش‌نام برده ، درص۴۳۶ ج۱فهرست آصیفه دکن رسالهٔ وجودیه و رساله‌ای بنام وحدت وجود و نیز درص ۱۴۸۶ ج۲ یك متنوی بنام : آغازعشق به فریدالدین عطارنسبت داده شده است . و در ریاض السیاحه ، متنوی : محمودایازولیلی ومجنون وگل‌وبلبل‌نیز بدونسبت داده شده و مقدمه نویسان نیز نقل کرده اند و نگارنده راگمان اینست که شیروانی مؤلف ریاض‌السیاحه چون درکلیات عطار بحث راجع به این موضوعات را دیده (در الهی‌نامه ومنطق‌الطیر ودیگر کتابها میباشد) تصورنموده که در این موضوعات هر یك جداگانه کتابی پرداخته است و درفهرست های موجوده نامی از آنها نیست .

شرح حال عطاربامطالعهٔ **لب** ج ۲ص۳۳۷-۳۳۹ ، **تذ** ص۱۸۷ ۱۹۲ ، **نس**، مجالس‌العشاق(مجلس۲۲) ،**هم**ص۶۰۴-۶۱۶م.س،**مجاص**۲۹۶-۳۰۰ **کظ** درصفحات بسیارآن ، ریاض‌السیاحه ص ۱۶۴ - ۱۷۰ ، **تل** ص۵۳۱ - ۵۳۲ و دیوان و منطق الطیر و مظهر العجائب و الهی نامه ومصیبت نامه و کتابهای دیگر خود عطار نگارش یافته است .

**۱۱۵۷**

**کلیات مشرقی شیرازی**

این نسخه بخط نستعلیق در متن و حاشیه نوشته شده ، تاریخ نگارش درآخردوکتاب نخستین و بخشهای دیگر نیست ، ظاهراً

در زمان زندگانی خود شاعر در اواخر نیمهٔ نخستین قرن یازدهم هجری نوشته شده و مندرجات آن بترتیب عبارتست از :

۱ ـ دیباچه کلیات (ص ۱ـ۷) پس از حمد و ثنا فهرستی از مندرجات کلیات را معرفی نموده وچنانکه زیراین سطرها خواهیم گفت کتاب سوّم ودهم در این نسخه نیست و نویسندهٔ همین دیباچه که‌غیر ازخود مشرقی است پس ازنام بردن کتابهای کلیات فهرستی از قصائد مندرجهٔ در این کلیات بترتیب ردیف ها از الف تا یاء مرتب نموده و در پایان دیباچه گذارده و صفحهٔ نخستین دیباچه افتاده و سطر نخستین موجود اینست :

یا ارحم‌الرّاحمین **مقدمه** ،فهرست محامد سرادقات جلال با افضال و دیباچهٔ مشارق الخ .

۲ ـ **شمس‌المشرقین** ، (ص ۸ ـ ۵۱ ) با دیباچه نثری ، ۳ ـ **شبستان‌انس** ، (ص۵۲ـ۱۲۹) با دیباچه نثری ، **۴ ـ قصائد** (ص ۱۳۰ـ۳۸۴ ) ، **۵ ـ مراثی** و ترجیعات و موشحات (ص ۳۸۴ـ ۴۰۶ ) ، ۶ ـ **مقطعات** ونواریخ (ص ۴۰۶ ـ ۴۲۳ ) ، **۷ ـ غزلیات** (ص۴۲۴ـ۷۰۷ ) و **۸ ـ رباعیات** (ص ۷۰۸ـ۷۴۷ ) .

گذشته ازاینکه از آغاز و انجام نسخه برگهائی افتاده یك یا چند برگ میان ص ۴۴۵ـ۴۴۶ و ص ۴۵۴ ـ ۴۵۵ افتاده است وبا این نقص‌ها چنانکه زیراین سطرهاصورت جزءآنراخواهیم گفت در این کلیات درحدودبیست ودوهزاروچهارصَد(۲۲۴۰۰)بیت‌میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۳۷۱ . صفحه ای ۲۷ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ۲۸ سانتیمتر . عرض ۱۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۵۵۷**.

## کلیات مشرقی شیرازی

**مشرقی** تخلص شاعریست شیرازی که بنابر تصریح دریکی از ابیات غزلیات (ص ۶۴۶ نه) ظاهراً **حسن** نام داشته :

« سمع اقران سزد این درّ نظیم موزون که زقول حسن مشرقی از بردارم »

ولی ممکن است که حسن را وصف قول دانست .

در این آثار وی با تفحص جای دیگر بدین نام یا نام دیگری برای وی دست نیافتم ، از تاریخ برخی از آثار او و ماده تاریخهائیکه ساخته و قصائدی که درمدح شاه عباس کبیروجانشین وی شاه صفی (۱۰۳۸ ـ ۱۰۵۲ أ) و امرا و حکام معاصر این دو پادشاه سروده معلوم میشودکه از شعرای نیمهٔ دوم قرن دهم واول قرن یازدهم هجری‌است ، درهیچیك ازتذکره‌هانامی‌ازاین‌شاعر نیست **درتنگ الله‌اکبر** شیرازکه در شمال شهر میباشد برزبر کوه ، تکیه ایست که قبری درآنست ومردم شیرازآنجارا «**مشرقین**» گویند ونزهتگاه وزیارتگاه آنهاست ، مرحوم فرصت‌الدوله‌درآثارعجم (ص ۴۸۱) گوید : تکیه مشرقی در آن کوه است . . . . و در وسط آن محجری است وآثار قبری وآن مزار از عمادالدین محمودالحسنی الحسینی است ،گویند وزیرشاه شیخ ابواسحق انجوی بوده والله اعلم . و در حاشیهٔ همین صفحه نوشته اند که : عماد الدین محمود وفاتش درسنهٔ هشتصد و بیست وهشت بوده .

باتوجه باینکه شاه شیخ ابواسحق بسال ۷۴۲ بسلطنت رسیده و بسال ۸۰۸ کشته شده (ص ۴۱۷ و ۴۱۹ تل) معلوم میشودکه تاریخ مذکورصحیح نیست وصاحب فارسنامه ناصری هم دراین کتاب نامی‌ازاین شاعروتکیه وی نبرده‌است

مؤلف **طق** نیزدرص ۲۲۹ ج ۳ این تکیه وصاحب آنراچنین معرفی میکند : بقعهٔ مشرقی‌اول‌تنگه معروف به الله اکبراست ، پیری درمغارهٔ آنجا مدفون‌است مسمّی بمشرقی ، الحق جای با روحی‌است آب رکن آباد ازپایان آنجا گذرد و بادلو وریسمان بیالا کشند حوض و باغچه را آب رسانند از کنارهٔ کوه که بالا روند دست چپ بعضی تصاویربر کوه نقروحجاری شده .

نگارنداحتمال‌میدهدکه تکیهٔ نام برده وقبرموجود درآن ازاین شاعرمیباشد که‌مسلماًشیرازی‌است‌ودربن‌شهربوده‌ودرمقدمه برخی‌ازکتابهای خودبدین‌تصریح کرده وابیات کلیات نیزشاهد وگواه برشیرازی بودن ودرشیرازماندن اومیباشد وتذکریکه‌لازم‌است‌داده شوداینست که شاعری‌دیگرمشرقی‌تخلص‌نیزدرهمین‌عصر وزمان‌در خراسان‌بوده وصاحب‌دیوانست‌ونسخه‌ای‌ازدیوان وی‌در کتابخانه موزهٔ

لندن زیرشمارهٔ A.DD۷۸۰۰ موجود ودرص۶۸۲ ج۲ فهرست آنجا (فو) معرفی گردیده ونیز درص۴۰۱-۴۰۸ می که بسال۱۰۲۸ تألیف گردیده اورا معرفی و گوید : جوانیست صاحب فضیلت وخوش طبعی است منشی طبیعت .... نامش **ملك** و تخلص مشرقی است ، بمیرزا ملك مشرقی مشهور شده .... تا حال اشعارخودرا بر بیاض نبرده و دیوان بسامانی ترتیب نداده الخ .

ودرحاشیهٔ این کتاب وفات ملك مشرقی‌مشهدی بسال ۱۰۰۰ نقل گردیده‌است .

بدین تخلص شاعردیگری درقرن سیزدهم هجری بوده که نامش محمد حسین وبنا برنگارش **طق** (ص۱۸۶ ج۳) به سی و نه واسطه به ابوذرغفاری رحمه‌الله که از صحابه حضرت رسول صم ع بوده میرسد و درآغاز جوانی بخدمت دولت اشتغال داشته و در اواخر عمرترك مناصب نموده و راه طریقت را پیش گرفته و بسال ۱۲۹۹ راه سرای دیگر را پیمود و در یکی از دهات کاشان بخاك سپرده شده .

دیوان این شاعر ( مشرقی کاشانی ) بسال ۱۳۱۴ در تهران چاپ سنگی شده است .

مشرقی شیرازی را درعنوان کتابهای این کلیات بدین طرز ابوالعلا حکیم مشرقی جامع الکلام و القاب دیگرمعرفی نموده ومندرجات کلیات ویرا نویسندهٔ مقدمهٔ آن که پیداست خود وی نبوده ، ودیگریست چنین ثبت کرده :

**۱** - شمس‌المشرقین ، **۲** - شبستان انس ، **۳** - مثنوی متفرقه ، **۴**- قصائد ، **۵** - ترجیعات ، **۶**- مقطعات ، **۷**- هفت بند سرائی ، **۸** - غزلیات ، **۹** - رباعیات و **۱۰** ساقی نامه وچنانکه ازمعرفی نسخه دانسته شد ، بخش **۳** و **۱۰** در آن نیست ودر کتابخانه‌ملی‌ملك نسخه‌ای از کلیات مشرقی موجوداست که‌بسال ۱۰۲۰ نوشته شده وپیداست که مسلماً از این نسخه کمتراست چراکه در اینجامدائحی ازشاه صفی ( ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ) میباشد که در آن نسخه نخواهد بود و نسخهٔ دیگری هم بنام مثنویات مشرقی شیرازی در آن کتابخانه موجود است .

اینك مندرجات کلیات مشرقی (نسخهٔاین کتابخانه) را در اینجا معرفی میکنیم :

**۱ - شمس‌المشرقین** ، این کتاب مثنوی و بتقلید تحفةالعراقین خاقانی میباشدبسال، ۱۰۱۰ انشا شده‌ودرمقدمهٔ آن گوید : چنین گوید اضعف ضعفا مشرقی شیرازی ... که در اوائل شهرمبارك صیام سنهٔ الف وعشر از هجرت نبویه با بعضی از اقران و برخی از اخوان الصفا در مصلی شیراز مجلس حالی داشتم و ازهرجا سخنی ازحالات ومقامات الخ .

واین مثنوی درحدود یکهزار ودویست (۱۲۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست :
دیباچه کتاب . . . الحمدلله الذی از ازل تا ابد هر جا حمدی پسندیده . . .

**ای نور حدیقهٔ جهان بین مه را زتو زینت است و آئین.**

**۲ ـ شبستان انس** ، در دیباچه نثری این کتاب نگاشته که جمعی از دوستان بنابر پرسش از این بیمار ضعیف آمده بودند ، گروهی از آنان گفتند که چون در اکثر بحر ها از هر گونه سخنان از قصائد و غزلیات و مقطعات و مثنویات منظوم ساخته در بحر بوستان نیز رسالهٔ مشتمل بر آداب دین و ارکان اسلام منظوم نمائی تا سبب نجات خواننده و نویسنده و عمل کننده باشد ، این بیچاره شکسته از ترك این ادب اول امتناع نمود الخ .

پیش از آغاز کتاب پس از دیباچه نثری مقدمه‌ای منظوم در هفت مقاله‌نیز بر آن نگاشته و در مقالهٔ چهارم در سبب نظم کتاب چنین گوید :

شد اسرار جان در دلم منجلی — بنور نبیّ و به مهر علی
تولّا به آل علی زان کنم — که دل روشن از نور ایمان کنم
چه نور یقین رهنمای منست — مه و مهر روشن ز رأی منست

.......................

دُر نظم اگر برفشانم به خاك — بروید ز خاك سیه جان پاك
چو دستان سرائی کنم در سخن — گل از شوق در تن درد پیرهن
مرا **مشرقی** نام خواندست شاه — از آن افسرم بر سر مهر وماه

وفهرست ابواب و فصول کتاب را در انجام همین مقاله بدینگونه آورده است:

بده باب و ده فصل این نظم را — بتوفیق یزدان نهادم بنا
نخستین بود باب **توحید و عدل** — سیوم در **نبوت** برهان عقل
چهارم **امامت** به پنجم **معاد** — ششم در **صلوتست و خمس و جهاد**
بهفتم بود **صوم** وهشتم **زکوة** — نهم **حج** و عاشر **جهاد** ونکات
بده باب و ده فصل از این ناظمه — بتوفیق یزدان کنم خاتمه

این مثنوی در حدود دو هزار و دویست و پنجاه (۲۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

حمد نامحدود و ثنای نامعدود سزاوار ذات مقدس متعالی صانعیست . . . . .

**بنام خداوند ارض و سما که باشد مر اورا پرستش سزا**

**۳ ـ قصائد** ، این بخش مرتب به ترتیب ردیف ها از الف تا یاء و در حدود هفتهزار و یا نصد و پنجاه (۷۵۵۰) بیت میبا شد و آغاز آن اینست :

**یا احد کار ساز یا صمد بیریا انت کثیر النعم انت عظیم العطا**

**۴ - مراثی** و ترجیعات و موشحات ، در نسخهٔ این کتابخانه این سه بخش بایکدیگر مرتباً نوشته شده ودرآخرآن تصریح باتمام هرسه بخش‌شده‌ومراثی آن شامل هفت بند در رثاء ائمه اطهارع میباشد وترجیعات آنهم در مدح شاه عباس کبیر و شاه صفی والله وردی‌خان حاکم شیراز (۱) و موشحات آن در مدح علی بیك و حسن بیگ و حسین بیگ و خالق وردی بیگ میباشد وهمه این سه بخش در حدود ششصد و پنجاه (۶۵۰) بیت است

**آغاز هفت بند : واحسرتا که‌شمس وقمردر حجاب شد**
**ظلمت جهان‌گرفت و ممالك خراب شد**

**۵ - مقطعات** ، این بخش نیز شامل مدائحی از شاه عباس و امراء وی و ماده تاریخهائی برای فتح لار و بحرین و بندر عباس و وفات رجال و علما میباشد و در حدود چهار صد و پنجاه (۴۵۰) بیت است .

**آغاز : علای دولت و دین نقد حیدر کرار**
**که با بزرگی تو همسری نمی بینم**

**۶- غزلیات** ، این بخش مرتب بترتیب ردیف هاست ودرحدود نه‌هزارو پانصد (۹۵۰۰) بیت میباشد .

**آغاز : کنم سر دفتر دیوان ثنای ایزد دانا**
**که شایسته است او را حمد صدقنا و آمنا .**

**۷ - رباعیات** ، این بخش در حدود چهار صد (۴۰۰) رباعی میباشدکه بدون ترتیب نوشته شده و بدین رباعی آغاز میگردد :

در بحر رباعی چو سخن ساز کنم — روح الله را بخویش دمساز کنم
جبریل ببال معرفت سیر دهم — از کنگرهٔ عرش چو پرواز کنم

ابیات این کلیات گاهی بسیار عالی است که درعداد اشعار استادان بزرگ بشمار میآید وهنگامی بقدری مبتذل ودانی است که چون اشعار کودك دبستان میباشدآقای ملك‌الشعرا (بهار) را پس‌از دیدن این دیوان و کلیات این تردید پیدا شدکه شاید اصل دیوان از آن یکی از شعرای بزرگ پیشین بوده‌واین مرد تخلص ها را برداشته و مشرقی بجای‌آن گذاشته ومتوجه نشده که مشرقی جای‌گزین آن تخلص پیشین نمیشود و وزن شعر را هم خراب کرده و یکی از آنها قصیده است که این چند بیت از اوست :

۱ - پدر امام قلیخان است وبسال ۱۰۲۱ بجهان دیگرشتافته و پسر بجای پدر حکومت شیراز را یافت .

(ص ۳۸۲ نه) .

شنوی گر سخن مشرقی نروی از نظر مشرقی
توام بخت و سعادت گردی گر روی بر اثر مشرقی
از گریبان تو طالع گردد نور مهر قمر مشرقی

برای نشان دادن نمونهٔ دیگری ازقصائد مشرقی این چند بیت را می‌آوریم :

(ص ١٦٤ نه) .

اگرنه کارجهان سر بسرسراب و هباست چرا بنزد خرد کم بها و نا زیباست
بلی چگونه بهائی بود بنزد خرد چنین قلیل متاعی که حاصل دنیاست
جهان و هرچه دروهست نزد اهل بصر کریه وفانی و بیحاصل وقلیل بهاست
اگر تورا زمن این ماجرا عجب آمد نظرگمارو ببین تابر اهل فضل چراست.

**۱۱۵۸**

**کلیات نورعلیشاه**

این نسخه از آغاز تا ص ۳۵۹ بنا برتصریح درص۴۳۸ بخط نسخ محمدعلی‌بن سیدعرب حسینی بسال ۱۲۳۱ نگارش یافته وچنانکه از یادداشت موجود در همین صفحهٔ اخیر بدست می آید ، نسخه را برای سید محمدعلی بن محمد صادق نگاشته‌اند ورسائل مندرجه در ص۳۵۸ـ۳۷۷بخط شکسته نستعلیق است ومندرجات نسخه‌بترتیب عبارتست از :

۱ ـ غزلیات مرتبهٔ بحروف تهجی برحسب قوافی و رباعیات و قصائد(ص۱ـ۲۰۳وص۲۲۳ـ۲۲۵و۳۵۶ـ۳۵۸نیزشامل‌قصیده‌است) ۲ـ ترجمهٔ خطبة‌البیان بنظم (ص۲۰۳ـ۲۱۲)، ۳ ـ سئوال‌وجوابهای منظوم که میانه مظفر علیشاه و نورعلیشاه ردّ و بدل شده (ص ۲۱۳ -

۲۲۲)، ۴ ـ جامع الاسرار النوریه، که نظیر گلستان سعدی ولی در مطالب عرفانیست (ص ۲۲۷ ـ ۲۷۹)، ۵ ـ رساله در اصول و فروع بنثر فارسی (ص۲۸۰ ـ ۲۹۸)، ۶ ـ رساله در سیر و سلوك (ص۲۹۸ـ۳۱۲)، ۷ ـ رساله در پند و موعظه که توان حدث زد که خود نورعلیشاه آنرا «هدایت نامه» نامیده‌است (ص۳۱۲ـ۳۲۲)، ۸ ـ نظم کبری (ص۳۲۹ـ۳۵۳)،

پس ازاین مندرجات که بخط نسخ میباشدبخط شکسته نستعلیق دیگری رساله واجازهٔ زیرین‌را که بدین نسخه پیوسته‌شده‌نوشته و ظاهر اینست که اینها نیز از عارف مشهور نورعلیشاه است

۹ ـ رساله در بیان شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت (ص ۳۵۸ـ۳۷۰)، و ۱۰ ـ اجازهٔ طریقتی است که بسال ۱۲۰۷ حضرت نورعلیشاه در کربلاء معلی به آقامحمد جعفر ابن حاجی صفر خان قراگزلو (مجذوب‌علیشاه) معروف به «کبودرآهنگی»[1] داده‌است.

**جلد** تیماجی. کاغذفرنگی. قطع‌بغلی. شمارهٔ برگها ۱۸۹. صفحه‌ای ۱۶ بیت. طول $\frac{1}{2}$۱۵ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$۱۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۴۲**.

## کلیات نورعلیشاه

نورعلیشاه‌عارف‌مشهور را درص ۱۷۱ـ۱۷۳ در ذیل کتاب «جنات‌الوصال» وی معرفی کرده ایم، و مندرجات کلیات نسخهٔ این کتابخانه عبارتست از:

۱ ـ دیوان وی که شامل غزلیات و رباعیات وقصائد میباشد و بدین بیت:

ای نام خوشت‌جوهر‌شمشیر زبانها پیوسته ازین سلسله زنجیر بیانها

آغاز گردیده و بنام «نورعلی» تخلص نموده ونسخهٔ بالا در حدود سه‌هزار (۳۰۰۰) بیت است،

---

۱ـ کبودرآهنگ یکی ازدهات همدان‌است.

۲ ـ سئوال و جوابهای مظفر علیشاه و نور علیشاه در حدود یکصد وپنجاه (۱۵۰) بیت میباشد و بدین دو بیت :

مظفر علیشاه : بلّغا عنّی خلیلی السّلام — من فؤادی فی هواها مستهام

نور علیشاه : مرحبا ای پیك بامهر ووفا — کامدی از جـانب دار الشفا

سئوال و جواب ایشان آغاز گردیده است .

۳ ـ ترجمه خطبةالبیان که از آن، شرح نیز تعبیرتوان نمود درحدود یکصد و پنجاه (۱۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بنام خداوند عزّوجل — که هم لایزالست وهم لم یزل

۴ ـ جامع الاسرار که نظیر گلستان انشا شده در حدود هشتصد(۸۰۰)بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده :

سپاس بیقیاس و حمد بیحد — مران کنزخفا را باد سرمد .

۵ ـ رساله در اصول و فروع که آغاز آن اینست :

بسمله الحمدلله رب العالمین . . . . . **اما بعد** بدانکه بر هر مکلفی واجبست که سیّاح نظررا الخ . و درحدود سیصد (۳۰۰) بیت میباشد .

۶ ـ رساله در سیر و سلوك در حدود دویست و بیست (۲۲۰)بیت میباشد و آغازش اینست :

ای درویش دلریش و ای آشنای بیخویش ساعتی خواموش باش الخ .

۷ ـ پند نامه که از عبارت آغاز نسخه چنین تصور میرود که **هدایت نامه** نام داشته باشد و مشتمل بر نصایح طریقتی است و بچندین آیه کریمه ازقرآن کریم مشتمل بر نصیحت آغاز گردیده و در حدود یکصد و پنجاه (۱۵۰)بیت میباشد و بدینگونه ( پس از آیات ) آغاز گردیده است :

این هدایت نامه‌ایست از کلب آستان ولی اللهی نور علی درویش نعمةاللهی، کلمانیست از جهان حقیقت وپندیانیست ازآسمان معرفت شنیدن و عمل کردن بآنها باعث امن و امان الخ .

۸ ـ نظم کبری در حدود سیصد و هفتاد و پنج ( ۳۷۵ ) بیت میباشد و آغازش اینست :

حمد بیحد مر خدائی را نخست — که بنامش نامه ها گردد درست

۹ ـ رساله در بیان شریعت وطریقت ومعرفت و حقیقت که درحدود دویست (۲۰۰) بیت میباشد ولی عبارت و مطالب آن عادی نیست و خیلی بکتب افسانه ورمان شباهت دارد و قرینه‌ایکه ازنورعلیشاه باشد از خودرساله بدست نیاوردم.

**آغاز:** سالکان طریق حقیقت را مخفی نماناد که ؟ چهار بابست اول باب شریعت الخ .

**١٠** - اجازهٔ دست گیری و ارشاد نورعلیشاه به مجذوبعلی شاه ( محمدجعفر بن صفر خان قراگوزلو ) که درشصت (٦٠) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله الحمدلمن ارشدنا بالحمد والصلوة علی نبیّنا صاحب لواء الحمد والمقام المحمود والسلام علی اوصیاء خلفاء الله الملك المعین **و بعد** چون موجود ذیجود وجود کامل مکمل در هر جزوی از اجزاء بل در هر قطری از اقطار دایرهٔ امکان مراتب تکمیل که مقصوداه ایجاد عباد آنست الخ .

کلیات کامل نورعلیشاه جز مندرجات نسخهٔ این کتابخانه شامل کتب و رساله های دیگریست ، چون تفسیر سورهٔ بقره بنظم فارسی وروضة الشهداء که در احوال حضرت سیدالشهداء ع و بنظم میباشد و مشکوة النجاه و غیر از اینها .

## ١١٥٩

## کلیات وحشی

این نسخه بخط نستعلیق و ظاهراً در قرن یازدهم نوشته شده صفحات ١ و ٩٩ و ١٥١ و ٢١٥ و ٣٥٣ دارای سرلوح های زیبائیست ، میان سطرهای این صفحه ها وصفحات مقابل آنها طلا اندازی شده وهمهٔ برگهای نسخه با طلاو لاجورد و غیره جدول کشی گردیده و چنین بنظر می آید که سرلوح ها کار هندوستان باشد و مندرجات نسخه بترتیب عبارتست از :

**١** - ناظرومنظور (ص١-٩٧) درحدود یکهزار و پانصد (١٥٠٠) بیت ، **٢** - مثنوی در مدح غیاث الدین ( ص ٩٩-١١٤ ) در حدود دویست وچهل (٢٤٠) بیت ، **٣** - خلد برین (ص١١٥-١٤٩) درحدود پانصد و سی ( ٥٣٠ ) بیت ، **٤** - فرهاد و شیرین ( ص ١٥١ - ١١٢ )

در حدود یکهزار (۱۰۰۰) بیت ۵ـ قصائد و مقطعات و ترکیب بند ها (ص ۲۱۵ ـ ۳۵۲) در حدود دو هزار و دویست (۲۲۰۰) بیت، ۶ـ غزلیات (ص۳۵۳ـ۵۰۳) در حدود دو هزار و دویست و پنجاه (۲۲۵۰) بیت و مرتب بترتیب ردیف‌ها است، ۷ـ رباعیات (ص۵۰۳ ۵۱۲) در حدود یکصد و چهار (۱۰۴) بیت و ۸ـ ترجیع بند و مسمط (ص۵۱۲ـ۵۲۸) در حدود (۱۰۰) بیت و بنابراین، این نسخه از کلیات وحشی در حدود هشتهزار بیت (۸۰۰۰) میباشد.

چند برگ از آن وصّالی گردیده و پشت برگ نخستین و آخرین یادداشتهائی شده است.

جلد تیماجی. کاغذ دولت‌آبادی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۶۵. صفحه‌ای ۱۷ بیت. طول $\frac{1}{2}$ ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۲۹۷.

## ۱۱۶۰

**کلیات وحشی (فرهاد و شیرین)** این نسخه بخط شکسته بسیار خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً از خطوط نیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجری میباشد، یك سرلوح بسیار ظریف که نیز پیداست از کارهای شیراز میباشد در صفحهٔ نخستین موجود و اطراف آن صفحه و صفحهٔ مقابل با کمال ظرافت بهمان طرز سرلوح نقاشی گردیده و میان ابیات این دو صفحه طلااندازی شده است.

همهٔ برگها با طلا و شنگرف و لاجورد جدول کشی گردیده و عناوین و مطالب برسرسوره های ظریفی که ازطلا پوشیده شده با سفیداب نوشته شده است .

شمارهٔ ابیات این نسخه هفتصد وشصت ونه (۷۶۹) میباشد وبدین بیت خاتمه یافته :

چو بحر معنی آمد در تلاطم شود این صورت معنی دراو گم

جلد روغنی دوروگل و بلبل با کمال ظرافت . کاغذ ترمه . قطع بغلی . شمارهٔ برگها ۳۷ . صفحه‌ای ۱۱ بیت . طول ۱۳ سانتیمتر . عرض ۸ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۲۴۵** .

## کلیات وحشی کرمانی

**وحشی** تخلص شاعریست عشق پیشه و با سوزو گداز از اهالی کرمان که درنیمهٔ دوم قرن دهم هجری ازسخن سرایان مشهور بوده و بسال ۹۹۱ بجهان دیگر شتافته و در دیوان وی نگارنده ماده تاریخی که سال ۹۹۰ را میرساند و برای خان قلی نامی میباشد دیده وآن اینست :

« طلب کردم چو تاریخش فرو گفت «شهیددشنهٔ جورزمانه= ۹۹۰» .

در کتب تذکره وکلیات این شاعربنام وی و بپدرش دست نیافتم ولی معاصروی تقی‌الدین اوحدی درتذکره عرفات اورا بلقب کمال‌الدین معرفی کرده وشاید که همین نام بوده و گویدکه دیوان وحشی را او مرتب نموده و درحدود نه هزار بیت است .

کلیات وحشی ( نسخهٔ این کتابخانه ) را کتب زیرین تشکیل میدهد :

**۱ - ناظر ومنظور** ، ببحرخسرو وشیرین نظامی در ۱۵۰۰ بیت ساخته شده ودر آن داستان معاشقهٔ **ناظر** بامنظورمیباشد وخود شاعرماده تاریخی برای آن ساخته که سال ۹۶۶ از آن استفاده میشود و نسخهٔ این کتابخانه شامل این ماده تاریخ است .

**آغاز :**

**الهی نام تو سردیوان هستی ترا برجمله هستی پیش‌دستی**

**۲** - مثنوی بی نام که درآن پرسش های چندی نموده وپس ازآن بوصف

غیاث‌الدین میر میران پرداخته است .

آغاز :

اهل دار العباده غیر از شاه کش‌خدادارداز گزندنگاه .

۳ـ خلدبرین ، این‌مثنوی‌برابر مخزن‌الاسرارنظامی‌در ۵۳۰ بیت‌ساخته شده

آغاز :

خامه بر آورد صدای صریر بلبلی ازخلدبرین زد صفیر .

۴ ـ فرهاد وشیرین ، این مثنوی ظاهراً آخرین اثروحشی باشد فقط درحدود یکهزار (۱۰۰۰) بیت آنرا گفته و بانجام نرسیده چراغ عمروحشی خواموش گردیده وپس‌ازآن میرزامحمدشفیع معروف به میرزاکوچك شیرازی **وصال** تخلص به اتمام آن کمربست ودرحدودیکهزاروهشتصد (۱۸۰۰) بیت برآن افزود و بسال ۱۳۰۳ درتهران در پی یکدیگر چاپ سنگی شده‌اند و همچنانکه درص ۵۲۳ گفته شد شاعری نیزشیرازی **صابر** تخلص‌تکملهٔ وصالرا ازلحاظ داستان نیز ناقص‌دیده وباتمام آن پرداخت ونسخهٔ آن زیرشمارهٔ **۱۱۳۶** در این کتابخانه موجود است .

آغاز فرهاد وشیرین وحشی :

الهی سینهٔ ده آتش افروز
در آن سینه دلی وآن دل همه سوز .

انجام :

اگرچه صدنوا خیزد ازین چنگ
چو نیکو بنگری باشد یك آهنگ .

آغاز آنچه وصال ساخته :

هزاران پرده بر قانون عشق است بهریك نغمهٔ زافسون عشق است .

انجام :

من وفرهاد و صد همچون من و او زشه باحال خوش بافال نیکو .

۵ ـ قصائد ومقطعات وترکیب بندهامیباشد ومرتب بترتیب ردیف‌هانیست

آغاز :

راحت اگر بایدت خلوت عنقا طلب عزت‌ازآنجابجوی‌حرمت ازآنجاطلب .

۶ ـ غزلیات مرتب بترتیب ردیف هاست

ای سرخ گشته ازتوبخون روی زردما ما را زدرد کشته و فاغل ز درد ما .

۷ ـ رباعیات بدون رعایت ترتیب نگارش یافته

**آغاز :**

در نفی رخت شمع شبی راند سخن روزش دیدم گرفته کنجی مسکن
مانندهٔ عاصئی که در روز جزا با روی سیاه سر بر آرد ز کفن .

**۸ - ترجیع بند و مسمط** ، این بخش چنانکه گفته شد آخرین بخش نسخهٔ کلیات این کتابخانه میباشد

**آغاز :**

ساقی بده آن باده کاکسیروجوداست شویندهٔ آلایش هربود و نبود است .

**انجام :**

حاش لله که وفای تو فراموش کند سخن مصلحت آمیز کسان گوش کند .

بسال ۱۳۴۷-۱۳۴۸ کلیاتی ازوحشی ، شامل قصائد و ترجیعات ومسمط و غزلیات و مقطعات و رباعیات و **خلدبرین** و **فرهاد و شیرین** و **ناظر و منظور** درتهران چاپ سنگی شده وگذشته از این فرهاد وشیرین وی بسال ۱۳۰۳ بافرهادوشیرین‌وصال و بسال ۱۳۰۶ ش(فقط از آن‌وحشی) باحروف سربی نیز درتهران چاپ شده است .

شرح حال وحشی‌درمقدمه‌کلیات (دیوان) وی چاپ تهران ، **هم** ص ۱۳۶- ۱۳۷ م . س ، **خو** درحرف واو ، **آر** ص ۱۲۶- ۱۳۰، **ما** ج ۲ ص ۵۱ ، **تن** ص ۱۵۹ ، **هن** ص ۱۰۹-۱۱۱ و **فهر** ج۲ ص۶۹۷ - ۶۹۹ نگارش یافته ومراجعه شده است .

## ۱۱۶۱

**کلیات وحید قزوینی**

این نسخه بنابر تصریح در ص۱۳۳ و ۱۵۶ بسال ۱۰۸۱ بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده‌ازخودنام‌نبرده ولی درپایان‌چندین مثنوی وپس ازتاریخ نگارش جلهٔ : « **رب اجعلنی رضیا** » نگاشته‌شده ، نگارنده تصورمیکنم که این‌نسخهٔ را برای‌خود شاعر **میرزا رضی بن فیمای**خراسانی که بنابرضبط‌معاصروی‌در**نص** (ص۸۰)جوان قابل

فاضلی بوده و بنگارش مجلّدی ازدفاتر خاصّه اشتغال داشته نوشته، ومراد وی از نگارش آن جمله اشاره بنام خویش است.

از قرائن پیداست که بسیاری از صفحات آخر نسخه و ابیاتی که در حاشیهٔ صفحات نوشته شده وبخط نویسنده پیشین نیست اثر دست خود **وحید** میباشد و حك و اصلاح و تغییر ابیات ومصرعها و کلمات، شاهد این ادعاست. و در این بخش چندین ماده تاریخ است که پس از ۱۰۸۱ انشاشده و درص ۲۰۶ ماده تاریخی که سال ۱۰۹۳ را میرساند موجود بنابراین مسلّماً تا این سال وحید براین دیوان وکلیات می‌افزوده و شاید آثار دیگر پس از این تاریخ هم در آن باشد و در این نسخه در حدود چهل هزار (۴۰۰۰۰) بیت میباشد و مندرجات آن بترتیب عبارتند از:

**۱ - ناز و نیاز**: (ص۲-۴۹) برگ نخستین نسخه که نو نویس میباشد ازاین کتاب نیست و آغاز آن مثنوی است که دربیان آلات جنگ انشا نموده و عیناً در ص ۱۱۹ موجود است و این نسخه‌در حدود دو هزار و هفتصد (۲۷۰۰) بیت میباشد وبا مراجعهٔ به نسخهٔ دیگر که درشمارهٔ زیرین میباشد بدست آمد که ۴۳ بیت از آغازو ۳۴۳ بیت از انجام نسخه افتاده و بدین دو بیت آغاز وانجام‌مییابد:

چنان از عشق خود بنواز جانم
که سوزد مغز چون شمع استخوانم.

........................

شهنشه ساخت جشنی چون سلیمان
بجمعیت سپه را داد فرمان.

**۲ - یك مثنوی** است (ص ٥٠-٦١) که از اول و آخر آن افتاده و مشتمل بر حکایاتی چند میباشد ولی نام آنرابدست‌نیاوردم و آنچه اینجاست در حدود یکهزار وسیصد و هشتاد (۱۳۸۰)بیت است و بدین بیت شروع گردیده :

چهره چنان صاف که‌شخص خیال

دیده در آن آینه مردم جمال.

و بدین بیت بانجام میرسد :

سنگ گران‌درکف‌هرکینه‌ور کرده بآن وزن متاع خطر.

**۳ - خلوت راز** ،(ص ٦٢-٦٩) ازآغاز این مثنوی برگهائی افتاده‌وبدین‌بیت که‌درص۹۹سطر٥نسخهٔ زیرین‌میباشدآغازمیشود:

هان بناجنس خود مباش قرین صحبت جنس‌خویشتن بگزین

و این بخش در حدود چهار صد و پنجاه (٤٥٠) بیت است .

**۴ - عاشق و معشوق** ،(۷۸-۱۰۱)این‌نسخه بدون‌نقص‌میباشد و در حدود یکهزار و سیصد (۱۳۰۰) بیت است .

**٥ - فتح قندهار** ،(ص ۱۰۹-۱۱۷) این نسخه نیز تمام و در حدود چهارصد وشصت(٤٦٠) بیت است . **٦- مثنوی آلات‌جنگ**، (ص۱۱۹-۱۳۳) این نسخه نیز تمام و در حدود هشتصد (۸۰۰) بیت است . **۷ - مثنوی در وصف نرد** (ص۱۳۳-۱۳٤) در حدود شصت (٦٠) بیت . **۸ - مثنوی درصفت‌طنبور** ،(ص۱۳۹-۱٤٠) در شصت و هشت (٦٨) بیت . **۹-مثنوی** در صفت **عمارت شاهی** (ص۱٤٠-۱٤۱) در حدود شصت(٦٠) بیت . **۱۰ - مثنوی‌دروصف**

همایون تپه (ص ۱۴۱-۱۴۲) در شصت (۶۰) بیت. **۱۱ - گلزار** عباسی، (ص ۱۴۵-۱۵۶) در حدود ششصد و هشتاد (۶۸۰) بیت. **۱۲ - قصائد**، (ص۱۶۳-۲۰۳) در حدود یکهزار و صد (۱۱۰۰) بیت است. **۱۳ - مقطعات**، (ص ۲۰۵-۲۱۹) در حدود هشتصد (۸۰۰) بیت است. **۱۴- غزلیات**، (ص۲۲۱-۶۸۱) این بخش در متن ودرحاشیه نوشته‌شده وگذشته ازغزلهم، اشعاری داردوبعضی‌از غزلیات آنهم ناتمام میباشد و بیشتر آن بخط خود وحیداست و در حدودسی‌هزار (۳۰۰۰۰) بیت‌میباشد. **۱۵ - رباعیات**،(ص۶۸۲-۶۸۳) از اول و آخر این بخش برگهائی افتاده و ابیات موجودهٔ آن در حدود یکصد (۱۰۰) بیت میباشد و بدین دو رباعی:

**آغاز:**

ندارم جان ز بهر قتل ما چندین چه میکردی
چراغی‌نیست چون بادصبا چندین‌چه میکردی
بخرمنهـای جمع آوردهٔ مردم چه مینازی
بگردآن‌چوسنگ‌آسیا چندین چه‌میگردی.

**انجام:**

سوخت‌دل ازغم خدایا گرنجاتش میدهی
از زلال کـوثر رحمت براتش میدهی
از نو دنیا در میان راه مهمانخانه ایست
هر که‌آمد ازعدم آب حیاتش میدهی.

برگهای نسخه از اول تا ص۲۰۳ با طلا ولاجوردجدول کشی شده وبرگهای ننوشته‌ای هم دراین بخش، جدول کشیده موجود

و چنانکه گفتیم آثار تصحیح ومقابله در بیشتر از صفحات نسخه دیده میشود.

جلد مقوائی عطف و گوشه تیماج. کاغذ اصفهانی. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ۳۴۲. صفحه‌ای ۵۸ بیت. طول ۳۶ سانتیمتر. عرض ۲۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۲۲۹۲**.

## ۱۱۶۲

**کلیات وحید قزوینی**

این نسخه بخط نستعلیق و ظاهراً در اوائل قرن دوازدهم هجری نگارش یافته و مندرجات آن که در حدود سیزده هزار و یکصد (۱۳۱۰۰) بیت میباشد، بترتیب عبارتست از:

**۱ - خلوت راز**، (ص ۱-۱۲۴) نسخهٔ کاملی است و درحدود دو هزار و دویست (۲۲۰۰) بیت است.

**۲ - ناز و نیاز**، (ص ۱۲۴-۲۹۵) نیز نسخه‌ای کامل است و در حدود سه هزار و دویست (۳۲۰۰) بیت میباشد.

**۳ - ساغر سرشار**، (ص ۲۹۵) فقط هفت بیت ازاین کتاب مانده و باقی آن که در برگهای بعد بوده ازمیان رفته و بیت اول و آخر آن اینست.

میوهٔ این نخل سر عاشقان  برگ وبرش جان ودل عارفان.

.........................

گشت درآن باغ پی عارفان  میوهٔ مقصود زمیمش عیان.

**۴ - عاشق و معشوق**، (ص ۲۹۶-۳۶۲) از آغاز این مثنوی

۱۷ بیت (موافق نسخه پیش) افتاده و آغاز کنونی آن اینست :

خوبان که حنا بدست دارند چون بهله زپنجه‌اش برآرند.

و این نسخه در حدود یکهزار ودویست (۱۲۰۰) بیت است .

**۵. فتح نامه قندهار** (ص ۳۶۲ـ۳۹۰) ، نسخه افتاده ندارد و در حدود چهارصد وهشتاد (۴۸۰) بیت است . **۶ـ مثنوی وصف آلات جنگ** ، (ص ۳۹۰ـ۴۱۹) از آخر این نسخه موافق نسخهٔ شمارهٔ گذشته دویست وسی (۲۳۰) بیت افتاده و اینك در حدود پانصد و چهل (۵۴۰) بیت میباشد و بیت آخر کنونی آن اینست :

چنین عقدهٔ هستش اندر زمان همان دسته‌اش هست روشن بیان.

**۷ ـ قصائد** ، (ص ۴۲۰ـ۵۲۶) از آغاز این بخش موافق نسخهٔ شمارهٔ پیش دویست و شصت و هفت (۲۶۷) بیت افتاده و اینك در حدود پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰) بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده است :

نیست کم و بیش را تفرقهٔ در میان

خاك چو گردد یکیست پیکر شاه و گدا .

**۸ـ رباعیات** (ص ۵۲۶ ـ ۵۲۷) ، آخر این بخش افتاده دارد وآنچه اکنون داراست هشت (۸) رباعی است و این رباعی درآخر نسخه است :

ای آنکه زماه حسنت افزون آید از عهدهٔ وصف تو که بیرون آید

باشد سخنت شکسته لیك از دهنت مغز سخن است آنچه بیرون آید .

برخی ازبرگهای این نسخه وصّالی شده و پاره‌ای از آنها کثیف گردیده و چنانکه گفته شد بسیاری از آنها افتاده است .

جلد تیماجی ضربی. کاغذ اصفهانی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۶٤. صفحه ۱۸ بیت. طول ۲۳ سانتیمتر. عرض ½ ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۲۳۴.

## ۱۱۶۳

### کلیات وحید قزوینی

این نسخه که حمایلی بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته شامل غزلیات ومنتخبی ازغزلیات ورباعیات وفردهای وحید میباشد و رویهم رفته درحدودسیزده هزار(۱۳۰۰۰)بیت است، ازقرائن پیداست که در زمان خودوحیدنگارش یافته وشاید که این نسخه همان انتخاب کردهٔ صائب ونویسندهٔ آن ازخویشان نزدیك وحیدباشد، ازبرگ۸۲تا۱۱۲ برگهابجای خود نیست، درص۲۲۶مکتوبی بعربی منسوب به وحید میباشد، ص۲۲۸ـ۲۳٤شامل ابیاتی از **صائب** ودرص۲۳۶ـ۲٤۰هشت مکتوب ازمیرزا محمد فصیح بخط پسر برادراو که نویسندهٔ همه نسخه است میباشد وظاهراً این محمدفصیح برادرمیرزا محمدطاهروحیداست.
جلد تیماج. کاغذ فرنگی. قطع وزیری (بیاضی). شمارهٔ برگها ۱۲۰. صفحه‌ای ۲۵ بیت. طول ۲۵سانتیمتر. عرض ½ ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۵۲۵۰.

### کلیات وحید قزوینی

**وحید** تخلص محمد طاهرقزوینی منشی ووقایع نگارشاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲ ـ ۱۰۷۷) میباشد و تاریخ وی موجود است (۱)، هدایت در تتمه

---

۱ـ نسخه‌ای ازاین تاریخ در کتابخانهٔ شخصی آقای ملك الشعرا (بهار) استادمحترم دانشگاه تهران موجود است.

روضة‌الصفا بمعرفی وی پرداخته و گوید دیوانی مشحون بنظم و نثرعربی و فارسی و ترکی مکرر از وی دیده‌ام که در حدود نود هزار بیت بود ومقام وزارت شاه سلیمان بن شاه عباس ثانی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) را بسال ۱۱۰۱ پس‌ازچندی مخذول ومنکوب بودن ، یافته ، با صائب دوستی داشته واین شاعر بانتخاب اشعار وحید پرداخته و در خو چند بیت از آن منتخبات نقل گردیده و ادوارد برون وفات وحید را در حدود سال ۱۱۲۰ نوشته و درنص بمعرفی وی چنانکه شایستهٔ شاعر و وزیری میباشد پرداخته شده وپیداست که در زمان حیواة وی این شرح حال نگارش یافته و در پایان نسخهٔ چاپی بدون مقدمه و ارتباط با مطالب پیشین نوشته شده : درسنهٔ ۱۱۱۲ فوت شد . تصور میکنم که مالك آنروزی‌نسخه‌ایکه‌نسخهٔ چاپی‌ازروی‌آن‌چاپ‌شده‌این‌تاریخ‌راضبط کرده نه اینکه از نصر آبادی باشد و این تاریخ از آنچه برون نقل کرده درست تر بنظرمی‌آید و آقای سهیلی‌خونساری‌درمقدمهٔ «ذیل عالم‌آرا» شرح حال‌مختصری ازوحید نوشته‌اند و درآنجا وفات وی بسال ۱۱۱۰ ثبت گردیده و از خود دیوان بطلان قول‌تذکرهٔ خوشگوراکه وحید بسال۱۰۸۲ وفات یافته توان اثبات نمود و نیازمند برهان دیگر نیست و علاقمندی وی به خانوادهٔ رسالت ص‌ع در بیشتر از آثار وی تصریح گردیده است .

از لحاظ شعر کلیات وحید ارزش و بهائی بسیار ندارد ولی مثنویات او بی‌لطافت نیست وجنبهٔ تاریخی دارد، درآخرمثنوی عاشق ومعشوق بتعریف‌تمام اصناف وکسبهٔ اصفهان پرداخته و «مثنوی آلات جنگ» او بسیارجالب نظر وتوجه میباشد ، مثنوی خلوت راز وناز ونیاز اولطیف واخلاقی‌است بنابراینکه نود هزار بیت شمارهٔ کلیات وی بوده ، جز این مثنویها که دونسخهٔ این کتابخانه شامل آنهاست بازهم ممکن است مثنوی واقسام دیگرشعرداشته باشد .

مثنویهای کامل دونسخهٔ این کتابخانه را در اینجا بازمعرفی میکنیم :

**۱ ـ خلوت راز**، این‌مثنوی‌درحدوددوهزارودویست(۲۲۰۰)بیت میباشد

**آغاز:** ای فرازندهٔ سرای جهان     بگل و خشت آشکار ونهان

**۲ ـ ناز و نیاز** ، درحدود دو هزارو دویست ( ۲۲۰۰ ) بیت است

**آغاز:** خدایا سینهٔ بی سوز دارم     ولی همچون چراغ روز دارم

**۳ ـ عاشق و معشوق** ، در حدود یکهزارو سیصد(۱۳۰۰) بیت است

آغاز: ای ذات تو ترجمان اشیا ماهیست خموش و بحر گویا.

۴ - **فتح نامه قندهار**، درحدود چهارصد وشصت (٤٦٠) بیت میباشد
آغاز:

شهی را که خواهد خدا کامیاب نخستش دهد سیرچون آفتاب.

۵ - **مثنوی آلات جنگ**، درحدود هشتصد (۸۰۰) بیت است
آغاز: بنام طرازندهٔ مغز وپوست کهخورشیدیك چشمهٔ صنع اوست.

٦ - **مثنوی درتعریف نرد**، درحدود شصت (٦٠) بیت میباشد
آغاز: بود بازی نرد باب شهان که در بزم از رزم دارد نشان.

۷ - **مثنوی** در وصف طنبور، درحدود شصت وهشت (٦٨) بیت است
آغاز: نیست سازی بخوبی طنبور هیچ سررا نبوده است این شور.

۸ - **مثنوی** درتعریف عمارت شاهی، درحدود شصت (٦٠) بیت میباشد
آغاز: زهی خانهٔ شاه عالم پناه که هستی تو برخانه ها پادشاه.

۹ - **مثنوی** در وصف همیون تپه اشرف، درحدود شصت (٦٠) بیت
آغاز: همیون تپه جای باده نوشیست که آنجافیض گرم گلفروشیست.

۱۰ - **گلزار عباسی**، درحدود ششصد وهشتاد (٦٨٠) بیت است
آغاز: خسروی بود در دیار عراق همچو شمشیر خود بگیتی طاق.

۱۱ - **قصائد**، نسخهٔ کامل این کتابخانه که درحدودیکهزاروصد (۱۱۰۰) بیت میباشد آغازش اینست:

خداوندا دلی ده پر زگوهر چون دل دریا
که نتواند درو افکند کشتی خواهش دنیا.

۱۲ - **مقطعات**، نسخهٔ این کتابخانه که در حدود هشتصد (۸۰۰) بیت میباشد بدین بیت آغاز گردیده:

ما و دل بنشسته شبهاییش هم آورده سر تاسحر بایکدگر بودیم سر گرم عتاب.

۱۳ - **غزلیات**، چنانکه گفتیم در حدود سی هزاربیت میباشد وبدین بیت آغاز گردیده:

کرامت کن عیاری یا رب این ناقص عیاران را
بدهدستی که گیرم دامن پرهیز کاران را.

۱۴ - **رباعیات**، چون هرسه نسخهٔ این کتابخانه رباعیات آن ناقص است شمارهٔ آنهارا نمیتوان معین نمود و آغازوانجام رباعیات دونسخهٔ این کتابخانه را نقل کرده‌ایم.

شرح حال وحید قزوینی درنص ص۱۷ـ۲۰ ، روضة‌الصفا ج ۸ ، ماج ۲ ص۵۰ ، آثار الشیعه ج ٤ ص۱۰۰ ، شم ص۵۱۳ ، خو درحرف واو ، تن ص۱۷۵ و فهر ج ۲ ص۶۹۹ ـ ۷۰۲ نگارش یافته ومراجعه شده است .

**۱۱۶۴**

**کلیات هروی (امیر حسین حسینی)**

این نسخه بنابر تصریح درص ۹۸و۱۶۰ بسال **۸۲۴** بخط نستعلیق نگارش یافته ومندرجات آن بترتیب عبارتست از :

**۱ - سی‌نامه** (ص۱ـ۸۰) یك یا چند برگ میان ص۵و۶ ازاین نسخه افتاده است وبا این نقص درحدود یکهزار و دویست و پنجاه (۱۲۵۰) بیت میباشد . **۲ - پنج گنج** (ص۸۱ـ۹۷) ازآخر این کتاب هم یك یادوبرگ افتاده واینك در حدود دویست وهفتاد (۲۷۰) بیت‌است . **۳ - نزهت‌الارواح** از این کتاب فقط‌دو بیت که در انجام آن میباشد دراینجا (ص۹۸) مانده وباقی آن ازمیان رفته است . **۴ - کنزالرموز** (۹۹ـ۱۶۰) درحدود نهصد و نود (۹۹۰) بیت است . **۵ - زادالمسافرین** (ص۱۶۱ـ۲۲۹) در حدود یکهزاروصد (۱۱۰۰) بیت است .

درص ۱۶۱سرلوح کوچك بسیار زیبائی است و درآغاز هریك از کتابهای سه‌گانه مربع مستطیلی است که نام آن کتاب با طلا برآن نوشته شده وهمهٔ برگهاجدول کشی گردیده وعناوین مطالب با طلا و شنگرف نگارش یافته است .

نسخه از حوادث مصون نمانده و پایان هر یك از چهار کتاب تذهیب گردیده و ابراهیم نامی که پیش از این مالك نسخه بوده پشت صفحهٔ نخستین ابیاتی نوشته ومهرهای گوناگون خود را بر آن برگه و دیگر برگها زده است.

جلد تیماجی. کاغذ خان بالغ. قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۱۱۰. صفحه‌ای ۹۷ بیت. طول ۱۰ سانتیمتر. عرض ۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۱۳۹۳**.

(۹۶۷)

**کلیات هروی (کنزالرموز)** این نسخه در حاشیهٔ ص ۸۴ــ۱۵۲ دیوان حافظ که بسال ۸۵۸ نگارش یافته و در ص ۲۵۴ــ۲۵۶ معرفی گردیده، بخط نستعلیق نگاشته شده ودر حدود هفتصدو پنجاه (۷۵۰) بیت میباشد، خصوصیات دیگر نسخه را در آن صفحه یاد کرده‌ایم.

۱۱۶۵

**کلیات هروی (کنزالرموز)** این نسخه که فقط کنزالرموز میباشد، بخط نستعلیق نگارش یافته و ظاهراً در اوائل قرن نهم نوشته شده و برگهائی هم از آن افتاده، پیش از شروع به نگارش این کتاب این بیت:

اینست حاجتش که ز بستان اعتدال
گویا شود بمدح توچون مرغ خوش‌سرا

بالای صفحه اوّل نسخه میباشد و پشت این صفحه نیز ابیاتی است و بر آن کاغذ چسبانیده شده و در مقابل روشنائی آنها را توان خواند و ظاهراً پیش از این کتاب دیگری از امیرحسین حسینی هروی نیز بدین نسخه پیوسته بوده است ، درمیان نسخه برگی از کتاب دیگر که تصویری از حضرت یوسف ع و زنان مصر بر آن کشیده شده گذارده‌اند و اینک ص ۱۴ و ۱۵ نسخه میباشد ، برگ نانوشته‌ای در آخر نسخه بوده بر آن ابیاتی ترکی و اشعاری درمدح مولی الموالی علی ع بخط سراینده آن درویش وحدتی نگارش یافته است .

این نسخه کنزالرموز درحدود هفتصد و پنجاه (۷۵۰) بیت است .

جلد مقوائی بارو کش ترمه . کاغذ سمرقندی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۳۳ . صفحه‌ای ۱۳ بیت . طول ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۲ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۲۸۹۱ .

## ۱۱۶۶

**کلیات هروی (زادالمسافرین)** این نسخه فقط زادالمسافرین میباشد و بخط نستعلیق نوشته شده و در حدود یکهزار و دویست و پنجاه (۱۲۵۰) بیت میباشد ، تاریخ ندارد ولی ظاهراً در آغاز قرن چهاردهم نگارش یافته ، حسین موسوی اصفهانی نام قصیدهٔ اول دیوان عاشق اصفهانی را برورقیکه در آخر کتاب بوده نوشته و قصیده‌ای از شهاب (ظاهراً اصفهانی باشد) بخط همین نویسنده پیش از زادالمسافرین ، نوشته شده و پشت برگ نخستین بسال ۱۳۲۱ یك رباعی از قلندر شاه هندی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی. قطع ربعی . شمارهٔ برگها ۶۶ . صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ۱/۲ ۱۷ سانتیمتر . عرض ۱۱ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۱۲۸۱** .

## کلیات هروی (امیر حسین حسینی)

**امیر حسین** بن عالم هروی متخلص به **حسینی** از عرفاء نامدار قرن هفتم وهشتم هجری و از سادات حسینی بوده وهمانست که هفده سؤال منظوم کرده و شیخ محمود شبستری **گلشن راز** رادرجواب آنها انشا نموده ، چنانکه درلبس تصریح شده اصل وی از **کزیوه** است که دهی از نواحی **غور** میباشد وبهمین مناسبت درهفت اقلیم ذیل **غور** بمعرفی وی پرداخته شده و گویند مرید شیخ شهاب الدین سهروردیست و در کنز الرموز پیش از بهاء الدین ز کریا اورامدح گفته ونیز استفاده میشود که خدمت خلیفهٔ وی بهاء الدین ز کریای ملتانی متوفی بسال ۶۶۱ (ص ۳۳ تذکرهٔ علماء هند) مشرف گردیده و روح پاك سهروردی‌را شفیع آورده که بتربیت وی پردازد وپس از آن بمدح بهاء الدین ز کریا پرداخته و گوید :

شیخ هفت اقلیم قطب اولیا — واصل حضرت ندیم کبریا
مفخر ملت بهای شرع و دین — جان پاکش منبع صدق ویقین
.............................
از وجود او بنزد دوستان — جنت الماوی شده هندوستان
من کروی از نیك وبدبرتافتم — این سعادت از قبولش یافتم

در کنز الرموز پس از اینکه درمدح سهروردی و بهاء الدین ز کریاء ملتانی وشیخ صدرالدین پرداخته ، بمدح سید شمس الدین محمد نامی مبادرت نموده ، (درنسخهٔ کهن سال دیگر این ابیات را زیرعنوان ، **فی مدح امیر کبیر**. ذکرنموده) نگارنده را عقیده اینست که این همانست که عطار و مولوی جام را از دست مبارکش گرفته‌اند و بعبارت واضح وصریح حضرت امام غائب مهدی عجل الله تعالی فرجه میباشد و عین آن ابیات راکه در ص ۱۰۸ نسخه کهن سال دیگر این کتابخانه میباشد در اینجا می آوریم :

ساقی عشقم شراب ناب داد — قطرهٔ از بهر نا یا یاب داد
چون ز مستی یافتم از خود خلاص — میرمجلس گشتم اندربزم خاص
همت پیرم بجائی ره نمود — کان ورای درك فهم ووهم بود
آن امیر کشور کشف و عیان — دارملك عشق راصاحب قران
گلشنی از باغ صدر انبیا — سید فرزانه ختم اولیا

| | |
|---|---|
| شمس ملت آسمان سروری | گوهر پاکش زبحر حیدری |
| نکتهٔ اسرار غیبی روشنش | لالهٔ توحید رست از گلشنش |
| هر زمانش ملك معنی در نظر | در زمینش آسمانها بی سپر |
| چون سمند همتش جولان کند | هردوعالم را بیك میدان کند |
| پاك باز گوی وحدت جان او | آیت صدق و یقین درشان او |
| کعبهٔ تحقیق را از وی صفا | رکن اول از مقام او رضا |
| اندرین میدان بچوگان کمال | گوی بربوداز خداوندآن حال |
| باد اندر بزم حق دور مدام | جرعه چین او حسینی والسلام |

وفات امیر حسین هروی را بیشتر بسال ۷۱۸ نوشته‌اند ولی در **هم** بسال ۸۱۷ ومرحوم اعتصام در ج ۱ فهرست این کتابخانه وفات وی را بسال ۷۵۰ نوشته‌اند ودرجای دگر این تاریخ را ندیدم و در**تذ** بسال ۷۱۹ ودر**ما** بسال ۷۲۳ ثبت شده و آثار وی که کلیات هروی را تشکیل میدهند عبارتست از :
۱ - کنز الرموز ، ۲ - صراط المستقیم ، ۳ - نزهة الارواح ، ٤ - روح الارواح ۵ - سی نامه ، ٦ - طرب المجالس ، ۷ - زاد المسافرین ، ۸ - دیوان شعر ، ۹ - پنج گنج وغیر از اینها .

اینك بمعرفی نسخی از کتابهای هروی که در اینجا میباشد میپردازیم :

**۱ - کنز الرموز** ، این کتاب مثنوی عرفانی است که درآن ازسیروسلوك ، نماز ، زکوة ، حج ، روزه ، علم ، عقل ، روح ، نفس ، ورع ، زهد ، صبر ، فقر ، شکر ، خوف ، رجا ، توکل و رضا ، محبت ، شرف ، انس ، توبه ، فنا ، بقا ، جمع وتفریق ، تجرید وتفرید ، وجد ، سکروصحو ، محووانبات ، علم الیقین ، تکوین وتلوین ، غیب وحضور ، سماع وغیرازاینها بحث نموده ودرحدودهفتصد و پنجاه (۷۵۰) بیت میباشد .

**آغاز:** بازطبعم را هوائی دیگراست بلبل جانرا نوائی دیگر است .

**۲ - زادالمسافرین** ، این کتاب نیزمثنوی عرفانی است ومطالب آن در هشت مقاله منظم گردیده ونسخهٔ شمارهٔ ۱۱٦٦ که ظاهراً کامل است در حدود یکهزارو دویست و پنجاه (۱۲۵۰) بیت میباشد .

**آغاز:** ای بر تراز آن همه که گفتند وآنها که پدید یا نهفتند .

**۳ - سی نامه** ، این مثنوی اگرچه شامل سی نامهٔ عاشقانه وشامل مراتب و احوال عاشق ومعشوق میباشد ولی خلاصهٔ عرفان وسیر وسلوك و درحدود یکهزارو دویست (۱۲۰۰) بیت میباشد .

**آغاز:** سر نامه کنم نام خدائی که نتوان گفتنش چون وچرائی .

**۴ - پنج گنج** ، پنج قصیده میباشد ونسخهٔ کهن سال شمارهٔ ۱۱۶٤ شامل آنست آغاز هریك ازقصائد آن اینست :

**آغاز گنج اول :** مرا ازعالم توفیق ، مژده ، میرسد املا
برانم زورق تحقیق ، بسم‌الله مجری ها .

« « **دوم :** رفت روز نشاط وعیش وسرور
وقت عذر آمد ایها المغرور .

« « **سیم :** طلب ای سالکان راه بقا
طرب ای ساکنان کوی بقا .

« « **چهارم :** چو تقدیر قسمت خدا می کند
مگو آن چه کرد این چرامی کند .

« « **پنجم :** ای ترادر روزفطرت یابنی آدم خطاب
چند باشی همچو حیوان درهوای خورد وخواب .

**۵ - نزهةالارواح** ، در ذیل شمارهٔ ۱۱۶٤ گفته شد که در ضمن نسخهٔ این کتابخانه بوده واینك جزدوبیت آن نیست ولی چون در مجموعه شمارهٔ **۶۲۱** این کتابخانه که درجلد پیشین فهرست معرفی شده نسخه‌ای ازآن موجود است بمعرفی آن نیز میپردازیم :

این کتاب مرکب ازنظم و نثرمیباشد و نیز در بیان مطالب عرفانی است و این بیت که درخاتمهٔ کتابست مشتمل برنام آن میباشد :

در آنساعت که میکردم تمامش نهادم « نزهةالارواح » نامش

و در پایان کتاب سال انشاء آن احدی عشر وسبعمائه (۷۱۱) تصریح گردیده ومطالب کتاب در بیست وهشت فصل که آخرین آنها خاتمهٔ آنست گذارده شده و پیش ازشروع بفصول دیباچه‌ای درحمد وثناء الهی ونعت حضرت رسالت‌ص‌ع ومناقب حضرت علی ابن ابی طالب علیه‌السلام وفهرست فصول کتاب نیز بنثر و نظم گذارده شده و قدرت نثرنویسی مؤلف هم ازاین کتاب بخوبی آشکارمیباشد و « نزهةالارواح » در حدود دو هزار (۲۰۰۰) بیت است .

**آغاز :** بسمله سبحانك ماعرفناك حق معرفتك انه هوالموفق المعین و السلام علی من اتبع الهدی ، نظم :

بتوفیقش چو روشن دیدم آواز سخن را هم بنامش کردم آغاز
بگو ای مرغ زیرك حمد مولی که هست اوراسپاس ومنت اولی

سپاس بیقیاس ومنتهاء ، بی‌همتا ملکی‌را که ملکش بی انبازاست ودرگاه لطفش درگاه وبیگاه الخ .

شرح حال امیرحسین هروی درتذ ص۲۲۲ـ۲۲۵، نس ص۷۱۵ـ۷۱۶ ا م . س ، مجالس العشاق مجلس۳۲ ، همَ ض۵۲۵ - ۵۲۷ م . س ، ما ج ۲ ص ۱۴ ـ ۱۸ و تل ص۵۴۵ نگارش یافته و مراجعه شده است .

## ۱۱٦٧

**گرشاسب نامه** این نسخه را اگرچه بسال ۱۲٦٤ علی‌اکبر تفرشی بخط نستعلیق خوانانوشته ولی ازلحاظ های زیرین دارای اهمیت زیادی میباشد : اصل نسخه بنابرتصریح درآخر آن برای محمد تقی‌سپهر (لسان‌الملك) مؤلف ناسخ‌التواریخ نوشته شده و جزء کتابخانه وی بوده ، در پایان آخرین صفحه عباسقلی پسر لسان‌الملك‌سپهر تاریخ وفات پدر را که در ۲٦ ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۲۹۷ بوده یاد داشت و تذکر داده که این کتاب در تقسیم کتابهای پدرش بوی رسیده و نیز در پایان صفحهٔ دوم یاد داشت مفصّلی بسال ۱۳۰۳ در معرفی از اسدی و گرشاسبنامه بخط خود نگاشته ومقدمه اینکه پیش ازشروع به نگارش گرشاسبنامهٔ نوشته شده بسیارشبیه به‌انشاءِ رضاقلیخان‌هدایت میباشدو عین این‌عبارات را با کمی نقصان و اضافه در مجمع‌الفصحا میبینیم و درحاشیهٔ بیشتر صفحات ومیان سطر های نسخه بیاناتی دربیان معانی برخی‌ازلغات مستعمله‌وعبارات‌مشکلهٔ گرشاسب‌نامه‌باجوهرقرمزموجودوبامطابقهٔ به‌خطوط‌باامضاءهدایت‌مسلّم‌است که همهٔ آنهابخط‌اوستودربسیاری

از صفحات حاشیه ها و تصحیح هائی بخط دانشمند محترم آقای علی اکبر دهخدا دیده میشود و در ص ۱۰۹ و ۵٤۰ صریحاً امضا نموده‌اند و نیز پیداست که نسخه متعلق به شاعر و ادیب شهیر آقای محمد تقی بهار (ملك الشعرا) بوده و کمتر برگی دارای حواشی و تعلیقات ایشان نیست و در ص ۱٤۶ و ۱٤۷ و ۱۵۹ و ۱۷۸ و ۲۰۰ و ۲۱۶ هم امضا کرده‌اند و دیگر از امتیازات نسخه اینست که در دست دانشمندان دیگری هم بوده و آنها نیز مطالبی در حاشیهٔ بیشتر از صفحات آن نوشته‌اند و نیز با چندین نسخهٔ دیگر مقایسه شده و پس از اتمام گرشاسب‌نامه در ص ۵۶۰ـ ۵۷۰ قصائد اسدی که در مناظرهٔ آسمان و زمین و دین مسلمانی و مجوس و نیزه و کمان و روز و شب میباشد نگارش یافته و آخرین قصیده بدین بیت :

« راد بو نصر خلیل احمد کز نصرت و حمد

افسر جاه و جلالست و سر ملك و نعم »

خاتمه یافته و طرز نگارش چنین میرساند که باز هم ابیاتی داشته و صفحه را ناتمام گذارده که تتمه آن نوشته شود ولی این قصیده در ما نیز بهمین بیت خاتمه یافته و مؤید دیگریست که همین نسخه را هدایت در دست داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۸۶ . صفحه‌ای ۱۶ بیت . طول ۲۱ ½ سانتیمتر . عرض ۱٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۸۴۹۰** .

## گرشاسب نامهٔ اسدی

**اسدی طوسی**، علی بن احمد است که کنیهٔ وی **ابو نصر** بوده و از وی **حکیم** نیز تعبیر کرده‌اند ، گذشته از تصریح در آخر کتاب « الابنیة عن حقائق الادویه »

که بخط اوست ودرمقدمه گرشاسب نامه وخاتمه آن طوسی و اسدی بودن خودش را تصریح نموده :

ص ۱۴ :

که فردوسی طوسی پاك مغز بدادست داد سخنهای نغز
بشهنامه گیتی بیاراستست بدان نامه نام نکوخواستست
تو همشهری او وراو هم پیشه‌ای هم اندرسخن چابك اندیشه‌ای.

و در ص ۴۷۷ گوید :

بدین نامه گرنامم آیدت رای بدال اسد حرف ده برفزای.

برخی اورا استاد فردوسی دانسته‌اند و گویند آن حکیم اتمام شاهنامه را ازوی خواستار شده و گروهی قائل به وجود دو اسدی طوسی گشته اند یکی استاد فردوسی و دیگری مؤلف گرشاسب نامه ولی این گروه دلیل و برهانی قاطع برادعاء خویش ندارند جز اینکه‌میگویند استادفردوسی که دراواخرعمرفردوسی، پیرمردی بوده نمیشود پنجاه شصت سال پس‌ازشاگرد بمیرد واین دلیل اگرچه عادت مؤیدآنست ولی امکان دارد که نادراً چنین عمر درازی را استادی دریابد و پیری وشکستگی اسدی‌دراین کتاب بخوبی آشکار است.

از این شاعر بزرگ که حقاً کتاب گرشاسب نامهٔ وی گنجینه ایست پر از گوهرهای گرانبهای اخلاقی واجتماعی وتاریخی ورزمی وبزمی، کتاب دیگری بنام «لغات فرس» باقی مانده وگذشته از آن چاپی که بسال ۱۸۹۷ م دراروپا شده، نیز باتصحیح کامل آقای اقبال آشتیانی استاد محترم دانشگاه تهران بسال ۱۳۱۹ ش‌بابهترین‌طرزی بسرمایه یگانه دوستدارعلم وادب آقای‌سیدعبدالرحیم خلخالی چاپ گردیده ونسخه‌ای از کتاب «**الابنیه عن حقائق الادویه**» تألیف ابو منصور موفق الدین علی هروی که در مفردات طب بترتیب حروف تهجی است وقدیم ترین کتاب فارسی موجود در اروپاست بخط علی بن احمد، اسدی طوسی بسال چهار صد و چهل هفت (۴۴۷) نوشته شده و عکس آن نسخه اینك در کتابخانه ملی ایران موجود است.

درمعرفی ازاین کتاب بجاست که مختصری ازآنچه فاضل محترم آقای **حبیب یغمائی** درمقدمهٔ گرشاسب نامه (که بادقت کامل‌ایشان چاپ شده وشاید بتوان ادعا نمود که این کتاب درشمار بهترین کتابهای چاپ شده وکم غلط میباشد که باچندین نسخهٔ کهن سال مقابله گردیده) نگاشته‌اند، دراینجا بیاوریم :

«گرشاسب نامهٔ حکیم اسدی طوسی را بعضی از ارباب تذکره ازشاهنامه

برتر و برخی با آن برابرشمرده و گفته اند : ( مجالس المؤمنین ـ مجمع الفصحا )
« تواند بود که اسدی فی حدّ ذاته درمراتب شاعری بلیغ تر ازفردوسی باشد ولی رویت وانسجام بیان فردوسی درطی حکایات بهترنماید ، مع الوصف باتفاق سخن شناسان بزرگترین منظومهٔ حماسه ملی است که بروش وسبك شاهنامه سروده شده و اگرازشیوائی وفریبندگی بپایهٔ شاهنامه نرسد از پرمغزی و استحکام برتر که نباشد همپایه است الخ » .

نسخهٔ کامل گرشاسب نامه که بنابرتصریح درخاتمه آن بسال ۴۵۸ تألیف شده وشامل هشتهزاروهشتصد و پنجاه (۸۸۵۰) بیت میباشد باتصحیح آقای حبیب یغمائی و مقابله با چندین نسخهٔ بسال ۱۳۱۷ ش در تهران با مقدمهٔ مبسوطی چاپ گردیده وآقای رشید یاسمی استادمحترم دانشگاه منتخبی ازاشعار گرشاسب نامه را بنام «اندرزنامه اسدی» چاپ ومنتشر کرده‌اند وکلمان هوارفرانسوی دوهزاروپانصد و چهل و سه (۲۵۴۳) بیت ازگرشاسب نامه را بنام جلد اول با ترجمهٔ فرانسوی آنها منتشر کرده‌است .

بنابر تصریح در اوائل گرشاسب نامه ، اسدی این کتاب را هنگامی که به نخجوان رفته برحسب خواست محمد بن اسمعیل وزیر و ابراهیم بن اسمعیل پیشکار ابودلف پادشاه آنجا انشا نموده واین چند بیت‌را از آنجا در این باب می آوریم :

ص۱۳ چاپی در سبب گفتن قصه گوید :

یکی کار جستم همی ارجمند — که نامم شود زو بگیتی بلند

محمد مه جود و چرخ هنر — سمعیل حصّی (حصنی) سرورا پدر

برادرش والا براهیم راد — گزین جهان گرد مهتر نژاد
خنیده بکلك و ستوده بتیر — بدین گنج بخش و بدانشهر گیر
دو پروردهٔ شاه بدخواه سوز — یکی دادورزو یکی دین فروز

بیکماز یکروزنزدیك خویش — مرا هر دو مهتر نشاندند پیش
بسی یاد نام نکو رانده شد — بسی دفتر باستان خوانده شد
ز هرگونه رائی فکندند بن — پس آنگه گشادند بند سخن

جهان جاودانه نماند بکس — بهین جز ازو نیك نامست و بس
کنون کان یاقوت دانش بکن — ز دریای اندیشه دُر درّ فکن

ز کس یاد این گنج بردل مبار — جزازشاه ارّانی (دیرانی) شهریار

مجوی اندرین کار جز کام اوی منه مهر بر وی بجز نام اوی
که تا جایگه یافتی نخجوان بدین شاه شد بخت پیرت جوان

## در ستایش شاه بودلف گوید:

کنون ز ابر دریای معنی گهر ببارم گل دانش آرم ببر
فزایم ز جان آفرین شاه را که زیباست مر خسروی گاه را
شه ارمن و پشت ایرانیان مه تازیان تاج شیبانیان
ملک بودلف شهریار زمین جهاندار ارانی (دیرانی) پاکدین الخ.

وفات اسدی را صاحب مجمع الفصحا بسال ٤٦٥ ثبت نموده ودرشاهد صادق (نسخهٔ این کتابخانه) در ذیل وقایع سال ۴۲۳ نوشته شده، **درسخ** بنقل از همین کتاب بسال ۴۲۵ نیز گفته شده ولی با دانستن تاریخ انشاء گرشاسب نامه سال ٤٦٥ نزدیك بصواب است.

**آغاز:** سپاس از خدا ایزد رهنمای
که از کاف و نون کرد گیتی بپای.

شرح حال اسدی در **ها** ج ۱ ص۱۰۷-۱۳۹، **تذ** ص۳۵-۳۹، **سخ** ج ۲ ص۷۳-۱۲۹، مجالس المؤمنین ص۵۰۷-۵۰۸ و مقدمه گرشاسب نامه بقلم آقای حبیب یغمائی نگارش یافته و مراجعه گردیده است.

**۱۱۶۸**

**گلشن آرا** این نسخه بخط شکسته نستعلیق و بخامهٔ مؤلف وناظم آن ایران پور، بسال ۱۳٤۷ نوشته شده ودرص۵۵۳ وآخر نسخه تصریح بدین معنی گردیده و پس از اتمام کتاب سه قصیده در سه برگ آخر نسخه درمدح اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی از همین شاعر است.

جلد مقوائی. کاغذ فرنگی. قطع خشتی. شمارهٔ برگها ۲۸۰. صفحه‌ای ۳۲ بیت. طول ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱۸ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۸۵**.

## گلشن آرا = انوار سهیلی منظوم

میرزا عبدالوهاب **ایران پور** مدیر روزنامه اختر مسعود میباشد که در اصفهان چاپ میگردید و تخلص شعری وی **گلشن** بوده ، بیست و دوسال رنج برده و انوار سهیلی را بنظم در آورده و در عصر و زمان اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی آنرا بانجام رسانیده وبه این پادشاه بزرگ تقدیم داشته و درحدود هفده هزار و هفتصد (۱۷۷۰۰) بیت میباشد و بسال ۱۳٤۷ تألیف آن بپایان آمده است

برای نشان دادن طرز شعر و فکر شاعر این چند بیت راکه مشتمل بر اطلاعاتی که ازخانوادهٔ سراینده نیز میباشد ، از ص ۱۰ نه دراینجا می‌آوریم :

من که در خطهٔ صفا هانم ز اهل یزد و ز نیك خا هانم
اشتری اصل و مالکی حسبم هست از آن رشته گوهر نسبم
پزیر (۱) خزاعیم ایدر میرسد نیز نسبتی ز پدر
پدری زین و مادری زانم درّ این بحر و لعل آن کانم
کی تهی‌دست من‌ز سیم‌وزر است چون صدف‌دامنم‌پر از گهر است
گوهرم پاك و هم گهر بارم پاك گوهر بود خریدارم
نیز از شعر هم گهر ریزم هم گهر ریز و هم گهر بیزم
در زکانم بروی باز بود رشتهٔ گوهرم دراز بود
چه غم ار خصم ، بد ز من راند گوهری قیمت مرا داند

**آغاز:**

ای خداوندگار بیحد و چون از قیاس و گمان و وهم برون

**۱۱۶۹**

**گلشن توحید** نگارش این نسخه که بخط نستعلیق میباشد ظاهراً بسال ۹۶۰ بوده ، ابیات مثنوی بنا

(۱) درنسخهٔ چنین نگاشته شده ولی در کتب رجال کسی بدین نام ثبت نگردیده ، در « تنقیح المقال » (ص ۱۶۶ ج ۱) بریدة بن الخضیب الاسلمی الخزاعی از اصحاب حضرت رسول ص ٤ نام برده شده و گوید بسال ۶۳ وفات یافته وشاید مراد شاعر همین صحابی باشد .

شنگرف نگارش یافته و برحسب شماره، سه هزار و هفتصد و چهل و نه (۳۷۴۹) بیت میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ کاهی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱۲۶. صفحه‌ای ۱۵ بیت. طول ½۲۱ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۶۸۳۷**.

## گلشن توحید

شاعری **شاهدی** تخلص که **در قم** (ص ۲۸۲۸) بنام **ابراهیم دده** معرفی شده ازدفاتر ششگانه مثنوی مولوی هریك صد بیت انتخاب نموده وچنانکه خود وی درمقدمهٔ این کتاب گوید آن منتخب بنام «مفردات مثنوی» نامیده شده: ص ۱۴ نه: جمع کن این جا بیکجای روی نام او کن «مفردات مثنوی»

چون این مفردات انتشاریافته ومورد قبول اهل دل گشت گروهی از شاهدی خواستارشدند که بواسطهٔ پنج بیت از خویشتن ابیات مفردات را بیکدگر ربط دهد و او بنا بر تصریح خویش در آخر نسخهٔ این کتابخانه این کار را بسال نهصد و چهل (۹۴۰) انجام داده ولی **در فو** (ص ۰۹۲) نگاشته شده که بسال ۹۳۷ بآخر رسیده ونیز **در فو** وفات شاهدی بسال ۹۵۷ ثبت گردیده ودرص ۵۱۳ **فو** کتاب دیگری بنام «تحفه شاهدی» باین شاعر نسبت داده ودر **کظ** و **قم** وفات شاهدی بسال نهصدو بیست و هفت (۹۲۷) ضبط گردیده است

شمارهٔ ابیات «گلشن توحید» چنانکه دانستیم سه‌هزار و ششصد (۳۶۰۰) در اصل و درحدود دویست بیت دیباچه گلشن توحید است

**آغاز:**

حمد لایحصی ثنای بی قیاس    بی نهایت منت و بیحد قیاس

**انجام:**

خود نوشت [و] ختم گردش آنزمان    نهصد و چل سال بود تاریخ آن

**(۹۶۶)**

## گلشن راز

این نسخه درحاشیهٔ ص۱ــ۸۴ دیوان‌حافظ که بسال ۸۵۸ نگارش یافته، نوشته شده، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۲۵۴ــ۲۵۵ یاد کرده‌ایم.

(۱۱۳۴)

**گلشن راز** این نسخه پیوستهٔ نسخهٔ از کلیات جمالی (کشف‌الارواح و رباعیات) میباشد که بسال ۱۲۵۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته‌شده‌وص ۳۰۴ـ۳۶۶ آن نسخه‌این کتابست خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۵۴۲ـ۵۴۳ یاد کرده‌ایم.

گلشن راز

**شیخ محمود** بن عبدالکریم بن یحیی شبستری از مشاهیر عرفا است و در عهد سلطان محمد خدابنده وابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علماء وفضلاء بوده‌و کتب بسیاری تألیف نموده از آنهامثنوی‌فارسی بنام «سعادت‌نامه» (۱) میباشد ومرحوم تربیت در دآ این چند بیت را درشرح حال شبستری از آنجا نقل نموده :

| | |
|---|---|
| مدتی من ز عمر خویش مدید | صرف کردم بدانش و توحید |
| درسفرها چه مصر وشام وحجاز | کردم ایدوست روز وشب تکتاز |
| سال و مه همچو دهر می‌گشتم | ده و ده شهر وشهر می‌گشتم |
| علما و مشایخ این فن | بسکه دیدم بهر نواحی من |
| جمع کردم بسی کلام عجیب | کردم آنکه مصنفات عجیب ؟ |
| از فتوحات و از فصوص حکم | هیچ نگذاشتم نه بیش و نه کم |

ودیگر از آثار این دانشمند عارف «حق‌الیقین» و «مرآت المحققین» (در تبریز وتهران این دو کتاب چاپ شده) و «ترجمهٔ منهاج العابدین» امام غزالی ورساله **شاهد نامه** و **گلشن راز** میباشد.

گلشن راز عبارت از یك مثنوی است در ۹۹۳ بیت که در جواب هفده سؤال عرفانی امیرحسین هروی متخلص به حسینی که درص ۶۲۲ـ۶۲۶ معرفی گردید، انشا شده ودرمجالس العشاق است که این سؤالات را فقهاء هراة از

(۱) نسخه‌ای ازاین کتاب را در کتابخانه مرحوم تربیت دیده‌ام وآغاز آن اینست :

حمد فضل خدای عزّوجل    هست برینده واجب از اوّل

امیرحسین حسینی نموده و او بنظم آورده و پیش شیخ فرستاد وچنانکه درخود وی تصریح شده تاریخ این سئوال و جواب بسال ۷۱۷ بوده و گویند شبستری بدو آدر جواب هریك از سئوالها یك بیت انشا نموده بود، ارادتمندان خواستار تفصیل شدند بانشاء گلشن راز پرداخت و این کتاب بمنتها درجهٔ از شهرت رسیده و شروح بسیار برآن نوشته شده در **ذآ** ۱۷ شرح آن نام برده شده است.

وفات شبستری را در سی و سه سالگی بسال ۷۲۰ نوشته اند ودر کتب تذکره وتاریخ بسال ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۵ ثبت گردیده وقبر وی در همان شبستر اکنون موجود وزیارتگاه است.

**آغاز:** بنام آنکه جانرا فکرت آموخت
چراغ دل بنور جان بر افروخت.

شرح حال ومعرفی از این عارف شبستری در **ذآ** ص۳۳٤ - ۳۳۸، **ما** ج۲ ص۳۰-۳٤، **وهم** ص۱۰۱٤-۱۰۱٦ م.س، مجالس العشاق مجلس ۳۳ و**قل** ص ٥٤٥ نگارش یافته ومراجعه شده است.

**۱۱۷۰**

**لطائف الخیال** بر حسب قرائن چنین بنظر میآید که این نسخه بخط خود جامع باشد؛ برگ نخستین کنونی از اواخر کتاب بوده و برگهائی از آخر نسخه هم از میان کتاب میباشد و از اول کتاب در حدود نصف آن افتاده و ابیات کنونی نسخه در حدود چهارده هزار (۱٤۰۰۰) بیت میباشد.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲٤۲. صفحه ای (مختلف) سطر. طول $\frac{1}{2}$ ۳٥ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۲۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۴۹۱**.

## لطائف الخیال

امیرمحمد صالح رضوی ملقب به صدرالممالك پسر میرزا محسن نواب میباشد واین امیر همانست که بسال ۱۰۸٦ مدرسهٔ صالحیه را که اینك مشهور بمدرسهٔ

نواب میباشد ودرب آن در صحن کهنه حضرت علی‌بن موسی‌الرضا علیه وعلی آبائه الطیبین الطاهرین آلاف‌التحیة والثناء ، مقابل ضریح مبارك بازمیگردد و نیز مصلای شهر مشهد ازآثار اوست واملاك و کتب بسیاری برآن مدرسه وقف نموده است .

گذشته از اینکه اشعاری لطیف ازاین امیربیادگار مانده دو کتاب هم بدو نسبت داده شد یکی « دقائق الخیال » که عبارتست ازرباعیاتی ازشعرا بترتیب حروف‌تهجی برحسب‌قوافی‌باذکر‌نام گوینده آنها ودیگری « لطائف‌الخیال » که عبارتست از ابیات منتخبه ای از شعرای قدیم و متأخر که نیز برحسب ردیف ها مرتب بترتیب بحروف تهجی است و نام گویندهٔ هربیت درمقابل آن یادداشت گردیده و از آثاریکه بر نسخهٔ این کتابخانه میباشد بدست میآید که درحدود بیست و شش هزار ( ۲۶۰۰۰ ) بیت از شعراء متقدم و معاصر در این کتاب گردآورده ونوشته شده وازمقدمه‌ایکه نسخهٔ‌خلاصه‌لطائف‌الخیال‌موجوددر کتاب خانه ملی ملك دارد ، بدست میآید که محمد نصیر متخلص به **نصرت** که از شعرای معاصر امیر بوده و ابیاتی ازوی نیز درلطائف‌الخیال مندرج است‌بامر امیر نامبرده ، مقدمه‌ای که بطریق براعت استهلال مشتمل برنام شعرائی است که از آنها دراین کتاب شعر نقل گردیده ، برلطائف‌الخیال نوشته وهمان‌مقدمه درجلو خلاصهٔ وی گذارده شده وظاهراینست که آن انتخاب و خلاصه از همین **نصرت** باشد و نسخه ای از همین خلاصه زیر شمارهٔ **۲۷۳۰** در کتابخانه مدرسه سپهسالار موجود وخصوصیات هردونسخهٔ خلاصه را درص ۴۷۹-۴۸۲ ج ۲ **فهر** نگاشته‌ام و از مقدمهٔ منظوم نسخهٔ کتابخانه ملی ملك معلوم میشود که بسال ۱۱۰۴ خلاصهٔ لطائف‌الخیال‌مرتب‌شده و « **گل انتخاب** »ماده‌تاریخ آن گردیده و تا اینسال امیر محمد صالح دراین جهان بوده است .

درنگارش این شرح گذشته از مراجعه به نسخهٔ این کتاب خانه و مقدمهٔ خلاصه لطائف‌الخیال نسخهٔ کتابخانه ملی ملك و کتابخانه مدرسه سپهسالار به نسخهٔ خطی « شجرهٔ طیبه » که در معرفی از افراد برجسته ای از سادات رضوی وتألیف مرحوم آقا محمد باقر مدرس رضوی پدردانشمند محترم‌معاصر آقای محمد تقی مدرس رضوی میباشد و نسخهٔ آن اینك بدست ایشان میباشد ، مراجعه شده است .

## ۱۱۷۱

**لیلی و مجنون مثالی کاشانی**

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۴ وظاهراً بخامه مؤلف آن مثالی کاشانی نگارش یافته ، و بدین عبارت انجام یافته :

سوّده العبد مثالی الکاشانی فی منتصف شهر رمضان المبارك سنة اربع و تسعمأیه هجریه . عناوین بشنجرف نوشته شده ، دارای یك سرلوح میباشد و همهٔ برگها مجدول بطلا است .

جلد تیماجی ، کاغذ بخارائی ، قطع خشتی ، شمارهٔ برگها ۱۱۰ ، صفحه ای ۱۵ سطر ، طول ۲۳ سانتیمتر ، عرض ۱۳ سانتیمتر ، شماره دفتر **۱۳۳۳۳** .

## لیلی و مجنون مثالی کاشانی

**مثالی** تخلص شاعری است که بنظم این لیلی و مجنون پرداخته ومیخواسته برابر خمسهٔ نظامی چهار دفتر دیگر بسراید ولی بگفته سام میرزا بدین کار موفق نگشت تاریخ پایان این دفتر چنین ذکرشده :

چون گشت تمام شد ز یزدان      تاریخ « ضیای دیده جان » = ۸۹۷ .

و درآغاز پادشاه عصر خودرا می‌ستاید و خود را ثناگو و ملازم دربارش میشمرد لیکن تصریح بنام آن خسرو ننموده و هم نظامی و امیر خسرو رانیك می‌ستاید در تذکره ها شرح حال از او دیده نشد وسر گشت زندگانی وی را نیاورده‌اند جزدرتحفه سامی که بدین جمله بسنده نموده :

« مثالی کاشانی درشعر طبعش بلند بود چنانچه میخواست که جواب خمسه نظامی گوید اما باتمام آن توفیق نیافت این مطلع از اوست :

مده ای‌خضر فریبم بحیات جاودانی      من‌وخاك آستانش‌توو آب‌زندگانی .

از اشعار این مثنوی استفاده میشود که شاعر دچار آزار زبانی‌هم عصران خود بوده واز سازوبرگ چندان نیزبهره‌ای نداشته ودرفشار ورنج میزیسته است

لیلی ومجنون مثالی سه هزارودویست وبیست (٣٢٢٠) بیت میباشد .
**آغاز :** ای نام توهرصحیفه را سر بی نام تو کُلّ آمرا اَبتَر .

## ۱۱۷۳

**لیلی و مجنون مکتبی** این نسخه را بسال ١٢٢١ نجفقلی ایروانی بخط نستعلیق خوب نوشته ، سرلوحی زیبا درآغاز کتاب دارد ، میان بیتهای دو صفحهٔ نخستین طلا اندازی شده ، در فاصله مطالب سر سوره های ظریفی میباشد وهمه برگها باطلا جدول کشی گردیده پشت برگ نخستین و بر برگیکه پیش از آن است و پشت آخرین برگ یاد داشتها و ابیاتی نگارش یافته و برخی از آنها محو گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . قطع ربعی . شمارهٔ برگها ٨٠ . صفحه ای ١٤ بیت . طول $\frac{1}{2}$ ١٨ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ١١ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۲۴۷۷** .

### لیلی و مجنون مکتبی

**مکتبی** شیرازیست وازشعرائیست که لیلی و مجنون را بسیار خوب ساخته واز تاریخ این کتاب بدست می آید که دراواخرقرن نهم هجری میزیسته وشاعری توانا بوده وبیت شامل تاریخ آن ، اینست :

چون مکتبی این کتاب بگشود تاریخ « کتاب مکتبی » بود = ٨٩٥ .

و در آخر کتاب پس ازبیت بالا شمارهٔ ابیات این کتابراچنین معین نموده :

ابیات که در حساب پیوست آمد دو هزارو یکصد و شصت

و از مندرجات این کتاب بدست میآید که میخواسته همهٔ کتاب های خمسه را جواب گوید ولی نمیدانیم بدین توفیق یافته یامانند بسیاری ازآرزوها خاك گردیده‌است و کتاب دیگری ازمکتبی بنام « کلمات علیه غرّا » در کتابخانه شد می

آقای بهار (ملك‌الشعرا) استاد محترم دانشگاه موجود و تاریخ نگارش آن بسال ۱۰۳۶ و شامل شرح و ترجمهٔ شصت کلمه از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درهزار و پانصد (۱۵۰۰) بیت میباشد و بسال ۱۳۱۳ ش بهمت کوهی کرمانی درتهران چاپ شده است

مکتبی گذشته از این دومثنوی غزلیات هم داشته وبرخی از ابیات آنها در آر نقل گردیده وازتذکره‌هائی که دردست میباشد بیش از این درشرح حال مکتبی استفادهٔ نگردید ولی از تحقیقات آقای ملك الشعرا (بهار) در مقدمهٔ کلمات علیه غرّا استفاده میشود که مکتبی تا سال ۹۴۱ که ٤٦ سال پس از نظم لیلی و مجنون میباشد زندگانی مینموده است .

لیلی و مجنون مکتبی چندین بار چاپ گردیده است

آغاز : ای براحدیت ز آغاز خلق ازل وابد هم‌آواز.

**۱۱۷۳**

**مثنوی مجذوب** بخط نستعلیق بسال ۱۲۳٦ نگارش یافته نویسنده میان ابیات را فاصله منظّم نگذارده و آنها را مانند نثر نوشته و درپایان نسخه **هفت بند** ملاحسن کاشی و اشعاری از ملاقاسم آملی نوشته است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی ، قطع خشتی ، شمارهٔ برگها ۱۹۷ ، صفحه ای ۱٤ سطر . طول ۲۰ سانتیمتر ، عرض ۱۵ سانتیمتر ، شمارهٔ دفتر **۱۴۴۳۶**

مثنوی مجذوب

**مجذوب** تخلص شرف الدین ، میرزا محمد بن محمد رضاتبریزی میباشد که از علما و شعراء قرن یازدهم و دارای وسعت مشرب و ذوق تصوف بوده ، دانش آموزان تبریزهمه روزه بمحضروی گرد آمده ازبیاناتش بهره میبردند ، دیوان اشعارش را که بیش از ده هزار شعراست خود وی بسال ۱۰٦۳ گرد آورده و رساله ای هم بعنوان **تأییدات** که سیصد و چهاردهٔ بند است نظماً

در سال ۱۰۸۸ تألیف نموده وسه مثنوی در بحر رمل خفیف متقارب سروده.
مثنوی حاضر شامل توحید و احادیث امامت ومدح ائمه اثنی عشرعلیهم السلام
میباشد واین مثنوی جز «**شاه راه نجات**» (۱) است که مؤلفهٔ دیگر اوست
زیرا اشعاری را که از آن کتاب نقل نموده اند در این مثنوی نیست و شمارهٔ
اشعار این مثنوی در حدود هشت هزار بیت است و مثنوی شاه راه نجات
سه هزار (۳۰۰۰) بیت میباشد.

این شرح از مندرجات **ذ آ** (ص۳۲٦) تلخیص و نیز در نگارش آن به
تذکره نصرآبادی ص۱۹۴ ، قصص الخاقانی ص٦٨٧ نسخه خطی این کتابخانه
مراجعه شدهٔ است.

**آغاز:** ای بر احدیت تو بر حق کونین دوعادل موثق.

## ۱۱۷۴

**مثنوی مظفر علیشاه (بحر الاسرار)**

این نسخه بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته و ازنگارش یافته های درقرن سیزدهم هجری میباشد، برگ آخر نسخه که شامل نه (۹) بیت بوده و دو برگ پیش از برگ آخر کنونی که مشتمل بر پنجاه وپنج (۵۵) بیت بوده ، افتاده ، عدل الملك بسال۱۳۳۱ شرح حال مختصری ازمیرزا جعفر **صافی** تخلص اصفهانی پشت برگ نخستین نوشته ونیزشرح حال شیخ نجم الدین کبری بنقل از حبیب السیر برنیز برگیکه پیش ازبرگ نخستین میباشد

(۱) در تذکره **نصر آبادی** ماده تاریخ شاه راه نجات را چنین نوشته :
بهر تاریخش آنکه دُرها سفت شاه راه نجات دلها گفت
بنابر این تاریخ تألیف آن مثنوی سال ۱۰۰٦ خواهد بود ولی درتذکرهٔ
نصرآبادی زیر کلمه شاهراه نجات دلها این شماره (۱۰٦٨) گذارده شده ودرذ آ
تاریخ تألیف رابسال ۱۰٦٦ نوشته وهیچکدام باماده تاریخ نام بردهٔ سازش ندارد.

نگارش یافته، مندرجات این نسخه در حدود چهار هزار (۴۰۰۰) بیت میباشد و آخرین بیت آن اینست:

عاشق ما او و هم جانان ما اهل بیت ماست این سلمان ما.

جلد پشت نیم‌ضربی. کاغذ فرنگی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۱۴۵. صفحه‌ای ۱۰ بیت. طول ۲۱ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۶۸۴۳**.

## مثنوی مظفر علیشاه = بحر الاسرار

**مظفر علیشاه** لقب طریقتی میرزا محمد تقی بن محمد کاظم کرمانی است که پدران وی در کرمان بطبابت اشتغال داشته‌اند، میرزا محمد تقی درجوانی بتحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و از مدرسین عالیمرتبه گردید، و طالبان علم و دانش از محضر ایشان علوم طبیعی و ریاضی و اصول و فروع استفاده مینمودند، ازعلم طب هم بهرمند بوده چنانکه در **طق** آمده، چون او را به کرمانشاهان بردند آقای آقامحمود پسر آقا محمدعلی بهبهانی را که مریض بسیار سختی بود معالجه‌نموده، عرفای معاصر اورا ابلقب حکیم ایمانی ومولوی کرمانی میخوانده اند، ربوده و مجذوب مشتاقعلی شاه گردیده و خدمت نور علیشاه رسیده و از رونق علیشاه تلقین یافت و از تربیت مشتاقعلیشاه بدرجهٔ بلندی از عرفان دست یافت و بدستگیری طالبان ارشاد مأمور گردید، پس از اینکه بسال ۱۲۰۶ مشتاقعلیشاه بدرجهٔ شهادت نائل گردید وهمچنانکه مولوی رومی دیوانی بنام شمس انشا نمود، این عارف هم بانشاء غزلیات وقصائد وقطعات و رباعیات، بنام وتخلص مشتاق مبادرت نمود وازآثار دیگر اینجناب تفسیرسورهٔ حمد بنثر میباشد که آنرا «مجمع البحار» نام گذارده ورساله ای بنام «کبریت» دارد که در آن اوراد و اذکار موقة و غیر موقة و اسرار آنها بطریقی که در طریقت نعمت الله مأثور میباشد بطریق رمز واشاره مندرج گردیده و «خلاصة العلوم» ورساله‌ای بنام «انیونیه» بطریق مزاح وتفریح بعربی نوشته وفقراتی از آن در **طق** نقل گردیده ویکی ازآثاروی «بحر الاسرار» میباشد ومظفرعلیشاه بسال ۱۲۱۵ در کرمانشاهان به جهان دیگر شتافته است.

این مثنوی مظفر علیشاه بنابر تصریح خود وی درس ۱۵۹ نه:

«بمأمور شدن باتمام مثنوی مسمی ببحر الاسرار که درشرح سورهٔ سبع المثانی است وشروع نمود به تتمیم نظم بحر الاسرار...................

چون بیقظه شد مبدل آن مقام آمد این تعبیر در خاطر تمام

که بنظم بحر الاسرارم دگر　　خامه را آمد مجال کرّ و فرّ

**بحر الاسرار** نام دارد و تفسیر نظمی سورهٔ مبارکهٔ حمد است که آنرا سبع المثانی نیز گویند ولی پس از اتمام شرح این سوره ناظم بشرح سورهٔ ناس ( قل اعوذ برب الناس ) پرداخته ودرآغاز شرح این سوره مناسبت آنرا باسوره حمد ذکر نموده وپس ازشرح وتفسیراین سوره ، بتفسیر وشرح حدیث کمیل ( حدیث حقیقة ) پرداخته و بحرالا سرار را بدین شرح خاتمه داده و چنانکه دانستیم تمام این کتاب درحدود ( ۵۰۰۰ ) بیت میباشد و بسال۱۳۲۹ در کرمان چاپ گردیده است .

**آغاز :** باء بسم‌الله رحمن رحیم　　هست مفتاح در گنج حکیم

شرح حال این عارف شاعر در **ما** ج ۲ ص۴۴۷ **وطق** ج۳ص۹۳-۹۴ نگارش یافته و مراجعه گردیده و نسخهٔ دیگری از این مثنوی( بحرالاسرار ) وی پیوسته دیوان اوست که بنام **دیوان مشتاقیه** زیر شمارهٔ **۳۸۵** در این کتابخانه ضبط گردیده و بسال ۱۲۶۱ نوشته شده و درص ۲۲۶ ج۱ فهرست کتب خطی معرفی گردیده است .

**۱۱۷۵**

**مثنوی مولوی رومی**

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۸۷۷ نوشته شده ، اطراف دو صفحهٔ نخستین مجلّد اول تذهیب ونقاشی بسیار ظریفی گردیده و در آغاز دیباچهٔ آن وهریك از مجلّدات پنجگانه دیگر سرلوح هائی ظریف میباشد و عناوین مطالب و حکایات باطلا نگاشته شده و برگها جدول کشی گردیده ، در متن و حاشیه نگارش یافته و در حدود بیست و هفت هزار و پانصد ( ۲۷۵۰۰ ) بیت میباشد و پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد میشن. کاغذبخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگهاه ۳۹. صفحه‌ای ۴۷ بیت.
طول ۱/۲ ۲۶ سانتیمتر. عرض ۱۷ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۸۴۳۹.

## ۱۱۷٦

### مثنوی مولوی رومی

این نسخه بخط نستعلیق یکی از استادان خط میباشد، نام‌نویسنده را که‌فقط درآخر نسخه بوده محو کرده‌اند تاریخ نگارش در پایان مجلّد اول، اواخرذی حجه سال ۸۹۲ ودرپایـان نسخه اوائل ربیع‌الثانی سال ۸۹٤ ضبط گردیده، بنابراین یکسال وچهاریاپنج ماه نگارش آن طول کشیده،

در آغاز هر یك از مجلّدات ۲و۳و٤و٥ و٦ سرلوح های بسیار زیبائیست که هریك بطرزی خاص میباشد و سرلوح آغاز کتاب از همه ظریف‌تر است و موافق رسم وعادت کارهای این عصر و مکتب هرات میان این سرلوح بخط کوفی نوشته شده : **الله ولا سواه**.
و اطراف دوصفحهٔ نخستین دفتر اول پس از دیباچه نیز بابهترین طرزی نقاشی گردیده است.

ازقرائن پیداست که آتش‌بدین‌نسخه‌رسیده‌وبخشی‌ازبیست‌ویك (۲۱) برگ نخستین نسخه‌را سوزانیده، بدست صحاف توانائی‌این نقص کتاب باطرز بسیار نیکوئی رفع‌شده ودوبرگ شامل دوصفحهٔ نخستین مجلّداول که دارای تذهیب ونقاشی بوده اصلاح گردیده و باخطّی‌مناسب باخط نسخه، برگهای وصّالی‌شده نگارش‌یافته‌است

عناوین مطالب باطلا و لاجورد نگارش یافته وهمهٔ برگها نیز بااین دو، جدول کشی‌شده ومندرجات دراین نسخه درحدودبیست وشش هزارو پانصد (٢٦٥٠٠) بیت است.

جلد روغنی باگل و بلبل و منقب. کاغذ بخارائی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ٣٩٤. صفحه‌ای ٣٨ بیت. طول $\frac{1}{2}$ ٣٠ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ١٩ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ١٣٢٥٣.

## ١١٧٧

**مثنوی مولوی رومی**

این نسخه شامل شش دفتر و بخط نستعلیق بی‌تاریخ نگارش یافته، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ودرحدود سی و یك هزار (٣١٠٠٠) بیت است، نویسندهٔ دیگری غیراز نویسندهٔ اصل نسخه، فهرست مطالب مندرجهٔ درمثنوی را درسیزده برگ نوشته وجلو کتاب گذارده است، پشت صفحه ایکه پیش از برگ نخستین مثنوی است ابیاتی که در وصف این کتاب، عبدالرحمن جامی پشت نسخهٔ مثنوی متعلق به عبدالحکیم نام بسال ٨٧٠ درشهر بغداد نوشته و در پایان آن مالك نسخه و خویشتن و سال نگارش و جای آنرا معیّن کرده، نویسنده‌ای غلط نویس از آن نسخه نقل نموده، آثار تصحیح ومقابله وحواشی سودمند درحاشیهٔ برگهای نسخه نگارش یافته و برگهای ٥١ و٩٤ و١٥١ و٢٠٠ و٢٥٥ دارای سرلوح های زیبائی میباشند و همهٔ برگها با طلا جدول کشی گردیده و برگ

نخستین دارای سرسورهٔ کوچکی است وعناوین مطالب با شنگرف نگاشته شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۳۱۶. صفحه‌ای ۲۵ بیت. طول ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱۳ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۲۲۳۵۱.

## ۱۱۷۸

**مثنوی مولوی رومی**

این نسخه را محمد ولی بخارائی در **بلخ** ازسال ۱۰۴۷ تا ۱۰۵۰ بخط نستعلیق نوشته، در حاشیهٔ بسیاری از برگها، همین نویسنده مطالبی از «**لطائف المعنوی**»[۱] درشرح ابیات نگاشته ومندرجات کنونی این نسخه، مجلد اول ودوم وچهارم وششم مثنوی میباشد ودرحدود نوزده هزار (۱۹۰۰۰) بیت است.

چهار سرلوح که بسبك بخارائی است در آغاز مجلدات نام برده میباشد و برگها با لاجورد و اکلیل جدول کشی‌شده و عناوین مطالب با شنگرف نگارش یافته و در اثر نادانی صحاف بسیاری از مطالب که درحاشیهٔ صفحات بوده ازمیان رفته و آنچه باقی است ناقص مانده و برگهائی هم ازنسخه وصالی گردیده و محمداسمعیل علیابادی بر برگهای چندی تعلیقاتی نگاشته است.

۱ ـ این کتاب یکی ازشروح مثنویست ومؤلف آن عبداللطیف عباسی است که در ص ۱۰۷ـ۱۰۸ معرفی گردیده.

جلد روغنی گل و برگ یکروی بخارائی. کاغذ سمرقندی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۰۹. صفحه‌ای ۳۸ بیت. طول $\frac{1}{2}$ ۲۶ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۶ سانتیمتر شمارهٔ دفتر **۱۸۳۹۶**.

## ۱۱۷۹

**مثنوی مولوی رومی**

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۸۵ نوشته شده، ظاهراً نویسنده هندی است و ابداً نامی از خود نبرده، فهرست مطالب هریك از دفترهای ششگانه نیز بخط نویسندهٔ نسخه پیش از آنها گذارده شده، برتمام برگها از «**لطائف المعنوی**» مطالبی نگارش یافته، مالك پیشین نسخه سال نگارش را که بدینصورت بوده: **۱۸۵** بدینصورت: **۸۵۱** درآورده بدین طرز که یك درمرتبهٔ آخررا محو کرده و آثار آن آشکار است و پیش از رقم ۵ یك افزوده و گذشته از اینکه بخوبی آثار محو و الحاق آشکاراست، در ص ۱۷۳ که پایان فهرست دفتر دوم میباشد تاریخ بحالت اصلی موجود و برسم پیشینیان صفر مرتبهٔ مآت گذارده نشده وسال نگارش بدین صورت: **۱۸۵** موجود است، یازده برگ اول نسخه نونویس وچندبرگ پس از آن وصّالی گردیده و ابیات درمتن وحاشیه نگاشته شده واین نسخه درحدود سی‌هزار (۳۰۰۰۰) بیت است ودرآغاز نسخه سرلوحی میباشد.

جلد میشن. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ٥٤٠. صفحه‌ای ۳۰ بیت. طول ۲۷ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۹۶۷**.

۱۱۸۰

**مثنوی مولوی رومی**

این نسخه را بخط نسخ محمد اسمعیل پسر **وصال** شاعر مشهور شیرازی بنا بر تصریح خود وی در پایان آخرین صفحه در مدت سه سال که ۱۲٦۷ سال آخر آن بوده نگاشته و شش سال تمام آنرا چون جان دربر داشته وازخود جدانمینموده ونسخه‌راباخود بتهران آورده، چون رضاقلیخان(۱) بداشتن آن راغب گردیده بسال ۱۲۷٤ شرحی در پایان دوصفحهٔ آخرین نوشته ومطالب نامبرده را متذکر گردیده نسخه را بدو نیاز کرده است.

گذشته ازظرافت خطّ، این نسخه ازلحاظ تذهیب وسرلوح که ظاهراً کار خود نویسنده میباشد نیز اهمیّتی بسزا دارد، اطراف دیباچه جلد اول که در دو صفحه نوشته شده و اطراف دو صفحهٔ نخستین وآخرین این مجلّد و دو صفحهٔ نخستین مجلد دوم و دیباچه آن، تذهیب ونقاشیهای بسیار لطیف گردیده ومیان سطرهای این

(۱) نویسندهٔ این نسخه که خود را محمد اسمعیل معرفی نموده همان اسمعیل بن وصال متخلص به **توحید** میباشد که بسال ۱۲۸٦ بجهان دیگر شتافته و پسر کوچك مرحوم وصال است و معاصر وی هدایت در **ما** (ج ۲ س ۸٤-۸۷) بمعرفی وی پرداخته و مهارت اورا درنگارش خطوط نسخ ونستعلیق وشکسته و استقامت سلیقه اش را در نظم شهادت داده است. و در س ۳٦۰ - ۳٦۱ آثار عجم نیز معرفی و تاریخ وفات وی معین گردیده است و احتمال دارد که رضا قلیخان نام برد ایکه نسخه بوی نیاز گردیده و نویسنده تذکر داده بود، همین رضا قلیخان هدایت باشد.

صفحات وصفحات اول ودوم مجلد ۳و٤و٥و٦ که فقط دارای سرلوحی زیبا میباشند ، طلا اندازی شده و اطراف دو صفحهٔ آخر تذهیب گردیده و میان سطر های آن نیز طلا اندازی شده و همه برگها با طلا ولاجورد و شنگرف جدول کشی گردیده و عناوین مطالب باطلا و شنگرف ولاجورد نگارش یافته وشش سرلوح وی هریك از دیگری بهتر و زیباتر میباشد و مندرجات این نسخه درحدود بیست ونه هزار (۲۹۰۰۰) بیت وبرخی ازحواشی نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگارش یافته است .

جلد ساغری منقب . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۳۰۰. صفحه ای ۵۰ بیت . طول $\frac{1}{2}$۲۲ سانتیمتر . عرض ١٤ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۲۲۰۲۳ .

## ۱۱۸۱

### مثنوی مولوی رومی

این نسخه را بخط نسخ خوب محمد باقربن محمد هاشم خونساری بسال ۱۲٦۷ نوشته ، در حاشیهٔ بیشتر از برگها توضیحاتی از « لطائف المعنوی » بخط همین نویسنده نگارش یافته دوسرلوح در آغاز نسخه (۱ ــ در آغاز مقدمه ۲ ــ در آغاز جلد اول) وچهار سرلوح در آغاز جلد ۳ و ٤ و ٥ و ٦ میباشد و همهٔ برگها بجدول بطلا ولاجورد و شنگرف میباشد و عناوین مطالب نیز باشنگرف است و پشت صفحهٔ نخستین یاد داشتی بخط ومهر علی منشی

(امین‌الملك) بسال ۱۲۹۰ موجوداست و این نسخه در حدود بیست و نه هزار و پانصد (۲۹۵۰۰) بیت است.

جلد روغنی گل و بوته بخارائی. کاغذ فرنگی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۳۳۲. صفحه‌ای ٤٦ بیت. طول ۲۹ سانتیمتر. عرض ۱۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۳۵۰.

## مثنوی مولوی رومی

مولوی رومی، (جلال‌الدین محمد بلخی است) که درس ۲۱٦ مختصر معرفی گردید، کتابی بوزن مثنوی درشش دفتر مشتمل برلطائف عرفان ومراتب سیر وسلوك وتربیت نفس بنام حسام‌الدین که همواره اورا نیز ضیاءالحق مینامند انشانموده، برخی تصور کرده اند که نام این مثنوی صیقل الارواح می‌باشد، چرا که خود مولوی فرموده:

«مثنوی که صیقل ارواح بود    باز گشتش روز استفتاح بود».

ولی ظاهر اینست که صیقل ارواح صفت و خاصیت مثنویست نه اسم آن و نگارنده را گمان نزدیك بیقین اینست که مولوی خود این کتاب را که باصطلاح در اثر عَلَم بالغلبه **مثنوی** گویند، «**حسامی نامه**» نام نهاده وگذشته از اینکه افتتاح دفاتر بنام حسام‌الدین شده صریحاً در آغاز دفتر ششم گوید:

ای حیات دل حسام‌الدین بسی    میل میجو شد بقسم سادسی

گشت از جذب چو تو علامهٔ    درجهان گردان «**حسامی نامهٔ**»

پیشکش بهر رضایت میکشم    در تمام مثنوی قسم ششم

واین نکته نیز نگفته نماند که مولوی درهمین کتاب مکرراز این کتاب بعنوان مثنوی نام برده است ونگارنده را پس ازمطالعهٔ آثارشیخ بزرگوار عطارنیشابوری و دیدن مثنوی مولوی چنانکه پیش نیز گفته شد، عقیده آنست که بیشتر ازمطالب وحقائق و افکار که درشش دفتر مثنوی دیده میشود از کتب عطار گرفته شده و این کتاب خلاصهٔ کتابهای عطاراست.

برخی دفتر هفتمی نسبت به مولوی داده‌اند ولی دیدن اشعار وافکار مندرجهٔ درآن بخش ثابت میکند که جزبوزن مثنوی بودن هیچ مناسبتی میان این دوبخش نیست وآقای بدیع‌الزمان استاد دانشگاه تهران دررسالهٔ شرح حال مولوی که درس ۲۱٦

مندرجات آنرا معرفی کرده‌ایم ، ادلهٔ محکمی برعدم صحت نسبت آن به مولوی نگاشته اند (ص ۱۷۰ - ۱۷۳ ) و در اینجاست که این قول را شیخ اسمعیل انقروی بسال ۱۰۳۵ بواسطهٔ دیدن نسخه ایکه بسال ۸۱۴ نوشته شده مدعی گردیده و در **کظ** ( ج ۲ ص ۳۷۷ ) مطالبی در این باب و اینکه معاصرین انقروی نیز در این ادّعا او را منکر شده اند واو در شرحیکه بر مثنوی نوشته بردّ آنها پرداخته ، نگارش یافته است .

نجیب‌الدین رضا که از مشاهیر سلسلهٔ ذهبیّه میباشد برحسب امر غیبی بسال ۱۰۹۴ درچهل روز کتابی بنام « **سبع المثانی** » در تکمیل مطالب نیم تمام جلد ششم مثنوی انشا وآنرا مجلد هفتم مثنوی معرفی نموده و بسال ۱۳۴۲ در شیراز بهمت آقای آقا میرزا احمد تبریزی سلمه‌الله تعالی و بخطّ خود ایشان چاپ گردیده است .

مناسب می‌بینیم که درمعرفی ازمثنوی بیاناتیکه خودمولانا فرموده ودرمناقب افلاکی نقل گردیده ، در اینجابیاورم : « مثنوی مادلبریست معنوی که درجمال و کمال همتائی ندارد وهمچنان باغی است مهیا ودرختی است مهنّا که جهت روشن دلان صاحب نظر و عاشقان سوخته جگر ساخته شده است ، خنك جانی که از مشاهدهٔ این شاهد غیبی محظوظ شود وملحوظ نظر عنایت رجال‌الله گردد تا در جریدهٔ **نعم‌العبد انه اواب** منخرط شود » .

ابیات مثنوی مولوی هم چون دیگر مثنویها و دیوانها دستخوش تصرف نویسندگان وخوانندگان گردیده و گذشته‌ازتصرف درکلمات ازشمارهٔ ابیات اصل کهفقط خدامیداندوبس که چندبیت بوده وبرآن افزوده واز آن کاسته‌اند ، نسخه‌ای از مثنوی راکه نیکلسون ( رینوداُلین ) بسال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۳ درلیدن از اوقاف گیب چاپ کرده، شامل بیست و پنج هزار وششصدوسی ودو (۲۵۶۳۲) بیت میباشد و در **کظ** شمارهٔ ابیات آن بیست و شش هزارو ششصد وشصت (۲۶۶۶۰) ضبط گردیده‌ودر **تذ** (ص۱۹۲-۲۰۱) مولوی‌رومی معرفی گردیده‌ودرذیل آن گوید : شمارهٔ ابیات مثنوی را چهل وهشت هزار (۴۸۰۰۰) بیت گفته‌اند و بعضی زیاده و بعضی کم گفته‌اند .

نسخهٔ بسیارنفیسی که بسال ۸۰۹ نوشته شده وچندین مثنوی ازعطاردرحاشیهٔ آن نگارش یافته درکتابخانه ملی ملك در تهران دیده‌ام و این نسخه درحدود سی و دو هزار (۳۲۰۰۰) بیت میباشد و نسخهٔ شمارهٔ این کتابخانه که ظاهراً درقرن دهم هجری نوشته چنانکه گفتیم درحدود سی و یك هزار (۳۱۰۰۰)

بیت میباشد و دیگر نسخ این کتابخانه بدین اندازه نیستند .

بعضی چنین یافته‌اند که انشاء مثنوی بسال ٦٥٩ آغاز گردیده و بسال٦٦٦ خاتمه یافته و در حدود شش سال مولوی پس از انجام مثنوی زنده بوده ولی درخودمثنوی تاریخی جزسال٦٦٢ که تاریخ انشاء دفتر دوم میباشد، نگارنده نیافت.

هر یك از دفاتر ششگانه مثنوی دارای دیباچه‌ایست فصیح که چون عناوین مطالب مندرجهٔ در مثنوی ازمنشآت خود مولانا میباشد وچنانکه در ص ١٤٢ گفته شد **حسینی شیرازی** بر آنها شرحی نگاشته و در شیراز چاپ گردیده است .

برمثنوی شروح متعدد بفارسی وعربی وترکی نوشته شده در **کظ** ( ج ٢ ص٣٧٦ - ٣٧٧) برخی از آنها معرفی گردیده و در ص ٥٠٠ - ٥٠٤ این مجلد بمعرفی دوشرح آن مفصلا پرداخته‌ایم و بعضی‌ازشروح عربی وترکی‌آن چاپ شده است .

مثنوی مکررچاپ گردیده و ازچاپهای ممتاز آن یکی خط وقار بن وصال شیرازی ودیگری چاپ علاءالدوله وچاپ نیکلسن میباشد وازاین کتاب برحسب مذاقها انتخاباتی شده و از آنهایکی لب‌لباب کاشفی‌است که گذشته ازحسن انتخاب بشرح وبیان‌ابیات نیزپرداخته شده است واینك آقای بدیع‌الزمان بفرمان وزارت فرهنگ مشغول انتخابی مناسب افکاردانشجویان باشرح وبسطی که درخورمقام مثنوی ومؤلف آنست ، میباشند.

## ١١٨٣

**مجموعهٔ دیوانها** این نسخه شامل دیوان سه شاعرمیباشد که یك بیك آنهارا معرفی خواهیم کرد ، بقرینهٔ طرزخط و تذهیب و این سه بیت که در آخر دیوان جلال عضد در ص ١٥٧ میباشد :

| | |
|---|---|
| « دیوان جلال شد مکمل | بر دولت پادشاه اعدل |
| درساعت سعد و روز فیروز | پنجشنبهی از جمادالاول |
| درهشتصدو پنج بودو پنجاه | شداین بسعادتش مسجّل» |

نگارش این نسخه بسال ۸۵۵ انجام یافته و مندرجات آن بترتیب عبارتست از :

**۱ - دیوان جلال عضد** (ص۱–۱۵۷) که شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشد و نیز فردهائی در معما و لغز دارد و در حدود دو هزار و نهصد (۲۹۰۰) بیت است، **۲ - دیوان روح عطار** (ص۱-۶۵)، پس از دیباچه ای که بوزن مثنوی و در مناجات میباشد قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات این شاعر نگارش یافته و در حدود یکهزار و دویست (۱۲۰۰) بیت است، **۳ - غزلیات (دیوان بدایع الجمال خواجو)** (ص۱–۹٤)، برگهای میان ص۳– ٤ نسخه افتاده و ابیات موجود این بخش در حدود یکهزار و ششصد و پنجاه (۱۶۵۰) است، **۴ و ۵ - قصائد** و ترکیب بند ها و مخمس ها و مقطعات و هجویات (ص۱–۱٤۸) و **غزلیات** مرتبهٔ بحروف تهجی (ص۱٤۹–۲۸۸) که در نسخهٔ کهن سال متعلق به کتابخانه ملی ملك که بسال (۷۵۰) نوشته شده بنام « کتاب الحضریات فی الغزلیات من دیوان صنایع الکمال » معرفی گردیده و از پایان این کتاب برگهائی که شامل مخمسی بوده افتاده و بدین دو بیت نسخه خاتمه یافته :

بی نوائیم و از نوا فارغ درد مندیم و از دوا فارغ
تا بکی خسته شفا فارغ درجهان شاهدی و ما فارغ.

و این دو بخش در حدود پنجهزار (۵۰۰۰) بیت میباشد و پیش از شروع به قصائد دیباچهٔ نثری که بقلم یکی از دانشمندان معاصر خواجو است موجود و این دیباچه درحدود یکصد و بیست (۱۲۰) بیت است.

در آغاز دیوان جلال عضد و دیوان روح عطار هر یك سر لوحی

زیباست وبرخی ازبرگهای نسخه با طلا جدول کشی شده و پشت صفحهٔ نخستین تذهیب گردیده و دراینجا یادداشت شده که متعلق به کتابخانه اینجانب وزیر دربار اعلیحضرت پهلوی تیمورتاش خراسانی (سردار معظم) میباشد و درحاشیهٔ برخی‌ازصفحات هم مطالبی ادبی بخط همین مالك آنروزی نسخه میباشد.

جلد میشن. کاغذ بخارائی. قطع وزیری. شمارهٔ برگها ۲۷۲. صفحه‌ای ۱۸ یا ۱۹ بیت. طول ۲۶ سانتیمتر. عرض ۱/۲ ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۶۱**.

## مجموعه دیوانها شمارهٔ ۱۱۸۳

مندرجات این نسخه چنانکه گفته شده: **۱ ـ دیوان جلال عضد** میباشد که از شعرای نیمهٔ اول قرن هشتم هجری و مداح شیخ ابواسحق وآل مظفر بوده و در ص ۱۰۰ این نسخهٔ از دیوان قصیده ای در مدح طغا تیمور خان (۷۳۷ـ۷۵۳(۱)) نیزدارد واز این قطعه که درص ۱۴۷ نسخه میباشد بدست میآید به عماد نامی ارادت داشته وشاید که عمادفقیه باشد، وبااو بسفرحجاز رفته وبتشرف به مکه معظمه نائل آمده:

| | |
|---|---|
| تشنه گشتم براه کعبه شبی | قحط بود آب و من بترسیدم |
| رهبری را که بود نام عماد | کز همه رهبرانش بگزیدم |
| پیش افکندم و من از پس او | راست مانند باد پوئیدم |
| شب تاریک راهبر گم شد | من به تنها بسی بگردیدم |
| ناگهان بر کنارهٔ دره | چشمهٔ آب و راه بر دیدم. |

درتذ (ص ۲۹۴ـ۲۹۶) و هم (ص ۱۳۰، م. س) و آر (ص ۲۷۴ـ۲۷۵) و قم (ص ۱۸۲۷ ج ۳) وتاریخ یزد آیتی (ص ۲۸۱ـ۲۸۲) این شاعر معرفی گردیده ولی جزمعاصر بودن وی با آل‌مظفر و صاحب دیوان شعر بودن و ملاقات امیر مبارزالدین اورا در کتب و قطعه ایکه بالبداهه انشا نموده از او چیزی ننوشته اند فقط آذر گوید دیوانش چهار هزار بیت است و پدرش سیّد عضد الدین وزیر امیر مبارز الدین محمد مظفر بوده که چندی شحنگی فارس را داشته و سال ۷۱۷ آنرا رها کرده، وآذرجلال عضدراهم

(۱) ص ۳۰۴ تاریخ مفصل ایران (تاریخ مغول) آقای اقبال دیده شود.

وزیر آن مظفر معرفی نموده و درجای دیگر این قسمت نیست و ظاهر اینست که غفلت نموده و وزارت پدررا بپسر نسبت داده است و بنابر آنچه نقل شد نسخهٔ این کتابخانه شامل همهٔ دیوان جلال نیست .

**آغاز:** بصحن گلشن گیتی زاعتدال بهار صبا بساط زمرّد فکند دیگربار.

**انجام:** بس فرق بود میان شعر من و تو تومدح کسان گوئی‌ومن‌حدیکی.

**۲ - دیوان روح عطار** ، در کتب تذکره باجستجوی زیاد شاعری که تخلص **روح** یا **روح عطار** داشته باشد نیافتم ، نگارنده احتمال میدهد که نام این شاعر **روح الله** و کارش عطاری بوده و بهمین مناسبت در مقاطع غزلها گاهی هم به **روح** تنها قناعت نموده و این چند بیت که درس ۲۱ و ۲۲ و۲۷ و ۳۹ و ٥٦ **نه** میباشد این احتمال را تأیید میکند :

یکدم نشکیبد ز رخت **روح** دلفکار
زانروی که بلبل ز گلستان نگریزد .

**روح عطار** از غم او قالبی بیجان شدست
دوستان بهر خدا جانش بتن باز آورید .

صبوری از تو کجا کار **روح عطار** است
که هر که دل بتو پرداخت صبر نتواند .

چون جان دهد از هجر تو برجای شهادت
نام تو کند ورد زبان **روح** دل افکار .

روزی بکشد زارم و دانم که نیابد
دل سوختهٔ غمزده چون **روح** دلفکار

ای راحت جان من از **روح** چو بردی دل
میکن گذری بروی زنهار بهر چندی

و در س ۳۲ **نه** بجای روح عطار ، **روحی عطار** گفته :

وقتی که قدم رنجه کنی برسر عشاق زنهار مکن **روحی عطار** فراموش

واین بیت نیز مؤید خوبی است که ظاهراً نام شاعر روح الله بوده نه اینکه شاعر خود را **روح عطار** پنداشته چنانکه شاعری خودرا **روح مولوی** معرفی و بهمین نام تخلص داشته است .

اینک آنچه از این دیوان راجع به صاحب آن استفاده شده مینگاریم ؛

روح عطار شاعریست شیرازی و این ابیات گواه ماست :

س ۳۰ نه ؛ اگر نه چشم عنایت کنی برویم باز
بسان دجله شود ز آب چشم من شیراز .

ص۳۰ نه : روح عطارگر از دیده چنین ریزد سیل
بعد ازین دجلهٔ بغداد رود در شیراز .

ص٦٢ نه : شیراز رها کرد نگار بد مهر
بازرگان شد زغایت جور سپهر
در بند کناره بود از من گفتم
مهرت بکجا همی کشد گفت کمهر .

ص۲٤٦ نه : شیراز از تعدی قاضی خراب شد
این مولا بین که ملک سلیمان خراب کرد .

عصر و زمان این شاعر نیز بخوبی از دیوان وی بدست می آید چرا که قصیده‌ای درمدح افراسیاب ازاتابکان لر بزرگ دارد که مسلماً افراسیاب دوم پسر نصرة الدین احمد (٦٩٥-٧٣٠) میباشد که از سال ٧٤٠ بمقام اتابکی بر قرار گردیده و درست معلوم نیست که چند سال سلطنت کرده فقط میدانیم که پس از وی نورالوردبن سلیمان شاه بن اتابك احمد که به شاه شیخ ابواسحق انجو کمك کرده بود ، بسلطنت رسیده و بسال ۷۵۷ امیر مبارزالدین او را میل کشیده و سلطنت و اتابکی لرستان ، به اتابك پشنگ بن سلغر (٧٥٧-٧٩٢) رسیده است و این چند بیت از آن قصیده است :

ص ٤ نه :

شاه جهان اتابك اعظم که عدل او بنهاد رسم آنك نبارد غبار می
افراسیاب خسرو جمشید مرتبت آنك آورد بمجلس او افتخار می
ای خسروی که پیش لب باده نوش تو ساغر برو درآمد وشد شرمسار می .

و در ص ٥٨-٥٩ نه این چند بیت زیرین در سئوال از اینکه شعر حافظ بهتر است یا از آن سلمان وجواب صاحب این دیوان (روح عطار) ضبط است :

ملوك مملکت نظم و ناقدان سخن که باد خاطرشان ایمن از حدوث زمان
ز اهل طبع گروهی مخالفت دارند بی تراجع اشعار حافظ و سلمان
گروهی از فضلا متفق که این بهتر جماعتی دگر انکار میکنند که آن
بنوك خامهٔ گوهر نثار سحر نما بیان کنید کزین دو که را بود رجحان

روح عطار قطعهٔ زیرین را در جواب آنها انشا نموده :

نموده اند چنین مالکان ملك سخن
که کرده اند مسخر جهان به تیغ بیان

به‌این کمینه که از پیرفکر خویش بپرس
که نطق حافظ به یا فصاحت سلمان
چو کردم این سخن از پیر عقل استفسار
که ای خلاصهٔ ادوار و زبدهٔ ارکان
بگو که شعر کدامین ازین دو نیکوتر
که برده اند کنون گوی شهرت ازمیدان
جواب داد که **سلمان** بدهر ممتاز است
بلفظ دلکش ومعنی بکرو شعر روان
دگر طراوت الفاظ جزل **حافظ** بین
که شد بلاغت او رشک چشمهٔ حیوان
یکی بگاه بیان طوطیست شکر بار
یکی بنظم روان (بگاه بیان - خذ) بلبلیست خوش الحان
ز برج خاطر این ماه نظم رخشنده
ز درج فکرت آن لؤلؤ سخن ریزان
دراین محاسن اخلاق چون عنب بر بار
در آن فنون فضائل چو دانه در رمّان
یکی بگلشن نظمست سوسن آزاد
یکی بباغ لطائف چو لالهٔ نعمان
یکی موافق طبع لطیف همچون عقل
یکی مناسب چشم شریف همچون جان
هزار روح فدای دم چو عیسی این
هزار جان گرامی نثار گفتهٔ آن.

و این محاکمه برهاني قاطع است که مراد از افراسیاب در قصیدهٔ گذشته افراسیاب اول که از سال ٦٨٨-٦٩٥ سلطنت نموده نخواهد بود و چنانکه گفتیم مراد اتابك افراسیاب دوم است و در ص ٤٤٦-٤٤٨ **قبل** بمعرفی این اتابکان پرداخته شده است.

در ص ٥ - ٦ دیوان این‌شاعر مدیحه ای از قوام الدین [ محمدبن‌علی(١)] که از وزراء فارسی بوده موجود و این چند بیت **از آن** قصیده است:

مگر که ابر بیاموخت گوهر افشانی ز دست زبدهٔ آفاق و سرور عالم

(١) - ممدوح قوام‌الدین محمد معروف به صاحب‌عیارمیباشدکه بسال٧٦٤ بفرمان شاه شجاع کشته شده و هر پارهٔ بدن اورا بولایتی فرستاده اند (ص ٢٤٧ دستور الوزراء).

قوام دین محمد ، **محمدبن علی** خلاصهٔ دو جهان فخر گوهر آدم
پناه‌ملك سلیمان(۱) مداراهل زمان سپهر مجد و معالی محیط عدل و کرم
خدا یگان وزیران وزیر شاه نشان معین دین عرب حامی بلاد عجم .

از مندرجات دیوان روح عطّار تشیع وی آشکار و این قطعه راکه دراین باب میباشد میاورم :

ص ۵۷ نه :

توآن‌شهی که‌فریدون‌بصدهزارشکوه ز جان غلام غلام ترا غلام بود
در مدینهٔ علمی و در مدنیهٔ علم بفضل و زهد و کرم سکه‌ات بنام بود
بصحبت از نظر اولیا درود رسد بشام ات از نظر انبیا سلام بود
خدای از آن اسدالله نام کرد ترا که شیر چرخ بر صولت تو زام بود
به نیم روز کفت دخل نیمروز دهد بگاه شام عطایت خراج شام بود
سخن بمدح توآراستن نه حدمنست چو چند جای ثنای تو درکلام بود
چه وصف گویمت ای‌شاه کشورمعنی خطاب لحمك لحمی ترا تمام بود .

و دیوان روح عطار ازین دو بیت آغاز و انجام پذیرفته :

**آغاز :**

الهی پرتوی از نور اسرار تجلّی کن بجان روح عطّار

**انجام :** هرکه همچون روح عطار اوفتد در قید عشق
دل دهد از دست اگر خود رستم دستان بود .

**۳ - دیوان‌خواجو** ، ( ص ۱-۹٤ ) ، سوّمین‌بخش این مجموعه‌دیوانی است از خواجو که بدین بیت :

« تبت یا ذا الجلال و الاکرام من جمیع الذنوب و الاثام »

آغاز گردیده وعنوان این دیوان در نسخه‌ای‌ازکلیات‌خواجوکه بسال ۷۵۰ در زمان حیواة خواجو نگارش یافته و اینك در کتابخانه ملی ملك در تهران موجود میباشد ، بدین طرز : « کتاب‌السومنات من بدایع‌الجمال » نوشته شده و ظاهراً کلمه‌ایکه درآنجا بی‌نقطه نگارش یافته **الشوقیات** میباشد نه ، سوقیات و برحسب دقت وشمارهٔ نگارنده ، شامل ۳۹۷ غزل ویك مسمط ودرحدودسه‌هزار (۳۰۰۰) بیتاً است و انجام‌آن نسخه چون این نسخه این بیت است :

---

(۱) گذشته از اینکه میدانیم شعرا ، شیراز را ملك سلیمان گفته اند خود این شاعر هم در جای دیگر ( ص ٦٥٤ دیده شود ) تصریح بدین معنی و مطلب کرده است .

گفتم که جان خواجو قربان تست گفتا
در کیش پاکدینان قربان چه کار دارد.

بنابراین و آنچه زیر خصوصیات نسخه گفته شد از میان نسخهٔ این کتابخانه در حدود یکهزار و سیصد و پنجاه (١٣٥٠) بیت افتاده است.

**٥٩٤ - صنایع الکمال،** (ص ١-٢٨٩)، این بخش شامل قصائد ومقطعات و مخمسات و ترکیب بند و غزلیات خواجو میباشد و از آخر آن برگهائی افتاده ودر پایان آخرین برگ که آخرین غزل نگارش یافته، دورباعی میباشد که یکی را نقل کردیم و چنانکه از مقدمهٔ نثری این بخش معلوم میشود تاج الدین احمد بن محمد بن علی عراقی که ازوزراء دانش پژوه بوده گروهی را موظف کرده که اشعار خواجو را درزمان حیات خود شاعر گرد آورند و آنها بدین کار مبادرت نموده وبیست و پنجهزار بیت راکه شامل اقسام شعر بوده بنام «صنایع الکمال» یکجا جمع کرده و تذکر داده اند که آنچه پس از این طبع روان شاعر انشا نماید در دیوانی که بنام «بدایع الجمال» خوانده میشود، گذارده خواهد شد؛

بنابراین و اینکه گفتیم این نسخه شامل پنجهزار (٥٠٠٠) بیت میباشد، معلوم میشود که این بخش از نسخهٔ این کتابخانه، بخشی از «صنایع الکمال» است نه تمام آن وشاید توان گفت که مثنویاتی از خمسه خواجو نیزجزء این کتاب «صنایع الکمال» بوده است.

شرح حال و معرفی از خواجو در ص ١٩٢-١٩٣ نگارش یافته است.

## ١١٨٣

**مجموعه دیوانها** این نسخه بخط نستعلیق زیبائی نوشته شده و نویسندهٔ آن بنا بر تصریح در ص ٨٢ غلامحسین جولاق بسال ١٠٠٣ میباشد وچهار سرلوح بسیار زیبا در صفحات ١و٨٥ و١٥٩ و ٢٣٩ میباشد وابیات دیوانها درمتن وحاشیه نگارش یافته وهمهٔ برگها با طلا ولاجورد جدول کشی گردیده و

میان سطرهای دوصفحهٔ نخستین تذهیب و نقاشی شده و مندرجات آن بترتیب عبارتند از :

**۱ـ دیوان اثیرالدین اخسیکتی**(ص۱ـ۸۲)، درحدود دوهزارو ششصد (۲۶۰۰) بیت از قصیده و قطعه میباشد وآغاز آن اینست :

جهانرا هم جهان دانیست پیدا بین و پنهان دان

که زیر گنبد نیلی بدید آورد چار ارکان .

**۲ ـ دیوان ازرقی هروی**(ص۸۵ـ۱۵۷)، در حدود دو هزار و سیصد (۲۳۰۰) بیت از قصیده وغزل ورباعی میباشد، درص۱۰۸ـ۱۱۰ قصیده‌ای از شاعری **ضیا** تخلص در مدح سلطان حسین بایقرا که بسال ۸۹۲ سروده شده نگارش یافته واین قصیده شصت ویك بیت میباشد ودیوان ازرقی بدین بیت آغاز میشود :

ز نور قبهٔ زرین دائره تمثال

زمس تفته فروپوشد آتشین سربال .

**۳ ـ دیوان امامی هروی**(ص۱۵۹ـ۲۲۸)، درحدود دوهزارو دویست وپنجاه (۲۲۵۰) بیت ازقصیده وغزل وترکیب بند میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

سحر که در جهان جان بعون مبدع اشیا

مسافت قطع میکردم ز لا تا حضرت الاّ .

**۴ ـ دیوان اثیرالدین اومانی**(ص۲۳۱ـ۲۸۱)،درحدود یکهزار وششصدوپنجاه (۱۶۵۰) بیت ازقصیده وقطعه وغزل وربّاعی میباشد وبدین بیت آغاز گردیده :

دلا زبندغم ومحنت جهان برخیز زبندهرچه ترا نیست تاتوان برخیز.

برخی از برگهای این مجموعه وصّالی گردیده ویادداشتهائی از پشت نسخه محو گردیده است.

جلد میشن. کاغذ کشمیری. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۱٤۱. صفحه ای ۳۲ بیت. طول ۲۳½ سانتیمتر. عرض ۱٤ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۹۲۸**.

## مجموعه دیوانها شمارهٔ ۱۱۸۳

مندرجات این نسخه چنانکه گفته شد **۱ - دیوان اثیرالدین** اخسیکتی(۱) است که از شعرای قرن ششم و معاصر خاقانی بوده و از وی در **سخ** (ج ۱ ص ۱۸۷-۱۹۸) معرفی کامل شده و از دیوان وی انتخابی گردیده و وفات وی بسال ۵۷۰ یا ۵۷۷ بوده ویکی ازقصائد وی که درهم نقل گردیده ، درص **۳** نه موجود است.

**۲ - دیوان ازرقی** هروی است که در ص ۲۱٤ - ۲۱۵ معرفی گردیده.

**۳ - دیوان امامی هروی** که نیز در ص ۲۲۷-۲۲۹ معرفی گردیده و

**۴ - دیوان اثیرالدین** اومانی(۲) است که در تاریخ گزیده (ص ۸۱٤ عکسی) و **هم** (ص ۸٤۵-۸٤۷ م.س) معرفی شده و از مندرجات این دو کتاب و مراجعهٔ بخود دیوان بدست آمد که از شعرای قرن هفتم هجری بوده و سلیمانشاه را که ازطرف مستعصم حکومت کردستان را دارا بوده مصاحبت و مداحی مینموده و کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی وی را بدینگونه می‌ستاید :

| | |
|---|---|
| اثیر دین را رسمی است بر زبان قلم | پیام روح قدس دمبدم ادا کردن |
| بنوك كلك ، گهر را جگرهمی سفتن | بکام صیت مجازات با صبا کردن |
| چه توهمی، زنی خشك طوطی انگیزی | عجب نباشد از چوب اژدها کردن |
| انامل تو چه گردد سوار زروهٔ کلك | ز طاعتش نتواند خرد ابا کردن |
| چه نکتهای تو از پرده روی بنماید | ستاوه را نبود روی جزقفا کردن . |

(۱) اخسیکت از توابع فرغانه است کهازشهرهای ماوراءالنهر میباشد ودر **هم** بنام اخسی معرفی شده.

(۲) اومان قریه‌ایست از نواحی اشلم و اعلم یکی از پنج ناحیه همدانست.

۱۱۸۴

**مجموعهٔ دیوانها و غیره** این نسخه بخط نستعلیق نویسندگان چندی نگارش یافته، فقط یکی از آنها خود را قطب‌الدین تونی و سال نگارش را ۱۰۰۸ معین نموده (ص۱۷۳) و دیگر نسخ تاریخ ندارد ولی مسلماً پس از تاریخ نام برده بوده است،

بقرینهٔ اینکه پشت صفحهٔ نخستین صفحهٔ آخر کتاب منظومی میباشد و بر آن کاغذ چسبانیده شده، معلوم میشود که پیش از ورود به این کتابخانه بخشی از آنچه پیوستهٔ نسخه بوده برداشته شده است

مندرجات کنونی نسخه بترتیب عبارتست از:

۱ - **دیوان امیدی** یا قصائد امیدی (ص۱-۲۰) درحدود ششصد (۶۰۰) بیت و فقط ۱۳ قصیده میباشد و آغازش اینست:

ای سوادت بر رخ ایام خـال عنبرین

غیرت فردوسی و رشك نگـارستان چین

۲ - **حرزالنجاة فی نظم الواجبات** (ص ۲۱ - ۳۳) درحدود دویست (۲۰۰) بیت میباشد ۳ - رساله دربیان شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت (ص۳۴-۳۷) به نثر فارسی که ظاهراً انشاء آن قبل از عصر صفوی است و این رساله جز آنست که پیوسته کلیات نورعلیشاه بود و درص۶۰۵ معرفی گردیده ۴ - مظهر العجائب عطار (ص۳۹-۱۷۳) که درص۵۸۷-۵۸۸ معرفی گردیده و ص۴۸-۴۹ نسخه افتاده و

برگ ننوشته بجای آن گذارده اند وموافق نسخهٔ چاپی (ص ٥٥ـ ٦٢) نود و نه (٩٩) بیت از اینجا افتاده و با این نقص در حدود چهارهزار (٤٠٠٠) بیت میباشد . ٥ ـ مظهر الاسرار عطّار (ص ١٧٤ـ ٢٣٤) که نیز درص ٥٨٧ـ٥٨٨ معرفی گردید ودر حدود دوهزارو هشتصد (٢٨٠٠) بیت میباشد وبدین بیت :

آنکه برمنبرسخن گوگشته است راه اسرار معانی بسته است

خاتمه یافته واین بیت درص ٢٨٧ مظهر العجائب (سطر ٧) میباشد که بسال ١٣٢٣ درتهران چاپ شده وچنانکه گفتیم ابیات دومظهر در نسخهٔ چاپی با یکدگر مخلوط گردیده اند .

برگ اول وآخر نسخه نیازمند وصّالی میباشدوچند برگ آنهم وصّالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ١١٨ . صفحات ( مختلف السطر ) . طول ٢٠ سانتیمتر . عرض ١٦½ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ١٣٩٤٧ .

## مجموعهٔ دیوانها وغیره، شمارهٔ ١١٨٤

**١ ـ قصائد امیدی** ، امیدی (١) تخلص **ارجاسب** طهرانی است که بسال ٩٢٥ در تهران کشته شده و یکی از شاگردان وی که **نامی** تخلص بوده این مصراع را از زبان امیدی برای ماده تاریخ وی ضمن قطعه ای آورده :

**آه از خون ناحق من آه = ٩٢٥**

و چنانکه معاصر وی در **سا** وهم شهری او در « **هم** » نوشته ودیگران از این دوبرداشته‌اند ، امیدی برای کسب کمال بشیراز آمده وشاگردی ملاجلال دوانی

(١) درسا ص١٠١ـ١٠٢ وهم ص٧٩٧ـ٧٩٨م.س. ، مي ص١٢٦ـ١٣١ وتن ١٠٤ـ١٠٥ شرح حال امیدی نگارش یافته است .

حکیم معروف این قرن را نموده و گاهی شعر میسروده و آثار شعری وی فقط ۱۷ قصیده و۳ غزل وچند قطعه و۱۱ رباعی وساقی‌نامه (۱) میباشد و این بیت که در مدح حضرت علي بن ابی طالب ع و بسیار مشهور میباشد (ص١٦ نه) از اوست :

کتاب فضل‌تورا آب بحر کافی نیست که ترکنی‌سر انگشت وصفحه بشماری .

۲ ـ **حرزالنجاة** قطعاتی است بفارسی در اصول و فروع دین موافق عقیدهٔ امامیه و ناظم آن چنانکه در مقدمه مختصر نثری نسخه بدان تصریح گردیده : حسن بن سلیمان تونی متخلص به **سلیمی** میباشد ونام وی را فقط درص۳۰۲ **رو** یافتم‌ولقب وی دراینجا تاج‌الدین‌ضبط شده و گوید « درجوانی باکس وکو در شیراز توطن اختیار کرد» وچندبیت که نیزدال برتشیع اوست ازوی نقل‌شده‌واین منظومه چنانکه گفته شد، در حدود دویست (۲۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین . . . . . جمعی از دوستان که طالبان . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . .

تبارک خالق بیچون تعالی ربنا الاعلی
حکیم و عالم و عادل قدیم و فرد وبی همتا .

۳ ـ **رساله** در بیان شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت در چهار باب و به نثر میباشد و آغاز آن اینست : بسمله روایت کرده ازحضرت امیرالمؤمنین اسد الله الغالب و مطلوب کل طالب علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام و ازحضرت امام جعفرصادق علیه السلام که فرموده‌اند شریعت و طریقت وحقیقت ومعرفت چه چیزاست ، می باید دانست وآن کسانی که مؤمن‌اند باین‌عمل‌الخ . و این رساله در حدود یکصد (۱۰۰) بیت است .

۴ و۵ ـ مظهرالاسرار ومظهرالعجائب عطارمیباشد که درص۸۷ـ۸۸ ، بمعرفی آنها پرداخته ایم .

**۱۱۸۵**

**مجموعهٔ دیوانها** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده و همهٔ مندرجات آن بخط یکنفرمیباشد واین

(۲) این ساقی نامه در ص۱۲۸ـ۱۳۱ هی چاپ گردیده و ٦٠ بیت است .

نویسنده درآخر دیوان تجلی خود را «درویش مولانا محبت» معرفی نموده و مسلّماً نگارش نسخه در اواخر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم هجری بوده و هریك ازدیوانها صفحه شمارجداگانه دارد ومندرجات آن بترتیب عبارتست از :

۱ــ دیوان مجذوب تبریزی ، شامل غزلیات ورباعیات و مقطعات وترجیع بند وساقی نامه (ص ۱ ــ ۱۹۳) ودر حدود سه هزاروپانصد (۳۵۰۰) بیت میباشد وازآغاز آن یك یا چند برگ افتاده و بدین بیت آغاز میگردد :

گهی با چشم پرخون بحر کردم برّ مجنون را

گهی چون شمع دل در وادی ایمن شدم رسواء .

برگ شامل ص ۷ و ۸ نونویس میباشد .

**۲ ـ دیوان صفی** (ص ۱ ــ ۱۰۶) ، شامل غزلیات مرتب از الف تا یاء و رباعیات میباشد و در حدود یکهزار و هفتصد (۱۷۰۰) بیت میباشد . **۳ ـ دیوان قصاب کاشانی** (ص ۱ ــ ۴۷) ، از این دیوان غزلیات ردیف الف تا بخشی از دال درحدود (هشتصد (۸۰۰) بیت) در این نسخه موجود و بدین بیت خاتمه میبابد :

جان سپاری گر هوس داری [ز] قصاب ای نگار

امر کن تا آنکه [آنچه] فرمان تو باشد آن کند

**۴ ـ دیوان تجلی** (ص ۱ ــ ۳۰) ، شامل غزلیات و رباعیات میباشد ودرحدود پانصد بیت است .

**۵ ـ دیوان تنها** (ص ۱ ــ ۸۱) ، شامل غزلیات و رباعیات و فردهائی است و در حدود یکهزار و دویست (۱۲۰۰) بیت میباشد

ومجموعه بدین بیت :

ای تغافل پیشه بردل خوش ستمها میکنی
شیشه را گویا تصور سنگ خارا میکنی

که آخرین بیت نگارش یافته در این نسخهٔ ازدیوان تنها میباشد، خاتمه یافته است .

جلد تیماجی نیم‌ضربی . کاغذ کشمیری . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ۲۳۰ . صفحه‌ای ۱۷ و ۱۸ بیت . طول ۲۷ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۷۷٦ .

## مجموعهٔ دیوانها شمارهٔ ۱۱۸۵

مندرجات این نسخه چنانکه گفتیم **۱** ـ دیوان مجذوب تبریزی است که در ص۶۳۸ـ۶۳۹ معرفی گردید وبنابرتصریح معاصروی درقصص الخاقان دیوانش ده هزار بیت میباشد ، بنابراین نسخهٔ این کتابخانه منتخبی از آنست و غزلیات مجذوب همه دراستقبال خواجه حافظ است وازاین رباعی که نیزدرآخراین نسخهٔ ازدیوان مجذوب میباشد ، بدست میآید که بسال ۱۰۶۳ مجذوب بجمع وترتیب دیوان خویش موفق گردیده :

« پی تاریخ این دیوان محشر — که خوانی باشد ازلعل وگهر پر
سروش عالم غیبی بگوشم — ندا در داد گفتا **خوان پر در** »

**۲ ـ دیوان صفی** ، در قرن یازدهم چندین شاعر بدین تخلص داریم ، درنص وخو ودیگر تذکره ها بمعرفی آنها پرداخته شده ومسلماً صاحب این دیوان صفی قلی بیك **صفی** تخلص پسر قراخان میباشد که از اعاظم وبزرگان چرکس بوده ودر زمان شاه عباس ماضی بیگلربیگی شیروان را داشته وپس از معزولی ازاین مقام استراباد را باوعنایت نموده وبنابرتصریح در **نص** که مؤلف آن معاصر این شاعر بوده، صفی قلی بیك درفن سپاهیگری وبیشتر از کمالات ازاقران پیش بوده و طبعش کمال لطف را داشته ولی در دماغ او خبطی پیدا شد و لباس درویشی در بر کرده و کم حرف وخاموش شده وچند بیت ازغزلیات او را هم نقل نموده ومؤلف **خو** پس ازاینکه عین عبارات نصرآبادی را درشرح حال این شاعرآورده جزاییات نام برده چندین بیت ازغزلیات دیگر صفی را نیز

آورده و میرساند که دیوان صفی را مؤلف خو در دست داشته است وبعضی از ابیات انتخاب شده در ص ۹۸۰۱ نسخهٔ این کتابخانه میباشد و مندرجات دیوان صفی صریح در تشیع اوست .

**آغاز :** آلهی غنچهٔ ذکر خفی گردان دهانم را
مکن گویا بجز حرف ثنای خود زبانم را .

**۳ - دیوان قصاب** ، در ص ۲۸۲ - ۲۸۳ چندین شاعر قصاب تخلص را معرفی کرده ایم وصاحب این دیوان ظاهراً کاشانی بوده چرا که در مقطع غزلی (۴۷نه) گوید :

قصاب آمده است زکاشان بزیر خاك سنگی که نرخ گوهر آمل شکسته است .

و پیداست که چندی در هندوستان بوده و از دست خوبرویان آنجا شکایت کرده (ص ۲۵ نه) :

نیست اصلا رحم در دل گلرخان هند را
بی سبب قصاب خودرا درعذاب انداخته است .

ودر ص ۲۹ نه ، گوید :

عاقبت قصاب ظلم خصم و جور روزگار
از وطن بر کند بنیادت ببین احوال چیست .

در کتب تذکره که در دست نگارنده است بشرح حال وحتی نامی از این شاعر دست نیافتم ، از این بیت که در ص ۳۶ نسخه میباشد :

«قصاب قول صائب دانا که گفته است اینجا مقام دم زدن جبرئیل نیست»

استفاده میشود که معاصر صائب تبریزی شاعر مشهور قرن یازدهم متوفی بسال ۱۰۸۱ بوده ، وبیت ص ۳۷ ظاهراً اشاره بطالب آملی متوفی بسال ۱۰۳۶ میباشد، برای نشان دادن طرز فکر وطبع شاعر این غزل را ( ازص ۴۱ - ۴۲ نه ) در اینجا می‌آوریم : روی ؟ ترا آئینه رخسار میگویم حدیث
همچو طوطی از زبان یار میگویم حدیث

من سواد دیده از خط تو روشن کرده ام
نیست ازمن دور اگر بسیار میگویم حدیث

چشم جادو غمزه ترسا خال هندو رخ فرنگ
در میان خطهٔ کفار میگویم حدیث

نیستم بلبل که گوید در شکفتن وصف گل
چون عقاب از خندهٔ اسفار میگویم حدیث

شرح زلفش را کسی دیگر نمیداند چومن
مو بمو زین رشته زنار میگویم حدیث
نیستم زاهد که در مسجد زنم حرف ریا
مستم و در خانه خمار میگویم حدیث
عاشق دیوانه را در مسجد و منبر چه کار
در میان کوچه و بازار میگویم حدیث
می شود قصاب بر حب علی باشد مدام
از زبان احمد مختار میگویم حدیث.

**آغاز:** آلهی بهرحمت قوتی بخشا زبانم را
زآب این گهر لبریز کن درج دهانم را.

**۴ - دیوان تجلی**، علی رضای **تجلی** تخلص از علماء نیمهٔ دوم قرن یازدهم هجری است، اصل وی از اردکان شیراز میباشد، چندی درمحضر آقا حسین خونساری عالم معروف در اصفهان بکسب کمال اشتغال داشته، گاهی بشعر سرودن میپرداخته و**تجلی** نام شاعرانهٔ اوست، مؤلف قصص الخاقان درخاتمهٔ آن کتاب اورا از علما وشعرای معاصر خویش شمرده (تألیف قصص الخاقان بسال ۱۰۷۳-۱۰۷۷ بوده) وازمندرجات دیوان وی بدست می آید که بهند رفته و باستقبال **عرفی** و **صائب** که در هند بسیار مطلوب ومعروف گردیده اند، شعر ساخته واین چند بیت را از دیوان وی دراین باب، اینجا می آوریم:

ص۶ نه: ازتجلی جوی، مثل آنکه، عرفی گفته است
روی دریا سلسبیل و قعر دریا آتش است.

ص۹ نه: شکر شعر تجلی یافت در ایران رواج
طوطیان از بال خود در هند دفتر ساختند

ص۱۱ نه: در خراب آباد ایران هستیم برباد رفت
تا تجلی بخش تجریدم سوی بنگاله شد

ص۱۴ نه: ای تجلی شعر از تجرید ما بشنو که گفت
مستی از ما بود و می درجام دریا ریختند.

ص۱۶ نه: چه شد گرم چو عرفی بلبلی گم شد زهندوستان
که اینک چون تجلی باز از شیراز می آید.

ص۲۲ نه: تجلی این جواب آنغزل باشد که صائب گفت
نگین را در نلاخن میکند بی تابی نامم.

تجلی گذشته ازدیوان شعر، منظومه ای بنام «معراج الخیال» دارد که نسخ آن بسیار است وبنابر ضبط در، قمم (ص۱٦۲۸ ج۳) پس ازبرگشتن ازهند بسال ۱۰۸۸ وفات یافته است.

**آغاز :** زهی ازشوق رویت گشته گلزار جنان پیدا
چو بو در غنچهٔ تنها ز شوقت گشته جان پیدا .

**ه - دیوان تنها**، میرزا عبد اللطیف تنها تخلص چنانکه درص۹۸ شمع ذکر گردیده، خواهر زادهٔ میرزا جلال اسیر تخلص میباشد و دیوانی صوبهٔ پنجاب را دارا بوده و در اواخر قرن یازدهم بجهان دیگر شتافته وپنج مطلع از او در این کتاب نیز نقل گردیده ، بیت ۲ و ٤ و ٥ آنرا در ص۲۷ و ٦٥ و ٦۹ نسخهٔ این دیوان یافتم و ازآن دوی دیگر اثری نبود بنابر این بایستی این نسخه منتخبی از دیوان تنها باشد .

**آغاز :** خداوندا رسائی تا بلب ده نالهٔ مارا
مکن بیگانه تیر آه ما تبغالهٔ مارا .

**۱۱۸٦**

**مجموعه دیوانها** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳٤ و ۱۱۳٥ (ص۱۷٤ و۳۹۲ و۸۱۷) نگارش یافته، برخی از برگ های آن افتاده و پاره ای وصّالی گردیده وبرگهای آن جدول کشی شده ومندرجات آن بترتیب عبارتند از :

**۱ - دیوان اثر** ( ص ۱ ـ ۱۷٤ )، از آغاز این دیوان و میان ص ۱٦ و۱۷ وص ۷۲ ـ ۷۳ و ص ۱۲۲ ـ ۱۲۳ برگهائی افتاده و بعضی هم جابجاصحافی شده وشمارهٔ مندرجات کنونی آن درحدود سه هزار و دویست (۳۲۰۰) بیت ازمثنوی و قصیده وقطعه وغزل و رباعی و فرد ها میباشد و آغاز کنونی آن این بیت است :

بدوستان برسان تحفهای تجربه را
که ثبت سینهٔ خود کردهٔ زسیر بلاد.

**۲- دیوان کلیم** (ص۱۷۶ - ۳۹۲)، این نسخه شامل غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات کلیم میباشد و در حدود چهار هزار (۴۰۰۰) بیت میباشد و بدین بیت آغاز گردیده:

بدل کردم بمستی عاقبت زهد ریائی را
رسانیدم بآب از یمن می بنیاد تقوی را.

**۳- دیوان مخلص** (ص ۳۹۴ - ۴۹۶)، این نسخه شامل غزلیات مرتب بترتیب قوافی از الف تا **یاء** میباشد و درآخر نسخه که ناتمام مانده ابیات متفرقه ای که نیز ظاهراً ازمخلص است نگارش یافته و درحدود دو هزار (۲۰۰۰) بیت است و آغاز دیوان اینست:

الهی پرتو از نور یقین ده شمع جانم را
بشوی از حرف باطل یك قلم لوح بیانم را.

**۴- دیوان سلیم** (ص ۴۹۸ - ۸۵۲)، این دیوان در سه بخش ممتاز از یکدیگر: قصائد (ص ۴۹۸ - ۵٦۷)، غزلیات (ص۵٦۸ - ۸۱۷) ومثنویات (ص ۸۱۸ - ۸۵۲). نگارش یافته وروی‌هم رفته درحدود هفتهزارو پانصد (۷۵۰۰) بیت میباشد وازمیان غزلیات ابیات ردیف صاد تا میم افتاده و نیز ازآخر نسخه، برگهائی افتاده وبدین بیت آغاز گردیده است:

رفته در تاب و بکف بگرفته تیغ همچو آب
بهر قتلم میرسد آن شوخ با آن آب و تاب.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ٤٢٦ . صفحه‌ای ۱۹ و ۳۸ بیت . طول ۲۳ سانتیمتر. عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۵۰۳۵ .

## مجموعه دیوانها شمارهٔ ۱۱۸٦

مندرجات این نسخه چنانکه گفته شد عبارتست از : **۱ ـ دیوان اثر** که شیرازی بودن وی از اشعار وی هویدا ومعاصر بودن وی باشاه سلطان حسین صفوی آشکار میباشد ، جلوس این پادشاه را : « کمربست وافسر بتارک نهاد = ۱۱۰۰ » یافته و ادوارد برون ازتذکره حزین ، شفیعای اثرتخلص را نام برده که مسلماً مراد همین شاعر و صاحب دیوانست و در **فا** (ک ۲ ص ۱٤۲) زیر این عنوان : **اثر** مشهور بشفیعا اعمی شیرازی ؛ اورامعرفی وگوید ازقریه پراشکفت از کوه مرهٔ شیراز است و معاصر شاه سلطان حسین صفوی بوده و در دیوان وی ماده تاریخ هائی تا سال ۱۱۱۱ یافت میشود و تاریخ وفات مرحوم مجلسی (محمد باقربن محمد تقی) عالم بزرگ معاصر خود را « **قدوهٔ اهل یقین رفت از میان** = ۱۱۱۰ » گفته است واثری از اثر پس از سال ۱۱۱۱ در دیوان وی نیافته ام .

**۲ ـ دیوان کاهم** کاشانی است که درص ۳۸٦ـ۳۸۷ معرفی شده است.

**۳ ـ دیوان مخلص** ، چنانکه از مندرجات **شم** (ص ٤۳۸ـ٤۳۹) معلوم میشود مخلص تخلص میرزا محمد کاشانی است که از معاصرین **حزین** بوده (نیمهٔ اول قرن دوازدهم) واز وی نقل نموده که دربارهٔ او گفته : «اشعارخوب دارد و سلیقه اش در شعر قصوری ندارد» . و چند بیت ازابیاتی که ازاین شاعر مخلص تخلص نقل نموده درص ۳۹۹ و ٤۰۲ و ٤۰۳ موجوداست .

**٤ ـ دیوان سلیم** تهرانی است که درص ۳۰۲ـ۳۰۳ معرفی شده‌است.

## ۱۱۸۷

**مجموعه دیوانها** این نسخه راچنانکه درپایان بخش اول (لب لباب ص ۲۰۹) تصریح گردیده، بسال ۱۲۱۸

محمد بن فاضل سبزواری نگاشته و بخط نسخ میباشد و مندرجات آن بترتیب عبارتست از :

**۱ ـ لب لباب معنوی** (ص ۱ ـ ۲۰۹)، **۲ ـ دیوان اسیری** (ص ۲۰۹ ـ ۳۱۵)، ۳ ـ رسالهٔ اسیری درشرح این بیت :

ز دریای شهادت چون نهنگ لا بر آرد هو
تیمّم فرض گردد نوح را در وقت طوفانش.

(ص ۳۱۵ ـ ۳۱۷)، ۴ ـ رساله درشرح این دو بیت مثنوی :

چونکه بی‌رنگی اسیر رنگ شد موسی با موسی در جنگ شد
چون به بیرنگی رسی کان داشتی موسی و فرعون دارند آشتی

(ص ۳۱۷ ـ ۳۱۹)، ۵ ـ رساله در شرح این بیت :

عاشقان هر دمی دو عید کنند عنکبوتان مگس قدید کنند

(ص ۳۱۹)، ٦ ـ رساله در شرح این دو بیت :

دی برسر کور زلّه غارت کردم مر پاکانرا جنب زیارت کردم
کفارهٔ آنکه روزه‌خوردم رمضان در عید نماز بی طهارت کردم

(ص ۳۱۹ـ۳۲۰)، ۷ ـ مثنوی‌اسیری = اسرارالشهود (ص۳۲۰ـ۳٦۹)، **۸ ـ جنات‌الوصال** (ص۳۳۷ ـ ۵۰۲)واین‌نسخه‌ازجنات‌ـ الوصال تا آنجاست که نورعلیشاه موفق بانجام آن گردیده **۹ـ ترجیع بند هاتف** (ص ۵۰۲ ـ ۵۰٤) است .

مندرجات این نسخه در متن و حاشیه نوشته شده و عناوین با جوهر قرمز است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۲۵۳ . صفحه‌ای ٤۱ بیت . طول ۱۸$\frac{1}{2}$ سانتیمتر . عرض ۱۱$\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۰۱۳۳۱۷**

## مجموعهٔ دیوانها شمارهٔ ۱۱۸۷

مندرجات این مجموعه چنانکه گفته شد عبارتست از :

**۱ - لب لباب معنوی** ، ملاحسین **کاشفی** که در ص ۲۱ - ۲۲ معرفی گردیده ، ازمثنوی ملای روم انتخابی نموده وآنرا «لباب معنوی» نام گذارده ، پس از انتشار آن کتاب دوستان ازوی خواستارشده اند که از آن نیز انتخابی کند ( از قرائن پیداست که با شرح بوده و شاید آنانکه شرحی برمثنوی بکاشفی نسبت داده اند مرادشان همین « لباب معنوی » باشد ) کاشفی خواهش آنها را اجابت نموده واین کتاب را که خود درمقدمه تصریح نموده که « لب لباب معنوی » نام گذارده :

« نام او لب لباب معنوی      انتخاب انتخاب مثنوی »

از آن منتخب انتخاب و بدانها نیاز کرده است .

کاشفی ابیاتی از دفاتر ششگانهٔ مثنوی را در زیر عنوان سه **عین** بدین عنوان : **عین اول** جامع اطوار شریعت ، **عین دوم** مخزن اسرار طریقت ، **عین سوم** مطلع انوار حقیقت نقل وبشرح وبیان آنها پرداخته وهریك از این سه عین را به چندین **نهر** وهر نهری را به چندین **رشحه** تقسیم نموده و ابیات منتخبهٔ از مثنوی را که راجع به هریك از رشحات بوده با مقدمه ای بنثر ، در بیان مراد مولانا در اشعار منتخبه ، پیش از هر **رشحه ای** گذارده وپیش از شروع به عین‌های سه گانه سه مناجات وچهارنعت وابیاتی درتعریف مثنوی مولوی دربیان آنکه عاشق بواسطهٔ ملالت مستمع ترك سخن عشق نگوید و در ذکر خیال بد اندیشان در بارهٔ مثنوی ودر اینکه مثنوی عارف را آب حیاتست و منکر را زهر هلاك وممات ودر وصف حسام الدین معروف به **ابن اخی الترك** که باعث نظم مثنوی است ، از ابیات خود مثنوی گرد آورده و با مقدمه های مختصر نثری گذارده است وبنا برتصریح در آخر کتاب بسال ۸۷۵ این انتخاب وشرح بانجام رسیده ونثراً ونظماً درحدود هشت هزار وپانصد (۸۵۰۰) بیت میباشد وبسال ۱۳۱۹ ش در تهران با مقدمه وتصحیح آقای سعید نفیسی چاپ گردیده است .

**آغاز :** بسمله بعد ازتقدیم وظائف ثنای حضرت واجب الوجود عم جوده که لب ولباب معنوی را کهمرآت الحضرتین است **بشرف انتخاب ازمثنوی الخ .**

**۲ - دیوان اسیری** ، اسیری تخلص شیخ محمد نوربخش **لاهیجی** است

که در ص ۴۹۹-۵۰۰ معرّفی گردیده وهمین شاعرعارف است که بعضی اورا «شیخزاده لاهیجی» خوانده اند و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات عرفانی مرتب به ترتیب قوافی است ونسخهٔ این کتابخانه در حدود چهارهزار و دویست (۴۲۰۰) بیت میباشد.

**آغاز:** ای عشق تو آتش زده در خرمن جانها
در سوز غمت سوخته دلها و درونها.

**۳- رساله** درشرح این بیت: زدریای شهادت چون نهنگ لا برآردهوالخ. که در حدود (۱۰۰) بیت میباشد وآغاز آن اینست:

بسمله ربّ یسّر ولا تعسّر، حمد و سپاس بیحد برحضرت احد صمد و درود وثنای بیعد الخ.

**۴- رساله** درشرح دوبیت مثنوی: چونکه بیرنگی اسیررنگ شدالخ. در حدود شصت و پنج (۶۵) بیت میباشد وآغاز آن اینست:

بسمله الحمدلله الّذی کانت احدیّته الذّاتیه.... **امّا بعد** یکی ازبرادران دینی ضمنی الخ

**۵- رساله** در شرح این بیت: عاشقان هر دمی دوعید کنند الخ؛ در شانزده (۱۶) بیت میباشد وبهمان بیت آغاز گردیده.

**۶- رساله** در شرح این بیت: دی برسر کور زلّه غارت کردم الخ؛ در سی (۳۰) بیت میباشد وآغاز آن همین بیت نام برده است.

(چهاررساله نام برده همه از اسیری است)

**۷- مثنوی اسیری**، این مثنوی را هدایت در رن «اسرارالشهود» نامیده ولی درخود آن تصریحی بدین‌نام نیافتم وموافق نسخهٔ کتابخانه م‍.س در حدود سه هزار و دویست (۳۲۰۰) میباشد و نسخهٔ این کتابخانه بیش از دوهزار (۲۰۰۰) بیت نیست ومشتمل برمطالب عرفانی وسیروسلوک واخلاق درضمن حکایات وداستانهای شیرین ولطیف بطرزی خوش ودلکش میباشد.

**آغاز:** هست بسم‌الله الرحمن الرحیم مصحف آیات اسرار قدیم.

**۸- جنات‌الوصال**، درص۱۷۱ - ۱۷۲ بمعرفی این کتاب پرداخته‌ایم و این نسخه فقط شامل ابیاتی است که نورعلیشاه موفق به انشاء آن گردیده (جنت ۱و۲و۳۰ ۴ بیت از جنت سوم).

**۹- ترجیع بندهاتف**: سیداحمد اصفهانی متخلص به **هاتف** از شعرای معروف قرن دوازدهم هجریست بسال۱۱۹۸ جهانرا بدرود گفته ودرص۳۰۷ ج۲ **فهر** دیوان وی معرفی شده ونیز بمعرفی وی پرداخته‌ام؛ شهرت زیادوی

در اثر همین ترجیع بند میباشد که ترجیع آن اینست :

که یکی هست ونیست جزاو　　وحده لا اله الّا هو .

**۱۱۸۸**

**مجموعه دیوانها** این نسخه مشتمل بر دو کتاب میباشد :

**۱ـ دیوان دولت (محمد علی میرزای دولتشاه)**

که ظاهراً نسخه را برای یکی ازبزرگان باخودوی درنیمهٔ نخستین قرن سیزدهم بخط نستعلیق خوب نگاشته بوده‌اند وشامل مقدمه‌ای نیز درتعریف وتمجیداز دولتشاه و کتاب وی بقلم میرزا صادق **ناطق** تخلص میباشد و پس از آن قصائد و در پی آن مقدمهٔ نظمی مثنوی «گلچهر واورنگ» (ص۷۹ نه دیده شود) دولتشاه میباشد واین مقدمه بمدح پادشاه خاتمه یافته ونویسنده داخل اصل مثنوی نشده ودرص۸۳ نه، که آخرین صفحهٔ نوشته شدهٔ این دیوان میباشد بخشی ازترجیع بند دولت درمرثیهٔ حضرت سیدالشهداء ع نگارش یافته وچهاربرگ نانوشته پس از آنست؛ برگهای شامل صفحات ۱۶ـ۳۱ تازه وبرحاشیه ص۱۶ـ۱۸ آنها بخشی ازقصائد دولت بخط دیگری نوشته‌شده وباقی آنها نانوشته است و مسلماً برگ نخستین دارای سرلوح بوده و آنرا بریده‌اند، حاشیه ۸ برگ نخستین را هم، بریده‌اند و وصالی گردیده ومیان سطرهای صفحات آنها طلا اندازی شده و از آغاز مقدمهٔ مثنوی دولت هم ابیاتی افتاده وبدین بیت شروع میشود :

بحیران ماندن گم کرده‌راهان　　بحسرتهای پر حسرت نگاهان

وابیات این نسخهٔ دیوان درحدود نهصد (۹۰۰) بیت میباشد وظاهراً نسخه کامل بوده وبرگهای بسیاری از آنرا برداشته اند .

۲ ـ **رند وزاهد** ، این نسخه درص ۹۳ ـ ۱۵۱ نه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۹ نگارش یافته، بسال ۱۲۷۷ یکی از مالکهای نسخه، پشت صفحهٔ نخستین یادداشتی نموده است .

صفحات بخش نخستین این مجموعه با طلا واز آن بخش دوم با شنگرف جدول کشی گردیده وپشت صفحه اول بسال ۱۲۸۰ یادداشتی گردیده مبنی براینکه نویسندهٔ این یاد داشت، این دونسخه را که جدا بوده اند با یکدیگر در یك مجلّد گذارده است .

جلد تیماجی. کاغذ ترمه . قطع وزیری . شمارهٔ برگها ٧٦ . صفحه ای ۱۵ بیت . طول ۲۷ سانتیمتر . عرض $16\frac{1}{2}$ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۴۲** .

## مجموعه شمارهٔ ۱۱۸۸ یادیوان دولتشاه + رند وزاهد

مندرجات این مجموعه عبارتند از : ۱ ـ دیوان دولتشاه قاجار (محمدعلی میرزا) پسر بزرگ فتحعلیشاه که از معاریف شاهزادگان بوده و درزمان سلطنت پدر مقام ارجمندی در کشور ایران داشته و صفحات تاریخ کارها و مأموریت ها و طرز رفتار اورا حفظ کرده ، بسال ۱۲۰۳ بدین جهان پای گذارده و بسال ۱۲۳۷ بجهان دیگر رخت بربسته است .

از مندرجات ص٧٨ـ٧٦ برمی آید که پدرش بیاد او و شعرش افتاده و **دولت** از این موهبت شادکام شده و در این باب گوید :

ز هرکار جهان پیچ در پیچ ‌‌ رضای شاه میجویم دگر هیچ
همیشه شادم از الطاف خسرو ‌‌ خصوص اکنون که کرده شفقتی نو
شده بحر محیط از قطره پرسان ‌‌ بفکر مور افتاده سلیمان
ز شعر من بپرسیده خبر باز ‌‌ وزان پرسش مرا کرده سرافراز
از آن دم کاین بشارت را شنیدم ‌‌ نمی دانم که از شادی چه دیدم .

براین دیوان دیباچه ای بسیار فصیح به نثر روان نوشته شده و در پایان آن قصیده ایست که نیز درمدح و ثنای مؤلف و مؤلفه میباشد و دراینجا شاعر خود را صادق ، **ناطق** تخلص معرفی کرده وتاریخ این نظم وترتیب را بسال ۱۲۲۸ معین نموده و نویسندهٔ نسخه را نصیرالخطاطین شناسانده ومیرساند که

از نسخهٔ کنونی بخشهای بسیاری افتاده است و چند بیت آخر قصیده که شامل تاریخ و نام شاعر میباشد اینست :

لغزها جلگی شیرین ، سخنها جلگی دلکش
غزلها جلگی رنگین ، قصائد جلگی غرّا
شد استکتاب از خط نصیر خیل خطاطان
که رسم الخط زخطش میکند منشی چرخ انشا
غرض این طرفه دیوان مزیّن چون مدون شد
دو مصرع صادق ناطق پی تاریخ کردانها
چودرج لؤلؤ اعلی بود ، دیوان‌دولتشاه بود هر مصرع ازدیوان دولت‌لؤلؤ زیبا
۱۲۲۸ ۱۲۲۸

این مقدمه بدین عبارت آغاز میگردد :

بسمله مطلع و مقطع هرسخن نام نامی ناظمی را درخور است که بنظمی خجسته ، قصائد فرائد الخ

و دیوان دولت بدین بیت که مطلع قصیده ایست آغاز میگردد :

چو ریزی ازلب لعل شکرفشان گوهر عجب که آب نگردد ببحر وکان گوهر .

**۲ - رند و زاهد** ، این داستان که در بیان گفتگو های رند و زاهد میباشد و بسیار از مطالب اخلاقی و اجتماعی و ادبی در آن بزبان فصیح بنثر و نظم نگارش یافته از آثار فضولی بغدادیست ( محمد بن سلیمان متوفی بسال ۹۷۰ یا ۹۷۱ ) که از ادباء نامی قرن دهم هجری بوده و نسبت به اهل بیت پیغمبر ص ع دلبستگی فراوان داشته و کتاب « حدیقة السعداء » که ترجمهٔ ترکی روضة الشهداء میباشد و رسالهٔ « حسن و عشق » و « بنگ و باده » ولیلی و مجنون بترکی و دیوان ترکی و همین کتاب ( رند و زاهد ) و غیرازاینها ، از وی بیادگار مانده است .

**رند و زاهد** مرکب از نثرو نظم میباشد وبا قلمی شیرین انشا شده ودر حدود هشتصد وپنجاه (۸۰۰) بیت است .

**آغاز :** بسمله ای برتو سجود زاهدان وقت نماز
وی رغبت رندان بتو هنگام نیاز
گر اهل حقیقتست ور اهل مجاز هر کس بزبانی بتو میگوید راز

آلهی بحرمت زاهدان پاکیزه مذهب صومعه عبادت که رندان میکدهٔ معصیت را الخ .

۱۱۸۹

**مجموعه دیوانها**

**یا**

**مجموعهٔ اشعار**

این نسخه که بخط شکسته نستعلیق بسیار خوب نوشته شده، تاریخ و نام نویسنده را ندارد، مسلماً درنیمهٔ نخستین قرن سیزدهم هجری نگارش یافته و ظاهر اینست که نویسندهٔ آن میرزا عبدالوهاب **نشاط** اصفهانیست که از مشاهیر شعرا و نثر نویسان این عصر بوده و آثار نظم ونثر وی بنام «گنجینهٔ نشاط» موجود ودرفصل ادبیات از آن معرفی خواهد شد و مندرجات این مجموعه عبارتست از :

۱ ــ غزلیاتی از سعدی (ص ۱ــ۲۸) در حدود پانصد (۵۰۰) بیت، ۲ ــ غزلیاتی از حافظ (۳٤ــ٥٥) درحدود چهارصد وپنجاه (٤٥۰) بیت، ۳ ــ غزلیاتی ازعاشق اصفهانی (ص ٥٨ــ٦٦) یکصدو پنجاه وسه (۱٥۳) بیت، ۴ ــ غزلیاتی از مجمر اصفهانی (ص٦٨ــ٧٩) دویست‌وده(۲۱۰)بیت‌و۵ــ**دیوان‌نشاط** که‌مشتمل‌بر قصائدوغزلیات وترکیب بند ورباعیات ومثنوی میباشد (ص٨٥ــ٢٤٢) ودرحدود دوهزاروششصدوپنجاه (٢٦٥٠)بیت است و بدین بیت آغاز گردیده:

هوا باد وهوس باران، طمع خاك وخطر خضرا
درین گلشن زهی‌نادان، که بندد دل گشایدپا.

و بدین بیت :

آن دگر هیزم که خشك و دلکش است
چون بر آتش می نهی خود آتش است

که از ابیات یکی از مثنویهای نشاط میباشد خاتمه یافته و همهٔ برگها با طلا وشنگرف ولاجورد جدول کشی شده است و امضاء یادداشتی و تمام یادداشت دیگری که پشت صفحه اول بوده محو گردیده است.

جلد ساغری ضربی ظریف . کاغذ ترمه . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۲۲ . صفحات مختلف‌السطور . طول $\frac{1}{2}$۲۳ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$۱۰ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۹۳۹ .

## مجموعه دیوانها یا مجموعه اشعار شمارهٔ ۱۱۸۹

مندرجات در این مجموعه عبارتست از منتخبی از غزلیات سعدی و حافظ و عاشق و مجمر که در صفحات : ٥٦١-٥٦٦ و ٢٥٤ - ٢٥٩ و ٣٤٦و٣٩٩ بمعرفی آنها پرداخته ایم و پس از اینها دیوان نشاط (عبد الوهاب) که از شعرا و ادبا و فضلا و عرفای معاصر فتحعلیشاه میباشد و در نثر و نظم قدرتی کامل داشته وخط شکسته را بنا بگفته هدایت (ج ۲ مأص ٥١٠ - ٥١٤) درست مینوشته و بسال ١٢٤٤ بجهان دیگر شتافته ، نگارش یافته است .

## ۱۱۹۰

**مجموعه دیوانها** این نسخه را بنابرتصریح درص ۱۷۵و۳۵۲ بسال ۱۳۰۳و۱۳۰۲ مهدی علی آبادی بخط شکسته خوب نوشته (تاریخ درنسخه چنین : ۱۳۳و۱۳۲ نوشته شده ومسلماً مراد همانست که گفتیم) ومندرجات آن بترتیب عبارتست از:

۱ ـ مخمسات ومسمطات میرزا حسن علی آبادی (ص ۱ـ۱۷۵) درحدود یکهزار وهفتصد (۱۷۰۰) بیت . ۲ـ رباعیات خواجه حافظ

شیرازی (ص۱۷۷-۱۹۶) ، هفتاد وشش (۷۶) رباعی ، ۳ - رباعیات شیخ‌سعدی (ص۱۹۶- ۲۳۶) یکصد وشصت وسه (۱۶۳) رباعی‌است ، ۴ - رباعیات خیام (ص۲۳۶-۲۵٤) که فقط هفتاد ودو (۷۲)رباعی به ردیف الف و باء و تاء میباشد ، ۵ - ترجیع بند و قصائد قانع گلپایگانی (ص ۲۵۷ - ۲۸٦) ، دویست ونود ویك (۲۹۱) بیت ، ٦ - ترجیع بندهاتف (ص۲۸۵-۲۹۲) ، ۷ - مخمس‌ها ومسمط‌های وفائی‌شوشتری که ظاهراً بامیرزا عبدالرسول مداح شوشتری هردو یکنفراند (ص۲۹۳-۳۵۲) ودرحدود ششصد (٦۰۰) بیت میباشد .

جلد، قوائی عطف وگوشه تیماج . کاغذ فرنگی. قطع‌خشتی باریك. شمارهٔبرگها ۱۷۷ . صفحه‌ای ۱۲ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۳ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۴۰۷۷ .

## مجموعهٔ دیوانها شمارهٔ ۱۱۹۰

مندرجات این مجموعه بترتیب عبارتست از: ۱ - مخمسات ومسمط های میرزا حسن علی آبادی که بنابر تصریح نویسنده درآخر این بخش برادر نصیرالملك بوده ، در کتب تذکره بنام این شاعردست نیافتم ، بقرینه اینکه دربخش القاب المآثر والاثار، نام نصیرالملك نیست وبقرائن دیگربایستی این دوبرادر پیش‌ازسلطنت ناصرالدین شاه ( ۱۲٦٤ ) در قرن سیزدهم زندگانی میکرده باشند و این مخمس ها ومسمط ها عموماً در مدح ائمه اطهارعلیهم السلام میباشد وازمطالعهٔ آنها معلوم شدکه شاعر بهمان نام خویش (حسن) تخلص میکرده و تصریح نموده که از پنجاه و پنج سالگی شروع بگفتن شعر نموده و مخمس های وی بدین بند آغاز میگردد :

ای دل محزون مباش درغم و غوغا  آبه ز کوثر بگیرو خامه ز طوبی
کن رقم شوق برصحائف اشیا  اول دفتر بنام ایزد دانا
صانع و پروردگار و حیّ و توانا .

۲ و ۳ - رباعیات خواجه حافظ وشیخ سعدی است ، ۴ - هفتادو دورباعی

بردیف الف وباء وتاء ازحکیم عمرخیام میباشد که بسال ۵۲۶ وفات کرده ،
۵ - ترجیع بند وقصائد **قانع گلپایگانی** است که از شعرای قرن سیزدهم هجری ومعاصر**هدایت** بوده ودر **ما** (ج ۲ ص ۴۲۵) اورا بنام محمد وتخلص **قانع** معرفی نموده و ابیات مندرجهٔ در این مجموعه از این شاعر همه در مدح وثناء ائمه اطهار علیهم السلام میباشد و قصیدهٔ بهاریّه ایکه درآخر این بخش میباشد به مدح حضرت میرزای شیرازی ، (میرزا محمد حسن اعلی الله مقامه متوفی بسال ۱۳۱۲) خاتمه یافته واشعار قانع بدین چند بیت آغاز گردیده :

ای آنکه برهیا کل توئی چه جان هستی بکلّ خلق تو امروز حکمران
هرممکنی که پای وجودش بود میان باشد وجود او به بقای تو در جهان
پس از زبان حال بود عرض بندگان توآ گهی چه ظلم شود روزوشب عیان
یا صاحب ولایت یا صاحب الزمان
ای دادرس بخلق جهان داد ازاینزمان.

۶ - **ترجیع بند هاتف** میباشد که ترجیع آن معروف و معرفی مختصر ازآن شاعر در ص ۶۷۲ گذشت ، ۷ - مخمس و مسمط ها و قصائدی از شاعری **وفائی** تخلص میباشد که از مندرجات در این بخش بدست آمد که نامش میرزا عبد الرسول و شوشتری است و گاهی هم **مداح شوشتری** و **مداح** مطلق تخلص دارد ومندرجات این بخش نیز همه درمدح وثناء ومراثی ائمهٔ اطهار علیهم السلام میباشد و آغاز آن اینست :

بریز ساقیا مرا مدام می بساغرا چه می که برزند بجان هزار شعله آذرا
چه آذری که نام طوراز وکمینه اخگرا بریز هان بیار هي بیانگ چنگ سرسرا
که هی خورم بیاد وی تو هی بده مکرّرا .

**(۹۹۳)**

**محیط کونین** این نسخه بسال ۱۰۸۳ بخط نستعلیق نوشته شده و در جلو دیوان سالك (ص۱ـ۱۵۰) که در ص ۲۹۶ معرفی گردید ، گذارده شده وخصوصیّات دیگر نسخه را درآنجا یاد کرده ایم .

## محیط کونین

این کتاب مثنوی وبه‌تقلید تحفة العراقین خاقانی ساخته شده ، ناظم آن سالك قزوینی است که در ص۲۹۷ ـ ۲۹۸ معرّفی گردید و در این مثنوی چون تحفة العراقین افتتاح بمدح آفتاب گردیده وشرح مسافرت شاعر ازراه تبریز ببغداد وعتبات عالیات ومراجعت از راه همدان به قزوین و دوباره حرکت از آنجا به هندوستان ازراه اصفهان وشیراز وشرح مشاهدات دربین راه وعتبات وهندوستان ومردمان دانشمندیکه دراین مسافرت ، شاعر بملاقات آنها نائل گردیده ، میباشد وخود سالك این مثنوی را **محیط کونین** نامیده :

(ص۱۵نه : این رشحه که هست رشك بحرین نامش کردم « محیط کونین » .

و در میان این مثنوی گاهی غزلیاتی هم جا داده و مسلماً در هنگام توقف درهند آنرا ساخته ودرص۱۴۹ بدان تصریح کرده و گوید :

این نسخه که شد تمام درهند شد پردهٔ صد مقام در هند
خواهم بدیار خود فرستم گلدسته بیار خود فرستم

و نیز در همین صفحه تصریح نموده که بسال ۱۰۶۱ انجام پذیرفته و در حدود سه هزار ودویست (۳۲۰۰) بیت است .

**آغاز** : مائیم ستمکشان محزون زین مشت غبار وطاس پر خون .

**۱۱۹۱**

**محمود القصائد**
**یا**
**دیوان سپهر**

این نسخهٔ ازدیوان سپهربنام «محمودالقصائد» نامیده‌شده وازقرائن پیداست که درهمان‌سال منظم‌ومرتب کردن آن(۱۲۴۱)نگارش‌یافته وازمحووانباتهای زیاد دربرخی‌ازبرگهابدست می‌آید که بخط‌خودشاعر است‌ومندرجات آن پس‌ازدیباچه ایکه درشرح حال خودشاعر وشاهزادهٔ محمودمیرزا میباشد، قصائدوترکیب بندها (ص۱۲ـ۳۱۳) ومقطعات‌وتاریخ ها

(ص ۳۱۴-۳۳۰) وغزلیات (ص ۳۳۰ - ۳۳۵) و **یك مثنوی** درمدح وستایش محمود میرزا و درمسائل شك وسهو درنماز (ص۳۳۵-۳۵۰) و**یك مثنوی** ببحر مخزن الاسرار(ص۳۵۰-۳۷۱)ورباعیات(ص۳۷۱-۳۷۲) میباشدودرپایان نسخه، لغات عربی وفارسی مشکل راکه دراین دیوان استعمال شده باترجمهٔ آنهابفارسی کنونی مرتب بترتیب حروف تهجی، خودشاعر گذارده (ص ۳۷٤ - ٤٤۷) ودیباچه‌ای‌نیزبر آن نگاشته است.

برگ نخستین نسخه افتاده و بدین جمله ها که از مقدمهٔ دیوان میباشد، آغازمیگردد: مخاطب خطاب لولاک ما عرفناک گوید، که بودش باعث نمود موجودات است و نمودش آینهٔ عکس ذات

بیت

محمد مظهر نور الهی　　نگارندهٔ سفیدی وسیاهی

با خلیفهٔ بلا فصلش که شیرحق است و نائب مناب مطلق الخ.

مندرجات منظوم این نسخهٔ دیوان در حدود پنجهزار و پانصد (۵۵۰۰) بیت و لغات آن درحدود یکهزار و ششصد (۱۶۰۰) بیت میباشدو دوبرگ اول نسخه وصالی گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی، قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۲۲٤. صفحه‌ای ۱۰ بیت. طول ½ ۲۹ سانتیمتر. عرض ½ ۱۶ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۵۰۰۳**.

## محمود القصائد یا دیوان سپهر

محمد تقی **سپهر** تخلص و **لسان الملك** لقب را درص ۲۹۹ - ۳۰۰ معرفی کرده‌ایم، درمقدمه‌ایکه براین کتاب نوشته شرح حال مختصری ازخودنگاشته‌ودر اینجاست که بسال۱۲۱۶ درکاشان بدین جهان آمده و دیوانی شامل‌ششهزاربیت قصیده داشته، ازوی دزدیده‌اند وبیش‌ازاین سه دفتر مثنوی بطرزمثنوی مولوی

انشا نموده و تاریخی ببحر تقارب از اول خلقت تا حضرت صاحب الزمان ع ساخته وتا این سال (۱۲۴۱) بانجام نرسیده بوده و درهزار روز که در خدمت شاهزاده محمود میرزا بوده (درص۱۴۹ـ۱۵۱ بمعرفی این شاهزاده پرداخته شده) قصائد و اشعار دیگری که انشا نموده آنها را در یکجا گرد آورده و بفرمان آن شاهزاده «**محمود القصائد**» نامیده وچند قصیده ایکه پیش از رسیدن بدرگاه این شاهزاده سروده و یك مثنوی که ببحر مخزن الاسرار نیز پیش از این انشانموده وبدین بیت آغاز گردیده :

بسم الله الرحمن الرحیم فاتحهٔ فتح طلسم قدیم

برآنها افزوده است و چنانکه گفته شد مندرجات این دیوان (محمود القصائد) در حدود پنجهزار وپانصد (۵۵۰۰) بیت میباشد و لغات مشکله ایکه در این ابیات استعمال گردیده با ترجمهٔ فارسی آنها مرتب بترتیب حروف تهجی در آخر دیوان گذارده شده است .

بنابر تصریح درمقدمه ، بسال ۱۲۴۱ تألیف وتنظیم این دیوان خاتمه یافته و در پایان مقدمه آن اظهارنموده که تاکنون بیست وسه یابیست وچهارهزار بیت انشا کرده ام ونسخهٔ **دیوان سپهر** که شایسته است آنرا دومین دیوان سپهر خواند در ص۲۹۹ معرفی گردید غیر از**محمود القصائد** میباشد و چون میدانیم که پیش از سال ۱۲۶۲ آن نسخه نیز نگارش یافته و تا سال ۱۲۹۷ شاعر زندگانی مینموده مسلماً دیوان سوّمی هم داشته است

محمود القصائد بدین بیت آغاز میگردد :

**زهی معلم اسما خهی مصوّر اشیا**
**هم ازجهان همه پنهان هم ازجهان همه پیدا**

## ۱۱۹۲

**مدائح معتمدیه** این نسخه بخط نستعلیق زیبائی نگارش یافته، نویسنده ازخود وسال نگارش نام نبرده ظاهر اینست که نگارش وتذهیب آن کارمؤلف است ودرهمان سال تألیف (۱۲۵۹) برای بزرگی نوشته شده ، پیش ازشروع بنگارش مقدمه ،

نام شعرائی که اثری از آنان در این کتاب میباشد برمربع هائی که از اکلیل وغیره پوشیده شده نگارش یافته و سرلوحی زیبا در آغاز مقدمه دارد، نام فتحعلیشاه ومحمدشاه ومنوچهرخان درهرجای نسخه که برده شده باطلا نگارش یافته، میان سطرهای دوصفحهٔ نخستین طلا اندازی شده و همهٔ برگها نیز با طلا جدول کشی گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع رحلی. شمارهٔ برگها ۳۰۴. صفحه‌ای ۲۳ سطر. طول ۳۰ سانتیمتر. عرض ۱۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۱۳۴۸**.

## مدائح معتمدیه

این کتاب که بنام «**مدائح معتمدیه**» نامیده شده، تذکره ایست از شعرائیکه معاصر معتمدالدوله، منوچهرخان، درایام حکومت اصفهان وی بوده اند ومدیحه های آنان درباره معتمدالدوله با شرح حال و معرفی از ایشان.

گرد آورندهٔ آن محمد علی بن ابوطالب اصفهانی مذهب و **بهار** تخلص میباشد و مختصری از آثار نظمی و شرح حال وی بقلم خودش در آخر این کتاب (ص۶۸۹-۷۰۷ نه) میباشد ومؤلفهٔ هزلی وی که **یخچالیه** نام دارد، دراین فصل معرفی میشود و ازاین مؤلفه بدست می‌آید که مردی دانشمند بوده و پدرش درتذهیب دستی قوی داشته ویسر، او را برتر ازبهزاد نقاش معروف معرفی کرده و گوید:

«در فن تذهیب هلال را از قوت قلم انگشت نما، و بهزاد را از حسرت رقم بهزار درد مبتلا میساخت».

در کتب تذکره به شرح حال و دیگر آثار این مؤلف دست نیافتم و این تذکره شامل مقدمه ایست مفصل درشرح حال وتاریخ وقایع زمان این ممدوح که مناسبتی بوی داشته (ص۱-۷۱) دردوهزاروسیصدوپنجاه (۲۳۵۰) بیت، و نام آنانکه بمدح معتمد الدوله پرداخته اند و شرح حال و آثاری از آنان در این کتاب مندرج گردیده، بترتیب عبارتند از:

**۱ - آقاعلی رشتی**(ص۷۲)، **۲ - ادیب**، محمد علی تهرانی(ص۷۴)، **۳ - ادب**، محمد تقی کرمانشاهانی (ص۸۳)، **۴ - امید**، عباس مازندرانی

کرمانشاهانی (ص۸٦) ۰ ۵ ـ **اخگر** ، عبد الرشیدبن شربن آذر بیگدلی (ص۹۱) ۰ ٦ ـ **انجمن** ، اسحق شیرازی (ص۹٤) ۰ ۷ ـ **افشان** ، عبدالله اصفهانی (ص۹۸) ۰ ۸ ـ **اعمی** (ص۱۰۲) ۰ ۹ ـ **بیدل** ، محمد مازندرانی کرمانشاهانی (ص۱۰۳) ۰ ۱۰ ـ **بصیر** ، محمد ابراهیم اصفهانی (ص۱۰۵) ۰ ۱۱ ـ **بسمل** ، علی اکبر نواب شیرازی (ص۱۱۰) ۰ ۱۲ ـ **بهجت** ، محمد باقر اصفهانی (ص۱۱۱) ۰ ۱۳ ـ **پرتو** ، علی رضای لنجانی اصفهانی (ص ۱۱۳) ۰ ۱۴ ـ **پروانه** ، محمد صادق تفرشی (ص۱۱۷) ۰ ۱۵ ـ **پروانه** ، محمد حسین لنجانی اصفهانی (ص۱۱۸) ۰ ۱٦ ـ **تشنه** ، محمد تقی خواهر زادهٔ مهدی بیگ شقاقی (ص۱۲۰) ۰ ۱۷ ـ **تاراج** ، محمد حسین اصفهانی (۱۳۳) ۱۸ ـ **تاراج شیرازی** ۰ (ص۱۳۵) ۰ ۱۹ ـ **ثاقب** ، محمد حسین مؤلف تاریخ جهان آرا (ص۱۳٦) ۰ ۲۰ ـ **چاکر** ، محمد هادی کاشانی (ص۱٤۰) ۰ ۲۱ ـ **چاکر** ، محمد قاسم مازندرانی (ص۱٤۲) ۰ ۲۲ ـ **چاکر** ، نصر الله بروجردی (ص۱٤٤) ۰ ۲۳ ـ **حکیم** ، محمد یوسف نوری (ص۱۵۰) ۰ ۲۴ ـ **خرم** مازندرانی (۱۵۲) ۰ ۲۵ ـ **خاور** ، محمودبن شاهبازخان دنبلی تبریزی (ص۱۵۵) ۰ ۲٦ ـ **خاوری** ، محمد باقر هراتی (ص۱٦۰) ۰ ۲۷ ـ **خاوری** ، فضل الله شیرازی (۱٦۹) ۰ ۲۸ ـ **خادم** ، سید اسمعیل قمی (ص۱۷۰) ۰ ۲۹ ـ **دریا** ، لطف الله بن قطره (ص۱۷۱) ۰ ۳۰ ـ **ذوقی** ، فتح الله خراسانی (ص۱۷۳) ۰ ۳۱ ـ **ذبیحی** ، اسمعیل میرزا ازنواده های نادرشاه (ص۱۹۲) ۰ ۳۲ ـ **رفعت** ، فتح الله میرزا ابن دولتشاه (ص۱۹۸) ۰ ۳۳ ـ **رضائی** ، محمد رضای مازندرانی (ص۲۰٦) ۰ ۳۴ ـ **روشن** ، محمد صادق (ص۲۱٦) ۰ ۳۵ ـ **رونق** ، محمدهاشم اصفهانی (۲۱۷) ۰ ۳٦ ـ **زرگر** ، محمدحسن (۲۱۹) ۰ ۳۷ ـ **سیما** ، عبدالکریم سیرمی (۲۲۱) ۰ ۳۸ ـ **ساغر** ، محمد ابراهیم سه دهی اصفهانی (۲۳٤) ، ۳۹ ـ **شهاب** ، نصر الله ارستانی (۲۳٦) ۰ ۴۰ ـ **شاهین کاشانی** ۰ (۲۹۲) ۰ ۴۱ ـ **شهاب** ، محمد ظاهر اصفهانی (۲۹٤) ۰ ۴۲ ـ **شورش** ، (ص۳۱۲) ۰ ۴۳ ـ **صبا** ، فتحعلیخان ملك الشعرا (۳۱۳) ۰ ۴۴ ـ **صاحب دیوان** ، صاحبعلی آبادی (۳۱۵) ۰ ۴۵ ـ **صفائی** ، ملامحمد اصفهانی (۳۱۸) ۰ ۴٦ ـ **صفا** ، عبدالواسع طباطبائی زواری (۳۲۰) ۰ ۴۷ ـ **ضیا** ، محمدحسین اصفهانی (۳۲۳) ۰ ۴۸ ـ **طاهر** ، محمدطاهر همدانی (۳۳۰) ۰ ۴۹ ـ **عندلیب** ، محمد حسین بن صبا (۳۳۲) ۰ ۵۰ ـ **عنقا** ، محمد رحیم خراسانی (۳۳۸) ۰ ۵۱ ـ **عالی** ، عبدالغفور اصفهانی (۳٤۱) ۰ ۵۲ ـ **غزال** ، محمد محسن کرمانی (۳٤۳) ۰ ۵۳ ـ **غزالی** ، (۳۰۲) ۰

۵۴ - غائب ، عباس بروجردی (۳۵۰) . ۵۵ - غوغا ، عبدالله مازندرانی (۳۵٦) . ۵٦ - فدا ، محمد سعید اردستانی ( ۳٦۲ ) . ۵۷ - فروغ ، میرزا محمد اصفهانی (۳۷۵) . ۵۸ - فدا ، محمد حسین اصفهانی (٤٠٠) . ۵۹ - فنا ، ملاعلی لنجانی ( ٤٠۳ ) . ٦٠ - فیض ، میرزا احمد لرستانی ( ٤٠٠) . ٦١ - فیلی ، (٤٠١ ) . ٦۲ - قا آنی ، حبیب الله شیرازی (٤٠۲) . ٦۳ - قطره ، میرزا عبدالوهاب چهار محالی اصفهانی (٤٦١) . ٦۴ - کوکب ، محمدباقرخراسانی (٤٨٤) . ٦۵ - مسکین ، میرزا محمدعلی اصفهانی . ٦٦ - منظر ، علی اصغر (۵۲٦) . ٦٧ - محمد قاسم خان ، ظاهراً رشتی است ( ۵۳٨ ) . ٦٨ - میرزا محمد خان بن ملك الشعرا ( ۵٦٤) . ٦۹ - منشی ، محمد حسن ( ۵٦٦ ) . ٧٠ - مجنون طهرانی (۵٧۲) . ٧١ - محجوب ، حیدرعلی شیرازی (۵٧٨) . ٧۲ - سیدمحمد لنجانی اصفهانی ( ٦٠٨ ) . ٧۳ - مطیع ، مطیع مازندرانی ( ٦١٦ ) . ٧۴ - مهجور ، حسینقلی خان کلهر ( ٦۳١ ) . ٧۵ - مشرب ، محمدعلی نائینی (٦۳۹) . ٧٦ - مظلوم ، محمدهاشم خان اصفهانی (٦٤١) . ٧٧ - محرم ، محمد علی شیرازی (٦٤۳) . ٧٨ - میرزا رضا قلی همدانی ( ٦٤٤ ) . ٧۹ - نغمه ، میرزا رضا قلی مازندرانی ( ٦٤٦ ) . ٨٠ - ندیم ، میرزا علی اکبر شیرازی برادر قاآنی (٦۵۵) . ٨١ - ناطق ، محمدحسن کاشانی ( ٦٦١ ) . ٨۲ - نشاطی خان ( ٦٦٧ ) . ٨۳ - وصال ، میرزا محمد شفیع شیرازی ( ٦٦٨ ) . ٨۴ - وفا ، میرزا محمد علی اصفهانی ( ٦٧٠) . ٨۵ - هلال ، سید ابوطالب کاشانی ( ٦٧۲ ) . ٨٦ - هما شیرازی (٦٧۵) و ٨٧ - بهار ، محمدعلی بن ابوطالب مذهب اصفهانی مؤلف کتاب ( ص ٦٨۹ - ٧٠٨ ) .

در فهرستی که مردمان نام بردهٔ بالا در آن نگارش یافته وپیش ازشروع به مقدمه گذارده شده نام شاعری فیلی تخلّص که درص ٤٠١-٤٠۲ نسخه شرح حال وابیاتی از وی مندرج گردیده ، ازقلم افتاده و تمام این تذکره در حدود هیجده هزار (١٨٠٠٠) بیت است .

**آغاز :** بسمله تذکرهٔ ستایش بی منتهی و تأدیهٔ نیایش لاتحصی حضرت واجب الوجودی را سزاست الخ .

## ۱۱۹۳

**مقامات حسینی** این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته و بنابرتصریح در آغاز کتاب(ص۹۵) ، نویسندهٔ آن محمدحسین بمرودی وبسال۱۳۰۹میباشد ، پس‌از آخرین برگ نسخه که بدین بیت که در آغاز جنك و بمیدان رفتن حضرت سیدالشهداء ع میباشد :

« زتب لرزه ثقل آن ریوسار زمین‌همچوسیماب‌شد برقرار»

نویسنده از نگارش بقیّه مطالب باز مانده و برگهای ننوشته ایکه بیش از نصف نوشته شده است درآخر نسخه میباشد .

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی . قطع وزیری . شمارهٔ برگهای نوشته‌شده ۱۰۰ صفحه‌ای ۲۲ بیت . طول ۲۵ سانتیمتر . عرض $\frac{1}{2}$ ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر ۱۳۳۴۴ .

### مقامات حسینی

محمد اکبرمنشی که ازمعاصرین **احمدشاه درّانی**(۱۱۶۰-۱۱۸۷)(۱) پادشاه افغانستان بوده ، پس ازفتح خراسان وملاطفت ومهربانی **باشاهرخ**بن رضاقلی بن نادرشاه افشار (۱۱۶۱-۱۲۱۰) ، وی بانشاء(۲) این کتاب درمرثیهٔ حضرت سید الشهداء ، حسین بن علی علیه السلام پرداخته ودرآغازآن پادشاه نام برده را مدح وثنا گفته ودر ذیل آن (ص۸نه) معامله اورا باشاهرخ متذکر گردیده وازمختصری که درآغاز کتاب نگارش یافته بدست میآید که محمداکبر، توفیق براتمام کتاب را نیافته و **مذنب بمرودی**؟ تتمهٔ داستان را انشانموده ولی بدبختانه نسخهٔ این کتابخانه پس از شروع بداستان میدان رفتن حضرت سید الشهداء ع، نا تمام مانده وبخش نخستین به داستان شهادت مسلّم بن‌عوسجه

۱ ـ ص۲۹۹-۳۰۲ طبقات سلاطین اسلام .

۲ ـ « ۲۳۱-۲۳۲ » » » .

علیه السلام خاتمه یافته (ص۱-۹۰نه) ودرحدود دوهزار(۲۰۰۰) بیت میباشد .
**آغاز :** اگر بسمله تاج عنوان نبود مطالب نگاریدن آسان نبود .
**انجام:** بگفت این وآهنك پرواز کرد بهشت برین را سر افراز کرد .
وتتمه این کتاب درحدود دوهزار وپانصد بیت (۲۵۰۰) بیت میباشد .
**آغاز :** زمسلم یکی پاك گوهر پسر علم در شجاعت بسان پدر .

**(۹۵۵)**

**منطق العشاق** یا ده نامه — این نسخه پیوستهٔ دیوان اوحدی است که در ص ۲۳۵ ــ ۲۳۶ خصوصیّات آن نگارش یافت ، از آغاز وانجام آن برگهائی افتاده و بیت اول برگ نخستین نسخه این :

نه قوت را مجالی در مزاجم نه دانش را وقوفی برعلاجم .
و بیت آخر برگ آخر اینست :

چوبینی دوست را ازمهر خالی فروخوان قصهٔ ملك و مالی ؟
و مندرجات این نسخه اینك در حدود سیصد و پنجاه ( ۳۵۰ ) بیت است .

منطق العشاق = ده نامه

این مثنوی از **اوحدی مراغی** است که در ص ۱٦۷ معرفی گردید ، و چنانکه درآغاز کتاب تصریح نموده ، خواجه ضیاءالدین یوسف بن اصیل الدین ابن خواجه نصیرالدین طوسی که مقام وزارت داشته از وی خواستار شده که دفتری برای مطالعهٔ وی در محفل انس بسازد **اوحدی** برای اطاعت امرآن وزیراین **ده نامه** را مشتمل برناز و نیاز های عاشقان ومعشوقان با کمال زیبائی ساخته وبنا برنقل مرحوم تربیت در ص٥٦ دآ بسال ۷۰٤ ...

« بسال ذال و واو از سال هجرت — بپایان بردم این در حال هجرت »

انشاء آن بانجام رسیده ونزدیك بهزار بیت میباشد .

نگارنده تا کنون به نسخهٔ کاملی از این کتاب دست نیافته و آغاز آن برحسب ضبط در دآ این بیت است :

**آغاز :** بنام آنکه ما را نام بخشید — زبانرا در فصاحت کام بخشید .

## ۱۱۹۴

**منهج الهدایه** این نسخه بخط نسخ سلمان بن محسن حسینی ملقب به **کاظم** بی تاریخ نگارش یافته ، ظاهراً از روی نسخهٔ اصل و در همان سال تألیف و انشا (۱۲۵۵) نوشته شده ، و هدایت خود در آن نظر کرده و گاهی نسخه بدلی برای برخی از کلمات روی آنها گذارده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهر زده . قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۶۴ صفحه ای ۱۶ بیت . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۹۷۰** .

### منهج الهدایه

این کتاب یکی از آثار نظمی مرحوم **هدایت** میباشد که در ص ۴۴۶-۴۴۷ معرفی گردید ، پس از حمد وثنا ونعت حضرت مصطفی ص و ع و سبب نظم کتاب واشارهٔ مختصری به تاریخ حضرت رسول ص وحوادث پس از شهادت حضرت علی بن ابیطالب ع ، وقایع شهادت حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام و اصحاب کرام را ازروزحرکت ازمدینهٔ منوّر تاشهادت مختاربن ابوعبیده ثقفی را در پنجهزار (۵۰۰۰) بیت انشا نموده وسه بیت آخر کتاب را که نام کتاب و سال انشاء را میرساند در اینجا می آوریم :

ره هدایتم از این سخن عنایت شد — ازآن بنام همی «منهج الهدایه» شد

دویست بود فزون ازهزار وپنجه وپنج — که گشت خاطر ویران گذرگه این گنج

بنام ختم رسل بس نکوست ختم سلام که بر نبی وبر آل نبی هزار سلام .

آغاز: بنام آنکه بنامش شفای هر دردیست
بیاد آنکه بیادش نجات هر مردیست .

## ۱۱۹۵

### مودت نامهٔ ابجدی

این نسخه بخط نستعلیق به سبك هندی بسال ۱۱۹۷ نگاشته شده، دربایان نسخه نگارش یافته : « بانسخهٔ اصل مقابله شده » وزیر آن مهر، یادداشتی بوده محو گردیده، کرم های کتاب، برگهاراسوراخ کرده ولی ابیات آن کمتر زیان دیده، بسال ۱۳٤٥ در اصفهان خریده شده ومالك آن روزی نسخه، بربرگیکه پیش ازبرگ نخستین میباشد یادداشت نموده ونام وی را پاك کرده اند .

جلدمیشن . کاغذدولت آبادی. قطع خشتی باریك . شمارهٔ برگها ۱۲۶. صفحه‌ای ۱۰ بیت . طول ½ ۲۰ سانتیمتر . عرض ½ ۱۲ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۰۱۲.

### مودت نامهٔ ابجدی

**ابجدی** تخلص شاعریست هندی ودر تذکره ها و فهرست های ایرانی و فرنگی بنام وشرح حال وی دست نیافتم ، از مندرجات این نسخه (ص ۳۰) :

« پدر از دهر چون رنجور آمد بگرنا تك ز بیجا پور آمد
بچنگل پت گزیده جای آرام برآورده چوعنقا درجهان نام
پس ازچندی شد آن دامان گلشن زتقدیر الهی مولد من »

مولد و منشأ وی معلوم میشود در ص ۳۱ نه تصریح نموده که در هفتاد و شش سالگی ارادت به علی اکبر نامی از مشایخ ورزیده ودر این باب گفته :

« چو دیدم پایهٔ من سخت شد بست بدامان علی اکبر زدم دست

ز فیض بزم آن راًس الشـایخ      بگردون سرزدم چون کوه شامخ».

و مسلّماً متاخر از جامی ( عبد الرحمن متوفی ۸۹۸ ) شاعر معروف بوده چرا که در این کتابست :

« ص۲٤۸ نه : گرفتم گر تو شعر نغز گوئی
بزرگـی از سر اشعـار جوئـی
نیرزد قـدر تو مثل **نظامی**      نـه بالاتر تواند شـد ز **جامی**
بحکمت گر تو باشی جلوه گستر      نگردی **پور سینا** را برابر » .

و شاید گفت که در قرن دوازدهم هجری زندگانی میکرده و از مندرجات ص ۲۶ **نه** بدست می آید که خمسه نظامی را جواب گفتـه و ابیـات مندرجهٔ در آن صفحه را که شامل نام کتابهای خمسه ابجدی است در اینجا می آوریم :

«نخستین **زبدة الافکار**(۱) گفتم      جـواب مخـزن الاسرار گفتـم
وزان پس رخت بستم برد گر راه      کشیدم سوی **انور نامه** بنگاه
وز آنجا باز چون گل برشکفتم      بسوی **راغب و مرغوب** رفتم
چو بر گشتم از آن سعدین اکبر      بیك رشته کشیدم **هفت جوهر**
بر انگیزم کنون فالی دگرگون      زنم قرعـه بر آن نام **همایون**
گلستان میکنم اوراق دفتر      زگلهـای جمال **لعل پرور** » .

این کتاب را بنـابر تصریح در خاتمهٔ کتاب ( ص۲۰۰ نه ) **مودت نامه** نـام نهاده :

«مودت بود چون عنوان نامه      مودت را رقم کردم ز خامـه
مودت بر سر هنگـامه آمد      از آن نامش **مودت نامه** آمد»

وچنانکه درابیات بالابدان اشاره گردیده این کتاب که « مودت نامه » نامیده شده پنجمین مثنوی ابجدی ودرمعاشقه **همایون** پادشاه خوزستان با **لعل پرور** دختر پادشاه بدخشان میباشد ودر جواب خسرو شیرین نظامی انشا شده و در حدود سه هزار وپانصد (۳۵۰۰) بیت است .

**آغاز : خداوندا منور کن ضمیرم**
**بخندان چون چمن خاك ضمیرم .**

---

۱ - در ص۱۱٤-۱۱۵ **هن** کتابی نیز بنام « زبدة الافکار » به شاعری اصفهانی **نیکی** تخلص متوفی بسال ۱۰۰۰ نسبت داده شده است .

## ١١٩٦

**مهر و مشتری**
**عصار**

این نسخه بخط نسخ، ظاهراً در آغاز قرن نهم نگارش یافته، عناوین بشنجرف نوشته شده، چندبرگ آن مجدول بلاجورداست، از آغازوانجام ناقص وازمیان کتاب نیزبرگهائی افتاده دارد ودرحدود چهار هزار و یکصد و هفتاد (٤١٧٠) بیت است ونسخه بدین شعر آغاز میشود:

«چو ناگه مشتری را زین خبر شد

چه گویم کز فلك سر گشته ترشد»

وچند مصراع از آخرین صفحه محو گردیده است.

جلدتیماجی. کاغذحنائی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ١٣٩ صفحه ای ١٥ بیت. طول ١٨. سانتیمتر. عرض ١٣ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **١٣٣٣٣**.

### مهر و مشتری عصار

**عصار** تخلص شمس‌الدین حاج محمدبن‌احمد تبریزی است که از سخنوران عهد سلطان‌اویس ایلکانی‌بوده ومداح اوست، در علوم ریاضی‌وفلکیات ورمل واسطرلاب‌ازفضلا ودانشمندان‌عصرخودبوده، ازتصوف نیزبهره‌ای‌تمام داشته‌ا چندین کتاب درعروض وقافیه و بدیع تألیف کرده ورساله‌ای هم بطرزلغت بنام «وافی فی تعداد القوافی»(١) نوشته که درقافیه اشعار بکارآید مجموعه دیوانش شامل‌قصاید، غزلیات، مقطعات ورباعیات است، شاعر پس از آنکه چندی در دربارسلطان احمد جلایر گذرانید، درپایان‌زندگانی‌عزلت گزیدوبسال ٧٩٢(٢) زندگانی را بدرود گفت.

---

١ـ نسخه‌ای از این کتاب را دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی دارند.

٢ـ قول فوت اورا بسال ٧٨٤ نوشته و این تاریخ دو ٥آ بنقل از «سلسلة الاولیا» سید محمد نوربخش میباشد.

مثنوی حاضر را که دربحرخسرو شیرین نظامی میباشد، بسال ۷۷۸ درآن هنگام که عزلت گزیده بوده سروده و شمارهٔ اشعارش را ۵۱۲۱ نوشته اند ولی این نسخه بعلت افتادگی برگهائی ازآن، فقط درحدود ۴۱۷۰ شعردربر دارد وتذکره نویسان بارزش ادبی ونکات دقیق این مثنوی پی‌برده وطبع بلندش را ستوده اند ؛ ازجامی نقل شده که در باره‌اش چنین گفته است : « این‌مرد ، روی مردم تبریز را سفید کرده ومحال است که در این بحر کسی مثنوی بدین خوبی تواند گفت» . و این مثنوی بنا بگفتهٔ حاج خلیفه سه بار بترکی ترجمه شده است (۱) .

آغاز: بنام پادشاه عالم عشق که نامش هست نقش خاتم عشق

این شرح از مندرجات دآ ص ۲۷۵ ـ ۲۷۶ تلخیص ونیز درنگارش آن به هفت اقلیم ، تذکرهٔ خوشگو وآتشکده‌آذر ص۳۵ مراجعه شده است .

## ۱۱۹۷

**نامهٔ فرهنگیان** این نسخه را بخط نسخ خوب مؤلف‌آن عبرت نائینی ( محمد علی بن عبدالخالق ) نوشته، اگرچه تاریخ نگارش را درآخرنسخه ننگاشته ولی پیداست که در سالهای نزدیک بتألیف ( ۱۳۴۷ ) نگاشته شده و گذشته از اینکه بخط نویسنده آشنائی داریم، پشت صفحهٔ نخستین تصریح گردیده که نویسندهٔ آن خود مؤلف‌است. دراین نسخه شرح حال و منتخبی ازاشعارسی و چهارتن ازشعرای قرن چهاردهم هجری بترتیب حروف تهجی موافق تخلّص آنها نگارش یافته وشرح حال خوددراهم در حرف‌عین (ص ۶۵۲ ـ ۶۶۱) جاداده وبنابراین شامل ۳۵ تن میباشد . عکس ۲۲ نفر از آنانکه در این نسخه معرفی شده در آغاز

۱ ـ کشف الظنون جلد دوم ص ۵۷۶ .



كتب خطى

فارسى



# فهرست
# كتابخانهٔ مجلس شوراى ملى

تأليف



ابن يوسف شيرازى

جلد سوم از نشريات كتابخانه



تهران ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱
چاپخانهٔ مجلس

تقدیم بکتابخانه وقرائتخانه عمومی

۱۰ حضرت آیة الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی دام ظله

بسمه تعالی

کتابخانه اعم از کوچك وبزرگ وقتی میتواندبمعنای حقیقی خود بجامعه معرفی‌شود که موجودی خود را از کتب خطی و چاپی با مشخصات کامل معین نموده و در دسترس مراجعه کننده قرار دهد.

تألیف فهرست کتب خطی و تنظیم دفاتر و برگـه ها (فیش) برای کتب چاپی که هر کتابی را از حیث نام کتاب و مؤلف وموضوع معین نماید ازلوازم اولیهٔ هر کتابخانه میباشد.

باعث خوشوقتی است که اکنون برگه های کتب چاپی بزبانهای مختلف باطرز روشنی فراهم گردیده وجلددوم ازفهرست کتب خطی که جلد سوم از نشریات کتابخانهٔ مجلس شورای ملی میباشد نیز تهیه و بصاحبان فضل وهنر تقدیم میگردد.

ابراهیم شریفی

شرح حال آنها موجود و از آن دیگران را ندارد .

مؤلف پس از نگارش در آن نظر کرده و مطالبی از آن را محو و عباراتی بر آن افزوده است .

جلد میشن ، کاغذ فرنگی ، قطع خشتی ، شمارهٔ برگها ۴۴۸ ، صفحه ای ۲۴ بیت ، طول ۲۲ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر ، عرض ۱۶ سانتیمتر ، شمارهٔ دفتر **۱۱۳۳۵** .

## نامهٔ فرهنگیان

**عبرت** تخلص محمد علی بن میرزا عبدالخالق نائینی است و بنا بر تصریح خود وی در این کتاب (ص ۶۵۸) بسال ۱۲۸۵ بدین جهان آمده ، غزل را بی نهایت خوب میسراید قصائد خوب و اقسام دیگر شعر هم دارد ، خط نسخ را خوب مینگارد وزندگانیش از راه کتابت میگذرد ، نسخ بسیار بخط وی دراین کتابخانه میباشد ، باآنکه اینك هفتاد وپنج سال ازعمر وی گذشته روح جوانی ونشاط کامل دارد ، گذشته از این تذکره که خود آنرا «نامهٔ فرهنگیان» نام نهاده بنگارش تذکره ای مفصل مشغول است که گذشته از شرح حال وعکس شعرا و منتخبی از اشعار آنان ، نمونه ای ازخط آنها را نیز شامل میباشد وتا کنون بآخر نرسیده ، امید است که موفق بانجام آن گردد .

نامهٔ فرهنگیان تذکره ایست از ۳۵ تن (باخود مؤلف) از شعرای مشهور قرن چهاردهم هجری که در تهران ونادراً درچند شهربزرگ ایران زندگانی میکردهومیکنند ودر حدود بیست هزار (۲۰۰۰۰) بیت نظم ونثرعربی وفارسی میباشد وآنانکه در این کتاب نام برده شده اند بترتیب عبارتند از :

**۱** - امیری فراهانی (ص۱-۶۰) ، **۲** - ادیب پیشاوری (۶۱ - ۱۰۴) ، **۳** - حاج میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۰۵ - ۱۳۴) ، **۴** - **ادیب کرمانی** ، غلامحسین‌خان افضل‌الملك (۱۳۵-۱۷۶) ، **۵** - اخترطوسی (۱۷۷-۱۸۴) ، **۶** - ادیب نیشابوری (۱۸۵-۱۹۶) ، **۷** - ایرج‌میرزا (۱۹۷ - ۲۱۶) ، **۸** - اخضر (شرح حال وعکس این شاعر را ندارد) (۲۱۷-۲۲۴) ، **۹** - بقای اصفهانی (۲۲۵-۲۷۰) ، **۱۰** - بهار خراسانی (ملك الشعرا ص ۲۷۱-۳۰۳) ، میان این شاعر و شاعر نامبردهٔ بعد چهار برگ نتوشته گذارده‌باامید اینکه اگر کسی را بتخلص حرف **تاء** بیابد جا دهد ولی توفیق نیافته -

۱۱ - ثریا، محمدحسین هروی (۳۱۱-۳۳۰) پس از این شاعر هم هشت صفحهٔ ننوشته میباشد، ۱۲ - جلوه، میرزا ابوالحسن اصفهانی (۳۳۹-۳۶۷)، سه صفحهٔ ننوشته پس از این شاعر میباشد، ۱۳- حیرت قاجار، شیخ الرئیس ابوالحسن میرزا (۳۷۱-۳۹۱)، ۱۴ - حضوری، میرزا حسینخان سلماسی پیش خدمت ناصر الدین شاه (۳۹۱ - ۴۲۱)، ۱۵ - حاجب شیرازی، حیدر علی (۴۲۳ - ۴۵۰)، هشت صفحهٔ ننوشته پس از این شاعر میباشد، ۱۶ - خسروی. شرح حال این شاعر را ننوشته و فقط منتخبی از اشعار او را نگاشته است (۴۰۹-۴۷۰)، ۱۷ - دانش تبریزی، (۴۷۷-۶۰۴)، ۱۸ - دانای حائری (۶۰۵-۶۰۶) فقط بشرح حال وی پرداخته و دو صفحه و نیم برای منتخب اشعار او سفید گذارده، ۱۹ - سرخوش تفرشی (۶۰۹-۶۲۰)، ۲۰ - صبوری ملک الشعرای خراسان پدر آقای بهار (۶۲۳-۶۲۶)، پس از شرح حال صبوری و چند بیت که از وی نقل نموده هشت صفحهٔ ننوشته است، ۲۱ - حاجی میرزا علی اکبر قائم مقامی نوه پسری میرزا ابو القاسم قائم مقام (۶۳۵-۶۴۳)، هفت صفحهٔ ننوشته نیز اینجاست، ۲۲- سید عبدالرحیم اصفهانی (۶۵۱-۶۵۷)، ۲۳- عبرت نائینی مؤلف کتاب (۶۵۸-۶۶۶)، ۲۴ - عنقای طالقانی، ابوالفضل بن علی (۶۶۷-۶۹۲)، ۲۵ - حاج میرزا سید علی اخوی (ص۶۹۳) پنج صفحهٔ ننوشته پس از شرح حال این شاعر میباشد، ۲۶ - فرصت شیرازی محمد نصیر حسینی (۶۹۹-۷۰۷)، نه صفحهٔ ننوشته پس از اینست، ۲۷ - کمالی اصفهانی، حیدرعلی (۷۱۷ - ۷۴۶)، دو صفحهٔ ننوشته اینجاست، ۲۸ - مایل توسرکانی، یدالله بن ابی القاسم (۷۴۹-۷۵۴)، ۲۹ - مایل تهرانی، حبیب الله (۷۵۵-۷۶۰) و چهار صفحه ننوشته مانده، ۳۰ - محمود خان کاشانی، عندلیب تخلص (۷۶۵-۸۲۲)، ۳۱ - ناظم، علی بن علی اکبر ایروانی (۸۲۳-۸۲۴)، ۳۲ - نعمت میرزا محمود خان شیرازی نسوی (۸۲۷) پنج صفحه ننوشته مانده، ۳۳- نثار شیرازی، میرزا محمد پسر آخوند ملاعلی بابای شیرازی (۸۳۳ - ۸۵۲)، ۳۴ - حاج سید نصرالله تقوی اخوی (۸۵۳-۸۷۰) نه صفحه ننوشته مانده و ۳۵- وحدت کرمانشاهانی، طهماسب قلی بن رستمخان کلهر (ص۸۸۵ - ۹۰۲).

چنانکه گفته شد این تذکره به نام امیری فراهانی قائم مقامی آغاز گردیده ولی مؤلف شرح حالی از وی ننگاشته و فقط در حاشیهٔ صفحهٔ نخستین عکس

چاپی از او چسبانیده و زیر آن نوشته : « ولادتش شب پنجشنبه پانزدهم محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷ وفاتش سنهٔ ۱۳۳۶ » . و این کتاب و تذکره بدین جمله و بیت آغاز میگردد .

امیری فراهانی قائم مقامی

در افتتاح مجلس شورای ملي و مدح مظفرالدین شاه

و مشیرالدوله گوید :

شاد باش ای مجلس ملی که بینم عنقریب

از تو آید درد ملت را در این دوران طبیب .

در پایان نسخه ، اشارهٔای بانجام رسیدن و اتمام کتاب نیست وصفحهٔ آخر بدین بیت ختم شده :

وحدت آسا برو قناعت کن تا نگردی زدوست شرمنده .

۱۱۹۸

نسب نامهٔ کرد مازندری

این نسخه را سرایندهٔ آن غلامحسین قاجار بسال ۱۲۹۱ بخط نستعلیق خوب نوشته و بصاحب دیوان(۱) تقدیم داشته ودر آخر نسخه (ص ۸۲ ـ ۸٦ ) مدیحه ای بوزن مثنوی بدین مطلع :

« الا ای وزیر ستوده سیر خداوند گار سخا و هنر »

در مدح صاحب دیوان وشرح حال و استدعاء خویش درسی وشش

(۱) این صاحب دیوان ، میرزا فتحعلیخان پسرحاج میرزا علی اکبر قوام الملك شیرازی است که بسال ۱۲۳٦ متولد شده وبسال ۱۳۱٤ بجهان دیگر رفته و گذشته از مقامات دولتی دوبار وزارت و پیشکاری آذربایجان رایافته ودر ص ۵۰ گ ۲ فارسنامهٔ ناصری آغاز مرتبهٔ دوم پیشکاری وی بسال ۱۲۹۲ ثبت شده واین مؤلفه میرساند که بسال ۱۲۹۰ بوده است .

(۳۶) بیت نگاشته و در آخر تصریح نموده که این نسخه دوّمین نسخه ایست که از این کتاب نگاشته و دیگر نخواهد نوشت و برگهای آن با طلا و جوهر قرمز جدول کشی گردیده و عناوین مطالب با جوهر قرمز است.

جلد تیماجی، کاغذ فرنگی، قطع خشتی باریك، شمارهٔ برگها ٤٤، صفحه‌ای ۹ بیت، طول ۲۰ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۵۰۳۹.

## نسب نامهٔ کرد مازندری

غلامحسین قاجار که از ملازمین مظفرالدین شاه قاجار بوده، درهنگام ولیعهدی وی باسر و فرمان او این مثنوی را که در بیان شکار پلنگ کردن ولیعهد میباشد، در هجو چند نفر از ملازمین وی که از یکی از آنها به صدر وازدیگری به کرد مازندری تعبیر میکند، در دویست بیت انشا نموده وآنرا بنابر تصریح در ص ۷۲ ژه:

( شد این نامه را نام از داوری نسب نامهٔ کرد مازندری )

«نسب نامهٔ کرد مازندی» نامیده و پس از حمد و ثناء آلهی و نعت حضرت رسالت پناهی ص ع و منقبت حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب ع به مدح ناصرالدین شاه و پس از آن بمدح مظفرالدین میرزای ولیعهد و تعریف سخن ومذمت از سلطان محمودغزنوی درپی انصافی که نسبت به فردوسی کرده، شروع بداستان نموده وبا اینکه هجو است شیرین است.

بنابر تصریح در آخر، این مثنوی بسال ۱۲۹۰ انجام یافته و شاعر خودرا شاگرد میرزا سنگلاخ خراسانی معرفی نموده و تصور میکرده که درخط نستعلیق نظیر استادان بزرگ چون میرعماد، سلطانعلی، رشیدا وغیره میباشد اگرچه خیلی خوب مینوشته ولی دراین تصور راه غلط پیموده است.

از مندرجات ص ۱۹۷ نامهٔ فرهنگیان درشرح حال ایرج میرزا بدست آمد که غلامحسین میرزا پسر ملك ایرج میرزای انصاف تخلص پسر فتحعلیشاه میباشد که در تبریز اقامت داشته و مردی سلیم النفس و کریم الطبع بوده وبا دودهٔ اهل فقر بستگی داشته وهیچگاه سرای وی ازدراویش تهی نبوده....

و مظفرالدین شاه اورا « صدر الشعرا » (۱) لقب داد و ایام عمررا در تبریز بپایان برده است.

آغاز: نخست آفرین بر خداوند پاک
که افراشت گردون و بگذاشت خاک.

۱۱۹۹

**وامق و عذرا (نامی)** این نسخه را بسال ۱۳۳۷ عبرت مصاحبی نائینی به امر سردار معظم خراسانی بخط نسخ نوشته، نسخه ایکه ازروی آن استنساخ شده ابیاتی از ابتداء آن افتاده بوده، نویسنده دو صفحه را برای آنها سفید گذارده پس از آن نخستین بیت موجود در آن نسخه را نگاشته و آن اینست:

زان فروزان کرده رخسار ایاز داده بر روی ایاز از آن طراز

چندین برگ کاغذ ننوشته در آغاز و انجام نسخه گذارده شده و در حدود دوهزاروسیصد (۲۳۰۰) بیت است وبدین بیت انجام پذیرفته:

حق ز هر آفت نماید ایمنش
رفته باد از خار و خس پیراهنش.

جلد مقوا عطف و گوشه تیماج. کاغذ فرنگی. قطع بغلی. شمارهٔ برگها ۹۴. صفحه‌ای ۱۳ بیت. طول $14\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۱۰ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر ۱۳۳۲۴.

۱ - در ص ۱۴ نسخهٔ « نسب نامه کرد ملزندری » این بیت که ملقب بودن او بدین لقب را میرساند در قطعه ای موجود است:

از آن صدر گشتم ابر شاعران که مداح شاه ولایت منم.

۱۲۰۰

**وامق و عذرا (نامي)**

این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته (از خطوط اوائل قرن سیزدهم است)، ظاهراً یك برگ از آغاز آن افتاده، و از قرائن پیداست که نسخهٔ پیشین از روی این نسخه نگاشته شده، پائین صفحات ازمیان رفته بوده و وصّالی گردیده و ابیات و مصرع های ازمیان رفته دوباره نوشته شده، ظاهراً ازمیان ص۸٤ـ۸۵ و ۱۵٤ـ۱۵۵ برگهائی افتاده چرا که پا صفحهٔ آنها با آغاز سرصفحهٔ بعد مطابق نیست ولی دو بیت انجام و آغاز در هردو نسخه همانست که درنسخهٔ بالاست و نیز درحدود دوهزار و سیصد (۲۳۰۰) بیت میباشد. برگها جدول کشی شده و برخی از ابیات آنها هم محو گردیده و عناوین با جوهر قرمز است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. قطع ربعی. شمارهٔ برگها ۸۰. صفحه‌ای ۱۵ بیت. طول $\frac{1}{2}$ ۱۵ سانتیمتر. عرض ۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۳۳۳۲**.

## وامق و عذرای نامي

درص ۱۸۱ـ۱۸۲ **نامي** را معرفی کرده ایم واین مثنوی چهارمین داستان عشقی است که این شاعر انشاء نموده، پس از حمد و مناجات و نعت در سبب تألیف کتاب گوید:

چون بتایید خدای کار ساز — بود طبعم نامهٔ نامی طراز
موج میزد هر زمان دریای من — بر کران میریخت گوهرهای من

.......................

باز بود از شوق دل روز و شبم — در سرود نامهٔ نامی لبم
از مددکاری طبع سحر سنج — چونکه پر شد از درو گوهر سه گنج

بهر چارم کنج بزمی ساختم | خانه از نا محرمان پرداختم
قصهٔ شیرین و خسرو شد کهن | باز گو از وامق و عذرا سخن
تا کنون این داستان را کس نگفت(۱) | منقب خامه دری ز ایشان نسفت

این مثنوی در حدود ۲۲۵۰ بیت میباشد .

**آغاز : ای زنامت نامهٔ نامی بنام**
**وی بنامت افتتاح هر کلام .**

## ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲

### ولد نامه و رباعیات مولوی

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً در قرن نهم نگارش یافته ، عناوین نثری را بشنگرف نوشته‌اند ، برگهانیز بشنگرف جدول کشی گردیده و بسیار نفیس و شامل هرسه دفتر ولدنامه (مثنوی ولدی) میباشد در هشت برگ سفیدی که در آغاز و انجام کتاب بوده رباعیات مولانا بترتیب حروف نوشته شده و این نسخه یادداشتهائی از مالکین کتاب را داراست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۲۹۸ . صفحه ای ۲۵ بیت . طول ۲۰ سانتیمتر . عرض ۱۴ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۲۲۸۶** .

---

۱ ـ نامی در این بیت خود را نخستین ناظم داستان وامق و عذرا دانسته در صورتیکه از زمان عنصری شعرا بنظم این داستان پرداخته اند و آقای سعید نفیسی در ص ( ذ ) مقدمهٔ تاریخ گیتی گشا و مرحوم تربیت در مقالهٔ « مثنوی و مثنوی گویان » که در شماره های سال پنجم و ششم مجله مهر چاپ گردیده خصوصاً در ص ۲۱۷ـ۲۲۰ سال پنجم آنهائیکه بنظم وامق وعذرا پرداخته‌اند معرفی و درصفحات نام بردهٔ مجله ، تحقیقی هم دراصل و مبدء این داستان کرده است .

## ولدنامه

**ولد** تخلص و از القاب بهاء الدین محمد فرزند جلال الدین محمد رومی بلخی عارف بزرگ نامی است ؛ وی بسال ۶۲۳ بدین جهان آمده ودر سال ۷۱۲ درگذشته ، نخستین دفتر این مثنوی را که ببحر خفیف است بسال ۶۹۰ سروده پس از آن برحسب خواهش دوستان دفتر دوم را ببحر مثنوی والدش (رَمَل) پرداخته سپس دفتر سوم را گرد آورده شمارهٔ اشعار دفتر یکم را ده‌هزار بیت تخمین نموده اند ، دودفتر دیگرهم هریك درهمین حدود است . دفتر نخستین به تنهائی بسال ۱۳۱۵ خورشیدی درطهران بچاپ رسیده‌رنجهای تصحیح و نشر و بیان ارزش ادبی کتاب و معرفی این نسخه و گرد آوردن سرگذشت زندگانی سلطان‌ولد وهر آنچه‌بایسته وشایستهٔ ذکر است دانشمند محترم آقای جلال همائی درمقدمهٔ چاپ کشیده و از این وخدمتی بزرگ بعالم‌دانش نموده‌اند لذا ما دراینجا بدانها نمی‌پردازیم وپویندگان‌را بهمان مقدمه‌در که ۱۲۸ صفحه پرداخته شده راهنمائی مینمائیم .

**آغاز :** بسمله دربیان آنکه حق تعالی ازهمه مخلوقات وموجودات الخ .

### ۱۲۰۳

### یخچالیه

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۸٤ نوشته شده و پس از اتمام تذکره و ملحقات این تاریخ را تصریح نموده ولی پشت برگ نخستین یادداشتی که ظاهراً خط نویسندهٔ نسخه میباشد ومهر **محمدابراهیم** زیر آنست مشعر است که بسال ۱۲۸۵ این کتاب را برای فرار از افسردگی نگاشته و ظاهر اینست که در اینجا تاریخ را اشتباه کرده اگرچه میشود گفت که در آن دوجا اشتباه نموده و این یادداشت برای اصلاح آن غلط است .

در آغاز نسخه سرلوحی موجود و از حوادث بر کنار نبوده و همهٔ برگها با طلا و لاجورد جدول کشی گردیده است .

مالك پیشین نسخه آقای صادق انصاری بوده و در همین صفحه بخط خود یاد داشتی کرده اند .

ملحقات این کتاب حکایاتی است خنده آور و تغزلاتیکه در نسخهٔ چاپی یخچالیه میباشد در اینجا نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . قطع خشتی . شمارهٔ برگها ۸۰ . صفحه‌ای ۱۲ سطر . طول ۲۲ سانتیمتر . عرض ۱/۲ ۱۵ سانتیمتر . شمارهٔ دفتر **۱۳۶۶۹** .

## یخچالیّه

مؤلف این کتاب محمد علی بن ابوطالب **بهار** تخلص میباشد که درص ۶۸۳ معرفی گردید ، و این کتاب که خود آنرا « یخچالیّه » نام نهاده نظیر تذکرهٔ شعراست ولی بهجو و بطریق مسخره انشاشده ، اگرچه مؤلف در دیباچه اظهار نموده که این نامهائی که در اینجا می بینید خیالی است و وجود خارجی ندارند و من این کتاب را نظیر مقامات انشا کرده ام ولی پس از مراجعه معلوم شد که بی غرض هم نبوده و مقصودش هجو شعرای معاصرین بوده و خود از این طرز نگارش خویش پوزش خواسته و گوید در اوان جوانی بنگارش آن پرداخته‌ام و اقدام بدین کار در اثر جوانی و خامی بوده است و در مقدمهٔ آن نیز تصریح نموده که در عصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴) بتألیف آن پرداخته و برای رسانیدن خویش بدربار، آنرا بتهران فرستاده است .

بسال ۱۲۹۰ باتصحیح و مقدمه ای در شرح حال مؤلف بقلم فقید مرحوم محمدحسین فروغی ، ادیب تخلص در تهران بخط نستعلیق خوب چاپ گردیده‌است .

**آغاز :** (۱) برطرف جهان شوخی میگفت بدینمنوال

دل گرم مکن در وی کاین [جز سرد] یخچال

فرح افزا ستایشی که تذکره اش بذله سرایان انجمن قدس را لب بشکر خنده گشایند الخ .

---

۱ ـ این بیت در نسخهٔ چاپی میباشد و در نسخهٔ این کتابخانه نیست و بعبارات نثری پس از بیت ذکر شده آغاز گردیده است .

**۱۲۰۴**

**یوسف و زلیخا (شعله گلپایگانی)** این نسخه بخط نستعلیق نگارش یافته (ظاهراً دراوائل قرن سیزدهم)، برگهای آن از اول تا بآخر جابجا شده و پس از دقت زیاد جای هریك را پیدا کرده و یادداشتی در آنجا گذارده‌ام؛ چندین برگ هم مسلماً از اوائل ومیان و انجام نسخه افتاده و با این نقص اینك درحدود چهار هزار و پانصد (٤٥٠٠) بیت میباشد، ابیات صفحهٔ ۲۰۷ محو گردیده ودوصفحهٔ میان ۱۸۲ـ۱۸۳ صفحه شمار نخورده و پشت برگ نخستین نوشته شده: ناظم گلپایگانی است. در اثر این یادداشت تصور شده که ناظم وصفی ناظم علمی است و بدین سبب در دفاتر و برخود نسخه بنام « یوسف و زلیخای ناظم » ثبت گردیده است و بیت آخر کنونی نسخه اینست:

کمربندیش میراث از پدر بود    که پیشش به‌زیکدریا گهر بود

برگ نخستین نسخه وصّالی گردیده وسرلوح مانندی دارد و برگها با جوهر قرمز جدول کشی شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. قطع خشتی باریك. شمارهٔ برگها ۲۱۰. صفحه‌ای ۱۱ بیت. طول ۲۱ سانتیمتر. عرض $\frac{1}{2}$ ۱۳ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۰۱۵۰۴۵**

## یوسف و زلیخای شعلهٔ گلپایگانی

شاعری **شعله** تخلص که بنابرتصریح مکرر در این کتاب از شعرای شیعی مذهب و بنابر تصریح خود وی از اهالی گلپایگان بوده (ص۲۸ نه):

« بگلزار محبت نغمه خوانم    خوش الحان بلبل گلپایگانم »؛

پس‌ازاینکه چندی لب از گفتار بسته بوده برحسب امر واشارهٔ یاران دوباره طبع وقریحه را بکارانداخته وداستان یوسف ع وزلیخارا بنظم‌آورده وتصریح نموده که در پنجاه و یك سالگی شاعر در چهل روز نظم آن بآخر رسیده و جملهٔ « خم فتنه » را تاریخ انجام آن دانسته بنابر این بسال ۱۱۷۵ انجام یافته ولی یازدهمین بیت پس از این تاریخ سال ۱۱۸۰ را برای انشاء کتاب معین نموده و مناسب چنین می بینم که چند بیت در این موضوع را که از خاتمهٔ کتابست ولی اکنون درص ۲۸۹ـ۲۹۱ نه ، میباشد دراینجابیاورم :

« در ایامی که از طبع گهربار / نمودم ظاهر این درهای شهوار

زمانه پر ز آشوب جهان بود / بفتنه چون خم زلف بتان بود

قلم درراه فکرت پیچ و خم زد / **خم فتنه** بتاریخش رقم زد

بپایان بردن منزل در این راه / رهی طی گشته بود ازعشر پنجاه

بنظم آوردمش با طبع فیروز / ز اول تا بآخر در چهل روز

.............................

بس است ای **شعله** تا کی هرزه‌سوزی / بجان گفتگو آتش فروزی

نمودی آخرالامر از دلیری / بشمشیر زبان اقلیم گیری

ترا چون ملک معنی شد مسلم / مگو دیگر سخن والله اعلم

ز تاریخ او گر بپرسند سخن ؟ / هزار و صد و هشت ده باسمن ؟

بنابر آنچه نقل شد درسال انشاء این کتاب تردیدی است میان سال ۱۱۷۵ و ۱۱۸۰ و چون میدانیم که انشاء یوسف وزلیخای **آذربیگدلی** بنابر تصریح خود وی (۱) بسال ۱۱۷۶ بوده و شعله اورا مقدم برخویش چون جامی وناظم هروی (ص ۳۴و ۳۰ نه) دانسته ، ناچار تاریخ دوم (۱۱۸۰) رابابد ترجیح‌داد و ازاین تاریخ ودوشعر آذردرتاریخ انشاء یوسف وزلیخای خویش معلوم میشود که شاعر دراواخر قرن دوازدهم زندگانی‌میکرده ودرتذکرهٔ آتشکده ، در ذیل معاصرین شاعری **محمد** نام و **شعله** تخلص از اهالی اصفهان نام برده شده وهمین شاعر را هدایت در **ما** (ج ۲ ص۲۶۱) بنقل از آن کتاب معرفی کردم

۱ ـ در نسخهٔ چاپی آتشکدهٔ آذر که بخشی از یوسف و زلیخای مؤلف موجود است ابیات شامل تاریخ آن نگارش نیافته ولی در نسخهٔ خطی این کتابخانه که زیر شمارهٔ ۸۸۶ میباشد این دو بیت موجود است :

پی تاریخ کلکم شد شکرخا / ز صبر یوسف و میل زلیخا

زهجرت‌خامه‌ام‌در کشمکش بود / هزارو یکصدوهفتادوشش بود .

و وفات وی در نسخهٔ چاپی آ ر بسال ۱۲۲۵ و در نسخهٔ خطی شمارهٔ ۸۸۶ (ص ۸۳۰)
و در ها بسال ۱۲۶۰ ضبط گردیده و این اختلاف مؤید است که ثبت تاریخ وفات
از آن مؤلف ( آذر ) نیست ودیگران چنانکه دربسیاری از موارد هم کرده‌اند
این اضافه را نموده وبطلان قول دوم را سال انشاء این کتاب (یوسف وزلیخای
شعله) ثابت میکند و ظاهر اینست که شعلهٔ نام بردهٔ در آر جزصاحب این کتاب
نباشدو از ابیات همین کتاب بدست می آید که درغربت روز گار را میگذرانیده وشاید
بهمین مناسبت اقامت درغیروطن آذر اورا اصفهانی معرفی کرده و گوید از سادات
رفیع الدرجات اصفهانست ودرمراتب حکمت طبعی والا داشت وصحبتش اکثر
اوقات اتفاق افتاده واز فیوضات او مستفیض ودرفن شاعری بنظم قصیده مائل
وبزعم فقیر از متأخرین کسی از سید مشارٌالیه بطریقهٔ اعاظم فصحای متقدمین
آشنا تر نبود چندی بطبابت مشغول می‌بود الخ .

شاعر ( شعله ) پس از بیان تلاقی یوسف و زلیخا ودریدن پیراهن یوسف ع
بعنوان تمثیل داستان اجتماع لیلی ومجنون را در چاه که منظومه ایست بنام
«چاه وصال» وپیداست که از خود این شاعر میباشد وموافق نسخهٔ دیگری که
پیوسته یکی از مجموعات این کتابخانه میباشد دویست وچهل‌وچهار (۲٤٤)بیت
است ، در این کتاب ( ص۲۷۸-۲۸۱ و۳٦۸-۳۷۳ و ۲۹۲ نه ) آورده و
تمام یوسف وزلیخای شعله در حدود پنجهزار (۵۰۰۰) بیت است .

**آغاز :** الهی فیض الهامی عطا کن    دلم را نکته سنج مدعا کن

## ۱۲۰۵

**یوسف و زلیخا** **(شهاب ترشیزی)** این نسخه رابخط نستعلیق دودنگ نصرالله
نام درسنندج نوشته ، مالك پیشین نسخه تاریخ
تولد فرزندان خویش را پشت صفحهٔ نخستین
نگاشته وهمهٔ برگهابا اکلیل وجوهر قرمز جدول کشی گردیده و
مندرجات آن درحدود یکهزاروصد (۱۱۰۰) بیت است .

بالای صفحهٔ نخستین نویسنده‌ای این کتاب را ازجامی دانسته و

مسلماً چنانکه خواهیم گفت اشتباه کرده است.

جلد میشن. کاغذ فرنگی. قطع رحلی بزرگ. شمارهٔ برگها ۶۰. صفحه‌ای ۱۰ بیت. طول ۴۱ $\frac{1}{2}$ سانتیمتر. عرض ۲۹ سانتیمتر. شمارهٔ دفتر **۱۷۸۳۴**.

## یوسف و زلیخای شهاب ترشیزی

**شهاب ترشیزی**، در ص ۳۲۲-۳۲۳ معرفی گردیده و گفته شد که در مقدمهٔ دیوان خویش مؤلفاتی از خود نام برده واز آنها یوسف وزلیخا میباشد نسخهٔ بالاگرچه نویسنده‌ای بالای صفحهٔ نخستین آنرا به **جامی** نسبت داده ولی مسلماً از او نیست و در ص ۱۳ سطر ۳ این بیت را سرایندهٔ این داستان دربرتری خویش ازجامی سروده:

«نه زین فکرم غرض تقلید **جامی** است    وگرآن رتبه‌جویم عین‌خامی‌است»

فقط در ص ۹ و ۴۲ تخلص شهاب را یافته‌ام وآن اینست:

«شهاب آهسته ران دست قلم را    مفرسا اندرین وادی قلم را».

«شهاب این قصه را برجای بگذار    حدیث یوسف ویعقوب بردار».

شهاب در این داستان پس از حمد وثناء آلهی و نعت حضرت رسول ص‌ع ومعراج آنحضرت به منقبت حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب‌ع پرداخته وپس ازآن خسروخان نامی‌را که حاکم مقتدر وپاشازاده وشاهی بوده، مدح کرده و کتاب را بدو تقدیم داشته واین چند بیت را از مقدمه کتاب که درمدح‌اوست برای نشان دادن طرز فکر وقریحهٔ **شهاب** در اینجا می‌آوریم:

چو این گوهر زبحر جان برآمد    زغوّاصان دهر افغان برآمد
گهر سنجان در او حیران بماندند    زجان ودل براو احسنت خواندند
نظر کردم بهر پست و بلندی    ندیدم از بزرگان ارجمندی
که داند قدر این تابنده گوهر    شناسد گل زخار و آهن از زر
مگر دارای دوران خان اعظم    که هست ازوصف جاهش‌خامه‌ابکم
درخشان مهر اوج شهریاری    فروزان شمع بزم کامگاری
جهان عدل **خسروخان** که افلاک    به پیش همتش پستند چون خاک
بزرگی کاسمان با اخترانش    شمارد خویش را از چاکرانش
جبل با آن همه قدر و بلندی    کند در مجمر بزمش سپندی
برق تیغ او اضداد مقهور    ز رای روشنش آفاق پرنور».

این شاعر پس از اینکه زلیخا را بمصر آورد ، داستان اورا همانجا گذارد و داستان یوسف و یعقوب‌ع را برداشت و کار را بآخر رسانیده باین معنی که یوسف وزلیخا را بجایگاه ابدی آنها برده وداستان را تمام کرده است و همهٔ این داستان در حدود یکهزار وصد (۱۱۰۰) بیت میباشد .

## تکمیل

بتخلص شهاب جزترشیزی سه نفر را می شناسیم شهاب اصفهانی ، محمد طاهر نام و نیز شهاب اصفهانی نصرالله نام و شهاب لرستانی‌که نیز نصرالله نام داشته و هر سه در قرن سیزدهم هجری زندگانی میکرده اند ولی هیچ قرینه ای نیافتم‌که این‌کتاب از یکی از این سه شاعر باشد و در شرح حال آنها نسبت چنین‌کتابی به آنها داده نشده بنابر این و اینکه بنابر تصریح در مقدمهٔ دیوان شهاب ترشیزی ، وی یوسف وزلیخائی داشته این مؤلفه را باو نسبت دادم .

**آغاز :** بنام آنکه این دیوان دلکش شد از پرکار تقدیرش منقش .

**انجام:** خروش وناله از ایام برخاست فغان ازجان خاص وعام برخاست .

## (۱۰۱۱) (۱)

**منتخب رمز الریاحین**

این نسخه پیوسته « دیوان صالح تبریزی » است که در ص ۳۳۰ ــ ۳۳۲ معرفی گردید وبنابر تصریح در آخر آن بسال ۱۱٤٤ نگارش یافته و در حدود هفتصد وپنجاه (۷۵۰) بیت میباشد .

خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۳۳۰ ــ ۳۳۱ یاد کرده ایم

## منتخب رمز الریاحین

رمزی تخلص شاعریست کاشانی که معاصر مؤلف قصص الخاقان مؤلفهٔ بسال ۱۰۷۳ـ۱۰۷۷ و نصر آبادی مؤلف تذکره شعرا بوده و این هر دو مورخ در کتاب خویش بمعرفی وی پرداخته و از اشعار او ابیاتی انتخاب و او را نیز

(۱) بایستی این کتاب را پیش از منطق العشاق معرفی کنم ولی غفلت شد وفرمهای فهرست چاپ گردید ، ناچار دراینجا گذارده شد .

ستوده‌اند، صاحب قصص نام‌اورا **هادی** و پدرش را میرزا حبیب و نسبت‌اورا منتهی به ابن‌بابویه قمی میداند و گویداینك ابیات مدون او که سن شریفش از سی‌متجاوز است ازدوازده هزار بیت بیشتر میباشد و دومثنوی از وی بیادگار ماند، یکی بنام «رمزالحقائق» ودیگری «رمزالریاحین» نزدیك‌بچهارهزار بیت و نیز گوید آن دو را دیده است.

نصرآبادی‌نام‌رمزی‌را محمدهادی ثبت نموده و گوید: «در کمال‌درویشی و نامرادیست طبعش نهایت قدرت دارد چنانکه هیچ لطیفه و مثلی‌درعالم‌نیست که او موزون نکرده باشد، چراکه هیچ مثالی مذکور نمیشودکه از شعرخود دلیلی نمیخواند در فن نقاشی و چوب تراشی هم مانند ندارد و مدتی‌قبل‌ازاین در خدمت مرتضی قلیخان حاکم اردبیل بود در وقتیکه قورچی باشی بودبعد از آن دست ازملازمت برداشته، دراصفهان بحال وکار خود میباشد، نهایت خاموشی و آرامی دارد الخ».

بنابر آنچه از «قصص‌الخاقان» استفاده شده تولد **رمزی** در حدودسال ۱۰۴۰ بوده و از بیانات نصرآبادی معلوم شدکه در هنگام تألیف تذکرهٔوی (۱۰۸۱-۱۰۹۲) دراصفهان زندگانی‌مینموده ومؤلف سفینهٔ خوشگوبمعرفی رمزی‌بنقل ازنصرآبادی با تغییر وتصحیفی‌درآن مبادرت‌نموده‌ودرآتشکدهٔآذر مختصری در بارهٔ رمزی در ذیل شعرای کاشان (ص۲۴۸)آورده شده است:

**رمزالریاحین** چنانکه ازاین منتخب‌آن بدست می‌آید درزمان شاه عباس ثانی‌انشاوبدین پادشاه تقدیم گردیده و گذشته ازمثنوی شامل‌غزلیات وقطعه هائی نیزمیباشد وشاعرطرح زیبائی در این کتاب ریخته وپس ازتوحید و ثناء پیغمبر اکرم ص ع و نعت حضرت مولی الموالی ومدح پادشاه، باغ هزارجریب نورا تعریف‌نموده ویك یك ازگلهای‌آنرا نام برده وهریکی‌پس ازاینکه مصائب گل پیشین را بیان نمود بمدح وثناء خویش می پردازد و ازنرگس شروع کرده و بگل سرخ خاتمه یافته است.

ازعبارات قصص‌الخاقان بدست آمدکه در مثنوی رمزی هر دو چهارهزار بیت میباشد واین منتخب درحدود هفتصد و پنجاه (۷۵۰) بیت میباشد و بدین دوبیت آغاز و انجام شده است.

**آغاز:** بشهد شکرو شکر خداوند زبان چون مغز بادامست در قند.

**انجام:** نهال عیش و عمرش باد خرم نباشد بی می و معشوق یکدم.

**برای نشان دادن طرز فکر وقریحه شاعر، نمونه‌ائی از ابیات این منتخب را در اینجا می‌آوریم:**

## گفتگوی زنبق سفید درمذمت گل یاس:

هنوز از یاس با گلها سخن بود — سخن در پردهٔ راز کهن بود
که زنبق را دماغ آشفته دیدم — ازو این تازه دعوی می‌شنیدم
که ای کجرو بگو این لاف تا کی — چنین خودبین و ناانصاف تا کی
تو در گلزار از بس ناتوانی — همیشه بار دوش دیگرانی
کسی کان بار دوش دیگرانست — همیشه خار در چشم جهانست
عبث خود را کشی زین کو ببالا — کنی خود را بچشم جمله رسوا
بدوش نونهالان زان برائی — که بر گلها نمائی خود نمائی
نباشد خود نمائی از تو زیبا — که کردی ازحقارت گاه پیدا.

## گفتگوی زنبق سفید در تعریف خویش:

مرا زی بنده باشد خود نمائی — که دارد رنگ و بوی من رسائی
بگلزاری که هستم رو نماید — بهار از هرطرف شیدا برآید
ز بویم نوبهار آشفته باشد — ز دلها گرد کلفت رفته باشد
بحمدالله که دائم رو سفیدم — درین گلزار با بخت سعیدم
چه من نازك تنی روشن‌سرشتی — نباشد در کنار تازه کشتی
منم با دیدهٔ بیدار خفته — دماغ از بوی یار خود شکفته
گریبان چاکیم از بهر آنست — که در پیراهنم شوری نهانست
ز رعنائی چو نخل قامت تست — صفا رخسارم از آب گهرشست
مرا خندیدن شیرین از آنست — که دایم زعفرانم در دهانست
ز صهبای لطافت تر دماغم — پر است از بادهٔ معنی ایاغم
کدامین گل شود با من برابر — کهدارم بوی‌خوش‌چون‌عنبرتر.

---

سپاس مرخداوندرا که توفیق داد پس ازسه سال واندی که برای تهیه فهرست این کتابخانه رنج فراوان برده امروز که یکشنبهٔ دوازدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و بیست خورشیدی و برابر نهم ماه رجب سال یکهزار و سیصد وشصت هجری قمری میباشد تألیف وچاپ این مجلّد آن انجام پذیرفت؛ امیداست که مورد نظر و توجه دانشمندان گردد.

تهران — ابن یوسف شیرازی ضیاء الدین — حدائق

جاهائی که از آنها معرفی بیشتری گردیده با حروف سیاه نوشته شده و این فهرست و سه فهرست دیگر را دوست دانشمند نگارنده آقای حاج میرزا عبدالله ثقة‌الاسلامی تبریزی تهیه وتنظیم کرده اند .

# فهرست اماکن



کتابهائیکه در این مجلّد از فهرست بمناسبت یا در ذیل شرح حال دانشمندانیکه مؤلفه‌ای از آنان در این جلد معرّفی شده، نام برده‌ایم بترتیب حروف تهجی در اینجا گذارده میشود.

## فهرست کتب متفرقه

پایان

درفهرست اعلام رموزی بکاربرده شده که ناچار ازبیان میباشیم :

۱ ـ آنکس که نام وی ممتاز از دیگران نوشته شده یك یاچند مؤلفه‌ازاو دراین فهرست معرفی گردیده است.

۲ ـ شماره های صفحات که در این نشانه [ ] گذارده شده میرساند که در این صفحه ها شرح حال این دانشمند نگارش یافته ومؤلفه ای از او معرفی گردیده و شماره هائی که در این نشانه ( ) باشد میرساند که مؤلفهٔ دیگری ازآن مؤلف در این صفحه میباشد وبنا براین چون درفهرست اعلام نگاه کنیم ، توانیم دانست که ازهر کس چند مؤلفه در این فهرست معرفی شده است .

۳ ـ چون کسی را مختصر معرفی درفهرست کرده باشیم نام اورا بطرز اشخاص عادی نوشته ولی شمارهٔ صفحه ایکه در آن معرفی از وی شده ممتاز از دیگر شماره هاست.

۴ ـ آنانکه شیوه آنها نویسندگی و کتابت نسخ بوده پس ازنام آنهابافاصلهٔ مختصری حرف( ک)گذارده شده و کسی اگرنویسنده و کاتب نباشد ولی در یکی از صفحه های فهرست تذکر داده باشیم که خط او برآن نسخه و یاتمام نسخه‌ای بخط اوست پس ازشمارهٔ آن صفحه نیز حرف( ک) گذارده شده‌است .

۵ ـ چون یکی ازنام‌بردگان دراین‌فهرست دارای لقب و کنیه و نام و شهرت باشد ، شهرت را اصل قرار داده و بدیگران حواله کرده ایم ودر بیشتر ازموارد شمارهٔ صفحات را در مقابل هریك از لقب ، نام ، کنیه وشهرت تکرار کرده‌ایم .

۶ ـ چون پیش‌ازشماره ای‌حرف( ح ) گذارده باشیم‌میرساند که نام صاحب عنوان درحاشیهٔ صفحهٔ نام برده است .

# فهرست اعلام

## الف

## ب

## پ



## ت

## ج

## ز

# ع

## غ

## ق

***

# فهرست کتب

کتابهائیکه دراین جلد فهرست از آنان معرفی گردیده بترتیب در اینجا آورده میشوند و چون نام کتابی ممتاز از دیگران نگارش یافته باشد نشانهٔ آنست که موضوع آن جز آنست که در این مجلد از فهرست معرفی گردیده و نسخهٔ آن پیوستهٔ یکی از کتابهای کتابخانه میباشد که از کتب یکی از فصلهای این فهرست است.

شمارهٔ صفحاتیکه درمقابل نام کتابهاست و در این نشانه « » گذارده شده میرساند که در این صفحات معرفی کامل از آن کتاب گردیده و درصفحه‌هائیکه بدینگونه نیست فقط نامی از آن کتاب بمناسبت آورده شده است.

پس از نام کتابی چون نام دیگری در پرانتز گذارده شده باشد میرساند که آن کتاب نام‌برده زیرعنوان دوم که در پرانتز میباشد معرّفی گردیده است.

## الف

## ب

## ث



## ج

## د

## ص



## ض



## ط



## ع



## ف

## ق

ن



و



ه



باز هم سپاس و ستایش خداوند را که امروز از ترتیب و چاپ فهرست های چهارگانهٔ این جلد از فهرست رهائی یافتم و کار بانجام رسید، موقع را مناسب دیدم که بدینوسیله از رئیس محترم چاپخانه مجلس آقای عبدالحمید مشایخ و آقای محمدمطیّر مسئول حروفچینی چاپخانهٔ مجلس که در مدت جریان چاپ از هر گونه کومك و راهنمائی کوتاهی نکرده و تا حدّی صحت و زیبائی کتاب در اثر زحمات ایشان میباشد، سپاسگزاری واز کارمندان حروفچینی که وظائف خود را بخوبی انجام میدادند تشکر نمایم.

تهران ـ سه شنبه ٦ آبان ماه ۱۳۲۰ = ۷ شوال ۱۳٦۰

ابن یوسف شیرازی